القرآن الكريم
وترجمة معانيه إلى
اللغة الفارسية

Translation of the Meanings of

THE NOBLE QURAN

in the Farsi Language

القرآن الكريم
وترجمة معانيه إلى
اللغة الفارسية
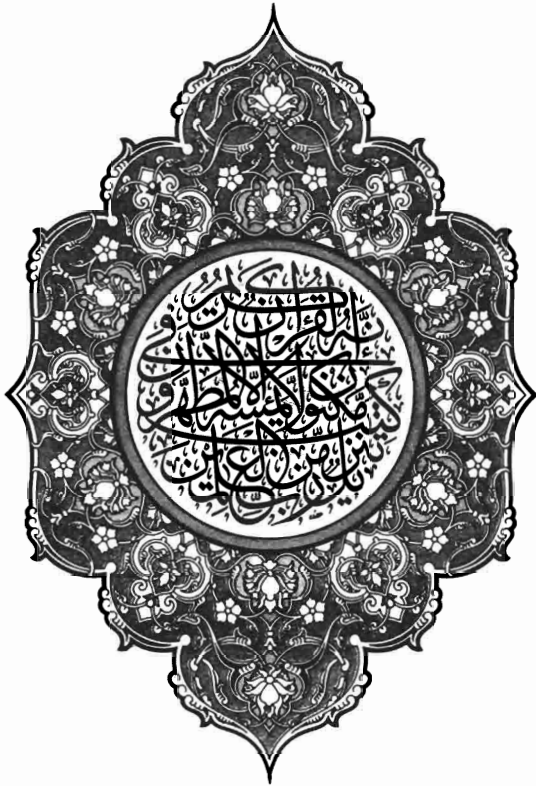
مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف

چاپخانهٔ قرآن کریم مجمع ملک فهد

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمة

بقلم معالي الدكتور : عبدالله بن عبدالمحسن التركي
وزير الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد
المشرف العام على المجمع

الحمد لله رب العالمين ، القائل في كتابه الكريم :

﴿ ... قَدْ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ نُورٌ وَكِتَـٰبٌ مُّبِينٌ ﴾ .

والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين ، نبينا محمد ، القائل :

((خيركم من تعلم القرآن وعلّمه)) .

أما بعد :

فإنفاذاً لتوجيهات خادم الحرمين الشريفين، الملك فهد بن عبدالعزيز آل سعود ، حفظه الله، بالعناية بكتاب الله، والعمل على تيسير نشره، وتوزيعه بين المسلمين، في مشارق الأرض ومغاربها، وتفسيره، وترجمة معانيه إلى مختلف لغات العالم .

وإيماناً من وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد بالمملكة العربية السعودية، بأهمية ترجمة معاني القرآن الكريم، إلى جميع لغات العالم المهمة، تسهيلاً لفهمه على المسلمين الناطقين بغير العربية، وتحقيقاً للبلاغ، المأمور به في قوله ﷺ : ((بلّغوا عنّي ولو آية)) .

وخدمة لإخواننا الناطقين باللغة الفارسية، يطيب لمجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف بالمدينة المنورة، أن يقدم للقارئ الكريم هذه الترجمة الفارسية، التي قام بها الشيخ الشاه ولي الله الدهلوي. وراجعها من قبل المجمع فضيلة الشيخين د./ عبدالغفور عبدالحق البلوشي، ومحمد علي داري .

ونحمد الله سبحانه وتعالى، أن وفق لإنجاز هذا العمل العظيم، الذي نرجو أن يكون خالصاً لوجهه الكريم، وأن ينفع به المسلمين .

إننا لندرك أن ترجمة معاني القرآن الكريم، مهما بلغت دقتها، فإنها ستكون قاصرة عن أداء المعاني العظيمة التي يحويها النص القرآني المعجز، وأن المعاني التي تؤديها الترجمة إنما هي حصيلة ما بلغه علم المترجم في فهم كتاب الله الكريم، وأنه يعتريها ما يعتري عمل البشر كلّه من خطأ ونقص.

ومن ثم نرجو من كل قارئ لهذه الترجمة أن يوافي مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف بالمدينة النبوية، بما قد يجده فيها من خطأ أو نقص أو زيادة، للاستفادة من هذه الملاحظات في الطبعات القادمة إن شاء الله .

والله الموفق، وهو الهادي إلى سواء السبيل .

بسم الله الرحمن الرحيم

پیش گفتار ،

نوشته عالیمقام دکتر عبدالله بن عبدالمحسن الترکی .

وزیر امور اسلامی واوقاف و دعوت وارشاد

سرپرست عمومی مجمع (چاپ و ترجمه قرآن کریم) .

حمدو ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است که درکتاب خود فرموده است ،
﴿ ... قَدْ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ نُورٌ وَكِتَٰبٌ مُّبِينٌ ﴾ به تحقیق که آمد شمارا ازطرف خداوند نوری و کتاب روشن بیان و درودسلام بر أشرف انبیاء پیامبر مان محمد (ﷺ) که فرمودند :
" خیرکم من تعلّم القرآن و علّمه " بهترین شماکسی است که قرآن را بیآموزد وبه دیگران آموزش دهد ، أما بعد :

برای تحقق رهنمودهای خادم حرمین شریفین شاه فهد بن عبدالعزیز آل سعود ـ حفظه الله .
دراهتمام راجع بقرآن کریم و چاپ و نشرآن و تقسیمش بین مسلمانان دراقصی نقاط جهان و همچنین ترجمه و تفسیر معانی آن به زبانهای مختلف جهان ، .

وبنابر اعتقاد وزارت أمور اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد مملکت عربستان سعودی دراهمیت ترجمه معانی قرآن کریم به تمامی زبانهای مهم جهان و تسهیل فهم آن برای مسلمان غیر عرب زبان و تحقق مصداق رهنمودپیامبرگرامی اسلام ـ ﷺ ـ که فرمودند (بلغواعنی ولو آية) ابلاغ کنید ازمن حتی یك آیه .

و برای خدمت برادران فارسی زبانمان باعث مسرّت است که این ترجمه فارسی را تقدیم خوانندگان فارسی زبان کنیم که بوسیلهٔ شیخ شاه ولی الله دهلوی ترجمه ، وباز بيني و بررسی مجدد ازجهت مجمع توسط د/ عبدالغفور عبدالحق بلوچ و شیخ محمد علی داری شده است .

شکر و سپاس خدارا داریم که توفیق این کار بزرگ راعطا فرمود ، وامیدواریم که خالص برای رضای خداباشد و باعث منفعت مسلمانان قرارگیرد .

والبته ماخوب درک می کنیم که ترجمه معانی قرآن کریم هر چند که دقیق باشد فراگیرندهٔ مفهوم اصلی معانی وسیع نصوص پراعجاز قرآن نخواهد بود، وأما معانی ایکه ترجمه دربر دارد خلاصه ای ازرسائی علم مترجم درفهم قرآن کریم است .

و دربرگیرندهٔ نقص و اشتباهاتی خواهد بود که عموم بشر ازآن مصون نیست .

پس بنابراین ازتمامی خوانندگان محترم این ترجمه خواهشمندیم درصورت مشاهدهٔ هرگونه اشتباهاتی ازقبیل کمی و بیشی وغیره لطفا آنرا به مجمع ملك فهد برای چاپ قرآن کریم در مدینه منوره ارسال نموده تاکه درچاپهای آینده از ملاحظات شما استفاده گردد إن شاء الله تعالی .

والله الموفق و الهادی إلی سواء السبيل ،

خدااست توفیق دهنده و اوست راهنمابه راه راست ،

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١﴾

الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿٢﴾

مٰلِكِ يَوْمِ الدِّيْنِ ﴿٣﴾

اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ ﴿٤﴾

اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ ﴿٥﴾

صِرَاطَ الَّذِيْنَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ﴿٦﴾

غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّآلِّيْنَ ﴿٧﴾

سوره فاتحه مکی وآن هفت آیات ست

بنام خدای بخشاینده مهربان .

ستائش برای خدای است پروردگار عالمها ☆ [۱] (۱)

بخشاینده مهربان (۲) .

خداوند روزِجزا (۳) .

(تنها) ترا می پرستیم و(تنها)ازتو مدد می‌طلبیم (٤) .

بنما مارا راه راست (٥) .

راه آنانکه اکرام کرده ای برایشان (٦) .

نه راه آنانکه خشم‌گرفته شد برآنها و نه راه گمراهان[۲] (۷) .

(☆) توضیح : ستائش خداوندی راسزاست که پروردگار جهانیان است .

(۱) مترجم‌گوید یعنی عالم انس و عالم جن و عالم ملائکه و علیٰ هذالقیاس فتح الرحمٰن .

(۲) مترجم‌گوید مراداز آنانکه اکرام کرده شد برآنها چهار فرقه اند نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین ومراد ازآنانکه خشم‌گرفته شد برآنها یهود اندوازگمراهان نصاری، آمین قبول کن دعای مارا فتح الرحمٰن .

سُورَةُ البَقَرَة

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الٓمّٓ ﴿١﴾

ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ ۛ فِيْهِ ۛ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ ﴿٢﴾

الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ﴿٣﴾

وَالَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِمَآ اُنْزِلَ اِلَيْكَ وَمَآ اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ۚ وَبِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُوْنَ ﴿٤﴾

اُولٰٓئِكَ عَلٰى هُدًى مِّنْ رَّبِّهِمْ ۙ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿٥﴾

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ ءَاَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿٦﴾

خَتَمَ اللهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ وَعَلٰى سَمْعِهِمْ ۚ وَعَلٰٓى اَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ ۡ وَّلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿٧﴾

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّقُوْلُ اٰمَنَّا بِاللهِ وَبِالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِيْنَ ﴿٨﴾

يُخٰدِعُوْنَ اللهَ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۚ وَمَا يَخْدَعُوْنَ اِلَّآ اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُوْنَ ﴿٩﴾

سوره بقره مدنی است و آن دوصد و هشتادو شش آیات وچهل رکوع ست

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓمّٓ (١) .

این کتاب هیچ شبهه نیست درآن رهنماست پرهیزگاران را (٢) .

آنانکه ایمان می آرند به نادیده و برپامی دارند نمازرا وازآنچه ایشان را روزی داده ایم خرج می کنند (٣) .

وآنانکه ایمان می آرند بآنچه فرودآورده شده بسوی تو وآنچه فرود آورده شده پیش ازتو و بآخرت ایشان یقین دارند (٤) .

ایشانند برهدایت ازجانب پروردگار خویش و ایشانند رستگاران (٥) .

هرآئینه آنانکه کافرشدند برابراست برایشان که بترسانی ایشان را یا نه ترسانی ایشان را ایمان نیارند (٦) .

مهرنهاد خدا بر دلهای ایشان وبرشنوائی ایشان ـ وبرچشمهای ایشان پرده ایست و ایشان راست عذاب بزرگ (٧) .

وازمردمان کسی هست که می‌گوید ایمان آوردیم بخدا و بروز بازپسین ونیستند ایشان مومنان (٨) .

فریب می دهند خدا را و مومنان را و بحقیقت نمی فریبند مگر خودرا و نمی فهمند (٩) .

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿١٠﴾

در دلهای ایشان بیماری ست پس افزون داد بایشان خدا بیماری وایشان راست عـذاب درد دهنـده ببسبب آنکـه دروغ می گفتند (١٠) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾

وچون گفته شود ایشان را تباه کاری مکنید درزمین، گویند جزاین نیست که مااصلاح کاریم (١١) .

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِنْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾

آگاه شو به تحقیق ایشانند تباه کاران ولیکن آگاه نمی شوند (١٢) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ ۗ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَٰكِنْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾

وچون گفته شود ایشان را که ایمان آرید چنانکه ایمان آوردند مردمان، گویند آیا ایمـان آریـم چنـانچـه ایمـان آوردنـد بیخردان؟ آگاه شوبتحقیق ایشانند بی خردان ولیکن نمی دانند(١٣) .

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ ﴿١٤﴾

ووقتیکه ملاقات می کنند بااهلِ ایمان گویند ایمان آورده ایم و چون تنها شوند بـاشیـاطین خـود[1] گـوینـد هـر آئینـه ماباشمائیم جزایـن نیسـت که ماتمسخر می کنیم(١٤) .

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٥﴾

خدا تمسخرمی کند به ایشان و مهلت میدهد ایشان را در گمراهی خویش سرگشته شده(١٥) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٦﴾

ایشان آنکسانند که خریدند گمراهی را عوضِ هدایت پس سود نیافت تجارت ایشان و راه یاب نشدند (١٦) .

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ

داستانِ ایشان مانند داستانِ کسی ست که

---

(١) یعنی رئیسانِ خود .

ذَهَبَ اللّٰهُ بِنُوْرِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِيْ ظُلُمٰتٍ لَّا يُبْصِرُوْنَ ﴿١٧﴾

افروخت آتش را پس چون روشن کرد آتش دوربر اورا دورساخت خدا نوراين گروه را و بگذاشت ايشان را درتاريکی ها هيچ نه بينند(١٧) .

صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُوْنَ ﴿١٨﴾

کرانند گنگانند کورانند پس ايشان بازنمی گردند[١] (١٨) .

اَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَآءِ فِيْهِ ظُلُمٰتٌ وَّرَعْدٌ وَّبَرْقٌ ۚ يَجْعَلُوْنَ اَصَابِعَهُمْ فِيْۤ اٰذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ ۚ وَاللّٰهُ مُحِيْطٌۢ بِالْكٰفِرِيْنَ ﴿١٩﴾

يا داستان ايشان مانند باران تنداست آمده از آسمان که باشد دروی تاريکی ها ورعد و برق درمی آرند انگشتانِ خودرا در گوشهای خود بسبب آواز های پُرهول از ترسِ مرگ، وخدااحاطه کننده است کافرانَ را (١٩) .

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ اَبْصَارَهُمْ ۚ كُلَّمَاۤ اَضَآءَ لَهُمْ مَّشَوْا فِيْهِ ۙ وَاِذَاۤ اَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوْا ۚ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَاَبْصَارِهِمْ ۚ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٢٠﴾

نزديك ست که برق بُربايد چشمهای ايشان را، هرگاه روشنی دهد برق ايشان را راه روند درآن روشنی و چون تاريکی دهد برايشان بايستند واگر خدامی خواست هر آئينه می‌برد شنوائی ايشان را وديده های ايشان را هر آئينه خدا برهمه چيز تواناست[٢] (٢٠) .

يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوْا رَبَّكُمُ الَّذِيْ خَلَقَكُمْ وَالَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿٢١﴾

ای مردمان بپرستيد پروردگار خويش را آنکه آفريدشمارا وکسانی را که پيش

---

(١) مترجم گويد که حاصل مثل آنست که اعمال منافقان همه نابود شود چنانکه روشنی آن جماعت دورشد .

(٢) مترجم گويد که حاصل مثل آن ست که منافقان درظلمات نفسانی افتاده اند وچون مواعظه بليغه شنوند فی الجمله ايشان را تنبيهی می شودوآن فائده نکند مانند مسافران که درشبِ تاريك و ابرحيران باشند ودربرق دوسه قدم بروند وبازايستند والله اعلم .

ازشمابوده اند تادرپناه شوید[۱] (۲۱) .

الذي جعل لكم الأرض فراشا والسماء بناء وأنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت رزقا لكم فلا تجعلوا لله أندادا وأنتم تعلمون ﴿٢٢﴾

آنکه ساخت برای شما زمین را بساطی و آسمان را سقفی و فرود آورد ازآسمان آب پس بیرون آورد بسبب وی ازانواع میوه ها روزی برای شما پس مقرر مکنید همتایان برای خدا درحالیکه شمامیدانید (۲۲) .

وإن كنتم في ريب مما نزلنا على عبدنا فأتوا بسورة من مثله وادعوا شهداءكم من دون الله إن كنتم صدقين ﴿٢٣﴾

واگر هستید درشبهه ازآنچه فرود آوردیم بربندهٔ خود (یعنی ازقرآن) پس بیاریدیك سوره مانندآن وبخوانید مددگاران خودرا بغیراز خدا اگر هستید راست گو (۲۳) .

فإن لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار التي وقودها الناس والحجارة أعدت للكفرين ﴿٢٤﴾

پس اگرنکردید والبته نتوانید کردن پس حذرکنید ازآن آتشی که آتش انگیز وی[۲] مردمان وسنگهاباشند آماده کرده شده است برای کافران (۲٤) .

وبشر الذين ءامنوا وعملوا الصلحت أن لهم جنت تجري من تحتها الأنهر كلما رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا الذي رزقنا من قبل وأتوا به متشبها ولهم فيها أزوج مطهرة وهم فيها خلدون ﴿٢٥﴾

وبشارت ده آنکسان را که ایمان آورده اند وکردند کارهای شائسته بآنکه ایشان راست بوستانها میرود زیرِآن جویهاهر گاه داده شوند ازآنجاروزی ازقسم میوه، گویند این هما نست که داده شده بودیم پیش ازین وآورده شود بایشان آنروزی مانند یکدیگر[۳] وایشان راست درآنجازنان پاك کرده شده وایشان درآنجاجاویدند (۲۵) .

---

(۱) تاپرهیزگارشوید .

(۲) یعنی هیزمهای وی .

(۳) یعنی غبارِفقد ان مرغوب هیچ ساعت بخاطرایشان نه نشیند والله اعلم .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾

هر آئینه خدا شرم نمیکندازآنکه بزند مثال پشه وبالاترازآن ، اماآنانکه ایمان آورده اند میدانند که این مثال راست است از پروردگار ایشان واماآنانکه کافرند می گویند چه چیزخواسته است خدا باین مثال خدا گمراه میکند بسبب وی بسیاری را و هدایت میکند بسبب وی بسیاری را و گمراه نمی کند به آن مگربدکاران را (٢٦).

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٢٧﴾

(آن فاسقان)[1] که می شکنند پیمان خدارا بعد بستن آن ومی بُرند آنچه خدافرموده است بپیوستن آن وفساد می‌کنند در زمین ایشانند زیَان کاران (٢٧).

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾

چگونه کافرشوید بخدا وحال آنکه بودید بی جان پس زنده گردانیدشمارا، بعدازآن بمیراندشمارا باززنده گرداندشمارا بازبسوی وی باز گردانیده شوید (٢٨) .

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٩﴾

وی آنست که بیافریدبرای شما هر چه در زمین ست همه را بازمتوجه شد به سوی آسمان پس ساخت آن راهفت آسمان واو به همه چیز داناست (٢٩) .

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ

ویادکن چون گفت پروردگارتوبه فرشتگان که من آفریننده ام درزمین جانشینی را گفتندآیا می آفرینی درزمین

---

(١) کافران چون ذکر پشّه وعنکبوت در قرآن شنیدند طعن کردند و گفتند که خدای تعالی بذکراین چیزهای خسیس چه اراده کرده است این آیت نازل شد والله اعلم .

بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّيٓ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾

کسی را که فساد کند دروی وخونریزی کند وما تسبیح می گوئیم بحمدتوبه پاکی اقرارمی کنیم برای تو۔ فرمود هر آئینه من میدانم آنچه شما نمی دانید (٣٠) .

وَعَلَّمَ ءَادَمَ ٱلْأَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنۢبِـُٔونِي بِأَسْمَآءِ هَٰٓؤُلَآءِ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٣١﴾

وبیاموخت خدا آدم را نامهای همه مخلوقات باز عرضه کرد آن چیزهارا برفرشتگان پس گفت خبردهید مرا بنام های این چیزها اگرشماراست گوهستید (٣١) .

قَالُوا۟ سُبْحَٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَآ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٣٢﴾

گفتند به پاکی یاد می کنیم ترا هیچ دانش نیست مارا مگر آنچه توآموختی بما هر آئینه توئی دانای باحکمت (٣٢) .

قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ أَنۢبِئْهُم بِأَسْمَآئِهِمْ فَلَمَّآ أَنۢبَأَهُم بِأَسْمَآئِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّيٓ أَعْلَمُ غَيْبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٣﴾

فرمود ای آدم خبرده فرشتگان را بنام های این ها، پس چون خبرداد ایشان را به نام های این ها فرمود آیانه گفته بودم شمارا که هر آئینه من میدانم پنهان آسمان ها وزمین را ومیدانم آنچه آشکارا می کنید و آنچه پوشیده می داشتید (٣٣) .

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ ٱسْجُدُوا۟ لِءَادَمَ فَسَجَدُوٓا۟ إِلَّآ إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَٱسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٣٤﴾

وچون گفتیم به فرشتگان سجده کنید آدم را، پس سجده کردند مگرابلیس قبول نکرد وسرکشی نمود وگشت ازکافران (٣٤) .

وَقُلْنَا يَٰٓـَٔادَمُ ٱسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ ٱلْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٣٥﴾

وگفتیم ای آدم بمان تو و زنِ تو دربهشت وبخورید ازبهشت خوردن بسیار هرجاکه خواهید ونزدیك مشوید باین درخت که خواهیدشد ازستمگاران (٣٥) .

فَأَزَلَّهُمَا ٱلشَّيْطَٰنُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا

پس بلغزانید هردورا شیطان ازآنجاپس برآورد ایشان را ازآن نعمتهاکه بودنددرآن

اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۚ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٣٦﴾

وفرموديم فروداًئيد بعضِ شمادشمن باشدبعضى راوشماراهست در زمين آرامگاه وبهره مندى تامدتى (٣٦) .

فَتَلَقَّىٰ آدَمُ مِن رَّبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾

پس فرا گرفت آدم ازپروردگار خود سخنى چند پس قبول كردخداوندتوبه اورا بمهربانى خود، بيشك اوتوبه قبول كنندۀ مهربانست[1] (٣٧) .

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا ۖ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٨﴾

فرموديم فروداًئيد از آنجاهمه شما پس اگر بيايد به شما ازمن هدايتى پس هركه پيروى كرد هدايتِ مرا هيچ ترس نيست برآن جماعت ونه ايشان اندوه خورند (٣٨) .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٩﴾

وكسانيكه كفرورزيدند وتكذيب كردند آياتهاى ماراايشان اند باشندگانِ دوزخ، ايشان درآنجاجاويدند (٣٩) .

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ﴿٤٠﴾

اى[2] فرزندان يعقوب يادكنيد آن نعمت مراكه ارزانى داشتم برشما ووفاكنيد به پيمان من تاوفاكنم پيمان شمارا وتنها ازمن بترسيد (٤٠) .

وَآمِنُوا بِمَا أَنزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ ۖ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ ﴿٤١﴾

وايمان آريد بآنچه فرود آورده ام درحاليكه باور كننده آنچه باشماست ومباشيد نخستين منكراو ومستانيدعوض آيتهاى من بهاى اندك را تنهاازمن بترسيد (٤١) .

---

(١) وآن كلمات اين ست رَبَّنَا ظَلَمنَا انفُسَنَا وَ اِن لَم تَغفِرلَنَا وَتَرحَمنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الخٰسرينَ والله اعلم .

(٢) مترَجم گويد خداى تعالى بنى اسرائيل رانعمتهاى خود ياد آورى ومعجزه هائىكه درين قوم ظاهرشده بودذكر فرمود آنگاه شبهات وهفوات ايشان را ردكرد بدلائل واين قصه ممتداست تاقوله تعالى وَاِذِابتَلَى اِبراهِيمَ رَبُّهُ .

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾

وخلط مکنید راست را باناراست وپنهان مکنید راست را درحالیکه شمامیدانید، (٤٢) .

وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرّٰكِعِينَ ﴿٤٣﴾

وبرپادارید نمازرا وبدهید زکوٰة را ونماز گذارید بانماز گذارند گان (٤٣) .

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتٰبَ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾

آیامی فرمائید مردمان را به نیکوکاری و فراموش میکنید خویشتن را و شما می‌خوانید کتاب (یعنی تورات) راآیا نمی فهمید (٤٤) .

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ ۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخٰشِعِينَ ﴿٤٥﴾

ومددطلبید[1] به شکیبائی ونماز۔ وهرآئینه نماز دشوار ست مگربرفروتنان (٤٥) .

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلٰقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رٰجِعُونَ ﴿٤٦﴾

آنانکه میدانند که ایشان ملاقات خواهند کرد باپروردگار خویش و آنکه ایشان بسوی وی بازخواهندگشت (٤٦) .

يٰبَنِيٓ إِسْرٰٓءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِيٓ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعٰلَمِينَ ﴿٤٧﴾

ای فرزندان یعقوب یادکنید آن نعمت مرا که ارزانی داشته ام برشما وآنکه فضل دادم شمارا برهمه عالم ها[2] (٤٧) .

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْـًٔا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفٰعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٤٨﴾

وحذرکنید ازآن روزکه کفایت نه کند هیچکس ازکس چیزی را و پذیرفته نه شود ازهیچ کس شفاعت و گرفته نشود ازهیچ کسی عوض ونه ایشان یاری داده شوند (٤٨) .

وَإِذْ نَجَّيْنٰكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوٓءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَآءَكُمْ ۚ وَفِي ذٰلِكُمْ بَلَآءٌ مِنْ

(یاد کنید نعمت من) آنوقت که رهانیدیم شمارا از آلِ فرعون میرسانیدند بشما سخت ترین عذاب ذبح میکردند پسرانِ

---

(١) یعنی درجمیع حاجات و مصائب والله اعلم .

(٢) یعنی عالمیان آن زمان .

رَّبِّكُمْ عَظِيْمٌ ﴿۴۹﴾

شمارا وزنده میگذاشتند دختران شمارا ودرین کار آزمائشی بزرگ بود از جانب پروردگار شما[۱] (۴۹) .

وَاِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَاَنْجَيْنٰكُمْ وَاَغْرَقْنَآ اٰلَ فِرْعَوْنَ وَاَنْتُمْ تَنْظُرُوْنَ ﴿۵۰﴾

وآنوقت که شگافتیم برای شما دریارا پس خلاص کردیم شمارا و غرق ساختیم کسانِ فرعون را وشما میدیدید (۵۰) .

وَاِذْ وٰعَدْنَا مُوْسٰٓى اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْۢ بَعْدِهٖ وَاَنْتُمْ ظٰلِمُوْنَ ﴿۵۱﴾

وآن[۲] وقت که میعاد مقرر کردیم باموسیٰ چهل شب پس گرفتید گوساله[۳] راپس ازرفتن موسی وشماستمگار بودید (۵۱) .

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿۵۲﴾

پس درگزرانیدیم ازشما بعدازین تابُوَدکه شما سپاسگذاری کنید (۵۲) .

وَاِذْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ ﴿۵۳﴾

وآنوقت که دادیم موسیٰ را کتاب و حجت تابُوَدکه شماراه یابید (۵۳) .

وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهٖ يٰقَوْمِ اِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ اَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوْبُوْٓا اِلٰى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوْٓا اَنْفُسَكُمْ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ اِنَّهٗ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ ﴿۵۴﴾

وآن وقت که گفت موسی قوم خودرا ای قوم من هر آئینه شما ستم کردید برخویشتن بفرا گرفتن گوساله پس باز آئید بسوی آفرید گارخود بکشید خویشتن را این بهتر ست شمارا نزد آفرید گارِ شما پس پذیرفت خداوند توبه شمارا بمهربانی خود هر آئینه اوست توبه پذیر

---

(۱) مترجم گوید سبب کشتن پسران آن بودکه کاهنان فرعون راخبرداده بودند که در بنی اسرائیل پسری پیدا شود که باعث برافتادن پادشاهی اوگردد .

(۲) مترجم گویدکه خداموسیٰ علیه السلام راوعده دادکه چهل شب درطور معتکف شودتاتورات عطا فرمائیم درین مدت بنی اسرائیل بفریب سامری گوساله پرستی اختیار کردند خدای تعالی بعد عودِ موسیٰ حکم فرمود که بعض ایشان بعض رابکشند واین توبه ایشان ست .

(۳) یعنی معبود ساختید .

وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى ٱللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ ﴿٥٥﴾

ثُمَّ بَعَثْنَٰكُم مِّنۢ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ ٱلْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ ٱلْمَنَّ وَٱلسَّلْوَىٰ ۖ كُلُوا۟ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقْنَٰكُمْ ۖ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾

وَإِذْ قُلْنَا ٱدْخُلُوا۟ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةَ فَكُلُوا۟ مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَٱدْخُلُوا۟ ٱلْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا۟ حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَٰيَٰكُمْ ۚ وَسَنَزِيدُ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾

مهربان (٥٤) .

و[١] آن وقت که گفتید ای موسیٰ هرگزباورنداریم ترا تاآنکه به بینیم خدارا آشکارا پس گرفت شمارا صاعقه وشما میدیدید (٥٥) .

باز زنده گردانیدیم شمارا پس ازمردنِ شما ، تاشماشکرگزاری کنید[٢] (٥٦) .

وسایبان ساختیم برشما ابررا وفرود آوردیم برشما مَنْ و سلوی را ، گفتیم بخورید ازپاکیزه های آنچه دادیم شمارا۔ وایشان ستم نه کردند برما ولیکن بر خویش ستم میکردند (٥٧) .

وآن وقت که گفتیم درآئید درین ده[٣] پس بخورید ازآنجا بافزونی هرجاکه خواهید خوردنی گوارا ودرآئید به دروازه سجده کنان وبگوئید سوالِ ماآمرزش ست تا بیامرزیم شمارا گناهان

---

(١) مترجم گوید موسیٰ علیه السلام هفتاد کس رااز‌بنی اسرائیل با خود بُرد تاباوی کلام الهی استماع نمایند ایشان بعد ازشنیدن خواهانِ رویت شدند ودرطلب آن پاازحدِ ادب بیرون نهادند خدای تعالی آن همه رابصاعقه بسوخت وبازبدعای موسیٰ زنده ساخت اشارت باین قصه است این آیت .

(٢) بنی اسرائیل مامورشدند به جهاد عمالقه وایشان درآن باب تغافل کردند پس معاقب شدند بافتادن دربیابان چهل سال و آنجاچون آب و طعام وخیمه ها مفقود شد خدای تعالی به دعای موسیٰ علیه السلام مَنّ وسلویٰ نازل ساخت وازسنگی دوازده چشمه روان کردوابرراسایبان گردانید قدراین نعمتها نشناختندوکفرانِ نعمت کردند اشارت بدین قصه است این آیت .

(٣) یعنی دهی که درزمان حضرت موسیٰ فتح شده بود .

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٥٩﴾

شما وزیاده خواهیم دادنکوکاران را (٥٨) . پس بدل کردند کسانیکه ستمگار بودندسخنی بجزآنچه فرموده شدایشان را[١] پس فرودآوردیم برآن ستمگاران عذابی از آسمان بسبب بدکاربودن ایشان (٥٩) .

وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ ۖ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ۖ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ ۖ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٦٠﴾

وآنوقت که آب خواست موسی برای قوم خود پس گفتیم بزن بعصای خود سنگ را پس روان شدازسنگ دوازده چشمه بدانست هر قوم آب خوردِ خودرا[٢] گفتیم بخورید وبنوشید ازروزی خدا و فساد مکنید درزمین تباهی کنان (٦٠) .

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ مِن بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا ۖ قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ ۚ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلْتُمْ ۗ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾

وآن وقت که گفتید ای موسی هرگز شکیبائی نه کنیم بریك طعام پس طلب برای ماازپروردگار خودتابیرون آردبرای ماازآن جنس که میرویاندش زمین ازتره وی وبادرنگ وی وگندم وی وعدس وی وپیازوی ـ گفت موسی آیا بدل می کنید آنچه وی فروترست برآنچه وی بهترست ـ فرودآئید بشهری پس هر آئینه باشدشمارا آنچه خواستید، وزده شد[٣] برایشان خواری وبی نوائی وبازگشتند بخشمی ازخدا این بسبب آنست که باورنمی

---

(١) یعنی بجای حِطته حِنطته گفتند .

(٢) یعنی بنی اسرائیل دوازده قبیله بودند برای هر قبیله یك چشمه معین شد والله اعلم .

(٣) یعنی فرود آورده شد .

داشتند آیت های خدارا ومی کشتند پیغامبران را به ناحق این بسبب گناه کردن ایشان است وآنکه ازحد در می گذشتند (٦١) .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾

هر آئینه آنانکه مسلمان شدند وآنانکه یهود شدند و نصاریٰ و بی دینان هرکه ازایشان ایمان آردبخدا وبروزبازپسین وکردکارِ شائسته پس ایشان راست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان ونه ترس بُوَدبرایشان ونه ایشان اندوهگین شوند[١] (٦٢) .

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾

وآن وقت که گرفتیم پیمان شمارا وبرداشتیم بالای شما طوررا گفتیم بگیرید آنچه داده ایم شمارا باستواری[٢] ویاد کنید آنچه درآنست تابُوَد که درپناه شوید (٦٣) .

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ ۖ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٤﴾

باز روگردانیدید بعد ازین پس اگر نمی بود بخشائش خدا برشماومهربانی او هر آئینه می شدیداز زیان کاران (٦٤) .

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٥﴾

وهر آئینه دانسته اید آن کسانرا که ازحد درگذشتند ازشما درشنبه[٣] پس گفتیم ایشان را بوزینه شوید خوارشده (٦٥) .

---

(١) حاصل معنی آیت آنکه آدمی دراصل ازهرفرقه که باشد چون ایمان آورد ازاهل نجات بود خصوصیتِ فرقه معتبر نیست .

(٢) یعنی احکام تورات .

(٣) یعنی شکار کردند وشکار کردن در روزشنبه دردین بنی اسرائیل حرام بود .

فَجَعَلْنٰهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِيْنَ ﴿٦٦﴾

پس ساختیم این قصه را عبرتی برای آن قوم که در آن دِه بودند[1] وآن قوم که پس ازایشان آیند و پندی پرهیزگاران را (٦٦) .

وَإِذْ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهٖٓ إِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوْا بَقَرَةً ۚ قَالُوْٓا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا ۚ قَالَ أَعُوْذُ بِاللّٰهِ أَنْ أَكُوْنَ مِنَ الْجٰهِلِيْنَ ﴿٦٧﴾

و[2] آنوقت که گفت موسی بقوم خود هر آئینه خدا می فرمایدشمارا به کشتن گاوی گفتند آیامارا مسخره می گیری ؛ گفت پناه می‌گیرم بخدا ازآنکه باشم ازنادانان (٦٧) .

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَّنَا مَا هِيَ ۚ قَالَ إِنَّهٗ يَقُوْلُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَّلَا بِكْرٌ ۚ عَوَانٌۢ بَيْنَ ذٰلِكَ ۚ فَافْعَلُوْا مَا تُؤْمَرُوْنَ ﴿٦٨﴾

گفتند سوال کن برای ماازپروردگار خود تابیان کند برای ماچیست آن گاو گفت هر آئینه خدا می‌فرمایدکه هر آئینه وی گاوی است نه پیرونه جوان میانه است درمیان این وآن پس عمل کنید به آنچه فرموده شدید (٦٨) .

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَّنَا مَا لَوْنُهَا ۚ قَالَ إِنَّهٗ يَقُوْلُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَآءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ النّٰظِرِيْنَ ﴿٦٩﴾

گفتند سوال کن برای ماازپروردگار خودتابیان کند برای ماچیست رنگ آن گاو ، گفت هر آئینه خدا میفرمایدکه وی گاویست زرد ، پُر رنگ آن قدر که خوش میکند بینندگان را (٦٩) .

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَّنَا مَا هِيَ ۙ إِنَّ الْبَقَرَ تَشٰبَهَ عَلَيْنَا ۗ وَإِنَّآ إِنْ شَآءَ اللّٰهُ لَمُهْتَدُوْنَ ﴿٧٠﴾

گفتند سوال کن برای ما ازپروردگار خودتابیان کند برای ماچگونه است آن گاو هر آئینه گاوان مشتبه شدندبرما وهر آئینه اگر خواسته است خدا راه

---

(١) یعنی درآن زمانه حاضر بودند .

(٢) مترجم گویدشخصی راازبنی اسرائیل کشته یافتند وکشنده آن معلوم نه بود خدای تعالی حکم فرمودکه گاوی را ذبح کنند وبعض وی رابرآن مقتول بزنند تازنده شود وازقاتلان خود خبر دهد القصه گاؤرابه مبلغ خطیرخرید کردند وبزدند مقتول زنده شدوپسران عم خود رانام بردکه ایشان کشتند پس قاتلان رابقصاص رسانیدند ازآن بازقاتل را ازمیراث محروم ساختند والله اعلم .

یافتگانیم (۷۰) .

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾

گفت هر آئینه خدا میفرماید که وی گاویست نه محنت کشنده که شخم زند زمین را ونه آب می دهدزراعت را سلامت ست هیچ خال نیست دروی ، گفتند حالا آوردی سخن درست (☆) پس ذبح کردند و نزدیك بودکه این کارنکنند (۷۱) .

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٧٢﴾

و آنوقت که کشتید شخصی را پس نزاع کردید دروی ـ وخدا بیرون آرنده است چیزی‌را که پنهان میکردید (۷۲) .

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَٰلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾

پس فرمودیم بزنیداین شخص را به پاره ای ازگـاو ایـن طـور زنـده میکنـد خـدا مُردگان را ومی نماید شمارا نشانهای خود تابُوَدکه دریابید (۷۳) .

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٧٤﴾

بازسخت شد دلهای شما بعد ازین پس آنها مانند سنگ اند بلکه زیاده تردر سختی ، وهر آئینه از سنگ هاآنست که روان می شود ازوی جویها ـ وهر آئینه از سنگهـا آنسـت که می شگافدپـس بـیرون می‌آیدازوی آب، وهر آئینه ازسنگهاآنست که فرومی افتد از ترس خدا ونیست بیخبر ازآنچه می کنید (۷٤) .

أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ

(ای مومنان) آیاامیدی داریدکه (یهود) منقادشوند به دین شما وهر آئینه گروهی ازایشان می شنیدندکلام خدارا (یعنی

(☆) توضیح : وی گاویست که پرورده نگشته تا زمین را شخم کند و نه کشت را آبیاری کند و ازهرعیبی پاك و نباشد دروی رنگ دیگری .

وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ﴿۷۵﴾

تورات را) پس بدل میکردندش دانسته بعدازآنکه فهمیده بودند اورا (۷۵) .

وَإِذَا لَقُوا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قَالُوْٓا اٰمَنَّا ۚ وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلٰى بَعْضٍ قَالُوْٓا أَتُحَدِّثُوْنَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَآجُّوْكُمْ بِهٖ عِنْدَ رَبِّكُمْ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿۷٦﴾

وچون ملاقات کنند بامومنان گویندایمان آوردیم وچون تنهاشوندبعض ازایشان بابعضی [۱] گویند آیاخبر مید هیدایشان را بآنچه کشاده است خدا برشما [۲] تامناظره کنند باشما بآن دلیل نزد پروردگار شما آیا درنمی یابید (۷٦) .

أَوَلَا يَعْلَمُوْنَ أَنَّ اللهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّوْنَ وَمَا يُعْلِنُوْنَ ﴿۷۷﴾

(این جهولان) آیا نمیدانندکه خدا میداند آنچه پنهان می کنند و آنچه آشکارامی نمایند (۷۷) .

وَمِنْهُمْ أُمِّيُّوْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ الْكِتٰبَ إِلَّآ أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّوْنَ ﴿۷۸﴾

وبعضی ازایشان ناخوانندگان (یعنی بیسوادانند) کتاب (توراة) راجز آرزوهای باطل نه پندارند ونیستند مگر گمان کننده (۷۸) .

فَوَيْلٌ لِّلَّذِيْنَ يَكْتُبُوْنَ الْكِتٰبَ بِأَيْدِيْهِمْ ثُمَّ يَقُوْلُوْنَ هٰذَا مِنْ عِنْدِ اللهِ لِيَشْتَرُوْا بِهٖ ثَمَنًا قَلِيْلًا ۚ فَوَيْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيْهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُوْنَ ﴿۷۹﴾

پس وای آنکسان را که می نویسندکتاب را بدست های خود بازمی گویند این ازنزدیك خداست تا بگیرند عوض وی بهای اندك را پس وای ایشان را بسبب نوشتن دست های ایشان و وای ایشان را بسبب پیشه گرفتن ایشان (۷۹) .

وَقَالُوْا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّآ أَيَّامًا مَّعْدُوْدَةً ۚ قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللهِ عَهْدًا فَلَنْ يُّخْلِفَ اللهُ عَهْدَهٗٓ أَمْ تَقُوْلُوْنَ عَلَى اللهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿۸۰﴾

وگفتند نرسدبماآتش دوزخ مگر چندروز شمرده شده بگو آیا گرفتید ازپیش خدا پیمانی تاهرگزخلاف نه کند خدا پیمان خودرا یااینکه می گوئید برخدا آنچه

---

(۱) یعنی بارئیسان خویش .

(۲) یعنی نعمت پیغمبرآخرالزمان .

نمی دانید[1] (٨٠) .

بَلٰی مَنْ کَسَبَ سَیِّئَةً وَّاَحَاطَتْ بِهٖ خَطِیْٓئَتُهٗ فَاُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِیْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٨١﴾

آری هرکه کرد کاربد وبه احاطه گرفت اورا گناه او پس ایشان اند باشندگان دوزخ ایشان درآنجا جاویدند (٨١) .

وَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ ۚ هُمْ فِیْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٨٢﴾

وکسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شائسته ایشانند باشندگان بهشت ایشان درآنجا جاویدند (٨٢) .

وَاِذْ اَخَذْنَا مِیْثَاقَ بَنِیْٓ اِسْرَآءِیْلَ لَا تَعْبُدُوْنَ اِلَّا اللّٰهَ ۫ وَبِالْوَالِدَیْنِ اِحْسَانًا وَّذِی الْقُرْبٰی وَالْیَتٰمٰی وَالْمَسٰكِیْنِ وَقُوْلُوْا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَّاَقِیْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ ؕ ثُمَّ تَوَلَّیْتُمْ اِلَّا قَلِیْلًا مِّنْكُمْ وَاَنْتُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٨٣﴾

وآنگاه که گرفتیم پیمانِ بنی اسرائیل که نه پرستید مگرخدارا وبوالدین نکوئی کنید وباهل قرابت و یتیمان وبی نوایان وبگوئید بمردمان سخن نیك وبرپادارید نمازرا وبدهیدزکوة را پس برگشتید روگردان شده مگر اندکی ازشما (٨٣) .

وَاِذْ اَخَذْنَا مِیْثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُوْنَ دِمَآءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُوْنَ اَنْفُسَكُمْ مِّنْ دِیَارِكُمْ ثُمَّ اَقْرَرْتُمْ وَاَنْتُمْ تَشْهَدُوْنَ ﴿٨٤﴾

وآنگاه که گرفتیم پیمان شمارا که مریزیدخون یکدیگررا وبیرون مکنید قوم خویش را ازخانه های خویش پس قبول کردید وخود شما گواهی میدهید (٨٤) .

ثُمَّ اَنْتُمْ هٰٓؤُلَآءِ تَقْتُلُوْنَ اَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُوْنَ فَرِیْقًا مِّنْكُمْ مِّنْ دِیَارِهِمْ ۫ تَظٰهَرُوْنَ عَلَیْهِمْ بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ؕ وَاِنْ یَّاْتُوْكُمْ اُسٰرٰی تُفٰدُوْهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَیْكُمْ اِخْرَاجُهُمْ ؕ اَفَتُؤْمِنُوْنَ بِبَعْضِ الْكِتٰبِ وَتَكْفُرُوْنَ بِبَعْضٍ ۚ فَمَا جَزَآءُ مَنْ یَّفْعَلُ ذٰلِكَ مِنْكُمْ اِلَّا خِزْیٌ فِی الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا ۚ وَیَوْمَ

بازشما آن گروهید که می کشید قوم خویش را وبیرون می کنید گروهی را ازقوم خود ازخانه های ایشان یکی مددگار دیگری می شوید برستم کردن درحق ایشان بگناه وتعدی واگراسیرشده بشمامی آیند فدا میدهید عوض ایشان

---

(١) مترجم گویدیکی ازعقائدباطله یهود آن بود که می گفتند یهودنبا شند در دوزخ مگرروزی چند واین خطااست زیراکه دخولِ جنت موقوف برایمان بخدا وروزقیامت و پیغامبرآخرزمان ست جنس یهود وغیرآن اعتبار ندارد واشارت بهمین معنی است درین آیت والله اعلم .

الْقِيٰمَةِ يُرَدُّوْنَ اِلٰٓى اَشَدِّ الْعَذَابِ ۭ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿۸۵﴾

وحال آنکه حرام است برشمابیرون کردن ایشان آیاایمان می آرید به بخشی ازکتاب و کافرمی شوید به بخش دیگر پس چیست جزای آنکه چنین کند ازشما مگرخواری در زندگانی دنیا وروز قیامت گردانیده شوند بسوی سخت ترین عذاب ونیست خدا بی‌خبر ازآنچه میکنید[1] (۸۵) .

اُولٰۗىِٕكَ الَّذِيْنَ اشْتَرَوُا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْاٰخِرَةِ ۡ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ﴿۸۶﴾

ایشان آنکسانندکه خریدند زندگانی دنیارا عوض آخرت پس سبك کرده نشود ازایشان عذاب ونه ایشان یاری داده شوند (۸٦) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ وَقَفَّيْنَا مِنْۢ بَعْدِهٖ بِالرُّسُلِ ۡ وَاٰتَيْنَا عِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنٰتِ وَاَيَّدْنٰهُ بِرُوْحِ الْقُدُسِ ۭ اَفَكُلَّمَا جَاۗءَكُمْ رَسُوْلٌۢ بِمَا لَا تَهْوٰٓى اَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ ۚ فَفَرِيْقًا كَذَّبْتُمْ ۡ وَفَرِيْقًا تَقْتُلُوْنَ ﴿۸۷﴾

وهرآئینه دادیم موسی را کتاب وازپی درآوردیم بعد ازوی پیغمبران را ودادیم عیسیٰ پسرمریم رانشانه های روشن وقوت دادیم اورا بروح القدس ـ یعنی جبرئیل ـ آیاهرگاه آورد پیغامبری نزدشماآنچه دوست ندارد نفسهای شما سرکشی کردید پس گروهی را دروغگوداشتید وگروهی راکشتید (۸۷) .

وَقَالُوْا قُلُوْبُنَا غُلْفٌ ۭ بَلْ لَّعَنَهُمُ اللّٰهُ بِكُفْرِهِمْ

و گفتند[2] دلهای مادرپرده است، بلکه

---

(۱) یعنی منع کرده شدند از کشتن وجلاوطن کردن ودرظلم مدد گاری نمودن وفرموده شدند بفدای اسیران وایشان ازین همه احکام بفدای اسیران عمل کردند وبس زیراکه موافق نفس ایشان افتاد واین طاعت نفس است طاعت خدا نیست .

(۲) مترجم گوید ودیگرازقبائح یهود آن بود که میگفتند قلوبنا غلف یعنی دردین خود آنقدر استحکام داریم که هیچ شبهه بدان راه نمی یابدواین خطااست که سبب قبول نکردن دین اسلام حسد وجهل بود نه تقوی زیراکه آثارِتقویٰ هیچگاه =

فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

نفرین کرده است ایشان را خدا بسبب کفر ایشان پس اندکی ایمان آرند (۸۸) .

وَلَمَّا جَآءَهُمْ كِتٰبٌ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوْا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُوْنَ عَلَى الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَلَمَّا جَآءَهُمْ مَّا عَرَفُوْا كَفَرُوْا بِهٖ فَلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ ﴿٨٩﴾

وآنگاه که آمدبایشان کتاب ازنزدیك[1] خدا باورکننده آنچه بایشان است و پیش ازین طلب فتح می کردند برمشرکان پس هرگاه آمدبایشان آنچه میدانستند منکرشدند ویرا پس لعنت خدا است برآن کافران[2] (۸۹) .

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهٖٓ اَنْفُسَهُمْ اَنْ يَّكْفُرُوْا بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ بَغْيًا اَنْ يُّنَزِّلَ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ فَبَآءُوْ بِغَضَبٍ عَلٰى غَضَبٍ وَلِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ﴿٩٠﴾

بدچیز است آنچه فروختند عوض وی خویشتن راکه کافرشوند بآنچه فرودآورده است خدا بسبب حسد برآنکه فرودآورد خدا برحمت خود برهرکه خواهد ازبندگان خود پس بازگشتند بخشمی بالای خشمی وکافران راست عذاب خوارکننده (۹۰) .

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ اٰمِنُوْا بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوْا نُؤْمِنُ بِمَآ اُنْزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُوْنَ بِمَا وَرَآءَهٗ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُوْنَ اَنْۢبِيَآءَ اللّٰهِ مِنْ قَبْلُ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٩١﴾

وچون گفته شود ایشان را ایمان آریدبآنچه فرود آورده است خدا گویند ایمان می آریم بآنچه فرود آورده شدبرما وایشان کافرمی شوند بآنچه غیرأز ویست حال آنکه او راست است باورکننده آنچه بایشان است بگو پس چرامی کشتید پیغمبران خدارا پیش ازین اگر شمامؤمن بودید (۹۱) .

وَلَقَدْ جَآءَكُمْ مُّوْسٰى بِالْبَيِّنٰتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ

وهرآئینه آمد به شما موسیٰ به نشانه های

= ازایشان ظاهر نمی شدواشارت بهمین معنی است درین آیات .

(۱) یعنی قرآن .

(۲) تعریض است بآن قصه که یهود خیبر باغطفان جنگ میکردند و هزیمت می یافتند آخردعا کردند که به بعثت نبی آخرالزمان مارانصرت بده .

مِنْۢ بَعْدِهٖ وَاَنْتُمْ ظٰلِمُوْنَ ﴿٩٢﴾

روشن پس گرفتید گوساله را پس ازوی وشما ستمگار بودید (٩٢) .

وَاِذْ اَخَذْنَا مِيْثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّوْرَؕ خُذُوْا مَآ اٰتَيْنٰكُمْ بِقُوَّةٍ وَّاسْمَعُوْاؕ قَالُوْا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاُشْرِبُوْا فِىْ قُلُوْبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْؕ قُلْ بِئْسَمَا يَاْمُرُكُمْ بِهٖٓ اِيْمَانُكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٩٣﴾

وآنگاه که گرفتیم پیمان شمارا وبرداشتیم بالای شما طور را گفتیم بقوت بگیرید آنچه رابه شمادادیم و بشنوید ـ گفتند[١] شنیدیم ونافرمانی کردیم وآمیخته کرده شد دردلهای ایشان دوستی گوساله بسبب کافر بودن ایشان بگوبد چیز است آنچه میفرمایدشمارا‌ایمان شما اگر هستیدازاهل ایمان (٩٣) .

قُلْ اِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْاٰخِرَةُ عِنْدَ اللّٰهِ خَالِصَةً مِّنْ دُوْنِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٩٤﴾

بگو[٢] اگر هست شمارا سرای بازپسین نزد خدا بتخصیص بجزازمردمان دیگر پس آرزو کنید مرگ را اگر هستیدراست گو (٩٤) .

وَلَنْ يَّتَمَنَّوْهُ اَبَدًاۢ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْهِمْؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِالظّٰلِمِيْنَ ﴿٩٥﴾

وهرگزآرزونکنند اورا هیچگاه بسبب آنچه پیش فرستاده است دستهای ایشان وخدا داناست به ستمگاران (٩٥) .

وَلَتَجِدَنَّهُمْ اَحْرَصَ النَّاسِ عَلٰى حَيٰوةٍۚ وَمِنَ الَّذِيْنَ اَشْرَكُوْاۚ يَوَدُّ اَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ اَلْفَ سَنَةٍۚ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهٖ مِنَ الْعَذَابِ اَنْ يُّعَمَّرَؕ وَاللّٰهُ بَصِيْرٌۢ بِمَا يَعْمَلُوْنَ ﴿٩٦﴾

وهرآئینه بیابی ایشان را حریص ترین مردم بر زندگانی و حریص تر ازآنانکه مشرك اند دوست میداردیکی ازایشان کاش عمر داده شود هزارسال ونیست رهانندۀ وی ازعذاب آنکه عمر داده شود وخدا بیناست بآنچه می کنند[٣] (٩٦) .

---

(١) یعنی بزبان حال .

(٢) دیگرازتحریفات یهود آن بود که میگفتند که داخل نخواهد شددر بهشت هیچکس مگر یهودو این خطاست زیراکه علامت بهشتیان مشتاق شدن بملاقاتِ خدااست وایشان ازمرگ هراسان بودند واشارت بهمین معنی است درین آیت .

(٣) دیگرازجمع هفوه کلام بیهوده راگویند هرچه ازدهن برآید .

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿۹۷﴾

بگو[1] هرکه باشددشمن جبرئیل چه زیان می کند پس به تحقیق جبرئیل فرود آورده است قرآن رابردل تو بحکم خدا باور دارنده آنچه پیش ازوی است ورهنما ومژده دهندهٔ اهل ایمان (۹۷).

مَن كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِينَ ﴿۹۸﴾

هرکه باشد دشمن خدارا وفرشتگان ویرا و پیغامبران ویرا و جبرئیل و میکائیل را پس هر آئینه خدا دشمن کافران است (۹۸).

وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۖ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ﴿۹۹﴾

وهرآئینه فرودآوردیم بسوی تو نشانه های روشن وکافر نمی شوند بآنهامگر بدکاران (۹۹).

أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُم ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۰۰﴾

آیاهرگاه که بستند پیمانی را برانداخت آن را گروهی ازایشان بلکه اکثرایشان باورنمی دارند (۱۰۰).

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۱﴾

وهرگاه که آمد بایشان پیغامبری ازنزدخدا باوردارنده آنچه بایشان است افگند گروهی ازآن قوم که داده شده اندکتاب آن کتاب خدارا پس پشت خویش، گویا نمی دانند (۱۰۱).

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ ۖ

وپیروی[2] کردند آنچه می خواندند

---

(۱) دیگر ازهفوات یهود آن بود که جبرئیل را دشمن میداشتند که عذاب برامم سابقه فرود آورده این خطااست که جبرئیل مامور است ازبارگاه حق عزوجل ویراچه اختیار .

(۲) دیگراز هفوات یهود آن بود که سحر میکر دند وسلیمان علیه السلام راساحر می دانستند این افترابود بر سلیمان علیه السلام و اشارت بهمین معنی است درین آیت .

وَمَا كَفَرَ سُلَيْمٰنُ وَلٰكِنَّ الشَّيٰطِيْنَ كَفَرُوْا يُعَلِّمُوْنَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَآ اُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوْتَ وَمَارُوْتَ وَمَا يُعَلِّمٰنِ مِنْ اَحَدٍ حَتّٰى يَقُوْلَآ اِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُوْنَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُوْنَ بِهٖ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهٖ وَمَا هُمْ بِضَآرِّيْنَ بِهٖ مِنْ اَحَدٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَيَتَعَلَّمُوْنَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوْا لَمَنِ اشْتَرٰىهُ مَا لَهٗ فِى الْاٰخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهٖٓ اَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴿۱۰۲﴾

شیطانان درسلطنت سلیمان ـ وکافرنشد سلیمان ولیکن شیطانان کافر شدند می‌آموختند مردمان را جادو وپیروی کردند بآنچه فرود آورده شد بردوفرشته دربابل هاروت وماروت ونمی آموزند هیچ کس را تاآنکه گویند جزاین نیست که مابلائیم پس کافرمشو پس یادمی گیرندازایشان افسونی که جدائی می افگنند بسبب وی درمیان مرد و زن او ونیستند ایشان زیان رساننده بسحر هیچکس را مگر بارادهٔ خدا وایشان می آموختند آنچه زیان میرساند ایشانرا وسود ندهد ایشان را وهر آئینه دانسته اند هرکه بستاند جادو که نیست اورا درآخرت هیچ بهره وهر آئینه بد چیزست آنچه فروختند عوض وی خویشتن را کاش می دانستند (۱۰۲) .

وَلَوْ اَنَّهُمْ اٰمَنُوْا وَاتَّقَوْا لَمَثُوْبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴿۱۰۳﴾

وا گرایشان ایمان می آوردند و تقوی اختیار می کردند هر آئینه ثواب ازنزدیك خدا بهتر بودی کاش می دانستند (۱۰۳) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقُوْلُوْا رَاعِنَا وَقُوْلُوا انْظُرْنَا وَاسْمَعُوْا وَلِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۱۰۴﴾

ای مومنان مگوئید راعنا و بگوئید انظرنا ونیك بشنوید و کافران راست عذاب درد دهنده[1] (۱۰٤) .

---

(۱) دیگر ازهفوات یهود آن بود که در مجلس پیغامبر آمده لفظ راعنامی گفتند واین لفظ را دو معنی است یکی آنکه رعایتکن مارا وشفقت کن برما دیگر رعونت دارنده یعنی ابله ـ وقصد ایشان سبِّ بود حق سبحانه مسلمانان را ازین کلمه نهی کرد برای سدّباب فساد واشارت بهمین معنی است درین آیت .

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللّٰهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾

دوست نمیدارند آنانکه کافرشدند از اهل کتاب ونه مشركان كه فرود آورده شود برشما هیچ نیکی از پروردگارشما وخدا مخصوص می کند به بخشائش خود هرکراخواهد وخدا خداوندفضل بزرگ است (١٠٥) .

مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنْسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٦﴾

هرچه نسخ می کنیم ازآیتی یا فراموش می گردانیم آنرامی آریم بهتر ازوی یا ماننلوی آیاندانسته ای که خدا برهمه چیز تواناست[1] (١٠٦) .

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٠٧﴾

آیاندانسته ای که خداراست پادشاهی آسمانها وزمین ونیست شمارا بجزوی هیچ دوست ونه یاری دهنده (١٠٧) .

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسٰى مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٠٨﴾

آیامی خواهید که سوال کنید پیغامبر خودرا چنانکه سوال کرده شد موسی پیش ازین وهرکه بستاند کفررا عوض ایمان پس هر آئینه‌گم کرد راه میانه را (١٠٨) .

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتّٰى يَأْتِيَ اللّٰهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٩﴾

دوست داشتند بسیاری ازاهل کتاب که کافر گردانند شمارا بعد ازایمان شما بسبب حسد ازنزدیك نفوس خود پس ازآنکه واضح شد برایشان حق پس عفوکنید ودرگذرانید تاآنکه آردخدا فرمان خودرا[2] هر آئینه خدا برهمه چیز تواناست (١٠٩) .

---

(١) مترجم گوید درین آیت تعریض است بجواب یهود که انکار نسخ می کردند والله اعلم .

(٢) یعنی امرکند بجهاد ایشان والله اعلم .

وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا الزَّكَوٰةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٠﴾

وبرپاداریدنمازرا و بدهید زکوٰة را وآنچه پیش می فرستید برای خویشتن ازنیکوکاری خواهیدیافت آنرا نزد خدا هر آئینه خدا بآنچه می کنید بینااست (۱۱۰).

وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَٰرَىٰ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿١١١﴾

وگفتند هرگز به بهشت درنیاید مگرآنکه یهودباشد یاترساباشد این آرزوهای باطله ایشانست بگوبآرید دلیل خودرا اگر هستید راستگو (۱۱۱) .

بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُۥٓ أَجْرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١١٢﴾

بلی هرکه منقادکرد روی خودرا برای خدا ووی نیکوکار باشد پس اور است مزد او نزد پروردگار خویش، ونیست ترس برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (۱۱۲) .

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَٰرَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَٰرَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَٰبَ كَذَٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١١٣﴾

وگفتند[1] یهود نیستند ترسایان برهیچ چیزی، و گفتند ترسایان نیستند یهود برهیچ چیزی وایشان همه می خوانند کتاب را هم چنین‌گفتند آنانکه نمی دانند،[2] مانند قول ایشان، پس خدا حکم کندمیان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می کنند درآن (۱۱۳) .

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَٰجِدَ اللَّهِ أَن يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُۥ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَآ أُولَٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَن يَدْخُلُوهَآ إِلَّا خَآئِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْءَاخِرَةِ

وکیست ستمگارتر ازآنکه منع کرد مسجد های خدارا ازآن که یاد کرده شود نام خدا درآنها و کوشش کرد در ویرانی آنها، این گروه نمی سزد ایشان را که درآیند

---

(۱) دیگر از هفوات اهل کتاب آنبود که هر فرقه از یهود و نصاریٰ دیگر را انکارمی کردو اشارت به همین معنی است درین آیت .

(۲) یعنی مشرکان گفتند .

عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١٤﴾

بمسجدها مگر هراسان ایشان راست دردنیا خواری وایشان راست در آخرت عذاب بزرگ[1] (١١٤) .

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾

وخداراست مشرق و مغرب هرسوکه روآرید همانجاست روی خدا هر آئینه خدا فراخ نعمت داناااست[2] (١١٥) .

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَل لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَّهُ قَانِتُونَ ﴿١١٦﴾

و گفتند بگرفت خدا فرزند را، پاکی او راست بلکه او راست آنچه درآسمانها وزمین است، همه فرمانبردار اوهستند[3] (١١٦) .

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿١١٧﴾

آفرینندهٔ آسمان ها وزمین است، وچون می کندکاری پس جزاین نیست که می گویداورابشو پس می شود (١١٧) .

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿١١٨﴾

و گفتند آنانکه هیچ نمیدانند (یعنی مشرکان) چراباماسخن نمی گوید خدا یانمی آیدبما نشانه ای هم چنین گفتند کسانیکه پیش ازایشان بودند مانند قول ایشان بیکدیگر مشابهت دارند دلهای ایشان، هر آئینه بیان کردیم نشانه هارا برای گروهی که یقین می کنند (١١٨) .

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ

هر آئینه مافرستادیم ترا براستی مژده

---

(١) درین آیت تعریض است بکفارمکه و بشارت است به مغلوب شدن ایشان والله اعلم .

(٢) دیگر ازهفوات یهود آن بود که چون استقبال بیت المقدس منسوخ شد استهزاء میکردند اشارت بهمین معنی است درین آیت .

(٣) دیگر ازهفوات اهل کتاب آن بود که یهود عزیز راو نصاریٰ عیسیٰ را پسرخدامی گفتند دررِدّ ایشان خدای تعالی این آیت نازل کرد .

أَصۡحَٰبِ ٱلۡجَحِيمِ ﴿١١٩﴾

دهنده وبیم کننده، وپُرسیده نخواهد شد ترا از اهل دوزخ (١١٩) .

وَلَن تَرۡضَىٰ عَنكَ ٱلۡيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمۡۗ قُلۡ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلۡهُدَىٰۗ وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم بَعۡدَ ٱلَّذِي جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٢٠﴾

وهرگز خوشنود نشوند ازتویهودان ونه ترسایان تاآنکه پیروی کنی کیش ایشان را بگو هر آئینه هدایت خدا همانست هدایت واگر پیروی کردی آرزوهای باطلهٔ ایشان را پس ازآنچه آمده است بتو ازدانش نباشدترا برای خلاص ازعذاب خدا هیچ دوستی ونه یاری دهنده ای (١٢٠) .

ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَتۡلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴿١٢١﴾

آنانکه دادیم ایشان را کتاب (یعنی تورات) میخوانند آنراحق خواندن آن ایشان باور میدارند ویرا (هدایت خدارا) وهرکه منکروی باشد پس ایشانند زیان کاران[1] (١٢١) .

يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَأَنِّي فَضَّلۡتُكُمۡ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٢٢﴾

ای بنی اسرائیل یادکنید آن نعمت مرا که انعام کرده ام برشما وآنکه فضل دادم شمارا بر همه عالمها (١٢٢) .

وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا لَّا تَجۡزِي نَفۡسٌ عَن نَّفۡسٖ شَيۡـٔٗا وَلَا يُقۡبَلُ مِنۡهَا عَدۡلٞ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَٰعَةٞ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ﴿١٢٣﴾

وحذرکنید ازآن روز که کفایت نه کند کسی ازکسی چیزیرا وپذیرفته نشود ازکسی بدل وسود ندهداورا شفاعت ونه ایشان یاری داده شوند[2] (١٢٣) .

---

(١) یعنی آنانکه تورات رامی فهمند تصدیق شریعت محمدیه میکنند وآنانکه تصدیق نمی کنند تورات را نمی فهمند .

(٢) مترجم گوید ازین جا تاسیقول السفهاء خدای تعالی اثبات می فرماید نبوت پیغمبر مارا صلی الله علیه وسلم ازقصه دعاء حضرت ابراهیم که در تورات مذکوراست و ترجیح میدهد ملت حنیفیه را که حضرت پیغمبر برای آن مبعوث اندورد میکند قول یهود را که حضرت یعقوب مارابه یهودیت وصیت کرده است واز تفریق =

وَاِذِ ابْتَلٰٓى اِبْرٰهٖمَ رَبُّهٗ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهُنَّ ؕ قَالَ اِنِّىْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا ؕ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِىْ ؕ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِى الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٢٤﴾

ویادکن چون بیآزمودابراهیم را پروردگار او بسخنی چند، پس ابراهیم بانجام رسانید آنهارا، گفت خدا هر آئینه من می گردانم ترا پیشوای مردمان گفت ابراهیم واز اولاد من نیز (پیشوایان پیداکن ـ) فرمود نه رسد عهد (وحی) من بظالمان (١٢٤) .

وَاِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَاَمْنًا ؕ وَاتَّخِذُوْا مِنْ مَّقَامِ اِبْرٰهٖمَ مُصَلًّى ؕ وَعَهِدْنَآ اِلٰٓى اِبْرٰهٖمَ وَاِسْمٰعِيْلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِىَ لِلطَّآئِفِيْنَ وَالْعٰكِفِيْنَ وَالرُّكَّعِ السُّجُوْدِ ﴿١٢٥﴾

وآنگاه که قرار دادیم کعبه را مرجع مردمان ومحل امن وبگیرید ازجای قدم (ایستگاه) ابراهیم نمازگاه و وحی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسمعیل که پاك سازید خانه مرا برای طواف کنندگان واعتکاف کنندگان ورکوع سجده کنندگان (١٢٥) .

وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا وَّارْزُقْ اَهْلَهٗ مِنَ الثَّمَرٰتِ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ؕ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَاُمَتِّعُهٗ قَلِيْلًا ثُمَّ اَضْطَرُّهٗٓ اِلٰى عَذَابِ النَّارِ ؕ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ﴿١٢٦﴾

وآنگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بسازاین مکان را شهر باامن و روزی ده ساکنان وی راازمیوه ها و روزی ده آنرا که ایمان آورد ازایشان بخدا وروز بازپسین فرمود خدا و کسیکه کافر شود بهره مندگردانمش اندکی پس به بیچارگی برانم اورا بسوی عذاب آتش ووی بدجای بازگشت است (١٢٦) .

وَاِذْ يَرْفَعُ اِبْرٰهٖمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَاِسْمٰعِيْلُ ؕ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا ؕ اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿١٢٧﴾

آنگاه که بلندمی کردند ابراهیم واسمعیل بنیادهای خانه راگفتند ای پروردگار ماقبول کن ازما هر آئینه توئی شنوا دانا (١٢٧).

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَآ اُمَّةً مُّسْلِمَةً

ای پروردگارما وبگردان مارا فرمان

= درانبیاء نهی میفرمایدیعنی معتقد بعضی باشد ومنکر بعضی .

لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا ۖ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٨﴾

بردارخودت و از اولاد ما بكن گروهى منقاد خودت وبنمامارا طريق عبادتهاى ما وبمهربانى بازآ برما بدرستيكه توئى توبه پذير مهربان (۱۲۸) .

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ ۚ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٢٩﴾

اى پروردگار مابفرست درميان ايشان پيغامبرى ازايشان بخواند برايشان آيتهاى ترا وبياموزد ايشان را كتاب و علم و پاك كندايشان را هر آئينه توئى تواناداناا (۱۲۹) .

وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ ۚ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا ۖ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٣٠﴾

وكيست كه روبگرداند از كيش ابراهيم مگرآنكه در احمقى افگند نفس خودرا وهر آئينه برگزيديم اورا درين سراى و هر آئينه او درسراى ديگر ازشائستگان است (۱۳۰) .

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ ۖ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٣١﴾

آنگاه كه گفت اورا پروردگار اوكه منقادشو گفت منقادشدم مر پروردگار عالمهارا (۱۳۱) .

وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٢﴾

ووصيت كرد باين كلمه ابراهيم پسران خودرا و يعقوب نيز فرزندانش را اى فرزندان من هر آئينه خدا برگزيده است براى شما اين دين را پس (ازين جهان) نميريد مگر مسلمان شده (۱۳۲) .

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٣﴾

آياحاضر بوديد آنگاه كه پيش آمد يعقوب را موت آنگاه كه گفت فرزندان خودرا چه چيزرا عبادت خواهيد كرد بعدازمن گفتند عبادت كنيم معبودترا و معبود پدران ترا كه ابراهيم و اسمعيل و اسحق اند عبادت كنيم آن معبود يگانه را وما او را منقاديم (۱۳۳) .

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْـَٔلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٤﴾

این گروهی است که درگذشت وی راست آنچه کسب کردند وشمارا است آنچه کسب کردید وشماپرسیده نخواهید شد ازآنچه آن گروه می کردند (١٣٤) .

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصٰرٰى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرٰهٖمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٣٥﴾

وگفتند شوید یهودیاترسا تاراه بیابید، بگو بلکه پیروی می کنیم بملت ابراهیم که حنیف بود ونبود ازاهل شرك (١٣٥) .

قُولُوا آمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلٰى إِبْرٰهٖمَ وَإِسْمٰعِيلَ وَإِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسٰى وَعِيسٰى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٦﴾

بگوئید ایمان آوردیم بخدا و بآنچه فرود آورده شده بسوی ماو آنچه فرود آورده شده بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و ذریت یعقوب وبآنچه داده شد موسیٰ و عیسیٰ را وآنچه داده شدند پیغامبران از پروردگار خویش تفریق نمی کنیم درمیان هیچ کس ازایشان وما برای حق عزوجل منقادیم (١٣٦) .

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣٧﴾

پس اگر باور دارند اهل کتاب بآنچه باور داشتید شما پس راه یافتند واگر برگشتند پس جزاین نیست که ایشان در مخالفت اند پس زود با شد که کفایت کند ترا خدا بانتقام از ایشان واوست شنوا دانا (١٣٧) .

صِبْغَةَ اللّٰهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللّٰهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عٰبِدُونَ ﴿١٣٨﴾

قبول کردیم رنگ خدارا[1] وکیست بهتر ازخدا باعتبار رنگ وما اورا پرستندگانیم (١٣٨) .

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللّٰهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا

بگو آیا مکابره می کنید با ما درباب خدا واو پروردگار ماوشماست وماراست

(١) یعنی دین اورا .

وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ﴿١٣٩﴾

کردارهای ما و شما راست کردارهای شما وماورا باخلاص پرستندگانیم (۱۳۹) .

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٠﴾

آیامی گوئید که هر آئینه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نبیرگان او یهود بودند یا ترسابودند بگو شمادانا ترید یا خدا وکیست ستمگار تراز آنکه بپوشد آن‌گواهی را که نزدیك اوست ازجانب خدا ونیست خدا بی خبر ازآنچه می کنید (۱٤۰) .

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤١﴾

این گروهی است که درگذشت ویراست آنچه کسب کردند وشماراست آنچه شماکسب کردید وپرسیده نخواهیدشد ازآنچه ایشان می کردند (۱٤۱) .

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٤٢﴾

[۱] خواهند گفت بیخردان ازمردم چه چیز برگردانید ایشان را ازآن قبله که ایشان بودند برآن (یعنی از بیت المقدس) بگوخدارا‌ست مشرق و مغرب راه می نماید هر کرا خواهد بسوی راه راست (۱٤۲) .

---

(۱) چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم بمدینه هجرت فرمود شانزده ماه یاهفتده ماه بطرف بیت المقدس نمازمی گذارد آرزو میکردکه خدای تعالی کعبه را قبله وی سازد خدای تعالی نازل کرد قدنری تقلب الآیة بعد ازآن جواب شبهه سفهادرین مسئله نازل کرد سیقول السفهاء وبعد ازآن امر فرمود به صبر بر مشاق جهاد ودر بسیاری ازاحکام توحید وقصاص و حج و صوم وصدقه ونکاح و طلاق که اهل جاهلیت تحریف کرده بودند یا رعایت انصاف نمی کردند بیان حقیقت حال فرمود و ردّ وابطال شبهات مخالفین کردوسوال های ایشانراجواب داد واین سیاق ممتد است تا الم ترالی الذین خرجوا .

وَكَذٰلِكَ جَعَلْنٰكُمْ اُمَّةً وَّسَطًا لِّتَكُوْنُوْا شُهَدَآءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُوْنَ الرَّسُوْلُ عَلَيْكُمْ شَهِيْدًا ؕ وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِىْ كُنْتَ عَلَيْهَآ اِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَّتَّبِعُ الرَّسُوْلَ مِمَّنْ يَّنْقَلِبُ عَلٰى عَقِبَيْهِ ؕ وَاِنْ كَانَتْ لَكَبِيْرَةً اِلَّا عَلَى الَّذِيْنَ هَدَى اللّٰهُ ؕ وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُضِيْعَ اِيْمَانَكُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۴۳﴾

وهم چنین ساختیم شمارا گروهی مختار تا گواه باشید برمردمان وتاباشد رسول گواه برشما ومقرر نکردیم آن قبله راکه بودی برآن (یعنی بیت المقدس را) مگر برای آنکه بدانیم کسی را که پیروی پیغمبر کند جداازآن کس که بازگردد بر هردوپاشنه خودوهر آئینه هست این خصلت دشوار مگر برآنانکه ایشانرا راه نموده است خدا وخدا ضائع نمی سازدگرویدنِ شمارا هر آئینه خدا بمردمان بخشاینده مهربان است (۱٤۳) .

قَدْ نَرٰى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِى السَّمَآءِ ۚ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضٰٮهَا ۚ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ؕ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوْا وُجُوْهَكُمْ شَطْرَهٗ ؕ وَاِنَّ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ لَيَعْلَمُوْنَ اَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّهِمْ ؕ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُوْنَ ﴿۱۴۴﴾

به تحقیق مامی بینیم گشتن روی تو درجانب آسمان[۱] پس البته متوجه گردانیم ترابآن قبله که خوشنود شوی بوی پس متوجه گردان روی خودرا بطرف مسجد حرام وهرجاکه باشید پس متوجه گردانید روهای خویش رابطرف وی و هر آئینه اهل کتاب میدانند که این راست است ازپروردگار ایشان ونیست خدا بی خبر ازآنچه می کنند (۱٤٤) .

وَلَئِنْ اَتَيْتَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ بِكُلِّ اٰيَةٍ مَّا تَبِعُوْا قِبْلَتَكَ ۚ وَمَآ اَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ ۚ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ ؕ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ اَهْوَآءَهُمْ مِّنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ

وهر آئینه اگر بیاری پیش اهل کتاب هرنشانه هرگز پیروی نکنند قبله تراونیستی تو پیروی کننده قبلهٔ ایشان را

---

(۱) یعنی آنچه در سابق علم الهی مقرر شد آنست که قبله امت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم کعبه باشد وتوجه به بیت المقدس یك چند مدت بنابر حکمت امتحان است .

العلم اِنّك اِذًا لّمن الظّلمين ﴿۱۴۵﴾

ونیستند بعضی ایشان پیروی کننده قبله بعض دیگررا واگر توپیروی کنی خواهش های نفسانی ایشان را بعد آنچه آمده است بتوازدانش هر آئینه توباشی آنگاه ازستمگاران (۱٤٥) .

الّذين اٰتينٰهم الكتٰب يعرفونه كما يعرفون ابناءهم وانّ فريقًا مّنهم ليكتمون الحقّ وهم يعلمون ﴿۱۴۶﴾

کسانیکه داده ایم ایشان را کتاب می شناسند * ویراچنانکه می شناسند فرزندان خویش را وهر آئینه گروهی ازایشان می پوشند حق را دانسته(۲) (۱٤٦) .

الحقّ من رّبّك فلا تكوننّ من الممترين ﴿۱۴۷﴾

این درست است ازپروردگار تو پس مباش ازشك آرندگان (۱٤٧) .

ولكلٍّ وّجهةٌ هو مولّيها فاستبقوا الخيرٰت اين ما تكونوا يأت بكم الله جميعًا اِنّ الله علٰى كلّ شىءٍ قدير ﴿۱۴۸﴾

وهر کسی راجانبی هست که وی متوجه آنست پس شتاب کنید بسوی نیکی هاهرجا که باشید بیاردشمارا خدا جمع ساخته هر آئینه خدا برهمه چیز تواناست (١٤٨) .

ومن حيث خرجت فولّ وجهك شطر المسجد الحرام واِنّه للحقّ من رّبّك وما الله بغافلٍ عمّا تعملون ﴿۱۴۹﴾

وهرجا که روی پس متوجه کن روی خودرا جانب مسجد حرام وهر آئینه وی راست است ازپروردگار تو ونیست خدا بی خبر ازآنچه می کنید (١٤٩) .

ومن حيث خرجت فولّ وجهك شطر المسجد الحرام وحيث ما كنتم فولّوا وجوهكم شطره لئلّا يكون للنّاس عليكم حجّةٌ اِلّا الّذين ظلموا منهم فلا تخشوهم واخشوني ولاتمّ نعمتي عليكم ولعلّكم تهتدون ﴿۱۵۰﴾

وهر جاکه روی پس متوجه کن روی خودرا جانب مسجد حرام وهر جاکه باشید پس متوجه کنید رو های خویش را جانب وی تانباشد مردمان را الزام برشما مگر آنانکه ستم کردندازین جماعت پس

(☆) بعض علماء از ضمیر "يَعرِفُونَهُ" پیغمبر مرادگرفته اند والله اعلم (مصحح).

(۱) یعنی حقیقت استقبال کعبه را .

مترسید از ایشان وبتر سید ازمن وتاتمام کنم نعمت خودرا برشما وتابود که راه یابید[1] (۱۵۰) .

كَمَآ أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾

چنانکه فرستادیم پیغامبری درمیان شماازقوم شما میخواند برشما آیت های مارا پاك می سازد شمارا ومی آموزدشمارا کتاب وحکمت ومی آموزد شمارا آنچه نمی دانستید (۱۵۱) .

فَاذْكُرُونِىٓ أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِى وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٥٢﴾

پس یادکنید مراتا یادکنم شمارا و سپاس گوئید مراو ناسپاسی من مکنید (۱۵۲) .

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَوٰةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٣﴾

ای مسلمانان مددجوئید درتحصیل ثواب آخرت به صبر و نماز وهر آئینه خدا باصابران است (۱۵۳) .

وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِى سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَٰتٌۢ بَلْ أَحْيَآءٌ وَلَٰكِن لَّا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾

ومگوئید کسی را که کشته شود درراه خدا که ایشان مرد گانند بلکه ایشان زنده اند ولیکن شما درك نمی کنید (۱۵٤) .

وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَىْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَٰلِ وَالْأَنفُسِ وَالثَّمَرَٰتِ وَبَشِّرِ الصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٥﴾

وهرآئینه بیازمائیم شمارا به چیزی ازترس و گرسنگی ونقصانِ مال ها وجان ها ومیوه ها و بشارت ده صابران را (۱۵۵) .

الَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُوٓا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ ﴿١٥٦﴾

آنانکه چون برسد بدیشان سختی گویند هر آئینه ما ازآن خدائیم وهر آئینه مابسوی وی بازخواهیم گردید (۱۵٦) .

أُولَٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَٰتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰٓئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾

این گروه برایشان است درودها از

---

(۱) مترجم گوید در تورات مذکور است که امتی از بنی اسرائیل پیدا خواهد شد که تعظیم کعبه کند پس توجه آنحضرت صلی الله علیه وسلم به کعبه حجت باهره است برصدق نبوت آنحضرت صلی الله علیه وسلم نزدیك احبار یهود اگرچه سفهاء یهود طعن کنند که قبله انبیاء را گذاشت والله اعلم فتح الرحمن .

پروردگار ایشان وبخشائش وایشانند راه یافتگان (١٥٧) .

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَآئِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٨﴾

هر آئینه صفا و مروه ازنشانه های خدا است پس هرکه حج خانه کند یا عمره بجاآرد پس بزه نیست بروی درآنکه طواف کند درمیان این هر دو[1] وهرکه نیکی بجا آرد پس خدا قبول کننده دانا است (١٥٨) .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِن بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ ﴿١٥٩﴾

هر آئینه آنانکه می پوشند آنچه فرود آورده ایم ازسخنان روشن و هدایت بعد ازآنکه بیان کردیم آنرا برای مردمان درکتاب آن گروه لعنت می کند ایشان را خدا ولعنت میکنند ایشانرا لعنت کنند گان (١٥٩) .

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾

مگر کسانیکه توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند وبیان کردند پس این گروه(بمهربانی) توبه می پذیرم از ایشان و منم توبه پذیر مهربان (١٦٠) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٦١﴾

هر آئینه آنانکه کافرشدند ومردند درحال کافر بودن آن گروه برایشان است لعنت خدا و فرشتگان و مردمان همه یك جا (١٦١) .

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿١٦٢﴾

همیشه باشند درآن لعنت سبك کرده نشود از ایشان عذاب ونه ایشان مهلت داده شوند (١٦٢) .

---

(١) بعض اهل اسلام صفاومروه را ازشعائر طوا فیتگمان کرده ازآن دست بازداشتند ـ زیراکه درجاهلیت بالای صفا ومروه دوبت عبادت می‌شد ـ پس این آیه نازل شد .

وَاِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ ۚ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ﴿١٦٣﴾

و معبود شما خدا یگانه است نیست هیچ معبود برحقی بجزوی بخشاینده مهربان است (١٦٣) .

اِنَّ فِیْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ الَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِیْ تَجْرِیْ فِی الْبَحْرِ بِمَا یَنْفَعُ النَّاسَ وَمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ مَّآءٍ فَاَحْیَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِیْهَا مِنْ كُلِّ دَآبَّةٍ ۪ وَّتَصْرِیْفِ الرِّیٰحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَیْنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ لَاٰیٰتٍ لِّقَوْمٍ یَّعْقِلُوْنَ ﴿١٦٤﴾

هر آئینه در آفرینش آسمانها و زمین وآمدورفت شب و روز و آن کشتی که میرود در دریا بآنچه سود میدهد مردم را(یعنی بتجارت) ودرآنکه فرود آورد خدا ازآسمان آب پس زنده ساخت بسبب وی زمین را پس ازمردن آن و پراگنده ساخت در زمین هر نوع جنبنده و درگردانیدنِ بادها و در ابررامِ کرده شده میانِ آسمان و زمین هر آئینهَ نشانه هاست آن گروه را که درمی یابند (١٦٤) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یَّتَّخِذُ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَنْدَادًا یُّحِبُّوْنَهُمْ كَحُبِّ اللّٰهِ ؕ وَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْٓا اَشَدُّ حُبًّا لِّلّٰهِ ؕ وَلَوْ یَرَى الَّذِیْنَ ظَلَمُوْٓا اِذْ یَرَوْنَ الْعَذَابَ ۙ اَنَّ الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِیْعًا ۙ وَّاَنَّ اللّٰهَ شَدِیْدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾

وازمردمان کسی هست که مي‌گیرد بغیراز خدا همتایان را، دوست میدارند ایشان را مانند دوستی خدا وکسانیکه ایمان آوردند قوی تراند در دوستی خدا واگر ببینند ستمگاران هنگامیکه مشاهده کنند عذاب را (می فهمند) اینکه قدرت و توانائی همه خدا را است واینکه خدا صاحب سخت عقوبت است (١٦٥) .

اِذْ تَبَرَّاَ الَّذِیْنَ اتُّبِعُوْا مِنَ الَّذِیْنَ اتَّبَعُوْا وَرَاَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْاَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾

درآن حالت که بیزار شوند پیشوایانِ کفر ازتابعان وببینند عذاب را وبریده شود به نسبت ایشان همه اسباب یعنی وسیلها (١٦٦) .

وَقَالَ الَّذِیْنَ اتَّبَعُوْا لَوْ اَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّاَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوْا مِنَّا ؕ كَذٰلِكَ یُرِیْهِمُ اللّٰهُ اَعْمَالَهُمْ حَسَرٰتٍ عَلَیْهِمْ ؕ وَمَا هُمْ بِخٰرِجِیْنَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾

وگویند پیروی کنندگان کاش مارا باز گشتی باشد تابیزاری کنیم ازآن پیشوایان چنانکه بیزار شدند ایشان ازما هم چنین بنماید خدا در نظر ایشان کردارهای

ایشانرا پشیمانی ها برایشان ونیستند ایشان بیرون آیندگان از دوزخ (۱٦۷) .

يَٰٓأَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَٰلًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَٰتِ الشَّيْطَٰنِ ۚ إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿۱٦۸﴾

ای مردمان بخورید حلال پاکیزه را از آنچه در زمین است و پیروی مکنید گام های شیطان را هر آئینه او شمارا دشمن آشکار است[۱] (۱٦۸) .

إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوٓءِ وَالْفَحْشَآءِ وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۱٦۹﴾

جزاین نیست که میفرماید شمارا به بدکاری وبی حیائی و بآنکه افترا کنید برخدا آنچه نمی دانید (۱٦۹) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَآ أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَآ أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ ۗ أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْـًٔا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿۱۷۰﴾

و چون گفته شود ایشان را پیروی کنید آنراکه فرود آورد خدا گویند بلکه پیروی می کنیم چیزیرا که یافته ایم بروی پدران خویش را آیا تقلید می کنند ا گرچه پدران ایشان نمی فهمیدند چیزی را وراه نمی یافتند (۱۷۰) .

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَآءً وَنِدَآءً ۚ صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿۱۷۱﴾

ومثال کافران درنشنیدن پندپیغامبرودرک نکردن آن مانند حال کسی است که او آوازکند آنچه را که نشنود او (یعنی حیوانی که درك نکند) از آن آواز جزصدا و خواندن پس ایشان کران و گنگان و کورانند پس ایشان هیچ نمی فهمند (۱۷۱) .

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقْنَٰكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿۱۷۲﴾

ای مسلمانان بخورید ازپاکیزه ها آنچه روزی دادیم شمارا و سپاس گوئید خدارا ا گر هستید اورامی پرستید (۱۷۲) .

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ بِهِۦ

جزاین نیست که حرام کرده است برشما مرداررا وخون را وگوشت خوك را وآنچه

---

(۱) مترجم گوید اهل جاهلیّت چیزهارا ازنزد خویش حرام ساخته بودند بحائر و سوائب خدای تعالی درردّایشان نازل کرد (فتح الرحمن) .

لِغَيۡرِ اللّٰهِ ۚ فَمَنِ اضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٍ وَّلَا عَادٍ فَلَاۤ اِثۡمَ عَلَيۡهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوۡرٌ رَّحِيۡمٌ ﴿۱۷۳﴾

آواز بلندکرده شود براوبغیر نام خدا پس هرکه مضطر شود نه تعدی کننده ونه ازحد درگذرنده پس‌گناه نیست بروی (١) هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است (٢) (١٧٣) .

اِنَّ الَّذِيۡنَ يَكۡتُمُوۡنَ مَاۤ اَنۡزَلَ اللّٰهُ مِنَ الۡكِتٰبِ وَيَشۡتَرُوۡنَ بِهٖ ثَمَنًا قَلِيۡلًا ۙ اُولٰٓئِكَ مَا يَاۡكُلُوۡنَ فِىۡ بُطُوۡنِهِمۡ اِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ يَوۡمَ الۡقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيۡهِمۡ ۖۚ وَلَهُمۡ عَذَابٌ اَلِيۡمٌ ﴿۱۷۴﴾

هر آئینه کسانیکه می پوشند آنچه فرود آورده است خدا از کتاب ومی ستانند عوض وی بهای اندك، آن جماعت نمی خورند در شکم های خود مگر آتش را وسخن نگوید بایشان خدا روز قیامت و نه پاك کند ایشان را و ایشان راست عذاب درد دهنده (١٧٤) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِيۡنَ اشۡتَرَوُا الضَّلٰلَةَ بِالۡهُدٰى وَالۡعَذَابَ بِالۡمَغۡفِرَةِ ۚ فَمَاۤ اَصۡبَرَهُمۡ عَلَى النَّارِ ﴿۱۷۵﴾

ایشانند آنانکه خرید کردند گمراهی را عوض هدایت وعذاب را عوض آمرزش پس چه شکیبااندایشان بردوزخ (١٧٥).

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ نَزَّلَ الۡكِتٰبَ بِالۡحَـقِّ ؕ وَاِنَّ الَّذِيۡنَ اخۡتَلَفُوۡا فِى الۡكِتٰبِ لَفِىۡ شِقَاقٍ ۢ بَعِيۡدٍ ﴿۱۷۶﴾

این همه بسبب آنست که خدا فرود آورد کتاب را براستی وهر آئینه آنانکه اختلاف کردند در کتاب البته درمخالفت دوراند ازصواب (١٧٦) .

لَيۡسَ الۡبِرَّ اَنۡ تُوَلُّوۡا وُجُوۡهَكُمۡ قِبَلَ الۡمَشۡرِقِ وَالۡمَغۡرِبِ

نیست نکوکاری آنکه متوجه کنید روی خودرا بطرف مشرق و

---

(١) یعنی درخوردن آن چیزها .

(٢) مترجم گوید که اگرگوئی که درین آیت حصر کرده شد تحریم را دراشیاء مذکوره حالانکه درحدیث سباع وحمار و مانند آن را نیز حرام شمرده است پس وجه تطبیق چه باشد گویم حصراضافی است به نسبت بحائرو سوائب که حرام می دانستند پس دربهیمة الانعام هیچ چیز حرام نیست غیراشیاء مذکوره و درخبائث و سباع ومانند آن سخن نه داشتند والله اعلم .

وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ وَالْكِتٰبِ وَالنَّبِيّٖنَ ۚ وَاٰتَى الْمَالَ عَلٰى حُبِّهٖ ذَوِي الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنَ وَابْنَ السَّبِيْلِ ۙ وَالسَّآئِلِيْنَ وَفِي الرِّقَابِ ۚ وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ ۚ وَالْمُوْفُوْنَ بِعَهْدِهِمْ اِذَا عٰهَدُوْا ۚ وَالصّٰبِرِيْنَ فِي الْبَاْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ وَحِيْنَ الْبَاْسِ ۗ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا ۗ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُتَّقُوْنَ ﴿۱۷۷﴾

مغرب[۱] ولیکن صاحب نکوکاری آنست[۲] که بخدا وروز قیامت و فرشتگان و کتاب و پیغامبران ایمان آورد و بدهد مال را باوجود دوست داشتن آن مال به خویشاوندان و یتیمان و فقیران ومسافران را وسوال کنندگان را وخرچ کند درباب بردها[۳] وبرپادارد نمازرا و بدهدزکوٰة را ووفا کنندگان برعهدخویش چون عهد کنند وصبر کنندگان درتنگ دستی وسختی وبوقت کارزار ایشانند راست گو وایشانند پرهیزگاران (۱۷۷).

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلٰى ۖ اَلْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْاُنْثٰى بِالْاُنْثٰى ۖ فَمَنْ عُفِيَ لَهٗ مِنْ اَخِيْهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ ۢ بِالْمَعْرُوْفِ وَاَدَآءٌ اِلَيْهِ بِاِحْسَانٍ ۗ ذٰلِكَ تَخْفِيْفٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ ۗ فَمَنِ اعْتَدٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهٗ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۱۷۸﴾

ای مسلمانان لازم کرده شد برشما قصاص درکشتگان[٤] آزاد در مقابلهٔ آزاد است[٥] وبنده درمقابلهٔ بنده وزن در مقابلهٔ زن پس کسی که درگذاشته شد از او چیزی را ازخون برادرش[٦] پس حکم او پیروی کردن است به نیکوئی[۷] ورسانیدن خون بهاست بوی به خوش خوئی[۸] این حکم سبك کردن است

---

(۱) یعنی توجه جهت مشرق و مغرب چنانکه یهودونصاریٰ زعم می کنند نیکوکاری نیست بلکه منسوخ شده است .

(۲) یعنی صاحب آن نیکوکاری که ملتهادرآن اختلاف ندارند فتح .

(۳) یعنی درآزادی یا خلاصی بندگان مکاتب .

(٤) یعنی اعتبار مماثلث درکشتگان .

(٥) یعنی مثل اوست درحکم .

(٦) یعنی چیزی ازخون مسلمان مقتول .

(۷) یعنی وی دم به حسن معامله مطالبه کندنه به درشتی .

(۸) یعنی قاتل به خوش خوئی ادانماید نه به صعوبت .

ازپروردگار شماو مهربانی است پس هرکه ازحد گذرد بعد ازین ویراست عذاب درد دهنده (۱۷۸) .

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يّٰٓاُولِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۱۷۹﴾

وشمارا بسبب قصاص زندگانی است ای خداوندانِ خرد تاباشیدکه پرهیزگاری کنید[1] (۱۷۹) .

كُتِبَ عَلَيْكُمْ اِذَا حَضَرَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ اِنْ تَرَكَ خَيْرَا ۨ الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ بِالْمَعْرُوْفِ ۚ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِيْنَ ﴿۱۸۰﴾

لازم کرده شد برشما و قتیکه پیش آید کسی را ازشماموت اگر مال بگذارد وصیت کردن برای پدرومادر ونزدیکان به نیکوئی لازم شد این کاربرمتقیان (۱۸۰) .

فَمَنْ بَدَّلَهٗ بَعْدَ مَا سَمِعَهٗ فَاِنَّمَآ اِثْمُهٗ عَلَى الَّذِيْنَ يُبَدِّلُوْنَهٗ ۚ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿۱۸۱﴾

پس هرکه بدل کند وصیت را بعدازآنکه شنیدش پس جزین نیست که گناهِ تبدیل برآنکسان است که بدل می کنندآن وصیت را هر آئینه خدا شنوای داناست (۱۸۱) .

---

(۱) اهل جاهلیت شریف را در مقابله وضیع نمیکشتند ودر مقابله شریف چند کس ازوضیع میکشتند خدای تعالی نازل فرمودکه حکم الهی باعتبار مماثلت است دراجناس کشتگان باین معنی که احراررا حکم جداست که هرحرمثل حر دیگرست درآن حکم وعبید را حکم جداست که هر عبد مثل عبد دیگرست درآن حکم و زنانرا حکم جداست که هرزن مثل زن دیگرست درآن حکم وامتیاز زنان ست حکم و درباب دیات نه در باب قود یعنی قصاص پس هر فردی ازین اجناس مساوی ست بافرد دیگر هرچند بعضی شریف باشد و بعضبی وضیع و بعضی جمیل وبعضی ذمیم بعضی مالدار و بعضی فقیر وسنت زیاده کرده است دوجنس دیگر مسلمان درمقابله مسلمان است و کافر در مقابله کافر پس اگر بعض ورثه عفوکنند یا ازکشتن گذشته خون بها قبول نمایند ولی دوم را باید که بحسن معامله مطالبه کند نه بدرشتی و قاتل را باید که بخوشخوئی اداکند نه به بدخوئی .

فَمَنْ خَافَ مِن مُّوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٨٢﴾

پس هرکه ترسید ازوصیت کننده ظلمی یا گناهی پس صلاح آرد درمیان ایشان پس هیچ گناه نیست بروی هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است[1] (١٨٢) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٨٣﴾

ای کسانیکه ایمان آوردند لازم کرده شد برشما روزه داشتن چنانچه لازم کرده شد برکسانیکه پیش ازشمابودند تاباشدکه پرهیزگاری کنید (١٨٣) .

أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ ۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۚ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ ۖ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ ۚ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٨٤﴾

روزه داشتن چند روز شمرده شده پس هرکه باشد ازشما بیمار یا مسافر پس لازم است شمارا آن ازروزهای دیگر و لازم است برآنانکه میتوانند روزه داشتن (یعنی ونمی دارند) فدیه[2] که عبارت ازخوراك یك درویش است پس هرکه بجا آرد نیکی این پس بهتر است اورا وآنکه روزه دارید بهتر است شمارا اگر شمامی دانید[3] (١٨٤) .

---

(١) حکم وصیت منسوخ است بآیت مواریث .

(٢) مضمون این آیت تخییر است درصوم و فدیه این معنی منسوخ شد به آیتی که متصل می آید مترجم گوید شاید که معنی آیت چنین باشد که واجب است برآنانکه میتوانند داد فدیه را دادن فدیه که عبارت ازطعام یك درویش است مراد صدقه الفطراست و سنت آنرا مقدر کردبه یك صاع خرما یا صاع از طعام پس آیت محکم باشدنه منسوخ و شاید که معنی آیت چنین باشد واجب است برآنانکه میتوانند قضاکردن یعنی وقضانکردند تاآنکه رمضان دیگر درآمد والله اعلم .

(٣) فدیه دادن که عبارت ازطعام یك مسکین ست وآن مقدراست بیك مد واین حکم منقول است از قاسم وسعیدبن جبیر و همین است مذهب شافعی ودرین صورت نیز محکم است غیر منسوخ .

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِيْٓ اُنْزِلَ فِيْهِ الْقُرْاٰنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنٰتٍ مِّنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ ۚ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۗ وَمَنْ كَانَ مَرِيْضًا اَوْ عَلٰى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ اَيَّامٍ اُخَرَ ۗ يُرِيْدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيْدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللّٰهَ عَلٰى مَا هَدٰىكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿١٨٥﴾

ماه رمضان آن است که فرود آورده شد دروی قرآن راه نمای برای مردمان وسخنان روشن ازهدایت وازجداکردن حق و باطل پس هرکه دریابد ازشما آن ماه را پس البته روزه دارد آن را وهرکه بیمارباشد یا مسافر پس بروی لازم است شمار آنچه فوت شد از روزهای دیگر میخواهد خدا به شما آسانی ونمی خواهد بشما دشواری و میخواهد که تمام کنید شمار را وبه بزرگی یاد کنید خدارا به شکر آنکه راه نمود شمارا وتاباشدکه شما شاکر شوید (١٨٥) .

وَاِذَا سَاَلَكَ عِبَادِيْ عَنِّيْ فَاِنِّيْ قَرِيْبٌ ۗ اُجِيْبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيْبُوْا لِيْ وَلْيُؤْمِنُوْا بِيْ لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُوْنَ ﴿١٨٦﴾

وچون استفسار کنندترا بندگان من ازحال من پس هر آئینه من نزدیك ام قبول می کنم دعای دعا کننده را وقتیکه دعاکندمرا پس باید که فرمانبرداری من کنند و باید که بگروند بمن تاباشد که راه یابند (١٨٦) .

اُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ اِلٰى نِسَآئِكُمْ ۗ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَاَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ ۗ عَلِمَ اللّٰهُ اَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُوْنَ اَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ ۚ فَالْـٰٔنَ بَاشِرُوْهُنَّ وَابْتَغُوْا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَكُمْ ۚ وَكُلُوْا وَاشْرَبُوْا حَتّٰى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْاَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْاَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ۖ ثُمَّ اَتِمُّوا الصِّيَامَ اِلَى الَّيْلِ ۚ وَلَا تُبَاشِرُوْهُنَّ وَاَنْتُمْ عٰكِفُوْنَ فِي الْمَسٰجِدِ ۗ تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ فَلَا تَقْرَبُوْهَا ۗ

حلال کرده شد برای شما درشبِ روزه مخالطت کردن با زنان خود ایشان بمنزلهٔ پوشش اند شمارا وشما بجای پوشش اید ایشان را دانست خدا که شماخیانت می کردید درحق خویشتن پس بمهربانی باز گشت برشما و درگذشت ازشما پس الآن مخالطت کنید بازنان و طلب کنید آنچه مقدر کرده است خدا برای شما(یعنی اولاد) و بخورید و به نوشید تاآنکه روشن شود برای شما رشتهٔ سفید ازرشتهٔ سیاه (مراد از رشتهٔ سفید

كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ اٰيٰتِهٖ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُوْنَ ﴿١٨٧﴾

فجراست) پس ازآن تمام کنید روزه راتاشب ومساس نکنید زنان را درحالیکه شما معتکف باشید درمسجدها این ها منهیات خدا است پس نزدیك نشوید بآنها همچنین بیان می کند خداآیت های خود را برای مردمان تاپرهیزگاری کنند (١٨٧) .

وَلَا تَاْكُلُوْٓا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوْا بِهَآ اِلَى الْحُكَّامِ لِتَاْكُلُوْا فَرِيْقًا مِّنْ اَمْوَالِ النَّاسِ بِالْاِثْمِ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿١٨٨﴾

و مخورید اموال خویش را درمیان خویشتن بناحق و مرسانید اموال خود را به حاکمان (یعنی برشوت) تابخورید پاره ای از اموال مردم به گناه (به ستم) درحالیکه شما میدانید (١٨٨) .

يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الْاَهِلَّةِ ۭ قُلْ هِيَ مَوَاقِيْتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ ۭ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِاَنْ تَاْتُوا الْبُيُوْتَ مِنْ ظُهُوْرِهَا وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقٰى ۚ وَاْتُوا الْبُيُوْتَ مِنْ اَبْوَابِهَا ۠ وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿١٨٩﴾

می پرسند ترا[1] ازماه های بگو این ها میعاداند برای مردمان و برای حج [2] و نیست نیکوکاری آنکه درآئید درخانه های (در حالت احرام) ازپس پشت آنها ولیکن صاحب نیکوکاری آنست که پرهیزگاری کند و درآئید درخانه ها ازراه دروازه ها و بترسید ازخدا تا باشد که شما رستگار شوید (١٨٩) .

وَقَاتِلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ الَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَكُمْ

وجنگ کنید درراه خدا بآنانکه جنگ می کنندباشما وازحد مگذرید هر آئینه خدا

---

(١) مترجم گوید ظاهرنزدیك این بنده آن ست که سوال کردند ازشهرحج که شوال و ذیقعده ونه روز از ذی الحجه باشد که آیا حج موقت است بآنهایانه ویکی از تحریفات جاهلیت آن بود که درحالت احرام ازبالای دیوار جسته ویا ازسوارخ دیوارگذشته بخانه می آمدند واز راه دروازه نمی آمدند پس نازل شداین آیت .

(٢) یعنی تامردمان احرام حج بندند در آنها فتح الرحمن .

وَلَا تَعْتَدُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿١٩٠﴾

دوست نمی دارد ازحد گذرندگان را (۱۹۰) .

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُم مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ ۚ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ ۚ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ ۖ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ ۗ كَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿١٩١﴾

و بکشید مشرکان را هرجاکه بیابیدایشان را وبیرون کنید ایشان را ازآنجا که بیرون کردند شمارا(یعنی ازمکه) و غلبه شرك سخت تر است ازقتل [1] وکارزار مکنید باایشان نزدیك مسجدحرام تاآنکه کارزار کنند باشما درآن جا پس ا گر بجنگند باشما پس بکشید ایشان را هم چنین است سزای کافران (۱۹۱) .

فَإِنِ انتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩٢﴾

پس ا گر بازماندند پس هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است (۱۹۲) .

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ ۖ فَإِنِ انتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٩٣﴾

وبجنگیدباایشان تاآنکه نابودشود شرك و شود دین محض برای خدا پس ا گر باز ماندند[2] پس نیست دست درازی مگر برستمگاران (۱۹۳) .

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ ۚ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾

ماه حرام عوض ماه حرام است وحرمت شکنیهادارای قصاص است پس هرکه تعدی کند برشما پس دست درازی کنید بروی مانند دست درازئ وی برشما وبترسید ازخدا و بدانید که خدا باپرهیزگاران است[3] (۱۹٤) .

---

(۱) یعنی در مقابلهٔ او قتل جائزاست .

(۲) یعنی ازشرك .

(۳) حاصل این آیات آنست که درمسجد حرام ودرشهرحرام ابتداء به قتال نباید کرد وچون کافران ابتدا کنند در مقابله ایشان باید جنگ کردن که این معنی باحرمت مسجد وشهر نزاع ندارد چنانکه ابتداء ازکشتن مسلمان درست نیست و اگر خون=

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ ۛ وَأَحْسِنُوا ۛ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٩٥﴾

وخرج كنيد درراه خدا و ميفگنيد خويشتن را بسوى هلاكت ونيكوكارى كنيد هر آئينه خدا دوست مى دارد نيكوكاران را (١٩٥) .

وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ ۚ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۖ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ ۚ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ۚ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ ۗ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ۗ ذَٰلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٩٦﴾

وتمام كنيد حج و عمره را براى خدا پس اگر بازداشت شويد لازم است آنچه سهل باشد ازقربانى و متراشيد سرهاى خودرا تاآنكه برسد قربانى بجائش[١] پس هركه باشد ازشما بيمار يا اورا رنجى باشد درسراو[٢] پس لازم است عوض آن از روزه يا صدقه ياقربانى پس چون ايمن شديد پس هركه بهره ورشدبه اداء عمره[٣] سپس به اداء حج (يعنى تمتع كرد يا قران) پس لازم است آنچه سهل باشد از قربانى پس هركه نيابد پس لازم است روزه داشتن سه روز دروقت حج وهفت روز وقتيكه بازگرديد ازسفراين يك ده تمام ست اين حكم آن راست كه نه باشد خانواده وى باشندهٔ مسجد حرام و بترسيد ازخدا وبدانيد كه خدا سخت عقوبت ست[٤] (١٩٦) .

= ناحق ريخته باشد به قصاص ميتوان كشت و فقهاء بآن سبب تصريح نكرده اند كه اقامت حربيان به مكه بعد فتح مكه بودنى نيست والله اعلم .

(١) يعنى درحج رمى جمرة العقبه كنند بمنى و در عمره ازسعى بين الصفا والمروه فارغ شوندبه مكه والله اعلم .

(٢) يعنى شپش بسيار داشته باشد و باين سبب حلق كند پيش ازحلال شدن والله اعلم .

(٣) يعنى باموريمنوعه احرام بهره و رشد .

(٤) درين آيت چندحكم مذكور شده است و جواب اتمام حج و عمره بعداز شروع =

اَلْحَجُّ اَشْهُرٌ مَّعْلُوْمٰتٌ ۚ فَمَنْ فَرَضَ فِيْهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوْقَ وَلَا جِدَالَ فِى الْحَجِّ ۗ وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ يَّعْلَمْهُ اللّٰهُ ۗ وَتَزَوَّدُوْا فَاِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوٰى ۚ وَاتَّقُوْنِ يٰۤاُولِى الْاَلْبَابِ ﴿١٩٧﴾

حج موقت است بماه های دانسته شده[1] پس هر که لازم کردبرخود درين ماه هاحج را (يعنى احرام بست) پس مخالطت زنان جائز نيست ونه بدكارى ونه باهم مشاجره كردن درحج وهرچه مى كنيد ازنيكى ميداند او را خدا وتوشه همراه گيريد هر آئينه بهترين فوائد توشه پرهيزگارى است (يعنى ازسوال و دزدى) وازمن بترسيد اى خداوندان خرد (١٩٧).

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَبْتَغُوْا فَضْلًا مِّنْ رَّبِّكُمْ ۗ فَاِذَآ اَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفٰتٍ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ۪ وَاذْكُرُوْهُ كَمَا هَدٰىكُمْ ۚ وَاِنْ كُنْتُمْ مِّنْ قَبْلِهٖ لَمِنَ الضَّآلِّيْنَ ﴿١٩٨﴾

نيست شمارا گناهى درآنكه طلب كنيد درموسم حج روزى ازپروردگار خويش پس آنگاه كه باز گرديد ازعرفات پس يادكنيد خدارا نزديك مشعر حرام (يعنى بمزدلفه) ويادكنيد خدارا به شكر آنكه راه نموده است شمارا وهر آئينه بوديد پيش ازين ازگمراهان (١٩٨) .

ثُمَّ اَفِيْضُوْا مِنْ حَيْثُ اَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ ۗ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٩٩﴾

پس بازگرديدازآنجا كه باز ميگردند عامه مردمان[2] وآمرزش طلب كنيد ازخدا هرآئينه خدا آمرزنده مهربانست (١٩٩).

فَاِذَا قَضَيْتُمْ مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَذِكْرِكُمْ اٰبَآءَكُمْ اَوْ اَشَدَّ ذِكْرًا ۗ فَمِنَ النَّاسِ

پس چون ادا كرديد اركان حج خويش را پس ياد كنيد خدا را (يعنى درمنىٰ) مانند ياد كردن شما پدرانِ خويش را بلكه

= وحكم احصار وكفارت ارتكاب امورممنوعه احرام به عذر مرض و ماهيت تمتع ووجوب قربانى برمتمتع والله اعلم .

(١) يعنى شوال و ذيقعده و عشره ذالحجه .

(٢) مترجم گويد يعنى از عرفات نه ازمزدلفه چنانكه قريش تحريف كرده بودند و الله اعلم .

مَنْ يَّقُوْلُ رَبَّنَآ اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهٗ فِي الْاٰخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ﴿۲۰۰﴾

زياده تر ياد كردن پس ازمردمان كسى هست كه مى گويد اى پروردگارما بده مارا دردنيا ونيست اورا در آخرت هيچ نصيبى (٢٠٠) .

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّقُوْلُ رَبَّنَآ اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۲۰۱﴾

وازمردمان كسى هست كه مى گويد اى پروردگارما بده مارا دردنيا نعمت ودرآخرت نعمت و محفوظ دار مارا ازعذاب دوزخ (٢٠١) .

اُولٰٓئِكَ لَهُمْ نَصِيْبٌ مِّمَّا كَسَبُوْا ۚ وَاللّٰهُ سَرِيْعُ الْحِسَابِ ﴿۲۰۲﴾

اين گروه ايشان راست بهره از ثواب آنچه بعمل آوردند (يعنى از ثواب آخرت) و خدا زود كنندهٔ حساب است (٢٠٢) .

وَاذْكُرُوا اللّٰهَ فِيْٓ اَيَّامٍ مَّعْدُوْدٰتٍ ۭ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِيْ يَوْمَيْنِ فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ ۚ وَمَنْ تَاَخَّرَ فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ ۙ لِمَنِ اتَّقٰى ۭ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّكُمْ اِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ ﴿۲۰۳﴾

و ياد كنيد خدارا درچند روز شمرده شده (يعنى ايام منىٰ) پس كسى كه شتاب كوچ كند دردو روز (يعنى ازمنىٰ) پس گناه نيست بروى وآنكه ديرماند پس گناه نيست بروى مرآنرا كه پرهيزگارى كند وبترسيد از خدا و بدانيد كه شما بسوى وى جمع آورده خواهيدشد[1] (٢٠٣) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُّعْجِبُكَ قَوْلُهٗ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ اللّٰهَ عَلٰى مَا فِيْ قَلْبِهٖ ۙ وَهُوَ اَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿۲۰۴﴾

و ازمردمان كسى هست كه بشگفت مى آرد ترا سخن او درباب زندگانى دنيا و گواه مى آرد خدا را برآنچه دردل ويست حال آنكه او سخت ترين ستيزندگان ست (٢٠٤) .

وَاِذَا تَوَلّٰى سَعٰى فِي الْاَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيْهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۭ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ ﴿۲۰۵﴾

وچون رياست پيداكند بشتابد درزمين تاتباهى كند درآن ونابود سازد زراعت

(١) مترجم گويدبعدازين خداى تعالى تصويرمى فرمايد حال كافران ومومنان را والله اعلم .

ومواشى را وخدا دوست ندارد تباه کاری را (٢٠٥) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ ۚ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٢٠٦﴾

وچون گفته شود اورا بترس ازخدا حمل کندش تکبر برگناه پس کفایت کنندهٔ وی دوزخ است وهر آئینه وی بدجائیست (٢٠٦) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾

وازمردمان کسی هست که میفروشد خویش را برای طلب رضامندی خدا و خدا مهربان است بر بندگان (٢٠٧) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٠٨﴾

ای کسانیکه ایمان آوردید درآئید باسلام همه یك جا وپیروی مکنید گامهای شیطان را هر آئینه اوشمارا دشمن آشکاراهست (٢٠٨) .

فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾

پس ا گر لغزیدید بعد ازآنکه آمد به شما سخنان روشن پس بدانید که خدا غالب داناست (٢٠٩) .

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ ۚ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٢١٠﴾

انتظار نمی کنند اهل عصیان مگر آن راکه بیاید بایشان خدا در سایبان ها از ابر وبیایند فرشتگان و بانجام رسانیده شودکار وبسوی خدا بازگردانیده میشوند کارها (٢١٠) .

سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ ۗ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾

بپرس از بنی اسرائیل چه قدر دادیم ایشان را از نشانه های روشن وهرکه بدل کند نعمت خدارا پس ازآنکه بیاید بوی یعنی کفر پیش گیرد تانعمت مفقود گردد پس هر آئینه خدا سخت عقوبت ست (٢١١) .

زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ

آراسته کرده شده است کافران را زندگانی این جهان وسخریه می کنند

اٰمَنُوْا ۘ وَالَّذِيْنَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَّشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۲۱۲﴾

باأهلِ ایمان وکسانیکه تقوی دارند بالا ترازایشان باشند روزقیامت و خدا روزی میدهد هرکرامی خواهد بی شمار (یعنی بسیار) (٢١٢) .

كَانَ النَّاسُ اُمَّةً وَّاحِدَةً ۫ فَبَعَثَ اللّٰهُ النَّبِيّٖنَ مُبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ ۪ وَاَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيْمَا اخْتَلَفُوْا فِيْهِ ؕ وَمَا اخْتَلَفَ فِيْهِ اِلَّا الَّذِيْنَ اُوْتُوْهُ مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ الْبَيِّنٰتُ بَغْيًاۢ بَيْنَهُمْ ۚ فَهَدَى اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِمَا اخْتَلَفُوْا فِيْهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِهٖ ؕ وَاللّٰهُ يَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿۲۱۳﴾

بودند مردمان یك گروه[1] پس فرستاد خدای تعالی پیغامبران را بشارت دهنده وبیم کننده وفرود آورد بایشان کتاب به راستی تاحکم کند آن کتاب میان مردمان درآنچه اختلاف کردند درآن[2] واختلاف نه کردند درآن مگر کسانیکه داده شده بایشان کتاب (یعنی امت دعوت) بعد ازآنکه آمد بایشان نشانه ها ازجهت حسد درمیان خویش پس راه نمود خدا مومنان را بآن حق که اختلاف کردند دروی بارادۀ خود و خدا راه می نماید کسی را که خواهد بسوی راه راست[3] (٢١٣) .

اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَاْتِكُمْ مَّثَلُ الَّذِيْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ ؕ مَسَّتْهُمُ الْبَاْسَآءُ وَالضَّرَّآءُ وَزُلْزِلُوْا حَتّٰى يَقُوْلَ الرَّسُوْلُ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ مَتٰى نَصْرُ اللّٰهِ ؕ اَلَآ اِنَّ نَصْرَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ ﴿۲۱۴﴾

آیا پنداشتید ای مردمان که درآئید به بهشت حال آنکه هنوز پیش نیامده است شمارا حالت آنانکه گذشتند پیش ازشما رسیدبایشان سختی و محنت و جنبانیده شدند تاآنکه می گفت پیغامبر وکسانیکه ایمان آوردند باوی کی باشد یاری دادن خدا آگاه شوید که هرآئینه یاری دادن

(١) یعنی پیش از آمدن هرپیغامبر متفق بودند بایك دیگر دردینِ او اختلاف نداشتند .
(٢) یعنی دراصول مختلف می شوند .
(٣) حاصل آنست که سُنة الله جاری شده است بآنکه بعد بعثت هر پیغامبر درامت دعوت اختلاف واقع می شود ازان تنگدل نبایدشد والله اعلم .

خدا نزدیك است (۲۱٤) .

يَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ ۖ قُلْ مَآ أَنْفَقْتُمْ مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۗ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللّٰهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿۲۱۵﴾

سوال می کنندترا که چه چیزرا خرج کنند بگو آنچه خرج کردید ازمال پس مادر و پدر را باید و خویشاوندان و یتیمان و درویشان ومسافران را و آنچه کنید ازنیکی پس هر آئینه خدا بوی داناست (۲۱۵) .

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ ۖ وَعَسٰى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْـًٔا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ وَعَسٰى أَنْ تُحِبُّوا شَيْـًٔا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ۗ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۱۶﴾

لازم کرده شد برشما جنگ وآن دشواراست شمارا و شاید که شماناخوش داریدچیزی راحال آنکه وی بهتر باشدشمارا وشاید که دوست دارید چیزی را حال آنکه وی بدباشدشمارا وخدا میداند وشمانمی دانید (۲۱٦) .

يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ ۖ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ ۖ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ وَكُفْرٌۢ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللّٰهِ ۚ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ ۗ وَلَا يَزَالُونَ يُقٰتِلُونَكُمْ حَتّٰى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطٰعُوا ۚ وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولٰٓئِكَ حَبِطَتْ أَعْمٰلُهُمْ فِي

سوال می کنند ترا ازماه حرام از جنگ کردن درآن(۱) بگو جنگ کردن دروی سخت کاری است و باز داشتن ازراه خدا وناگرویدن بخدا و باز داشتن از مسجد حرام وبیرون کردن اهل این مسجد ازوی سخت تر است نزدیك خدا وفتنه انگیختن (۲) سخت تر است ازکشتن (۳) وهمیشه باشند که جنگ می

---

(۱) یعنی رجب، ذی القعده و ذی الحجه و محرم که درشریعت حضرت ابراهیم جنگ کردن درین ماه ها حرام بود پس سوال کردند که در شریعت محمدیه حکم تحریم باقی مانده یانه ؟ الله اعلم .

(۲) یعنی ترویج شرك .

(۳) حاصل جواب آنست که قتال کفار جائز است و تحریم قتالِ مسلمین مغلظه میشود والله اعلم .

الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ۚ وَاُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿۲۱۷﴾

کنند باشما تاآنکه بازگردانند شمارا ازدین شما (یعنی از اسلام)اگر توانند وهرکه برگردد ازشما ازدین خود پس کافر بمیرد آن گروه نابود شد کارهای ایشان دردنیا و آخرت وایشانند باشندگان دوزخ ایشان درآنجا جاویدند (۲۱۷) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِيْنَ هَاجَرُوْا وَجٰهَدُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۙ اُولٰٓئِكَ يَرْجُوْنَ رَحْمَتَ اللّٰهِ ؕ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۲۱۸﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وآنانکه هجرت کردند وجهادنمودند در راه خدا آن گروه امیدوارند بخشایش خدا را وخدا آمرزندۂ مهربان ست (۲۱۸) .

يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ؕ قُلْ فِيْهِمَآ اِثْمٌ كَبِيْرٌ وَّمَنَافِعُ لِلنَّاسِ ۫ وَاِثْمُهُمَآ اَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا ؕ وَيَسْـَٔلُوْنَكَ مَاذَا يُنْفِقُوْنَ ۬ؕ قُلِ الْعَفْوَ ؕ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُوْنَ ﴿۲۱۹﴾

سوال می کنند ترا ازشراب و قمار بگو درین هردوگناه بزرگ است و نفع هاست مردمان را (یعنی دردنیا) وگناه این هر دو بزرگ تر است از نفع آنها[۱] و سوال می کنند ترا چه چیز خرج بکنند بگوخرج کنید زیاده را[۲] هم چنین بیان می کند خدا برای شما آیت ها را تاباشدکه تأمل کنید (۲۱۹) .

فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ؕ وَيَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الْيَتٰمٰى ؕ قُلْ اِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ ؕ وَاِنْ تُخَالِطُوْهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ ؕ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ ؕ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَاَعْنَتَكُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿۲۲۰﴾

در مصلحتِ دنیا و آخرت وسوال می کنندترا از یتیمان بگو بصلاح آوردن کار ایشان بهتر است[۳] واگر مشارکت کنید بایشان پس ایشان برادران شمایند و خدا میداند تباه کاررا از صلاح کار واگر خدا می‌خواست سخت می‌گرفت شمارا هر آئینه

---

(۱) یعنی حرام اندو به منافع التفات نه بایدکرد والله اعلم .

(۲) یعنی ازحاجت ضروری .

(۳) یعنی بغیر شرکت .

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكٰتِ حَتّٰى يُؤْمِنَّ ۚ وَلَاَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَّلَوْ اَعْجَبَتْكُمْ ۚ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِيْنَ حَتّٰى يُؤْمِنُوْا ۚ وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَّلَوْ اَعْجَبَكُمْ ۚ اُولٰٓئِكَ يَدْعُوْنَ اِلَى النَّارِ ۚ وَاللّٰهُ يَدْعُوْٓا اِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِاِذْنِهٖ ۚ وَيُبَيِّنُ اٰيٰتِهٖ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿۲۲۱﴾

خدا غالب استوار کاراست (۲۲۰).

وبزنی مگیرید زنان مشرك را تاآنکه ایمان آرند و هر آئینه کنیز مسلمان بهتر است اززن مشرك اگر چه بشگفت آورده باشد شمارا و بزنی مدهید به مشرکان تاآنکه ایمان آرند (یعنی زنانِ مومنه را) و هر آئینه غلام مسلمان بهتر است از مشرك ا گرچه به شگفت آورده باشد شمارا[۱] گروه مشرکان می خوانند به سوی دوزخ وخدا می خواند بسوی بهشت و بسوی آمرزش بقدرت خود وبیان می کند آیتهای خودرا برای مردمان تاباشدکه پندپذیر شوند (۲۲۱)

وَيَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الْمَحِيْضِ ۚ قُلْ هُوَ اَذًى ۙ فَاعْتَزِلُوا النِّسَآءَ فِي الْمَحِيْضِ ۙ وَلَا تَقْرَبُوْهُنَّ حَتّٰى يَطْهُرْنَ ۚ فَاِذَا تَطَهَّرْنَ فَاْتُوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ اَمَرَكُمُ اللّٰهُ ۚ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ التَّوَّابِيْنَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِيْنَ ﴿۲۲۲﴾

و سوال می کنند ترا از حیض بگو که وی نجاست است پس یکسو شوید اززنان درحال حیض و نزدیکی مکنید بایشان تاآنکه پاك شوند پس چون نیك پاك شدند[۲] پس نزدیکی کنید باایشان ازآن راه که مباح کرده است شمار خدا (یعنی در قُبُلْ) هر آئینه خدا دوست میدارد توبه کنندگان را و دوست میدارد پاك شوندگان را (۲۲۲).

نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ ۪ فَاْتُوْا حَرْثَكُمْ اَنّٰى شِئْتُمْ ۫ وَقَدِّمُوْا لِاَنْفُسِكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّكُمْ مُّلٰقُوْهُ ۚ وَبَشِّرِ

زنانِ شما کشت زارِ شمایند پس بیائید به کشت زار خویش هر روش که خواهید[۳]

---

(۱) یعنی هربنده از بندگان خداکه مومن باشد وهرکنیز از کنیز های‌خدا که مومنه باشد بهتر است ازمشرك و مشرکه والله اعلم .

(۲) یعنی غسل بجاآرند .

(۳) یعنی بهرگونه که بخواهید می‌توانید جماع کردن (نزدیکی باهمسران خود) یعنی =

الْمُؤْمِنِیْنَ ﴿۲۲۳﴾

وپیش فرستید یعنی اعمال صالحه را برای خویشتن و بترسید ازخدا و بدانید که شما باوی ملاقات خواهیدکرد و بشارت ده مسلمانان را (۲۲۳) .

وَلَا تَجْعَلُوا اللّٰهَ عُرْضَةً لِّاَیْمَانِكُمْ اَنْ تَبَرُّوْا وَتَتَّقُوْا وَتُصْلِحُوْا بَیْنَ النَّاسِ ۗ وَاللّٰهُ سَمِیْعٌ عَلِیْمٌ ﴿۲۲۴﴾

ومکنید نام خدا را آماج برای سوگندان خویش برای اینکه نیکوکاری کنید و پرهیزگاری نمائید و صلاح آرید درمیانِ مردمان وخدا شنوای داناست[1] (۲۲٤) .

لَا یُؤَاخِذُكُمُ اللّٰهُ بِاللَّغْوِ فِیْۤ اَیْمَانِكُمْ وَلٰكِنْ یُّؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوْبُكُمْ ۗ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ حَلِیْمٌ ﴿۲۲۵﴾

موآخذه نمی کند شمارا خدا به بیهوده گوئی درسوگند های شما[2] ولیکن مواخذه می کند شمارا بآنچه که قصد کرده است دل های شما و خداآمرزندهٔ بردباراست (۲۲۵) .

لِلَّذِیْنَ یُؤْلُوْنَ مِنْ نِّسَآئِهِمْ تَرَبُّصُ اَرْبَعَةِ اَشْهُرٍ ۚ فَاِنْ فَآءُوْ فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ ﴿۲۲۶﴾

مرآنکسان راکه ایلامی کنند اززنان خویش[3] انتظار کردن چهار ماه است پس ا گر باز گشتند یعنی ازین سوگند پس هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربانست (۲۲٦) .

وَاِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَاِنَّ اللّٰهَ سَمِیْعٌ عَلِیْمٌ ﴿۲۲۷﴾

وا گر قصد کردند جدائی راپس هر آئینه خدا شنوای داناست (۲۲۷) .

وَالْمُطَلَّقٰتُ یَتَرَبَّصْنَ بِاَنْفُسِهِنَّ ثَلٰثَةَ قُرُوْٓءٍ ۗ وَلَا یَحِلُّ

وآن زنان که طلاق داده شد ایشان را انتظار سه حیض یاسه طهر کنانند خویشتن را وجائز نیست ایشان را اینکه

= غلطانده و ازپس پشت وغیرآن به شرط آنکه در قُبُل باشد (یعنی در مکان معروف) .

(۱) یعنی سوگند برای موقوف کردن کارنیك جائزنیست .

(۲) یعنی لاوالله و بلی والله بغیر قصدگوید غلط دانسته سوگند خورد علی اختلاف المذهبین والله اعلم .

(۳) یعنی قسم می‌خورند که جماع نکنند .

لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَٰلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٨﴾

پنهان كنندآنچه خدا آفريده است در رحمهاى ايشان (يعنى ولد وحيض) اگر ايمان آورده اند بخدا و روز بازپسين وشوهران ايشان سزاوار تراند به بازآوردن ايشان درحباله خود درين مدت اگر خواهند نيكوكارى وزنان را هست مانند آنچه برزنان است بوجه پسنديده[1] ومردان راهست برايشان بلندى يعنى فرمانروائى وخدا غالب استوار كا راست (٢٢٨) .

الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٢٩﴾

طلاق (رجعى) دوباراست پس ازآن يانگاه داشتن ست بخوش خوئى يارها كردن به نكوئى وحلال نيست شمارا كه بگيريد چيزى راازآنچه داده ايدزنان را[2] مگرآنگاه كه بترسند مرد و زن كه برپا نتوانند داشت احكام خدارا[3] پس اگر بترسيد اى مسلمانان ازآنكه برپاندارند اين هر دو احكام خدارا پس گناه نيست برايشان درآنچه عوض خود داد زن، اين حدهامقرر كرده خداست پس بيرون مرويد ازآنها وهركه بيرون رود ازحدود خدا پس آن گروه ايشانند ستمگاران (٢٢٩) .

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ

پس اگرطلاق داد (يعنى بارسوم) پس هرگز حلال نمى شود اين زن آن مرد را تا آنكه درآيد به نكاح شوهر ديگر (يعنى

---

(١) يعنى زنان را برمردان حق است چنانچه مردان را برزنان حق است .

(٢) يعنى حلال نيست كه بدل طلاق از مهر بگيرد .

(٣) يعنى در معاشرت .

يَّتَرَاجَعَآ اِنْ ظَنَّآ اَنْ يُّقِيْمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ ؕ وَتِلْكَ
حُدُوْدُ اللّٰهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ﴿۲۳۰﴾

اودخول کند) پس اگر طلاق دادش این
شوهر دیگر پس گناه نیست برآن هر دو
در آنکه بازگردند بنکاح باهم اگر بدانند
که برپامی توانند داشت احکام خدارا
واین حدودِ خداست بیان میکندآن
حدودرا برای قومی که میداند (۲۳۰) .

وَاِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ فَبَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ
فَاَمْسِكُوْهُنَّ بِمَعْرُوْفٍ اَوْ سَرِّحُوْهُنَّ بِمَعْرُوْفٍ ۪
وَلَا تُمْسِكُوْهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوْا ۚ وَمَنْ يَّفْعَلْ
ذٰلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهٗ ؕ وَلَا تَتَّخِذُوْٓا اٰيٰتِ اللّٰهِ
هُزُوًا ؗ وَّاذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَمَآ اَنْزَلَ
عَلَيْكُمْ مِّنَ الْكِتٰبِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهٖ ؕ وَاتَّقُوا
اللّٰهَ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿۲۳۱﴾

چون طلاق دادید زنان را پس رسید ند
به میعاد خود[۱] پس نگاه دارید ایشان را
به نکوئی یارها کنید ایشان را به نکوئی
ونگـــاه مـــداریـــد ایشـــان را بـــرای
ضرررسانیدن تا ستم کنید وهر که این
کند پس هر آئینه ستم کردبرخود ومگیرید
آیت های خدارا تمسخر ویادکنید نعمت
خدارا برخویش وآنچه فرود آورد برشما
ازکتاب وعلم که پندمیدهدشمارا بآن و
بترسید از خدا وبدانید که خدا بهر چیز
داناست (۲۳۱) .

وَاِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ فَبَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَلَا
تَعْضُلُوْهُنَّ اَنْ يَّنْكِحْنَ اَزْوَاجَهُنَّ اِذَا تَرَاضَوْا
بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوْفِ ؕ ذٰلِكَ يُوْعَظُ بِهٖ مَنْ
كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ؕ
ذٰلِكُمْ اَزْكٰى لَكُمْ وَاَطْهَرُ ؕ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ
وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿۲۳۲﴾

وچون طلاق دادیدزنان را پس رسیدند به
میعاد خود[۲] پس منع مکنید ایشان را
ازآنکه نکاح کنند باشوهران خویش[۳]
وقتیکه بایك دیگر راضی شدند درمیان
خویش به روش پسندیده این حکم
پندداده میشود بآن هر کسی را که مومن
باشدازشما بخدا وروز قیامت واین

---

(۱) یعنی نزدیك رسیدند بانقضاعدّت .
(۲) یعنی عدتّ منقضی شد .
(۳) یعنی باشوهران سابق خود یاشوهران دیگرکه بایشان رغبت پیدا کردند .

کارخوشتراست وپاکیزه تر وخدا می داند وشمانمی دانید (۲۳۲) .

وَالْوَالِدٰتُ يُرْضِعْنَ اَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ اَرَادَ اَنْ يُّتِمَّ الرَّضَاعَةَ ؕ وَعَلَى الْمَوْلُوْدِ لَهٗ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ ؕ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ اِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَا تُضَآرَّ وَالِدَةٌ ۢ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُوْدٌ لَّهٗ بِوَلَدِهٖ ۚ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذٰلِكَ ۚ فَاِنْ اَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ؕ وَاِنْ اَرَدْتُّمْ اَنْ تَسْتَرْضِعُوْۤا اَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِذَا سَلَّمْتُمْ مَّاۤ اٰتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوْفِ ؕ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْۤا اَنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ (۲۳۳)

ومادران باید که شیردهند فرزندان خویش رادوسال تمام این حکم آن راست که خواهد تمام کردن مدت شیر را وبر پدر نفقه و پوشاك این زنان شیرده است بوجه پسندیده تکلیف داده نمی شود برهیچ کس الاقدرتوانائی او رنج نبایدداد مادر را بسبب فرزند وی ونه پدررا بسبب فرزند وی ولازم است بروصی مانندابن پس اگر بخواهند مادر و پدر ازشیر بازگرفتن (یعنی پیش ازدوسال) بعد رضامندی میان یکدیگر و مشورت کردن بایکدیگر پس هیچ گناه نیست برایشان وا گر خواهید که دایه گیرید برای فرزندان خویش پس هیچ گناه نیست برشما چون تمام تسلیم نمودید آنچه دادنش را مقررکردید بخوش خوئی وبترسید ازخدا وبدانید که خدا به آنچه می کنید بیناست (۲۳۳) .

وَالَّذِيْنَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُوْنَ اَزْوَاجًا يَّتَرَبَّصْنَ بِاَنْفُسِهِنَّ اَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ وَّعَشْرًا ۚ فَاِذَا بَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيْمَا فَعَلْنَ فِيْۤ اَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوْفِ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ (۲۳۴)

وکسانی که بمیرند ازشما وبگذارند زنان را بایدکه انتظارکنانداین زنان خویشتن را چهارماه و ده روز پس چون رسید ند به میعاد[1] خویش پس گناه نیست برشما درآنچه کردند درحق خویشتن بوجه پسندیده یعنی نکاح بطور شرع وخدا

(۱) یعنی به انقضاء عدّت .

بآنچه می کنید آ گاه ست (٢٣٤) .

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَٰكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٣٥﴾

ونیست گناه برشما درسخنی که کنایت کردید بوی ازخواستگاری زنان یعنی درمیان عدّت یا پنهان داشتید دردلهای خود دانست خداکه شما یاد خواهید کرداین زنان را یعنی آشکارا بعد از عدّت ولیکن وعده ندهید بایشان نکاح را به پنهانی مگر آنکه گوئید سخنی پسندیده را یعنی بکنایت وقصد مکنید عقد نکاح را تاآنکه رسد میعاد مقرر به نهایتِ خود وبدانید که خدامی‌داند آنچه دردلهای شماست پس بترسید ازوی وبدانید که خدا آمرزنده بُردباراست (٢٣٥) .

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٣٦﴾

هیچ گناه نیست برشما ا گر طلاق دادید زنان را درآن وقت که هنوزدست نرسانیده ایدبایشان یا معین نکرده اید برای ایشان مقداری[1] وبهره دهید این چنین مطلقات را[2] لازم است برتوانگر مقدار حال او بهره دادن وبرتنگدست مقدارحال اوبهره دادن بخوشخوئی لازم شده برنیکوکاران (٢٣٦) .

وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ

وا گر طلاق داده اید زنان را پیش ازآنکه دست رسانید بایشان ومعین کرده باشید برای ایشان مقداری پس لازم است نیمه آنچه معین کردید مگر آنکه ببخشندزنان

---

(١) یعنی مهر را .

(٢) یعنی پوشاك بدهید .

لَاتَنۡسَوُا الۡفَضۡلَ بَيۡنَكُمۡ اِنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعۡمَلُوۡنَ بَصِيۡرٌ ﴿۲۳۷﴾

یادرگذرد کسیکه بدست اوست عقد نکاح یعنی زوج حق خود گذاشته تمام دهد و آنکه درگذرید نزدیك تراست به پرهیزگاری وفراموش مکنید احسان کردن را درمیان خویش هر آئینه خدا بآنچه می کنید بیناست (۲۳۷) .

حَافِظُوۡا عَلَى الصَّلَوٰتِ وَالصَّلٰوةِ الۡوُسۡطٰى وَقُوۡمُوۡا لِلّٰهِ قٰنِتِيۡنَ ﴿۲۳۸﴾

پایبندیکنید برهمه نمازها وبرنماز میانه (یعنی خصوصًا برنماز عصر) بایستید برای خدا فرمان بردارند گان (۲۳۸) .

فَاِنۡ خِفۡتُمۡ فَرِجَالًا اَوۡ رُكۡبَانًا ۚ فَاِذَآ اَمِنۡتُمۡ فَاذۡكُرُوا اللّٰهَ كَمَا عَلَّمَكُمۡ مَّا لَمۡ تَكُوۡنُوۡا تَعۡلَمُوۡنَ ﴿۲۳۹﴾

پس ا گر ترسیدید یعنی از دشمن ومانند آن پس روان برپاهای خود نماز گذاریدیا سواره پس چون ایمن شوید پس یاد کنید خدارا چنانکه آموخته است شمارا آنچه نمی دانستید (۲۳۹) .

وَالَّذِيۡنَ يُتَوَفَّوۡنَ مِنۡكُمۡ وَيَذَرُوۡنَ اَزۡوَاجًا ۖۚ وَّصِيَّةً لِّاَزۡوَاجِهِمۡ مَّتَاعًا اِلَى الۡحَوۡلِ غَيۡرَ اِخۡرَاجٍ ۚ فَاِنۡ خَرَجۡنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِىۡ مَا فَعَلۡنَ فِىۡٓ اَنۡفُسِهِنَّ مِنۡ مَّعۡرُوۡفٍ ؕ وَاللّٰهُ عَزِيۡزٌ حَكِيۡمٌ ﴿۲۴۰﴾

وآنانکه قبض روح ایشان کرده شود ازشما و بگذارند زنان را لازم کرده شد برایشان وصیت کردن برای زنان خویش بآنکه بهره دهند ایشان را تایکسال بدون بیرون کردن پس ا گر بیرون روند پس گناه نیست برشما درآنچه کردند درحق خویشتن ازکار پسندیده یعنی نکاح بطور شرع و خدا غالب استوار کاراست[1] (۲٤۰) .

وَلِلۡمُطَلَّقٰتِ مَتَاعٌۢ بِالۡمَعۡرُوۡفِ ؕ حَقًّا عَلَى الۡمُتَّقِيۡنَ ﴿۲۴۱﴾

طلاق داده شدگانرا لازم است بهره مند ساختن بخوشخوئی یعنی نفقه وسکنی لازم کرده شد بر پرهیزگاران (۲٤۱) .

---

(۱) مترجم گوید این آیت نزدیك جمهور منسوخ است بآیت ﴿أربعة أشهروعشرا﴾ والله اعلم .

كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٤٢﴾

همچین بیان میکند خدا برای شمااحکامِ خودراتاباشد که شما بفهمید(۲٤۲) .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٢٤٣﴾

آیا نه دیدی ای بیننده بسوی کسا نیکه بیرون آمدندازخانه های خویش و ایشان هزاران بودندازبیم مرگ پس گفت ایشان را خدا بمیرید بازرنده گردانید ایشان را هر آئینه خدا صاحب بخشائش است برمردمان و لیکن اکثر ایشان سپاس نمی کنند (۲٤۳) .

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٤﴾

وجنگ کنید درراه خدا وبدانید که خدا شنوای‌داناست (۲٤٤) .

مَّن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾

کیست آنکه وام دهد خدارا وام دادن نیك پس چندبرابر سازد خدا آن مال را برای اوبمراتب بسیار و خدا تنگ می سازد وکشاده می کند روزی راو بسوی اوبازگردانیده شوید (۲٤۵) .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ لَّهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُّقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِن دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٢٤٦﴾

آیانگاه نکردی بجمعی ازبنی اسرائیل بعد از موسیٰ چون گفتند مر پیغامبر خویش را که بر انگیز برای ما بادشاهی تاجنگ کنیم درراه خدا گفت پیغامبر آیا نزدیك هستید اگر واجب کرده شود بر شما جنگ این که جنگ نکنید گفتند وچه شده است مارا که جنگ نه کنیم درراه خدا وبتحقیق بیرون کرده شدیم ازخانه های خویش وجدا کرده شدیم ازفرزندان خویش پس آنگاه که واجب کرده شد بر ایشان جنگ رو گردانیدند مگراندکی از ایشان و خدا داناست به ستمگاران (۲٤٦) .

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللّٰهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ۚ قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ ۚ قَالَ إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ۖ وَاللّٰهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾

وگفت مرایشان را پیغامبرایشان هر آئینه خدا پادشاه مقررکرده است برای شما طالوت را گفتند چگونه باشد اورا پادشاهی برما وماسزاوار تریم به پادشاهی ازوی وداده نشده است وی رافراخی درمال گفت هر آئینه خدا برگزیده است اورابرشما وداده است اورا فراخی دردانش و افزونی دربدن وخدا می‌بخشد پادشاهی خودرا بهر که خواهد وخدا جواددانا است (۲٤۷) .

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾

وگفت ایشان را پیغامبرایشان هر آئینه نشان پادشاهی اوآنست که بیاید به شماصندوقی که درآن آرام دلست از پرورد گار شما وباقیمانده ازآنچه که گذاشتند آل موسیٰ و آل هارون برمیدارند اورا فرشتگان هر آئینه درین صورت نشانه است شمارا ا گر باوردارنده اید . (۲٤۸)

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللّٰهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ ۚ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ ۚ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ ۚ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو اللّٰهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ

پس چون جدا شد (یعنی ازوطن) طالوت بالشکرها گفت هر آئینه خدا آزمائش کننده است شمارا بجوئی پس هرکه بنوشدازآن جوی پس نیست ازآل من وهرکه نچشد آنرا پس اوازآل من است الاآنکه برداردیك کف آب بدست خود پس آشامیدند ازآن جوی مگراندکی ازایشان پس آنگاه که گذشتند ازجوی طالوت و مومنان همراه اوگفتند نوشنلگان نیست توانائی مارا امروز بمقابله جالوت و لشکر های او گفتند آنانکه می

غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ مَعَ الصّٰبِرِينَ ﴿٢٤٩﴾

که ایشان ملاقات خواهند کردباخدا بسا گروهِ اندك غالب شد برگروه بسیار باارادهٔ خدا وخدابا شکیبایانست (٢٤٩) .

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكٰفِرِينَ ﴿٢٥٠﴾

وآنگاه به میدان آمدند برای جنگ جالوت ولشکر های وی این صالحان گفتند ای پروردگار مابریزبرما شکیبائی ومحکم کن قدم های مارا و غلبه ده مارا برگروه ناگرویدگان (٢٥٠) .

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللّٰهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتٰىهُ اللّٰهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللّٰهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعٰلَمِينَ ﴿٢٥١﴾

پس شکست دادندآن کفار را بتوفیق خدا و کشت داود جالوت را ودادخدای تعالی داود را پادشاهی و علم وبیآموخت اورا ازآنچه میخواست و اگر نمی‌بود دور کردن خدا مردمان را گروهی را بدست گروهی هر آئینه تباه می‌شد زمین ولیکن خدا صاحب بخشائش است برعالم ها (٢٥١) .

تِلْكَ آيٰتُ اللّٰهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾

این هاآیات خداست میخوانیم آنرا برتو(ای محمد) براستی و هر آئینه تواز پیغامبرانی (٢٥٢) .

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلٰى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللّٰهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجٰتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنٰتِ وَأَيَّدْنٰهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنٰتُ وَلٰكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٣﴾

این پیغامبران فضل دادیم بعضی را ازایشان بر بعضی، ازایشان کسی هست که بااوسخن گفت خدا و بلند کرد بعضی را درمرتبه ها ودادیم عیسیٰ پسر مریم را معجزه ها وقوت دادیم اورا بروح القدس و اگر می‌خواست خدا بایکدیگر قتال نمی کردند آنانکه پس ازایشان بودند پس ازآنکه آمد بایشان حجت ها ولیکن اختلاف کردند پس ازایشان کسی هست که ایمان آورد واز ایشان کسی هست که

کافرشده واگرمی‌خواست خدابایکدیگر نمی جنگیدند ولیکن خدا میکند آنچه می خواهد (٢٥٣) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيْهِ وَلَا خُلَّةٌ وَّلَا شَفَاعَةٌ ۭ وَالْكٰفِرُوْنَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿٢٥٤﴾

ای مسلمانان خرج کنید ازآنچه روزی دادیم شمارا پیش ازآنکه بیاید روزی که خرید و فروش نیست درآن روز ونه دوستی ونه سفارش و کافران ایشانند ظالمان (٢٥٤) .

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ اَلْحَيُّ الْقَيُّوْمُ ڬ لَا تَاْخُذُهٗ سِـنَةٌ وَّلَا نَوْمٌ ۭ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۭ مَنْ ذَا الَّذِيْ يَشْفَعُ عِنْدَهٗٓ اِلَّا بِاِذْنِهٖ ۭ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَھُمْ ۚ وَلَا يُحِيْطُوْنَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهٖٓ اِلَّا بِمَا شَاۗءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِـيُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ ۚ وَلَا يَـــُٔـــوْدُهٗ حِفْظُهُمَا ۚ وَھُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ ﴿٢٥٥﴾

خدا آنست که هیچ معبود برحقی نیست بجزوی زندهٔ تدبیر کنندهٔ عالم نمی گیرد او را (پینکی) یعنی خواب سبك ونه خواب اوراست آنچه درآسمانهاست وآنچه در زمین است کیست آنکه شفاعت کند نزد اوالابحکم او میداند آنچه پیش دست ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است وفرانمیگیرند مردمان از معلومات حق چیزی را مگر بآنچه وی خواسته است فرا گرفته است کرسی اوآسمان ها و زمین را و گران نمی شود بروی نگهبانی این هردو واو بلند مرتبهٔ بزرگ قدراست (٢٥٥) .

لَآ اِكْرَاهَ فِي الدِّيْنِ ڐ قَدْ تَّبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۚ فَمَنْ يَّكْفُرْ بِالطَّاغُوْتِ وَيُؤْمِنْۢ بِاللّٰهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى ۤ لَا انْفِصَامَ لَهَا ۭ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿٢٥٦﴾

نیست جبرکردن برای دین[1] هر آئینه ظاهر شده است راه یابی ازگمراهی پس هرکه منکر طاغوت شود (یعنی معبودان باطل) وایمان آرد بخدا پس هر آئینه

(١) یعنی حجت اسلام ظاهر شدپس گویاجبر کردن نیست ا گر چه فی الجمله به صبر باشد والله اعلم .

چنگ زده است بدست آویزی محکم که نیست گسستن آنرا وخدا شنوای داناست (٢٥٦) .

اَللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يُخْرِجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ ۗ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَوْلِيٰٓـئُهُمُ الطَّاغُوْتُ يُخْرِجُوْنَهُمْ مِّنَ النُّوْرِ اِلَى الظُّلُمٰتِ ۗ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٢٥٧﴾

خداکارسازِ مومنان است بیرون می آرد ایشانرا ازتاریکی ها بسوی روشنی وآنانکه کافراند کارسازانِ ایشان طاغوت است (یعنی معبودان باطل) بیرون می آرند ایشان را از روشنی بسوی تاریکی ها این جماعت باشندگان دوزخنداایشان درآنجا جاویدند (٢٥٧) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْ حَآجَّ اِبْرٰهٖمَ فِيْ رَبِّهٖٓ اَنْ اٰتٰىهُ اللّٰهُ الْمُلْكَ ۘ اِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّيَ الَّذِيْ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ ۙ قَالَ اَنَا اُحْيٖ وَاُمِيْتُ ۗ قَالَ اِبْرٰهٖمُ فَاِنَّ اللّٰهَ يَاْتِيْ بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَاْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِيْ كَفَرَ ۗ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٢٥٨﴾

آیاندیدی بسوی کسی که مکابره کرد باابراهیم دربارۂ پروردگار او بخاطر آنکه داد او را خدا پادشاهی (یعنی نمرود) چون گفت ابراهیم پروردگار من آنست که زنده میکندومی میراند گفت آن کافرمن زنده می کنم ومی میرانم[1] گفت ابراهیم پس هر آئینه خدا می آرد خورشید را از مشرق پس توبیار آن را ازطرف مغرب پس مغلوب شدکافر وخدا راه نمی نماید گروه ستمگاران را (٢٥٨) .

اَوْ كَالَّذِيْ مَرَّ عَلٰى قَرْيَةٍ وَّهِيَ خَاوِيَةٌ عَلٰى عُرُوْشِهَا ۚ قَالَ اَنّٰى يُحْيٖ هٰذِهِ اللّٰهُ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ فَاَمَاتَهُ اللّٰهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهٗ ۗ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ ۗ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا

یامانندآن شخصی که گذشت بردهی ووی افتاده بود برسقفهای خود[2] گفت چگونه زنده کند این را خدا بعد از مردن آن

---

(١) یعنی به ستم مستحق کشتن رامی گذارم و کسی را که مستحق کشتن نیست می کشم والله اعلم .

(٢) مترجم گوید آن شخص عزیربود .

أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾

پس میراند اورا خدای تعالی صدسال بعد ازآن برانگیختش گفت چه قدر درنگ کردی گفت درنگ کردم یك روز یا پاره ای ازروز گفت بلکه درنگ کردی صدسال پس نگاه کُن به سوی طعام خود وآشامیدنی خود که متغیر نشده ونگاه کُن بسوی الاغ خود ومی خواهیم که گردانیم ترانشانه ای برای مردمان ونگاه کُن بسوی استخوانها چگو نه به حرکت درمی آوریم آن رابعد ازآن می پوشانیم برآن گوشت راپس چون واضح شدش این حال گفت به یقین می دانم خدا برهمه چیز تواناست (٢٥٩) .

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِن قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾

وآنگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بنما مرا چگونه زنده می کنی مردگان را گفت خدا آیا باور نداری گفت آری باور داشته ام لیکن می خواهم که آرام گیرد دل من[1] گفت خدا پس بگیر چهارعدد از پرندگان پس بهم آورهمه را نزدیك خود قطعه قطعه بعد ازآن بگذار برهر کوهی پاره ای ازیشان بعد ازآن ندا کن ایشان را البته بیایند پیش توشتابان وبدان که خدا غالب استوار کار است (٢٦٠) .

مَّثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ

صفت آنانکه خرج می کنند اموال خودرا درراه خدا مانند صفت یك دانه است که برویاند هفت خوشه رادرهرخوشه صد

(١) یعنی عین الیقین میخواهم والله اعلم .

وَاللَّهُ يُضٰعِفُ لِمَنْ يَّشَآءُ ؕ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ﴿٢٦١﴾

دانه است و خدا چندبرابرمی دهد هرکرا خواهد وخداجوادداناست (٢٦١) .

اَلَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُوْنَ مَاۤ اَنْفَقُوْا مَنًّا وَّلَاۤ اَذًى ۙ لَّهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿٢٦٢﴾

آنانکه خرج می کنند اموال خودرا درراه خدا بازازپی آن انفاق نمی آرند منّت نهادن را و نه ایذارسانیدن را ایشانراست مزدایشان نزد پروردگار ایشان نیست ترس برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (٢٦٢) .

قَوْلٌ مَّعْرُوْفٌ وَّمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَّتْبَعُهَاۤ اَذًى ؕ وَاللّٰهُ غَنِىٌّ حَلِيْمٌ ﴿٢٦٣﴾

سخن ملائم گفتن ودرگذشتن[١] بهتر است ازآن خیرات که ازپی آن آزرده کردن باشد و خدا بی نیاز بُردباراست (٢٦٣) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُبْطِلُوْا صَدَقٰتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْاَذٰى ۙ كَالَّذِىْ يُنْفِقُ مَالَهٗ رِئَآءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ؕ فَمَثَلُهٗ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَاَصَابَهٗ وَابِلٌ فَتَرَكَهٗ صَلْدًا ؕ لَا يَقْدِرُوْنَ عَلٰى شَىْءٍ مِّمَّا كَسَبُوْا ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٢٦٤﴾

ای مومنان تباه مکنید خیرات خودرا به منت نهادن و آزرده کردن همچوکسیکه خرج می کند مال خود رابرای نمودن مردمان وایمان ندارد بخدا و روزقیامت پس صفت او مانند صفت سنگ صاف است که بروی باشداندك خاکی پس رسید بوی بارانی عظیم پس گذاشت اوراسخت وصاف مانده، توانائی ندارند اهل ریا برچیزی ازآنچه عمل کردند وخدا راه نمی نماید گروه کافران را[٢] (٢٦٤) .

---

(١) ازبی ادبی سائل .

(٢) مترجم گوید حاصل این مثل آنست که عمل منان و مرائی دردنیا می‌نماید که عمل است و در آخرت نابود میشود و هیچ فائده نمی دهد چنانکه برسنگی خاك افتاده باشدو بظاهر چنان می نماید که قابل زراعت است و چون باران بارد محوشود والله اعلم .

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ
وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ
فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾

وصفت آنانکه خرج می کنند مال های خویش راازجهت طلب رضامندی خدا وبسبب اعتقاد ناشی ازدلِ خویش مانند صفت باغی است بمکان بلند که رسید بوی بارانی عظیم پس آورد میوهای خودرا دوچندان وا گر نمی رسید اورا باران عظیمی پس شبنم کفایت میکرد و خدا بآنچه می کنید بیناست[1] (٢٦٥) .

أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ
وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا
إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ
لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾

آیا دوست میدارد یکی ازشماکه باشد اورا باغی ازدرختانِ خرماوانگور می رود زیرآن جویها مراورا هست درآن باغ هر جنس ازمیوها ورسیده باشد اورا کلان سالی و باشد اورا اولاد ناتوان پس درین حالت رسید آن باغ را گردبادی که درآن آتش است پس پاك بسوخت همچنین واضح می سازد خدا برای شما آیتها را تاباشد که تأمل کنید[2] (٢٦٦) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا
أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ
تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا
فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾

ای مومنان خرج کنید ازپاکیزه های آنچه شما کسب کردید واز پاکیزه های آنچه بیرون آوردیم برای شما اززمین وقصد مکنید ناپاك را ازآن خرج میکنید آن را ونیستید گیرنده آن مگر وقتیکه چشم پوشی کنید در گرفتن آن وبدانید که خدا

---

(١) مترجم گوید حاصل این مثل آن ست که عمل اهل اخلاص فائده ها میدهداز سابقین باشد یا ازاصحاب یمین .

(٢) حاصل این مثل آن ست که عمل منان و مرائی دروقت شدت احتیاج نابود شود چنانکه بوستان این شخص دروقت شدت احتیاج به سوخت .

اَلشَّيْطٰنُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَآءِ ۚ وَاللّٰهُ يَعِدُكُمْ مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ﴿٢٦٨﴾

يُّؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَّشَآءُ ۚ وَمَنْ يُّؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ اُوْتِيَ خَيْرًا كَثِيْرًا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ اِلَّآ اُولُوا الْاَلْبَابِ ﴿٢٦٩﴾

وَمَآ اَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ اَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُهٗ ۗ وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ ﴿٢٧٠﴾

اِنْ تُبْدُوا الصَّدَقٰتِ فَنِعِمَّا هِيَ ۚ وَاِنْ تُخْفُوْهَا وَتُؤْتُوْهَا الْفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّاٰتِكُمْ ۗ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿٢٧١﴾

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدٰىهُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ ۗ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَيْرٍ فَلِاَنْفُسِكُمْ ۗ وَمَا تُنْفِقُوْنَ اِلَّا ابْتِغَآءَ وَجْهِ اللّٰهِ ۗ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَيْرٍ يُّوَفَّ اِلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تُظْلَمُوْنَ ﴿٢٧٢﴾

بی نیاز ستوده است (٢٦٧) .

شیطان وعده میدهد به شما تنگدستی را ومی فرماید به بی حیائی شمارا وخدا وعده می کند به شما آمرزش را ازجانب خود و نعمت دادن را وخدا جواد دانا است (٢٦٨) .

میدهدحکمت را هرکه را خواهد وهرکه داده شد اورا حکمت پس هر آئینه داده شدنیکوئی بسیار وپندپذیر نه می شوند مگر خداوندانِ خرد (٢٦٩) .

وآنچه خرج کردید ازخیرات ویالازم کردید برخود از نذری پس هر آئینه خدا میداند آنرا ونیست ستمگاران را هیچ یاری دهنده (٢٧٠) .

ا گر آشکار کنید خیرات را پس نیکو چیز است آن وا گر پنهان کنید آنرا وبدهید آن را به فقیران پس این بهتراست شمارا ودور سازد ازشما بعض گناهان شمارا وخدا بآنچه می کنید آ گاه است (٢٧١) .

لازم نیست برتو(ای محمد) هدایت ایشان[1] لیکن خدا هدایت می‌کند هرکرامی خواهد و آنچه خرج کردیدازمال پس نفع برای ذات شماست ولائق نیست که خرج کنید مگر برای طلب رضای خدا وآنچه خرج کردیداز مال به تمام رسانیده شود بسوی شما (یعنی ثواب) او، وشما ستم کرده نخواهید

(١) یعنی ایصال مطلوب الی الله .

شد (٢٧٢) .

لِلْفُقَرَآءِ الَّذِيْنَ اُحْصِرُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ ضَرْبًا فِي الْاَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ اَغْنِيَآءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيْمٰهُمْ لَا يَسْـَٔلُوْنَ النَّاسَ اِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَيْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ بِهٖ عَلِيْمٌ ﴿٢٧٣﴾

خیرات برای آن فقیرانست که بندکرده شدند در راهِ خدا[1] نمی توانند سفر کردن در زمین، توانگر می پندارد ایشان راناداں بسبب طمع نه کردن تومی شناسی ایشان را به قیافه ایشان سوال نمی کنند ازمردمان بالحاح وآنچه خرج کنید ازمال پس هر آئینه خدا بآن دانا است (٢٧٣) .

اَلَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَّعَلَانِيَةً فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿٢٧٤﴾

کسانیکه خرج می کنندامول خویش را شب وروز پنهان و آشکارا پس ایشان راست مُزدایشان نزد پروردگار ایشان ونیست ترس برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (٢٧٤) .

اَلَّذِيْنَ يَاْكُلُوْنَ الرِّبٰوا لَا يَقُوْمُوْنَ اِلَّا كَمَا يَقُوْمُ الَّذِيْ يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطٰنُ مِنَ الْمَسِّ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَالُوْٓا اِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبٰوا وَاَحَلَّ اللّٰهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبٰوا فَمَنْ جَآءَهٗ مَوْعِظَةٌ مِّنْ رَّبِّهٖ فَانْتَهٰى فَلَهٗ مَا سَلَفَ وَاَمْرُهٗٓ اِلَى اللّٰهِ وَمَنْ عَادَ فَاُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٢٧٥﴾

کسانیکه میخورند سودرا برنه خیزند یعنی از گور مگر چنانکه برمی خیزد کسی که دیوانه ساخت اورا شیطان به سبب آسیب رسانیدن، این بسبب آنست که سود خوران گفتندجزاین نیست که سودا گری مانند سود است وحالانکه حلال کرده است خدا سودا گری را و حرام ساخته سود را پس کسی که آمد بوی پند ازجانب پروردگاراو پس بازماند ازین کار پس اوراست آنچه گذشت و کاراو مفوض است بخدا[2] وهر که

---

(١) یعنی بسبب اشغال بجهاد کسب کردن نمی توانند والله اعلم .

(٢) یعنی سودی که قبل آیت تحریم گرفته بازگردانیدنش لازم نیست والله اعلم .

بازگشت بسود خوری[1] پس آن گروه باشندگان دوزخ اندایشان درآنجاجاویدند (۲۷۵) .

يَمْحَقُ اللّٰهُ الرِّبٰوا وَيُرْبِي الصَّدَقٰتِ ۗ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿۲۷۶﴾

نابودمی سازد خدا برکت سود را و افزون می سازد برکت خیرات را و خدا دوست ندارد هرناسپاس گنهگاررا (۲۷۶) .

إِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۲۷۷﴾

هر آئینه کسانیکه ایمان آورده اند وکردند کارهای شائسته وبرپاداشتند نمازرا ودادند زکوٰة را مرایشان راست مُزد ایشان نزدِ پروردگار ایشان ونیست ترس بر ایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (۲۷۷) .

يٰأَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبٰوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۲۷۸﴾

ای کسانیکه ایمان آوردید بترسید ازخدا وترك کنید آنچه مانده است ازسود ا گر هستید ازاهل ایمان (۲۷۸) .

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ ۚ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ ۚ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿۲۷۹﴾

پس ا گر نه کردید پس خبردار باشید به جنگی ازطرف خدا ورسول او وا گر توبه کردید پس شما راست اصل مال های شما نه شما ستم کنید ونه برشماستم کرده شود (۲۷۹) .

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلٰى مَيْسَرَةٍ ۚ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۲۸۰﴾

وا گر باشد مفلسی پس لازم است مهلت دادن تاتوانگری وآنکه خیرات کنید بهتر است شماراا گر هستید داننده (۲۸۰) .

وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللّٰهِ ۖ ثُمَّ تُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۲۸۱﴾

وبترسید ازآن روزکه باز گردانیده شوید درآن بسوی خدا پس تمام داده شود هر شخصی را آنچه عمل کرده است وایشان ستم کرده نه شوند(۲۸۱) .

---

(۱) یعنی بعد ازتحریم .

يَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوْهُ ؕ وَلْيَكْتُبْ بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌۢ بِالْعَدْلِ ۪ وَلَا يَاْبَ كَاتِبٌ اَنْ يَّكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللّٰهُ فَلْيَكْتُبْ ۚ وَلْيُمْلِلِ الَّذِىْ عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللّٰهَ رَبَّهٗ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْــًٔا ؕ فَاِنْ كَانَ الَّذِىْ عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيْهًا اَوْ ضَعِيْفًا اَوْ لَا يَسْتَطِيْعُ اَنْ يُّمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهٗ بِالْعَدْلِ ؕ وَاسْتَشْهِدُوْا شَهِيْدَيْنِ مِنْ رِّجَالِكُمْ ۚ فَاِنْ لَّمْ يَكُوْنَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَّامْرَاَتٰنِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَآءِ اَنْ تَضِلَّ اِحْدٰٮهُمَا فَتُذَكِّرَ اِحْدٰٮهُمَا الْاُخْرٰى ؕ وَلَا يَاْبَ الشُّهَدَآءُ اِذَا مَا دُعُوْا ؕ وَلَا تَسْـَٔـمُوْٓا اَنْ تَكْتُبُوْهُ صَغِيْرًا اَوْ كَبِيْرًا اِلٰٓى اَجَلِهٖ ؕ ذٰلِكُمْ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ وَاَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَاَدْنٰٓى اَلَّا تَرْتَابُوْٓا اِلَّآ اَنْ تَكُوْنَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيْرُوْنَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَلَّا تَكْتُبُوْهَا ؕ وَاَشْهِدُوْٓا اِذَا تَبَايَعْتُمْ ۪ وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٌ وَّلَا شَهِيْدٌ ؕ وَاِنْ تَفْعَلُوْا فَاِنَّهٗ فُسُوْقٌۢ بِكُمْ ؕ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ؕ وَيُعَلِّمُكُمُ اللّٰهُ ؕ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيْمٌ ﴿۲۸۲﴾

ای مومنان ا گرمعامله کنید بایکدیگر به وام دادن تامیعاد مقرر پس بنو یسید آن را وباید که بنویسد میان شما نویسنده بانصاف وسربازنزنند نویسنده ازآنکه نویسد چنانچه آموخته است اورا خدا پس بایدکه وی بنویسد واملاء کندآنکه وام بذمهٔ وی است وبایدکه بترسد ازخدا پروردگار خود و نقصان نکند ازآن وام چیزی را پس ا گر باشد کسیکه وام بذمهٔ وی است بی خرد یا ناتوان یا نمی تواند املاء کردن پس باید که املاء کند کارگذاراو بانصاف و گواه گیرید دوشاهد را ازمردان خویش[1] پس ا گر نه باشند دومرد پس یك مرد ودوزن کفایت است ازکسانیکه رضامند باشید از گواهان[2] تا ا گر فراموش کندیك زن یاد دهاند یکی دیگررا وباید که سرباز نه زنند گواهان آنگاه که طلبیده شوند ومانده مشوید ازآنکه نویسید حق را اندك باشد یابسیارتا میعاد وی این باانصاف تر است نزدِ خدا ودرست تر برای گواهی وقریب تر ازآنکه درشك نشوید مگر وقتیکه باشد آن معامله سوداگری دست بدست که دستگردان می کنید آن رامیان خویش پس نیست برشما گناه درآنکه نه نویسید آن را و گواه گیرید هر گاه که خرید و فروخت

(١) یعنی ازمسلمانان .

(٢) یعنی از مسلمانان امین متقی .

كنید وباید که رنج داده نشود نویسنده ونه گواه واگر بکنید این کار را پس هر آئینه این گناه است شمارا وبترسید از خدا ومی آموزدشمارا خدا وخدا بهر چیز داناست (٢٨٢) .

وَاِنْ كُنْتُمْ عَلٰى سَفَرٍ وَّلَمْ تَجِدُوْا كَاتِبًا فَرِهٰنٌ مَّقْبُوْضَةٌ ؕ فَاِنْ اَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِى اؤْتُمِنَ اَمَانَتَهٗ وَلْيَتَّقِ اللّٰهَ رَبَّهٗ ؕ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ ؕ وَمَنْ يَّكْتُمْهَا فَاِنَّهٗۤ اٰثِمٌ قَلْبُهٗ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ عَلِيْمٌ ﴿٢٨٣﴾

وا گر مسافر باشید ونیابید نویسنده را پس لازم است گروبدست آورده شده پس ا گر امین داند گروهی از شما گروهی را پس باید که اداکند آن کس که امین دانسته شد امانت خود را وباید که به ترسد از خدا پروردگار خود وپنهان نکنید گواهی را وهر که پنهان کند آن را پس هر آئینه گناهگار است دل او خدا بآنچه می کنید آ گاه است (٢٨٣) .

لِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ ؕ وَاِنْ تُبْدُوْا مَا فِىْۤ اَنْفُسِكُمْ اَوْ تُخْفُوْهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللّٰهُ ؕ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٢٨٤﴾

خدا راست آنچه در آسمان هاست وآنچه در زمین است وا گر آشکار کنید آنچه دردل شما است[1] یاپنهان دارید آنرا البته حساب آن بگیرد ازشما خدا پس بیامرزد کسی را که خواهد وعذاب کند کسی را که خواهد وخدا برهمه چیز تواناست (٢٨٤) .

اٰمَنَ الرَّسُوْلُ بِمَاۤ اُنْزِلَ اِلَيْهِ مِنْ رَّبِّهٖ وَالْمُؤْمِنُوْنَ ؕ كُلٌّ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَمَلٰٓئِكَتِهٖ وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ ۟ لَا نُفَرِّقُ

باور داشت پیغامبر آنچه فرودآورده شد بسوی اواز پروردگار اوومومنان نیز همه ایمان آوردند بخدا و فرشتگانِ اُو وکتاب های اُوو پیغامبران اُو و گفتند فرق نمی

---

(١) یعنی ازقسم نفاق و اخلاق وحسدو نصیحت ومثل آن نه از قسم حدیث نفس والله اعلم .

بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهٖ وَقَالُوْا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ ﴿٢٨٥﴾

گذاریم میان هیچ کسی ازپیغامبران او[1] وگفتند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم میخواهیم آمرزش توای پروردگار ماوبسوی تواست بازگشت (٢٨٥) .

لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَآ اِنْ نَّسِيْنَآ اَوْ اَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَآ اِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهٗ عَلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهٖ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلٰىنَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٢٨٦﴾

خدا واجب نمی کند برهیچ کس الامقدار طاقت او مراوراست آنچه عمل کرد و بروی باشد آنچه گناه کرد گفتند ای پروردگار مابعقوبت مگیر مارا اگر فراموش کنیم یا خطاکنیم ای پروردگار ماومنه برسرمابار گران چنانکه نهادی آنرا برکسانیکه پیش ازمابودند ای پروردگار ماومنه برسرماآنچه توانائی آن نیست مارا و درگذرازما وبیامرزمارا وبه بخشای مارا توئی خداوند ماپس غلبه ده مارابر گروه کافران (٢٨٦) .

سوره آل عمران مدنی است و آن دو صد آیت و بیست رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓمّٓ ﴿١﴾

الٓمّ (١) .

اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ ﴿٢﴾

خدا آن ذات است که نیست هیچ معبود برحقی مگر اوزندهٔ تدبیرکنندهٔ عالم است (٢) .

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَاَنْزَلَ التَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِيْلَ ﴿٣﴾

فرود آورد برتو کتاب را براستی باور دارندهٔ آنچه پیش دست وی است و فرود آورد تورات و انجیل را (٣) .

(١) یعنی بعض را معتقد و بعض رامنکرنمی باشیم .

مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ ۗ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿٤﴾

پیش ازین برای راه نمودن بمردمان و فرود آورد قرآن را هرآئینه کسانیکه کافر شدند بآیات خدا ایشانراست عذابِ سخت وخدا غالب صاحب انتقام است (٤) .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٥﴾

هر آئینه بر خدا پوشیده نمی شود چیزی در زمین ونه در آسمان (٥) .

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ ۚ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦﴾

او آنست که صورت می بندد شمارا در ارحام چنانچه خواهد نیست هیچ معبود برحق بجز اوغالب استوار کاراست (٦) .

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ ۖ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ ۗ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ ۗ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٧﴾

او آنست که فرود آورد برتو کتاب بعضی ازآن آیت های واضح است آنجمله اصل کتاب است وبعضی دیگر محتمل معانی باهم مشتبه پس اماکسانیکه دردل ایشان کجی است پیروی می کنند آنرا که متشابه است ازآن کتاب برای طلب فتنه وطلب تأویل آن ونمیداند مراد آن را مگر خدا و ثابت قدمان در علم می گویند ایمان آوردیم باین متشابه این همه از نزدِ پروردگار ماست و پندپذیر نمی شوند مگر خداوندان خرد (٧) .

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً ۚ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٨﴾

می گویند ای پروردگار ماکج مکن دلهای مارا بعد ازآنکه راه نمودی مارا وعطا کن برای مازنزد خود رحمت هر آئینه توئی عطا کننده (٨) .

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ

ای پروردگارما هرآئینه توجمع کنندهٔ مردمانی درآن روز که هیچ شک نیست

الْمِيْعَادَ ۝٩

درآن هر آئینه خدا خلاف نمیکند وعده را (٩) .

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَآ اَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا ۗ وَاُولٰٓئِكَ هُمْ وَقُوْدُ النَّارِ ۝١٠

هر آئینه آنانکه کافر شدند دفع نکند ازایشان اموال ایشان ونه اولاد ایشان از عذاب خدای تعالی چیزی را وایشانند آتش انگیز دوزخ (١٠) .

كَدَاْبِ اٰلِ فِرْعَوْنَ ۙ وَالَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۭ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا ۚ فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوْبِهِمْ ۭ وَاللّٰهُ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ۝١١

حال ایشان مانند حال آل فرعون است وآنانکه پیش ازایشان بودند دروغ داشتند آیاتِ مارا پس گرفت ایشانرا خدا بسبب گناهان ایشان وخدا سخت عقوبت است (١١) .

قُلْ لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا سَتُغْلَبُوْنَ وَتُحْشَرُوْنَ اِلٰى جَهَنَّمَ ۭ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝١٢

بگو کافران را که مغلوب خواهید شد وبرانگیخته خواهید شد بسوی دوزخ وبدجایگاه است او (١٢) .

قَدْ كَانَ لَكُمْ اٰيَةٌ فِيْ فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا ۭ فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَاُخْرٰى كَافِرَةٌ يَّرَوْنَهُمْ مِّثْلَيْهِمْ رَاْيَ الْعَيْنِ ۭ وَاللّٰهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهٖ مَنْ يَّشَاۗءُ ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّاُولِي الْاَبْصَارِ ۝١٣

بتحقیق هست شمارا نشانه درآن دو قوم که بهم آمدند[١] یك گروه جنگ میکرد در راه خدا و گروهِ دیگر کافر بودند می دیدند مسلمانان آن کافران را دو برابر خویش بدیدهٔ چشم وخدا قوت میدهد به نصرت خود هرکرا خواهد هر آئینه درین واقعه پندی هست خداوندانِ بصیرت را (١٣) .

زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوٰتِ مِنَ النِّسَاۗءِ وَالْبَنِيْنَ وَالْقَنَاطِيْرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْاَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ۭ ذٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ

آراسته کرده شده است برای مردمان دوستی آرزوهای نفس اززنان و فرزندان و خزانه های جمع ساخته اززر وسیم واسپانِ نشانمند ساخته وچهار پایان

(١) یعنی روزبدر والله اعلم .

وَاللّٰهُ عِنْدَهٗ حُسْنُ الْمَاٰبِ ﴿۱۴﴾

وزراعت، این ست بهرهٔ زندگانی دنیا و نزدِخداست بازگشتِ نیك (١٤).

قُلْ اَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذٰلِكُمْ ۭ لِلَّذِيْنَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنّٰتٌ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا وَاَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَّرِضْوَانٌ مِّنَ اللّٰهِ ۭ وَاللّٰهُ بَصِيْرٌۢ بِالْعِبَادِ ﴿۱۵﴾

بگو(ای محمد) آیا خبردهم شمارا بآنچه بهتر است ازین مرمتقیان را باشد نزد پروردگار ایشان بوستان ها می رود از زیرآن جویها جاوید باشندگان درآن و باشند زنانِ پاکیزه وباشند خوشنود از خدا و خدابیناست به بندگان (١٥).

اَلَّذِيْنَ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَآ اِنَّنَآ اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۱۶﴾

آنانکه می گویند ای پروردگارما هرآئینه ماایمان آوردیم پس بیامرزمارا گناهان ماو نگاهدار مارااز عذاب آتش (١٦).

اَلصّٰبِرِيْنَ وَالصّٰدِقِيْنَ وَالْقٰنِتِيْنَ وَالْمُنْفِقِيْنَ وَالْمُسْتَغْفِرِيْنَ بِالْاَسْحَارِ ﴿۱۷﴾

شکیبایان وراست گویان وفرمانبرداران وخرج کنندگان و آمرزش خواهندگان دراوقات سحر (١٧).

شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۙ وَالْمَلٰٓئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَآئِمًۢا بِالْقِسْطِ ۭ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿۱۸﴾

گواهی[(١)] دادخدا[(٢)] آنکه نیست هیچ معبود برحقی مگراو و گواهی دادند فرشتگان و خداوندانِ دانش درآن حال که خداتدبیر کنندهٔ عالم ست بعدل، نیست هیچ معبود برحقی مگر او غالب استوار کار است (١٨).

اِنَّ الدِّيْنَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ ۣ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ اِلَّا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًۢا

هر آئینه دین معتبر نزد خدا اسلام است و اختلاف نه کردند (یعنی درقبول اسلام)

---

(١) مترجم گوید ازینجا خدای تعالی شروع می فرماید درمناظره اهل کتابین و ردِّ شبهات ایشان و تعداد تحریفات ایشان واین قصه ممتداست تاقوله واذغدوت من اهلك.

(٢) یعنی آشکار ساخت.

بَيْنَهُمْ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾

اهل کتاب مگر بعد ازآنکه آمد بایشان دانش[1] ازروی حسد درمیان خویش وهرکه کافر باشد بآیت های خدا پس هر آئینه خدا زود گیرندهٔ حساب است (۱۹) .

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ ۗ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ ۚ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا ۖ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠﴾

پس ا گر مکابره کنند باتو (یا محمد) پس بگومنقاد ساختم روی خود را برای خدا وهر که پیروی من کرد نیز منقادساخت وبگو باهل کتاب وبناخوانندگان آیا اسلام آوردید پس ا گر اسلام آوردند به تحقیق راه یافتند وا گر روی گرانیدند پس جزاین نیست که برتوست پیغام رسانیدن وخدا بیناست به بندگان(۲۰) .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢١﴾

هر آئینه کسانیکه کافر می شوند بآیتهای خدا ومی کشند پیغامبران را بناحق ومی‌کشند آنان را که بعدل می‌فرمایند ازمردمان پس خبرده ایشانرا بعذاب درد دهنده (۲۱) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٢٢﴾

این گروه آنند که نابود شد عمل های ایشان در دنیا و آخرت ونیست ایشان را یاری دهنده (۲۲) .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾

آیاندیدی بسوی آنانکه داده شدند پاره ای ازعلم کتاب خوانده می شوند بسوی کتاب خدا تاحکم کند میان ایشان پس رومی گرداند گروهی از ایشان اعراض کنان (۲۳) .

---

(۱) یعنی حقیقت حال دانستند .

ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودٰتٍ ۖ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾

این بسبب آنست که ایشان گفتند هرگز نرسد بما آتش دوزخ مگر روزی چند شمرده شده و فریفت ایشان را در دین ایشان آنچه افترا میکردند (٢٤) .

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنٰهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٥﴾

پس چگونه بُوَد حال وقتیکه جمع کنیم ایشان را در روزی که هیچ شك نیست درآن و تمام داده شود هر شخصی را جزاء آنچه عمل کرده و ایشان ستم کرده نشوند (٢٥) .

قُلِ اللّٰهُمَّ مٰلِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ ۖ بِيَدِكَ الْخَيْرُ ۖ إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾

بگوبار الٰها ای خداوند پادشاهی میدهی پادشاهی هرکرا خواهی و بازمی گیری پادشاهی ازهر که خواهی و ارجمند می‌سازی هرکرا خواهی و خوار می سازی هرکرا خواهی بدست تست نیکی هر آئینه توبرهمه چیز توانائی[1] (٢٦) .

تُولِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ ۖ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ۖ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾

درمی آری شب را در روز ودرمی آری روزرا در شب و بیرون می آری زنده را از مرده و بیرون می آری مرده را از زنده و روزی میدهی هرکرا می خواهی بی‌شمار (٢٧) .

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكٰفِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللّٰهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقٰةً ۗ وَيُحَذِّرُكُمُ اللّٰهُ

بایدکه دوست نگیرند مسلمانان کافران را بجز اهل ایمان وهرکه این کند پس نیست درچیزی ازآن خدا[2] مگر آنکه دفع شرایشان کنید بنوعی ازحذر کردن

---

(١) مترجم گوید که درامراین دعا بشارت است به مغلوب شدن کافران ـ .

(٢) یعنی درعهد خدا نیست .

نَفْسَهٗ ۭ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيْرُ ﴿۲۸﴾

وبرحذر می‌دارد شمارا خدا از خود و بسوی خدا بازگشت است (۲۸) .

قُلْ اِنْ تُخْفُوْا مَا فِيْ صُدُوْرِكُمْ اَوْ تُبْدُوْهُ يَعْلَمْهُ اللّٰهُ ۭ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۭ وَاللّٰهُ عَلٰي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۲۹﴾

بگوا گر پنهان کنید آنچه درسینه های شماست یا آشکار کنیدش می داندآن را خدا و میداند آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و خدا برهمه چیز تواناست (۲۹) .

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا ۚ وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوْۗءٍ ۚ تَوَدُّ لَوْ اَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهٗٓ اَمَدًۢا بَعِيْدًا ۭ وَيُحَذِّرُكُمُ اللّٰهُ نَفْسَهٗ ۭ وَاللّٰهُ رَءُوْفٌۢ بِالْعِبَادِ ﴿۳۰﴾

آن روزیکه حاضر یابد هرکس آنچه عمل کرده است از نیکی وآنچه کرده است ازبدی دوست داردکه کاش بودی درمیان وی ودرمیان آن بدی مسافتی دور وبرحذ رمی دارد شمارا خدا ازخود و خدا بسیار مهربان است بربندگان (۳۰) .

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّوْنَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ يُحْبِبْكُمُ اللّٰهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوْبَكُمْ ۭ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۳۱﴾

(ای محمد) بگو اگر دوست می دارید خدارا پس پیروی من کنید تا دوست دارد شمارا خدا وبیامرزدشمارا گناهان شماو خدا آمرزندۀ مهربان است (۳۱) .

قُلْ اَطِيْعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ ۚ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْكٰفِرِيْنَ ﴿۳۲﴾

بگوفرمان برید خدارا و پیغامبر را پس اگر روگر دانند پس هر آئینه خدا دوست ندارد کافران را [1] (۳۲) .

اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰٓي اٰدَمَ وَنُوْحًا وَّاٰلَ اِبْرٰهِيْمَ وَاٰلَ عِمْرٰنَ عَلَي الْعٰلَمِيْنَ ﴿۳۳﴾

هر آئینه خدا بر گزید آدم را و نوح را و آل ابراهیم را و آل عمران را برعالمها (۳۳) .

ذُرِّيَّةًۢ بَعْضُهَا مِنْۢ بَعْضٍ ۭ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿۳۴﴾

درحالتیکه این جماعت نسلی بودند

---

(۱) مترجم گوید که نصاریٰ باحضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم درباب عیسیٰ علیه السلام گفتگو کردند حق سبحانه این آیات نازل ساخت بعد از نزول این آیتهانصاریٰ را بمباهله دعوت کردند همه عاجز شده جزیه قبول نمودند .

بعضی آن پیدا شده ازبعضی و خدا شنوای دانا است (٣٤) .

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرٰنَ رَبِّ إِنِّيْ نَذَرْتُ لَكَ مَا فِيْ بَطْنِيْ مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّيْ ۚ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿٣٥﴾

آنگاه که گفت زن عمران ای پرورد گار من هر آئینه من نیاز تو کردم آنچه درشکم من است آزاد کرده[1] پس قبول کن ازمن هر آئینه توئی شنوای‌دانا(٣٥) .

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّيْ وَضَعْتُهَا أُنْثٰى ۗ وَاللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ ۗ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثٰى ۚ وَإِنِّيْ سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّيْ أُعِيْذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ ﴿٣٦﴾

پس چون بزاد دخترا گفت ای پرورد گار من هر آئینه زادم این را دختر وخدا داناست بآنچه وی بزاد گفت آن زن ونیست پسر مانند دختر[2] و هر آئینه نامیدم اورا مریم و هر آئینه من درپناه تو می‌گذارم او را و نسل اورا ازشیطان ملعون (٣٦) .

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُوْلٍ حَسَنٍ وَّأَنْۢبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا ۙ وَّكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا ۚ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ ۙ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا ۚ قَالَ يٰمَرْيَمُ أَنّٰى لَكِ هٰذَا ۖ قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ۖ إِنَّ اللّٰهَ يَرْزُقُ مَنْ يَّشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾

پس قبول کرد مریم را پرورد گار اوبه قبول نیك وپالیده ساخت اورا پالیدن نیك وخبر گیر ساخت بروی زکریا را هرگاه داخل می‌شد زکریا برمریم در مسجد می‌یافت نزد اوروزی را[3] گفت ای مریم ازکجاست تراااین روزی گفت اواز نزدِ خداست هر آئینه خدا می‌دهد روزی هرکرا می خواهد بی شمار (٣٧) .

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهٗ ۚ قَالَ رَبِّ هَبْ لِيْ مِنْ لَّدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً ۚ إِنَّكَ سَمِيْعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٨﴾

آن وقت طلب کرد زکریاازپررود گار خود گفت ای پرورد گار من عطا کن مرا ازنزدِ

---

(١) یعنی ازخدمت والدین معاف داشته .

(٢) یعنی دختر خدمت بیت المقدس رانمی شاید .

(٣) یعنی میوهٔ زمستان درتابستان ومیوهٔ تابستان در زمستان .

خودنسل پاك هر آئينه تو شنواى دعائى (٣٨) .

فَنَادَتْهُ الْمَلَٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ الصَّٰلِحِينَ ﴿٣٩﴾

پس ندا كردند اورا فرشتگان واوايستاده بود نمازمى گذارد در عبادت گاه، كه خدا بشارت مى دهدترا به يحيى باشد باوردارنده كلمه ازجانب خدا[1] وسردار وپارسا و پيغامبرى ازنيكوكاران (٣٩) .

قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ ۖ قَالَ كَذَٰلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ ﴿٤٠﴾

گفت اى پروردگار من چگونه پيدا مى‌شود براى من فرزندى و رسيده است مراكلان سالى وزن من نازاهست، گفت همچنين خدا ميكند آنچه مى خواهد (٤٠) .

قَالَ رَبِّ اجْعَل لِّي آيَةً ۖ قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا ۗ وَاذْكُر رَّبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَٰرِ ﴿٤١﴾

گفت اى پروردگار من معّين كن براى من نشانى[2] فرمودكه نشان تو آنست كه سخن نه توانى گفت بامردمان سه روزمگر باشارت ويادكن پروردگار خودرابسيار و تسبيح بگوبه شام و صباح (٤١) .

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَىٰكِ عَلَىٰ نِسَآءِ الْعَٰلَمِينَ ﴿٤٢﴾

وآنگاه كه گفتند فرشتگان اى مريم هر آئينه خدا بر گزيدترا وپاك ساخت ترا وبر گزيدترا برزنان عالمها (٤٢) .

يَٰمَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّٰكِعِينَ ﴿٤٣﴾

اى مريم فرمانبردارى كن پرورد گار خودرا وسجده كن ونمازگذار بانماز گذاران (٤٣) .

ذَٰلِكَ مِنْ أَنۢبَآءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۚ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ

(اى محمد) اين ازخبرهاى غيب است وحى مي كنيم آنرا بسوى تو وتو نبودى

---

(١) يعنى عيسىٰ راباور دارد .

(٢) يعنى نشان حمل آن فرزند .

إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٤﴾

نزد آن قوم چون می انداختند قلمهای خویش را[1] تاکدام کس از ایشان خبر گیر مریم شود و نبودی نزد ایشان آنگاه که باهم منازعه می کردند (٤٤) .

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٥﴾

آنگاه که گفتند فرشتگان ای مریم هر آئینه خدابشارت می دهدترابه کلمه ای از جانب خود که نام اومسیح عیسیٰ پسر مریم است باآبرو دردنیا و آخرت واز مقرّبان بارگاه حضرت عزت است(٤٥) .

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٤٦﴾

وسخن گوید به مردمان در گهواره ووقت کهن سالی وباشد از شائستگان (٤٦) .

قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَٰلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٤٧﴾

گفت ای پروردگار من چگونه شود مرا فرزند ودست نرسانیده است بمن هیچ آدمی فرمود همچنین خدا پیدا میکند هرچه می خواهد چون سرانجام میکند کاری پس جزاین نیست که میگوید اورا که بشوپس میشود (٤٧) .

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿٤٨﴾

وبشارت دادکه می آموزد اورا خدا کتاب و دانش وتورات و انجیل را(٤٨) .

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾

و گرداند اورا پیغامبری بسوی بنی اسرائیل باین دعوی که آورده ام پیش شمانشانه ای ازپروردگار شما اینکه هر آئینه من می سازم برای شما از گِل مانندِ شکل پرنده پس می‌دَمَم درآن پس باشد پرنده ای به حکم خدا وبه می کنم کور مادرزاد را وبرص داررا (یعنی پیسی

(١) یعنی قرعه می انداختند .

را) وزنده می سازم مُرد گان رابه حکم خدا وخبر می دهم شمارا بآنچه میخورید وآنچه ذخیره می نهید درخانه های خود هر آئینه دراین کار نشانه است شمارا ا گر باور دارند ه اید (٤٩) .

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَلِاُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِيْ حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِاٰيَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿٥٠﴾

وآمده ام باور دارندۀ آنچه پیش دست من است از تورات و آمده ام تاحلال گردانم برای شما بعض آنچه حرام شده بود برشما وآوردم نزد شمانشانه از پرورد گار شما پس بتر سید ازخدا و فرمان من برید(٥٠) .

اِنَّ اللّٰهَ رَبِّيْ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ﴿٥١﴾

هر آئینه خدا پرورد گار من و پرورد گار شماست پس پرستش کنید اورااین است راه راست[1] (٥١) .

فَلَمَّآ اَحَسَّ عِيْسٰى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ اَنْصَارِيْٓ اِلَى اللّٰهِ قَالَ الْحَوَارِيُّوْنَ نَحْنُ اَنْصَارُ اللّٰهِ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَاشْهَدْ بِاَنَّا مُسْلِمُوْنَ ﴿٥٢﴾

پس آنگاه که دریافت عیسیٰ ازقوم خود کفررا گفت کیستند یاری دهند گان من بسوی خدا گفتند حواریان مائیم یاری دهند گان خدا ایمان آوردیم به خدا وگواه باش که ما فرمانبرداریم (٥٢) .

رَبَّنَآ اٰمَنَّا بِمَآ اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشّٰهِدِيْنَ ﴿٥٣﴾

ای پرورد گار ما ایمان آوردیم بآنچه فرود آوردی و پیروی کردیم پیغمبررا پس بنویس ماراباشاهدان[2] (٥٣) .

وَمَكَرُوْا وَمَكَرَ اللّٰهُ وَاللّٰهُ خَيْرُ الْمٰكِرِيْنَ ﴿٥٤﴾

نقشه کشیدند و خداوند چاره جوئی کرد و خداوند[3] بهترین چاره جویان

---

(۱) القصه این بشارت درحق عیسیٰ علیه السلام متحقق شد و یهود را بدین خوددعوت نمود .

(۲) یعنی درزمرۀ شهداء که اکمل امت اند والله اعلم .

(۳) یعنی بآن کافران .

است (٥٤) .

إِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٥٥﴾

آنگاه که گفت خداای عیسیٰ هر آئینه من برگیرنده توأم[1] وبردارنده توام بسوی خود و پاك کنندۀ توام از صحبت کسانیکه کافرشدند و گردانندۀ تابعان توام بالای کافران[2] تاروزقیامت بازبسوی من است باز گشت شما پس داوری می‌کنم میان شما درآنچه اختلاف می کردید اندرآن (٥٥) .

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٥٦﴾

اماکافران پس عذاب کنم ایشان را به عذاب سخت دردنیا و آخرت ونیست ایشان را یاری دهنده (٥٦) .

وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظّٰلِمِينَ ﴿٥٧﴾

واماکسانیکه ایمان آوردند وکردند کارهای شائسته پس تمام دهد خدا ایشانرا مزدایشان وخدا دوست نمی دارد ظالمان را (٥٧) .

ذٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيٰتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ﴿٥٨﴾

این رامی خوانیم (یا محمد) برتو که ازآیتها و کتاب حکیم است (٥٨) .

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٥٩﴾

هر آئینه حال عیسیٰ نزدِ خدا مانند حال آدم است آفرید اوراازخاك باز گفت اورا بشو پس شد[3] (٥٩) .

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٦٠﴾

این سخن راست است ازپروردگار توپس مباش ازشك آرندگان (٦٠) .

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ

پس هرکه مکابره کند باتودربارۀ عیسیٰ

---

(١) یعنی ازین جهان .

(٢) یعنی غالب بر ایشان .

(٣) یعنی انسان شد .

تَعَالَوْا نَدْعُ اَبْنَآءَنَا وَاَبْنَآءَكُمْ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمْ وَاَنْفُسَنَا وَاَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَّعْنَتَ اللّٰهِ عَلَى الْكٰذِبِيْنَ ﴿٦١﴾

بعد ازآنچه آمد بتو از دانش پس بگوبیائیدتابخوانیم فرزندانِ خودرا و فرزندانِ شمارا وزنانِ خودرا و زنانِ شمارا وذات های خودرا و ذات های شمارا پس همه بزاری دعا کنیم پس لعنت خدا گوئیم بردروغگویان (٦١) .

اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ ۚ وَمَا مِنْ اِلٰهٍ اِلَّا اللّٰهُ ۚ وَاِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٦٢﴾

هر آئینه این ست خبرراست و نیست هیچ معبود برحقی بجزخدا وهر آئینه خدا غالب استوار کاراست (٦٢) .

فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ بِالْمُفْسِدِيْنَ ﴿٦٣﴾

پس ا گر روگردانیدند پس خدا داناست به تباه کاران (٦٣) .

قُلْ يٰۤاَهْلَ الْكِتٰبِ تَعَالَوْا اِلٰى كَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اَلَّا نَعْبُدَ اِلَّا اللّٰهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهٖ شَيْئًا وَّلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا اَرْبَابًا مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ ۚ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُوْلُوا اشْهَدُوْا بِاَنَّا مُسْلِمُوْنَ ﴿٦٤﴾

بگوای اهل کتاب بیائید بسوی سخنی مسلّم میان ما وشما که نه پرستیم بجز خدا و شریك نسازیم باوی چیزی دیگررا و پروردگار نگیردبعض ازما بعض دیگررا بجز خدا پس ا گر روی گردانیدند پس بگوئید که گواه باشید ما مسلمانیم (٦٤) .

يٰۤاَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تُحَآجُّوْنَ فِيْۤ اِبْرٰهِيْمَ وَمَاۤ اُنْزِلَتِ التَّوْرٰىةُ وَالْاِنْجِيْلُ اِلَّا مِنْۢ بَعْدِهٖ ۚ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿٦٥﴾

ای اهل کتاب چرامکابره می کنید دربارهٔ ابراهیم[1] وفرود آورده نه شده است تورات و انجیل مگر بعد ابراهیم آیا نمی‌فهمید (٦٥) .

هٰۤاَنْتُمْ هٰۤؤُلَآءِ حَاجَجْتُمْ فِيْمَا لَكُمْ بِهٖ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُّوْنَ فِيْمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهٖ عِلْمٌ ۚ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٦٦﴾

آ گاه شوید شما ای قوم مکابره کردید درآنچه شمارا بوی دانش است پس چرامکابره می کنید در آنچه شمارا بوی دانش نیست و خدامی داند وشما

---

(١) یعنی بعض گفتند یهودی بود و بعض گفتند نصرانی بود .

مَا كَانَ إِبْرٰهِيمُ يَهُودِيًّا وَّلَا نَصْرَانِيًّا وَّلٰكِن كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَّمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٧﴾

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرٰهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهٰذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٨﴾

وَدَّت طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٩﴾

يَا أَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيٰتِ اللَّهِ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٧٠﴾

يَا أَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٧١﴾

وَقَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٧٢﴾

نمی‌دانید[١] (٦٦) .

نه بود ابراهیم یهودی ونه نصرانی ولیکن بود حنیف مسلمان ونه بود ازشرك آرند گان[٢] (٦٧) .

هر آئینه نزدیك ترین مردم بابراهیم آن کسان بودند که پیروی او کردند یعنی درزمان اوواین پیغامبرو مومنان وخدا کارساز مومنان است (٦٨) .

آرزو کردند طائفه ای ازاهل کتاب که گمراه سازند شمارا و گمراه نمی سازند مگر خویشتن را وآگاه نیستند (٦٩) .

ای اهل کتاب چراکافرمی شوید بآیتهای خدا حال آنکه خود شما گواهی میدهید (٧٠) .

ای اهل کتاب چرا خلط می کنید حق را به باطل وچرا می‌پوشید حق را و حال آنکه شما میدانید (٧١) .

و گفتند گروهی ازاهل کتاب[٣] ایمان آریدبآنچه فرود آورده شده است بر مسلمانان اول روز وانکار کنید آخرآن روز تاشاید که مسلمانان بر گردند[٤] (٧٢) .

---

(١) یعنی درمسائل منصوصه درتورات اختلاف کردید تاچه رسد بغیر منصوصه .

(٢) مترجم گوید حنیف آنرامی گفتند که استقبال کعبه کند وحج گذارد وختنه نمایدواز جنابت غسل کند حاصل آنکه نام کسی بُوَد که بشریعت ابراهیمی متدین باشد .

(٣) یعنی بایکدیگر .

(٤) یعنی درشك افتند .

وَلَا تُؤْمِنُوٓا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِيْنَكُمْ ۗ قُلْ إِنَّ الْهُدٰى هُدَى اللّٰهِ ۙ أَنْ يُّؤْتٰٓى أَحَدٌ مِّثْلَ مَآ أُوْتِيْتُمْ أَوْ يُحَآجُّوْكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ ۗ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللّٰهِ ۚ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَآءُ ۗ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ﴿۷۳﴾

ومنقاد مشوید مگر کسی را که پیروی دین شماکند بگو (یامحمد) هر آئینه هدایت، هدایت خدا است گفتند باور مکنید آنکه داده شود کسی مانند آنچه داده شده اید شما، یا گروهی الزام دهند شمارا نزد پروردگار شمابگونعمت بدست خدا ست می دهدآن را بهرکه خواهد و خدا فراخ نعمتِ داناست (۷۳).

يَّخْتَصُّ بِرَحْمَتِهٖ مَنْ يَّشَآءُ ۗ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ ﴿۷۴﴾

مختص می گرداند به بخشائش خود هرکراخواهد و خدا صاحبِ فضلِ عظیم است (۷٤).

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُّؤَدِّهٖٓ إِلَيْكَ ۚ وَمِنْهُمْ مَّنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِيْنَارٍ لَّا يُؤَدِّهٖٓ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَآئِمًا ۗ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوْا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيّٖنَ سَبِيْلٌ ۚ وَيَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ﴿۷۵﴾

وازاهل کتاب کسی هست که اگر امین داری اورا بخزانه بازدهداو را بتو وازایشان کسی هست که اگر امین داری اورا بیك دینار بازندهد آنرابتو مگر تاوقتیکه باشی برسراوایستاده واین خیانت بسبب آنست که گفتند نیست برمادرحق ناخواندگان هیچ راه[1] ودروغ می گویند برخداوحال آنکه ایشان (این را) میدانند (۷۵).

بَلٰى مَنْ أَوْفٰى بِعَهْدِهٖ وَاتَّقٰى فَإِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِيْنَ ﴿۷۶﴾

آری هرکه وفاکند بعهدخود وپرهیزگاری کند پس هرآئینه خدا دوست میدارد پرهیزگاران را (۷٦).

إِنَّ الَّذِيْنَ يَشْتَرُوْنَ بِعَهْدِ اللّٰهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيْلًا أُولٰٓئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ وَلَا يَنْظُرُ

هر آئینه کسانیکه می ستانند عوض پیمانی که باخدا بستند و عوض سوگندان خویش بهای اندك را آن گروه هیچ نصیب

---

(۱) یعنی مارابرمال عرب که هم دین مانیستندمؤاخذه نخواهد شد.

إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٧﴾

نیست ایشان را درآخرت وسخن نگویدباایشان خدا ونگاه نه کند بسوی ایشان روزقیامت وپاك نه سازد ایشان را وایشان راست عذاب درد دهنده (۷۷) .

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُنَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتٰبِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتٰبِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾

وهر آئینه ازاهل کتاب گروهی هستند که می پیچند زبان خویش را به(خواندن) کتاب تا گمان کنید که آن ازکتابست ونیست آن ازکتاب[1] ومی گویند که این ازنزد خدا ست ونیست آن ازنزد خدا دروغ می گویند برخدا وحال آنکه ایشان(این را) میدانند (۷۸) .

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللّٰهُ الْكِتٰبَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ كُونُوا رَبّٰنِيّٖنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتٰبَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿٧٩﴾

سزاوار نیست هیچ آدمی را که عطا کند اوراخدا کتاب و علم و نبوت باز بگوید به مردمان بند گان شوید مرا بدون خدا ولیکن مثلِ این شخص می گوید که باشید ربانی[2] بسبب آموزاندن کتاب و خواندن آن (۷۹) .

وَلَا يَأْمُرَكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلٰٓئِكَةَ وَالنَّبِيّٖنَ أَرْبَابًا ۗ أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨٠﴾

وسزاوار نیست که فرمایدشمارا که پروردگار گیرید فرشتگان و پیغامبران را آیا بکفر می‌فرماید شمارا بعد ازآنکه مسلمان شده باشید (۸۰) .

وَإِذْ أَخَذَ اللّٰهُ مِيثٰقَ النَّبِيّٖنَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتٰبٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ ۚ قَالَ ءَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ

وآنگاه که گرفت خدای تعالی پیمان پیغامبران راکه آنچه دادم شمارا ازکتاب وعلم بازبیاید به شما پیغامبری باور کنندهٔ آنچه باشماست البته ایمان آرید باو

---

(۱) یعنی به تکلف ازخودچیزی نوشته درکتاب غلط ساخته می خوانند .

(۲) یعنی مرشد خلق شوید .

عَلٰى ذٰلِكُمْ اِصْرِىْ قَالُوْٓا اَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوْا وَاَنَا مَعَكُمْ مِّنَ الشّٰهِدِيْنَ ﴿٨١﴾

والبته یاری دهید اورا، فرمود خدا آیا اقرار کردید و گرفتید براین کار عهد مرا[۱] گفتند اقرار کردیم فرمود پس گواه باشید[۲] ومن باشما ازگواهانم (۸۱) .

فَمَنْ تَوَلّٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿٨٢﴾

پس هرکه بر گردد بعد ازین پس آن گروه ایشانند بدکاران (۸۲) .

اَفَغَيْرَ دِيْنِ اللّٰهِ يَبْغُوْنَ وَلَهٗٓ اَسْلَمَ مَنْ فِى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَّكَرْهًا وَّاِلَيْهِ يُرْجَعُوْنَ ﴿٨٣﴾

آیااین کافران غیر دین خدا می‌طلبند و خدارا منقاد شده اند آنانکه درآسمان ها و زمین اند بخوشی یا نا خوشی وبسوی او گردانیده شوند (۸۳) .

قُلْ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَآ اُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَآ اُنْزِلَ عَلٰٓى اِبْرٰهِيْمَ وَ اِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَالْاَسْبَاطِ وَمَآ اُوْتِىَ مُوْسٰى وَ عِيْسٰى وَالنَّبِيُّوْنَ مِنْ رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهٗ مُسْلِمُوْنَ ﴿٨٤﴾

بگوایمان آوردیم بخدا وبآنچه فرودآورده شده است برماو بآنچه فرود آورده شده بود برابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نبیرگان وی و آنچه داده شد موسیٰ و عیسیٰ و پیغامبران را از پروردگار ایشان فرق نمی گذاریم میان هیچ یك از ایشان وماخدارا منقادیم (۸٤) .

وَمَنْ يَّبْتَغِ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِيْنًا فَلَنْ يُّقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِى الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿٨٥﴾

وهرکه طلب کند غیر اسلام دینی دیگررا پس هرگزقبول کرده نخواهد شدازو واودر آخرت از زیان کاران است (۸۵) .

كَيْفَ يَهْدِى اللّٰهُ قَوْمًا كَفَرُوْا بَعْدَ اِيْمَانِهِمْ وَشَهِدُوْٓا اَنَّ الرَّسُوْلَ حَقٌّ وَّجَآءَهُمُ الْبَيِّنٰتُ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٨٦﴾

چگونه راه نماید خدا گروهی را که کافرشدند بعد از اسلام خود و بعد از اینکه گواهی دادند که پیغمبر برحق است وبعد ازآنکه آمدبایشان حجت، وخدا راه نمی‌نماید گروه ستم گاران را (۸٦) .

---

(۱) یعنی قبول کردید .

(۲) یعنی بریکدیگر .

أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾

این گروه سزای ایشان آنست که باشد برایشان نفرین خدا و فرشتگان و مردمان همهٔ ایشان (۸۷) .

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿٨٨﴾

جاویدان درآن لعنت، سبك کرده نه شود ازایشان عذاب ونه ایشان مهلت داده شوند (۸۸) .

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٨٩﴾

الّاآنانکه توبه کردند بعد ازین ونیکوکاری نمودند پس هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است (۸۹) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿٩٠﴾

هر آئینه کسانیکه کافر شدند بعد از اسلام خویش باز زیادتی کردند درکفر هرگز قبول کرده نشود توبه ایشان و آن گروه ایشانند گمراهان (۹۰) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوِ افْتَدَىٰ بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٩١﴾

هر آئینه آنانکه کافر شدند و کافر مردند هرگز قبول کرده نخواهد شدازهیچ یك ایشان مقدار پُری زمین از زر واگر چه عوض خود دهدآن را آن گروه ایشانراست عذاب دردهنده و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده(۹۱) .

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٩٢﴾

هرگزنیابید نیکوکاری را تاآنکه خرج کنید ازآنچه که دوست می دارید وهرچیز که خرج کنید پس بدرستیکه خدا بوی داناست (۹۲) .

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلًّا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَىٰ نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَاةُ ۗ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَاةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٣﴾

همه طعام حلال بود بر بنی اسرائیل مگر آنچه حرام کرده بود یعقوب برخویشتن پیش ازآنکه تورات نازل کرده شود بگوبیارید تورات را پس بخوانیدآن را

اگر هستید راست گوی[۱] (۹۳) .

فَمَنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩٤﴾

پس هرکه دروغ بندد بر خدا بعد ازین پس آن گروه ایشانند ستم گاران (۹٤) .

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٥﴾

بگوراست گفت خدا پس پیروی کنید ملت ابراهیم را حنیفی کیش شده ونه بود ازمشرکان (۹۵) .

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿٩٦﴾

هر آئینه اول خانه ای که مقررکرده شدبرای مردمان آن ست که درمکه است برکت داده شده و هدایت مرمردمان را (۹٦) .

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٩٧﴾

درآن خانه نشانه های روشن است ازآن جمله جای ایستادن ابراهیم[۲] وهر که درآید آنجاایمن بود وحق خدا ست برمردمان حج خانه کعبه هرکه توانائی دارد رفتن بسوی آن ازجهت اسباب راه وهرکه کافرشود پس هر آئینه خدا بی نیاز است ازعالم ها (۹۷) .

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٨﴾

بگوای اهل کتاب چرا کافر می شوید بآیاتِ خدا وخدا حاضر است برآنچه می‌کنید (۹۸) .

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ

بگوای اهل کتاب چرا بازمی دارید از راه خدا کسی را که ایمان آورد می طلبید

---

(۱) مترجم گوید یهود برحضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم طعن می کردند که شما دعوی ملت ابراهیم می کنید و آنچه درخاندان ابراهیم نمی خوردندمانند گوشت شتر وشیر آن میخورید حق تعالی جواب دادکه همه چیزحلال بود پیش ازنزول تورات الّا گوشت و شیرشتر و تحریم گوشت و شیر شتر ملتِ ابراهیم نیست خاصه بنی اسرائیل بود بسبب تحریم جدّ ایشان والله اعلم .

(۲) یعنی نقشی که درسنگ ظاهر شده .

عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۹۹﴾

برای آن راه کجی[۱] وشماباخبراید و نیست خدا بی خبر ازآنچه می کنید (۹۹) .

يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ﴿۱۰۰﴾

ای مسلمانان اگر فرمان برید گروهی را از اهل کتاب کافر گردانند شمارا بعد ازاسلام شما (۱۰۰) .

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۗ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۱۰۱﴾

وچگونه کافر شوید وخوانده می شود برشما آیات خدا و درمیان شما هست پیغامبر خدا وهر که چنگ استوار کرد بخدا پس هر آئینه راه نموده شدبسوی راه راست (۱۰۱) .

يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۰۲﴾

ای مسلمانان بترسید ازخداحق ترسیدن ازوی و نمیرید مگر مسلمان شده (۱۰۲) .

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۰۳﴾

وچنگ زنید به ریسمان خدا[۲] جمع آمده وپراگنده مشوید ویادکنید نعمت خدارا که برشماست چون بودید دشمن یکدیگر[۳] پس الفت انداخت میان دلهای شما پس شُدید به نعمت خدا برادر بایکدیگر وبودید برکناره چاله ای ازآتش پس رهانید شماراازآن همچنین بیان می کند خدا برای شما نشانه های خودرا تاباشد که راه یابید[٤] (۱۰۳) .

---

(۱) یعنی شبهات می آرید تا نزد مردمان ظاهر شود که کج است .

(۲) به دین خدا .

(۳) یعنی اوس و خزرج و عرب معدیه و یمنیه وعرب وعجم بایك دیگر دشمنی داشتند .

(٤) یعنی تفرق در اصول دین حرام است که جمعی معتزلی باشد و جمعی شیعه و علی هذاالقیاس .

وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾

وبایدکه باشد ازشما گروهی که بخوانند بسوی نیکی وبه فرمایند به کارپسندیده ومنع کنند از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران[1] (۱۰٤) .

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۚ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾

ومباشید مانند کسانیکه پراگنده شدند واختلاف بایکدیگر کردند بعد ازآنکه آمد بایشان حجت ها وآن گروه ایشان راست عذاب بزرگ[2] (۱۰۵) .

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ ۚ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٠٦﴾

آن روزکه سفید شودیك پاره رویها و سیاه گردديك پارهٔ روی ها اماآنانکه سیاه گشت روی های ایشان بدیشان گفته شود آیا کافر شدیدبعداز اسلام خویش پس بچشید عذاب را بسبب کافرشدن خویش .(۱۰٦)

وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٠٧﴾

واماآنانکه سفید شد روی های ایشان پس دررحمت خدا باشند ایشان درآنجا جاویدند (۱۰۷) .

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۗ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٨﴾

این آیاتِ خداست می خوانیم آن رابرتوبراستی ونمی خواهد خدا ستم کردن برمردمان (۱۰۸) .

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿١٠٩﴾

وخدا راست آنچه درآسمان هاست و آنچه در زمین است وبسوی خدا باز گردانیده می شود همهٔ کارها (۱۰۹) .

كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ۗ

هستیدشما بهترین امتی که بیرون آورده شد[3] برای مردمان می فرمائید بکار

---

(۱) یعنی واجب بالکفایه است که جمعی بامرمعروف ونهی از منکر قیام نمایند .

(۲) یعنی مانند یهود و نصاریٰ مشوید که هفتاد وچند فرقه گشتند .

(۳) یعنی مقرر کرده شد .

وَلَوْ اٰمَنَ اَهْلُ الْكِتٰبِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُوْنَ وَاَكْثَرُهُمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿۱۱۰﴾

پسندیده ومنع می کنید از ناپسندیده وباور میدارید خدارا و اگر ایمان می‌آوردند اهل کتاب هر آئینه بهتر می‌بود ایشان را بعضی از ایشان مسلمانند و اکثرایشان بدکاراند (۱۱۰) .

لَنْ يَّضُرُّوْكُمْ اِلَّآ اَذًى وَاِنْ يُّقَاتِلُوْكُمْ يُوَلُّوْكُمُ الْاَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُوْنَ ﴿۱۱۱﴾

هرگززیان نه رسانند به شما مگراندك رنجی[۱] واگر کارزار کنند باشماپشت بسوی شماکنند[۲] بازنصرت داده نه شوند (۱۱۱) .

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ اَيْنَ مَا ثُقِفُوْٓا اِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللّٰهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَآءُوْ بِغَضَبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَيَقْتُلُوْنَ الْاَنْۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَّكَانُوْا يَعْتَدُوْنَ ﴿۱۱۲﴾

زده شد برایشان خواری هرجاکه یافته شوند مگر بدست آویزی ازخدا ودست آویزی ازمردمان[۳] وباز گشتند بخشمی ازخدا وزده شد برایشان ناداری، این بسبب آنست که کافرمی بودند بآیات خدا ومی کشتند پیغامبران رابناحق این بسبب گناه کردن ایشان ست و بسبب آنکه ازحدمی گذشتند (۱۱۲) .

لَيْسُوْا سَوَآءً مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ اُمَّةٌ قَآئِمَةٌ يَّتْلُوْنَ اٰيٰتِ اللّٰهِ اٰنَآءَ الَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُوْنَ ﴿۱۱۳﴾

برابر نیستند همه ازاهل کتاب گروهی هست ایستاده[٤] می خوانند آیاتِ خدارا دراوقات شب وایشان سجده می کنند[٥] (۱۱۳) .

يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَيَاْمُرُوْنَ

باورمیدارند خدارا وروزقیامت را و

---

(۱) یعنی بسبب زبان درازی .
(۲) یعنی بگریزند .
(۳) یعنی مگربعهدو ذمه .
(٤) یعنی راست کردار .
(٥) یعنی آنانکه از ایشان مسلمان شده مانند عبدالله بن سلام .

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرٰتِ ۖ وَأُولٰٓئِكَ مِنَ الصّٰلِحِينَ ﴿١١٤﴾

می‌فرمایند بکار پسندیده ومنع می کنند ازناپسندیده و سبقت می کنند درنیکی ها وایشان از شائسته کارانند (١١٤) .

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿١١٥﴾

وآنچه می‌کنند ازنیکی پس ناقدرشناسی کرده نه شود بایشان به نسبت آن عمل و خداداناست به پرهیزگاران (١١٥) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَآ أَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا ۖ وَأُولٰٓئِكَ أَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ﴿١١٦﴾

هر آئینه کسانیکه کافرشدند دفع نکند ازایشان مالهای ایشان ونه فرزندانِ ایشان ازعذاب خداچیزی راوایشانند دوزخیان ایشان درآنجاجاویدند (١١٦) .

مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هٰذِهِ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوٓا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ ۚ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللّٰهُ وَلٰكِنْ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٧﴾

مثالِ آنچه خرج می کنند درین زندگانی دنیا مانند مثالِ بادیست که درآن سرمای سخت است برسید زراعت گروهی راکه ستم کردند برخویشتن پس نابود ساخت آن را وستم نه کرد برایشان خدا و لیکن برخویشتن ستم می کردند(١) (١١٧) .

يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا ۖ وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ ۚ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَآءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ ۚ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ ۚ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْاٰيٰتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١١٨﴾

ای مسلمانان دوست پنهان مگیرید غیراز خویش(٢) کوتاهی نمی‌کنند درفتنه انگیزی میان شما دوست داشتند رنج شمارا هر آئینه ظاهر شد دشمنی ازدهان ایشان وآنچه پنهان کرده است سینه های ایشان سخت تراست هر آئینه بیان کردیم برای شمانشانه ها اگر دانا هستید (١١٨) .

هٰٓأَنْتُمْ أُولَآءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتٰبِ

آگاه شوید شمااای قوم که دوست میدارید ایشان را وایشان دوست

---

(١) حاصل آنست که صدقات ایشان نابود می شود .

(٢) یعنی ازغیر مسلمانان .

كُلِّهٖ ۚ وَاِذَا لَقُوۡكُمۡ قَالُوۡۤا اٰمَنَّا ۖۚ وَاِذَا خَلَوۡا عَضُّوۡا عَلَيۡكُمُ الۡاَنَامِلَ مِنَ الۡغَيۡظِ ؕ قُلۡ مُوۡتُوۡا بِغَيۡظِكُمۡ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيۡمٌ ۢ بِذَاتِ الصُّدُوۡرِ ﴿۱۱۹﴾

نمی‌دارند شمارا وایمان می آرید بهمه کتاب الهی وایشان چون ملاقات کنند باشما گویند ایمان آوردیم و چون تنها بشوند بگزند برشما انگشتان خودرا ازخشم بگو بمیرید بسبب خشم خویش هر آئینه خدا داناست بآنچه درسینه هاست (۱۱۹) .

اِنۡ تَمۡسَسۡكُمۡ حَسَنَةٌ تَسُؤۡهُمۡ ۖ وَاِنۡ تُصِبۡكُمۡ سَيِّئَةٌ يَّفۡرَحُوۡا بِهَا ؕ وَاِنۡ تَصۡبِرُوۡا وَتَتَّقُوۡا لَا يَضُرُّكُمۡ كَيۡدُهُمۡ شَيۡـــًٔا ؕ اِنَّ اللّٰهَ بِمَا يَعۡمَلُوۡنَ مُحِيۡطٌ ﴿۱۲۰﴾

اگر برسد به شمانعمتی ناخوش کندایشان را واگر برسدبه شما سختی خوشحال شوندبآن واگر شکیبائی کنید وپرهیزگاری نمائید هیچ زیان نه رساند بشما مکر ایشان هر آئینه خدا بآنچه می‌کنند در برگیرنده است[1] (۱۲۰) .

وَاِذۡ غَدَوۡتَ مِنۡ اَهۡلِكَ تُبَوِّئُ الۡمُؤۡمِنِيۡنَ مَقَاعِدَ لِلۡقِتَالِ ؕ وَاللّٰهُ سَمِيۡعٌ عَلِيۡمٌ ۙ ﴿۱۲۱﴾

ویادکن آنگاه که پگاه بیرون آمدی ازمیان اهل خانه خود می نشاندی مسلمانان رادر جایگاهها برای جنگ وخداشنوای دانا است[2] (۱۲۱) .

اِذۡ هَمَّتۡ طَّآئِفَتٰنِ مِنۡكُمۡ اَنۡ تَفۡشَلَا ۙ وَاللّٰهُ وَلِيُّهُمَا ؕ وَعَلَى

آنگاه که خواستند دوفرقه ازشماکه بزدلی

---

(۱) درغزوۀ احد اهل نفاق میل کردند باآنکه در شهر متحصن شوند و اصحاب خواستند که بیرون آمده جنگ کنند بعد ازآنکه هزیمت واقع شدمنا فقان این را محل طعن گرفتند ووقت جنگ حضرت پیغامبربربالای کوهی جماعتی را مقید ساختندکه ازین جانجنبند چون آثار فتح ظاهر شدن در گرفت آن جماعت درپی غنیمت افتادند وعصیان پیغمبر کردند بشومی این عصیان هزیمت برمسلمانان افتادوهمه فرار کردند الّاماشاء الله خبر شهادت حضرت پیغامبر شائع شد منافقان قصد ارتداد کردند پس در جواب طعن منافقان وعتاب خلاف امر کنندگان وتشنیع بیوفایان حق سبحانه نازل کرد .

(۲) ویاد کن زمانی را که بامداد ازمیان خانوادۀ خود بیرون رفتی و پایگا ههای جنگ را برای مسلمانان مهیا میکردی (مصحح) .

اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ﴿١٢٢﴾

كنند وخدا كارساز ايشان بود وبرخدابايد كه توكل كنند مسلمانان[1] (١٢٢) .

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ وَّاَنْتُمْ اَذِلَّةٌ ۚ فَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿١٢٣﴾

وهر آئينه خدا فتح داد شمارا روزبدروشما خواربوديد پس به ترسيد ازخدا تابُوَد كه شكر گذارى كنيد (١٢٣) .

اِذْ تَقُوْلُ لِلْمُؤْمِنِيْنَ اَلَنْ يَّكْفِيَكُمْ اَنْ يُّمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلٰثَةِ اٰلٰفٍ مِّنَ الْمَلٰٓئِكَةِ مُنْزَلِيْنَ ﴿١٢٤﴾

چون مى گفتى به مسلمانان آيا كفايت نه خواهد كرد شمارا كه امداد كند شمارا پروردگار تان به سه هزار كَس از فرشتگان فرود آورده شده (١٢٤) .

بَلٰٓى ۙ اِنْ تَصْبِرُوْا وَتَتَّقُوْا وَيَاْتُوْكُمْ مِّنْ فَوْرِهِمْ هٰذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ اٰلٰفٍ مِّنَ الْمَلٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِيْنَ ﴿١٢٥﴾

بلى اگر صبر كنيد وپرهيزگارى نمائيدو بيايند كافران بسوى شمابااين جوش خودامداد كند شمارا پروردگار شما به پنج هزار كَس ازفرشتگان نشان مندكرده (١٢٥) .

وَمَا جَعَلَهُ اللّٰهُ اِلَّا بُشْرٰى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوْبُكُمْ بِهٖ ۗ وَمَا النَّصْرُ اِلَّا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ﴿١٢٦﴾

ونه ساخت خداى تعالى اين مدد را مگر براى مژده دادن شماوبراى آنكه آرام گيرد دلهاى شماباآن ونيست فتح مگر ازنزد خدا غالب استواركار (١٢٦) .

لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوْا خَآئِبِيْنَ ﴿١٢٧﴾

چنين كردتاهلاك كند طائفه اى را از كافران يا مغلوب سازد ايشان را پس باز گردند به مراد نارسيده (١٢٧) .

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْاَمْرِ شَيْءٌ اَوْ يَتُوْبَ عَلَيْهِمْ اَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَاِنَّهُمْ ظٰلِمُوْنَ ﴿١٢٨﴾

نيست تراازين كار چيزى يا بمهربانى توبه ايشان را مى پذيرد يا غالب كندايشان را زيرا كه ايشان ستمگارند (١٢٨) .

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۗ يَغْفِرُ لِمَنْ يَّشَآءُ

و خدا راست آنچه درآسمان هاست و

---

(١) يعنى بنى سلمه و بنى حارثه كه خيال فرار بخاطر ايشان گذشته بودباز خداى تعالى ايشان راازجبن محفوظ داشت .

وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۲۹﴾

آنچه درزمین است می آمرزد هرکرا خواهدو عذاب می دهد هرکراخواهد وخداآمر زندۀ مهربان است (۱۲۹) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَاْكُلُوا الرِّبٰۤوا اَضْعَافًا مُّضٰعَفَةً ۪ وَّاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿۱۳۰﴾

ای مومنان مخوریدسودرا چندبرابر توبرتو وبترسید ازخداتاباشدکه رستگار شوید (۱۳۰) .

وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِيْۤ اُعِدَّتْ لِلْكٰفِرِيْنَ ﴿۱۳۱﴾

وپناه گیریدازآن آتش که آماده کرده شده است برای کافران (۱۳۱) .

وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ﴿۱۳۲﴾

وفرمان برید خدارا وپیغامبرراتاباشد که برشما مهربانی کرده شود (۱۳۲) .

وَسَارِعُوْۤا اِلٰى مَغْفِرَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ ۙ اُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿۱۳۳﴾

وشتاب کنید بسوی آمرزش ازپروردگار خویش و بسوی بهشتی که پهنائی آن مانند آسمان ها و زمین است آماده کرده شده است برای پرهیزگاران (۱۳۳) .

الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ فِى السَّرَّآءِ وَالضَّرَّآءِ وَالْكٰظِمِيْنَ الْغَيْظَ وَالْعَافِيْنَ عَنِ النَّاسِ ؕ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿۱۳۴﴾

آنانکه خرج می کنند درآسائش و سختی وفروخورندگان خشم وعفوکنند گان تقصیر ازمردمان وخداوست می داردنیکوکاران را (۱۳٤) .

وَالَّذِيْنَ اِذَا فَعَلُوْا فَاحِشَةً اَوْ ظَلَمُوْۤا اَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللّٰهَ فَاسْتَغْفَرُوْا لِذُنُوْبِهِمْ ۪ وَمَنْ يَّغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اللّٰهُ ۪۟ وَلَمْ يُصِرُّوْا عَلٰى مَا فَعَلُوْا وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ﴿۱۳۵﴾

وآنانکه چون کارزشت کنند یا ستم کنند برخود یادکنند خدارا پس آمرزش خواهند برای گناهان خود وکیست که بیامرزد گناهان را مگرخدا وبه آنچه کردند دانسته اصرار نورزیدند (۱۳۵) .

اُولٰٓئِكَ جَزَآؤُهُمْ مَّغْفِرَةٌ مِّنْ رَّبِّهِمْ وَ جَنّٰتٌ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ؕ وَنِعْمَ اَجْرُ الْعٰمِلِيْنَ ﴿۱۳۶﴾

آن گروه پاداش ایشان آمرزش است ازپروردگار ایشان وبوستانهائی که می رود زیرآن جویها جاویدند درآن جا ونیك است اجر اطاعت کنندگان (۱۳٦) .

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ ۙ فَسِيْرُوْا فِى الْاَرْضِ

هر آئینه گذشته است پیش ازشما واقعه های آنانی که پیش از شمابودند، پس

فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِيْنَ ﴿١٣٧﴾

سیر کنید درزمین وبنگرید که چگونه بودآخرکار تکذیب کنند گان (۱۳۷) .

هٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَّمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِيْنَ ﴿١٣٨﴾

این پیامی است برای مردمان وهدایتی و پندی برای پرهیزگاران (۱۳۸) .

وَلَا تَهِنُوْا وَلَا تَحْزَنُوْا وَاَنْتُمُ الْاَعْلَوْنَ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٣٩﴾

وسست مشوید واندوهناك مباشید وشمائید غالب اگر مسلمان هستید (۱۳۹) .

اِنْ يَّمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهٗ ؕ وَتِلْكَ الْاَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ ۚ وَلِيَعْلَمَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَآءَ ؕ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٤٠﴾

اگربرسد شمارا زخمی پس رسیده است جماعت کافران را زخمی مانند آن[1] واین حادثه ها که می گردانیم آن را درمیان مردمان برای فوائد بسیاروتا متمیز سازد خدامومنان را وشهید گرداند بعضی را ازشما و خدا دوست نمی داردستمگاران را (۱٤۰) .

وَلِيُمَحِّصَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿١٤١﴾

وتاکه سره و خالص کندخدا مسلمانان را[2] ونابودسازد کافران را (۱٤۱) .

اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ جٰهَدُوْا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصّٰبِرِيْنَ ﴿١٤٢﴾

آیا گمان کردید که درآئید به بهشت وهنوز متمیزنه ساخته است خدا مجاهدان را ازشما و پیش ازآنکه متمیزسازد صابران را (۱٤۲) .

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ اَنْ تَلْقَوْهُ ۪ فَقَدْ رَاَيْتُمُوْهُ وَاَنْتُمْ تَنْظُرُوْنَ ﴿١٤٣﴾

وهر آئینه شما آرزومی کردید مرگ را[3] پیش ازآنکه ملاقات آن کنید پس دیدید آن را و (درحالیکه) شمامی نگریستید (۱٤۳) .

وَمَا مُحَمَّدٌ اِلَّا رَسُوْلٌ ۚ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ ؕ

ونیست محمد مگر پیغمبر هر آئینه گذشته

---

(۱) یعنی دربدر .

(۲) یعنی ذنوب ایشان رامحوکند .

(۳) یعنی شهادت را .

اَفَاۡىِٕنْ مَّاتَ اَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلٰٓى اَعْقَابِكُمْ ۗ وَمَنْ يَّنْقَلِبْ عَلٰى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَّضُرَّ اللّٰهَ شَيْـًٔا ۗ وَسَيَجْزِى اللّٰهُ الشّٰكِرِيْنَ ﴿١٤٤﴾

اند پیش ازوی پیغامبران آیااگر بمیرد یاکشته شود برمی‌گردید برپاشنه های خود[1]؟ وهرکه برگردد برپاشنه های خود پس هیچ زیان نه رساند خدارا وخداثواب خواهد دادشکرگذاران را (١٤٤) .

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوْتَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ كِتٰبًا مُّؤَجَّلًا ۗ وَمَنْ يُّرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهٖ مِنْهَا ۚ وَمَنْ يُّرِدْ ثَوَابَ الْاٰخِرَةِ نُؤْتِهٖ مِنْهَا ۗ وَسَنَجْزِى الشّٰكِرِيْنَ ﴿١٤٥﴾

ونیست هیچ شخصی را که بمیرد الاباراده خدا نوشته شده است مقید بقیدوقت وهرکه خواهد جزای دنیا بدهیمش ازثواب دنیا وهرکه خواهد جزای آخرت بدهیمش ازثواب آخرت وبزودی جزای نیك خواهیم دادسپاسگذاران را (١٤٥) .

وَكَاَيِّنْ مِّنْ نَّبِيٍّ قٰتَلَ ۙ مَعَهٗ رِبِّيُّوْنَ كَثِيْرٌ ۚ فَمَا وَهَنُوْا لِمَآ اَصَابَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَمَا ضَعُفُوْا وَمَا اسْتَكَانُوْا ۗ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الصّٰبِرِيْنَ ﴿١٤٦﴾

وبساپیغامبر که قتال کردند باکفار همراه اوخدا پرستان بسیار، پس سستی نه کردندبسبب مصیبتی که ایشانرا رسید درراه خدا و ناتوانی نه کردند وبیچارگی نه نمودند وخدادوست می داردصابران را (١٤٦) .

وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ اِلَّآ اَنْ قَالُوْا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَاِسْرَافَنَا فِيْٓ اَمْرِنَا وَثَبِّتْ اَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ ﴿١٤٧﴾

ونبود سخن این خداپرستان بجز آنکه گفتند ای پروردگار مابیآمرز مارا گناهانِ مارااوازحد گذشتن ما درکارخود واستوار کن پاهای مارا ونصرت ده مارا برقوم کافران (١٤٧).

فَاٰتٰىهُمُ اللّٰهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْاٰخِرَةِ ۗ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿١٤٨﴾

پس عطاکرد خداایشان را جزای نیك دردنیا وجزای نیك در آخرت وخدا دوست می داردنیکوکاران را (١٤٨) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنْ تُطِيْعُوا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

ای مومنان اگرفرمان برداری کافران کنید

---

(١) یعنی مرتد شوید .

يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَابِكُمْ فَتَنقَلِبُوا۟ خَٰسِرِينَ ﴿١٤٩﴾

باز گردانند شمارا برپاشنه های شما پس باز گردیدزیان کارشده (١٤٩) .

بَلِ ٱللَّهُ مَوْلَىٰكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ ٱلنَّٰصِرِينَ ﴿١٥٠﴾

بلکه خدا یاری دهندۀ شمااست واو بهترین یاری دهندگان است (١٥٠) .

سَنُلْقِى فِى قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱلرُّعْبَ بِمَآ أَشْرَكُوا۟ بِٱللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِۦ سُلْطَٰنًا ۖ وَمَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ ۚ وَبِئْسَ مَثْوَى ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٥١﴾

خواهیم انداخت دردل کافران بزدلی بسبب آنکه شریك مقررساختند باخداچیزی را که هیچ حجت فرونه آورده است خدا برای او وجای ایشان دوزخ است واو بد اقامت گاه است ستمگاران را (١٥١) .

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ ٱللَّهُ وَعْدَهُۥٓ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِۦ ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَٰزَعْتُمْ فِى ٱلْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّنۢ بَعْدِ مَآ أَرَىٰكُم مَّا تُحِبُّونَ ۚ مِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلدُّنْيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلْءَاخِرَةَ ۚ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ ۖ وَلَقَدْ عَفَا عَنكُمْ ۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥٢﴾

وهر آئینه راست کردخدا درحق شما وعده خودرا چون می کشتید کافران را بحکم خدا تاوقتیکه بزدلی کردید و نزاع کردید درکارخویش ونافرمانی کردید بعدازآنکه عطا نمود به شما آنچه می خواستید ازشماکسی بود که می خواست دنیارا وازشما کسی بودکه می خواست آخرت را آنگاه باز گردانید شمارا از ایشان[1] تاامتحان کند شمارا وهرآئینه درگزرانید ازشما وخدا صاحب رحمت است برمومنان (١٥٢) .

إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُۥنَ عَلَىٰٓ أَحَدٍ وَٱلرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِىٓ أُخْرَىٰكُمْ فَأَثَٰبَكُمْ غَمًّۢا بِغَمٍّ لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا۟ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَآ أَصَٰبَكُمْ ۗ وَٱللَّهُ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٥٣﴾

آنگاه که دورمی رفتید درگریختن ومتوجه نمی شدید برهیچ کس وپیغامبر می خواندشمارا درجماعت که پس پشت شمابود پس جزا داد شمارااندوهی بالای اندوهی این پنددادن برای آنست تااندوهناك نشوید برآنچه ازدست

(١) یعنی فرار کردید .

شمارفت ونه برآنچه رسید بشماو خدا باخبراست بآنچه می کنید (۱۵۳) .

ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَىٰ طَائِفَةً مِّنكُمْ ۖ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ ۖ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ ۗ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ ۗ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ ۖ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَاهُنَا ۗ قُل لَّوْ كُنتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ ۖ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٥٤﴾

بازفرودآورد برشما پس ازاندوه ایمنی که پینکی بودمی‌پوشید گروهی را ازشما و گروهی دیگر بودند که اندوهناك ساخته بودایشان را فکر خویشتن گمان می کردند بخدا گمان باطل چون گمان اهل جاهلیه (یعنی اهل کفر) می گفتند آیاهست مارا ازاین کارهیچ چیزی[1] بگوبدرستیکه همه کار خداراست پنهان می دارند در دل خویشتن آنچه آشکار نمی کنند برای تو می گویند اگر بودی ماراازین کار چیزی کشته نمی شدیم درین جا بگو اگر می بودید درخانه های خویش هر آئینه بیرون می آمدند کسانیکه مقدرشده است برایشان کشته شدن بسوی کشتن گاه خویش[2] وتابآزماید خداآنچه درسینه شما است وتاکه سره وخالص کند آنچه دردلهای شماست وخدا دانااست بآنچه درسینه هااست (۱۵٤) .

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا ۖ وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٥٥﴾

هر آئینه کسانیکه رو گردانیدند ازشما روزی که بهم آمدند دوجماعت[3] جزاین نیست که لغزانیدایشان را شیطان بشومی بعض آنچه کردند وهر آئینه عفوکرد خدا

---

(۱) یعنی درین کارما را اختیارنیست و به تدبیر ماکارنمی کنند .

(۲) واین کاربرای آن کرده شدکه درعلم الهی مقدربود .

(۳) یعنی کافران و مسلمانان .

ازایشان هر آئینه خدا آمرزندهٔ بُردباراست (۱۵۵) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًّى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٦﴾

ای مومنان مباشید مانند آنانکه کافر شدند و گفتند درحق برادران خویش وقتیکه سفر کنند درزمین یاباشند بجهاد بیرون آمده[1] اگر می‌بودند ایشان نزد ما نمی‌مردند وکشته نمی‌شدند تا گرداندخدا این سخن را حسرتي دردل های ایشان وخدازنده می کندو می‌میراندوخدا بآنچه می کنید بینااست (۱۵٦) .

وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١٥٧﴾

وا گر کشته شدید درراه خدا یامُردید هر آئینه آمرزشی ازخدا وبخشایشی بهتراست ازآنچه جمع می کنند(۱۵۷) .

وَلَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٥٨﴾

و ا گرمُردید یاکشته شدید البته بسوی خدا برانگیخته خواهید شد (۱۵۸) .

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ ۖ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ۖ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ۖ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾

پس به سبب مهربانی از خدا نرم شدی برای ایشان وا گرمی بودی درشت خوسخت دل پرا گنده می شدند ازدوروبر تو پس در گذرازایشان وآمرزش خواه برای ایشان و مشورت کن بایشان درین کار پس آنگاه که قصد محکم کردی پس اعتماد کن برخدا هر آئینه خدا دوست می دارد توکل کنند گان را (۱۵۹) .

إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ ۖ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾

ا گر نصرت دهدشمارا خدا هیچکس غالب نیست برشماوا گربغیر نصرت وا گذارد شمارا پس کیست که نصرت دهدشمارا بعدازوی وبرخدا باید که

---

(۱) یعنی چون بمیرند درین حالت .

توكل كنند مسلمانان (۱٦٠) .

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ تُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۱٦۱﴾

و هرگزخيانت نبى رانشايد وهركه خيانت كند خواهد آورد آن چيزرا كه خيانت كرده است بروز قيامت[۱] پس تمام داده شود هر شخصى راجزاى آنچه كرده است وايشان ستم كرده نشوند[۲] (۱٦۱).

أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللّٰهِ كَمَنْ بَآءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللّٰهِ وَمَأْوٰىهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۱٦۲﴾

آياكسيكه درپى خوشنودى خدا ست باشد مانند كسى كه بازگشت بخشم خدا وجاى اودوزخ است وبدجائى است (۱٦۲) .

هُمْ دَرَجٰتٌ عِنْدَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ بَصِيرٌۢ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿۱٦۳﴾

ايشان داراى مراتب اند نزد خدا وخدا بيناست بآنچه مى كنند (۱٦۳) .

لَقَدْ مَنَّ اللّٰهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ اٰيٰتِهٖ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلٰلٍ مُّبِينٍ ﴿۱٦٤﴾

هر آئينه نعمت فراوان داد خدا برمومنان آنگاه كه فرستاد درميان ايشان پيغمبرى ازقوم ايشان مى خواند برايشان آيات خدا وپاك سازد ايشان راومى آموزد ايشان را كتاب و علم وهر آئينه بودند پيش ازين درگمراهى آشكار (۱٦٤) .

أَوَلَمَّا أَصٰبَتْكُمْ مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِّثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنّٰى هٰذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱٦٥﴾

آياچون رسيد به شمامصيبتى كه بدست آورده بوديد دوچند ازآن گفتيد ازكجا آمداين مصيبت بگوكه آن ازنزد نفوس شماست هر آئينه خدا برهمه چيز تواناست (۱٦٥) .

---

(۱) يعنى برسر برداشته .

(۲) مترجم گويد چون حضرت صلى الله عليه وسلم متصرف بودند در غنيمت اين آيت نازل شدتا كسى گمان خيانت نه كند .

وَمَآ أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعٰنِ فَبِإِذْنِ اللّٰهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١٦٦﴾

و آنچه رسید به شما روزیکه بهم آمدنددو گروه پس باراده خدا بود وتامتمیزسازد مومنان را (١٦٦) .

وَلِيَعْلَمَ الَّذِيْنَ نَافَقُوْا ۚ وَقِيْلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ أَوِ ادْفَعُوْا ۚ قَالُوْا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَّاتَّبَعْنٰكُمْ ۗ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيْمَانِ ۚ يَقُوْلُوْنَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَّا لَيْسَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ ۗ وَاللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُوْنَ ﴿١٦٧﴾

وتامتمیز سازدآنان را که منافق شدند و گفته شدایشان را بیائید بجنگید در راه خدا یادفع کنید کافران را[1] گفتند ا گرمی دانستیم جنگ کردن[2] هر آئینه پیروی شما می کردیم این گروه بسوی کفرآن روز نزدیك تر بودند نسبت به ایشان بجانب ایمان می گویند بدهان های خویش آنچه نیست دردل های ایشان وخدا داناتراست بآنچه می پوشند (١٦٧) .

اَلَّذِيْنَ قَالُوْا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوْا لَوْ أَطَاعُوْنَا مَا قُتِلُوْا ۗ قُلْ فَادْرَءُوْا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿١٦٨﴾

آنانکه خود ازجنگ بازنشسته گفتند درحق برادران خویش که ا گر فرمان مامی بردند کشته نمی شدند بگودفع کنید ازخویشتن مرگ را ا گر هستیدراست گو (١٦٨) .

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ قُتِلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ أَمْوَاتًا ۚ بَلْ أَحْيَآءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُوْنَ ﴿١٦٩﴾

ومرده گمان مکن کسانی را که کشته شدند درراه خدا بلکه زنده اند نزد پروردگار خویش روزی داده می‌شوند . (١٦٩)

فَرِحِيْنَ بِمَآ اٰتٰىهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ ۙ وَيَسْتَبْشِرُوْنَ بِالَّذِيْنَ لَمْ يَلْحَقُوْا بِهِمْ مِّنْ خَلْفِهِمْ ۙ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿١٧٠﴾

شادان بآنچه عطا کرده است خدا ایشان را از فضل خود و خوش وقت می شوند به آنانکه بایشان نه پیوسته اند ازپس ایشان به سبب آنکه هیچ ترس نیست برایشان ونه ایشان اندوهناك شوند (١٧٠) .

---

(١) یعنی ازبلادخویش .

(٢) یعنی مصلحت می دانستیم .

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧١﴾

خوش وقت می شوند به نعمت خدا وفضل او وبآنکه خدا ضائع نمی کند مزد مومنان را[1] (١٧١) .

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِن بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ ۚ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقَوْا أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٢﴾

کسانیکه قبول کردند حکم خدا ورسول را بعد ازآنکه رسیده بود بایشان زخم، برای کسانی ازین جماعت که نیکوکاری وتقوی کرده اند مزدبزرگ است (١٧٢).

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾

آنانکه گفتند بایشان مردمان (که کافران) لشکر جمع کرده اند برای شما پس به ترسید ازآن لشکر هاپس زیاده کرد این سخن ایمان ایشان را و گفتند بس است مارا خدا و نیك کار گزار است (١٧٣) .

فَانقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾

پس باز گشتند این مسلمانان به نعمتی از خداو فضل او و نه رسید بایشان هیچ آسیبی وپیروی خوشنودی خدا کردند وخدا صاحبِ فضلِ بزرگ است (١٧٤).

إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾

جزاین نیست که این خبردهنده شیطانست می ترساند دوستان خودرا[2] پس شما مترسید ازکافران وبه ترسید ازمن ا گر

---

(١) مترجم گوید در احد مسلمانان و کفار باهم عهد بستند که وعده گاه قتال میان ایشان سال آینده سوق بدرباشد چون موسم سوق بدررسید کفار شخصی را فرستادند جمعیت ایشان بیان کرده مسلمانان را درحیزتوقف اندازد باوجود آن جماعتی از مسلمانان همراه آنحضرت برآمدند وبدر رسیدند ودر تجارت سودها یافتند وهیچ یك ازکفار مزاحم ایشان نشد و این غزوه را بدر صغری میگویند خدا درمدح ایشان می فرماید .

(٢) یعنی ضعیف اسلام را .

مومن هستید (۱۷۵) .

وَلَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۷۶﴾

واندوهگین نه کنند ترا (یامحمد) آنانکه می شتابند در نصرت کفر هر آئینه ایشان هیچ زیان نه رسانند خدارا[1] می خواهد خدا که نه دهد ایشان راهیچ بهره در آخرت وایشان راست عذاب بزرگ (۱۷۶) .

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۷۷﴾

هر آئینه آنانکه خریدند[2] کفررا عوض ایمان هیچ زیان نه رسانند خدارا وایشان راست عذاب درد دهنده (۱۷۷) .

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿۱۷۸﴾

و گمان نه کنند کافران که مهلت دادن ماایشان را بهتر است درحق ایشان جزاین نیست که مهلت می دهیم ایشان را تازیاده شوند درگناهگاری وایشان راست عذاب خوار کننده (۱۷۸) .

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿۱۷۹﴾

هرگز نه گذاردخدا مسلمانان را برآن حال که شماهستید برآن تاآنکه جداکند ناپاك را ازپاك وهرگز مطلع نه کند خداشمارا برغیب ولیکن خدا برمی گزیند ازپیغامبران خود هرکرا خواهد پس ایمان آریدبه خدا و پیغامبران او واگر ایمان آرید و پرهیزگاری کنید شمارا باشد مزدبزرگ (۱۷۹) .

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ

وبایدکه گمان نکنند آنانکه بخل می کنند بآنچه عطاکرده است خدا ایشان را ازفضل خود این بخل را بهتر برای

---

(۱) یعنی دین اورا .

(۲) یعنی اختیار کردند .

مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَ لِلّٰهِ مِيْرَاثُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿١٨٠﴾

خویش بلکه اوبدست برای ایشان نزدیك است که برشکل طوق پوشانیده شود ایشان را آنچه بخل کرده اند بآن روز قیامت[1] وخداراست میراث اهلِ آسمانها و زمین وخدا بآنچه می کنید داناست (١٨٠).

لَقَدْ سَمِعَ اللّٰهُ قَوْلَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا اِنَّ اللّٰهَ فَقِيْرٌ وَّ نَحْنُ اَغْنِيَآءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوْا وَقَتْلَهُمُ الْاَنْۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَّنَقُوْلُ ذُوْقُوْا عَذَابَ الْحَرِيْقِ ﴿١٨١﴾

هر آئینه شنید خدا سخن آنانکه گفتند که خدا فقیراست وما توانگریم[2] خواهیم نوشت آنچه گفتند وبنویسیم کشتن ایشان پیغمبران را بناحق وبگوئیم بچشید عذاب سوزنده را (١٨١) .

ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْكُمْ وَاَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ ﴿١٨٢﴾

این عذاب بسبب عملی است که پیش فرستاده است دست های شماوبسبب آنست که خدا ستم کننده نیست بر بندگان (١٨٢).

اَلَّذِيْنَ قَالُوْٓا اِنَّ اللّٰهَ عَهِدَ اِلَيْنَآ اَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُوْلٍ حَتّٰى يَاْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَاْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَآءَكُمْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِيْ بِالْبَيِّنٰتِ وَبِالَّذِيْ قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوْهُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿١٨٣﴾

آنانکه گفتند که خدا حکم فرستاده است بسوی ماکه ایمان نیاریم به هیچ پیغامبر تاآنکه بیارد مارا قربانی که بخورد اورا آتش[3] بگوآوردند نزدِ شماپیغامبران پیش ازمن معجزه ها وآن رانیز که شما گفتید پس چرا کشتید ایشان را اگر هستید راست گو (١٨٣) .

فَاِنْ كَذَّبُوْكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ جَآءُوْ

پس اگر بدروغ نسبت کردند تراپس بدروغ نسبت کرده شدند پیغامبران

---

(١) یعنی آن مال را بصورت مارکرده درگردن ایشان اندازند .

(٢) یعنی چون یهود شنیدنداقرضوالله گفتند ماغنی ایم و خدافقیر است والله اعلم .

(٣) یعنی گوسفندی که ازغیب آتش اورا بردارد .

بِالْبَيِّنٰتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتٰبِ الْمُنِيْرِ ﴿١٨٤﴾

پیش ازتو آوردند حجت هارا وصحیفه هارا وکتاب روشن را (١٨٤) .

كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ ۗ وَاِنَّمَا تُوَفَّوْنَ اُجُوْرَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَاُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَآ اِلَّا مَتَاعُ الْغُرُوْرِ ﴿١٨٥﴾

هر نفسی چشندۀ موت است وجزاین نیست که تمام داده خواهید شدمزد خویش را روز قیامت پس هرکه دورداشته شد ازدوزخ و درآورده شدبه بهشت پس هر آئینه بمراد رسید ونیست زندگانی دنیا مگر بهره فریبنده (١٨٥) .

لَتُبْلَوُنَّ فِيْٓ اَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ ۟ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِيْنَ اَشْرَكُوْٓا اَذًى كَثِيْرًا ۗ وَاِنْ تَصْبِرُوْا وَتَتَّقُوْا فَاِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ ﴿١٨٦﴾

البته آزمائش خواهید کرده شود شمارا درمالهایتان وجانهایتان و خواهید شنید از آنانکه کتاب داده شده اند پیش ازشما وازمشرکان سرزنش بسیار واگر صبر کنید وپرهیزگاری نمائید هر آئینه این خصلت ازکارهای مقصود است (١٨٦) .

وَاِذْ اَخَذَ اللّٰهُ مِيْثَاقَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهٗ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُوْنَهٗ ۡ فَنَبَذُوْهُ وَرَآءَ ظُهُوْرِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهٖ ثَمَنًا قَلِيْلًا ۗ فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُوْنَ ﴿١٨٧﴾

ویادکن چون گرفت خدا عهد اهل کتاب را که البته بیان کنید کتاب را برای مردمان ونه پوشید آن را پس بانداختند آن عهد را پس پشت خویش وگرفتند عوض وی بهای اندك پس بدچیزی است که می‌ستانند (١٨٧) .

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ يَفْرَحُوْنَ بِمَآ اَتَوْا وَّيُحِبُّوْنَ اَنْ يُّحْمَدُوْا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوْا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِّنَ الْعَذَابِ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١٨٨﴾

هرگز مپندار کسانی را که شادمان می شوند بآنچه کردندو دوست میدارند که ستوده شوند بآنچه نه کرده اند هرگز مپندار ایشان را نجات یافته ازعذاب وایشان راست عذاب درد دهنده (١٨٨) .

وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿١٨٩﴾

وخداراست پادشاهی آسمان ها و زمین وخدا برهمه چیز تواناست (١٨٩) .

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَاٰيٰتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿۱۹۰﴾

هرآئینه درآفرینش آسمان هاو زمین و آمدوشد شب و روز نشانه هاست خداوندانِ خرد را (۱۹۰) .

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللّٰهَ قِيٰمًا وَّقُعُودًا وَّعَلٰى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۚ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا ۚ سُبْحٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۱۹۱﴾

آنانکه یادمی کنند خدارا ایستاده ونشسته و بر پهلوی خویش خفته وتأمل می کنند درآفرینش آسمان ها و زمین می گویند ای پروردگار ما نیافریده ای این را باطل[1] پاکیست ترا پس نگاه دار مارا از عذاب آتش (۱۹۱) .

رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ ۖ وَمَا لِلظّٰلِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ ﴿۱۹۲﴾

ای پروردگار ماهرآئینه توهر کرا در آری به دوزخ به تحقیق رسوا کردی اورا ونیست ستم‌گاران را هیچ یاری دهنده (۱۹۲) .

رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ اٰمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا ۚ رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّاٰتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿۱۹۳﴾

ای پروردگار ماهر آئینه شنیدیم ندا کننده را بآواز بلند میخواند بسوی ایمان که ایمان آرید به پروردگار خویش پس ایمان آوردیم ای پروردگار ماپس بیامرز گناهان مارا ودورکن ازما بدیهای مارا وبمیران مارا بانیکوکاران (۱۹۳) .

رَبَّنَا وَاٰتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلٰى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿۱۹۴﴾

ای پروردگارماوبده مارا آنچه وعده کرده ای به ما بزبان رسولان خود ورسوا مکن مارا روز قیامت هر آئینه توخلاف وعده نمی کنی (۱۹٤) .

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنكُم مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثٰى ۖ بَعْضُكُم مِّن بَعْضٍ ۖ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقٰتَلُوا وَقُتِلُوا

پس قبول کرد دعای ایشان را پروردگار ایشان بآنکه من ضائع نمی سازم عمل هیچ عمل کننده را ازشماازمردیازن بعضی شما ازجنس بعض است پس

(۱) یعنی بغیرتدبیر بلیغ والله اعلم .

لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿١٩٥﴾

آنانكه هجرت كردند وبيرون كرده شدند ازخانه هاى خويش ورنجانيده شدند در راه من وجنگ كردند وكشته شدند البته دوركنم ازايشان گناهانِ ايشان را والبته درآرم ايشان را درباغ هائى كه ميرود زير آن جوى ها پاداشى ازنزد خدا وخدا نزد اوست پاداش نيك (١٩٥) .

لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ ﴿١٩٦﴾

بايدكه نه فريبد ترا آمدوشد كافران درشهر ها (١٩٦) .

مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۚ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٩٧﴾

اين بهره مندى اندك است بعد ازآن جاى ايشان دوزخ باشد ووى بدجائى است (١٩٧) .

لَٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ ﴿١٩٨﴾

ليكن آنانكه ترسيدند از پروردگار خود ايشان راست بوستان ها ميرودزير آن جوى ها جاويدان درآنجا مهمانى از نزد خدا و آنچه نزد خدا ست بهتر است نيكوكاران را (١٩٨) .

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩٩﴾

وهر آئينه ازاهل كتاب كسانى اندكه ايمان مى آرند بخدا وبآنچه فرودآورده شدبسوى شما و بآنچه فرود آورده شدبسوى ايشان فروتنى كنندگان براى خدا نمى ستانند عوض آيتهاى خدابهاى اندك آن گروه ايشان راست مزد ايشان نزد پروردگار ايشان هر آئينه خدا زود حساب گيرنده است (١٩٩) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢٠٠﴾

اى مومنان صبر كنيد ومحنت كشيد وبراى جهاد آماده باشيد و بترسيداز خدا باشد كه رستگار شويد (٢٠٠) .

سُورَةُ النِّسَاءِ

سوره نساء مدنی است وآن یك صد وهفتاد وهفت آیت و بیست وچهار رکوع است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوْا رَبَّكُمُ الَّذِيْ خَلَقَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ وَّخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيْرًا وَّنِسَآءً ۚ وَاتَّقُوا اللهَ الَّذِيْ تَسَآءَلُوْنَ بِهٖ وَالْاَرْحَامَ ۭ اِنَّ اللهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيْبًا ①

ای مردمان به ترسید ازآن پروردگار خویش که بیافرید شمارا ازیك کس و آفریدازآن یك کس زن اورا ومنتشر ساخت ازین دوکس مردمانِ بسیار و زنان بیشمار و بترسید ازآن خدا که ازیکدیگر به نام اوسوال می کنید و بترسید ازقطع خویشاوندی هر آئینه خدا هست نگاهبان برشما (۱) .

وَاٰتُوا الْيَتٰمٰٓى اَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيْثَ بِالطَّيِّبِ ۠ وَلَا تَاْكُلُوْٓا اَمْوَالَهُمْ اِلٰٓى اَمْوَالِكُمْ ۭ اِنَّهٗ كَانَ حُوْبًا كَبِيْرًا ②

و بدهید به یتیمان اموال ایشان را وبدل نکنید ناپاك را به پاکیزه ومخورید اموال ایشان را بهم آورده باموال خویش هر آئینه این گناهی بزرگ ست[1] (۲) .

وَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تُقْسِطُوْا فِي الْيَتٰمٰى فَانْكِحُوْا مَا طَابَ لَكُمْ مِّنَ النِّسَآءِ مَثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ ۚ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَعْدِلُوْا فَوَاحِدَةً اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ ۭ ذٰلِكَ اَدْنٰٓى اَلَّا تَعُوْلُوْا ③

و اگر ترسیدید که عدل نتوانید کرد درحق دخترانِ یتیمه پس نکاح کنید آنچه خوش آید شمارا ازسائر زنان دودو، وسه سه، و چهار چهار، پس اگر دانیدکه درین صورت نیز عدل نتوانید کرد پس نکاح کنید یك زن رایاسریه گیرید آنراکه مالك اوشد دستهای شما این نزدیك تراست بآنکه جورنکنید (۳) .

وَاٰتُوا النِّسَآءَ صَدُقٰتِهِنَّ نِحْلَةً ۭ فَاِنْ طِبْنَ لَكُمْ

وبدهید زنان را مهرایشان بخوشدلی و

---

(۱) درجاهلیت اولیای دختران یتیمان مانند (پسران عمو) ایشان را بنکاح خود درمی‌آوردند وایفای حقوق نکاح نمی کردند خدای تعالی آیت فرستاد .

عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا ﴿٤﴾

اگر زنان در گذرندبخوشدلی برای شما از بعضی از آن مهر پس بخورید آن راساز گار وخوشگوار (٤) .

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٥﴾

ومدهید بی خردان را اموال خود که کرده است خدا آن را سبب استقامت معیشت برای شماوبخورانید وبه پوشانید ایشان را ازآن اموال وبگوئید بایشان سخن نیکو[1] (٥) .

وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُم مِّنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ ۖ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا ۚ وَمَن كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ ۖ وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٦﴾

وامتحان کنید یتیمان را[2] تاآنگاه که رسند به حدنکاح[3] پس اگر دریافتید ازایشان حسن تدبیر پس برسانید بایشان اموال ایشان را ومخورید آن اموال را[4] باسراف وشتاب ازترس آنکه بزرگ شوند وهرکه باشد توانگر پس بایدکه پرهیزگاری کند[5] وهر که فقیر باشد پس بایدکه بخورد بوجه پسندیده پس چون رسانید بایشان اموال ایشان را گواه گیرید برایشان وبس است بحقیقت خدا حساب گیرنده (٦) .

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ

مردان را حصه هست ازآنچه بگذارند پدرومادر وخویشان وزنان را نیز حصه

---

(١) یعنی برسفهاحِجربايد كردواموال ايشان كه بحقيقت همه مسلمانان بآن منتفع اندبی واسطه یا بواسطه بدست ایشان داده ضائع نه باید ساخت والله اعلم .

(٢) یعنی درایام کودکی .

(٣) یعنی بالغ شوند .

(٤) یعنی درخردسالی ایشان .

(٥) یعنی وصی یتیم اگر توانگر باشدازاموال یتیم چیزی نگیرد .

وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدٰنِ وَالْأَقْرَبُوْنَ
مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ ۚ نَصِيبًا مَّفْرُوْضًا ﴿٧﴾

هست ازآنچه بگذارند پدرو مادروخویشان
ازآنچه کم باشدازمال یابسیار حصه
مقررکرده شده[1] (٧) .

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُوا الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى
وَالْمَسٰكِيْنُ فَارْزُقُوْهُمْ مِّنْهُ وَقُوْلُوْا لَهُمْ
قَوْلًا مَّعْرُوْفًا ﴿٨﴾

وچون حاضر شوند هنگام قسمت میراث
خویشان[2] ویتیمان و گدایان پس
بدهیدایشانرا چیزی ازآن[3] وبگوئید
بایشان سخن نیکو (٨) .

وَلْيَخْشَ الَّذِيْنَ لَوْ تَرَكُوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً
ضِعٰفًا خَافُوْا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللّٰهَ
وَلْيَقُوْلُوْا قَوْلًا سَدِيْدًا ﴿٩﴾

وبایدکه بترسند ازخداآنانکه اگر بگذارند
بعد از خود اولاد ناتوان را خائف باشند
برایشان که ضائع شوند پس بایدکه ازخدا
بترسند وبایدکه بگویند سخن استوار[4]
(٩)

إِنَّ الَّذِيْنَ يَأْكُلُوْنَ أَمْوَالَ الْيَتٰمٰى ظُلْمًا إِنَّمَا
يَأْكُلُوْنَ فِيْ بُطُوْنِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيْرًا ﴿١٠﴾

هر آئینه آنانکه میخورند اموال یتیمان را
به ظلم جزاین نیست که میخورند
درشکم خویش آتش را وبزودی درآیند به
دوزخ (١٠) .

يُوْصِيْكُمُ اللّٰهُ فِيْ أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ ۚ فَإِنْ كُنَّ
نِسَآءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ ۚ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا
النِّصْفُ ۚ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ

حکم می کندشماراخدا درحق اولادشما
که مرد راهست مانند حصه دوزن اگر
اولاد میت همه دختر باشند بیشتر ازدو
نفر پس ایشان راست دوسوم آنچه

---

(١) یعنی مردان و زنان هر دو حصه دارندازهر مال که باشد کم بودیابسیار درین ردّ است براهل جاهلیت که زنان راحصه نمی دادند .

(٢) یعنی خویشان غیر وارث .

(٣) یعنی بطریق استحباب .

(٤) یعنی آنانکه اولاد داشته باشند بوجهی وصیت کنند که اولاد راضرر نرسدواین درشرع بمقدار یك سوم مال یاکمتر ازآن است والله اعلم .

كَانَ لَهٗ وَلَدٌ ۚ فَاِنْ لَّمْ يَكُنْ لَّهٗ وَلَدٌ وَّوَرِثَهٗۤ اَبَوٰهُ فَلِاُمِّهِ الثُّلُثُ ۚ فَاِنْ كَانَ لَهٗۤ اِخْوَةٌ فَلِاُمِّهِ السُّدُسُ مِنْۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُّوْصِيْ بِهَاۤ اَوْ دَيْنٍ ؕ اٰبَآؤُكُمْ وَاَبْنَآؤُكُمْ لَا تَدْرُوْنَ اَيُّهُمْ اَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا ؕ فَرِيْضَةً مِّنَ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿۱۱﴾

میت گذاشته است[1] واگر ذریتش یك دخترباشد پس اوراست نیم ترکه وهست پدرومادر میت راهریکی راازایشان یك ششم آنچه بگذاشته است اگر باشدمیت را فرزندی، پس اگر نباشداورافرزندی ووارث اوپدرو مادراوشوند پس هست مادرش رایك سوم ترکه[2] پس اگر باشند میت رابرادران هست مادرش رایك ششم ترکه[3] واین تقسیم بعد از ادای وصیتی است که میت بآن فرموده یابعد از ادای دَین[4] پدران شماو پسران شما نمید انید که کدام یك ازایشان نزدیك تراست به شما درنفع رسانیدن حصه معین کرده شدازجانب خداهر آئینه هست خدادانای استوارکار (۱۱) .

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ اَزْوَاجُكُمْ اِنْ لَّمْ يَكُنْ لَّهُنَّ وَلَدٌ ۚ فَاِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِنْۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُّوْصِيْنَ بِهَاۤ اَوْ دَيْنٍ ؕ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ اِنْ لَّمْ يَكُنْ لَّكُمْ وَلَدٌ ۚ فَاِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ مِّنْۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوْصُوْنَ بِهَاۤ اَوْ دَيْنٍ ؕ وَاِنْ كَانَ رَجُلٌ

وشماراهست نیمه آنچه بگذاشته اند زنان شما اگرنباشدایشان را فرزندی پس اگر ایشان را فرزندی باشدشماراااست یك چهارم آنچه بگذاشته اند بعد از ادای وصیتی که بآن فرموده باشند یا بعد از ادای دَین وزنان را ست یك چهارم آنچه

---

(۱) مترجم گوید حکم دو دخترنیزثلثان است والله اعلم .

(۲) یعنی مابقی برای پدراست .

(۳) یعنی برادران و خواهران حصه مادررا ناقص می سازند اگر چه خود چیزی نیابندویك برادر ویك خواهر ناقص سازد و الله اعلم .

(٤) یعنی اگر وصیت باشدنخست ادای وصیت کنندو اگر دین باشد نخست ادای دین کنند .

يُوْرَثُ كَلٰلَةً اَوِامْرَاَةٌ وَّلَهٗٓ اَخٌ اَوْاُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ ۚ فَاِنْ كَانُوْٓا اَكْثَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَآءُ فِى الثُّلُثِ مِنْۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُّوْصٰى بِهَآ اَوْ دَيْنٍ ۙ غَيْرَ مُضَآرٍّ ۚ وَصِيَّةً مِّنَ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَلِيْمٌ ﴿١٢﴾

شمابگذاشتید اگر نه باشد شمارا فرزندی پس اگر باشد شمارا فرزندی پس زنان را ست یك هشتم آنچه بگذاشته اید بعد از ادای وصیتی که بآن فرموده باشید یا ادای دَین واگر مرد مرده که ازوی میراث می خواهندیا زن مرده کلاله باشد[1] واورا برادری هست یاخواهری[2] پس هریك ازایشان راست یك ششم ترکه پس اگراخیافیان بیشتر ازین باشند پس ایشان باهم شریك اندر یك سوم ترکه بعد ازادای وصیتی که بآن فرموده شده یابعد از ادای دَین بغیرآنکه ضرررساننده باشد[3] حکم کرده شده است ازجانب خداوخدا دانای بُردباراست (١٢) .

تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ ۗ وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ يُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۗ وَذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿١٣﴾

این همه حدهامقررکردۀ خداست وهر که فرمانبرداری کند خدا ورسول او را در آردش به بهشت هائی که میرود زیرآن جوی ها جاویدان در آن و این ست پیروزی بزرگ (١٣) .

وَمَنْ يَّعْصِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَيَتَعَدَّ حُدُوْدَهٗ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيْهَا ۖ وَلَهٗ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ﴿١٤﴾

وهرکه نافرمانی کند خدا و رسول اورا وتجاوزکنداز حدهای مقررکردۀ اودرآردش بآتش جاوید ان درآن و اوراست عذاب رسواکننده (١٤) .

وَالّٰتِىْ يَاْتِيْنَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِّسَآئِكُمْ

آنانیکه زنامی کننداززنان شما پس گواه

---

(١) ومعنی کلاله آن ست که پدروفرزند وبرادروخواهرتنی ندارد .
(٢) یعنی اخیافی .
(٣) یعنی وصیتی که زیاده ازثلث بود اعتبار ندارد و الله اعلم .

فَاسْتَشْهِدُوْا عَلَيْهِنَّ اَرْبَعَةً مِّنْكُمْ ۚ فَاِنْ شَهِدُوْا فَاَمْسِكُوْهُنَّ فِى الْبُيُوْتِ حَتّٰى يَتَوَفّٰهُنَّ الْمَوْتُ اَوْ يَجْعَلَ اللّٰهُ لَهُنَّ سَبِيْلًا ﴿۱۵﴾

طلبید برایشان چهارمرد ازجنس خویش[۱] پس اگر گواهی دادند محبوس کنید ایشان را درخانه ها تاآنکه عمر ایشان را تمام کند مرگ یا مقررکند خدای تعالی برای ایشان راهی[۲] (۱۵) .

وَالَّذٰنِ يَاْتِيٰنِهَا مِنْكُمْ فَاٰذُوْهُمَا ۚ فَاِنْ تَابَا وَاَصْلَحَا فَاَعْرِضُوْا عَنْهُمَا ۗ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيْمًا ﴿۱۶﴾

وآن دوکس که زنا می کنندازشماپس آزار دهید ایشان را پس اگر توبه کردند ونیکوکاری پیش گرفتند پس اعراض کنید ازتعذیب ایشان هر آئینه خدا هست توبه پذیر مهربان[۳] (۱٦) .

اِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللّٰهِ لِلَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ السُّوْٓءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوْبُوْنَ مِنْ قَرِيْبٍ فَاُولٰٓئِكَ يَتُوْبُ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿۱۷﴾

جزاین نیست که وعده قبول توبه لازم برخداست برای آن کسان که میکنند معصیت را به نادانی بعد ازآن توبه کنند بزودی[٤] پس آن گروه است که خداوند توبه وبازگشت آنان رامی پذیرد وهست خدا دانای استوارکار (۱۷) .

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ السَّيِّاٰتِ ۚ حَتّٰٓى اِذَا حَضَرَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ اِنِّىْ تُبْتُ الْـٰٔنَ وَلَا الَّذِيْنَ يَمُوْتُوْنَ وَهُمْ كُفَّارٌ ۗ اُولٰٓئِكَ اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿۱۸﴾

ونیست وعده قبول توبه آن کسان را که می کنندمعاصی تاآنگاه که پیش آیدکسی را ازایشان مرگ ، گفت هر آئینه من توبه کردم الحال ونه آن کسان را ست که کافر بمیرند این گروه آماده ساختیم برای ایشان عذاب درد دهنده (۱۸) .

---

(۱) یعنی از مسلمانان .

(۲) بعد این آیت خدای تعالی راهی مقررکردو آن رجم.ثیب وجلد بکر است پس اکنون حکم حبس نیست والله اعلم .

(۳) این آیت مجمل است ودراحادیث آمده است که بِکر آزاد را صدتازیانه، بایدزد و ثیّب آزاد را سنگسار باید کرد وغلام راپنجاه تازیانه بایدزد والله اعلم .

(٤) یعنی پیش ازحضور مرگ .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا ۖ وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَن يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ ۚ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِن كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿١٩﴾

ای مومنان حلال نیست شمارا آنکه میراث گیریدزنان را وایشان ناخوش باشند[۱] ومنع مکنید ایشان را[۲] تابدست آرید بعض آنچه داده اید ایشان را مگراینکه آنان دچار گناه آشکاری شوند (میتوان ایذا داد) و زندگانی کنید بازنان بوجه پسندیده زیرا که اگر ناپسندکنید ایشان را پس شاید که ناپسند کنید چیزی راوپیدا کند خدای تعالی درآن چیز خیربسیار (۱۹) .

وَإِنْ أَرَدتُّمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا ۚ أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٢٠﴾

وا گر بخواهید تبدیل کردن زنی بجای زنی وداده باشید یکی راازایشان قنطاری[۳] پس بازمگیرید ازآن مال چیزی را آیامی گیرید آن رابه ستم وتعدی آشکار (۲۰) .

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنكُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا ﴿٢١﴾

وچگونه می‌گیریدآن را حال آنکه رسیده است بعض شمابه بعضی[٤] و گرفتند زنان ازشما عهد محکم را[٥] (۲۱) .

وَلَا تَنكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُم مِّنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ۚ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿٢٢﴾

ونکاح مکنید کسی را که نکاح کرده باشند با او پدران شما اززنان مگر آنچه گذشت (عفواست) هر آئینه این هست کاربدو مبغوض واین بدراهی است (۲۲).

---

(۱) اهل جاهلیت زنان را نیزازجملهٔ میراث می دانستند ولی میّت ا گر می‌خواست بجبردر (نکاح خود) می آورد وا گر می‌خواست منع میکردکه بااجنبی نکاح کند تاآنکه حق تعالی این آیت فرستاد .

(۲) یعنی ازنکاح بهرکه خواهند .

(۳) یعنی مال بسیار درمهرداده باشید .

(٤) یعنی مباشرت کردید .

(٥) یعنی ایجاب وقبول بحضور شهود درمیان آمد .

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهٰتُكُمْ وَبَنٰتُكُمْ وَأَخَوٰتُكُمْ وَعَمّٰتُكُمْ وَخٰلٰتُكُمْ وَبَنٰتُ الْأَخِ وَبَنٰتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهٰتُكُمُ الّٰتِىٓ أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوٰتُكُم مِّنَ الرَّضٰعَةِ وَأُمَّهٰتُ نِسَآئِكُمْ وَرَبٰٓئِبُكُمُ الّٰتِى فِى حُجُورِكُم مِّن نِّسَآئِكُمُ الّٰتِى دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلٰٓئِلُ أَبْنَآئِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلٰبِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٣﴾

حرام کرده شدند برشما مادران شما ودختران شماوخواهران شما و خواهران پدران شما وخواهران مادران شما ودختران برادر ودختران خواهر و آن مادران شماکه شیر داده اند شمارا[١] وخواهران شما ازجهت شیرخوارگی ومادران زنان شما ودختران زنان شما که درکنار شما پرورش می یابند ازبطن آن زنان که شما وطئ کردید بایشان پس اگروطئ نکرده باشید بایشان پس هیچ گناه نیست برشما وزنان پسران شما که ازپشت شماباشند[٢] وحرام کرده شد آنکه جمع کنید میان دوخواهر مگر آنچه گذشت (عفواست) هر آئینه خدا هست آمرزندۀ مهربان (٢٣) .

وَالْمُحْصَنٰتُ مِنَ النِّسَآءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمٰنُكُمْ كِتٰبَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَآءَ ذٰلِكُمْ أَن تَبْتَغُوا بِأَمْوٰلِكُم مُّحْصِنِينَ غَيْرَ مُسٰفِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرٰضَيْتُم بِهِ مِن بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٢٤﴾

وحرام کرده شدند زنان شوهردار مگر آنچه مالك اوشده است دست های شما[٣] لازم ساخته است خدا برشماو حلال کرده شد شمارا ماسوای این همه محرمات (حلال کرده شد) که طلب نکاح کنید باموال خویش عفت طلب کنان نه به شهوت رانی[٤] پس کسی که استمتاع کردید باوی اززنان بدهید ایشان را مهر

---

(١) یعنی دایه ها .

(٢) یعنی پسرخوانده نه باشد .

(٣) یعنی اگرزنی رااز دارالحرب اسیرکرده اند نکاح وتَسرّی اوصحیح بُودهرچندآنجازوج داشته باشد والله اعلم .

(٤) یعنی نکاح صحیح آن ست که مهرباشدومؤبدباشدبحسب ظاهر زیراکه چون حاجت جماع همیشه است واحصان بدون عقدمؤبّدحاصل نشودوالله اعلم .

ایشان که مقرر کرده شده[1] ونیست برشما گناهی در آنچه بایکدیگرراضی شدید بعداز مهرمقرر[2] هر آئینه خدا هست دانای استوارکار (٢٤) .

وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا اَنْ يَّنْكِحَ الْمُحْصَنٰتِ الْمُؤْمِنٰتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ مِّنْ فَتَيٰتِكُمُ الْمُؤْمِنٰتِ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِاِيْمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوْهُنَّ بِاِذْنِ اَهْلِهِنَّ وَاٰتُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ مُحْصَنٰتٍ غَيْرَ مُسٰفِحٰتٍ وَّلَا مُتَّخِذٰتِ اَخْدَانٍ فَاِذَآ اُحْصِنَّ فَاِنْ اَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنٰتِ مِنَ الْعَذَابِ ذٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَاَنْ تَصْبِرُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٢٥﴾

وهرکه نتواند ازشما ازجهت توانگری که نکاح کندزنانِ آزاد مسلمان را پس بایدکه نکاح کند ازآنچه مالك اوشده است دست شما (مراد کنیزکان شما اندکه مسلمان باشند) و خدا داناتراست بایمان شمابعض شماازجنس بعض است[3] پس نکاح کنید کنیزکان را باجازهٔ اهل ایشان وبدهید ایشان را مهر ایشان بخوش خوئی درحالیکه عفیفه باشند نه زناکننده نه دوست پنهانی گیرنده[4] پس چون درحبالهٔ زوج آمدند اگر زناکنند پس برایشان است نیم مقدار آنچه برزنان آزاداست ازعقوبت[5] نکاح کنیزکان کسی راست که بترسد ازگناه ازشما وآنکه صبر کنید بهتر است شمارا خدا آمرزندهٔ مهربان است (٢٥) .

---

(١) یعنی بجماع تمام مهر لازم میشود والله اعلم .

(٢) یعنی بعد مقررکردن اگر بتراضی زیاده یاکم کنید باك نیست والله اعلم .

(٣) یعنی کنیزکان نیزبنات آدم اندوالله اعلم .

(٤) فارق درنکاح واتخاذ اخدان شرط شهوداست ودراحصان وسفاح مؤبد بودن عقدبحسب ظاهر والله اعلم .

(٥) یعنی پنجاه تازیانه واگردر حباله زوج نباشدنیز عقوبت اوپنجاه تازیانه است زیراکه ذکر این قید بجهت نفی احتمال زیاده است واین معنی درحدیث مبین شده والله اعلم .

يريد الله ليبين لكم ويهديكم سنن الذين من قبلكم ويتوب عليكم والله عليم حكيم ﴿٢٦﴾

می خواهد خدا که بیان کند برای شما وبنماید شمارا راه های کسانیکه پیش ازشمابودندوبرحمت بازگرددبرشما وخدادانای استوار کاراست (۲٦) .

والله يريد أن يتوب عليكم ويريد الذين يتبعون الشهوات أن تميلوا ميلا عظيما ﴿٢٧﴾

وخدا می‌خواهد که برحمت بازگردد برشما ومی خواهند آنانکه پیروی شهوات می کنند که کجروی کنید کجروی عظیم (۲۷) .

يريد الله أن يخفف عنكم وخلق الإنسان ضعيفا ﴿٢٨﴾

می خواهد خداکه سبك کند ازشما وانسان ضعیف آفریده شده است (۲۸) .

يا أيها الذين آمنوا لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض منكم ولا تقتلوا أنفسكم إن الله كان بكم رحيما ﴿٢٩﴾

ای مؤمنان مخورید اموال خودرا درمیان خویش بناحق[1] مگر اینکه آن دادستد تجارت باشدبعدرضامندی یکدیگر ازشما و مَکُشید خویشتن را هر آئینه خدا هست به شمامهربان (۲۹) .

ومن يفعل ذلك عدوانا وظلما فسوف نصليه نارا وكان ذلك على الله يسيرا ﴿٣٠﴾

وهرکه چنین کند به تعدی وستم پس بزودی درآریمش به دوزخ واین برخدا آسان است (۳۰) .

إن تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم وندخلكم مدخلا كريما ﴿٣١﴾

ا گراحتراز کنید ازکبائر منهیات نابود سازیم ازشما صغائر شمارا ودرآریم شمارا بمحل گرامی[2] (۳۱) .

ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضكم على بعض للرجال نصيب

وآرزوی مکنید مرتبه ای را که خداوند به آن برتری داده بعضی را از شمابربعضی

---

(۱) یعنی مال یك دیگر بناحق نباید خورد .

(۲) گناه کبیره آنست که برآن حدمشروع شده یا وعده دوزخ کرده آمده یابکفرمُسمّی شده در قرآن یا سنت صحیحه وهرکه از کبائر اجتناب کند صغائر اورا نمازوروزه وصدقه نابودمی سازد والله اعلم .

مِمَّا اكْتَسَبُوْا ۗ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيْبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ ۗ وَسْـَٔلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهٖ ۗ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ﴿٣٢﴾

مردان را هست بهره ازآنچه حاصل کرده اند وزنان راهست بهره ازآنچه حاصل کرده اند وبطلبید ازدرگاه خدا ازبخشائش اوهر آئینه خداهست بهمه چیزدانا (٣٢) .

وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدٰنِ وَالْاَقْرَبُوْنَ ۗ وَالَّذِيْنَ عَقَدَتْ اَيْمَانُكُمْ فَاٰتُوْهُمْ نَصِيْبَهُمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدًا ﴿٣٣﴾

ومقررکردیم وارثان برای هر چیزی ازآنچه گذ اشته اند پدرومادروخویشان وکسانیکه ایشان را مربوط ساخته است عهدهای شماپس بدهید ایشان را بهرۀ ایشان هر آئینه خدا هست برهمه چیزحاضر[1] (٣٣) .

اَلرِّجَالُ قَوّٰمُوْنَ عَلَى النِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ اللّٰهُ بَعْضَهُمْ عَلٰى بَعْضٍ وَّبِمَآ اَنْفَقُوْا مِنْ اَمْوَالِهِمْ ۗ فَالصّٰلِحٰتُ قٰنِتٰتٌ حٰفِظٰتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللّٰهُ ۗ وَالّٰتِيْ تَخَافُوْنَ نُشُوْزَهُنَّ فَعِظُوْهُنَّ وَاهْجُرُوْهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوْهُنَّ ۚ فَاِنْ اَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوْا عَلَيْهِنَّ سَبِيْلًا ۗ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيْرًا ﴿٣٤﴾

مردانِ تدبیر کارکننده تسلط دارند برزنان به سبب آنکه فضل نهاده است خدا بعض آدمیان را بر بعضی[2] وبسبب آنکه خرج کردند ازاموال خویش پس زنان نیکوکار فرمانبردارند، نگاهدارنده اند[3] درغیبت زوج به نگاه داشت خدا[4] وآن زنان که میترسید ازنافرمانی ایشان پس پنددهید ایشان را وترك کنید ایشانرا درخواب گاه[5] وبزنید ایشان را پس ا گر فرمانبرداری شماکردند پس جستجو

---

(١) یعنی حلیف را رعایت کردن یا وصیت کردن میتواند وایشانرا درمیراث دخل نیست ومیراث برای اقربا مقرر کرده شده است والله اعلم .

(٢) یعنی بسبب آنکه مردان دراصل جبلت برترانداززنان .

(٣) یعنی مال و آبرورا .

(٤) دراین آیت بیان فرمودکه مردفرمان روا است بسبب فضل جبلی و بسبب انفاق وزن صالحه کسی است که فرمانبرداری کند وحفظ مال ـ وآبرو ـ نماید والله اعلم .

(٥) یعنی مباشرت مکنید .

مکنید برایشان را هی را[1] هر آئینه خداهست بلند مرتبهٔ بزرگ قدر (٣٤) .

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا ﴿٣٥﴾

وا گرترسیدید (ای حاکمان) اختلاف میان زن و شوهر پس بر گزینید صلاح کاری ازخویشان مرد وصلاح کاری ازخویشان زن اگر این صلاح کاران بخواهند صلح را البته موافقت آردخدا درمیان ایشان هر آئینه هست خدا دانای آگاه (٣٥) .

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ﴿٣٦﴾

و بپرستید خدارا وشریك او مقررمکنید چیزی را وبه پدرو مادر نیکوکاری کنید وبخویشان ویتیمان و گدایان وهمسایهٔ خویشاوند و همسایه اجنبی وبه هم نشین برپهلو نشسته وبه مسافر وبآنچه دست شما مالك اوشد[2] هر آئینه خدادوست ندارد کسی راکه باشد متکبر خود ستاینده (٣٦) .

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿٣٧﴾

کسانیکه آنان بخل می کنند و مردمان را به بخل وامی‌دارند ومی پوشند آنچه خدا داده است ایشان را ازفضل خود و آماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسواکننده (٣٧) .

وَالَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ﴿٣٨﴾

وآنان راکه خرج می کنندا موال خودرا برای نمودن مردمان ومعتقدنیستند بخدا ونه بروزقیامت وهرکه شیطان یار اوباشد

---

(١) یعنی به حیله ایذادادن تجسس مکنیدوالله اعلم .

(٢) یعنی غلامان و کنیزکان .

پس وی بدیاری است (۳۸) .

وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَاَنْفَقُوْا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللّٰهُ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ بِهِمْ عَلِيْمًا ﴿٣٩﴾

وچه زیان بود برایشان اگر ایمان می‌آوردند بخدا و روز آخر وخرج می‌کردند ازآنچه خداداده است ایشان را وهست خدا بایشان دانا (۳۹) .

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۚ وَاِنْ تَكُ حَسَنَةً يُّضٰعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَّدُنْهُ اَجْرًا عَظِيْمًا ﴿٤٠﴾

وهر آئینه خدا ستم نمی کند وزنِ ذرّه ای و اگر آن عمل نیکی باشد چندبرابر کُنَدَش وبدهد ازنزد خود مزدِ بزرگ (٤٠) .

فَكَيْفَ اِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ بِشَهِيْدٍ وَّجِئْنَا بِكَ عَلٰى هٰٓؤُلَآءِ شَهِيْدًا ﴿٤١﴾

پس چه حال باشد آنگاه که بیاریم ازهر قومی گواهی را وبیاریم ترا گواه براین امت (٤۱) .

يَوْمَئِذٍ يَّوَدُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَعَصَوُا الرَّسُوْلَ لَوْ تُسَوّٰى بِهِمُ الْاَرْضُ ؕ وَلَا يَكْتُمُوْنَ اللّٰهَ حَدِيْثًا ﴿٤٢﴾

آنروز آرزو کنند آنانکه کافرشدند ونافرمانی پیغامبر کردند کاش برایشان زمین هموار کرده شود[۱] وپنهان نکنند ازخداهیچ سخنی را (٤۲) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقْرَبُوا الصَّلٰوةَ وَاَنْتُمْ سُكٰرٰى حَتّٰى تَعْلَمُوْا مَا تَقُوْلُوْنَ وَلَا جُنُبًا اِلَّا عَابِرِيْ سَبِيْلٍ حَتّٰى تَغْتَسِلُوْا ؕ وَاِنْ كُنْتُمْ مَّرْضٰٓى اَوْ عَلٰى سَفَرٍ اَوْ جَآءَ اَحَدٌ مِّنْكُمْ مِّنَ الْغَآئِطِ اَوْ لٰمَسْتُمُ النِّسَآءَ فَلَمْ تَجِدُوْا مَآءً فَتَيَمَّمُوْا صَعِيْدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوْا بِوُجُوْهِكُمْ وَاَيْدِيْكُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُوْرًا ﴿٤٣﴾

ای مومنان به نماز نزدیك مشوید حال آنکه شما مست باشید تاآنکه به فهمید آنچه بزبان می گوئید[۲] وبه نماز نزدیك مشوید درحال جنابت تاآنکه غسل کنید مگر آنکه مسافر باشید واگر بیمارباشید یا مسافر یابیاید کسی ازشما ازجای قضاء حاجت یا مباشرت زنان کنید ونیابید آب را پس قصد کنید به زمین پاك پس مسح کنید برویهای خویش ودست های خویش هر آئینه هست خداعفوکنندۀ بخشاینده (٤۳) .

---

(۱) یعنی ازایشان نامی ونشانی نماند .

(۲) این حکم قبل ازتحریم خمر بود بعد ازان مستی بالکلیه حرام شد والله اعلم .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ ﴿٤٤﴾

آیاندیدی[1] کسانیکه داده شده اند بهره ای ازکتاب (یعنی یهود) می ستانند گمراهی را ومی خواهند که شما گم کنید راه را (٤٤).

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا ﴿٤٥﴾

وخدا داناتراست به دشمنان شما وخدا دوست بس است و خدایاری دهنده بس است (٤٥) .

مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ ۚ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَٰكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٤٦﴾

از یهود گروهی هستند که تغییرمی دهند کلمه هارا ازجای آن ها ومی گویند[2] شنیدیم ونافرمانی کردیم ومی گویند «اسمع غیر مسمع وراعنا» می پیچانند سخن را بزبان خویش وطعنه می زننددردین واگر ایشان می گفتند شنیدیم وفرمانبرداری کردیم و بجای «اسمع غیر مسمع» اسمع می گفتند وبجای «راعنا» انظرنا هر آئینه بهترمی بود ایشان را و درست تر ولیکن لعنت کرده است ایشان را خدابسبب کفر ایشان پس ایمان نمی آرند مگراندکی[3] (٤٦) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُم مِّن قَبْلِ أَن نَّطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا

ای اهل کتاب ایمان آرید بآنچه فرودآوردیم، باور کنندهٔ آنچه باشماست

---

(١) مترجم گوید که خدای عزوجل در ردّیهود و تعدادقبائح ایشان آیات فرستاد .

(٢) یعنی بزبان حال .

(٣) مترجم گوید پیچانیدن سخن آنست که سَب راچنان درکلام خلط کنند که کسی نشناسد «واسمع غیر مسمع» دومعنی دارد یکی آنکه بشنو در حالتیکه معظم ومحترمی و کسی باتوخلاف رضای تونتواند گفت دیگرآنکه بشنودر حالتی که محقری وکسی باتوسخن نمی گوید وراعنانیزدومعنی دارد یکی آنکه رعایت کن ما رادیگراحمق رعونت دارنده غرض ایشان سَب بود کلمهٔ محتمل معنیین می گفتند والله اعلم .

اَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّآ اَصْحٰبَ السَّبْتِؕ وَكَانَ اَمْرُ اللّٰهِ مَفْعُوْلًا ﴿٤٧﴾

پیش ازآنکه محوکنیم صورت هایی را پس بگردانیمش برشکل پشت سَر یالعنت کنیم ایشان را چنانکه لعنت کردیم اهل شنبه را وهست ارادهٔ خدا شدنی (٤٧) .

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُّشْرَكَ بِهٖ وَيَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَّشَآءُۚ وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدِ افْتَرٰٓى اِثْمًا عَظِيْمًا ﴿٤٨﴾

هر آئینه خدا نمی آمرزد که اورا شریك مقرر کرده شود ومی آمرزد غیر از آن هرکرا خواهد وهر که به خدا شرك ورزد هر آئینه افترابسته است گناهی بزرگ را (٤٨) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ يُزَكُّوْنَ اَنْفُسَهُمْؕ بَلِ اللّٰهُ يُزَكِّيْ مَنْ يَّشَآءُ وَلَا يُظْلَمُوْنَ فَتِيْلًا ﴿٤٩﴾

آیا ندیدی بسوی کسانیکه ستائش می‌کنند خودرا بلکه خدا ستائش می کند هرکراخواهد و ستم کرده نخواهند شد مقدار رشته ای (٤٩) .

اُنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَؕ وَكَفٰى بِهٖٓ اِثْمًا مُّبِيْنًا ﴿٥٠﴾

به بین چگونه می بندند برخدادروغ را واین گناه آشکار او را بس است[1] (٥٠) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ اُوْتُوْا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتٰبِ يُؤْمِنُوْنَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوْتِ وَيَقُوْلُوْنَ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا هٰٓؤُلَآءِ اَهْدٰى مِنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا سَبِيْلًا ﴿٥١﴾

آیاندیدی بسوی کسانیکه بهره ازکتاب داده شدند ایمان می‌آورند به بت و معبود باطل ومی گویند درحق مشرکان که ایشان راه یابنده تراند از مسلمانان[2] (٥١) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُؕ وَمَنْ يَّلْعَنِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ نَصِيْرًا ﴿٥٢﴾

ایشان آن گروه اند که لعنت کرد خدا ایشان را وهرکه لعنت کندش خدا پس نخواهی یافت مراو را یاری دهنده (٥٢) .

اَمْ لَهُمْ نَصِيْبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَاِذًا لَّا يُؤْتُوْنَ النَّاسَ

آیا ایشان راهست بهره ای ازپادشاهی پس

---

(١) یعنی می گویند که بنی اسرائیل برگزید گان خدایند ایشان را عذاب نخواهد شد مگر چند روز .

(٢) درین آیت تعریض است بآن که یهود روزاحزاب مددگار مشرکان شدند .

نَقِيْرًا ﴿٥٣﴾

آن هنگام ندهند بمردمان مقدار نقیری(١) . (٥٣)

اَمْ يَحْسُدُوْنَ النَّاسَ عَلٰى مَآ اٰتٰىهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ ۚ فَقَدْ اٰتَيْنَآ اٰلَ اِبْرٰهِيْمَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَاٰتَيْنٰهُمْ مُّلْكًا عَظِيْمًا ﴿٥٤﴾

آیاحسدمی کنند برمردمان بر آنچه ایشان را داده است خدای تعالی ازفضل خود پس هر آئینه مادادیم آل ابراهیم را کتاب ودانش ودادیم ایشان را پادشاهی بزرگ . (٥٤)

فَمِنْهُمْ مَّنْ اٰمَنَ بِهٖ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ ۚ وَكَفٰى بِجَهَنَّمَ سَعِيْرًا ﴿٥٥﴾

پس ازکفار کسی هست که ایمان آوردبآن کتاب و ازایشان کسی هست که باز داشت ازوی و کفایت ست دوزخ آتش افروخته (٥٥) .

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِنَا سَوْفَ نُصْلِيْهِمْ نَارًا ۚ كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُوْدُهُمْ بَدَّلْنٰهُمْ جُلُوْدًا غَيْرَهَا لِيَذُوْقُوا الْعَذَابَ ۚ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ﴿٥٦﴾

هر آئینه کسانی که کافر شدند بآیاتِ ما زود درآریم ایشان را بآتش هر گاه که پخته گرددپوستهای ایشان بعوض پیداکنیم برای ایشان پوستهای دیگر غیرازآن تابچشند عذاب را هر آئینه خدا هست غالبِ استوارکار (٥٦) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ۚ لَهُمْ فِيْهَآ اَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ ۚ وَّنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيْلًا ﴿٥٧﴾

وکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند زود درآریم ایشان را به بوستانهائی‌که میرود زیرآن جوی ها جاویدان آنجاهمیشه ، ایشان راست آن جا زنانِ پاك کرده شده و درآریم ایشان را بسایه نیك (یعنی راحت تمام) (٥٧) .

اِنَّ اللّٰهَ يَاْمُرُكُمْ اَنْ تُؤَدُّوا الْاَمٰنٰتِ اِلٰٓى اَهْلِهَا ۙ وَاِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ اَنْ تَحْكُمُوْا بِالْعَدْلِ ۚ اِنَّ اللّٰهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهٖ ۚ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ سَمِيْعًا ۢ بَصِيْرًا ﴿٥٨﴾

هر آئینه خدا می فرماید شمارا که اداکنید امانت هارا به اهل آن ومیفرماید که براستی حکم کنید چون حاکم شوید میان

---

(١) نقیرغلاف نازکی است که برپشت خسته خرمامی باشد .

مردمان هر آئینه نیکو چیز یست آنچه خدابآن پندمیدهد شمارا هر آئینه خداهست شنوای بینا[1] (٥٨) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ وَاُولِى الْاَمْرِ مِنْكُمْ ۚ فَاِنْ تَنَازَعْتُمْ فِىْ شَىْءٍ فَرُدُّوْهُ اِلَى اللّٰهِ وَالرَّسُوْلِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ۗ ذٰلِكَ خَيْرٌ وَّاَحْسَنُ تَاْوِيْلًا ﴿٥٩﴾

ای مومنان فرمانبرداری کنید خدارا و فرمانبرداری کنید پیغامبررا وفرمان روایان راازجنس خویش پس اگر اختلاف کنید در چیزی پس برگردانید اورا بسوی خداو پیغامبر اگر اعتقاد دارید بخدا وروز آخرت این بهتراست ونیکوتر باعتبار عاقبت[2] (٥٩) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ يَزْعُمُوْنَ اَنَّهُمْ اٰمَنُوْا بِمَاۤ اُنْزِلَ اِلَيْكَ وَمَاۤ اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيْدُوْنَ اَنْ يَّتَحَاكَمُوْۤا اِلَى الطَّاغُوْتِ وَقَدْ اُمِرُوْۤا اَنْ يَّكْفُرُوْا بِهٖ ۗ وَيُرِيْدُ الشَّيْطٰنُ اَنْ يُّضِلَّهُمْ ضَلٰلًاۢ بَعِيْدًا ﴿٦٠﴾

آیاندیدی بسوی کسانیکه گمان می کنند که ایمان آوردند بآنچه بسوی تونازل کرده شده است وبآنچه پیش ازتونازل کرده شد، می خواهند که قضایای خویش رفع کنند بسوی سرکش وحالانکه فرموده شد ایشان را که منکر وی شوند و شیطان می خواهد که گمراه سازد ایشان راگمراهی دور (٦٠) .

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ تَعَالَوْا اِلٰى مَاۤ اَنْزَلَ اللّٰهُ وَاِلَى الرَّسُوْلِ رَاَيْتَ الْمُنٰفِقِيْنَ يَصُدُّوْنَ عَنْكَ صُدُوْدًا ۚ ﴿٦١﴾

وچون گفته شود بایشان بیائید بسوی آنچه نازل کرده است خدا و بسوی پیغامبر می‌بینی منافقان را بازمی ایستند

---

(١) درین آیت اشاره است بقصه عثمان حجبی که مفتاح کعبه ازدست وی گرفتند ومردمان آن راواز حضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم طلب کردند آنحضرت قبول نموده بعثمان ردفرمود .

(٢) مردم ضعیف الایمان درخلاف هوای نفس بحکم شرع راضی نمی شدند و گاهی بکاهنان و رئیسان کفر رجوع می کردند چون آنحضرت ایشان را براین معنی تعزیر یاتهدید فرمود سوگند خوردند که مخالفت آن حضرت مقصود ما نیست خدای تعالی درین باره آیات فرستاد .

ازتوباعراض (٦١) .

فَكَيْفَ إِذَآ أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَآءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ إِنْ أَرَدْنَآ إِلَّآ إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٢﴾

پس چه حال است آنگاه که برسد بایشان مصیبتی بسبب آنچه پیش فرستاده است دستهای ایشان پس هرگاه بیایندنزد توقسم می خورند بخدا که نخواسته بودیم مگر نیکوکاری وموافقت کردن را[1] (٦٢) .

أُولٰٓئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللّٰهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَّهُمْ فِيٓ أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ﴿٦٣﴾

این گروه آنانندکه می داندخدا آنچه دردل های ایشان است پس اعراض کن ازایشان[2] وپندده ایشان راوبگوبایشان سخنی مؤثر در دلهای ایشان (٦٣) .

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللّٰهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوٓا أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿٦٤﴾

ونه فرستادیم هیچ پیغامبری را مگر برای آنکه اطاعت کرده شود بحکم خدا واگر این جماعت وقتیکه ستم کردند برخویشتن می‌آمدندنزد تو پس آمرزش طلب می کردند ازخداو طلب آمرزش کرد برای ایشان پیغمبر هر آئینه می یافتند خدارا توبه پذیر مهربان (٦٤) .

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتّٰى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِيٓ أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

پس قسم به پروردگار توکه ایشان مسلمان نه باشند تاآنکه حاکم کنند ترادراختلافی که واقع شد میان ایشان بازنیابند در دلهای خویش تنگی ازآنچه حکم فرمودی وقبول کنند بانقیاد (٦٥) .

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوٓا أَنفُسَكُمْ أَوِ اخْرُجُوا

واگرمامی نوشتیم[3] برایشان که بکشیدخویشتن را یا بیرون شوید ازخانه های

---

(١) یعنی مردمان خصوم .

(٢) یعنی ازقتل ایشان .

(٣) یعنی واجب میکردیم .

مِنْ دِيَارِكُمْ مَّا فَعَلُوْهُ اِلَّا قَلِيْلٌ مِّنْهُمْ ؕ وَلَوْ اَنَّهُمْ فَعَلُوْا مَا يُوْعَظُوْنَ بِهٖ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاَشَدَّ تَثْبِيْتًا ﴿٦٦﴾

خویش نمی کردند این کار را مگر اندکی ازایشان وا گر می کردند آنچه بآن پندداده می شدند هر آئینه بهتر بودی ایشان را و محکم تردر استواری دین (٦٦).

وَّاِذًا لَّاٰتَيْنٰهُمْ مِّنْ لَّدُنَّاۤ اَجْرًا عَظِيْمًا ﴿٦٧﴾

وآنگاه البته می دادیم ایشان را ازنزد خویش مزدبزرگ (٦٧).

وَّلَهَدَيْنٰهُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا ﴿٦٨﴾

وهدایت می کردیم ایشان را براه راست (٦٨).

وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ فَاُولٰٓئِكَ مَعَ الَّذِيْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِّنَ النَّبِيّٖنَ وَالصِّدِّيْقِيْنَ وَالشُّهَدَآءِ وَالصّٰلِحِيْنَ ۚ وَحَسُنَ اُولٰٓئِكَ رَفِيْقًا ﴿٦٩﴾

وهرکه فرمان برد خداو رسول را پس این جماعت همراه آن کسانند که انعام کرده است خدابر ایشان ازپیغمبران وصدّیقان وشهیدان وصالحان وچه خوبند آنهاازجهت رفاقت (٦٩).

ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللّٰهِ ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ عَلِيْمًا ﴿٧٠﴾

این بخشائش ازخدااست وبس ست خدا دانا[1] (٧٠).

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا خُذُوْا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوْا ثُبَاتٍ اَوِ انْفِرُوْا جَمِيْعًا ﴿٧١﴾

ای مسلمانان برگیرید سلاح خودرا پس بیرون روید گروه گروه شده یابیرون روید همه باهم (٧١).

وَاِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَّيُبَطِّئَنَّ ۚ فَاِنْ اَصَابَتْكُمْ مُّصِيْبَةٌ قَالَ قَدْ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيَّ اِذْ لَمْ اَكُنْ مَّعَهُمْ شَهِيْدًا ﴿٧٢﴾

و هر آئینه بعضی از شما آنست که درنگ می کند پس ا گر برسد به شمامصیبتی بگوید انعام کرد خدا برمن چون نبودم حاضر بایشان (٧٢).

وَلَئِنْ اَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللّٰهِ لَيَقُوْلَنَّ كَاَنْ لَّمْ تَكُنْۢ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهٗ مَوَدَّةٌ يّٰلَيْتَنِيْ كُنْتُ مَعَهُمْ

وا گر به رسد به شمانعمتی از خدا البته بگوید گویاهرگز نبودمیان شما ومیان

(١) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام دراول اسلام که جهادفرض نشده بود دعوت اسلام قبول نمودندو چون جهاد فرض شداازآن تقاعد کردند وازبعضی کلمات منافقانه سربر می زدو بعضی باmخالفین همزبان شده خلاف رضای آنحضرت رای مي دادند خدای تعالی درین باره آیات فرستاد .

فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧٣﴾

وی دوستی کاش می‌بودم باایشان پس می‌یافتم مطلب بزرگ را (۷۳) .

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۚ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٧٤﴾

پس باید که جنگ کنند درراه خدا آن مومنان که می فروشند زندگانی دنیارا بآخرت وهرکه جنگ کند درراه خدا پس کشته شودیاغالب آید بدهیمش مزدبزرگ را (٧٤) .

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَآءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا ﴿٧٥﴾

و چیست شمارا که جنگ نمی کنید درراه خدا وبرای بیچارگان از مردان وزنان وکودکان[1] آنانکه می گویند ای پروردگار مابیرون آرمارا ازین دِه که ستمگاراند اهل آن ومقررکن برای ما از نزد خود کارسازی و مقرر کن برای ما از نزد خودیاری دهنده (۷۵) .

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَآءَ الشَّيْطَٰنِ ۖ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَٰنِ كَانَ ضَعِيفًا ﴿٧٦﴾

مومنان می‌جنگند درراه خدا وکافران می جنگند درراه معبود باطل پس جنگ کنید بادوستانِ شیطان هر آئینه حیلهٔ شیطان سست است (٧٦) .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَآتُوا الزَّكَوٰةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً ۚ وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ

آیاندیدی بسوی کسانیکه گفته شد ایشان را بازدارید دستهای خود را[2] وبرپاکنید نماز را وبدهید زکوٰة را[3] پس چون نوشته شد برایشان جنگ ناگاه گروهی ازایشان می ترسند ازمردمان مانند ترسیدن از خدا یابیشتر و گفتند ای

---

(۱) یعنی گرفتاران بدست کفار .

(۲) یعنی جنگ مکنید .

(۳) یعنی پس قبول کردند .

كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَآ اَخَّرْتَنَآ اِلٰٓى اَجَلٍ قَرِيْبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيْلٌ وَالْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقٰى وَلَا تُظْلَمُوْنَ فَتِيْلًا ﴿٧٧﴾

پروردگار ماچرانوشتی برماکارزار چرازنده نگذاشتی مارا تاوقتی نزدیك بگوبهره مندی دنیا اندك است وآخرت بهتر است کسی را که پرهیزگاری کند و ستم کرده نخواهید شد مقدارِ رشته ای (۷۷) .

اَيْنَ مَا تَكُوْنُوْا يُدْرِكْكُّمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِيْ بُرُوْجٍ مُّشَيَّدَةٍ وَاِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَّقُوْلُوْا هٰذِهٖ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَاِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَّقُوْلُوْا هٰذِهٖ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ فَمَالِ هٰٓؤُلَآءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُوْنَ يَفْقَهُوْنَ حَدِيْثًا ﴿٧٨﴾

هر جاکه باشید دریابد شمارا مرگ واگرچه باشید درمحل های محکم واگر برسد بایشان نعمتی گویند این از نزد خداست واگر برسد بایشان شدّتی (یعنی سختی)گویند یامحمد این ازنزد تست بگوهمه ازنزد خدا است پس چه حال است این قوم را نزدیك نیستند که بفهمند سخنی را (۷۸) .

مَآ اَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ وَمَآ اَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَّفْسِكَ وَاَرْسَلْنٰكَ لِلنَّاسِ رَسُوْلًا وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا ﴿٧٩﴾

آنچه رسید به تو ازنعمت پس ازخداست وآنچه رسید به تو از محنت پس ازنزد نفس تست وفرستادیم ترا برای مردمان پیغامبری وبس است خدا حاضر و گواه (۷۹) .

مَنْ يُّطِعِ الرَّسُوْلَ فَقَدْ اَطَاعَ اللّٰهَ وَمَنْ تَوَلّٰى فَمَآ اَرْسَلْنٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيْظًا ﴿٨٠﴾

هرکه فرمانبرداری کند پیغامبر را پس هر آئینه فرمانبرداری خدا کرد وهر که اعراض کرد پس نفرستادیم ترا برایشان نگهبان[۱] (۸۰) .

---

(۱) یعنی این کلمه حق است که خیرازجانب خدا است وشراز جانب بنده لیکن مقصود این مردم ازین کلمه درست نیست وآن اینست که جهاد باجمیع قبائل عرب معقول نیست پس اگر فتح باشد بس نعمتی غیر مترقب است واگر هزیمت باشد موافق حال این تدبیراست وچون جهاد بامرالهی همه خیراست عقل را درآنجادخل دادن صحیح نه باشد والله اعلم .

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ ۖ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ ۖ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ ۖ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٨١﴾

ومی گویند دردل ما فرمانبرداریست پس چون بیرون روندازنزد تو گروهی از ایشان بوقت شب رای زنند غیرآنچه تومی فرمائی وخدامی نویسد یعنی درنامۀ اعمال آنچه شب می گویند پس اعراض کن ازایشان وتوکل نمابر خدا وخدا کارسازنده بس است (۸۱) .

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ ۚ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿٨٢﴾

آیاتأمل نمی کنند قرآن را و اگرمی‌بود ازنزد غیر خدا البته می‌یافتند دراواختلاف بسیار (۸۲) .

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ ۖ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ ۗ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٣﴾

ووقتیکه بیاید نزد ایشان خبری ازایمنی یاترس مشهور سازندآن را واگر برمیگردانیدند آن رابسوی پیغامبر و بسوی فرمان روایان ازاهل اسلام هر آئینه می‌یافتند مصلحتِ آن خبرراآنانکه ازایشان میتوانند بر آوردن مصلحت آن واگر نمی‌بود بخشائش خدابرشما ورحمت اوالبته پیروی می کردیدشما شیطان را مگر اندکی (۸۳) .

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ ۚ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ ۖ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا ﴿٨٤﴾

پس جنگ کن (یامحمد) درراه خدا برتومؤاخذه نیست مگرازجان توورغبت ده مسلمانان را[1] نزدیك است که موقوف سازدخدا جنگ کافران را وخدا سخت تراست باعتبار جنگ و سخت تراست باعتبار عقوبت (۸٤) .

مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا ۖ وَمَنْ يَشْفَعْ

هرکه شفاعت کند شفاعتی نیك باشداورابهره ای ازثواب آن وهر که

(۱) یعنی برتورغبت دادنست وبس ا گر همراهی نکنند برتو مؤاخذه نیست والله اعلم.

شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَّكُنْ لَّهٗ كِفْلٌ مِّنْهَا ۗ وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيْتًا ﴿٨٥﴾

شفاعت كند شفاعتی بد باشداورا حصه ای از عذاب آن وهست خدا برهمه چیز توانا[1] (٨٥) .

وَاِذَا حُيِّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوْا بِاَحْسَنَ مِنْهَآ اَوْ رُدُّوْهَا ۗ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيْبًا ﴿٨٦﴾

وچون تعظیم کرده شویدبه سلامی پس تعظیم کنید بکلمه ای بهترازآن یا مانند همان کلمه جواب دهید هر آئینه هست خدابرهمه چیزحساب گیرنده (٨٦) .

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۗ لَيَجْمَعَنَّكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيْهِ ۗ وَمَنْ اَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ حَدِيْثًا ﴿٨٧﴾

بجز خدانیست هیچ معبود برحقی البته بهم آرد شمارا به روزقیامت هیچ شك نیست درآن وکیست راست گوتر ازخدادرسخن[2] (٨٧) .

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنٰفِقِيْنَ فِئَتَيْنِ وَاللّٰهُ اَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوْا ۗ اَتُرِيْدُوْنَ اَنْ تَهْدُوْا مَنْ اَضَلَّ اللّٰهُ ۗ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ سَبِيْلًا ﴿٨٨﴾

پس چیست ای مسلمانان شمارادرباره تملق کنندگان دو گروه شدید[3] وخدا نگونسارساخت ایشان رابشومی آنچه کردند آیا می خواهید که راه نمائید (یعنی ازجمله راه یابان شمارید) کسی راکه گمراه ساخت اورا خداوهرکرا خداگمراه کندنیابی برای اوهیچ را هی (٨٨) .

وَدُّوْا لَوْ تَكْفُرُوْنَ كَمَا كَفَرُوْا فَتَكُوْنُوْنَ سَوَآءً فَلَا تَتَّخِذُوْا مِنْهُمْ اَوْلِيَآءَ حَتّٰى يُهَاجِرُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۗ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوْهُمْ وَاقْتُلُوْهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُّمُوْهُمْ ۪ وَلَا تَتَّخِذُوْا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَّلَا نَصِيْرًا ﴿٨٩﴾

این تملق کنندگان آرزو کردند که شما نیز کافرشوید چنانچه ایشان کافر شدند پس برابر باشید پس دوست مگیریدهیچکس را ازیشان تاآنکه هجرت کنند در راه

---

(١) یعنی مثلاً سفارش گدای به تَوَانگرتا اورا جیزی بدهدنیك است وسفارش برای سارق تادست اونه بُرند درست نیست .

(٢) مترجم گویدخدای تعالی بیان می فرماید که به تملقِ کفار اعتمادنبایدکرد .

(٣) یعنی بعضی به تملق فریفته شدند و بعضی نشدند ومی بایست که همه باتفاق فریفته نمی شدند والله اعلم .

خدا[۱] پس اگر اعراض کردند (یعنی ازاسلام و هجرت) پس اسیر گیرید ایشان را وبکشید هرجا که یابید ایشان را ودوست ویار مگیرید کسی رااز ایشان (۸۹).

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَن يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ ۚ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ۝۹۰

(اسیر گیریدوبکشید) مگر آنان را که پیوند دارند با گروهی که میان شما ومیان ایشان عهد است یابیایند نزد شما حالانکه تنگ آمده است سینه های ایشان ازآنکه بجنگند باشمایا بجنگند باقوم خویش[۲] واگرخدامی‌خواست هر آئینه مسلط می‌ساخت ایشان را برشماپس می‌جنگیدند باشما پس اگراین فریق یکسوشوند ازجانب شماو نجنگندباشماو بیفگنند بسوی شماپیغام صلح را پس خداوند برضدایشان را هی دراختیار شما نگذاشته است[۳] (۹۰).

سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَن يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّمَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا ۚ فَإِن لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوا

خواهید یافت قومی را که می خواهند ایمن شوندازشما وایمن شوندازقوم خود هر گاه باز گردانیده می شوند بسوی فتنه انگیزی نگونسارانداخته شونددرآن[٤] پس اگر یکسونه شوندازجنگ

---

(۱) یعنی مسلمان شوند وهجرت کنند .

(۲) مترجم گوید و کسی که ایمان آردوهجرت نه کندحکم اوبطریق اولی فهمیده شد والله اعلم .

(۳) یعنی اگراسلام آرندوهجرت کنندایشان را دوست باید گرفت واگر اسلام نیارندمی باید کشت مگرآنکه پیمان داشته باشند وثابتانرا برعهدوحلفای معاهدان رابه هیچ وجه نتوان ایذاداد والله اعلم .

(٤) صلح می کنندوبازنقض عهد می‌نمایند والله اعلم .

أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ ۚ وَأُولَٰئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ﴿٩١﴾

شماونیفگنند بسوی شما پیغام صلح را وبازندارند دستهای خویش را پس اسیر گیریدایشان را وبکشید هرجاکه یابید ایشان را واین جماعت داده ایم شمارا برایشان حجت ظاهر (۹۱) .

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً ۚ وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا ۚ فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ ۖ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ ۖ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٩٢﴾

ونه[۱] سِزَدمسلمانی را که بکشد مسلمانی را لیکن قتل واقع میشود بخطأ (یعنی بغیر قصد) وهرکه بِکُشَد مسلمانی رابخطأ پس لازم است آزادکردن برده مسلمان و خون بهارسانیده شده به کسان مقتول مگرآنکه درگذرندازآن پس اگر باشدمقتول ازگروه دشمنانِ شما واومسلمانست پس لازم است آزادکردن بردهٔ مسلمان[۲] واگر باشدمقتول ازقومی که میان شماوایشان عهداست[۳] پس لازم است خون بهارسانیده شده بکسان اووآزاد کردن بردهٔ مسلمان پس هرکه نیابدبرده را پس لازم است روزه داشتن دوماه پی درپی مشروع در کفارّت بجهت قبول توبه است ازجانب خداوهست خدادانای استوارکار[٤] (۹۲) .

---

(۱) مترجم گوید خدای تعالی احکام قتل خطأبیان می فرماید وآنکه امتناع ازکسیکه به کلمهٔ اسلام متکلم شدواجب است وفضل مجاهدان ووجوب هجرت ازدار کفر بداراسلام و کیفیت نماز سفرونمازخوف بیان می کُند والله اعلم .

(۲) یعنی مقتول مسلمان اگر ازساکنان دارالحرب باشد دیت لازم نیست والله اعلم.

(۳) یعنی واو مومن باشد .

(٤) جمهورمفسرین تصور (وان کان من قوم بینکم وبینهم میثاق) درمقتول کافرکردندبه ملاحظه آنکه توارث درمیان مومن وکافر منقطع است وسبیل دیت =

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَآؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ﴿٩٣﴾

وهرکه بِکُشَد مسلمانی را بقصد پس جزای او دوزخ است جاویدباشدآنجا وخشم گرفته است براوخداو لعنت کرداورا وآماده ساخته است برای اوعذابی بزرگ (٩٣) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٩٤﴾

ای مسلمانان چون سفر کنید درراه خدا(یعنی برای جهاد) پس نیك تحقیق کنید ومگوئید کسی را که بسوی شماسلام انداخته است نیستی مسلمان می طلبید متاع زندگانی دنیا را پس نزد خداغنیمت های بسیاراست هم چنین بودید پیش ازین پس انعام کردخدا برشماپس تحقیق کنید هر آئینه خداهست بآنچه کنیدآگاه (٩٤) .

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٩٥﴾

برابرنیستند نشینندگان غیر معذور ازمسلمانان وجهاد کنندگان درراه خدای تعالی به مالهای خویش وجانهای خویش برتری داده است خدامجاهدان را به مال و جان خویش برنشینندگان درمرتبه وهریکی را وعدهٔ نیك کرده است خدا وافزون داده است خدا مجاهدان را به نسبت نشینندگان مزدبزرگ[1] (٩٥) .

= سبیل میراث است و بندهٔ ضعیف می گوید تمهید مسئله به (وما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناالاخطأ) وتقید به «وهومؤمن» درنظیر مانحن فیه ظاهر است درآنکه اینجاقیدایمان معتبر است ولزوم دیت بجهت وفابعهدست نه برسبیل میراث ونظیرش وجوب مهرست درمسئله مؤمنه ازقوم متعاهدین درسوره ممتحنه الله اعلم .

(١) فائده قید غیراولی الضررآنست که دراولی الضرراین حکم مطرد نیست بلکه جمعی باشند ازاولی الضرر که نیت صحیحه دارند ثواب عمل کامل یابندوالله اعلم .

دَرَجٰتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَّرَحْمَةً ۚ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٩٦﴾

افزون داده است مرتبه هاازجانب خویش وآمرزش وبخشایش وهست خداآمرزندهٔ مهربان (۹٦) .

اِنَّ الَّذِيْنَ تَوَفّٰهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ ظَالِمِيْٓ اَنْفُسِهِمْ قَالُوْا فِيْمَ كُنْتُمْ ۖ قَالُوْا كُنَّا مُسْتَضْعَفِيْنَ فِي الْاَرْضِ ۚ قَالُوْٓا اَلَمْ تَكُنْ اَرْضُ اللّٰهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوْا فِيْهَا ۚ فَاُولٰٓئِكَ مَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَسَآءَتْ مَصِيْرًا ﴿٩٧﴾

هر آئینه آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان کردند درحالتیکه ستمگار بودند برخویشتن[۱] فرشتگان بایشان گفتند درچه حال بودید شما گفتند بودیم بیچاره گان درزمین گفتند آیافراخ نبود زمین خدا تاهجرت می کردید درآن پس آن جماعت جای ایشان دوزخ است واوبدجائی است (۹۷) .

اِلَّا الْمُسْتَضْعَفِيْنَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَآءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ حِيْلَةً وَّلَا يَهْتَدُوْنَ سَبِيْلًا ﴿٩٨﴾

مگرآنانکه بحقیقت بیچاره اند ازمردان و زنان وکودکان هیچ چاره نمی توانند وهیچ راه نمی یابند (۹۸) .

فَاُولٰٓئِكَ عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّعْفُوَ عَنْهُمْ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ عَفُوًّا غَفُوْرًا ﴿٩٩﴾

پس آن جماعت نزدیك است که خدا عفو کند ازایشان وهست خداعفوکنندهٔ آمرزنده (۹۹) .

وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ يَجِدْ فِي الْاَرْضِ مُرٰغَمًا كَثِيْرًا وَّسَعَةً ۚ وَمَنْ يَّخْرُجْ مِنْۢ بَيْتِهٖ مُهَاجِرًا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ اَجْرُهٗ عَلَى اللّٰهِ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿١٠٠﴾

وهرکه ترك وطن کند درراه خدا بیابددرزمین اقامت گاه بسیارو فراخی معیشت وهرکه بیرون رودازخانهٔ خود هجرت کنان بسوی خداو پیغامبراو وسپس دریابد اورا موت[۲] پس به تحقیق ثابت شد مزداوبرخدا وهست خدا آمرزندهٔ مهربان (۱۰۰) .

وَاِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْاَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ

وچون سفرکنید درزمین پس نیست برشما

---

(۱) یعنی بترك هجرت از دارالحرب بدارالسلام وبه تکثیر سوادکفاروالله اعلم .

(۲) یعنی درراه قبل وصول بمقصد .

تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلٰوةِ ۖ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ إِنَّ الْكٰفِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿١٠١﴾

گناهی درآنکه قصر کنید قدری ازنماز اگر بترسید ازآنکه دربلاافگنند شمارا کافران هر آئینه کافران هستند شمارادشمن آشکار[1] (١٠١) .

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلٰوةَ فَلْتَقُمْ طَآئِفَةٌ مِّنْهُمْ مَّعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ ۚ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَّرَآئِكُمْ ۖ وَلْتَأْتِ طَآئِفَةٌ أُخْرٰى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ ۚ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَّيْلَةً وَّاحِدَةً ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِّنْ مَّطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَّرْضٰى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ ۖ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ ۗ إِنَّ اللّٰهَ أَعَدَّ لِلْكٰفِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿١٠٢﴾

وچون باشی درمیان مؤمنان[2] پس برپاکردی برای ایشان نمازرا پس باید بایستد گروهی ازایشان باتو وبایدکه برگیرند سلاح خویش را پس چون سجده کردند آنان پس بایدکه باشندپشت سرشما[3] وبایدکه بیاید آن گروه دیگرکه هنوز نمازنخوانده اند پس نماز گذارندباتو وبایدکه بگیرند حذر[4] وسلاح خودرا آرزوکردندکافران کاش غافل شوید ازسلاح خویش و متاع خویش پس حمله کنند برشما یك باره و هیچ گناه نیست برشما اگر باشد شمارا رنجی ازباران یا بیمارباشید درآن که بنهید سلاح خویش را والبته بگیریدحذرخودرا هر آئینه خدا آماده کرده است برای کافران عذاب رسواکننده[5] (١٠٢) .

---

(١) مترجم گوید مشهور آن ست که این آیت درصلوٰة مسافرنازل شده است وخوف قید اتفاقی است و آنچه نزدیك این بنده رجحان یافته است آنست که این آیت درصلوٰة خوف نازل شده است وسفرقیداتفاقیست و مراد از قصردرکیفیت رکوع وسجود است که بایمای ادامیتوان کرد نه درکمیت رکعات والله اعلم .

(٢) یعنی وقت خوف .

(٣) یعنی مقابل عدو .

(٤) وحذرخوذوزره وسپررا گویند .

(٥) مترجم گوید این راصورتهااست یکی آنکه امام دوبارنماز گذاردیك بار =

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلٰوةَ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ قِيٰمًا وَّقُعُوْدًا وَّعَلٰى جُنُوْبِكُمْ ۚ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ ۚ إِنَّ الصَّلٰوةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ كِتٰبًا مَّوْقُوْتًا ﴿١٠٣﴾

پس چون نماز تمام کردید پس یاد کنیدخدارا ایستاده ونشسته وبرپهلوهای خویش پس چون مطمئن شدید برپا کنیدنمازرا[1] هر آئینه هست نمازبرمومنان فرض وقت معین کرده شده(۱۰۳) .

وَلَا تَهِنُوْا فِى ابْتِغَآءِ الْقَوْمِ ۚ إِنْ تَكُوْنُوْا تَأْلَمُوْنَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُوْنَ كَمَا تَأْلَمُوْنَ ۚ وَتَرْجُوْنَ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا يَرْجُوْنَ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿١٠٤﴾

وسستی مکنید درجستجوی کفارا گر شمادردمند می شوید پس ایشان نیزدردمند می شوند چنانکه شما می‌شوید و شماامید داریداز خدا آنچه ایشان را امید نیست وهست خدادانای استوارکار (۱۰٤) .

إِنَّآ أَنْزَلْنَآ إِلَيْكَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَآ أَرٰىكَ اللّٰهُ ۚ وَلَا تَكُنْ لِّلْخَآئِنِيْنَ خَصِيْمًا ﴿١٠٥﴾

هر آئینه[2] مافرود آوردیم بسوی توکتاب را براستی تاحکم کنی میان مردمان بآنچه شناسانده است تراخداومباش خصومت کننده برای حمایت خیانت کنندگان (۱۰۵) .

= باینجماعت ودیگربار بآن جماعت دیگر آنکه امام بایك جماعت یك رکعت گذاردودرقیام توقف کندتاآنکه رکعت دیگرخوانده مقابل عدوروند آنجماعت دیگرآمده اقتدا به امام کنندو رکعت دیگر بآنجماعت خواند درقعده چندان توقف کندکه ازرکعت دوم فارغ شوند آنگه بایشان سلام دهداین هردوباصورتهای دیگرهمه صحیح شده وهمه محتمل آنست والله اعلم.

(۱) یعنی بطریق نمازامن والله اعلم .

(۲) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام اگر کسی راازایشان مرتکب گناهی می‌شد دور وی حیله ها بافته پیش آنحضرت بوجهی اظهار میکردند که براءت اوبخاطرمبارك می‌رسید وبایکدیگر خلوت کرده رازها بخلاف رضای شریف درمیان می‌آوردند خدای تعالی آیات فرستاد .

وَاسْتَغْفِرِ اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ١٠٦

وآمرزش خواه ازخدا هر آئینه هست خدا آمرزندۀ مهربان (١٠٦) .

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِيْنَ يَخْتَانُوْنَ اَنْفُسَهُمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا اَثِيْمًا ١٠٧

وخصومت مکن ازجانب آنانکه خیانت می کنند خویشتن را هر آئینه خدا دوست ندارد آنرا که باشدخیانت کنندۀ گنهگار (١٠٧) .

يَّسْتَخْفُوْنَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُوْنَ مِنَ اللّٰهِ وَهُوَ مَعَهُمْ اِذْ يُبَيِّتُوْنَ مَا لَا يَرْضٰى مِنَ الْقَوْلِ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُوْنَ مُحِيْطًا ١٠٨

پنهان می کنند ازمردمان و پنهان نمی کنند ازخدا واوبایشان ست آنگاه که به شب مشورت میکنندآنچه خدانمی پسنددازتدبیر وهست خداباآنچه میکنننددر بر گیرنده (١٠٨) .

هٰٓاَنْتُمْ هٰٓؤُلَاۗءِ جٰدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۣ فَمَنْ يُّجَادِلُ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَمْ مَّنْ يَّكُوْنُ عَلَيْهِمْ وَكِيْلًا ١٠٩

آ گاه باشید شمااى قوم که خصومت کردید ازطرف خیانت کنند گان درزندگانی دنیا پس کیستکه خصومت کندباخدا ازطرف ایشان روزقیامت یاکیست که باشدبرایشان کارسازنده (١٠٩) .

وَمَنْ يَّعْمَلْ سُوْۗءًا اَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهٗ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ يَجِدِ اللّٰهَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ١١٠

وهرکه انجام دهد کاربدیاستم کندبرخویش بازآمرزش طلبدازخدا بیابد خدارا آمرزندۀ مهربان (١١٠) .

وَمَنْ يَّكْسِبْ اِثْمًا فَاِنَّمَا يَكْسِبُهٗ عَلٰي نَفْسِهٖ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ١١١

وهرکه بکند گناهی پس جزاین نیست که می کندآن رابرجان خویش وهست خدا دانای استوارکار (١١١) .

وَمَنْ يَّكْسِبْ خَطِيْۗـــَٔةً اَوْ اِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهٖ بَرِيْۗــًٔـا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَّاِثْمًا مُّبِيْنًا ١١٢

وهرکه بکند خطائی یا گناهی بازتهمت زندبآن بیگناهی را پس برخود برداشت افتراو گناه ظاهررا (١١٢) .

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهٗ لَهَمَّتْ طَّاۗىِٕفَةٌ مِّنْهُمْ اَنْ يُّضِلُّوْكَ ۭ وَمَا يُضِلُّوْنَ اِلَّآ اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّوْنَكَ مِنْ شَيْءٍ ۭ وَاَنْزَلَ اللّٰهُ عَلَيْكَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ

وا گرنمی‌بود فضل خدابرتو وبخشائش او قصدکرده بودند گروهی ازایشان که گمراه کنندترا و گمراه نمی کنند مگرخویشتن

مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ ۭ وَكَانَ فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ عَظِيْمًا ﴿١١٣﴾

را وهيچ ضررى نرسانند به توازچيزى ونازل ساخت خدا برتوكتاب و دانش و آموخت ترا آنچه نمى دانستى وهست فضل خدا برتوبزرگ (١١٣) .

لَا خَيْرَ فِيْ كَثِيْرٍ مِّنْ نَّجْوٰىهُمْ اِلَّا مَنْ اَمَرَ بِصَدَقَةٍ اَوْ مَعْرُوْفٍ اَوْ اِصْلَاحٍۢ بَيْنَ النَّاسِ ۭ وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ ابْتِغَاۗءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيْهِ اَجْرًا عَظِيْمًا ﴿١١٤﴾

نيست خوبى دربسيارى ازمشورت پنهانى ايشان ليكن خوبى درمشورت كسى است كه مى‌فرمايد بصدقه يابكار پسنديده يا به صلاح كارى ميان مردمان وهركه اين كند به طلب خوشنودى خدا پس بزودى بدهيمش مزدبزرگ (١١٤) .

وَمَنْ يُّشَاقِقِ الرَّسُوْلَ مِنْۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدٰى وَ يَـتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيْلِ الْمُؤْمِنِيْنَ نُوَلِّهٖ مَا تَوَلّٰى وَنُصْلِهٖ جَهَنَّمَ ۭ وَسَاۗءَتْ مَصِيْرًا ﴿١١٥﴾

وهركه مخالفت پيغامبركند بعد ازآنكه معلوم شداوراهدايت وپيروى كندغير راه مسلمانان را متوجه بكنيمش بآنچه ميگردد[1] ودرآريمش بدوزخ واوبدجائى ست (١١٥) .

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُّشْرَكَ بِهٖ وَيَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَّشَاۗءُ ۭ وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلٰلًۢا بَعِيْدًا ﴿١١٦﴾

هر[2] آئينه خدا نمى آمرزدآنكه شريك باومقرركرده شود و مى آمرزد غيرشرك هركراخواهد وهركه شريك خدا مقرركند پس گمراه شد گمراهى دور (١١٦) .

اِنْ يَّدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖٓ اِلَّآ اِنٰثًا ۚ وَاِنْ يَّدْعُوْنَ اِلَّا شَيْطٰنًا مَّرِيْدًا ﴿١١٧﴾

مشركان نمى پرستند بجز خدامگربتانى راكه بنام دختران مسمى كرده اند ونمى پرستند مگرشيطان دوررفته ازحدرا (١١٧) .

لَّعَنَهُ اللّٰهُ ۘ وَقَالَ لَاَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيْبًا مَّفْرُوْضًا ﴿١١٨﴾

لعنت كرداوراخداو گفت شيطان بگيرم ازبندگان توحصه اى كه در علم ازلى معين شده (١١٨) .

وَّلَاُضِلَّنَّهُمْ وَلَاُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَاٰمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ اٰذَانَ

والبته گمراه كنم ايشان را و البته درآرزوى

(١) مترجم گويد يعنى قوت دل بيفزائم .

(٢) مترجم گويد ازينجا تغليظ تحريم شرك مى فرمايد .

الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللّٰهِ ۚ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطٰنَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا ﴿١١٩﴾

باطل افگنم ایشان را والبته بفرمایم ایشان را تابشگافند گوش چهارپایان راوالبته بفرمایم ایشان راتاتغییردهندآفرینش خدارا[1] وهرکه دوست گیردشیطان را بجزخدا پس زیان کارشد زیان ظاهر (١١٩) .

يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ ۖ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطٰنُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢٠﴾

وعده می دهدایشان راودرآرزوی می اندازد ایشانراو وعده نمی دهدایشان راشیطان الابفریب (١٢٠) .

أُولٰٓئِكَ مَأْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ﴿١٢١﴾

آن جماعت جای ایشان دوزخ است و نیابند ازآن راه نجاتی (١٢١) .

وَالَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ خٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۖ وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا ۚ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ قِيلًا ﴿١٢٢﴾

وآنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند درآریم ایشان را به بوستانهائی که می رود زیرآن جویها جاویدان آنجا همیشه وعده کرده است خدابراستی وکیست راست‌گوترازخدادرسخن (١٢٢) .

لَيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَآ أَمَانِيِّ أَهْلِ الْكِتٰبِ ۗ مَن يَعْمَلْ سُوٓءًا يُجْزَ بِهٖ وَلَا يَجِدْ لَهٗ مِن دُونِ اللّٰهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٢٣﴾

نیست کاربوفق آرزوی شما ونه بوفق آرزوی اهل کتاب هرکه بکندکاربد جزاداده خواهدشدبه آن ونیابدبرای خود بجز خدا هیچ دوستی ونه یاری دهنده (١٢٣) .

وَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصّٰلِحٰتِ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثٰى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولٰٓئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿١٢٤﴾

وهرکه بکندازکارهای شایسته مرد باشد یا زن واومسلمان است پس آن جماعت درآیند به بهشت وستم کرده نه شوندمقدارنقیری (١٢٤) .

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهٗ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ

وکیست نیکوتر باعتباردین ازکسی که

---

(١) مترجم گوید یعنی مانند خصی کردن و سوزن زدن بربدن تاسرخ یاکبود گردانند والله اعلم .

وَّاتَّبَعَ مِلَّةَ اِبْرٰهِيْمَ حَنِيْفًا ۗ وَاتَّخَذَ اللّٰهُ اِبْرٰهِيْمَ خَلِيْلًا ﴿١٢٥﴾

منقاد ساخت روی خودرا برای خداو اونیکوکاراست وپیروی کردملت ابراهیم رادرحالتی که حنیف بود وخدا دوست گرفت ابراهیم را (١٢٥) .

وَلِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَىْءٍ مُّحِيْطًا ﴿١٢٦﴾

وخداراست آنچه درآسمان هاست و آنچه درزمین ست وهست خدا بهمه چیزدر برگیرنده (١٢٦) .

وَيَسْتَفْتُوْنَكَ فِى النِّسَآءِ ۗ قُلِ اللّٰهُ يُفْتِيْكُمْ فِيْهِنَّ ۙ وَمَا يُتْلٰى عَلَيْكُمْ فِى الْكِتٰبِ فِىْ يَتٰمَى النِّسَآءِ الّٰتِىْ لَا تُؤْتُوْنَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُوْنَ اَنْ تَنْكِحُوْهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِيْنَ مِنَ الْوِلْدَانِ ۙ وَاَنْ تَقُوْمُوْا لِلْيَتٰمٰى بِالْقِسْطِ ۗ وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِهٖ عَلِيْمًا ﴿١٢٧﴾

وطلب فتوی می کنندازتودرباره زنان[1] بگو خدافتوىٰ میدهدشمارادرباره زنان وآنچه خوانده می شودبرشمادرکتاب نازل شده است درحق آن زنان یتیمه که نمی دهیدایشان راآنچه فرض کرده شده است برای ایشان ورغبت می کنیدکه به نکاح درآر یدایشانرا[2] ونازل شده است درباره بیچاره گان ازکودکان وحکم ست بآنکه تعهدحال یتیمان کنیدبانصاف وهرآنچه می کنیدازنیکوئی هست خداآن دانا[3] (١٢٧) .

وَاِنِ امْرَاَةٌ خَافَتْ مِنْۢ بَعْلِهَا نُشُوْزًا اَوْ اِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَآ اَنْ يُّصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا ۗ وَالصُّلْحُ خَيْرٌ ۗ

اگرزنی بترسد ازشوهرش سرکشی یا روگردانی راپس گناه نیست برایشان درآنکه صلح آرنددرمیان خویش نوعی ازصلح

(١) یعنی چه نوع بایشان معامله بایدکرد والله اعلم .

(٢) درنکاح زنان یتیمه رغبت می کردند بسبب براعت جمال وحداثت سن درادای نفقه ومهر کوتاهی می نمودند والله اعلم .

(٣) جواب این استفتاء تفصیلی داشت پس خدای تعالی بعضی مسائل را حواله فرمودبر آیات سابقه وآن مسئله تحریم ظلم بر یتامی النساء است وبعضی را اینجاجواب داد وآن مسئله نشوزوتحریم میل کلّی بیك زن و اعراض اززن دیگر واباحه طلاق درصورت ضرورت والله اعلم .

وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ ۚ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٨﴾

وصلح كارى بهتراست، وحاضركرده شده اند نفوس نزديك بخل[1] واگر نيكوكارى وپرهيز گارى كنيدپس هر آئينه خدا هست بآنچه مى‌كنيددانا (١٢٨) .

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ ۖ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ ۚ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٢٩﴾

ونه توانيد هرگز عدل كردن ميان زنان اگرچه نهايت رغبت كنيد پس بارى كجى مكنيد تمام كجى تاآنكه بگذاريد آن زنان را مانند معلقه[2] واگر اصلاح كنيد وپرهيزگارى نمائيد پس هر آئينه خداهست آمرزندهٔ مهربان (١٢٩) .

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ﴿١٣٠﴾

و اگر مردوزن ازيكديگرجداشوندكفايت كندخداى تعالى هريكى رااز توانگرى خودهست خداجواد استواركار (١٣٠) .

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا ﴿١٣١﴾

وخداى راست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمين ست وهرآئينه حكم فرموديم آنانراكه داده شدند كتاب پيش ازشما وشمارانيزكه بترسيد ازخدا و اگر كافر شويد پس هرآئينه خداراست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمين است وهست خدا توانگر ستوده شده (١٣١) .

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٣٢﴾

وخداراست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمين است وخدا كارسازبس است (١٣٢) .

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا ﴿١٣٣﴾

اگر خواهد دوركندشمارا اى مردمان وبوجود آرد ديگران را وهست خدا براين كار توانا (١٣٣) .

---

(١) يعنى ازبخل غائب نمى شوند وآن رانمى گذارند والله اعلم .

(٢) مترجم گويد معلقه زنيست كه نه بيوه باشدونه باو شوهر موافقت كند .

مَنْ كَانَ يُرِيْدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ سَمِيْعًۢا بَصِيْرًا ﴿١٣٤﴾

هركه باشدطالب جزای دنیا (یعنی جزای عمل دردنیا طلب کند)پس نزد خدااست ثواب دنیاو آخرت وخدا شنواوبیناست[1] (١٣٤) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُوْنُوْا قَوّٰمِيْنَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاۗءَ لِلّٰهِ وَلَوْ عَلٰٓي اَنْفُسِكُمْ اَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ ۚ اِنْ يَّكُنْ غَنِيًّا اَوْ فَقِيْرًا فَاللّٰهُ اَوْلٰى بِهِمَا ۣ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوٰٓى اَنْ تَعْدِلُوْا ۚ وَاِنْ تَلْوٗٓا اَوْ تُعْرِضُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا ﴿١٣٥﴾

ای مسلمانان باشید برپادارندهٔ عدالت اظهارحق کننده برای خدا واگرچه برضررخویشتن یاپدرومادر وخویشاوندان باشد اگرآنکه حق بروی ثابت میشود توانگر باشد یافقیر بهرحال خدا مهربان تراست برایشان پس پیروی خواهش نفس مکنید اعراض کنان ازعدل واگر بپیچانید سخن را یارو گردانید پس هرآئینه خداهست بآنچه می کنیدآگاه (١٣٥) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَالْكِتٰبِ الَّذِيْ نَزَّلَ عَلٰي رَسُوْلِهٖ وَالْكِتٰبِ الَّذِيْٓ اَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ ۭ وَمَنْ يَّكْفُرْ بِاللّٰهِ وَمَلٰۗىِٕكَتِهٖ وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلٰلًۢا بَعِيْدًا ﴿١٣٦﴾

ای مسلمانان ایمان آریدبخدا وپیغامبراو وآن کتاب که فروفرستاده است برپیغامبرخود وآن کتاب که فرو فرستاده است پیش ازین وهرکه کافر شودبخدا وبه فرشتگان او وکتاب های اووپیغامبران او وروزآخرت پس هرآئینه گمراه شد گمراهی دور[2] (١٣٦) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا ثُمَّ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا ثُمَّ ازْدَادُوْا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللّٰهُ لِيَغْفِرَ لَھُمْ وَلَا لِيَهْدِيَھُمْ سَبِيْلًا ﴿١٣٧﴾

بیگمان آنانکه ایمان آوردند بازکافرشدند بازایمان آوردند بازکافرشدند بازرزیادت کردنددرکفر[3] هرگزنیامرزد خدای تعالی ایشان را وهرگزننماید ایشان را

---

(١) یعنی پس چرا طالب هر دونباشید والله اعلم .

(٢) مترجم گوید مرادآنست که هرکه درملت اسلامیه داخل شداورابه تفصیل تصدیق این چیزها بایدکرد .

(٣) یعنی اصرار کردند والله اعلم .

راهی (١٣٧) .

بَشِّرِ الْمُنٰفِقِيْنَ بِاَنَّ لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿١٣٨﴾

خبر[١] ده منافقان را بآنکه ایشان را باشدعذاب درد دهنده (١٣٨) .

الَّذِيْنَ يَتَّخِذُوْنَ الْكٰفِرِيْنَ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ اَيَبْتَغُوْنَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَاِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيْعًا ﴿١٣٩﴾

آن منافقان که کافران را دوست میگیرند بجز مؤمنان آیانزد ایشان ارجمندی می طلبند پس هرآئینه ارجمندی خدارااست همه یکجا (١٣٩) .

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتٰبِ اَنْ اِذَا سَمِعْتُمْ اٰيٰتِ اللّٰهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَاُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوْا مَعَهُمْ حَتّٰى يَخُوْضُوْا فِيْ حَدِيْثٍ غَيْرِهٖٓ اِنَّكُمْ اِذًا مِّثْلُهُمْ اِنَّ اللّٰهَ جَامِعُ الْمُنٰفِقِيْنَ وَالْكٰفِرِيْنَ فِيْ جَهَنَّمَ جَمِيْعًا ﴿١٤٠﴾

وهرآئینه فروفرستاده است خدابرشما درقرآن که چون بشنویدآیاتهای خدارا که به آنهاکفر ورزیده میشود وتمسخرکرده میشودبآنهاپس منشینید باایشان تاآنکه شروع کنند درسخنی غیراز آن هرآئینه شما اگرچنین نکنید مانندآن کافران باشیدهرآئینه خداهم آرنده است منافقان وکافران را همه یك جادردوزخ (١٤٠) .

الَّذِيْنَ يَتَرَبَّصُوْنَ بِكُمْ فَاِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللّٰهِ قَالُوْٓا اَلَمْ نَكُنْ مَّعَكُمْ وَاِنْ كَانَ لِلْكٰفِرِيْنَ نَصِيْبٌ قَالُوْٓا اَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِّنَ الْمُؤْمِنِيْنَ فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَنْ يَّجْعَلَ اللّٰهُ لِلْكٰفِرِيْنَ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ سَبِيْلًا ﴿١٤١﴾

آن منافقان که انتظارشمامی کشند پس اگر باشدشمارا فتحی ازجانب خدا گویندآیانبودیم باشما[٢] واگر باشدکافران را نصیبی گویند یعنی بکافران آیاغالب نه شدیم برشما[٣] وآیا باز نه داشتیم شمارا ازضرر مسلمانان[٤] پس خداحکم خواهد کردمیان شما روزقیامت وهرگز

---

(١) مترجم گوید ازینجاوعید منافقان بیان می فرماید .

(٢) یعني اززمره شمایم والله اعلم .

(٣) یعنی خواه مخواه شمارا مصلحت دانستیم که بامسلمانان بجنگیدونه گذاشتیم که بمصلحت دیگرعمل کنید والله اعلم .

(٤) یعنی سعی کردیم که ضرر مسلمانان بشمانه رسد والله اعلم .

نگشایدخدا مرکافران رابرمومنان راهی[(١)] . (١٤١)

إِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ يُخٰدِعُوْنَ اللّٰهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ ۚ وَإِذَا قَامُوْٓا إِلَى الصَّلٰوةِ قَامُوْا كُسَالٰى ۙ يُرَآءُوْنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُوْنَ اللّٰهَ إِلَّا قَلِيْلًا ﴿١٤٢﴾

هرآئینه منافقان فریب می‌دهند بگمان خود خدا را وخدانیزفریب می دهدایشانرا وچون منافقان بسوی نماز برخیزند کاهلی کنان برخیزند می نمایند به مردمان وياد نمی‌کنندخدارا مگراندکی . (١٤٢)

مُّذَبْذَبِيْنَ بَيْنَ ذٰلِكَ ۖ لَآ إِلٰى هٰٓؤُلَآءِ وَلَآ إِلٰى هٰٓؤُلَآءِ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ سَبِيْلًا ﴿١٤٣﴾

متردداند درمیان این وآن نه بسوی اینانند ونه بسوی آنان وهرکرا گمراه کندخدا پس هر گز نیابی برای او هیچ راهی (١٤٣) .

يٰٓأَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوا الْكٰفِرِيْنَ أَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ ۚ أَتُرِيْدُوْنَ أَنْ تَجْعَلُوْا لِلّٰهِ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًا مُّبِيْنًا ﴿١٤٤﴾

ای مسلمانان دوست مگیرید کافران را بجزمومنان آیا می خواهید که ثابت کنیدبرای خدابرخویشتن دلیلی ظاهر . (١٤٤)

إِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ فِى الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ ۚ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيْرًا ﴿١٤٥﴾

هرآئینه منافقان درطبقهٔ زیرترین اند ازآتش ونه یابی هرگزبرای ایشان هیچ یاری دهنده (١٤٥) .

إِلَّا الَّذِيْنَ تَابُوْا وَأَصْلَحُوْا وَاعْتَصَمُوْا بِاللّٰهِ وَأَخْلَصُوْا دِيْنَهُمْ لِلّٰهِ فَأُولٰٓئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِيْنَ ۖ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللّٰهُ الْمُؤْمِنِيْنَ أَجْرًا عَظِيْمًا ﴿١٤٦﴾

مگرآنانکه توبه کردندواصلاح پیش گرفتند وچنگ زدند (بریسمان) خدا وخالص گردانیدند دین خودرا برای خدا پس آنجماعت همراه مومنانند وزود بدهدخدا مومنان را مزدبزرگ (١٤٦) .

مَا يَفْعَلُ اللّٰهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَاٰمَنْتُمْ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ شَاكِرًا عَلِيْمًا ﴿١٤٧﴾

چه کندخدا بعذاب شمااگرشکرگذاری کنید وایمان آرید وهست خداقدرشناس دانا (١٤٧) .

---

(١) یعنی نشودکه اسلام رامستاصل گردانند والله اعلم .

لَا يُحِبُّ اللّٰهُ الْجَهْرَ بِالسُّوْٓءِ مِنَ الْقَوْلِ اِلَّا مَنْ ظُلِمَ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ سَمِيْعًا عَلِيْمًا ﴿۱۴۸﴾

دوست نمی داردخدا بلند گفتن سخن بدرا مگر سخت گفتن مظلوم که عفواست وهست خداشنوا دانا (١٤٨) .

اِنْ تُبْدُوْا خَيْرًا اَوْ تُخْفُوْهُ اَوْ تَعْفُوْا عَنْ سُوْٓءٍ فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيْرًا ﴿۱۴۹﴾

ا گرآشکاراکنیدکارنیك را یاپنهان کنیدآن را یا عفوکنیدازظلمی پس هرآئینه هست خداعفوکننده توانا (١٤٩) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْفُرُوْنَ بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَيُرِيْدُوْنَ اَنْ يُّفَرِّقُوْا بَيْنَ اللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَيَقُوْلُوْنَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَّنَكْفُرُ بِبَعْضٍ ۙ وَّيُرِيْدُوْنَ اَنْ يَّتَّخِذُوْا بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيْلًا ۙ﴿۱۵۰﴾

هرآئینه کسانی که کافرمی شوند بخدا وپیغامبران اومی خواهند که تفرقه کنند درمیان خدا و پیغامبران او[1] می گویندایمان می آریم به بعض پیغامبران ونامعتقدمی شویم بعض راومیخواهندکه راهی گیرند درمیان این وآن (١٥٠) .

اُولٰٓئِكَ هُمُ الْكٰفِرُوْنَ حَقًّا ۚ وَاَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابًا مُّهِيْنًا ﴿۱۵۱﴾

آن جماعت ایشانندکافران به حقیقت وآماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسوا کننده (١٥١) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَلَمْ يُفَرِّقُوْا بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْهُمْ اُولٰٓئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيْهِمْ اُجُوْرَهُمْ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿۱۵۲﴾

وکسانیکه ایمان آوردندبخدا وپیغامبران او وتفرقه نه کردنددرمیان هیچ یکی ازایشان آنجماعت خواهدداددخداایشان را مزدایشان وهست خدا آمرزنده مهربان (١٥٢) .

يَسْـَٔلُكَ اَهْلُ الْكِتٰبِ اَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتٰبًا مِّنَ السَّمَآءِ فَقَدْ سَاَلُوْا مُوْسٰٓى اَكْبَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَقَالُوْٓا اَرِنَا اللّٰهَ جَهْرَةً فَاَخَذَتْهُمُ الصّٰعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ۚ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ

در[2] خواست می کنندازتواهل کتاب که فرود آری برایشان کتابی ازآسمان یعنی یکدفعه پس سوال کرده بودند ازموسیٰ سخت تر ازین گفتندخدارا بنمابماآشکارا

---

(١) یعنی بخداایمان آرند وبه پیغامبران ایمان نیارند والله اعلم .

(٢) مترجم گوید ازین جا خدای تعالی ردّشبه یهودمیکند که قرآن چرایکدفعه مثل الواح موسیٰ نازل نه شدواین سخن ممتداست تایااهل الکتاب لاتغلوا .

مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ الْبَيِّنٰتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذٰلِكَ ۚ وَاٰتَيْنَا مُوْسٰى سُلْطٰنًا مُّبِيْنًا ﴿١٥٣﴾

پس گرفت ایشان راصاعقه بسبب گناه ایشان بازمعبود گرفتند گوساله را بعدازآنکه آمدبایشان معجزه ها پس در گذشتیم ازین جریمه ودادیم موسی را غلبه ظاهر (١٥٣) .

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّوْرَ بِمِيْثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَّقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوْا فِي السَّبْتِ وَاَخَذْنَا مِنْهُمْ مِّيْثَاقًا غَلِيْظًا ﴿١٥٤﴾

وبرداشتیم بالای ایشان طوررا برای گرفتن عهدایشان و گفتیم ایشان رادرآئیدبه دروازه سجده کنان و گفتیم ایشان را تجاوزمکنیددرروزشنبه و گرفتیم ازایشان عهدمحکم (١٥٤) .

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِّيْثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَقَتْلِهِمُ الْاَنْۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَّقَوْلِهِمْ قُلُوْبُنَا غُلْفٌ ۭ بَلْ طَبَعَ اللّٰهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْنَ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿١٥٥﴾

پس بسبب شکستنِ ایشان عهدخود را وبسبب کفرایشان بآیاتِ خداوکشتن ایشان انبیارا بناحق و گفتنِ ایشان که دلهای مادرپرده است نه بلکه مُهرنهاده است خدای‌تعالی بردل های ایشان بسبب کفرایشان پس ایمان نیارندمگراندکی (١٥٥) .

وَّبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلٰى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيْمًا ﴿١٥٦﴾

وبسبب کفرایشان و گفتن ایشان برمریم بهتانی بزرگ[1] (١٥٦) .

وَّقَوْلِهِمْ اِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيْحَ عِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُوْلَ اللّٰهِ ۚ وَمَا قَتَلُوْهُ وَمَا صَلَبُوْهُ وَلٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ ۭ وَاِنَّ الَّذِيْنَ اخْتَلَفُوْا فِيْهِ لَفِيْ شَكٍّ مِّنْهُ ۭ مَا لَهُمْ بِهٖ مِنْ عِلْمٍ اِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ ۚ وَمَا قَتَلُوْهُ يَقِيْنًا ﴿١٥٧﴾

وبسبب گفتن ایشان هرآئینه ماکشتیم مسیح عیسیٰ پسرمریم راکه فی الواقع پیغامبر خدابود ونه کشته اند او را وبردار نه کرده اند اورا ولیکن مشتبه شدبرایشان وهرآئینه کسانیکه اختلاف کردند درباب عیسیٰ درشك اندازحال او ونیست ایشان

---

(١) یعنی قذف بزنا .

بَلْ رَّفَعَهُ اللّٰهُ اِلَيْهِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ﴿١٥٨﴾

وَاِنْ مِّنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ اِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهٖ قَبْلَ مَوْتِهٖ ۚ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَكُوْنُ عَلَيْهِمْ شَهِيْدًا ﴿١٥٩﴾

فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِيْنَ هَادُوْا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبٰتٍ اُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ كَثِيْرًا ﴿١٦٠﴾

وَّاَخْذِهِمُ الرِّبٰوا وَقَدْ نُهُوْا عَنْهُ وَاَكْلِهِمْ اَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ ؕ وَاَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ مِنْهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿١٦١﴾

لٰكِنِ الرّٰسِخُوْنَ فِى الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُوْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِمَاۤ اُنْزِلَ اِلَيْكَ وَمَاۤ اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيْمِيْنَ الصَّلٰوةَ

رابآن یقینی لیکن پیروی ظن میکنندوبه یقین نه کشته انداورا (۱۵۷) .

بلکه برداشت اوراخدای‌تعالیٰ بسوی خود وهست خدا غالب استوارکار (۱۵۸) .

ونباشدهیچ کس ازاهل کتاب الّا البته ایمان آورد بعیسی پیش ازمردن عیسیٰ[(۱)] وروزقیامت باشد عیسیٰ گواه برایشان (۱۵۹) .

پس به سبب ظلمیکه به ظهورآمدازیهود حرام ساختیم برایشان چیزهای پاکیزه که حلال بودندایشان را وبسبب بازداشتن ایشان مردمان بسیارازراه خدا (۱۶۰) .

و گرفتنِ ایشان سود را وحال آنکه منع کرده شده اندازآن وخوردن ایشان اموالِ مردمان را بناحق ومهیاکردیم برای کافران ازایشان (یعنی مصرّان برکفر) عذاب درد دهنده[(۲)] (۱۶۱) .

لیکن ثابت قدمان درعلم ازاهل کتاب ومومنان ایمان می آرندبآنچه فروفرستاده شده است بسوی تووآنچه فروفرستاده

---

(۱) مترجم گوید یعنی یهودی که حاضرشوند نزول عیسیٰ را البته ایمان آرند والله اعلم.

(۲) مترجم گویدا گرگوئی انکار عیسیٰ بعدنزول تورات کرده بودند وتحریم لحوم ابل وتحریم ذی ظفردر تورات مذکور بودپس چگونه جزای انکار عیسیٰ باشد گویم نزدیك این بنده ظاهر آنست مراد ازتحریم طیّبات موقوف داشتن نعمت هااست که سابقًا ایشانرا داده بودند ازپادشاهی ونبوت ونصرت و غیرآن واین مشابه آن آیتیست (ضربت علیهم الذلةوالمسکنه) الایه واین آیت (وحرام علی قریة اهلکناها) وحینئذٍ جمیع کلام باهم مربوط باشد والله اعلم .

وَالْمُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ۭ اُولٰۗىِٕكَ سَنُؤْتِيْهِمْ اَجْرًا عَظِيْمًا ﴿١٦٢﴾

شده است پیش ازتوو(مدح می کنیم) برپادارندگانِ نمازراوهم چنین دهندگان زکوٰة را وایمان آرندگان بخدا و روزآخر این جماعت زود بدهیم ایشانرا مُزدبزرگ (١٦٢) .

اِنَّآ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ كَمَآ اَوْحَيْنَآ اِلٰى نُوْحٍ وَّالنَّـبِيّٖنَ مِنْۢ بَعْدِهٖ ۚ وَاَوْحَيْنَآ اِلٰٓى اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَالْاَسْبَاطِ وَعِيْسٰى وَاَيُّوْبَ وَيُوْنُسَ وَهٰرُوْنَ وَسُلَيْمٰنَ ۚ وَاٰتَيْنَا دَاوٗدَ زَبُوْرًا ﴿١٦٣﴾

هرآئینه ما وحی فرستادیم بسوی توچنانکه وحی فرستادیم بسوی نوح وپیغامبران پس ازوی وچنانکه وحی فرستادیم بسوی ابراهیم واسمعیل و اسحق و یعقوب ونبیرگان وعیسیٰ وایوب ویونس و هارون وسلیمان وچنانکه دادیم داوٗد رازبور (١٦٣) .

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنٰهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ ۭ وَكَلَّمَ اللّٰهُ مُوْسٰى تَكْلِيْمًا ﴿١٦٤﴾

وچنانکه فرستادیم پیغامبرانی که قصهٔ ایشان گفته ایم برتوپیش ازین وپیغامبرانی که قصهٔ ایشان نه گفته ایم به تو و گفت خداباموسیٰ سخن (١٦٤) .

رُسُلًا مُّبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ لِئَلَّا يَكُوْنَ لِلنَّاسِ عَلَي اللّٰهِ حُجَّــةٌۢ بَعْدَ الرُّسُلِ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيْزًا حَكِـيْمًا ﴿١٦٥﴾

فرستادیم پیغامبرانِ مژده دهندگان وبیم کنندگان تانه باشد مردمان را برخدا الزام بعد فرستادن پیغامبران[1] وهست خداغالب استوارکار (١٦٥) .

لٰكِنِ اللّٰهُ يَشْهَدُ بِمَآ اَنْزَلَ اِلَيْكَ اَنْزَلَهٗ بِعِلْمِهٖ ۚ وَالْمَلٰۗىِٕكَةُ يَشْهَدُوْنَ ۭ وَكَفٰي بِاللّٰهِ شَهِيْدًا ﴿١٦٦﴾

لیکن خدا گواهی میدهدبآنچه فروفرستاده است بسوی توکه فرو فرستاد آن رابه علم خودوفرشتگان نیز گواهی می دهند وبس است خدا گواه (١٦٦) .

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ قَدْ ضَلُّوْا ضَلٰلًۢا بَعِيْدًا ﴿١٦٧﴾

هرآئینه کسانیکه کافرشدند وبازداشتند یعنی مردمان راازراه خدا به تحقیق گمراه

---

(١) یعنی تانه گویند که تقصیر مانیست هیچ پیغمبر نزدیك مانیامد والله اعلم .

شدند گمراهی دور (١٦٧) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ﴿١٦٨﴾

هرآئینه کسانیکه کافرشدند وستم کردند هـرگـز نیـامـرزد ایشـان را خـدا ونـه نمایدایشان راراهی (١٦٨) .

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللهِ يَسِيرًا ﴿١٦٩﴾

مگـرراه دوزخ جـاویـدان آنجـا همیشـه وهست این آسان برخدا (١٦٩) .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧٠﴾

ای مردمان هرآئینه آمدبه شما پیغامبر براستی ازجانب پروردگار شما پس ایمان آریدتاایمان آوردن بهتر باشدبرای شماو ا گر کافرشویدپس هرآئینه خدارا است آنچـه درآسمـانهـا وزمین اسـت وهست خداداناواستوارکار (١٧٠) .

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللهُ إِلٰهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَىٰ بِاللهِ وَكِيلًا ﴿١٧١﴾

ای[1] اهل کتاب ازحدمگزرید دردین خود ومگوئیدبرخدا مگرسخنِ راست جزاین نیست که مسیح عیسیٰ پسرمریم پیغامبر خداست وکلمهٔ اوست انداخت آن را بسوی مریم وروحی است ازجانب خدا پس ایمان آریدبخداوپیغامبران او ومیگوئید خدایان سه اند بازآئید ازین قسمِ گفتار تااین باز ماندن بهتر باشد شمارا جزاین نیست که خدامعبود یگانه است پاکیست خداراازآن که باشداورا فرزندی مراو راست آنچه درآسمان ها وآنچـه درزمین اسـت وبـس اسـت خداکارسازنده (١٧١) .

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلّٰهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ

هر گزننگ ندارد عیسیٰ ازآنکه باشد بندهٔ

---

(١) مترجم گوید ازینجاشروع می فرماید در ردّ شبه نصاریٰ والله اعلم .

الْمُقَرَّبُوْنَ ۚ وَمَنْ يَّسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهٖ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ اِلَيْهِ جَمِيْعًا ﴿۱۷۲﴾

خدا ونه فرشتگان مقرب ننگ دارند وهرکه ننگ کند ازبندگی او وسرکشی کند پس خواهد برانگیخت ایشانرا نزدیك خویش همه یکجا (۱۷۲) .

فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَيُوَفِّيْهِمْ اُجُوْرَهُمْ وَ يَزِيْدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ ۚ وَاَمَّا الَّذِيْنَ اسْتَنْكَفُوْا وَاسْتَكْبَرُوْا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ۙ۬ وَّلَا يَجِدُوْنَ لَهُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلِيًّا وَّلَا نَصِيْرًا ﴿۱۷۳﴾

پس اماکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند پس تمام دهدایشان را مزدایشان و زیاده دهدایشان را ازفضل خود واماکسانی که ننگ داشتند وسرکشی کردند پس عذاب کندایشان راعذاب درد دهنده ونیابند برای خویش بجز خداهیچ دوستی ونه هیچ یاری دهنده ای (۱۷۳) .

يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَآءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَاَنْزَلْنَاۤ اِلَيْكُمْ نُوْرًا مُّبِيْنًا ﴿۱۷۴﴾

ای مردمان به تحقیق آمدنزدیك شما دلیلی ازپروردگار شما ونازل کردیم بسوی شما روشنی آشکارا (۱۷٤) .

فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَاعْتَصَمُوْا بِهٖ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِيْ رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ ۙ وَّيَهْدِيْهِمْ اِلَيْهِ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا ﴿۱۷۵﴾ۭ

اماکسانی که ایمان آوردند بخدا وچنگ زدندباو پس زود درآردایشان را دررحمت و فضل (ازنزدیك) خود وبه نماید ایشان را بسوی خودراه راست (۱۷٥) .

يَسْتَفْتُوْنَكَ ۭ قُلِ اللّٰهُ يُفْتِيْكُمْ فِي الْكَلٰلَةِ ۭ اِنِ امْرُؤٌا هَلَكَ لَيْسَ لَهٗ وَلَدٌ وَّلَهٗۤ اُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ ۚ وَهُوَ يَرِثُهَاۤ اِنْ لَّمْ يَكُنْ لَّهَا وَلَدٌ ۚ فَاِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثٰنِ مِمَّا تَرَكَ ۭ وَاِنْ كَانُوْۤا اِخْوَةً رِّجَالًا وَّنِسَآءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْاُنْثَيَيْنِ ۭ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اَنْ تَضِلُّوْا ۭ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿۱۷۶﴾ۧ

طلب فتویٰ میکنند ازتو بگوخدای‌تعالی فتویٰ میدهد شمارا درباب میراث کسیکه والد وولدندارد ا گر مردی بمیردکه فرزندش نیست (یعنی ونه والد) واوراخواهری باشد[1] پس خواهرش راست نیمه آنچه گذاشته است و ا گر این خواهر مُردی آن برادروارثِ اوشدی

(۱) مترجم گویدیعنی اعیانی وا گر نباشدعلاتی قائم مقام اعیانی بود .

ا گرنباشد آنرافرزندی پس ا گرخواهران دوباشند پس ایشان را ست دوسوم حصه آنچه بگذاشته است وا گرایشان جماعت باشندمردان و زنان پس مردراست مانندِ حصه دوزن بیان می کندخدای برای شما تا گمراه نشوید وخدابهمه چیز داناست (١٧٦) .

سوره مائده مدنی است وآن یکصد وبیست آیت وشانزده رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ○

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَوْفُوْا بِالْعُقُوْدِ ۬ اُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيْمَةُ الْاَنْعَامِ اِلَّا مَا يُتْلٰى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَاَنْتُمْ حُرُمٌ ۭ اِنَّ اللّٰهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيْدُ ①

ای مومنان وفاکنید بعهد ها(یعنی عهدی که باخدابسته ایددرالتزام احکام اوتعالی) حلال کرده شده برای شما چهار پایان ازقسم اَنعام مگر آنچه خوانده شد برشما[1] نه حلال دارندِه شکار درحالتی که محرم باشید هرآئینه خدا حکم میکند آنچه می خواهد (١) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُحِلُّوْا شَعَاۗىِٕرَ اللّٰهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَاۗىِٕدَ وَلَآ اٰۗمِّيْنَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُوْنَ فَضْلًا مِّنْ رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا ۭ وَاِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوْا ۭ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ تَعْتَدُوْا ۘ وَتَعَاوَنُوْا عَلَي الْبِرِّ وَالتَّقْوٰى ۠ وَلَا تَعَاوَنُوْا عَلَي الْاِثْمِ

ای مسلمانان هتك حرمت مکنید نشانهای خدارا ونه ماه حرام را[2] ونه قربانی را وآنچه درگردن اوقلاده می اندازند ونه قصد کنندگان بیت الحرام راکه می طلبند فضلی ازپروردگار خویش وخوشنودی ازوی[3] وچون احرام کشادید پس شکار

---

(١) یعنی شتر و گاؤ و گوسفند واین سه قسم رااَنعام گویند حلال است مگرمیته، موقوذه وآنچه بیاید والله اعلم .

(٢) یعنی قتال دررجب وذیقعده وذی الحجه ومحرم نه بایدکرد والله اعلم .

(٣) یعنی تعرض حاجیان ومعتمران مسلمانان نبایدکرد ولقطهٔ ایشان نباید گرفت =

وَالْعُدْوَانِ ۪ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ②

بکنید۔ وحمل نکند شمارا دشمنی گروهی بسبب آنکه بازداشتند شمارا ازمسجد الحرام[۱] برتجاوزکردن ازحد وبایکدیگر مدد کنید برنیکوکاری و پرهیز گاری وبایکدیگرمددمَکُنید برگناه وستم وبترسید ازخداهرآئینه خدا سخت است عقوبت او[۲] (۲) .

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيْرِ وَمَآ اُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهٖ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوْذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيْحَةُ وَمَآ اَكَلَ السَّبُعُ اِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ ۣ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَاَنْ تَسْتَقْسِمُوْا بِالْاَزْلَامِ ۭ ذٰلِكُمْ فِسْقٌ ۭ اَلْيَوْمَ يَىِٕسَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ دِيْنِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ ۭ اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيْ وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِيْنًا ۭ فَمَنِ اضْطُرَّ فِيْ مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِّاِثْمٍ ۙ فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ③

حرام کرده شد برشما مردار وخون (یعنی خون مسفوح) و گوشتِ خوك و آنچه نام غیر خدا بوقت ذبح اویاد کرده شودوآنچه به خفه کردن مرده باشد وآنچه بسنگ یابعصامرده باشد وآنچه ازجای بلند افتاده بمیرد وآنچه به شاخ زدن مرده باشد و آنچه درنده خورده باشد الاآنچه بعد آفتهاذبح کرده باشید، حرام است آنچه ذبح کرده شود به نام بتها[۳] وحرام کرده شدآنکه طلب کنید معرفت قسمت خود به تیرهای فال این همه فسق است ۔ امروزنااميد شدند کافران ازدین شما پس مترسید ازایشان وبترسید ازمن امروزکامل کردم برای شمادین شمارا

= والله اعلم .

(۱) یعنی پیش ازفتح مکه و پیش ازآنکه مسلمان شوند والله اعلم .

(۲) مترجم گویدحکم تغلیظ تحریم قتال دراشهر حرم مخصوص است بمسلمین بدلیل آیت سوره بقره و تحریم تعرض حاجیان نیز به مسلمین آیت سورهٔ براءت واین آیات آخرمانزل است منسوخ داشتن آنهاچنانکه عامه مفسرین گویند راست نمی آید والله اعلم .

(۳) مترجم گویدیعنی برصورت قبر والله اعلم .

وتمام کردم برشمانعمت خودرا واختیار کردم اسلام را دین برای شما پس هرکه ناچار شود در گرسنگی غیر مائل به گناه پس هرآئینه خدا آمرزنده مهربان است[۱] (۳) .

يَسْئَلُوْنَكَ مَاذَآ اُحِلَّ لَهُمْ قُلْ اُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبٰتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِيْنَ تُعَلِّمُوْنَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللّٰهُ فَكُلُوْا مِمَّآ اَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ سَرِيْعُ الْحِسَابِ ۝٤

سوال می کنندتراچه حلال کرده شد برای ایشان بگوحلال کرده شد برای شماپاکیزه ها[۲] وآنچه آموخته باشید اورا ازجانوران شکاری درحالتیکه شکار تعلیم کنندگانید می آموزیداین هارا بعض آنچه خدای تعالی شمارا آموخته است پس بخورید ازآنچه نگاهداشتندبرای شما[۳] ویادکنید نام خدارا برآن[٤] وبترسیدازخدا هرآئینه خدا زودحساب کننده است (٤) .

اَلْيَوْمَ اُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبٰتُ وَطَعَامُ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ حِلٌّ لَّكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَّهُمْ وَالْمُحْصَنٰتُ مِنَ الْمُؤْمِنٰتِ وَالْمُحْصَنٰتُ

امروزحلال کرده شدبرای شماپاکیزه ها وطعام اهل کتاب حلال است برای شما وطعام شما حلال است برای ایشان[۵]

---

(۱) مترجم گوید یعنی درمخمصه خوردن مردار جائزاست ونزدیك ابی حنیفه فائده لفظ غیر مائل بگناه آنست که زیاده ازضرورت نخورد ونزدیك مالك وشافعی آنست که قاطع طریق و سارق رارخصت نیست واین آیت آخر قرآنست بعد ازین هیچ آیت نازل نه شد والله اعلم .

(۲) آنچه عرب پاکیزه دانند والله اعلم .

(۳) مترجم گوید یعنی نخورده وندریده باشند برای خوردن خود والله اعلم .

(٤) مترجم گوید یعنی نزدیك ارسال جانوران شکاری والله اعلم .

(۵) مترجم گویدیعنی آنچه براهل کتاب حلال بود برشماحلال ست مثل گوسفندو گاؤ وآنچه برشما حلال کرده شد بر کسیکه ازایشان مسلمان شود حلالست مثل شترو ذی ظفروقبیله ها یهود و نصاری را دریں باب اعتبارنیست والله اعلم.

مِنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ اِذَآ اٰتَيْتُمُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ مُحْصِنِيْنَ غَيْرَ مُسٰفِحِيْنَ وَلَا مُتَّخِذِيْٓ اَخْدَانٍ ؕ وَمَنْ يَّكْفُرْ بِالْاِيْمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهٗ ۫ وَهُوَ فِى الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ۝۵

وحلال كرده شدبراى شما محصنات اززنانِ مسلمانان ومحصنات اززنانِ كسانيكه كتاب داده شدند پيش ازشما چون بدهيد ايشان را مهرايشان عفت طلب كنان نه شهوت رانندگان ونه دوست پنهان گيرندگان وهركه نامعتقدِاسلام باشد پس نابودشد عمل او واودرآخرت اززيان كاران ست[۱] (۵) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا قُمْتُمْ اِلَى الصَّلٰوةِ فَاغْسِلُوْا وُجُوْهَكُمْ وَاَيْدِيَكُمْ اِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوْا بِرُءُوْسِكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ اِلَى الْكَعْبَيْنِ ؕ وَاِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوْا ؕ وَاِنْ كُنْتُمْ مَّرْضٰٓى اَوْ عَلٰى سَفَرٍ اَوْ جَآءَ اَحَدٌ مِّنْكُمْ مِّنَ الْغَآئِطِ اَوْ لٰمَسْتُمُ النِّسَآءَ فَلَمْ تَجِدُوْا مَآءً فَتَيَمَّمُوْا صَعِيْدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوْا بِوُجُوْهِكُمْ وَاَيْدِيْكُمْ مِّنْهُ ؕ مَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ حَرَجٍ وَّلٰكِنْ يُّرِيْدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ۝۶

اى مسلمانان چون برخيزيد بسوى نماز پس بشوئيد روىهاى خودرا ودست هاى خودرا تاآرنج هاى و مسح كنيد سرهاى خودرا وبشوئيد پائيهاى خودرا تاشتالنگ و ا گر باشيد باجنابت پس غسل كنيد وا گرباشيد بيمار يا مسافر يا بيايديكى ازشما (ازقضاء حاجت) ازخلاجاى يامساس كرده باشيد زنان را[۲] پس نيابيد آب پس قصد كنيد خاك پاك را پس مسح كنيد ازآن خاك بروى خودودست خود نه مى خواهد خدا كه مشروع كندبرشما مشقتى وليكن مى خواهد كه پاك سازدشمارا وتمام كند نعمت خودرابرشما تاشود كه شكرگزارى كنيد (٦) .

---

(۱) مترجم گويدمحصنات اينجانزديك امام ابى حنيفه بمعنى پارساست ونزديك شافعى بمعنى آزاد واز(غير مسافحين)مفهوم شدكه نكاح متعه درست نيست واز(ولامتخذى اخدان)مفهوم شدكه نكاحِ سرّ درست نيست والله اعلم .

(۲) مترجم گويد يعنى جماع كرده باشيد ونزديك شافعى دست رسانيدن بزنان ناقض وضوست والله اعلم .

وَاذْكُرُوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَمِيْثَاقَهُ الَّذِيْ وَاثَقَكُمْ بِهٖٓ اِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿٧﴾

و یادکنید نعمت خدارا برخویش وپیمان خدارا که عهد بسته است باشماباآن پیمان آنگاه که گفتید شنیدیم وفرمان برداری کردیم[۱] وبترسید ازخدا هرآئینه خداداناست بآنچه درسینه هاباشد (۷) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُوْنُوْا قَوّٰمِيْنَ لِلّٰهِ شُهَدَآءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰٓى اَلَّا تَعْدِلُوْا اِعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿٨﴾

ای مسلمانان متعهد حق خدا باشید گواهی دهند گان براستی وحمل نکند شمارا دشمنی قومی برترك عدل عدل کنید عدل نزدیك تراست به پرهیز گاری وبترسید ازخدا هرآئینه خداآگاه است بآنچه می کنید (۸) .

وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ عَظِيْمٌ ﴿٩﴾

وعده کرده است خدابه کسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند باین مضمون که ایشان راست آمرزش و مزدِبزرگ (۹) .

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ﴿١٠﴾

وکسانی که کافرشدند وبدروغ نسبت کردند آیات مارا ایشانند اهل دوزخ (۱۰) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ هَمَّ قَوْمٌ اَنْ يَّبْسُطُوْٓا اِلَيْكُمْ اَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ اَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ﴿١١﴾

ای مومنان یادکنید نعمت خدارا برخویشتن آنگاه که قصد کردند قومی که درازکنند دستهای خودرابسوی شما[۲] پس باز داشت دست های ایشان را ازشما وبترسیداز خدا وبرخدا باید که توکل کنند مومنان[۳] (۱۱) .

---

(۱) یعنی عهدیکه وقت بیعت بستید والله اعلم .

(۲) یعنی قتال کنند والله اعلم .

(۳) این معجزه چند نوبت متحقق شدازآن جمله آنست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم به تقریبی بمحلهٔ یهود رفته بودند شخصی ازایشان خواست که سنگی =

وَلَقَدْ اَخَذَ اللّٰهُ مِیْثَاقَ بَنِیْٓ اِسْرَآءِیْلَ ۚ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَیْ عَشَرَ نَقِیْبًا ؕ وَقَالَ اللّٰهُ اِنِّیْ مَعَكُمْ ؕ لَئِنْ اَقَمْتُمُ الصَّلٰوةَ وَاٰتَیْتُمُ الزَّكٰوةَ وَاٰمَنْتُمْ بِرُسُلِیْ وَعَزَّرْتُمُوْهُمْ وَاَقْرَضْتُمُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّاُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَیِّاٰتِكُمْ وَلَاُدْخِلَنَّكُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِیْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۚ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ السَّبِیْلِ ⑫

وهرآئینه گرفت خدای تعالی پیمان بنی اسرائیل ومعیّن ساختیم ازایشان دوازده سردار و گفت خداهر آئینه من باشمام مضمون پیمان آنکه ا گر برپاداشتید نمازرا ودادیدزکوٰة را ومعتقد شدید پیغمبران مرا وتقویت کردید ایشان را وقرض دادید خدارا قرض نیك[1] البته نابود سازم ازشما گناهانِ شمارا و البته درآرم شمارا به بوستانهامیرود زیرآن جویها پس هرکه کافرشود ازشمابعدازین پس گم کرد راه راست را (١٢) .

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِّیْثَاقَهُمْ لَعَنّٰهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوْبَهُمْ قٰسِیَةً ۚ یُحَرِّفُوْنَ الْكَلِمَ عَنْ مَّوَاضِعِهٖ ۙ وَنَسُوْا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوْا بِهٖ ۚ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلٰی خَآئِنَةٍ مِّنْهُمْ اِلَّا قَلِیْلًا مِّنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُحْسِنِیْنَ ⑬

پس به سبب شکستن ایشان پیمان خویش را لعنت کردیم ایشان را وسخت گردانیم دلهای ایشان را تغیر میدهند کلمات را از مواضع آن ها وفراموش کردند حصه ازآنچه بآن پندداده شدند وهمیشه هستی که آگاه میشوی برخیانتی ازایشان مگراندکی ازایشان پس درگذرکن ازایشان واعراض کن هرآئینه خدادوست میدارد نیکوکاران را (١٣) .

وَمِنَ الَّذِیْنَ قَالُوْٓا اِنَّا نَصٰرٰٓی اَخَذْنَا مِیْثَاقَهُمْ فَنَسُوْا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوْا بِهٖ ۠ فَاَغْرَیْنَا بَیْنَهُمُ

و گرفتیم ازکسانیکه گفتند مانصاریٰ ئیم پیمان ایشان را پس فراموش کردند حصه ازآنچه بآن پندداده شدند پس برانگیختیم

= بالای آنحضرت بافگند خدای تعالی دست آن شخص بندکردو ازآن جمله آن ست که کفار قریش درحدیبیه ازجنگ بازایستادند بعد ازآنکه داعیه جنگ داشتند وازآن جمله آنست که یکی از یاران مسیلمه کذاب دست درازی خواست خدای تعالی دست اوراگرفت ساخت .

(١) یعنی درجهاد صرف کردید بتوقع ثواب آخرت والله اعلم .

الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ ۚ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللهُ بِمَا كَانُوْا يَصْنَعُوْنَ ﴿١٤﴾

درمیان فرقه های نصاریٰ دشمنی وکینه تاروزقیامت و زود خبرخواهددادایشان را خدا بآنچه می کردند (١٤) .

يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ قَدْ جَآءَكُمْ رَسُوْلُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيْرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُوْنَ مِنَ الْكِتٰبِ وَيَعْفُوْا عَنْ كَثِيْرٍ ۚ قَدْ جَآءَكُمْ مِّنَ اللهِ نُوْرٌ وَّكِتٰبٌ مُّبِيْنٌ ﴿١٥﴾

ای اهل کتاب هرآئینه آمدبه شما پیغامبرمابیان می کند برای شما بسیاری ازآنچه پنهان می داشتید ازکتاب یعنی ازکتاب الهی واودر گذر میکنداز تقصیرات بسیار (ای اهل کتاب) هرآئینه آمد به شماازجانب خدا نوری وکتابی روشن (یعنی قرآن) (١٥) .

يَّهْدِيْ بِهِ اللهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهٗ سُبُلَ السَّلٰمِ وَيُخْرِجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ إِلَى النُّوْرِ بِإِذْنِهٖ وَيَهْدِيْهِمْ إِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿١٦﴾

بسبب آن دلالت می نماید خدا کسی راکه طلب رضای اوکرد بسوی راه های نجات وبیرون می آردایشان را ازتاریکی ها بسوی روشنی بارادهٔ خود ودلالت می کند ایشان را بسوی راه راست (١٦) .

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا إِنَّ اللهَ هُوَ الْمَسِيْحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۚ قُلْ فَمَنْ يَّمْلِكُ مِنَ اللهِ شَيْـًٔا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُّهْلِكَ الْمَسِيْحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهٗ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيْعًا ۗ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ وَاللهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿١٧﴾

هرآئینه کافرشدند کسانیکه گفتند که خدا همون مسیح پسر مریم است[1] بگو کِه می تواند از خداچیزی را (ازانتقام) ا گر بخواهد که هلاك کند عیسیٰ پسر مریم را ومادرش را که مریم است وآنان را که درزمین اندهمه یکجا وخدا راست پادشاهی آسمان ها وزمین وآنچه درمیان این هردواست می آفریند هرچه میخواهد وخدا برهمه چیز تواناست (١٧) .

وَقَالَتِ الْيَهُوْدُ وَالنَّصٰرٰى نَحْنُ أَبْنٰٓؤُا اللهِ وَأَحِبَّآؤُهٗ ۚ قُلْ فَلِمَ

و گفتند یهود وترسایان ماپسران خدائیم و دوستان اوئیم[2] بگوپس چرا عذاب می

(١) یعنی حلول کرده است دروی والله اعلم .

(٢) مترجم گوید یعنی خداراپدرخودمی گفتند والله اعلم .

يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُم ۖ بَلْ أَنتُم بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ ۚ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۚ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٨﴾

كند شمارا بر گناهان شما بلكه شما آدمیانیداز جنس آنچه پیداكرده است می آمرزد هركراخواهد وعذاب می كند هر كراخواهد خدارا است پادشاهی آسمان ها وزمین وآنچه درمیانِ این هر دوباشد وبسوی اوست رجوع (١٨) .

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ ۖ فَقَدْ جَاءَكُم بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٩﴾

ای اهل كتاب هرآئینه آمده است بشما پیغامبرما بیان می كند برای شما درحالت انقطاع آمدنِ پیغمبران[1] تانگوئید كه نیامدنزدیك ما هیچ مژده دهنده وبیم دهنده آری هرآئینه آمده است بشما مژده دهنده وبیم دهنده وخدا برهمه چیز تواناست (١٩) .

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنبِيَاءَ وَجَعَلَكُم مُّلُوكًا وَآتَاكُم مَّا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٠﴾

ویادكن چون گفت موسیٰ قوم خودرا ای قوم من یادكنید نعمت خدارا برخویش چون پیداكرد درمیان شماپیغامبران را وپادشاه ساخت شمارا ودادبه شما آنچه نداد به هیچ كس ازعالمیان[2] (٢٠) .

يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿٢١﴾

ای قوم من درآئید به زمین پاك كه مقرر ساخته است آن را خدا برای شما وروگردان مشوید برسمت پشت خود آنگاه زیان كار گردید (یعنی فرار مكنید) (٢١) .

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ ﴿٢٢﴾

گفتند ای موسی هرآئینه آنجا گروهی هستند زورآور وهر گزما داخل نشویم آنجا تاآنكه ایشان بیرون آیندازآنجا پس

---

(١) یعنی بعد عیسیٰ بجز پیغمبرماهیچ پیغمبری مبعوث نشد ومدت میانِ ایشان پانصد شصت سال بود والله اعلم .

(٢) یعنی معجزات عظیمه ازفلقِ بحر(یعنی شگاف دریا) ورفع طور والله اعلم .

ا گر ایشان ازآن جا بیرون شوند هرآئینه مادرآئیم (۲۲) .

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ ۚ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾

گفتند دومردازاهلِ تقویٰ که انعام کرده بود خدا برایشان[1] درآئید ای قوم براین جماعت ازراهِ دروازه چون درآمدید به دروازه پس هرآئینه شماغالب باشید وبرخداتوکل کنید ا گر مسلمان هستید (۲۳) .

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا ۖ فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ ﴿٢٤﴾

گفتند ای موسیٰ ماهرگز در نه آئیم درین زمین هیچ گاه مادامی که ایشان درآنجااند پس تووپروردگار توبروید وجنگ کنید هرآئینه مااین جانشته گانیم (۲٤) .

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي ۖ فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٥﴾

گفت (موسیٰ) ای پروردگار من قادر نیستم الّابرخود وبرادر خود (یعنی هارون) پس فیصله کن میانِ ماومیانِ گروه گناهگاران (۲۵) .

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ ۛ أَرْبَعِينَ سَنَةً ۛ يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ ۚ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾

گفت خدا پس آن زمین حرام کرده شده است برایشان چهل سال سرگردان می شوند درزمین پس اندوهناك مباش بر گروه ستمگاران[2] (۲٦) .

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ ۖ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٢٧﴾

وبخوان برقوم خودخبرِ دوپسرآدم را براستی چون نیازحق کردند قربانی را پس قبول کرده شدازیکی وقبول کرده نه شد ازدیگر[3] گفت قابیل البته بکشم

---

(۱) یعنی یوشع وکالب .

(۲) یعنی حکم کردیم که بآن زمین منتفع نشوند چهل سال .

(۳) یعنی هابیل نیکوترین گوسفندی به نیازبُرداز غیب آتشی ظاهر شدوبخورد وقابیل بدترین گندم پیش آورد و آتش نیازش راقبول نکرد واین سبب حسد شد=

تراهابیل گفت جزاین نیست که خدا قبول می کندازمتقیان (٢٧) .

لَئِنۡ بَسَطۡتَّ اِلَیَّ یَدَکَ لِتَقۡتُلَنِیۡ مَاۤ اَنَا بِبَاسِطٍ یَّدِیَ اِلَیۡکَ لِاَقۡتُلَکَ ۚ اِنِّیۡۤ اَخَافُ اللّٰہَ رَبَّ الۡعٰلَمِیۡنَ ﴿۲۸﴾

ا گردرازکنی بسوی من دستِ خودرا تابکشی مرا من هرگزدرازنکنم بسوی تودست خودراتابکشم ترا هر آئینه من می ترسم ازخدا پروردگار عالمها (٢٨) .

اِنِّیۡۤ اُرِیۡدُ اَنۡ تَبُوۡٓاَ بِاِثۡمِیۡ وَ اِثۡمِکَ فَتَکُوۡنَ مِنۡ اَصۡحٰبِ النَّارِ ۚ وَ ذٰلِکَ جَزٰٓؤُا الظّٰلِمِیۡنَ ﴿ۚ۲۹﴾

هرآئینه من می خواهم که ببری گناه مرا و گناه خودرا پس باشی ازاهل دوزخ واین جزای ستمگاران است (٢٩) .

فَطَوَّعَتۡ لَہٗ نَفۡسُہٗ قَتۡلَ اَخِیۡہِ فَقَتَلَہٗ فَاَصۡبَحَ مِنَ الۡخٰسِرِیۡنَ ﴿۳۰﴾

پس نفسِ اوسهل ساخت درنظر اوکشتن برادرش را پس بکشت اوراپس شداززیان کاران[1] (٣٠) .

فَبَعَثَ اللّٰہُ غُرَابًا یَّبۡحَثُ فِی الۡاَرۡضِ لِیُرِیَہٗ کَیۡفَ یُوَارِیۡ سَوۡءَۃَ اَخِیۡہِ ؕ قَالَ یٰوَیۡلَتٰۤی اَعَجَزۡتُ اَنۡ اَکُوۡنَ مِثۡلَ ہٰذَا الۡغُرَابِ فَاُوَارِیَ سَوۡءَۃَ اَخِیۡ ۚ فَاَصۡبَحَ مِنَ النّٰدِمِیۡنَ ﴿ۚۛ۳۱﴾

پس فرستاد خدا زاغی را که میشگافت درزمین تابنمایدش چگونه بپوشد جثه برادرخودرا گفت ای وای برمن! آیاعاجز شدم ازآنکه باشم مانندااین زاغ پس بپوشیدمی جثه برادر خود را پس شدازپشیمان شدگان (٣١) .

مِنۡ اَجۡلِ ذٰلِکَ ۚۛ کَتَبۡنَا عَلٰی بَنِیۡۤ اِسۡرَآءِیۡلَ اَنَّہٗ مَنۡ قَتَلَ نَفۡسًۢا بِغَیۡرِ نَفۡسٍ اَوۡ فَسَادٍ فِی الۡاَرۡضِ فَکَاَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِیۡعًا ؕ وَ مَنۡ اَحۡیَاہَا فَکَاَنَّمَاۤ اَحۡیَا النَّاسَ جَمِیۡعًا ؕ وَ لَقَدۡ جَآءَتۡہُمۡ رُسُلُنَا بِالۡبَیِّنٰتِ ۫ ثُمَّ اِنَّ کَثِیۡرًا مِّنۡہُمۡ بَعۡدَ ذٰلِکَ فِی الۡاَرۡضِ لَمُسۡرِفُوۡنَ ﴿۳۲﴾

بسبب این حادثه حکم کردیم بربنی اسرائیل که هرکه بکشد کسی را بغیر عوض کسی وبغیر فساد درزمین (یعنی قطع طریق وارتداد) پس چنانستی که کشته است مردمان را همه یکجا وهر که سبب زندگانی کسی شدپس چنانستی که زنده ساخت مردمان راهمه یکـجا وهرآئینه

= والله اعلم .

(١) بعد کشتن ندانست که چگونه دفن کند جثهٔ اورابر پشت نهاده میگشت والله اعلم.

إِنَّمَا جَزَٰٓؤُا۟ ٱلَّذِينَ يُحَارِبُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَسْعَوْنَ فِى ٱلْأَرْضِ فَسَادًا أَن يُقَتَّلُوٓا۟ أَوْ يُصَلَّبُوٓا۟ أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُم مِّنْ خِلَٰفٍ أَوْ يُنفَوْا۟ مِنَ ٱلْأَرْضِ ۚ ذَٰلِكَ لَهُمْ خِزْىٌ فِى ٱلدُّنْيَا ۖ وَلَهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٣٣﴾

إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُوا۟ مِن قَبْلِ أَن تَقْدِرُوا۟ عَلَيْهِمْ ۖ فَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٤﴾

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَٱبْتَغُوٓا۟ إِلَيْهِ ٱلْوَسِيلَةَ وَجَٰهِدُوا۟ فِى سَبِيلِهِۦ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣٥﴾

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُۥ مَعَهُۥ لِيَفْتَدُوا۟ بِهِۦ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ

آمدند به بنی اسرائیل پیغامبران مابه نشانه های روشن بازبسیاری ازایشان بعد ازین درزمین تجاوز کنند گانند[1] (٣٢) .

جزاین نیست جزای کسانیکه جنگ می کنند باخدا ورسول اوو می شتابند درزمین بقصد فساد (یعنی قطع طریق می کنند) آنست که کشته شوند یا بردار کشیده شوند یابریده شود دست ها وپایهای ایشان ازجانب مخالف[2] یا دور کرده شوندازوطن این رسوائی است ایشان را دردنیا وایشان راست درآخرت عذاب عظیم (٣٣) .

مگر کسانیکه توبه کردند پیش ازآنکه دست یابید برایشان پس بدانیدکه خدا آمرزنده مهربان است[3] (٣٤) .

ای مسلمانان بترسید ازخدا وبه طلبید قرب بسوی او وجهادکنید درراه اوتارستگار شوید (٣٥) .

هرآئینه کافران ا گرباشد بدست ایشان آنچه درزمین است همه یك جا وهمراه او مانند اومهیابرای آنکه عوض خود دهند

---

(١) یعنی چون از قابیل رسم قتل پیداشدهرقتلی که در جهان واقع شود او را بدان مواخذه کنند همچنین در هر زمانه کسی که رسم کشتن نومی کند بحکم من سَنَّ سنة سیئة کان لهُ کفلٌ منها۔ درقتلی که بعد ازوی آمدشرکتی پیدامی نمایدپس این جا من اجل ذالك بجای علی قیاس ذالك واقع شده است والله اعلم .

(٢) یعنی دست راست و پای چپ والله اعلم .

(٣) یعنی حدساقط است وحقوق آدمیان ساقط نیست والله اعلم .

الْقِيٰمَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٣٦﴾

آن رااازعذاب روزقیامت هرگزقبول کرده نه شودازایشان وایشان راست عذاب درد دهنده (٣٦) .

يُرِيْدُوْنَ اَنْ يَّخْرُجُوْا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخٰرِجِيْنَ مِنْهَا ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيْمٌ ﴿٣٧﴾

بخواهند که بیرون روند ازدوزخ ونیستند بیرون رفتگان ازدوزخ وایشان راست عذاب دائم (٣٧) .

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوْٓا اَيْدِيَهُمَا جَزَآءًۢ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٣٨﴾

ومرد دزد وزن دزد ببرید دستهای ایشان را جزای آنچه به عمل آورده اند عبرتی از طرف خدا وخدا غالب داناست (٣٨) .

فَمَنْ تَابَ مِنْۢ بَعْدِ ظُلْمِهٖ وَاَصْلَحَ فَاِنَّ اللّٰهَ يَتُوْبُ عَلَيْهِ ۗ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٣٩﴾

پس هرکه توبه کرد بعد ستم خودوکارشائسته بعمل آورد پس هرآئینه خدا برحمت بازمیگردد بروی هرآئینه خداآمرزنده مهر بانست (٣٩) .

اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ يُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَّشَآءُ ۗ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٤٠﴾

آیاندانستهٔ ای که خدامراوراست پادشاهی آسمان ها و زمین عذاب می کند هرکراخواهد ومی آمرزد هرکراخواهد وخدابرهمه چیز تواناست[1] (٤٠) .

يٰٓاَيُّهَا الرَّسُوْلُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِيْنَ يُسَارِعُوْنَ فِى الْكُفْرِ مِنَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا اٰمَنَّا بِاَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوْبُهُمْ ۛ وَمِنَ الَّذِيْنَ هَادُوْا ۛ سَمّٰعُوْنَ لِلْكَذِبِ سَمّٰعُوْنَ لِقَوْمٍ اٰخَرِيْنَ ۙ لَمْ يَاْتُوْكَ ۗ يُحَرِّفُوْنَ الْكَلِمَ مِنْۢ بَعْدِ

ای پیغامبراندوهگین نه کندترا کسانیکه سعی می کنند درکفر ازآنانکه گفتندبدهان خویش ایمان آوردیم وایمان نیاورده است دلهای ایشان وازقوم یهود نیز ایشان شنوندگانند سخن دروغ را[2] شنوندگانند

---

(١) مترجم گوید درتورات رجم زانی نازل شده بود و یهود تحریف کرده روی زانی را سیاه کردن وچند تازیانه زدن قرار دادند ودر زمان آنحضرت درمیان ایشان زنا واقع شد زانی را پیش آنحضرت بدست منافقان وذمیان فرستادندبقرارآن که ا گر جلد فرمایند بکنیم وا گر رجم فرمایند نکنیم آن حضرت صلی الله علیه وسلم حقیقت رجم اظهار فرمودند ورجم کردند درین آیات اشاره است بآن قصه .

(٢) یعنی معتقد آن شده اند .

مَوَاضِعِهٖ ۚ يَقُوْلُوْنَ اِنْ اُوْتِيْتُمْ هٰذَا فَخُذُوْهُ وَاِنْ لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوْا ؕ وَمَنْ يُّرِدِ اللّٰهُ فِتْنَتَهٗ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهٗ مِنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا ؕ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَمْ يُرِدِ اللّٰهُ اَنْ يُّطَهِّرَ قُلُوْبَهُمْ ؕ لَهُمْ فِى الدُّنْيَا خِزْىٌ ۖۚ وَّلَهُمْ فِى الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿۴۱﴾

برای گروه دیگران که هنوز پیش تونیامده اند[١] تغییر میدهند کلمات را(بعد ازثبوت آنها) درموضع خویش گویند ا گرداده شوید این حکم محرف قبول کنید و ا گرآنرا داده نه شوید پس احترازنمائید وهرکه خداضلالت اورا اراده کرده است پس هرگز نه توانی برای اوازخدا چیزی ازهدایت ایشان آنانند که نخواسته است خدا که پاك کند دلهای ایشان را ایشان راست دردنیارسوائی وایشان راست درآخرت عذابِ بزرگ (٤١) .

سَمّٰعُوْنَ لِلْكَذِبِ اَكّٰلُوْنَ لِلسُّحْتِ ؕ فَاِنْ جَآءُوْكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ اَوْ اَعْرِضْ عَنْهُمْ ۚ وَاِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَّضُرُّوْكَ شَيْـًٔا ؕ وَاِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِيْنَ ﴿۴۲﴾

ایشان شنوندگانندسخن دروغ را خورندگانند حرام را(یعنی رشوت را) پس ا گر بیایند پیش توحکم کن میان ایشان یا اعراض کن ازایشان وا گر اعراض کنی ازایشان هیچ زیان نه رسانند بتو وا گر حکم کنی پس حکم کن میان ایشان بانصاف هرآئینه خدادوست میدارد عدل کنندگان را[٢] (٤٢) .

وَكَيْفَ يُحَكِّمُوْنَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرٰىةُ فِيْهَا حُكْمُ اللّٰهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ ؕ وَمَاۤ اُولٰٓئِكَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ ﴿۴۳﴾

وچگونه حَکَم می کنند ترا ونزدیك ایشان تورات است که درآن حکم خداست بازاعراض می کنند بعد ازین ونیستند ایشان معتقدان[٣] (٤٣) .

---

(١) یعنی جاسُوسان حربیان اند والله اعلم .

(٢) مترجم گوید یعنی اهل ذمه ا گرقضیه خویش بامام رفع کنند ا گر خواهد حکم کند و ا گر خواهد بزعمای ایشان مفوّض نماید والله اعلم .

(٣) یعنی ا گر غرض ایشان طلب رضای خدای تعالی بودی بر تورات عمل =

إِنَّآ أَنزَلْنَا التَّوْرٰىةَ فِيهَا هُدًى وَّنُورٌ ۚ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّٰنِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِن كِتَٰبِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَآءَ ۚ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا بِـَٔايَٰتِى ثَمَنًا قَلِيلًا ۚ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَآ أَنزَلَ اللَّهُ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ الْكَٰفِرُونَ ﴿٤٤﴾

هرآئینه مافرودآوردیم تورات را در وی هدایت وروشنی است حکم می کنند بآن پیغامبران که منقادحُکمِ الهی اند برای یهود وحکم می کنند خداپرستان واحبار ایشان همه حکم میکردند بآنچه حافظ آن گردانیده شده اندازکتاب خدا وبرآن گواه بودند(۱) پس گفتیم مترسید ازمردمان وبترسید ازمن وخریدمکنید بآیت های من بهای اندك وهرکه حکم نکندبآنچه فروفرستاده است خدا پس ایشانند نامعتقدان (٤٤) .

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَآ أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنفَ بِالْأَنفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ ۚ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِۦ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُۥ ۚ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَآ أَنزَلَ اللَّهُ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ الظَّٰلِمُونَ ﴿٤٥﴾

ولازم ساختیم بریهود درتورات که شخص به عوض شخص ست یعنی بعوض اوباید کشت وچشم عوض چشم است وبینی عوض بینی است و گوش عوض گوش است ودندان عوض دندان وحکم زخم ها به اعتبار مماثلت است پس هرکه عفوکند ازآن زخم پس این عفوکفارت است ویراو هرکه حکم نه کندبآنچه خدافروفرستاده است پس ایشانند ستمگاران (٤٥) .

وَقَفَّيْنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرٰىةِ ۖ وَءَاتَيْنَٰهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٦﴾

وازپس فرستادیم برپی این پیغمبران عیسیٰ پسرمریم را باوردارنده آنچه پیش اوبود که تورات است ودادیمش انجیل دروی هدایت و روشنی است وباوردارنده آنچه پیش وی بود که تورات

= میکردند لیکن غرض فاسدداشتند .

(۱) یعنی به یقین معلوم کرده بودند که حکم الهی است والله اعلم .

وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ ۚ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٤٧﴾

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ ۖ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۖ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ ۚ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۖ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾

وَأَنِ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۖ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ﴿٤٩﴾

باشد وهدایت وپند متقیان را (٤٦) .

وفرمودیم بایدکه حکم کنند اهل انجیل بآنچه فروفرستاده است خدای‌تعالی دروی وهرکه حکم نکند بآنچه فروفرستاده است خداپس ایشانند بدکاران (٤٧) .

وفروفرستادیم بسوی توکتاب را براستی باوردارنده آنچه پیش وی است ازکتاب ونگهبان بروی[1] پس حکم کن درمیان ایشان بآنچه فروآورده است خدا وپیروی مکن خواهش های ایشان را اعراض کنان ازآنچه آمدبتوازحکم الهی برای هر گروهی ازشمامقررساخته ایم شریعتی وراهی و ا گرخواستی خدا گردانیدی شمارا یك امت ولیکن خواست که بیازماید شمارا درآنچه به شماداده است پس شتاب کنید بسوی نیکوکاری[2] بسوی خدا رجوع شمااست همه یك جا پس خبردهدشمارا بآنچه درآن اختلاف می کردید (٤٨) .

وفرمودیم که حکم کن میان ایشان بآنچه فرودآورده است خداوپیروی مکن خواهش های ایشانرا و بترس ازایشان ازآنکه گمراه کنند ترا ازبعض آنچه فروفرستاده است خدا بسوی توپس ا گر اعراض کنند پس بدان که می خواهد خداکه عذاب کند ایشان را به سبب

---

(١) یعنی تحریف راازغیر تحریف جدامی سازد والله اعلم .

(٢) یعنی اتباع فرمان الهی درشریعت پیغمبرزمان والله اعلم .

بعض گناهان ایشان وهر آئینه بسیاری ازمردمان بدکارانند (٤٩) .

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ ۚ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٥٠﴾

آیاحکم جاهلیت می خواهند؟ وکیست خوب ترازخداباعتبار حکم برای قومی که یقین دارند[1] (٥٠) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ ۘ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥١﴾

ای مومنان دوست مگیرید یهود ونصارىٰ را بعض ایشان دوست بعض اند وهرکه ازشمادوست دارد ایشان را پس هرآئینه اوازجمله ایشانست هرآئینه خداراه نمی نمایدگروه ستمگاران را (٥١) .

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ ۚ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسَرُّوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ ﴿٥٢﴾

پس می بینی کسانی راکه دردلهای ایشان بیماریست یعنی نفاق سعی می کنند دردوستی یهود و نصارىٰ می گویند می ترسیم ازآنکه برسدمایان را مصیبتی[2] پس نزدیك است که خدا بیارد فتح را یا چیزی دیگرراازنزدیك خودپس پشیمان شوند برآنچه پنهان داشتند دردل های خویش (٥٢) .

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ ۙ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ ۚ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ ﴿٥٣﴾

وبگویند مومنان (یعنی بعدازفتح وپیروزی) آیاایشانند آنانکه قسم خوردند بخدا سخت ترین سوگند های خویش که البته ایشان همراه شما اند امروزنابود

---

(١) مترجم گوید حاصل این آیات الزام است براهل کتاب که باوجود التزام کتاب برحسب آن عمل نمی کنند و درین آیات بیان آن ست که هر قرنِ را شَریعتی داده اندو بعد نزول قرآن بجز متابعت آن متابعت دیگر جائز نیست والله اعلم.

(٢) مترجم گوید یعنی احتمال دارد که هزیمت بر اهل اسلام افتدپس موافقت باحربیان مصلحت است .

شدعملهای ایشان پس گشتند زیان کار (٥٣) .

يَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَنْ يَّرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِيْنِهٖ فَسَوْفَ يَاْتِي اللّٰهُ بِقَوْمٍ يُّحِبُّهُمْ وَيُحِبُّوْنَهٗٓ اَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ اَعِزَّةٍ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ يُجَاهِدُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَلَا يَخَافُوْنَ لَوْمَةَ لَآئِمٍ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ﴿٥٤﴾

ای مومنان هرکه ازشمابر گردد ازدین خود پس خواهد آورد خدا گروهی را که دوست می دارد ایشان را وایشان دوست می دارند اورامتواضع اند بر مومنان درشت طبع اند برکافران جهادمی کنند درراه خدا ونمی ترسندازملامتِ ملامت کننده این بخشائش خدااست میدهد آن را بهرکه خواهد وخدا جواد دانااست(۱) (٥٤) .

اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوا الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ رٰكِعُوْنَ ﴿٥٥﴾

جزاین نیست که دوست شماخدااست ورسول اوومومنانی که برپامی دارند نمازرا ومی دهنده زکات راوایشان پیوسته نماز گزارند (٥٥) .

وَمَنْ يَّتَوَلَّ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فَاِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْغٰلِبُوْنَ ﴿٥٦﴾

وهرکه دوستی کند باخدا وبارسول او وبا مومنان پس هرآئینه گروه خداهمونست غالب (٥٦) .

يَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا دِيْنَكُمْ هُزُوًا وَّلَعِبًا مِّنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ اَوْلِيَآءَ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٥٧﴾

ای مسلمانان دوست مگیرید کسانی را که تمسخرو بازی گرفته اند دینِ شمارا ازکسانی که داده شده ایشان را کتاب پیش ازشماونه سائر کافران را وبترسید ازخدا ا گر مسلمان هستید (٥٧) .

وَاِذَا نَادَيْتُمْ اِلَى الصَّلٰوةِ اتَّخَذُوْهَا هُزُوًا وَّلَعِبًا ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُوْنَ ﴿٥٨﴾

وچون نداکنید بسوی نماز تمسخروبازی گیرندآن را(۲) این بسبب آن ست که ایشان

---

(۱) مترجم گوید این وعده درزمان حضرت ابو بکر صدیق متحقق شد ومهاجران وانصار وتابعان ایشان بامرتدان جهادکردند والله اعلم .

(۲) مترجم گوید یعنی باذان استهزاکنند والله اعلم .

گروهی هستند که نمی فهمند (۵۸) .

قُلْ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ هَلْ تَنْقِمُوْنَ مِنَّآ اِلَّآ اَنْ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَآ اُنْزِلَ اِلَيْنَا وَمَآ اُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ ۙ وَاَنَّ اَكْثَرَكُمْ فٰسِقُوْنَ ﴿۵۹﴾

بگوای اهل کتاب عیب نمی گیریدبرما مگرآنکه ایمان آوردیم بخداوبآنچه فروفرستاده شده است بسوی ماوبآنچه فروفرستاده است پیش ازین ومگرآنکه بیشترازشمابدکارانند (۵۹) .

قُلْ هَلْ اُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذٰلِكَ مَثُوْبَةً عِنْدَ اللّٰهِ ؕ مَنْ لَّعَنَهُ اللّٰهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيْرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوْتَ ؕ اُولٰٓئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَّاَضَلُّ عَنْ سَوَآءِ السَّبِيْلِ ﴿۶۰﴾

بگوآیا خبردهم شمارا به بدترازاین[۱] باعتبار جزاء نزدیك خدا آن بدترکسی است که لعنت کرد اورا خداوخشم گرفت بروی و گردانید ازایشان بوزینه گان وخوکان وکسیکه پرستیدمعبود باطل را این گروه بدترانداعتبار جای و گمراه تراند ازراه راست (۶۰) .

وَاِذَا جَآءُوْكُمْ قَالُوْٓا اٰمَنَّا وَقَدْ دَّخَلُوْا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوْا بِهٖ ؕ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا كَانُوْا يَكْتُمُوْنَ ﴿۶۱﴾

وچون بیایندپیش شما گویندایمان آوردیم حال آنکه به کفر درآمدند وبه کفربیرون رفتند وخدا دانا تراست بآنچه می پوشیدند (۶۱) .

وَتَرٰى كَثِيْرًا مِّنْهُمْ يُسَارِعُوْنَ فِى الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاَكْلِهِمُ السُّحْتَ ؕ لَبِئْسَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿۶۲﴾

ومی بینی که بسیاری ازایشان سعی می کنند در گناه وتعدی وحرام خوردن ایشان هرآئینه بدچیزیست که به عمل آوردند (۶۲) .

لَوْلَا يَنْهٰىهُمُ الرَّبّٰنِيُّوْنَ وَالْاَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْاِثْمَ وَاَكْلِهِمُ السُّحْتَ ؕ لَبِئْسَ مَا كَانُوْا يَصْنَعُوْنَ ﴿۶۳﴾

چرا منع نمی کنند ایشان را خدا پرستان ودانشمندان ازدروغ گفتنِ ایشان وحرام خوردنِ ایشان هرآئینه بدچیزیست که می کردند (۶۳) .

وَقَالَتِ الْيَهُوْدُ يَدُ اللّٰهِ مَغْلُوْلَةٌ ؕ غُلَّتْ اَيْدِيْهِمْ وَلُعِنُوْا بِمَا

و گفتند یهود دستِ خدابگردن بسته

(۱) مترجم گوید یعنی بدتر ازآن عیب دارکه شما بیان کردید .

قَالُوا بَلْ يَدٰهُ مَبْسُوطَتٰنِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَآءُ وَلَيَزِيْدَنَّ كَثِيْرًا مِّنْهُمْ مَّآ اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَّكُفْرًا وَاَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ كُلَّمَآ اَوْقَدُوْا نَارًا لِّلْحَرْبِ اَطْفَاَهَا اللّٰهُ وَيَسْعَوْنَ فِى الْاَرْضِ فَسَادًا وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿٦٤﴾

است[1] بگـردن بستـه بـاد دسـت هـای ایشان و لعنت کرده شد ایشان را بسبب آنچه گفتند بلکه دودستِ اوکشاده است خرج می کندچنانچه میخواهد والبته بیفـزایـددرحـق بسیـاری ازایشـان آنچـه فروفرستاده شدبسوی تواز پروردگار تونافرمانی وکفررا وافگندیم درمیان فـرقـه هـای یـهـود دشمنـی ونـاخـوشـی تاروزقیامت هر گاه که برمی افروزند آتشی را برای جنگ فرومی نشاندش خدا[2] ومی شتابند درزمین برای فساد وخدادوست نمی دارد مفسدان را (٦٤) .

وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الْكِتٰبِ اٰمَنُوْا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّاٰتِهِمْ وَلَاَدْخَلْنٰهُمْ جَنّٰتِ النَّعِيْمِ ﴿٦٥﴾

و ا گر اهل کتاب ایمان می آوردند و پرهیزگاری میکردند نابود ساختمی ازایشـان گنـاهـان ایشـان را ودرآوردمـی ایشان را به بوستان های نعمت (٦٥) .

وَلَوْ اَنَّهُمْ اَقَامُوا التَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِيْلَ وَمَآ اُنْزِلَ اِلَيْهِمْ مِّنْ رَّبِّهِمْ لَاَكَلُوْا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ اَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ اُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيْرٌ مِّنْهُمْ سَآءَ مَا يَعْمَلُوْنَ ﴿٦٦﴾

و ا گرایشان برپامی داشتند حکم تورات وانجیل را وآنچه فرودآورده شده است بسـوی ایشـان ازپـروردگـار ایشـان[3] خوردندی ازبالای خود واززیرپایهای خود ازایشان گروهی هست میانه رو و بسیـاری ازایشـان بـدچیـزیسـت کـه مـی کنند[4] (٦٦) .

---

(۱) یعنی بخل دارد .

(۲) یعنی چون می خواهند که بادشمنان خود که متدین به یهودیت نیستند جنگ کنند مقهور ومغلوب می شوند .

(۳) یعنی سائر کتب سابقه .

(٤) مترجم گوید حاصل آن است که ا گر برپامی داشتند حکم تورات و انجیل را =

يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ بَلِّغْ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ۖ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُۥ ۚ وَٱللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ ٱلنَّاسِ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٦٧﴾

ای پیغامبربرسان آنچه فرودآورده شده است بسوی توازجانب پروردگار تو و ا گر نکردی(۱) نرسانده باشی پیغام خدارا وخدانگاهداردترا ازمردمان هرآئینه خداراه نمی نمایدگروه کافران را (٦٧) .

قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَىْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا۟ ٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ ۗ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَٰنًا وَكُفْرًا ۖ فَلَا تَأْسَ عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٦٨﴾

بگوای اهل کتاب نیستید برچیزی تاآنکه برپاکنید حکم تورات وانجیل را و آنچه فروفرستاده شده است بسوی شما ازپروردگار شما(۲) والبته بیفزایددرحق بسیاری ازایشان آنچه فرو فرستاده شده است بسوی توازجانب پروردگار تو (یعنی قرآن) طغیان و کفر راپس اندوهگین مشوبرقوم کافران(۳) (٦٨) .

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَٱلَّذِينَ هَادُوا۟ وَٱلصَّٰبِـُٔونَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٩﴾

هرآئینه مسلمانان ویهودان (وهمچنین است) حال ستاره پرستان وترسایان هرکه ایمان آرد ازایشان بخدا و روزآخر وکردکار شائسته هیچ ترس نیست برایشان و ایشان اندوهگین نه شوند(٤) (٦٩) .

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ وَأَرْسَلْنَآ إِلَيْهِمْ رُسُلًا ۖ كُلَّمَا

هرآئینه گرفتیم عهدبنی اسرائیل

= پیش ازنزول قرآن و پیش ازآنکه حضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم مبعوث شود برکت فراوان نصیب ایشان می شد لیکن مخالفت کردند پس بانواع بلا مبتلا گشتند والله اعلم .

(۱) یعنی ا گر یك آیت هم نرساندی والله اعلم .

(۲) مترجم گوید یعنی قرآن وسائر کتب سابقه .

(۳) مترجم گوید حاصل آنست که بروفق قول خود ملزم می شوند زیرا که التزام شریعتی میکنند وبرحسب آن نمی روند قطع نظر ازانکار قرآن والله اعلم .

(٤) یعنی دراصل از هرفرقه که باشد چون ایمان آرد از اهل نجات است و خصوصیت فِرَق را اعتبار نیست والله اعلم .

جَآءَهُمْ رَسُوْلٌ بِمَا لَا تَهْوٰى اَنْفُسُهُمْ فَرِيْقًا كَذَّبُوْا وَفَرِيْقًا يَقْتُلُوْنَ ﴿٧٠﴾

وفرستاديم بسوى ايشان پيغمبران را هر گاه آمدى بايشان پيغامبرى بآنچه دوست نمى داشت نفس ايشان گروهى را به دروغ نسبت كردندوگروهى را مى كشتند (٧٠).

وَحَسِبُوْٓا اَلَّا تَكُوْنَ فِتْنَةٌ فَعَمُوْا وَصَمُّوْا ثُمَّ تَابَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوْا وَصَمُّوْا كَثِيْرٌ مِّنْهُمْ وَاللّٰهُ بَصِيْرٌ بِمَا يَعْمَلُوْنَ ﴿٧١﴾

وپنداشتند كه هيچ عقوبت نخواهد بودپس كورشدند وكر گشتند پس باز گشت برحمت خدابرايشان[1] پس بازكورشدند و كر گشتند بسيارى ازايشان وخدا بيناست بآنچه مى كنند (٧١) .

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْمَسِيْحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيْحُ يٰبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ اعْبُدُوا اللّٰهَ رَبِّيْ وَرَبَّكُمْ اِنَّهٗ مَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَاْوٰىهُ النَّارُ وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ ﴿٧٢﴾

هرآئينه كافرشدند كسانيكه گفتند خدا همان است عيسىٰ پسر مريم و گفته بود عيسىٰ اى بنى اسرائيل بپرستيد خدارا پروردگار من و پروردگار شماهرآئينه كسيكه شريك خدا مقررمى كند حرام كرده است خدابهشت رابروى وجاى اودوزخ است ونيست ستمگاران را هيچ يارى دهنده[2] (٧٢) .

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا اِنَّ اللّٰهَ ثَالِثُ ثَلٰثَةٍ وَمَا مِنْ اِلٰهٍ اِلَّآ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ وَاِنْ لَّمْ يَنْتَهُوْا عَمَّا يَقُوْلُوْنَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٧٣﴾

هرآئينه كافرشدند كسانيكه گفتند كه خدا سوم سه كس است[3] وهيچ إله برحق نيست مگراله يگانه وا گرباز نه آيند ازآنچه مى گويند خواهدرسيدكافران را ازايشان[4] عذاب درد دهنده (٧٣) .

اَفَلَا يَتُوْبُوْنَ اِلَى اللّٰهِ وَيَسْتَغْفِرُوْنَهٗ

آيارجوع نمى كنند بسوى خدا وآمرزش

---

(١) يعنى محمد صلى الله عليه وسلم را فرستاد والله اعلم .

(٢) اعتقاد حلول نوعى ازشرك است .

(٣) يعنى درمرتبه الوهيت سه كس هستند يكى خداوديگرى عيسىٰ وسوم روح القدس والله اعلم .

(٤) يعنى اهل اصرارراازايشان .

وَاللهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٧٤﴾

نمی طللبندازاو و خدا آمرزنده مهربان ست (٧٤) .

مَا الْمَسِيْحُ ابْنُ مَرْيَمَ اِلَّا رَسُوْلٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَاُمُّهٗ صِدِّيْقَةٌ كَانَا يَاْكُلٰنِ الطَّعَامَ اُنْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْاٰيٰتِ ثُمَّ انْظُرْ اَنّٰى يُؤْفَكُوْنَ ﴿٧٥﴾

نیست عیسیٰ پسر مریم مگرپیغامبری گذشته اند پیش ازوی پیغامبران ومادراوولیه بود هردومی خوردند طعام را ببین چگو نه بیان می کنیم برای ایشان نشانه ها بازبین چگونه گردانیده می شوند[1] (٧٥) .

قُلْ اَتَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَّلَا نَفْعًا وَاللهُ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿٧٦﴾

بگو آیاعبادت می کنید بجز خدا چیزی را که نمی تواند برای شما زیانی ونه سودی وخدا همان است شنوادانا (٧٦) .

قُلْ يٰاَهْلَ الْكِتٰبِ لَا تَغْلُوْا فِيْ دِيْنِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوْا اَهْوَآءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوْا مِنْ قَبْلُ وَاَضَلُّوْا كَثِيْرًا وَّضَلُّوْا عَنْ سَوَآءِ السَّبِيْلِ ﴿٧٧﴾

بگوای اهل کتاب ازحدمگذرید دردین خود بناحق وپیروی مکنید خواهش نفس قومی را که گمراه شدند پیش ازین و گمراه کردند مردمانِ بسیاررا وکجروی کردندازراه راست[2] (٧٧) .

لُعِنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ عَلٰى لِسَانِ دَاوٗدَ وَعِيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَّكَانُوْا يَعْتَدُوْنَ ﴿٧٨﴾

لعنت کرده شدکافران را ازبنی اسرائیل برزبان داؤد وعیسیٰ پسر مریم این بسبب آنست که نافرمانی میکردند وازحدمیگذشتند (٧٨) .

كَانُوْا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُّنْكَرٍ فَعَلُوْهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوْا يَفْعَلُوْنَ ﴿٧٩﴾

یك دیگر رامنع نمی کردند ازآن عمل زشت که مرتکب آن شدند هرآئینه بدچیزی است که میکردند (٧٩) .

تَرٰى كَثِيْرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

می بینی که بسیاری ازایشان دوستی میکنند باکافران (یعنی بامشرکان) هرآئینه

---

(١) یعنی ازمعرفت حق .

(٢) یعنی پیشوایان یهودیت ونصرانیت که برای ایشان مذهب قرار داده اند والله اعلم.

لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿٨٠﴾

بدچيزيست كه پيش فرستاده است براى ايشان نفوس ايشان آن چيزخشم گرفتن خداست برايشان وايشان درعذاب جاويدانند (٨٠) .

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٨١﴾

و ا گرايمان آوردند به خدا و پيغامبر (يعنى پيغامبر خود) وآنچه فروفرستاده شده است بسوى وى البته دوست نه گرفتند مشركان را وليكن بسيارى ازايشان فاسقانند(٨١) .

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا ۖ وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٨٢﴾

هرآئينه بيابى سخت ترين مردمان درعداوت بامسلمانان يهود و مشركان را وهرآئينه بيابى نزديك ترين مردمان دردوستى مسلمانان كسانى را كه گفتند مانصارىٰ ئيم اين بسبب آن ست كه ازجنس ايشان هستند دانشمندان و گوشه نشينان وبسبب آنست كه ايشان تكبر نميكنند (٨٢) .

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ ۖ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨٣﴾

وچون بشنوند آنچه فروفرستاده شده برپيغامبر به بينى چشم هاى ايشان را اشك ميريزد به سبب آنچه شناختند ازحق مى گويند اى پروردگار ما ايمان آورديم پس بنويس مارا باشاهدان[١] (٨٣) .

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَن يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ ﴿٨٤﴾

وچيست ماراكه ايمان نياريم بخداوآنچه آمده است بمااز دين راست وچيست مارا كه طمع نه كنيم كه داخل كند مارا پروردگار[٢] باقوم صالحان (٨٤) .

---

(١) يعنى جماعتى كه اكمل امت باشند والله اعلم .

(٢) يعنى به بهشت .

فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٥﴾

پس جزا داد ایشان را خدابرآن مقوله که گفتند بوستانها میرود زیر آن جویها جاویدان آنجا واین است جزای نیکوکاران[1] (٨٥) .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٨٦﴾

وکسانیکه کافرشدند وبدروغ نسبت کردند آیاتِ مارا ایشانند اهل دوزخ (٨٦) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٨٧﴾

ای مومنان حرام مکنید لذایذ آنچه خدا حلال ساخته است برای شما وازحدمگذرید هرآئینه خدا دوست نمیدارد ازحد گذرندگان را (٨٧) .

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنتُم بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

وبخورید آنچه روزی داده است شمارا خدا حلال پاکیزه وبترسید ازآن خدا که شمابوی ایمان آوردید[2] (٨٨) .

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُّمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَٰلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ

بازخواست نمی کند ازشما خدا به لغو درسوگند های شما ولیکن بازخواست می کند ازشما بسبب محکم کردن سوگندها بقصد[3] پس کفارت یمین منعقده طعام دادن ده مسکین راست ازجنس میانه ازآنچه می خورانیداهلِ خودرا یا پوشش دادن ایشان را یاآزادکردن برده پس هرکه نیابدلازم است

---

(١) مترجم گوید درآیات مذکوره اشارت است به فضیلت قومی ازنصاریٰ حبشه که همراه جعفر طیار بخدمت آنحضرت آمده مسلمان شدند والله اعلم .

(٢) یعنی ترك نکاح یا ترك اکل کم وامثال آن درست نیست والله اعلم .

(٣) مترجم گوید یعنی به لغوکفارت واجب نیست چنانکه ازدورشبهی بیند وبظن گوید که والله زید است وزید نباشدوبریمین منعقده ا گرحانث شود کفارت واجب است چنانکه گوید والله این طعام نخورم یا درین خانه درنه آیم وعلی هذا القیاس والله اعلم .

اٰيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿۸۹﴾

روزه داشتن سه روزاینست کفارت سوگندِ های شماچون سو گند خورید (یعنی وحانث شوید) ونگاهدارید سوگند های خودرا[۱] همچنین بیان می کند خدابرای شماآیتهای خودرا تابود که شماشکرکنید (۸۹) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْاَنْصَابُ وَالْاَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطٰنِ فَاجْتَنِبُوْهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿۹۰﴾

ای مسلمان جزاین نیست که خمروقمار ونشانهای معبودان باطل وتیرهای فال پلیداست ازکردار شیطان است پس احتراز کنید ازوی تابود که شما رستگارشوید (۹۰) .

اِنَّمَا يُرِيْدُ الشَّيْطٰنُ اَنْ يُّوْقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَعَنِ الصَّلٰوةِ فَهَلْ اَنْتُمْ مُّنْتَهُوْنَ ﴿۹۱﴾

جزاین نیست که می خواهد شیطان که بیندازددرمیان شما دشمنی وناخوشی بسبب خمر وقمار وبازدارد شمارا ازیاد خدا وازنماز پس آیاالحال شماباز ایستادگانید (۹۱) .

وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ وَاحْذَرُوْا فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوْۤا اَنَّمَا عَلٰى رَسُوْلِنَا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ﴿۹۲﴾

وفرمانبرداری کنید خدا را وفرمانبرداری کنید پیغامبررا وبترسید پس اگر روگردانیدید پس بدانید که برپیغامبر مانیست مگرپیغام رسانیدن آشکار (۹۲).

لَيْسَ عَلَى الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جُنَاحٌ فِيْمَا طَعِمُوْۤا اِذَا مَا اتَّقَوْا وَّاٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَّاٰمَنُوْا ثُمَّ اتَّقَوْا وَّاَحْسَنُوْا وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿۹۳﴾

نیست برکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند گناهی درآنچه خوردند[۲] چون پرهیزگاری کردند وایمان آوردند وکارهای شائسته کردند بازپرهیزگاری کردند وایمان آوردند بازپرهیزگاری کردند ونیکوکاری نمودندو خدادوست

---

(۱) یعنی تامقدورحانث نه شوید والله اعلم .

(۲) یعنی قبل ازتحریم .

میداردنیکوکاران را[١] (٩٣) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَيَبْلُوَنَّكُمُ ٱللَّهُ بِشَىْءٍ مِّنَ ٱلصَّيْدِ تَنَالُهُۥٓ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ ٱللَّهُ مَن يَخَافُهُۥ بِٱلْغَيْبِ ۚ فَمَنِ ٱعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٤﴾

ای مسلمانان هرآئینه می آزمایدشمارا خدا به چیزی ازشکاربرسدبآن دستهای شما ونیزه های شما تامتمیزکند خداکسی را که غائبانه ازوی ترسد پس هرکه تعدی کند بعدازین اوراست عذاب درد دهنده (٩٤) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَقْتُلُوا۟ ٱلصَّيْدَ وَأَنتُمْ حُرُمٌ ۚ وَمَن قَتَلَهُۥ مِنكُم مُّتَعَمِّدًا فَجَزَآءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ ٱلنَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِۦ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًۢا بَٰلِغَ ٱلْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّٰرَةٌ طَعَامُ مَسَٰكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَٰلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِۦ ۗ عَفَا ٱللَّهُ عَمَّا سَلَفَ ۚ وَمَنْ عَادَ فَيَنتَقِمُ ٱللَّهُ مِنْهُ ۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ ذُو ٱنتِقَامٍ ﴿٩٥﴾

ای مسلمانان مکشید صیدرا چون احرام بسته باشید وهرکه بکشد اوراازشمابقصد پس واجب است جزاوآن جزامانند چیزیست که اوراکشته است ازجنس چهارپایان حکم کند بآن دوصاحب عدالت ازشما باشد آن چهارپایه قربانی رسیده بکعبه یاآن جزاکفارت است طعام فقیران یا برابرآن ازروزه تابچشدجزای کردارخودعفوکرده است خدا ازآنچه گذشت وهرکه دیگربارکندانتقام گیرد ازوی خداوخداغالب صاحب انتقام است[٢] (٩٥) .

---

(١) مترجم گوید یعنی آنچه قبل ازتحریم خوردندعفواست چون درتقویٰ رسوخ پیداکردند واین سخن بدان ماند که کسی گوید باتو احسان کنم وبازبتواحسان کنم بمعنی آنکه پیوسته احسان کنم والله اعلم .

(٢) مترجم گویدجزای صید یکی ازسه چیزتواند بود مماثل صیدرادرحرم ذبح کند ومماثلت نزدیك شافعی بخلقت وهیئت است ونزدیك ابی حنیفه به قیمت یا بقیمت صیدطعام خریدنمایدوبمسکینان دهد و نزدیك شافعی هر مسکینی را مدی ونزدیك ابی حنیفه هر مسکینی رانیم صاع از گندم یایك صاع ازجویابشمار مسکینان علی اختلاف المذهبین روزه دارد والله اعلم .

أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ ۖ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩٦﴾

حلال کرده شدبرای شماشکار دریا و خوردن آن تامنفعت باشدبرای شما وبرای قافله وحرام کرده شدبرشما شکاربیابان تاوقتیکه احرام بسته باشید وبترسیدازآن خداکه بسوی وی حشرکرده خواهیدشد (٩٦) .

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ۚ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٩٧﴾

گردانیدخدای تعالی کعبه را که خانه بزرگوارست سبب انتظام امورمردمان وماه حرام را وقربانی راوآنچه درگردنش قلاده اندازنداین بیان برای آنست که تابدانیدکه خدا میداند آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمین است و تابدانیدکه خدا بهمه چیزداناست (٩٧) .

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩٨﴾

بدانیدکه خدا سخت است عقوبتِ او و آنکه بدانید که خداآمرزنده مهربان است (٩٨) .

مَّا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٩٩﴾

نیست برپیغامبر مگر رسانیدن پیغام وخدامی داندآنچه آشکارا می کنید وآنچه پنهان می کنید(٩٩) .

قُل لَّا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ ۚ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠٠﴾

بگو(ای محمد)برابرنیست پلید وپاك وا گر چه درعجب آردترابسیاری پلید پس بترسید ازخدا ای خداوندان خردتارستگار شوید[1] (١٠٠) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِن تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ

ای مسلمانان سوال مکنیدازآن چیزها که ا گر ظاهر کرده شودحقیقت آنهاپیش شماغمگین کندشمارا و ا گر سوال کنید

---

(١) مترجم گوید یعنی مال حرام ومال حلال برابرنیست ا گرچه حرام بسیارجمع می شود والله اعلم .

لَكُمْ عَفَا اللّٰهُ عَنْهَا وَاللّٰهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٠١﴾

ازآن وقتیکه فرودآورده می شودقرآن البته ظاهرکرده شودبرای شماعفو کرد خدای‌تعالی ازآن سوالات وخدا آمرزنده بردبار است[1] (۱۰۱) .

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ﴿١٠٢﴾

هرآئینه سوال کرده بودند ازمثل آن چیزهاقومی پیش ازشما باز کافرشدند بآنها (۱۰۲) .

مَا جَعَلَ اللّٰهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَّلَا سَآئِبَةٍ وَّلَا وَصِيلَةٍ وَّلَا حَامٍ وَّلٰكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٣﴾

مشروع[2] نکرده است خدای‌تعالی هیچ بحیره ونه سائبه ونه وصیله و نه حام را ولیکن کافران دروغ برخدا می بندند وبسیاری ازایشان درنمی یابند (۱۰۳) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلٰى مَا أَنْزَلَ اللّٰهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَآءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَآؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَّلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٠٤﴾

وچون گفته شودایشان را بیائید بسوی آنچه فروفرستاده است خداوبسوی پیغامبر گویند بس است ماراآنچه برآن یافتیم پدرانِ خودرا وا گر چه پدرانِ ایشان هیچ نمی دانستند وهیچ راه نمی یافتند (۱۰٤) .

يَآأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَّنْ ضَلَّ إِذَا

ای مسلمانان محافظت کنید خویشتن را ضررنمی رساند شماراکسی که گمراه

---

(۱) مترجم گوید بعض مردم ازآنحضرت بغیر ضرورت سوال میکردندیکی گفت پدرمن کیست ودیگری گفت که مرجع من بهشت است یا دوزخ درین باب نازل شد.

(۲) مترجم گوید اهل جاهلیت احکامی چنداختراع کرده بودند ودرآنهابه قول اسلاف خود تمسك مینمودندازآنجمله بحیره و آن ماده شتری است که اورا برای بتان مقرر میکردند وشیراوبکسی نمیدادند و سائبه که برای بتان جانور را میگذاشتند وباربرپشت اونمی نهادند ووصیله وآن ماده شتریست که اول بار دراول عمر شترماده نرآیدبعد ازآن بغیر فصل دیگربار ماده زاید پس آنرابرای بتان میگذاشتند وبعد ازآنکه از حملی چندبچه گرفتندی اورا معاف داشتندی ازرکوب وجزآن او راعام گفتندی خدای تعالی این همه را فسخ فرمود وآیت فرستاد .

اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱۰۵﴾

شدچون شماراه یاب شدید بسوی خداست رجوع شماهمه یك جا پس خبردهد شمارا بآنچه عمل می کردید(۱) (۱۰۵).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْآثِمِينَ ﴿۱۰۶﴾

ای مسلمانان نصاب شهادت درمیان شماوقت وصیت چون برسد به یکی ازشماموت دوکس اندکه صاحب عدالت باشندازشما یادیگران ازغیرشما ا گرشما سفرکرده باشید درزمین پس رسدبه شمامصیبتِ موت ا گرشك داشته باشید بازداریدایشان را بعد ازنماز(یعنی نمازعصر) پس قسم خورند بخدا که خرید نمی کنیم عوض سوگند خدابهای دنیا را و ا گرچه کسیکه برای نفع او گواهی میدهیم صاحب قرابت باشدوپنهان نمی کنیم گواهی خدا(۲) هرآئینه ماآنگاه ازگنهگاران باشیم (۱۰۶).

فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا

ا گر ☆ اطلاع واقع شدبرآنکه این دوگواه

---

(۱) یعنی ا گرشمااصلاح کردید و شرط امرمعروف بجاآوردید مخالفتِ مخالفان ضررنمی کند والله اعلم.

(۲) ایضًا مترجم گوید ا گر مسلمانی راااتفاق سفر افتاد ودرجائی که هیچ مسلمان نبود محتضر شد ناچاردوذمی را ترکه خود سپرد وبروصیت خود گواه ساخت، ایشان ازآن ترکه جام نقرهٔ ای را خیانت کردند وچون اولیای میت ازایشان مطالبه نمودند قسم خوردند که ماباآن اطلاع نه داریم بعدازآن آن جام نزدیك صواغی پیداشد گفت که این دوذمی بدست من فروختند درین باره آیت نازل شدودوکس ازاولیای میت قسم خورده آن جام را گرفتند.

(☆) توضیح: پس ا گراطلاع حاصل شد که آنها مرتکب گناهی شده اند پس دو گواه ازاقارب نزدیك میت که نسبت به اقارب دیگر میت مستحق میراث اویند جانشین آن دو گواه شوند.

مِنَ الَّذِيْنَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلَيٰنِ فَيُقْسِمٰنِ بِاللّٰهِ لَشَهَادَتُنَآ اَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَآ ۖ اِنَّآ اِذًا لَّمِنَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٠٧﴾

حاصل كردند گناهی[١] پس بایستند دوكس دیگر كه قرابت قریبه داشته باشند بجای آنهاازجماعتی كه مال راحق خودساخت هریكی ازدو گواه دروغ به زبردستی برایشان[٢] پس سوگند خورند بخداكه گواهئ مادرست تراست ازگواهئ آن دووازحدتجاوزنكرده ایم هرآئینه ماآنگاه ازستمگاران باشیم (١٠٧) .

ذٰلِكَ اَدْنٰٓى اَنْ يَّاْتُوْا بِالشَّهَادَةِ عَلٰى وَجْهِهَآ اَوْ يَخَافُوْٓا اَنْ تُرَدَّ اَيْمَانٌ بَعْدَ اَيْمَانِهِمْ ۗ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاسْمَعُوْا ۗ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿١٠٨﴾

این اسلوب نزدیك تراست بآنكه بیارند گواهی را بروجه آن یعنی بروجهیكه بایددر گواهی دادن یابترسند ازآنكه ردّكرده شود سوگندها بعد سوگند های ایشان[٣] وبترسید ازخدا وبشنویدحكم اورا وخدا راه نمی نماید گروه فاسقان را[٤] (١٠٨) .

---

(١) یعنی گواه حق كه خدابآن فرموده والله اعلم .

(٢) یعنی دروغ گواهی دادندودروغ قسم خوردند .

(٣) یعنی ا گر كسی داندكه بعدازسوگند من سوگند مدعی نخواهد بود سوگند دروغ خورد وا گر بداند كه چون كذب ظاهر شود مدعیانرا سوگند دهندو حق به سوگند ایشان ثابت شودازسوگند دروغ احتیاط كند .

(٤) مترجم گوید تاویل آیت بمذهب شافعی آن ست كه مراد ازشهادت وصیت است وازمنكم من اقاربكم و ذكراثنین برای احتیاط و قسم دادن بجهت مدعاعلیه بودن درین دعوی كه خیانت كرده اند وتعین صلوة عصر بجهت تغلیظ یمین واختیار اثنین برای احتیاط واقامت اولیان بجهت مدعاعلیه بودن برایشان دردعوای كه بجهت حذرخود تقریر میكند چنانچه درصورت مذكوره دعوی اشتراء كرده بودندوان ارتبتم فان عثر اشارتست بتوجه دعوای كسی وبمذهب ابی حنیفه مانند آن ست مگرآنكه تعین صلوة عصر بجهت آنست كه قضات در محكمه همین وقت می نشستند پس گویا كه گفته شد درمحكمه قضا =

يَوْمَ يَجْمَعُ اللّٰهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَآ اُجِبْتُمْ ؕ قَالُوْا لَا عِلْمَ لَنَا ؕ اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ﴿١٠٩﴾

یادکن آن روز راکه جمع کندخدا پیغامبران را پس بگویدچه جواب داده شدشمارا گویند هیچ دانش نیست مارا هرآئینه توی داننده امر پنهانی[1] (١٠٩) .

اِذْ قَالَ اللّٰهُ یٰعِیْسَی ابْنَ مَرْیَمَ اذْکُرْ نِعْمَتِیْ عَلَیْكَ وَعَلٰی وَالِدَتِكَ ۘ اِذْ اَیَّدْتُّكَ بِرُوْحِ الْقُدُسِ ۣ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِی الْمَهْدِ وَكَهْلًا ۚ وَاِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِیْلَ ۚ وَاِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّیْنِ كَهَیْـَٔةِ الطَّیْرِ بِاِذْنِیْ فَتَنْفُخُ فِیْهَا فَتَكُوْنُ طَیْرًۢا بِاِذْنِیْ وَتُبْرِئُ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ بِاِذْنِیْ ۚ وَاِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتٰی بِاِذْنِیْ ۚ وَاِذْ كَفَفْتُ بَنِیْۤ اِسْرَآءِیْلَ عَنْكَ اِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَیِّنٰتِ فَقَالَ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ اِنْ هٰذَاۤ اِلَّا سِحْرٌ مُّبِیْنٌ ﴿١١٠﴾

آن وقت که گوید خدایتعالی ای عیسیٰ پسر مریم یادکن نعمت مرا برخویش و بروالدۂ خویش چون قوت دادم ترا بروح القدس (یعنی به جبریل علیه السلام) سخن می گفتی بامردمان در گهواره ودرحالت معمری وچون آموختم ترا کتاب و دانش وتورات وانجیل وچون پیدا می کردی ازگِل مانند شکل مرغ به حکم من پس دم می زدی دروی پس می شد مرغی به حکم من وبِه میکردی کورمادرزاد را وبرص داررا به حکم من وچون بیرون می آوردی مردگان را بحکم من[2] وچون بازداشتم شربنی اسرائیل را ازتو آنگاه که آوردی نزدیك ایشان معجزه هاپس گفتند کافران ازایشان نیست این مگرسحر آشکارا (١١٠) .

وَاِذْ اَوْحَیْتُ اِلَی الْحَوَارِیّٖنَ اَنْ اٰمِنُوْا بِیْ وَبِرَسُوْلِیْ ۚ قَالُوْۤا اٰمَنَّا وَاشْهَدْ بِاَنَّنَا مُسْلِمُوْنَ ﴿١١١﴾

وچون الهام فرستادم بسوی حواریان که ایمان آریدبه من و به پیغامبر من گفتند ایمان آوردیم وگواه باش یا عیسیٰ برآنکه

= والله اعلم .

(١) یعنی نخست ازسر خضوع ونیایش ایشان گویند دربرابرتوبه نسبت دانش ماراهیچ دانش نیست بعد ازآن گواهی دهند براست خویش والله اعلم .

(٢) یعنی از گور زنده برمی آوردی والله اعلم .

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّوْنَ يٰعِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيْعُ رَبُّكَ اَنْ يُّنَزِّلَ عَلَيْنَا مَآئِدَةً مِّنَ السَّمَآءِ ؕ قَالَ اتَّقُوا اللّٰهَ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿۱۱۲﴾

قَالُوْا نُرِيْدُ اَنْ نَّاْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوْبُنَا وَنَعْلَمَ اَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُوْنَ عَلَيْهَا مِنَ الشّٰهِدِيْنَ ﴿۱۱۳﴾

قَالَ عِيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللّٰهُمَّ رَبَّنَآ اَنْزِلْ عَلَيْنَا مَآئِدَةً مِّنَ السَّمَآءِ تَكُوْنُ لَنَا عِيْدًا لِّاَوَّلِنَا وَاٰخِرِنَا وَاٰيَةً مِّنْكَ ۚ وَارْزُقْنَا وَاَنْتَ خَيْرُ الرّٰزِقِيْنَ ﴿۱۱۴﴾

قَالَ اللّٰهُ اِنِّيْ مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ ۚ فَمَنْ يَّكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَاِنِّيْٓ اُعَذِّبُهٗ عَذَابًا لَّآ اُعَذِّبُهٗٓ اَحَدًا مِّنَ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۱۵﴾

وَاِذْ قَالَ اللّٰهُ يٰعِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ ءَاَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُوْنِيْ وَاُمِّيَ اِلٰهَيْنِ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ؕ قَالَ سُبْحٰنَكَ مَا يَكُوْنُ لِيْٓ اَنْ اَقُوْلَ

مامسلمانيم (١١١) .

چون گفتند حواريان اى عيسىٰ پسر مريم آيامى تواندپروردگار تو كه فروفرستد برمادسترخوانى ازآسمان گفت عيسىٰ بترسيدازخدا ا گر مومن هستيد[1] (١١٢).

گفتند مى خواهيم كه بخوريم ازآن دسترخوان وآرام گيرد دل هاى ما وبدانيم كه راست گفتى باما وباشيم برنزول آن از گواهان (١١٣) .

گفت عيسىٰ پسرمريم بارخدايا اى پروردگارما فرود آربرما دسترخوانى پُر ازطعام ازآسمان تاباشدعيدى براى ماوبراى اوائل امت ماوآخرامت ماومعجزه ازجانب تو وروزى ده مارا وتوبهترين روزى دهندگانى (١١٤) .

گفت خدا من فروداورنده ام آن رابرشما پس هركه ازشماكافر شود بعد ازين پس من تعذيب كنم اورا عذابيكه تعذيب نه كنم بآن هيچ يك راازاهل عالم[2] (١١٥).

ويادكن آن وقت كه گويدخدااى عيسىٰ پسر مريم آياتو گفتى به مردمان كه خدا گيريد مرا ومادرمرا بجز خداىتعالى[3]

---

(١) حاصل اين ست كه الهام فرستادم بسوى حواريان درآن مدت كه معجزه طلب كردند و برحسب مرادد يدند .

(٢) مترجم گويد بعد ازآن خوانى نازل شد ازآسمان بروى گوشت ونان پس خوردند و سير شدند والله اعلم .

(٣) مترجم گويد خداى تعالى روزقيامت نعمت هاى خود را بر عيسىٰ ياد دهد بعد=

مَا لَيْسَ لِيْ بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِيْ نَفْسِيْ وَلَا أَعْلَمُ مَا فِيْ نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ﴿١١٦﴾

گفت به پاکی یادمی کنم ترانه سزد مرا که بگویم آنچه لائق من نیست ا گر گفته باشم این قول پس تو آن را دانسته ای می دانی آنچه درضمیر من است ونه می دانم آنچه درضمیر تست هرآئینه تودانندهٔ امور پنهانی (١١٦) .

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِيْ بِهِ أَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ رَبِّيْ وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيْدًا مَا دُمْتُ فِيْهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِيْ كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيْبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ﴿١١٧﴾

نه گفته ام بایشان مگر آنچه فرموده بودی مرابآن که پرستید خدارا پروردگار من وپروردگار شماوبودم برایشان نگاهبان مادامی که درمیان ایشان بودم پس وقتیکه بر گرفتی مرا[1] توبودی نگاه بان برایشان وتو برهمه چیز نگاه بانی (١١٧) .

إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿١١٨﴾

ا گر عذاب کنی ایشان را پس ایشان بندگان تواند و ا گر بیامرزی ایشانرا پس توی غالب استوارکار (١١٨) .

قَالَ اللّٰهُ هٰذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصّٰدِقِيْنَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنّٰتٌ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا أَبَدًا رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوْا عَنْهُ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿١١٩﴾

گویدخدا امروز روزی است که نفع کند راست گویان را راستیٔ ایشان ایشان راباشد بوستانهامیرود زیرآن جویها جاویدان آنجا همیشه خوشنود شد خدا ازایشان وخوشنودشدند ایشان ازخدا این ست رستگاری بزرگ (١١٩) .

لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيْهِنَّ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿١٢٠﴾

خدا راست پادشاهی آسمان هاو زمین وآنچه درآن هاست واوبرهمه چیز تواناست (١٢٠) .

= ازآن سوال کند که خود را اله می گفتی یا نه بجهت تاکید و برای قطع شبهه نصاریٰ بابلغ وجوه والله اعلم فتح الرحمن .

(١) یعنی برآسمان بردی مرا .

سُورَةُ الأَنعَام

سوره انعام مكى است وآن يك صدو شصت وپنج يا شش آيت و بيست ركوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِىْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمٰتِ وَالنُّوْرَ ۬ ثُمَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُوْنَ ①

ستائش آن خداى راست كه آفريدآسمان هاوزمين راوپيداكرد تاريكى ها و روشنى بازكافران باپروردگار خويش برابرمى كنند[1] (١) .

هُوَ الَّذِىْ خَلَقَكُمْ مِّنْ طِيْنٍ ثُمَّ قَضٰۤى اَجَلًا ؕ وَاَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهٗ ثُمَّ اَنْتُمْ تَمْتَرُوْنَ ②

اوست آنكه بيافريد شمارا از گِل بازمقرركردوقت مرگ را ومدتى معين هست نزديك او[2] بازشماشك مى كنيد(٢) .

وَهُوَ اللّٰهُ فِى السَّمٰوٰتِ وَفِى الْاَرْضِ ؕ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُوْنَ ③

واوست خدا[3] درآسمان ها ودرزمين مى داند پنهان شماراو آشكارشمارا وميداند آنچه عمل مى كنيد (٣) .

وَمَا تَاْتِيْهِمْ مِّنْ اٰيَةٍ مِّنْ اٰيٰتِ رَبِّهِمْ اِلَّا كَانُوْا عَنْهَا مُعْرِضِيْنَ ④

ونمى آيد به كافران هيچ نشانه ازنشانه هاى پروردگار ايشان الاازآن رو گردان شدند (٤) .

فَقَدْ كَذَّبُوْا بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ ؕ فَسَوْفَ يَاْتِيْهِمْ اَنْۢبٰٓؤُا مَا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ⑤

پس بدرستيكه تكذيب كردند حق را (يعنى رسول را وآنچه آورده بود ازقرآن ودين حق) چون آمدايشانرا پس خواهد آمد بايشان جزاى آنچه بوى تمسخر ميكردند[4] (٥) .

اَلَمْ يَرَوْا كَمْ اَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ مَّكَّنّٰهُمْ فِى الْاَرْضِ

آيا نديده اند كه چه قدر هلاك كرده ايم

---

(١) يعنى معبودان باطل را .

(٢) يعنى براى قيام قيامت .

(٣) يعنى متصرف وفرمانروا .

(٤) يعنى باصدق آن خبردارد والله اعلم .

مَا لَمۡ نُمَكِّن لَّكُمۡ وَأَرۡسَلۡنَا ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡهِم مِّدۡرَارٗا وَجَعَلۡنَا ٱلۡأَنۡهَٰرَ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمۡ فَأَهۡلَكۡنَٰهُم بِذُنُوبِهِمۡ وَأَنشَأۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِمۡ قَرۡنًا ءَاخَرِينَ ٦

پیش ازایشان ازأمتهاکه استقرار داده بودیم ایشان را درزمین آنقدر که استقرارنداده ایم شماراوفرستاده بودیم باران برایشان پی درپی ریزنده وپیداکردیم جویها میرفت زیرایشان[1] پس هلاك کردیم ایشان را به گناهان ایشان وپیداکردیم بعدازایشان امتی دیگر یعنی مردمان دیگر (٦) .

وَلَوۡ نَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ كِتَٰبٗا فِي قِرۡطَاسٖ فَلَمَسُوهُ بِأَيۡدِيهِمۡ لَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ٧

واگر فروفرستادیم برتونوشته دروروقی پس مساس میکردند آن رابدست خود گفتندی کافران نیست این مگر سحر ظاهر[2] (٧) .

وَقَالُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ مَلَكٞۖ وَلَوۡ أَنزَلۡنَا مَلَكٗا لَّقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ ٨

و گفتند کافران چرا فرودنه آورده شدبرپیغامبر فرشته ای[3] و اگر فروفرستادیم فرشته را البته بانجام رسانیده شدی کارباز مهلت داده نه شوند[4] (٨) .

وَلَوۡ جَعَلۡنَٰهُ مَلَكٗا لَّجَعَلۡنَٰهُ رَجُلٗا وَلَلَبَسۡنَا عَلَيۡهِم مَّا يَلۡبِسُونَ ٩

وا گر میکردیم آن فرستاده را فرشته ای لازم می شدکه کنیمش مردی (یعنی به شکل مردی) وهرآئینه مشتبه میکردیم برایشان آنچه الحال اشتباه میکنند(٩) .

وَلَقَدِ ٱسۡتُهۡزِئَ بِرُسُلٖ مِّن قَبۡلِكَ فَحَاقَ

وهرآئینه تمسخرکرده شدبه پیغامبران پیش ازتو پس فرود آمد به تمسخر کنندگان

---

(١) یعنی زیر مساکن ایشان .

(٢) یعنی تعصب ایشان بمرتبه ای است که ا گر نزول کتاب را بحس ظاهر به بینند نیزانکار کنند .

(٣) یعنی بوجهی که ماآنرابحس ظاهر به بینیم والله اعلم .

(٤) یعنی ظهور ملائکه باین وجه مستلزم هلاك ایشان است درحکمت الهی والله اعلم.

بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ⑩

ازایشان جزای آنچه بآن تمسخر می کردند[١] (١٠) .

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ⑪

بگوسیرکنید درزمین بازنظر کنید چگونه شدآخرکار دروغ پندارندگان (١١) .

قُل لِّمَن مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُل لِّلَّهِ كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ⑫

بگو- کراست آنچه درآسمان هاوزمین است بگوخدای راست لازم کرد برخودمهربانی البته جمع کند شمارا درروزقیامت هیچ شك نیست درآن آنانکه زیان کردند درحق خویشتن پس ایمان نمی آرند (١٢) .

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ⑬

واوراست آنچه ساکن شد درشب وروز واواست شنوادانا(١٣) .

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ⑭

بگوآیادوستی گیرم بجزخدای پیدا کنندۀ آسمان هاوزمین واو رزق میدهد و رزق داده نمی شود بگوهر آئینه امرکرده شده است مراکه باشم نخستین مسلمان (یعنی ازین امت) وفرموده شد که مباش از شریك مقرر کنندگان (١٤) .

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ⑮

بگوهرآئینه من می ترسم ا گرنافرمانی پروردگار خود کنم ازعذاب روز بزرگ (١٥) .

مَّن يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ⑯

هر که عذاب بازداشته شود از وی آن روزپس مهربانی کردخدابروی واین است مطلب یابی ظاهر (١٦) .

وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن

وا گر سختی رساندخدابتوهیچ دفع کننده نیست آن رامگراو و ا گر نعمت

---

(١) یعنی جزای کلمه که بطریق سخر یه باینهامی گفتند .

يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾

رساند به تو پس اوبرهمه چیز تواناست (۱۷) .

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١٨﴾

واوست غالب بالای بندگان خود واوست دانا آ گاه (۱۸) .

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً ۖ قُلِ اللَّهُ ۖ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۚ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُم بِهِ وَمَن بَلَغَ ۚ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَىٰ ۚ قُل لَّا أَشْهَدُ ۚ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾

بگوچه چیزبرتراست درباب شهادت[۱] بگوخداست وی اظهار حق کننده است میانِ من ومیانِ شماووحی کرده شد بسوی من این قرآن تابیم کنم شمارا بآن وبیم کنم آن را نیز که قرآن باوبرسد آیاشمااثبات می کنید که باخدا هستند معبودان دیگر بگو من اثبات نمی کنم بگوجزاین نیست که او معبود یگانه است وهرآئینه من بیزارم ازآنچه شما شریك مقررمیکنید (۱۹) .

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ ۘ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾

آنانکه ایشان را کتاب داده ایم می شناسند حقیقت این قول را[۲] چنانکه می شناسند پسران خودرا آنانکه زیان کارشدند درحق خویشتن پس ایشان ایمان نمی آرند (۲۰) .

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢١﴾

وکیست ستمگارتر ازکسی که بربست برخدا دروغ را یا بدروغ نسبت کرد آیاتِ اورا هرآئینه رستگار نمی شوند

---

(۱) یعنی اظهار حق کردن والله اعلم .

(۲) یعنی کلمه توحید، همینطور تفسیر کرده است مترجم وبرای توضیح گوئیم که بسیاری ازمفسرین مراداز (یعرفونه کما یعرفون ابنائهم) که می شناسند اورا یعنی رسول خدارا که درکتابهای آنان وصف ونعت او موجوداست همین معنی را گرفته اند والله اعلم .

ستمگاران (٢١) .

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ
شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٢٢﴾

ويادكن آن روزکه حشر کنیم ایشان راهمه
يك جا باز گوئيم مشركان را كجااندآن
شريكان شما كه ايشان رابظن اثبات مى
كرديد (٢٢) .

ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا
مُشْرِكِينَ ﴿٢٣﴾

بعد ازآن نه باشد عذرايشان مگرآنكه
گويند قسم بخدا پروردگارما كه مشرك نه
بوديم (٢٣) .

انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ
مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾

بنگرچگونه دروغ گفتند برخويشتن و گم
گشت ازايشان آنچه افترامى كردند (٢٤) .

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ
يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا
بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ
هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٥﴾

وازايشان كسى هست كه گوش مى نهد
بسوى تو وپيداكرده ايم بردلهاى ايشان
پرده ها تانه فهمند آن را ودرگوشهاى
ايشان گرانى را وا گر به بينند هر معجزه
ايمان نيارند بآن تاوقتيكه بيايند پيش
تومكابره كنان باتو گويند اين كافران
نيست اين مگرقصهاى پيشينيان (٢٥) .

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ
إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾

وايشان منع ميكنند ازمتابعت او ودورمى
شوند ازمتابعت او وهلاك نمى كنندمگر
خويشتن را ونمى دانند (٢٦) .

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ
بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٧﴾

وتعجب كنى ا گر ببيني ايشان را وقتيكه
بازداشته شوند نزديك آتش پس گويند اى
كاش ماباز گردانيده شويم پس بدروغ
نسبت نه كنيم آياتِ پروردگار خويش را
وشويم از مسلمانان (٢٧) .

بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا
لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٢٨﴾

نه بلكه ظاهر شدايشان را جزاى آنچه مى
پوشيدند پيش ازين يعنى جزاى عقائد
باطله را و ا گردانيده شوند البته رجوع
كنند بسوى آنچه منع كرده مى شدند

وهرآئینه ایشان دروغگویانند (٢٨) .

وَقَالُوٓا۟ إِنْ هِىَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٢٩﴾

و گفتند نیست هیچ حیات مگر زندگانی این جهانی ماونیستیم مابرانگیختگان[1] (٢٩) .

وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ وُقِفُوا۟ عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۚ قَالَ أَلَيْسَ هَـٰذَا بِٱلْحَقِّ ۚ قَالُوا۟ بَلَىٰ وَرَبِّنَا ۚ قَالَ فَذُوقُوا۟ ٱلْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٠﴾

وتعجب کنی ا گر به بینی آنگاه که بازداشته شوند بحضور پروردگار خویش گویدخداآیااین درست نیست گویند آری درست است وقسم پروردگار ما گوید بچشیدعذاب رابسبب آنکه کافربودید (٣٠) .

قَدْ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِلِقَآءِ ٱللَّهِ ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتْهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا۟ يَـٰحَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ ۚ أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٣١﴾

به تحقیق زیان کارشدند آنانکه بدروغ نسبت کردندملاقات خداراتاآنگاه که بیایدبایشان قیامت ناگهان گویند ای پشیمانی ما برتقصیر ما درباب قیامت وایشان بردارندبارهای خویش را[2] برپشتهای خویش آگاه شوید بدچیزیست آنچه برمیدارند[3] (٣١) .

وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ ۖ وَلَلدَّارُ ٱلْـَٔاخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٣٢﴾

ونیست زندگانی دنیا مگربازی ولهو وهرآئینه سرای آخرت بهتر است متقیان را آیادرنمی یابید (٣٢) .

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُۥ لَيَحْزُنُكَ ٱلَّذِى يَقُولُونَ ۖ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَـٰكِنَّ ٱلظَّـٰلِمِينَ بِـَٔايَـٰتِ ٱللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٣٣﴾

هرآئینه میدانیم که اندوهگین میکندتراآنچه ایشان می گویندپس هرآئینه ایشان به دروغ نسبت نمی کنند ترافقط ولیکن این ستمگاران آیاتِ خدارا

---

(١) یعنی منکر حشراند والله اعلم .

(٢) یعنی گناهان خویش را .

(٣) یعنی عمل بدبشکل خیری نهایت زشتی وناخوشی شده برپشت اوبنهند .

انکارمی کنند (٣٣) .

وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا ۚ وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۚ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبَإِ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٤﴾

وهرآئینه بدروغ نسبت کرده شد پیغامبران را پیش ازتوپس صبر کردند برتکذیب خویش ورنجانیده شدن خویش تاآنکه بیامدبایشان نصرت ما ونیست هیچ تغیر دهنده وعده های خدارا وهرآئینه آمدبه تو بعض خبرپیغامبران (٣٤) .

وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ ۚ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٥﴾

وا گر گران شده باشد برتوروگرادنی ایشان پس ا گر می توانی که بجوئی سوراخی درزمین یا نردبانی درآسمان پس بیاری پیش ایشان معجزه[1] و اگرخواستی خداجمع ساختی ایشان را برهدایت پس مباش ازجاهلان (٣٥) .

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ ۘ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٣٦﴾

جزاین نیست که قبول میکنند[2] آنانکه می شنوند ومُردگان (یعنی کافران) برانگیزدایشان را خدا بازبسوی او گردانیده شوند (٣٦) .

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنْ رَّبِّهِ ۚ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٧﴾

و گفتند چرا فرودنه آورده شد برپیغامبر نشانه ای ازجانب پروردگار[3] بگوهرآئینه خداقادراست برآنکه فروفرستد آیتی و لیکن اکثر ایشان نمی دانند (٣٧) .

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ

ونیست هیچ جانوری درزمین ونه هیچ

---

(١) یعنی ازآنجا که می توانی که معجزه بیاری بیار حاصل آنست که تفویض کن امٔرخودرا برخدا والله اعلم .

(٢) یعنی دعوت اسلام را .

(٣) یعنی ازآن نشانه ها که می طلبیدند والله اعلم .

أَمْثَالُكُم مَّا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِن شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿٣٨﴾

پرنده که می پرد بدو پَر خود مگر ایشان جماعت هااند مانندشما فرو گذاشت نکرده ایم درکتاب (یعنی لوح محفوظ) هیچ چیزی رابازبسوی پروردگار خود حشر کرده خواهند شد (۳۸) .

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَن يَشَإِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٣٩﴾

وکسانیکه بدروغ نسبت کردند آیاتِ مارا کرانند و گنگانند درتاریکی ها هرکراخواهد خدا گمراه کندش وهرکرا خواهد براه راست گرداندش (۳۹) .

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٠﴾

بگوآیادیدید ا گر بیاید بشما عذاب خدا یابیاید به شما قیامت آیا بغیر خدا تضرع می کنید ا گر راست گوهستید (٤٠) .

بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَاءَ وَتَنسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ﴿٤١﴾

نه بلکه خاص بجناب اودعامی کنید پس دفع می کندآنچه دعامی کنید برای دفع آن ا گر خواهد و فراموش می کنید آن چیزرا که اوراشریك مقررکردید (٤١) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ﴿٤٢﴾

وهرآئینه فرستادیم بسوی امتان پیش ازتو[1] پس در گرفت کردیم ایشان را به تنگی معیشت و بیماری تازاری کنند (٤٢) .

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُم بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾

پس چرا زاری نکردند و قتیکه آمدبایشان عذابِ ما ولیکن سخت شددلهای ایشان وزینت داد درنظرایشان شیطان آنچه می کردند (٤٣) .

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ

پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدایشان را بآن کشاده ساختیم برایشان

---

(۱) یعنی پیغامبران .

حَتّٰٓى إِذَا فَرِحُوا بِمَآ أُوتُوٓا أَخَذْنٰهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ ﴿٤٤﴾

درهای همه چیز[1] تاآن هنگام که شادمان گشتند بآنچه داده شد ایشان را درگرفت کردیم ایشان را ناگهان پس شدند ناامید (٤٤) .

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا ۚ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ ﴿٤٥﴾

پس بریده شد بیخ گروه ستمگاران وسپاس خدای راست پروردگار عالمها (٤٥) .

قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللّٰهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصٰرَكُمْ وَخَتَمَ عَلٰى قُلُوبِكُم مَّنْ إِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَأْتِيكُم بِهِ ۗ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْأٰيٰتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ ﴿٤٦﴾

بگوآیادیدید اگرباز گیردخدا شنوائی شمارا و چشم های شمارا ومُهر زندبردل های شما کیست خداغیر الله تعالی که آنرا بیارد به شما به بین چگونه گونا گون بیان می کنیم آیت هارا بازایشان رو گردان می شوند (٤٦) .

قُلْ أَرَءَيْتَكُمْ إِنْ أَتٰىكُمْ عَذَابُ اللّٰهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظّٰلِمُونَ ﴿٤٧﴾

بگوآیا دیدید اگربیایدبه شما عذابِ خدا ناگهان یا آشکارا آیا هلاك کرده شوند[2] مگر قوم ستمگاران (٤٧) .

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۖ فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٤٨﴾

ونمی فرستیم پیغامبران را مگر بشارت دهنده وبیم دهنده پس هرکه ایمان آورد و نیکوکاری کردپس هیچ ترس نبود برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (٤٨) .

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِأٰيٰتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٤٩﴾

وکسانیکه به دروغ نسبت کرده اند آیاتِ مارا برسدبایشان عذاب بسبب فاسق بودن ایشان (٤٩) .

قُل لَّآ أَقُولُ لَكُمْ عِندِى خَزَآئِنُ اللّٰهِ وَلَآ أَعْلَمُ الْغَيْبَ

بگونمی گویم بشما که نزدیك من است خزانه های خدا ونه می گویم که میدانم

---

(١) یعنی باستدراج نعمتهای فراوان دادیم والله اعلم .

(٢) یعنی هلاك کرده نشوند .

وَلَآ أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٠﴾

غیب راونه می گویم بشما که من فرشته ام پیروی نمی کنم مگر چیزی راکه وحی کرده شد بسوی من بگوآیابرابرمیشود نابینا وبینا آیاتأمل نمی کنید (٥٠) .

وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوٓا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٥١﴾

و بترسان بقرآن یعنی پند ده بقرآن کسانی را که می ترسندازآنکه حشرکرده شوند بسوی پروردگار خویش نباشد ایشانرا بجز خدا هیچ دوستی ونه سفارش کننده تاپرهیزگاری کنند (٥١) .

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَوٰةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُۥ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّٰلِمِينَ ﴿٥٢﴾

[1] ودورمکن کسانی را که مناجات می کنند به پروردگار خویش بامداد وشام می طلبند رضای اورا نیست برتو ازحسابِ ایشان چیزی ونیست ازحسابِ تو برایشان چیزی تابرانی ایشان را که آنگاه باشی ازستمگاران (٥٢) .

وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوٓا أَهَٰٓؤُلَآءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنۢ بَيْنِنَآ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّٰكِرِينَ ﴿٥٣﴾

وهمچنین امتحان کردیم بعض مردمان را به بعض تا گویند آیااین جماعت انعام کرده است خدا بریشان ازمیان ما خدایتعالی فرمودآیا نیست خدا داناتر بشکر کنند گان (٥٣) .

وَإِذَا جَآءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِـَٔايَٰتِنَا فَقُلْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُۥ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوٓءًۢا بِجَهَٰلَةٍ

وچون بیایند پیش توکسانیکه ایمان آورده اند بآیتهای ما پس بگو سلام علیکم لازم کرده است پروردگار شمابرخود مهربانی را (لازم کرده است) که هرکه بکند ازشماکار بد به نادانی

---

(١) رؤسائ کفار بآن حضرت گفتند که مارا عارست که با فقرای مسلمین صحبت داریم ایشانرا ازمجلس خود یکسوکن تاباتوبنشینیم خدای تعالی آیت فرستاد .

ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥٤﴾

بازتوبه کرد بعد ازآن ونیکوکاری نمود پس خدا آمرزنده مهربان است (٥٤) .

وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٥٥﴾

وهمچنین تفصیل می کنیم نشانه هارا وتاظاهر شود راه ستمگاران[1] (٥٥) .

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۚ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ ۙ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾

بگوهر آئینه منع کرده شدمراکه عبادت کنم آن کسانی را که شما می پرستید بجزخدا بگوپیروی نمی کنم آرزوهای شمارا گمراه شده باشم آنگاه ونه باشم ازراه یافتگان (٥٦) .

قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ ۚ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ ۚ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ ۖ يَقُصُّ الْحَقَّ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ﴿٥٧﴾

بگوهرآئینه من برحجتم ازپروردگار خود وبدروغ داشتید آن دلیل را نیست نزدیك من آنچه شمابزودی می طلبید آن را[2] نیست حکم مگرخدارا بیان می کنددین درست راو اوبهترین فیصله کنند گان است (٥٧) .

قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ﴿٥٨﴾

بگو ا گربودی نزدیك من آنچه بزودی می طلبیدش هرآئینه بانجام رسانیده شدی کارمیانِ من و میانِ شماوخدا داناتراست به ستمگاران (٥٨) .

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ۚ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۚ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٥٩﴾

ونزداوست کلید های غیب[3] نمی داندش مگراو ومیداندآنچه دربیابان ودریاست ونمی افتد هیچ برگی الّا می داندش ونمی افتد هیچ دانه درتاریکی های زمین ونه هیچ تری ونه خشکی

---

(١) ظاهر نزدیك مترجم آن ست که این واوْ زائد است مثل واوْوفتحت ابوابها .
(٢) یعنی عقوبت دراختیار من نیست .
(٣) یعنی انواع علم غیب .

الاثبت است درکتاب روشن (۵۹) .

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ۖ ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾

واوست آنکه قبض روح شمامی کندبه شب[۱] ومی داند آنچه کسب کردید بروزبازبرمی انگیزدشمارا در روزتابانجام رسانیده شود میعاد معین بازبسوی اوباز گشت شمااست بازخبر دهدشمارا بآنچه می کردید (٦۰) .

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۖ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ﴿٦١﴾

واوست غالب بالای بندگان خود و می فرستد برشما ملائکه نگاهبان تاوقتیکه بیاید به کسی ازشمامرگ قبض روح اوکنند فرستادگان ماوایشان تقصیرنمی کنند (٦۱) .

ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ ۚ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ﴿٦٢﴾

باز گردانیده شوند مُردگان بسوی الله خداوندایشان که حق است مر او راست حکم و اوشتاب ترین حساب کنندگان ست (٦۲) .

قُلْ مَن يُنَجِّيكُم مِّن ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنجَانَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٣﴾

بگوکیست که می رهاند شمارااز تاریکی های بیابان ودریا[۲] مناجات می کنید بجناب اوبزاری ونیازپنهانی می گوئید ا گر رهای دهدمارا ازین محنت هر آئینه باشیم ازشکر کنندگان (٦۳) .

قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُم مِّنْهَا وَمِن كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٦٤﴾

بگوخدامی رهاند شمارا ازآن محنت وازهر اندوهی بازشما شریك مقررمی کنید (٦٤) .

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِكُمْ

بگواوست توانابرآنکه فرستدبرشما عذابی

---

(۱) یعنی وقت نوم .

(۲) یعنی ازمصیبت های بیابان ودریا .

أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾

ازبالای شما[1] یااززیرپاهای شما[2] وجمع کند شمارا گروه گروه وبچشاند بعض شمارا جنگ بعض[3] بنگرچگونه گوناگون بیان می کنیم آیت هارا تابفهمند (٦٥) .

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿٦٦﴾

وبه دروغ نسبت کردند قرآن راقوم تووآن راست است بگونیستم برشما نگاهبان (٦٦) .

لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾

هرخبرراميعاديست وخواهيد دانست (٦٧) .

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٦٨﴾

وچون به بینی آنان را که بحث شروع کنند درآیت های ما پس روبگردان ازایشان تاوقتیکه بحث شروع کنند درسخنی غیروی و اگر فراموش گرداند ترا شیطان پس منشین بعد یاد آوردن با گروه ستمگاران (٦٨) .

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَٰكِنْ ذِكْرَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٦٩﴾

ونیست برکسانیکه پرهیزگاری کردند ازحساب کافران چیزی ولیکن برایشان لازم است پنددادن تاشود که پرهیزگاری کنند (٦٩) .

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ

و بگذارکسانی را که دین خود گرفتند بازی ولهو وفریفت ایشان را زندگانی دنیا و پندده بقرآن برای احتیاط ازآنکه بمهلکه گذاشته شود نفسی را بسبب آنچه

---

(١) یعنی چنانکه سنگ بر قوم لوط بارید .
(٢) یعنی چنانکه قارون بزمین رفت .
(٣) یعنی افواج متعدده پیداشود وبایکدیگر جنگ کنند .

لَا يُؤْخَذْ مِنْهَا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾

کرده است نیست اورابجز خدا هیچ دوست ونه شفاعت کننده و ا گر عوض خود دهد هرفدای که تواند گرفته نه شود از وی آن جماعت آنانند که بمهلکه گذاشته شدند به وبال آنچه کردند ایشان راست آشامیدنی ازآب جوشانیده وایشان راست عذاب درد دهنده بسبب آنکه کافربودند (۷۰) .

قُلْ أَنَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَىٰنَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَٰطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَٰبٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَٰلَمِينَ ﴿٧١﴾

بگوآیامناجات کنیم بجز خداکسی را که نفع نه دهدمارا و زیان نه رساند مارا وباز گردانیده شویم برپاشنهای خود بعدازآنکه راه راست نموده است مارا خدامانند کسی که گمراه کرده باشند اوراپریان درزمین حیران مانده مر اورایارانند که می خوانندش بسوی راه راست که بیابسوی مابگوهرآئینه هدایت خداهمان است هدایت حقیقی وفرموده شده است ماراکه منقاد شویم پروردگار عالمهارا (۷۱) .

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٢﴾

وفرموده شدکه برپادارید نمازرا وبترسید ازخداواوست آنکه بسوی اوحشر کرده خواهید شد (۷۲) .

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ عَٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَٰدَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿٧٣﴾

واوست آنکه بیافرید آسمانها و زمین بتدبیر محکم وروزیکه بفرماید[۱] که بشو پس می شود سخن اودرست است و مراوراست پادشاهی روزیکه دمیده شوددرصور

(۱) یعنی چیزی را .

دانندۀ پنهان وآشکاراست واوست استوارکار آگاه (٧٣) .

وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ ءَازَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا ءَالِهَةً ۖ إِنِّىٓ أَرَىٰكَ وَقَوْمَكَ فِى ضَلَـٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٧٤﴾

ویادکن چون‌گفت ابراهیم پدرخود آزر را آیامیگیری بتان را معبودان هرآئینه من می بینم ترا وقوم ترادرگمراهی ظاهر (٧٤) .

وَكَذَٰلِكَ نُرِىٓ إِبْرَٰهِيمَ مَلَكُوتَ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ ٱلْمُوقِنِينَ ﴿٧٥﴾

وهمچنین می نمودیم ابراهیم را ملك آسمان ها وزمین تااو ازیقین کنندگان باشد[1] (٧٥) .

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ ٱلَّيْلُ رَءَا كَوْكَبًا ۖ قَالَ هَـٰذَا رَبِّى ۖ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَآ أُحِبُّ ٱلْـَٔافِلِينَ ﴿٧٦﴾

پس چون تاریك شد بروی شب دیدستاره ای‌گفت این است پروردگار من پس وقتیکه فرورفت‌گفت دوست ندارم فروروندگان را (٧٦) .

فَلَمَّا رَءَا ٱلْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَـٰذَا رَبِّى ۖ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِى رَبِّى لَأَكُونَنَّ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٧٧﴾

پس چون دیدماه را طلوع کرده‌گفت این است پروردگار من پس وقتیکه فرورفت گفت اگر هدایت نکندمرا پروردگار من البته شوم ازگروه‌گمراهان (٧٧) .

فَلَمَّا رَءَا ٱلشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَـٰذَا رَبِّى هَـٰذَآ أَكْبَرُ ۖ فَلَمَّآ أَفَلَتْ قَالَ يَـٰقَوْمِ إِنِّى بَرِىٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٧٨﴾

پس وقتیکه دیدخورشید را طلوع کرده گفت این ست پروردگار من این بزرگتر ست پس چون فرورفت گفت ای قوم هرآئینه من بیزارم ازآنچه شریك مقرر میکنید (٧٨) .

إِنِّى وَجَّهْتُ وَجْهِىَ لِلَّذِى فَطَرَ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ حَنِيفًا ۖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿٧٩﴾

هرآئینه متوجه ساختم روی خودرا بسوی کسیکه بیافرید آسمانهاوزمین را درحالتیکه حنیفم ونیستم ازمشرکان (٧٩) .

---

(١) یعنی چنانکه بروی ظاهر کردیم که بتان لائق عبادت نیستند نیزظاهر ساختیم که ستاره وهرچه درآسمانها است وزمین لائق عبادت نیست و واو در ولیکون زائده است والله اعلم .

وَحَآجَّهُۥ قَوْمُهُۥ ۚ قَالَ أَتُحَٰٓجُّوٓنِّى فِى ٱللَّهِ وَقَدْ هَدَىٰنِ ۚ وَلَآ أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَشَآءَ رَبِّى شَيْـًٔا ۗ وَسِعَ رَبِّى كُلَّ شَىْءٍ عِلْمًا ۗ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٨٠﴾

وجدال كردند بااوقوم او گفت آياجدال می كنيد بامن درباره خدا وتحقيق هدايت كرده است مراونمی ترسم ازآنچه شما شريك مقررمی كنيد باخدا وليكن می ترسم ازآنكه خدااراده كند چيزی[1] واحاطه كرده است پروردگار من بهمه چيزازجهت دانش آياپندنمی گيريد (٨٠).

وَكَيْفَ أَخَافُ مَآ أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِٱللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِۦ عَلَيْكُمْ سُلْطَٰنًا ۚ فَأَىُّ ٱلْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِٱلْأَمْنِ ۖ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨١﴾

وچگونه ترسم ازكسی كه اوراشريك مقررمی كنيد وشمانمی ترسيد ازآنكه شريكِ خدا مقرركرديد چيزی را كه فرونه فرستاده است برشمادليلی برای آن پس كدام يك ازين دو گروه سزاوار تراست بامن بگوئيد ا گر می دانيد (٨١).

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَلَمْ يَلْبِسُوٓا۟ إِيمَٰنَهُم بِظُلْمٍ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلْأَمْنُ وَهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٨٢﴾

خدای تعالی فرمودكسانيكه ايمان آوردند ونيا ميختند ايمان خودرا به شرك آن جماعت ايشان راست ايمنی وايشانند راه يافتگان (٨٢) .

وَتِلْكَ حُجَّتُنَآ ءَاتَيْنَٰهَآ إِبْرَٰهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِۦ ۚ نَرْفَعُ دَرَجَٰتٍ مَّن نَّشَآءُ ۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٨٣﴾

واين است حجت مادادیمش ابراهيم را برقوم او وبلند می كنيم درمراتب هركرا می خواهيم هرآئينه پروردگار تواستواركار داناست (٨٣) .

وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ ۚ كُلًّا هَدَيْنَا ۚ وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ ۖ وَمِن ذُرِّيَّتِهِۦ دَاوُۥدَ وَسُلَيْمَٰنَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٨٤﴾

وعطاكرديم ابراهيم را اسحاق و يعقوب هريكی را ازايشان هدايت كرديم ونوح را هدايت كرديم پيش ازين وازاولاد ابراهيم راه نموديم داؤد و سليمان وايوب

(١) يعنی ازانواع محنت .

ویوسف وموسیٰ و هارون را وهم چنین جزامی دهیم نیکوکاران را (٨٤) .

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ ۖ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٥﴾

وهدایت کردیم زکریا و یحیٰ و عیسیٰ والیاس را همه آنان ازصالحان بودند (٨٥) .

وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا ۚ وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٨٦﴾

وهدایت کردیم اسمٰعیل والیسع ویونس و لوط را وهریك را فضل دادیم براهل زمان (٨٦) .

وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ ۖ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٨٧﴾

وهدایت کردیم بعض رااازپدران ایشان واولاد ایشان وبرادران ایشان وبرگزیدیم ایشان را ودلالت کردیم ایشان را بسوی راه راست (٨٧) .

ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۚ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٨﴾

این است هدایت خدا دلالت می کند بدان هرکراخواهد ازبندگان خویش و ا گر شریك مقرر میکردند نابودشدی ازایشان آنچه کرده بودند (٨٨) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ۚ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾

این جماعت آنانند که دادیم ایشان را کتاب وحکمت وپیغامبری پس ا گر کافر شوند بآیاتِ قرآن این کافران پس مامقررساختیم برای ایمان بآنها گروهی را که هرگز کافرنه شوند[1] (٨٩) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ ۖ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ ۗ قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْعَالَمِينَ ﴿٩٠﴾

این جماعت انبیاءکسانی اند که هدایت کردایشان را خداپس به روش ایشان اقتداکن بگوسوال نمی کنم ازشما هیچ مزدبرتبلیغ قرآن نیست این مگر پندعالمهارا[2] (٩٠) .

(١) یعنی مهاجرین وانصار و سائر اخیار والله اعلم .

(٢) یعنی چنانکه انبیاء صبر کردند برایذاء کفار تو نیزصبر کن والله اعلم .

وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖٓ اِذْ قَالُوْا مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ عَلٰى بَشَرٍ مِّنْ شَيْءٍ ؕ قُلْ مَنْ اَنْزَلَ الْكِتٰبَ الَّذِيْ جَآءَ بِهٖ مُوْسٰى نُوْرًا وَّ هُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُوْنَهٗ قَرَاطِيْسَ تُبْدُوْنَهَا وَتُخْفُوْنَ كَثِيْرًا ۚ وَعُلِّمْتُمْ مَّا لَمْ تَعْلَمُوْٓا اَنْتُمْ وَلَآ اٰبَآؤُكُمْ ؕ قُلِ اللّٰهُ ۙ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِيْ خَوْضِهِمْ يَلْعَبُوْنَ ﴿٩١﴾

وصفت نکردند یهودخداراحق صفت او چون گفتند فرو نه فرستاده است خدا برهیچ آدمی چیزی بگوکه فروفرستاد کتابی که آورده است اورا موسیٰ روشنی و هدایت مردمان رامی گردانید اورا دوقسم ورقهاآشکارا می کنید آن را وپنهان می کنید بسیاری راوآموخته شدید (یعنی درقرآن) آنچه نمی دانستید شما ونه پدران شمامی دانستند[1] بگوخدا فرودآوردباز بگذار ایشان را دربحث ایشان درحالتیکه بازی میکنند[2] (۹۱) .

وَهٰذَا كِتٰبٌ اَنْزَلْنٰهُ مُبٰرَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِيْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرٰى وَمَنْ حَوْلَهَا ؕ وَالَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ يُؤْمِنُوْنَ بِهٖ وَهُمْ عَلٰى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُوْنَ ﴿٩٢﴾

واین قرآن کتابیست که فرستادیم او را برکت باور دارنده آنچه پیش ازوی بود وتابیم کنی اهل مکه را وکسانی را که گردمکه ساکن اند ومعتقدان آخرت البته ایمان می آرند بقرآن وایشان برنمازخود محافظت می کنند[3] (۹۲) .

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ قَالَ اُوْحِيَ اِلَيَّ

وکیست ستمگار تراز کسی که بربست برخدا دروغی[4] یا گفت وحی فرستاده

---

(۱) یعنی کتمانِ آیات تورات راقرآن اظهار کرد و الّاسابق بیقین نمی دانستند .

(۲) حاصل آنست که ا گر یهود گویند که خدای تعالی بهیچ بشر وحی نمیفرستد نقض کرده میشود بتورات و ا گر گویند میفرستد استبعاد فرستادن قرآن مجرد تعصب است پس إذقالوابجای إن قالو ا گفته شد .

(۳) مترجم گوید انذاراولاً عرب را کرده شدکه زبان عربی می فهمند ثانیًا جمیع اهل ارض را بواسطه ترجمه پس این جا انذارِ اول مراد است مانند آیت "هوالذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته الآ یة" ودرآیت "ومارسلناك الارحمة للعلمین" از اولیٰ وثانوی والله اعلم .

(٤) یعنی اعتقاد کردمثلاً که بحائر وسوائب از امرالهی است واتفاق سلف دلیل =

وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٩٣﴾

شده است به من وبحقیقت نفرستاده شده است بسوی اوچیزی وازکسی که گفت فرودخواهم آوردمانند آنچه فرودآورده خدا[1] وتعجب کنی چون بنگری وقتیکه ظالمان درشدائد مرگ باشند وفرشتگان دست های خود را درازمی کنند[2] می گویند بیرون آرید روحهای خودرا امروز جزاداده خواهید شدعذاب رسواکننده به سبب آنکه می گفتید برخداناحق وبسبب آنکه ازتصدیق آیات اوسرکشی می کردید . (۹۳)

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُم مَّا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَد تَّقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنكُم مَّا كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٩٤﴾

و گوئیم هرآئینه آمدید پیش ما تنهاچنانکه آفریده بودیم شمارا اول بار وبگذاشتیدآنچه عطاکرده بودیم شمارا پس پشت خویش ونمی بینیم باشما شفاعت کنندگان شمارا آنکه گمان می کردید که ایشان درتربیت شما شریکان خدااند هرآئینه بریده شدپیوندمیانِ شماوگم شدازشما آنچه گمان می کردید (۹٤) .

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ﴿٩٥﴾

هرآئینه خداشگافنده دانه وخسته است بیرون می آردزنده را ازمرده وبیرون آرندهٔ مرده است اززنده این ست خدا پس ازکجابر گردانیده می شوید (۹۵) .

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا

شگافنده صبح است و گردانید شب را

= برآن ست والله اعلم .

(۱) یعنی انشای کتابی مثل قرآن خواهم کردوانشارا بطریق مشاکلت انزال گفته شد.

(۲) یعنی میزنند والله اعلم .

ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٩٦﴾

آرامگاه و گردانید خورشید وماه رامعیار حساب این ست تقدیر خدا غالب دانا (۹٦) .

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمٰتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٩٧﴾

واوست آنکه بیافرید برای شما ستاره ها تا راه بیابید به سبب آنها درتاریکی های بیابان ودریا هرآئینه به تفصیل بیان کردیم نشانه هارا برای گروهی که می دانند (۹۷) .

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيٰتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿٩٨﴾

واوست آنکه پیدا کردشمارا ازیك شخص پس شماراقرار گاهی است وودیعت جائی هرآئینه به تفصیل بیان کردیم نشانه هارا برای گروهی که می فهمند (۹۸) .

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنّٰتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انْظُرُوا إِلَىٰ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذٰلِكُمْ لَآيٰتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾

واوست آنکه فروداورد ازآسمان آبی پس بیرون آوردیم بسبب آن آب گیاه هرچیزراسپس بیرون آوردیم ازآن گیاه سبزه راکه بیرون می آریم ازآن سبزه دانها یکی بردیگری پیوسته وازشکوفه های درخت خرما خوشه های آویزان نزدیك بهم ودردسترس است وبیرون آوردیم بوستانهاازدرختان انگور وبیرون آوردیم زیتون وانار مانند یکدیگر وغیرمانند یکدیگر[1] بنگرید بسوی میوهٔ درخت چون میوه آردوبسوی پختگی اوهرآئینه دراین نشانه هاست گروهی راکه ایمان دارند (۹۹) .

---

(۱) یعنی درصورت درخت وثمرمانند یکدیگر است و درطعم مخالف یك پاره شیرین ویکپاره ترش یاتلخ والله اعلم .

وَجَعَلُوا لِلّٰهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٠٠﴾

ومقرر کردند کافران برای خدا شریکان را که ازقسم جن اند حال آنکه خداآفریده است ایشان را وبه افتراثابت کردند اورافرزندان و دختران بغیر دانش پاکیست اوراوبلند است ازآنچه بیان میکنند (۱۰۰) .

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُ صَاحِبَةٌ ۖ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٠١﴾

اوآفرینندهٔ آسمانها وزمین است چگونه باشد اورا فرزندی وحال آنکه نبود او را زن وبیافرید هر چیزرا واوبهر چیز داناست (۱۰۱) .

ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ ۖ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٠٢﴾

این است خدا پروردگار شما نیست هیچ معبود برحق مگراو آفریننده هرچیزاست پس پرستش کنید اوراواو برهرچیز کارسازاست (۱۰۲) .

لَّا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ ۖ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٠٣﴾

درنمی یابنداورا چشم ها(یعنی دردنیا) واودرمی یابدچشم هارا واوست مهربان آ گاه (۱۰۳) .

قَدْ جَاءَكُم بَصَائِرُ مِن رَّبِّكُمْ ۖ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا ۚ وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ ﴿١٠٤﴾

هرآئینه آمدند بشمادلیل هاازجانب پروردگار شما پس هرکه بیناشد نفع اوراست وآن که نابیناماند پس زیان برویست بگو (یا محمد) ونیستم برشمانگاهبان (۱۰٤) .

وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١٠٥﴾

وهمچنین گوناگون بیان می کنیم نشانه ها را وتاآنکه گویند که خواندای وتابیان کنیم این دین را برای گروهی که می دانند[1] (۱۰۵) .

---

(۱) مترجم گوید احتمال بود که کفار گویند کتابهای سابقه را خواندهٔ وآنچه میگوی ماخوذ ازکتب سابقه است نه وحی الهی است پس خدای تعالی قرآن را بوجهی نازل ساخت وبوجهی گونا گون بیان کردکه محال این شبهه نماندزیرا که این =

اِتَّبِعْ مَآ أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٦﴾

(یامحمد) پیروی کن چیزی را که وحی کرده شد بسوی توازجانب پروردگار تـوهیـچ معبـود بـرحـق نیسـت مگـراو واعراض کن از مشرکان (١٠٦).

وَلَوْ شَآءَ اللَّهُ مَآ أَشْرَكُوا ۗ وَمَا جَعَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ ﴿١٠٧﴾

و اگر خواستی خدا شریك مقرر نمی کردند ونگردانیدیم ترا برایشان نگاهبان ونیستی تو برایشان متعهد (١٠٧) .

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًۢا بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٠٨﴾

وای مسلمانان دشنام مدهید کسانی را که مشرکان می پرستند بجز خدا زیراکه ایشان دشنام خواهند داد خدا را ازروی ظلم بغیر دانش همچنین آراسته کردیم درنظر هرگروهی کردار آنگروه باز بسوی پروردگار ایشان باشد رجوع ایشان پس خبردهد ایشان را بعاقبت حال آنچه می کردند (١٠٨) .

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَٰنِهِمْ لَئِن جَآءَتْهُمْ ءَايَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا ۚ قُلْ إِنَّمَا الْأَيَٰتُ عِندَ اللَّهِ ۖ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَآ إِذَا جَآءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٩﴾

وسوگند خوردند کافران به سخت ترین سوگندان خویش که اگر بیاید بدیشان معجزه البته ایمان آرند بآن بگوجزاین نیست که معجزه ها نزدیك خداست وچه مطلع ساخته است شمارا ای مسلمانان آیـا نمیـدانیـد کـه آن معجـزهـا چـون بیایدایشان ایمان نیارند (١٠٩) .

وَنُقَلِّبُ أَفْـِٔدَتَهُمْ وَأَبْصَٰرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِۦٓ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِى طُغْيَٰنِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١٠﴾

وصرف کنیم دلهای ایشان را وچشمهای ایشان را چنانکه ایمان نیاوردند بقرآن اول بار وبگذاریم ایشان را درگمراهی خود سرگردانگشته (١١٠) .

= قسم بیان ازخواندن کتب سابقه نمی آید بدون وحی الهی والله اعلم .

وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَّا كَانُوا لِيُؤْمِنُوٓا إِلَّآ أَن يَشَآءَ اللَّهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ﴿١١١﴾

و اگر مامی فرستادیم بسوی ایشان فرشتگان را و سخن می گفتند بایشان مُردگان وجمع میکردیم برایشان همه چیز گروه گروه هرگزایمان نمی آوردند مگر وقتیکه خواستی خدا ولیکن بسیاری ازایشان نادانی می کنند (۱۱۱) .

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَٰطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١١٢﴾

وهمچنین پیداکردیم برای هر پیغامبری دشمن ازشیطانهای انس وجن بطریق وسوسه القاء می کنند بعض ایشان بسوی بعضی سخن ظاهر آراسته تافریب دهند و اگر خواستی پروردگار تونمی کردند این کاررا پس بگذارایشان را بافترای ایشان (۱۱۲) .

وَلِتَصْغَىٰٓ إِلَيْهِ أَفْـِٔدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْءَاخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُم مُّقْتَرِفُونَ ﴿١١٣﴾

والقاء می کنند سخن بظاهر آراسته تامیل کنند بسوی اودل های کسانیکه ایمان ندارند بآخرت وتاپسند کنند اورا وتاعمل کنند آنچه ایشان کنندهٔ آنند (۱۱۳) .

أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِيٓ أَنزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَٰبَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ الْكِتَٰبَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١١٤﴾

بگو آیاطلب کنم فیصله کننده بجز خداواوست آنکه فروفرستاد بسوی شما قرآن واضح کرده شده وکسانیکه داده ایم ایشان را کتاب یعنی تورات می دانند که قرآن فروفرستاده شده است از جانب پروردگار تو براستی پس مباش ازشك کنندگان[1] (۱۱٤) .

---

(۱) یعنی یهودی دانند که نزول وحی میشود و آدمی را خدای تعالی پیغمبر می سازد و درحضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم ودرقرآن دلائل صدق موجود هست مترجم گوید درسورتهای مکیه مذکورشده است که یهود تصدیق میکنند =

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَّعَدْلًا ۚ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِهٖ ۚ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿۱۱۵﴾

وتمام است سخن پرور دگار تودرراستی وانصاف هیچکس تغیر کننده نیست سخن های اورا واوست شنوادانا (۱۱۵).

وَاِنْ تُطِعْ اَكْثَرَ مَنْ فِي الْاَرْضِ يُضِلُّوْكَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۚ اِنْ يَّتَّبِعُوْنَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنْ هُمْ اِلَّا يَخْرُصُوْنَ ﴿۱۱۶﴾

و ا گر فرمانبرداری کنی بساکسانی را که در زمین اند گمراه کنند ترا ازراه خداپیروی نمی کنند مگر گمان را ونیستند مگردروغگو[1] (۱۱۶) .

اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ مَنْ يَّضِلُّ عَنْ سَبِيْلِهٖ ۚ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِيْنَ ﴿۱۱۷﴾

هرآئینه پروردگار داناتراست بکسی که دورمی شود ازراه وی واوداناتراست براه یافتگان (۱۱۷) .

فَكُلُوْا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللّٰهِ عَلَيْهِ اِنْ كُنْتُمْ بِاٰيٰتِهٖ مُؤْمِنِيْنَ ﴿۱۱۸﴾

پس بخورید ازآنچه ذکرکرده شدنام خدا بروی (یعنی هنگام ذبح وی) ا گر مومن هستید بآیاتِ خدا (۱۱۸) .

وَمَا لَكُمْ اَلَّا تَاْكُلُوْا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ اِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ اِلَيْهِ ۗ وَاِنَّ كَثِيْرًا لَّيُضِلُّوْنَ بِاَهْوَآئِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِيْنَ ﴿۱۱۹﴾

وچیست شمارا که نمی خوریدازآنچه ذکرکرده شده است نام خدابروی وحال آنکه به تفصیل بیان کرده است برای شماآنچه برشماحرام ساخته است الّاآنچه مضطرباشید بسوی او[2] وهرآئینه بسیاری گمراه می کنند بخواهش نفس

= قرآن را ودرسورتهای مدنیه مذکور است که یهود تکذیب میکنندآنراووجه تطبیق آن ست که چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم درمکه بود هنوز دعوت یهودنکرده بودهمه بصدق قرآن معترف بودند که حکم آن برعرب لازم است وهیچکس ازایشان انکارنکرده وچون هجرت فرمود ایشانرا دعوت کرد بعناد درآمدند درسیرت ابن اسحاق چند قصه باین مضمون مذکوراست والله اعلم.

(۱) یعنی آنچه کافران درباب تحریم وتحلیل اشیا شبهات میکردند باطل است والله اعلم.

(۲) مترجم گوید یعنی میته حرام است الاوقت ضرورت تناول آن رخصت است والله اعلم .

خویش بغیر دانش هرآئینه پروردگارتو داناتراست به ستمگاران (۱۱۹) .

وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ ﴿١٢٠﴾

وترك كنيد آشكارا گناه را وپنهان اورا هرآئینه کسانیکه گناه می کنندجزاداده خواهند شد بحسب آنچه میکردند (۱۲۰) .

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ ۗ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ ۖ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿١٢١﴾

ومخورید ازآنچه یاد کرده نه شد نام خدا بروی وهرآئینه خوردنش گناه است وهرآئینه شیاطین وسوسه القاء می کنند بسوی دوستان خویش تاخصومت کنند باشما وا گر فرمانبرداری ایشان کنید هر آئینه شما مشرك باشید[1] (۱۲۱) .

أَوَمَن كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا ۚ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٢﴾

آیاکسی که مرده بود پس زنده ساختیمش[2] وپیداکردیم برای اونوری که میرودباوی میان مردمان مانند کسی باشد که صفتش این ست که درتاریکی ها است نیست بیرون آینده ازآن همچنین آراسته کرده شده است درنظر کافران آنچه می کردند[3] (۱۲۲) .

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا ۖ وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢٣﴾

وهمچنین پیداکردیم درهردهی رئیسان فساق آن ده تافساد کنند درآن ده وبحقیقت ضررنمی کنند مگردرحق خویشتن ونمی دانند(۱۲۳) .

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَن نُّؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ

وچون بیاید بایشان نشانه ای گویند هرگز

---

(۱) مترجم گوید مراد ازین وسوسه آنست که اهل جاهلیت می گفتند چراکشته خودرا بخوریم وکشته خدارا نخوریم والله اعلم .

(۲) یعنی کافر بود هدایت کردیمش .

(۳) چنانکه رؤساء کفارمکه درنصرت کفرسعی می کردند والله اعلم .

مَآ أُوْتِيَ رُسُلُ اللّٰهِ ؔ اَللّٰهُ اَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهٗ ؕ سَيُصِيْبُ الَّذِيْنَ اَجْرَمُوْا صَغَارٌ عِنْدَ اللّٰهِ وَعَذَابٌ شَدِيْدٌۢ بِمَا كَانُوْا يَمْكُرُوْنَ ﴿١٢٤﴾

ایمان نیاریم تاوقتیکه داده شودمارا مانندآنچه داده شده است پیغامبران خدارا[1] خدادانا تراست بمحل نهادن پیغامبری خود خواهد رسید این گناهگاران را رسوائی نزدیك خدا وعذابی سخت بسبب آنکه بدمی اندیشیدند (١٢٤) .

فَمَنْ يُّرِدِ اللّٰهُ اَنْ يَّهْدِيَهٗ يَشْرَحْ صَدْرَهٗ لِلْاِسْلَامِ ۚ وَمَنْ يُّرِدْ اَنْ يُّضِلَّهٗ يَجْعَلْ صَدْرَهٗ ضَيِّقًا حَرَجًا كَاَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَآءِ ؕ كَذٰلِكَ يَجْعَلُ اللّٰهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿١٢٥﴾

پس هرکه خداخواهد که هدایت کندش کشاده کندسینه اورابرای اسلام[2] وهرکراخواهد که گمراه کندش تنگ کندسینه اورا درنهایت تنگی گویا بالامیرود درآسمان همچنین می اندازد خدا ناپاکی را بر کسانیکه ایمان نمی آرند[3] (١٢٥) .

وَهٰذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيْمًا ؕ قَدْ فَصَّلْنَا الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّذَّكَّرُوْنَ ﴿١٢٦﴾

واین اسلام راه پروردگار تست راست آمده هرآئینه تفصیل کردیم نشانه هارا برای گروهی که پندپذیر میشوند (١٢٦) .

لَهُمْ دَارُ السَّلٰمِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٢٧﴾

ایشان راست سرای سلامتی یعنی بهشت نزدیك پروردگار ایشان واو کارسازِ ایشانست بسبب آنچه میکردند (١٢٧) .

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيْعًا ۚ يٰمَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِّنَ الْاِنْسِ ۚ وَقَالَ اَوْلِيٰٓؤُهُمْ مِّنَ الْاِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَّبَلَغْنَآ اَجَلَنَا الَّذِيْٓ اَجَّلْتَ لَنَا ؕ قَالَ

وروزی که حشر کندخدا ایشانرا همه یك جا گویدای گروه جن[4] تابع خودبسیار گرفتید ازمردمان ومیگویند دوستان ایشان ازآدمیان[5] ای پروردگار مابهره مند

(١) یعنی برهرکسی ازماجبرئیل فرودآیدووحی نازل بشود والله اعلم .
(٢) یعنی بفهماندش حقیقت اسلام ومحاسن آن والله اعلم .
(٣) یعنی هرچند می خواهند حقیقت اسلام ومحاسن آن بفهمند نمی توانند والله اعلم.
(٤) یعنی ای شیاطین .
(٥) یعنی تابعان ایشان راازکفار .

النَّارُ مَثْوٰىكُمْ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ ؕ اِنَّ رَبَّكَ حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ ﴿۱۲۸﴾

شد بعض ما از بعض[1] ورسیدیم بمیعادخویش که معین کرده بودی برای ما[2] گویدخداآتش جای شماست جاویدان آنجالیکن آنچه خداخواسته است[3] هرآئینه پروردگار تواستوارکار داناست (۱۲۸) .

وَكَذٰلِكَ نُوَلِّيْ بَعْضَ الظّٰلِمِيْنَ بَعْضًۢا بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿۱۲۹﴾

وهمچنین مسلط می کنیم بعض ستمگاران را بربعض به سبب شومئ آنچه می کردند (۱۲۹) .

يٰمَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اَلَمْ يَاْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّوْنَ عَلَيْكُمْ اٰيٰتِيْ وَيُنْذِرُوْنَكُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا ؕ قَالُوْا شَهِدْنَا عَلٰٓى اَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوْا عَلٰٓى اَنْفُسِهِمْ اَنَّهُمْ كَانُوْا كٰفِرِيْنَ ﴿۱۳۰﴾

ای گروه جن وانس آیانیامدند به شما پیغمبران ازجنسِ شما می خواندند برشما آیاتِ مرا وبیم می کردندشمارا ازملاقات این روزشما گویند‌اعتراف کردیم برخویشتن وفریب داده بودایشانرا زندگانی دنیا و گواهی دادند برخویشتن که ایشان کافر بودند[4] (۱۳۰) .

ذٰلِكَ اَنْ لَّمْ يَكُنْ رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرٰى بِظُلْمٍ وَّاَهْلُهَا غٰفِلُوْنَ ﴿۱۳۱﴾

این ارسالِ رسل بسبب آنست که هرگز پروردگار تو هلاك کنندۀ شهرهانباشد بجزای ظلم درحالیکه اهل آنهاغافل باشند[5] (۱۳۱) .

وَلِكُلٍّ دَرَجٰتٌ مِّمَّا عَمِلُوْا ؕ

وهر شخص را مرتبه هاست ازاجرآنچه

---

(۱) یعنی متبوعان خوشوقت شدند بتابعان و تابعان محظوظ شدند ازمتبوعان والله اعلم.
(۲) یعنی برای حسابِ ما پس درحق ماچه حکم است .
(۳) یعنی درحق اهلِ نجات والله اعلم .
(٤) مترجم گوید مرادآن است که آیانیامده اندازمجموعه جن و انس وآن صادق است ببودن رسل از انس مبعوث بانس و جن والله اعلم .
(٥) قبل بعثت عقوبت نمی آید والله اعلم .

وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٢﴾

کردند ونیست پروردگار توبی خبر ازآنچه به عمل می آرند (١٣٢) .

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ ۚ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِن بَعْدِكُم مَّا يَشَاءُ كَمَا أَنشَأَكُم مِّن ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخَرِينَ ﴿١٣٣﴾

وپروردگار توغنی خداوندرحمت است ا گر خواهد دورکند شمارا وجانشین سازدپس ازشما هرکه را خواهد چنانکه پیداکردشمارا ازنسل قومی دیگر (١٣٣) .

إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ ۖ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ﴿١٣٤﴾

هرآئینه آنچه وعده کرده میشود شماراالبته آمدنی است ونیستید شماعاجز کنندگان (١٣٤).

قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿١٣٥﴾

بگوای قوم من عمل کنیدشمابرحالت خویش هرآئینه من نیزعمل کننده ام زودباشد که بدانید کسی را که باشداورا عاقبت پسندیده درآخرت هرآئینه رستگارنشوندظالمان (١٣٥) .

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا

(١) ومقررکردندبرای خدا ازآنچه او

(١) مترجم گوید اهل جاهلیت احکامی چند اختراع کرده بودند ازآن جمله آنست که اززراعت ومواشی پاره ای برای خدامقررمی کردندپاره ای برای بتان و حصه خدابرمساکین وضعیفان صرف میکردند وحصه بتان بآستانه بتان میرسانیدندپس ا گر چیزی ازحصه خدادر حصه بتان مخلوط میشدترك می کردند که خدا حاجت نه دارد وا گر از حصه بتان درحصه خدا مخلوط می شد آن راجدا میکردند که بتان محتاج اندوآنجمله آنست که قتل دختران تجویز میکردند وپیشوایان ایشان بدین معنی فتوی داده بودند وازآنجمله آنست که بعض زراعت ومواشی را حجر میساختد که غیر سدنه بتان کسی دیگر نخوردوآنچه برای بتان ذبح میکردند نام خدا برآن نمی گرفتند ازآنجمله آنست که چون بحائر وسوائب بچه میدادندا گرزنده بودی مردان را حلال میدانستندنه زنان را وا گر مرده بودی همه را حلال میدانستند خدای تعالی رد این مذاهب باطله فرمودوآنچه حکم حق است بیان فرمودو محرماتی که همه اهل باطل برآن متفق اندذکر کرد والله اعلم .

فَقَالُوا هَٰذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَٰذَا لِشُرَكَائِنَا ۖ فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ ۖ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَائِهِمْ ۗ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿١٣٦﴾

پیداکرده است ازجنس زراعت وچهارپایان حصه گفتند این حصه برای خداست بگمان خویش و این حصه برای شرکاء که مامقرر کرده ایم پس آنچه بود برای شرکای ایشان نمی رسد به خدا و آنچه باشد برای خدامیرسد به شرکای ایشان بدچیزیست که مقررمی کنند (١٣٦) .

وَكَذَٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ ۖ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ ۖ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٧﴾

وهمچنین آراسته کرده است درنظر بسیاری ازمشرکان قتل اولادایشان را شرکای ایشان[1] تاهلاك کنندایشان را وتامختلط کنند برایشان دین ایشان را و ا گرخواستی خدانکردندی این کار پس بگذارایشان رابامفتریات ایشان (١٣٧) .

وَقَالُوا هَٰذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَّا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَن نَّشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَّا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ ۚ سَيَجْزِيهِم بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٨﴾

و گفتند این چهارپایان و زراعت حجراست نخوردآن را مگرآنکه ماخواهیم بگمان خویش وچهارپایان دیگراند که حرام کرده شده است سواری برپشت آنهاوچهار پایان دیگراندکه نام خدانمی گیرند هنگام ذبح آن بسبب آنکه دروغ بسته اند برخدا زودجزاء خواهد دادایشان را بمقابله آنچه افترای می کردند (١٣٨) .

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَٰذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا ۖ وَإِن يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ

و گفتند آنچه درشکم این چهارپایان باشد[2] حلال است برای مردان ما وحرام است برزنان ما و ا گرمُرده باشد

---

(١) یعنی شیاطین که وسوسه کرده اندباپیشوایان که مذهب قرارداده اند والله اعلم.

(٢) یعنی درشکم بحائر سوائب باشد .

شُرَكَاۤءُ ۚ سَيَجْزِيْهِمْ وَصْفَهُمْ ۚ اِنَّهٗ حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ ﴿١٣٩﴾

همه درآن شريك اند جزاخواهد داد به مقابله اين بيان ايشان هرآئينه اواستواركار داناست (١٣٩) .

قَدْ خَسِرَ الَّذِيْنَ قَتَلُوْٓا اَوْلَادَهُمْ سَفَهًاۢ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّحَرَّمُوْا مَا رَزَقَهُمُ اللّٰهُ افْتِرَاۤءً عَلَى اللّٰهِ ۗ قَدْ ضَلُّوْا وَمَا كَانُوْا مُهْتَدِيْنَ ﴿١٤٠﴾

هرآئينه زيان كارشدند آنانكه كشتندفرزندان خودرا ازجهت بيخردى بغير دانش وحرام كردند آنچه روزى دادايشان را خدابه سبب دروغ بستن برخدا به تحقيق‌گمراه شدند ايشان ونبودند راه يافتگان (١٤٠) .

وَهُوَ الَّذِيْٓ اَنْشَاَ جَنّٰتٍ مَّعْرُوْشٰتٍ وَّغَيْرَ مَعْرُوْشٰتٍ وَّالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا اُكُلُهٗ وَالزَّيْتُوْنَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَّغَيْرَ مُتَشَابِهٍ ۗ كُلُوْا مِنْ ثَمَرِهٖٓ اِذَآ اَثْمَرَ وَاٰتُوْا حَقَّهٗ يَوْمَ حَصَادِهٖ ۖ وَلَا تُسْرِفُوْا ۗ اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ ﴿١٤١﴾

وخداآنست كه پيدا كردبوستانهاى برداشته شده برپايها[1] وبوستانهاى غيربرداشته شده برپايها[2] وپيدا كرددرختان خرماراوزراعت را گوناگون ميوه هاى هريكى وزيتون واناررامانند يكديگر وغيرمانند يكديگر[3] بخوريد ازميوه هاى آن چون ميوه بيرون آورد و بدهيد زكوٰة اورا روز درويدن وى واسراف مكنيد هرآئينه خدادوست ندارد اسراف كنندگان را (١٤١) .

وَمِنَ الْاَنْعَامِ حَمُوْلَةً وَّفَرْشًا ۗ كُلُوْا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعُوْا خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ ۗ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ﴿١٤٢﴾

وپيداكردازچهارپايان بار بردارنده را وجانورى راكه برزمين غلطانندبجهت ذبح بخوريد ازآنچه روزى داده است خداشماراوپيروى مكنيد گامهاى شيطان

---

(١) يعنى درختان انگور ومانند آن والله اعلم .

(٢) يعنى درختان برساق ايستاده والله اعلم .

(٣) يعنى افراد هر نوعى باعتبار صورت مانند يك ديگراند و به اعتبار مزه نه والله اعلم .

را هرآئینه اوشمارا دشمن ظاهراست (١٤٢) .

ثَمٰنِيَةَ أَزْوَاجٍ ۚ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ ۗ قُلْ ءَآلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنْثَيَيْنِ ۖ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ﴿١٤٣﴾

آفریدهشت قسم را از گوسفند دوقسم وازبزدوقسم[1] بگوآیااین دونررا حرام کرده است خدای تعالی یااین دوماده را یاآن را که مشتمل شده است بروی رحمهای این دوماده خبردهیدمرابه دانش[2] ا گر هستیدراست گو (١٤٣) .

وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ ۗ قُلْ ءَآلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنْثَيَيْنِ ۖ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَآءَ إِذْ وَصّٰىكُمُ اللّٰهُ بِهٰذَا ۚ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ ﴿١٤٤﴾

وپیداکرد ازشتردوقسم واز گاؤدوقسم بگو آیااین دونرراحرام کرده است خدایااین دوماده رایاآنراکه مشتمل شده است بروی رحم های این دوماده آیاحاضربودید وقتیکه حکم کردشمارا خداباآن پس کیست ستمگارتر ازکسی که بندد برخدادروغ تا گمراه کند مردمان را بغیر دانش هرآئینه خدا راه نمی نماید قوم ستمگاران را (١٤٤) .

قُلْ لَآ أَجِدُ فِي مَآ أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلٰى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّآ أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهِ ۚ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٤٥﴾

بگونمی یابم درآنچه وحی فرستاده شده بسوی من هیچ چیزحرام برخورنده که بخوردآن را مگر آنکه باشد مردار یاخون ریخته شده یا گوشت خوك پس هرآئینه حرام است یاآنچه فسق باشدکه برای غیر خداآوازبلند کرده ذبح شود پس هرکه درمانده شود نه بغی کننده ونه ازحد گذرنده پس هرآئینه پروردگار تو آمرزنده

---

(١) یعنی نرو ماده ازهر یك والله اعلم .

(٢) یعنی نقلی صحیح بیارید ازابراهیم واسمعیل علیهماالسلام واز کتب الهیه والله اعلم.

مهربان است[1] (١٤٥) .

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٍ ۖ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ۚ ذَٰلِكَ جَزَيْنَاهُم بِبَغْيِهِمْ ۖ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿١٤٦﴾

وبريهودحرام ساختيم هرجانورناخن دار[2] واز گاؤ و گوسفند حرام ساختيم برايشان پيه اين دوقسم مگرپيهى كه برداشته است پشت اين دوقسم يابرداشته است آنرا رودهايا آنچه متعلق شدباستخوان اين طور جزاداديم ايشان را بمقابله ستم ايشان وهرآئينه ماراست گوئيم (١٤٦) .

فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٤٧﴾

پس اگر به دروغ نسبت كنند ترابگوكه پروردگارشماخداوندمهربانى بسياراست وردكرده نمى شود عقوبتِ اوازقومِ ستمگاران (١٤٧) .

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن شَيْءٍ ۚ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا ۗ قُلْ هَلْ عِندَكُم مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا ۖ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ﴿١٤٨﴾

زودباشد كه بگويند مشركان اگر خواستى خدا يعنى رضاى اوبودى شريك مقررنمى كرديم ونه پدران مامى كردند ونه حرام ميكرديم چيزى را همچنين بدروغ نسبت كردندكسانيكه پيش ازايشان بودند تاآنكه چشيدند عقوبتِ ما بگوآيا هست نزديك شما دانشى[3] تابيرون آريد آن رابراى ماپيروى نمى كنيد مگرشبهه را ونيستيد شمامگر دروغگو (١٤٨) .

---

(١) مرادحصر اضافى است به نسبت بهيمة الانعام وآن اصناف ثمانيه مذكوراست سگ وشير وبازوغير آن اگرچه حرام است ازبهيمة الانعام نيست ودرآن بحث نداشتند والله اعلم .

(٢) يعنى مثل شتروشتر مرغ والله اعلم .

(٣) يعنى نقلى ازكتب الهى والله اعلم .

قُلْ فَلِلّٰهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَآءَ لَهَدٰىكُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿١٤٩﴾

بگوخدا راست دلیل محکم پس ا گر خواستی خدا هدایت کردی شمارا همه یك جا (۱٤۹) .

قُلْ هَلُمَّ شُهَدَآءَكُمُ الَّذِيْنَ يَشْهَدُوْنَ اَنَّ اللّٰهَ حَرَّمَ هٰذَا ۚ فَاِنْ شَهِدُوْا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ ۚ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآءَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَالَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُوْنَ ﴿١٥٠﴾

بگوبیارید گواهان خودرا آنانکه گواهی میدهند که خداحرام ساخته است این را پس (یامحمد) ا گر بفرض گواهی دهند تو معترف مشوباایشان و پیروی مکن خواهش کسانی که به دروغ نسبت کردند آیاتِ مارا وکسانیکه اعتقاد ندارند بآخرت وایشان باپروردگار خودبرابر میکنند[۱] . (۱۵۰)

قُلْ تَعَالَوْا اَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ اَلَّا تُشْرِكُوْا بِهٖ شَيْئًا وَّبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا ۚ وَلَا تَقْتُلُوْٓا اَوْلَادَكُمْ مِّنْ اِمْلَاقٍ ۚ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَاِيَّاهُمْ ۚ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ ۚ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِيْ حَرَّمَ اللّٰهُ اِلَّا بِالْحَقِّ ۚ ذٰلِكُمْ وَصّٰىكُمْ بِهٖ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿١٥١﴾

بگوبیائید تابخوانم آنچه حرام کرده است پروردگارشما برشما (فرموده است) که شریك اومقررمکنید چیزیرا وبوالدین نیکوکاری کنید ومکشیداولاد خودرا ازترس فقر ما روزی میدهیم شمارا و ایشان را ونزدیك مشوید به بی حیائی[۲] آنچه علانیه باشدازآن وآنچه پوشیده باشد ومَکُشید هیچ نفس را که حرام ساخته است خداکشتنش الّابحق[۳] این حکم فرموده است شمارا تابودکه شمابه فهمید . (۱۵۱)

وَلَا تَقْرَبُوْا مَالَ الْيَتِيْمِ اِلَّا بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ حَتّٰى يَبْلُغَ اَشُدَّهٗ ۚ وَاَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيْزَانَ بِالْقِسْطِ ۚ لَا نُكَلِّفُ

ونزدیك مشوید به مال یتیم الّا بخصلتی که وی نیك است تاآنکه رسدبه جوانی خود وتمام کنید پیمانه وترازو را بانصاف

(۱) یعنی معبود باطل را والله اعلم .
(۲) یعنی بزنا ولواطت .
(۳) یعنی بقصاص ومثل آن .

نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۖ وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۖ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٢﴾

تکلیف نمی دهیم هیچکس را مگر قدرطاقت او وچون سخن گوئید[١] پس رعایت انصاف بنمائید وا گر چه آن محکوم علیه صاحب قرابت باشد وبعهد خدا[٢] وفاکنید این حکم فرموده است شمارا تاپندپذیر شوید (١٥٢) .

وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ ۖ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٥٣﴾

وخبرداده است که آنچه مذکورشد راه من است راست ودرست آمده پس پیروی اوکنید وپیروی مکنید راه های دیگرراکه این راه هاجدا کنندشمارا ازراه خدا این حکم فرموده است شمارا تاپرهیزگاری کنید (١٥٣) .

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٤﴾

بازمی گویم که داده بودیم موسیٰ را کتاب تانعمت تمام کنیم برهرکه نیکوکار بود وبیان کنیم هرچیزرا وبجهت هدایت ومهربانی تاایشان بملاقات پروردگار خویش ایمان آرند[٣] (١٥٤) .

وَهَٰذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٥٥﴾

واین قرآن کتابیست که فروفرستادیمش بابرکت پس پیروی اوکنید وپرهیزگاری کنید تامهربانی کرده شود برشما(١٥٥) .

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ ﴿١٥٦﴾

فرستادیمش تانگوئید بجزاین نیست که فرودآورده شدکتاب یعنی تورات وانجیل بردو گروه پیش ازماوبه تحقیق بودیم ما ازتلاوت ایشان بی خبر (١٥٦) .

---

(١) یعنی گواهی دهید یاحکم کنیدوالله اعلم .

(٢) یعنی بنذراو .

(٣) مترجم گوید ظاهر نزدیك این بنده آنست که حرام گردانیدیم اشیای مذکوره رادرازل برقوم نوح وهلم جرابازدادیم موسی را کتاب والله اعلم .

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ ۚ فَقَدْ جَاءَكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ ۚ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا ۗ سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ ﴿١٥٧﴾

یا گوئید ا گرفرودآورده شدی برماکتاب هرآئینه می بودیم راه یافته ترازایشان پس آمده است به شماحجتی ازپروردگار شما و هدایت وبخشایش پس کیست ستمگار تراز کسی که بدروغ نسبت کند آیاتِ خدارا واعراض کندازآن جزاخواهیم داد اعراض کنندگان را ازآیات خویش بدترین عذاب بسبب آنکه اعراض می کردند (١٥٧) .

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ ۗ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِن قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا ۗ قُلِ انتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ ﴿١٥٨﴾

آیامنتظر نیستند مگرآن را که بیایند بدیشان فرشتگان[(١)] یابیاید پروردگار تو یابیاید بعض نشانه های پروردگارتو[(٢)] روزیکه بیاید بعض نشانه های پروردگارتو نفع نه دهدنفسی را که ایمان نیاورده بودپیش ازین ایمان او یانفع ندهد نفسی راکه کسب نکرده بود درایمان خودعمل خیر[(٣)] بگوانتظار کنید هرآئینه مانیز منتظریم (١٥٨) .

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ ۚ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٥٩﴾

به تحقیق کسانیکه پراگنده کردند دین خودرا و گروه گروه شدند نیستی ازایشان درهیچ حساب[(٤)] جزاین نیست که کارایشان گذاشته شده بسوی خداست بازخبردهد ایشان را بعاقبت آنچه می

---

(١) یعنی برای قبض ارواح .

(٢) یعنی طلوع شمس ازمغرب یادابة الارض والله اعلم .

(٣) یعنی آنروزتوبهٔ گنهگار وایمان کافر قبول نشود والله اعلم .

(٤) یعنی ازتومواخذه نخواهند کرد والله اعلم .

کردند (۱۵۹) .

مَنْ جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهٗ عَشْرُ اَمْثَالِهَا ۚ وَمَنْ جَآءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزٰٓى اِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿۱۶۰﴾

هرکه آورد نیکی پس اوراست ده چندان آن وهرکه آوردبدی جزا داده نخواهد شد الّا مثل آن وایشان ستم کرده نخواهند شد (۱٦۰) .

قُلْ اِنَّنِيْ هَدٰىنِيْ رَبِّيْٓ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ۚ دِيْنًا قِيَمًا مِّلَّةَ اِبْرٰهِيْمَ حَنِيْفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿۱۶۱﴾

بگو هرآئینه دلالت کرده است مرا پروردگار من بسوی راه راست مراد می دارم دین درست کیش ابراهیم را حنیف شده و نه بود ازمشرکان (۱٦۱) .

قُلْ اِنَّ صَلَاتِيْ وَنُسُكِيْ وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِيْ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۶۲﴾

بگو هرآئینه نمازمن وحج وقربانی من و زندگانی من و موت من همه برای خداست پروردگار عالمها (۱٦۲) .

لَا شَرِيْكَ لَهٗ ۚ وَبِذٰلِكَ اُمِرْتُ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُسْلِمِيْنَ ﴿۱۶۳﴾

هیچ شریك نیست مراورا و باین توحید فرموده شد مراو من نخستین مسلمانانم (۱٦۳) .

قُلْ اَغَيْرَ اللّٰهِ اَبْغِيْ رَبًّا وَّهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ اِلَّا عَلَيْهَا ۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى ۚ ثُمَّ اِلٰى رَبِّكُمْ مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيْهِ تَخْتَلِفُوْنَ ﴿۱۶۴﴾

بگوآیا طلب کنم پروردگار غیر خدا واوست پروردگار همه چیز وعمل نمی کند هیچ کسی مگر برذات خود وبرندارد هیچ بردارنده باردیگررا بازبسوی پروردگار شما رجوع شماباشد پس خبردار کند شمارا بآنچه که درآن اختلاف می کردید (۱٦٤) .

وَهُوَ الَّذِيْ جَعَلَكُمْ خَلٰٓئِفَ الْاَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجٰتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِيْ مَآ اٰتٰىكُمْ ۗ اِنَّ رَبَّكَ سَرِيْعُ الْعِقَابِ ۖ وَاِنَّهٗ لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۶۵﴾

واو آنست که ساخت شمارا جانشینان در زمین وبلند کرد بعضی را بالای بعضی درجه ها تابیازماید شمارا درآنچه داده است به شما هرآئینه پروردگار تو شتاب کننده عقوبت است وهرآئینه او آمرزنده مهربان است(۱٦۵) .

سُورَةُ الأَعْرَافِ

سوره اعراف مکی است وآن دوصدو شش آیت و بیست وچهار رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝
بنام خدا بخشاینده مهربان .

الٓمّٓصٓ ۝١
الٓمّٓصٓ (١) .

كِتٰبٌ اُنْزِلَ اِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِىْ صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنْذِرَ بِهٖ وَذِكْرٰى لِلْمُؤْمِنِيْنَ ۝٢
این کتابیست که فرودآورده شد بسوی توپس بایدکه نباشد درسینهٔ تو هیچ تنگی ازتبلیغ اوفرودآورده شدتابیم کنی بآن وبرای پند مسلمانان را (٢) .

اِتَّبِعُوْا مَآ اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اَوْلِيَآءَ ۗ قَلِيْلًا مَّا تَذَكَّرُوْنَ ۝٣
پیروی کنید آنراکه فرودآورده شد بسوی شماازجانبِ پروردگار شما و پیروی مکنید بجزوی دوستان را[1] اندکی پندمی پذیزید (٣) .

وَكَمْ مِّنْ قَرْيَةٍ اَهْلَكْنٰهَا فَجَآءَهَا بَاْسُنَا بَيَاتًا اَوْ هُمْ قَآئِلُوْنَ ۝٤
وبَسادِه که هلاك کردیمش پس آمدبوی عقوبتِ ماوایشان شبانگاه آرمیده بودندیا وقتیکه ایشان درخواب نیم روز بودند (٤) .

فَمَا كَانَ دَعْوٰىهُمْ اِذْ جَآءَهُمْ بَاْسُنَآ اِلَّآ اَنْ قَالُوْٓا اِنَّا كُنَّا ظٰلِمِيْنَ ۝٥
پس نبود قول ایشان چون بیامد بایشان عقوبت ماالآآنکه گفتند هرآئینه ماستمگاربودیم (٥) .

فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِيْنَ اُرْسِلَ اِلَيْهِمْ وَلَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِيْنَ ۝٦
پس البته سوال خواهیم کردآن کسانی را که پیغامبر فرستاده شد بسوی ایشان و البته سوال خواهیم کرد پیغامبران را (٦).

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَّمَا كُنَّا غَآئِبِيْنَ ۝٧
پس البته بیان خواهیم کرد بحضورایشان[2] بدانش ونبودیم غائب (٧) .

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذِ ٍ الْحَقُّ ۚ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِيْنُهٗ
وسنجیدنِ اعمال بانصاف آن روزبودنیست

---

(١) یعنی معبودان باطل که دوست می گرفتید والله اعلم .
(٢) یعنی همه اعمال ایشان را .

فَأُولَٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٨﴾

پس هرکه‌گران شدپله نیکی های او پس ایشانند رستگار (۸) .

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰٓئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوٓا أَنفُسَهُم بِمَا كَانُوا بِـَٔايَٰتِنَا يَظْلِمُونَ ﴿٩﴾

وهرکه سبك شدپلهٔ نیکی های او پس آنجماعت آنانند که زیان کردند درحق خویشتن بسبب آنکه بآیاتِ ما انکارمی کردند (۹) .

وَلَقَدْ مَكَّنَّٰكُمْ فِى الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَٰيِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿١٠﴾

و هرآئینه استقرار دادیم شمارادرزمین وپیداکردیم برای شمادرآنجا اسباب معیشت اندکی شکرمی کنید (۱۰) .

وَلَقَدْ خَلَقْنَٰكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَٰكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ اسْجُدُوا لِـَٔادَمَ فَسَجَدُوٓا إِلَّآ إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّٰجِدِينَ ﴿١١﴾

وهرآئینه آفریدم شمارا (یعنی پدرشمارا) بازصورت بستیم شمارا (یعنی پدرِشمارا) باز گفتیم به فرشتگان که سجده کنیدآدم را پس سجده کردند مگر ابلیس نبود از سجده کنندگان (۱۱) .

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا۠ خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِى مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُۥ مِن طِينٍ ﴿١٢﴾

گفت خداچه چیزمنع کردتراازآنکه سجده کنی وقتیکه امرکردم تراگفت من بهترم ازو آفریدی مراازآتش وآفریدی اورا ازگِل (۱۲) .

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّٰغِرِينَ ﴿١٣﴾

گفت پس فرود رو ازآسمان زیراکه لائق نیست ترا که سرکشی کنی درآن پس بیرون شو هرآئینه توازخوار شوندگانی (۱۳) .

قَالَ أَنظِرْنِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤﴾

گفت بار الٰهامهلت ده مرا تاروزیکه آدمیان برانگیخته شوند (۱٤) .

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿١٥﴾

گفت خداهر آئینه تو ازمهلت داده شدگانی (۱۵) .

قَالَ فَبِمَآ أَغْوَيْتَنِى لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَٰطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾

گفت پس بسبب آنکه‌گمراه کردی مرا البته به نشینم برای آدمیان براه راست تویعنی تاازآن منع کنم (۱٦) .

ثُمَّ لَءَاتِيَنَّهُم مِّنۢ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَٰنِهِمْ وَعَن

پس البته بیایم بسوی ایشان ازپیش ایشان

ثُمَّ لَآتِيَنَّهُم مِّنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ وَعَنۡ أَيۡمَٰنِهِمۡ وَعَن شَمَآئِلِهِمۡۖ وَلَا تَجِدُ أَكۡثَرَهُمۡ شَٰكِرِينَ ﴿١٧﴾

وازپس پشت ایشان وازجانب راست ایشان وازجانب چپ ایشان ونیابی اکثر ایشان را شکر گذار (١٧) .

قَالَ ٱخۡرُجۡ مِنۡهَا مَذۡءُومٗا مَّدۡحُورٗاۖ لَّمَن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿١٨﴾

گفت بیرون روازآسمان نکوهیده رانده شده بخداهرکه پیروی کند تراازآدمیان البته پُرکنیم دوزخ را ازشما همه یکجا (١٨) .

وَيَٰٓـَٔادَمُ ٱسۡكُنۡ أَنتَ وَزَوۡجُكَ ٱلۡجَنَّةَ فَكُلَا مِنۡ حَيۡثُ شِئۡتُمَا وَلَا تَقۡرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٩﴾

و گفتیم ای آدم ساکن شوتو و زن تو دربهشت پس بخوریدازهرجاکه خواهید و نزدیك مشوید باین درخت که خواهید شد ازستمگاران (١٩) .

فَوَسۡوَسَ لَهُمَا ٱلشَّيۡطَٰنُ لِيُبۡدِيَ لَهُمَا مَا وُۥرِيَ عَنۡهُمَا مِن سَوۡءَٰتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَىٰكُمَا رَبُّكُمَا عَنۡ هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةِ إِلَّآ أَن تَكُونَا مَلَكَيۡنِ أَوۡ تَكُونَا مِنَ ٱلۡخَٰلِدِينَ ﴿٢٠﴾

پس وسوسه داد ایشان را شیطان تاآشکارا گرداند برای ایشان آنچه پوشیده بودازنظرایشان ازشرم گاه های ایشان گفت منع نکرده است شمارا پروردگار شما ازین درخت مگربرای احتیاط ازآنکه شوید دوفرشته یا شوید ازجاوید باشندگان (٢٠) .

وَقَاسَمَهُمَآ إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ ﴿٢١﴾

وقسم خوردبرای ایشان که من ازنصیحت کنندگانم شمارا (٢١) .

فَدَلَّىٰهُمَا بِغُرُورٖۚ فَلَمَّا ذَاقَا ٱلشَّجَرَةَ بَدَتۡ لَهُمَا سَوۡءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخۡصِفَانِ عَلَيۡهِمَا مِن وَرَقِ ٱلۡجَنَّةِۖ وَنَادَىٰهُمَا رَبُّهُمَآ أَلَمۡ أَنۡهَكُمَا عَن تِلۡكُمَا ٱلشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَآ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمَا عَدُوّٞ مُّبِينٞ ﴿٢٢﴾

پس بسوی پستی انداخت ایشانرا بفریب دادن پس چون چشیدندآن درخت راظاهر شدایشان را شرمگاهای ایشان و شروع کردند که برگی بالای برگی می چسپانیدند برخویش ازبرگ درختان بهشت ونداکرد ایشان را پروردگار ایشان که آیا منع نکرده بودم شمارا ازین درخت ونه گفته بودم به شما که هرآئینه شیطان شمارا دشمن آشکار است (٢٢) .

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَٰسِرِينَ ﴿٢٣﴾

گفتند ای پروردگار ماستم کردیم برخویش و ا گرنیامرزی مارا ومهربانی نکنی برما البته از زیان کاران باشیم (٢٣) .

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۖ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٤﴾

گفت خدافروروید بعض شمابعضی رادشمن خواهد بود وشمارادر زمین استقرار وبهره مندی باشد تاوقتی معین (یعنی تامرگ) (٢٤) .

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾

گفت خدادرزمین زندگانی خواهید کرد و درآنجاخواهید مرد وازآنجا بیرون آورده شوید (٢٥) .

يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَٰرِي سَوْءَٰتِكُمْ وَرِيشًا ۖ وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ۚ ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَٰتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٢٦﴾

ای فرزندان آدم هرآئینه مافرودآوردیم برشما لباسی که بپوشد شرمگاه شمارا وفرودآوردیم جامه های زینت را ولباس پرهیز گاری وی ازهمه بهتراست این ازنشانه های خداست تاایشان پندپذیرشوند (٢٦) .

يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَٰنُ كَمَآ أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَٰتِهِمَآ ۗ إِنَّهُ يَرَىٰكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ ۗ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَٰطِينَ أَوْلِيَآءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾

ای فرزندان آدم گمراه نکند شمارا شیطان چنانکه بیرون آورد پدر ومادر شمارا ازبهشت برمی کشید ازایشان جامهٔ ایشان را تابنماید ایشان را شرمگاه ایشان هرآئینه شیطان وقوم اومی بینند شماراازآن جاکه شما نه می بینید ایشانرا هرآئینه ماساختیم شیاطین را کار گذار کسانیکه ایمان ندارند (٢٧) .

وَإِذَا فَعَلُوا فَٰحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَآ ءَابَآءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا ۗ قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَآءِ ۖ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

وچون بکنند کارزشت گویند یافتیم برین کارپدرانِ خودرا وخدافرموده است ماراباآن بگوهرآئینه خدانمی فرماید بکارزشت آیامی گوئید برخدا آنچه نمی دانید (٢٨) .

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿٢٩﴾

بگوهرآئینه فرموده است پروردگار من بانصاف وفرموده است که راست کنید رویهای خودرا[1] نزدیك هرنماز وپرستیداورابرای اوخالص کرده عبادت را چنانکه آفریدشمارانخست هم چنان دیگربار خواهید شد[2] (۲۹) .

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿٣٠﴾

گروهی راراه نمود و گروهی را ثابت شدبرایشان گمراهی هرآئینه شیاطین را دوست گرفتند بجزخدا ومی پنداشتند که ایشان راه یافتگانند (۳۰) .

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾

ای فرزندان آدم بگیریدزینت خودرا[3] نزدیك هرنماز وبخورید وبیاشامیدوازحدمگذرید هرآئینه خدادوست نمیدارد ازحدگذرندگان را (۳۱) .

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣٢﴾

بگوکیستکه حرام کرد زینت خداراکه پیداکرده است برای بندگان خودوکیستکه حرام کرده است پاکیزه هاراازرزق بگوآن پاکیزه هاازملابس و مآکل برای مسلمانان ست درزندگانی دنیا[4] خالص شده برای ایشان روزقیامت همچنین بیان می کنیم نشانه هارا برای گروهی که می دانند[5] (۳۲) .

---

(۱) یعنی بسوی کعبه .

(۲) یعنی سروپابرهنه ختنه ناکرده محشورشوید والله اعلم .

(۳) یعنی لباس خودرا .

(٤) یعنی لائق ایشانست ا گرچه دیگران نیزاستعمال کنند والله اعلم .

(٥) مترجم گوید درین آیت اشارت است برمذهب رهبان یهود و نصاری ومختشین عرب که توسع رادرمآکل و ملابس مکروه میداشتند والله اعلم .

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾

بگوجزاین نیست که حرام کرده است پروردگار من بی حیائی ها را آنچه علانیه باشدازآن وآنچه پوشیده وحرام کرده است گناه وتعدی ناحق وآنکه شریك خدا مقررکنید چیزی را که خدا هیچ دلیل برآن نازل نکرده است وآنکه بگوئید برخدا آنچه نمی دانید(٣٣) .

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٤﴾

وهرگروهی را میعادیست(۱) پس چون بیاید(۲) میعادایشان تاخیر نکنند یك ساعت ونه سبقت کنند(۳) (٣٤) .

يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٥﴾

ای فرزندانِ آدم ا گر بیایند به شماپیغامبران ازجنس شما می خوانند برشماآیاتِ مرا پس هرکه پرهیزگاری کند و نیکوکاری نماید پس هیچ ترس نه باشد برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (٣٥) .

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٦﴾

وکسانیکه بدروغ نسبت کردند آیاتِ ماراوسرکشی کردندازقبول آنهاایشان بندگان دوزخ اند ایشان آنجاجاویدان اند (٣٦) .

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ

پس کیست ستمگار تراز کسی که بربست برخدادروغ رایا بدروغ نسبت کردآیاتِ اورا آن جماعت برسد بایشان بهرهٔ ایشان ازآنچه نوشته شددرلوح محفوظ(٤) تاوقتیکه چون بیایند نزدیك ایشان

(۱) یعنی وقتی معین است برای هلاك ایشان والله اعلم .

(۲) یعنی نزدیك شود .

(۳) یعنی برزبان حضرت آدم چنانکه درسورهٔ بقرة اشارت رفت والله اعلم .

(٤) یعنی نعمت و نعمت که مقدرشده دردنیا بایشان برسد والله اعلم .

كَانُوْا كٰفِرِيْنَ ﴿٣٧﴾

فرستادگان ما تا قبض ارواح ایشان کنند گویندکجاست آنچه شما می پرستیدید بجزخدا گویند گم شدندایشان ازماومعترف شدند برخویش باین که ایشان کافربودند (۳۷) .

قَالَ ادْخُلُوْا فِيْٓ اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ فِي النَّارِ ۭ كُلَّمَا دَخَلَتْ اُمَّةٌ لَّعَنَتْ اُخْتَهَا ۭ حَتّٰٓي اِذَا ادَّارَكُوْا فِيْهَا جَمِيْعًا ۙ قَالَتْ اُخْرٰىهُمْ لِاُوْلٰىهُمْ رَبَّنَا هٰٓؤُلَاۗءِ اَضَلُّوْنَا فَاٰتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ ڛ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَّلٰكِنْ لَّا تَعْلَمُوْنَ ﴿٣٨﴾

حکم کندخداکه داخل شوید همراه امتانی که گذشته اند پیش ازشما ازجن وانس درآتش هر گاه که درآید قومی لعنت کند قوم دیگرمانند خودرا تاوقتیکه چون به یکدیگربرسنددردوزخ بهمه یکجا گویدجماعت متاخر ازایشان درحق جماعت متقدم ازایشان ای پروردگارما ایشان گمراه کردند مارا پس بده ایشان را عذاب دوچند ازدوزخ فرماید خداهریکی را دوچند است ولیکن نمی دانید[1] (۳۸) .

وَقَالَتْ اُوْلٰىهُمْ لِاُخْرٰىهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوْقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُوْنَ ﴿٣٩﴾

و گویند جماعت متقدم ازایشان جماعت متاخررا ازایشان پس نیست شمارا هیچ بزرگی برما پس بچشید عذاب را بسبب آنچه می کردید (۳۹) .

اِنَّ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَاسْتَكْبَرُوْا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ اَبْوَابُ السَّمَاۗءِ وَلَا يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ حَتّٰي يَلِجَ الْجَمَلُ فِيْ سَمِّ الْخِيَاطِ ۭ وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِيْنَ ﴿٤٠﴾

هرآئینه کسانیکه بدروغ نسبت کردند آیات ماراوسرکشی کردنداز قبول آن هرگزکشاده نه شودبرای ایشان دروازه های آسمان ودرنیایند به بهشت تاوقتیکه داخل شود شتردرسوراخ سوزن[2] وهمچنین جزامیدهیم گناهگاران را (۴۰) .

---

(۱) یعنی تابعین را عذاب کفرتقلید ومتبوعین را عذاب ضلال واضلال والله اعلم .

(۲) یعنی محال است والله اعلم .

لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

ایشان را ازدوزخ فرش بُوَد وازبالای ایشان ازدوزخ پوششهاباشد وهمچنین جزا می دهیم ستمگاران را (٤١) .

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٤٢﴾

وکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند تکلیف نمی دهیم هیچکس را مگر به قدر طاقت او آنجماعت باشندگان بهشت اند ایشان آنجاجاویدان باشند (٤٢) .

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ ۖ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ۖ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ ۖ وَنُودُوا أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾

وبیرون آریم آنچه درسینه های ایشان بُوَد از کینه[1] میرودزیرایشان نهرهَا و گویند سپاس آن خدا راست که دلالت کردمارابسوی این بهشت و هر گز نبودیم راه یابنده ا گر راه نه نمودی ماراخدا هرآئینه آمدندفرستاد گان پروردگار مابراستی ونداکرده شوندکه این بهشت داده شدید آن را بسبب آنچه می کردید (٤٣) .

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا ۖ قَالُوا نَعَمْ ۚ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾

ونداکنند اهلِ بهشت اهلِ دوزخ را که ماراست یافتیم آنچه وعده کرده بود به ماپروردگارما پس آیاشماهم راست یافتید آنچه به شماوعده کرده بودپروردگار شما گفتند آری پس آواز کند آوازکننده ای درمیان ایشان که لعنت خدا برآن ستمگاران است (٤٤) .

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ

که بازمی داشتند مردمان را ازراهِ خدا

---

(١) یعنی آن کینه هاکه در دل بهشتیان باشد دورکنیم مثل آنچه میان عثمان وعلی وطلحه وزبیر وعائشه رضی الله عنهم واقع شد والله اعلم .

وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ﴿٤٥﴾

ومی خواستند برای آن راه کجی[1] وایشان بآخرت اعتقادنداشتند (٤٥) .

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ ﴿٤٦﴾

ودرمیان بهشت ودوزخ حجابیست[2] وبراعراف مردمانی باشند که می شناسند هریکی راازاهل موضعین بقیافهٔ ایشان ونِداکنند اهل اعراف اهل بهشت را که سلام علیکم هنوزبه بهشت درنیامده اند وایشان طمع آن دارند (٤٦) .

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾

وچون گردانیده شود چشمهای اهل اعراف به طرف اهل دوزخ گویند ای پروردگارما مکن ماراهمراه گروه ستمگاران (٤٧) .

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٨﴾

ونِداکردند اهل اعراف مردانی راکه می شناسند ایشان را به قیافهٔ ایشان گویند کفایت نه کرد ازشماجمعیت شما وآنکه سرکشی می کردید (٤٨) .

أَهَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٤٩﴾

آیااین جماعت اند آنانکه شماقسم میخوردید که هرگزخدا نه رساند بایشان هیچ رحمت[3] گفته شدایشان را که درآئید به بهشت هیچ ترس نیست برشماونه شما اندوهگین شوید (٤٩) .

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾

ونِداکنند اهل دوزخ اهل بهشت را که بریزیدبرما چیزی ازآب یاازسائرآنچه روزی داده است شمارا خدا گویند هرآئینه خداحرام ساخته است این

---

(١) یعنی می خواستند به شبهات این راه را باطل سازند .

(٢) وآن مسمی باعراف است والله اعلم .

(٣) یعنی فقرای مسلمین که کافران ازایشان حسابی نمی گرفتند والله اعلم .

هردورابرکافران (٥٠) .

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا ۚ فَالْيَوْمَ نَنْسٰهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هٰذَا ۙ وَمَا كَانُوا بِآيٰتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٥١﴾

آنانکه گرفته اند دین خودرا بازی ولهوو فریب دادایشان را زندگانی دنیا پس امروز فراموش کنیم ایشان راچنانکه ایشان فراموش کردند ملاقات این روزخویش را وچنانکه انکار میکردند بآیاتِ ما[1] (٥١) .

وَلَقَدْ جِئْنٰهُمْ بِكِتٰبٍ فَصَّلْنٰهُ عَلٰى عِلْمٍ هُدًى وَّرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾

وهرآئینه آوردیم برای ایشان کتابی که مفصّل کرده ایم آنرابدانش برای رهنمائی وبخشائش مومنان را (٥٢) .

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ ۚ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ ۚ فَهَلْ لَّنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۚ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٥٣﴾

انتظارنمی کنندکفار مگرمصداق این وعده را روزیکه بیاید مصداق آن گویند کسانیکه فراموش کرده بودند آنراپیش ازین هر آئینه آمده بودند پیغامبران پروردگار مابراستی پس آیا هستند برای ما شفیعان تاشفاعت کنند برای ما یا بازگردانیده شویم بسوی دنیا پس عمل کنیم غیر آنچه می کردیم[2] هرآئینه زیان کردند درحق خویشتن و گم شده ازایشان آنچه افترامی کردند (٥٣) .

إِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ ۖ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا ۙ وَّالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرٰتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا

هرآئینه پروردگار شماآن خدااست که آفریدآسمان هاوزمین را درشش روز باز مستقرشد برعرش می پوشاند شب رابه روز[3] می طلبد شب روزرابه شتاب[4]

(١) وفراموش کردن خدا ترك ایشان است دردوزخ والله اعلم .
(٢) یعنی مسلمان شویم و بت را نه پرستیم .
(٣) یعنی گاهی اجزای شب را بلباس نهار پوشانیده درحساب نهارمی گرداند والله اعلم.
(٤) یعنی ازپی درآمدن شب بعد روز مشابه آنست که گویا کسی کسی رادوان وشتابان می طلبد .

لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾

وآفريد خورشيد وماه وستارگان را رام شده بفرمان خدا آگاه شو اوراست آفريدن وفرمانروائى بغايت بزرگ است خدا پروردگار عالمها (٥٤) .

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٥٥﴾

به پرستيد پروردگار خودرا زارى كنان و پوشيده ازمردمان هرآئينه اودوست ندارد ازحدگذرندگان را (٥٥) .

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾

وفسادمكنيد درزمين بعداصلاح آن[1] وبه پرستيد اورابه ترس واميد هرآئينه بخشائش خدا نزديك است ازنيكوكاران (٥٦) .

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٧﴾

واوست آنكه مى فرستد بادها را مژده دهنده پيش از رحمت خود[2] تاوقتيكه بردارد ابرگران را روان كنيم آن رابسوى شهرى مرده پس فرودآريم بواسطه آن ابرآب راپس بيرون آريم بآن آب ازجنس هر ميوه همچنين بيرون آريم مردگان را[3] تاپند پذير شويد (٥٧) .

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿٥٨﴾

وشهر پاكيزه برمى آيدگياه او بفرمان پروردگار او وزمين ناپاكيزه برنمى آيد رستنى اومگرناهموار بديررونده همچنين گوناگون بيان مى كنيم نشانه هابراى قومى كه شكرگذارى مى كنند[4] (٥٨) .

---

(١) يعنى بسبب بعثت رسول الله صلى الله عليه وسلم .

(٢) يعنى پيش ازباران .

(٣) يعنى ازقبور بيرون كنيم .

(٤) مترجم گويد اين مثل است براى پندرقلب سليم وعدم تاثير آن درغير سليم والله اعلم .

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (٥٩)

هر آئينه فرستاديم نوح را بسوى قوم او پس گفت اى قوم من عبادت كنيد خدا را نيست شمارا هيچ معبودبرحق بجزوى هرآئينه من مى ترسم برشما ازعقوبتِ روزبزرگ[1] (٥٩) .

قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (٦٠)

گفتند اشراف ازقوم او هرآئينه ما مى بينيم ترادرگمراهى ظاهر (٦٠) .

قَالَ يَٰقَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَٰلَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَٰلَمِينَ (٦١)

گفت اى قوم من نيست بامن هيچ گمراهى وليكن من پيغامبرم ازجانب پروردگار عالمها (٦١) .

أُبَلِّغُكُمْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَأَنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (٦٢)

ميرسانم به شماپيغام هاى پروردگار خودونيك خواهى مى كنم براى شماو ميدانم ازحكم خدا آنچه نمى دانيد (٦٢) .

أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (٦٣)

آياتعجب كرديد ازآنكه آمد به شما پندى ازجانب پروردگار شما (فرودآمده) برزبان مردى ازشماتابيم كند شمارا وتاپرهيزگارى كنيد وتامهربانى كرده شودبرشما (٦٣) .

فَكَذَّبُوهُ فَأَنجَيْنَٰهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِـَٔايَٰتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ (٦٤)

پس دروغگوپنداشتند آن را پس نجات داديم اوراوكسانى را كه باوى بودند دركشتى و غرق ساختيم كسانى را كه دروغ پنداشتند آياتِ ماراهرآئينه ايشان بودندگروهى نابينا (٦٤) .

وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (٦٥)

وفرستاديم بسوى قوم عاد برادرايشان هود را گفت اى قوم من عبادت كنيدخدا را نيست شمارا هيچ معبودبرحق غيراو

---

(١) يعنى روزقيامت .

آیا پرهیزگاری نمی کنید (٦٥) .

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٦٦﴾

گفتند اشراف کفار ازقوم او هرآئینه مامی بینیم ترا در بی خِرَدی وهرآئینه ما می پنداریم ترا ازدروغگویان (٦٦) .

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٧﴾

گفت ای قوم من نیست بامن هیچ بی خِرَدی ولیکن من پیغامبرم ازجانب پروردگار عالمها (٦٧) .

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿٦٨﴾

میرسانم بشما پیغام های پروردگار خودمن برای شما نیك خواه باامانتم (٦٨) .

أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ ۚ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً ۖ فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾

ایا تعجب کردیدازآنکه بشماپندی آمد ازجانب پروردگار شما برمردی ازشما تابیم کندشمارا ویادکنیدآن وقت که گردانید شمارا جانشین بعدازقوم نوح وافزود برای شما درخلقت قوت را پس یادکنید نعمت های خدارا تاشمارستگار شوید (٦٩) .

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا ۖ فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧٠﴾

گفتند آیاآمده ای پیش ماتاعبادت کنیم خدارا تنهاوبگذاریم آنچه می پرستیدند پدرانِ ماپس بیارپیش ما آنچه وعید می کنی[1] مارا اگرهستی ازراستگویان (٧٠) .

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ ۖ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُم مَّا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ ۚ فَانتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ ﴿٧١﴾

گفت ثابت شدبرشما ازجانب پروردگار شما عقوبت وخشم آیامکابره می کنید بامن درباره نامهائ چند که شما مقررکرده اید آن را و پدران شما مقرر کرده اند[2] فرونیاورده است خدابرآن

(١) یعنی بیارعقوبت را .
(٢) یعنی بی اصل است .

هیچ دلیل پس انتظار کنیدهرآئینه من نیز همراه شما ازمنتظرانم (٧١) .

فَأَنجَيْنَٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا ۖ وَمَا كَانُوا۟ مُؤْمِنِينَ ﴿٧٢﴾

پس نجات دادیم اوراوکسانی را که بااوبودندبمهربانی ازجانب خویش وبریدیم بیخ آنانکه دروغ می پنداشتند آیاتِ ماراونه بودند ازمومنان (٧٢) .

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَٰلِحًا ۗ قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥ ۖ قَدْ جَآءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمْ ءَايَةً ۖ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِىٓ أَرْضِ ٱللَّهِ ۖ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٣﴾

وفرستادیم بسوی قوم ثمود برادرایشان صالح را گفت ای قوم من عبادت کنید خدارا نیست شماراهیچ معبودبرحق غیراو هرآئینه آمدبه شما دلیلی ازجانب پروردگار شما این ماده شتریست پیداکردهٔ خدا نشانه ای برای شماپس بگذاریدش که چرد درزمین خداومرسانید اورا هیچ بدی که آنگاه بگیرد شمارا عقوبتِ درد دهنده (٧٣) .

وَٱذْكُرُوٓا۟ إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ ٱلْجِبَالَ بُيُوتًا ۖ فَٱذْكُرُوٓا۟ ءَالَآءَ ٱللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا۟ فِى ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٧٤﴾

ویادکنید (نعمت الهی) آن وقت که گردانید شمارا جانشین بعدازقوم عاد واستقرار داد شمارا درزمین می سازید ازنرم آن کوشکها وتراشیده خانه ها می سازید کوه هارا پس یادکنید نعمت های خدارا وتباهی مکنید درزمین فسادافگنان (٧٤) .

قَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوا۟ مِن قَوْمِهِۦ لِلَّذِينَ ٱسْتُضْعِفُوا۟ لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَٰلِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِۦ ۚ قَالُوٓا۟ إِنَّا بِمَآ أُرْسِلَ بِهِۦ مُؤْمِنُونَ ﴿٧٥﴾

گفتندآن اشراف که سرکشی کرده بودند ازقوم او آنانرا که هرکسی ضعیف دانست ایشان را مرکسانی را که ایمان آورده بودنداز ایشان آیامیدانید که صالح فرستاده شده است ازجانب پروردگار خودگفتند اهل ایمان هر آئینه مابشریعتی که وی فرستاده شده است بآن شریعت

معتقدانیم (٧٥) .

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٧٦﴾

گفتند سرکشان هرآئینه ماب‌آنچه معتقد آن شدید کافرانیم (٧٦) .

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٧﴾

پس کشتندآن ماده شتررا وتجاوز کردند ازفرمان پروردگار خویش و گفتند ای صالح بیاربما آنچه وعیدمی کنی مارا اگر هستی ازپیغامبران (٧٧) .

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٧٨﴾

پس درگرفت ایشان رازلزله پس گشتند مرده بزانو افتاده درسرای خویش (٧٨) .

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ ﴿٧٩﴾

پس صالح اعراض کردازایشان وگفت ای قوم من رسانیدم به شماپیغام پروردگار خود ونیك خواهی کردم برای شماولیکن دوست نمی داریدنیك خواهی کنندگان را (٧٩) .

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾

فرستادیم لوط راآن وقت که گفت بقوم خود آیا می کنید آن بی حیائی که پیش ازشما نکرده است آنرا هیچ کس ازعالمها (٨٠) .

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ ۚ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ ﴿٨١﴾

هرآئینه شمامیروید بشهوت بسوی مردان بجز زنان بلکه شماگروه مُسرفانید (٨١) .

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ ۖ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿٨٢﴾

ونه بود جواب قوم او الّا آنکه گفتند بیرون کنید ایشان راازده خود هرآئینه ایشان مردم پاکیگی طلب کننده اند (٨٢) .

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٨٣﴾

پس نجات دادیم او را واهل خانه اورامگر زنش را که بودازباقی ماندگان درآنجا (٨٣) .

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٨٤﴾

وبارانیدم برایشان بارانی (یعنی از سنگ) پس بنگر چگونه بود آخر کارگناهگاران (٨٤) .

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۗ قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥ ۖ قَدْ جَآءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ فَأَوْفُوا۟ ٱلْكَيْلَ وَٱلْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا۟ ٱلنَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَٰحِهَا ۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٨٥﴾

وفرستادیم بسوی قوم مدین برادرایشان شعیب راگفت ای قوم من به پرستیدخدارا نیست شمارا هیچ معبودبرحق بجزاو هرآئینه آمده است بشما دلیلی ازپروردگار شما پس تمام کنید پیمانه وترازو را وناقص مدهید بمردمان اشیای ایشان را وفسادمکنید درزمین بعد اصلاح آن این کارکه‌گفتیم بهترست شمارا اگر باوردارندگانید (٨٥) .

وَلَا تَقْعُدُوا۟ بِكُلِّ صِرَٰطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِهِۦ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا ۚ وَٱذْكُرُوٓا۟ إِذْ كُنتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ ۖ وَٱنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٨٦﴾

ومنشینید بهرراه که بترسانید وبازدارید ازراهِ خدا کسی را که ایمان آورده است باو و مجوئید برای آن راه کجی ویادکنید آن وقت که شما اندك بودید پس بسیار گردانید شمارا وبنگرید چگونه شد آخرکار مفسدان (٨٦) .

وَإِن كَانَ طَآئِفَةٌ مِّنكُمْ ءَامَنُوا۟ بِٱلَّذِىٓ أُرْسِلْتُ بِهِۦ وَطَآئِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا۟ فَٱصْبِرُوا۟ حَتَّىٰ يَحْكُمَ ٱللَّهُ بَيْنَنَا ۚ وَهُوَ خَيْرُ ٱلْحَٰكِمِينَ ﴿٨٧﴾

واگر هست گروهی ازشما مومن بآنچه فرستاده شدم بآن وگروهی نا مومن پس صبر کنید تاآنکه فیصله کند خدا درمیانِ ما واوبهترین حکم کنندگان است[1] (٨٧) .

قَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوا۟ مِن قَوْمِهِۦ لَنُخْرِجَنَّكَ يَٰشُعَيْبُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَآ أَوْ لَتَعُودُنَّ فِى مِلَّتِنَا ۚ قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَٰرِهِينَ ﴿٨٨﴾

گفتند آن اشراف که سرکشی کرده بودند ازقوم او البته بیرون کنیم ترا ای شعیب وکسانی راکه همراه توایمان آوردند ازدِه خود یااین که بازگردید دردین ما گفت آیا عودکنیم اگر چه

---

(١) یعنی واجب آن بود که همه متفق میشدند برایمان وچون متفق نه شدندمنتظر فیصله کردن باشند والله اعلم .

ماناخواهان باشیم (۸۸) .

قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُم بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا ۚ وَمَا يَكُونُ لَنَا أَن نَّعُودَ فِيهَا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا ۚ وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۚ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا ۚ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴿٨٩﴾

هرآئینه بربسته باشیم برخدا دروغی اگر بازگردیم در دین شما بعد ازآنکه بَرهانید خدا مارااززوی وهرگزلائق نیست ماراکه عودکنیم درآن مگرآنکه خواهد خدا پروردگارما احاطه کرده است پروردگارما بهمه چیزاززوی دانش برخدا توکل کردیم ای پروردگارما فیصله کن درمیانِ ماودرمیان قوم مابراستی و توبهترین فیصله کنندگانی (۸۹) .

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ ﴿٩٠﴾

وگفتند آن اشراف که کافربودند ازقوم او بیارانِ خود اگر متابعت کنید شعیب را هرآئینه شماآنهنگام زیان کارباشید (۹۰) .

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٩١﴾

پس درگرفت ایشان رازلزله پس صبح کردند درسرای خویش مرده برزانوافتاده (۹۱) .

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۚ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ ﴿٩٢﴾

آنانکه دروغگوپنداشتند شعیب را گویا نبودند آنجا، آنانکه دروغگوپنداشتند شعیب را ایشان بودند زیان کار (۹۲) .

فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ ۖ فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿٩٣﴾

پس روگردانید ازایشان وگفت ای قوم من رسانیدم به شما پیغام های پروردگار خود و نیك خواهی کردم برای شما پس چگونه اندوه خورم برقوم کافران (۹۳) .

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ ﴿٩٤﴾

ونه فرستادیم درهیچ دیهی پیغامبری را مگرگرفتارکردیم اهل آنرا به سختی ورنج تا(بُوَد) که ایشان زاری کنند(۹٤) .

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوا وَّقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩٥﴾

بازدادیم بایشان بجای محنت راحت را تاآنکه بسیارشدندوگفتند هرآئینه رسیده بودپدران مارا سختی

وراحت[1] پس گرفتیم ایشان را ناگهان وایشان خبر نه داشتند (٩٥) .

وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرٰٓى اٰمَنُوْا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكٰتٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ وَلٰكِنْ كَذَّبُوْا فَاَخَذْنٰهُمْ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٩٦﴾

وا گراهلِ ده ها ایمان آوردندی وپرهیزگاری کردندی هرآئینه می کشادیم برایشان برکت هااز آسمان و زمین ولیکن به دروغ نسبت کردند پس گرفتیم ایشان را به وبال آنچه میکردند (٩٦) .

اَفَاَمِنَ اَهْلُ الْقُرٰٓى اَنْ يَّاْتِيَهُمْ بَاْسُنَا بَيَاتًا وَّهُمْ نَآئِمُوْنَ ﴿٩٧﴾

آیاایمن شدند اهلِ ده ها ازآنکه بیاید عذاب مابایشان شبانگاه و ایشان خفته باشند (٩٧) .

اَوَاَمِنَ اَهْلُ الْقُرٰٓى اَنْ يَّاْتِيَهُمْ بَاْسُنَا ضُحًى وَّهُمْ يَلْعَبُوْنَ ﴿٩٨﴾

آیاایمن شدند اهلِ ده ها ازآنکه بیاید بایشان عذاب ماوقت چاشت وایشان بازی میکنند(٩٨) .

اَفَاَمِنُوْا مَكْرَ اللّٰهِ ۚ فَلَا يَاْمَنُ مَكْرَ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿٩٩﴾

آیاایمن شدندازمکرخدا[2] پس ایمن نمی شوندازمکر خدا مگر گروه زیان کاران (٩٩) .

اَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِيْنَ يَرِثُوْنَ الْاَرْضَ مِنْۢ بَعْدِ اَهْلِهَآ اَنْ لَّوْ نَشَآءُ اَصَبْنٰهُمْ بِذُنُوْبِهِمْ ۚ وَنَطْبَعُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُوْنَ ﴿١٠٠﴾

آیا واضح نه شد برآنانکه وارث زمین می شوند بعد از هلاك ساکنان آن زمین که ا گر خواستمی عقوبت رسانیدمی ایشان را بسبب گناهان ایشان ومُهرمی نهیم بردل های ایشان پس ایشان نمی شنوند (١٠٠) .

تِلْكَ الْقُرٰى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ اَنْۢبَآئِهَا ۚ وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ ۚ فَمَا كَانُوْا لِيُؤْمِنُوْا بِمَا كَذَّبُوْا مِنْ قَبْلُ ۚ

این دِه هاراذکر می کنیم پیش تو بعض ازخبرهایشان وهرآئینه آمده بودند باهل

(١) یعنی عادت زمان است که گاهی سختی و گاهی راحت می باشداز باب مؤاخذه براعمال نه بُوَد والله اعلم .

(٢) یعنی ازتدبیراهلاك والله اعلم .

كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِ الْكٰفِرِيْنَ ﴿١٠١﴾

آنها پیغمبران ایشان بامعجزه ها پس هرگز ایمان نیاوردند بآنچه تکذیب کرده بودند پیش ازآن همچنین مُهرمی نهد خدا بردل های کافران (١٠١) .

وَمَا وَجَدْنَا لِاَكْثَرِهِمْ مِّنْ عَهْدٍ وَاِنْ وَّجَدْنَآ اَكْثَرَهُمْ لَفٰسِقِيْنَ ﴿١٠٢﴾

ونه یافتیم دراکثرایشان وفابعهد وهرآئینه یافتیم اکثرایشان رابدکار (١٠٢) .

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُّوْسٰى بِاٰيٰتِنَآ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهٖ فَظَلَمُوْا بِهَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿١٠٣﴾

باز فرستادیم بعد ایشان موسیٰ را به نشانه های خویش بسوی فرعون وقوم او پس کافر شدند بآن نشانه ها پس بنگرچگونه بود آخرکار مفسدان (١٠٣) .

وَقَالَ مُوْسٰى يٰفِرْعَوْنُ اِنِّيْ رَسُوْلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٠٤﴾

و گفت موسیٰ ای فرعون هرآئینه من پیغامبرم ازجانب پروردگار عالمها (١٠٤) .

حَقِيْقٌ عَلٰٓى اَنْ لَّآ اَقُوْلَ عَلَى اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَاَرْسِلْ مَعِيَ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ﴿١٠٥﴾

سزاوارم بآنکه نه گویم بر خدامگر سخن راست، آورده ام به شما نشانه ازجانب پروردگار شما پس بفرست بامن بنی اسرائیل را (١٠٥) .

قَالَ اِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِاٰيَةٍ فَاْتِ بِهَآ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿١٠٦﴾

گفت ا گرآورده ای معجزه پس حاضرکن آن را ا گرهستی ازراست گویان (١٠٦) .

فَاَلْقٰى عَصَاهُ فَاِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِيْنٌ ﴿١٠٧﴾

پس انداخت عصای خودرا پس نا گهان آن عصا اژدهائ ظاهر شد (١٠٧) .

وَّنَزَعَ يَدَهٗ فَاِذَا هِيَ بَيْضَآءُ لِلنّٰظِرِيْنَ ﴿١٠٨﴾

وبیرون آورددست خودراپس نا گهان آن دست نورانی شد برای بینندگان (١٠٨) .

قَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اِنَّ هٰذَا لَسٰحِرٌ عَلِيْمٌ ﴿١٠٩﴾

گفتند اشراف ازقوم فرعون بایکدیگر هرآئینه این شخص ساحرداناست (١٠٩) .

يُّرِيْدُ اَنْ يُّخْرِجَكُمْ مِّنْ اَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَاْمُرُوْنَ ﴿١١٠﴾

می خواهد که بیرون کند شمارا اززمین شما پس چه می فرمائید (١١٠) .

قَالُوْٓا اَرْجِهْ وَاَخَاهُ وَاَرْسِلْ فِي الْمَدَآئِنِ حٰشِرِيْنَ ﴿١١١﴾

گفتند ای فرعون موقوف داراورا وبرادر اورا و بفرست در شهرها نقیبان را (١١١) .

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سٰحِرٍ عَلِيمٍ ﴿١١٢﴾

تابیارندپیش توهرساحر دانارا (١١٢) .

وَجَاۤءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوٓا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغٰلِبِينَ ﴿١١٣﴾

وآمدند ساحران پیش فرعونگفتند هرآئینه مارا مزدی می باید اگر غالب شویم (١١٣) .

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿١١٤﴾

گفت آری وهرآئینه شما ازمقربان باشید (١١٤) .

قَالُوا يٰمُوسٰىٓ إِمَّآ أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّآ أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ﴿١١٥﴾

گفتند ای موسیٰ یااین است که نخست توافگنی یاماباشیم اندازنده (١١٥) .

قَالَ أَلْقُوا ۚ فَلَمَّآ أَلْقَوْا سَحَرُوٓا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاۤءُو بِسِحْرٍ عَظِيمٍ ﴿١١٦﴾

گفت موسیٰ شما افگنید پس آن هنگام که افگندند بجادو بستند چشم های مردمان را و بترسانیدند ایشان را وآوردند جادوئ بزرگ را(١١٦) .

وَأَوْحَيْنَآ إِلٰى مُوسٰىٓ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ۚ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٧﴾

ووحی فرستادیم بسوی موسیٰ که بیفگن عصای خودرا پس ناگهان آن عصافرومی بردآنچه بدروغ اظهار میکردند (١١٧) .

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾

پس ثابت شد حق وباطل شدآنچه می کردند (١١٨) .

فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صٰغِرِينَ ﴿١١٩﴾

پس قوم فرعون مغلوب شدند آنجاوخوار گشتند (١١٩) .

وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سٰجِدِينَ ﴿١٢٠﴾

وانداخته شدند ساحران سجده کنان (١٢٠) .

قَالُوٓا آمَنَّا بِرَبِّ الْعٰلَمِينَ ﴿١٢١﴾

گفتند ایمان آوردیم به پروردگار عالمها (١٢١) .

رَبِّ مُوسٰى وَهٰرُونَ ﴿١٢٢﴾

پروردگار موسیٰ وهارون (١٢٢) .

قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ ۖ إِنَّ هٰذَا لَمَكْرٌ مَكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَآ أَهْلَهَا ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿١٢٣﴾

گفت فرعون آیاایمان آوردید بموسی پیش ازآنکه إجازت دهم شمارا هرآئینه این تدبیریست که اندیشیده ایدآنرا درشهرتابیرون کنید ازین شهر ساکنان آنرا پس خواهید دانست (١٢٣) .

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٢٤﴾

البته بِبُرَم دست های شمارا وپاهای شمارا بخلاف یکدیگر(١) بازبردارکشم شمارا همه یك جا (١٢٤) .

قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ﴿١٢٥﴾

گفتند هرآئینه مابسوی پروردگار خودرجوع کنندگانیم (١٢٥) .

وَمَا تَنقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا ۚ رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ ﴿١٢٦﴾

وانکارنمی کنی برما مگرآنکه ایمان آوردیم به نشانه های پروردگار خویش چون بیامدبما ای پروردگارمابریزبرما شکیبائی و قبض ارواح ماکن درحالیکه مسلمان باشیم (١٢٦) .

وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ ۚ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ﴿١٢٧﴾

وگفتند اشراف از قوم فرعون آیامی‌گذاری موسیٰ وقوم اورا تافسادکنند درزمین و تابگذاردعبادت ترا ومعبودان ترا گفت خواهیم کشت پسران بنی اسرائیل را و زنده خواهیم‌گذاشت دختران ایشانرا ومابرایشان غالبانیم (١٢٧) .

قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا ۖ إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٢٨﴾

گفت موسیٰ بقوم خود مددطلبید ازخدا وصبرکنید هرآئینه زمین خداراست اووارث می کند هرکراخواهد ازبندگان خویش وسرانجام خوب برای پرهیزگاران است (١٢٨) .

قَالُوا أُوذِينَا مِن قَبْلِ أَن تَأْتِيَنَا وَمِن بَعْدِ مَا جِئْتَنَا ۚ قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٢٩﴾

گفتند ایذا داده شدیم پیش ازآنکه بیائی نزدیك ماو بعدازآنکه آمدی نزدیك ما گفت امید است که پروردگار شما هلاك کنددشمن شمارا وخلیفه گرداند شمارا درزمین پس بنگرد چگونه عمل می

(١) یعنی دست راست وپای چپ والله اعلم .

كنيد (١٢٩) .

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣٠﴾

وهرآئينه گرفتاركرديم كسان فرعون را بقحط ها وبه نقصان ميوه ها تاشود كه ايشان پندپذيرند (١٣٠) .

فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَٰذِهِ ۖ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُ ۗ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِندَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣١﴾

پس چون آمدى بايشان فراخى گفتندى اين لائق ماست وا گربرسيدى بايشان سختى شگون بدگرفتندى موسىٰ وكسانيكه باوى بودند آ گاه باش جزاين نيست كه شگون بدايشان نزديك خداست وليكن بيشتر ازايشان نمى دانند[1] (١٣١) .

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾

و گفتند كسان فرعون اى موسىٰ هرچه بيارى آن راازنشانه ها تاسحركنى مارابدان پس مانيستيم ترا باوردارنده (١٣٢) .

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿١٣٣﴾

پس فرستاديم برايشان طوفان وملخ و كنه (شپش) وغوكها (قورباغها) وخون نشانه هاى واضح كرده شده پس سركشى كردند وبودندقوم گناهگاران (١٣٣) .

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ ۖ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٣٤﴾

ووقتيكه فرودآمد برايشان عقوبت گفتند اى موسىٰ دعاكن بجناب پروردگار خودبآن اسماء وادعيه كه وحى كرده است نزديك توا گرزائل كنى ازما عقوبت رااالبته معتقد شويم تراو به فرستيم باتو بنى اسرائيل را (١٣٤) .

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُم بَالِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ ﴿١٣٥﴾

پس چون زائل كرديم ازايشان عقوبت راتامدتى كه ايشان رسندگانند بآن نا گهان عهدمى شكستند (١٣٥) .

---

(١) يعنى مؤاخذه اعمال برايشان است والله اعلم .

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنٰهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِاٰيٰتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غٰفِلِينَ ﴿١٣٦﴾

پس انتقام‌گرفتیم ازایشان پس غرق کردیم ایشان را در دریا بسبب آنکه ایشان دروغ می‌پنداشتند آیاتِ ماراوبودند ازآن بی خبر (١٣٦) .

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بٰرَكْنَا فِيهَا ۖ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنٰى عَلٰى بَنِي إِسْرَاءِيلَ ۙ بِمَا صَبَرُوا ۖ وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ﴿١٣٧﴾

ومیراث دادیم گروهی را که ضعیف شمرده می شدند مشارق ومغارب زمینی که برکت نهادیم درآن[١] راست شدوعدهٔ نیك پروردگارتو بربنی اسرائیل بسبب آنکه صبرکردند وخراب کردیم آنچه ساخته بود فرعون وکسان او وآنچه برمی افراشتند (١٣٧) .

وَجٰوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَاءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلٰى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلٰى أَصْنَامٍ لَهُمْ ۚ قَالُوا يٰمُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلٰهًا كَمَا لَهُمْ اٰلِهَةٌ ۚ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿١٣٨﴾

وگذرانیدیم بنی اسرائیل را ازدریا پس آمدند برگروهی که مجاورت می کردند بربتان خویش گفتند (بنی اسرائیل) ای موسیٰ بسازبرای مامعبودی چنانکه ایشان را هستند معبودان‌گفت هرآئینه شما گروهی هستید که نادانی می کنید (١٣٨) .

إِنَّ هٰؤُلَاءِ مُتَبَّرٌ مَا هُمْ فِيهِ وَبٰطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٩﴾

هرآئینه این جماعت باطل کرده شده است مذهبی که ایشان درآنند وباطل است آنچه میکردند (١٣٩) .

قَالَ أَغَيْرَ اللّٰهِ أَبْغِيكُمْ إِلٰهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعٰلَمِينَ ﴿١٤٠﴾

گفت موسیٰ آیاغیرخدا طلب کنم برای شما معبودی واوفضل داده است شمارا بر عالمها (١٤٠) .

وَإِذْ أَنْجَيْنٰكُمْ مِنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۚ يُقَتِّلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۚ وَفِي ذٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿١٤١﴾

ویادکنید نعمتِ ما چون نجات دادیم شمارا ازکسان فرعون می رسانیدند به شما عقوبتِ سخت می کشتند پسران شمارا وزنده می‌گذاشتند دختران شمارا

(١) یعنی زمین شام بایشان دادیم چه بقعه های شرقیه وچه بقعه های غربیه والله اعلم.

ودرین مقدمه آزمایش بزرگ بود ازجانب پروردگارشما (١٤١) .

وَوٰعَدْنَا مُوسٰى ثَلٰثِيْنَ لَيْلَةً وَّاَتْمَمْنٰهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيْقَاتُ رَبِّهٖۤ اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً ۚ وَقَالَ مُوسٰى لِاَخِيْهِ هٰرُوْنَ اخْلُفْنِيْ فِيْ قَوْمِيْ وَاَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيْلَ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿١٤٢﴾

ووعده کردیم باموسیٰ سی (٣٠) شب وتمام کردیم آن میعاد را بده شب پس کامل شدمیعاد پروردگار اوچهل شب و گفت موسیٰ به برادرخود هارون جانشین من باش درقوم من وصلاح کاری کن وپیروی منما راه تباه کاران را (١٤٢) .

وَلَمَّا جَآءَ مُوسٰى لِمِيْقَاتِنَا وَكَلَّمَهٗ رَبُّهٗ ۙ قَالَ رَبِّ اَرِنِيْۤ اَنْظُرْ اِلَيْكَ ؕ قَالَ لَنْ تَرٰىنِيْ وَلٰكِنِ انْظُرْ اِلَى الْجَبَلِ فَاِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهٗ فَسَوْفَ تَرٰىنِيْ ۚ فَلَمَّا تَجَلّٰى رَبُّهٗ لِلْجَبَلِ جَعَلَهٗ دَكًّا وَّخَرَّ مُوسٰى صَعِقًا ۚ فَلَمَّاۤ اَفَاقَ قَالَ سُبْحٰنَكَ تُبْتُ اِلَيْكَ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١٤٣﴾

وچون آمدموسیٰ بوعده‌گاه ما وسخن‌گفت بااوپروردگار او گفت ای پروردگار من بنمابمن خویشتن را تانظرکنم بسوی تو گفت خدا نخواهی دیدمراولیکن نظر کن بسوی کوه پس اگر قرارگیرد بجای خودخواهی دیدمراپس وقتیکه ظهور کرد پروردگار او برآن کوه‌گردانید آن کوه را زمین هموار ساخته وافتاد موسیٰ بی هوش شده پس چون به هوش آمدگفت به پاکی یادمی کنم ترابازگشتم بسوی تو ومن اول مسلمانانم (١٤٣) .

قَالَ يٰمُوسٰۤى اِنِّى اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسٰلٰتِيْ وَبِكَلَامِيْ ۖ فَخُذْ مَاۤ اٰتَيْتُكَ وَكُنْ مِّنَ الشّٰكِرِيْنَ ﴿١٤٤﴾

گفت ای موسیٰ هرآئینه من برگزیدم ترا بر مردمان به پیغام های خودوبه شنوانیدن سخن خودپس بگیرآنچه عطا کردم تراوباش ازشکر کنندگان (١٤٤) .

وَكَتَبْنَا لَهٗ فِى الْاَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَّتَفْصِيْلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ ۚ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَّاْمُرْ قَوْمَكَ يَاْخُذُوْا بِاَحْسَنِهَا ؕ سَاُورِيْكُمْ دَارَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿١٤٥﴾

ونوشتیم برای موسیٰ درلوح ها ازهرجنس برای پند وبرای بیان هرچیز پس گفتیم بگیرآنرابه قوت وبفرماقوم خودرا تاعمل کنند به بهترین آنچه دروست[1] خواهم

(١) یعنی بعزیمت دادن رخصت والله اعلم .

نمودشمارا سرای گناه گاران[1] (١٤٥).

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٤٦﴾

بازخواهم داشت ازتأمل در آیاتِ خودکسانی را که تکبر می کنند درزمین ناحق وا گربه ببینند هرنشانه که هست ایمان نیارند وا گر ببینند راه راستی راه نگیرند آن را وا گر ببینند راه گمراهی را راه گیرند آن را این به سبب آن است که ایشان دروغ پنداشتند آیاتِ مارا وازآن غافل ماندند (١٤٦).

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٧﴾

وکسانی که دروغ پنداشتند آیاتِ مارا ودروغ پنداشتند ملاقات آخرت را نابود شدعمل های ایشان جزاداده نه شوند الّا بآنچه می کردند (١٤٧).

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ﴿١٤٨﴾

وساختند قوم موسیٰ بعد رفتنش اززیور قبطیان گوساله بدنی که اورا آواز گاو بود آیاندیدندکه آن گوساله بایشان هیچ سخن نمی گفت ودلالت نمی کرد ایشان را به هیچ راه معبود گرفتند آن را وایشان ستمگاربودند (١٤٨).

وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾

وچون نادم شدند ودیدند که ایشان گمراه شدند گفتند ا گر مهربانی نکند برما پروردگارما ونیامرزد مارا البته باشیم اززیان کاران (١٤٩).

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ

وچون بازآمد موسیٰ بسوی قوم خود خشمناك شده اندوهگین گشته گفت بد جانشینی است جانشینی که کردید پس

---

(١) یعنی منازل فرعونیان خراب شده خواهید دید .

وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ ۚ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١٥٠﴾

ازمن آیاشتاب کردیدازحکم پروردگار خویش وانداخت الواح را وگرفت موسیٰ سربرادر خودرا می کشیدش بسوی خود گفت هارون ای پسرمادر من هرآئینه این قوم ضعیف شمردند مرا ونزدیك بودند که بکشند مرا پس شادمکن بسبب اهانت من دشمنان را وشمارمکن مرا با گروه ستمگاران (١٥٠) .

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ ۖ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٥١﴾

گفت موسیٰ ای پروردگار من بیامرزمرا وبرادر مرا وداخل کن مارا دربخشایش خود وتوبخشاینده ترین بخشایندگانی (١٥١) .

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ﴿١٥٢﴾

هرآئینه کسانی که معبودگرفتند گوساله را خواهد رسید باین جماعت خشمی از پروردگار ایشان ورسوائی درحیات دنیا وهم چنین جزامی دهیم افترا کنندگان را (١٥٢) .

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٥٣﴾

وهرآئینه کسانی که گناه هاکردند بازتوبه نمودند بعد ازآن گناهان وایمان آوردند البته پروردگار توبعدازتوبه آمرزنده مهربان ست (١٥٣) .

وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ ۖ وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿١٥٤﴾

وچون ساکن شد خشم ازخاطر موسیٰ گرفت الواح را ودرمکتوب وی هدایت بود و بخشائش آنان را که ایشان از پروردگار خودمی ترسند (١٥٤) .

وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا ۖ فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ ۖ أَتُهْلِكُنَا

واختیار کرد موسیٰ ازقوم خود هفتادکس برای میعادما[1] پس وقتیکه گرفت ایشان

(١) یعنی تاعذرگویندازعبادت گوساله واین جماعت اگرچه عبادت نکرده بودند =

بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا ۖ إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ ۖ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۖ وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿١٥٥﴾

رازلزله گفت موسیٰ ای پروردگار من اگر می خواستی پیش ازین ایشان را ومرا هلاك می کردی[1] آیاهلاك می کنی مارا بجزای آنچه کردند بی خردان ازقوم مانیست این حادثه مگرامتحان تو گمراه می کنی بآن هرکراخواهی و راه می نمائی بآن هرکراخواهی توکارساز مائی پس بیامرز مارا ومهربانی کن برما وتوبهترین آمرزندگانی (١٥٥) .

وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ ۚ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ ۖ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ۚ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٦﴾

وبنویس (یعنی مقدرکن) برای ما درین دنیا نیکی ودرآخرت نیزنیکی هرآئینه ما رجوع کردیم بسوی تو گفت خداعذاب من می رسانمش بهرکه خواهم ومهربانی من احاطه کرده است هرچیزرا پس خواهم نوشت (رحمت کامله خودرا)[2] برای کسانیکه پرهیزگاری میکنند وزکوٰة میدهند و کسانیکه ایشان بآیاتِ مامعتقد می شوند[3] (١٥٦) .

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ

(خواهم نوشت رحمت اخرویه) برای آنانکه پیروی می کنند آن پیغامبررا که نبی امی است آنکه می یابند نعت اونوشته نزدیك خویش درتورات وانجیل می

= برعبادت کنندگان انکار هم نکردند پس خدای تعالی هلاك ساخت والله اعلم.

(١) یعنی اگر در بنی اسرائیل هلاك می شدند تهمت قتل برموسیٰ نه نهادندی والله اعلم .

(٢) یعنی درآخرت .

(٣) یعنی فساکتبهاآنست که درآخرزمان رحمت خاص باشد بمتابعان نبی امی والله اعلم .

لَهُمُ الطَّيِّبٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلٰلَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۚ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۙ أُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٥٧﴾

فرماید ایشان را بکارپسندیده ومنع می کند ایشان راازناپسندیده و حلال می سازدبرای ایشان پاکیزه هارا وحرام می کند برایشان ناپاکیزه هارا وساقط می کندازایشان بار گرانِ ایشان را وآن مشقت هارا که بود برایشان پس آنانکه ایمان آوردند باووتعظیم کردند اوراویاری دادند اوراوپیروی کردند نوری را که همراه وی نازل کرده شده است ایشانندرستگاران[1] (١٥٧) .

قُلْ يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۖ لَآ إِلٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۖ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمٰتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٨﴾

بگو ای مردمان هرآئینه من پیغامبر خدایم بسوی شماهمه یکجا، آن خدااوراست پادشاهی آسمان ها وزمین نیست هیچ معبود برحق مگر اوزنده می کندومی میراند پس ایمان آرید به خدا وبه پیغامبر اوکه نبی امی است آنکه تصدیق می نماید خدارا وسخنان اورا وپیروی کنید اوراتابُوَد که شما راه یاب شوید (١٥٨) .

وَمِنْ قَوْمِ مُوسٰىٓ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٩﴾

وازقوم موسیٰ گروهی هست که دلالت می کنند مردمان را براه راست و براستی حکم می کنند (١٥٩) .

وَقَطَّعْنٰهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا ۚ وَأَوْحَيْنَآ إِلٰى مُوسٰىٓ إِذِ اسْتَسْقٰىهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ ۖ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ۖ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ

ومتفرق ساختیم بنی اسرائیل رابه دوازده قسم قبیله قبیله گروه گروه و وحی فرستادیم بسوی موسیٰ وقتی که آب

---

(١) مترجم گوید بشارت دادن خدای تعالی حضرت موسیٰ راوبه امت مرحومه اول دلیل است برنبوت آنحضرت ولهذامی فرماید والله اعلم .

مَّشْرَبَهُمْ ۚ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ ۖ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ۚ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦٠﴾

خواستند ازوی قوم وی که بزن بعصای خود سنگ را پس روان شد ازآن سنگ دوازده چشمه بدانست هر گروهی آب خور خودرا وسایبان سَاختیم برایشان ابررا ونازل کردیم برایشان من و سلوی راگفتیم بخورید ازپاکیزه های آنچه روزی داده ایم شمارا وایشان برماستم نکردند ولیکن بر خویشتن ستم می کردند (١٦٠).

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ ۚ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٦١﴾

ویادکن چون‌گفته شدایشان را که ساکن شوید درین دیه وبخورید ازین دیه هرجاکه خواسته باشید وبگوئید حطه وداخل شوید به دروازه سجده کنان تابیامرزیم برای شماگناهان شمارا زیاده خواهیم دادنکوکاران را (١٦١) .

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٦٢﴾

پس بدل کردند ستمگاران ازبنی اسرائیل سخنی غیر آنچه فرموده شدایشان را پس فرستادیم برایشان عقوبتی ازآسمان بسبب آنکه ستم می کردند (١٦٢) .

وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ ۙ لَا تَأْتِيهِمْ ۚ كَذَٰلِكَ نَبْلُوهُم بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٣﴾

وسوال کن (یا محمد) یهودرا ازحال دیهی که بود ساکن برلب دریاچون ازحدمی گذشتند درروزشنبه وقتیکه می آمد ماهیان به ایشان ظاهر شده روزیکه ایشان به تعظیم شنبه مشغول می شدند وروزیکه تعظیم شنبه نمی کردند نمی آمدندایشان راهمچنین آزمودیم ایشان را بسبب آنکه فسق میکردند[1] (١٦٣) .

(١) مترجم‌گوید اهل دیه سه قسم بودند قسمی شکار میکردند وقسمی ازآن نهی می=

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا ۙ اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٦٤﴾

ویادکن چون گفت گروهی ازاهل آن دیه[1] چراپندمیدهید گروهی را که خدای تعالی هلاك خواهد کرد ایشان را یا عذاب خواهد کردایشان را عذاب سخت گفتند تامارا عذری باشدنزدیك پروردگار شماوتاباشد که ایشان پرهیزگاری کنند (١٦٤) .

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٥﴾

پس وقتی که فراموش کردند آنچه بآن پندداده شدایشانرا نجات دادیم کسانی را که منع میکردند ازکار بد وگرفتار کردیم ستمگاران را به عذاب سخت به سبب آنکه فاسق بودند (١٦٥) .

فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٦٦﴾

پس چون تکبر کردند ازترك آنچه منع کرده شدایشان راازآن گفتیم ایشانرا شوید بوزینگان خوارشده (١٦٦) .

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۗ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ ۖ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٧﴾

ویادکن چون آگاه گردانید پروردگارتو[2] که البته بفرستدبرایشان تاروزقیامت کسی راکه برساند بایشان عقوبتِ سخت هرآئینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و هرآئینه اوآمرزنده مهربان است[3] (١٦٧) .

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا ۖ مِّنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَٰلِكَ ۖ وَبَلَوْنَاهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٦٨﴾

وپراگنده کردیم بنی اسرائیل را درزمین گروه گروه بعض ازایشان شائسته کارانند وبعض ازایشان سوای ایننند وامتحان

= کردند وقسمی نه شکارمی کردند ونه ازآن منع میکردند والله اعلم .

(١) یعنی قسم ثالث نهی کنندگان را والله اعلم .

(٢) یعنی بنی اسرائیل را .

(٣) بعدازین هیچ پادشاهی دربنی اسرائیل پیدانشده، همیشه لگدکوب پادشاهان اسلام ونصاریٰ ومجوس می بودند والله اعلم .

کردیم ایشانرا به نعمت هاومشقت ها تابازگردند یعنی بسوی راه راست (١٦٨) .

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتٰبَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هٰذَا الْأَدْنٰى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتٰبِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللّٰهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (١٦٩)

پس ازپی درآمدند بعد ازایشان جانشینان بدکه وارث تورات شدند[١] اختیارمی کنند متاع این عالم خسیس را ومی‌گویند آمرزیده خواهد شدبرای ما و اگر بیاید متاعی مانند آن البته بگیرندآن را[٢] آیا گرفته نه شده است برایشان آن عهد که در تورات است که نگویند برخدا مگرسخن راست وخوانده اند آنچه درتورات است و سرای آخرت بهتراست پرهیزگاران را آیا نمی فهمید (١٦٩) .

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتٰبِ وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ (١٧٠)

وآنانکه تمسك می کنند به کتاب وبرپاداشتند نمازرا هرآئینه ماضائع نمی سازیم مزداین نکوکاران را (١٧٠) .

وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنٰكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (١٧١)

ویادکن چون برداشتیم کوه را بالای ایشان‌گویاوی سائبان است وگمان کردند که آن کوه خواهد افتاد برایشان گفتیم بگیریدآنچه دادیم شمارا بجدتمام ویادکنید آنچه دروست تابُوَدکه شما درپناه باشید از عذاب (١٧١) .

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ

ویادکن چون‌گرفت پروردگار توازبنی آدم ازپشت ایشان اولاد ایشان را[٣] وگواه

---

(١) یعنی احباربنی اسرائیل .

(٢) یعنی مصراندبراخذآن و غیر نادم اند ازان وتوبهٔ مصرغیر نادم صحیح نیست والله اعلم .

(٣) یعنی روزمیثاق ازآدم اولاد او را پیدا کرد از ایشان اولاد ایشانرا به ترتیبی که =

ذُرِّيَّتَهُمْ وَاَشْهَدَهُمْ عَلٰٓى اَنْفُسِهِمْ اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوْا بَلٰى شَهِدْنَا اَنْ تَقُوْلُوْا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّا كُنَّا عَنْ هٰذَا غٰفِلِيْنَ ﴿١٧٢﴾

گردانید ایشان را برذات ایشان‌گفت آیانیستم پروردگار شماگفتند آری هستی‌گواه شدیم، این شاهدگرفتن برای احترازازآن است که بگوئید روز قیامت هرآئینه ما بی خبربودیم ازین توحید (۱۷۲) .

اَوْ تَقُوْلُوْٓا اِنَّمَآ اَشْرَكَ اٰبَآؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْۢ بَعْدِهِمْ اَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُوْنَ ﴿١٧٣﴾

یابگوئید که بجزاین نیست که شرك آورده بودند پدران ماپیش ازماومانسلی بودیم آمده بعد ازایشان[1] آیاهلاك می کنی مارا به عقوبت آنچه بدکاران کردند (۱۷۳) .

وَكَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ ﴿١٧٤﴾

وهم چنین بیان می کنیم نشانه ها وتاباز گردند (۱۷٤) .

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَاَ الَّذِيْٓ اٰتَيْنٰهُ اٰيٰتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاَتْبَعَهُ الشَّيْطٰنُ فَكَانَ مِنَ الْغٰوِيْنَ ﴿١٧٥﴾

وبخوان برایشان خبرکسی که داده بودیم اورا علمِ آیاتِ خودپس بیرون رفت ازعلم آن آیات[2] پس درپی اوشد شیطان پس‌گشت ازگمراهان[3] (۱۷۵) .

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنٰهُ بِهَا وَلٰكِنَّهٗٓ اَخْلَدَ اِلَى الْاَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوٰىهُ فَمَثَلُهٗ كَمَثَلِ الْكَلْبِ اِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ اَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا

و اگرمی خواستیم برداشتمی اورا[4] به سبب این آیات ولیکن میل کرد بسوی پستی وپیروی خواهش خود کردپس صفت اومانندِ صفت سگ ست اگر مشقت اندازی بروی[5] زبان ازدهن

= درخارج متحقق شد والله اعلم .

(۱) یعنی پس تقلید ایشان کردیم .

(۲) یعنی تابع شهوات نفس شدوتابع شهوات نفس را عالم نه توان‌گفت .

(۳) یعنی بلعم باعورکه کتب الهی خوانده بودبعدازآن باغوای زن خودایذای حضرت موسیٰ علیه السلام قصد کرد وملعون شد والله اعلم .

(٤) یعنی منزلت اورا .

(۵) یعنی بزدن ودوانیدن .

بِاٰيٰتِنَا ۚ فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُوْنَ ﴿١٧٦﴾

بیرون افگند واگر بگذاری اورانیز بیرون افگند این صفتِ گروهیست که دروغ شمردند آیات مارا پس بخوان برایشان این پندهارا تاایشان تأمل کنند (۱۷٦) .

سَآءَ مَثَلَا ِۨالْقَوْمُ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَاَنْفُسَهُمْ كَانُوْا يَظْلِمُوْنَ ﴿١٧٧﴾

باعتبار صفت بَداند این قوم که دروغ شمردندآیاتِ مارا وبرخویشتن ستم می کردند (۱۷۷) .

مَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِيْ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿١٧٨﴾

هرکه راخدا راه نمایدش پس همانست راه یابنده وهرکه‌گمراه سازدش پس آن جماعت ایشانند زیان کاران (۱۷۸) .

وَلَقَدْ ذَرَاْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيْرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ ۖ لَهُمْ قُلُوْبٌ لَّا يَفْقَهُوْنَ بِهَا ۖ وَلَهُمْ اَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُوْنَ بِهَا ۖ وَلَهُمْ اٰذَانٌ لَّا يَسْمَعُوْنَ بِهَا ۗ اُولٰٓئِكَ كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ ۗ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْغٰفِلُوْنَ ﴿١٧٩﴾

وهرآئینه بیافریدیم برای دوزخ بسیاری ازجنیان وآدمیان، ایشانرا دلهااست که نمی فهمند بآن وایشان راچشم هااست که نمی بینند بآن وایشان راگوشها است که نمی شنوند بآن ایشان مانند چهارپایان اند بلکه ایشان گمراه تراند، ایشانند بی خبران (۱۷۹) .

وَلِلّٰهِ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى فَادْعُوْهُ بِهَا ۖ وَذَرُوا الَّذِيْنَ يُلْحِدُوْنَ فِيْٓ اَسْمَآئِهٖ ۗ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٨٠﴾

وخداراست نام های نیك پس بخوانید اورابآن نام ها وبگذارید آنانراکه کجروی می کنند درنام های خدا[۱] داده خواهد شدمرایشان را جزای آنچه میکردند (۱۸۰) .

وَمِمَّنْ خَلَقْنَآ اُمَّةٌ يَّهْدُوْنَ بِالْحَقِّ وَبِهٖ يَعْدِلُوْنَ ﴿١٨١﴾

وازآن جماعت که پیداکرده ایم گروهی هست که دلالت می کنند بدین حق وبآن دین حق عدل می کنند (۱۸۱) .

وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ

وکسانیکه دروغ پنداشتند آیات مارا پایه

---

(۱) یعنی ابو المسیح وابو الملائکه می‌گفتند .

لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٢﴾

پایه بکشیم ایشان را (تامحل هلاك) ازآنجا که ندانند (١٨٢) .

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾

ومهلت دهم ایشان را، هرآئینه تدبیرمن محکم است (١٨٣) .

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿١٨٤﴾

آیاتأمل نه کردند که نیست این هم نشین ایشانرا هیچ دیوانگی، نیست اومگربیم کننده آشکارا (١٨٤) .

أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٥﴾

آیا نظر نکردند به پادشاهی خدا درآسمان ها و زمین ودرآنچه خدا پیدا کرده است ازهر چیز وآیانظر نه کردند درآن که شاید نزدیك شده باشداجل ایشان پس بکدام سخن بعد قرآن ایمان خواهند آورد (١٨٥) .

مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٨٦﴾

هرکه گمراه سازدش خدا پس هیچ راه نماینده نیست اورا ومی‌گذارد ایشان را خدا در گمراهی خویش سرگردان شده (١٨٦) .

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٧﴾

سوال می کنندتراازقیامت که کی باشداستقراراو بگوجزاین نیست که علم قیامت نزدیك پروردگار من است پدید نیارد او را در وقت اومگر خدا، گران شده است[1] در آسمانها و زمین نیاید به شمامگر ناگهان سوال می کنند ترااز قیامت گویاتوکاوش کننده ای ازآن[2] بگوجزاین نیست که دانش اونزدیك

(١) یعنی مشکل شده است دانستن قیامت .
(٢) یعنی عالمی بآن .

خداست ولیکن بسیاری ازمردمان نمی دانند (۱۸۷) .

قُلْ لَّآ اَمْلِكُ لِنَفْسِىْ نَفْعًا وَّلَا ضَرًّا اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ ۗ وَلَوْ كُنْتُ اَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ ۛ وَمَا مَسَّنِىَ السُّوْٓءُ ۛ اِنْ اَنَا اِلَّا نَذِيْرٌ وَّبَشِيْرٌ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ۝١٨٨

بگو نمی توانم برای خود نفع رسانیدن ونه ضررکردن مگرآنچه خداخواسته است و اگرمن دانستمی علم غیب را هرآئینه بسیارجمع کردمی ازجنس منفعت ونه رسیدی بمن هیچ سختی، نیستم من مگر بیم کننده مژده دهنده برای‌گروهی که ایمان دارند (۱۸۸) .

هُوَ الَّذِىْ خَلَقَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ وَّجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ اِلَيْهَا ۚ فَلَمَّا تَغَشّٰىهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيْفًا فَمَرَّتْ بِهٖ ۚ فَلَمَّآ اَثْقَلَتْ دَّعَوَا اللّٰهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ اٰتَيْتَنَا صَالِحًا لَّنَكُوْنَنَّ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ ۝١٨٩

اوست آنکه پیداکردشمارا ازیك شخص وپیداکردازآن یك شخص زنش را تاآرام گیرد باوی[۱] پس چون جماع کرد مردی با زن خودبارگرفت باری سبك پس آمدورفت کردبآن بارسبك بعد ازآن چون زن گران بارشد هردودعا کردند بجناب پروردگار خویش که اگر فرزندی شائسته به دهی ماراباشیم از شکر کننلگان (۱۸۹) .

فَلَمَّآ اٰتٰىهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهٗ شُرَكَآءَ فِيْمَآ اٰتٰىهُمَا ۚ فَتَعٰلَى اللّٰهُ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ۝١٩٠

پس چون دادخدای تعالی ایشان را فرزندی شائسته مقررکردند برای اوشریکان درآنچه داده بودبایشان پس بلند قدراست خداازآنچه شریك مقرر میکنند[۲] (۱۹۰) .

---

(۱) "فلماتغشها" کلام علیحده است یعنی خدای تعالی آدم وحوا را پیدا کرد و ازایشان نسل بسیار پیدا آورد بعد ازآن تفصیل انتشار نسل می فرماید .

(۲) مترجم‌گوید این تصویراست حال آدمی را که نزدیك ثقل حمل نیت اخلاص درست کند وچون فرزند بوجودآیدآن را فراموش سازد ودر تسمیه اشراك کند منطبق برحال حواچنانکه درحدیث صحیح آمده که حواحامله شد شیطان بدلش=

أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿١٩١﴾

آیااین مشرکان شریك مقررمی کنند چیزیرا که هیچ نمی آفریند وخوداین شریکان آفریده می شوند (۱۹۱) .

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٢﴾

ونمی توانند برای پرستندگان خود یاری دادن ونه خودرا یاری می دهند (۱۹۲) .

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ ۚ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ ﴿١٩٣﴾

وا گر بخوانیدبتان را بسوی راه هدایت پیروی نکنند شمارا[1] برابراست برشما آنکه دعوت کنید ایشان را یا خاموش باشیدای مشرکان (۱۹۳) .

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ ۖ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٩٤﴾

هرآئینه کسانیکه عبادت می کنید ایشان را بجزخدا بندگانند مانند شما پس بخوانید ایشان را وباید که قبول کنند دعای شمارا ا گر راست گوهستید (۱۹٤) .

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا ۖ أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا ۖ أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا ۖ أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۗ قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنْظِرُونِ ﴿١٩٥﴾

آیابتان را پاهاست که راه می روندبآن آیا ایشان را دست هااست که تناول میکنند بآن آیاایشان را چشم ها است که می بینند بآن آیاایشان را گوشهااست که می شنوندبآن بگوای مشرکان بخوانید شریکان خودرا بعدازآن تدبیر کنیددرحق من ومهلت مدهید مرا (۱۹۵) .

إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ ۖ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿١٩٦﴾

هرآئینه کارسازمن خداست آنکه فرود آورد کتاب را واو کارسازی می

= وسواس انداخت وچون فرزند متولد شدنام او عبدالحارث مقررکرد وچون وجود جمیع قیود درامثال این مواضع ضرور نیست آدم ازلوث شرك مبراباشد واین آیت عصمت اورا مصادمت نکندکذافهمت وازینجا دانسته شد که شرك در تسمیه نوعیست از شرك چنانکه اهل زبان ماغلامِ فلان وعبدفلان نام می نهند.

(۱) یعنی ا گر بگوئید بخورید یابیاشا میدهیچ کار نکَنند .

کندنیکوکاران را (١٩٦) .

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ ﴿١٩٧﴾

وآنانکه می خوانید ایشان را بجزخدا نمی توانند یاری دادن شمارا ونه خودرا یاری می دهند (١٩٧) .

وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٩٨﴾

واگر دعوت کنید ایشان رابسوی راه هدایت نه شنوند سخن شمارا وای بیننده می بینی بتان را که می نگرند بسوی تووحال آنکه ایشان هیچ نمی بینند (١٩٨) .

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿١٩٩﴾

لازم‌گیر درگذر راوبفرمابکار پسندیده واعراض کن ازنادانان (١٩٩) .

وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾

واگر بازدارد تراوسوسهٔ بازدارنده ازجانب شیطان آمده پس پناه طلب کن ازخدا هرآئینه اوشنوا دانااست (٢٠٠) .

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ ﴿٢٠١﴾

هرآئینه متقیان چون برسدایشان را وسوسه ازشیطان یادمی کنند خدارا پس ناگهان ایشان بینامی شوند (٢٠١) .

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ ﴿٢٠٢﴾

وبرادران کافران[1] می کَشَندایشان را در گمراهی سپس بازنمی ایستند (٢٠٢) .

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِم بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا ۚ قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِن رَّبِّي ۚ هَٰذَا بَصَائِرُ مِن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠٣﴾

وچون نمی آری نزدیك ایشان آیتی می گویند چراازطرف خوداختیار نکردی اورا بگوجزاین نیست که پیروی می کنم بآنچه فرود آورده شده است بسوی من از پروردگار من این قرآن نشانه ها است آمده از پروردگار شماوهدایت وبخشائش

(١) یعنی قرینان ایشان ازشیاطین والله اعلم .

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٢٠٤﴾

وَاذْكُر رَّبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ ﴿٢٠٥﴾

إِنَّ الَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ۩ ﴿٢٠٦﴾

است مرقوم مومنان را (۲۰۳) .

وچون خوانده شودقرآن پس گوش نهید بسوی آن وخاموش باشیدتامهربانی کرده شود برشما (٢٠٤) .

ویادکن پروردگار خودرا درضمیر خود بزاری وترسکاری ویادکن پروردگار خودرا به کلام پست تر از بلند آوازی بامدادوشبانگاه ومباش ازغافلان (۲۰۵) .

هرآئینه کسانیکه نزدیك پروردگار تواند[1] سر کشی نمی کنند ازعبادت او وبپاکی یادمیکنند اورا وبتخصیص اوراسجده می کنند (۲۰٦) .

سوره انفال مدنی است وآن هفتادو پنج آیت وده رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنفَالِ قُلِ الْأَنفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا

می پرسند ترااز غنیمت ها[2] بگوغنیمت

---

(۱) یعنی ملاء اعلی .

(۲) سورهٔ انفال درقصه بدر فرودآمده است درآیاتِ این سوره اشارت بوقائع این غزوه واقع شده ازآن جمله آنست که مسلمانان درغنیمت مباحثه میکردند آنانکه غارت کرده بودند خواستند که تنهابرآن متصرف شوند دیگران خواستند که علی السویه قسمت شود خدای تعالی نازل ساخت که متصرف ومختار درغنائم خدا ورسول اوست و دیگری را درین باب دخل نیست آنچه اهل جاهلیت می کردند ازاستیثارغارت کننده به غنیمت باطل است بعد ازآن حکم فرمود که غنیمت راپنج قسم بایدکرد چهار قسم درمیان غانمان قسمت کنندویکی در بیت المال نگاهداشته به تصرف آن رسانند واین تصرف حق است وعطای اوست بغیر دخل غارت کنندگان پس آیه "قل الانفال لله والرسول" محکم است غیر منسوخ.

اللهَ وَاَصْلِحُوْا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَاَطِيْعُوا اللهَ وَرَسُوْلَهٗٓ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ①

هاخداورسول راست[1] پس به ترسید ازخداوبه صلاح آرید صحبتی را كه ميان شما است وفرمانبرداری كنيد خداو رسول اورا ا گر مسلمان هستید (١) .

اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِرَ اللهُ وَجِلَتْ قُلُوْبُهُمْ وَاِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ اٰيٰتُهٗ زَادَتْهُمْ اِيْمَانًا وَّعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ ②

جزاین نیست كه مومنان آنانند كه چون يادكرده شودخدا بترسد دلهای ایشان وچون خوانده شود برایشان آيات خدا زیاده سازندآن آيات ايمان ايشان را وبرپروردگار خويش توكل ميكنند (٢) .

الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ③

آنانكه برپامی دارندنمازرا وازآنچه روزی داده ايم ايشانرا خرج ميكنند (٣) .

اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُوْنَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجٰتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ ④

این جماعت ایشانندمومنان به تحقیق ایشان را است مرتبه هانزديك پروردگار ایشان و آمرزش و روزی نيك (٤) .

كَمَآ اَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْۢ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَاِنَّ فَرِيْقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِيْنَ لَكٰرِهُوْنَ ⑤

چنانكه بیرون آورد ترا پروردگار توازخانه تو به تدبیر درست وهرآئينه گروهی ازمسلمانان ناخوشنودبودند[2] (٥) .

يُجَادِلُوْنَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَاَنَّمَا يُسَاقُوْنَ اِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُوْنَ ⑥

خصومت میکردند باتودرسخن راست بعدازآنكه ظاهرشد گویا رانده می شوند بسوی مرگ وایشان درآن می نگرند (٦) .

وَاِذْ يَعِدُكُمُ اللهُ اِحْدَى الطَّآئِفَتَيْنِ اَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّوْنَ اَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُوْنُ لَكُمْ

و(يادكن نعمت الهی را) آن گاه كه خدایکی ازدو گروه را وعده شمامی داد كه وی شمارا باشد و دوست میداشتید

---

(١) یعنی متصرف درغنائم ایشانند وكسی دیگررا اختیار نیست والله اعلم .

(٢) مترجم گوید یعنی کاردر قسمت بروفق حكم خدا ست نه موافق آرزوی نفوس چنانكه بیرون آوردن تو به تدبير درست بودنزديك خدابرخلاف اراده قوم والله اعلم .

وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ﴿٧﴾

که چیزی غیرازجنگ شمارابُوَد ومی خواست خدا که ثابت کنددین حق را به فرمان های خویش وبِبُرد بنیادکافران را (٧) .

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨﴾

می خواست تاثابت کند دین حق راو برطرف کنددین باطل را ا گر چه ناخوشنود باشند گناهگاران[1] (٨) .

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ ﴿٩﴾

آنگاه که فریادمی کردیددرجناب پروردگار خویش پس قبول کرد دعای شماراکه من مددکنندۀ شماام بهزار کس ازفرشتگان ازپس ایشان جماعت دیگر را آورده[2] (٩).

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾

ونساخت خدااین مدد را مگربرای مژده وتاآرام گیرد بآن دل های شما ونیست فتح مگراز نزديك خداهرآئینه خدا غالب باحکمت است (١٠) .

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ﴿١١﴾

آنگاه که می پوشیدشمارا به خواب سبك بجهت ایمنی ازنزديك خود وفرود می آورد برشما ازآسمان آب باران تاپاك كند شمارا بآن وِبَبَردازشما آلودگی شیطان وتابه بنددبر دلهای شما یعنی ثابت دارد

(١) مترجم گوید درین آیات تعریض است بآن قصه که آنحضرت صلی الله علیه وسلم درغزوه بدر برای غارت کردن کاروان قریش متوجه شدواین خبربکاروان رسید راه ساحل اختیار نمودند خلاص شدند ابوجهل که بمددایشان بالشکر گران از مکه بر آمده بود مقابل آنحضرت شد بعضی اصحاب میل بغارت کردن وجمعی قصد کارزار لشکر نمودند ومرضی آنحضرت جنگ با لشکر بود .

(٢) یعنی یکهزار بودند بعد ازآن سه هزار گشتند وبعد ازآن پنجهزار شدند والله اعلم.

دلهاراومحکم کند بآن پا هارا[1] (١١) .

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا ۚ سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿١٢﴾

آنگاه که وحی می فرستاد پروردگار توبسوی فرشتگان که من باشمام پس استوارسازید مسلمانان را رعب خواهم افگند دردلهای کافران پس بزنید ای مسلمانان بالای گردن ها وبزنیدازایشان هرطرف دست وپای را (١٢) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَمَن يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٣﴾

این بسبب آن ست که ایشان خلاف کردند باخدا و رسولِ او وهرکه خلاف کندباخدا و رسولِ او پس خداسخت عقوبت است (١٣) .

ذَٰلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ ﴿١٤﴾

این رابچشید وبدانید که کافران راست عذاب آتش (١٤) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ ﴿١٥﴾

ای مومنان چون بهم آئید باکافران انبوه کرده پس مگردانید بسوی ایشان پشت هارا (١٥) .

وَمَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦﴾

وهرکه بگرداند بسوی ایشان آن روز پشت خودرا مگررجوع کنان برای جنگی یاپناه جویان بسوی‌گروهی پس هرآئینه باز گشت بخشمی ازخدا وجای اوجهنم است وبدجای است (١٦) .

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ ۚ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ

پس شما نه کشته اید این جماعت را ولیکن خداکشت ایشان را وتو(یامحمد)

(١) مترجم گوید درین آیات تعریض است بآن قصه که روز بدر مسلمانان تشنه بودند ومحدث بودند آب نداشتند وازین جهت وسوسه شیطان به خاطر ایشان راه می یافت خدای تعالی باران فرستاد وخواب سبك را برچشم ایشان مسلط کرد تااضطراب دلِ ایشان برطرف شد .

وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ ۚ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٧﴾

نیافگندی[1] وقتیکه افگندی ولیکن خداافگند تاعطاکند مسلمانان را ازنزدیك خویش عطای نیکو هرآئینه خدا شنواداناست[2] (١٧) .

ذَٰلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ ﴿١٨﴾

حال این ست وبدانید که خداسست کننده است حیله کافران را (١٨) .

إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ ۖ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ ۖ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٩﴾

ای کافران ا گر طلب فتح می کردید پس آمدبه شمافتح وا گربازایستید پس آن بهتراست شمارا وا گر باز گردید(یعنی بنافرمانی) باز گردیم[3] ودفع نکندازشما جماعت شما هیچ چیزا گر چه بسیارباشد . وبدانید که خدابامسلمانان است[4] (١٩)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾

ای مسلمانان فرمانبرداری کنید خدا ورسول اورا و روی مگردانید از وی وحال آنکه شمامی شنوید (٢٠) .

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾

ومشوید مانند کسانیکه گفتند شنیدیم وایشان نمی شنوند[5] (٢١) .

---

(١) یعنی مشتِ خاك را .

(٢) مترجم گوید تعریض است بآن قصه که آن حضرت صلی الله علیه وسلم روز بدریك مشت سنگ ریزه بسوی کفارانداخت پس هیچکس ازایشان نه بود که چیزی ازآن به چشمش داخل نشد و استقلال تازه به خاطر مسلمانان ظاهر شد و این تائید غیبی بود .

(٣) یعنی بجزا دادن .

(٤) مترجم گوید تعریض است بآن قصه که ابو جهل روز غزوه بدر دعا کرد که بار خدایا هر که ازمیان این هردو گروه قاطع رحم است ودین باطل پیش گرفته است او را هلاك کن وبه حقیقت متصف باین صفات ابو جهل و قوم اوبودند .

(٥) یعنی مانندِ اهل کتاب که تورات خواندندوبه زبان معترف شدند وبرآن عمل نکردند.

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾

هر آئینه بدترین جنبندگان نزدیك خدا کرانندگنگانند آنانکه درنمی یابند (۲۲).

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾

و اگردانستی خدا درایشان نیکوئی البته شنواندی ایشان را[1] و اگر شنوانیدی ایشان را حتماً روی میگردانیدند اعراض کنان (۲۳).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾

ای مسلمانان قبول کنید خواندنِ خدا و رسول را چون بخواند شمارا برای آنکه زنده سازد شمارا وبدانید که خدا حائل می شود درمیان انسان ودل او[2] وبدانید که بسوی اوبرانگیخته خواهید شد (۲٤).

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٥﴾

وبه پرهیزید ازفتنه که نه رسد بآنانکه ستم کردندازشما به تخصیص[3] وبدانید که هرآئینه خدا سخت عقوبت کننده است[4] (۲۵).

وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٢٦﴾

ویادکنید (ای مهاجران نعمت الهی را) آن وقت که شما اندك بودید ناتوان شمرده درزمین یعنی درمکه می ترسیدید ازآنکه بربایند شمارا مردمان پس جای دادشمارا یعنی در مدینه وقُوَّت داد شمارابه نصرت خود و روزی داد شمارا ازچیزهای پاکیزه تاشود که سپاسداری کنید (۲٦).

---

(۱) یعنی لیکن ندانست.

(۲) یعنی عزیمت اونسخ می کند.

(۳) یعنی بلکه عام بودشامت او والله اعلم.

(٤) وآن فتنه ظهور عقوبت بدعت است یاترك نهی منکر والله اعلم.

يٰأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللّٰهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمٰنٰتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (٢٧)

ای مسلمانان خیانت مکنید باخداورسول وخیانت مکنید امانت های یك دیگررا درحالیکه شما میدانید (یعنی مفاسدآنرا) (٢٧) .

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (٢٨)

وبدانید که مال های شما و فرزندان شما آزمائش است وآنکه خدا نزدیك اوست مزدبزرگ (٢٨) .

يٰأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللّٰهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (٢٩)

ای مسلمانان اگربترسیدازخدا پیداکندبرای شما فتحی را ودر گذارد ازشماگناهان شمارا وبیامرزدشمارا وخدا صاحب فضل بزرگ است (٢٩) .

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللّٰهُ وَاللّٰهُ خَيْرُ الْمٰكِرِينَ (٣٠)

و (یادکن نعمت الهی)آنگاه که تدبیربد کردند درحق توکافران تاحبس کنند ترا یا بکشند ترا یا جلاوطن کنند ترا وایشان تدبیربَد می کردند وخدا تدبیر می کردیعنی بایشان وخدابهترین تدبیر کنندگانست[1] (٣٠) .

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيٰتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هٰذَا إِنْ هٰذَا إِلَّا أَسٰطِيرُ الْأَوَّلِينَ (٣١)

وچون خوانده شودبرین جماعت آیات ما گویند بتحقیق شنیدیم اگرخواهیم بگوئیم مانندا‌ین نیست این مگرافسانهٔ پیشینیان (٣١) .

وَإِذْ قَالُوا اللّٰهُمَّ إِنْ كَانَ هٰذَا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوِ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (٣٢)

وآنگاه که‌گفتند بارخدایا اگر هست این قرآن راست ازنزدیك تو پس ببار برما سنگ را ازآسمان یابیاربرما عذاب دردناك را (٣٢) .

وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللّٰهُ

ونیست خداکه عذاب کندایشان را وتو میان ایشان باشی وهرگز نیست

(١) تعریض است بآن قصه که کفاردرمکه جمع شده این رای می زدند .

مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿٣٣﴾

خداعذاب كنندهٔ ایشان وایشان استغفار می کنند[1] (٣٣) .

وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ ۚ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾

وچیست مرایشان را که عذاب نکندایشان را خدا حال آنکه ایشان باز میدارند یعنی مردمان را ازمسجدالحرام ونیستند سزاوار آنجا، نیستند سزاواردرآنجا مگرمتقیان ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند (٣٤) .

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً ۚ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٥﴾

ونیست[2] نمازایشان نزدیك خانه كعبه بجزصفیر کردن و دستك زدن پس بچشیدای کافران عذاب را بسبب کافرشدن خود (٣٥) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ﴿٣٦﴾

هرآئینه کافران خرج می کنند اموال خودرا تا بازدارند مردمان راازراهِ خدا پس زودباشد که خرج کنند آنرابازباشد آن خرج کردن پشیمانی برایشان بازمغلوب شوند وکافران بسوی دوزخ رانده شوند (٣٦) .

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٣٧﴾

تاجدا سازد خدای تعالی ناپاك را ازپاك وبنهد ناپاك را بعض آن رابربعض پس توده سازد آنهمه را یکجا پس درآردش دردوزخ این جماعت ایشانند زیان کاران[3] (٣٧) .

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ

بگو کافران را اگر بازایستند آمرزیده

---

(١) یعنی سنت خدا آنست که تاپیغامبر درمیان قوم باشد عذاب عام نمی کند وهمچنین تاآنکه ایشان استغفار کنند عذاب نمی آید .

(٢) یعنی بعد هجرت حضرت سیدالبشر ازمیان ایشان .

(٣) یعنی دراصل استحقاق عذاب دارند لیکن بودن پیغامبر درمیان ایشان مانع بودوالحال مانع برخاست .

وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾

شودایشان را آنچه‌گذشت واگرعود کنند پس هرآئینه‌گذشته است روش پیشینیان[١] (٣٨) .

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ ۚ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣٩﴾

وکارزار کنید ای مسلمانان بایشان تاآنکه نه باشد هیچ فتنه (یعنی غلبه کفر) و باشد دین همه برای خدا پس اگر بازایستند ازشرك (یعنی مسلمان شوند) هرآئینه خدا بآنچه میکنند بینااست (٣٩) .

وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ ۚ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٤٠﴾

واگر روبگردانند[٢] پس بدانید که خدا مددگار شما است نیك مددگار است وی و نیك یاری دهنده است (٤٠) .

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾

وبدانید که آنچه غنیمت یا فتیدازکافران ازهرجنس پس پنجم حصه اش خدااست و پیغامبررا وخویشاوندان را[٣] ویتیمان ودرویشان ومسافران را اگر ایمان آورده اید بخدا وبآنچه فروفرستادیم بربنده خویش روزی که جداشدحق از باطل روزیکه بهم آمدند دو گروه[٤] وخدابرهمه چیز تواناست[٥] (٤١) .

---

(١) مترجم‌گوید واین تصویر است حال کسی را که مي خواهد جزو کل چیزی را باطل سازد ودفع کند .

(٢) یعنی ازاسلام .

(٣) یعنی خویشاوندان پیغامبر راکه بنی هاشم وبنی مطلب اند .

(٤) یعنی ایمان آوردند بآنکه بروزبدرنصرت نازل فرمود .

(٥) مترجم گوید چهار خمس غانمان را بایددادیك خمس دربیت المال نهاده برپنج حصه قسمت بایك دیگر علی اختلاف المذاهب والله اعلم .

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوٰى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُّمْ لَاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعٰدِ وَلٰكِنْ لِّيَقْضِيَ اللّٰهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُوْلًا لِّيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَّيَحْيٰى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللّٰهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ (٤٢)

اگر ایمان آوردید بآنچه فروفرستادیم بربنده خود آنگاه که شما بکنارۀ نزدیك بودید وایشان بکنارۀ دورتروکاروان پائین ترازشما (یعنی بجانب دریا) واگر بایکدیگر وعده جنگ مقررمی کردید البته اختلاف می نمودید دروعده لیکن جمع کردتابانجام رساند خداکاری را که کردنی بود تاهلاك شود کسی که هلاك شده است بعد قیام حجت و زنده ماند کسی که زنده شده بعد قیام حجت وهر آئینه خدا شنواداناست[1] (٤٢) .

إِذْ يُرِيْكَهُمُ اللّٰهُ فِيْ مَنَامِكَ قَلِيْلًا وَلَوْ أَرٰىكَهُمْ كَثِيْرًا لَّفَشِلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيْمٌ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ (٤٣)

آنگاه که بنمود خداایشان را به تودر خواب تواند کی و اگر بنمودی بتوایشان را بسیارالبته بزدلی میکردید و بایکدیگر نزاع می نمودید درکار ولیکن خدا سلامت داشت یعنی ازبزدلی هر آئینه وی داناست بآنچه در سینه ها ست (٤٣) .

وَإِذْ يُرِيْكُمُوْهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِيْ أَعْيُنِكُمْ قَلِيْلًا وَّيُقَلِّلُكُمْ فِيْ أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللّٰهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُوْلًا وَإِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْأُمُوْرُ (٤٤)

وآنگاه که به نمود به شما ایشان را چون روبرو شدید درچشمهای شما اندکی وکم نمود شمارا درچشمهای آنان تابانجام رساند خدا کاری را که کردنی بود و بسوی خداباز گردانیده شوند کارها (٤٤) .

يٰأَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا إِذَا لَقِيْتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوْا وَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِيْرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ (٤٥)

ای مسلمانان چون روبروشوید با گروهی پس ثابت باشید و یادکنید خدارا بسیار

---

(١) مرادازهلاك اصرار برکفر است وازحیات مسلمان شدن واین که ایمان آورده اید بآنچه فروفرستادیم بربنده خود .

بود که شما رستگارشوید (٤٥) .

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾

وفرمانبرداری کنید خدا ورسول اورا وبایکدیگر نزاع مکنید که درین صورت بزدل شوید وبرود دولت (وقوت) شما وشکیبائی کنید هرآئینه خدا باشکیبایان است (٤٦) .

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِم بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٤٧﴾

ومباشید مانندکسانیکه بیرون آمدنداز خانه های خود ازروی سرکشی وخودنمائی بمردمان وبازمیدارند ازراه خدا وخداباآنچه می کنند دربر گیرنده است[1] (٤٧) .

وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٤٨﴾

وآنگاه که شیطان بیاراست برای این کافران کردار های ایشان را وگفت هیچ کس ازمردمان غلبه کننده نیست برشما امروز وهرآئینه من مدد کننده ام شمارا پس چون روبرو شدند هردوگروه باز گشت شیطان برپاشنهای خودوگفت هرآئینه من بی تعلقم ازشما هرآئینه من می بینم آنچه شما نه می بینید هرآئینه من می ترسم از خدا وخداسخت عقوبت است (٤٨) .

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَٰؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٤٩﴾

آنگاه که می گفتند منافقان وآنانکه در دلهای ایشان بیماریست فریفته کرده است این مسلمانان را دین ایشان وهرکه توکل کند برخدا هرآئینه خدا غالب درست کاراست (٤٩) .

---

(١) درین حالِ ابوجهل و تابعانِ اوست .

وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ يَتَوَفَّى ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ۙ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَٰرَهُمْ وَذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ ﴿٥٠﴾

و(تعجب میکردی) اگرمی دیدی (ای بیننده) چون فرشتگان قبض ارواح کافران می کنند میزنند بررویهای ایشان وبرپشتهای ایشان (ومی گویند) بچشید عذاب سوزان را (٥٠) .

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٥١﴾

این به سبب آن کردار که پیش فرستاده است دستهای شما و بسبب آنست که خدا ظلم کننده نیست بربندگان (٥١) .

كَدَأْبِ ءَالِ فِرْعَوْنَ ۙ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِىٌّ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ﴿٥٢﴾

مانند عادت قوم فرعون وآنانکه پیش ازایشان بودند کافرشدند بآیاتِ خدا پس گرفتار کرد خداایشان را بگناهان ایشان هرآئینه خداتوانا سخت عقوبت است (٥٢) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا۟ مَا بِأَنفُسِهِمْ ۙ وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٣﴾

این بسبب آنست که خدا هرگز نیست تغییردهنده هیچ نعمتی که انعام کرده باشد آنرابرقومی تاآنکه ایشان بدل کنند حالی را که درذات ایشانست[١] وبسبب آنست که خدا شنوادانا است (٥٣) .

كَدَأْبِ ءَالِ فِرْعَوْنَ ۙ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَٰهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَآ ءَالَ فِرْعَوْنَ ۚ وَكُلٌّ كَانُوا۟ ظَٰلِمِينَ ﴿٥٤﴾

مانند حال کسان فرعون وآنانکه پیش ازایشان بودند دروغ شمردند آیاتِ پروردگار خویش را پس هلاك ساختیم ایشان را بگناهان ایشان و غرق ساختیم کسان فرعون را وهریك ستمگاربودند (٥٤) .

إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٥﴾

هرآئینه بدترین جنبندگان نزدیك خدا آنانند که کافرشدند پس ایمان نمی

---

(١) یعنی کفران نعمت رابه شکرومعصیت را به طاعت .

آرند (٥٥) .

الَّذِينَ عٰهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِى كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾

آنانكه عهدبسته اى بايشان بازمى شكنند عهد خودرا درهرمرتبه وايشان پرهيزنمى كنند[١] (٥٦) .

فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِى الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِم مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٥٧﴾

پس اگر بيابى ايشان را درجنگ متفرق سازبه سبب كشتن ايشان آنان را كه پس پشت ايشان باشند بُوَد كه پندپذير شوند (٥٧) .

وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً فَانۢبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَآءٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَآئِنِينَ ﴿٥٨﴾

واگر بترسى ازگروهى خيانت را پس باز گردان بسوى ايشان عهد ايشانرا بنوعى كه همه برابر شوند[٢] هرآئينه خدادوست نميدارد خيانت كنندگان را (٥٨) .

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوٓا ۚ إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ ﴿٥٩﴾

وبايد كه نه پندارند كافران كه ايشان پيش دستى كرده اند هر آئينه ايشان عاجز نتوانند ساخت (٥٩) .

وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ ۚ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۚ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَىْءٍ فِى سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٦٠﴾

ومهياسازيد اى مسلمانان براى ايشان آنچه توانيد ازتوانائى[٣] وازآماده داشتن اسپان بترسانيدبآن دشمن خدارا ودشمن خويش را وقومى ديگررا نيزبجزايشان شمانمى دانيدايشان را خدا ميداند ايشان را[٤] وآنچه خرج كنيد ازهرچه باشد

---

(١) مترجم گويد تعريض است بقبائل يهود كه آنحضرت صلى الله عليه وسلم بايشان صلح كرده بودند وايشان وقت بعد وقت غدرمى نمودند والله اعلم .

(٢) يعنى ملامت نقض عهد برشمالازم نيايد والله اعلم .

(٣) يعنى استعمال آلات جنگ مثل تيرانداختن .

(٤) يعنى اهل نفاق را والله اعلم .

درراهِ خدا تمام داده شود به شما[۱] وشما ستم کرده نشوید (۶۰) .

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦١﴾

و اگرمیل کنند بصلح توهم میل کن بسوی آن[۲] وتوکل کن بر خداهرآئینه وی شنواداناست (۶۱) .

وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ ۚ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾

و اگر خواهند که فریب دهندترا پس کفایت کننده است ترا خداهمونست آنکه قوت دادترا بیاری دادن خود و به مسلمانان (۶۲) .

وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ ۚ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٣﴾

وهمونست آنکه الفت دادمیان دلهای ایشان اگر خرج می کردی آنچه درزمین است همه یك جا الفت نمی دادی میان دل های ایشان ولیکن خدا الفت افگند میان ایشان هرآئینه وی غالب باحکمت است (۶۳) .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٤﴾

ای پیغامبر کفایت کننده است ترا خدا و کفایت کنندۀ آنان راکه پیروی توکرده اند از مسلمانان (۶٤) .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ ۚ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ ۚ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾

ای پیغامبر رغبت دِه مسلمانان را برجنگ اگر باشند ازشما بیست کس صبر کننده غالب شوند بردوصدکس و اگر باشند ازشما صدکس غالب شوند برهزار کس ازکافران بسبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی فهمند[۳] (۶۵) .

---

(۱) یعنی ثواب او والله اعلم .

(۲) مترجم‌گوید این امر برای اباحت است والله اعلم .

(۳) مترجم‌گوید چون این آیت نازل شد واجب‌گشت ثبات با ده چندان ازکفار بعد=

اَلْـٰٔنَ خَفَّفَ اللّٰهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ اَنَّ فِيْكُمْ ضَعْفًا ؕ فَاِنْ يَّكُنْ مِّنْكُمْ مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَّغْلِبُوْا مِائَتَيْنِ ۚ وَاِنْ يَّكُنْ مِّنْكُمْ اَلْفٌ يَّغْلِبُوْۤا اَلْفَيْنِ بِاِذْنِ اللّٰهِ ؕ وَاللّٰهُ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ ﴿٦٦﴾

اکنون سبك ساخت خداازسرشما ودانست که درمیان شما ضعفی هست پس ا گر باشند ازشما صدکس شکیباغالب آیند بردوصدکس وا گر باشند ازشما هزارکس غالب آیند بردوهزار کس به فرمان خدا وخدا باصابران است (٦٦) .

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ اَنْ يَّكُوْنَ لَهٗۤ اَسْرٰى حَتّٰى يُثْخِنَ فِى الْاَرْضِ ؕ تُرِيْدُوْنَ عَرَضَ الدُّنْيَا ۖ وَاللّٰهُ يُرِيْدُ الْاٰخِرَةَ ؕ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٦٧﴾

سزاوار نه بود پیغامبری را که بدست وی اسیران باشند تاآنکه قتل بسیار بوجود آرد درزمین می خواهید مال دنیارا وخدامی خواهد مصلحت آخرت را وخدا غالب باحکمت است[1] (٦٧) .

لَوْلَا كِتٰبٌ مِّنَ اللّٰهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيْمَاۤ اَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿٦٨﴾

ا گر نبودی حکم از خداپیشی گرفته[2] البته میرسید به شمادرآنچه گرفتید عذاب بزرگ (٦٨) .

فَكُلُوْا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلٰلًا طَيِّبًا ۖ وَّاتَّقُوا اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٦٩﴾

پس بخورید ازآنچه غنیمت گرفتید حلال پاکیزه وبترسیدازخدا هرآئینه خداآمرزندهٔ مهربان است(شمارا) (٦٩) .

يٰۤاَيُّهَا النَّبِىُّ قُلْ لِّمَنْ فِىْۤ اَيْدِيْكُمْ مِّنَ الْاَسْرٰٓى ۙ اِنْ يَّعْلَمِ اللّٰهُ فِىْ قُلُوْبِكُمْ خَيْرًا يُّؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّاۤ اُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ؕ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٧٠﴾

ای پیغامبر بگو آنان را که دردستهای شمااند ازاسیران ا گرداند خدا دردل شمانیکی البته بدهد شمارا بهترازآنچه گرفته شد از شما وبیامرزد شمارا وخدا

= ازان منسوخ شدبوجوب ثبات درمقابله دوچند والله اعلم .

(١) مترجم گوید صحابه ازاسیران بدرفدا گرفتند باجتهاد خویش ومرضی نزدیك خدای تعالی قتل اینجماعت بود لیکن چون بنص صریح ممنوع نشده بود عفو فرمود این آیت نازل شد .

(٢) یعنی حکم غیر منصوص ومُقدَّر درلوح محفوظ والله اعلم .

امرزندهٔ مهربان است[۱] (۷۰) .

وَإِن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾

واگر خواهند خیانت باتو پس هر آئینه خیانت کرده بودند باخدا پیش ازین پس قدرت داد ترا برایشان وخداداناباحکمت است (۷۱) .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَّنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّن وَلَايَتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا ۚ وَإِنِ اسْتَنصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٧٢﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند وجهادنمودند بمالهای خود و جانهای خود در راه خدا وآنانکه جای دادند ونصرت کردند این جماعت بعض ایشان دوستان بعض اند[۲] وآنانکه ایمان آوردند وهجرت نه کرده اند نیست شمارا ازکارسازی ایشان هیچ چیز تاآنکه هجرت کنند واگر مددطلب کنند از شما درکاردین پس لازم است برشما یاری کردن مگربرجماعتی که میان شما ومیان ایشان عهد باشد وخدا بآنچه می کنید بیناست (۷۲) .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ﴿٧٣﴾

وآنانکه کافرشدند بعض ایشان دوستان بعض اند اگر نه کنید ای مسلمانان این کاررا[۳] باشد فتنه درزمین وفساد بزرگ (۷۳) .

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَّنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا ۚ لَّهُم

وآنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند وجهاد نمودند در راهِ خدا وآنانکه جای دادند و نصرت کردند این جماعت ایشانند

---

(۱) تعریض است بعباس بن عبدالمطلب .
(۲) یعنی مهاجر وانصار بایکدیگرباید که نصرت دهند ومواخات کنند .
(۳) یعنی دوستی را بایکدیگر .

مَغۡفِرَةٌ وَّرِزۡقٌ كَرِيۡمٌ ﴿٧٤﴾

مومنان به حقیقت ایشان راست آمرزش و روزی نیك (٧٤) .

وَالَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا مِنۡۢ بَعۡدُ وَهَاجَرُوۡا وَجٰهَدُوۡا مَعَكُمۡ فَاُولٰٓـئِكَ مِنۡكُمۡ‌ؕ وَاُولُوا الۡاَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ اَوۡلٰى بِبَعۡضٍ فِىۡ كِتٰبِ اللّٰهِ‌ؕ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَىۡءٍ عَلِيۡمٌ ﴿٧٥﴾

وآنانکه ایمان آوردند پس ازین وهجرت نمودند وجهادکردند همراه شمااین گروه نیزازشماست وخویشاوندان بعض ایشان نزدیك تراند به بعضی درحکم خدا[1] هرآئینه خدا بهمه چیز داناست (٧٥) .

سوره توبه مدنی است وآن يك صدوبيست ونه آيت وشانزده رکوع است

بَرَآءَةٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوۡلِهٖۤ اِلَى الَّذِيۡنَ عٰهَدْتُّمۡ مِّنَ الۡمُشۡرِكِيۡنَ ﴿١﴾

قطع معامله است ازجانب خدا و رسول او از آنانکه عهد بسته بودید بایشان از مشرکان[2] (١) .

فَسِيۡحُوۡا فِى الۡاَرۡضِ اَرۡبَعَةَ اَشۡهُرٍ وَّاعۡلَمُوۡۤا اَنَّكُمۡ غَيۡرُ مُعۡجِزِى اللّٰهِ‌ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ مُخۡزِى الۡكٰفِرِيۡنَ ﴿٢﴾

پس سیرکنیدای مشرکان درزمین چهار ماه وبدانید که شما عاجز کنندهٔ خدا نه باشید وبدانید آنکه خدارسواکنندهٔ کافران است (٢) .

وَاَذَانٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوۡلِهٖۤ اِلَى النَّاسِ يَوۡمَ الۡحَجِّ الۡاَكۡبَرِ اَنَّ اللّٰهَ بَرِىۡٓءٌ مِّنَ الۡمُشۡرِكِيۡنَ‌ۙ وَرَسُوۡلُهٗ‌ؕ فَاِنۡ تُبۡتُمۡ فَهُوَ خَيۡرٌ

وخبر رسانید نست ازجانب خدا و رسول او بسوی مردمان روزحج بزرگ که خدا بیزاراست از مشرکان ورسول اونیز

---

(١) یعنی صله وتوارث میان اهل قرابت که اصحاب فروض وعصبات اند لازم است والله اعلم .

(٢) مترجم‌گویدسال نهم حضرت پیغامبرصلی الله علیه وسلم علی مرتضیٰ را در موسم حج فرستاد تاعهود مشرکان را براندازد الّاچهار ماه ایشان را فرصت داد تادر امر خود تأمل کنند مگردوفرقه بنی ضمره و بنو کنانه که خیانت درعهد نکرده بودند پس خدای تعالی عهد ایشانرا تامیعاد آن مقرر داشت وتا ندا کند که بعد ازین هیچ مشرك بحج نیاید وهیچ برهنه طواف کعبه نکند واوائل سوره برأة برایشان برخواند والله اعلم .

لَكُمْ ۚ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ ۗ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣﴾

بیزاراست پس اگر توبه کنید آن بهتر باشدشمارا واگر روی بگردانید پس بدانید که شما عاجز کننده خدانه اید وخبرده کافران را به عذاب درد دهنده (۳) .

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٤﴾

مگر آنانکه بایشان عهد بسته بودید ازمشرکان بازکمی نه کردند باشما درچیزی ومدد ندادند برشما کسی را پس بوفا رسانید بسوی ایشان عهدایشان را تامدت ایشان هرآئینه خدا دوست می دارد پرهیزگاران را(٤) .

فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ ۚ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥﴾

پس چون آخر شوند ماه های حرام[1] بکشید مشرکان را هرجاکه بیابید وبگیریدایشان را وبند کنید ایشان را وبنشنید برای ایشان بهرکمین‌گاه پس اگر توبه کنند وبرپادارند نمازرا وبدهند زکوٰة را پس بگذارید راهِ ایشان را هرآئینه خدا آمرزنده مهربان است (۵) .

وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦﴾

واگر کسی ازمشرکان طلب امان کند ازتوامان بده اورا تابشنود قرآن بازبرسان اورا بجای ایمنی وی واین بسبب آنست که ایشان گروهی هستند که نمیدانند[2] (٦) .

---

(۱) یعنی آن چهارماه که ایشان را فرصت داده بودند .

(۲) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم باکفار قریش صلح کرده بودند وایشان درمقام عذرآمده برکشتن حلفای آنحضرت اعانت نمودند واین صورت سبب فتح مکه شد خدای تعالی برای ترغیب برغزوهٔ فتح آیات فرستاد .

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللّٰهِ وَعِنْدَ رَسُولِهٖٓ إِلَّا الَّذِينَ عٰهَدْتُّمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ ۗ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٧﴾

چگو نه بود مشركان را عهدنزديك خدا ونزديك رسول او إلا آنانكه عهد بسته بوديد بايشان نزديك مسجد حرام[1] پس مادام كه برعهد ثابت باشند براى شما، نيز ثابت باشيد شمابراى ايشان هرآئينه خدا دوست ميدارد پرهيز گاران را (٧) .

كَيْفَ وَإِنْ يَّظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَّلَا ذِمَّةً ۗ يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبٰى قُلُوبُهُمْ ۚ وَأَكْثَرُهُمْ فٰسِقُونَ ﴿٨﴾

چگونه بُودمشركان را عهد و ا گر غالب آيند برشما نگاه ندارند درباب شماحق خويشى را و نه عهد را رضامند مى سازند شمارا بدهنهاى خويش وقبول نمى كنددلهاى ايشان و بيشترين ايشان فاسقانند (٨) .

اِشْتَرَوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهٖ ۚ إِنَّهُمْ سَآءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩﴾

خريد كردند بآيت هاى خدابهاى اندك[2] پس بازداشتند مردمان را ازراه خدا هرآئينه بدكارى ست كه ايشان مى كردند (٩) .

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلًّا وَّلَا ذِمَّةً ۚ وَأُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ ﴿١٠﴾

نگاه نمى دارند درباره هيچ مسلمانى حق خويشى را و نه عهدرا وآن جماعت ايشانند از حددر گذشتگان (١٠) .

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ ۗ وَنُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّعْلَمُونَ ﴿١١﴾

پس ا گر توبه كنند وبرپادارندنمازرا وبدهند زكوٰة را پس ايشان برادران شمااند دردين وواضح مى سازيم آيات را براى گروهى كه مى دانند (١١) .

وَإِنْ نَّكَثُوٓا أَيْمَانَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوٓا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ

و ا گر بشكنند سو گندان خويش را پس ازعهد بستن خويش وطعنه زنند دردين شما پس كارزار كنيد باپيشوايان كفر

(١) يعنى قريش كه درحديبيه بايشان صلح واقع شده بود .

(٢) يعنى تابع شهوات نفس شدند ايمانراترك كردند .

إِنَّهُمْ لَآ أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنتَهُونَ ﴿١٢﴾

هرآئینه سوگند نیست ایشان را، بُوَد که ایشان بازمانند (١٢) .

أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوٓا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُم بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ أَتَخْشَوْنَهُمْ ۚ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَوْهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾

آیاجنگ نمی کنید با گروهی که شکستند سوگندان خویش را وقصد کردند جلاوطن ساختن پیغامبررا وایشان ابتداکردند نقض عهد باشما اول مرتبه آیامی ترسید ازایشان پس خدا سزاوار تراست بآنکه بتر سید از وی اگر مسلمانید (١٣) .

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٤﴾

جنگ کنید بایشان تاعذاب کند ایشان را خدابدستهای شما ورسواسازدایشان را وفتح دهدشمارا برایشان و شفابخشد سینه های‌گروه مسلمان را (١٤) .

وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ ۗ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٥﴾

ودورکند اندوه دلهای ایشان را وبرحمت باز گردد برهرکه خواهد وخدا دانای استوار کار است (١٥) .

أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً ۚ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

آیاگمان کردید که‌گذاشته شوید[1] وهنوز متمیز نه ساخته است خدا آنان را که جهاد کرده اند از شماونه گرفته اند بجزخدا وبجزپیغامبر او وبجز مومنان هیچ دوست پنهانی وخدا داناست بآنچه می کنید (١٦) .

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِم بِالْكُفْرِ ۚ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿١٧﴾

روانباشد مشرکان را که آباد سازند مسجد های خدارا اعتراف کرده برخود به کفر آن جماعت باطل شد عمل های ایشان ودرآتش همیشه باشند

---

(١) یعنی تکلیف جهاد نشود .

گانند(۱) (۱۷) .

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسٰجِدَ اللّٰهِ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللّٰهَ فَعَسٰٓى اُولٰٓئِكَ اَنْ يَّكُوْنُوْا مِنَ الْمُهْتَدِيْنَ ﴿۱۸﴾

جزاین نیست که عمارت می کند مسجد های خدارا کسیکه ایمان آورده است بخدا وبروزآخر وبرپاداشته است نمازرا وداده است زکوٰة ونه ترسیده است مگرازخدا پس توقع است که این جماعت ازراه یافتگان باشند (۱۸) .

اَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَآجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَجٰهَدَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ؕ لَا يَسْتَوٗنَ عِنْدَ اللّٰهِ ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۱۹﴾

آیاکردید آب نوشانیدن حاجیان را وآباد ساختن مسجد حرام را مانند عمل کسی که ایمان آورده است بخدا و روز آخر وجهاد کرده است درراه خدا برابرنیستند نزدِ خدا وخدا راه نمی نمایدگروه ستمگاران را (۱۹) .

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَهَاجَرُوْا وَجٰهَدُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ ۙ اَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ ؕ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفَآئِزُوْنَ ﴿۲۰﴾

وآنانکه ایمان آوردند وهجرت کردند وجهادنمودند در راه خدا باموال خویش وجان های خویش بزرگ تراند درمرتبه نزدِ خدا واین جماعت ایشانند مطلب یابان (۲۰) .

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَّجَنّٰتٍ لَّهُمْ فِيْهَا نَعِيْمٌ مُّقِيْمٌ ﴿۲۱﴾

مژده دهدایشان را پروردگار ایشان برحمت ازنزدیك خودوبخوشنودی وببوستانها که ایشان را درآنجانعمت دائم بُوَد (۲۱) .

خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ؕ اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهٗٓ اَجْرٌ عَظِيْمٌ ﴿۲۲﴾

باشندگان آنجاهمیشه هرآئینه خدا نزدیك اوست مزد بزرگ (۲۲) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْٓا اٰبَآءَكُمْ وَاِخْوَانَكُمْ

ای(۲) مسلمانان دوست مگیرید پدران

(۱) مترجم‌گوید تعریض است به جواب مفاخرت قریش بعمارت مسجد حرام .

(۲) مترجم‌گوید بعد غزوه فتح درترغیب بر جهاد مشرکین واهل کتاب نازل شد .

أَوْلِيَآءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ ۚ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٣﴾

خودرا وبرادران خودرا اگراختیار کنند کفر را برایمان وهرکه ازشمادوستی دارد بایشان آن جماعت ایشانند ستمگاران (٢٣) .

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٤﴾

بگوا گرهستند پدران شما وپسران شما وبرادران شما و زنان شما وخویشاوندان شما وآن مالهائی که کسب کرده اید آن را وتجارتی که می ترسید از بی رواجی آن ومنزل هاکه پسندمی کنید آن را دوست تر نزدیك شما ازخدا ورسول او وازجهاد درراه او پس منتظر باشید تاآنکه بیارد خدا عقوبتِ خود را وخداراه نمی نماید گروه فاسقان را (٢٤) .

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ ۙ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ ۙ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ ﴿٢٥﴾

هرآئینه[1] فتح دادشمارا خدا درجاهای بسیار ورروزحنین نیز چون به شگفت آورد شمارا بسیاری شما پس دفع نه کردآن بسیاری ازشما چیزی را وتنگ شدبرشما زمین باوجود فراخی آن پس بر گشتید پشت داده (٢٥) .

ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦﴾

بازفروفرستاد خدای تعالی تسکین خود را برپیغامبر خود و برمومنان وفروفرستاد لشکر هائی که شما نه دیدیدایشان را وعقوبت کرد کافران را واین ست جزای کافران (٢٦) .

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ

بازبرحمت بازگردد خدا بعدازین برهرکه

---

(١) مترجم گوید درغزوه حنین شکست گونه بمسلمین رودداده بود بعد ازآن خدای تعالی نصرت دادوبجهت تذکیر نعمت این آیات فرستاد .

غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٢٧﴾

خواهد[١] وخداآمرزنده مهربان است (٢٧) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنَّمَا الْمُشْرِكُوْنَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هٰذَا ۚ وَاِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيْكُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖٓ اِنْ شَآءَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿٢٨﴾

ای مسلمانان جزاین نیست که مشرکان پلیداند پس بایدکه نزدیك نشوند به مسجد حرام بعد ازین سال شان واگر می ترسید تنگدستی را[٢] پس توانگر خواهد ساخت شمارا خدا ازفضل خود اگر خواهد هرآئینه خدا دانای درست کارست[٣] (٢٨) .

قَاتِلُوا الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَلَا يُحَرِّمُوْنَ مَا حَرَّمَ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ وَلَا يَدِيْنُوْنَ دِيْنَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ حَتّٰى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَّدٍ وَّهُمْ صٰغِرُوْنَ ﴿٢٩﴾

جنگ کنید باآنانکه ایمان نمی آرند بخدا ونه به روزآخر وحرام نمی شمردند آنچه حرام کرده است خدا وپیغامبراو واختیار نمی کنند دین راست را ازاهل کتاب تاآنکه بدهندجزیه را ازدست خود خوارشدگان (٢٩) .

وَقَالَتِ الْيَهُوْدُ عُزَيْرُ ابْنُ اللّٰهِ وَقَالَتِ النَّصٰرَى الْمَسِيْحُ ابْنُ اللّٰهِ ۭ ذٰلِكَ قَوْلُهُمْ بِاَفْوَاهِهِمْ ۚ يُضَاهِـــُٔوْنَ قَوْلَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَبْلُ ۭ قٰتَلَهُمُ اللّٰهُ ۚ اَنّٰى يُؤْفَكُوْنَ ﴿٣٠﴾

وگفتند یهود که عزیر پسرخداست وگفتند نصاری که مسیح پسر خداست این قول ایشان ست بدهنهای شان[٤] مشابهت کرده اند باسخن قومی که کافر شدند پیش ازین[٥] لعنت کرد ایشان را خدا چگونه برگردانیده می شوند[٦] (٣٠) .

---

(١) یعنی توفیق اسلام دهد هرکراخواهد ازکافران والله اعلم .

(٢) یعنی بسبب انقطاع سوداگران والله اعلم .

(٣) مترجم‌گوید خدایتعالی درباب جهاداهل کتاب وگرفتن جزیه ازایشان می فرماید.

(٤) یعنی اصلی ندارد .

(٥) یعنی مشرکان که ملائکه را دختران خدا می‌گویند .

(٦) یعنی ازراه صواب .

اِتَّخَذُوْٓا اَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ اَرْبَابًا مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَالْمَسِيْحَ ابْنَ مَرْيَمَ ۚ وَمَآ اُمِرُوْٓا اِلَّا لِيَعْبُدُوْٓا اِلٰهًا وَّاحِدًا ۚ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ سُبْحٰنَهٗ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٣١﴾

گرفتند دانشمندان وزاهدان خودرا پروردگاران بجزخدا ومسیح پسر مریم را ونه فرموده شده اند مگرآنکه عبادت کنندیك خدارا نیست هیچ معبود برحق بجزوی پاکست وی ازآنکه شریك اومقررمی کنند (۳۱) .

يُرِيْدُوْنَ اَنْ يُّطْفِـُٔوْا نُوْرَ اللّٰهِ بِاَفْوَاهِهِمْ وَيَاْبَى اللّٰهُ اِلَّآ اَنْ يُّتِمَّ نُوْرَهٗ وَلَوْ كَرِهَ الْكٰفِرُوْنَ ﴿٣٢﴾

می خواهند که فرونشانند نورخدارا بدهنهای شان[1] وقبول نکندخدا الّا آنکه تمام سازد نور خود را اگرچه ناخوش شوند کافران (۳۲) .

هُوَ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ بِالْهُدٰى وَدِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهٗ عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهٖ ۙ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ ﴿٣٣﴾

اوست آنکه فرستادپیغامبر خودرا به هدایت ودین راست تاغالب کندش برادیان همه اگرچه ناخوش شوند مشرکان (۳۳) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ الْاَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَاْكُلُوْنَ اَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۗ وَالَّذِيْنَ يَكْنِزُوْنَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُوْنَهَا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۙ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٣٤﴾

ای مسلمانان هرآئینه بسیاری ازدانشمندان وزاهدان اهل کتاب می خورند اموال مردمان را به باطل وبازمی دارند ازراه خدا وآنانکه ذخیره می کنند زر و نقره را وخرج نمی نمایند آن را درراهِ خدا[2] بشارت ده این جماعت را به عذاب دردناك (۳٤) .

يَّوْمَ يُحْمٰى عَلَيْهَا فِيْ نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوٰى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوْبُهُمْ وَظُهُوْرُهُمْ ۗ هٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِاَنْفُسِكُمْ فَذُوْقُوْا

روزی که گرم کرده شود[3] برآن مال درآتش دوزخ پس داغ کرده شود بآن پیشانیهای ایشان را وپهلوهای ایشان را

---

(۱) یعنی به شبهات تقریرمی کننددرابطال دین والله اعلم .
(۲) یعنی زکوٰة نمی دهند .
(۳) یعنی دمیده شود .

مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُوْنَ ﴿٣٥﴾

وپشتهای ایشان را وگفته شود این ست آنچه ذخیره نهادید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره می کردید (٣٥) .

اِنَّ عِدَّةَ الشُّهُوْرِ عِنْدَ اللّٰهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِيْ كِتٰبِ اللّٰهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ مِنْهَآ اَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ۭ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقَيِّمُ ڏ فَلَا تَظْلِمُوْا فِيْهِنَّ اَنْفُسَكُمْ ۚ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِيْنَ كَاۗفَّةً كَمَا يُقَاتِلُوْنَكُمْ كَاۗفَّةً ۭ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِيْنَ ﴿٣٦﴾

هرآئینه شمار ماه ها نزدیك خدا دوازده ماه است درکتاب خدا روزی که آفرید آسمان ها و زمین راازآن جمله چهارماه حرام است اینست دین درست پس ستم مکنید درآن چهار ماه برخویشتن[(١)] وجنگ کنیدبامشرکان همه ایشان چنانکه ایشان جنگ می کنندباهمه شما وبدانید که خدا بامتقیان است (٣٦) .

اِنَّمَا النَّسِيْۗءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُحِلُّوْنَهٗ عَامًا وَّيُحَرِّمُوْنَهٗ عَامًا لِّيُوَاطِــــُٔــوْا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللّٰهُ فَيُحِلُّوْا مَا حَرَّمَ اللّٰهُ ۭ زُيِّنَ لَهُمْ سُوْۗءُ اَعْمَالِهِمْ ۭ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٣٧﴾

جزاین نیست که نَسِی زیادتی است درکفر گمراه‌گردانیده می شوند بآن کافران حلال می شمرند آن ماه رایك سال وحرام می شُمُرَند آن را سال دیگرتاموافقت کنند با شمارآنچه حرام ساخته است خداپس حلال سازند چیزی را که حرام ساخته است خدا آراسته کرده شده است برای ایشان کردار های بدایشان وخداراه نمی نماید قوم کافران را[(٢)] (٣٧) .

---

(١) مترجم گوید دردین حضرت ابراهیم مقرربودکه در محرم ورجب ذیقعده وذی الحجه بایك دیگر جنگ نه کنند اهل جاهلیت این حکم را تحریف کرده‌گاهی صفررامحرم می ساختند ومحرم را صفرو علی هذالقیاس واین را نسی می‌گفتند خدایتعالی اصل این حکم راباقی داشت باینوجه که جنگ ناحق هیچ‌گاه درست نیست و درین ماه ها حرمت آن مغلظ میشود وجنگ با کافران همه وقت درست است ونفی تحریف ایشان فرمود .

(٢) یعنی بقتال ناحق .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَا لَكُمْ اِذَا قِيْلَ لَكُمُ انْفِرُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اثَّاقَلْتُمْ اِلَى الْاَرْضِ ؕ اَرَضِيْتُمْ بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا مِنَ الْاٰخِرَةِ ۚ فَمَا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا فِي الْاٰخِرَةِ اِلَّا قَلِيْلٌ ﴿٣٨﴾

ای مسلمانان چیست شمارا که چون به شماگفته می شود بیرون آئید درراه خدا گران شده میل می کنید بسوی زمین آیارضامند شدید به زندگانی دنیا عوض آخرت پس نیست متاع زندگانی دنیا دربرابرآخرت مگراندکی[1] (۳۸) .

اِلَّا تَنْفِرُوْا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ۙ وَّيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوْهُ شَيْـًٔا ؕ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٣٩﴾

اگر بیرون نیائید عذاب کند شمارا عذابی درد دهنده وبدل شماگیردقومی را بجز شما وهیچ زیان نه رسانید خدارا وخدا برهمه چیز تواناست (۳۹) .

اِلَّا تَنْصُرُوْهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللّٰهُ اِذْ اَخْرَجَهُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ثَانِيَ اثْنَيْنِ اِذْ هُمَا فِي الْغَارِ اِذْ يَقُوْلُ لِصَاحِبِهٖ لَا تَحْزَنْ اِنَّ اللّٰهَ مَعَنَا ۚ فَاَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِيْنَتَهٗ عَلَيْهِ وَاَيَّدَهٗ بِجُنُوْدٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِيْنَ كَفَرُوا السُّفْلٰى ؕ وَكَلِمَةُ اللّٰهِ هِيَ الْعُلْيَا ؕ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٤٠﴾

اگر نصرت ندهید پیغامبرراچه باك هر آئینه نصرت داده است اوراخدای تعالی آنگاه که بیرون کردندش کافران دوم دوکس آنگاه که این دوکس درغاربودند آنگاه که می‌گفت یارخودرا[2] اندوه مخور هرآئینه خداباماست پس فروفرستادخدا تسکین خودرا برپیغامبر وقوت دادش به لشکر هائی که ندیدید آن را وفروترساخت سخن کافران را وسخن خدا همونست بلند وخداغالب درست کاراست (۴۰) .

---

(۱) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم دروقت عسرت وگرمی هوامتوجه غزوه تبوك شدند و بسیاری ازصحابه موافقت کردند وازمسلمین سه کس بغیر عذر تخلف کردند وتوبه ایشان بعد پنجاه روز قبول افتادوازمنافقان کلمات نفاق سربرزد خدایتعالی درمدح اینان وذم آنان وعفوازآن سه کس آیات فرستاد .

(۲) یعنی ابوبکرصدیق را .

اِنْفِرُوْا خِفَافًا وَّثِقَالًا وَّجَاهِدُوْا بِاَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۭ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٤١﴾

بیرون آئید سبك بارو گرانبار[1] وجهاد کنید بمالهای خویش وجانهای خویش درراه خدا این بهتر است شمارا اگرمی دانید (٤١) .

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيْبًا وَّسَفَرًا قَاصِدًا لَّاتَّبَعُوْكَ وَلٰكِنْ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ ۭ وَسَيَحْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ ۚ يُهْلِكُوْنَ اَنْفُسَهُمْ ۚ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اِنَّهُمْ لَكٰذِبُوْنَ ﴿٤٢﴾

اگربودی آنچه بآن دعوت می کنی نفع قریب الحصول وسفری آسان البته پیروی می کردندترا ولیکن دورشد برایشان مسافت راه و سوگند خواهند خوردبخدا که اگر می توانستیم بیرون می آمدیم باشما هلاك می کنند خویش را[2] وخدامی داند که ایشان دروغگویند (٤٢) .

عَفَا اللّٰهُ عَنْكَ ۚ لِمَ اَذِنْتَ لَهُمْ حَتّٰى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا وَتَعْلَمَ الْكٰذِبِيْنَ ﴿٤٣﴾

عفوکندخدااز توچرا دستور اجازت دادی ایشان را تاآنوقت که بُوَد که هویدا شوند مرترا راستگویان وبدانی دروغگویان را (٤٣) .

لَا يَسْتَاْذِنُكَ الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ اَنْ يُّجَاهِدُوْا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ ۭ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ ۢ بِالْمُتَّقِيْنَ ﴿٤٤﴾

اجازت نمی طلبند ازتوآنانکه ایمان آورده اند بخدا وروزآخردرتخلف ازآنکه جهادکنندباموال خویش وجانهای خویش وخدادانااست بمتقیان (٤٤) .

اِنَّمَا يَسْتَاْذِنُكَ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوْبُهُمْ فَهُمْ فِيْ رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُوْنَ ﴿٤٥﴾

جزاین نیست که اجازت می طلبند ازتوآنانکه ایمان نمی آرند بخدا وروزآخر وشك آورده است دلهای ایشان پس ایشان درشك خود سرگردان می شوند (٤٥) .

وَلَوْ اَرَادُوا الْخُرُوْجَ لَاَعَدُّوْا لَهٗ عُدَّةً وَّلٰكِنْ كَرِهَ

و اگر خواستندی بیرون آمدن مهیامی

---

(١) یعنی درحالیکه اسباب وحشم بسیار داریدیابجز قدر ضروری بدست شما نباشد و باین توجیه آیت محکم باشد غیر منسوخ والله اعلم .

(٢) یعنی بسوگند دروغ .

اللّٰهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقٰعِدِينَ ﴿٤٦﴾

کردند برای آن سفرسامان را ولیکن ناپسند داشت خدابرانگیختن ایشان را پس ازحرکت بازداشت ایشان را وگفته شدبنشینید بانشینندگان[1] (٤٦) .

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلٰلَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمّٰعُونَ لَهُمْ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِالظّٰلِمِينَ ﴿٤٧﴾

اگربرمی آمدند میان شما نمی افزودنددرحق شما مگرفسادرا والبته مرکب می تاختند میان شما فتنه جویان درحق شما[2] ومیان شما سخن شنوانندازایشان[3] وخداداناست به ستمگاران (٤٧) .

لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتّٰى جَآءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللّٰهِ وَهُمْ كٰرِهُونَ ﴿٤٨﴾

هرآئینه طلب کرده بودند فتنه را پیش ازین وبگردانیدند برای تو مصلحت ها تاآنکه بیامد نصرت حق وغالب شدکارخدا وایشان ناخواهان بودند (٤٨).

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكٰفِرِينَ ﴿٤٩﴾

وازایشان کسی است که می‌گویداجازت ده مرا ودرفتنه میندازمرا[4] آگاه شوکه درفتنه افتاده اند وهر آئینه دوزخ دربر گیرنده است کافران را (٤٩) .

إِنْ تُصِبْكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَّهُمْ فَرِحُونَ ﴿٥٠﴾

اگربرسد به تونعمتی ناخوش کند ایشان را و اگر برسد به تو مصیبتی گویند بدست آورده ایم مصلحت خود پیش ازین[5] وبگردند شادمان شده (٥٠) .

---

(١) واین تصویراست القای عزم مختلف رادرخاطر ایشان .

(٢) یعنی سعی درفتنه میکردند .

(٣) یعنی سخن ایشان قبول میکنند .

(٤) یعنی مرادربلادروم مبرید که جمال رومیان دیده مفتون خواهم شد والله اعلم.

(٥) یعنی پنهان بااعداء موافقت کرده ایم یاازسفر تخلف نموده ایم مارا هیچ باك =

قُلْ لَّنْ يُّصِيْبَنَآ اِلَّا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَنَا ۚ هُوَ مَوْلٰىنَا ۚ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ﴿٥١﴾

بگو هرگزنه رسدبما مگرآنچه نوشته است خدا برای مااوست کارسازما وبرخدا بایدکه توکل کنند مسلمانان (٥١) .

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُوْنَ بِنَآ اِلَّآ اِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ ؕ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ اَنْ يُّصِيْبَكُمُ اللّٰهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهٖۤ اَوْ بِاَيْدِيْنَا ۖ فَتَرَبَّصُوْۤا اِنَّا مَعَكُمْ مُّتَرَبِّصُوْنَ ﴿٥٢﴾

بگوانتظار نمی برید درحق ما مگریکی ازدوخصلت نیك را[1] ومانتظار می کشیم درحقِ شما که برساندخدابه شما عذاب را ازنزدیك خود یا بدست ما پس انتظار کشید هرآئینه مانیزباشمامنتظرانیم (٥٢) .

قُلْ اَنْفِقُوْا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا لَّنْ يُّتَقَبَّلَ مِنْكُمْ ؕ اِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فٰسِقِيْنَ ﴿٥٣﴾

بگوای منافقان خرج کنید بخوشی یا ناخوشی هرگزقبول کرده نخواهد شد ازشما هرآئینه شماهستید قوم فاسقان (٥٣) .

وَمَا مَنَعَهُمْ اَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقٰتُهُمْ اِلَّآ اَنَّهُمْ كَفَرُوْا بِاللّٰهِ وَبِرَسُوْلِهٖ وَلَا يَاْتُوْنَ الصَّلٰوةَ اِلَّا وَهُمْ كُسَالٰى وَلَا يُنْفِقُوْنَ اِلَّا وَهُمْ كٰرِهُوْنَ ﴿٥٤﴾

وبازنداشت ایشان را ازآن که قبول کرده شودازایشان خرج ایشان الّاآنکه ایشان کافرشدندبخدا ورسول او ونمی آیند به نماز مگرکاهلی کنان وخرج نمی کنند مگر ناخواهان (٥٤) .

فَلَا تُعْجِبْكَ اَمْوَالُهُمْ وَلَآ اَوْلَادُهُمْ ؕ اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ اَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كٰفِرُوْنَ ﴿٥٥﴾

پس به شگفت نیارد ترا مالهای ایشان ونه فرزندان ایشان جزاین نیست که می خواهد خدا که عذاب کند ایشان را بآنها درزندگانی دنیا[2] وبرآید جانهای ایشان وایشان کافرباشند (٥٥) .

وَيَحْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ اِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ ؕ

و سوگند می خورند بخداکه ایشان از

= نیست والله اعلم .

(١) یعنی فتح یا شهادت .

(٢) یعنی مشقت جمع مال و حفظ اولاد و تأسف برآنچه فوت شود والله اعلم .

وَمَا هُم مِّنكُمْ وَلَٰكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ ﴿٥٦﴾

جرگهٔ شمااند ونیستند ایشان ازشما ولیکن ایشان جماعتی هستند که می ترسند (٥٦).

لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَّوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ ﴿٥٧﴾

اگر بیابند پناهی را یاغارهارا یاجای درآمدن را هرآئینه متوجه شوند بآن شتاب کنان (٥٧) .

وَمِنْهُم مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِن لَّمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ ﴿٥٨﴾

وازایشان کسی هست که عیب می کندترا درقسمت صدقات پس اگر داده شودایشان را ازآن خوشنود شوند واگرداده نه شوند ازآن ناگهان ایشان خشم می‌گیرند (٥٨) .

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ ﴿٥٩﴾

و اگرایشان رضامند می شدند بآنچه داده است ایشان را خدا و رسول اوومی‌گفتند بس است ما را خدا، خواهد داد مارا خدا ازفضل خود ورسول اوهرآئینه مابسوی خداتوقع دارندگانیم (بهتر بودی) (٥٩) .

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦٠﴾

جزاین نیست که صدقه ها برای فقیران است وبی نوایان وکارکنان برجمع صدقات وآنانکه الفت داده می شود دلهای ایشان را[1] وبرای خرج کردن درآزادی برده هاوبرای وام داران وبرای خرج کردن درراه خدا[2] وبرای مسافران است حکم ثابت شده از نزدیك خدا وخدا دانای درست کاراست (٦٠) .

وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ

وازایشان آنانند که می دهندآزار پیغامبررا

---

(١) یعنی ضعیف الإسلام .

(٢) یعنی جهاد .

أُذُنُ خَيۡرٍ لَّكُمۡ يُؤۡمِنُ بِاللّٰهِ وَيُؤۡمِنُ لِلۡمُؤۡمِنِيۡنَ وَرَحۡمَةٌ لِّلَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا مِنۡكُمۡ ؕ وَالَّذِيۡنَ يُؤۡذُوۡنَ رَسُوۡلَ اللّٰهِ لَهُمۡ عَذَابٌ اَلِيۡمٌ ﴿٦١﴾

و می‌گویند وی سبک‌گوش است[1] بگووی سبک‌گوش نیکوست برای شما باورمی کند گفتهٔ خداراوقبول می کند مشورت مسلمانان را ورحمت است برای اهل ایمان ازشما وآنانکه ایذامی دهند پیغامبرخدارا ایشان راست عذاب درد دهنده (٦١) .

يَحۡلِفُوۡنَ بِاللّٰهِ لَكُمۡ لِيُرۡضُوۡكُمۡ ۚ وَاللّٰهُ وَرَسُوۡلُهٗۤ اَحَقُّ اَنۡ يُّرۡضُوۡهُ اِنۡ كَانُوۡا مُؤۡمِنِيۡنَ ﴿٦٢﴾

سو گند می خورند بخدا برای شما تارضامندکنند شمارا وخدا و رسول او سزاوار تراند بآنکه رضامند سازند او را اگر مسلمان اند (٦٢) .

اَلَمۡ يَعۡلَمُوۡۤا اَنَّهٗ مَنۡ يُّحَادِدِ اللّٰهَ وَرَسُوۡلَهٗ فَاَنَّ لَهٗ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيۡهَا ؕ ذٰلِكَ الۡخِزۡىُ الۡعَظِيۡمُ ﴿٦٣﴾

آیاندانستند که هرکه خلاف کند باخدا ورسول او پس هرآئینه اوراست آتش دوزخ جاویدان آنجا این ست رسوائی بزرگ (٦٣) .

يَحۡذَرُ الۡمُنٰفِقُوۡنَ اَنۡ تُنَزَّلَ عَلَيۡهِمۡ سُوۡرَةٌ تُنَبِّئُهُمۡ بِمَا فِىۡ قُلُوۡبِهِمۡ ؕ قُلِ اسۡتَهۡزِءُوۡا ۚ اِنَّ اللّٰهَ مُخۡرِجٌ مَّا تَحۡذَرُوۡنَ ﴿٦٤﴾

می ترسند منافقان ازآنکه فرودآورده شودبرمسلمانان سوره ای که خبردهد ایشان را بآنچه دردل های منافقان است بگومسخره کنید هرآئینه خداپدیدآرنده است چیزی را که می ترسید (٦٤) .

وَلَئِنۡ سَاَلۡتَهُمۡ لَيَـقُوۡلُنَّ اِنَّمَا كُنَّا نَخُوۡضُ وَنَلۡعَبُ ؕ قُلۡ اَبِاللّٰهِ وَاٰيٰتِهٖ وَرَسُوۡلِهٖ كُنۡتُمۡ تَسۡتَهۡزِءُوۡنَ ﴿٦٥﴾

و اگرسوال کنی ایشان راگویند جزاین نیست که ما درهزل شروع می نمودیم وبازی می کردیم بگو آیابخدا وآیت های او وپیغامبراو تمسخرمی کردید (٦٥) .

لَا تَعۡتَذِرُوۡا قَدۡ كَفَرۡتُمۡ بَعۡدَ اِيۡمَانِكُمۡ ؕ اِنۡ نَّعۡفُ عَنۡ

عذرمگوئید هرآئینه شماکافریدبعدازایمان

---

(١) یعنی هرچه کسی‌گوید قبول می کند .

طَآئِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَآئِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوْا مُجْرِمِيْنَ ﴿٦٦﴾

خود[1] اگردر گذریم ازسرگروهی ازشما البته عذاب کنیم گروهی را بسبب آنکه ایشانگنهگاربودند (٦٦) .

اَلْمُنٰفِقُوْنَ وَالْمُنٰفِقٰتُ بَعْضُهُمْ مِّنْۢ بَعْضٍ يَأْمُرُوْنَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوْفِ وَيَقْبِضُوْنَ اَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللّٰهَ فَنَسِيَهُمْ اِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿٦٧﴾

مردمان منافق و زنان منافق بعض ایشان ازجنس بعض اند می فرمایند بکارِ ناپسندیده و منع می کنند ازکار پسندیده ومی بنددندستهای خودرا فراموش کردند خدارا پس خدافراموش ساخت ایشان راهرآئینه منافقان ایشانند فاسقان (٦٧) .

وَعَدَ اللّٰهُ الْمُنٰفِقِيْنَ وَالْمُنٰفِقٰتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللّٰهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيْمٌ ﴿٦٨﴾

وعده داده است خدا مردان منافق را وزنان منافق را وکافران را آتش دوزخ همیشه باشندگان آنجا، دوزخ بس است ایشانرا ولعنت کردایشان را خدا وایشان راست عذاب دائم (٦٨) .

كَالَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوْا اَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَّاَكْثَرَ اَمْوَالًا وَّاَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوْا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِيْ خَاضُوْا اُولٰٓئِكَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿٦٩﴾

مانند آنانکه پیش ازشما بودند زیاده تر ازشمادرقوت وبیشتر دراموال واولاد پس بهره مند شدند به نصیبهٔ خویش[2] پس شمانیز بهره مند شدید به نصیبهٔ خویش چنانکه بهره مند شدند آنانکه پیش ازشمابودند به نصیبهٔ خویش وشروع درهزل کردید چنانکه ایشان شروع درهزل کردند آن جماعت نابودشد عمل های ایشان دردنیا وآخرت وآن جماعت ایشانند زیان کاران (٦٩) .

اَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَاُ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوْحٍ وَّعَادٍ

(١) یعنی ایمان بزبان خود .
(٢) یعنی ازدنیا .

وَثَمُودَ ۙ وَقَوۡمِ اِبۡرٰهِيۡمَ وَاَصۡحٰبِ مَدۡيَنَ وَالۡمُؤۡتَفِكٰتِ ؕ اَتَتۡهُمۡ رُسُلُهُمۡ بِالۡبَيِّنٰتِ ۚ فَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلٰـكِنۡ كَانُوۡۤا اَنۡفُسَهُمۡ يَظۡلِمُوۡنَ ﴿۷۰﴾

آیانیامده است بایشان خبرآنانکه پیش ازایشان بودند قوم نوح وعاد وثمود وقوم ابراهیم واهل مدین واهل موتفکات آمدندبایشان پیغامبران ایشان به نشانه های روشن پس هرگز نه شدکه خدا ظلم کند برایشان ولیکن ایشان برخویشتن ظلم میکردند (۷۰) .

وَالۡمُؤۡمِنُوۡنَ وَالۡمُؤۡمِنٰتُ بَعۡضُهُمۡ اَوۡلِيَآءُ بَعۡضٍ‌ ۘ يَاۡمُرُوۡنَ بِالۡمَعۡرُوۡفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ الۡمُنۡكَرِ وَيُقِيۡمُوۡنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤۡتُوۡنَ الزَّكٰوةَ وَيُطِيۡعُوۡنَ اللّٰهَ وَرَسُوۡلَهٗ ؕ اُولٰٓـئِكَ سَيَرۡحَمُهُمُ اللّٰهُ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيۡزٌ حَكِيۡمٌ ﴿۷۱﴾

ومردان مسلمانان وزنان مسلمانان بعض ایشان دوستان بعض اند می فرمایند بکارپسندیده ومنع کنند ازکار ناپسندیده وبرپامی دارند نمازرا ومی دهند زکوٰة را وفرمانبرداری می کنند خدا ورسول اورا این جماعت رحم خواهد کرد برایشان خدا هرآئینه خداغالب درست کاراست (۷۱) .

وَعَدَ اللّٰهُ الۡمُؤۡمِنِيۡنَ وَالۡمُؤۡمِنٰتِ جَنّٰتٍ تَجۡرِىۡ مِنۡ تَحۡتِهَا الۡاَنۡهٰرُ خٰلِدِيۡنَ فِيۡهَا وَمَسٰكِنَ طَيِّبَةً فِىۡ جَنّٰتِ عَدۡنٍ‌ ؕ وَرِضۡوَانٌ مِّنَ اللّٰهِ اَكۡبَرُ‌ ؕ ذٰ لِكَ هُوَ الۡفَوۡزُ الۡعَظِيۡمُ ﴿۷۲﴾

وعده کرده است خدامردان مسلمانان وزنان مسلمانان را بوستانها که میرود زیرآن جویها همیشه باشندگان آنجا وجایهای پاکیزه دربهشت های همیشه ماندن وخوشنودی خدابزرگ تراست ازهمه این ست پیروزی بزرگ (۷۲) .

يٰۤاَيُّهَا النَّبِىُّ جَاهِدِ الۡكُفَّارَ وَالۡمُنٰفِقِيۡنَ وَاغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡ‌ ؕ وَمَاۡوٰٮهُمۡ جَهَـنَّمُ‌ ؕ وَبِئۡسَ الۡمَصِيۡرُ ﴿۷۳﴾

ای پیغامبر جهاد کن باکافران[1] وجهاد کن بامنافقان[2] ودرشتی کن برایشان وجای ایشان دوزخ است ووی بدجائ است (۷۳) .

---

(۱) یعنی بسیف .
(۲) یعنی بزبان .

يَحۡلِفُونَ بِاللّٰهِ مَا قَالُوۡا ؕ وَلَقَدۡ قَالُوۡا كَلِمَةَ الۡكُفۡرِ وَكَفَرُوۡا بَعۡدَ اِسۡلَامِهِمۡ وَهَمُّوۡا بِمَا لَمۡ يَنَالُوۡا ۚ وَمَا نَقَمُوۡۤا اِلَّاۤ اَنۡ اَغۡنٰٮهُمُ اللّٰهُ وَرَسُوۡلُهٗ مِنۡ فَضۡلِهٖ ۚ فَاِنۡ يَّتُوۡبُوۡا يَكُ خَيۡرًا لَّهُمۡ ۚ وَاِنۡ يَّتَوَلَّوۡا يُعَذِّبۡهُمُ اللّٰهُ عَذَابًا اَلِيۡمًا فِى الدُّنۡيَا وَالۡاٰخِرَةِ ۚ وَمَا لَهُمۡ فِى الۡاَرۡضِ مِنۡ وَّلِىٍّ وَّلَا نَصِيۡرٍ ﴿۷۴﴾

سوگند می خورند بخداکه نه گفته اند وهرآئینه‌گفته اند سخن کفر وکافرشده اند بعداسلام خویش وقصدکردند آنچه نیافتند[۱] وانکارنکردند مگرآنکه توانگر ساخت ایشان را خدا ورسول او ازفضل خود[۲] پس اگرتوبه کنند بهتر باشد ایشان را واگربر گردندازتوبه عذاب کندایشان را خدا عذاب درد دهنده دردنیا وآخرت ونیست ایشان را درزمین هیچ کارساز ونه هیچ یاری دهنده (۷٤) .

وَمِنۡهُمۡ مَّنۡ عٰهَدَ اللّٰهَ لَـئِنۡ اٰتٰٮنَا مِنۡ فَضۡلِهٖ لَـنَصَّدَّقَنَّ وَلَـنَكُوۡنَنَّ مِنَ الصّٰلِحِيۡنَ ﴿۷۵﴾

وازیشان کسی هست که عهد بسته است باخدا البته اگربدهد ماراازفضل خود هر آئینه صدقه دهیم والبته باشیم ازنیکوکاران (۷۵) .

فَلَمَّاۤ اٰتٰٮهُمۡ مِّنۡ فَضۡلِهٖ بَخِلُوۡا بِهٖ وَتَوَلَّوْا وَّهُمۡ مُّعۡرِضُوۡنَ ﴿۷۶﴾

پس وقتی که بداد ایشان را ازفضل خود بخیلی کردند بآن وبرگشتند اعراض کنان (۷٦) .

فَاَعۡقَبَهُمۡ نِفَاقًا فِىۡ قُلُوۡبِهِمۡ اِلٰى يَوۡمِ يَلۡقَوۡنَهٗ بِمَاۤ اَخۡلَفُوا اللّٰهَ مَا وَعَدُوۡهُ وَبِمَا كَانُوۡا يَكۡذِبُوۡنَ ﴿۷۷﴾

پس خدای تعالی عاقبت حال ایشان ساخت نفاق را دردلهای ایشان تا روزی که ملاقات کنند باوی بشومی آنکه خلاف کردند باخدا آنچه وعده کرده بودند باوی و بشومی آنکه دروغ‌گفتند (۷۷) .

اَلَمۡ يَعۡلَمُوۡۤا اَنَّ اللّٰهَ يَعۡلَمُ سِرَّهُمۡ وَنَجۡوٰٮهُمۡ وَاَنَّ اللّٰهَ عَلَّامُ الۡغُيُوۡبِ ﴿۷۸﴾

آیاندانسته اند که خدا می داند سخن پنهان ایشان را و رازگفتن ایشان را وآنکه خدادانندهٔ غیب هاست (۷۸) .

---

(۱) یعنی ایذای پیغمبر .

(۲) واین نوعی ازتحکم است والله اعلم .

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٩﴾

آنانکه عیب می کنند، رغبت کنندگان را ازمسلمانان درصدقات وعیب می کنند آنان را که نمی یابند مگرمشقت خودرا[۱] پس تمسخرمی کنند بایشان تمسخر کردخدابآن تمسخر کنندگان وایشان راست عذاب درد دهنده (۷۹) .

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٨٠﴾

آمرزش طلب کن برای ایشان یا آمرزش طلب مکن برای ایشان[۲] اگر آمرزش خواهی برای ایشان هفتادبار هرگز نیامرزد ایشان را خدا این بسبب آنست که ایشان کافرشدند بخداورسول او وخدا راه نمی نمایدگروه فاسقان را (۸۰) .

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿٨١﴾

شادمان شدند پس ماندگان به نشستن خویش برخلاف پیغمبرخدا وناپسندکردند که جهاد کنند باموال خویش وبه جانهای خویش در راه خدا وگفتند بایکدیگربیرون مروید درگرمی بگوآتش دوزخ سخت تراست درگرمی اگردرمی یافتندی (چنین نکردندی) (۸۱) .

فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾

پس باید که بخندنداندکی وبگریند بسیاری سزای آنچه می‌کردند[۳] (۸۲) .

فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَىٰ طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ

پس اگر بازآردترا خدای تعالی بسوی گروهی ازایشان پس دستوری طلبند

---

(۱) یعنی بمزدوری چیزی پیدامیکنند وصدقه میدهند .

(۲) یعنی هردوصورت یکسان است .

(۳) مترجم‌گوید مرادخبرست باآنکه دردنیا خواهند خندیدودرآخرت خواهندگریست .

فَقُلْ لَّنْ تَخْرُجُوْا مَعِيَ اَبَدًا وَّلَنْ تُقَاتِلُوْا مَعِيَ عَدُوًّا ۭ اِنَّكُمْ رَضِيْتُمْ بِالْقُعُوْدِ اَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوْا مَعَ الْخٰلِفِيْنَ ﴿٨٣﴾

ازتوبرای بیرون آمدن[1] بگوبیرون نخواهید آمدبامن هرگز وجنگ نخواهید کرد همراه من باهیچ دشمنی هرآئینه شما رضامندشدید به نشستن اول بار پس بنشینید باپس ماندگان (٨٣) .

وَلَا تُصَلِّ عَلٰٓي اَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّاتَ اَبَدًا وَّلَا تَقُمْ عَلٰي قَبْرِهٖ ۭ اِنَّهُمْ كَفَرُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَمَاتُوْا وَهُمْ فٰسِقُوْنَ ﴿٨٤﴾

و(یامحمد) نمازمگذاربرهیچ یکی ازایشان که بمیرد، هرگز ومایست بگور وی هرآئینه ایشان کافرشدند بخداورسول او ومردند وایشان فاسق بودند (٨٤) .

وَلَا تُعْجِبْكَ اَمْوَالُهُمْ وَاَوْلَادُهُمْ ۭ اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ اَنْ يُّعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ اَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كٰفِرُوْنَ ﴿٨٥﴾

وبشگفت نیارد ترا اموال ایشان ونه فرزندان ایشان جزاین نیست که می خواهدخدا که عقوبت کند ایشان را بآن دردنیا وبیرون شود روح ایشان وایشان کافرباشند (٨٥) .

وَاِذَآ اُنْزِلَتْ سُوْرَةٌ اَنْ اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَجَاهِدُوْا مَعَ رَسُوْلِهِ اسْتَاْذَنَكَ اُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوْا ذَرْنَا نَكُنْ مَّعَ الْقٰعِدِيْنَ ﴿٨٦﴾

وچون فرودآورده شود سورتی باین مضمون که ایمان آرید بخدا وجهاد کنید همراه رسول او دستوری می طلبند ازتوخداوندان وسعت ازایشان و گویندبگذار مارا تاباشیم بانشستگان (٨٦) .

رَضُوْا بِاَنْ يَّكُوْنُوْا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلٰي قُلُوْبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُوْنَ ﴿٨٧﴾

راضی شدند بآنکه باشند با زنانِ پس مانده ومهرنهاده شد بردلهای ایشان پس ایشان فهم نمی کنند (٨٧) .

لٰكِنِ الرَّسُوْلُ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ جٰهَدُوْا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ ۭ وَاُولٰۗىِٕكَ لَهُمُ الْخَيْرٰتُ ۡ وَاُولٰۗىِٕكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿٨٨﴾

لیکن پیغامبر وآنانکه ایمان آوردند بااو جهاد کردند باموال خود وجان های خود واین جماعت ایشان راست نیکی ها واین جماعت ایشانند

(١) یعنی برای احرازغنائم .

رستگاران (٨٨) .

أَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿٨٩﴾

آماده ساخته است خدابرای ایشان بوستانها میرود زیرآن جویها جاویدان آنجا این ست پیروزی بزرگ (٨٩) .

وَجَآءَ الْمُعَذِّرُوْنَ مِنَ الْاَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِيْنَ كَذَبُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ سَيُصِيْبُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٩٠﴾

وآمدند اهلِ عذر ازصحرای نشینان تادستوری داده شود ایشان راو نشستند آنانکه دروغ گفتند باخداورسول او (یعنی دراظهار اسلام) خواهد رسیدبکافران ازایشان عذاب درد دهنده (٩٠) .

لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَآءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضٰى وَلَا عَلَى الَّذِيْنَ لَا يَجِدُوْنَ مَا يُنْفِقُوْنَ حَرَجٌ اِذَا نَصَحُوْا لِلّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ مَا عَلَى الْمُحْسِنِيْنَ مِنْ سَبِيْلٍ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٩١﴾

نیست برناتوانان ونه بر بیماران ونه بر آنانکه نه می یابند آنچه خرج کنند هیچ گناهی چون نیك خواهی کنند باخداورسول او نیست برنیکوکاران هیچ راه عتاب وخدا آمرزندهٔ مهربان است (٩١) .

وَّلَا عَلَى الَّذِيْنَ اِذَا مَآ اَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَآ اَجِدُ مَآ اَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَّاَعْيُنُهُمْ تَفِيْضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا اَلَّا يَجِدُوْا مَا يُنْفِقُوْنَ ﴿٩٢﴾

ونه بر آنانکه چون بیایند پیش تو تا سواری دهی ایشان را گوئی نمی یابم آنچه سوارکنم شمارا برآن باز گردند وچشم های ایشان روان باشد باشك بجهت اندوه که نمی یابند آنچه خرج کنند (٩٢) .

اِنَّمَا السَّبِيْلُ عَلَى الَّذِيْنَ يَسْتَاْذِنُوْنَكَ وَهُمْ اَغْنِيَآءُ رَضُوْا بِاَنْ يَّكُوْنُوْا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٩٣﴾

جزاین نیست که راه عتاب برآنان ست که دستوری می طلبند ازتو وایشان توانگرانند راضی شدند بآنکه باشند بازنان پس مانده ومُهر نهاد خدا بردلهای ایشان پس ایشان نمی فهمند (٩٣) .

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ ۚ قُل لَّا تَعْتَذِرُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ ۚ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٤﴾

عذرخواهی کنند پیش شما چون بازآئید بسوی ایشان بگوعذرخواهی مکنید باورنکنیم سخن شمارا هرآئینه آگاه ساخته است خدامارا به بعض خبرهای شما وخواهد دیدخدا ورسول او عمل شمارا (یعنی دردنیا) سپس بازگردانیده شوید بسوی عالم الغیب وآشکار پس خبردهدشمارا بآنچه میکردید (٩٤) .

سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ ۖ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ ۖ إِنَّهُمْ رِجْسٌ ۖ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٥﴾

سوگند خواهند خورد بخدا پیش شما چون بازآئید بسوی ایشان تا روبگردانید ازایشان پس شما روبگردانید ازایشان هرآئینه ایشان پلیداند وجای ایشان دوزخ است سزای آنچه میکردند(٩٥) .

يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ ۖ فَإِن تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٩٦﴾

سوگند میخورند برای شما تا رضا مند شوید ازایشان پس ا گر رضامند شوید ازایشان هرآئینه خدا رضامند نشود ازگروه فاسقان (٩٦) .

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٩٧﴾

صحرانشینان سخت ترانددرکفرو نفاق(١) وسزاوار تراند بآنکه ندانندا‌حکام شریعتی را که نازل کرده است خدا برپیغامبرخود وخدا دانای درست کاراست (٩٧) .

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ ۚ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٩٨﴾

وازاعراب کسی هست که تاوان می‌شمارد چیزی را که خرج می‌کند وانتظارمی کشد درحق شما مصائب را برایشان باد مصیبتِ بد وخدا شنوای داناست (٩٨) .

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ

وازاعراب کسی هست که ایمان می آرد

---

(١) یعنی به نسبت اهل شهر .

مَا يُنْفِقُ قُرُبٰتٍ عِنْدَ اللّٰهِ وَصَلَوٰتِ الرَّسُوْلِ ۭ اَلَآ اِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ ۭ سَيُدْخِلُهُمُ اللّٰهُ فِيْ رَحْمَتِهٖ ۭ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٩٩﴾

بخدا وروزآخر ومی شمارد چیزی را که خرج می کند سبب قربت نزد خدا ووسیلۀ دعای نیك پیغامبر آ گاه باش هر آئینه وی قربتست ایشان را داخل خواهد کرد ایشان را خدا دررحمت خود هرآئینه خداآمرزندۀ مهربان است (٩٩) .

وَالسّٰبِقُوْنَ الْاَوَّلُوْنَ مِنَ الْمُهٰجِرِيْنَ وَالْاَنْصَارِ وَالَّذِيْنَ اتَّبَعُوْهُمْ بِاِحْسَانٍ ۙ رَّضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوْا عَنْهُ وَاَعَدَّ لَهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ تَحْتَهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ۭ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿١٠٠﴾

وسبقت کنندگان نخستین ازمهاجران وانصار وآنانکه پیروی ایشان کردند به نیکوکاری خوشنود شد خدا ازین جماعت وایشان خوشنود شدندازوی وآماده ساخت برای ایشان بوستانهائی که میرود زیرآن جویها جاویدان آنجاهمیشه، این ست پیروزی بزرگ (١٠٠) .

وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِّنَ الْاَعْرَابِ مُنٰفِقُوْنَ ۭۛ وَمِنْ اَهْلِ الْمَدِيْنَةِ ڀ مَرَدُوْا عَلَى النِّفَاقِ ۣ لَا تَعْلَمُهُمْ ۭ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ ۭ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّوْنَ اِلٰى عَذَابٍ عَظِيْمٍ ﴿١٠١﴾

ازآنانکه دوروبر شمایند ازاعراب منافقانند وبعضی ازاهل مدینه خوی نفاق دارند تونمی دانی ایشان را مامیدانیم ایشان را عذاب خواهیم دادایشانرا دوبار[١] سپس بازگردانیده شوند بسوی عذاب بزرگ (١٠١) .

وَاٰخَرُوْنَ اعْتَرَفُوْا بِذُنُوْبِهِمْ خَلَطُوْا عَمَلًا صَالِحًا وَّاٰخَرَ سَيِّئًا ۭ عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّتُوْبَ عَلَيْهِمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٠٢﴾

ودیگران هستند که اقرار کردند بگناهان خود آمیخته اند عمل نیك را باعمل دیگرکه بَدَست، نزدیك ست که خدا برحمت متوجه شود برایشان هرآئینه خداآمرزندۀ مهربانست (١٠٢) .

خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيْهِمْ بِهَا وَصَلِّ

بگیرازاموال ایشان زکوٰة راتاپاك سازی ایشان را وبابرکت کنی ایشان را بآن

(١) يعنی درميان مسلمانان ذليل شوند ودراموال واولاد آفات بينند .

عَلَيْهِمْ ۖ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾

ودعای خیر کن برای ایشان هرآئینه دعای تو سبب آرامش است ایشان را وخدا شنوای داناست (١٠٣) .

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾

آیاندانسته اند که خدا اوست که توبه قبول می‌کند ازبندگان خود ومیگیرد صدقات را وآنکه خدااوست توبه پذیرندهٔ مهربان (١٠٤) .

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ۖ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾

وبگوعمل کنید پس زود خواهد دید خدا ورسول او ومومنان عمل شمارا و زود بازگردانیده خواهید شد بسوی دانندهٔ پنهان و آشکار پس خبردهد شمارا بآنچه می‌کردید (١٠٥) .

وَآخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠٦﴾

وديگران اند موقوف داشته شده برفرمان خدا یااین ست که عذاب دهدایشان را یابرحمت متوجه شودبرایشان وخداداناى درست کاراست (١٠٦) .

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ ۚ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ ۖ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٠٧﴾

وازایشان آنانند که ساخته اند مسجدی برای زیان رسانیدن وبجهت کفر وبرای تفرقه افگندن میان مسلمانان وکمین گاه ساختن برای آنانکه جنگ کرده اند باخداو رسول او پیش ازین والبته سوگند خورند که نخواسته ایم مگرخصلت نیك را وخدا گواهی میدهد که ایشان دروغگویانند[1] (١٠٧) .

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا ۚ لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ

مایست آنجاهرگز، هرآئینه مسجدی که

---

(١) مترجم گوید جماعتی ازمنافقان مسجدی ساخته بودند به نیت فاسد تاتفریق مسلمین باشدو کمینگاه کافران خدای تعالی بهدم آن امر فرمود والله اعلم .

أَحَقُّ أَنْ تَقُوْمَ فِيْهِ ۚ فِيْهِ رِجَالٌ يُّحِبُّوْنَ أَنْ يَّتَطَهَّرُوْا ۚ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِيْنَ ﴿١٠٨﴾

بنیاد نهاده شده است برنیت تقوی ازروزاوّل بهترست که بایستی درآن، آنجامردانی اند که دوست میدارند که پاك شوند وخدا دوست میدارد پاك شوندگان را (١٠٨) .

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهٗ عَلٰى تَقْوٰى مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَّنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهٗ عَلٰى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهٖ فِيْ نَارِ جَهَنَّمَ ۗ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٠٩﴾

آیا کسی که بنیاد نهاد عمارت خودرا برترس ازخدا وخوشنودی اوبهترست یاآنکه بنیاد نهاده است عمارت خودرا برکنارهٔ زمینِ رودخوردهٔ درحال افتادن پس افتادباصَاحب خوددرآتش دوزخ وخدا راه نمی نماید گروه ستمگاران را[1] (١٠٩) .

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِيْ بَنَوْا رِيْبَةً فِيْ قُلُوْبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوْبُهُمْ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿١١٠﴾

همیشه باشد عمارت ایشان که بناکرده اند[2] سبب شك دردلِ ایشان مگرآنکه پاره پاره شوددلهای ایشان وخدا دانای درست کاراست (١١٠) .

إِنَّ اللّٰهَ اشْتَرٰى مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ ۗ يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَيَقْتُلُوْنَ وَيُقْتَلُوْنَ ۖ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرٰىةِ وَالْإِنْجِيْلِ وَالْقُرْاٰنِ ۚ وَمَنْ أَوْفٰى بِعَهْدِهٖ مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبْشِرُوْا بِبَيْعِكُمُ الَّذِيْ بَايَعْتُمْ بِهٖ ۚ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿١١١﴾

هرآئینه خداخریده است ازمسلمانان جانهای ایشان ومالهای ایشان را بعوض آنکه ایشان را باشد بهشت، جنگ می‌کنند درراه خدا پس می کشند وکشته می‌شوند وعدهٔ لازمی است برخدا ثابت درتورات وانجیل وقرآن وکیست وفاکننده تر بعهدخویش از خدا پس شادمان باشید باین فروختن خود که

---

(١) عمارت ساختن بر اساس تقوی کنایت است ازاخلاص دراعمال وعمارت شاختن برکنارهٔ رودخورده کنایت ازریاوعُجب دراعمال والله اعلم .

(٢) یعنی مسجد ضرار .

اَلتَّآئِبُوْنَ الْعٰبِدُوْنَ الْحٰمِدُوْنَ السَّآئِحُوْنَ الرّٰكِعُوْنَ السّٰجِدُوْنَ الْاٰمِرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَالنَّاهُوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحٰفِظُوْنَ لِحُدُوْدِ اللّٰهِ ؕ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١١٢﴾

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اَنْ يَّسْتَغْفِرُوْا لِلْمُشْرِكِيْنَ وَلَوْ كَانُوْۤا اُولِيْ قُرْبٰى مِنْۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُمْ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ﴿١١٣﴾

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ اِبْرٰهِيْمَ لِاَبِيْهِ اِلَّا عَنْ مَّوْعِدَةٍ وَّعَدَهَاۤ اِيَّاهُ ۚ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهٗۤ اَنَّهٗ عَدُوٌّ لِّلّٰهِ تَبَرَّاَ مِنْهُ ؕ اِنَّ اِبْرٰهِيْمَ لَاَوَّاهٌ حَلِيْمٌ ﴿١١٤﴾

وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُضِلَّ قَوْمًۢا بَعْدَ اِذْ هَدٰىهُمْ حَتّٰى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَّا يَتَّقُوْنَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿١١٥﴾

معامله کردید بآن واین است پیروزی بزرگ (١١١) .

ایشان توبه کنندگانند، عبادت کنندگانند، حمد گویندگانند، سفرکنندگانند درراه خدا، رکوع وسجده کنندگانند، فرمایندگانند بکارپسندیده ومنع کنندگانند ازناپسندیده و نگاه دارندگانند احکام خدا را ومژده دِه مسلمانان را (١١٢) .

روانبُوَد پیغامبررا و نه مسلمانان را که طلب آمرزش کنند برای مشرکان اگر چه خویشاوند باشند بعدازآنکه ظاهر شد ایشان را که آنگروه اهل دوزخ اند (١١٣).

ونبودآمرزش خواستن ابراهیم برای پدرخود مگربخاطر وعده ای که کرده بود باوی پس چون روشن شد برای ابراهیم که وی دشمن خداست بیزار شد از وی هرآئینه ابراهیم دردمند بُردباربود (١١٤) .

وهرگز نیست که خداگمراه کند قومی را[١] بعد ازآنکه هدایت نموده باشدایشان را تاآنکه واضح سازد برایشان آنچه از وی پرهیزکنند هرآئینه خدا بهر چیزداناست[٢] (١١٥) .

(١) یعنی درحساب گمراهان نمی شمارد قومی را .

(٢) یعنی تاپیغامبر نه آید تبلیغ نکند معذوراند فتح .

إِنَّ اللّٰهَ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۭ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ ۭ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ﴿١١٦﴾

هرآئینه خدا ویراست پادشاهی آسمان هاوزمین زنده می کند و می میراند ونیست شمارا بجزوی هیچ کارسازی ویاری دهنده ای (١١٦) .

لَقَدْ تَّابَ اللّٰهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهٰجِرِيْنَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْهُ فِيْ سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْۢ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيْغُ قُلُوْبُ فَرِيْقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ ۭ إِنَّهٗ بِهِمْ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿١١٧﴾

هرآئینه برحمت متوجه شد خدا برپیغامبر وآن مهاجران وانصار که پیروی وی کردند دروقت تنگ دستی بعدازآنکه نزدیك بود که منحرف شود دلهای‌گروهی ازایشان بازبرحمت متوجه شد برایشان هرآئینه وی برایشان بخشایندۀ مهربان است (١١٧) .

وَّعَلَى الثَّلٰثَةِ الَّذِيْنَ خُلِّفُوْا ۭ حَتّٰٓى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوْٓا أَنْ لَّا مَلْجَاَ مِنَ اللّٰهِ إِلَّآ إِلَيْهِ ۭ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوْبُوْا ۭ إِنَّ اللّٰهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ ﴿١١٨﴾

وبرآن سه کس که موقوف داشته شدند تاآنکه تنگ شد برایشان زمین باوجود فراخی آن وتنگ شدبرایشان جانهای ایشان ودانستند که پناهی نیست ازخدا مگر بسوی اوبازخدا برحمت متوجه شدبرایشان تاایشان رجوع کنند[1] هرآئینه خدا توبه پذیرندۀ مهربانست (١١٨) .

يٰٓأَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَكُوْنُوْا مَعَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿١١٩﴾

ای مسلمانان بترسید ازخدا وباشید باراست‌گویان (١١٩) .

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِيْنَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِّنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَّتَخَلَّفُوْا عَنْ رَّسُوْلِ اللّٰهِ وَلَا يَرْغَبُوْا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَّفْسِهٖ ۭ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيْبُهُمْ ظَمَأٌ وَّلَا نَصَبٌ وَّلَا مَخْمَصَةٌ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَلَا يَطَـُٔوْنَ مَوْطِئًا يَّغِيْظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُوْنَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهٖ

لایق نبُوَد اهل مدینه را وآنانراکه حوالی ایشانند ازاعراب که بازپس مانند ازهمراهیِ رسولِ خدا ونه آنانکه رغبت کنند درحفظ خویش اعراض کرده ازذاتِ رسول خدا این بسبب آنست که نمی رسدبایشان تشنگی ونه رنج ونه‌گرسنگی

(١) یعنی بمقام قریب .

عَمَلٌ صَالِحٌ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢٠﴾

درراهِ خدا وننهندگامی بر جائی که بخشم آرد کافران را وبدست نمی آرند ازدشمن هیچ دست آوردی مگرنوشته شودبرای ایشان بسبب آن عمل صالح هرآئینه خدا ضائع نمی‌کند مزدنیکوکاران را (١٢٠).

وَلَا يُنفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢١﴾

وخرج نمی کنند هیچ خرجی چه اندك وچه بسیار وطی نمی کنند هیچ میدانی را مگرنوشته شود برای ایشان عمل صالح تاجزا دهدایشان را خداپاداش نیکوترین آنچه می کردند (١٢١).

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً ۚ فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿١٢٢﴾

وممکن نیست مومنان را که برآیند[١] همه یك جا پس چرا بیرون نیآید ازهر جمعی ازایشان چند کس تادانشمند شوند دردین و تا بیم دهند قوم خودرا چون بازآیند بسوی ایشان بُوَد که ایشان بترسند[٢] (١٢٢).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿١٢٣﴾

ای مسلمانان جنگ کنید بآنانکه نزدیك شمایند ازکافران وبایدکه کافران بیابند درشمادرشتی را وبدانید که خدا بامتقیان است (١٢٣).

وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُم مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَٰذِهِ إِيمَانًا ۚ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿١٢٤﴾

وچون فرودآورده شود سوره ای پس ازمنافقان کسی هست که می‌گوید درحق کدام یك ازشما افزوده است این سوره ایمان را امّااهل ایمان پس بتحقیق افزوده است درحق ایشان ایمان را

---

(١) یعنی به طلب علم .

(٢) یعنی طلب علم دین فرض کفایه است .

وایشان شادمان می شوند (١٢٤) .

وَاَمَّا الَّذِيْنَ فِىْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا اِلٰى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوْا وَهُمْ كٰفِرُوْنَ ﴿١٢٥﴾

واما آنانکه دردلهای ایشان بیماریست پس افزوده است درحق ایشان پلیدی را همراه پلیدی ایشان ومُردند وایشان کافربودند (١٢٥) .

اَوَلَا يَرَوْنَ اَنَّهُمْ يُفْتَنُوْنَ فِىْ كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً اَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوْبُوْنَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُوْنَ ﴿١٢٦﴾

آیانمی بینند که ایشان سزاداده می‌شوند درهرسال یك بار یادوبار[۱] بازتوبه نمی کنند ونه ایشان پندمی‌گیرند (١٢٦) .

وَاِذَا مَآ اُنْزِلَتْ سُوْرَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ اِلٰى بَعْضٍ هَلْ يَرٰىكُمْ مِّنْ اَحَدٍ ثُمَّ انْصَرَفُوْا صَرَفَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُوْنَ ﴿١٢٧﴾

وچون فرودآورده شود سوره ای[۲] نظرکنند بعض ایشان به بعضی باشرمندگی وگویدآیا می بیند هیچ کس شمارا؟ پس بازگردند[۳]، بازگردانیده است خدادلهای ایشان را بسبب آنکه ایشان‌گروهی هستند که نمی دانند (١٢٧) .

لَقَدْ جَآءَكُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيْزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيْصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٢٨﴾

به تحقیق ای مسلمانان آمده است به شما پیغامبری ازقبیله شما دشوارست بروی رنج شما حریص است برهدایت شما به مسلمانان بخشاینده مهربان است (١٢٨) .

فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِىَ اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ﴿١٢٩﴾

پس اگر بازگردند بگوبس است مراخدا، هیچ معبود برحقی نیست بجزوی، بروی توکل کردم واوخداوندِ عرش بزرگ است[٤] (١٢٩) .

---

(١) یعنی باامراض ومصائب .

(٢) یعنی سوره ای که دروی بیان نفاق ایشان باشد .

(٣) یعنی بخانه های خود .

(٤) یعنی چنانکه قادرست عرش رانگاه می دارد و ترا نیز نگاه می دارد ازشرِ کافران ومنافقان .

سُوْرَةُ يُوْنُسَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الٓرٰ تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْحَكِيْمِ ①

اَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا اَنْ اَوْحَيْنَآ اِلٰى رَجُلٍ مِّنْهُمْ اَنْ اَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ قَالَ الْكٰفِرُوْنَ اِنَّ هٰذَا لَسٰحِرٌ مُّبِيْنٌ ②

اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْاَمْرَ ۗ مَا مِنْ شَفِيْعٍ اِلَّا مِنْۢ بَعْدِ اِذْنِهٖ ۗ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ ۗ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ③

اِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيْعًا ۗ وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا ۗ اِنَّهٗ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ لِيَجْزِيَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ بِالْقِسْطِ ۗ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيْمٍ وَّعَذَابٌ اَلِيْمٌۢ بِمَا كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ ④

هُوَ الَّذِيْ جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَآءً وَّالْقَمَرَ نُوْرًا وَّقَدَّرَهٗ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوْا عَدَدَ السِّنِيْنَ وَالْحِسَابَ ۗ مَا خَلَقَ اللّٰهُ ذٰلِكَ اِلَّا بِالْحَقِّ

سورهٔ یونس مکی است وآن یك صد و نه آیت ویازده رکوع است

بنام خدای بخشایندهٔ مهربان .

الٓرٰ، این آیت های کتاب باحکمت است (١) .

آیاتعجب است مردمان را که وحی فرستادیم بسوی مردی ازایشان که بترسان مردمان را وبشارت ده مسلمانان را بآنکه ایشانرا هست جای پای نیکی نزد پروردگار ایشان، گفتند کافران هرآئینه این شخص جادوگر آشکاراست (٢) .

هرآئینه پروردگار شما خدائیست که آفرید آسمان ها وزمین را درشش روز بازمستقرشد برعرش تدبیر می‌کند کاررا نیست هیچ شفاعت کننده مگربعد دستور وی، این ست خداپروردگار شماپس بپرستید اورا آیاپندنمی‌گیرید (٣) .

بسوی اوست رجوع شماهمه یك جا وعده کرده است خدا وعدهٔ درست هرآئینه وی ابتداکند آفرینش را بازدیگر باربازگرداندش تاجزا دهد آنان را که ایمان آورده اند وکارهای شائسته کرده اند بانصاف وآنانکه کافرشدند ایشان راست آشامیدنی ازآب گرم وعقوبت درد دهنده بسبب آنکه کافربودند (٤) .

اوآنست که ساخت خورشید را درخشنده وماه را روشن ومعین کردبرای ماه منزل هاراتابدانید شمارسال هاو تابدانید

يُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ۝٥

حساب را نیافریده است خدای تعالی این را مگر به تدبیر درست بیان می کند نشانها را برای گروهی که میدانند (٥) .

اِنَّ فِي اخْتِلَافِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللّٰهُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَّقُوْنَ ۝٦

هرآئینه درآمد ورفت شب وروز ودرآنچه آفریده است خدا درآسمان ها وزمین نشانه هاست گروهی را که پرهیزگاری می‌کنند (٦) .

اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ لِقَآءَنَا وَرَضُوْا بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَاطْمَاَنُّوْا بِهَا وَالَّذِيْنَ هُمْ عَنْ اٰيٰتِنَا غٰفِلُوْنَ ۝٧

هرآئینه آنانکه امید ندارند ملاقات مارا وخوشنود شده اند به زندگانی دنیا وآرام گرفته اند بآن وآنانکه ازنشانه های ما بی خبراند (٧) .

اُولٰٓئِكَ مَاْوٰىهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ۝٨

این جماعت جای ایشان آتش ست به سبب آنچه عمل می کردند (٨) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ يَهْدِيْهِمْ رَبُّهُمْ بِاِيْمَانِهِمْ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهِمُ الْاَنْهٰرُ فِيْ جَنّٰتِ النَّعِيْمِ ۝٩

هرآئینه آنانکه ایمان آورده اند وکارهای شائسته کرده اند هدایت کند ایشان را پروردگار بسبب ایمانِ ایشان یعنی بمقامات نجات، میرود زیرایشان جویهادر بوستانهای نعمت (٩) .

دَعْوٰىهُمْ فِيْهَا سُبْحٰنَكَ اللّٰهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيْهَا سَلٰمٌ وَاٰخِرُ دَعْوٰىهُمْ اَنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝١٠

دعای ایشان درآنجا سبحانك اللّهم باشد یعنی پاکی تراست بارِ خدایاو دعای خیر ایشان بایکدیگر سلام بُوَد و نهایت دعای ایشان این ست که حمد خداراست پروردگار عالمیان (١٠) .

وَلَوْ يُعَجِّلُ اللّٰهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ اِلَيْهِمْ اَجَلُهُمْ فَنَذَرُ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ لِقَآءَنَا فِيْ طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ۝١١

و اگر زود می‌رسانید خدای تعالی بمردمان سختی رامانند آنکه زود می‌طلبندنعمت را بانجام رسانیده می‌شد در حق ایشان اجل ایشان پس می گذاریم آنان را که امید ملاقات ما ندارند سرگردان شده دربیراهیِ خویش (١١) .

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَآئِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَّمْ يَدْعُنَآ إِلَىٰ ضُرٍّ مَّسَّهُ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِيْنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٢﴾

وچون رنج برسد بآدمی دعاکند ببارگاه ما خفته برپهلوی خود یانشسته یا ایستاده پس آنگاه که برداشتیم ازوی رنج وی را برود گویا نخوانده بودمارا بدفع کردن رنجی که رسیدش هم چنین آراسته کرده شداز حد گذرندگان را آنچه می کردند (١٢) .

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُوْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوْا وَجَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ وَمَا كَانُوْا لِيُؤْمِنُوْا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِيْنَ ﴿١٣﴾

وهرآئینه هلاك کرده ایم قرن هارا پیش ازشما چون ستم کردند وآمدند بایشان پیغامبران ایشان بانشانه های روشن وهرگز آمادهٔ آن نبودند که ایمان آرند هم چنین سزا می‌دهیم گروه گناه گاران را (١٣) .

ثُمَّ جَعَلْنٰكُمْ خَلٰٓئِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُوْنَ ﴿١٤﴾

بازجانشین ساختیم شمارا در زمین پس ازایشان تابببینیم چگونه کار می‌کنید (١٤) .

وَإِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيَاتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالَ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ لِقَآءَنَا ائْتِ بِقُرْاٰنٍ غَيْرِ هٰذَآ أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُوْنُ لِيْٓ أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَآئِ نَفْسِيْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوْحٰٓى إِلَيَّ إِنِّيْٓ أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّيْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿١٥﴾

و چون خوانده شود برایشان آیات واضح ما گویند آنانکه امیدملاقات ما را ندارند بیار قرآنی بجزاین یاتغییر دِه اورا[1] بگوروا نَبُوَد مرا که تبدیل کنمش از جانب خود پیروی نمی کنم مگر آنچه را که وحی فرستاده شد بسوی من هرآئینه من می ترسم اگر نافرمانی پروردگار خودکنم ازعذاب روز بزرگ (١٥) .

قُلْ لَّوْ شَآءَ اللّٰهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَآ أَدْرٰىكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيْكُمْ عُمُرًا مِّنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿١٦﴾

بگو اگر خدامی خواست نمی خواندم آن رابرشما وخبردار نمی‌کرد خدا شمارابآن هرآئینه گذرانده ام در میان شما

---

(١) یعنی تاموافق عقائد باطلهٔ ایشان باشد .

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ﴿١٧﴾

عمری پیش ازاین آیادرنمی یابید (١٦) .

پس کیست ستمگارتر ازکسی که بربندد برخدا دروغ را یا دروغ شُمُرَد آیاتِ وی را هرآئینه (سخن اینست که) رستگار نمی شوند گناهگاران (١٧) .

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَٰؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِندَ اللَّهِ ۚ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۚ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾

ومی پرستند بغیرازخدا چیزی که ضرر نه دهدایشان را ونه سود رساند بایشان ومی گویند ایشان شفاعت کنندگان مایند نزد خدا بگوآیا آ گاه می‌کنید خدارا بآنچه نمی داند درآسمان ها و زمین، پاکی وی راست وبرتراست ازآنکه شریك مقررمی کنند (١٨) .

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٩﴾

ونبُودند مردمان مگریك امت(١) پس اختلاف کردند(٢) وا گر نمی‌بود کلمه ای که سابق صادر شده است از پروردگار تو فیصله کرده می‌شد میان ایشان درآنچه اندران اختلاف دارند (١٩) .

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ ۖ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ ﴿٢٠﴾

ومی گویند چرا فرو فرستاده نه شده است براین پیغامبر نشانه ای ازپروردگار وی بگوجزاین نیست که علم غیب خداراست پس انتظار کنید هرآئینه من باشما ازمنتظرانم (٢٠) .

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّن بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَّكْرٌ فِي آيَاتِنَا ۚ قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا ۚ إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ ﴿٢١﴾

وچون بچشانیم مردمان را رحمتی پس ازسختی که رسیده بود بایشان ناگهان ایشان رابداندیشی باشددرنشان های

(١) یعنی برتوحید و ملت ابراهیمی .
(٢) یعنی بسبب عمرو بن لحی .

ما[١] بگوخدا زودترست در تدبیر کردن هرآئینه فرستادگان ما می نویسند آنچه بداندیشی می‌کنید[٢] (٢١) .

هُوَالَّذِيْ يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۗ حَتّٰٓى اِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ ۚ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيْحٍ طَيِّبَةٍ وَّفَرِحُوْا بِهَا جَآءَتْهَا رِيْحٌ عَاصِفٌ وَّجَآءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَّظَنُّوْٓا اَنَّهُمْ اُحِيْطَ بِهِمْ ۙ دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ ۚ لَئِنْ اَنْجَيْتَنَا مِنْ هٰذِهٖ لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ ﴿٢٢﴾

اوست آنکه روان می کند شمارا درخشکی ودردریا تاوقتیکه باشید درکشتی ها و روان شوند کشتی ها باسواران خود ببادخوش وشادمان شوند ایشان بآن بادموافق، ناگاه برسد بآن کشتی ها بادی تُند وبیاید بایشان موج ازهرطرف وبدانند که ازهرجهت گرفتار گشتند دعاکنند ببارگاه خدا خالص کرده برای اوعبادت را که اگر نجات دهی مارا ازین بلا باشیم ازشکرگذاران (٢٢) .

فَلَمَّآ اَنْجٰىهُمْ اِذَا هُمْ يَبْغُوْنَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلٰٓى اَنْفُسِكُمْ ۙ مَّتَاعَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۡ ثُمَّ اِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٢٣﴾

پس آنگاه که نجات داد ایشان را ناگهان ایشان بیراهی می کنند درزمین ناحق، ای مردمان جزاین نیست که بیراهی شمازیان برجان شماست یافتید بهرۀ زندگانی دنیارا، بازبسوی ما بازگشت شماست پس باخبرسازم شمارا بآنچه می کردید (٢٣) .

اِنَّمَا مَثَلُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَآءٍ اَنْزَلْنٰهُ مِنَ السَّمَآءِ فَاخْتَلَطَ بِهٖ نَبَاتُ الْاَرْضِ مِمَّا يَاْكُلُ النَّاسُ وَالْاَنْعَامُ ۗ حَتّٰٓى اِذَآ اَخَذَتِ الْاَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ اَهْلُهَآ اَنَّهُمْ قٰدِرُوْنَ عَلَيْهَآ ۙ اَتٰىهَآ اَمْرُنَا لَيْلًا اَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنٰهَا

جزاین نیست که مثالِ زندگانیِ دنیا مانند آبی است که فروداوردیمش ازآسمان پس درهم آمیخت بسبب وی روئیدگی زمین ازآنچه می خورند مردمان وچهار پایان تاوقتی که بدست آورد زمین پیرایه خودرا

---

(١) یعنی بکفران نعمت .

(٢) مترجم‌گوید بعد ازآن خدای تعالی بیان میفرماید‌کیفیت مکر وکفرانِ نعمت را والله اعلم .

حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ ۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾

وآراسته شد وگمان كردند ساكنان آن زمين كه ايشان توانايند برانتفاع ازآن ناگهان بيامد بزمين فرمان مادرشب يا درروز پس گردانيديم آن را مثل زراعت ازبيخ بريده گويا نبود ديروز، همچنين بيان مى كنيم نشانه ها را براى گروهى كه تأمل مى كنند (٢٤) .

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٢٥﴾

وخدا مى خواند بسوى سراى سلامتى وهدايت مى كند هركراخواهد بسوى راه راست (٢٥) .

لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ ۖ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٦﴾

آنان كه نيكوكارى كردند برايشان بهشت باشدو زياده برآن[1] ونه پوشدچهره هاى ايشان را هيچ سياهى ونه هيچ خوارى اين جماعت اهل بهشت اندايشان آنجاجاودانند (٢٦) .

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۖ مَّا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ ۖ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧﴾

وآنان را كه بعمل آوردند كردار هاى بد، جزاى بدى مثل آنست وبپوشد ايشان را خوارى، نباشد ايشان رااز خدا هيچ پناه دهنده، گويا پوشانيده شده است صورتهاى ايشان به پاره هائى از شب تاريك اين جماعت اهل آتش اند ايشان آنجاجاودانند (٢٧) .

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنتُمْ وَشُرَكَاؤُكُمْ ۚ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ ۖ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُم مَّا كُنتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ ﴿٢٨﴾

وبترسيد ازروزيكه برانگيزيم ايشانرا همه يكجا بازگوئيم مشركان را بايستيد برجاى خود، شما وآنانكه شماايشان را شريك خداساخته ايد پس جدائى اندازيم ميان

---

(١) يعنى رؤيت خداى تعالى .

ایشان و می‌گویند شریکان ایشان که شمامارا نمی پرستیدید (۲۸) .

فَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًاۢ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغٰفِلِيْنَ ﴿۲۹﴾

پس بس است خدا گواه میان ماومیان شما هرآئینه مابودیم ازپرستش شما بی‌خبر (۲۹) .

هُنَالِكَ تَبْلُوْا كُلُّ نَفْسٍ مَّآ اَسْلَفَتْ وَرُدُّوْٓا اِلَى اللّٰهِ مَوْلٰىهُمُ الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ﴿۳۰﴾

آنجادریابد هرشخصی آنچه پیش فرستاده است، و گردانیده شوند بسوی خدامالكِ حقیقی ایشان وگم شد ازایشان آنچه افترا می‌بستند (۳۰) .

قُلْ مَنْ يَّرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ اَمَّنْ يَّمْلِكُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَمَنْ يُّخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُّدَبِّرُ الْاَمْرَ فَسَيَقُوْلُوْنَ اللّٰهُ فَقُلْ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿۳۱﴾

بگوکِه روزی می دهدشمارا ازجانب آسمان و زمین، کیست که مالك باشد گوش وچشمها را[۱] وکیست که بیرون آرد زنده را ازمرده وبیرون آرد مرده را اززنده[۲] وکیست که تدبیر کندکاررا خواهند گفت آن خدا است بگو آیا پس حذرنمی کنید (۳۱) .

فَذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ اِلَّا الضَّلٰلُ فَاَنّٰى تُصْرَفُوْنَ ﴿۳۲﴾

پس این ست خدا پروردگار شمابحق پس چیست بعد راستی مگر گمراهی پس چگونه برگردانیده می شوید(ازعبادت خدا) (۳۲) .

كَذٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِيْنَ فَسَقُوْٓا اَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿۳۳﴾

هم چنین ثابت شد قضای پروردگارتو بر فاسقان که ایشان ایمان نیارند (۳۳) .

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَآئِكُمْ مَّنْ يَّبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ قُلِ اللّٰهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ

بگوآیاهست ازشریکان شما کسی که آغازکند آفرینش را بازدوباره بازگرداندش بگوخدا نومی کند آفرینش

---

(۱) یعنی خالق گوش وچشم باشد .

(۲) یعنی حیوان رااز نطفه ونطفه راازحیوان .

ثُمَّ يُعِيْدُهٗ فَاَنّٰى تُؤْفَكُوْنَ ﴿٣٤﴾

را بازدوباره بازگرداندَش پس چگونه برگردانیده میشوید (ازعبادت خدا) (٣٤) .

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَآئِكُمْ مَّنْ يَّهْدِيْٓ اِلَى الْحَقِّ قُلِ اللّٰهُ يَهْدِيْ لِلْحَقِّ اَفَمَنْ يَّهْدِيْٓ اِلَى الْحَقِّ اَحَقُّ اَنْ يُّتَّبَعَ اَمَّنْ لَّا يَهِدِّيْٓ اِلَّآ اَنْ يُّهْدٰى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُوْنَ ﴿٣٥﴾

بگوآیاهست ازشریکان شما کسی که راه نماید بسوی دین حق؟ بگوخدا ست که راه می نماید بسوی دین حق، پس کسی که راه می نماید بسوی حق لائق تراست بآنکه پیروی کرده شود یاکسیکه خود راه نمی یابد مگرآنوقت که راه نموده شود وی را پس چیست شمارا؟ چگونه حکم میکنید (٣٥) .

وَمَا يَتَّبِعُ اَكْثَرُهُمْ اِلَّا ظَنًّا اِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِيْ مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ بِمَا يَفْعَلُوْنَ ﴿٣٦﴾

وپیروی نمی کنند بیشتر ازایشان مگروهم را هرآئینه وهم کفایت نمی کند ازمعرفت حق چیزی را هرآئینه خدا داناست بآنچه می کنند (٣٦) .

وَمَا كَانَ هٰذَا الْقُرْاٰنُ اَنْ يُّفْتَرٰى مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ تَصْدِيْقَ الَّذِيْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيْلَ الْكِتٰبِ لَا رَيْبَ فِيْهِ مِنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٣٧﴾

ونیست این قرآن افتراء بغیر حکم خدا ولیکن هست باوردارندۂ آنچه پیش ازوی است وبیان شریعتی است که نوشته شد برمردمان هیچ شبهه نیست درآن از پروردگار عالم هاست (٣٧) .

اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُ قُلْ فَاْتُوْا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهٖ وَادْعُوْا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٣٨﴾

آیامی گویند افترابسته است آن را بگوپس بیارید سوره ای مانند آن وبخوانید هرکرا توانید بغیرازخدا ا گر هستید راست گو (٣٨) .

بَلْ كَذَّبُوْا بِمَا لَمْ يُحِيْطُوْا بِعِلْمِهٖ وَلَمَّا يَاْتِهِمْ تَاْوِيْلُهٗ كَذٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٣٩﴾

بلکه دروغ شمرده اندچیزی را که نمیدانندآنرا وهنوز نیامده است مصداق وعدۂ وی هم چنین دروغ پنداشتند آنانکه پیش ازایشان بودند پس بنگر چگونه شد عاقبت ستمکاران (٣٩) .

وَمِنْهُمْ مَّنْ يُّؤْمِنُ بِهٖ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَّا يُؤْمِنُ بِهٖ وَرَبُّكَ اَعْلَمُ

وازایشان کسی هست که ایمان می آرد

بِالْمُفْسِدِيْنَ ﴿٤٠﴾

بآن وازایشان کسی هست که ایمان نمی‌آرد بآن وپروردگار تودانا تراست بمفسدان (٤٠) .

وَاِنْ كَذَّبُوْكَ فَقُلْ لِّيْ عَمَلِيْ وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ ۚ اَنْتُمْ بَرِيْٓـُٔوْنَ مِمَّآ اَعْمَلُ وَاَنَا بَرِيْٓءٌ مِّمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿٤١﴾

واگر به دروغ نسبت کنند ترا پس بگومراست عمل من و شماراست عمل شما شما بی تعلقید ازآنچه من می کنم ومن بی تعلقم ازآنچه شمامی کنید (٤١) .

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّسْتَمِعُوْنَ اِلَيْكَ ۭ اَفَاَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوْا لَا يَعْقِلُوْنَ ﴿٤٢﴾

وازایشان کسی هست که گوش فرامی دهد بسوی توآیاتو می شنوانی کَران را اگرچه درنمی یافتند (٤٢) .

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّنْظُرُ اِلَيْكَ ۭ اَفَاَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوْا لَا يُبْصِرُوْنَ ﴿٤٣﴾

وازایشان کسی هست که می نگرد بسوی تو آیاتوراه می نمائی کوران را اگرچه نمی بینند[1] (٤٣) .

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْـًٔا وَّلٰكِنَّ النَّاسَ اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ﴿٤٤﴾

هرآئینه خداهیچ ستم نمی کند برمردمان ولیکن مردمان برخویشتن ستم می کنند (٤٤) .

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَاَنْ لَّمْ يَلْبَثُوْٓا اِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُوْنَ بَيْنَهُمْ ۭ قَدْ خَسِرَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِلِقَاۗءِ اللّٰهِ وَمَا كَانُوْا مُهْتَدِيْنَ ﴿٤٥﴾

وروزیکه برانگیزد خدا ایشانرا گویا که درنگ نه کرده بودند مگرساعتی از روز شناساباشند بایك دیگر بتحقیق زیان کارشدند آنانکه دروغ پنداشتند ملاقات خدارا ونه بودند راه یافتگان (٤٥) .

وَاِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِيْ نَعِدُهُمْ اَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَاِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللّٰهُ شَهِيْدٌ عَلٰي مَا يَفْعَلُوْنَ ﴿٤٦﴾

واگر بنمائیم ترا بعض آنچه وعده می‌کنیم بایشان یابمیرانیم ترا (بهرحال) بسوی ماست بازگشت ایشان بازخدا آگاه است برآنچه می کنند (٤٦) .

وَلِكُلِّ اُمَّةٍ رَّسُوْلٌ ۚ فَاِذَا جَاۗءَ رَسُوْلُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ

وهرامتی را پیغامبری هست پس چون

---

(١) یعنی ایشان مانند کران وکورانند .

بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿٤٧﴾

آمد پیغامبر ایشان فیصله کرده شود میان ایشان بانصاف وبرایشان ستم کرده نه شود[1] (٤٧) .

وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٤٨﴾

ومی گویند کَی باشد این وعده اگر هستیدراست گو (٤٨) .

قُلْ لَّآ اَمْلِكُ لِنَفْسِيْ ضَرًّا وَّلَا نَفْعًا اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ لِكُلِّ اُمَّةٍ اَجَلٌ اِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَاْخِرُوْنَ سَاعَةً وَّلَا يَسْتَقْدِمُوْنَ ﴿٤٩﴾

بگو مالك نیستم برای خود زیانی ونه سودی مگر آنچه خداخواسته است هر گروهی رامیعادی هست چون بیاید میعادایشان تاخیرنه کنند ساعتی ونه سبقت جویند (٤٩) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ اَتٰىكُمْ عَذَابُهٗ بَيَاتًا اَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُوْنَ ﴿٥٠﴾

بگو آیادیده اید اگربیاید به شماعذاب او شبانگاه یابروز (بهرحال) چه چیزرا بشتاب می‌طلبند ازآن عذاب این گناه کاران (٥٠) .

اَثُمَّ اِذَا مَا وَقَعَ اٰمَنْتُمْ بِهٖ آٰلْـٰٔنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهٖ تَسْتَعْجِلُوْنَ ﴿٥١﴾

باز وقتی که متحقق شود آیا ایمان آرید بآن آنگاه گفته شودآیااکنون ایمان آوردید وپیش ازین بشتاب می طلبیدید آن را[2] (٥١) .

ثُمَّ قِيْلَ لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا ذُوْقُوْا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ اِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُوْنَ ﴿٥٢﴾

بازگفته شود ستمگاران را به چشید عذاب جاویدان را جزا داده نمی شوید مگر بسبب آنچه شما می کردید (٥٢) .

وَيَسْتَنْۢبِــُٔوْنَكَ اَحَقٌّ هُوَ قُلْ اِيْ وَرَبِّيْٓ اِنَّهٗ لَحَقٌّ وَمَآ اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ﴿٥٣﴾

ومی پرسندترا آیادرست است این وعده بگوآری قسم به پروردگار من هرآئینه آن درست است وشماعاجز کننده نیستید (٥٣) .

---

(١) یعنی رسل واتباع ایشان نجات یابندوکافران هلاك شوند .

(٢) یعنی باستهزاوتکذیب .

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ۗ وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ ۖ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ ۚ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٥٤﴾

وا گر باشد هرنفس ستم کننده را آنچه درزمین است البته فدیه خود دهدآن را ودرضمیر خود دارندپشیمانی چون ببینند عذاب را وفیصله کرده شود میان ایشان بعدل وبرایشان ستم کرده نشود (٥٤) .

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾

آ گاه باش هرآئینه خدای راست آنچه درآسمان هاوزمین است، آ گاه باش هرآئینه وعدهٔ خداراست است ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند (٥٥) .

هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٥٦﴾

اوزنده می کند ومی میراند وبسوی وی بازگردانیده شوید (٥٦) .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾

ای مردمان آمده است به شما پندی ازپروردگار شما وشفای آن مرضی که درسینه ها ست وراه نمودنی وبخشایشی مسلمانان را (٥٧) .

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٥٨﴾

بگوبه فضل خدا وبرحمت او باین چیزهاباید که شادمان شوند،آن بهتر است ازآنچه جمع می کنند (٥٨) .

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ ۖ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿٥٩﴾

بگوآیادیدید چیزی را که فرودآورده است خدابرای شما ازجنس روزی پس ساختید بعض آن راحرام وبعض آن را حلال بگو آیاخدا اجازه داده است شما را یابرخدا دروغ می بندید (٥٩) .

وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾

وچیست گمان آنانکه افترامی بندند برخدا دروغ را به روزقیامت[1] هرآئینه خداصاحب فضل است برمردمان ولیکن

(١) یعنی خدابایشان چه خواهد کرد در روز قیامت .

بیشتر ایشان سپاسگذاری نمی کنند (٦٠).

وَمَا تَكُوْنُ فِيْ شَاْنٍ وَّمَا تَتْلُوْا مِنْهُ مِنْ قُرْاٰنٍ وَّلَا تَعْمَلُوْنَ مِنْ عَمَلٍ اِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُوْدًا اِذْ تُفِيْضُوْنَ فِيْهِ ۭ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَّبِّكَ مِنْ مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاۗءِ وَلَآ اَصْغَرَ مِنْ ذٰلِكَ وَلَآ اَكْبَرَ اِلَّا فِيْ كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ ﴿٦١﴾

ونمی باشی درهیچ شغلی ونمی خوانی هیچ آیتی رااز طرف خداآمده ونمی کنیدهیچ کاری مگرهستیم برشما مطلع چون درمی آئید درآن کار وپوشیده نمی شود ازپروردگار تو هم وزن ذره ای درزمین ونه درآسمان ونیست خرد تر ازآن ونه بزرگ تر مگرنوشته شده است درکتاب روشن (٦١).

اَلَآ اِنَّ اَوْلِيَاۗءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿٦٢﴾

آ گاه باش هرآئینه دوستان خدا هیچ ترسی نیست برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (٦٢).

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوْا يَتَّقُوْنَ ﴿٦٣﴾

آنانکه ایمان آوردند ومی‌ترسیدند (٦٣).

لَهُمُ الْبُشْرٰى فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْاٰخِرَةِ ۭ لَا تَبْدِيْلَ لِكَلِمٰتِ اللّٰهِ ۭ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿٦٤﴾

ایشان راست بشارت درزندگانیِ دنیا[1] ودرآخرت، نیست هیچ تبدیل مرسخنان خدارا این بشارت همانست پیروزی بزرگ (٦٤).

وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ ۘ اِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيْعًا ۭ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿٦٥﴾

وغمگین نه کند ترا سخن ایشان هرآئینه غلبه خداراست همه یك جا اوست شنوای دانا (٦٥).

اَلَآ اِنَّ لِلّٰهِ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ ۭ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ شُرَكَاۗءَ ۭ اِنْ يَّتَّبِعُوْنَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنْ هُمْ اِلَّا يَخْرُصُوْنَ ﴿٦٦﴾

آ گاه باش هرآئینه خداراست هرکه درآسمان هاست وهرکه درزمین است وپیروی نمی کنند آنانکه پرستش می کنند بغیرازخدا شریکان را بحقیقت پیروی نمی کنند مگروهم را ونیستند مگر دروغ گو (٦٦).

---

(١) یعنی برویای صالحه و بشارت.

هُوَ الَّذِىْ جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ لِتَسْكُنُوْا فِيْهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۭ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّسْمَعُوْنَ ﴿٦٧﴾

اوست آنکه ساخت برای شما شب را تا آرام گیرید درآن وساخت روز را روشن هرآئینه درین نشانه هاست گروهی را که می شنوند (٦٧) .

قَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهٗ ۭ هُوَ الْغَنِىُّ ۭ لَهٗ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ ۭ اِنْ عِنْدَكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍۢ بِهٰذَا ۭ اَتَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٦٨﴾

گفتند کافران فرزند گرفته است خدا، پاکی اوراست اوست بی نیاز، اوراست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است نیست نزد شما هیچ حجتی برین آیا می‌گوئید برخدا آنچه نمی دانید (٦٨) .

قُلْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُوْنَ ﴿٦٩﴾

بگوهرآئینه آنانکه برمی بندند برخدا دروغ را رستگار نمی شوند (٦٩) .

مَتَاعٌ فِى الدُّنْيَا ثُمَّ اِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيْقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيْدَ بِمَا كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ ﴿٧٠﴾

ایشان را باشد بهره مندی دردنیا بازبسوی ماست بازگشت ایشان پس بچشانیم ایشان را عذاب سخت بسبب آنکه کفرمی ورزیدند (٧٠) .

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَاَ نُوْحٍ ۘ اِذْ قَالَ لِقَوْمِهٖ يٰقَوْمِ اِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَّقَامِىْ وَتَذْكِيْرِىْ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ فَعَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ فَاَجْمِعُوْٓا اَمْرَكُمْ وَشُرَكَآءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ اَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوْٓا اِلَىَّ وَلَا تُنْظِرُوْنِ ﴿٧١﴾

وبخوان برایشان خبرنوح را چون گفت به قوم خود ای قوم من اگر دشوار شده باشد برشما قیام من وپند دادن من بآیت های خدا پس برخدا توکل کردم پس عزیمت درست کنید درکار خود همراه شریکان خویش پس نه باشد کارشماپوشیده برشما بازحمله برید بسوی من ومهلت مدهیدمرا (٧١) .

فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَاَلْتُكُمْ مِّنْ اَجْرٍ ۭ اِنْ اَجْرِىَ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ ۙ وَاُمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ﴿٧٢﴾

پس اگر اعراض کردید[1] پس نخواسته بودم ازشما هیچ مزدی نیست مزدمن مگربرخدا وفرموده شدمرا که باشم

---

(١) یعنی ازگفته من چه زیان .

ازمسلمانان (٧٢) .

فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۖ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ ﴿٧٣﴾

پس دروغ پنداشتندش پس نجات دادیم اورا وآنان را که باوی بودند درکشتی وگردانیدیم ایشان را جانشین وغرق کردیم کسانی را که دروغ پنداشتند آیاتِ مارا پس بنگر چگونه شدآخرکار بیم کرده شد گان (٧٣) .

ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِن قَبْلُ ۚ كَذَٰلِكَ نَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ﴿٧٤﴾

بازفرستادیم بعد نوح پیغامبران را بسوی قوم ایشان پس آوردند پیش ایشان نشانه های روشن را پس هرگز مستعد آن نه بودند که ایمان آرند بآنچه دروغ پنداشته بودند آن را پیش ازین هم چنین مُهرمی‌نهیم بردل های ازحد گذرندگان (٧٤) .

ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَىٰ وَهَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿٧٥﴾

بازفرستادیم بعدازایشان موسیٰ وهارون را بسوی فرعون وقوم وی بانشانه های خویش پس تکبر کردند و بودند قومی گناهکار (٧٥) .

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٦﴾

پس چون آمدبایشان سخن درست ازنزدِ ماگفتند هرآئینه این سِحرِ ظاهر است (٧٦) .

قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ ۖ أَسِحْرٌ هَٰذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ ﴿٧٧﴾

گفت موسیٰ آیاچنین می گوئید سخن درست را چون بیامد به شماآیاسحراست این، ورستگارنمی شوند ساحران (٧٧) .

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾

گفتند آیاآمده ای پیش ما تا باز داری مارا ازدینی که یافتیم برآن پدران خودرا وتاباشد شمارا ریاست درزمین ونیستیم ماشمارا باوردارنده (٧٨) .

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾

و گفت فرعون بیارید پیش من هرساحر بسیار دانارا (٧٩) .

فَلَمَّا جَآءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُّوْسٰى اَلْقُوْا مَآ اَنْتُمْ مُّلْقُوْنَ ﴿٨٠﴾

پس وقتی که آمدند ساحران گفت ایشان را موسیٰ بافگنید آنچه شما افگنند گانید (٨٠) .

فَلَمَّآ اَلْقَوْا قَالَ مُوْسٰى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهٗ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿٨١﴾

پس چون افگندند گفت موسیٰ آنچه آورده اید سحراست هرآئینه خداباطل خواهد ساخت آن را هرآئینه خداراست نمی آردکارمفسدان را (٨١) .

وَيُحِقُّ اللّٰهُ الْحَقَّ بِكَلِمٰتِهٖ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُوْنَ ﴿٨٢﴾

وثابت خواهد کردخدا سخن درست را به فرمان خود ا گرچه ناخوش دارند گناهگاران (٨٢) .

فَمَآ اٰمَنَ لِمُوْسٰٓى اِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهٖ عَلٰى خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهِمْ اَنْ يَّفْتِنَهُمْ وَاِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِى الْاَرْضِ وَاِنَّهٗ لَمِنَ الْمُسْرِفِيْنَ ﴿٨٣﴾

پس ایمان نیاوردند به موسیٰ مگرجماعتی ازقوم وی باوجود خوف ازفرعون واشراف ایشان که عقوبت کند ایشان را وهرآئینه فرعون سرکشی بود درآن سرزمین وهرآئینه وی ازحد گذرند گان بود (٨٣) .

وَقَالَ مُوْسٰى يٰقَوْمِ اِنْ كُنْتُمْ اٰمَنْتُمْ بِاللّٰهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوْٓا اِنْ كُنْتُمْ مُّسْلِمِيْنَ ﴿٨٤﴾

وگفت موسیٰ ایِ قوم من ا گرایمان آورده اید بخدا پس بروَی توکل کنید ا گر مسلمان هستید (٨٤) .

فَقَالُوْا عَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٨٥﴾

پس گفتند برخدا توکل کردیم، ای پروردگار ما مکن مارا لگدکوب قوم ستمگاران (٨٥) .

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٨٦﴾

ونجات دِه مارا برحمت خود ازگروه کافران (٨٦) .

وَاَوْحَيْنَآ اِلٰى مُوْسٰى وَاَخِيْهِ اَنْ تَبَوَّاٰ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوْتًا وَّاجْعَلُوْا بُيُوْتَكُمْ قِبْلَةً وَّاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٨٧﴾

ووحی فرستادیم بسوی موسیٰ و برادر وی که بگیریدبرای قوم خوددر شهر مصر خانه ها وقراردهیدخانه های خودرا جای نماز[1] وبرپادارید نمازرا وبشارت

(١) یعنی مساجد البیت بناکنید .

دِه مومنان را (۸۷) .

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ ۖ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٨٨﴾

وگفت موسیٰ ای پروردگارما هرآئینه توداده ای فرعون و قبیلهٔ اورازینت ومال های بسیار درزندگانی دنیا ای پروردگارما تا گمراه کنند عالم را ازراهِ تو ای پروردگارما مسخ کن مالهای ایشان را مُهر زَن بر دلهای ایشان که ایمان نیارند تابببینند عذاب درد دهنده (۸۸) .

قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

گفت خداهرآئینه قبول کرده شد دعای شما پس ثابت باشید وپیروی مکنید راه جاهلان را (۸۹) .

وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدْوًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩٠﴾

وگذرانیدیم اولاد یعقوب را ازدریا پس درپَی ایشان شدند فرعون ولشکراو ازراه ستم وتعدی تاوقتی که رسیدش مشقّتِ غرق گفت باورداشتم که نیست هیچ معبود برحقی مگر آنکه ایمان آورده است به وی بنی اسرائیل ومن ازمسلمانانم (۹۰) .

آلْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٩١﴾

گفته شدآیااکنون ایمان می‌آری وبتحقیق نافرمانی کرده بودی پیش ازاین و بودی ازمفسدان (۹۱) .

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً ۚ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ ﴿٩٢﴾

پس امروزنجات دهیم بَدَنَت را[1] (به همان جسد تویعنی بغیر تغییر) تاباشی نشانه آنان را که پس ازتوآیند وهرآئینه بسیاری از مردمان ازنشانه های ما بی‌خبراند (۹۲) .

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ

هرآئینه جادادیم بنی اسرائیل را بمقام

---

(۱) یعنی بروی آب آریم ترا .

الطَّيِّبٰتِ ۚ فَمَا اخْتَلَفُوْا حَتّٰى جَآءَهُمُ الْعِلْمُ ۭ اِنَّ رَبَّكَ يَقْضِيْ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿٩٣﴾

نيك وروزی داديم ايشان را ازپاكيزه ها پس اختلاف نكردند تاآنكه آمدبايشان دانش (يعنی قرآن) هرآئينه پروردگار تو حكم كند ميان ايشان روزقيامت درآنچه اختلاف می كردند (٩٣) .

فَاِنْ كُنْتَ فِيْ شَكٍّ مِّمَّآ اَنْزَلْنَآ اِلَيْكَ فَسْـَٔلِ الَّذِيْنَ يَقْرَءُوْنَ الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكَ ۚ لَقَدْ جَآءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ فَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِيْنَ ﴿٩٤﴾

پس ا گر درشكّی ازآنچه فروفرستاديم بسوی توپس بپرس آنان را كه می خوانند كتاب راپيش ازتو[1] هرآئينه آمده است پيش تووحی درست از پروردگار توپس هرگز مشو ازشك آرندگان (٩٤) .

وَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ فَتَكُوْنَ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿٩٥﴾

وهرگز مباش ازآنانكه دروغ پنداشتند آياتِ خدارا، آنگاه شوی اززيان كاران . (٩٥)

اِنَّ الَّذِيْنَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿٩٦﴾

هرآئينه آنانكه ثابت شد برايشان حكم پروردگارتو ايمان نيارند (٩٦) .

وَلَوْ جَآءَتْهُمْ كُلُّ اٰيَةٍ حَتّٰى يَرَوُا الْعَذَابَ الْاَلِيْمَ ﴿٩٧﴾

ا گرچه بيايدبايشان هرنشانه تاآنكه ببينند عذاب درددهنده را (٩٧) .

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ اٰمَنَتْ فَنَفَعَهَآ اِيْمَانُهَآ اِلَّا قَوْمَ يُوْنُسَ ۭ لَمَّآ اٰمَنُوْا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنٰهُمْ اِلٰى حِيْنٍ ﴿٩٨﴾

پس چرانبُود دِهی كه ايمان آرد[2] پس سوددَهدَش ايمان وی مگرقوم يونس چون ايمان آوردند برداشتيم ازايشان عقوبت رسوائی درزندگانی دنيا و بهره مندساختيم ايشان راتامدتی (٩٨) .

وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَاٰمَنَ مَنْ فِي الْاَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيْعًا ۭ اَفَاَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتّٰى يَكُوْنُوْا مُؤْمِنِيْنَ ﴿٩٩﴾

وا گر می‌خواست پروردگارتو ايمان می‌آوردند آنانكه درزمين اند همهٔ ايشان يك جا آياتو اجبارتوانی كرد مردمان را

---

(١) يعنی تاظاهر شود كه برانبيای سابق نيزوحی نازل ميشد والله اعلم .

(٢) يعنی نزديك نزول عذاب .

تامسلمان شوند (٩٩) .

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٠﴾

وروانبُوَد هیچ شخصی را که ایمان آردمگربخواست خدا ومی اندازد پلیدی را برآنانکه درنمی یابند (١٠٠) .

قُلِ انْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠١﴾

بگو ببینید چه چیزاست درآسمان ها وزمین وفائده نمی دهند نشانه ها و ترسانند گان گروهی را که باورنمی کنند (١٠١) .

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿١٠٢﴾

پس انتظارنمی کشند مگرمانند مصیبت های آنانکه گذشتند پیش ازایشان بگو انتظار بکشید هرآئینه من نیزباشما ازمنتظرانم (١٠٢) .

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا ۚ كَذَٰلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنْجِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

بازنجات دهیم پیغامبران خودرا وآنان را که ایمان آوردندهمچنین لازم است برماکه نجات دهیم مومنان را (١٠٣) .

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَٰكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٤﴾

بگوای مردمان اگر هستید درشبهه ازدین من پس نمی پرستم آنان را که شما می‌پرستید غیرازخدا ولیکن عبادت می‌کنم آن خدارا که قبض ارواح شما می‌کند وفرموده شدمرا که باشم ازمسلمانان (١٠٤) .

وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٥﴾

وفرموده شدآنکه راست کن روی خود را برای دین حنیف وهرگز مباش ازمشرکان (١٠٥) .

وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۖ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٦﴾

ومخوان بجزخداچیزی را که سودندهد ترا وزیان نه رساند به تو پس اگرچنین کنی باشی آنگاه ازستمگاران (١٠٦) .

وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ ۚ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ

وا گر برساند خدا بتورنجی پس نیست بردارنده آن را مگر او وا گر خواهد

الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ﴿١٠٧﴾

درحق تونعمتی پس نیست هیچ دفع کننده فضل اورا میرساندش بهرکه خواهد ازبندگان خود واوست آمرزندهٔ مهربان (١٠٧) .

قُلْ يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَآءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكُمْ ۚ فَمَنِ اهْتَدٰى فَاِنَّمَا يَهْتَدِيْ لِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۚ وَمَاۤ اَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيْلٍ ﴿١٠٨﴾

بگوای مردمان بتحقیق آمده است به شماوحی راست از پروردگار شماپس هرکه راه یافت جزاین نیست که راه یابد برای خود وهرکه گمراه شد جزاین نیست که گمراه می شود بزیان خود ونیستم من برشما نگهبان (١٠٨) .

وَاتَّبِعْ مَا يُوْحٰۤى اِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتّٰى يَحْكُمَ اللّٰهُ ۚ وَهُوَ خَيْرُ الْحٰكِمِيْنَ ﴿١٠٩﴾

و(یامحمد) پیروی کن چیزی را که وحی فرستادیم بتووشکیبائی کن تاآنکه فیصله کند خدا واو بهترین فیصله کنندگان است (١٠٩) .

سوره هود مکی است وآن یك صدو بیست وسه آیت وده رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓرٰ

الٓرٰ .

كِتٰبٌ اُحْكِمَتْ اٰيٰتُهٗ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَّدُنْ حَكِيْمٍ خَبِيْرٍ ﴿١﴾

این کتابیست که استوارکرده شد آیاتِ او بازواضح کرده شده آمده ازنزد خدای درست کارباخبر (١) .

اَلَّا تَعْبُدُوْۤا اِلَّا اللّٰهَ ؕ اِنَّنِيْ لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيْرٌ وَّبَشِيْرٌ ﴿٢﴾

(بآن مضمون که پیغامبرگوید) عبادت نکنید مگر خدارا هرآئینه من شمارا ازجانب اوبیم کننده وبشارت دهنده ام (٢) .

وَّاَنِ اسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوْبُوْۤا اِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَّتَاعًا حَسَنًا اِلٰۤى اَجَلٍ مُّسَمًّى وَّيُؤْتِ كُلَّ ذِيْ فَضْلٍ فَضْلَهٗ ؕ وَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنِّيْۤ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيْرٍ ﴿٣﴾

وآنکه آمرزش طلب کنید ازپروردگار خود بازرجوع کنید بسوی وی تابهره مند سازدشمارا به بهرهٔ نیك تامیعاد معلوم وتا بدهد هرصاحب بزرگی را جزای

بزرگی او وا گر روگردان شوید پس هرآئینه من می ترسم برشما ازعذاب روز بزرگ (٣) .

إِلَى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ ۚ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤﴾

بسوی خداست بازگشت شماواو برهرچیز تواناست (٤) .

أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ ۚ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٥﴾

آ گاه باش این کافران می پیچند سینه های خودرا[1] می خواهند که پنهان شوند ازخدا آ گاه باش چون برسر می‌کنند جامه های خودرا میداند آنچه پنهان می دارند وآنچه آشکار می کنند هرآئینه اوداناست بسریکه در سینه هاست[2] (٥) .

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللّٰهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا ۚ كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾

ونیست هیچ جنبنده درزمین مگربرخداست روزی اوو می داند جای ماندن اورا وجای نگاهداشتن اورا هریك درکتاب روشن ست[3] (٦) .

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَلَئِنْ قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ

واوست آنکه آفرید آسمان ها وزمین را درشش روز وبود عرش او برآب (آخرکار آفریدن شماآنکه) تابیازماید شمارا که کدام یك ازشما نیکوتراست

---

(١) یعنی اعراض می کنند .

(٢) مترجم گوید میتوان گفت پیچیدن سینه عبارت ازآنست که فکر های ناصواب کند وبشبهات واهیه دل خودرا اطمینان دهد وعقائد حقه را فراموش سازد زیرا که صدراینجا بمعنی علومِ صدرآمده است .

(٣) یعنی درلوح محفوظ نوشته شده مترجم گوید مستودع جائی است که بغیر اختیار اوآنجا نگاهداشته بودندمانند صُلب ورَحِم ومستقر جائیست که باختیار خود می‌ماند مثل خانه .

هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ⑦

ازجهت عمل و ا گر گوئی که هرآئینه شمابرانگیخته شوید بعدازموت البته گویند کافران نیست این سخن مگر جادوئی ظاهر (٧) .

وَلَئِنْ اَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ اِلٰٓى اُمَّةٍ مَّعْدُوْدَةٍ لَّيَقُوْلُنَّ مَا يَحْبِسُهٗ ؕ اَلَا يَوْمَ يَاْتِيْهِمْ لَيْسَ مَصْرُوْفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ⑧

وا گر بازداریم ازایشان عقوبت راتامدتی شمرده شده البته گویند چه چیز باز می‌دارد آنرا آ گاه باش روزیکه بیاید بایشان نه باشد بازداشته شده ازایشان وفرا گیرد ایشان را آنچه استهزامی کردند بآن (٨) .

وَلَئِنْ اَذَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنٰهَا مِنْهُ ۚ اِنَّهٗ لَيَـُٔوْسٌ كَفُوْرٌ ⑨

وا گر بچشانیم آدمی را نعمتی ازنزد خودبازبرگیریم آن راازوی هرآئینه وی ناامید وناسپاس است (٩) .

وَلَئِنْ اَذَقْنٰهُ نَعْمَآءَ بَعْدَ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ لَيَقُوْلَنَّ ذَهَبَ السَّيِّاٰتُ عَنِّیْ ؕ اِنَّهٗ لَفَرِحٌ فَخُوْرٌ ⑩

وا گر بچشانیم آدمی را رفاهیتی بعد سختی که رسیده باشد به وَی البته گوید برفتند سختی هاازمن هرآئینه وی شادمان خود ستاینده است (١٠) .

اِلَّا الَّذِيْنَ صَبَرُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ؕ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ كَبِيْرٌ ⑪

مگر آنانکه شکیبائی نمودند وکارهای شائسته کردند آن جماعت ایشان راست آمرزش ومزدِبزرگ (١١) .

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌۢ بَعْضَ مَا يُوْحٰٓى اِلَيْكَ وَضَآئِقٌۢ بِهٖ صَدْرُكَ اَنْ يَّقُوْلُوْا لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ اَوْ جَآءَ مَعَهٗ مَلَكٌ ؕ اِنَّمَآ اَنْتَ نَذِيْرٌ ؕ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَیْءٍ وَّكِيْلٌ ⑫

پس شاید توترك کنی بعض آنچه وحی فرستاده می‌شود بسوی تو وتنگ می‌شود بآن سینه تو[١] ازجهت آنکه می‌گویند چرا فروآورده نه شد بروی گنجی یاچرا نیامد همراه اوفرشته جزاین نیست که توبیم کننده ای وخدا برهر چیز نگهبان است (١٢) .

(١) یعنی ترك مکن دلتنگ مشو .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۖ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٣﴾

آیامی گویند افترابسته است (قرآن را) بگوپس بیارید ده سوره را مانند این بربافته وبخوانید هرکرا توانید بجز خدا اگر راست گوهستید[۱] (۱۳) .

فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَن لَّا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٤﴾

پس اگر قبول نکنند آن کافران سخن شمارا بدانید که قرآن نازل کرده شده است بعلم خدا وبدانید که هیچ معبود برحقی نیست مگروی پس آیاشما مسلمان هستید[۲] (۱٤) .

مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾

هرکه خواسته باشد زندگانی دنیا وتجمل آن بتمام رسانیم بسوی این جماعت جزای اعمال ایشانرا درینجا وایشان درینجا نقصان داده نه شوند[۳] (۱۵) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ ۖ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

این جماعت آنانند که نیست ایشان را درآخرت مگر آتش وباطل شد درآخرت آنچه کرده بودند ونابودست آنچه به عمل می آوردند (۱٦) .

أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۚ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۚ وَمَن

آیاکسی که باشد بر حجتی ازجانب پروردگارخود[٤] ودنبال وی می آید گواهی ازجانب پروردگار او[۵] وپیش

---

(۱) مترجم گوید نخست بِدَه سوره تحدّی واقع شدوچون ازآن عاجز شدند بیك سوره تحدّی فرمود .
(۲) یعنی براسلام ثابت باشید .
(۳) یعنی ثواب صدقه وصلهٔ رحم که ازکفار بوجود می آید در دنیا داده میشوند بتوسیع رزق وصحت بدن .
(٤) یعنی دلیل عقلی .
(۵) یعنی قرآن .

يَكْفُرْ بِهٖ مِنَ الْاَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهٗ ۚ فَلَا تَكُ فِیْ مِرْیَةٍ مِّنْهُ ۗ اِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا یُؤْمِنُوْنَ ﴿۱۷﴾

ازقرآن گواه وی بود کتاب موسیٰ پیشوائی وبخشایشی مثل دیگران باشد این جماعت ایمان می آرند بقرآن و هرکه کافرشد بآن ازگروه ها پس آتش وعده گاه ویست پس مباش درشبهه ازنزول قرآن هرآئینه وی درست است، آمده ازپروردگار تو ولیکن بیشتر مردمان ایمان نمی آرند (۱۷) .

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰی عَلَی اللّٰهِ كَذِبًا ؕ اُولٰٓئِكَ یُعْرَضُوْنَ عَلٰی رَبِّهِمْ وَیَقُوْلُ الْاَشْهَادُ هٰۤؤُلَآءِ الَّذِیْنَ كَذَبُوْا عَلٰی رَبِّهِمْ ۚ اَلَا لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَی الظّٰلِمِیْنَ ﴿۱۸﴾

وکیست ستمگارتر ازکسی که بربست برخدا دروغی را این جماعت آورده شوند پیش پروردگار خویش و گویند گواهان[1] ایشانند آنانکه دروغ بستند برپروردگار خویش آگاه باش لعنت خداست برستمگاران (۱۸) .

الَّذِیْنَ یَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِیْلِ اللّٰهِ وَیَبْغُوْنَهَا عِوَجًا ؕ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ كٰفِرُوْنَ ﴿۱۹﴾

آنانکه بازمی دارند مردمان را ازراهِ خداومیخواهند برای آن راه کجی را وایشان بآخرت کافراند (۱۹) .

اُولٰٓئِكَ لَمْ یَكُوْنُوْا مُعْجِزِیْنَ فِی الْاَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ اَوْلِیَآءَ ۘ یُضٰعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ ؕ مَا كَانُوْا یَسْتَطِیْعُوْنَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوْا یُبْصِرُوْنَ ﴿۲۰﴾

این جماعت نه باشند عاجز کننده درزمین ونه باشد ایشان را بجز خدا از دوستان، دوچند کرده شود ایشان را عذاب نمی توانستند شنیدن (یعنی بسبب شدت ناخوشی) و نمی دیدند[2] (۲۰) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِیْنَ خَسِرُوْۤا اَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا یَفْتَرُوْنَ ﴿۲۱﴾

این جماعت آنانند که زیان کردند درحق خویش وگم شد ازایشان آنچه برمی بافتند (۲۱) .

---

(۱) یعنی کرامًا کاتبین .

(۲) مترجم گوید ومیتوان گفت که همزهٔ استفهام انکاری محذوف است یعنی آیا نمی‌توانستند شنیدن وآیانمی دیدند .

لَاجَرَمَ اَنَّهُمْ فِی الْاٰخِرَةِ هُمُ الْاَخْسَرُوْنَ ﴿۲۲﴾

بیشك این جماعت درآخرت ایشانند زیانکارتر (۲۲) .

اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاَخْبَتُوْٓا اِلٰی رَبِّهِمْ ۙ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ ۚ هُمْ فِیْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿۲۳﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وعمل های شائسته کردند وفروتنی کردند توجه کنان بسوی پروردگار خویش ایشان اهل بهشت اند ایشان آنجا جاویدانند (۲۳) .

مَثَلُ الْفَرِیْقَیْنِ كَالْاَعْمٰی وَالْاَصَمِّ وَالْبَصِیْرِ وَالسَّمِیْعِ ؕ هَلْ یَسْتَوِیٰنِ مَثَلًا ؕ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿۲۴﴾

مثال این دوفریق مانندکور وکر وبینا وشنوااست آیا هردوبرابراند درصفت آیاپندنمی‌گیرید (۲٤) .

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوْحًا اِلٰی قَوْمِهٖٓ ۫ اِنِّیْ لَكُمْ نَذِیْرٌ مُّبِیْنٌ ﴿۲۵﴾

وهرآئینه فرستادیم نوح رابسوی قوم اوگفت هرآئینه من برای شمابیم دهندهٔ آشکارم (۲۵) .

اَنْ لَّا تَعْبُدُوْٓا اِلَّا اللّٰهَ ؕ اِنِّیْٓ اَخَافُ عَلَیْكُمْ عَذَابَ یَوْمٍ اَلِیْمٍ ﴿۲۶﴾

(باین مضمون) که مپرستید مگر خدارا هرآئینه من می ترسم برشما ازعذاب روزدرد دهنده (۲٦) .

فَقَالَ الْمَلَاُ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَوْمِهٖ مَا نَرٰىكَ اِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا نَرٰىكَ اتَّبَعَكَ اِلَّا الَّذِیْنَ هُمْ اَرَاذِلُنَا بَادِیَ الرَّاْیِ ۚ وَمَا نَرٰی لَكُمْ عَلَیْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كٰذِبِیْنَ ﴿۲۷﴾

پس گفتندجماعتی که کافربودند ازقوم اونمی بینیم ترا مگر آدمی مانند خویش ونه می بینیم که پیروی توکرده باشند (بتأمل سرسری) مگر آنانکه ایشان اراذل مایند ونمی بینیم برای شما هیچ بزرگی برخود بلکه می پنداریم شمارا دروغگو (۲۷) .

قَالَ یٰقَوْمِ اَرَءَیْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلٰی بَیِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّیْ وَاٰتٰىنِیْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهٖ فَعُمِّیَتْ عَلَیْكُمْ ؕ اَنُلْزِمُكُمُوْهَا وَاَنْتُمْ لَهَا كٰرِهُوْنَ ﴿۲۸﴾

گفت ای قوم من خبر دهیدمرا بدانکه اگر باشم برحجتی از پروردگار خود وداده باشد بمن بخشائشی ازنزد خود پس پوشانیده شد حقیقت آن

برشماآیااجبار کنیم شمارا برآن وشماناخواهان آن باشید؟ (٢٨) .

وَيٰقَوْمِ لَآ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا ۭ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ وَمَآ اَنَا بِطَارِدِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۭ اِنَّهُمْ مُّلٰقُوْا رَبِّهِمْ وَلٰكِنِّيْٓ اَرٰىكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُوْنَ ۝٢٩

وای قوم من طلب نمی کنم ازشمابراین پیغام رسانیدن مالی را، نیست مزدِمن مگر بر خدا و نیستم طردکنندۀ مسلمانان (یعنی ازصحبت خود) هرآئینه ایشان ملاقات کنندگانند با پروردگار خویش ولیکن من می بینم شمارا قومی که جهالت می کنید (٢٩) .

وَيٰقَوْمِ مَنْ يَّنْصُرُنِيْ مِنَ اللّٰهِ اِنْ طَرَدْتُّهُمْ ۭ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ۝٣٠

وآی قوم من کِه نصرت دهد مراازعقوبت خدا اگر برانم ایشان را آیاپندنمی گیرید (٣٠) .

وَلَآ اَقُوْلُ لَكُمْ عِنْدِيْ خَزَاۗىِٕنُ اللّٰهِ وَلَآ اَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَآ اَقُوْلُ اِنِّىْ مَلَكٌ وَّلَآ اَقُوْلُ لِلَّذِيْنَ تَزْدَرِيْٓ اَعْيُنُكُمْ لَنْ يُّؤْتِيَهُمُ اللّٰهُ خَيْرًا ۭ اَللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا فِيْٓ اَنْفُسِهِمْ ښ اِنِّىْٓ اِذًا لَّمِنَ الظّٰلِمِيْنَ ۝٣١

ونمی گویم به شما که نزد من است خزینه های خدا ونه آنکه میدانم غیب را ونمی گویم که من فرشته ام ونمی گویم آنان را که بخواری می نگردبدیشان چشمهای شما که نخواهد دادخدا بدیشان هیچ نعمتی خدادانا تراست بآنچه درضمیر های ایشان است هرآئینه من آنگاه ازستمگاران باشم (٣١) .

قَالُوْا يٰنُوْحُ قَدْ جٰدَلْتَنَا فَاَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَاْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ۝٣٢

گفتند ای نوح مکابره کردی باما پس بسیارکردی مکابرۀ مارا پس بیارآنچه وعده می کنی اگر هستی از راست گویان (٣٢).

قَالَ اِنَّمَا يَاْتِيْكُمْ بِهِ اللّٰهُ اِنْ شَاۗءَ وَمَآ اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ۝٣٣

گفت جزاین نیست که بیارد آن را به شماخدا اگر خواهد وشماعاجز کننده نیستید (٣٣) .

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِيْٓ اِنْ اَرَدْتُّ اَنْ اَنْصَحَ لَكُمْ اِنْ كَانَ اللّٰهُ يُرِيْدُ

وسودنمی دهد شمارا نصیحت من اگر خواهم که نصیحت کنم شمارا اگر خدا

أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۳۴﴾

خواسته باشد که‌گمراه کند شمارا اوست
پروردگار شما وبسوی اوبازگردانیده
می‌شوید (۳٤) .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي وَأَنَا
بَرِيءٌ مِمَّا تُجْرِمُونَ ﴿۳۵﴾

(یا محمد) آیامی گویند افترابسته است
قرآن را بگو اگر افترابسته ام قرآن را پس
برمن است‌گناه من ومن بی تعلّقم ازگناه
کردن شما[1] (۳۵) .

وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ
فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿۳۶﴾

ووحی فرستاده شد بسوی نوح که ایمان
نخواهد آورد ازقوم تو مگرآنکه مومن
شده است پس اندوه مخور بسبب آنچه
می‌کردند (۳٦) .

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي
الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ ﴿۳۷﴾

وبه ساز کشتی را بدیدگاه ما وبفرمانِ ما
وسخن مگوبامن دربارهٔ آنانکه ستم کردند
هرآئینه ایشان غرق شلگانند (۳۷) .

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ
قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿۳۸﴾

ومی ساخت نوح کشتی را وهرگاه که
می‌گذشت برآن کشتی جماعتی ازقوم او
تمسخر میکردند باوی ،گفت اگر
مسخره می کنید مارا پس هرآئینه
مامسخره خواهیم کردشمارا چنانکه شما
مسخره می‌کنید (۳۸) .

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ
عَذَابٌ مُقِيمٌ ﴿۳۹﴾

پس خواهید دانست آن را که بیایدش
عذابی که رسوا کندش وفرودآید بروی
عقوبتی دائم (۳۹) .

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ

(درهمین معامله بود) تاوقتیکه آمدفرمان
ما وبجوشید تنور وگفتیم برداردرکشتی

---

(۱) مترجم‌گوید این جمله اضافه کرده شددر وسط قصه قوم نوح تا تنبیه باشد بر
تطبیق حال مشرکین مکه باحال قوم حضرت نوح والله اعلم .

زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ ۚ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٤٠﴾

ازهرجنسی دوتن (نروماده) را وبردار اهل خودرا مگرآنکه سبقت کرده است بـروی قضـا[1] وبـردار مسلمـانـان را، وایمان نیاوردند باوی مگراندکی (٤٠) .

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا ۚ إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٤١﴾

وگفت (نوح) سوار شوید درکشتی، بنام خداست روان شدن وی وایستادن وی هر آئینه پروردگار من آمرزندهٔ مهربانست (٤١).

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾

وآن کشتی می بُرد ایشان را درموجی مانند کوه ها وآوِاز داد نوح پسر خودرا واوبود درکرانه ای پسرك من سوارشو باما ومباش باکافران (٤٢) .

قَالَ سَآوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ ۚ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ ۚ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ ﴿٤٣﴾

گفت پناه خواهم گرفت بسوی کوهی که نگاه دارد مرا ازآب گفت نوح هیچ نگاه دارنده نیست امروز از عذاب خدا مگر آنکه خدا رحم کرده است بروی وحائل شد موج میان ایشان پس شد ازغرق شدگان (٤٣) .

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ ۖ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾

وگفته شد ای زمین فروبرآب خودرا وای آسمان بازمان[2] وکم کرده شد آب وبه انجام رسانیده شدکار وقرارگرفت کشتی برکوه جودی وگفته شد هلاکت باد قوم ستمگاران را (٤٤) .

وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي

و آوازداد نوح پروردگار خودرا پس گفت ای پروردگار من هرآئینه پسر من ازاهل

---

(۱) یعنی زن نوح وکنعان پسر نوح .

(۲) یعنی ازباران .

وَاِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَاَنْتَ اَحْكَمُ الْحٰكِمِيْنَ ﴿٤٥﴾

من است وهرآئینه وعدهٔ توراست است وتوبهترین حکم کنندگانی (٤٥) .

قَالَ يٰنُوْحُ اِنَّهٗ لَيْسَ مِنْ اَهْلِكَ ۚ اِنَّهٗ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ ۫ فَلَا تَسْـَٔلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ ؕ اِنِّيْۤ اَعِظُكَ اَنْ تَكُوْنَ مِنَ الْجٰهِلِيْنَ ﴿٤٦﴾

گفت ای نوح هرآئینه وی نیست ازاهل تو هر آئینه او کاری ناشائسته است پس سوال مکن تو مرا ازچیزی که نیست ترا دانش به آن هرآئینه من پندمیدهم ترا برای احتراز ازآنکه باشی ازجاهلان (٤٦) .

قَالَ رَبِّ اِنِّيْۤ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَسْـَٔلَكَ مَا لَيْسَ لِيْ بِهٖ عِلْمٌ ؕ وَاِلَّا تَغْفِرْ لِيْ وَتَرْحَمْنِيْۤ اَكُنْ مِّنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿٤٧﴾

گفت ای پروردگار من هرآئینه من پناه می‌برم به توازآنکه به پرسم ازتو آنچه نیست مرادانش به آن واگر نیامرزی مرا و رحمت نه کنی برمن باشم از زیان کاران (٤٧) .

قِيْلَ يٰنُوْحُ اهْبِطْ بِسَلٰمٍ مِّنَّا وَبَرَكٰتٍ عَلَيْكَ وَعَلٰۤى اُمَمٍ مِّمَّنْ مَّعَكَ ؕ وَاُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٤٨﴾

گفته شدای نوح فرودآ با سلامتی ازجانب ما وهمراه برکت هافرودآمده برتووبرامت هائی که پیدا شوند ازهمراهان تووامت هائی دیگرکه بهره مند می سازیم ایشان را دردنیابازبرسد بایشان ازجانب ماعذاب درد دهنده (٤٨) .

تِلْكَ مِنْ اَنْۢبَآءِ الْغَيْبِ نُوْحِيْهَاۤ اِلَيْكَ ۚ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَاۤ اَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هٰذَا ۛؕ فَاصْبِرْ ۛؕ اِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿٤٩﴾

این قصه ازاخبار غیب است وحی میفرستیم آن را بسوی تونمی دانستی آن را تو ونه قوم تو می دانستندپیش ازین پس صبرکن هرآئینه عاقبت مرمتقیان راست (٤٩) .

وَاِلٰى عَادٍ اَخَاهُمْ هُوْدًا ؕ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ؕ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا مُفْتَرُوْنَ ﴿٥٠﴾

وفرستادیم بسوی عاد برادر ایشان هود را گفت ای قوم من عبادت کنید خدارا نیست شماراهیچ معبود برحقی بجزوی نیستید شما مگر افتراء کننده (٥٠) .

يٰقَوْمِ لَاۤ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا ؕ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلَى الَّذِيْ

ای قوم من نمی طلبم ازشما براین پیغام مزدی را، نیست مزدمن مگر برکسیکه

فَطَرَنِيْ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿٥١﴾

آفریده است مرا آیادرنمی یابید (٥١) .

وَيٰقَوْمِ اسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوْبُوْٓا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَآءَ عَلَيْكُمْ مِّدْرَارًا وَّيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلٰى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِيْنَ ﴿٥٢﴾

وای قوم من آمرزش طلبید از پروردگار خود باز رجوع کنید بسوی اوتابفرستدباران را برشماریزان وبیافزاید شمارا قوتی همراه قوتِ شما وروگردان مشوید گنهگارشده (٥٢) .

قَالُوْا يٰهُوْدُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَّمَا نَحْنُ بِتَارِكِيْٓ اٰلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِيْنَ ﴿٥٣﴾

گفتند ای هود نیاوردی بما دلیلی ونیستیم ما ترك کننده معبودان خودرا بگفتهٔ تو ونیستیم ماترا باوردارنده (٥٣) .

إِنْ نَّقُوْلُ إِلَّا اعْتَرٰىكَ بَعْضُ اٰلِهَتِنَا بِسُوْٓءٍ ۗ قَالَ إِنِّيْٓ أُشْهِدُ اللّٰهَ وَاشْهَدُوْٓا أَنِّيْ بَرِيْٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُوْنَ ﴿٥٤﴾

نمی‌گوئیم مگرآنکه رسانیده اند بتو بعض معبودان ما ضرری ، گفت هرآئینه من‌گواه می سازم خدارا وشماگواه باشید که من بی تعلقم ازآنچه شما شریك می گیرید (٥٤) .

مِنْ دُوْنِهٖ فَكِيْدُوْنِيْ جَمِيْعًا ثُمَّ لَا تُنْظِرُوْنِ ﴿٥٥﴾

بجزوی پس توطئه کنیددرحق من همه یك جابازمهلت مدهیدمرا (٥٥) .

إِنِّيْ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ رَبِّيْ وَرَبِّكُمْ ۚ مَا مِنْ دَآبَّةٍ إِلَّا هُوَ اٰخِذٌۢ بِنَاصِيَتِهَا ۚ إِنَّ رَبِّيْ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٥٦﴾

هرآئینه من توکل کردم برخدا پروردگار من وپروردگارشما نیست هیچ جنبنده ای مگر خداگیرنده است به پیشانی او[1] هرآئینه پروردگارمن برراه راست است[2] (٥٦) .

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَّآ أُرْسِلْتُ بِهٖٓ إِلَيْكُمْ ۚ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّيْ

پس اگر روگردان شوید ضرری بمن عائد نیست هرآئینه رسانیدم به شماپیغامی را که فرستاده شدم همراه آن بسوی شماوجانشین سازد پروردگار من

---

(١) یعنی مالك اوست .

(٢) یعنی حکیم است .

قَوْمًا غَيْرَكُمْ ۚ وَلَا تَضُرُّوْنَهٗ شَيْئًا ۗ اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيْظٌ ﴿٥٧﴾

قومی را بغیراز شماوهیچ زیان نتوانیدرسانیدن خدارا هرآئینه پروردگار من برهمه چیزنگهبان است (٥٧) .

وَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُوْدًا وَّالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا ۚ وَنَجَّيْنٰهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيْظٍ ﴿٥٨﴾

وچون آمد عذاب مانجات دادیم هود را وآنان را که ایمان آوردند باوی برحمتی ازجانب خود و برهانیدیم ایشان رااازعقوبتِ سخت (٥٨) .

وَتِلْكَ عَادٌ ۟ۙ جَحَدُوْا بِاٰيٰتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهٗ وَاتَّبَعُوْٓا اَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ ﴿٥٩﴾

واین است سرگذشت عاد انکار کردند آیات پروردگار خودرا ونافرمانی نمودند پیغامبران اورا وپیروی کردند فرمان هرسرکش ستیزنده را (٥٩) .

وَاُتْبِعُوْا فِيْ هٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَّيَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ اَلَآ اِنَّ عَادًا كَفَرُوْا رَبَّهُمْ ۗ اَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُوْدٍ ﴿٦٠﴾

وازپَیِ ایشان فرستاده شددردنیا لعنتی وروزقیامت نیز، آگاه باش هرآئینه عاد کافرشدند به پروردگار خود آگاه باش نفرین بادعاد را که قوم هودبودند (٦٠) .

وَاِلٰى ثَمُوْدَ اَخَاهُمْ صٰلِحًا ۘ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ۗ هُوَ اَنْشَاَكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيْهَا فَاسْتَغْفِرُوْهُ ثُمَّ تُوْبُوْٓا اِلَيْهِ ۗ اِنَّ رَبِّيْ قَرِيْبٌ مُّجِيْبٌ ﴿٦١﴾

وفرستادیم بسوی ثمود برادرایشان صالح راگفت ای قوم من عبادت کنید خدارا نیست شمارا هیچ معبود برحقی بجزوی اوپیداکرد شمارا اززمین[1] و ساکن گردانید شمارا درزمین پس طلب آمرزش کنید ازوی بازرجوع کنید بسوی او هرآئینه پروردگار من نزدیک است پذیرندهٔ دعاست (٦١) .

قَالُوْا يٰصٰلِحُ قَدْ كُنْتَ فِيْنَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هٰذَآ اَتَنْهٰىنَآ اَنْ نَّعْبُدَ مَا يَعْبُدُ اٰبَآؤُنَا وَاِنَّنَا لَفِيْ شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُوْنَآ اِلَيْهِ مُرِيْبٍ ﴿٦٢﴾

گفتند ای صالح بودی تودرمیان ماامیدداشته شده پیش ازین آیامنع می‌کنی ماراازآنکه عبادت کنیم معبودانی را که

---

(١) یعنی آفریدپدرومادر شما آدم وحوا رااززخاك که شما ازنسل آنهائید .

عبادت میکردند پدران ماوهرآئینه مادرشبهه قوی ایم ازآنچه میخوانی مارا بسوی آن (٦٢).

قَالَ يٰقَوْمِ اَرَءَيْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّيْ وَاٰتٰىنِيْ مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَّنْصُرُنِيْ مِنَ اللّٰهِ اِنْ عَصَيْتُهٗ فَمَا تَزِيْدُوْنَنِيْ غَيْرَ تَخْسِيْرٍ ﴿٦٣﴾

گفت ای قوم من آیادیدید اگرباشم برحجتی ازپروردگار خود عطا کرده باشد بمن ازجانب خود بخشائشی پس که نصرت دهدمرا ازعقوبتِ خدااگر نافرمانی اوکنم پس نمی‌افزائید درحق من مگر زیان کاری را (٦٣).

وَيٰقَوْمِ هٰذِهٖ نَاقَةُ اللّٰهِ لَكُمْ اٰيَةً فَذَرُوْهَا تَاْكُلْ فِيْٓ اَرْضِ اللّٰهِ وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْٓءٍ فَيَاْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيْبٌ ﴿٦٤﴾

وای قوم من اینست ماده شتری که خدافرستاده است برای شمانشانه پس بگذاریدش تابخورد در زمین خدا ومرسانید به وی هیچ ضرری که آنگاه بگیرد شمارا عقوبتی نزدیك (٦٤).

فَعَقَرُوْهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوْا فِيْ دَارِكُمْ ثَلٰثَةَ اَيَّامٍ ذٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوْبٍ ﴿٦٥﴾

پس پَی زدند آن را پس گفت صالح بهره مند باشید درسرای خود سه روز این وعده هست غیر دروغ (٦٥).

فَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا صٰلِحًا وَّالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيْزُ ﴿٦٦﴾

پس وقتی که آمد فرمان مانجات دادیم صالح را وآنان را که ایمان آوردند همراه وی به بخشائشی ازجانب خود ورهانیدیم ازرسوائیِ آن روز، هرآئینه پروردگارتو اوست توانای غالب (٦٦).

وَاَخَذَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَاَصْبَحُوْا فِيْ دِيَارِهِمْ جٰثِمِيْنَ ﴿٦٧﴾

ودر گرفت ستمگاران راآواز سخت پس صبح کردند درسراهای خود مرده هائی برروی افتاده (٦٧).

كَاَنْ لَّمْ يَغْنَوْا فِيْهَا اَلَآ اِنَّ ثَمُوْدَا۟ كَفَرُوْا رَبَّهُمْ اَلَا بُعْدًا لِّثَمُوْدَ ﴿٦٨﴾

گویا هرگز نه بودندآن جا آگاه باش هرآئینه ثمود انکار کردند پروردگار خودرا هرآئینه دوری باد ثمود را (٦٨).

وَلَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُنَآ اِبْرٰهِيْمَ بِالْبُشْرٰى قَالُوْا سَلٰمًا قَالَ سَلٰمٌ

هرآئینه آمدند فرستاد گان ماپیش ابراهیم

فَمَا لَبِثَ أَنْ جَآءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ﴿٦٩﴾

به بشارت، سلام گفتند ابراهیم جواب سلام داد پس درنگ نکرد درآنکه آورد گوساله ای بریان (٦٩) .

فَلَمَّا رَآ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٠﴾

پس چون دیدکه دستهای ایشان نمی رسد بآن خوف زده شد ازایشان وبخاطر آوردازایشان ترسی گفتندمترس هرآئینه مافرستاده شده ایم بسوی قوم لوط (٧٠) .

وَامْرَأَتُهُ قَآئِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَآءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ ﴿٧١﴾

وزن ابراهیم ایستاده بود پس بخندید[1] پس مژده دادیمش بتولد اسحاق وبعد اسحاق بوجود یعقوب (٧١) .

قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ ءَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَٰذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾

گفت ای وای برمن آیاخواهم زادومن پیرم واین شوهر من است کلان سال شده هرآئینه این چیزی عجیب است (٧٢) .

قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ﴿٧٣﴾

فرشتگان گفتند آیا تعجب می کنی ازقدرتِ خدا، بخشائش خدا و برکات اوبرشماست ای اهل این خانه هرآئینه خداستوده شدهٔ بزرگوارست (٧٣) .

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَآءَتْهُ الْبُشْرَىٰ يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾

پس چون رفت ازابراهیم خوف وآمدش بشارت شروع نمود جدال کردن با مادربارهٔ قوم لوط (٧٤) .

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ ﴿٧٥﴾

هرآئینه ابراهیم بردبار ناله کننده رجوع کننده بخدابود (٧٥) .

يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَا إِنَّهُ قَدْ جَآءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ﴿٧٦﴾

گفتیم ای ابراهیم بگذرازین جدال هرآئینه (حال اینست که) آمد عقوبت پروردگار تووهر آئینه این جماعت

(١) مترجم گوید یعنی بسبب خوش وقتی ازهلاك قوم لوط .

خواهدآمد بایشان عقوبتی که بازگردانیده نشود (٧٦) .

وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَّقَالَ هَٰذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾

وچون آمدند فرستادگان ما پیش لوط اندوهگین شد بسبب ایشان دلتنگ شد به سبب ایشان و گفت این روزیست سخت[1] (٧٧) .

وَجَآءَهُۥ قَوْمُهُۥ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِن قَبْلُ كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ ۚ قَالَ يَٰقَوْمِ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِى هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ ۖ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِى ضَيْفِىٓ ۖ أَلَيْسَ مِنكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ ﴿٧٨﴾

وآمدند پیش لوط قوم اوشتابان بسوی اووپیش ازآن میکردند کارهای زشت لوط گفت ای قوم من این دختران من اند (یعنی نکاح کنید) این ها پاکیزه تراند برای شماپس بترسید ازخدا ورسوامکنید مرا درمورد مهمانان من آیانیست ازشما هیچ مردشائسته ای (٧٨) .

قَالُوا۟ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِى بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ ﴿٧٩﴾

گفتند هرآئینه تودانسته ای که نیست مارا در دختران توحاجتی وهرآئینه تومیدانی آنچه می خواهیم (٧٩) .

قَالَ لَوْ أَنَّ لِى بِكُمْ قُوَّةً أَوْ ءَاوِىٓ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿٨٠﴾

گفت ا گر مرا بمقابلۀ شما قوتی می‌بود یا پناه می گرفتم به قوم زورآور(چنین میکردم) (٨٠) .

قَالُوا۟ يَٰلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُوٓا۟ إِلَيْكَ ۖ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ ٱلَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ إِلَّا ٱمْرَأَتَكَ ۖ إِنَّهُۥ مُصِيبُهَا مَآ أَصَابَهُمْ ۚ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ ٱلصُّبْحُ ۚ أَلَيْسَ ٱلصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴿٨١﴾

فرشتگان گفتند ای لوط هرآئینه مافرستادگان پروردگار توایم نخواهند رسید به تو پس ببراهل خودرا بپاره ای از شب وباید که واپس ننگرد هیچکس ازشمامگرزن تو که رسیدنی است اوراآنچه رسید باین قوم هرآئینه میعاد

(١) مترجم گوید یعنی ایشان نوجوان خوش روی بودند وعادت قوم معلوم بود پس خوف فتنه پیداشد والله اعلم .

ایشان وقت صبح ست آیاصبح نزدیك نیست؟ (٨١) .

فَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيْلٍ ۙ مَّنْضُوْدٍ ۝٨٢

پس چون آمد فرمان ما ساختیم زبرآن (ده ها) را زیرآن وبارانیدیم برآنجاسنگهاای ازگِل پخته، پَی درپَی (٨٢).

مُّسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ ۭ وَمَا هِيَ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ بِبَعِيْدٍ ۝٨٣

نشان مند ساخته شده نزد پروردگار تواین سنگ هانیستند دورازستمگاران (٨٣) .

وَاِلٰى مَدْيَنَ اَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۭ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ۭ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيْزَانَ اِنِّيْٓ اَرٰىكُمْ بِخَيْرٍ وَّاِنِّيْٓ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيْطٍ ۝٨٤

وفرستادیم بسوی قوم مدین برادرایشان شعیب راگفت ای قوم من عبادت کنید خدارا نیست شمارا هیچ معبود برحقی مگروی وکم مکنید پیمانه وترازو را هر آئینه من می بینم شمارا که درنعمتید وهرآئینه من می ترسم برشماازعذاب روزدر برگیرنده[1] (٨٤) .

وَيٰقَوْمِ اَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيْزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ اَشْيَآءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ ۝٨٥

وای قوم من کامل کنید پیمانه وترازو را بانصاف وکم مرسانید بمردمان چیزهای ایشان را وتباهکاری مکنید درزمین فسادکنان (٨٥) .

بَقِيَّتُ اللّٰهِ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ڬ وَمَآ اَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيْظٍ ۝٨٦

باقی‌گذاشتهٔ خدای تعالی بهتر است برای شما اگر باور دارنده اید ونیستم من برشما نگهبان (٨٦) .

قَالُوْا يٰشُعَيْبُ اَصَلٰوتُكَ تَاْمُرُكَ اَنْ نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ اٰبَآؤُنَآ اَوْ اَنْ نَّفْعَلَ فِيْٓ اَمْوَالِنَا مَا نَشٰٓؤُا ۭ اِنَّكَ لَاَنْتَ الْحَلِيْمُ الرَّشِيْدُ ۝٨٧

گفتند ای شعیب آیانماز تومیفرمایدترا که بگذاریم آنچه می پرستیدند پدران ما یا بگذاریم آنکه کنیم درمال خود هرچه خواهیم هرآئینه تو مردِ بُردبار شائستهٔ

(١) یعنی هلاك کننده .

معامله ای (ومقصودایشان استهزابود) (۸۷) .

قَالَ يٰقَوْمِ اَرَءَيْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّيْ وَرَزَقَنِيْ مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا ؕ وَمَآ اُرِيْدُ اَنْ اُخَالِفَكُمْ اِلٰى مَآ اَنْهٰىكُمْ عَنْهُ ؕ اِنْ اُرِيْدُ اِلَّا الْاِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ ؕ وَمَا تَوْفِيْقِيْٓ اِلَّا بِاللّٰهِ ؕ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْهِ اُنِيْبُ ﴿۸۸﴾

گفت ای قوم من آیا دیدید ا گرباشم برحجتی از پروردگار خود وداده باشد بمن ازجانب خود روزیِ نیك[۱] ونمی خواهم که خلاف کنم باشمامائل شده بسوی آنچه منع می کنم شمارا ازآن[۲] نمی خواهم مگر صلاح کاری تابتوانم ونیست توفیق من مگر به فضل خدا بروی توکل کردم وبسوی اورجوع می‌کنم (۸۸) .

وَيٰقَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِيْٓ اَنْ يُّصِيْبَكُمْ مِّثْلُ مَآ اَصَابَ قَوْمَ نُوْحٍ اَوْ قَوْمَ هُوْدٍ اَوْ قَوْمَ صٰلِحٍ ؕ وَمَا قَوْمُ لُوْطٍ مِّنْكُمْ بِبَعِيْدٍ ﴿۸۹﴾

و ای قوم من ضدیت بامن نباید وادار سازد شمارا باین خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید بقوم نوح یا بقوم هود یابقوم صالح ونیست قوم لوط دورازشما (۸۹) .

وَاسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوْبُوْٓا اِلَيْهِ ؕ اِنَّ رَبِّيْ رَحِيْمٌ وَّدُوْدٌ ﴿۹۰﴾

وطلب آمرزش کنید از پروردگار خود بازرجوع کنید بسوی اوهرآئینه پروردگار من مهربانِ دوستدارست (۹۰) .

قَالُوْا يٰشُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيْرًا مِّمَّا تَقُوْلُ وَاِنَّا لَنَرٰىكَ فِيْنَا ضَعِيْفًا ۚ وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنٰكَ ؗ وَمَآ اَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيْزٍ ﴿۹۱﴾

گفتند ای شعیب نمی فهمیم بسیاری ازآنچه می گوئی وهرآئینه مامی بینیم ترا درمیان خودناتوان وا گر نه می‌بود قبیلهٔ تو سنگسار میکردیم ترا ونیستی توپیش ما گرامی قدر (۹۱) .

قَالَ يٰقَوْمِ اَرَهْطِيْٓ اَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِّنَ اللّٰهِ ؕ وَاتَّخَذْتُمُوْهُ

گفت ای قوم من آیاقبیلهٔ من گرامی

---

(۱) یعنی حلال چگونه سخن شمارا شنوم .

(۲) مترجم گوید یعنی نمی خواهم که بکار نیك بفرمایم وخود نکنم والله اعلم .

وَرَآءَكُمْ ظِهْرِيًّا ۖ إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿۹۲﴾

تراست پیش شماازخدا وگرفتید خدا را انداخته پس پشت خویش هرآئینه پروردگار من بآنچه میکنید دربرگیرنده است (۹۲) .

وَيَٰقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۖ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ ۖ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿۹۳﴾

وای قوم من عمل کنید برطور خود هرآئینه من نیز عمل کننده ام زود خواهید دانست آن را که بیایدش عذابی که رسوا کندش وآن را که وی دروغگوست وانتظار برید هرآئینه من باشما منتظرم (۹۳) .

وَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿۹۴﴾

ووقتیکه آمد عذاب ما نجات دادیم شعیب را وآنان را که ایمان آوردند باوی به بخشائشی ازخود ودرگرفت ظالمان را آواز سخت پس‌گشتند درسراهای خویش مرده افتاده (۹٤) .

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۗ أَلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ ﴿۹۵﴾

گویاهرگز نه بودند آنجا آگاه باش دوری باد مَدیَن را چنانکه دور افتادند ثمود (۹۵) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿۹۶﴾

وهرآئینه فرستادیم موسیٰ را به نشانه های خود وبه دلیل روشن (۹٦) .

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ ۖ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿۹۷﴾

بسوی فرعون وجماعت او پس پیروی کردند فرعون را ونه بود فرمان فرعون براه راست (۹۷) .

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ ۖ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ ﴿۹۸﴾

پیشوا شود فرعون قوم خودرا روزقیامت پس بیاردایشان را بآتش وبدجائیست که وارد آن شدند (دوزخ) (۹۸) .

وَأُتْبِعُوا فِي هَٰذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ ﴿۹۹﴾

وازپی ایشان آورده شد لعنت درین دنیا وروزقیامت نیز بدعطائیست که داده

شد(آن لعنت) (۹۹) .

ذٰلِكَ مِنْ اَنْۢبَآءِ الْقُرٰى نَقُصُّهٗ عَلَيْكَ مِنْهَا قَآئِمٌ وَّحَصِيْدٌ ﴿۱۰۰﴾

این ازاخبارده ها ست که میخوانیم آن را برتو بعضی ازآن باقیست وبعضی ازبیخ بریده (۱۰۰) .

وَمَا ظَلَمْنٰهُمْ وَلٰكِنْ ظَلَمُوْٓا اَنْفُسَهُمْ فَمَآ اَغْنَتْ عَنْهُمْ اٰلِهَتُهُمُ الَّتِيْ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ لَّمَّا جَآءَ اَمْرُ رَبِّكَ ؕ وَمَا زَادُوْهُمْ غَيْرَ تَتْبِيْبٍ ﴿۱۰۱﴾

وستم نکردیم ایشانرا ولیکن ایشان ستم کردند برخویشتن پس هیچ دفع نکردند ازایشان معبودان ایشان که میخواندند بغیرازخدا وقتی که آمدفرمان پروردگار تو ونیفزودند ایشان را بجز هلاکی (۱۰۱) .

وَكَذٰلِكَ اَخْذُ رَبِّكَ اِذَآ اَخَذَ الْقُرٰى وَهِيَ ظَالِمَةٌ ؕ اِنَّ اَخْذَهٗٓ اَلِيْمٌ شَدِيْدٌ ﴿۱۰۲﴾

وهمچنین ست گرفتار کردن پروردگار تو چون بگیردِ ده ها را وآنها ستمگار باشند هرآئینه گرفت وی درد دهندهٔ سخت است (۱۰۲) .

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْاٰخِرَةِ ؕ ذٰلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوْعٌ ۙ لَّهُ النَّاسُ وَذٰلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُوْدٌ ﴿۱۰۳﴾

هرآئینه درین سخن نشانه است کسی راکه ترسیده است ازعذاب آخرت آن روز روزیست که جمع کرده شوند درآن مردمان وآن روز روزیست که همه حاضر شوند دروی (۱۰۳) .

وَمَا نُؤَخِّرُهٗٓ اِلَّا لِاَجَلٍ مَّعْدُوْدٍ ﴿۱۰۴﴾

وموقوف نمی داریم آنرا مگرتامدت معین (۱۰٤) .

يَوْمَ يَاْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ اِلَّا بِاِذْنِهٖ ۚ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَّسَعِيْدٌ ﴿۱۰۵﴾

روزی که بیاید سخن نگوید هیچ کس مگربدستور حق پس بعض ایشان بدبخت باشند وبعضی نیك بخت (۱۰۵) .

فَاَمَّا الَّذِيْنَ شَقُوْا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيْهَا زَفِيْرٌ وَّشَهِيْقٌ ﴿۱۰۶﴾

اماآنانکه بدبخت شدند پس درآتش باشند ایشان راباشد آنجافریادسخت ونالهٔ زار(یعنی مانند آوازخر) (۱۰٦) .

خٰلِدِيْنَ فِيْهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ اِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ ؕ اِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيْدُ ﴿۱۰۷﴾

باشند جاودان آنجا مدتِ بقای آسمان ها و زمین مگرآنچه که خواسته است

پروردگار تو هر آئینه پروردگار تومی کند آنچه می خواهد (۱۰۷) .

وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوٰتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ ﴿۱۰۸﴾

واما آنانکه نیك بخت کرده شدند پس دربهشت باشندجاودان آنجاتامدتِ بقای آسمان ها وزمین مگرآنچه که خواسته است پروردگار توبخششی غیر منقطع[۱] (۱۰۸) .

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هٰؤُلَاءِ ۚ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ ۚ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ﴿۱۰۹﴾

پس مباش درشبهه ازآنچه می پرستند این گروه نمی پرستند مگر چنانکه می‌پرستیدند پدران ایشان پیش ازین وماالبته تمام دهندۀ ایشانیم حصه ایشان را ناکاهیده[۲] (۱۰۹) .

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتٰبَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿۱۱۰﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ راکتاب پس اختلاف افتاد درآن وا گر نمی بود سخنی که سابقًا صادر شده از پروردگار تو هرآئینه فیصله کرده می شد میان ایشان و ایشان درشبهه قوی اندازآن (۱۱۰) .

وَإِنَّ كُلًّا لَمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ ۚ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۱۱۱﴾

وهرآئینه هرکسی وقتی که برانگیخته شود البته تمام خواهد دادایشان را پروردگار توجزای کردار ایشان هرآئینه وی بآنچه میکنند داناست (۱۱۱) .

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا ۚ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱۲﴾

پس استوار باش چنانچه فرموده شده توراوآنانکه توبه کرده اند همراه تونیز، وازحد مگذریدهرآئینه وی بآنچه می کنید

---

(۱) مترجم گوید یعنی مدت ماندن دربهشت ودوزخ مانند مدت دوام آسمان ها وزمین است دردنیا ا گر زیادتی را که درمشیت خداست ودرفهم کسی نمی گنجد اعتبار نکندحاصل بیان دوام است بابلغ وجوه والله اعلم .

(۲) یعنی حصه ایشان ازعذاب .

بیناست (١١٢) .

وَلَا تَرْكَنُوْٓا اِلَى الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ ۙ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ اَوْلِيَآءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُوْنَ ﴿١١٣﴾

ومیل مکنید بسوی آنانکه ستم کردند که آنگاه برسد به شما آتش ونیست شمارا بجزخدا دوستان بازنصرت داده نه شوید (١١٣) .

وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ الَّيْلِ ؕ اِنَّ الْحَسَنٰتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّاٰتِ ؕ ذٰلِكَ ذِكْرٰى لِلذّٰكِرِيْنَ ﴿١١٤﴾

وبرپاکن نمازرا دوطرف روز وساعتی چنداز شب هرآئینه طاعات دورمیکنند گناهان را این پندی هست پندپذیران را (١١٤) .

وَاصْبِرْ فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيْعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿١١٥﴾

وشکیبائی کن هرآئینه خدا ضائع نمی سازد مزدنیکوکاران را (١١٥) .

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُوْنِ مِنْ قَبْلِكُمْ اُولُوْا بَقِيَّةٍ يَّنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْاَرْضِ اِلَّا قَلِيْلًا مِّمَّنْ اَنْجَيْنَا مِنْهُمْ ۚ وَاتَّبَعَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مَآ اُتْرِفُوْا فِيْهِ وَكَانُوْا مُجْرِمِيْنَ ﴿١١٦﴾

پس چرا نه شدند ازآن قرنهاکه پیش ازشمابودند اهل خرد که منع کنند ازفساد درزمین مگراندکی ازآن جماعت که نجات دادیم ازمیان ایشان وپیروی کردند ستمگاران چیزی را که آسودگی داده شدند بآن[1] وبودند گناه گاران (١١٦) .

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرٰى بِظُلْمٍ وَّاَهْلُهَا مُصْلِحُوْنَ ﴿١١٧﴾

وهرگز نیست پروردگار توکه هلاك کند ده ها را به ستم واهل آن نیکوکار باشند (١١٧) .

وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّلَا يَزَالُوْنَ مُخْتَلِفِيْنَ ﴿١١٨﴾

وا گر می‌خواست پروردگار توالبته می گردانید مردمان را یك ملت وهمیشه باشند مختلف (١١٨) .

اِلَّا مَنْ رَّحِمَ رَبُّكَ ؕ وَلِذٰلِكَ خَلَقَهُمْ ؕ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ

مگرآنکه بروی رحم کرده است پروردگار تو وبرای این اختلاف آفریده است ایشان را وتمام شد سخن

(١) یعنی بلذات دنیا مشغول شدند .

لَاَمۡلَـٴَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الۡجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَجۡمَعِيۡنَ ﴿۱۱۹﴾

پروردگار تو، که البته پرکنم دوزخ را از جنیان ومردمان همه یك جا[1] (۱۱۹) .

وَكُلًّا نَّقُصُّ عَلَيۡكَ مِنۡ اَنۡۢبَآءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهٖ فُؤَادَكَ ۚ وَجَآءَكَ فِىۡ هٰذِهِ الۡحَـقُّ وَمَوۡعِظَةٌ وَّذِكۡرٰى لِلۡمُؤۡمِنِيۡنَ ﴿۱۲۰﴾

وهرچیزی را حکایت می کنیم برتوازاخبار پیغامبران آن چیزی است که ثابت می گردانیم بآن دل ترا وآمده است به تودرین سوره سخن درست و پندی ویادآوری برای مسلمانان (۱۲۰) .

وَقُلْ لِّلَّذِيۡنَ لَا يُؤۡمِنُوۡنَ اعۡمَلُوۡا عَلٰى مَكَانَتِكُمۡ ؕ اِنَّا عٰمِلُوۡنَ ﴿۱۲۱﴾

وبگوآنان را که ایمان نمی آرند عمل کنید برطور خود هرآئینه مانیز عمل کنند گانیم (۱۲۱) .

وَانۡتَظِرُوۡا ۚ اِنَّا مُنۡتَظِرُوۡنَ ﴿۱۲۲﴾

وانتظار کشید هرآئینه مانیز منتظریم (۱۲۲).

وَلِلّٰهِ غَيۡبُ السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ وَاِلَيۡهِ يُرۡجَعُ الۡاَمۡرُ كُلُّهٗ فَاعۡبُدۡهُ وَتَوَكَّلۡ عَلَيۡهِ ؕ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُوۡنَ ﴿۱۲۳﴾

وخدا راست علم غیب آسمان ها وزمین وبسوی اوبازگردانیده می شودکار همه آن پس عبادت کن اورا وتوکل کن براو ونیست پروردگار تو بیخبر ازآنچه می‌کنید (۱۲۳) .

سورهٔ یوسف مکی است وآن یك صدویازده آیت ودوازده رکوع است

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓرٰ ۚ تِلۡكَ اٰيٰتُ الۡكِتٰبِ الۡمُبِيۡنِ ﴿۱﴾

الٓرٰ این آیت ها آیاتِ کتاب روشن است (۱) .

اِنَّاۤ اَنۡزَلۡنٰهُ قُرۡءٰنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُوۡنَ ﴿۲﴾

هرآئینه مافروفرستادیم آن را قرآن عربی

---

(۱) مترجم گوید درعرف اختلاف رانسبت میکنند باهل باطل نه باهل حق ویقال قال اهل الحق کذاوخالَفَهُم فِرَقٌ پس استثنای مَنْ رَحِمَ بی تکلف صحیح شد والله اعلم .

باشد که شمادریابید (۲) .

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَآ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ
هَٰذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَٰفِلِينَ ﴿٣﴾

ماحکایت می کنیم برتو بهترین قصه ها بوحی فرستادن خود بسوی تواین قرآن را وهرآئینه حال این ست که تو بودی پیش ازآن از بی خبران (۳) .

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَٰٓأَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ
كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَٰجِدِينَ ﴿٤﴾

یادکن چون گفت یوسف پدرخودرا ای پدرمن هرآئینه من بخواب دیدم یازده ستاره را و خورشید وماه را دیدم برای خود سجده کننده (٤) .

قَالَ يَٰبُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَىٰٓ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ
كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَٰنَ لِلْإِنْسَٰنِ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٥﴾

گفت ای پسرك من بیان مکن خواب خودرا پیش برادران خود که آنگاه اندیشه کنند درحق توحیله هرآئینه شیطان آدمی را دشمن آشکاراست (٥) .

وَكَذَٰلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ
الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰٓ آلِ يَعْقُوبَ كَمَآ أَتَمَّهَا
عَلَىٰٓ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْحَٰقَ إِنَّ رَبَّكَ
عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦﴾

وچنانکه خواب بتونمود همچنین برگزیندترا پروردگار تووبیاموزد ترا ازعلم تاویل الاحادیث (یعنی تعبیر رویا) وتمام کند نعمت خودرا برتو وبرفرزندان یعقوب چنانکه تمام کرد آن را بردوجدّتو پیش ازین ابراهیم واسحق هرآئینه پروردگار تودانای استوارکارست (٦) .

لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَٰتٌ لِلسَّآئِلِينَ ﴿٧﴾

هر آئینه هست درقصهٔ یوسف وبرادرانِ او نشانه هاسوال کنندگان را (۷) .

إِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَىٰٓ أَبِينَا مِنَّا
وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَٰلٍ مُبِينٍ ﴿٨﴾

چون گفتند که یوسف وبرادر حقیقی اودوست تراند نزدِ پدرماازماوماجماعتی هستیم هرآئینه پدرِما در خطای ظاهر است (۸) .

اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ

بِکُشید یوسف را یابیفکنیدش به زمین غیر معلوم تاخالی شود برای شما توجه

وَتَكُوْنُوْا مِنْۢ بَعْدِهٖ قَوْمًا صٰلِحِيْنَ ﴿٩﴾

پدرشماوتاباشید بعد ازین گروهی شائسته (یعنی توبه کنید) (٩) .

قَالَ قَآئِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوْا يُوْسُفَ وَاَلْقُوْهُ فِيْ غَيٰبَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ اِنْ كُنْتُمْ فٰعِلِيْنَ ﴿١٠﴾

گفت گوینده ازایشان مَکُشید یوسف را و بیفکنیدش درقعرِ تاریك چاه تا برگیرداو را بعض مسافران ا گر کنند گانید (این کاررا) (١٠) .

قَالُوْا يٰٓاَبَانَا مَا لَكَ لَا تَاْمَنَّا عَلٰى يُوْسُفَ وَاِنَّا لَهٗ لَنٰصِحُوْنَ ﴿١١﴾

گفتند ای پدرما چیست حال توکه امین نمی پنداری مارا بر یوسف وهرآئینه مااورانیك خواهانیم (١١) .

اَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَّرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَاِنَّا لَهٗ لَحٰفِظُوْنَ ﴿١٢﴾

بفرست اوراباما فردا تا میوه بسیار خُورَد وبازی کند وهرآئینه ما اورا نگاه بانیم (١٢) .

قَالَ اِنِّيْ لَيَحْزُنُنِيْٓ اَنْ تَذْهَبُوْا بِهٖ وَاَخَافُ اَنْ يَّاْكُلَهُ الذِّئْبُ وَاَنْتُمْ عَنْهُ غٰفِلُوْنَ ﴿١٣﴾

گفت هرآئینه اندوهگین می کندمرا آنکه ببَریدش ومی ترسم ازآنکه بخورد اورا گِرگ وشماازوی بی خبرباشید (١٣) .

قَالُوْا لَئِنْ اَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ اِنَّآ اِذًا لَّخٰسِرُوْنَ ﴿١٤﴾

گفتند ا گر بخورَد او را گرگ وماجماعتی هستیم هرآئینه ما آنگاه زیان کارباشیم (١٤).

فَلَمَّا ذَهَبُوْا بِهٖ وَاَجْمَعُوْٓا اَنْ يَّجْعَلُوْهُ فِيْ غَيٰبَتِ الْجُبِّ وَاَوْحَيْنَآ اِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِاَمْرِهِمْ هٰذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ﴿١٥﴾

پس چون بِبُرُدَندَش و عزیمت کردند که بیفکنندش درقعر تاریك چاه ووحی فرستادیم بسوی اوکه البته خبردار خواهی ساخت ایشان را باین ماجرای ایشان و ایشان نه شناسند (١٥) .

وَجَآءُوْٓ اَبَاهُمْ عِشَآءً يَّبْكُوْنَ ﴿١٦﴾

وآمدندپیش پدرخودشبانگاه میگریستند (١٦) .

قَالُوْا يٰٓاَبَانَآ اِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوْسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَاَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَآ اَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صٰدِقِيْنَ ﴿١٧﴾

گفتند ای پدرماهرآئینه ماشروع کردیم در مسابقه وگذاشتیم یوسف را نزدیك رخت خویش پس بِخُورد او راگرگ نیستی توباور دارندۀ ما ا گرچه باشیم راستگو (١٧) .

وَجَآءُوْ عَلٰى قَمِيْصِهٖ بِدَمٍ كَذِبٍ ؕ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْرًا ؕ فَصَبْرٌ جَمِيْلٌ ؕ وَاللّٰهُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰى مَا تَصِفُوْنَ ﴿١٨﴾

وآوردند برپيراهن او خون دروغ را يعقوب گفت نه، بلكه آراسته است براى شما نفس شماتدبيرى را پس كارمن صبر نيك است وخدامدد طلبيده مى شود از وى برآنچه شما بيان مى كنيد (١٨) .

وَجَآءَتْ سَيَّارَةٌ فَاَرْسَلُوْا وَارِدَهُمْ فَاَدْلٰى دَلْوَهٗ ؕ قَالَ يٰبُشْرٰى هٰذَا غُلٰمٌ ؕ وَاَسَرُّوْهُ بِضَاعَةً ؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِمَا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٩﴾

وآمد كاروانى پس فرستادند سقاى (يعني آب آور) خودرا پس انداخت دَلوِخود گفت اى مژده من اين نوجوانى است واهل قافله پنهان ساختند اوراسرمايهٔ دانسته وخداداناست بآنچه مى كردند (١٩) .

وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍۭ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُوْدَةٍ ۚ وَكَانُوْا فِيْهِ مِنَ الزّٰهِدِيْنَ ﴿٢٠﴾

و (برادران) فروختندش به بهاى ناقص درهمى چند شمرده شده وبودند دربارهٔ يوسف ازبى رغبتان (٢٠) .

وَقَالَ الَّذِى اشْتَرٰىهُ مِنْ مِّصْرَ لِامْرَاَتِهٖۤ اَكْرِمِىْ مَثْوٰىهُ عَسٰۤى اَنْ يَّنْفَعَنَاۤ اَوْ نَتَّخِذَهٗ وَلَدًا ؕ وَكَذٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوْسُفَ فِى الْاَرْضِ ؗ وَلِنُعَلِّمَهٗ مِنْ تَاْوِيْلِ الْاَحَادِيْثِ ؕ وَاللّٰهُ غَالِبٌ عَلٰۤى اَمْرِهٖ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٢١﴾

و گفت شخصى كه خريد يوسف رااز اهل مصر بزَنِ خود گرامى دارجاى اورا شايد كه نفع دهد مارا يافرزند گيريم اورا وهمچنين قراردادیم يوسف را درآن سرزمين وتا بيا موزيم اورا ازعلم تاويل الاحاديث وخداتواناست برمراد خود وليكن اكثر مردمان نميدانند (٢١) .

وَلَمَّا بَلَغَ اَشُدَّهٗۤ اٰتَيْنٰهُ حُكْمًا وَّعِلْمًا ؕ وَكَذٰلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٢٢﴾

وچون رسيد يوسف به نهايتِ قوتِ خود داديم وى را دانائى و علم وهمچنين جزاميدهيم نيكوكاران را (٢٢) .

وَرَاوَدَتْهُ الَّتِىْ هُوَ فِىْ بَيْتِهَا عَنْ نَّفْسِهٖ وَغَلَّقَتِ الْاَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ ؕ قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اِنَّهٗ رَبِّىْۤ اَحْسَنَ مَثْوَاىَ ؕ اِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿٢٣﴾

طلب كرد يوسف را زنى كه او درخانه اش بود ازنفس او (واين كنايت ازطلب جماع است) وبِبَست درهارا و گفت پيش آ گفت پناه برخدا بيشك اومولاى من است نيكوساخت جايگاه

مرا[1] هرآئینه رستگارنمی شوند ظالمان (٢٣) .

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَّأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ﴿٢٤﴾

وهرآئینه قصد کردآن زن بسوی یوسف وقصد کردی یوسف بسوی او ا گر نه بودآنکه دید یوسف دلیل پروردگار خودرا ، چنین کردیم تابازگردانیم ازوی بدی وبی حیائی را هرآئینه وی از بندگان مخِلص ماست (٢٤) .

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَّأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٥﴾

وبایکدیگرسبقت کردند بسوی دروازه وبدریدآن زن پیراهن یوسف را از پشت ویافتند شوهر زن رانزدیك دروازه گفت چیست جزای کسیکه خواسته باشد باهل توکاربد را مگر آنکه بزندان انداخته شود یا عقوبتی درد دهنده (٢٥) .

قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٦﴾

یوسف گفت این زن خواست مرااز نفس من وگواهی داد گواهی از قبیلهٔ زن که ا گر هست پیراهن یوسف دریده از جلو ، پس این زن راست گفته است ویوسف ازدروغ گویانست (٢٦) .

وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٧﴾

وا گر هست پیراهن او دریده ازپشت ، پس این زن دروغ گفته است ویوسف ازراست گویان است (٢٧) .

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾

پس شوهرش چون دیدپیراهن اورا دریده ازپشت ، گفت این قضیه ازمکر شما زنان است هرآئینه مکرشما زنان بزرگ است (٢٨) .

---

(١) یعنی خیانت اونتوانم کرد .

يُوْسُفُ اَعْرِضْ عَنْ هٰذَا ۚ وَاسْتَغْفِرِيْ لِذَنْۢبِكِ ۖ اِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخٰطِـِٕيْنَ ﴿٢٩﴾

ای یوسف درگذر ازین ماجرا وای زن طلب آمرزش کن برای گناه خود هرآئینه تو بوده ای ازخطا کنند گان (٢٩) .

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِى الْمَدِيْنَةِ امْرَاَتُ الْعَزِيْزِ تُرَاوِدُ فَتٰىهَا عَنْ نَّفْسِهٖ ۚ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا ؕ اِنَّا لَنَرٰىهَا فِىْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٣٠﴾

وگفتند زنانی چند در شهر که زن عزیز می طلبد نوجوان خودرا ازنفس او هرآئینه دردلش جاکرده است از روی دوستی هرآئینه مامی بینیم اورا درگمراهی ظاهر (٣٠) .

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ اَرْسَلَتْ اِلَيْهِنَّ وَاَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَاً وَّاٰتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّيْنًا وَّقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ ۚ فَلَمَّا رَاَيْنَهٗۤ اَكْبَرْنَهٗ وَقَطَّعْنَ اَيْدِيَهُنَّ ۫ وَقُلْنَ حَاشَ لِلّٰهِ مَا هٰذَا بَشَرًا ؕ اِنْ هٰذَاۤ اِلَّا مَلَكٌ كَرِيْمٌ ﴿٣١﴾

پس چون شنیدزن عزیزغیبت ایشانرا قاصد فرستاد بسوی ایشان و مهیا کرد برای ایشان مجلسی وداد هریکی را ازایشان کاردی وگفت ای یوسف بیرون آ براین زنان پس چون بدیدَندَش بزرگ یافتندش وبِبُرِیدند دستهای خویش وگفتند پاك است خدا، نیست این نوجوان بشری، نیست این شخص مگر فرشتهٔ گرامی (٣١) .

قَالَتْ فَذٰلِكُنَّ الَّذِىْ لُمْتُنَّنِىْ فِيْهِ ؕ وَلَقَدْ رَاوَدْتُّهٗ عَنْ نَّفْسِهٖ فَاسْتَعْصَمَ ؕ وَلَـئِنْ لَّمْ يَفْعَلْ مَاۤ اٰمُرُهٗ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُوْنًا مِّنَ الصّٰغِرِيْنَ ﴿٣٢﴾

زن عزیز گفت این ست آنکه ملامت کرده بودید مرا در عشق وی وهرآئینه طلبیدم ازاونفس اورا پس نگاه داشت خودرا وا گر نکند آنچه می فرمایم اورا البته بزندان انداخته شود والبته باشداز خوارشدگان (٣٢) .

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ اَحَبُّ اِلَىَّ مِمَّا يَدْعُوْنَنِىْۤ اِلَيْهِ ۚ وَاِلَّا تَصْرِفْ عَنِّىْ كَيْدَهُنَّ اَصْبُ اِلَيْهِنَّ وَاَكُنْ مِّنَ الْجٰهِلِيْنَ ﴿٣٣﴾

یوسف گفت ای پروردگار من زندان دوست تراست نزد من ازآنچه میخوانند مرابسوی آن وا گر توبازنداری ازمن فریب این زنان را البته میل کنم بایشان وباشم ازنادانان (٣٣) .

فَاسْتَجَابَ لَهٗ رَبُّهٗ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ ؕ اِنَّهٗ هُوَ

پس قبول کرد دعای اورا پروردگار او

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٤﴾

پس بازداشت ازیوسف فریب ایشان را هرآئینه وی شنوای داناست (٣٤) .

ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّن بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٣٥﴾

بازظاهر شدآن جماعت را بعد ازآن که دیده بودند نشانه ها که البته بزندان درآورند اوراتامدتی[1] (٣٥) .

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ ۖ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا ۖ وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ ۖ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ ۖ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٦﴾

وداخل شدند بزندان همراه یوسف دوجوان یکی ازایشان گفت هرآئینه بخواب می بینم خودرا که آب گیرم ازانگور ودیگری گفت که هرآئینه بخواب می بینم خودرا که برداشته ام برسرخود نانی که مرغان ازآن میخورند خبردارکن مارا به تعبیر این خواب هرآئینه مابینیم ترا ازنیکوکاران (٣٦) .

قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَن يَأْتِيَكُمَا ۚ ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي ۚ إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٣٧﴾

گفت نخواهدآمد بشماهیچ طعامی که داده می شوید آن رامگر خبردارکنم شمارا به تعبیر آن پیش ازآنکه بیاید به شما این تعبیرازآن قبیل ست که آموخته است مرا پروردگار من هرآئینه من ترك کردم کیش قومی که ایمان نمی آرند بخدا وایشان بآخرت اعتقادندارند (٣٧) .

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۚ مَا كَانَ لَنَا أَن نُّشْرِكَ بِاللَّهِ مِن شَيْءٍ ۚ ذَٰلِكَ مِن فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٨﴾

وپیروی کردم کیش پدران خودرا، ابراهیم واسحق ویعقوب نشایدمارا که شریك خدا مقررکنیم چیزی را، این از فضل خداست برما وبرمردمان ولیکن بیشترمردمان شکرنمی کنند (٣٨) .

---

(١) یعنی مشورت کردند که یوسف رابزندان باید کرد تانزدِ مردمان برائت زلیخاظاهر شود .

يٰصَاحِبَيِ السِّجْنِ ءَاَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُوْنَ خَيْرٌ اَمِ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿۳۹﴾

ای دویار زندان آیامعبودان پراکنده بهتراند یا خدا یکتای غالب (۳۹) .

مَا تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖٓ اِلَّآ اَسْمَآءً سَمَّيْتُمُوْهَآ اَنْتُمْ وَاٰبَآؤُكُمْ مَّآ اَنْزَلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ ؕ اِنِ الْحُكْمُ اِلَّا لِلّٰهِ ؕ اَمَرَ اَلَّا تَعْبُدُوْٓا اِلَّآ اِيَّاهُ ؕ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقَيِّمُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۴۰﴾

عبادت نمی کنید بغیرازخدا مگر نام هائی چندرا که نام نهاده اید آنها را شماوپدران تان نفرستاده است خدا برآنها هیچ دلیلی نیست فرمانروائی مگر خدارا فرمودکه عبادت مکنید مگر فقط وی را این ست کیشِ درست ولیکن بیشتر مردمان نمی‌دانند (۴۰) .

يٰصَاحِبَيِ السِّجْنِ اَمَّآ اَحَدُكُمَا فَيَسْقِيْ رَبَّهٗ خَمْرًا ۚ وَاَمَّا الْاٰخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَاْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَّاْسِهٖ ؕ قُضِيَ الْاَمْرُ الَّذِيْ فِيْهِ تَسْتَفْتِيٰنِ ﴿۴۱﴾

ای دو یارِ زندان امّایکی ازشما پس بنوشاند مولای خودرا شراب واماآن دیگر پس بردارکرده شود پس بخورند مرغان ازسراو فیصله کرده شدکاری که دروی سوال می کنید (۴۱) .

وَقَالَ لِلَّذِيْ ظَنَّ اَنَّهٗ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِيْ عِنْدَ رَبِّكَ ؗ فَاَنْسٰىهُ الشَّيْطٰنُ ذِكْرَ رَبِّهٖ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِيْنَ ﴿۴۲﴾

و گفت یوسف به شخصی که دانسته بود که خلاص یابنده است ازآن دوکس یادکن مرانزدِ مولای خود پس شیطان فراموش گردانید ازخاطروی که یادکندپیش مولای خودپس ماند یوسف درزندان چند سال (۴۲) .

وَقَالَ الْمَلِكُ اِنِّيْٓ اَرٰى سَبْعَ بَقَرٰتٍ سِمَانٍ يَّاْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَّسَبْعَ سُنْۢبُلٰتٍ خُضْرٍ وَّاُخَرَ يٰبِسٰتٍ ؕ يٰٓاَيُّهَا الْمَلَاُ اَفْتُوْنِيْ فِيْ رُءْيَايَ اِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُوْنَ ﴿۴۳﴾

و گفت پادشاه هرآئینه من بخواب می‌بینم که هفت گاو فربه میخورند آن هارا هفت گاولاغر ومی بینم هفت خوشه سبزرا وهفت خوشهٔ دیگر خشك راای جماعت جواب دهیدمرا دربارهٔ خوابِ من ا گر خواب را تعبیر می گوئید (۴۳) .

قَالُوْٓا اَضْغَاثُ اَحْلَامٍ ۚ وَمَا نَحْنُ بِتَاْوِيْلِ الْاَحْلَامِ بِعٰلِمِيْنَ ﴿۴۴﴾

گفتند این خوابهای شوریده است ومانیستیم به تعبیر خوابهای شوریده دانا (۴۴) .

وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُم بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ ﴿٤٥﴾

وگفت آنکه نجات یافته بود ازآن دوکس وبیاد آورد بعد مدتی من خبردهم شمارا به تعبیر این خواب پس بفرستیدمرا[1] (٤٥) .

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَّعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٤٦﴾

گفت ای یوسف ای راست گو جواب دِه مارا درین خواب که هفت گاوِ فربه میخورند ایشان را هفت گاو لاغر وهفت خوشهٔ سبز وهفت خوشهٔ دیگر خشك، بُوَد که من بازگردم بسوی مردمان تاایشان بدانند(٤٦) .

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدتُّمْ فَذَرُوهُ فِي سُنبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ ﴿٤٧﴾

گفت زراعت کنید هفت سال پَی درپَی برعادت خودپس آنچه بدروید بگذاریدش درخوشهٔ آن مگراند کی ازآنچه بخورید (٤٧) .

ثُمَّ يَأْتِي مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِنُونَ ﴿٤٨﴾

باز بیاید بعدازآن هفت سالِ سخت بخورند آنچه سابق ذخیره نهاده بودید برای آنها مگر اندکی ازآنچه باحتیاط نگاه دارید (٤٨) .

ثُمَّ يَأْتِي مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ ﴿٤٩﴾

بازبیاید بعدازآن سالی که درو باران فرستاده شود برمردمان، ودروآب گیرندازانگور وغیرآن[2] (٤٩) .

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ

و گفت پادشاه بیارید پیش من یوسف را پس چون آمدنزدِ یوسف فرستادهٔ پادشاه گفت بازگرد بسوی مولای خود پس سوال

---

(١) مترجم گوید پس بسوی یوسف فرستادند وملاقات کرد والله اعلم .

(٢) پادشاه این تعبیر شنیده مشتاق ملاقات یوسف گشت و یوسف علیه السلام مدتی توقف نمودتا برائت ذمه اش ظاهرگردد والله اعلم .

أَيْدِيَهُنَّ ۚ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ﴿٥٠﴾

کن اورا چیست حال آن زنان که بریدند دستهای خویش را هرآئینه پروردگار من بحیلهٔ بازیِ ایشان داناست[1] (٥٠).

قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن نَّفْسِهِ ۚ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِن سُوءٍ ۚ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٥١﴾

گفت پادشاه چه بُودحال شما وقتی که خواستید یوسف را ازنفس او (یعنی تابلغزانیدش) گفتند پاکی خداراست ندانستیم بریوسف هیچ گناهی، گفت زن عزیز اکنون ظاهر شد سخن راست که من طلبیدم اوراازنفسش وهرآئینه اوازراست گویان است (٥١).

ذَٰلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ﴿٥٢﴾

(گفت یوسف) این همه برای آنست تابداند عزیز که من خیانتِ او نکرده ام غائبانه وبداند که خدا راه نمی نماید خیانت کنندگان را (٥٢).

وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي ۚ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي ۚ إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥٣﴾

وبه پاکی صفت نمی کنم نفس خودرا هرآئینه نفس بسیارفرماینده است به بدی مگرآنوقت که مهربانی کند پروردگار من هرآئینه پروردگار من آمرزندهٔ مهربانست (٥٣).

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي ۖ فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ﴿٥٤﴾

و گفت پادشاه بیاریدش پیش من تامقرر کنمش خالص برای خدمت خود پس چون سخن گفت بایوسف[2] گفت ای یوسف هرآئینه توامروزپیشِ ماصاحب قدرِ امانت داری (٥٤).

---

(١) یعنی شهادت براقرارزلیخابه عفت یوسف پوشیده اند والله اعلم.

(٢) یعنی قابلیت اوشناخت.

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ۖ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ﴿٥٥﴾

گفت مقرركن مرا برخزانه های این سرزمین هرآئینه من محافظت کنندهٔ دانایم (۵۵) .

وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ ۚ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ ۖ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾

وهمچنین تمکین دادیم یوسف را درآن سرزمین، قرارمی گرفت ازآن سرزمین هرجاکه میخواست، می رسانیم برحمت خود هرکرا خواهیم وضائع نمی کنیم مزدنیکوکاران را (٥٦) .

وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾

وهرآئینه مزدِ آخرت بهترست آنان را که ایمان آوردند وپرهیزگاری می کردند (۵۷) .

وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ ﴿٥٨﴾

وآمدند[1] برادران یوسف پس داخل شدند بروی پس بشناخت ایشان راوایشان اوراناشناسابودند (۵۸) .

وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ ۚ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿٥٩﴾

وچون مهیاکرد برای ایشان سامان ایشان را گفت بیاریدپیش من برادرعلاّتی (ناتنی) خودرا که ازپدرشماست آیا نمی بینید که من تمام میدهم پیمانه را ومن بهترین پذیرائی کنندگانم (۵۹) .

فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ ﴿٦٠﴾

پس اگر نیاوردید اورا پیش من پس هرگز پیمانه نه باشد برای شما نزدِ من وهرگز نزدیك نشوید بمن (٦٠) .

قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ﴿٦١﴾

گفتند اورااز پدرش خواهیم خواست، ماالبته این کار کنندگانیم (٦١) .

وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ

وگفت یوسف غلامان خودرا بنهید

(۱) بعد ازآن قحط افتاد در جمیع نواحی مصرو شام اولاد یعقوب را مشقت بسیار رسید بسوی یوسف متوجه شدند والله اعلم .

يَعۡرِفُونَهَآ إِذَا ٱنقَلَبُوٓاْ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمۡ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ﴿٦٢﴾

سرمایه ایشان را درخرجینهای ایشان، شاید ایشان به شناسند آن را چون بازروند باهل خویش بُوَدکه ایشان بازآیند[1] (٦٢) .

فَلَمَّا رَجَعُوٓاْ إِلَىٰٓ أَبِيهِمۡ قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مُنِعَ مِنَّا ٱلۡكَيۡلُ فَأَرۡسِلۡ مَعَنَآ أَخَانَا نَكۡتَلۡ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ﴿٦٣﴾

پس چون بازگشتند بسوی پدرخویش گفتند ای پدرِ ما منع کرده شدازما پیمانه پس بفرست بامابرادرمارا تاپیمانه گیریم وهرآئینه مانگهبان وی هستیم (٦٣) .

قَالَ هَلۡ ءَامَنُكُمۡ عَلَيۡهِ إِلَّا كَمَآ أَمِنتُكُمۡ عَلَىٰٓ أَخِيهِ مِن قَبۡلُ فَٱللَّهُ خَيۡرٌ حَٰفِظًاۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿٦٤﴾

گفت یعقوب امین نگیرم شمارا بروی مگر چنانکه امین گرفته بودم شمارا بربرادروی پیش ازین پس خدا بهترست نگاه دارنده واومهربان ترین مهربانان است (٦٤) .

وَلَمَّا فَتَحُواْ مَتَٰعَهُمۡ وَجَدُواْ بِضَٰعَتَهُمۡ رُدَّتۡ إِلَيۡهِمۡۖ قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مَا نَبۡغِيۖ هَٰذِهِۦ بِضَٰعَتُنَا رُدَّتۡ إِلَيۡنَاۖ وَنَمِيرُ أَهۡلَنَا وَنَحۡفَظُ أَخَانَا وَنَزۡدَادُ كَيۡلَ بَعِيرٖۖ ذَٰلِكَ كَيۡلٞ يَسِيرٞ ﴿٦٥﴾

وچون بگشادند رخت خود یافتندسرمایه خودرا بازگردانیده بایشان گفتند ای پدرماچه می خواهیم بیش ازین این ست سرمایهٔ مابازگردانیده شده بسوی ماپس بازرویم به مَلِك وغله آوریم برای اهل خودو حفاظت کنیم برادر خودرا وزیاده آریم پیمانه یك شتروآنچه آورده ایم پیمانهٔ اندك است (٦٥) .

قَالَ لَنۡ أُرۡسِلَهُۥ مَعَكُمۡ حَتَّىٰ تُؤۡتُونِ مَوۡثِقٗا مِّنَ ٱللَّهِ لَتَأۡتُنَّنِي بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يُحَاطَ بِكُمۡۖ فَلَمَّآ ءَاتَوۡهُ مَوۡثِقَهُمۡ قَالَ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٞ ﴿٦٦﴾

گفت نه فرستم اوراباشما تاآنکه دهیدمرا عهدی ازخدا که البته بازآرید اورابمن مگر آنکه گرفتارکرده شوید پس چون دادندش عهد خویش یعقوب گفت خدا برآنچه می گوئیم نگهبان است (٦٦) .

وَقَالَ يَٰبَنِيَّ لَا تَدۡخُلُواْ مِنۢ بَابٖ وَٰحِدٖ وَٱدۡخُلُواْ مِنۡ

و گفت ای پسران من داخل مشوید ازیك

(١) یعنی بسبب دادن طعام وبگرفتن سرمایه دیگر بارطمع کنند والله اعلم .

اَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ ۭ وَمَآ اُغْنِيْ عَنْكُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ ۭ اِنِ الْحُكْمُ اِلَّا لِلّٰهِ ۭ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۚ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُوْنَ ﴿٦٧﴾

دروازه ودرآئید ازدروازهای پراکنده[۱] ودفع نمی کنم ازسرشما چیزی رااازقضای خدا، نیست فرمانروائی مگر خدارا بروی توکل کردم وبروی باید که توکل کنند متوکلان (٦٧) .

وَلَمَّا دَخَلُوْا مِنْ حَيْثُ اَمَرَهُمْ اَبُوْهُمْ ۭ مَا كَانَ يُغْنِيْ عَنْهُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا حَاجَةً فِيْ نَفْسِ يَعْقُوْبَ قَضٰىهَا ۭ وَاِنَّهٗ لَذُوْ عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنٰهُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٦٨﴾

وچون داخل شدندازآن راه که فرموده بود ایشان را پدرایشان دفع نمی توانست کرد ازسرایشان چیزی رااازقضای خدا لیکن سرانجام دادخطری را که در ضمیروی بود وهرآئینه اوبودخداوند دانش بآنچه ماآموخته بودیم اورا ولیکن اکثر مردمان نمی دانند (٦٨) .

وَلَمَّا دَخَلُوْا عَلٰي يُوْسُفَ اٰوٰٓى اِلَيْهِ اَخَاهُ قَالَ اِنِّىْٓ اَنَا اَخُوْكَ فَلَا تَبْتَىِٕسْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٦٩﴾

وچون داخل شدند بریوسف جای داد بسوی خود برادر تنی خودرا گفت هرآئینه من برادرتوام پس اندوهگین مباش بسبب آنچه میکردند (٦٩) .

فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِيْ رَحْلِ اَخِيْهِ ثُمَّ اَذَّنَ مُؤَذِّنٌ اَيَّتُهَا الْعِيْرُ اِنَّكُمْ لَسٰرِقُوْنَ ﴿٧٠﴾

پس وقتی که مهیاکرد برای ایشان سامان ایشان نهاد آوند آب خوردن را درخرجین برادر خود بعد ازآن آواز داد آواز دهنده ای که ای کاروان هرآئینه شما دزدید (۷۰) .

قَالُوْا وَاَقْبَلُوْا عَلَيْهِمْ مَّاذَا تَفْقِدُوْنَ ﴿٧١﴾

روبسوی ایشان درآورده گفتندچیست آنچه گم کرده اید (۷۱) .

قَالُوْا نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاۗءَ بِهٖ حِمْلُ بَعِيْرٍ وَّاَنَا بِهٖ زَعِيْمٌ ﴿٧٢﴾

گفتند گم کرده ایم پیمانهٔ پادشاه را وبرای کسی که بیاوَرَدَش یك بارِ شترباشد ومن باین وعده ضامنم (۷۲) .

(۱) یعنی تاچشم زخم نرسد .

قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ﴿٧٣﴾

گفتند بخدا قسم هرآئینه دانسته اید که نیامده ایم ماتافسادکنیم درزمین وهرگز نه بوده ایم دزد (۷۳) .

قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِن كُنتُمْ كَاذِبِينَ ﴿٧٤﴾

گفتند پس چیست جزای این فعل ا گر دروغ گوباشید (۷٤) .

قَالُوا جَزَاؤُهُ مَن وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٧٥﴾

گفتند جزای این فعل کسی است که یافته شود متاع در خرجین اوپس همان شخص باشد جزای او[1] همچنین جزامی دهیم ستم گاران را (۷۵) .

فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِن وِعَاءِ أَخِيهِ ۚ كَذَٰلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ ۖ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللّٰهُ ۚ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ ۗ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾

پس شروع کرد یوسف به تفحّص خرجینهای ایشان پیش ازخرجین برادر خود بعد ازآن برآورد پیمانه را ازخرجین برادر خود همچنین تدبیر کردیم برای یوسف نمی خواست که اسیر گیرد برادر خودرا بحکم قانون پادشاه لیکن (اسیر گرفتش) به مشیت خدا بلندمی گردانیم مراتب کسی را که خواهیم و بالای هرخداوندِ دانش دانائی هست (۷٦) .

قَالُوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِن قَبْلُ ۚ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ ۚ قَالَ أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا ۖ وَاللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ﴿٧٧﴾

گفتند ا گر دزدی کند این شخص دور نیست که دزدی کرده بود برادر اوپیش ازین پس پنهان داشت یوسف این سخن را در ضمیر خود وآشکار نه کرد آن را پیش ایشان گفت (دردل خود) شمابدترید در منزلت وخدا دانا است بآنچه وصف می کنید[2] (۷۷) .

---

(۱) یعنی اوراغلام گیرند والله اعلم .

(۲) حضرت یوسف بتی ازطلا ازآن جد مادریِ خود بدزدید تا از عبادت صنم بازماند=

قَالُوْا يٰٓاَيُّهَا الْعَزِيْزُ اِنَّ لَهٗٓ اَبًا شَيْخًا كَبِيْرًا فَخُذْ اَحَدَنَا مَكَانَهٗ ۚ اِنَّا نَرٰىكَ مِنَ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٧٨﴾

گفتند ای عزیز هرآئینه اورا پدریست پیرکلان سال پس بگیریکی را ازما بجای او هرآئینه مامی بینیم ترا ازنیکوکاران (٧٨) .

قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اَنْ نَّاْخُذَ اِلَّا مَنْ وَّجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهٗٓ ۙ اِنَّآ اِذًا لَّظٰلِمُوْنَ ﴿٧٩﴾

گفت پناه بر خدا ازآنکه بگیریم مگر کسی را که یافته ایم متاع خویش را نزدِ او بتحقیق آنگاه ستمگار باشیم (٧٩) .

فَلَمَّا اسْتَيْـَٔسُوْا مِنْهُ خَلَصُوْا نَجِيًّا ؕ قَالَ كَبِيْرُهُمْ اَلَمْ تَعْلَمُوْٓا اَنَّ اَبَاكُمْ قَدْ اَخَذَ عَلَيْكُمْ مَّوْثِقًا مِّنَ اللّٰهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُّمْ فِيْ يُوْسُفَ ۚ فَلَنْ اَبْرَحَ الْاَرْضَ حَتّٰى يَاْذَنَ لِيْٓ اَبِيْٓ اَوْ يَحْكُمَ اللّٰهُ لِيْ ۚ وَهُوَ خَيْرُ الْحٰكِمِيْنَ ﴿٨٠﴾

پس چون ناامید شدند ازوی، تنها رفتند بخلوت مشورت کنان گفت بزرگ ترین ایشان آیاندانسته اید که پدرشما گرفته است برشماعهدی ازخدا وپیش ازین کوتاهی کرده بودید درحق یوسف پس ترك نخواهم کرداین سرزمین را تاوقتیکه اجازه دهدمرا پدرم یا حکم کند خدا مرا واوبهترین حکم کنند گان است (٨٠) .

اِرْجِعُوْٓا اِلٰٓى اَبِيْكُمْ فَقُوْلُوْا يٰٓاَبَانَآ اِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ ۚ وَمَا شَهِدْنَآ اِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حٰفِظِيْنَ ﴿٨١﴾

(ای برادران) باز رویدبسوی پدر خویش پس بگوئید ای پدرماهرآئینه پسر تودزدی کرد و گواهی نه دادیم الاّ بآنچه می‌دانستیم[1] ونه می دانستیم علم غیب را (٨١) .

وَسْـَٔلِ الْقَرْيَةَ الَّتِيْ كُنَّا فِيْهَا وَالْعِيْرَ الَّتِيْٓ اَقْبَلْنَا فِيْهَا ؕ وَاِنَّا لَصٰدِقُوْنَ ﴿٨٢﴾

وبپرس دهی که بودیم درآن وازکاروانی که آمده ایم درآن والبته ماراست گویانیم (٨٢) .

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْرًا ؕ فَصَبْرٌ جَمِيْلٌ ؕ

گفت (یعقوب) بلکه آراسته کرده است

= یامشابه به این قصه چیزیکه سبب تهمت اوباشد بدزدی، بوقوع آمده بود والله اعلم .

(١) یعنی گفتند "جزآؤه من وجد فی رحله فهوجزآؤه" والله اعلم .

عَسَى اللّٰهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ٨٣

برای شما نفوس شماکاری را پس حال من صبر نیك است امید آنست که خدابیارد پیش من ایشان را همه یك جا هرآئینه اودانای باحکمت است (٨٣) .

وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ٨٤

ورو بگردانید ازایشان و گفت وای اندوه من بریوسف وسفید شدند دوچشم اوبسبب اندوه پس اوپُر شده بودازغم (٨٤) .

قَالُوا تَاللّٰهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ٨٥

گفتند بخدا همیشه هستی که یادمی کنی یوسف را تاآنکه شوی بیمار یا شوی ازهلاك شدگان (٨٥) .

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللّٰهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٨٦

گفت جزاین نیست که بیان می کنم غم سختِ و اندوه خودرا به جناب خدا ومی دانم ازجانب خدا آنچه نمی‌دانید (٨٦) .

يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ٨٧

ای پسران من بروید پس جستجو کنید از یوسف وبرادراو ونا امید مباشید ازرحمت خدا هرآئینه (سخن اینست که) ناامید نمی شوند ازرحمت خدا مگر گروه کافران (٨٧) .

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللّٰهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ٨٨

پس چون داخل شدند بریوسف گفتند ای عزیز رسیده است بما واهل ماسختی وآورده ایم سرمایهٔ ناچیز (یعنی اندك) پس تمام دِه مارا پیمانه وصدقه کن برما هرآئینه خدا جزامی دهد صدقه دهندگان را (٨٨) .

قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ ٨٩

گفت آیا دانستید قبح آنچه کردید به یوسف و برادرش وقتی که شمانادان بودید (٨٩) .

قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَٰذَا أَخِي

گفتند آیابه تحقیق تو یوسفی؟ گفت من

قَدْ مَنَّ اللّٰهُ عَلَيْنَا ۖ إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٠﴾

يوسفم واين برادرمن است هرآئینه منّت نهاد خدا برما هرآئینه (سخن این ست که) هرکه پرهیزگاری کند و صبر نمایدپس خداضائع نمی سازد مزد نیکوکاران را (٩٠) .

قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ ﴿٩١﴾

گفتند قسم به خدا هرآئینه برتری داده است تراخدا برما وهرآئینه ماخطا کننده بودیم (٩١) .

قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ ۖ يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكُمْ ۖ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٩٢﴾

گفت هیچ سرزنش نیست برشما امروز بیامرزد خدا شمارا واو مهربان ترین مهربانان است (٩٢) .

اِذْهَبُوا بِقَمِيصِي هٰذَا فَأَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا ۚ وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٣﴾

ببَریداین پیراهن مرا پس بیفکنیدش برچهرۀ پدرم تاشود بینا وبیارید پیش من اهل خویش را همه یك جا (٩٣) .

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ ۖ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ ﴿٩٤﴾

وچون جدا شدکاروان (یعنی ازشهر) گفت پدرایشان هرآئینه من می یابم بوی یوسف را ا گر به نقصان عقل نسبت نکنید مرا (٩٤) .

قَالُوا تَاللّٰهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ ﴿٩٥﴾

گفتند بخدا قسم هرآئینه تو درخطای قدیم خودی (٩٥) .

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا ۖ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾

پس چون بیامد پیش وی مژده دهنده انداخت پیرهن را برصورت وی پس بینا گشت گفت آیا نه گفته بودم به شما که هرآئینه من میدانم ازجانب خداآنچه نمیدانید (٩٦) .

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴿٩٧﴾

گفتند ای پدرماآمرزش طلب کن برای مادرحق گناهان ما هرآئینه ما گنهگاربودیم (٩٧) .

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي ۖ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٩٨﴾

گفت بزودی طلب آمرزش خواهم

کردبرای شما از پروردگار خود هرآئینه اوآمرزندهٔ مهربان است (۹۸) .

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ ﴿٩٩﴾

پس چون درآمدند بریوسف (یعنی درخیمه اش واوبرای استقبال برآمده بود) جای داد بسوی خود پدرومادر خودرا گفت درآئیدبمصر ایمن شده ا گرخدا خواسته باشد (۹۹) .

وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا ۖ وَقَالَ يَا أَبَتِ هَٰذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا ۖ وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ۚ إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ ۚ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿١٠٠﴾

وبالا بُرد پدرومادر خودرا برتخت خود وایشان افتادند بسوی او سجده کنان و گفت ای پدرمن این ست تعبیر خواب من که پیش ازین دیده بودم هرآئینه راست ساخت آنرا پروردگار من ونعمت فراوان داد بمن چون بیرون آورد مرا اززندان وآوردشمارا ازصحرا بعد ازآنکه خلاف افگند شیطان میان من ومیان برادران من هرآئینه پروردگار من تدبیر نیك سازنده است چیزی را که میخواهد هرآئینه اوست دانای باحکمت (۱۰۰) .

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ۚ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۖ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿١٠١﴾

ای پروردگار من دادی مرا پادشاهی وآموختی مرا تاویل احادیث ای پیدا کنندهٔ آسمان ها وزمین توئی کارساز من دردنیا وآخرت مسلمان بمیران مرا ولاحق کن مرا به صالحان (۱۰۱) .

ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۖ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴿١٠٢﴾

(یا محمد) این قصه ازاخبار غیب است وحی می کنیم آن را بسوی تو وتونه بودی نزدایشان چون عزم کردند برمشورت خود توطئه کنان (۱۰۲) .

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

ومسلمان نیستند اکثر مردمان وا گرچه حرص کنی (۱۰۳) .

وَمَا تَسْـَٔلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿١٠٤﴾

وسوال نمی کنی ازایشان برتبلیغ قرآن هیچ مزدی، نیست این مگرپندی جهانیان را (١٠٤) .

وَكَأَيِّن مِّنْ ءَايَةٍ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٠٥﴾

وبسا نشانه هایند درآسمان ها وزمین می‌گذرند برآن اعراض کنان ازتأمل درآن (١٠٥) .

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِٱللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشْرِكُونَ ﴿١٠٦﴾

وایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر شریك او مقررکرده (١٠٦) .

أَفَأَمِنُوٓا۟ أَن تَأْتِيَهُمْ غَٰشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ ٱللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٧﴾

آیاایمن شده اند ازآنکه بیاید بایشان عقوبتی عام از عذاب خدا یابیاید بایشان قیامت ناگهان وایشان آگاه نه باشند (١٠٧) .

قُلْ هَٰذِهِۦ سَبِيلِىٓ أَدْعُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ ۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا۠ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِى ۖ وَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾

بگواین راه من است می خوانم بسوی خدا باحجت ظاهر، من و پیروان من وپاکی خداراست ونیستم من از مشرکان (١٠٨) .

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِىٓ إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ ٱلْقُرَىٰٓ ۗ أَفَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۗ وَلَدَارُ ٱلْءَاخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾

ونه فرستاده ایم پیش ازتو مگر مردانی را که وحی می فرستادیم بسوی ایشان ازاهل ده ها یا سیرنکرده اند درزمین تابه بینند چگونه شد آخرکار آنانکه پیش ازایشان بودند وهرآئینه سرای آخرت بهترست متقیان را آیانمی فهمید (١٠٩) .

حَتَّىٰٓ إِذَا ٱسْتَيْـَٔسَ ٱلرُّسُلُ وَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا۟ جَآءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّىَ مَن نَّشَآءُ ۖ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ ٱلْقَوْمِ ٱلْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾

(مهلت دادیم) تاوقتیکه چون ناامید شدند پیغامبران وگمان کردند قوم ایشان که بدروغ وعده کرده شده بایشان آمد بایشان نصرت ماپس نجات داده شدهرکرا خواستیم وبازداشته نمی شود عذاب ماازگروه ستمگاران (١١٠) .

لَقَدْ كَانَ فِى قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ ۗ مَا كَانَ

هرآئینه هست درقصه پیغامبران پندی

حَدِيثًا يُّفْتَرٰى وَلٰكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَّهُدًى وَّرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُونَ ﴿١١١﴾

خداوندانِ خِرَدرا نیست قرآن سخنی که بدروغ بربافته شود ولیکن هست باوردارندهٔ آنچه پیش ازوی هست وبیان کنندهٔ هرچیز وهدایت وبخشایش مسلمانان را (١١١) .

سوره رعدمدنی است وآن چهل وسه آیت وشش رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓمّٓرٰ تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ ۚ وَالَّذِيْٓ اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ الْحَقُّ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿١﴾

الٓمّٓرٰ این ها آیاتِ قرآنند وآنچه فروفرستاده شداز پروردگار تو راست است ولیکن اکثر مردمان ایمان نمی آرند (١) .

اَللّٰهُ الَّذِيْ رَفَعَ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۚ كُلٌّ يَّجْرِيْ لِاَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ يُدَبِّرُ الْاَمْرَ يُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَآءِ رَبِّكُمْ تُوْقِنُوْنَ ﴿٢﴾

خداآنست که برداشت آسمانهارا بغیر ستون ها که بینید آنِ را بعد ازآن مستقرشد برعرش ومسخّر کرد خورشید وماه را هریکی سیر میکند بمیعادی معین تدبیر کارمی نماید بیان می کندنشانه هارا تاشما به ملاقات پروردگار خودیقین آرید (٢) .

وَهُوَ الَّذِيْ مَدَّ الْاَرْضَ وَجَعَلَ فِيْهَا رَوَاسِيَ وَاَنْهٰرًا ۚ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ جَعَلَ فِيْهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي الَّيْلَ النَّهَارَ ۚ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿٣﴾

واوآنست که گسترد زمین را وآفرید در آن کوه ها ونهرها را واز هرنوع میوه آفرید درزمین دوقسم (ترش و شیرین خوب وبد) می پوشاند شب رابروز هرآئینه درین نشانه هاست قومی را که تَفکّر می‌کنند (٣) .

وَفِي الْاَرْضِ قِطَعٌ مُّتَجٰوِرٰتٌ وَّجَنّٰتٌ مِّنْ اَعْنَابٍ وَّزَرْعٌ وَّنَخِيْلٌ صِنْوَانٌ وَّغَيْرُ صِنْوَانٍ يُّسْقٰى بِمَآءٍ وَّاحِدٍ ۗ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلٰى بَعْضٍ فِي الْاُكُلِ ۗ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ﴿٤﴾

ودرزمین تکه های مختلف پیوسته بایکدیگراست وبوستانهائی از درختانِ انگور و کشت زارست ودرختان خرمای بعضی بسیارپُر شاخ و بعضی غیرآن، آبیاری می شوند به یك آب وبرتری می

دهیم بعضی را بربعض درطعم میوه ها هرآئینه دراین نشانه ها ست قومی را که می‌فهمند (٤) .

وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ ءَإِذَا كُنَّا تُرٰبًا ءَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۗ أُولٰٓئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ ۚ وَأُولٰٓئِكَ الْأَغْلٰلُ فِيٓ أَعْنَاقِهِمْ ۚ وَأُولٰٓئِكَ أَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ٥

و اگر تعجب کنی پس عجب است سخن ایشان که آیا وقتیکه خاك شویم آیامادرآفرینشی نوخواهیم بود، ایشانند آنانکه نامعتقد شدند به پروردگار خویش وایشانند (باین صفت) که طوق درگردن ایشان باشد وایشانند اهل آتش ایشان آنجاجاویدان باشند (٥) .

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثُلٰتُ ۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلٰى ظُلْمِهِمْ ۖ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ ٦

وبه شتاب می طلبند ازتو عقوبت پیش ازراحتی وهرآئینه گذشته است پیش ازایشان عقوبت ها وهرآئینه پروردگار توخداوندِ آمرزش است مردمان را باوجود ستمگار بودنِ ایشان و هرآئینه پروردگار تو سخت عقوبت است (٦) .

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَآ أُنْزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِنْ رَبِّهِ ۗ إِنَّمَآ أَنْتَ مُنْذِرٌ ۖ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ٧

ومی گویند کافران چرا فرستاده نه شد براین پیغمبر نشانه از پروردگار او (یا محمد) جزاین نیست که توبیم دهنده ای وهرقومی راراه نمائی‌است (٧) .

اللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثٰى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ ۖ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ٨

خدامی داند آنچه درشکم داردهرماده وآنچه ناقص میکنند رحم هاوآنچه زیاده می گردانند وهرچیزی نزدِاو باندازه است (٨) .

عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ ٩

داناست به پنهان وآشکار بزرگ است بلند مرتبه است (٩) .

سَوَآءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِالَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ١٠

یکسان است ازشما کسی که به پوشد سخن را وکسیکه بآواز بلند گوید آن را وکسی که وی پنهان است درشب وکسی

که اوراه میرود درروز (۱۰) .

لَهٗ مُعَقِّبٰتٌ مِّنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهٖ يَحۡفَظُوۡنَهٗ مِنۡ اَمۡرِ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوۡمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوۡا مَا بِاَنۡفُسِهِمۡ ؕ وَاِذَاۤ اَرَادَ اللّٰهُ بِقَوۡمٍ سُوۡۤءًا فَلَا مَرَدَّ لَهٗ ۚ وَمَا لَهُمۡ مِّنۡ دُوۡنِهٖ مِنۡ وَّالٍ ﴿۱۱﴾

برای آدمی فرشتگانند ازپی یکدیگر آینده میان دودست او و پشت سراونگاه میدارند اورا به حکم خدا هرآئینه خدا تغییرنمی دهد حالتی را که به قومی باشد تاوقتی که ایشان تغییردهند آنچه در ضمیر ایشان ست وچون اراده کند خدا بقومی عقوبت را پس بازگردانیدن نیست آن راو نیست ایشان را بجزوی هیچ کارسازی (۱۱) .

هُوَ الَّذِىۡ يُرِيۡكُمُ الۡبَرۡقَ خَوۡفًا وَّطَمَعًا وَّيُنۡشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ۚ ﴿۱۲﴾

واوست آنکه می نماید شمارا برق برای پیداکردن ترس و امید وبرمیدارد ابرهای گران را (۱۲) .

وَيُسَبِّحُ الرَّعۡدُ بِحَمۡدِهٖ وَالۡمَلٰۤئِكَةُ مِنۡ خِيۡفَتِهٖ ۚ وَيُرۡسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيۡبُ بِهَا مَنۡ يَّشَآءُ وَهُمۡ يُجَادِلُوۡنَ فِى اللّٰهِ ۚ وَهُوَ شَدِيۡدُ الۡمِحَالِ ؕ ﴿۱۳﴾

وبه پاکی یاد می‌کند رعدباستائش او وفرشتگان نیز ازترس او، ومی فرستد صاعقه ها را پس میرساندآنرا بهرکه خواهد وکافران مکابره می کنند دربارهٔ خدا و او بسیاربا قوت است (۱۳) .

لَهٗ دَعۡوَةُ الۡحَـقِّ ؕ وَالَّذِيۡنَ يَدۡعُوۡنَ مِنۡ دُوۡنِهٖ لَا يَسۡتَجِيۡبُوۡنَ لَهُمۡ بِشَىۡءٍ اِلَّا كَبَاسِطِ كَفَّيۡهِ اِلَى الۡمَآءِ لِيَبۡلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهٖ ؕ وَمَا دُعَآءُ الۡكٰفِرِيۡنَ اِلَّا فِىۡ ضَلٰلٍ ﴿۱۴﴾

مراوراست دعای حق[1] وآنانکه کافران ایشان را میخوانند بغیرازخدا قبول نمی‌کنند دعای ایشان را بهیچ وجه مگر مانند کسی که بگشاید دودست خودرا بسوی آب تابرسد بدهنش، وآن آب هرگزرسنده نیست بدهان او ونیست دعای کافران مگر در بی فائدگی (۱٤) .

وَلِلّٰهِ يَسۡجُدُ مَنۡ فِى السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ طَوۡعًا وَّكَرۡهًا

وخدارا سجده می کند هرکه درآسمان ها

(۱) یعنی اورا سزد که بجناب اونیاز کنند ومدعا طلبند واواجابت فرماید والله اعلم.

وَظِلٰلُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصَالِ ۩ ﴿١٥﴾

وزمين است خواهان وناخواهان وسجده می کنند سایه های ایشان بوقت صبح وشام[1] (١٥) .

قُلْ مَنْ رَّبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ قُلِ اللّٰهُ ؕ قُلْ اَفَاتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُوْنِهٖۤ اَوْلِيَآءَ لَا يَمْلِكُوْنَ لِاَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَّلَا ضَرًّا ؕ قُلْ هَلْ يَسْتَوِى الْاَعْمٰى وَالْبَصِيْرُ ۙ اَمْ هَلْ تَسْتَوِى الظُّلُمٰتُ وَالنُّوْرُ ۚ اَمْ جَعَلُوْا لِلّٰهِ شُرَكَآءَ خَلَقُوْا كَخَلْقِهٖ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ ؕ قُلِ اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَىْءٍ وَّهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿١٦﴾

بگو کیست پروردگارآسمان ها وزمین بگو(ازطرف ایشان) خداست بگوآیا گرفتید بجز وی دوستانی که نمی توانند برای خویشتن سودی ونه زیانی بگوآیا برابرست نابینا وبینا (هرگز) آیابرابرست تاریکی ها و روشنی آیا مقرر کرده اند خدارا شریکانی که آفریده باشند مانند آفریدن خدا پس مشتبه شده است آفرینش برایشان بگوخدا آفرینندۀ هرچیز است واوست یگانۀ غالب (١٦) .

اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَسَالَتْ اَوْدِيَةٌ ۢ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَّابِيًا ؕ وَمِمَّا يُوْقِدُوْنَ عَلَيْهِ فِى النَّارِ ابْتِغَآءَ حِلْيَةٍ اَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِّثْلُهٗ ؕ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ ؕ فَاَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَآءً ۚ وَاَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِى الْاَرْضِ ؕ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ ؕ ﴿١٧﴾

فروفرستاد ازآسمان آب را پس روان شدند رودها باندازه خویش پس برداشت آب روان کفی راکه بالای آب بلند شده وازآنچه میگدازندش درآتش به طلب پیرایه یا به طلب رختِ خانه کفی هست مانند کفِ آب همچنین بیان می کند خدا مثل حق وباطل را ، اماآن کف پس میرود ناچیز شده واماآنچه سودمیرساند بمردمان می ماند درزمین همچنین بیان می‌کند خدا مثل هارا[2] (١٧) .

---

(١) کافران ومنافقان ناخواهان سجده می کنند هنگام سختی یا ترس شمشیرِ فرشتگان و مسلمانان خواهان والله اعلم .

(٢) مترجم گوید لابُدست که در هرجنس خیروشر باشد همچنین لابُداست که در آدمیان نیکوکاران وبدکاران باشند لیکن نیکوکارانرا مستقر میسازد وکارایشان را =

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ ۚ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٨﴾

آنان را که قبول کردند سخن پروردگار خویش حالت نیك است وآنانکه قبول نه کردند سخن اورا ا گر باشد ایشان را آنچه درزمین است همه یك جا و مانند آن همراه آن البته فدیهٔ خود دهندآن را آنجماعت، ایشان راست سختی حساب وجای ایشان دوزخ است وآن بدجائی است (١٨) .

أَفَمَن يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ ۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١٩﴾

آیا کسی که میداند آنچه راکه فروفرستاده شده بسوی تو ازجانب پروردگار توراست است مانند کسی است که وی نابیناست جزاین نیست که پندپذیر میشوند خداوندانِ خرد (١٩) .

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ الْمِيثَاقَ ﴿٢٠﴾

آنانکه وفامی کنند بعهد خدا ونه می شکنند عهدرا (٢٠) .

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ﴿٢١﴾

وآنانکه می پیوندند آنچه فرموده است خدا پیوند کردن آن و می‌ترسند ازپروردگار خویش ومی ترسند از سختیِ حساب (٢١) .

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٢﴾

وآنانکه شکیبائی کردند به طلب رضای پروردگار خویش[1] وبرپا داشتند نمازرا وخرج کردند ازآنچه ماروزی دادیم بایشان پنهان وآشکارا ودفع می کنند با نیکوئی بدی را این جماعت را است جزای آن سرای (٢٢) .

= پیش میبرد وبدکاران را هلاك میکند والله اعلم .

(١) یعنی بطلب رضای او .

جَنّٰتُ عَدْنٍ يَّدْخُلُوْنَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ اٰبَآئِهِمْ وَاَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيّٰتِهِمْ وَالْمَلٰٓئِكَةُ يَدْخُلُوْنَ عَلَيْهِمْ مِّنْ كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾

به بوستانهای همیشه جاودان درآیند ایشان وهرکه نیکوکارباشد ازپدران ایشان وزنان ایشان واولاد ایشان وفرشتگان داخل شوند برایشان ازهردروازه (٢٣) .

سَلٰمٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٤﴾

گویند سلامتی باد برشما بسبب صبرکردن شما پس نیك است جزای آن سرای (٢٤) .

وَالَّذِيْنَ يَنْقُضُوْنَ عَهْدَ اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مِيْثَاقِهٖ وَيَقْطَعُوْنَ مَآ اَمَرَ اللّٰهُ بِهٖٓ اَنْ يُّوْصَلَ وَيُفْسِدُوْنَ فِى الْاَرْضِ اُولٰٓئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوْٓءُ الدَّارِ ﴿٢٥﴾

وآنانکه می شکنند عهد خدارا بعد استوارکردن آن وقطع می کنند آنچه فرموده است خدا به پیوند کردن آن و فسادمی کنند درزمین آنجماعت ایشان راست لعنت وایشان راست سختی آن سرای (٢٥) .

اَللّٰهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوْا بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا فِى الْاٰخِرَةِ اِلَّا مَتَاعٌ ﴿٢٦﴾

خداگشاده می سازد روزی را برای هرکه خواهد وتنگ می سازد وکافران شادمان شدند به زندگانی دنیا و نیست زندگانی دنیا نسبت به آخرت مگر متاع اندك (٢٦) .

وَيَقُوْلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰيَةٌ مِّنْ رَّبِّهٖ قُلْ اِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنْ يَّشَآءُ وَيَهْدِيْٓ اِلَيْهِ مَنْ اَنَابَ ﴿٢٧﴾

ومی گویند کافران چرا فرودآورده نه شد برپیغامبر نشانه ازجانب پروردگار[1] بگو هرآئینه خدا گمراه می کند هرکرا خواهد وراه می نماید بسوی خویش هرکرا که رجوع کرد (یعنی راه می نماید بسوی خود) (٢٧) .

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوْبُهُمْ بِذِكْرِ اللّٰهِ اَلَا بِذِكْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوْبُ ﴿٢٨﴾

آنان که ایمان آوردند آرام می گیرند دل های ایشان به یاد خدا آ گاه شوبه یاد خدا آرام می گیرنددل ها (٢٨) .

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ طُوْبٰى لَهُمْ وَحُسْنُ مَاٰبٍ ﴿٢٩﴾

آنان را که ایمان آوردند وکارهای نیك

---

(١) مترجم گوید یعنی ازقسمی که درخواست میکردند .

کردند حالت خوش باشد ایشان راوخوب جایگاه باشد (۲۹) .

كَذٰلِكَ أَرْسَلْنٰكَ فِيْٓ أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَآ أُمَمٌ لِّتَتْلُوَا۟ عَلَيْهِمُ الَّذِيْٓ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُوْنَ بِالرَّحْمٰنِ قُلْ هُوَ رَبِّيْ لَآ إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ ﴿٣٠﴾

همچنین فرستادیم ترا درامتی که گذشتند پیش ازآن امت های بسیار تابخوانی برایشان آنچه وحی فرستادیم بسوی تو وایشان کافرند بخدای بخشاینده بگواوپروردگار من است نیست هیچ معبود برحقی مگراو بروی توکل کردم وبسوی اوست رجوع من (۳۰) .

وَلَوْ أَنَّ قُرْاٰنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتٰى بَلْ لِّلّٰهِ الْأَمْرُ جَمِيْعًا أَفَلَمْ يَاْيْـَٔسِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا أَنْ لَّوْ يَشَآءُ اللّٰهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيْعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا تُصِيْبُهُمْ بِمَا صَنَعُوْا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيْبًا مِّنْ دَارِهِمْ حَتّٰى يَأْتِيَ وَعْدُ اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيْعَادَ ﴿٣١﴾

وا گر می‌بود قرآنی که روان کرده می‌شد بسبب آن کوههایا شگافته می شد به سبب آن زمین یابه سخن آورده میشد بسبب آن مُردگان را (نیزایمان نمی آوردند) بلکه خداراست کارهمه یکجا آیاندانسته اند مسلمانان که ا گر می‌خواست خداالبته راه می‌نمود مردمان را همه یك جا وهمیشه کافران باین صفت باشند که میرسد بایشان بسبب آنچه کردند عقوبتی سخت یافرو می‌آید آن عقوبت نزدیك بخانهٔ ایشان[1] تاوقتی که بیاید وعده خدا هرآئینه خدا خلاف وعده را نمی کند (۳۱) .

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿٣٢﴾

وهرآئینه تمسخر کرده شد به پیغمران پیش ازتو پس مهلت دادم کافران را باز گرفتار کردم ایشان را پس چگونه بود

---

(۱) مترجم گوید وآن کنایت است ازشدتی که ازوی خوفِ هلاك برایشان مستولیٰ شود بآخرت نجات یابند والله اعلم .

عقوبت من (٣٢)

أَفَمَنْ هُوَ قَآئِمٌ عَلٰى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۚ وَجَعَلُوْا لِلّٰهِ شُرَكَآءَ ۗ قُلْ سَمُّوْهُمْ ۗ أَمْ تُنَبِّئُوْنَهٗ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ ۗ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوْا عَنِ السَّبِيْلِ ۗ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾

آیا کسی که خبرگیرنده است برهرکس بجزای آنچه عمل کرده است (مثل این بتان باشد) ومقرر کردند کافران خدای را شریکان بگوبیان کنید نامهای ایشان را[١] آیاخبرمیدهید خدا را به آنچه نمیداند در زمین یا فریفته می شوید به سخن سرسری[٢] بلکه آراسته کرده شده است کافران را اندیشهٔ فاسد ایشان و بازداشته شده اند از راه وهرکه را گمراه کند خدا نیست اوراهیچ راه نما (٣٣) .

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ أَشَقُّ ۚ وَمَا لَهُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ وَّاقٍ ﴿٣٤﴾

ایشان راست عذاب در زندگانی دنیا وهرآئینه عذاب آخرت سخت ترست ونیست ایشان رااز(عذاب) خداهیچ نگاه دارنده (٣٤) .

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِيْ وُعِدَ الْمُتَّقُوْنَ ۗ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ ۗ أُكُلُهَا دَآئِمٌ وَّظِلُّهَا ۗ تِلْكَ عُقْبَى الَّذِيْنَ اتَّقَوْا ۖ وَّعُقْبَى الْكٰفِرِيْنَ النَّارُ ﴿٣٥﴾

صفت بهشتی که وعده کرده شده است متقیان را اینست که میرود زیرآن جویها، میوه های اوجاویدان است و سایه اش همچنین، این است جزای متقیان وجزای کافران آتش است (٣٥) .

وَالَّذِيْنَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يَفْرَحُوْنَ بِمَآ أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُّنْكِرُ بَعْضَهٗ ۗ قُلْ إِنَّمَآ أُمِرْتُ

وآنانکه دادیم ایشان را کتاب خوشحال میشوند بآنچه فرستاده شد بسوی تو وازین جماعت ها کسی است که انکارمی کند بعض اورابگو جزاین نیست

(١) مترجم گوید یعنی اوصافِ ایشان را ذکر کنید تاباوصافِ خدا مقابله کرده شود و فن مماثلت ظاهرگردد والله اعلم .

(٢) یعنی تقلید پدران میکنید درسخن بی اساس والله اعلم .

أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ ۚ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَآبِ ﴿٣٦﴾

که فرموده شدمرا که عبادت کنم خدارا وشرك نَوَرزم به وی، بسوی او میخوانم وبسوی اوست بازگشت من (٣٦) .

وَكَذَٰلِكَ أَنزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا ۚ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُم بَعْدَمَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۙ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ ﴿٣٧﴾

وهمچنین فروفرستادیم قرآن راکتابی عربی وا گر پیروی کنی خواهش نفس ایشان را بعد ازآنچه آمده است به تو ازعلم نیست تراازعقوبت خدا هیچ کارسازنده ونه نگاه دارنده (٣٧) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً ۚ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ ﴿٣٨﴾

وهرآئینه فرستادیم پیغامبران را پیش ازتو ودادیم ایشان را زنان و فرزندان ونشاید هیچ پیغامبررا که بیارد هیچ نشانه مگر به حکم خدا هر قضائی رااجل وموعدی باشد (٣٨) .

يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ ۖ وَعِندَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ﴿٣٩﴾

نابود میسازد خدا هرچه میخواهد و ثابت می کند هرچه خواهد نزد اوست ام الکتاب (یعنی لوح محفوظ)[1] (٣٩) .

وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ﴿٤٠﴾

وا گر بنمائیم ترا بعض آنچه وعده می‌کنیم بایشان یا قبض روح تو کنیم بهرحال جزاین نیست که برتو پیغام رسانیدن است وبرماست حساب (٤٠) .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ۚ وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ ۚ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٤١﴾

آیا ندیدند که مامی آئیم به این زمین ناقص می سازیم آنرا ازجوانب آن وخدا حکم می کند نیست هیچ ردّکننده حکم او را

---

(١) مترجم گوید صورت حادثه درعالم ملکوت خلق میفرماید بعدازآن ا گر خواهد محو کند و ا گر خواهد ثابت دارد و شاید که معنی چنین باشد که هر زمانی را شریعتی هست نسخ می کند خدای تعالی آنچه میخواهد و ثابت می گذارد آنچه راخواهد نزد اوست لوح محفوظ والله اعلم .

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا ۖ يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ ۗ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٤٢﴾

واو زود حساب گیرنده است[1] (٤١) .

وهرآئینه تدبیر کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس خدا راست تدبیر همه میداند آنچه به عمل می آرد هر نفسی وخواهند دانست این کافران که کراباشد جزای آن سرای (٤٢) .

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا ۚ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِندَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ﴿٤٣﴾

ومی گویند کافران نیستی پیغامبر بگوبس است خداگواه درمیان من و شما وبس است کسیکه نزد اوست علم کتاب[2] (٤٣).

سُورَةُ إِبْرَاهِيمَ

سورهٔ ابراهیم مکی است وآن پنجاه ودوآیت وهفت رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الر ۚ كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿١﴾

الر این کتابیست که فروفرستادیم آن را بسوی توتابیرون آری مردمان را ازتاریکی ها بسوی روشنی بحکم پروردگار ایشان بسوی راه خدای غالب ستوده (١) .

اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَوَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٢﴾

براه خدائی که اوراست آنچه درآسمان ها است وآنچه درزمین است ووای کافران را از عذاب سخت (٢) .

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن

آنانکه اختیار می کنند زندگانی دنیارا برآخرت وبازمی دارند مردمان راازراه

---

(١) یعنی روزبروز شوکت اسلام بزمین عرب منتشر میشود ودارالحرب ناقص میگردد وازاطراف آن عامهٔ مفسرین آین آیت را مدنیه دانند ونزد مترجم لازم نیست که مدنی باشد و مراد ازنقصان دارالحرب اسلام اسلم و غفارو جهینه وعِرنة وقبائل، این است پیش ازهجرت .

(٢) یعنی احبار یهود می‌دانند که رسالت آن حضرت صلی الله علیه وسلم صحیح است والله اعلم .

سَبِيلِ اللّٰهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا ۚ أُولَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلٍۭ بَعِيدٍ ﴿٣﴾

خدا ومی طلبند دروی کجی[۱] ایشانند در گمراهی دور (۳) .

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِۦ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ۖ فَيُضِلُّ اللّٰهُ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِي مَن يَشَآءُ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤﴾

ونه فرستادیم هیچ پیغامبررا مگر به زبان قوم او تابیان کند برای ایشان پس گمراه سازد خدا هرکرا خواهد وراه نماید هرکرا خواهد واوست غالب باحکمت (٤) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَٰتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُم بِأَيَّىٰمِ اللّٰهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٥﴾

وهرآئینه فرستادیم موسیٰ را به نشانه های خود گفتیم که بیرون آرقوم خودرا ازتاریکی‌ها بسوی روشنی وپنده ایشان را بروزهای خدا[۲] هرآئینه درین نشانه هاست برای هرشکیبایِ شکر گذار (۵) .

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنجَىٰكُم مِّنْ ءَالِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوٓءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَآءَكُمْ ۚ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَآءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٦﴾

ویادکن آنوقت که گفت موسیٰ قوم خودرا یادکنید نعمت خدا را برخویش چون نجات داد شماراااز آل فرعون میرسانیدند به شما سختیِ عذاب و می‌کشتند پسران شمارا وزنده می گذاشتند دختران شمارا ودرین حال آزمائش بزرگ بود ازپروردگار شما (٦) .

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ۖ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾

وآن وقت که خبردار ساخت پروردگار شما که ا گر شکرکنید بیشتر دهم شمارا و ا گر ناسپاسی کنید هرآئینه عذاب من سخت است (۷) .

وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِن تَكْفُرُوٓا أَنتُمْ وَمَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللّٰهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٨﴾

و گفت موسیٰ ا گر کافرشویدشما وهرکه درزمین است همه یك جا پس هرآئینه خدا توانگر ستوده شده است (۸) .

---

(۱) یعنی به شبهات ثابت می کنند که کج است .

(۲) یعنی بوقائعی که ازجانب اوبودند .

اَلَمْ یَاْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوْحٍ وَّ عَادٍ وَّ ثَمُوْدَ ۬ۛ وَ الَّذِیْنَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ ۛؕ لَا یَعْلَمُهُمْ اِلَّا اللّٰهُ ؕ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّنٰتِ فَرَدُّوْۤا اَیْدِیَهُمْ فِیْۤ اَفْوَاهِهِمْ وَ قَالُوْۤا اِنَّا كَفَرْنَا بِمَاۤ اُرْسِلْتُمْ بِهٖ وَ اِنَّا لَفِیْ شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُوْنَنَاۤ اِلَیْهِ مُرِیْبٍ ﴿۹﴾

آیانیامده است به شما خبرآنانکه پیش ازشمابودند قوم نوح وعاد و ثمود وکسانی که بعد ازایشان آمدند نمی‌داند ایشان را[1] مگر خدا آمدند نزدایشان پیغامبران ایشان به معجزه ها پس بازآوردنددستهای خودرادر دهانهای خود[2] و گفتند هرآئینه ما منکریم بآنچه فرستاده شدید به آن وهرآئینه مادر شبهه قوی ایم ازآنچه می‌خوانید مارا بآن (۹).

قَالَتْ رُسُلُهُمْ اَفِی اللّٰهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ ؕ یَدْعُوْكُمْ لِیَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوْبِكُمْ وَ یُؤَخِّرَكُمْ اِلٰۤی اَجَلٍ مُّسَمًّی ؕ قَالُوْۤا اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا ؕ تُرِیْدُوْنَ اَنْ تَصُدُّوْنَا عَمَّا كَانَ یَعْبُدُ اٰبَآؤُنَا فَاْتُوْنَا بِسُلْطٰنٍ مُّبِیْنٍ ﴿۱۰﴾

گفتند پیغامبران ایشان آیادرخداشبهه است آفرینندهٔ آسمان ها وزمین میخواند شما را تا بیامرزد برای شما گناهان شما وموقوف داردشمارا تامدتی معین، گفتند نیستید شما مگرآدمی مانند ما میخواهید که بازدارید مارا ازآنچه عبادت میکردند پدران ما پس بیارید پیش ما حجتی ظاهر (۱۰).

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ اِنْ نَّحْنُ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَ لٰكِنَّ اللّٰهَ یَمُنُّ عَلٰی مَنْ یَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ ؕ وَ مَا كَانَ لَنَاۤ اَنْ نَّاْتِیَكُمْ بِسُلْطٰنٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ؕ وَ عَلَی اللّٰهِ فَلْیَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ﴿۱۱﴾

گفتند بایشان پیغامبران ایشان نیستیم مامگر آدمی مانندشما ولیکن خدا نعمت فراوان میدهد بهرکه خواهد ازبند گان خود ونیست ممکن مارا که بیاریم حجتی مگر به حکم خدا وبر خدا باید که توکل کنند مسلمانان (۱۱).

وَ مَا لَنَاۤ اَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَی اللّٰهِ وَ قَدْ هَدٰىنَا سُبُلَنَا ؕ وَ لَنَصْبِرَنَّ

وچیست مارا که توکل نه کنیم بر خدا وهرآئینه نموده است ماراراه های ما

(۱) یعنی عدد و صفات ایشان را .

(۲) یعنی ازنهایت تعجب و انکار انگشت به دندان گزیدند والله اعلم .

عَلٰى مَآ اٰذَيْتُمُوْنَا ۗ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُوْنَ ﴿١٢﴾

والبته صبر خواهيم كرد براذيتى كه ماراكرديد وبرخدا بايد كه توكل كنند توكل كنندگان (١٢) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ اَرْضِنَآ اَوْ لَتَعُوْدُنَّ فِيْ مِلَّتِنَا ۚ فَاَوْحٰٓى اِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٣﴾

و گفتند كافران پيغامبران خويش را البته اخراج كنيم شمارا ازسرزمين خود يا بازآئيد دردين ما پس وحى فرستاد بسوى ايشان پروردگارايشان كه هلاك خواهيم كرد ستمگاران را (١٣) .

وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْاَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۚ ذٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِيْ وَخَافَ وَعِيْدِ ﴿١٤﴾

وساكن خواهيم ساخت شمارا درزمين بعدازايشان اين وعده براى كسى است كه بترسد ازايستادن بحضور من وبترسداز بيمِ من (١٤) .

وَاسْتَفْتَحُوْا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ ﴿١٥﴾

وطلب فتح كردند پيغامبران وزيان كارشد هر گردن كش ستيزنده (١٥) .

مِّنْ وَّرَآئِهٖ جَهَنَّمُ وَيُسْقٰى مِنْ مَّآءٍ صَدِيْدٍ ﴿١٦﴾

پيش روى اودوزخ است ونوشانيده شود ازآب زرداب (يعنى چرك وخون جهنميان) (١٦) .

يَّتَجَرَّعُهٗ وَلَا يَكَادُ يُسِيْغُهٗ وَيَاْتِيْهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَّمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۗ وَمِنْ وَّرَآئِهٖ عَذَابٌ غَلِيْظٌ ﴿١٧﴾

جرعه جرعه فروكشد آن را ونزديك نه بُوَد ازآنكه بسهولت دركشدآن را وبيايدش موت[1] ازهرجاى واومرده نه بُوَد وپيش روى اوست عذابى سخت (١٧) .

مَثَلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِرَبِّهِمْ اَعْمَالُهُمْ كَرَمَادِ ِۨاشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيْحُ فِيْ يَوْمٍ عَاصِفٍ ۗ لَا يَقْدِرُوْنَ مِمَّا كَسَبُوْا عَلٰى شَيْءٍ ۗ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلٰلُ الْبَعِيْدُ ﴿١٨﴾

مثال آنانكه نامعتقد شدند به پروردگار خويش (اين ست) اعمال ايشان مانند خاكسترى بُوَد كه سخت وزيد برآن باد در روزى كه بادتنددارد قدرت ندارند برهيچ چيزازآنچه كسب كرده بودند اين

(١) يعنى اسباب موت بيايدش .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٩﴾

وَمَا ذٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿٢٠﴾

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفٰٓؤُا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوٓا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدٰىنَا اللَّهُ لَهَدَيْنٰكُمْ سَوَآءٌ عَلَيْنَآ أَجَزِعْنَآ أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ ﴿٢١﴾

وَقَالَ الشَّيْطٰنُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطٰنٍ إِلَّآ أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوٓا أَنْفُسَكُمْ مَآ أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَآ أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَآ أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظّٰلِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٢﴾

است گمراهی دور[۱] (۱۸) .

آیاندیدی که خداآفرید آسمان ها وزمین را بتدبیر محکم اگر خواهد دور کندشمارا وبیاردآفرینش خلقی نو (۱۹) .

ونیست این برخدا دشوار (۲۰) .

وحاضر شوند پیش خدا همه یك جا پس گویند ضعیفان گردن کشان را (یعنی تابعان پیش روان را) هرآئینه مابودیم تابع شما پس آیاشما دفع کننده هستیدازما پاره ای ازعذاب خدا گویند اگرراه می‌نمود مارا خدا، راه نمائی می کردیم شمارابرابرست برما که اضطراب کنیم یاشکیبائی ورزیم نیست ماراهیچ نجات دهنده ای (۲۱) .

و گفت شیطان وقتی که فیصله کرده شدکار[۲] هرآئینه خداوعده دادشمارا وعدهٔ راست ووعده دادم شمارا پس خلاف وعده کردم من باشما ونه بود مرا برشما هیچ تسلط لیکن بودآنکه بخواندم شمارا پس قبول کردید سخن مرا پس ملامت مکنید مرا وملامت کنید خویش را نیستم فریادرس شما وشمانیستید فریادرس من هرآئینه من بیزارشدم ازآنکه مرا شریك مقررکردید پیش ازین هرآئینه

(۱) یعنی اعمال ایشان همه برباد شوند وبدان منتفع نگردند والله اعلم .

(۲) مترجم گوید یعنی وقتی که بهشتیان به بهشت در آیند ودوزخیان ره دوزخ گیرند والله اعلم .

ستمگـاران ایشـان راسـت عـذاب درد دهنده (٢٢) .

وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ﴿٢٣﴾

ودرآورده شـدنـد آنانكـه ايمـان آوردنـد وكارهای شائسته كردند به بوستانهائيكه می رود زيرآن جويها جاودان درآن به حكم پروردگار خويش دعای خيرايشان بايكديگرآنجاسلام است (٢٣) .

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿٢٤﴾

آيا نديدی چگونه زدخدامثال سخن پاكيزه را مانند درخت پاكيزه كه ريشه اش استوارباشد وشاخش درآسمان (٢٤) .

تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾

ميدهد ميوه های خودرا هرفصلی به حكم پروردگار خويش ومی زندخدا مثل هارابرای مردمان تابُوَد كه پندپذير شوند (٢٥) .

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ﴿٢٦﴾

ومثل سخن ناپاك مانند درخت ناپاك است كه بركنده شد ازبالای زمين نيست اوراهيچ استقراری(١) (٢٦) .

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿٢٧﴾

واستوار می سازد خدا مسلمانان را بر سخن درست درزندگانی دنيا ودرآخرت و گمراه ميسازدخدا ستمگاران را وميكند خدا آنچه می خواهد(٢) (٢٧) .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ

آياندیدی بسوی آنانكه بدل كردند نعمت

---

(١) يعنی شريعت حق درملكوت ثابت است ودردنيا هر روز رواجی تازه می يابد ومردمان منتفع ميشوند و ملت جاهليت درملكوت استقرار ندارد هر چند درميان مردم شائع شود در نهايت درهم وبرهم كرده آيد والله اعلم .

(٢) يعنی وقت مرگ توفيق شهادت ميدهد ووقت سوال منكرونكير بقول حق گويا ميسازد والله اعلم .

دَارَ الْبَوَارِ ﴿۲۸﴾

خدارا بناسپاسی[1] وفرودآوردند قوم خودرا به سرای هلاکی (۲۸) .

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿۲۹﴾

که دوزخ است درآیند آنجاوآن بد قرار گاهیست (۲۹) .

وَجَعَلُوا لِلّٰهِ اَنْدَادًا لِّيُضِلُّوا عَنْ سَبِيْلِهٖ قُلْ تَمَتَّعُوا فَاِنَّ مَصِيْرَكُمْ اِلَى النَّارِ ﴿۳۰﴾

ومقررکردند برای‌خدا همتایان تا گمراه کنند عالم راازراه او بگوبهره مند شوید هرآئینه بازگشتِ شما بسوی آتش ست (۳۰) .

قُلْ لِّعِبَادِيَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يُقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَيُنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ سِرًّا وَّعَلَانِيَةً مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيْهِ وَلَا خِلٰلٌ ﴿۳۱﴾

بگوآن بندگان مرا که ایمان آورده اند برپادارند نمازرا وخرج کنند ازآنچه ماروزی دادیم ایشان را پنهان وآشکارا پیش ازآنکه بیاید روزی که خرید و فروش نیست درآن ونه بایکدیگر دوستی بُوَد (۳۱) .

اَللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَاَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَخْرَجَ بِهٖ مِنَ الثَّمَرٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِاَمْرِهٖ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْاَنْهٰرَ ﴿۳۲﴾

خداآنست که آفرید آسمان هاوزمین را وفروفرستادازآسمان آب را پس بیرون آوردبـآن آب روزی برای شماازانواع میوه ها ومُسخّر ساخت برای شما کشتی را تابِرَوَد در دریابحکم او ومُسخر ساخت برای شما جویهارا (۳۲) .

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَآئِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿۳۳﴾

ومُسخّر ساخت برای شماخورشید وماه را همیشه روندگان ومُسخّر ساخت برای شماشب و روز را (۳۳) .

وَاٰتٰىكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَاَلْتُمُوْهُ وَاِنْ تَعُدُّوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ

ودادشمارا ازهرچه خواستید وا گر بشمارید نعمت خدارا احاطه نتوانیدکرد

(۱) یعنی ناسپاسی کردند بشومی آن نعمت مفقود شد پس گویا نعمت دادند وکفر خریدند والله اعلم .

لَا تُحْصُوْهَا ۗ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَظَلُوْمٌ كَفَّارٌ ﴿٣٤﴾

آن را هرآئینه انسان ستمگارناسپاس است (٣٤) .

وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا الْبَلَدَ اٰمِنًا وَّاجْنُبْنِيْ وَبَنِيَّ اَنْ نَّعْبُدَ الْاَصْنَامَ ﴿٣٥﴾

ویادکن چون گفت ابراهیم ای پروردگار من بکن این شهررا جای امن ودوردارمرا و فرزندانِ مرا ازآنکه عبادت بتان کنیم (٣٥) .

رَبِّ اِنَّهُنَّ اَضْلَلْنَ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ ۚ فَمَنْ تَبِعَنِيْ فَاِنَّهٗ مِنِّيْ ۚ وَمَنْ عَصَانِيْ فَاِنَّكَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٣٦﴾

ای پروردگار من این بتان گمراه کرده اند بسیاری را ازمردمان پس هرکه پیروی من کرد پس هرآئینه اواز(آل)من است وهرکه نافرمانی کرد مراپس هرآئینه توآمرزندۂ مهربانی (٣٦) .

رَبَّنَآ اِنِّيْٓ اَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِيْ بِوَادٍ غَيْرِ ذِيْ زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ ۙ رَبَّنَا لِيُقِيْمُوا الصَّلٰوةَ فَاجْعَلْ اَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِيْٓ اِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِّنَ الثَّمَرٰتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُوْنَ ﴿٣٧﴾

ای پروردگار ماهرآئینه من ساکن ساختم بعضی ازاولاد خودرا[1] بوادی بی زراعت نزدیك خانۂ محترم تو، ای پروردگارما تا برپادارند نمازرا پس بگردان دلهائی چند را ازمردمان رغبت کننده بسوی ایشان وروزی دِه ایشان رااز میوه هاتابُوَدکه ایشان سپاس گذ اری کنند (٣٧) .

رَبَّنَآ اِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِيْ وَمَا نُعْلِنُ ۗ وَمَا يَخْفٰى عَلَى اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَآءِ ﴿٣٨﴾

ای پروردگار ماهرآئینه تومیدانی آنچه پنهان می داریم وآنچه آشکارمی کنیم وپوشیده نمی ماند برخدا هیچ چیزی نه درزمین ونه درآسمان (٣٨) .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ وَهَبَ لِيْ عَلَى الْكِبَرِ اِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ ۗ اِنَّ رَبِّيْ لَسَمِيْعُ الدُّعَآءِ ﴿٣٩﴾

سپاس آن خدای راست که عطا کرد مرا باوجود کلان سالی اسمٰعیل واسحٰق هرآئینه پروردگارمن شنوندۂ دعاست (٣٩) .

---

(١) مترجم گوید یعنی پسران بی واسطه والله اعلم .

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلٰوةِ وَمِن ذُرِّيَّتِي ۖ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾

ای پروردگار من بگردان مرا برپادارندهٔ نماز وازاولاد من نیز ای پروردگار ماقبول کن دعای مرا (٤٠) .

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٤١﴾

ای پروردگارما بیامرز مرا ومادر وپدر مرا و مسلمانان را روزی که قائم شود حساب (٤١) .

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللّٰهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظّٰلِمُونَ ۚ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿٤٢﴾

وهرگز مپندار خدارا بی خبر ازآنچه می‌کنند ستمگاران جزاین نیست که مهلت میدهدایشان رابرای روزیکه خیره شونددرآن چشم ها (٤٢) .

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ ۖ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ ﴿٤٣﴾

شتاب کنندگان، سرخود بردارندگان بازنمی گردد بسوی ایشان چشم ایشان ودلهای ایشان خالی است (٤٣) .

وَأَنذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرُّسُلَ ۗ أَوَلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُم مِّن قَبْلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٍ ﴿٤٤﴾

وبترسان مردمان راازروزی که بیاید بایشان عذاب پس گویند ظالمان ای پروردگار ما مهلت ده مارا تامیعادی نزديك تااجابت کنیم دعوت ترا وپیروی کنیم رسولان را، گفته شود بایشان آیا قسم نمی خوردید پیش ازین که نه باشدشمارا هیچ زوال (٤٤) .

وَسَكَنتُمْ فِي مَسَٰكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ ﴿٤٥﴾

وساکن شدید درمنازل آنانکه ستم کردند برخویش وواضح شدشمارا که چه کردیم بایشان وزدیم برای شمامثل ها (٤٥) .

وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِندَ اللّٰهِ مَكْرُهُمْ وَإِن كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ﴿٤٦﴾

وهرآئینه تدبیر کردند بتدبیر خویش ونزد خداست علمِ تدبیر ایشان و ا گرچه باشد تدبیرایشان که ازجابرکَندکوه هارا(۱) (٤٦) .

---

(۱) یعنی مکرایشان ضعیف است والله اعلم .

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللّٰهَ مُخْلِفَ وَعْدِهٖ رُسُلَهٗ ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿٤٧﴾

پس مپندار خدارا خلاف کننده وعدهٔ خود بارسولانِ خودهرآئینه خداغالب صاحب انتقام است (٤٧) .

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْاَرْضُ غَيْرَ الْاَرْضِ وَالسَّمٰوٰتُ وَبَرَزُوْا لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿٤٨﴾

روزی که تبدیل کرده شود این زمین بغیر این زمین و تبدیل کرده شوند آسمان ها وظاهر شوند بحضور خدای یگانه غالب (٤٨) .

وَتَرَى الْمُجْرِمِيْنَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِيْنَ فِي الْاَصْفَادِ ﴿٤٩﴾

وببینی توآن روزگناه گاران را دست وپا بهم بسته درزنجیرها (٤٩) .

سَرَابِيْلُهُمْ مِّنْ قَطِرَانٍ وَّتَغْشٰى وُجُوْهَهُمُ النَّارُ ﴿٥٠﴾

لباس ایشان ازسُرب گداخته باشد وبپوشد روی ایشانرا آتش[1] (٥٠) .

لِيَجْزِيَ اللّٰهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ سَرِيْعُ الْحِسَابِ ﴿٥١﴾

تاجزا دهدخدا هرکسی را بآنچه کرده است هرآئینه خدا زود حساب گیرنده است (٥١) .

هٰذَا بَلٰغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنْذَرُوْا بِهٖ وَلِيَعْلَمُوْٓا اَنَّمَا هُوَ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ وَّلِيَذَّكَّرَ اُولُوا الْاَلْبَابِ ﴿٥٢﴾

این قرآن خبررسانیدن است مردمان را[2] وتابیم داده شوند بآن وتابدانند که جزاین نیست که وی خدای یگانه است و تاپندپذیرشوند خداوندانِ عقل (٥٢) .

سُوْرَةُ الْحِجْرِ

سوره حجر مکی است وآن نود ونه آیت وشش رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓرٰ ۣ تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ وَقُرْاٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿١﴾

الٓرٰ این آیت های کتاب الهی وقرآن روشن ست (١) .

رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْ كَانُوْا مُسْلِمِيْنَ ﴿٢﴾

بسابود که دوست دارند کافران کاش

(١) قطران چیزی سیاه بدبودارست که آتش دران زودمی گیرد والله اعلم .

(٢) یعنی نازل کرده شده است برای تبلیغ .

مسلمان بودندی (٢) .

ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾

بگذار ایشان را تابخورند وبهره مندشوندو مشغول کند ایشان را امید و سپس خواهند دانست (٣) .

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ ﴿٤﴾

وهلاك نه كرديم هيچ دهى را مگر كه وى را اجلى بود معلوم (٤) .

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿٥﴾

سبقت نمى كند هيچ گروهى ازمدت خود ونه تاخيرمى كنند (٥) .

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ﴿٦﴾

و گفتند كافران اى كسى كه فرود آورده شده است بروى قرآن هرآئينه تو ديوانه اى (٦) .

لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧﴾

چرا نمى آرى پيش ما فرشتگان را ا گر هستى از راست گويان (٧) .

مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذًا مُنْظَرِينَ ﴿٨﴾

فرونمى فرستيم فرشتگان را مگر بتدبير محكم ونه باشند آنگاه مهلت داده شده (٨) .

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾

هرآئينه فروفرستاديم قرآن را وهرآئينه مااورانگاهبانيم (٩) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٠﴾

وهرآئينه پيغامبران را فروفرستاديم پيش ازتو درفرقه هاى پيشينيان (١٠) .

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿١١﴾

ونمى آيد به ايشان هيچ فرستاده مگر بودند كه باو تمسخر مى كردند (١١) .

كَذَٰلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٢﴾

همچنين درمى آريم استهزاء را در دلهاى گناه گاران (يعنى كفار مكه) (١٢) .

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾

ايمان نيارند بقرآن وهرآئينه گذشت آئين پيشينيان (١٣) .

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ ﴿١٤﴾

وا گر بگشائيم برايشان درى ازآسمان پس شوند باين صفت كه ازآن بالا

میروند (١٤) .

لَقَالُوٓا إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ ⑮

البته گویند جزاین نیست که بند کرده شده چشم های ما بلکه ماقومی هستیم جادوزده (١٥) .

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَآءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ⑯

وهرآئینه پیداکردیم درآسمان برجها وبیاراستیمش برای بینندگان (١٦) .

وَحَفِظْنَاهَا مِن كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ ⑰

ونگاهداشتیمش ازهر شیطان رانده شده (١٧) .

إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِينٌ ⑱

مگر آنکه بدزدی شنود پس درپی وی افتد آتش آشکار (١٨) .

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ ⑲

وزمین را گسترانیدیم وانداختیم درآن کوه هارا ورُویانیدیم درآن ازجنس هر چیز سنجیده[1] (١٩) .

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَن لَّسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ ⑳

وساختیم برای شمادرآن جا اسباب معیشت و ساختیم برای شماآنکه نیستید اوراروزی دهنده[2] (٢٠) .

وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ ㉑

ونیست هیچ چیز مگر نزدِ ماخزا نه های اوست وفرونمی آریم آن را مگر باندازهٔ مقرر (٢١) .

وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَآ أَنتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ㉒

وفرستادیم بادهارا باردارکنندهٔ ابرپس فرودآوردیم ازآسمان آب را پس نوشانیدیم شماراآن آب ونیستید شماآن را جمع کننده (٢٢) .

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ㉓

وهرآئینه مازنده می سازیم ومی میرانیم ومائیم وارث (٢٣) .

---

(١) یعنی هرنوع را صورتی و صفتی است که ازآن جا تجاوز نمیکند .

(٢) یعنی غلامان وجانوران والله اعلم .

وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ ﴿٢٤﴾

وهرآئينه دانسته ايم پيشينيان را ازشما وهرآئينه دانسته ايم پسينيان را (٢٤) .

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ ۚ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥﴾

وهرآئينه پروردگار تو اوست كه برانگيزد ايشان را هرآئينه اواستواركارداناست (٢٥) .

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٢٦﴾

وهرآئينه آفريديم آدمى را ازگلِ خشك ازنوعِ‌گلِ سياه بوى‌گرفته (٢٦) .

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾

وجنّهارا پيداكرديم پيش ازين ازآتش سوزان (٢٧) .

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٢٨﴾

ويادكن چون‌گفت پروردگار تو فرشتگان را هرآئينه من آفريننده ام آدمى را ازگلِ خشك ازنوعِ‌گلِ سياه بوى‌گرفته (٢٨) .

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٢٩﴾

پس چون راست كنمش وبدمم دروى ازروح خود پس افتيد پيش اوسجده كنان (٢٩) .

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٣٠﴾

پس سجده كردند فرشتگان تمام ايشان همه يك جا (٣٠) .

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ أَن يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣١﴾

مگر ابليس سرباز زد ازآنكه باشد باسجده كنندگان (٣١) .

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣٢﴾

گفت خداآى ابليس چيست ترادرين كه نمي باشى باسجده كنندگان (٣٢) .

قَالَ لَمْ أَكُن لِّأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٣٣﴾

گفت هرگزنيستم كه سجده كنم آدمى را كه پيداكرده اى اوراازگلِ خشك ازنوع گلِ سياه بوى‌گرفته (٣٣) .

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٣٤﴾

گفت پس بيرون شواز بهشت هرآئينه تورانده شده اى(٣٤) .

وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٣٥﴾

وهرآئينه برتست لعنت تاروزقيامت (٣٥) .

قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٣٦﴾

گفت اى پروردگار من مهلت ده مراتاروزي كه برانگيخته شوند مردمان (٣٦) .

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٣٧﴾

گفت هرآئینه توازمهلت داده شدگانی (٣٧) .

إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٣٨﴾

تاروز آن وقت مقرر (٣٨) .

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٣٩﴾

گفت ای پروردگار من بسبب آنکه گمراه کردی مراالبته بیارایم معصیت رابرای ایشان درزمین والبته‌گمراه سازم ایشان را همه یك جا (٣٩) .

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾

مگر بندگانِ خالص تورا ازایشان (٤٠) .

قَالَ هَٰذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴿٤١﴾

گفت خدااین اخلاص را هیست راست که برمن می رسد (٤١) .

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿٤٢﴾

هرآئینه بندگان من نیست ترا برایشان غلبه لیکن غلبهٔ تو برکسی باشد که پیروی توکرد ازگمراهان (٤٢) .

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٣﴾

وهرآئینه دوزخ وعده‌گاه ایشان ست همه یك جا (٤٣) .

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ ﴿٤٤﴾

اورا هفت دراست هردری را ازگمراهان حصه است جداکرده شده (٤٤) .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾

هرآئینه پرهیزگاران در بوستان هاوچشمه هاباشند (٤٥) .

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ ﴿٤٦﴾

ایشان راگفته شود درآئید درینجابسلامتی ایمن شده (٤٦) .

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٤٧﴾

وبیرون کشیم آنچه در سینه های ایشان بُوَد ازکینه برادریکدیگر شده روبروی یکدیگر برتخت ها (٤٧) .

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿٤٨﴾

نرسد به ایشان آنجاهیچ رنجی ونیستند ایشان ازآنجا بیرون کرده شده (٤٨) .

نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٤٩﴾

خبردِه بندگان مرا که من آمرزندهٔ مهربانم (٤٩) .

وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴿٥٠﴾

وبآنکه عذاب من همان عذاب درد دهنده

است (٥٠) .

وَنَبِّئْهُمْ عَنْ ضَيْفِ اِبْرٰهِيْمَ ﴿٥١﴾

وخبرده ایشان را ازمهمانان ابراهیم (٥١).

اِذْ دَخَلُوْا عَلَيْهِ فَقَالُوْا سَلٰمًا قَالَ اِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُوْنَ ﴿٥٢﴾

چون داخل شدند بروی پس سلام گفتند ابراهیم گفت هرآئینه ماازشما ترسانیم (٥٢) .

قَالُوْا لَا تَوْجَلْ اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلٰمٍ عَلِيْمٍ ﴿٥٣﴾

گفتند مترس هرآئینه مامژده میدهیم ترابفرزندی دانا (٥٣) .

قَالَ اَبَشَّرْتُمُوْنِيْ عَلٰٓى اَنْ مَّسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُوْنَ ﴿٥٤﴾

گفت آیا بشارت دادید مرا باوجود آنکه رسیدبمن پیری پس به چه چیز بشارت میدهید (٥٤) .

قَالُوْا بَشَّرْنٰكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِّنَ الْقٰنِطِيْنَ ﴿٥٥﴾

گفتند مژده دادیم ترا براستی پس مباش ازناامیدان (٥٥) .

قَالَ وَمَنْ يَّقْنَطُ مِنْ رَّحْمَةِ رَبِّهٖٓ اِلَّا الضَّآلُّوْنَ ﴿٥٦﴾

گفت وکیست که ناامید شود ازرحمت پروردگار خود مگرگمراهان (٥٦) .

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ اَيُّهَا الْمُرْسَلُوْنَ ﴿٥٧﴾

گفت پس چیست خبرشما ای فرستادگان (٥٧) .

قَالُوْٓا اِنَّآ اُرْسِلْنَآ اِلٰى قَوْمٍ مُّجْرِمِيْنَ ﴿٥٨﴾

گفتند هرآئینه مافرستاده شدیم بسوی گروهی‌گنهگار (٥٨) .

اِلَّآ اٰلَ لُوْطٍ اِنَّا لَمُنَجُّوْهُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿٥٩﴾

بجز آل لوط هرآئینه ماالبته نجات خواهیم دادایشان را همه یك جا (٥٩) .

اِلَّا امْرَاَتَهٗ قَدَّرْنَآ اِنَّهَا لَمِنَ الْغٰبِرِيْنَ ﴿٦٠﴾

غیر زنش که مقرر کرده ایم که هرآئینه وی ازبازماندگان است (٦٠) .

فَلَمَّا جَآءَ اٰلَ لُوْطِ اِۨلْمُرْسَلُوْنَ ﴿٦١﴾

پس وقتیکه آمدند بآل لوط فرستادگان (٦١) .

قَالَ اِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنْكَرُوْنَ ﴿٦٢﴾

گفت هرآئینه شما گروهی ناآشنائید (٦٢).

قَالُوْا بَلْ جِئْنٰكَ بِمَا كَانُوْا فِيْهِ يَمْتَرُوْنَ ﴿٦٣﴾

گفتند بلکه آورده ایم پیش توآنچه درآن شبهه می کردند (یعنی عقوبت) (٦٣) .

وَاَتَيْنٰكَ بِالْحَقِّ وَاِنَّا لَصٰدِقُوْنَ ﴿٦٤﴾

وآورده ایم پیش تو وعدهٔ راست

راوهرآئینه ماالبته راستگوئیم (٦٤) .

فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ الَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ﴿٦٥﴾
پس بِبَراهل خودرا به پاره ای از شب وتوازپی ایشان رَو وباید که پس نه نگرَد ازشما هیچکس وبروید آنجاکه فرموده شوید (وآن سرزمین شام بود) (٦٥) .

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَٰلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَٰؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ ﴿٦٦﴾
ووحی فرستادیم بسوی لوط این سخن که بیخ ایشان بریده شود چون بوقت صبح درآیند (٦٦) .

وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٦٧﴾
وآمدند اهل شهر بشارت می دهند (٦٧) .

قَالَ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ ﴿٦٨﴾
گفت لوط هرآئینه ایشان مهمان من اند پس رسوامکنید مرا (٦٨) .

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ ﴿٦٩﴾
وبترسیدازخدا وخوار مکنید مرا (٦٩) .

قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٧٠﴾
گفتند آیا منع نکرده بودیم ترا ازمیزبانی غریبان (٧٠) .

قَالَ هَٰؤُلَاءِ بَنَاتِي إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٧١﴾
گفت این ها دختران من اند اگر هستید کنندهٔ کاری[1] (٧١) .

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٢﴾
قسم بزندگانی تو که این کافران درگمراهی خویش سرگردان میشوند[2] (٧٢) .

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿٧٣﴾
پس دریافت ایشان را آوازهولناك چون بوقت شروق درآمدند (٧٣) .

فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ ﴿٧٤﴾
پس ساختیم بالای آن شهر هارا زیرآن وبارانیدیم بریشان سنگ ازنوع سنگ

---

(١) یعنی اگرقضای شهوت خواهید نکاح بنات من کنید والله اعلم .

(٢) این کلمه دروسط قصه حضرت لوط إضافه کرده شدتاتنبیه باشد برتطبیقِ حالِ مشرکین مکه بر حالِ قوم لوط وامثال ایشان والله اعلم .

گِل (١) (٧٤) .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٥﴾

هرآئینه درین قصه نشانه هاست عبرت گیرندگان را (٧٥) .

وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ ﴿٧٦﴾

وهرآئینه شهرها براهی هستند که دایم آمد ورفت دارد (٧٦) .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾

هرآئینه دراین نشانه است مومنان را (٧٧).

وَإِن كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ﴿٧٨﴾

وهرآئینه بودند اهلِ آیکه البته ستمگاران (٧٨) .

فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿٧٩﴾

پس انتقام کشیدیم ازایشان شهرهای قوم لوط وشهرهای آیکه هردوبراه آشکار هستند (٧٩) .

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ ﴿٨٠﴾

وهرآئینه دروغگوشمردند ساکنان حِجر پیغامبران را (٨٠) .

وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٨١﴾

ورسانیدیم بایشان آیت های خود را پس شدند ازآن روگردان (٨١) .

وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ ﴿٨٢﴾

وبودند میتراشیدند ازکوه ها خانه های ایمن (٨٢) .

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ﴿٨٣﴾

پس گرفت ایشان را آوازسخت هنگام صبح (٨٣) .

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٤﴾

پس دفع نکردازایشان آنچه کسب می کردند (٨٤) .

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ ۖ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴿٨٥﴾

ونیافریدیم آسمان ها و زمین وآنچه مابین این هاست مگر بتدبیر درست وهرآئینه قیامت آمدنیست پس در گذر (یعنی ازبی ادبیهای ایشان) درگذشتن نیکو (٨٥) .

---

(١) مترجم‌گوید یعنی‌گل پخته مثل سنگ شده .

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨٦﴾

هرآئينه پروردگار توهمانست آفريننده دانا (٨٦) .

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ﴿٨٧﴾

وهرآئينه داديم ترا هفت آيت از آنچه درنماز مكرر خوانده ميشود[1] وداديم ترا قرآن بزرگ (٨٧) .

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾

بازمكن دوچشم خودرا بسوى آنچه بهره مند ساخته ايم بآن جماعت هاراازكافران واندوهناك مشوبرايشان وپست بكن بازوى خودرا[2]براى مسلمانان (٨٨) .

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿٨٩﴾

وبگوهرآئينه من بيم دهندهٔ آشكارم (٨٩) .

كَمَا أَنزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ﴿٩٠﴾

فرودخواهيم آورد عذاب را مانند آنچه فرود آورده بوديم برتقسيم كنندگان (يعنى يهودونصارىٰ) (٩٠) .

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ﴿٩١﴾

آنانكه ساختند كتاب الهى را پاره پاره[3] (٩١) .

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾

پس قسم به پروردگار توالبته سوال كنيم ايشان را همه يك جا (٩٢) .

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

ازآنچه ميكردند (٩٣) .

فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٤﴾

پس آشكاركن بآنچه فرموده ميشوى واعراض كن ازمشركان (٩٤) .

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿٩٥﴾

هر آئينه مابَسِنده ايم ترا از شَرِّ تمسخر كنندگان (٩٥) .

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ ۚ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾

آنانكه مقررميكنند باخدا معبود ديگررا

---

(١) يعنى سورة فاتحه .

(٢) يعنى تواضع كن .

(٣) مترجم گويد يعنى اهل كتاب كه بربعض آيات عمل مى كردند وبربعضى نه والله اعلم .

پس زود میدانند (٩٦) .

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٧﴾

وهرآئینه می دانیم ازحال توکه تنگ می‌شود سینهٔ تو بسبب آنچه می‌گویند (٩٧) .

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِّنَ السَّاجِدِينَ ﴿٩٨﴾

پس به پاکی یادکن پروردگار خودرا باستائشِ اووباش ازسجده کنندگان (٩٨) .

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿٩٩﴾

وعبادت کن پروردگار خودرا تاوقتیکه برسد بتومرگ (٩٩) .

سوره نحل مکی است وآن یکصد وبیست و هشت آیت وشانزده رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ ۚ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١﴾

آمد حکم خدا پس بشتاب طلب مکنید آن را[1] پاك است خداوبلند قدرست ازآنچه شریك اومقررمی کنند (١) .

يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ﴿٢﴾

فرودمی آردفرشتگان را بوحی بارادهٔ خود برهرکه خواهد ازبندگان خود که بترسانید (باین مضمون خدا میفرماید) که نیست هیچ معبود برحقی مگر من پس بترسید ازمن (٢) .

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣﴾

آفرید آسمان ها وزمین را به تدبیر درست بلند قدر است ازآنکه شریك او مقرر میکنند (٣) .

خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿٤﴾

آفرید آدمی را از مَنی پس ناگهان وی ستیزنده آشکار است (٤) .

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا ۗ لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ

وچهارپایان را آفرید برای شما درآنها پوششی ومنفعت های دیگراست وبعض

(١) یعنی غلبه دین اسلام و تعذیب کفار به یقین شدنی است چراشتاب میکنند والله اعلم.

وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٥﴾

آنهارا میخورید (٥).

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٦﴾

وشمارا درآنها آرایش است چون وقت شام از صحرا بازمی آرید وچون بسوی صحرا سرمیدهید (٦).

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنفُسِ ۚ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٧﴾

وبرمیدارند بارهای شمارا بسوی شهریکه هرگز نمی رسیدید بآن مگر بمشقت جان ها هرآئینه پروردگار شما بخشاینده مهربان است (٧).

وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً ۚ وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨﴾

وآفریداسپان وشتران را وخران را تاسوار شوید برآن وبرای آرایش ومی آفریندآنچه نمی دانید (٨).

وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ ۚ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩﴾

وبرخدا میرسد راه میانه وبعض راه هاکج است وا گر می‌خواست وی راه می‌نمود شمارا همه یك جا (٩).

هُوَ الَّذِي أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ۖ لَّكُم مِّنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿١٠﴾

اوست آنکه فرودآورد ازآسمان آب را برای شما ازآن آب آشامیدنی است وازآن آب درختان است که درآن میچرانید (١٠).

يُنبِتُ لَكُم بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١١﴾

میرویاند برای شما بسبب آب زراعت را وزیتون ودرختان خرما وانگور را وازهرجنس میوه ها، هرآئینه درین نشانه است گروهی را که تفكّر می کنند (١١).

وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٢﴾

ومسخر کرد برای شما شب و روز وخورشید وماه را وستار گان مسخراند به فرمان وی هرآئینه درین نشانه هاست گروهی را که درمی یابند (١٢).

وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣﴾

ومسخر کردآنچه آفریدبرای شما درزمین گونا گون رنگهای او[1] هرآئینه درین نشانه

(١) یعنی ازانواع حیوان و نبات .

است گروهی را که پندمی پذیرند (١٣).

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٤﴾

واوست آن که مسخر ساخت دریارا تابخوریدازآن گوشت تازه(یعنی ماهی) وتابیرون آرید ازآن پیرایه که به پوشید آن را ومی بینی کشتی هارا رونده دردریا و مسخر کرد دریاراتاطلب معیشت کنید ازفضل او وتابُوَد که شکر کنید (١٤).

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥﴾

وافگند درزمین کوه های محکم برای احتراز ازآنکه بجنباند شمارا وآفرید جویها وراه هارا تابُوَد که راه یاب شوید (١٥).

وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ﴿١٦﴾

وآفریدنشانه ها وبه ستارگان ایشان راه می‌یابند (١٦).

أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٧﴾

آیا کسی که می آفریند مانند کسی است که نمی آفریند آیاپندنمی گیرید (١٧).

وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٨﴾

وا گر بشمارید نعمت خدارا احاطه نکنید آن را هرآئینه خدا آمرزندۂ مهربان است (١٨).

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿١٩﴾

خدا میداند آنچه پنهان میدارید وآنچه آشکار میکنید (١٩).

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿٢٠﴾

وآنان که می پرستند کافران ایشان را بغیراز خدا نمی آفرینند چیزی را وخود شان آفریده می شوند (٢٠).

أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٢١﴾

مردگانند نه زندگان ونمی دانند کَی برانگیخته خواهند شد (٢١).

إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكِرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴿٢٢﴾

معبود شما معبود یگانه است پس آنانکه معتقد نمی شوند بآخرت دلهای ایشان ناشناس است وایشان سرکش اند (٢٢).

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ﴿٢٣﴾

بی شك خدا میداند آنچه پنهان میدارند وآنچه آشکارمیکنند هرآئینه اودوست ندارد سرکشان را (٢٣).

وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمۡ قَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾

وچون گفته شودایشان را چیست آنچه فروفرستاده است پروردگار شما گویند افسانه های پیشینیان است (٢٤) .

لِيَحۡمِلُوٓاْ أَوۡزَارَهُمۡ كَامِلَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَمِنۡ أَوۡزَارِ ٱلَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيۡرِ عِلۡمٍۗ أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٢٥﴾

مآل این گفتار آنکه بردارند بارگناه خویش بتمام روزقیامت وبردارند نیز بعض بارهای آنانکه گمراه می سازند ایشان را بغیر دانش آ گاه شوید بد است آنچه برمیدارند (٢٥) .

قَدۡ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ فَأَتَى ٱللَّهُ بُنۡيَٰنَهُم مِّنَ ٱلۡقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيۡهِمُ ٱلسَّقۡفُ مِن فَوۡقِهِمۡ وَأَتَىٰهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿٢٦﴾

هرآئینه بداندیشی کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس بیامد (فرمان) خدا بسوی عمارت ایشان ازجانب بنیادها پس افتاد برایشان سقف ازبالای ایشان وآمدبدیشان عذاب ازآن جهت که نمی‌دانستند[1] (٢٦) .

ثُمَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يُخۡزِيهِمۡ وَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تُشَٰٓقُّونَ فِيهِمۡۚ قَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ إِنَّ ٱلۡخِزۡيَ ٱلۡيَوۡمَ وَٱلسُّوٓءَ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٢٧﴾

بازروزقیامت رسواکند ایشان را وگوید کجایندآن شریکان من که مخالفت می کردید درحق ایشان گویند اهل علم هرآئینه رسوائی وسختی امروز برکافران است (٢٧) .

ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِيٓ أَنفُسِهِمۡۖ فَأَلۡقَوُاْ ٱلسَّلَمَ مَا كُنَّا نَعۡمَلُ مِن سُوٓءِۭۚ بَلَىٰٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٢٨﴾

آنانکه قبض ارواح ایشان میکردند فرشتگان حال آنکه ستمگاربودند برخویش پس انداختند آن کافران پیغام انقیاد را ما هرگزنمی کردیم هیچ عمل بد گفته شود آری هرآئینه خدا داناست بآنچه می کردید (٢٨) .

فَٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَلَبِئۡسَ

پس درآئید بدروازه های دوزخ جاویدان

(١) واین تمثیل است افساد مکرایشانرا بابلغ وجوه .

مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِيْنَ ﴿٢٩﴾

آن جا پس بَدَست جای سرکشان (دوزخ) (۲۹) .

وَقِيْلَ لِلَّذِيْنَ اتَّقَوْا مَاذَآ اَنْزَلَ رَبُّكُمْ ۭ قَالُوْا خَيْرًا ۭ لِلَّذِيْنَ اَحْسَنُوْا فِيْ هٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۭ وَلَدَارُ الْاٰخِرَةِ خَيْرٌ ۭ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِيْنَ ﴿٣٠﴾

وگفته شد متقیان راچیست آنچه فروفرستاد پروردگار شماگفتند فرودآورده است بهترین سخن آنان را که نیکوکاری کردند درین سرای حالت نیك است وهرآئینه سرای آخرت بهترست وهرآئینه آخرت نیکو سرای متقیان است (۳۰) .

جَنّٰتُ عَدْنٍ يَّدْخُلُوْنَهَا تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ لَهُمْ فِيْهَا مَا يَشَآءُوْنَ ۭ كَذٰلِكَ يَجْزِي اللّٰهُ الْمُتَّقِيْنَ ﴿٣١﴾

به بوستانهای همیشه ماندن درآیندآن جامیرود زیرآن جویها، ایشان راست درآن هرچه خواهند همچنین جزا می دهد خدا متقیان را (۳۱) .

الَّذِيْنَ تَتَوَفّٰىهُمُ الْمَلٰۗىِٕكَةُ طَيِّبِيْنَ ۙ يَقُوْلُوْنَ سَلٰمٌ عَلَيْكُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٣٢﴾

آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان می کنند حالانکه شادمان باشندگویند فرشتگان سلام برشماباد درآئید به بهشت جزای آنچه می کردید[1] (۳۲) .

هَلْ يَنْظُرُوْنَ اِلَّآ اَنْ تَاْتِيَهُمُ الْمَلٰۗىِٕكَةُ اَوْ يَاْتِيَ اَمْرُ رَبِّكَ ۭ كَذٰلِكَ فَعَلَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۭ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللّٰهُ وَلٰكِنْ كَانُوْٓا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ﴿٣٣﴾

انتظار نمی کشند کافران الاآنکه بیایند بایشان فرشتگان[2] یابیاید فرمان پروردگار تو[3] هم چنین کردند آنانکه پیش ازایشان بودند وستم نکرد برایشان خدا ولیکن برخویش ستم می کردند (۳۳) .

فَاَصَابَهُمْ سَيِّاٰتُ مَا عَمِلُوْا وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٣٤﴾

پس رسیدبایشان جزای گناهان اعمال ایشان و فرودآمد بایشان آنچه بآن استهزاء

---

(۱) مترجم‌گوید خدای تعالی این دوصورت رابرای بیان قال وحال ومآل اهل سعادت واهل شقاوت نازل فرموده والله اعلم .

(۲) یعنی برای قبض ارواح .

(۳) یعنی عذاب او .

می کردند (٣٤) .

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ كَذَٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٣٥﴾

وگفتند مشرکان اگر خواستی خدا نمی پرستیدیم بجزوی هیچ چیز را نه ما ونه پدران ما وحرام نمی دانستیم بغیر فرمان وی هیچ چیزرا[1] هم چنین کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس نیست برپیغامبران بجز خبررسانیدن آشکارا (٣٥) .

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ ۖ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ ۚ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٦﴾

وهرآئینه فرستادیم درهرگروهی پیغامبری را که عبادت خدا کنید واحتراز کنید ازبتان پس ازایشان کسی بود که راه نمودش خدا و از ایشان کسی بود که ثابت شد بروی گمراهی پس سَیر کنید درزمین پس بنگرید چگونه شد آخرکار تکذیب کنندگان (٣٦) .

إِنْ تَحْرِصْ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ ۖ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٣٧﴾

اگر کوشش کُنی بر هدایت ایشان چه سود هرآئینه خدا راه نمی نماید آن را که گمراه میسازد ونیست ایشان را هیچ یاری دهنده (٣٧) .

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ ۙ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ ۚ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾

وقسم خوردند به خدا بمحکم ترین سوگند های خود که برنه انگیزد خدا مرده را آری برانگیزد وعدهٔ درست لازم شده بروی ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند (٣٨) .

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ ﴿٣٩﴾

آری برانگیزد تابیان کند برای ایشان آنچه اختلاف می کنند درآن وتابدانند کافران که ایشان دروغگو بودند (٣٩) .

---

(١) یعنی سلف ماجماع کرده اندوآن بدون رضای خدامنعقدنمی شود والله اعلم .

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَن نَّقُولَ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿٤٠﴾

نیست فرمان مابرای چیزی چون خواهیم آفریدنش مگر گوئیم اورا بشو پس می شود (٤٠) .

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾

وآنانکه ترك دیار خودکردند برای خدا بعد ازآن که ستم کرده شدبرایشان البته جامی دهیم ایشان را دردنیا بسرای نیك وهرآئینه مزدآخرت بزرگ تراست ا گر می دانستند (٤١) .

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٤٢﴾

آنانکه صبر کردند وبرپروردگار خویش توکل مینمایند[1] (٤٢) .

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٤٣﴾

ونه فرستادیم پیش ازتو مگر مردانی را که وحی فرستادیم بسوی ایشان پس سوال کنید ازاهل کتاب ا گر نمی دانید[2] (٤٣).

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ ۗ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٤﴾

فرستادیم ایشان را بدلائل وکتاب ها وفرودآوردیم بسوی تو کتاب تابیان کنی برای مردمان شریعتی را که فرودآورده شده بسوی ایشان وتابود که ایشان تفکر کنند (٤٤) .

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَن يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٤٥﴾

آیاایمن شده اند آنانکه اندیشیدند تدبیر های بد[3] ازآنکه فروبَرَد خداایشان را به زمین یابیاید بایشان عذاب ازآن جا که ندانند (٤٥) .

أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ ﴿٤٦﴾

یابگیرد ایشان را درآمد وشد ایشان پس

---

(١) واین وعده متحقق شده ومهاجرین را به مدینه جای داد .

(٢) یعنی پیغامبران سابق آدمی بودند فرشته نه بودند والله اعلم .

(٣) یعنی درحق پیغامبران ومومنان .

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَىٰ تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٤٧﴾

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ يَتَفَيَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِّلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ ﴿٤٨﴾

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِن دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٩﴾

يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٥٠﴾

وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَٰهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ﴿٥١﴾

وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ ﴿٥٢﴾

وَمَا بِكُم مِّن نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأَرُونَ ﴿٥٣﴾

ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنكُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾

نیستند عاجز کننده (٤٦) .

یابگیردایشان را بعد ترس[١] پس هرآئینه پروردگار شمالطف کنندهٔ بخشاینده است (٤٧) .

آیاندیده اند بسوی آنچه پیداکرده است خدا ازهرچیزی که میگردد سایه های اوازجانب راست واز جانب چپ سجده کنان برای خدا خوارشده (٤٨) .

وخدای را سجده می کنند آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است ازنوع جنبنده وفرشتگان نیز سجده می کنند وایشان سرکشی نمی کنند (٤٩) .

می ترسند ازپروردگار خود از بالایِ خویش ومی کنند آنچه فرموده می شوند (٥٠) .

وگفت خدا فرامگیرید دومعبود جزاین نیست که وی معبود یگانه است پس ازمن بترسید (٥١) .

ومَراوراست آنچه درآسمان ها وزمین است ومراوراست عبادت لازم شده آیا ازغیر خدا می ترسید (٥٢) .

وآنچه باشما است ازنعمت ازجانب خداست بازچون رسد بشما سختی پس بسوی اومی نالید (٥٣) .

بازچون بردارد سختی را ازسرشما ناگهان گروهی ازشما به پروردگار خود

(١) یعنی بعد اقامت قرائن هلاك .

شريك مقررمی كنند (٥٤) .

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾

تاناسپاسی كنند آنچه داديم ايشان را پس بهره مند شويد پس زود خواهيد دانست (٥٥) .

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ ﴿٥٦﴾

ومقرر كردند برای چيزی كه نميدانند تحقيقِ آن يعنی برای بتان حصه ازآنچه روزی داديم ايشان را،بخدا البته پرسيده خواهيد شدازآنچه افترامی كرديد (٥٦) .

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُم مَّا يَشْتَهُونَ ﴿٥٧﴾

ومقرر ميكنند برای خدادختران را، پاك است او ومقررميكنند برای خويش آنچه رغبت مينمايند[1] (٥٧) .

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٥٨﴾

وا گرمژده داده شوديكی راازايشان بتولّدِ دختر روی اوسياه گردد و او پرازاندوه باشد (٥٨) .

يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٥٩﴾

پنهان شود ازقوم بسبب ناخوشی آنچه مژده داده شدبوی درتامل افتدكه آيا باقی گذاردش بخواری يا در آردش درخاك آ گاه شويد بداست حكم ايشان (٥٩) .

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٠﴾

آنان را كه معتقدنمی شوند بآخرت صفت بدست وخدای راست صفت بلند واوغالب باحكمت است (٦٠) .

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيْهَا مِن دَابَّةٍ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٦١﴾

وا گر گرفتار كند خدا مردمان را بسبب ستم ايشان نه گذاردبرزمين هيچ جنبنده وليكن مهلت ميدهدايشان را تاوقتی مقرر پس چون برسدآن وقت مقرر ايشان

(١) يعنی پسران را .

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُم مُّفْرَطُونَ ﴿٦٢﴾

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾

وَمَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ ۙ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٦٤﴾

وَاللَّهُ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٥﴾

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۖ نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِن بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِّلشَّارِبِينَ ﴿٦٦﴾

بازنمانند ساعتی ونه پیش روند (٦١) .

ومقررمی کنند برای خداآنچه ناپسندمی دارند[١] وبیان می کندزبانهای ایشان سخن دروغ را که ایشان را باشد نیکوئی[٢] شکّی نیست درآنکه ایشان را باشد آتش وآنکه ایشان پیش فرستادگانند بدوزخ (٦٢) .

قسم بخدا هرآئینه (پیغامبران) فرستادیم بسوی امّتانی که پیش ازتوبودند پس بیاراست برای ایشان شیطان کردارهای ایشان پس او یاراین کافران است امروزایشان راست عذاب درد دهنده (٦٣) .

وفرونیاوردیم برتو کتاب را مگر به سبب آنکه بیان کنی برای ایشان آنچه درآن اختلاف کردند وبرای راه نمودن وبخشائش قومی را که می گروند (٦٤) .

وخدا فرودآورد ازآسمان آب را پس زنده ساخت بآن زمین را بعد مرگ آن هرآئینه درین نشانه است گروهی را که می شنوند (٦٥) .

وهرآئینه شمارا درچهار پایان پندی هست می نوشانیم شمارا ازجمله آنچه درشکم وی است ازمیان سرگین وخون شیر خالص گوارا آشامندگان را (٦٦) .

---

(١) یعنی دختران .

(٢) یعنی نجات در آخرت .

وَمِنْ ثَمَرٰتِ النَّخِيْلِ وَالْاَعْنَابِ تَتَّخِذُوْنَ مِنْهُ سَكَرًا وَّرِزْقًا حَسَنًا ؕ اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَاٰیَةً لِّقَوْمٍ یَّعْقِلُوْنَ ﴿۶۷﴾

واز میوه های درختان خرما ودرختان انگور قسمی هست که میسازید ازآن شراب مست کننده ومیسازید ازآن روزی حلال هرآئینه درین نشانه است گروهی را که درمی یابند (٦٧) .

وَاَوْحٰی رَبُّكَ اِلَی النَّحْلِ اَنِ اتَّخِذِیْ مِنَ الْجِبَالِ بُیُوْتًا وَّمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا یَعْرِشُوْنَ ﴿۶۸﴾

والهام فرستاد پروردگار تو بسوی زنبور عسل که بساز خانه ها ازکوه ها و ازدرختان ازآنچه مردمان بنامی کنند (٦٨) .

ثُمَّ كُلِیْ مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ فَاسْلُكِیْ سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ؕ یَخْرُجُ مِنْۢ بُطُوْنِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ اَلْوَانُهٗ فِیْهِ شِفَآءٌ لِّلنَّاسِ ؕ اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَاٰیَةً لِّقَوْمٍ یَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿۶۹﴾

بازبخور ازهرجنس میوه ها وبروراه های پروردگار خویش رام شده برمی آیدازشکم این زنبوران آشامیدنی گوناگون رنگ های او، درآن آشامیدنی شفاست مردمان را هرآئینه درین مقدمه نشانه است گروهی را که تفکر می کنند (٦٩) .

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ یَتَوَفّٰىكُمْ ؕ وَمِنْكُمْ مَّنْ یُّرَدُّ اِلٰۤی اَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَیْ لَا یَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَیْـًٔا ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلِیْمٌ قَدِیْرٌ ﴿۷۰﴾

وخدا آفریدشمارا باز بمیراند شمارا وازشماکسی هست که عائد کرده میشود بخوار ترین عمر مآلش آنکه نه داند بعد از دانستن چیزی را هرآئینه خدا داناتوانا است (٧٠) .

وَاللّٰهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلٰی بَعْضٍ فِی الرِّزْقِ ۚ فَمَا الَّذِیْنَ فُضِّلُوْا بِرَآدِّیْ رِزْقِهِمْ عَلٰی مَا مَلَكَتْ اَیْمَانُهُمْ فَهُمْ فِیْهِ سَوَآءٌ ؕ اَفَبِنِعْمَةِ اللّٰهِ یَجْحَدُوْنَ ﴿۷۱﴾

وخدا فضل داد بعض شمارا بربعضی درروزی پس نیستند آنانکه افزونی داده شدند عائد کنندگان روزی خودرا برمملوکان خود تاهمه ایشان درروزی برابر باشند آیا نعمت خدارا انکارمی نمایند[1] (٧١) .

---

(١) یعنی هیچ کس نمی خواهد که مملوکان خودرا برابرخود سازد والله اعلم .

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَّ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِيْنَ وَحَفَدَةً وَّرَزَقَكُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ اَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُوْنَ وَبِنِعْمَتِ اللّٰهِ هُمْ يَكْفُرُوْنَ ﴿٧٢﴾

وخداآفريد براى شماازجنس شما زنان را وآفريدبراى شما اززنان شما پسران و نبيرگان را وروزى داد شمارا ازپاكيزه هاآيا به باطل معتقد مى‌شوند وبه نعمت خداايشان ناسپاسى مينمايند (٧٢) .

وَيَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ شَيْئًا وَّلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ ﴿٧٣﴾

و مى‌پرستند بجزخدا كسى را كه نمى تواند براى ايشان روزى دادن ازآسمان ها وزمين چيزى را وقادرنمى شوند (٧٣) .

فَلَا تَضْرِبُوْا لِلّٰهِ الْاَمْثَالَ اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٧٤﴾

پس بيان مكنيد براى خدا داستان ها هرآئينه خدا مى داند وشمانمى دانيد (٧٤).

ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوْكًا لَّا يَقْدِرُ عَلٰى شَيْءٍ وَّمَنْ رَّزَقْنٰهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَّجَهْرًا هَلْ يَسْتَوٗنَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٧٥﴾

بيان كرد خدا داستانى بندهٔ مملوكى كه توانائى ندارد برهيچ چيزى وكسى كه دادش ازنزدِ خود روزى نيك پس وى خرج ميكندازآن روزى پنهان وآشكارا آيا برابرمى شوند، همه ستائش خداى راماست بلكه اكثر ايشان نمى دانند (٧٥).

وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ اَحَدُهُمَآ اَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلٰى شَيْءٍ وَّهُوَ كَلٌّ عَلٰى مَوْلٰىهُ اَيْنَمَا يُوَجِّهْهُّ لَا يَاْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِيْ هُوَ وَمَنْ يَّاْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٧٦﴾

وبيان كرد خدا داستانى ديگر دومرديكى ازايشان گنگ است قدرت ندارد برچيزى واوگران ست برخواجهٔ خود هركجا فرستدش نيارد ازآن جا هيچ نيكى آيا برابرست اين شخص وكسى كه مى فرمايد مردمان را بعدل وخودش برراه راست است[1] (٧٦) .

(١) مترجم گويد حاصل اين دومثل آنست كه آنچه درعالم تصرف نداردباخدا برابر نيست چنانكه مملوكِ ناتوان بامالكِ توانابرابر نيست وچنانكه گنگ بى تميز باصاحب هدايت واهتدابرابرنيست .

وَلِلّٰهِ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَمَاۤ اَمْرُ السَّاعَةِ اِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ اَوْ هُوَ اَقْرَبُ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۷۷﴾

خدای رااست علم پنهان آسمان ها وزمین ونیست کار قیامت (یعنی نزدیك قدرت او) مگر مانند چشم بهم زدن بلکه اونزدیك تراست هرآئینه خدا به همه چیز تواناست (۷۷) .

وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِّنْۢ بُطُوْنِ اُمَّهٰتِكُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ شَيْـًٔا ۙ وَّجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْـِٕدَةَ ۙ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿۷۸﴾

وخدا بیرون آوردشمارا ازشکم های مادران شما نمی دانستید چیزی را وپیداساخت برای شما شنوائی وچشم ها ودل ها تابود که شکرکنید (۷۸) .

اَلَمْ يَرَوْا اِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرٰتٍ فِىْ جَوِّ السَّمَآءِ ؕ مَا يُمْسِكُهُنَّ اِلَّا اللّٰهُ ؕ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿۷۹﴾

آیانگاه نکردند بسوی مرغان رام شده درهوای آسمان نگاه نمیدارد ایشان را مگر خدا هرآئینه درین نشانه ها ست گروهی را که ایمان می آرند (۷۹) .

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْۢ بُيُوْتِكُمْ سَكَنًا وَّجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ جُلُوْدِ الْاَنْعَامِ بُيُوْتًا تَسْتَخِفُّوْنَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ اِقَامَتِكُمْ ۙ وَمِنْ اَصْوَافِهَا وَاَوْبَارِهَا وَاَشْعَارِهَاۤ اَثَاثًا وَّمَتَاعًا اِلٰى حِيْنٍ ﴿۸۰﴾

وخدا ساخت برای شما ازخانه های شما جای سکونت وساخت برای شما از پوست های چهار پایان خانه های سبك می یابید آن را روز سفرخود وروزاقامت خود وساخت از پشمهایشان وکُرکهایشان وموهایشان اسباب خانه وبهره مندی تاوقت مقرر (۸۰) .

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّمَّا خَلَقَ ظِلٰلًا وَّجَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الْجِبَالِ اَكْنَانًا وَّجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيْلَ تَقِيْكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيْلَ تَقِيْكُمْ بَاْسَكُمْ ؕ كَذٰلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُوْنَ ﴿۸۱﴾

وخداپیدا ساخت برای شما ازمخلوقات خود سایه ها وپیداکردبرای شما ازکوه ها غارها وساخت برای شما جامه هاکه نگاه دارد شمارااز گرمی[1] وجامه ها که نگاه دارد شمارا از ضررجنگ شما، هم چنین تمام میدهد نعمت خودرا برشما تابُوَد که

(۱) یعنی وازسردی تیز .

منقادشوید (٨١) .

فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلٰغُ الْمُبِينُ ﴿٨٢﴾

پس اگر اعراض کنند جزاین نیست که برتوپیغام رسانیدن آشکارا است (٨٢) .

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللّٰهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكٰفِرُونَ ﴿٨٣﴾

می شناسند نعمت خدا را بازانکار آن می کنند وبیشترین ایشان کافرانند (٨٣) .

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٨٤﴾

وآن روزکه برانگیزیم ازهرگروهی گواهی را[1] بازدستوری داده نه شود کافران را[2] ونه ازایشان رجوع بمرضیات الهی طلب کرده شود(٨٤) .

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٨٥﴾

وچون ببینند ستمگاران عذاب را اضطراب کنند پس سبك کرده نه شودازایشان ونه ایشان مهلت داده شوند (٨٥) .

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هٰؤُلَاءِ شُرَكَاؤُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِن دُونِكَ ۖ فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكٰذِبُونَ ﴿٨٦﴾

وچون به بینند مشرکان شریکان خودرا گویند ای پروردگار مااین جماعت شریکان مایند که می پرستیدیم بغیرازتو پس شریکان پیغام فرستند بسوی ایشان (این سخن را) که هرآئینه شمادروغگویانید (٨٦) .

وَأَلْقَوْا إِلَى اللّٰهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَمَ ۖ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٨٧﴾

وهمه تسلیم خداشوند درآن روز وگم گردداز ایشان آنچه افتراء می کردند (٨٧) .

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللّٰهِ زِدْنٰهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ ﴿٨٨﴾

آنانکه کافرشدند وباز داشتند[3] ازراه خدا افزون دهیم ایشان را عذابی بالای عذابی به سبب آنکه فساد می

(١) وآن نبی آن قوم باشد والله اعلم .

(٢) یعنی تاعذرخودکنند .

(٣) یعنی مردمان را .

کردند[١] (٨٨) .

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِم مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿٨٩﴾

وآن روزکه برانگیزیم درهرامتی گواهی برایشان ازقبیلهٔ ایشان[٢] وبیاریم ترا گواه برآنها وفرودآوردیم برتوکتاب برای بیان کردن هرچیز وبرای راه نمودن وبخشایش ومژده دادن مسلمانان را (٨٩) .

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَالْبَغْيِ ۚ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٩٠﴾

هرآئینه خدا می فرماید بانصاف ونیکوکاری وعطا کردن بخویشاوندان ومنع می کند ازبی حیائی وکارناپسندیده وتعدی، پند می دهد شمارا تابُوَد که شما پندپذیر شوید (٩٠) .

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدتُّمْ وَلَا تَنقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا ۚ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٩١﴾

ووفاکنید به عهد خدا چون عهد بندید ومشکنید سوگندها را بعد محکم ساختن آنها وهرآئینه ساخته اید خدارا برخویش نگاهبان[٣] هرآئینه خدامیداند آنچه می کنید (٩١) .

وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِن بَعْدِ قُوَّةٍ أَنكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَن تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ ۚ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ ۚ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٩٢﴾

ومباشید مانندزنی که گسست رشته خودرابعد ازاستواری پاره پاره، میگیرید سوگند های خویش را مکردرمیان خود تا افزون ترشود گروهی از گروهی[٤] جزاین نیست که می آزماید خدا شمارا بآن افزونی والبته بیان کند برای شماروزقیامت آنچه درآن اختلاف می

(١) یعنی عذاب گمراهی و گمراه کردن .

(٢) مترجم گوید وآن نبی آن قوم باشد .

(٣) یعنی نام اورادرقسم مذکور کرده اید .

(٤) یعنی برای منفعت دنیا تامال ومنال زیاده بدست آرد .

نمودید[1] (٩٢) .

وَلَوْشَاءَ اللّٰهُ لَجَعَلَكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّلٰكِنْ يُّضِلُّ مَنْ يَّشَاۤءُ وَيَهْدِيْ مَنْ يَّشَاۤءُ وَلَتُسْـَٔلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٩٣﴾

وا گر خواستی خداساختی شمارا یك گروه ولیکن گمراه می کند هرکراخواهد وراه می نماید هرکرا خواهد والبته پرسیده خواهید شد ازآنچه می کردید (٩٣) .

وَلَا تَتَّخِذُوْۤا اَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌۢ بَعْدَ ثُبُوْتِهَا وَتَذُوْقُوا السُّوْۤءَ بِمَا صَدَدْتُّمْ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۚ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿٩٤﴾

ومگیرید سوگند های خودرا وسیله نیرنگ (به عهدشکنی) درمیان خویش پس بلغزدقدمی بعداستواری آن بچشید عقوبت به سبب بازداشتن ازراه خدا وشمارا باشد عذاب بزرگ[2] (٩٤) .

وَلَا تَشْتَرُوْا بِعَهْدِ اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِيْلًا ۚ اِنَّمَا عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٩٥﴾

ومستانید عوض عهد خدا بهای اندك هرآئینه آنچه نزدِ خداست بهترست شمارا ا گر شما بدانید (٩٥) .

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ بَاقٍ ۗ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِيْنَ صَبَرُوْۤا اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٩٦﴾

آنچه نزد شماست فانی شود وآنچه نزد خداست پاینده است وبدهیم صابران را مزدایشان بحسب نیکوترین آنچه می کردند (٩٦) .

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً ۚ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٩٧﴾

هر که عمل نیك کرد مردباشد یازن واومسلمان است هرآئینه زنده کنیمش بزندگانی پاك[3] وبدهیم آن جماعت

---

(١) مترجم گوید مرادتحریم یمین غموس است و حاصل مَثَل آن ست که اعمال خودرا برباد مکنید چنانکه این زن عمل خودراتباه کرد والله اعلم وگویا اینجا اشاره است بآنکه یمین غموس برباد کنندۀ اعمال است والله اعلم .

(٢) مترجم گوید یعنی درجهاد عهد کرده وقسم خورده دغا(عهدشکنی) کردن بسبب آنست که کافران من بعد قول ایشان را معتبر ندانند و بایشان صحبت ندارند بلکه مسلمانان درشبهه افتند والله اعلم .

(٣) یعنی دردنیانعمت دهیم .

رامزدایشان بحسب نیکوترین آنچه می کردند (۹۷) .

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْاٰنَ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ ﴿٩٨﴾

پس وقتی که خواهی قرآن خواندن پناه طلب کن بخدا ازشیطان رانده شده (۹۸) .

إِنَّهٗ لَيْسَ لَهٗ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ ﴿٩٩﴾

هرآئینه نیست شیطان را غلبه برآنانکه ایمان آوردند وبر پروردگار خودتوکل میکنند (۹۹) .

إِنَّمَا سُلْطٰنُهٗ عَلَى الَّذِيْنَ يَتَوَلَّوْنَهٗ وَالَّذِيْنَ هُمْ بِهٖ مُشْرِكُوْنَ ﴿١٠٠﴾

جزاین نیست که غلبه اوبرآناست که دوستداری اومیکنند وآنانکه ایشان بخدا شریك مقررمی کنند (۱۰۰) .

وَإِذَا بَدَّلْنَآ اٰيَةً مَّكَانَ اٰيَةٍ ۙ وَّاللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوْٓا إِنَّمَآ أَنْتَ مُفْتَرٍ ۭ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٠١﴾

وچون بدل کنیم آیتی بجای آیتی[1] وخدادانده ترست بآنچه فرود می آرد گویند جزاین نیست که توافتراء کننده ای بلکه اکثرایشان نمیدانند (۱۰۱) .

قُلْ نَزَّلَهٗ رُوْحُ الْقُدُسِ مِنْ رَّبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَهُدًى وَّبُشْرٰى لِلْمُسْلِمِيْنَ ﴿١٠٢﴾

بگوفرودآورده است اورا روح القدس ازجانب پروردگار توبراستی تامستقیم سازد خدا مومنان را و برای راه نمودن ومژده دادن مسلمانان را (۱۰۲) .

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُوْلُوْنَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهٗ بَشَرٌ ۭ لِسَانُ الَّذِيْ يُلْحِدُوْنَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَّهٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُّبِيْنٌ ﴿١٠٣﴾

وهرآئینه مامیدانیم که کافران می گویند جزاین نیست که می آموزد این پیغامبررا آدمی زبان کسی که نسبت می کنند بسوی اوعجمی ست واین قرآن زبان عربی واضح ست (۱۰۳) .

إِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ ۙ لَا يَهْدِيْهِمُ اللّٰهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيْمٌ ﴿١٠٤﴾

هرآئینه آنانکه ایمان نمی آرند بآیات خدا راه نه نماید ایشان راخدا وایشان را باشد عذاب درد دهنده (۱۰٤) .

---

(۱) یعنی یك آیت بآیت دیگرنسخ کنیم .

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ ۚ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْكٰذِبُوْنَ ﴿١٠٥﴾

جزاین نیست که افتراء میکنند دروغ را آنانکه ایمان ندارند بآیت های خدا وایشانند دروغگویان (١٠٥) .

مَنْ كَفَرَ بِاللّٰهِ مِنْ بَعْدِ اِيْمَانِهٖٓ اِلَّا مَنْ اُكْرِهَ وَقَلْبُهٗ مُطْمَئِنٌّۢ بِالْاِيْمَانِ وَلٰكِنْ مَّنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللّٰهِ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿١٠٦﴾

هرکه کافرشود بخدا بعدایمان خود مگرآنکه جبرکرده شودبروی ودلش مطمئن باشد بایمان ولیکن کسی که سینه کُشاده کند بکفر یعنی راضی شود، برایشان است خشم ازخدا وایشان راست عذاب بزرگ (١٠٦) .

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمُ اسْتَحَبُّوا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا عَلَى الْاٰخِرَةِ ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿١٠٧﴾

این خشم به سبب آنست که ایشان دوست داشتند زندگانی دنیا را برآخرت وبسبب آنست که خدا راه نمی نماید گروه کافران را (١٠٧) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ طَبَعَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَاَبْصَارِهِمْ ۚ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْغٰفِلُوْنَ ﴿١٠٨﴾

ایشانند آن جماعت که مُهرنهاده است خدابر دل های ایشان وبرگوش ایشان ودیده های ایشان وایشانند بی خبران (١٠٨) .

لَا جَرَمَ اَنَّهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿١٠٩﴾

شك نیست درآنکه ایشانند درآخرت زیان کاران (١٠٩) .

ثُمَّ اِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِيْنَ هَاجَرُوْا مِنْۢ بَعْدِ مَا فُتِنُوْا ثُمَّ جٰهَدُوْا وَصَبَرُوْٓا ۙ اِنَّ رَبَّكَ مِنْۢ بَعْدِهَا لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١١٠﴾

بازپروردگار تو آنان را که هجرت کردند بعد ازآن که عقوبت کرده شدایشان را تاکلمه کفر بگویند بازجهاد کردند وصبر نمودند هرآئینه پروردگار توبعدازین مقدمه البته آمرزگارمهربانست (١١٠) .

يَوْمَ تَاْتِيْ كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَّفْسِهَا وَتُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿١١١﴾

آن روز که بیاید هر شخصی جدال کنان ازذات خود وبتمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است وایشان ستم کرده نشوند (١١١) .

وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ اٰمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً

وبیان کردخدا داستان دهی که بود ایمن

يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١١٢﴾

مطمئن می آمد به اوروزی اوبه کشادگی ازهرجای پس ناسپاسی کرد به نعمت های خدا پس چشانیدخدااوراپوشش گرسنگی وترس بسبب آنچه می کردند (١١٢) .

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١١٣﴾

وهرآئینه آمد پیش ایشان پیغامبری ازجنس ایشان پس تکذیبش کردند پس گرفت ایشان را عقوبت وایشان ستمگاربودند[1] (١١٣) .

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١١٤﴾

پس بخورید ازآن چه خداروزی داد شمارا حلال پاکیزه وشکر کنید برنعمت خدا اگر اورامی پرستید (١١٤) .

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ۖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٥﴾

جزاین نیست که حرام ساخته است خدابرشما مرداروخون وگوشت خوك را وآنچه ذکر کرده شد بنام غیر خدا برذبح وی پس هرکه مجبور کرده شدو نه ستم کرده ونه ازحد گذشته پس خدا آمرزگار مهربانست (١١٥) .

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَٰذَا حَلَالٌ وَهَٰذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿١١٦﴾

ومگوئید چیزی را که بیان می کند حکم اورا زبان شما به دروغ که آن حلال است واین حرام است تاافتراء کنید برخدا دروغ را هرآئینه آنانکه افتراء می کنند برخدا دروغ را رستگارنمی شوند (١١٦) .

مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١٧﴾

ایشان را بُوَد بهره مندی اندك وایشان را

(١) مترجم گوید این قصهٔ اجمالی اختراع کرده شده است ازقصه های بسیارومنطبق است برواقعه های بیشمار ولهذامثل نامیده شدو درعبارت اذاقهاالله لباس الجوع والخوف جمع کرده شده است و تشبهه دریك سیاق؟ والله اعلم .

باشد عذاب درد دهنده (١١٧) .

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ ۖ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٨﴾

وبريهود حرام كرده بوديم آنچه قصه كرديم برتوپيش ازين (يعنى درسوره انعام) وستم نه كرديم برايشان وليكن ايشان برجان خويش ستم ميكردند (١١٨) .

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١٩﴾

بازهرآئينه پروردگار تو آنان را كه كاربدكردند به نادانى بازتوبه كردند بعد ازآن وشايسته كارشدند هرآئينه پروردگار تو بعد ازين توبه آمرزگار مهربانست (١١٩) .

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٠﴾

هرآئينه ابراهيم بود امتى (بزرگوار) عبادت كننده براى خدا مائل بدين حق ونه بود ازمشركان[1] (١٢٠) .

شَاكِرًا لِأَنْعُمِهِ ۚ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٢١﴾

سپاس دارندۀ نعمت هاى خدارا برگزيدش خدا و دلالت نمودش بسوى راه راست (١٢١) .

وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۖ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٢٢﴾

وعطا كرديمش درين سرا نعمت وهرآئينه اودرآخرت ازشائسته حالان است (١٢٢) .

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۖ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٣﴾

بعد ازآن وحى فرستاديم بسوى توكه پيروى كن كيش ابراهيم را حنيف شده ونه بودازمشركان (١٢٣) .

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ ۚ وَإِنَّ رَبَّكَ

جزاين نيست كه لازم كرده شد تعظيم شنبه برآنانكه اختلاف كردند درآن

(١) مترجم گويد حنيف آنرا گويند كه حج وختنه وغسل جنابت مى كرده باشد والله اعلم توضيح: حنيف آنرا گويند كه شرك و باطل را ترك كرده بدين حق مائل باشد، مصحح .

لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿١٢٤﴾

وهرآئينه پروردگار تو حكم كند درميان ايشان روز قيامت درآنچه اندرآن اختلاف ميكردند[1] (١٢٤) .

اُدْعُ اِلٰى سَبِيْلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ ۭ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيْلِهٖ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِيْنَ ﴿١٢٥﴾

دعوت كن (يعنى مردمان را) بسوى راه پروردگار خويش به دانش وپندنيك ومناظره كن باايشان به طريقى كه وى نيك است هرآئينه پروردگار توداناترست بـه كسيكـه گمـراه شـدازراه او واودانـا تراست براه يابان (١٢٥) .

وَاِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوْا بِمِثْلِ مَا عُوْقِبْتُمْ بِهٖ ۭ وَلَىِٕنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصّٰبِرِيْنَ ﴿١٢٦﴾

و ا گر مكافات كنيد پس مكافات كنيد به مثل آنچه باشما معامله كرده شد وا گر صبر كنيد هر آئينه آن صبر بهترست صابران را(١٢٦) .

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِيْ ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُوْنَ ﴿١٢٧﴾

وشكيبائى كن و نيست شكيبائى تو مگر به توفيق خدا واندوه مخور برايشان ومباش درتنگدلى ازآنكه بد انديشى مى كنند (١٢٧) .

اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا وَّالَّذِيْنَ هُمْ مُّحْسِنُوْنَ ﴿١٢٨﴾

هرآئينه خدا باپرهيز گاران است وباآنانكه ايشان نيكوكارانند (١٢٨) .

سوره الاسراء مكى است وآن يك صدويازده آيت ودوازده ركوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ○

بنام خداى بخشاينده مهربان .

سُبْحٰنَ الَّذِيْٓ اَسْرٰى بِعَبْدِهٖ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ

پاك است آنكه ببرد بنده خودرا شبى از مسجد حرام بسوى مسجد اقصى كه

(١) مترجم گويد يعنى يهود بحث ميكردند درشنبه طائفه اى گفتند كه خداى تعالى روزشنبه ازخلق فارغ شد پس درشنبه عبادت بايد كردوطائفه اى سكوت كردند خداى تعالى تعظيم روزشنبه باين سبب برايشان واجب گردانيد والله اعلم .

الْحَرَامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصَا الَّذِیْ بٰرَكْنَا حَوْلَهٗ لِنُرِيَهٗ مِنْ اٰيٰتِنَا ؕ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ ①

برکت نهادیم گردا گردآن تابنمائیمش بعض نشانه های خودهرآئینه اوست شنوابینا[١] (١) .

وَاٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ وَجَعَلْنٰهُ هُدًى لِّبَنِیْۤ اِسْرَآءِيْلَ اَلَّا تَتَّخِذُوْا مِنْ دُوْنِیْ وَكِيْلًا ؕ ②

ودادیم موسیٰ را کتاب وساختیمش هدایت بنی اسرائیل را گفتیم که نگیرید بجزمن کارسازی (٢) .

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوْحٍ ؕ اِنَّهٗ كَانَ عَبْدًا شَكُوْرًا ③

فرزندان قومی که برداشتیم ایشان را بانوح (یعنی برکشتی) هرآئینه وی بودبندهٔ سپاسگذار (٣) .

وَقَضَيْنَاۤ اِلٰى بَنِیْۤ اِسْرَآءِيْلَ فِی الْكِتٰبِ لَتُفْسِدُنَّ فِی الْاَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيْرًا ④

ووحی فرستادیم بسوی بنی اسرائیل درتورات که البته فساد خواهید کرد در زمین دوباروالبته طغیان خواهید کرد بسر کشی بزرگ (٤) .

فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ اُوْلٰىهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَاۤ اُولِیْ بَاْسٍ شَدِيْدٍ فَجَاسُوْا خِلٰلَ الدِّيَارِ ؕ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُوْلًا ⑤

پس چون بیاید وعده نخستین بارازآن دو، بفرستیم برشما بندگان خودرا خداوندانِ کارزار سخت پس درآیند میان خانه ها (یعنی برای قتل ونهب) وهست وعدهٔ خداشدنی[٢] (٥) .

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَاَمْدَدْنٰكُمْ بِاَمْوَالٍ وَّبَنِيْنَ وَجَعَلْنٰكُمْ اَكْثَرَ نَفِيْرًا ⑥

بازدهیم شمارا غلبه برایشان وپی درپی دهیم شمارا اموال و فرزندان و سازیم شمارا بیشتر باعتبار لشکر[٣] (٦) .

اِنْ اَحْسَنْتُمْ اَحْسَنْتُمْ لِاَنْفُسِكُمْ ۚ وَاِنْ اَسَاْتُمْ فَلَهَا ؕ فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ لِيَسُوْٓءٗا وُجُوْهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا

و گوئیم ا گر نیکوکاری کنید نیکوکاری کرده باشید برای خویشتن وا گر

---

(١) یعنی خدای‌تعالی درشب معراج پیش ازصعود برآسمان ها آنحضرت صلی الله علیه وسلم را بمسجد بیت المقدس رسانید .

(٢) مترجم گوید واین وعده متحقق شد بتسلیط جالوت پادشاه عمالقه .

(٣) مترجم گوید واین معنی در خلافت حضرت داوٗد ظاهرشد .

الۡمَسۡجِدَ كَمَا دَخَلُوۡهُ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّلِيُتَبِّرُوۡا مَا عَلَوۡا تَتۡبِيۡرًا ﴿٧﴾

بدكاری كنيد پس آن بدی برای خودتان است پس چون بيايد وعدهٔ ديگر بازبفرستيم بندگان خودرا تاناخوش سازند روی های شمارا وتادرآيند بمسجد چنانچه درآمده بودند اوّل بار وتاازپابافگنند برهرچه غالب شوند افگندنی[1] (٧) .

عَسٰى رَبُّكُمۡ اَنۡ يَّرۡحَمَكُمۡ‌ۚ وَاِنۡ عُدۡتُّمۡ عُدۡنَا‌ۘ وَجَعَلۡنَا جَهَنَّمَ لِلۡكٰفِرِيۡنَ حَصِيۡرًا ﴿٨﴾

گوئيم نزديك است پروردگار شماازآنكه رحم كند برشما و ا گر رجوع كنيد به نافرمانی ما رجوع كنيم بعقوبت وساختيم دوزخ را برای كافران زندان[2] (٨) .

اِنَّ هٰذَا الۡقُرۡاٰنَ يَهۡدِىۡ لِلَّتِىۡ هِىَ اَقۡوَمُ وَيُبَشِّرُ الۡمُؤۡمِنِيۡنَ الَّذِيۡنَ يَعۡمَلُوۡنَ الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمۡ اَجۡرًا كَبِيۡرًا ۙ﴿٩﴾

هرآئينه اين قرآن راه می نمايد بخصلتی كه اودرست تراست وبشارت ميدهد آن مسلمانان را كه كارهای شايسته می كنند بآن كه ايشانرا باشدمزد بزرگ (٩) .

وَّاَنَّ الَّذِيۡنَ لَا يُؤۡمِنُوۡنَ بِالۡاٰخِرَةِ اَعۡتَدۡنَا لَهُمۡ عَذَابًا اَلِيۡمًا ﴿١٠﴾

واينكه آنانكه ايمان نمی آرند بآخرت آماده كرده ايم برای ايشان عقوبت درد دهنده (١٠) .

وَيَدۡعُ الۡاِنۡسَانُ بِالشَّرِّ دُعَآءَهٗ بِالۡخَيۡرِ‌ؕ وَكَانَ الۡاِنۡسَانُ عَجُوۡلًا ﴿١١﴾

ودعاميكند آدمی به بدی[3] مانند دعای وی به نيكوئی وهست آدمی شتاب كار (١١) .

وَجَعَلۡنَا الَّيۡلَ وَالنَّهَارَ اٰيَتَيۡنِ‌ فَمَحَوۡنَاۤ اٰيَةَ الَّيۡلِ وَجَعَلۡنَاۤ اٰيَةَ

وساختيم شب و روز را دونشانه پس بی

---

(١) مترجم گويد واين وعده متحقق شد وقتيكه حضرت يحيىٰ راكشتند پس بخت نصررامسلط ساخت .

(٢) مترجم گويدايشان عود كردند بفساد وتكذيب حضرت عيسىٰ وحضرت پيغامبرجنگ كردند با اوپس خدای تعالی عود فرمودبتعذيب ايشان بقتل واسرو جزيه .

(٣) مترجم گويد يعنی درحالت تنگدلی برخود وبراولاد خود دعای بدميكند .

النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوْا فَضْلًا مِّنْ رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوْا عَدَدَ السِّنِيْنَ وَالْحِسَابَ ۚ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنٰهُ تَفْصِيْلًا ﴿١٢﴾

نورساختیم نشانهٔ شب را وساختیم نشانه روز را درخشـان (سبب دیدنِ اشیاء) تاطلب کنید فضلی را ازپروردگار خود وتابدانید شمارِ سال هارا وبدانید حساب را وهرچیزی را بیان کردیم بتفصیل (١٢).

وَكُلَّ اِنْسَانٍ اَلْزَمْنٰهُ طٰٓئِرَهٗ فِيْ عُنُقِهٖ ۗ وَنُخْرِجُ لَهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ كِتٰبًا يَّلْقٰىهُ مَنْشُوْرًا ﴿١٣﴾

وبهرآدمی متصل ساختیم نامه عمل اورا بسته درگردن او وبیرون آریم برای او روز قیامت نامه ای که بیندآن را بازکشاده (١٣).

اِقْرَاْ كِتٰبَكَ ۗ كَفٰى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيْبًا ۗ ﴿١٤﴾

گوئیم بخوان نامهٔ خودرا بس است نفس تو امروزبرتو حساب کننده (١٤).

مَنِ اهْتَدٰى فَاِنَّمَا يَهْتَدِيْ لِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى ۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِيْنَ حَتّٰى نَبْعَثَ رَسُوْلًا ﴿١٥﴾

هر که راه یاب شدجزاین نیست که راه یاب میشود برای نفع خود وهرکه گمراه شد پس جزاین نیست که گمراه میشود برضرر خود وبرندارد هیچ بردارنده باردیگری را ونیستیم ماعذاب کننده تاآنکه فرستیم پیغامبری را (١٥).

وَاِذَآ اَرَدْنَآ اَنْ نُّهْلِكَ قَرْيَةً اَمَرْنَا مُتْرَفِيْهَا فَفَسَقُوْا فِيْهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنٰهَا تَدْمِيْرًا ﴿١٦﴾

وچون خواهیم که هلاك کنیم دهی را می فرمائیم به سرکشان آنجایعنی آنچه خواهیم پس نافرمانی کنندآنجا پس ثابت شود برآن ده وعدهٔ عذاب پس برهم زنیم ایشان را برهم زدنی (١٦).

وَكَمْ اَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُوْنِ مِنْۢ بَعْدِ نُوْحٍ ۗ وَكَفٰى بِرَبِّكَ بِذُنُوْبِ عِبَادِهٖ خَبِيْرًۢا بَصِيْرًا ﴿١٧﴾

وبساکس را هلاك کردیم ازطبقات مردمان بعدنوح وبس است پروردگار تو به گناه بندگان خود دانا بینا (١٧).

مَنْ كَانَ يُرِيْدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهٗ فِيْهَا مَا نَشَآءُ لِمَنْ نُّرِيْدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهٗ جَهَنَّمَ ۚ يَصْلٰىهَا مَذْمُوْمًا مَّدْحُوْرًا ﴿١٨﴾

هرکه خواسته باشد آسودگی دنیا به شتاب دهیم ویرا درآن جا هر چه خواهیم هر کرا خواهیم بازمقرر کنیم برای اودوزخ درآیدبآن نکوهیده رانده شده (١٨).

وَمَنْ اَرَادَ الْاٰخِرَةَ وَسَعٰى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَاُولٰٓئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَّشْكُوْرًا ﴿١٩﴾

وهركه بخواهد ثواب آخرت وسعی کند برای وی سعیی که لائق وی است واومسلمان باشد پس این جماعت هست سعی ایشان مقبول (١٩) .

كُلًّا نُّمِدُّ هٰٓؤُلَآءِ وَهٰٓؤُلَآءِ مِنْ عَطَآءِ رَبِّكَ ۚ وَمَا كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا ﴿٢٠﴾

هرفرقه را پی درپی میدهیم این فرقه راوآن فرقه را زبخشش پروردگار تو ونیست بخشش پروردگار تو بازداشته شده (٢٠) .

اُنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلٰى بَعْضٍ ۚ وَلَلْاٰخِرَةُ اَكْبَرُ دَرَجٰتٍ وَّاَكْبَرُ تَفْضِيْلًا ﴿٢١﴾

ببین چگونه برتری داده ایم بعض مردمان را بربعض[1] وهرآئینه آخرت زیاده تر بود در تمیزدرجات وبیشتر باشد در برتری دادن (٢١) .

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُوْمًا مَّخْذُوْلًا ﴿٢٢﴾

مقرر مکن باخدا معبودی دیگررا آنگاه بنشینی نکوهیدهٔ بی یارمانده (٢٢) .

وَقَضٰى رَبُّكَ اَلَّا تَعْبُدُوْٓا اِلَّآ اِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا ۚ اِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ اَحَدُهُمَآ اَوْ كِلٰهُمَا فَلَا تَقُلْ لَّهُمَآ اُفٍّ وَّلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيْمًا ﴿٢٣﴾

وحکم کرد پروردگار تو که عبادت مکنید مگر فقط وی را و باپدرومادر نیکوکاری بکنید ا گر برسد نزدیك تو بکلان سالی یکی ازایشان یا هر دو پس مگوایشان را اُف وبانگ مزن برایشان وبگو باایشان سخن نیکو (٢٣) .

وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيٰنِيْ صَغِيْرًا ﴿٢٤﴾

وپست کن برای ایشان بازوی تواضع را ازجهت مهربانی وبگو ای پروردگار من ببخشای ایشان را چنانچه پرورش دادند مرا درخورد سالی (٢٤) .

رَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَا فِيْ نُفُوْسِكُمْ ۚ اِنْ تَكُوْنُوْا صٰلِحِيْنَ فَاِنَّهٗ كَانَ لِلْاَوَّابِيْنَ غَفُوْرًا ﴿٢٥﴾

پروردگار شما داناتراست به آنچه درضمیر شما ست ا گر باشید شایسته

---

(١) یعنی دردنیا بحد رزق وجاه .

پس هر آئینه وی هست رجوع کنندگان را آمرزنده (٢٥) .

وَاٰتِ ذَا الْقُرْبٰى حَقَّهٗ وَالْمِسْكِيْنَ وَابْنَ السَّبِيْلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيْرًا ﴿٢٦﴾

وبده به خویشاوندان حق آن را وبه درویش وبراه گذر واسراف مکن اسراف کردنی (٢٦) .

إِنَّ الْمُبَذِّرِيْنَ كَانُوْٓا إِخْوَانَ الشَّيٰطِيْنِ ۖ وَكَانَ الشَّيْطٰنُ لِرَبِّهٖ كَفُوْرًا ﴿٢٧﴾

هر آئینه اسراف کنندگان هستند برادران شیاطین وهست شیطان به نسبت پروردگار خودناسپاس (٢٧) .

وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَآءَ رَحْمَةٍ مِّنْ رَّبِّكَ تَرْجُوْهَا فَقُلْ لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُوْرًا ﴿٢٨﴾

و اگر روبگردانی ازین جماعت بانتظار رزقی ازپروردگار خود که امیدوارآن باشی پس بگوایشان را سخن ملائم (٢٨) .

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُوْلَةً إِلٰى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُوْمًا مَّحْسُوْرًا ﴿٢٩﴾

ومکن دست خودرا بسته با گردن خود ومگشای آن را تمام گشادن که آنگاه بنشینی ملامت کرده شده[1] درمانده گشته[2] (٢٩) .

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّهٗ كَانَ بِعِبَادِهٖ خَبِيْرًا بَصِيْرًا ﴿٣٠﴾

هرآئینه پروردگار تو می‌گشاید وتنگ میکندروزی را برای هرکه خواهد هرآئینه اوبه بندگان خود دانا بیناست (٣٠) .

وَلَا تَقْتُلُوْٓا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ ۖ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ ۚ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْـًٔا كَبِيْرًا ﴿٣١﴾

ومکشید اولاد خودرا ازترس تنگ دستی ما روزی میدهیم ایشان را وشمارا هرآئینه کشتنِ ایشان هست گناهی عظیم (٣١) .

وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنٰىٓ إِنَّهٗ كَانَ فَاحِشَةً ۗ وَسَآءَ سَبِيْلًا ﴿٣٢﴾

ونزدیک مشوید به زنا هرآئینه آن بی حیائی است وبدراه است آن (٣٢) .

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِيْ حَرَّمَ اللّٰهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ وَمَنْ قُتِلَ

ومکشید نفسی را که حرام ساخته است خدا مگر بحق وهرکه کشته شود به ستم

(١) یعنی درصورت بخل .

(٢) یعنی درصورت اسراف .

مَظْلُوْمًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهٖ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفْ فِّي الْقَتْلِ ۭ اِنَّهٗ كَانَ مَنْصُوْرًا ۝۳۳

پس داده ایم وارث اورا قوتی[1] پس باید که زیادتی نه کند درکشتن هرآئینه وی هست یاری داده شده (٣٣) .

وَلَا تَقْرَبُوْا مَالَ الْيَتِيْمِ اِلَّا بِالَّتِيْ هِىَ اَحْسَنُ حَتّٰى يَبْلُغَ اَشُدَّهٗ ۠ وَاَوْفُوْا بِالْعَهْدِ ۚ اِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْـُٔوْلًا ۝۳۴

ونزدیك مشوید بمال یتیم مگر به طریقی که او نیك است تاآنکه رسد به نهایت قوت خود و وفا کنید به عهد هرآئینه عهد پرسیده خواهد شدازو (٣٤) .

وَاَوْفُوا الْكَيْلَ اِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوْا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيْمِ ۭ ذٰلِكَ خَيْرٌ وَّاَحْسَنُ تَاْوِيْلًا ۝۳۵

وتمام کنید پیمانه را چون پیمائید وبه سنجید به ترازوی راست این بهترست ونیکوترست ازجهت عاقبت (٣٥) .

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ ۭ اِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ اُولٰۗىِٕكَ كَانَ عَنْهُ مَسْـُٔوْلًا ۝۳۶

ومرو پیِ چیزی که ترا دانش آن نیست هرآئینه گوش وچشم ودل هریکی ازین ها پرسیده خواهد شدازو (٣٦) .

وَلَا تَمْشِ فِي الْاَرْضِ مَرَحًا ۚ اِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْاَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُوْلًا ۝۳۷

ومَرو درزمین خرامان[2] هرآئینه تو نخواهی شگافت زمین را ونرسی به کوه ها دردرازی (٣٧) .

كُلُّ ذٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهٗ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوْهًا ۝۳۸

همه این خصلت هاست بدفعلی آن نزدِ پروردگار توناپسندیده (٣٨) .

ذٰلِكَ مِمَّآ اَوْحٰٓى اِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ ۭ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللّٰهِ اِلٰـهًا اٰخَرَ فَتُلْقٰى فِيْ جَهَنَّمَ مَلُوْمًا مَّدْحُوْرًا ۝۳۹

این ازآنجمله هست که وحی فرستاده است بسوی تو پروردگار تو ازعلم ومقرر مکن باخدا معبود دیگررا آنگاه انداخته شوی دردوزخ ملامت کرده شده رانده گشته (٣٩) .

اَفَاَصْفٰىكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِيْنَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلٰۗىِٕكَةِ اِنَاثًا ۭ اِنَّكُمْ لَتَقُوْلُوْنَ قَوْلًا عَظِيْمًا ۝۴۰

آیا برگزید شمارا پروردگار شما به پسران وخود برگزید ازفرشتگان دختران را

---

(١) یعنی حق قصاص .

(٢) یعنی متکبرانه ومغرورانه .

هرآئینه شما می گوئید سخن گران (٤٠) .

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤١﴾

وهر آئینه بهر نوع سخن گفتیم درین قرآن تاپند پذیر شوند ونمی افزاید درحق ایشان مگر رمیدن را (٤١) .

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتَغَوْا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾

بگوا گر می بودند باخدا معبودان دیگر چنانکه می گویند آنگاه طلب می کردند بسوی خداوند عرش راه منازعت را (٤٢) .

سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤٣﴾

پاك است وی وبلند ست ازآنچه می گویند بلندی عظیم (٤٣) .

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ ۚ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَٰكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ۗ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤٤﴾

به پاکی یاد می کنند اوراآسمان های هفت گانه وزمین وهرکه دراینهاست ونیست هیچ چیزی مگر به پاکی یاد میکند باستائش اوولیکن شما نمی فهمید به پاکی یادکردن ایشانرا هرآئینه هست اوبردبارآمرزگار (٤٤) .

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا ﴿٤٥﴾

وچون میخوانی قرآن را میسازیم درمیان تو ودرمیان آنانکه باورنمیدارند آخرت را پردهء پوشیده (٤٥) .

وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ﴿٤٦﴾

ومی نهیم بردلهای ایشان پوششها تانفهمندش ودرگوش های ایشان گرانی را وچون یادکنی پروردگار خودرا درقرآن تنها روگردان شوند برجانب پشت خودرمیده[1] (٤٦) .

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ

مادانا تریم به چیزی که می شنوند بسبب

(١) مترجم گوید درین هر دو آیت کنایت است از عدم انتفاع ایشان بقرآن و مواعظ .

إِذْ يَقُولُ الظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا ﴿٤٧﴾

آن[1] وقتی که گوش فرامیدهند بسوی تووقتیکه ایشان رازگویان باشند وقتی که می گویند این ستم‌گاران پیروی نمی کنید مگر مردجادو شده را (٤٧) .

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٤٨﴾

بنگر چگونه زدند داستان ها برای تو پس گمراه شدند پس نمی توانند راه یافتن (٤٨) .

وَقَالُوا أَءِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ
خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٤٩﴾

و گفتندآیاچون شویم استخوانی چند واعضای پوسیده ازهم پاشیده آیابرانگیخته شویم بآفرینشِ نو (٤٩) .

قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ﴿٥٠﴾

بگوسنگ شوید یاآهن شوید (٥٠) .

أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن
يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ
رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَرِيبًا ﴿٥١﴾

یانوعی دیگر شویدازآنچه بزرگ نمایددرخاطر شما پس خواهند گفت چه کسی باز پیدا کند مارا بگوکسی که آفرید شمارا اوّل بار بازپس خواهند جنبانید بسوی توسرخودرا[2] وخواهند گفت کی باشد آن بگوشاید که نزدیك باشد (٥١) .

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا
قَلِيلًا ﴿٥٢﴾

روزی که خدا بخواند شمارا پس قبول کنید خواندن اورا حمد گویان و گمان کنید که درنگ نه کرده بودید مگر اندکی (٥٢) .

وَقُل لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَٰنَ يَنزَغُ
بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَٰنَ كَانَ لِلْإِنسَٰنِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٥٣﴾

وبگوبندگان مرا که بگویند سخنی که آن بهترست (یعنی باکفار) هرآئینه شیطان نزاع می افگند میان مردمان هرآئینه شیطان هست آدمی را دشمن آشکارا (٥٣) .

---

(١) یعنی بقصد استهزاء وعیب جوئی .

(٢) یعنی ملزم خواهندشد .

رَبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِكُمۡۖ إِن يَشَأۡ يَرۡحَمۡكُمۡ أَوۡ إِن يَشَأۡ يُعَذِّبۡكُمۡۚ وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ وَكِيلٗا ﴿٥٤﴾

پروردگار شما داناترست بحال شما ا گر خواهد رحم کند شمارا وا گر خواهد عقوبت کند شمارا ونه فرستادیم ترا (یامحمد) برایشان نگاهبان[1] (٥٤) .

وَرَبُّكَ أَعۡلَمُ بِمَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَلَقَدۡ فَضَّلۡنَا بَعۡضَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ عَلَىٰ بَعۡضٖۖ وَءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ زَبُورٗا ﴿٥٥﴾

وپروردگار تو داناست بهرکه درآسمان ها وزمین است وهرآئینه فضل دادیم بعض پیغامبران را بربعضی ودادیم داؤد را زبور (٥٥) .

قُلِ ٱدۡعُواْ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُم مِّن دُونِهِۦ فَلَا يَمۡلِكُونَ كَشۡفَ ٱلضُّرِّ عَنكُمۡ وَلَا تَحۡوِيلًا ﴿٥٦﴾

بگوبخوانید آنان را که گمان الوهیت را دارید درحق ایشان بغیراز خدا پس نتوانند برداشتن سختی را ازشما ونه تغیردادن (٥٦) .

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ يَبۡتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلۡوَسِيلَةَ أَيُّهُمۡ أَقۡرَبُ وَيَرۡجُونَ رَحۡمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحۡذُورٗا ﴿٥٧﴾

آنانکه ایشان را می پرستند کافران طلب میکنند بسوی پروردگار خویش قرب را که کدام یك ازایشان نزدیك ترباشد وتوقع دارند رحمت او را و می ترسند ازعذاب اوهرآئینه هست عذاب پروردگار تو ترسناك (٥٧) .

وَإِن مِّن قَرۡيَةٍ إِلَّا نَحۡنُ مُهۡلِكُوهَا قَبۡلَ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ أَوۡ مُعَذِّبُوهَا عَذَابٗا شَدِيدٗاۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَسۡطُورٗا ﴿٥٨﴾

ونیست هیچ دهی الآماهلاك کنندهٔ وی ایم پیش ازروزقیامت یا عذاب کننده وی ایم بعقوبت سخت هست این وعده درلوح نوشته شده (٥٨) .

وَمَا مَنَعَنَآ أَن نُّرۡسِلَ بِٱلۡأٓيَٰتِ إِلَّآ أَن كَذَّبَ بِهَا ٱلۡأَوَّلُونَۚ وَءَاتَيۡنَا ثَمُودَ ٱلنَّاقَةَ مُبۡصِرَةٗ فَظَلَمُواْ بِهَاۚ وَمَا نُرۡسِلُ بِٱلۡأٓيَٰتِ إِلَّا تَخۡوِيفٗا ﴿٥٩﴾

وبازنداشت ماراازآنکه بفرستیم نشانه ها مگر آنکه دروغ شمرده بودند آن را پیشینیان ودادیم ثمود را شتر ماده نشانه درخشان پس کافر شدند بوی ونمی

---

(١) مترجم گوید واین کلمه پیش ازامرجهادبود .

فرستيم نشانه هارا مگر براى ترسانيدن (٥٩) .

وَاِذْ قُلْنَا لَكَ اِنَّ رَبَّكَ اَحَاطَ بِالنَّاسِ ۗ وَمَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا الَّتِيْٓ اَرَيْنٰكَ اِلَّا فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُوْنَةَ فِي الْقُرْاٰنِ ۗ وَنُخَوِّفُهُمْ ۙ فَمَا يَزِيْدُهُمْ اِلَّا طُغْيَانًا كَبِيْرًا ﴿٦٠﴾

ويادكن چون گفتيم ترا كه پروردگار تو دربرگرفته است همه مردمان را (يعنى درقدرت خود) و نه ساختيم نمايشى را كه نموديم به تو مگر امتحان مردمان را ونه ساختيم درختى را كه نفرين كرده شد درقرآن مگر امتحانى ومى ترسانيم ايشان را پس نمى افزايد ترسانيدن درحق ايشان مگر سركشى بزرگ(١) را (٦٠) .

وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا اِلَّآ اِبْلِيْسَ ۗ قَالَ ءَاَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِيْنًا ﴿٦١﴾

وياد كن چون گفتيم فرشتگان را سجده كنيد براى آدم پس سجده كردند الاّ ابليس گفت آياسجده كنم كسى را كه آفريده اى از گل (٦١) .

قَالَ اَرَءَيْتَكَ هٰذَا الَّذِيْ كَرَّمْتَ عَلَيَّ ۫ لَئِنْ اَخَّرْتَنِ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَاَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهٗٓ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٦٢﴾

باز گفت آياديدى اين شخص را كه برترى داده اى برمن ا گر مهلت دهى مرا تاروزقيامت البته ازبيخ بركنم اولاد او را الاّ اندكى (٦٢) .

قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَاِنَّ جَهَنَّمَ جَزَآؤُكُمْ جَزَآءً مَّوْفُوْرًا ﴿٦٣﴾

خدافرمود برو پس هركسيكه پيروى تو كند ازايشان پس دوزخ سزاى همه شمااست سزاى كامل (٦٣) .

وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَاَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْاَمْوَالِ وَالْاَوْلَادِ وَعِدْهُمْ ۗ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطٰنُ اِلَّا غُرُوْرًا ﴿٦٤﴾

وازجابجنبان هركرا توانى ازايشان بآواز خود آواز كن بر ايشان توسط سواران خود وپيادگان خود وشريك شوبايشان دراموال وفرزندان ووعده ده ايشان را

---

(١) يعنى چون كافران قصه معراج شنيدند وآيت (ان شجرة الزقوم طعام الاثيم) بايشان رسيد استبعاد كردند ومحل طعن ساختند .

ووعده نمی‌دهدایشان را شیطان مگر به فریب[1] (٦٤) .

اِنَّ عِبَادِیْ لَیْسَ لَكَ عَلَیْهِمْ سُلْطٰنٌ ؕ وَكَفٰی بِرَبِّكَ وَكِیْلًا ﴿٦٥﴾

هر آئینه بندگان من نیست ترا برایشان هیچ قدرتی وبس است پروردگار تو کارساز (٦٥) .

رَبُّكُمُ الَّذِیْ یُزْجِیْ لَكُمُ الْفُلْكَ فِی الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوْا مِنْ فَضْلِهٖ ؕ اِنَّهٗ كَانَ بِكُمْ رَحِیْمًا ﴿٦٦﴾

پروردگار شماآن ست که روان میکند برای شما کشتی‌ها را دردریا تا طلب معیشت کنید ازفضل او و هر آئینه اوهست برشما مهربان (٦٦) .

وَاِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِی الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُوْنَ اِلَّاۤ اِیَّاهُ ۚ فَلَمَّا نَجّٰىكُمْ اِلَی الْبَرِّ اَعْرَضْتُمْ ؕ وَكَانَ الْاِنْسَانُ كَفُوْرًا ﴿٦٧﴾

وچون برسد بشما سختی دردریا گم شود هرکه اورا میخوانید مگر خدا پس چون خلاص ساخت شمارا بسوی خشکی روگردان شدید وهست آدمی ناسپاس (٦٧) .

اَفَاَمِنْتُمْ اَنْ یَّخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ اَوْ یُرْسِلَ عَلَیْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوْا لَكُمْ وَكِیْلًا ۙ ﴿٦٨﴾

آیا ایمن شده اید ازآنکه فروبرد شمارا به جانبی ازخشکی یابفرستد برشما باد تندی که سنگ ریزه افگند باز نیابید برای خود هیچ نجات دهنده ای(٦٨) .

اَمْ اَمِنْتُمْ اَنْ یُّعِیْدَكُمْ فِیْهِ تَارَةً اُخْرٰی فَیُرْسِلَ عَلَیْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّیْحِ فَیُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ۙ ثُمَّ لَا تَجِدُوْا لَكُمْ عَلَیْنَا بِهٖ تَبِیْعًا ﴿٦٩﴾

آیا ایمن شده اید ازآنکه بازدرآرد شمارا به دریا باردیگر پس بفرستد برشما ازجنس باد بادتندی را پس غرق گرداند شمارا بسبب آنکه کافر شدید باز نیابید برای خود هیچ مؤاخذه کننده برمابسبب آن غرق (٦٩) .

---

(١) مترجم گوید واین تصویر است سعی شیطان را درگمراه کردن ایشان ماخوذ ازفعل رئیس دزدان چون دهی را غارت کند برایشان نعره میزند وسواران و پیادگان خود را آواز میدهد که ازین سو بگیروازآن سوبگیر .

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِيْٓ اٰدَمَ وَحَمَلْنٰهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنٰهُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ وَفَضَّلْنٰهُمْ عَلٰى كَثِيْرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيْلًا ﴿٧٠﴾

وهرآئينه بزرگ ساختيم فرزندان آدم را وبرداشتيم ايشان رادر بيابان ودردريا[1] وروزى داديم ايشان را ازپاكيزه ها وبرترى داديم ايشان را بربسيارى ازآنچه آفريده ايم برترى دادنى (٧٠) .

يَوْمَ نَدْعُوْا كُلَّ اُنَاسٍۢ بِاِمَامِهِمْ ۚ فَمَنْ اُوْتِيَ كِتٰبَهٗ بِيَمِيْنِهٖ فَاُولٰٓئِكَ يَقْرَءُوْنَ كِتٰبَهُمْ وَلَا يُظْلَمُوْنَ فَتِيْلًا ﴿٧١﴾

روزى كه بخوانيم هرفرقه را باپيشواى ايشان پس هركه داده شده نامهٔ اعمال اوبدست راستش پس آنجماعت بخوانند نامهٔ خودرا وستم كرده نه شوند مقدار يك رشته (٧١) .

وَمَنْ كَانَ فِيْ هٰذِهٖٓ اَعْمٰى فَهُوَ فِي الْاٰخِرَةِ اَعْمٰى وَاَضَلُّ سَبِيْلًا ﴿٧٢﴾

وهركه باشد دردنيا كور[2] وى درآخرت نيز كور است وخطا كننده تراست راه را (٧٢) .

وَاِنْ كَادُوْا لَيَفْتِنُوْنَكَ عَنِ الَّذِيْٓ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهٗ ۖ وَاِذًا لَّاتَّخَذُوْكَ خَلِيْلًا ﴿٧٣﴾

وهرآئينه نزديك بودند كه بفريب بازدارند ترا ازآنچه وحى فرستاده ايم بسوى توتابربندى برماغيرآن را وآنگاه دوست مى گرفتند ترا (٧٣) .

وَلَوْلَآ اَنْ ثَبَّتْنٰكَ لَقَدْ كِدْتَّ تَرْكَنُ اِلَيْهِمْ شَيْـًٔا قَلِيْلًا ﴿٧٤﴾

و ا گر نبودآن كه ثابت داشتيم ترا نزديك بودى كه ميل كنى بسوى ايشان اندك ميلى (٧٤) .

اِذًا لَّاَذَقْنٰكَ ضِعْفَ الْحَيٰوةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيْرًا ﴿٧٥﴾

آنگاه مى چشانيديم ترا دوچند عذاب زندگانى ودوچند عذاب مرگ بازنمى يافتى براى خود مددكننده برما (٧٥) .

وَاِنْ كَادُوْا لَيَسْتَفِزُّوْنَكَ مِنَ الْاَرْضِ لِيُخْرِجُوْكَ مِنْهَا وَاِذًا لَّا يَلْبَثُوْنَ خِلٰفَكَ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٧٦﴾

وهرآئينه نزديك بودند كه بلغزانند ترا اززمين تاجلاوطن كنند ترا ازآنجا و آنگاه

---

(١) يعنى بردواب وكشتى .

(٢) يعنى حقيقت را نبينند .

نمانند پس ازتومگراندکی (٧٦) .

سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُّسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ﴿٧٧﴾

(مانند) روش آنانکه فرستاده ایم ایشان را پیش ازتوازپیغامبران خویش ونخواهی یافت در روش ما تبدیلی را[1] (٧٧) .

أَقِمِ الصَّلٰوةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ الَّيْلِ وَقُرْاٰنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْاٰنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ﴿٧٨﴾

برپا دارنمازرا وقت زوال آفتاب تاهنگام تاریکی شب ولازم گیرقرآن خواندن فجر هر آئینه قرآن خواندن فجر راحاضر می شوند فرشتگان (٧٨) .

وَمِنَ الَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهٖ نَافِلَةً لَّكَ عَسٰٓى أَنْ يَّبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا ﴿٧٩﴾

وپاره ای از شب بیدار باش پس نماز شب بخوان بآن زیاده شده برای تو، نزدیك است که برساند ترا پروردگار تو بمقامی پسندیده[2] (٧٩) .

وَقُلْ رَّبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ لِّي مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيرًا ﴿٨٠﴾

وبگوای پروردگار من درآر مرا درآوردن پسندیده و بیرون آرمرا بیرون آوردن پسندیده وقرارده برای من ازنزد خود قوتی یاری دهنده[3] (٨٠) .

وَقُلْ جَآءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿٨١﴾

وبگوآمد دین حق ونابودشد دین باطل هرآئینه باطل نابود شونده است (٨١) .

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ﴿٨٢﴾

وفرود می آریم ازقرآن آنچه وی شفا و رحمت است مسلمانان را ونمی افزاید در حق ستمگاران مگر زیان را (٨٢) .

وَإِذَآ أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَاٰ بِجَانِبِهٖ وَإِذَا مَسَّهُ

وچون انعام کنیم برآدمی روبگرداند و

---

(١) مترجم گویدواین معنی روزبدرمتحقق شد وجمعی که درپیٔ ایذای آن حضرت بودند مقتول (شدند وان کادوا) بجهت این گفته شدکه وقت نزول آیت قصد لغزانیدن داشتند وهنوز ملتجی به هجرت نکرده بودند والله اعلم .

(٢) یعنی مقام شفاعت .

(٣) یعنی درحال اعانت کن مراچه وقت دخول درجا چه وقت خروج ازآنجا .

الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا ﴿٨٣﴾

پیچاند بازوی خودرا وچون رسدبوَی سختی نااميد باشد (٨٣) .

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلٰى شَاكِلَتِهٖ ۖ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدٰى سَبِيلًا ﴿٨٤﴾

بگوهرکسی عمل میکند به روش خود پس پروردگار شما داناترست بآنکه وی یابنده تربُوَد راه را (٨٤) .

وَيَسْـَٔلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ ۖ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٥﴾

وسوال میکنند ترا ازروح بگوروح ازفرمانِ پروردگار من است وشمانداده شده ایدازعلم مگر اندکی (٨٥) .

وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِيٓ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهٖ عَلَيْنَا وَكِيلًا ﴿٨٦﴾

و ا گرخواهیم ببریم آنچه وحی فرستاده ایم بسوی تو بازنیابی برای خود به سبب وی برماکارسازی (٨٦) .

إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ ۚ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ﴿٨٧﴾

لیکن باقی گذاشتمش بسبب رحمتی از جانب پروردگار توهرآئینه فضل وی برتو بزرگ است (٨٧) .

قُلْ لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلٰٓى أَنْ يَّأْتُوا بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْاٰنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهٖ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴿٨٨﴾

بگو ا گر جمع شوند آدمیان وجن برآنکه بیارند ماننداین قرآن هرگز نیارند مانند آن ا گرچه باشد بعض ایشان بعضی را مدد دهنده (٨٨) .

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبٰٓى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٨٩﴾

وهرآئینه گونا گون بیان کردیم برای مردمان درین قرآن ازهرداستانی پس قبول نه کردند بیشتر مردمان مگرناسپاسی را (٨٩) .

وَقَالُوا لَنْ نُّؤْمِنَ لَكَ حَتّٰى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا ﴿٩٠﴾

و گفتند هرگز باور نداریم ترا تاآنکه جاری کنی برای ما اززمین چشمه ای (٩٠) .

أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَّعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهٰرَ خِلٰلَهَا تَفْجِيرًا ﴿٩١﴾

یاباشد ترا بوستانی ازدرختان خرما و انگور پس روان کنی جویها درمیان آن روان کردنی (٩١) .

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَآءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللّٰهِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ قَبِيلًا ﴿٩٢﴾

یافرودآری آسمان را چنان که گمان میکنی برما پاره پاره یا بیاری خدارا وفرشتگان را رو برو (٩٢) .

أَوْ يَكُوْنَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقٰى فِى السَّمَآءِ ۚ وَلَنْ نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتّٰى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتٰبًا نَّقْرَؤُهٗ ۗ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّىْ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَّسُوْلًا ﴿٩٣﴾

یاباشدترا خانه ای اززر یا بالاروی درآسمان وباورنداریم بالارفتن ترا تاآنکه فرودآری برما نوشته ای که بخوانیم آن را بگو پاك است پروردگار من نیستم من مگرآدمی فرستاده شده (۹۳) .

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُّؤْمِنُوْٓا إِذْ جَآءَهُمُ الْهُدٰىٓ إِلَّآ أَنْ قَالُوْٓا أَبَعَثَ اللّٰهُ بَشَرًا رَّسُوْلًا ﴿٩٤﴾

وبازنداشت مردمان را ازآنکه ایمان آرند وقتی که آمد بایشان هدایت مگر آنکه گفتند آیا خدای تعالی آدمی را پیغامبر فرستاده است (۹٤) .

قُلْ لَّوْ كَانَ فِى الْأَرْضِ مَلٰٓئِكَةٌ يَّمْشُوْنَ مُطْمَئِنِّيْنَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَآءِ مَلَكًا رَّسُوْلًا ﴿٩٥﴾

بگوا گرمی بودند درزمین فرشتگان که می رفتند بااطمینان هر آئینه پیغامبر میفرستادیم برایشان ازآسمان فرشته را (۹٥) .

قُلْ كَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا ۢ بَيْنِىْ وَبَيْنَكُمْ ۚ إِنَّهٗ كَانَ بِعِبَادِهٖ خَبِيْرًا ۢ بَصِيْرًا ﴿٩٦﴾

بگوبس است خدا گواه میان من ومیان شما هرآئینه وی به بندگان خود دانای بیناست (۹٦) .

وَمَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِهٖ ۚ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَلٰى وُجُوْهِهِمْ عُمْيًا وَّبُكْمًا وَّصُمًّا ۚ مَأْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ۚ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنٰهُمْ سَعِيْرًا ﴿٩٧﴾

وهرکه راخدا هدایت کند پس اوست هدایت یافته وهرکه گمراه سازدش نیابی برای ایشان دوستان بغیرازخدا وبرانگیزیم ایشان را روزقیامت برروبهای شان، کور و گنگ وکر جای ایشان دوزخ است هرگاه فرونشیند بیفزائیم برایشان آتش را (۹۷) .

ذٰلِكَ جَزَآؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِنَا وَقَالُوْٓا ءَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَّرُفَاتًا ءَإِنَّا لَمَبْعُوْثُوْنَ خَلْقًا جَدِيْدًا ﴿٩٨﴾

این است جزای ایشان بسبب آنکه کافر شدند به نشان های ماو گفتند آیا چون شویم استخوانی چند واعضاازهم پاشیده آیا برانگیخته شویم بآفرینش نو (۹۸) .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللّٰهَ الَّذِىْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلٰىٓ

آیا نه دیده اندآن خدا که آفرید آسمان ها وزمین را تواناست که بیآفریند مانند

اَنْ يَّخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ اَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيْهِ فَاَبَى الظّٰلِمُوْنَ اِلَّا كُفُوْرًا ﴿٩٩﴾

ایشان را وساخته است برای ایشان میعادی که هیچ شبهه نیست درآن پس قبول نه کردند ستمگاران مگر انکار را (۹۹) .

قُلْ لَّوْ اَنْتُمْ تَمْلِكُوْنَ خَزَآئِنَ رَحْمَةِ رَبِّيْٓ اِذًا لَّاَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْاِنْفَاقِ وَكَانَ الْاِنْسَانُ قَتُوْرًا ﴿١٠٠﴾

بگو ا گر می‌بودید شما مالك خزانه های بخشش پروردگار مرا آنگاه نیز بخیلی میکردید بترس آنکه همه خرج کنید وهست آدمی بخل کننده (۱۰۰) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسٰى تِسْعَ اٰيٰتٍۢ بَيِّنٰتٍ فَسْـَٔلْ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ اِذْ جَآءَهُمْ فَقَالَ لَهٗ فِرْعَوْنُ اِنِّيْ لَاَظُنُّكَ يٰمُوْسٰى مَسْحُوْرًا ﴿١٠١﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ را نهُ نشانهٔ روشن پس بپرس ازبنی اسرائیل چون آمد بایشان پس گفت اورا فرعون هرآئینه می پندارم ترا ای موسیٰ جادوکرده شده (۱۰۱) .

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَآ اَنْزَلَ هٰٓؤُلَآءِ اِلَّا رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ بَصَآئِرَ وَاِنِّيْ لَاَظُنُّكَ يٰفِرْعَوْنُ مَثْبُوْرًا ﴿١٠٢﴾

گفت هرآئینه تودانسته ای، که نفرستاده این نشانه هارا مگر پروردگار آسمان ها وزمین دلائل روشن (برصدق حق) وهرآئینه من می پندارم ترااای فرعون هلاك شده (۱۰۲) .

فَاَرَادَ اَنْ يَّسْتَفِزَّهُمْ مِّنَ الْاَرْضِ فَاَغْرَقْنٰهُ وَمَنْ مَّعَهٗ جَمِيْعًا ﴿١٠٣﴾

پس خواست که بیرون راند بنی اسرائیل را ازآن سرزمین پس غرق ساختیم اورا وآنانرا که همراه اوبودند همه یکجا (۱۰۳) .

وَّقُلْنَا مِنْۢ بَعْدِهٖ لِبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ اسْكُنُوا الْاَرْضَ فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيْفًا ﴿١٠٤﴾

و گفتیم پس ازوی بنی اسرائیل را ساکن شوید درزمین پس چون بیاید وعدهٔ آخرت بیاریم شمارا همه باهم (۱۰٤) .

وَبِالْحَقِّ اَنْزَلْنٰهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَآ اَرْسَلْنٰكَ اِلَّا مُبَشِّرًا وَّنَذِيْرًا ﴿١٠٥﴾

وبراستی فروفرستادیم قرآن را وبراستی فرودآمده است ونه فرستادیم ترا مگر مژده دهنده وترساننده (۱۰۵) .

وَقُرْاٰنًا فَرَقْنٰهُ لِتَقْرَاَهٗ عَلَى النَّاسِ عَلٰى مُكْثٍ وَّنَزَّلْنٰهُ تَنْزِيْلًا ﴿١٠٦﴾

وقرآن را کم کم فرستادیم تابخوانی آن را برمردمان بدرنگ وبدفعات فروفرستادیم

آن را فروفرستادنی (۱۰۶) .

قُلْ اٰمِنُوْا بِهٖۤ اَوْ لَا تُؤْمِنُوْا ؕ اِنَّ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهٖۤ اِذَا يُتْلٰى عَلَيْهِمْ يَخِرُّوْنَ لِلْاَذْقَانِ سُجَّدًا ۙ (١٠٧)

بگوایمان آرید بآن یا ایمان نیارید هرآئینه آنانکه داده شدایشان را علم پیش ازین چون خوانده میشود برایشان می افتند برروی خود سجده کنان (۱۰۷) .

وَّيَقُوْلُوْنَ سُبْحٰنَ رَبِّنَاۤ اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُوْلًا (١٠٨)

و گویند پاکی پروردگار ماراست هرآئینه هست وعدهٔ پروردگار ماشدنی (۱۰۸) .

وَيَخِرُّوْنَ لِلْاَذْقَانِ يَبْكُوْنَ وَيَزِيْدُهُمْ خُشُوْعًا ۩ (١٠٩)

ومی افتند برروی خویش گریه کنان و می افزاید قرآن درایشان فروتنی را (۱۰۹) .

قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ ؕ اَيًّا مَّا تَدْعُوْا فَلَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى ۚ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيْلًا (١١٠)

بگو بخوانید خدارا یابخوانید رحمن را هر کدام که بخوانید خوب باشد پس خدای راست نام های نیکو واین قدر بلند مخوان نماز خودرا واین قدر پست مخوان آنرا وبجوی میان این وآن را هی (۱۱۰) .

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَّلَمْ يَكُنْ لَّهٗ شَرِيْكٌ فِى الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَّهٗ وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيْرًا (١١١)

وبگوستائش خدای راست که هیچ فرزند نگرفته است ونیست اورا هیچ شریکی درپادشاهی ونیست اورا هیچ کارسازی بسبب ناتوانی وبه تعظیم یادکن اوراتعظیم کردنی (۱۱۱) .

سُوْرَةُ الْكَهْف

سوره کهف مکی است وآن یك صد وده آیت ودوازده رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْۤ اَنْزَلَ عَلٰى عَبْدِهِ الْكِتٰبَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَّهٗ عِوَجًا ؕ (١)

همه ستائش آن خدای راست که فروفرستاد بربندهٔ خود کتاب ونه کرد دروی هیچ کجی (۱) .

قَيِّمًا لِّيُنْذِرَ بَاْسًا شَدِيْدًا مِّنْ لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِيْنَ

ساخت اورا راست تابترساند ازعقوبت

الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا حَسَنًا ۙ﴿۲﴾

سخت آینده ازنزدِ خدا و تامژده دهدآن مسلمانان را که می کنند کارهای شایسته بآنکه ایشانراست مُزدنیك (٢) .

مّٰكِثِيْنَ فِيْهِ اَبَدًا ۙ﴿۳﴾

باشندگان دروی همیشه (٣) .

وَّيُنْذِرَ الَّذِيْنَ قَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا ۗ﴿۴﴾

وتا ترساندآنان راکه گفتند خدا فرزند گرفته است (٤) .

مَا لَهُمْ بِهٖ مِنْ عِلْمٍ وَّلَا لِاٰبَآئِهِمْ ۭ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ اَفْوَاهِهِمْ ۭ اِنْ يَّقُوْلُوْنَ اِلَّا كَذِبًا ﴿۵﴾

نیست ایشان راهیچ دانش بآن ونه پدران ایشان را بود، سخت است این سخن که برمی آید ازدهانهای ایشان نمی گویند مگردروغ (٥) .

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلٰٓي اٰثَارِهِمْ اِنْ لَّمْ يُؤْمِنُوْا بِهٰذَا الْحَدِيْثِ اَسَفًا ﴿۶﴾

پس مگر تو کشنده ای نفس خودرا درپیِ ایشان ا گر ایمان نیارند باین سخن ازروی اندوه (٦) .

اِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَي الْاَرْضِ زِيْنَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ اَيُّهُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا ﴿۷﴾

هرآئینه ماقرارداده ایم آنچه برروی زمین است آرایشی برای آن تاامتحان کنیم ایشان را کدام یك ازایشان نیکوتراست درعمل (٧) .

وَاِنَّا لَجٰعِلُوْنَ مَا عَلَيْهَا صَعِيْدًا جُرُزًا ۭ﴿۸﴾

وهر آئینه ماالبته خواهیم ساخت آنچه را که برویست میدان همواربی گیاه (٨) .

اَمْ حَسِبْتَ اَنَّ اَصْحٰبَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيْمِ ۙ كَانُوْا مِنْ اٰيٰتِنَا عَجَبًا ﴿۹﴾

آیاپنداشتی که اصحاب غار ونوشته[1] ازجمله نشانه های ماعجب بودند (٩) .

اِذْ اَوَى الْفِتْيَةُ اِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوْا رَبَّنَآ اٰتِنَا مِنْ لَّدُنْكَ رَحْمَةً وَّهَيِّئْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا رَشَدًا ﴿۱۰﴾

چون پناه بردند جوانانی چند بسوی غار پس گفتند ای پروردگار مابده ماراازنزدِ خود بخششی وآماده سازبرای ما راه یابی را در کار ما (١٠) .

فَضَرَبْنَا عَلٰٓي اٰذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِيْنَ عَدَدًا ۙ﴿۱۱﴾

پس پرده گذاشتیم برگوش های ایشان

---

(١) یعنی نوشته که بردیوارغار .

درغار یعنی خوابانیدیم سالهای شمرده شده (۱۱) .

ثُمَّ بَعَثْنٰهُمْ لِنَعْلَمَ اَیُّ الْحِزْبَیْنِ اَحْصٰی لِمَا لَبِثُوْۤا اَمَدًا ﴿۱۲﴾

باز برانگیختیم ایشان را تابدانیم کدام یك ازدوگروه یاددارند مقدار مدتی را که درنگ کردند (۱۲) .

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَیْكَ نَبَاَهُمْ بِالْحَقِّ ۚ اِنَّهُمْ فِتْیَةٌ اٰمَنُوْا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنٰهُمْ هُدًی ﴿۱۳﴾

مامیخوانیم برتو خبرایشان را براستی هرآئینه ایشان جوانانی چند بودند که ایمان آوردند به پروردگار خویش وزیاده دادیم ایشانرا هدایت (۱۳) .

وَّرَبَطْنَا عَلٰی قُلُوْبِهِمْ اِذْ قَامُوْا فَقَالُوْا رَبُّنَا رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَنْ نَّدْعُوَا۟ مِنْ دُوْنِهٖۤ اِلٰهًا لَّقَدْ قُلْنَاۤ اِذًا شَطَطًا ﴿۱۴﴾

و رشته بستیم بردل های ایشان[1] چون ایستادند پس گفتند پروردگار ما همان پروردگار آسمان هاوزمین است هرگز نخواهیم پرستید بجزوی معبودی را هرآئینه گفته باشیم آنگاه سخن دروغ (۱٤) .

هٰۤؤُلَآءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖۤ اٰلِهَةً ۚ لَوْلَا یَاْتُوْنَ عَلَیْهِمْ بِسُلْطٰنٍۢ بَیِّنٍ ۚ فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰی عَلَی اللّٰهِ كَذِبًا ﴿۱۵﴾

این قوم ما معبودانی گرفتند بغیرازخدا چرانمی آرند برثبوت آن خدایان دلیلی واضح پس کیست ستمگارترازکسی که بربست برخدا دروغ را (۱۵) .

وَاِذِ اعْتَزَلْتُمُوْهُمْ وَمَا یَعْبُدُوْنَ اِلَّا اللّٰهَ فَاْوٗۤا اِلَی الْكَهْفِ یَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّنْ رَّحْمَتِهٖ وَیُهَیِّئْ لَكُمْ مِّنْ اَمْرِكُمْ مِّرْفَقًا ﴿۱۶﴾

وچون کناره گیری کنید ای یاران ازین کافران و ازآنچه می پرستند ایشان بجز خدا پس پناه برید بسوی غارتابگُستَرد برشما پروردگارشما ازبخشایش خود ومهیا سازد برای شما منفعت رادرکارشما (۱٦) .

وَتَرَی الشَّمْسَ اِذَا طَلَعَتْ تَّزٰوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْیَمِیْنِ وَاِذَا غَرَبَتْ تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِیْ فَجْوَةٍ مِّنْهُ ۚ ذٰلِكَ

ببینی ای بیننده خورشید را وقتی طلوع کند مایل شودازغار ایشان بجانب راست

---

(۱) یعنی دل های ایشان رااستوارساختیم .

مِنْ اٰيٰتِ اللّٰهِ مَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُّضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ وَلِيًّا مُّرْشِدًا ﴿١٧﴾

وچون غروب کند تجاوز میکند ازایشان بجانب چپ وایشان درکشادگی اند از غار این ازنشانهای خداست هرکه راخداهدایت کند پس اوست هدایت یافته وهرکه گمراه میکندش پس نیابی اورا هیچ دوست راه نماینده[1] (١٧) .

وَتَحْسَبُهُمْ اَيْقَاظًا وَّهُمْ رُقُوْدٌ وَّنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِيْنِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيْدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَّلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا ﴿١٨﴾

وبپنداری ای بیننده ایشان را بیدارودرحالیکه ایشان خفته اند و می‌گردانیم ایشان را جانب راست و جانب چپ وسگ ایشان گشاده کرده است دودست خودرا بردهانۀ غار اگر اطلاع می‌یافتی برایشان البته رومی‌گردانیدی ازایشان بگریختن و فرامی گرفت ترا ازایشان ترس[2] (١٨) .

وَكَذٰلِكَ بَعَثْنٰهُمْ لِيَتَسَآءَلُوْا بَيْنَهُمْ قَالَ قَآئِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوْا لَبِثْنَا يَوْمًا اَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوْا رَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوْٓا اَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هٰذِهٖٓ

وهمچنین برانگیختیم ایشان را تاعاقبت بایکدیگر سوال کنند درمیان خود گفت گوینده ای ازایشان چه قدر درنگ کردید گفتند درنگ کردیم یك روز یا بعض روز

---

(١) مترجم گوید بخاطر فاترمیرسد که دیوار جنوبی کهف آنقدر بلندست که سایۀ اصلی اودر تمام سال محل خفتن ایشانرا می پوشاند ودیوار شرقی وغربی آن متصل دیوار جنوبی بلند ترست و پایه به پایه منحط شده و این جماعت سربجانب شمال پابجانب جنوب کرده خفته اند پس وقتی که طلوع کند نور آفتاب بردیوار غربی وبعضی صحن غار افتدوهر چند ارتفاع زیاده گرددبلندی دیوار شرقی از وصول نور بایشان مانع آید ونور جانب راست ایشان منتقل شود بجانب سرکه جهت شمال ست و دروقت استواء بجز سایۀ اصلی دیوار جنوبی نمی ماند وچون آفتاب مائل بغروب شود نور آفتاب بردیوار شرقی افتدوآهسته برسر دیوار مرتفع گردد و آن جانب چپ ایشان ست .

(٢) مترجم گوید وچنانکه خفتن ایشانرا نشانه ساختیم .

اِلَى الْمَدِيْنَةِ فَلْيَنْظُرْ اَيُّهَآ اَزْكٰى طَعَامًا فَلْيَاْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ اَحَدًا ﴿١٩﴾

باز گفتند پروردگار شما دانا ترست بمقدار درنگ کردن شما پس بفرستیدیکی را ازمیانِ خود باین نقرهٔ خود بسوی شهر پس باید که تأمل کند کدام یك ازاطعمهٔ این شهر پاکیزه ترست پس بیارد به شما قُوتی ازآن وباید که به هوشیاری آمد و رفت کند وخبردار نکندبحال شما هیچکس را (١٩) .

اِنَّهُمْ اِنْ يَّظْهَرُوْا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوْكُمْ اَوْ يُعِيْدُوْكُمْ فِيْ مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوْٓا اِذًا اَبَدًا ﴿٢٠﴾

هرآئینه این کافران ا گر قدرت یابند برشما سنگسار کنند شمارا یا باز آرند شمارا دردین خود و رستگار نخواهید شدآنگاه هرگز (٢٠) .

وَكَذٰلِكَ اَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوْٓا اَنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَّاَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيْهَا ۚ اِذْ يَتَنَازَعُوْنَ بَيْنَهُمْ اَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوْا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا ۭ رَبُّهُمْ اَعْلَمُ بِهِمْ ۭ قَالَ الَّذِيْنَ غَلَبُوْا عَلٰٓي اَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَّسْجِدًا ﴿٢١﴾

وهم چنین خبردار گردانیدیم مردمان را بحال ایشان تابدانند که وعدهٔ خدا راست است وآنکه قیامت هیچ شبهه نیست درآن وقتیکه نزاع میکردند آنمردمان درمیان خود دربارهٔ ایشان پس گفتند بسازید برغار ایشان خانهٔ، پروردگار ایشان دانا تراست بحال ایشان گفتند آنانکه قدرت یافتند برمقدمه ایشان البته بسازیم برغارایشان مسجدی (٢١) .

سَيَقُوْلُوْنَ ثَلٰثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ ۚ وَيَقُوْلُوْنَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًۢا بِالْغَيْبِ ۚ وَيَقُوْلُوْنَ سَبْعَةٌ وَّثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ ۭ قُلْ رَّبِّيْٓ اَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَّا يَعْلَمُهُمْ اِلَّا قَلِيْلٌ ڛ فَلَا تُمَارِ فِيْهِمْ اِلَّا مِرَاۗءً ظَاهِرًا ۠ وَّلَا تَسْتَفْتِ فِيْهِمْ مِّنْهُمْ اَحَدًا ﴿٢٢﴾

جمعی خواهند گفت اصحاب کهف سه کس اندوچهارم ایشان سگ ایشان ست وجمعی خواهند گفت که پنج کس اند ششم ایشان سگ ایشانست بخیال غائبانه ونیزمی گویند هفت کس اندوهشتمِ ایشان سگ ایشانست بگوپروردگار من دانا ترست به شمارایشان نه میداند ایشان را مگراندکی پس گفتگو مکن دربارهٔ ایشان

مگر گفتگوی سرسری وسوال مکن درباب ایشان هیچ کس رااز کافران (٢٢).

وَلَا تَقُوۡلَنَّ لِشَاۡیۡءٍ اِنِّیۡ فَاعِلٌ ذٰلِكَ غَدًا ﴿٢٣﴾

ومگوهیچ چیزی را که من البته خواهم کرد آن را فردا (٢٣).

اِلَّاۤ اَنۡ یَّشَآءَ اللّٰهُ وَاذۡکُرۡ رَّبَّكَ اِذَا نَسِیۡتَ وَقُلۡ عَسٰۤی اَنۡ یَّهۡدِیَنِ رَبِّیۡ لِاَقۡرَبَ مِنۡ هٰذَا رَشَدًا ﴿٢٤﴾

مگر مقرون به ذکر مشیت خدا[1] ویاد کن پروردگار خودرا وقتیکه فراموش کنی[2] و بگو توقع است که دلالت کند مرا پروردگار من براهی نزدیك ترباعتبار راستی ازآنچه کافران میگویند (٢٤).

وَلَبِثُوۡا فِیۡ کَهۡفِهِمۡ ثَلٰثَ مِائَةٍ سِنِیۡنَ وَازۡدَادُوۡا تِسۡعًا ﴿٢٥﴾

ودرنگ کردند درغار خود سه صدسال و افزودند نُه سال دیگر (٢٥).

قُلِ اللّٰهُ اَعۡلَمُ بِمَا لَبِثُوۡا لَهٗ غَیۡبُ السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ اَبۡصِرۡ بِهٖ وَاَسۡمِعۡ مَا لَهُمۡ مِّنۡ دُوۡنِهٖ مِنۡ وَّلِیٍّ وَّلَا یُشۡرِكُ فِیۡ حُکۡمِهٖۤ اَحَدًا ﴿٢٦﴾

بگوخدا دانا تراست بمقداری که درنگ کردند اوراست علم غیب آسمان هاوزمین چه قدر بیناست وچه قدر شنواست نیست ایشانرا بجزوی هیچ کارسازی وشریك نمی گیرد درحکم خود هیچکس را (٢٦).

وَاتۡلُ مَاۤ اُوۡحِیَ اِلَیۡكَ مِنۡ کِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِکَلِمٰتِهٖ وَلَنۡ تَجِدَ مِنۡ دُوۡنِهٖ مُلۡتَحَدًا ﴿٢٧﴾

وبخوان آنچه وحی فرستاده شد بسوی تو از کتاب پروردگار توهیچ کس تبدیل کننده نیست حکم های وی را وهرگز نه یابی بجزوی هیچ پناهی (٢٧).

وَاصۡبِرۡ نَفۡسَكَ مَعَ الَّذِیۡنَ یَدۡعُوۡنَ رَبَّهُمۡ بِالۡغَدٰوةِ وَالۡعَشِیِّ یُرِیۡدُوۡنَ وَجۡهَهٗ وَلَا تَعۡدُ عَیۡنٰكَ عَنۡهُمۡ تُرِیۡدُ زِیۡنَةَ الۡحَیٰوةِ الدُّنۡیَا وَلَا تُطِعۡ مَنۡ اَغۡفَلۡنَا

وبندکن خودرا باآنانکه یادمیکنند پروردگار خودرا به صبح و شام میخواهند رضای اورا وباید که درنگذرد چشم های توازایشان طلب کنان آرائش

(١) یعنی بگوخواهم کرد إن شاءالله تعالی.
(٢) یعنی بازمتنبه شوی.

قَلْبَهٗ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوٰىهُ وَكَانَ اَمْرُهٗ فُرُطًا ﴿۲۸﴾

زندگانی دنیارا وفرمان مبرآن را که غافل ساخته ایم دل اورا ازیاد خویش وپیروی کرده است خواهش خودرا وهست کارِ او ازحدگذشته (۲۸) .

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكُمْ ۗ فَمَنْ شَآءَ فَلْيُؤْمِنْ وَّمَنْ شَآءَ فَلْيَكْفُرْ ۚ اِنَّآ اَعْتَدْنَا لِلظّٰلِمِيْنَ نَارًا ۙ اَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا ۚ وَاِنْ يَّسْتَغِيْثُوْا يُغَاثُوْا بِمَآءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِی الْوُجُوْهَ ۚ بِئْسَ الشَّرَابُ ۚ وَسَآءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿۲۹﴾

وبگو این سخن راست ست آمده ازپروردگار شماپس هرکه خواهد ایمان آورد وهر که خواهد کافر شود هرآئینه ما مهیا کرده ایم برای ستمگاران آتشی را که درگیرد بایشان سراپرده های آن و ا گر فریاد کنند به دادایشان رسیده شود به نوشانیدن آبی ماندمس گداخته بریان کند چهره ها را، آن بدآشامیدنی است ودوزخ بدآرام گاهیست (۲۹) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ اِنَّا لَا نُضِيْعُ اَجْرَ مَنْ اَحْسَنَ عَمَلًا ۚ ﴿۳۰﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند هرآئینه ماضائع نکنیم مزد کسی که نیکوکرده است کاررا (۳۰) .

اُولٰٓئِكَ لَهُمْ جَنّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِیْ مِنْ تَحْتِهِمُ الْاَنْهٰرُ يُحَلَّوْنَ فِيْهَا مِنْ اَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَّيَلْبَسُوْنَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّنْ سُنْدُسٍ وَّاِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِـِٕيْنَ فِيْهَا عَلَى الْاَرَآئِكِ ۚ نِعْمَ الثَّوَابُ ۚ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿۳۱﴾

این جماعت ایشان راست بوستا نهای همیشه ماندن می رود زیرایشان نهرها زیورداده شوند آنجا دست بندها اززر ومی پوشند جامه های سبز از دیبای نازك ودیبای ضخیم تکیه کنان آنجا برتخت ها این نیك جزاست وبهشت نیکوآرام گاهیست (۳۱) .

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِاَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ اَعْنَابٍ وَّحَفَفْنٰهُمَا بِنَخْلٍ وَّجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ﴿۳۲﴾

وبیان کن برای ایشان داستان دوشخص که دادیم به یکی ازایشان دوبوستان ازدرختانِ انگور وگردا گردآن پیدا کردیم درختان خرما وپیدا کردیم درمیان این بوستانها زراعت را (۳۲) .

كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ اٰتَتْ اُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِّنْهُ شَيْـًٔا ۙ وَّفَجَّرْنَا

هردوبوستان آوردند میوه های خودوهیچ

خِلٰلَهُمَا نَهَرًا ﴿٣٣﴾

کم نه کرد ازمیوه و جاری ساختیم میان آنها جوی آب (٣٣) .

وَّكَانَ لَهٗ ثَمَرٌۚ فَقَالَ لِصَاحِبِهٖ وَهُوَ يُحَاوِرُهٗۤ اَنَا اَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَّاَعَزُّ نَفَرًا ﴿٣٤﴾

و بود او را میوه های بسیارپس گفت هم نشین خود را و او گفتگو میکرد بآن هم نشین من بیشترم ازتودرمال وغالبترم باعتبار حَشَم (٣٤) .

وَدَخَلَ جَنَّتَهٗ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهٖۚ قَالَ مَاۤ اَظُنُّ اَنْ تَبِيْدَ هٰذِهٖۤ اَبَدًا ﴿٣٥﴾

ودرآمد به بوستان خود ستم کرده برخویش گفت نمی پندارم که هلاك شوداین بوستان هیچ گاه (٣٥) .

وَّمَاۤ اَظُنُّ السَّاعَةَ قَآئِمَةًۙ وَّلَئِنْ رُّدِدْتُّ اِلٰى رَبِّیْ لَاَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿٣٦﴾

و گمان ندارم که قیامت متحقق شود و بالفرض ا گر باز گردانیده شوم بسوی پروردگار خودهرآئینه خواهم یافت باز گشتی بهترازین بوستانها (٣٦) .

قَالَ لَهٗ صَاحِبُهٗ وَهُوَ يُحَاوِرُهٗۤ اَكَفَرْتَ بِالَّذِیْ خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوّٰىكَ رَجُلًا ﴿٣٧﴾

گفت اوراهم نشین اوواو گفتگو میکردباوی آیاکافرشدی بآن خدای که پیدا کرد تراازخاك بازاز نطفه بازترا مرد ساخت (٣٧) .

لٰكِنَّا۠ هُوَ اللّٰهُ رَبِّیْ وَلَاۤ اُشْرِكُ بِرَبِّیْۤ اَحَدًا ﴿٣٨﴾

لیکن من اعتقاد دارم که خدا پروردگارمن ست وشریك مقررنمی کنم باپروردگار خود هیچکس را (٣٨) .

وَلَوْلَاۤ اِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَآءَ اللّٰهُۙ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِۚ اِنْ تَرَنِ اَنَا اَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَّوَلَدًاۚ ﴿٣٩﴾

وچون درآمدی به بوستان خود چرانه گفتی آنچه خداخواسته است شدنیست، نیست هیچ توانائی مگر بمشیت خدا ا گر می بینی مراکم ترازتوام درمال و فرزند (٣٩) .

فَعَسٰى رَبِّیْۤ اَنْ يُّؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَآءِ فَتُصْبِحَ صَعِيْدًا زَلَقًا ﴿٤٠﴾

پس شاید که پروردگار من بدهد مرا بهترازبوستان تو وشاید که فرستد بربوستانِ توعذابی ازآسمان پس گردد زمین بی گیاه لغزاندهٔ پا (٤٠) .

أَوْ يُصْبِحَ مَآؤُهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ﴿٤١﴾

یاشود آب او فرورفته پس هرگز نه توانی آن راجُستن (٤١) .

وَأُحِيطَ بِثَمَرِهٖ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلٰى مَآ أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلٰى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يٰلَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّيٓ أَحَدًا ﴿٤٢﴾

وبعقوبت احاطه کرده شد میوه های او پس بامداد کرد می مالید دودست خودرا بحسرت برآنچه خرج کرد در عمارت آن وآن بوستان افتاده برسِقفهای خود و می گفت ای کاش شریك مقرر نمی کردم با پروردگار خود هیچکس را (٤٢) .

وَلَمْ تَكُنْ لَّهٗ فِئَةٌ يَّنْصُرُونَهٗ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَمَا كَانَ مُنْتَصِرًا ﴿٤٣﴾

ونه بود اورا هیچ جماعتی که یاری دهندش بجزخدا ونه بود خود پیروزمند (٤٣) .

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلّٰهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَّخَيْرٌ عُقْبًا ﴿٤٤﴾

اینجاثابت شدکه کارسازی برای خدای حق است وی بهتراست ازروی ثواب دادن ووی بهتر است ازروی جزادادن (٤٤) .

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَّثَلَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَآءٍ أَنْزَلْنٰهُ مِنَ السَّمَآءِ فَاخْتَلَطَ بِهٖ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيٰحُ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ﴿٤٥﴾

وبیان کن برای ایشان داستان زندگانی دنیا که وی مانند آبی ست که فروفرستاد یمش ازآسمان پس درهم پیچید بسبب وی رستنی زمین پس شدآخرکار درهم شکسته می پرانیدش بادهاو هست خدا برهمه چیز توانا (٤٥) .

اَلْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَالْبٰقِيٰتُ الصّٰلِحٰتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَّخَيْرٌ أَمَلًا ﴿٤٦﴾

مال وفرزندان آرایش زندگانی دنیاست وحسناتِ پاینده شایسته بهتراند نزدِ پروردگارتو ازجهت ثواب و خوب تراندازجهت امیدداشتن (٤٦) .

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَّحَشَرْنٰهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٤٧﴾

وآن روزکه روان کنیم کوه هارا و ببینی زمین را نمایان و جمع سازیم مردمان راپس نه گذاریم ازایشان هیچ کس را (٤٧) .

وَعُرِضُوا عَلٰى رَبِّكَ صَفًّا ۭ لَقَدْ جِئْتُمُوْنَا كَمَا خَلَقْنٰكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍۢ ۡ بَلْ زَعَمْتُمْ اَلَّنْ نَّجْعَلَ لَكُمْ مَّوْعِدًا ﴿٤٨﴾

وروبروآورده شوند پیش پروردگار توصف کشیده گوئیم هرآئینه آمدید پیش ماچنانکه آفریده بودیم شماراااوّل بار بلکه می پنداشتید که نه خواهیم ساخت برای شماوعده گاهی (٤٨) .

وَوُضِعَ الْكِتٰبُ فَتَرَى الْمُجْرِمِيْنَ مُشْفِقِيْنَ مِمَّا فِيْهِ وَيَقُوْلُوْنَ يٰوَيْلَتَنَا مَالِ هٰذَا الْكِتٰبِ لَا يُغَادِرُ صَغِيْرَةً وَّلَا كَبِيْرَةً اِلَّآ اَحْصٰىهَا ۚ وَوَجَدُوْا مَا عَمِلُوْا حَاضِرًا ۭ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ اَحَدًا ﴿٤٩﴾

ودرمیان نهاده شودنامۀ اعمال پس به بینی گناه‌گاران را ترسان ازآنچه درآن ست ومی گویند ای وای برماچه حال است این نامه رانمی گذارد هیچ معصیت خوردرا ونه بزرگ را مگراحاطه کرده است آن را و بیان هرچه کرده بودند حاضر وستم نکند پروردگارتو برهیچکس (٤٩) .

وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا اِلَّآ اِبْلِيْسَ ۭ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ اَمْرِ رَبِّهٖ ۭ اَفَتَتَّخِذُوْنَهٗ وَذُرِّيَّتَهٗٓ اَوْلِيَاۗءَ مِنْ دُوْنِيْ وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ ۭ بِئْسَ لِلظّٰلِمِيْنَ بَدَلًا ﴿٥٠﴾

ویادکن چون گفتیم به فرشتگان سجده کنید آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس بودازجن پس بیرون شداازفرمان پروردگار خود ای مردمان آیا دوست می گیرید اوراوفرزندان اورابجزمن وایشان شمارا دشمن اند، شیطان بدعوض ست ستمگاران را (٥٠) .

مَآ اَشْهَدْتُّهُمْ خَلْقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَا خَلْقَ اَنْفُسِهِمْ ۠ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّيْنَ عَضُدًا ﴿٥١﴾

حاضر نکرده بودم ایشانرا وقت آفریدن آسمان ها وزمین ونه وقت آفریدن خودایشان ونیستم مددگار گیرندۀ گمراهان را (٥١) .

وَيَوْمَ يَقُوْلُ نَادُوْا شُرَكَاۗءِيَ الَّذِيْنَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيْبُوْا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَّوْبِقًا ﴿٥٢﴾

وروزی که گوید خدای تعالی ای مشرکان نداکنید شریکان مراکه گمان می‌نمودید پس نداکنند آنجماعت را وآن جماعت قبول نکنند ندای ایشان راوساختیم درمیان ایشان مهلکه (٥٢) .

وَرَاَ الْمُجْرِمُوْنَ النَّارَ فَظَنُّوْٓا اَنَّهُمْ مُّوَاقِعُوْهَا وَلَمْ يَجِدُوْا عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿٥٣﴾

[(١)] وبه بینند گناهگاران آتش را وبفهمند که ایشان افتاد گانند دروی ونه یابندازآن جای باز گشتن (٥٣) .

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِيْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ؕ وَكَانَ الْاِنْسَانُ اَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿٥٤﴾

وهرآئینه گونا گون بیان کردیم درین قرآن برای مردمان هر نوع داستان وهست آدمی بیشترازهمه چیزدرخصومت (٥٤) .

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ اَنْ يُّؤْمِنُوْٓا اِذْ جَآءَهُمُ الْهُدٰى وَيَسْتَغْفِرُوْا رَبَّهُمْ اِلَّآ اَنْ تَاْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْاَوَّلِيْنَ اَوْ يَاْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿٥٥﴾

وبازنداشت مردمان راازآنکه ایمان آرند چون بیامد بایشان هدایت وازآنکه طلب آمرزش کنند ازپروردگار خود مگربانتظار آنکه بیاید بایشان روش پیشینیان یابیاید بایشان عقوبت گونا گون (٥٥) .

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِيْنَ اِلَّا مُبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ ۚ وَيُجَادِلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوْا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوْٓا اٰيٰتِيْ وَمَآ اُنْذِرُوْا هُزُوًا ﴿٥٦﴾

ونمی فرستیم پیغمبران را مگربشارت دهنده وترساننده وخصومت میکنند کافران به شبهه بیهوده تابلغزانند بسبب آن سخن حق را وبه تمسخر گرفتند آیات مراوچیزی را که بآن ترسانیده شوند (٥٦) .

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِاٰيٰتِ رَبِّهٖ فَاَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدٰهُ ؕ اِنَّا جَعَلْنَا عَلٰى قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَّفْقَهُوْهُ وَفِيْٓ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا ؕ وَاِنْ تَدْعُهُمْ اِلَى الْهُدٰى فَلَنْ يَّهْتَدُوْٓا اِذًا اَبَدًا ﴿٥٧﴾

وکیست ستمگارترازکسی که پندداده شدبآیات پروردگار خویش پس روگردان گشت ازآن وفراموش بکرد آنچه پیش فرستاده است دودستِ وی هرآئینه ماساخته ایم بردل های ایشان پردها تا نه فهمندقرآن را وساختیم درگوشهای ایشان گرانی وا گر بخوانی ایشان را بسوی هدایت راه نه یابند آنگاه هرگز (٥٧) .

وَرَبُّكَ الْغَفُوْرُ ذُو الرَّحْمَةِ ؕ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوْا

وپروردگار تو آمرزنده صاحب رحمت است ا گر مؤاخذه کردی ایشان را بآنچه

---

(١) یعنی وادی ازوادیهای دوزخ تایکی بدیگری نتواند رسید .

لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَّهُمْ مَّوْعِدٌ لَّنْ يَّجِدُوْا مِنْ دُوْنِهٖ مَوْئِلًا ﴿٥٨﴾

کرده اندبه شتاب فرستادی بدیشان عقوبت را بلکه ایشان را میعادی هست که هرگز نه یابند غیر ازآن پناهی (٥٨) .

وَتِلْكَ الْقُرٰٓى اَهْلَكْنٰهُمْ لَمَّا ظَلَمُوْا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَّوْعِدًا ﴿٥٩﴾

وآن دِهها راهلاك کردیم چون ستم کردند ومعین کردیم برای هلاك ایشان میعادی (٥٩) .

وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِفَتٰىهُ لَآ اَبْرَحُ حَتّٰٓى اَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ اَوْ اَمْضِىَ حُقُبًا ﴿٦٠﴾

ویادکن چون گفت موسیٰ نوجوان خودرا همیشه راه میروم تاآنکه برسم بمحل جمع شدن دودریا یابروم مدت های دراز (٦٠) .

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوْتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيْلَهٗ فِى الْبَحْرِ سَرَبًا ﴿٦١﴾

پس چون رسیدند به محل جمع شدن دودریا فراموش کردند ماهی خودرا پس راه خودگرفت دردریا شگافان(٦١) .

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتٰىهُ اٰتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدْ لَقِيْنَا مِنْ سَفَرِنَا هٰذَا نَصَبًا ﴿٦٢﴾

پس چون گذشتند گفت موسیٰ نوجوان خودرا بیار برای ماطعام چاشت ماراهرآئینه رنج یافتیم ازین سفر خود (٦٢) .

قَالَ اَرَءَيْتَ اِذْ اَوَيْنَآ اِلَى الصَّخْرَةِ فَاِنِّىْ نَسِيْتُ الْحُوْتَ وَمَآ اَنْسٰنِيْهُ اِلَّا الشَّيْطٰنُ اَنْ اَذْكُرَهٗ وَاتَّخَذَ سَبِيْلَهٗ فِى الْبَحْرِ عَجَبًا ﴿٦٣﴾

گفت آیادیدی چون آرام گرفتیم تکیه کرده بآن سنگ پس من فراموش کردم ماهی را (یعنی آنجا) وفراموش نساخت مرااز آنکه یادکنم قصه آن مگر شیطان وراه خود گرفت دردریا بنهج عجیبی (٦٣) .

قَالَ ذٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلٰٓى اٰثَارِهِمَا قَصَصًا ﴿٦٤﴾

گفت موسیٰ این بود آنچه می جستیم پس باز گشتند برنشان اقدام خود جستجو کنان (٦٤) .

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَآ اٰتَيْنٰهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنٰهُ مِنْ لَّدُنَّا عِلْمًا ﴿٦٥﴾

پس یافتند بنده ای را ازبندگان ما که دادیم اورارحمتی ازنزدِ خودوآموختیم اوراازنزدِ خود علمی[1] (٦٥) .

قَالَ لَهٗ مُوْسٰى هَلْ اَتَّبِعُكَ عَلٰٓى اَنْ تُعَلِّمَنِ

گفت اورا موسیٰ آیاپیروی توکنم به شرط

(١) یعنی خضررایافتند .

مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ﴿٦٦﴾	آنكه بیاموزانی مرا ازآنچه آموخته شدی ازراه یابی (٦٦) .
قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٦٧﴾	گفت هرآئینه تونه توانی بامن شکیبائی کردن (٦٧) .
وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴿٦٨﴾	وچگونه شکیبائی کنی برچیزیکه درنگرفته ای آنراازروی دانش (٦٨) .
قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ﴿٦٩﴾	گفت خواهی یافت مرا شکیبا ا گر خداخواسته است وخلاف نکنم باتو درهیچ فرمانی (٦٩) .
قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٧٠﴾	گفت پس ا گر پیروی من می کنی پس سوال مکن ازمن ازهیچ چیز تاآنکه خود آغازم برای توازحال آن بیانی (٧٠) .
فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ﴿٧١﴾	پس راه رفتند تاوقتی که چون سوار شدند برکشتی خضر شگافت آنرا گفت موسیٰ آیا شگافتی کشتی را تاغرق کنی اهل آن را هرآئینه آوردی چیزی عظیم را (٧١) .
قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٢﴾	گفت آیانه گفته بودم که تونتوانی بامن شکیبائی کردن (٧٢) .
قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ﴿٧٣﴾	گفت موسیٰ مؤاخذه مکن مرا بآنچه فراموش کردم وبرسرمن مینداز درمقدمه من سختی را (٧٣) .
فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا ﴿٧٤﴾	پس راه رفتند تاوقتی که برخوردند با نوجوانی پس خضر بکشت اورا گفت موسیٰ آیا کشتی نفس پاك را بغیر قصاص نفسی هرآئینه آوردی چیزی ناپسندیده را (٧٤) .

قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكَ اِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيْعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٥﴾

گفت آیا نه گفته بودم باتوکه هرآئینه تونتوانی بامن شکیبائی کردن (۷۵) .

قَالَ اِنْ سَاَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍۭ بَعْدَهَا فَلَا تُصٰحِبْنِيْ ۚ قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَّدُنِّيْ عُذْرًا ﴿٧٦﴾

گفت موسیٰ اگربپرسم ترا ازچیزی بعد ازین پس صحبت مکن بامن هرآئینه رسیدی ازجانب من بحد عذر (۷۶) .

فَانْطَلَقَا ۫ حَتّٰۤى اِذَاۤ اَتَيَاۤ اَهْلَ قَرْيَةِ ِۣاسْتَطْعَمَاۤ اَهْلَهَا فَاَبَوْا اَنْ يُّضَيِّفُوْهُمَا فَوَجَدَا فِيْهَا جِدَارًا يُّرِيْدُ اَنْ يَّنْقَضَّ فَاَقَامَهٗ ؕ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ اَجْرًا ﴿٧٧﴾

پس راه رفتند تاوقتیکه آمدند باهل دهی طعام طلب کردند ازاهل آن دیهی پس قبول ننمودند اهل دیه که مهمانی کنند ایشان را پس یافتند درآنجا دیواری که میخواست بیفتد پس راست ساخت آنرا گفت موسیٰ اگرمیخواستی هرآئینه می گرفتی برتعمیر این دیوار مزدی (۷۷) .

قَالَ هٰذَا فِرَاقُ بَيْنِيْ وَبَيْنِكَ ۚ سَاُنَبِّئُكَ بِتَاْوِيْلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَّلَيْهِ صَبْرًا ﴿٧٨﴾

گفت اینست جدائی درمیان من وتو خبرخواهم داد ترا بآنچه نتوانستی بران شکیبائی کردن (۷۸) .

اَمَّا السَّفِيْنَةُ فَكَانَتْ لِمَسٰكِيْنَ يَعْمَلُوْنَ فِي الْبَحْرِ فَاَرَدْتُّ اَنْ اَعِيْبَهَا وَكَانَ وَرَآءَهُمْ مَّلِكٌ يَّاْخُذُ كُلَّ سَفِيْنَةٍ غَصْبًا ﴿٧٩﴾

امّاکشتی پس بود ازآن درویشان چند که کار می کردند دردریا پس خواستم که معیوب کنم آنراوبودپیش روی ایشان یادشاهی که می گرفت هر کشتی درست را به زبردستی (۷۹) .

وَاَمَّا الْغُلٰمُ فَكَانَ اَبَوٰهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِيْنَاۤ اَنْ يُّرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَّكُفْرًا ۚ ﴿٨٠﴾

واما آن نوجوان پس بودند پدرو ما در وی مسلمان پس ترسیدیم ازآن که غالب آید برایشان در سرکشی وکفر (۸۰) .

فَاَرَدْنَاۤ اَنْ يُّبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكٰوةً وَّاَقْرَبَ رُحْمًا ﴿٨١﴾

پس خواستیم که عوض دهدایشان را پرورد گارایشان بهتر ازوی ازروی پاکیزگی و نزدیك ترازجهت شفقت (۸۱).

وَاَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلٰمَيْنِ يَتِيْمَيْنِ فِي الْمَدِيْنَةِ وَكَانَ تَحْتَهٗ كَنْزٌ لَّهُمَا وَكَانَ اَبُوْهُمَا صَالِحًا ۚ فَاَرَادَ رَبُّكَ اَنْ يَّبْلُغَاۤ

واما آن دیوار پس بود ازدونوجوان یتیم درشهر وبود زیرآن گنجی ازایشان وبود پدرایشان نیکوکار پس خواست پروردگار

أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ ۚ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ۚ ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨٢﴾

توکه این نوجوانان برسند نهایت قوت خویش وبرآرند گنج خودرا ازروی مهربانی از پرورد گارتو و نکردم آن را ازرای خود اینست سِرِّ آنچه نتوانستی برآن شکیبائی کردن (۸۲) .

وَيَسْأَلُونَكَ عَن ذِي الْقَرْنَيْنِ ۖ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكْرًا ﴿٨٣﴾

وسوال می کنند تراازذوالقرنین بگوخواهم خواند برشما ازحال وی خبری (۸۳) .

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِن كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ﴿٨٤﴾

هرآئینه مادسترسی دادیم اورا درزمین ودادیم اورا از هرچیزوسیله ای (۸٤) .

فَأَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٨٥﴾

پس درپی وسیله ای افتاد[1] (۸۵) .

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِندَهَا قَوْمًا ۗ قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَن تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا ﴿٨٦﴾

تاآنکه رسید بمحل فرورفتن آفتاب دریافت آنراکه فرومی رود درچشمه گل ولای ویافت نزدیك آن چشمه گروهی را گفتیم ای ذوالقرنین اختیار بدست تست یا اینست که عقوبت کنی یابگیری درمیان ایشان معامله نیکو[2] (۸٦) .

قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُّكْرًا ﴿٨٧﴾

گفت أما کسیکه ستم کرد پس عذاب خواهیم کرد او را بازگردانیده شود بسوی پرورد گار خویش پس عذاب کند اورا عذاب سخت (۸۷) .

وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءً الْحُسْنَىٰ ۖ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ﴿٨٨﴾

واماآنکه ایمان آورد وکارشائسته کردپس اوراست پاداش نیکو وخواهیم گفت درباب اواز مقدمهٔ خویش سخن آسانی (۸۸) .

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٨٩﴾

بازدرپیٔ وسیله ای افتاد (۸۹) .

---

(۱) یعنی بحسب نظرمردمان .

(۲) مترجم گوید واین کنایت است ازقدرتِ اوبرین دوکار .

حَتّٰىٓ اِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلٰى قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَلْ لَّهُمْ مِّنْ دُوْنِهَا سِتْرًا ﴿٩٠﴾

تاوقتیکه چون رسید بمحل برآمدن آفتاب یافت که آن برمی آید برگروهی که نساخته ایم برای ایشان این طرف ازآفتاب هیچ پرده (٩٠) .

كَذٰلِكَ ۭ وَقَدْ اَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿٩١﴾

چنین بود قصه وهرآئینه درگرفته ایم بآنچه نزدیك وی بود از روی خبرداری (٩١) .

ثُمَّ اَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾

بازدرپئ وسیله ای افتاد (٩٢) .

حَتّٰىٓ اِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُوْنِهِمَا قَوْمًا ۙ لَّا يَكَادُوْنَ يَفْقَهُوْنَ قَوْلًا ﴿٩٣﴾

تاوقتیکه چون رسید درمیان سَدّین یافت این جانب سَدّین گروهی را که نزدیك نیستند ازآنکه بفهمند سخنی (٩٣) .

قَالُوْا يٰذَا الْقَرْنَيْنِ اِنَّ يَاْجُوْجَ وَمَاْجُوْجَ مُفْسِدُوْنَ فِي الْاَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلٰٓي اَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٩٤﴾

گفتند این گروه ای ذوالقرنین هرآئینه یاجوج وماجوج فساد کنند گانند درزمین پس آیا مقرر کنیم برای توباجی بشرط آنکه بسازی درمیان ما وایشان سدّی (٩٤) .

قَالَ مَا مَكَّنِّيْ فِيْهِ رَبِّيْ خَيْرٌ فَاَعِيْنُوْنِيْ بِقُوَّةٍ اَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٩٥﴾

گفت آنچه دسترسی داده است مرا درآن پرورد گار من بهتر است پس مدد کنید مرا بزور بازو تابسازم میان شماو ایشان حجابی محکم (٩٥) .

اٰتُوْنِيْ زُبَرَ الْحَدِيْدِ ۭ حَتّٰىٓ اِذَا سَاوٰى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوْا ۭ حَتّٰىٓ اِذَا جَعَلَهٗ نَارًا ۙ قَالَ اٰتُوْنِيْٓ اُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ﴿٩٦﴾

بیارید پیش من پاره های آهن تاوقتیکه چون برابر ساخت مابین آن دوکوه گفت آتش بدمید تاآنکه چون آتش ساخت آن آهن را گفت بیارید پیش من تابریزم بالای این روئین گداخته را (٩٦) .

فَمَا اسْطَاعُوْٓا اَنْ يَّظْهَرُوْهُ وَمَا اسْتَطَاعُوْا لَهٗ نَقْبًا ﴿٩٧﴾

پس نتوانستند یاجوج ماجوج که بالاروندبرآن ونتوانستند اورا سوراخ کردن (٩٧) .

قَالَ هٰذَا رَحْمَةٌ مِّنْ رَّبِّيْ ۚ فَاِذَا جَاۗءَ وَعْدُ رَبِّيْ جَعَلَهٗ دَكَّاۗءَ ۚ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّيْ حَقًّا ﴿٩٨﴾

گفت این صنعت نعمتی ست ازپروردگار من پس چون بیاید وعدهٔ پروردگار

من[١] كند آنرا هموار وهست وعدهٔ پروردگار من راست (٩٨) .

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ﴿٩٩﴾

وبگذاریم بعض ایشان را آن روزکه درهم آمیزنددربعض دیگر ودمیده شود درصور پس بهم آریم ایشان را بهم آوردن (٩٩) .

وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا ﴿١٠٠﴾

و روبروآریم دوزخ را آن روزپیش کافران روبرو آوردن (١٠٠) .

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ﴿١٠١﴾

آنانکه بود چشم های ایشان درپرده ازیادمن ونمی توانستند سخن شنیدن (١٠١) .

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ﴿١٠٢﴾

(یعنی ازشدت بغض) آیاپنداشتند کافران که دوست گرفتن ایشان بند گان مرا بجزمن موجب عقوبت نباشد هرآئینه ما آماده ساختیم دوزخ رابرای کافران جای فرودآمدن (١٠٢) .

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿١٠٣﴾

بگوآیا خبر دهیم شمارا بآنانکه زیانکار ترین مردم اند از روی عمل (١٠٣) .

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿١٠٤﴾

اینجماعت آنانند که‌گم شد سعی ایشان در زند گانی دنیا وایشان گمان می کنند که نیکوکاری می کنند درعمل (١٠٤) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا ﴿١٠٥﴾

این جماعت آنانندکه کافر شدند بآیات پروردگار خویش وبملاقات اوپس نابود شد اعمال ایشان پس برپانخواهیم ساخت برای ایشان روزقیامت هیچ وزنی[٢] (١٠٥) .

(١) یعنی نزدیك شود قیامت .

(٢) مترجم گوید واین کنایت ست ازخواری وبی قدری .

ذٰلِكَ جَزَآؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوْا وَاتَّخَذُوْٓا اٰيٰتِيْ وَرُسُلِيْ هُزُوًا ﴿١٠٦﴾

جزای ایشان دوزخ باشد بسبب آنکه کافر شدند وگرفتند آیات مرا و پیغامبران مرا به تمسخر (١٠٦) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنّٰتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند باشدایشان را بوستا نهای بهشت جای مهمانی (١٠٧) .

خٰلِدِيْنَ فِيْهَا لَا يَبْغُوْنَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿١٠٨﴾

آنجاجاویدان باشند نه طلبند ازآنجا بازگشتن (١٠٨) .

قُلْ لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمٰتِ رَبِّيْ لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ اَنْ تَنْفَدَ كَلِمٰتُ رَبِّيْ وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهٖ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾

بگو اگر باشد دریاسیاهی برای نوشتن سخنان پروردگار من البته تمام شود دریا پیش ازآنکه بآخررسد سخنان پروردگار من اگرچه بیاریم مانند آن دریادریائی دیگر بطریق مدد (١٠٩) .

قُلْ اِنَّمَآ اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوْحٰٓى اِلَيَّ اَنَّمَآ اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوْا لِقَآءَ رَبِّهٖ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَّلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهٖٓ اَحَدًا ﴿١١٠﴾

بگو جزاین نیست که من آدمی ام مانند شماوحی فرستاده می شود بسوی من که معبود شما همان معبود یکتاست پس هرکه توقع دارد ملاقات پروردگار خودرا باید که بکند کار پسندیده وشریك نیارد درعبادت پروردگار خویش هیچ کس را (١١٠) .

سوره مریم مکی است وآن نود و هشت آیت وشش رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

كٓهٰيٰعٓصٓ ﴿١﴾

کهٰیٰعٓصٓ (١) .

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهٗ زَكَرِيَّآ ﴿٢﴾

این است بیان بخشایش پرورد گارتو بربنده خود زکریا (٢) .

اِذْ نَادٰى رَبَّهٗ نِدَآءً خَفِيًّا ﴿٣﴾

چون نداکرد پروردگار خودرا (ندای) پنهان (٣) .

قَالَ رَبِّ اِنِّيْ وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّيْ وَاشْتَعَلَ الرَّاْسُ شَيْبًا وَّلَمْ اَكُنْ

گفت ای پرورد گار من هرآئینه سست

بِدُعَآئِكَ رَبِّ شَقِيًّا ﴿٤﴾

شده است استخوان ازبدن من وسرم ازسفيد موئى شعله ورگشة است ونبودم دردعاى تو اى پرورد گار من بى بهره (٤) .

وَاِنِّىْ خِفْتُ الْمَوَالِىَ مِنْ وَّرَآءِىْ وَكَانَتِ امْرَاَتِىْ عَاقِرًا فَهَبْ لِىْ مِنْ لَّدُنْكَ وَلِيًّا ﴿٥﴾

وهرآئينه من مى ترسم ازاقارب خود بعد ازخود وهست زن من نازاى پس عطا كن مرا از نزديك خود وارثى (٥) .

يَّرِثُنِىْ وَيَرِثُ مِنْ اٰلِ يَعْقُوْبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ﴿٦﴾

كه ميراث گيرد از من و ميراث گيرد از اولادِ يعقوب وبكن اوراای پرورد گار من مرد پسنديده (٦) .

يٰزَكَرِيَّآ اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلٰمِ اِۨسْمُهٗ يَحْيٰى لَمْ نَجْعَلْ لَّهٗ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا ﴿٧﴾

گفتيم اى زكريا هرآئينه مابشارت ميدهيم ترا بطفلى كه نام اويحيى است پيدا نكرديم پيش ازين هيچ هم نام اورا (٧) .

قَالَ رَبِّ اَنّٰى يَكُوْنُ لِىْ غُلٰمٌ وَّكَانَتِ امْرَاَتِىْ عَاقِرًا وَّقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ﴿٨﴾

بگفت اى پرورد گار من چگو نه پيدا شود براى من طفلى وهست زن من نازاى وهرآئينه رسيده ام از سبب كلان سالى بنهايتِ ضعف (٨) .

قَالَ كَذٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَىَّ هَيِّنٌ وَّقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا ﴿٩﴾

گفت هم چنين است وعده گفت پروردگار تواين كاربرمن آسان است و هرآئينه آفريدم تراپيش ازين ونه بودى تو چيزى (٩) .

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّىْٓ اٰيَةً قَالَ اٰيَتُكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلٰثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ﴿١٠﴾

گفت اى پروردگار من معين كن براى من نشانه اى فرمود نشانه توآنست كه سخن نتوانى گفتن بامردمان سه شبانه روزدرحالتيكه صحيح المزاج باشى (١٠) .

فَخَرَجَ عَلٰى قَوْمِهٖ مِنَ الْمِحْرَابِ فَاَوْحٰىٓ اِلَيْهِمْ اَنْ سَبِّحُوْا بُكْرَةً وَّعَشِيًّا ﴿١١﴾

پس بيرون آمد برقوم خود ازمحراب عبادت پس اشارت كرد بسوى ايشان كه تسبيح گوئيد صبح وشام[1] (١١) .

---

(١) مترجم گويد القصه چون يحيى متولد شدو دوساله گشت .

يٰيَحْيٰى خُذِ الْكِتٰبَ بِقُوَّةٍ ۗ وَاٰتَيْنٰهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ﴿١٢﴾	گفتيم اى يحيى بگير(احكام) كتاب را باستوارى ودادیمش دانائ درحال كودكى (١٢) .
وَّحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكٰوةً ۗ وَكَانَ تَقِيًّا ﴿١٣﴾	ودادیمش شفقتى ازنزديك خود وطهارت نفس وبود پرهيزگار (١٣) .
وَّبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا ﴿١٤﴾	ونيكوكردار به پدرومادر خود ونبودگردن كش گنهگار (١٤) .
وَسَلٰمٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوْتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ﴿١٥﴾	وسلام باد بروى روزيكه متولد شد و روزيكه بميرد وروزيكه برانگيخته شود زنده(١٥) .
وَاذْكُرْ فِى الْكِتٰبِ مَرْيَمَ ۘ اِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿١٦﴾	ويادكن دركتاب مريم را چون يكسوشد ازاهل خود جاى به سمت برآمدن آفتاب (١٦) .
فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُوْنِهِمْ حِجَابًا ۖ فَاَرْسَلْنَآ اِلَيْهَا رُوْحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾	پس گرفت اين جانب ازايشان پرده پس فرستاديم بسوى اوروح خودرا[1] پس به صورت بشرى درست اندام ظاهر شد پيش مريم (١٧) .
قَالَتْ اِنِّىْٓ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ﴿١٨﴾	گفت هرآئينه من پناه مى برم بخدا از تو ا گرپرهيزگارباشى (١٨) .
قَالَ اِنَّمَآ اَنَا رَسُوْلُ رَبِّكِ ۖ لِاَهَبَ لَكِ غُلٰمًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾	گفت جزاين نيست كه من فرستادهٔ پروردگارتوام تاعطاكنم ترا طفلى پاكيزه (١٩) .
قَالَتْ اَنّٰى يَكُوْنُ لِىْ غُلٰمٌ وَّلَمْ يَمْسَسْنِىْ بَشَرٌ وَّلَمْ اَكُ بَغِيًّا ﴿٢٠﴾	گفت چگو نه پيدا شود براى من طفلى ودست نرسانيده است بمن هيچ آدمى وهرگز نبودم زناكار (٢٠) .
قَالَ كَذٰلِكِ ۚ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَىَّ هَيِّنٌ ۚ وَلِنَجْعَلَهٗٓ اٰيَةً	گفت وعدهٔ حق هم چنين است فرمود

(١) يعنى جبرئيل عليه السلام را .

لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا ۚ وَكَانَ اَمْرًا مَّقْضِيًّا ﴿٢١﴾

پروردگار تو که این برمن آسان است ومی خواهیم که بسازیم این طفل رانشانه برای مردمان وبخشایشی ازجانب خود و هست این مقدمه کاری مقرر کرده شده (٢١) .

فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهٖ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٢﴾

پس به شکم بارگرفت آن طفل را پس یکسو شد مریم بسبب آن حمل بجائی دورازمردم (٢٢) .

فَاَجَآءَهَا الْمَخَاضُ اِلٰى جِذْعِ النَّخْلَةِ ۚ قَالَتْ يٰلَيْتَنِىْ مِتُّ قَبْلَ هٰذَا وَكُنْتُ نَسْيًا مَّنْسِيًّا ﴿٢٣﴾

پس آوردش دردِ زه بسوی تنه درخت خرما مریم گفت ای کاش می‌مردم پیش ازین ومی‌شدم فراموش ازخاطر رفته (٢٣) .

فَنَادٰىهَا مِنْ تَحْتِهَآ اَلَّا تَحْزَنِىْ قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿٢٤﴾

پس آواز داد اورا (طفل یا جبرئیل والله اعلم) ازجانب پائین اوکه اندوه مخورهر آئینه پیدا کرده است پروردگار تو پائین توجوئی (٢٤) .

وَهُزِّىْٓ اِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسٰقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا ﴿٢٥﴾

وبجنبان بسوی خویش تنهٔ درخت خرمارا تابیفگند برسر تو خرمای تازه (بالفعل از درخت چیده) (٢٥) .

فَكُلِىْ وَاشْرَبِىْ وَقَرِّىْ عَيْنًا ۚ فَاِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ اَحَدًا ۙ فَقُوْلِىْٓ اِنِّىْ نَذَرْتُ لِلرَّحْمٰنِ صَوْمًا فَلَنْ اُكَلِّمَ الْيَوْمَ اِنْسِيًّا ﴿٢٦﴾

پس بخورو بیاشام و آسوده چشم شو پس اگر ببینی ازآدمیان کسی را پس بگو هرآئینه من نذر کرده ام برای خدا روزه را پس سخن نخواهم گفت امروزباهیچ آدمی (٢٦) .

فَاَتَتْ بِهٖ قَوْمَهَا تَحْمِلُهٗ ۗ قَالُوْا يٰمَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿٢٧﴾

پس برداشته آورد عیسیٰ را پیش قوم خود گفتند ای مریم هرآئینه آوردی چیزی زشت را (٢٧) .

يٰٓاُخْتَ هٰرُوْنَ مَا كَانَ اَبُوْكِ امْرَاَ سَوْءٍ وَّمَا كَانَتْ اُمُّكِ بَغِيًّا ﴿٢٨﴾

ای خواهر هارون نه بود پدرتو مرد بد ونه بود مادرتو زنا کننده (٢٨) .

فَاَشَارَتْ اِلَيْهِ ۗ قَالُوْا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِى الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿٢٩﴾

پس مریم اشارت کرد بطفل خود گفتند

چگونه سخن گوئیم باکسیکه هست در گهواره درحال کودکی (٢٩) .

قَالَ اِنِّیْ عَبْدُاللّٰهِ ۗ اٰتٰىنِیَ الْكِتٰبَ وَجَعَلَنِیْ نَبِیًّا ۙ ﴿٣٠﴾

گفت عیسیٰ من بندۂ خداام داده است مراکتاب وساخته است مراپیغامبر (٣٠) .

وَّجَعَلَنِیْ مُبٰرَكًا اَیْنَ مَا كُنْتُ ۪ وَاَوْصٰنِیْ بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ مَا دُمْتُ حَیًّا ۪ۖ ﴿٣١﴾

وساخت مرا خدابابرکت هرجاکه باشم وحکم فرموده است مرا به نماز و زکوٰة مادامِیکه زنده باشم (٣١) .

وَّبَرًّاۢ بِوَالِدَتِیْ ۫ وَلَمْ یَجْعَلْنِیْ جَبَّارًا شَقِیًّا ﴿٣٢﴾

وساخت مرانیکوکار به مادر خود ونه کرده است مرا گردن کش بدبخت (٣٢) .

وَالسَّلٰمُ عَلَیَّ یَوْمَ وُلِدْتُّ وَیَوْمَ اَمُوْتُ وَیَوْمَ اُبْعَثُ حَیًّا ﴿٣٣﴾

وسلام برمن ست روزیکه متولد شدم وروزیکه بمیرم وروزیکه برانگیخته شوم زنده (٣٣) .

ذٰلِكَ عِیْسَی ابْنُ مَرْیَمَ ۚ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِیْ فِیْهِ یَمْتَرُوْنَ ﴿٣٤﴾

اینست قصه عیسیٰ پسرمریم (مرادمیدارم) سخن راست را که دروی مردمان اختلاف میکنند (٣٤) .

مَا كَانَ لِلّٰهِ اَنْ یَّتَّخِذَ مِنْ وَّلَدٍ ۙ سُبْحٰنَهٗ ؕ اِذَا قَضٰۤی اَمْرًا فَاِنَّمَا یَقُوْلُ لَهٗ كُنْ فَیَكُوْنُ ﴿٣٥﴾

نیست لائق خداآنکه بگیرد هیچ فرزندی پاکی اوراست چون بخواهد کاری را جزاین نیست که میگویدش بشو پس می شود (٣٥) .

وَاِنَّ اللّٰهَ رَبِّیْ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ ؕ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِیْمٌ ﴿٣٦﴾

وگفت عیسیٰ هرآئینه خدا پرورد گار منست و پرورد گار شما پس عبادت اوکنید اینست راه راست (٣٦) .

فَاخْتَلَفَ الْاَحْزَابُ مِنْۢ بَیْنِهِمْ ۚ فَوَیْلٌ لِّلَّذِیْنَ كَفَرُوْا مِنْ مَّشْهَدِ یَوْمٍ عَظِیْمٍ ﴿٣٧﴾

پس اختلاف کردند جماعت ها میان خویش پس وای کافران را ازحاضر شدن روزبزرگ (٣٧) .

اَسْمِعْ بِهِمْ وَاَبْصِرْ ۙ یَوْمَ یَاْتُوْنَنَا لٰكِنِ الظّٰلِمُوْنَ الْیَوْمَ فِیْ ضَلٰلٍ مُّبِیْنٍ ﴿٣٨﴾

چه قدر شنواباشند و چه قدربینا باشند روزی که بیایند پیش ما لیکن این ستم گاران امروز درگمراهي ظاهر اند (٣٨) .

وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٩﴾

وبترسان ایشان را از روز پشیمانی چون بانجام رسانیده شود کار وایشان درغفلت اندوایشان ایمان نمی آرند (٣٩) .

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿٤٠﴾

هرآئینه ماوارث شویم زمین را وهرکسی را که برزمین است وبسوی مابازگردانیده شوند (٤٠) .

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا ﴿٤١﴾

ویادکن درکتاب ابراهیم را هرآئینه وی بود راست کردار پیغمبری (٤١) .

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنكَ شَيْئًا ﴿٤٢﴾

یادکن چون گفت پدرخودرا ای پدرمن چراعبادت می کنی چیزی راکه نمی شنود ونه می بیند ودفع نمی کند ازتو چیزی (٤٢) .

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ﴿٤٣﴾

ای پدرمن هرآئینه آمده است پیش من ازعلم آنچه نیامده است پیش تو پس پیروی من کن تادلالت کنم ترا براه راست (٤٣) .

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ عَصِيًّا ﴿٤٤﴾

ای پدر من عبادت مکن شیطان را هرآئینه هست شیطان مرخدای را نافرمان (٤٤) .

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَٰنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿٤٥﴾

ای پدرمن می ترسم ازآنکه برسد به توعقوبتی ازخدا پس باشی قرین شیطان (٤٥) .

قَالَ أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ﴿٤٦﴾

گفت آیا روگردانی تو ازمعبودانِ من ای ابراهیم اگربازنه ایستی البته سنگسار کنم تراوترک صحبت من کن مدتی دراز (٤٦) .

قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿٤٧﴾

گفت سلام علیك آمرزش خواهیم طلبید برای تو ازپروردگار خویش هرآئینه وی هست برمن مهربان (٤٧) .

وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا

وکناره گیرم ازشما وازآنچه می پرستید

اَكُوْنَ بِدُعَآءِ رَبِّيْ شَقِيًّا ﴿٤٨﴾

بغیرازخداو خواهم عبادت کرد پروردگار خودرا امیدآنست که نباشم بسبب پرستش پروردگارخود بدبخت (٤٨) .

فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ۙ وَهَبْنَا لَهٗۤ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ ؕ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿٤٩﴾

پس چون کناره گرفت ازایشان وازآنچه می پرستیدند بغیراز خدا عطا کردیم وی را اسحق ویعقوب وهریکی را پیغامبرساختیم (٤٩) .

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِّنْ رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿٥٠﴾

وعطاکردیم ایشان را چیزهاازبخشش خود وساختیم برای ایشان ذکر جمیل بنهایت بزرگی (٥٠) .

وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ مُوْسٰۤى ؗ اِنَّهٗ كَانَ مُخْلَصًا وَّكَانَ رَسُوْلًا نَّبِيًّا ﴿٥١﴾

ویادکن درکتاب موسیٰ را هرآئینه وی بود خالص کرده شده بود فرستاده پیغامبری (٥١) .

وَنَادَيْنٰهُ مِنْ جَانِبِ الطُّوْرِ الْاَيْمَنِ وَقَرَّبْنٰهُ نَجِيًّا ﴿٥٢﴾

ونداکردیم اورااز جانبِ راست کوه طور ونزدیك ساختیم اورا رازگویان (٥٢) .

وَوَهَبْنَا لَهٗ مِنْ رَّحْمَتِنَاۤ اَخَاهُ هٰرُوْنَ نَبِيًّا ﴿٥٣﴾

وعطاکردیم اورا ازبخشش خود برادراو هارون نبی ساخته (٥٣) .

وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ اِسْمٰعِيْلَ ؗ اِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُوْلًا نَّبِيًّا ۚ ﴿٥٤﴾

ویادکن درکتاب اسمعیل را هرآئینه وی بود راست وعده وبود فرستاده پیغمبری (٥٤) .

وَكَانَ يَاْمُرُ اَهْلَهٗ بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ ۪ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهٖ مَرْضِيًّا ﴿٥٥﴾

ومی فرمود اهل خودرا بنماز و زکوٰة وبود نزدیك پروردگار خویش پسندیده (٥٥) .

وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ اِدْرِيْسَ ؗ اِنَّهٗ كَانَ صِدِّيْقًا نَّبِيًّا ۗ ﴿٥٦﴾

ویادکن درکتاب ادریس را هرآئینه وی بود راست کردار پیغامبری (٥٦) .

وَّرَفَعْنٰهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٧﴾

وبرداشتیم اورابمکانی بلند (٥٧) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِّنَ النَّبِيّٖنَ مِنْ ذُرِّيَّةِ اٰدَمَ ۗ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوْحٍ ؗ وَّمِنْ ذُرِّيَّةِ اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْرَآءِيْلَ ؗ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا ؕ اِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُ الرَّحْمٰنِ خَرُّوْا

اینجماعت آنانند که انعام کرد خدابرایشان اززمرهٔ پیغامبران ازفرزندان آدم وازنسل آنانکه برداشتیم بانوح واز ذُرّیت ابراهیم و یعقوب وازجمله آنانکه

سُجَّدًا وَّبُكِيًّا ۩ ﴿٥٨﴾

راه راست نمودیم ایشان را وبرگزیدیم چون خوانده می شدبرایشان آیات خدا می افتادند سجده کنان وگریان (٥٨) .

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ اَضَاعُوا الصَّلٰوةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوٰتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ﴿٥٩﴾

پس جانشین شد بعد ازایشان ناخلفی چند که ترك کردند نمازرا وپیروی کردند خواهش هارا پس خواهند یافت جزای گمراهی (٥٩) .

اِلَّا مَنْ تَابَ وَاٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَاُولٰٓئِكَ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُوْنَ شَيْئًا ﴿٦٠﴾

لیکن هرکه توبه کرد وایمان آورد و کارشائسته بعمل آورد پس آنجماعت درآیند دربهشت وهیچ ستم کرده نشود برایشان (٦٠) .

جَنّٰتِ عَدْنِ ِالَّتِيْ وَعَدَ الرَّحْمٰنُ عِبَادَهٗ بِالْغَيْبِ اِنَّهٗ كَانَ وَعْدُهٗ مَاْتِيًّا ﴿٦١﴾

بوستانهای همیشه ماندن که وعده داده است خدا بندگان خودرا نادیده هرآئینه هست وعده او آینده(٦١) .

لَا يَسْمَعُوْنَ فِيْهَا لَغْوًا اِلَّا سَلٰمًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيْهَا بُكْرَةً وَّعَشِيًّا ﴿٦٢﴾

نشنوند آنجاهیچ سخن بیهوده لیکن سلام شنوند وایشان را بُودَ روزی ایشان آنجا صبح و شام (٦٢) .

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِيْ نُوْرِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ﴿٦٣﴾

اینست آن بهشت که عطاکنیم ازبندگان خویش آن را که پرهیزگاربود (٦٣) .

وَمَا نَتَنَزَّلُ اِلَّا بِاَمْرِ رَبِّكَ لَهٗ مَا بَيْنَ اَيْدِيْنَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذٰلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ﴿٦٤﴾

و(فرشتگان گفتند که) فرونمی آئیم الّابحکم پروردگار تواوراست(علم) آنچه پیش ماست[1] وآنچه عقب ماست[2] وآنچه درمیان این ست و نیست پروردگار تو فراموش کار (٦٤) .

رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ

اوست پروردگار آسمان ها وزمین وآنچه

---

(١) یعنی قیامت .

(٢) یعنی ازابتدای خلق آسمان وزمین .

وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهٖ هَلْ تَعْلَمُ لَهٗ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾

ميان اينهاست پس عبادت اوكن وشكيباباش برعبادت وى آياميدانى براى‌او همنامى يعنى مانندى (٦٥) .

وَيَقُوْلُ الْاِنْسَانُ ءَاِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ اُخْرَجُ حَيًّا ﴿٦٦﴾

وميگويد آدمى (يعنى آدمى كافر) آيا چون بميرم بيرون آورده خواهم شد زنده (٦٦) .

اَوَلَا يَذْكُرُ الْاِنْسَانُ اَنَّا خَلَقْنٰهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ﴿٦٧﴾

آيا‌ياد نمى آورَد آدمى كه ماآفريديم اورا پيش ازين ونبود هيچ چيزى (٦٧) .

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيٰطِيْنَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿٦٨﴾

پس قسم پروردگار تو كه البته برانگيزيم اين منكران بعث را باشياطين بازحاضر كنيم ايشان را حوالى دوزخ بزانودرافتاده (٦٨) .

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيْعَةٍ اَيُّهُمْ اَشَدُّ عَلَى الرَّحْمٰنِ عِتِيًّا ﴿٦٩﴾

بازبركشيم ازهر امتى آن را كه ازايشان جرأت كننده ترست برخدا ازروى نافرمانى (٦٩) .

ثُمَّ لَنَحْنُ اَعْلَمُ بِالَّذِيْنَ هُمْ اَوْلٰى بِهَا صِلِيًّا ﴿٧٠﴾

بازما داناتريم بآنانكه سزاوار تراند بدرآمدن دوزخ (٧٠) .

وَاِنْ مِّنْكُمْ اِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلٰى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ﴿٧١﴾

ونيست ازشماهيچ كس مگر گذرنده برآن هست اين وعده لازم بر پروردگارتو مقرركرده شد (٧١) .

ثُمَّ نُنَجِّى الَّذِيْنَ اتَّقَوْا وَّنَذَرُ الظّٰلِمِيْنَ فِيْهَا جِثِيًّا ﴿٧٢﴾

بازبرهانيم متقيان را و بگذاريم ظالمان راآنجابزانو درافتاده (٧٢) .

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَيُّ الْفَرِيْقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَّاَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾

وچون خوانده شود برايشان آيات ما واضح آمده گويند كافران مسلمانان را كدام يك ازين دوگروه بهترست در مرتبه ونيكوتراست ازروى مجلس[1] (٧٣) .

وَكَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ اَحْسَنُ اَثَاثًا وَّرِءْيًا ﴿٧٤﴾

وبسيار هلاك كرديم پيش ازايشان طبقهٔ

(١) يعنى بعزت دنيامغرورشدند .

مردمان را که بهتر بودند باعتبار رخت خانه وازروی نموداری (٧٤) .

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلٰلَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمٰنُ مَدًّا ۚ حَتّٰى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا ﴿٧٥﴾

بگو هرکه باشد درگمراهی پس افزون میدهد اورا خداافزون دادنی تاوقتیکه چون بینند آنچه ترسانیده شدند یاعقوبت را ویاقیامت را پس خواهند دانست کدام یك بدترست درمرتبه وناتوان ترست باعتبار لشکر (٧٥) .

وَيَزِيدُ اللّٰهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى ۗ وَالْبٰقِيٰتُ الصّٰلِحٰتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَّخَيْرٌ مَّرَدًّا ﴿٧٦﴾

وزیاده میدهد خدا راه یابان را هدایت وحسنات پاینده شائسته بهترند نزدیك پرورد گار توازروی جزا ونیکو ترند ازجهت بازگشت (٧٦) .

اَفَرَءَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِاٰيٰتِنَا وَقَالَ لَاُوتَيَنَّ مَالًا وَّوَلَدًا ﴿٧٧﴾

آیادیدی آن را که کافرشد بآیاتِ ما وگفت البته داده شود مرا[1] مال وفرزند (٧٧) .

اَطَّلَعَ الْغَيْبَ اَمِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْدًا ﴿٧٨﴾

آیا مطلع شده است برغیب یا گرفته است ازنزدیك خدا عهدی (٧٨) .

كَلَّا ۚ سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ﴿٧٩﴾

نه چنان بُوَد، خواهیم نوشت آنچه می گوید وافزون دهیمش عقوبت افزون دادنی (٧٩) .

وَّنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَاْتِينَا فَرْدًا ﴿٨٠﴾

وبازستانیم پس ازوی آنچه می گوید وبیایدپیش ماتنها (٨٠) .

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ اٰلِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ﴿٨١﴾

وخدایان گرفتندبغیراز خدا تاباشند ایشان را سببِ عزت (٨١) .

كَلَّا ۚ سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ﴿٨٢﴾

نه چنان بود، منکرخواهندشد پرستشِ معبودان خود را وخواهند شد برایشان ستیزنده (٨٢) .

---

(١) یعنی درقیامت .

اَلَمْ تَرَ اَنَّآ اَرْسَلْنَا الشَّيٰطِيْنَ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ تَؤُزُّهُمْ اَزًّا ﴿٨٣﴾	آیاندیدی که فرستادیم شیاطین را برکافران می جنبانیدند ایشان را جنبانیدنی (٨٣).
فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ ؕ اِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ﴿٨٤﴾	پس شتاب مکن برایشان جزاین نیست که مدت می شماریم (٨٤) .
يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِيْنَ اِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْدًا ﴿٨٥﴾	روزیکه برانگیزیم متقیان را بسوی رحمن بصورت وفد (٨٥) .
وَّنَسُوْقُ الْمُجْرِمِيْنَ اِلٰى جَهَنَّمَ وِرْدًا ﴿٨٦﴾	وروان کنیم گنه گاران را بسوی دوزخ تشنگان (٨٦) .
لَا يَمْلِكُوْنَ الشَّفَاعَةَ اِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْدًا ﴿٨٧﴾	نتوانند شفاعت کردن الّاکسیکه گرفته است نزدیك خدا عهدی[1] (٨٧) .
وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمٰنُ وَلَدًا ﴿٨٨﴾	وگفتند فرزند گرفته است خدا (٨٨) .
لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا اِدًّا ﴿٨٩﴾	فرمود ایشان راهرآئینه آوردید چیزی زشتی (٨٩) .
تَكَادُ السَّمٰوٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْاَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ﴿٩٠﴾	نزدیك اندآسمان ها که بشگافند ازین سخن وبشگافد زمین وبیفتند کوه ها پاره پاره شده (٩٠) .
اَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمٰنِ وَلَدًا ﴿٩١﴾	بسبب آنکه نسبت دادند بخدا فرزندی را (٩١) .
وَمَا يَنْۢبَغِيْ لِلرَّحْمٰنِ اَنْ يَّتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾	ونه سزد خدا را که فرزند گیرد (٩٢) .
اِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِلَّآ اٰتِي الرَّحْمٰنِ عَبْدًا ﴿٩٣﴾	نیست هیچ یك ازآنکه درآسمان ها وزمین اند مگرآینده پیش رحمن بنده شده (٩٣) .
لَقَدْ اَحْصٰىهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿٩٤﴾	هر آئینه بعلم درگرفته است ایشان را وشمارکرده است ایشان راشماراکردنی (٩٤) .

(١) یعنی مسلمان شده ووعدهٔ ثواب را مستحق گشته .

وَكُلُّهُمْ اٰتِيْهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَرْدًا ﴿٩٥﴾

وهريك ازايشان آينده است پيش وى روزقيامت تنها (٩٥) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾

هرآئينه آنانكه ايمان آوردند وكارهاى شائسته كردند پيداخواهد كردبراى ايشان خدادوستى را[1] (٩٦) .

فَاِنَّمَا يَسَّرْنٰهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِيْنَ وَتُنْذِرَ بِهٖ قَوْمًا لُّدًّا ﴿٩٧﴾

جزاين نيست كه آسان ساختيم قرآن را بزبانِ توتامژده دهى بآن متقيان را وبترسانى به آن گروه ستيزند گان را (٩٧) .

وَكَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِّنْ اَحَدٍ اَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ﴿٩٨﴾

وبسيارهلاك كرديم پيش ازايشان طبقاتِ مردم آيامى بينى هيچ كس را ازايشان يامى شنوى ازايشان آواز آهسته (٩٨) .

سوره طٰه مكى است وآن يك صدوسى وپنج آيت وهشت ركوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

طٰهٰ ﴿١﴾

طٰهٰ (١) .

مَآ اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ لِتَشْقٰٓى ﴿٢﴾

فرونه فرستاديم برتوقرآن را تارنج كشى (٢) .

اِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَنْ يَّخْشٰى ﴿٣﴾

ليكن فروفرستاديم براى پنددادن كسى را كه بترسد (٣) .

تَنْزِيْلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْاَرْضَ وَالسَّمٰوٰتِ الْعُلٰى ﴿٤﴾

فروفرستادن ازجانب كسيكه آفريده است زمين را و آسمانهاى بلند را (٤) .

اَلرَّحْمٰنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوٰى ﴿٥﴾

وى بسيار بخشائنده است برعرش قرار گرفت (٥) .

لَهٗ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

اوراست آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمين است وآنچه درميان اينهاست

(١) يعنى بايك ديگردوست باشند .

وَمَا تَحْتَ الثَّرٰى ⑥
وآنچه زیرخاكِ نمناك ست (٦) .

وَاِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَاِنَّهٗ يَعْلَمُ السِّرَّ وَاَخْفٰى ⑦
واگرآشکارا کنی سخن را پس وی میداند سخن پنهان را وپنهان تررا[1] (٧) .

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى ⑧
خدا آنست که هیچ معبود برحقی نیست مگروی مراو راست نامهای نیکو (٨) .

وَهَلْ اَتٰىكَ حَدِيْثُ مُوْسٰى ⑨
وآیا آمده است بتوخبرِ موسیٰ (٩) .

اِذْ رَاٰ نَارًا فَقَالَ لِاَهْلِهِ امْكُثُوْٓا اِنِّيْٓ اٰنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّيْٓ اٰتِيْكُمْ مِّنْهَا بِقَبَسٍ اَوْ اَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ⑩
چون دید آتشی پس گفت اهل خودرا درنگ کنید هرآئینه من دیده ام آتشی امیددارم که بیارم پیش شماازآن آتش شعله ای یابیابم برآن آتش راه نمای (١٠) .

فَلَمَّآ اَتٰىهَا نُوْدِيَ يٰمُوْسٰى ⑪
پس چون بیامدنزدیك آتش آواز داده شد که ای موسیٰ (١١) .

اِنِّيْٓ اَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ ۚ اِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ⑫
هرآئینه من پروردگار تو ام پس ازپابیرون کن نعلین خودرا هرآئینه تو بمیدان پاك طوی هستی (١٢) .

وَاَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوْحٰى ⑬
ومن برگزیدم ترا پس گوش بنه بسوی آنچه وحی فرستاده می شود (١٣) .

اِنَّنِيْٓ اَنَا اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنَا فَاعْبُدْنِيْ وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِيْ ⑭
هرآئینه من خدایم نیست هیچ معبود برحق غیر من پس عبادتِ من بکن وبرپاکن نمازرا برای یادکردن من (١٤) .

اِنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ اَكَادُ اُخْفِيْهَا لِتُجْزٰى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعٰى ⑮
هرآئینه قیامت آمدنی است میخواهم که پنهان دارم وقت آن را تاجزا داده شود هر شخصی بمقابله آنچه می کند (١٥) .

فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَنْ لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوٰىهُ فَتَرْدٰى ⑯
پس باید که بازندارد تراازباورداشتن آن کسی که ایمان ندارد برآن وپیروی کرده است خواهش نفس خودرا آنگاه هلاك

(١) یعنی جهررابطریق اولیٰ میداند .

شوی (١٦) .

وَمَا تِلْكَ بِيَمِيْنِكَ يٰمُوْسٰى ﴿١٧﴾

وچیست این بدستِ راست توای موسیٰ (١٧) .

قَالَ هِيَ عَصَايَ ۚ اَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا وَاَهُشُّ بِهَا عَلٰى غَنَمِيْ وَلِيَ فِيْهَا مَاٰرِبُ اُخْرٰى ﴿١٨﴾

گفت این عصای من ست تکیه می کنم برآن وبرگ میریزم بآن برگوسفندان خود و مرا درین عصا کارهای دیگر نیز هست (١٨) .

قَالَ اَلْقِهَا يٰمُوْسٰى ﴿١٩﴾

گفت بافگن آنرا ای موسیٰ (١٩) .

فَاَلْقٰىهَا فَاِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعٰى ﴿٢٠﴾

پس بافگندش پس نا گهان ماری شد دوان (٢٠) .

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ ۫ سَنُعِيْدُهَا سِيْرَتَهَا الْاُوْلٰى ﴿٢١﴾

گفت بگیراین را و مترس بازخواهیم گردانید اورابشکل نخستینِ او (٢١) .

وَاضْمُمْ يَدَكَ اِلٰى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوْٓءٍ اٰيَةً اُخْرٰى ﴿٢٢﴾

وبهم آردستِ خودرا بسوی بغل خود تابیرون آید سفید شده ازغیر عیبی نشانی دیگر (٢٢) .

لِنُرِيَكَ مِنْ اٰيٰتِنَا الْكُبْرٰى ﴿٢٣﴾

میخواهیم که بنمائیم ترابعض نشانه های بزرگِ خویش (٢٣) .

اِذْهَبْ اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهٗ طَغٰى ﴿٢٤﴾

بروبسوی فرعون هرآئینه وی ازحد گذشته است (٢٤) .

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِيْ صَدْرِيْ ﴿٢٥﴾

گفت ای پرورد گار من کشاده کن برای من سینهٔ مرا (٢٥) .

وَيَسِّرْ لِيْٓ اَمْرِيْ ﴿٢٦﴾

و آسان کن برای من کارمرا (٢٦) .

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِيْ ﴿٢٧﴾

بکشای گره اززبان من (٢٧) .

يَفْقَهُوْا قَوْلِيْ ﴿٢٨﴾

تابفهمند سخن من (٢٨) .

وَاجْعَلْ لِّيْ وَزِيْرًا مِّنْ اَهْلِيْ ﴿٢٩﴾

ومقررکن برای من وزیری ازأهل من (٢٩) .

هٰرُوْنَ اَخِي ﴿٣٠﴾

هارون برادر مرا (٣٠) .

اشْدُدْ بِهٖٓ اَزْرِيْ ﴿٣١﴾

محکم کن بسبب اوتوانائی مرا (٣١) .

وَاَشْرِكْهُ فِيْٓ اَمْرِيْ ﴿٣٢﴾
وشريك كن اورا دركارمن (٣٢) .

كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيْرًا ﴿٣٣﴾
تاتسبيح توگوئيم بسيارى (٣٣) .

وَّنَذْكُرَكَ كَثِيْرًا ﴿٣٤﴾
ويادتوكنيم بسيارى (٣٤) .

اِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيْرًا ﴿٣٥﴾
هرآئينه تو هستى باحوال مابينا (٣٥) .

قَالَ قَدْ اُوْتِيْتَ سُؤْلَكَ يٰمُوْسٰى ﴿٣٦﴾
گفت هرآئينه داده شدى درخواست خود اى موسىٰ (٣٦) .

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً اُخْرٰٓى ﴿٣٧﴾
وهرآئينه احسان كرديم برتويك باردیگر (٣٧) .

اِذْ اَوْحَيْنَآ اِلٰٓى اُمِّكَ مَا يُوْحٰٓى ﴿٣٨﴾
چون الهام فرستاديم بسوى مادر توآنچه الهام كردنى بود (٣٨) .

اَنِ اقْذِفِيْهِ فِي التَّابُوْتِ فَاقْذِفِيْهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَاْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّيْ وَعَدُوٌّ لَّهٗ ۭ وَاَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّيْ ڬ وَلِتُصْنَعَ عَلٰي عَيْنِيْ ﴿٣٩﴾
كه بافگن اين طفل رادرصندوق پس افگن صندوق را دردريا تابيفگند اورا دريابكناره بگيردش دشمن من ودشمن وى وبافگندم برروى توقبول ازجانب خويش و خواستم كه پرورده شوى زير نظارت چشم من (٣٩) .

اِذْ تَمْشِيْٓ اُخْتُكَ فَتَقُوْلُ هَلْ اَدُلُّكُمْ عَلٰي مَنْ يَّكْفُلُهٗ ۭ فَرَجَعْنٰكَ اِلٰٓى اُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ڛ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنٰكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنّٰكَ فُتُوْنًا ڛ فَلَبِثْتَ سِنِيْنَ فِيْٓ اَهْلِ مَدْيَنَ ڏ ثُمَّ جِئْتَ عَلٰي قَدَرٍ يّٰمُوْسٰى ﴿٤٠﴾
چون مى رفت خواهر تو پس مى گفت آيادلالت كنم شمارا بركسيكه نگهبانى اين طفل كند پس بازآورديم ترابسوى مادرتو تاخنك شودچشم وى واندوهگين نباشد وبكشتى شخصى را پس خلاص ساختيم ترااز اندوه وآزموديم تراآزمودنى پس درنگ كردى سالهاى چند در اهل مدين بازآمدى موافق تقديرالهى اى موسىٰ (٤٠) .

وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِيْ ﴿٤١﴾
وساختم ترابراى خويش (٤١) .

اِذْهَبْ اَنْتَ وَاَخُوْكَ بِاٰيٰتِيْ وَلَا تَنِيَا فِيْ ذِكْرِيْ ﴿٤٢﴾
بروتو وبرادر تو بانشانه هاى من وسستى نكنيددرياد من (٤٢) .

اِذْهَبَآ اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهٗ طَغٰى ﴿٤٣﴾

بروبسوی فرعون هرآئینه وی ازحد گذشته است (٤٣) .

فَقُوْلَا لَهٗ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهٗ يَتَذَكَّرُ اَوْ يَخْشٰى ﴿٤٤﴾

پس بگوئید باوی سخن نرم بودکه پندپذیر شود یابترسد (٤٤) .

قَالَا رَبَّنَآ اِنَّنَا نَخَافُ اَنْ يَّفْرُطَ عَلَيْنَآ اَوْ اَنْ يَّطْغٰى ﴿٤٥﴾

گفتند ای پروردگارما هرآئینه مامی ترسیم ازآنکه تعدی کند برمایا ازحدگذرد (٤٥) .

قَالَ لَا تَخَافَآ اِنَّنِيْ مَعَكُمَآ اَسْمَعُ وَاَرٰى ﴿٤٦﴾

گفت مترسید هرآئینه من باشمایم می شنوم ومی بینم (٤٦) .

فَاْتِيٰهُ فَقُوْلَآ اِنَّا رَسُوْلَا رَبِّكَ فَاَرْسِلْ مَعَنَا بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ۙ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ ۭ قَدْ جِئْنٰكَ بِاٰيَةٍ مِّنْ رَّبِّكَ ۭ وَالسَّلٰمُ عَلٰى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدٰى ﴿٤٧﴾

پس بروید پیش وی پس بگوئید هرآئینه مافرستادگانِ پروردگار توایم پس بفرست بامابنی اسرائیل را وعذاب مکن ایشان را هرآئینه آوردیم پیش تونشانه ازجانب پروردگارتو وسلامتی کسی راست که پیروی راهِ هدایت کند (٤٧) .

اِنَّا قَدْ اُوْحِيَ اِلَيْنَآ اَنَّ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلّٰى ﴿٤٨﴾

هرآئینه وحی فرستاده شد بسوی ما که عذاب کسی را باشد که دروغ شمرد وروگردان شود[1] (٤٨) .

قَالَ فَمَنْ رَّبُّكُمَا يٰمُوْسٰى ﴿٤٩﴾

فرعون گفت پس کیست پروردگار شمای موسیٰ (٤٩) .

قَالَ رَبُّنَا الَّذِيْٓ اَعْطٰى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهٗ ثُمَّ هَدٰى ﴿٥٠﴾

گفت پروردگارماآنست که دادهر چیزی را صورت خالص اوبازراه نمودش (بطلب معاش خودش) (٥٠) .

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُوْنِ الْاُوْلٰى ﴿٥١﴾

گفت پس چیست حال قرنهای نخستین (٥١) .

قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّيْ فِيْ كِتٰبٍ ۚ لَا يَضِلُّ رَبِّيْ وَلَا يَنْسَى ﴿٥٢﴾

گفت علم آن نزدیك پروردگارمن ست درکتابی که خطا نه کند پروردگارمن ونه

---

(١) القصه این پیغام رسانیدند .

فراموش سازد (٥٢) .

اَلَّذِیْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ مَهْدًا وَّسَلَكَ لَكُمْ فِیْهَا سُبُلًا وَّاَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَخْرَجْنَا بِهٖۤ اَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتّٰى ﴿٥٣﴾

اوآنست که ساخت برای شما زمین را فرش وروان کرد برای شما درآن راه ها وفروفرستاد ازآسمان آب را پس بیرون آوردیم بآن آب انواع مختلف ازنبات (٥٣) .

كُلُوْا وَارْعَوْا اَنْعَامَكُمْ اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَاٰیٰتٍ لِّاُولِی النُّهٰى ﴿٥٤﴾

گفتیم بخورید وبچرانید چهار پایانِ خودرا هرآئینه درین مقدمه نشانه هاست خداوندان خردهارا (٥٤) .

مِنْهَا خَلَقْنٰكُمْ وَفِیْهَا نُعِیْدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً اُخْرٰى ﴿٥٥﴾

اززمین آفریدیم شمارا ودرزمین بازدرآریم شمارا واززمین بیرون کشیم شمارا باردیگر (٥٥) .

وَلَقَدْ اَرَیْنٰهُ اٰیٰتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَاَبٰى ﴿٥٦﴾

وهرآئینه نمودیم فرعون را نشانه های خویش تمام آن پس دروغ بشمردوقبول نکرد (٥٦) .

قَالَ اَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ اَرْضِنَا بِسِحْرِكَ یٰمُوْسٰى ﴿٥٧﴾

گفت آیا آمده ای تابیرون کنی مارا اززمین ما بجادوی خود ای موسیٰ (٥٧) .

فَلَنَاْتِیَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهٖ فَاجْعَلْ بَیْنَنَا وَبَیْنَكَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهٗ نَحْنُ وَلَاۤ اَنْتَ مَكَانًا سُوًى ﴿٥٨﴾

پس هرآئینه بیاریم پیش توجادوئی مانند آن پس معین کن میان ماومیان خود وعده گاهی که خلاف نکنیم آنراما ونه تو بجائی میانه شهر (٥٨) .

قَالَ مَوْعِدُكُمْ یَوْمُ الزِّیْنَةِ وَاَنْ یُّحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى ﴿٥٩﴾

گفت وعده گاه شما روزآرائش است وآنکه جمع کرده شوند مردمان وقت چاشتگاه (٥٩) .

فَتَوَلّٰى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَیْدَهٗ ثُمَّ اَتٰى ﴿٦٠﴾

پس بازگشت فرعون پس جمع کرد مکرخودرا بازبیامد (٦٠) .

قَالَ لَهُمْ مُّوْسٰى وَیْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوْا عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا فَیُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرٰى ﴿٦١﴾

گفت موسیٰ ساحران را وای برشما افتراء مکنیدبرخدا دروغ را آنگاه هلاك سازد شمارا بعذاب وهرآئینه بمطلب نرسید

هرکه افتراء کرد (٦١) .

فَتَنَازَعُوْٓا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَاَسَرُّوا النَّجْوٰى ﴿٦٢﴾

پس گفتگو کردند ساحران درباره کارخود درمیان خویش وپنهان گفتند راز را (٦٢) .

قَالُوْٓا اِنْ هٰذٰنِ لَسٰحِرٰنِ يُرِيْدٰنِ اَنْ يُّخْرِجٰكُمْ مِّنْ اَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيْقَتِكُمُ الْمُثْلٰى ﴿٦٣﴾

گفتند البته این دوشخص ساحران اند می خواهند که بیرون کنند شمارا ازسرزمین شما بسحر خود ومی خواهند که دور کنند دین شائستهٔ شمارا (٦٣) .

فَاَجْمِعُوْا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوْا صَفًّا ۚ وَقَدْ اَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلٰى ﴿٦٤﴾

پس بهم آرید اسباب سحر خودرا بازبیائید صف کشیده وهرآئینه رستگارشودامروز هرکه غالب آید (٦٤) .

قَالُوْا يٰمُوْسٰٓى اِمَّآ اَنْ تُلْقِيَ وَاِمَّآ اَنْ نَّكُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَلْقٰى ﴿٦٥﴾

گفتند ای موسیٰ یا اینست که توافگنی یعنی عصارا ویاباشیم ماأوّل کسیکه افگند (٦٥) .

قَالَ بَلْ اَلْقُوْا ۚ فَاِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ اِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ اَنَّهَا تَسْعٰى ﴿٦٦﴾

گفت بلکه شما افگنید پس ناگهان ریسمانهای ایشان وعصاهای ایشان نمودارشد پیش موسیٰ بسبب سحر ایشان که می دوند (٦٦) .

فَاَوْجَسَ فِيْ نَفْسِهٖ خِيْفَةً مُّوْسٰى ﴿٦٧﴾

پس یافت درضمیر خود موسیٰ ترسی را (٦٧) .

قُلْنَا لَا تَخَفْ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعْلٰى ﴿٦٨﴾

گفتیم مترس هرآئینه توئی غالب (٦٨) .

وَاَلْقِ مَا فِيْ يَمِيْنِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوْا ۗ اِنَّمَا صَنَعُوْا كَيْدُ سٰحِرٍ ۗ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ اَتٰى ﴿٦٩﴾

وبیفگن آنچه دردست راست تست تافروبردآنچه را که ساحران ساخته اند هر آئینه آنچه ساخته اند جادوی جادو کننده است ورستگارنمی شود ساحر هرجاکه رود(القصه هم چنین شد) (٦٩) .

فَاُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوْٓا اٰمَنَّا بِرَبِّ هٰرُوْنَ وَمُوْسٰى ﴿٧٠﴾

پس انداخته شدند ساحران سجده کنان گفتند ایمان آوردیم به پروردگار هارون وموسیٰ (٧٠) .

قَالَ اٰمَنْتُمْ لَهٗ قَبْلَ اَنْ اٰذَنَ لَكُمْ اِنَّهٗ لَكَبِيْرُكُمُ الَّذِيْ عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَاُقَطِّعَنَّ اَيْدِيَكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَّلَاُصَلِّبَنَّكُمْ فِيْ جُذُوْعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ اَيُّنَآ اَشَدُّ عَذَابًا وَّاَبْقٰى ﴿٧١﴾

گفت (فرعون) آیا باورداشتید اوراپیش ازآنکه دستوری دهم شمارا هرآئینه وی بزرگ شماست که آموخته است شماراسحر هرآئینه ببرم دست های شما وپاهای شمارا یکی ازجانب راست ودیگرازجانب چپ والبته بردارکشم شمارا برتنه های درخت خرماوالبته خواهید دانست که کدام یك ازماسخت ترست عذاب او وپاینده ترست (٧١) .

قَالُوْا لَنْ نُّؤْثِرَكَ عَلٰى مَا جَآءَنَا مِنَ الْبَيِّنٰتِ وَالَّذِيْ فَطَرَنَا فَاقْضِ مَآ اَنْتَ قَاضٍ اِنَّمَا تَقْضِيْ هٰذِهِ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ﴿٧٢﴾

گفتند هرگز ترجیح ندهیم ترا برآنچه آمده ست پیشماازدلائل وترجیح ندهیم ترا برخدائی که آفریدمارا پس حکم کن هرچه تو حکم کننده باشی جزاین نیست که حکم کنی درین زندگانی دنیا (٧٢) .

اِنَّآ اٰمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطٰيٰنَا وَمَآ اَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللّٰهُ خَيْرٌ وَّاَبْقٰى ﴿٧٣﴾

هرآئینه ایمان آوردیم به پروردگار خویش تابیا مرزد برای ما گناهانِ مارا وآنچه جبرکردی مارا برآنکه سحر کنیم وخدا بهترست وپاینده ترست (٧٣) .

اِنَّهٗ مَنْ يَّاْتِ رَبَّهٗ مُجْرِمًا فَاِنَّ لَهٗ جَهَنَّمَ لَا يَمُوْتُ فِيْهَا وَلَا يَحْيٰى ﴿٧٤﴾

هرآئینه هرکه بیاید پیش پروردگار خویش گنهگار پس اوراست دوزخ نمیردآنجاونه زنده شود (٧٤) .

وَمَنْ يَّاْتِهٖ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصّٰلِحٰتِ فَاُولٰٓئِكَ لَهُمُ الدَّرَجٰتُ الْعُلٰى ﴿٧٥﴾

وآنکه بیاید پیش اومسلمان شده وعملهای شائسته کرده پس این جماعت ایشان راست درجه های بلند (٧٥) .

جَنّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا وَذٰلِكَ جَزٰٓؤُا مَنْ تَزَكّٰى ﴿٧٦﴾

بوستانهای همیشه ماندن می رود زیرآن جویها جاویدان آنجا واینست جزای هرکه پاك شده است (٧٦) .

وَلَقَدْ اَوْحَيْنَآ اِلٰى مُوْسٰٓى اَنْ اَسْرِ بِعِبَادِيْ فَاضْرِبْ

وهرآئینه وحی فرستادیم بسوی موسیٰ که وقت شب ببر بندگان مرا پس بساز برای

لَهُمْ طَرِيْقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَّا تَخٰفُ دَرَكًا وَّلَا تَخْشٰى ﴿٧٧﴾

ایشان راه خشك دردریا مترس ازدریا فتن دشمن ووسواس نه کنی ازغرق شدن (٧٧) .

فَاَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُوْدِهٖ فَغَشِيَهُمْ مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ﴿٧٨﴾

پس تعاقب ایشان کرد فرعون بالشکر های خویش پس پوشانید ایشان را ازدریا آنچه پوشانیدایشان را (٧٨) .

وَاَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهٗ وَمَا هَدٰى ﴿٧٩﴾

وگمراه کرد فرعون قوم خودرا وراه نه نمود (٧٩) .

يٰبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ قَدْ اَنْجَيْنٰكُمْ مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوٰعَدْنٰكُمْ جَانِبَ الطُّوْرِ الْاَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوٰى ﴿٨٠﴾

گفتیم ای بنی اسرائیل هر آئینه نجات دادیم شمارا از دشمنان شماو وعده دادیم شمارا[1] بجانب راست طور وفروفرستادیم برشما من وسلویٰ (٨٠) .

كُلُوْا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيْهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِيْ ۚ وَمَنْ يَّحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِيْ فَقَدْ هَوٰى ﴿٨١﴾

گفتیم بخورید ازلذائذ آنچه روزی دادیم شمارا وازحد مگذرید درباب آن روزی آنگاه ثابت شود برشماخشم من وهرکه ثابت شد بروی خشم من البته هلاك شد (٨١) .

وَاِنِّيْ لَغَفَّارٌ لِّمَنْ تَابَ وَاٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدٰى ﴿٨٢﴾

وهرآئینه من آمرزنده ام کسی را که توبه کردو ایمان آوردوکارشائسته کرد بازراه راست یافت (٨٢) .

وَمَآ اَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يٰمُوْسٰى ﴿٨٣﴾

وچه[2] چیز بشتاب آورد ترا غافل مانده ازقوم خود ای موسیٰ (٨٣) .

قَالَ هُمْ اُولَآءِ عَلٰٓى اَثَرِيْ وَعَجِلْتُ اِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضٰى ﴿٨٤﴾

گفت قوم من ایشان اند بریئ من وشتافتم بسوی توای پروردگار من

(١) یعنی بدادن تورات .

(٢) مترجم گوید چون موسیٰ باهفتاد کس ازقوم خود بجانب طورمتوجه شدحضرت موسیٰ ازهمه سبقت کرد خطاب رسید والله اعلم .

تاخوشنودشوی (٨٤) .

قَالَ فَاِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْۢ بَعْدِكَ وَاَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ﴿٨٥﴾

گفت خداهر آئینه مادر فتنه انداختیم قوم ترا پس ازتو وگمراه ساخت ایشان را سامری (٨٥) .

فَرَجَعَ مُوْسٰٓى اِلٰى قَوْمِهٖ غَضْبَانَ اَسِفًا ۚ قَالَ يٰقَوْمِ اَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا ۚ اَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ اَمْ اَرَدْتُّمْ اَنْ يَّحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَاَخْلَفْتُمْ مَّوْعِدِيْ ﴿٨٦﴾

پس بازگشت موسیٰ بسوی قوم خود خشم گرفته اندوه خورده گفت ای قوم من آیا وعده نداده بودشمارا پروردگار شما وعده نیك آیا درازشد برشما مدت[1] یا خواستید که واجب شود برشما خشمی ازپروردگار شما پس خلاف کردید وعدهٔ مرا (٨٦) .

قَالُوْا مَآ اَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلٰكِنَّا حُمِّلْنَآ اَوْزَارًا مِّنْ زِيْنَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنٰهَا فَكَذٰلِكَ اَلْقَى السَّامِرِيُّ ﴿٨٧﴾

گفتند خلاف نه کردیم وعدهٔ ترا باختیارِ خویش ولیکن مارا تکلیف کردند تابرداشتیم بارها ازپیرایهٔ قوم قبط پس افگندیم آنرا[2] وهم چنین افگند سامری (٨٧) .

فَاَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهٗ خُوَارٌ فَقَالُوْا هٰذَآ اِلٰهُكُمْ وَاِلٰهُ مُوْسٰى ۬ فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾

بازبیرون آورد برای ایشان گوساله کالبدی که اورا آواز گوساله بود پس گفتند اتباع سامری اینست پروردگار شماو پروردگار موسیٰ پس فراموش کرده است موسیٰ (٨٨) .

اَفَلَا يَرَوْنَ اَلَّا يَرْجِعُ اِلَيْهِمْ قَوْلًا ۙ وَّلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَّلَا نَفْعًا ﴿٨٩﴾

آیانمی دیدنداین گمراهان که بازنمی گرداند بسوی ایشان سخنی را ونمی تواند برای ایشان هیچ زیانی ونه سودی (٨٩) .

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هٰرُوْنُ مِنْ قَبْلُ يٰقَوْمِ اِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهٖ ۚ وَاِنَّ

وهرآئینه گفته بودایشان را هارون پیش

(١) يعنى مدت مفارقت من .

(٢) يعنى درآتش .

رَبُّكُمُ الرَّحْمٰنُ فَاتَّبِعُوْنِيْ وَاَطِيْعُوْٓا اَمْرِيْ ﴿٩٠﴾

ازین ای قوم من جزاین نیست که مبتلا شده ایدباین گوساله وهرآئینه پرورد گار شماخدا ست پس پیروی کنید وانقیاد حکم من نمائید (٩٠) .

قَالُوْا لَنْ نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عٰكِفِيْنَ حَتّٰى يَرْجِعَ اِلَيْنَا مُوْسٰى ﴿٩١﴾

گفتند همیشه مجاور خواهیم بود براین گوساله تاوقتیکه بازآید بسوی ما موسیٰ (٩١) .

قَالَ يٰهٰرُوْنُ مَا مَنَعَكَ اِذْ رَاَيْتَهُمْ ضَلُّوْٓا ﴿٩٢﴾

موسیٰ آمده گفت ای هارون چه چیزبازداشت تراچون دیدی ایشان را گمراه شدند (٩٢) .

اَلَّا تَتَّبِعَنِ ؕ اَفَعَصَيْتَ اَمْرِيْ ﴿٩٣﴾

ازآنکه پیروی من کنی[1] آیاخلافِ حکم من کردی (٩٣) .

قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَاْخُذْ بِلِحْيَتِيْ وَلَا بِرَاْسِيْ ۚ اِنِّيْ خَشِيْتُ اَنْ تَقُوْلَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِيْ ﴿٩٤﴾

گفت ای پسرِمادرِمن مگیرریش مرا ونه موی سرمرا هرآئینه من ترسیدم ازآنکه گوئی جدائی افگندی درمیان فرزندان یعقوب ونگاه نداشتی سخن مرا (٩٤) .

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يٰسَامِرِيُّ ﴿٩٥﴾

گفت موسیٰ پس چیست حال تو ای سامری (٩٥) .

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوْا بِهٖ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ اَثَرِ الرَّسُوْلِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذٰلِكَ سَوَّلَتْ لِيْ نَفْسِيْ ﴿٩٦﴾

گفت بیناشدم بآنچه سائر مردم بینانه شدند بآن پس گرفتم مشتی خاك ازنقش پای فرستاده (یعنی جبرئیل) پس افگندم آنرا[2] وبهمین صفت بیاراست پیش من نفس من (٩٦) .

قَالَ فَاذْهَبْ فَاِنَّ لَكَ فِي الْحَيٰوةِ اَنْ تَقُوْلَ لَا مِسَاسَ

گفت پس بروهرآئینه ترادرزند گانی سزااینست که گوئی دست رسانیدن

---

(١) یعنی بقتال اهلِ ضلال .

(٢) یعنی درکالبدی که از زرساخته بود بشکل گوساله .

وَانَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ تُخْلَفَهٗ وَانْظُرْ اِلٰۤى اِلٰهِكَ الَّذِیْ ظَلْتَ عَلَیْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهٗ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهٗ فِی الْیَمِّ نَسْفًا ﴿٩٧﴾

ممکن نیست[1] وهرآئینه تراوعدهٔ دیگر است که خلاف کرده نشود درحق تو وببین بسوی معبود خود که مجاورشده بودی برآن البته بسوزانیم آن را پس حتما پراگنده سازیم آن را دردریا پراگنده ساختن (٩٧) .

اِنَّمَاۤ اِلٰهُكُمُ اللّٰهُ الَّذِیْ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَیْءٍ عِلْمًا ﴿٩٨﴾

جزاین نیست که معبود شماخدا است آنکه نیست هیچ معبود بحق بجزاو فرا رسیده است بهرچیز ازروی دانش (٩٨) .

كَذٰلِكَ نَقُصُّ عَلَیْكَ مِنْ اَنْۢبَآءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ اٰتَیْنٰكَ مِنْ لَّدُنَّا ذِكْرًا ﴿٩٩﴾

(یا محمد) این چنین حکایت می کنیم برتو ازاخبار آنچه گذشته است وهرآئینه داده ایم ترااز نزدیك خویش پندی (٩٩) .

مَنْ اَعْرَضَ عَنْهُ فَاِنَّهٗ یَحْمِلُ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وِزْرًا ﴿١٠٠﴾

هرکه روبگرداندازآن پس وی بردارد درروزقیامت باری را[2] (١٠٠) .

خٰلِدِیْنَ فِیْهِ وَسَآءَ لَهُمْ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ حِمْلًا ﴿١٠١﴾

جاویدان درآن (بارکشیدن) و وی بدباری است ایشان را روزقیامت بارکشیدن (١٠١) .

یَّوْمَ یُنْفَخُ فِی الصُّوْرِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِیْنَ یَوْمَىِٕذٍ زُرْقًا ﴿١٠٢﴾

روزی که دمیده شود درصور وبرانگیزیم گناهگاران را آن روزکبودچشم گشته (١٠٢) .

یَّتَخَافَتُوْنَ بَیْنَهُمْ اِنْ لَّبِثْتُمْ اِلَّا عَشْرًا ﴿١٠٣﴾

پنهان حرف زنند درمیان خویش که درنگ نه کردید یعنی دردنیا مگر ده شبانه روز (١٠٣) .

نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا یَقُوْلُوْنَ اِذْ یَقُوْلُ اَمْثَلُهُمْ طَرِیْقَةً اِنْ لَّبِثْتُمْ اِلَّا یَوْمًا ﴿١٠٤﴾

مادانا تریم بحقیقت آنچه می گویند چون بگوید بهترین ایشان درروش درنگ

---

(١) یعنی اگرباکسی همنشین شدی هردوراتب می گرفت .

(٢) یعنی گناهی را .

نکرده اید مگریك روز (١٠٤) .

وَيَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّيْ نَسْفًا ﴿١٠٥﴾

ومی پرسند ترا ازکوهها بگو پرا گنده کند آنهارا پرورد گار من پرا گنده کردن (١٠٥) .

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ﴿١٠٦﴾

پس بگذارد زمین رامیدانی هموار (١٠٦) .

لَا تَرٰى فِيْهَا عِوَجًا وَّلَآ اَمْتًا ﴿١٠٧﴾

نه بینی درآنجاهیچ کجی ونه هیچ بلندی (١٠٧) .

يَوْمَئِذٍ يَّتَّبِعُوْنَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهٗ ۚ وَخَشَعَتِ الْاَصْوَاتُ لِلرَّحْمٰنِ فَلَا تَسْمَعُ اِلَّا هَمْسًا ﴿١٠٨﴾

آن روز ازپیئ آوازکننده روند[1] هیچ کجی نباشد آن اتباع را وپست شوند آواز هابرای خدا پس نشنوی مگرآواز نرم (پچ پچ) (١٠٨) .

يَوْمَئِذٍ لَّا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ اِلَّا مَنْ اَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَرَضِيَ لَهٗ قَوْلًا ﴿١٠٩﴾

آن روز نفع نه دهد شفاعت مگربرای کسیکه دستوری داده است خدا اورا وپسند کرده ست اوراازروی گفتار[2] (١٠٩) .

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيْطُوْنَ بِهٖ عِلْمًا ﴿١١٠﴾

میداند آنچه پیش روی آدمیان ست وآنچه پس پشت ایشان است وآدمیان درنگیرند خداراازروی دانش (١١٠) .

وَعَنَتِ الْوُجُوْهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّوْمِ ۗ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴿١١١﴾

ونیایش کنند چهره های مردمان برای زنده خبرگیرنده هرآئینه بمطلب نرسیدهرکه برداشت ستم را (١١١) .

وَمَنْ يَّعْمَلْ مِنَ الصّٰلِحٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخٰفُ ظُلْمًا وَّلَا هَضْمًا ﴿١١٢﴾

وهرکه بجاآورد کارهای شائسته واومومن باشد پس وی نترسد ازستمی ونه ازنقصانی (١١٢) .

وَكَذٰلِكَ اَنْزَلْنٰهُ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا وَّصَرَّفْنَا فِيْهِ مِنَ الْوَعِيْدِ

وهمچنین فروفرستادیم کتاب را قرآن

---

(١) یعنی انقیاداسرافیل کنند .
(٢) یعنی مسلمان باشد .

لَعَلَّهُمْ يَتَّقُوْنَ اَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿١١٣﴾

عربی وگونا گون بیان کردیم اندرآن ترسانیدن را تابودکه پرهیز گارشوند یاپیدا کنددرحق ایشان پندرا (١١٣) .

فَتَعٰلَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ۚ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْاٰنِ مِنْ قَبْلِ اَنْ يُّقْضٰۤى اِلَيْكَ وَحْيُهٗ ۫ وَقُلْ رَّبِّ زِدْنِىْ عِلْمًا ﴿١١٤﴾

پس بلند قدرست خدابادشاه ثابت وشتابی مکن بخواندنِ قرآن پیش ازآن که بانجام رسانیده شود بسوی تو وحی او وبگو ای پروردگار من بیفزا مرا دانشی (١١٤) .

وَلَقَدْ عَهِدْنَاۤ اِلٰۤى اٰدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِىَ وَلَمْ نَجِدْ لَهٗ عَزْمًا ﴿١١٥﴾

وهرآئینه حکم فرستادیم بسوی آدم پیش ازین پس فراموش کرد و نیافتیم برای اوقصد محکم (١١٥) .

وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْۤا اِلَّاۤ اِبْلِيْسَ ؕ اَبٰى ﴿١١٦﴾

ویادکن چون گفتیم فرشتگان راکه سجده کنید برای آدم (علیه السلام) پس سجده کردند مگرابلیس قبول نه کرد (١١٦) .

فَقُلْنَا يٰۤاٰدَمُ اِنَّ هٰذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقٰى ﴿١١٧﴾

پس گفتیم ای آدم هرآئینه این دشمن ست ترا و زن ترا پس باید که بیرون نه کند شمارا ازبهشت که آنگاه رنج کشی (١١٧) .

اِنَّ لَكَ اَلَّا تَجُوْعَ فِيْهَا وَلَا تَعْرٰى ﴿١١٨﴾

هرآئینه تراهست دربهشت این که گرسنه نشوی درآنجاو برهنه نشوی (١١٨) .

وَاَنَّكَ لَا تَظْمَؤُا فِيْهَا وَلَا تَضْحٰى ﴿١١٩﴾

وآنکه توتشنه نشوی آنجا وگرمی آفتاب نیابی (١١٩) .

فَوَسْوَسَ اِلَيْهِ الشَّيْطٰنُ قَالَ يٰۤاٰدَمُ هَلْ اَدُلُّكَ عَلٰى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلٰى ﴿١٢٠﴾

پس وسوسه انداخت بسوی آدم شیطان گفت ای آدم آیادلالت کنم ترا بردرخت همیشه بودن وبرپادشاهی که کهنه نه گردد (١٢٠) .

فَاَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْاٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفٰنِ عَلَيْهِمَا

پس خوردند ازآن درخت پس ظاهر شدایشان را شرمگاهِ ایشان ودر گرفتند که می چسپانیدند برخویش ازبرگِ درختان

مِنْ وَّرَقِ الْجَنَّةِ ۡ وَعَصٰٓى اٰدَمُ رَبَّهٗ فَغَوٰى ﴿١٢١﴾

بهشت ونافرمانی کرد آدم پروردگارخودرا پس گم کردراه را (١٢١) .

ثُمَّ اجْتَبٰهُ رَبُّهٗ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدٰى ﴿١٢٢﴾

بازبرگزیدش پروردگار اوپس (برحمت) بازگشت بروی وراه نمود (١٢٢) .

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيْعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۚ فَاِمَّا يَاْتِيَنَّكُمْ مِّنِّىْ هُدًى ۙ فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَاىَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقٰى ﴿١٢٣﴾

گفت فروروید شماهردوازین بهشت بعض اولاد شما بعض دیگررا دشمن باشند پس ا گربیاید بشما از جانب من هدایتی پس هرکه پیروئ هدایت من کند گمراه نشود ورنج نکشد (١٢٣) .

وَمَنْ اَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِىْ فَاِنَّ لَهٗ مَعِيْشَةً ضَنْكًا وَّنَحْشُرُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَعْمٰى ﴿١٢٤﴾

وهرکه روگردان شود ازیادکردن من پس اورا بود زند گانی تنگ و نابینا برانگیزیم اورا روزقیامت (١٢٤) .

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِىْٓ اَعْمٰى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيْرًا ﴿١٢٥﴾

گوید ای پروردگار من چرا نابینا برانگیختی مرا وهرآئینه پیش ازین بینابودم (١٢٥) .

قَالَ كَذٰلِكَ اَتَتْكَ اٰيٰتُنَا فَنَسِيْتَهَا ۚ وَكَذٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسٰى ﴿١٢٦﴾

گوید همچنین آمد بتوآیاتهای ماپس تغافل کردی ازآن وهمچنین امروز تغافل کرده شود درحق تو (١٢٦) .

وَكَذٰلِكَ نَجْزِىْ مَنْ اَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْۢ بِاٰيٰتِ رَبِّهٖ ۚ وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَشَدُّ وَاَبْقٰى ﴿١٢٧﴾

وهمچنین سزامیدهم آن را که ازحد گذشت و ایمان نیاورد بآیاتِ پروردگار خود وهرآئینه عذابِ آخرت سخت تروپاینده ترست (١٢٧) .

اَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُوْنِ يَمْشُوْنَ فِىْ مَسٰكِنِهِمْ ۗ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّاُولِى النُّهٰى ﴿١٢٨﴾

آیاراه نه نمود ایشان راآنکه بسیارهلاك کردیم پیش ایشان ازطبقات مردمان را می روند درمنازل آن هلاك شد گان هرآئینه درین مقدمه نشانهاست خداوندانِ خردرا (١٢٨) .

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَّاَجَلٌ مُّسَمًّى ﴿١٢٩﴾

و ا گر نبودی سختی که سابقاً صادر شد ازپروردگارتو ونبودی وقتی معین

هرآئینه عذاب لازم شدی (١٢٩) .

فَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُوْلُوْنَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوْعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوْبِهَا ۚ وَمِنْ اٰنَآئِ الَّيْلِ فَسَبِّحْ وَاَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضٰى ﴿١٣٠﴾

پس صبر کن برآنچه می گویند وتسبیح گوباحمد پروردگار خویش پیش ازبرآمدن آفتاب وپیش ازفروشدن آن وبعض ساعتهای شب واطرافِ روز تسبیح گو بود که خوشنودشوی (١٣٠) .

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ اِلٰى مَا مَتَّعْنَا بِهٖۤ اَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۙ لِنَفْتِنَهُمْ فِيْهِ ؕ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَّاَبْقٰى ﴿١٣١﴾

وبازمکشای دو چشم خودرا بسوی آنچه بهره مند ساخته ایم بآن جماعت هاراازایشان ازقسم آرایشِ زندگانئ دنیا تابیآزمائیم ایشان را درآن وروزئ پروردگار تو بهترست وپاینده ترست (١٣١) .

وَاْمُرْ اَهْلَكَ بِالصَّلٰوةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ؕ لَا نَسْئَلُكَ رِزْقًا ؕ نَحْنُ نَرْزُقُكَ ؕ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوٰى ﴿١٣٢﴾

وبفرما اهل خودرابه نماز وشکیبائی کن برادای آن نمی طلبیم ازتوروزی دادن ماروزی میدهیم ترا وعاقبت خیراهل تقویٰ راست (١٣٢) .

وَقَالُوْا لَوْلَا يَاْتِيْنَا بِاٰيَةٍ مِّنْ رَّبِّهٖ ؕ اَوَلَمْ تَاْتِهِمْ بَيِّنَةُ مَا فِى الصُّحُفِ الْاُوْلٰى ﴿١٣٣﴾

وگفتند کافران چرانمی آرد پیش مانشانه ای ازجانب پروردگار خویش آیانیامده است بایشان دلیل واضح ازجنس آنچه درکتابهای پیشین ست[1] (١٣٣) .

وَلَوْ اَنَّاۤ اَهْلَكْنٰهُمْ بِعَذَابٍ مِّنْ قَبْلِهٖ لَقَالُوْا رَبَّنَا لَوْلَاۤ اَرْسَلْتَ اِلَيْنَا رَسُوْلًا فَنَتَّبِعَ اٰيٰتِكَ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَّذِلَّ وَنَخْزٰى ﴿١٣٤﴾

و اگرما هلاك کردیم ایشان را بعقوبتی پیش ازفرستادن پیغامبر هرآئینه گفتند ای پروردگار چرانه فرستادی بسوی ما پیغمبری تاپیروی آیات تومی کردیم پیش ازآنکه خوارشویم ورسواگردیم (١٣٤) .

---

(١) یعنی قرآن مشتمل ست برقصص وغیر آن موافق کتب سابقه .

قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ ﴿١٣٥﴾

بگوهريك منتظرست پس شما نيز منتظر باشيد پس خواهيد دانست كيانند اهل راهِ راست وكه راه يافت (١٣٥) .

سوره انبياء مكى است وآن يك صدودوازده آيت وهفت ركوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ ﴿١﴾

نزديك شد به مردمان حساب ايشان وايشان درغفلت روگردانند(١) .

مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿٢﴾

نمى آيد بايشان هيچ پند ازجانب پروردگار ايشان نوپديد آورده مگربشنوند آن را بازى كنان (٢) .

لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ ۗ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ ۖ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٣﴾

غافل شده دل هاى ايشان وپنهان راز گفتند ايشان اين ظالمان كه نيست اين شخص مگر آدمى مانند شما آيااقبال مى كنيدبسحر وشمامى بينيد (٣) .

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۖ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٤﴾

گفت پيغامبر پروردگارمن مى داند هر سخنى را كه درآسمان وزمين باشدواوشنوا داناست (٤) .

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ ﴿٥﴾

بلكه گفتند اين قرآن خواب هاى پريشان ست بلكه مى گويند بربسته است آنرابلكه مى گويند اوشاعرست پس بايد كه بياردپيش مانشانه چنان كه فرستاده شدند بآن نخستينيان[1] (٥) .

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا ۖ أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾

ايمان نياورده بود پيش ازايشان هيچ ديهى كه هلاك كرديم آن را آياايشان

(١) مترجم گويد مرادازنشانهٔ عقوبت عام مى داشتند مثل طوفان قوم نوح وصرصرقوم هود والله اعلم .

ایمان خواهند آورد (٦) .

وَمَآ اَرْسَلْنَا قَبْلَكَ اِلَّا رِجَالًا نُّوْحِیٓ اِلَیْهِمْ فَسْـَٔلُوْٓا اَهْلَ الذِّكْرِ اِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ۝٧

ونه فرستادیم پیش ازتو مگرمردان را که وحی می فرستادیم بایشان پس بپرسیدازاهل کتاب اگرشما نمی دانید (٧) .

وَمَا جَعَلْنٰهُمْ جَسَدًا لَّا یَاْكُلُوْنَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوْا خٰلِدِیْنَ ۝٨

ونساختیم پیغمران را کالبدی که نخورند طعام ونه بودند جاوید باشند گان (٨) .

ثُمَّ صَدَقْنٰهُمُ الْوَعْدَ فَاَنْجَیْنٰهُمْ وَمَنْ نَّشَآءُ وَاَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِیْنَ ۝٩

بازراست کردیم درحق ایشان وعده را پس برهانیدیم ایشان را وهرکراخواستیم وهلاك کردیم ازحد گذرند گان را(٩) .

لَقَدْ اَنْزَلْنَآ اِلَیْكُمْ كِتٰبًا فِیْهِ ذِكْرُكُمْ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ۝١٠

هرآئینه فروفرستادیم بسوی شماکتابی که دروهست پندما آیانمی فهمید (١٠) .

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْیَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَّاَنْشَاْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا اٰخَرِیْنَ ۝١١

وبسیار شکستیم ازاهل دیهی که ستمگار بودند ونوپیدا ساختیم بعدآن گروهِ دیگر را (١١) .

فَلَمَّآ اَحَسُّوْا بَاْسَنَآ اِذَا هُمْ مِّنْهَا یَرْكُضُوْنَ ۝١٢

پس چون دیدند عذاب ما ناگهان ایشان ازآنجا می دویدند (١٢) .

لَا تَرْكُضُوْا وَارْجِعُوْٓا اِلٰی مَآ اُتْرِفْتُمْ فِیْهِ وَمَسٰكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْـَٔلُوْنَ ۝١٣

گفتیم مگریزید وبازروید بسوی مکانی که آسود گی داده شد شمارا درآن و بسوی خانهائ خویش تابود که پرسیده شوید[1] (١٣) .

قَالُوْا یٰوَیْلَنَآ اِنَّا كُنَّا ظٰلِمِیْنَ ۝١٤

گفتند ای وای ماراهرآئینه بودیم ستمگار (١٤) .

فَمَا زَالَتْ تِّلْكَ دَعْوٰىهُمْ حَتّٰی جَعَلْنٰهُمْ حَصِیْدًا خٰمِدِیْنَ ۝١٥

پس همیشه این بود گفتارایشان تاوقتیکه گردانیدیم ایشان را مثل زراعت درووده شده مانند آتش فرومرده (١٥) .

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَآءَ وَالْاَرْضَ وَمَا بَیْنَهُمَا لٰعِبِیْنَ ۝١٦

ونیافریدیم آسمان وزمین را وآنچه

---

(١) یعنی بغمخوارگی قوم احوال شما پرسند .

درمیان آنهاست بازی کنان (١٦) .

لَوْ أَرَدْنَآ أَن نَّتَّخِذَ لَهْوًا لَّاتَّخَذْنَٰهُ مِن لَّدُنَّآ إِن كُنَّا فَٰعِلِينَ ﴿١٧﴾

اگرمی خواستیم که بسازیم بازیچه[1] هرآئینه می ساختیم آن را ازنزدیك خویش اگرکننده می بودیم[2] (١٧) .

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ ۚ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾

بلکه می افگنیم حق را برباطل پس سرش می شکند پس ناگهان باطل نابود شود و وای شماراست ازآن چه بیان می کنید (١٨) .

وَلَهُ مَن فِي السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَمَنْ عِندَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿١٩﴾

واوراست آنکه درآسمان هاوزمین ست وآنانکه نزدیك اویند[3] سرکشی نمی کنند ازعبادت او ومانده نمی شوند (١٩) .

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾

تسبیح می گویند شب وروز سستی نمی نمایند (٢٠) .

أَمِ اتَّخَذُوٓا۟ ءَالِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ ﴿٢١﴾

آیااین چنین معبودان گرفته اند ازامتعهٔ زمین[4] که ایشان را بعدموت بازبرانگیزانند[5] (٢١) .

لَوْ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ۚ فَسُبْحَٰنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾

اگربودی درآسمان و زمین خدایان چند غیرخدا هردوتباه گشتندی پاکی خدائراست خداوند عرش ازآنچه صفت

---

(١) یعنی زن وفرزند .

(٢) یعنی مجردمی بودند واین مناقضه لطیفه است حاصل آنکه دررسل این استبعادجاری نیست که چرا آدمی رسول باشد بلکه آن رادر تنزیه اززن وفرزندمی توان تقریر کرد که اگرخداراازن وفرزندمی بودند مجرد وواجب الوجود جامع اوصاف کمال می بودند والله اعلم .

(٣) یعنی ملااعلی .

(٤) یعنی ازذهب وفضه .

(٥) مرادازین کلام ردست برعبادت اصنام .

می کنند (٢٢) .

لَا يُسْـَٔلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْـَٔلُوْنَ ﴿٢٣﴾

پرسیده نمی شود خدا ازآنچه می کند وایشان پرسیده می شوند (٢٣) .

اَمِ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖۤ اٰلِهَةً ؕ قُلْ هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ ۚ هٰذَا ذِكْرُ مَنْ مَّعِىَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِىْ ؕ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ۙ الْحَقَّ فَهُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٢٤﴾

ایامعبودان گرفته اند بجز خدا بگوبیارید دلیل خودرا اینست کتاب آنانکه بامن اند واینست کتاب آنانکه پیش ازمن بودند بلکه اکثر ایشان نمی دانند حق را پس ایشان روگردانند (٢٤) .

وَمَاۤ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا نُوْحِىْۤ اِلَيْهِ اَنَّهٗ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّاۤ اَنَا فَاعْبُدُوْنِ ﴿٢٥﴾

ونه فرستادیم پیش ازتو هیچ پیغمبری الّاوحی می فرستادیم بسوی وی که نیست هیچ معبود برحق غیر من پس پرستش من کنید (٢٥) .

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمٰنُ وَلَدًا سُبْحٰنَهٗ ؕ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُوْنَ ۙ ﴿٢٦﴾

وگفتند فرزند گرفته است خدا پاکی اوراست بلکه آنانکه درحق ایشان این زعم دارندبند گانِ گرامی اند (٢٦) .

لَا يَسْبِقُوْنَهٗ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِاَمْرِهٖ يَعْمَلُوْنَ ﴿٢٧﴾

پیش دستی نمی کنند برخدا بهیچ سخن وایشان بفرمان وی کارمی کنند (٢٧) .

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُوْنَ ۙ اِلَّا لِمَنِ ارْتَضٰى وَهُمْ مِّنْ خَشْيَتِهٖ مُشْفِقُوْنَ ﴿٢٨﴾

میداند خداآنچه درپیش روی ایشان ست وآنچه پس پشت ایشان ست وشفاعت نمی کنند الّابرای کسیکه خداخوشنودشده است وایشان ازترسِ خدا مضطربانند (٢٨) .

وَمَنْ يَّقُلْ مِنْهُمْ اِنِّىْۤ اِلٰهٌ مِّنْ دُوْنِهٖ فَذٰلِكَ نَجْزِيْهِ جَهَنَّمَ ؕ كَذٰلِكَ نَجْزِى الظّٰلِمِيْنَ ﴿٢٩﴾

وهرکه بگویدازایشان که من خدایم بجزخدا سزا دهیم اورا دوزخ همچنین سزامی دهیم ستمگاران (٢٩) .

اَوَلَمْ يَرَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْۤا اَنَّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ

آیا نه دیدند کافران که آسمان ها وزمین بسته بودند پس وا کردیم این هارا[1]

(١) مترجم گوید وا کردن آسمان ها نازل کردن مطرست ووا کردن زمین رویانیدن گیاه=

كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنٰهُمَا ۖ وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَآءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ۖ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٠﴾

وپيداكرديم ازآب هرچيز زنده را آياايمان نمى آرند (٣٠) .

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣١﴾

وپيداكرديم درزمين كوه هاازبراى احتراز ازآنكه بجنباند ايشان را وپيداكرديم درآنجا كشاده راه ها تابود كه ايشان راه يابند (٣١) .

وَجَعَلْنَا السَّمَآءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا ۖ وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿٣٢﴾

وساختيم آسمان را سقفى نگاه داشته شده وايشان ازنشان هاى آسمان روگردانند (٣٢) .

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٣﴾

واوست آنكه آفريد شب و روزرا وخورشيد را وماه را هريكى ازستارها درآسمانى شنامى كنند (٣٣) .

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ ۖ أَفَإِنْ مِّتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ ﴿٣٤﴾

ونداديم هيچ آدمى را پيش ازتو هميشه بودن آيا اگر توبميرى ايشان هميشه باشندگانند (٣٤) .

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۗ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ۖ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٣٥﴾

هرشخص چشندۀ مرگ است ومبتلامى كنيم شمارا بسختى وآسودگى بطريق امتحان وبسوى ما بازگردانيده شويد (٣٥) .

وَإِذَا رَآكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا ۖ أَهٰذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ ۖ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمٰنِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٣٦﴾

وچون ببينند ترا كافران نمى‌گيرند ترا مگر به تمسخر مى‌گويند آيااين شخص است كه يادمى كند (يعنى باهانت) معبودانِ شمارا وايشان يادخدا را منكر اند (٣٦) .

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ ۚ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿٣٧﴾

آفريده شد آدمى ازشتاب[(١)] خواهم نمودشما رانشانهاى خويش پس شتاب

= ازوى .

(١) اين كنايت است ازغلبۀ استعجال برآدمى والله اعلم .

طلب مکنیدازمن (۳۷) .

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۳۸﴾

ومی گویند کی خواهد بود این وعده اگر راست گو هستید (۳۸) .

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿۳۹﴾

اگربدانند کافران صورت حال آن وقت که باز نتوانند داشت ازروی رویهای خویش آتش را ونه ازپشت های خویش ونه ایشان نصرت داده شوند(چنین نه گفتندی) (۳۹) .

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿۴۰﴾

بلکه بیاید بایشان قیامت ناگهان پس حیران گرداندایشان راپس نتوانند دفع کردن ان و نه ایشان مهلت داده شوند (۴۰) .

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿۴۱﴾

وهرآئینه تمسخر کرده شد به پیغامبران پیش ازتو پس درگرفت باآنانکه تمسخر کردند ازایشان آنچه بآن استهزا می کردند (۴۱) .

قُلْ مَنْ يَكْلَؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿۴۲﴾

بگو که نگهبانی می کند شمارا شب و روز ازعقوبتِ خدا بلکه ایشان از یاد پروردگار خویش روگردان اند (۴۲) .

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ ﴿۴۳﴾

آیاایشان را معبودانند غیرماکه نگاه می دارند ایشان را ازمصائب نمی توانند نصرت دادن خویش را ونه ایشان ازعقوبت ما به جمعیتِ خود محفوظ مانند (۴۳) .

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿۴۴﴾

بلکه بهره مند ساخته ایم ایشان را وپدران ایشان را تاوقتیکه درازشد برایشان مدت عمر آیانمی بینند که مادرگرفت می کنیم زمین دارالحرب را می کاهیم آن را ازجوانب آن آیا ایشان غلبه

کنند گانند[1] (٤٤) .

قُلْ إِنَّمَآ أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ ۚ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَآءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ ﴿٤٥﴾

بگوجزاین نیست که می ترسانم شمارا بمضمون وحی ونمی شنوند کران آوازِ خواندن را چون ترسانیده می شوند (٤٥).

وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿٤٦﴾

و اگر رسد بایشان اندکی از عقوبت پروردگار تو هرآئینه گویند ای وای مارا هر آئینه مابودیم ستمگاران (٤٦) .

وَنَضَعُ الْمَوَٰزِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَٰمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْـًٔا ۖ وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا ۗ وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ ﴿٤٧﴾

ودرمیان نهیم ترازوئ عدل را روزقیامت پس ستم کرده نشود برهیچ کس هیچ چیز و اگرباشد عمل هم سنگ دانهٔ سپندان حاضر کنیم آن را وماحساب کننده بسیم (٤٧) .

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَآءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ وهارون را کتاب فیصله کننده وروشنی وپندی پرهیزگاران را (٤٨) .

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُم مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ﴿٤٩﴾

آنانکه می ترسند ازپروردگار خویش غائبانه وایشان ازقیامت ترسندگانند (٤٩) .

وَهَٰذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَٰهُ ۚ أَفَأَنتُمْ لَهُۥ مُنكِرُونَ ﴿٥٠﴾

واین قرآن پندی هست بابرکت فروفرستادیم آن را آیا شما بآن منکر اید (٥٠) .

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَآ إِبْرَٰهِيمَ رُشْدَهُۥ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِۦ عَٰلِمِينَ ﴿٥١﴾

وهرآئینه دادیم ابراهیم را راه یابئ او پیش ازین وبودیم باحوال اودانا (٥١) .

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ مَا هَٰذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِىٓ أَنتُمْ لَهَا عَٰكِفُونَ ﴿٥٢﴾

چون گفت پدرخودرا وقوم خودراچیست این صورت ها که شمابرآن مجاورت دارید (٥٢) .

(١) یعنی باسلام اسلم وغفارپیش ازهجرت .

قَالُوْا وَجَدْنَآ اٰبَآءَنَا لَهَا عٰبِدِيْنَ ﴿٥٣﴾

گفتند یافتیم پدران خودرا آن را پرستنده (٥٣) .

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ اَنْتُمْ وَاٰبَآؤُكُمْ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٥٤﴾

گفت هرآئینه بودید شما و پدران شما درگمراهیٔ ظاهر (٥٤) .

قَالُوْٓا اَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ اَمْ اَنْتَ مِنَ اللّٰعِبِيْنَ ﴿٥٥﴾

گفتند آیا آوردی بما سخن راست رایاتو ازبازی کنند گانی (٥٥) .

قَالَ بَلْ رَّبُّكُمْ رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ الَّذِيْ فَطَرَهُنَّ ۖ وَاَنَا عَلٰى ذٰلِكُمْ مِّنَ الشّٰهِدِيْنَ ﴿٥٦﴾

گفت بلکه پروردگارشما خداوند آسمان ها وزمین است آنکه آفرید این هارا ومن براین سخن ازگواهانم (٥٦) .

وَتَاللّٰهِ لَاَكِيْدَنَّ اَصْنَامَكُمْ بَعْدَ اَنْ تُوَلُّوْا مُدْبِرِيْنَ ﴿٥٧﴾

وبخدا قسم که البته بدسگالیِ کنم بتانِ شمارا بعد ازآن که روبگردانید پشت داده (٥٧) .

فَجَعَلَهُمْ جُذٰذًا اِلَّا كَبِيْرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ اِلَيْهِ يَرْجِعُوْنَ ﴿٥٨﴾

پس ساخت آنهارا ریزه ریزه مگر بتِ بزرگ راازایشان تابود که بسوی اوایشان باز گردند (٥٨) .

قَالُوْا مَنْ فَعَلَ هٰذَا بِاٰلِهَتِنَآ اِنَّهٗ لَمِنَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٥٩﴾

گفتند که کرده است این کار بمعبودان ماهرآئینه وی ازستمگاران ست (٥٩) .

قَالُوْا سَمِعْنَا فَتًى يَّذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهٗٓ اِبْرٰهِيْمُ ﴿٦٠﴾

گفتند شنیدیم جوانی را که ذکر بتان میکرد یعنی عیب می کرد گفته می شود اورا ابراهیم (٦٠) .

قَالُوْا فَاْتُوْا بِهٖ عَلٰٓى اَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُوْنَ ﴿٦١﴾

گفتند بیارید اورا بحضور چشمهای مردمان تابود که ایشان گواهی دهند (٦١) .

قَالُوْٓا ءَاَنْتَ فَعَلْتَ هٰذَا بِاٰلِهَتِنَا يٰٓاِبْرٰهِيْمُ ﴿٦٢﴾

گفتند آیا تو کردی این کار بمعبودان ما ای ابراهیم (٦٢) .

قَالَ بَلْ فَعَلَهٗ ۖ كَبِيْرُهُمْ هٰذَا فَسْـَٔلُوْهُمْ اِنْ كَانُوْا يَنْطِقُوْنَ ﴿٦٣﴾

گفت بلکه کرده است آن را این بتِ بزرگ ایشان پس سوال کنید ازبتان اگرسخن می گویند (٦٣) .

فَرَجَعُوٓا إِلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوٓا إِنَّكُمْ أَنتُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٦٤﴾

پس رجوع کردند بخویشتن پس گفتند بایکدیگر هرآئینه شماايد ستمگار (٦٤).

ثُمَّ نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ ﴿٦٥﴾

پس نگونسار شدند برسر خويش (واين كنايت ست ازملزم شدن) هرآئینه تومیدانی که ایشان سخن نمی گویند (٦٥) .

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْـًٔا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾

گفت آیا عبادت می کنید بجز خداچیزی را که هیچ نفع نمی رساند بشما وزیان نکند شمارا (٦٦) .

أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ ۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾

ناخوشی است بشما وبآنچه شمامی پرستید بجز خدا آیانمی فهمید (٦٧) .

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَٱنصُرُوٓا ءَالِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَٰعِلِينَ ﴿٦٨﴾

بایك دیگر گفتند که بسوزانید اورا و نصرت دهید خدایان خودرا اگر کننده اید[1] (٦٨) .

قُلْنَا يَٰنَارُ كُونِى بَرْدًا وَسَلَٰمًا عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ ﴿٦٩﴾

گفتیم ای آتش سردشو وسلامتی باش برابراهیم (٦٩) .

وَأَرَادُوا بِهِۦ كَيْدًا فَجَعَلْنَٰهُمُ ٱلْأَخْسَرِينَ ﴿٧٠﴾

و خواستند باو فریب کردن پس ساختیم ایشان را زیان کار تر (٧٠) .

وَنَجَّيْنَٰهُ وَلُوطًا إِلَى ٱلْأَرْضِ ٱلَّتِى بَٰرَكْنَا فِيهَا لِلْعَٰلَمِينَ ﴿٧١﴾

وبرهانیدیم ابراهیم را و لوط را بسوی زمینی که برکت نهادیم درآن عالم هارا[2] (٧١) .

وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۖ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَٰلِحِينَ ﴿٧٢﴾

وعطا کردیم اورا اسحق وعطا کردیم اورایعقوب که نبيرهٔ ابراهیم بود وهر یکی راساختیم نیکوکار (٧٢) .

وَجَعَلْنَٰهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَآ إِلَيْهِمْ فِعْلَ

وپیشوا گردانیدیم ایشان را راه می نمودند بفرمان ما ووحی فرستادیم بسوی

---

(١) القصه درآتش انداختند .

(٢) یعنی سرزمین شام .

الْخَيْرٰتِ وَإِقَامَ الصَّلٰوةِ وَإِيتَآءَ الزَّكٰوةِ ۚ وَكَانُوا لَنَا عٰبِدِينَ ﴿٧٣﴾

ایشان کردن نیکوئیها وبرپاداشتن نماز ودادنِ زکوٰة وبودند مارا عبادت کنندگان (٧٣).

وَلُوطًا آتَيْنٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنٰهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَّعْمَلُ الْخَبٰٓئِثَ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فٰسِقِينَ ﴿٧٤﴾

ولوط را دادیم حکمت و علم وبرهانیدیم اورا از دیهی که می کرد کارهای ناپاك هرآئینه ایشان بودند قوم بد گنهگار (٧٤).

وَأَدْخَلْنٰهُ فِي رَحْمَتِنَا ۖ إِنَّهُ مِنَ الصّٰلِحِينَ ﴿٧٥﴾

ودرآوردیم اورا برحمت خویش هرآئینه وی بود ازشائسته کاران (٧٥) .

وَنُوحًا إِذْ نَادٰى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنٰهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾

ویاد کن نوح را چون ندا کردپیش ازین پس قبول کردیم دعای اورا پس خلاص کردیم اورا وکسان اورا از اندوه بزرگ (٧٦) .

وَنَصَرْنٰهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيٰتِنَا ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنٰهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٧٧﴾

ونصرت دادیم اورا برقومی که دروغ شمردند آیات مارا هرآئینه ایشان بودند گروهی بد پس غرق کردیم ایشان را همه یکجا (٧٧) .

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمٰنَ إِذْ يَحْكُمٰنِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ ۚ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شٰهِدِينَ ﴿٧٨﴾

ویادکن داوٗد و سلیمان راچون حکم کردند درباب زراعت چون بوقت شب چراکرد درآن گوسفندان گروهی وبودیم برحکم ایشان حاضر[1] (٧٨) .

فَفَهَّمْنٰهَا سُلَيْمٰنَ ۚ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَسَخَّرْنَا

پس فهمانیدیم طریق فیصله کردن خصومت سلیمان راوهر یکی را داده

(١) یعنی گوسفند انِ قومی درزراعت قومی دیگر بوقتِ شب درآمدند وچراکردند داوٗد علیه السلام حکم کرد بدادن گوسفند انِ عوض زراعت سلیمان حکم کرداین قوم را باصلاح زراعت وآن قوم را بانتفاع از شیر غنم تاوقتیکه زراعت بحال خود رسد حکم سلیمان اصوب بود والله اعلم .

مَعَ دَاوٗدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ ۚ وَكُنَّا فٰعِلِيْنَ ﴿٧٩﴾

بودیم حکمت ودانش ومسخر گردانیدیم با داؤد کوه ها را که بااوتسبیح می گفتند ومرغان را نیز مسخر ساختیم ومابودیم کننده (٧٩) .

وَعَلَّمْنٰهُ صَنْعَةَ لَبُوْسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِّنْ بَاْسِكُمْ ۚ فَهَلْ اَنْتُمْ شٰكِرُوْنَ ﴿٨٠﴾

وبیاموختیم اوراساختنِ لباسی برای شما که نگاه دارد شمارا ازضررکارزار شما[١] پس آیا هستید شکر کننده (٨٠) .

وَلِسُلَيْمٰنَ الرِّيْحَ عَاصِفَةً تَجْرِيْ بِاَمْرِهٖٓ اِلَى الْاَرْضِ الَّتِيْ بٰرَكْنَا فِيْهَا ۚ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عٰلِمِيْنَ ﴿٨١﴾

ومسخر ساختیم برای سلیمان بادتندوَزِنده می رفت بفرمان وَی بسوی زمینیی که برکت نهادیم درآن (یعنی شام) وبودیم بهرچیز دانا (٨١) .

وَمِنَ الشَّيٰطِيْنِ مَنْ يَّغُوْصُوْنَ لَهٗ وَيَعْمَلُوْنَ عَمَلًا دُوْنَ ذٰلِكَ ۚ وَكُنَّا لَهُمْ حٰفِظِيْنَ ﴿٨٢﴾

ومسخر ساختیم ازدیوان جماعتی را که غواصی می کردند برای وی ومی کردند کاری غیر آن نیزو بودیم ایشان را نگاه دارنده (٨٢) .

وَاَيُّوْبَ اِذْ نَادٰى رَبَّهٗٓ اَنِّيْ مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّٰحِمِيْنَ ﴿٨٣﴾

و یادکن ایوب را چون نداکرد بجناب پروردگار خویش بآنکه مرا رسیده است رنج وتو مهربان ترین مهربانانی (٨٣) .

فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ فَكَشَفْنَا مَا بِهٖ مِنْ ضُرٍّ وَّاٰتَيْنٰهُ اَهْلَهٗ وَمِثْلَهُمْ مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرٰى لِلْعٰبِدِيْنَ ﴿٨٤﴾

پس قبول کردیم دعای اورا پس دورساختیم آنچه باوی بود ازرنج وعطاکردیم اورافرزندان او ومانند ایشان همراه ایشان بسبب مهربانی ازنزدیك خویش وتاپندی بود عبادت کنندگان را (٨٤) .

وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِدْرِيْسَ وَذَا الْكِفْلِ ۚ كُلٌّ مِّنَ الصّٰبِرِيْنَ ﴿٨٥﴾

ویادکن اسمعیل راو ادریس را وذوالکفل را هریکی ازصبر کنندگان بود (٨٥) .

وَاَدْخَلْنٰهُمْ فِيْ رَحْمَتِنَا ۚ اِنَّهُمْ مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿٨٦﴾

ودرآوردیم ایشان را در رحمت خود هرآئینه ایشان ازنیکوکاران بودند (٨٦) .

---

(١) یعنی ساختن زره .

وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَٰهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٧﴾

ویادکن ذوالنون راچون رفت خشم خورده[١] پس گمان کرد که تنگ نگیریم بروی[٢] پس ندا کرد درتاریکی ها بآن که هیچ معبود بحق نیست غیرتو پاکی تراست هرآئینه من بودم ازستمگاران (٨٧) .

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ ۚ وَكَذَٰلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾

پس قبول کردیم دعای اورا ونجات دادیمش ازغم وهمچنین نجات می دهیم مسلمانان را (٨٨) .

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿٨٩﴾

ویادکن زکریا را چون ندا کرد بجناب پروردگار خود ای پروردگار من مگذارمرا تنها وتو بهترین وارثانی (٨٩) .

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا ۖ وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ ﴿٩٠﴾

پس قبول کردیم دعای اورا وبخشیدیم اورا یحییٰ ونیکوساختیم برای اوزن اورا هرآئینه این پیغامران شتاب می کردند درنیکی ها ومی خواندند مارا بتوقع و خوف وبودند برای ما نیاز مند (٩٠) .

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿٩١﴾

ویادکن زنی را که بعفت نگاه داشت شرمگاهِ خودرا پس دمیدیم درآن روح خودرا وساختیم اورا وپسر اورا نشانه برای عالمها (٩١) .

إِنَّ هَٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿٩٢﴾

گفتیم هرآئینه اینست ملتِ شما ملت یکتاومن پروردگار شما ام پس عبادت من کنید[٣] (٩٢) .

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ ۖ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ ﴿٩٣﴾

ومتفرق شدندامت هادرکارخود[٤]

---

(١) یعنی برقوم خود بغیراذن الهی والله اعلم .

(٢) القصه حوت اورابحلق درکشید .

(٣) یعنی اصل دین واحد ست واختلاف درفروع می باشد .

(٤) یعنی دراصل دین .

درميان خويش هر يك بسوى مارجوع كنندگان اند (٩٣) .

فَمَنْ يَّعْمَلْ مِنَ الصّٰلِحٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهٖ ۚ وَاِنَّا لَهٗ كٰتِبُوْنَ ﴿٩٤﴾

پس هركه بكند ازجنس كارهاى شائسته واومومن باشد پس ناقبولى نه بُوَد سعى اورا وهرآئينه براى اومى نويسيم (٩٤) .

وَحَرٰمٌ عَلٰى قَرْيَةٍ اَهْلَكْنٰهَآ اَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُوْنَ ﴿٩٥﴾

ومحال است برهرديهى كه هلاك كرديم اوراآنكه بازگردند (يعنى بدنيا) (٩٥) .

حَتّٰٓى اِذَا فُتِحَتْ يَاْجُوْجُ وَمَاْجُوْجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَّنْسِلُوْنَ ﴿٩٦﴾

تاوقتيكه كشاده شود قيدياجوج وماجوج وايشان ازهربلندى بشتابند (٩٦) .

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَاِذَا هِىَ شَاخِصَةٌ اَبْصَارُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۭ يٰوَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِىْ غَفْلَةٍ مِّنْ هٰذَا بَلْ كُنَّا ظٰلِمِيْنَ ﴿٩٧﴾

ونزديك برسد وعدهٔ راست پس ناگهان حال اينست بالادوخته شود چشم هاى كافران گويند واى برماهرآئينه درغفلت بوديم ازين حال بلكه بوديم ستمگار (٩٧) .

اِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ ۭ اَنْتُمْ لَهَا وٰرِدُوْنَ ﴿٩٨﴾

هرآئينه شما وآنچه مى پرستيد بجز خدا يعنى بتان آتش انگيز دوزخ باشيد شمابروى داخل شويد(٩٨) .

لَوْ كَانَ هٰٓؤُلَآءِ اٰلِهَةً مَّا وَرَدُوْهَا ۭ وَكُلٌّ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٩٩﴾

اگرمى بودند اين معبودان داخل نمى شدند به دوزخ و همه ايشان آنجاجاويدان باشند (٩٩) .

لَهُمْ فِيْهَا زَفِيْرٌ وَّهُمْ فِيْهَا لَا يَسْمَعُوْنَ ﴿١٠٠﴾

ايشان را آنجاناله باشد وايشان آنجاهيج نه شنوند (١٠٠) .

اِنَّ الَّذِيْنَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِّنَّا الْحُسْنٰٓى ۙ اُولٰٓئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُوْنَ ﴿١٠١﴾

هرآئينه آنانكه سابقاً مقررشد براى ايشان ازجانب مانيكوئى اين جماعت ازدوزخ دور كرده شوند (١٠١) .

لَا يَسْمَعُوْنَ حَسِيْسَهَا ۚ وَهُمْ فِىْ مَا اشْتَهَتْ اَنْفُسُهُمْ خٰلِدُوْنَ ﴿١٠٢﴾

نه شنوند آواز دوزخ را وايشان درآنچه خواهد نفسهاى ايشان جاويدانند (١٠٢) .

لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْاَكْبَرُ وَتَتَلَقّٰىهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ ۭ هٰذَا يَوْمُكُمُ الَّذِىْ كُنْتُمْ تُوْعَدُوْنَ ﴿١٠٣﴾

اندوهگين نه سازد ايشان را آن ترس بزرگ وپيش آيند ايشان را فرشتگان گويند

اینست آن روزکه شمارا وعده داده می شد (١٠٣) .

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَآءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَآ أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَآ إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ ﴿١٠٤﴾

روزیکه درپیچیم آسمان رامانندِ پیچیدنِ طوماروقتِ نوشتن نامه هارا چنانکه آغازیدیم اوّل آفرینش را دیگربار کنیم آفرینش وعده لازم برما هرآئینه ماکننده ایم (١٠٤) .

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنۢ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّٰلِحُونَ ﴿١٠٥﴾

وهرآئینه نوشتیم درزبور بعدازتورات که زمین وارث آن شوند بندگان شائسته ما[١] (١٠٥) .

إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَٰغًا لِّقَوْمٍ عَٰبِدِينَ ﴿١٠٦﴾

هرآئینه درآنچه گفته شدکفایت است گروه عابدان را (١٠٦) .

وَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿١٠٧﴾

ونه فرستادیم ترا مگر ازروی مهربانی برعالمها (١٠٧) .

قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٠٨﴾

بگو جزاین نیست که وحی فرستاده می شود بسوی من که معبود شما خدای یکتاست پس آیاگردن نهنده هستید (١٠٨) .

فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ ءَاذَنتُكُمْ عَلَىٰ سَوَآءٍ وَإِنْ أَدْرِيٓ أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ ﴿١٠٩﴾

پس اگر اعراض کنند پس بگو خبردارساختیم شمارابروجهی که همه برابر باشید ونمی دانم که نزدیك است یا دوراست آنچه وعده داده میشوید (١٠٩) .

إِنَّهُۥ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿١١٠﴾

هرآئینه خدامی داندآشکاررا ازسخن ومی داند آنچه پنهان می کنید (١١٠) .

وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُۥ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١١١﴾

ونمی دانم شاید تاخیرِ موعود ابتلاباشد شمارا وبهره مندی باشد تامدتی (١١١) .

---

(١) یعنی درآخرزمان پیغامبری مبعوث شود وامت اوبرهرزمین غالب شود والله اعلم .

قٰلَ رَبِّ احْكُمْ بِالْحَقِّ ۗ وَرَبُّنَا الرَّحْمٰنُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰى مَا تَصِفُوْنَ ﴿١١٢﴾

پیغامبر گفت ای پروردگار من حکم کن براستی وپروردگار مابخشائنده است ازوی مدد طلب کرده می شود برآنچه بیان می کنید (١١٢) .

سوره حج مدنی است وآن هفتادوهشت آیت وده رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوْا رَبَّكُمْ ۚ اِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيْمٌ ﴿١﴾

ای مردمان بترسید ازپروردگار خویش هرآئینه زلزله که نزدیك قیامت باشد چیزی بزرگ ست (١) .

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّآ اَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكٰرٰى وَمَا هُمْ بِسُكٰرٰى وَلٰكِنَّ عَذَابَ اللّٰهِ شَدِيْدٌ ﴿٢﴾

روزی که ببینید آن را غافل شود هرشیر دهنده از طفلی که شیرمی دهدش وبنهد هرزنِ باردار بارِشکم خودرا وببینی مردمان را مست ونیستند مست ولیکن عذاب خدا سخت ست (٢) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُّجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطٰنٍ مَّرِيْدٍ ﴿٣﴾

وازمردمان کسی هست که گفتگو می کند درشانِ خدا بغیر دانش وپیروی می نماید هرشیطان متمرد را (٣) .

كُتِبَ عَلَيْهِ اَنَّهٗ مَنْ تَوَلَّاهُ فَاَنَّهٗ يُضِلُّهٗ وَيَهْدِيْهِ اِلٰى عَذَابِ السَّعِيْرِ ﴿٤﴾

که درقضای الهی نوشته شده است بروی که هرکه دوست داری اوکند پس وی گمراه کندش وراه نمایدش بسوی عذابِ آتش (٤) .

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنْ كُنْتُمْ فِيْ رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَاِنَّا خَلَقْنٰكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَّغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ ۚ وَنُقِرُّ فِي الْاَرْحَامِ مَا نَشَآءُ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوْٓا اَشُدَّكُمْ ۚ وَمِنْكُمْ مَّنْ

ای مردمان اگردرشك اید از رستخیز پس هرآئینه ماآفریدیم شمارا ازخاك بازازنطفه بازاز خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده وغیر صورت داده (می گوئیم) تاواضح سازیم برای شما وقرار می دهیم دررحمها چیزی را که خواهیم تامیعاد معین بازبیرون می آریم شمارا

يُتَوَفّٰى وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّرَدُّ اِلٰٓى اَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْۢ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْـًٔا ؕ وَتَرَى الْاَرْضَ هَامِدَةً فَاِذَآ اَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَآءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَاَنْۢبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍۢ بَهِيْجٍ ⑤

کودکی باز تربیت می کنیم تابرسید بنهایت جوانی خود وازشما کسی بود که میرانده شود وازشما کسی بود که باز گردانیده شود به بدترین عمر تا نداند چیزی را بعدازآن که می دانست ومی بینی زمین را خشك شده پس وقتیکه فروفرستادیم برآن آب را جنبش کند وبیافزاید وبرویاند ازهرقسم رونق دار (٥) .

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّهٗ يُحْيِ الْمَوْتٰى وَاَنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۙ ⑥

این همه به سبب آنست که خدا همونست ثابت وآنکه وی زنده می کند مُردگان را وآنکه وی برهمه چیز تواناست (٦) .

وَّاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيْهَا ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُوْرِ ⑦

وآنکه قیامت آمدنی ست نیست هیچ شبهه درآن وآنکه خدا برانگیزد آنان را که درگور ها باشند (٧) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُّجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّلَا هُدًى وَّلَا كِتٰبٍ مُّنِيْرٍ ۙ ⑧

وازمردمان کسی هست که گفتگومی کند درشانِ خدا بغیر دانش وبغیر هدایت وبغیر کتاب روشن (٨) .

ثَانِيَ عِطْفِهٖ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ؕ لَهٗ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَّنُذِيْقُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَذَابَ الْحَرِيْقِ ⑨

پیچیده صفحه گردن خودرا[1] تا گمراه کند ازراهِ خدا اورااست دردنیا رسوائی بچشانیم اورا روزِقیامت عذابِ سوختن (٩) .

ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدٰكَ وَاَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ ۠ ⑩

گویم این به سبب آن اعمال ست که فرستادش دودست توو به سبب آن ست که خدانیست ستم کننده بر بندگان (١٠) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّعْبُدُ اللّٰهَ عَلٰى حَرْفٍ ۚ فَاِنْ اَصَابَهٗ

وازمردمان کسی هست که عبادت می

---

(١) یعنی تکبرکنان .

خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ ۖ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١١﴾

کند خدارا برکناره پس اگر برسد اورانعمتی آرام گیرد بآن عبادت و اگر برسد اورابلای برگردد برروی خود باخت دنیا وآخرت را اینست زیانِ ظاهر (١١).

يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ﴿١٢﴾

به نیایش می خواند بجز خدا چیزی را که زیان نه رساندش و سودنه دهدش اینست گمراهئ دور (١٢).

يَدْعُو لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ ۚ لَبِئْسَ الْمَوْلَىٰ وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ ﴿١٣﴾

میخواند کسی را که زیان او نزدیك ترست ازسوداو هرآئینه بدخداوند ست وبدیاری ست (١٣).

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿١٤﴾

هر آئینه خدادرآرد آنان را که ایمان آورده اند وکارهای شائسته کرده اند دربوستانها که میرود زیرآن جوئیها هرآئینه خدا می کند آنچه می خواهد (١٤).

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ ﴿١٥﴾

هرکه پنداشته باشد که نصرت نخواهد داد خدا پیغامبر را دردنیا وآخرت پس باید بیاویزد ریسمانی بجانب بالا بازباید که قطع نماید پس ببیند آیا دورمی کنداین تدبیرِ اوچیزی را که بخشم آورده[1] (١٥).

وَكَذَٰلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ ﴿١٦﴾

وهمچنین فروفرستادیم قرآن را آیاتِ روشن وبدانید که خداراه می نماید هرکرا خواهد (١٦).

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَىٰ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١٧﴾

هرآئینه آنان که ایمان آوردند وآنانکه یهود شدند وستاره پرستان وترسایان وگبران و مشرکان خدای تعالی فیصله خواهد کرد میان ایشان روزقیامت هرآئینه خدابرهر

---

(١) یعنی اگرازین غصّه بمیردهیچ ضرر نکند.

چیز مطلع ست (۱۷) .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَآبُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ ۖ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ ۗ وَمَنْ يُّهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُّكْرِمٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ ۩ (۱۸)

آیاندیدی که سجده می کنند خدای تعالی را آنانکه درآسمان هااند وآنانکه درزمین اند وخورشید وماه وستارگان وکوه ها و درختان و چهارپایان وبسیاری ازمردمان وبسیارکس هستند که ثابت شده است برایشان عذاب وهرکرا خوار کند خدا پس نیست اوراهیچ گرامی دارنده هرآئینه خدامی کند آنچه می خواهد (۱۸) .

هٰذٰنِ خَصْمٰنِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ ۖ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّنْ نَّارٍ ۖ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ (۱۹)

این دوفریق دشمنان یکدیگراند خصومت کردنددرشان پروردگار خویش پس آنانکه کافر شدند قطع کرده شد برای ایشان جامها ازآتش ریخته شود بالای سرایشان آبِ گرم (۱۹) .

يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ (۲۰)

گداخته گردد بآن هرچه در شکمِ ایشان باشد وپوست های نیز (۲۰) .

وَلَهُمْ مَّقَامِعُ مِنْ حَدِيدٍ (۲۱)

وبرای کوفتن ایشان مهیّا باشند گرزها ازآهن (۲۱) .

كُلَّمَآ أَرَادُوٓا أَنْ يَّخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۲۲)

هرگاهی که خواهند که برآیند ازدوزخ خلاص شوند ازآندوه بازگردانیده شوند آنجا وگفته شود بچشید عذاب سوختن (۲۲) .

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَّلُؤْلُؤًا ۖ وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (۲۳)

هرآئینه خدا درمی آرد آنان راکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند دربوستانها میرود درزیرِ آن جوئیها پیرایه پوشانیده شوند آنجا دستوانها اززر و پوشانیده شوند مروارید ولباس ایشان آنجا ابریشم بُود (۲۳) .

وَهُدُوٓا إِلَى ٱلطَّيِّبِ مِنَ ٱلْقَوْلِ وَهُدُوٓا إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلْحَمِيدِ ﴿٢٤﴾

راه نمودشد[1] ایشان را بپاکیزه ازسخن ودلالت کرده شدایشان رابراهِ خدای ستوده (٢٤) .

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ ٱلَّذِى جَعَلْنَٰهُ لِلنَّاسِ سَوَآءً ٱلْعَٰكِفُ فِيهِ وَٱلْبَادِ ۚ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍۭ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٥﴾

هرآئینه آنانکه کافرشدند وبازمی دارند ازراهِ خدا واز مسجدِ حرام که پیدا کرده ایم آن را برای مردمان یکسان آنجا متوطن وصحرانشین وهرکه خواهد آنجاکجروی کردن بستمگاری بچشانیم اورااز‌عذاب درد دهنده (٢٥) .

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَٰهِيمَ مَكَانَ ٱلْبَيْتِ أَن لَّا تُشْرِكْ بِى شَيْـًٔا وَطَهِّرْ بَيْتِىَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلْقَآئِمِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ﴿٢٦﴾

ویادکن چون معین ساختیم برای ابراهیم موضع خانه کعبه رااین سخن گفته که شریك مقررمکن بامن هیچ چیزی را وپاك کن خانهٔ مرا برای طواف کنندگان و ایستادگان ورکوع کنندگان وسجودکنندگان[2] (٢٦) .

وَأَذِّن فِى ٱلنَّاسِ بِٱلْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾

وآوازده درمیان مردمان بحج تابیایند پیش تو پیاده وسوار برهرشتر لاغر می آیند این شترانِ لاغر ازهرراه دور (٢٧) .

لِّيَشْهَدُوا مَنَٰفِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا ٱسْمَ ٱللَّهِ فِىٓ أَيَّامٍ مَّعْلُومَٰتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلْأَنْعَٰمِ ۖ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا ٱلْبَآئِسَ ٱلْفَقِيرَ ﴿٢٨﴾

تاحاضر شوند نزدیك فائده هابرای خویش ویاد کنند نام خدارا درروزی چند دانسته شده[3] و بعدازوی برذبح آنچه خدای تعالی روزی داده است ایشان رااز قسمِ چهار پایان مواشی پس بخوریدازآن وبخورانید درمانده درویش را (٢٨) .

---

(١) یعنی دردنیا .
(٢) یعنی برای نمازگذاران .
(٣) یعنی یوم نحر وایّام تشریق .

ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾

بازباید که دور کنند چركِ تن خودرا وبه وفارسانند نذرهای خودرا وطواف نمایند باین خانهٔ قدیم[١] (٢٩) .

ذٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرُمٰتِ اللّٰهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ عِنْدَ رَبِّهٖ ۗ وَاُحِلَّتْ لَكُمُ الْاَنْعَامُ اِلَّا مَا يُتْلٰى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْاَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوْا قَوْلَ الزُّوْرِ ﴿٣٠﴾

اینست حکم وهرکه تعظیم کند شعائر خدارا پس این تعظیم کردن بهترست اورانزدیكِ پروردگار او وحلال کرده شد برای شمامواشی[٢] مگر آنچه خوانده خواهد شد برشما[٣] پس احتراز کنید ازپلیدی بتان واحتراز کنید ازسخن دروغ[٤] (٣٠) .

حُنَفَآءَ لِلّٰهِ غَيْرَ مُشْرِكِيْنَ بِهٖ ۗ وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَكَاَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَآءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ اَوْ تَهْوِيْ بِهِ الرِّيْحُ فِيْ مَكَانٍ سَحِيْقٍ ﴿٣١﴾

حنیفی دین شده برای خداغیرشریك مقررکننده باوی وهرکه شریك مقررکند باخدا پس گویا که فرود افتاد ازآسمان پس بربایند اورامرغان مردار خوار یافروافگند اوراباد بمکانی دور[٥] (٣١) .

ذٰلِكَ وَمَنْ يُّعَظِّمْ شَعَآئِرَ اللّٰهِ فَاِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوْبِ ﴿٣٢﴾

اینست حکم وهرکه تعظیم کند شعائر خدارا پس این تعظیم ازتقویٰ دلهاست (٣٢) .

لَكُمْ فِيْهَا مَنَافِعُ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَآ اِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيْقِ ﴿٣٣﴾

شمارا درآن مواشی فائده هاست تامیعادی معیّن باز جائی فرودآمدن آن بخانهٔ قدیم است (٣٣) .

---

(١) یعنی کعبه زیراکه اوّل بناشد بعدازان بیت المقدس .
(٢) یعنی شتروگاؤ وبزوگوسفند .
(٣) یعنی میته وخونِ مسفوح . .
(٤) یعنی گواهی دروغ .
(٥) حاصل آنست که هلاك شدبوجهی که امید نجات نماند .

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ۗ فَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا ۗ وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ﴿٣٤﴾

وهرامتی را معین ساخته ایم طریق قربانی تایادکنند نام خدا برآنچه داده است ایشان را ازچهارپایان مواشی پس معبود شما معبود یکتاست پس اورا منقادشوید و(یامحمد) بشارت ده نیایش کنندگان را (٣٤) .

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣٥﴾

آنان را که چون یادکرده شود خدا بترسد دل های ایشان وصبر کنندگان را برآنچه برسدبایشان وبرپادارندگان نمازرا وآنان را که ازآنچه روزی دادیم بایشان خرچ می کنند (٣٥) .

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ ۖ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ ۖ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ ۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾

وشترانِ قربانی راساخته ایم برای شماازشعائر خدا شمارا درآن نیکی ست پس یادکنید نامِ خدارا برنحر آنها برچهارپای ایستاده پس چون بزمین افتد پهلوی آن بخورید ازآنها وبخورانید درویشِ بی سوال را وسوال کننده را همچنین رام گردانیدیم چهار پایان رابرای شمابُوَد که شکرکنید (٣٦) .

لَنْ يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَٰكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ ۗ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٧﴾

نمی رسد بخدا گوشتهای قربانی ها ونه خونهای این ها ولیکن می رسد بوی پرهیزگاری ازشما هم چنین رام گردانیدیم قربانی هابرای شما تابه بزرگی یادکنید خدارا بشکر آنکه راه نمودشمارا وبشارت ده نیکوکاران را (٣٧) .

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ

هرآئینه خدا دفع می کند ازمسلمانان[1]

---

(١) یعنی ضرر اعداء ایشان را .

خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿٣٨﴾

هرآئینه خداودوست نمی دارد هرخیانت کننده ناسپاس را (٣٨) .

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿٣٩﴾

دستوریٔ جهاد داده شد آنانرا که کفار بایشان جنگ می کنند بسبب آنکه برایشان ستم رفته است وهرآئینه خدابرنصرت دادن ایشان تواناست (٣٩) .

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِم بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٤٠﴾

دستوری جهاد داده شد آنان را که بیرون آورده شد ایشان را ازخانهای ایشان بغیر حق لیکن به سبب آنکه می گفتند پروردگار ماخداست واگرنه بودی دفع کردن خدا مردمان را بعض را بدست بعضی ویران کرده می شد خلوتهای رهبانان وعبادت خانه های نصاریٰ وعبادت خانه های یهودوعبادت خانه های مسلمانان که یاد کرده می شود درآن مواضع نام خدا بسیاری والبته نصرت خواهد داد خداکسی را که قصدِ نصرت دین وی کند وهرآئینه خداتوانا غالب ست نصرت خواهد داد (٤٠) .

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَوٰةَ وَآتَوُا الزَّكَوٰةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٤١﴾

انان را که اگردسترس دهیم ایشان را درزمین برپادارند نمازرا وبدهند زکوٰة را وبفرمایندبکار پسندیده ومنع کنند ازکارِ ناپسندیده وخداراست نهایت همه کارها[1] (٤١) .

---

(١) درین آیت دلالت ست برصحتِ خلافتِ خلفای اربعه زیراکه ایشان ازمهاجرین اولین بودند ومتمکن شدند درزمین پس لازم آید که اقامت صلوة وایتاء زکوٰة وامر به معروف ونهی از منکر ازایشان بظهور رسد وتمکین فی الارض چون بآن حضال جمع شود همان ست خلافت نبوت .

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ ﴿٤٢﴾

واگردروغگو شمرند تراپس هرآئينه دروغگو شمرده بودند پيش ازايشان قوم نوح وعاد وثمود (٤٢) .

وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ ﴿٤٣﴾

و قوم ابراهيم وقوم لوط (٤٣) .

وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسَىٰ فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٤﴾

واهل مدين ودروغگو شمرده شدموسىٰ را پس مهلت دادم اين كافران را بازگرفتار كردم ايشان را پس چگونه بود عقوبتِ من (٤٤) .

فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ ﴿٤٥﴾

پس بسا ديهى كه هلاك ساختيم آن را ووى ستمگاربود پس وى افتاده است برسقف هاى خود وبسيارچاه بيكارمانده وبسامحلى بلند خراب شده (٤٥) .

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۖ فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَٰكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ﴿٤٦﴾

اياسيرنكرده اند درزمين تا بُوَدايشان را دلها كه فهم كنند بآن يا گوشها كه بشنوند بآن هرآئينه حال اينست كه نابينانمى شوند چشم هاوليكن نابينامى شوندآن دل ها كه در سينهااند (٤٦) .

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ ۚ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ﴿٤٧﴾

وزود مى طلبند ازتو عذاب را وهرگز خلاف نخواهد كردخدا وعدهٔ خودرا وهرآئينه يك روز نزديك پروردگارتو مانند هزارسال ست ازآنچه مى شمريد[1] (٤٧) .

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَيَّ الْمَصِيرُ ﴿٤٨﴾

وبساديه كه مهلت دادم آن را وآن ستمگار بود باز گرفتار كردم آنراوبسوى من ست بازگشت (٤٨) .

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٤٩﴾

بگواى مردمان جزاين نيست كه من براى شما ترسانندهٔ آشكارام (٤٩) .

---

(١) يعنى اگرخواهدكارهزارسال دريك روز تمام كند پس اين بسبب عجز نيست بلكه بنابرمصالحى كه جز اوكس نميداند .

فَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ ﴿٥٠﴾

پس آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند ایشان رااست آمرزش وروزیٔ نیك (٥٠) .

وَالَّذِيْنَ سَعَوْا فِيْٓ اٰيٰتِنَا مُعٰجِزِيْنَ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ﴿٥١﴾

وآنان که سعی کردند درآیاتِ ما عاجز کنان (بزعم خود) ایشان اند اهل دوزخ (٥١) .

وَمَآ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُوْلٍ وَّلَا نَبِيٍّ اِلَّآ اِذَا تَمَنّٰٓى اَلْقَى الشَّيْطٰنُ فِيْٓ اُمْنِيَّتِهٖ ۚ فَيَنْسَخُ اللّٰهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطٰنُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللّٰهُ اٰيٰتِهٖ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿٥٢﴾

ونه فرستادیم پیش ازتو هیچ فرستاده ونه هیچ صاحب وحی الّا چون آرزوی بخاطر بست افگند شیطان چیزی درآرزوی وی پس دورمی کند خدا آنچه شیطان انداخته است بازمحکم می کند خداآیات خودرا وخدادانا باحکمت ست(١) (٥٢) .

لِّيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطٰنُ فِتْنَةً لِّلَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ وَّالْقَاسِيَةِ قُلُوْبُهُمْ ۗ وَاِنَّ الظّٰلِمِيْنَ لَفِيْ شِقَاقٍۢ بَعِيْدٍ ﴿٥٣﴾

تابگرداند خداآنچه شیطان افگند بلای درحق آنانکه دردل های ایشان بیماری است وآنان که سخت ست دل های ایشان وهرآئینه ستمگاران درمخالفت دور و درازآند (٥٣) .

وَّلِيَعْلَمَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ اَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُوْا بِهٖ فَتُخْبِتَ لَهٗ قُلُوْبُهُمْ ۗ وَاِنَّ اللّٰهَ

وتابدانند آنان که داده شده است ایشان را علم که آن وحی راست ست ازجانبِ پروردگار تو پس ایمان آرند بآن پس

---

(١) مترجم گوید مثلاً آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند که هجرت کرده اند بزمینی که نخل بسیار دارد پس وهم بجانبِ یمامه وهجر رفت ودرنفس الامر مدینه بود مثلا آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند که بمکه درآمده اندحلق وقصر میکنند پس وهم آمد که درهمان سال این معنی واقع شود و درنفس الامر بعدازسالهای چند متحقق شدو درامثال این صورت امتحان مخلصان ومنافقان درمیان می آید والله اعلم .

لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٥٤﴾

نیایش کنند برای خدا دل های ایشان وهرآئینه خداراه نماینده است مسلمانان را بسوی راه راست (٥٤) .

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ ﴿٥٥﴾

وهمیشه باشند کافران درشبهه ازآن وحی تاوقتیکه بیاید بایشان قیامت ناگهان یا بیاید بایشان عقوبت روزی نهایت نحس (٥٥) .

الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ ۚ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٥٦﴾

بادشاهیٔ آن روزخداراست حکم کند میان ایشان پس آنان که ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند دربوستانهای نعمت باشند (٥٦) .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٥٧﴾

وآنانکه کافر شدند ودروغ شمردند آیاتِ مارا آن جماعت ایشان را باشد عذاب خوارکننده (٥٧) .

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٥٨﴾

وآنانکه هجرت کردند درراه خدا پس کشته شدند یا بمردند هرآئینه روزی دهد ایشان را خداروزیٔ نیك[1] وهرآئینه خداوی بهترین روزی دهندگان ست (٥٨) .

لَيُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿٥٩﴾

البته درآردایشان را بموضعی که خوشنود شوندازآن وهرآئینه خدا دانابردبارست (٥٩) .

ذَٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنصُرَنَّهُ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ﴿٦٠﴾

حکم این ست وهرکه درپی ایذای کسی افتاد بمانند آنکه ایذا داده شد او را بعد ازآن تعدی کرده شد بروی هرآئینه نصرت خواهد داد او را خدا هرآئینه خدا

(١) یعنی دربهشت .

بخشاینده آمرزگارست (٦٠) .

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ يُوْلِجُ الَّيْلَ فِى النَّهَارِ وَيُوْلِجُ النَّهَارَ فِى الَّيْلِ وَاَنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌۢ بَصِيْرٌ ﴿٦١﴾

این نصرت بسبب آنست که خدا درمی آرد شب را درروز ودرمی آرد روزرادرشب وبه سبب آنست که خداشنوابیناست (٦١) .

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّ مَا يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ هُوَ الْبَاطِلُ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَلِىُّ الْكَبِيْرُ ﴿٦٢﴾

این نصرت به سبب آنست که خدا همونست ثابت وآنچه می خوانند کافران بجز وی همونست باطل و به سبب آنست که خداهمون ست بلند مرتبه بزرگ قدر (٦٢) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَتُصْبِحُ الْاَرْضُ مُخْضَرَّةً ۗ اِنَّ اللّٰهَ لَطِيْفٌ خَبِيْرٌ ﴿٦٣﴾

آیاندیدی که خدا فرودآورد ازآسمان آب را پس زمین سرسبز شود هر آئینه خدالطف کننده داناست (٦٣) .

لَهٗ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ ۗ وَاِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْغَنِىُّ الْحَمِيْدُ ﴿٦٤﴾

اوراست آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمین ست وهرآئینه خداهمونست بی نیاز ستوده کار (٦٤) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِى الْاَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِىْ فِى الْبَحْرِ بِاَمْرِهٖ ۗ وَيُمْسِكُ السَّمَآءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهٖ ۗ اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿٦٥﴾

ایاندیدی که خدا مسخر کرد برای شماآنچه درزمین است ومسخر ساخت کشتی ها میرود دردریا بفرمان او نگاه میداردآسمان را ازآنکه بیفتد برزمین مگر بدستور او هرآئینه خدا درحق مردمان بخشاینده مهربان است (٦٥) .

وَهُوَ الَّذِىْٓ اَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيْتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيْكُمْ ۗ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَكَفُوْرٌ ﴿٦٦﴾

واوست آنکه زنده کرده شمارا باز بمیراند شمارا باززنده کند شمارا هرآئینه آدمی ناسپاس ست (٦٦) .

لِكُلِّ اُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوْهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِى الْاَمْرِ وَادْعُ اِلٰى رَبِّكَ ۗ اِنَّكَ لَعَلٰى هُدًى مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٦٧﴾

برای هر گرو هی معین کرده ایم شریعتی را که ایشان عمل کننده اند برآن پس بایدکه نزاع نه کنند باتو درین کار وبخوان بسوی پروردگار خویش هرآئینه

وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٦٨﴾

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٦٩﴾

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧٠﴾

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٧١﴾

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَٰلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٧٢﴾

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ

برراهِ راستی (٦٧) .

واگر مکابره نمایند باتوبگو خدا دانا ترست بآنچه می کنید (٦٨) .

خداحکم خواهد کرد میان شما روزقیامت درآنچه اندران اختلاف می کنید[1] (٦٩) .

آیا نه دانستی که خدامی داند هرچه درآسمان وزمین ست هرآئینه این همه ثبت است درکتابی این همه برخدا آسان ست (٧٠) .

وعبادت می کنند بجز خداچیزی را که فرو نفرستاده است خدا حجتی برآن وچیزی که نیست ایشان را بَرثبوت آن دانش ونیست ستمگاران را هیچ یاری دهنده (٧١) .

وچون خوانده می شود برایشان آیاتِ ما واضح آمده می شناسی در رویهای این کافران ناخوشی نزدیك می شوند ازآنکه حمله کنند برآنان که می خوانند برایشان آیات ما بگوآیا خبردهم شمارا به ناخوشتر ازین آن دوزخ ست وعده داده است خدا آن را بکافران و وی بدجائیست (٧٢) .

ای مردمان پدید آورده شد داستانی پس بشنوید آن را هرآئینه آنانکه می خوانید

(١) مترجم گوید درین آیت اشاره است بآنکه اختلاف شرائع بسبب اختلاف عصوراست وهمه شرائع حق ست ودرزمان خودمعمول به است پس نزاع درحقیقت بآنهانباید کرد .

اجْتَمَعُوا لَهُ ۖ وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ ۚ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ ﴿٧٣﴾

بجز خدا آفریدن نه توانند مگسی را اگرچه جمع شوند برای آن وا گر برُباید ازایشان مگس چیزی راخلاص نه نتوانند کرد آن را ازمگس ناتوان شد طالب و مطلوب[1] (٧٣) .

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٧٤﴾

تعظیم نکردند خدارا حق تعظیم اوهرآئینه خدا تواناغالب است (٧٤) .

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٧٥﴾

خدا برمی گزیند فرستادها از فرشتگان واز مردمان هرآئینه خدا شنوا بیناست (٧٥).

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٧٦﴾

می داند آنچه پیش روی ایشان ست وآنچه پس پشت ایشان ست وبسوی خداباز گردانیده می شوند کارها (٧٦) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۩ ﴿٧٧﴾

ای مسلمانان رکوع کنید وسجده بجاآرید وعبادت نمائید پروردگار خودرا وبکنید کار نیکو امیدست که رستگارشوید (٧٧).

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۚ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ۚ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ ۚ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِن قَبْلُ وَفِي هَٰذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ۚ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ ۖ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

وجهاد کنید درراه خدا حق جهادی که برای خداباشدوی برگزید شمارا و نه ساخت برشما دردین هیچ تنگی مشروع کرد دین پدرشما ابراهیم خدانام نهاد شمارا مسلمان پیش ازین[2] ودر قرآن نیز تاباشد پیغامبر گواه برشما وباشید شما گواه بر مردمان پس برپادارید نمازرا وبدهید زکوٰة را و چنگ زنید بخدا اوست مددگار شما پس نیکو مددگار ونیکو یاری دهنده است (٧٨) .

---

(١) یعنی عابد ومعبود .

(٢) یعنی درکتب سابقه .

سُوْرَةُ الْمُؤْمِنُوْن

سوره مومنون مکی است وآن يك صدوهيجده آيت وشش ركوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ○

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنُوْنَ ۝١

هرآئینه رستگارشدند مسلمانان (١) .

الَّذِيْنَ هُمْ فِيْ صَلَاتِهِمْ خٰشِعُوْنَ ۝٢

آنانکه ایشان درنماز خویش خشوع کننده اند (٢) .

وَالَّذِيْنَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُوْنَ ۝٣

آنان که ایشان ازبیهوده روگردانند (٣) .

وَالَّذِيْنَ هُمْ لِلزَّكٰوةِ فٰعِلُوْنَ ۝٤

وآنان که ایشان زکوٰة رااداکننده اند (٤) .

وَالَّذِيْنَ هُمْ لِفُرُوْجِهِمْ حٰفِظُوْنَ ۝٥

وآنانکه ایشان شرمگاه خودرا نگاه دارنده اند (٥) .

اِلَّا عَلٰى اَزْوَاجِهِمْ اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُمْ فَاِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُوْمِيْنَ ۝٦

مگر برزنان خویش یا برکنیزگانی که ملك دست ایشان ست پس هر آئینه اینان نکوهیده نیستند (٦) .

فَمَنِ ابْتَغٰى وَرَآءَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْعٰدُوْنَ ۝٧

پس هرکه طلب کند سوای این آنجماعت ازحدگذرنده اند (٧) .

وَالَّذِيْنَ هُمْ لِاَمٰنٰتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رٰعُوْنَ ۝٨

وآنان که ایشان امانت های خودرا وعهد خودرا رعایت کننده اند (٨) .

وَالَّذِيْنَ هُمْ عَلٰى صَلَوٰتِهِمْ يُحَافِظُوْنَ ۝٩

وآنانکه ایشان برنمازهای خود محافظت می کنند (٩) .

اُولٰٓئِكَ هُمُ الْوٰرِثُوْنَ ۝١٠

این جماعت ایشانندآن وارثان (١٠) .

الَّذِيْنَ يَرِثُوْنَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ۝١١

که عاقبت کاربدست آرند بهشت فردوس را ایشان آنجاجاوید باشندگانند (١١) .

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنْ سُلٰلَةٍ مِّنْ طِيْنٍ ۝١٢

وهرآئینه آفریدیم آدمی را از خلاصه ای‌از گِل (١٢) .

ثُمَّ جَعَلْنٰهُ نُطْفَةً فِيْ قَرَارٍ مَّكِيْنٍ ۝١٣

باز ساختیم آدمی را نطفه در قرارگاهِ استوار (١٣) .

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا

بازساختیم آن نطفه را خونِ بسته بازساختیم آن خونِ بسته را گوشت پاره

الْمُضْغَةَ عِظٰمًا فَكَسَوْنَا الْعِظٰمَ لَحْمًا ثُمَّ اَنْشَاْنٰهُ خَلْقًا اٰخَرَ فَتَبٰرَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخٰلِقِيْنَ (١٤)

پس ساختیم آن گوشت پاره را استخوانهای چند پس پوشانیدیم برآن استخوانها گوشت را باز آفریدیم اورا آفرینشی دیگر[1] پس بزرگ ست خدا نیکوترین آفرینندگان (١٤) .

ثُمَّ اِنَّكُمْ بَعْدَ ذٰلِكَ لَمَيِّتُوْنَ (١٥)

بازهرآئینه شما بعد ازین البته مردگانید (١٥) .

ثُمَّ اِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ تُبْعَثُوْنَ (١٦)

بازهرآئینه شما روزقیامت برانگیخته گردید (١٦) .

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَآئِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غٰفِلِيْنَ (١٧)

وهرآئینه آفریدیم بالای شما هفت آسمان ونبودیم ما ازآفرینش بی خبر (١٧) .

وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءًۢ بِقَدَرٍ فَاَسْكَنّٰهُ فِي الْاَرْضِ وَاِنَّا عَلٰى ذَهَابٍۢ بِهٖ لَقٰدِرُوْنَ (١٨)

وفروفرستادیم ازآسمان آب را باندازه پس جای دادیم اورادرزمین وهرآئینه ما برُدورکردنِ آن توانائیم (١٨) .

فَاَنْشَاْنَا لَكُمْ بِهٖ جَنّٰتٍ مِّنْ نَّخِيْلٍ وَّاَعْنَابٍ لَكُمْ فِيْهَا فَوَاكِهُ كَثِيْرَةٌ وَّمِنْهَا تَاْكُلُوْنَ (١٩)

پس بیافریدیم برای شما بآن آب بوستانهائی ازدرختان خرما وانگور شمارا درآن بوستانها میوه های بسیار پیداشود بعض آن رامیخورید[2] (١٩) .

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُوْرِ سَيْنَآءَ تَنْۢبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِّلْاٰكِلِيْنَ (٢٠)

وآفریدیم درختی که بیرون می آیدازطور سینا یعنی درختِ زیتون میروید بوجهی که حاصل شود روغن و خورش طعام خورندگان را (٢٠) .

وَاِنَّ لَكُمْ فِي الْاَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيْكُمْ مِّمَّا فِيْ بُطُوْنِهَا وَلَكُمْ فِيْهَا

هرآئینه شمارادرچهارپایان پندی هست می نوشانیم شمارا ازآنچه درشکمهای ایشان ست وشمارا درآن چهار پایان

---

(١) یعنی نفخ روح وروئیدن ناخن وموی .

(٢) یعنی بطریق قُوت .

مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٢١﴾

منفعت های بسیارست وبعض اینهارا می‌خورید (٢١) .

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٢٢﴾

وبرچهار پایان وبرکشتی هاسوار کرده می‌شوید (٢٢) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٢٣﴾

وهرآئینه فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس گفت ای قوم من عبادت خدا کنید نیست شمارا هیچ معبودی غیروی آیا نمی‌ترسید (٢٣) .

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾

پس گفتند اشراف کسانیکه کافربودند ازقوم اونیست این شخص مگر آدمی مانند شما خواهد که ریاست پیداکند برشما و اگر خواستی خداهرآئینه فروفرستادی فرشتگان را نه شنیدیم این ماجرا را درپدران نخستینِ خویش (٢٤) .

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٢٥﴾

نیست این شخص مگر مردی که به وی عارضهٔ دیوانگی ست پس انتظار وی کنید تامدتی (٢٥) .

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٢٦﴾

گفت ای پروردگار من نصرت ده مرابسبب آنکه دروغگو شمر دند مرا (٢٦) .

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ ﴿٢٧﴾

پس وحی فرستادیم بسوی وی که بساز کشتی را زیرنظارتِ ما وبفرمانِ ما پس چون آید فرمانِ ما وجوش زند تنور پس درآر درکشتی ازهرجنسی دو عدد (نروماده) را ودرآرآهل خودرا الّاآنکه ازایشان سبقت کرده است بروَی گفتهٔ حق و سخن مگو بامن دربارهٔ آنان که ستم کردند هرآئینه ایشان غرق شدگانند (٢٧) .

فَاِذَا اسْتَوَيْتَ اَنْتَ وَمَنْ مَّعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ نَجّٰىنَا مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٢٨﴾

پس چون راست بنشینی توو هرکه باتوباشد برکشتی پس بگو همهٔ ستائش خدای راست آنکه نجات دادمارا ازگروهِ ستمگاران (٢٨) .

وَقُلْ رَّبِّ اَنْزِلْنِيْ مُنْزَلًا مُّبٰرَكًا وَّاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ ﴿٢٩﴾

وبگوای پروردگارمن فرود آرمرا درمنزل مبارك وتو بهترین فرود آرندگانی (٢٩) .

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ وَّاِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِيْنَ ﴿٣٠﴾

هرآئینه درین ماجرا نشانه هاست وهرآئینه مابودیم امتحان کنندگان (٣٠) .

ثُمَّ اَنْشَاْنَا مِنْۢ بَعْدِهِمْ قَرْنًا اٰخَرِيْنَ ﴿٣١﴾

بازبیافریدیم بعدایشان قرنی دیگر را (٣١).

فَاَرْسَلْنَا فِيْهِمْ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿٣٢﴾

پس فرستادیم میانِ ایشان پیغامبری را ازقبیلهٔ ایشان که عبادت خدا کنید نیست شمارا هیچ معبود برحق بجزوی آیا نمی‌ترسید (٣٢) .

وَقَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِلِقَآءِ الْاٰخِرَةِ وَاَتْرَفْنٰهُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا مَا هٰذَآ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَاْكُلُ مِمَّا تَاْكُلُوْنَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُوْنَ ﴿٣٣﴾

وگفتند رئیسان ازقوم وی آنان که کافرشدند و دروغ شمردند ملاقات سرای بازپسین را وآسودگی داده بودیم ایشان را درزندگانی دنیا نیست این شخص مگر آدمی مانند شما می‌خورد ازآنچه شما ازآن می خورید ومی آشامد ازآنچه شما می آشامید (٣٣) .

وَلَئِنْ اَطَعْتُمْ بَشَرًا مِّثْلَكُمْ اِنَّكُمْ اِذًا لَّخٰسِرُوْنَ ﴿٣٤﴾

و اگرفرمانبرداری کردید آدمی مانند خویش را هرآئینه شما آنگاه زیان کارباشید (٣٤) .

اَيَعِدُكُمْ اَنَّكُمْ اِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَّعِظَامًا اَنَّكُمْ مُّخْرَجُوْنَ ﴿٣٥﴾

آیاوعده دهد شمارا که شما چون بمیرید وشوید خاك واستخوانی چند بیرون آورده خواهیدشد (٣٥) .

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوْعَدُوْنَ ﴿٣٦﴾

بعیدست، بعیدست آنچه وعده داده می‌شوید (٣٦) .

اِنْ هِيَ اِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوْتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوْثِيْنَ ﴿٣٧﴾	نیست زندگانی مگرزندگانی این جهانی مامی میریم وزنده می شویم ونیستیم برانگیخته شده[1] (٣٧) .
اِنْ هُوَ اِلَّا رَجُلُ ٍافْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا وَّمَا نَحْنُ لَهٗ بِمُؤْمِنِيْنَ ﴿٣٨﴾	نیست این شخص مگر مردی که افترا کرده برخدا دروغ را و مانیستیم اوراتصدیق کننده (٣٨) .
قَالَ رَبِّ انْصُرْنِيْ بِمَا كَذَّبُوْنِ ﴿٣٩﴾	گفت ای پروردگار من نصرت ده مرابمقابلۀ آن که دروغگو شمردندمرا (٣٩) .
قَالَ عَمَّا قَلِيْلٍ لَّيُصْبِحُنَّ نٰدِمِيْنَ ﴿٤٠﴾	گفت باندك زمانی پشیمان خواهند شد (٤٠) .
فَاَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنٰهُمْ غُثَآءً ۚ فَبُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٤١﴾	پس گرفت ایشانرا آوازسخت بحسب وعدۀ راست، پس گردانیدیم ایشان را خاشاك درهم شکسته پس دوری بادگروه ستمگاران را (٤١) .
ثُمَّ اَنْشَاْنَا مِنْۢ بَعْدِهِمْ قُرُوْنًا اٰخَرِيْنَ ﴿٤٢﴾	بازپیدا کردیم بعد ایشان قرنهای دیگررا (٤٢) .
مَا تَسْبِقُ مِنْ اُمَّةٍ اَجَلَهَا وَمَا يَسْتَاْخِرُوْنَ ﴿٤٣﴾	سبقت نمی کند هیچ گروهی ازمیعادِ خود نه باز پس میمانند (٤٣) .
ثُمَّ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَا ۚ كُلَّمَا جَآءَ اُمَّةً رَّسُوْلُهَا كَذَّبُوْهُ فَاَتْبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَّجَعَلْنٰهُمْ اَحَادِيْثَ ۚ فَبُعْدًا لِّقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُوْنَ ﴿٤٤﴾	باز فرستادیم پیغامبران خودرا پی درپی هرگاه آمد بامتی پیغامبرِ او بدروغ نسبت کردند اورا پس ازپی درآوردیم بعض را عقب بعضی (یعنی درهلاك) وساختیم امت هارا افسانه پس دوری بادگروهی را که ایمان نمی آرند (٤٤) .
ثُمَّ اَرْسَلْنَا مُوْسٰى وَاَخَاهُ هٰرُوْنَ ۙ بِاٰيٰتِنَا	بازفرستادیم موسیٰ وبرادراوهارون را

(١) یعنی بعض می میرد وبعض زنده می شود .

وَسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿٤٥﴾	بانشانه های خویش وبادلیل ظاهر (٤٥).
اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهٖ فَاسْتَكْبَرُوْا وَكَانُوْا قَوْمًا عَالِيْنَ ﴿٤٦﴾	بسوی فرعون وجماعت أو پس سرکشی کردند وبودندگروه تکبر کننده (٤٦) .
فَقَالُوْٓا اَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عٰبِدُوْنَ ﴿٤٧﴾	پس گفتند آیاایمان آریم بدوآدمی مانند خویش وقوم ایشان مارا خدمت گذارند (٤٧) .
فَكَذَّبُوْهُمَا فَكَانُوْا مِنَ الْمُهْلَكِيْنَ ﴿٤٨﴾	پس دروغگو گفتند ایشان را پس شدند ازهلاك شدگان (٤٨) .
وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُوْنَ ﴿٤٩﴾	وهرآئینه دادیم موسیٰ را کتاب بُوَد که ایشان راه یابند (٤٩) .
وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَاُمَّهٗٓ اٰيَةً وَّاٰوَيْنٰهُمَآ اِلٰى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَّمَعِيْنٍ ﴿٥٠﴾	وساختیم پسر مریم را ومادرش رانشانه وجای دادیم ایشان را بزمینی بلند دارای استقرار ودارای آبِ روان (٥٠) .
يٰٓاَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوْا مِنَ الطَّيِّبٰتِ وَاعْمَلُوْا صَالِحًا اِنِّيْ بِمَا تَعْمَلُوْنَ عَلِيْمٌ ﴿٥١﴾	گفتیم ای پیغامبران بخورید غذای پاکیزه وبکنید کار نیکو هرآئینه من بآنچه می‌کنید دانایم (٥١) .
وَاِنَّ هٰذِهٖٓ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّاَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُوْنِ ﴿٥٢﴾	وهرآئینه این است ملت شما ملت یکتا ومن پروردگار شمایم پس بترسید ازمن (٥٢) .
فَتَقَطَّعُوْٓا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُوْنَ ﴿٥٣﴾	پس متفرق ساختند امتان کارخودرا درمیان خویش پاره پاره هرگروهی بآنچه نزد اوست شادمان ست (٥٣) .
فَذَرْهُمْ فِيْ غَمْرَتِهِمْ حَتّٰى حِيْنٍ ﴿٥٤﴾	پس بگذار ایشان را درغفلت ایشان تامدتی (٥٤) .
اَيَحْسَبُوْنَ اَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهٖ مِنْ مَّالٍ وَّبَنِيْنَ ﴿٥٥﴾	آیا پندارند که آنچه امداد می کنیم ایشان را بآن ازمال وفرزندان (٥٥) .
نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرٰتِ بَلْ لَّا يَشْعُرُوْنَ ﴿٥٦﴾	سعی درنیکوئی ها می کنیم برای ایشان

بلكه نمی دانند[١] (٥٦) .

إِنَّ الَّذِينَ هُم مِّنْ خَشْيَةِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ ﴿٥٧﴾

هرآئينه آنان كه ايشان از ترس پروردگار خويش مضطربند (٥٧) .

وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٨﴾

وآنان كه ايشان بآياتِ پروردگار خويش ايمان می آرند (٥٨) .

وَالَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾

وآنانكه ايشان به پروردگار خويش شريك مقررنمی كنند (٥٩) .

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوا وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿٦٠﴾

وآنان كه ميدهند آنچه ميدهند و دلهای ايشان ترسانست بسبب آنكه ايشان بسوی پروردگارخويش بازخواهند گشت (٦٠) .

أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿٦١﴾

اين جماعت سعی می كنندد‌رنيكی هاوايشان بسوی آن سبقت كننده اند (٦١) .

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٢﴾

وتكليف نميدهيم هيچ كس را مگر بقدر طاقت او ونزد ماكتابيست كه سخن گويد براستی[٢] وبرايشان ستم كرده نشود (٦٢) .

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِّن دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ ﴿٦٣﴾

بلكه دل های ايشان درغفلت ست ازين سخن وايشان را عملهاست غير[٣] ازاين ايشان آن را كننده اند (درغفلت خويش ماندند) (٦٣) .

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ ﴿٦٤﴾

تاوقتيكه چون گرفتارساختيم آسودگان ايشان را بعذاب ناگهان ايشان فرياد می‌كردند (٦٤) .

لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ ﴿٦٥﴾

(گفتيم) فرياد مكنيد امروز هرآئينه شما ازمانصرت داده نخواهيد شد (٦٥) .

---

(١) يعنی نعمت نيست بلكه استدراج است .

(٢) يعنی نامهٔ اعمال .

(٣) يعنی غير انكار قرآن .

قَدْ كَانَتْ اٰيٰتِيْ تُتْلٰى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلٰٓى اَعْقَابِكُمْ تَنْكِصُوْنَ ﴿٦٦﴾

وهرآئينه خوانده می شدآياتِ من برشما پس شما برپاشنه های خود بازمی گشتيد (٦٦) .

مُسْتَكْبِرِيْنَ ۖ بِهٖ سٰمِرًا تَهْجُرُوْنَ ﴿٦٧﴾

تكبر كنان برآن قرآن بافسانه مشغول شده ترك می كرديد (٦٧) .

اَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ اَمْ جَآءَهُمْ مَّا لَمْ يَاْتِ اٰبَآءَهُمُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٦٨﴾

آيا تأمل نكردند درين سخن يا آمده است بايشان آنچه نيامده بود به پدران نخستين ايشان (٦٨) .

اَمْ لَمْ يَعْرِفُوْا رَسُوْلَهُمْ فَهُمْ لَهٗ مُنْكِرُوْنَ ﴿٦٩﴾

آيانشناختند پيغامبر خودرا پس ايشان باو ناآشنا يند (٦٩) .

اَمْ يَقُوْلُوْنَ بِهٖ جِنَّةٌ ۭ بَلْ جَآءَهُمْ بِالْحَقِّ وَاَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كٰرِهُوْنَ ﴿٧٠﴾

آيا ميگويند به وی ديوانگی ست بلكه آورده است پيش ايشان سخن راست را وبيشترين ايشان سخن راست را ناخواهانند (٧٠) .

وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ اَهْوَآءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِيْهِنَّ ۭ بَلْ اَتَيْنٰهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٧١﴾

و اگرپيروی كردی خدای تعالی آرزوهای ايشان را هرآئينه دَرهَم می‌ريخت نظام آسمانهاوزمين وهركه درآنهااست بلكه آورديم بديشان پندايشان را پس ايشان ازپند خويش روگردانند (٧١) .

اَمْ تَسْــَٔـلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ ڰ وَّهُوَ خَيْرُ الرّٰزِقِيْنَ ﴿٧٢﴾

آيا ميخواهی ازايشان مزدی پس مزد پروردگار تو بهترست واو بهترينِ روزی دهندگانست (٧٢) .

وَاِنَّكَ لَتَدْعُوْهُمْ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٧٣﴾

و هرآئينه تومی خوانی ايشان را بسوی راه راست (٧٣) .

وَاِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنٰكِبُوْنَ ﴿٧٤﴾

وهرآئينه آنانكه ايمان نمی آرند بآخرت ازآن راه يكسوشونده اند (٧٤) .

وَلَوْ رَحِمْنٰهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِّنْ ضُرٍّ لَّلَجُّوْا فِيْ طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ﴿٧٥﴾

واگررحم می كرديم برايشان وبرميداشتيم آنچه بايشان ست ازسختی هرآئينه پيوسته می شدند دربيراهی خود

سرگشته (٧٥) .

وَلَقَدْ اَخَذْنٰهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوْا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُوْنَ ﴿٧٦﴾

وهرآئینه گرفتار کردیم ایشان را بعذاب پس نیایش نکردند به پروردگار خود و زاری نمی نمایند (درغفلت خویش ماندند) (٧٦) .

حَتّٰۤى اِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيْدٍ اِذَا هُمْ فِيْهِ مُبْلِسُوْنَ ﴿٧٧﴾

تاوقتیکه چون بگشادیم برایشان دری دارای عذاب سخت ناگهان ایشان درآنجاناامید شوندگانند (٧٧) .

وَهُوَ الَّذِيْۤ اَنْشَاَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْـِٕدَةَ ؕ قَلِيْلًا مَّا تَشْكُرُوْنَ ﴿٧٨﴾

واوست آنکه بیافرید برای شماشنوائی ودیده ها ودل هارا، اندکی شکر گذاری می‌کنید (٧٨) .

وَهُوَ الَّذِيْ ذَرَاَكُمْ فِي الْاَرْضِ وَاِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ ﴿٧٩﴾

واوست آنکه پیدا کردشمارا درزمین وبسوی اوبرانگیخته خواهید شد (٧٩) .

وَهُوَ الَّذِيْ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ ؕ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿٨٠﴾

واوست آنکه زنده می کند ومی میراند و او راست آمدوشدِ شب و روز آیا نمی‌فهمید (٨٠) .

بَلْ قَالُوْا مِثْلَ مَا قَالَ الْاَوَّلُوْنَ ﴿٨١﴾

بلکه گفتند مانند آنچه گفته بودند نخستینیان (٨١) .

قَالُوْۤا ءَاِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا ءَاِنَّا لَمَبْعُوْثُوْنَ ﴿٨٢﴾

گفتند آیاچون بمیریم وشویم خاك واستخوانی چند آیا ما برانگیخته خواهیم شد (٨٢) .

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَاٰبَآؤُنَا هٰذَا مِنْ قَبْلُ اِنْ هٰذَاۤ اِلَّاۤ اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٨٣﴾

هرآئینه وعده داده شد باین سخن مارا وپدران مارا پیش ازین نیست این مگر افسانهای پیشینیان (٨٣) .

قُلْ لِّمَنِ الْاَرْضُ وَمَنْ فِيْهَاۤ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٨٤﴾

بگو کراست زمین وآنچه درآنست (بگوئید) اگرمی دانید (٨٤) .

سَيَقُوْلُوْنَ لِلّٰهِ ؕ قُلْ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿٨٥﴾

خواهند گفت این همه خدای تراست بگو آیا پندپذیرنمی شوید (٨٥) .

قُلْ مَنْ رَّبُّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ﴿٨٦﴾

بگوکیست پروردگار آسمانهای هفت گانه

و پروردگار عرش بزرگ (٨٦) .

سَيَقُوْلُوْنَ لِلّٰهِ ۚ قُلْ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿٨٧﴾

خواهند گفت این همه خدای‌راست بگوآیاپس نمی ترسید (٨٧) .

قُلْ مَنْۢ بِيَدِهٖ مَلَكُوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَّهُوَ يُجِيْرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٨٨﴾

بگوکیست آنکه بدست اوست پادشاهی هرچیز واوزینهار میدهد وزینهار داده نمی شود برخلاف او (بگوئید) اگر می‌دانید (٨٨) .

سَيَقُوْلُوْنَ لِلّٰهِ ۚ قُلْ فَاَنّٰى تُسْحَرُوْنَ ﴿٨٩﴾

خواهند گفت این همه خدای‌راست بگو پس چگونه فریب داده می شوید (٨٩) .

بَلْ اَتَيْنٰهُمْ بِالْحَقِّ وَاِنَّهُمْ لَكٰذِبُوْنَ ﴿٩٠﴾

بلکه آورده ایم بایشان سخن راست را وهرآئینه ایشان دروغ می‌گویند (٩٠) .

مَا اتَّخَذَ اللّٰهُ مِنْ وَّلَدٍ وَّمَا كَانَ مَعَهٗ مِنْ اِلٰهٍ اِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ اِلٰهٍۭ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ ۚ سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يَصِفُوْنَ ﴿٩١﴾

هیچ فرزند نگرفته است خدا و نیست همراه أوهیچ معبود دیگرآنگاه ببردی هرمعبود چیزی که آفریده بود وهرآئینه غالب آمدی بعض ایشان بربعضيٍ، بپاکی صفت می کنم خدای را ازآنچه بیان می‌کنند (٩١) .

عٰلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٩٢﴾

داننـدۀ نهـان وآشکـار اسـت بـرتـرسـت ازآنچه شریك می آرند (٩٢) .

قُلْ رَّبِّ اِمَّا تُرِيَنِّيْ مَا يُوْعَدُوْنَ ﴿٩٣﴾

بگوای پروردگار من اگربنمائی مرا آنچه ترسانیده می شوند (٩٣) .

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِيْ فِى الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٩٤﴾

ای پروردگار من پس داخل مکن مرا درگروه ستمگاران (٩٤) .

وَاِنَّا عَلٰٓى اَنْ نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقٰدِرُوْنَ ﴿٩٥﴾

وهرآئینه ما برآنکه بنمائیم ترا آنچه وعده دهیم بایشان توانائیم (٩٥) .

اِدْفَعْ بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ السَّيِّئَةَ ۚ نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَصِفُوْنَ ﴿٩٦﴾

ومقابله کُن بدی را بخصلتی که آن نیك ست ما داناتریم بآنچه بیان می کنند (٩٦) .

وَقُلْ رَّبِّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَمَزٰتِ الشَّيٰطِيْنِ ﴿٩٧﴾

وبگو(یا محمد) ای پروردگارمن پناه می برم بتوازدغدغه های شیاطین (٩٧) .

وَاَعُوْذُبِكَ رَبِّ اَنْ يَّحْضُرُوْنِ ﴿۹۸﴾

و پناه می برم بتوای پروردگار من ازآنکه حاضر شوند پیش من (۹۸) .

حَتّٰٓى اِذَا جَآءَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُوْنِ ﴿۹۹﴾

(درغفلت خویش باشند) تاوقتیکه چون بیاید کسی را ازایشان موت گویدای پروردگار من بازگردان مرا (۹۹) .

لَعَلِّيْٓ اَعْمَلُ صَالِحًا فِيْمَا تَرَكْتُ كَلَّا ۭ اِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَاۗىِٕلُهَا ۭ وَمِنْ وَّرَاۗىِٕهِمْ بَرْزَخٌ اِلٰى يَوْمِ يُبْعَثُوْنَ ﴿۱۰۰﴾

بُوَدکه کار نیکو کنم درسرائی که بگذاشتمش نه چنین باشد هرآئینه این سخنی ست که وی گوینده آنست و پیش ایشان حجابی باشد تاروزیکه برانگیخته شوند (۱۰۰) .

فَاِذَا نُفِخَ فِي الصُّوْرِ فَلَآ اَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَىِٕذٍ وَّلَا يَتَسَاۗءَلُوْنَ ﴿۱۰۱﴾

پس چون دمیده شود در صور پس خویشاوندیها نباشد میان ایشان آن روز و نه بایکدیگر سوال جواب کنند (۱۰۱) .

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِيْنُهٗ فَاُولٰۗىِٕكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿۱۰۲﴾

پس هرکه گران آیدکفه های ترازوی أوپس آن جماعت ایشانند رستگاران (۱۰۲) .

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِيْنُهٗ فَاُولٰۗىِٕكَ الَّذِيْنَ خَسِرُوْٓا اَنْفُسَهُمْ فِيْ جَهَنَّمَ خٰلِدُوْنَ ﴿۱۰۳﴾

وهرکه سبك شد کفه های ترازوی اوپس آن جماعت آنانند که زیان کردند درحق خویش دردوزخ جاویدانند (۱۰۳) .

تَلْفَحُ وُجُوْهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيْهَا كٰلِحُوْنَ ﴿۱۰۴﴾

می سوزد چهره های ایشان را آتش وایشان آنجا ترش روهستند (۱۰٤) .

اَلَمْ تَكُنْ اٰيٰتِيْ تُتْلٰى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُوْنَ ﴿۱۰۵﴾

گویم آیا خوانده نمی شدآیاتِ من برشما پس آن را دروغ می پنداشتید (۱۰۵) .

قَالُوْا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَاۗلِّيْنَ ﴿۱۰۶﴾

گفتند ای پروردگار ماغالب آمدبرما بدبختیِ ماوبودیم گروهی گمراه (۱۰٦) .

رَبَّنَآ اَخْرِجْنَا مِنْهَا فَاِنْ عُدْنَا فَاِنَّا ظٰلِمُوْنَ ﴿۱۰۷﴾

ای پروردگار ما بیرون آرمارا ازینجا پس اگر برگردیم بکفرپس هرآئینه ماستمگار باشیم (۱۰۷) .

قَالَ اخْسَـُٔـوْا فِيْهَا وَلَا تُكَلِّمُوْنِ ﴿۱۰۸﴾

خدا می‌فرماید برسوائی داخل شویددرآن وسخن مگوئید بامن (۱۰۸) .

اِنَّهٗ كَانَ فَرِيْقٌ مِّنْ عِبَادِيْ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَآ اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَاَنْتَ خَيْرُ الرّٰحِمِيْنَ ﴿١٠٩﴾

هرآئينه بودند گروهى ازبندگان كه مى گفتند اى پروردگارما ايمان آورديم پس بيامرزمارا وببخشاى برماوتو بهترين بخشايندگانى (١٠٩) .

فَاتَّخَذْتُمُوْهُمْ سِخْرِيًّا حَتّٰٓى اَنْسَوْكُمْ ذِكْرِيْ وَكُنْتُمْ مِّنْهُمْ تَضْحَكُوْنَ ﴿١١٠﴾

پس مسخره گرفتيد ايشان را تاحديكه فراموش گردانيدند يادمراازدل شما وشما برايشان ميخنديديد (١١٠) .

اِنِّيْ جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوْٓا اَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُوْنَ ﴿١١١﴾

هرآئينه من جزادادم ايشان را امروزبمقابله صبر ايشان بآنكه ايشانند بمراد رسندگان (١١١) .

قٰلَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْاَرْضِ عَدَدَ سِنِيْنَ ﴿١١٢﴾

گويد خدا چقدر درنگ كرديد درزمين بحساب شمار سالها (١١٢) .

قَالُوْا لَبِثْنَا يَوْمًا اَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْئَلِ الْعَآدِّيْنَ ﴿١١٣﴾

گويند درنگ كرديم يك روزيابعض روز پس بپرس از شمار كنندگان (١١٣) .

قٰلَ اِنْ لَّبِثْتُمْ اِلَّا قَلِيْلًا لَّوْ اَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿١١٤﴾

گويد خدا توقف نه كرده ايد مگراندكى اگرشما مى دانستيد (١١٤) .

اَفَحَسِبْتُمْ اَنَّمَا خَلَقْنٰكُمْ عَبَثًا وَّاَنَّكُمْ اِلَيْنَا لَا تُرْجَعُوْنَ ﴿١١٥﴾

آيا پنداشتيد كه آفريديم شمارا بيهوده وآنكه شما بسوى ما گردانيده نشويد (١١٥) .

فَتَعٰلَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمِ ﴿١١٦﴾

پس برترست خدا پادشاه ثابت نيست هيچ معبود برحق غيراو پروردگار عرش گرامى قدر (١١٦) .

وَمَنْ يَّدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهٗ بِهٖ فَاِنَّمَا حِسَابُهٗ عِنْدَ رَبِّهٖ اِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الْكٰفِرُوْنَ ﴿١١٧﴾

هركه بخواند باخدا معبودِ ديگر را هيچ حجتى نيست وى را برثبوت آن معبودپس جزاين نيست كه حساب او نزد پروردگار اوست، هرآئينه رستگار نمى شوند كافران (١١٧) .

وَقُلْ رَّبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاَنْتَ خَيْرُ الرّٰحِمِيْنَ ﴿١١٨﴾

وبگواى پروردگار من بيامرز وببخشاى وتو بهترين بخشندگانى (١١٨) .

سُوْرَةُ النُّوْر

سوره نور مدنی است وآن شصت وچهار آیت ونه رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

سُوْرَةٌ اَنْزَلْنٰهَا وَفَرَضْنٰهَا وَاَنْزَلْنَا فِيْهَآ اٰيٰتٍۢ بَيِّنٰتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ ①

این سوره ایست که فروفرستادیم آنرا وفرض ساختیم آنرا وفرودآوردیم درآن آیاتِ روشن بُوَد که شما پندگیرید (١) .

اَلزَّانِيَةُ وَالزَّانِيْ فَاجْلِدُوْا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ ۖ وَّلَا تَاْخُذْكُمْ بِهِمَا رَاْفَةٌ فِيْ دِيْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ۚ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ②

زن زنا کننده ومرد زنا کننده پس بزنید هریکی را ازایشان صد دُرّه(شلاّق)وباید که درنگیرد شمارا شفقت برایشان درجاری کردن شرع خدا اگر ایمان آورده اید بخدا وروز آخر وباید که حاضر شوند بعقوبت ایشان جماعتی از مسلمانان (٢) .

اَلزَّانِيْ لَا يَنْكِحُ اِلَّا زَانِيَةً اَوْ مُشْرِكَةً ۖ وَّالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَآ اِلَّا زَانٍ اَوْ مُشْرِكٌ ۚ وَحُرِّمَ ذٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ ③

مرد زنا کننده نکاح نمی کند مگر زن زنا کننده یا شرك آرنده را وزن زنا کننده رابزنی نمی گیرد مگر مرد زناکننده یا شرك آرنده وحرام ساخته شده نکاح زانیه برمسلمانان[١] (٣) .

وَالَّذِيْنَ يَرْمُوْنَ الْمُحْصَنٰتِ ثُمَّ لَمْ يَاْتُوْا بِاَرْبَعَةِ شُهَدَآءَ فَاجْلِدُوْهُمْ ثَمٰنِيْنَ جَلْدَةً وَّلَا تَقْبَلُوْا لَهُمْ شَهَادَةً اَبَدًا ۚ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ④

آنان که تهمت زنا می زنند زنانِ پرهیزگاررا بازنمی آورند چهار گواه بزنید ایشان را هشتاد دُرّه(شلاّق)وقبول مکنید گواهی ایشان را هیچ گاه واین جماعت ایشانند فاسق (٤) .

اِلَّا الَّذِيْنَ تَابُوْا مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ وَاَصْلَحُوْا ۚ فَاِنَّ اللّٰهَ

مگر آنانکه توبه کردند بعد ازین و بصلاح

---

(١) مترجم گوید ازین آیت معلوم شد که زانیه مقرّهٔ به زنا را نکاح توان کرد وهمین است مذهب أحمد و تاویل آیت نزد ابی حنیفه و شافعی آنست که حرام کرده شد شرك وزنا برمسلمانان یاگویند خاص است بقومی یاگویند منسوخ است .

غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝٥

آوردند کارِ خود را پس هرآئینه خدا آمرزندۂ مهربان است (٥) .

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ۝٦

وآنانکه تهمت زنامی‌زنند زنانِ خودرا ونباشدایشان را گواهان مگر نفس خویشتن پس گواهی یکی ازایشان ست چهار بار شهادت که بخداهرآئینه وی ازراست گویان ست (٦) .

وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِن كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝٧

وگواهی پنجم (این صفت) که لعنت خدا براوباد اگرازدروغ گویان باشد (٧) .

وَيَدْرَؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ أَن تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ۝٨

وبازمی گرداند ازآن زن عقوبت راآنکه گواهی دهد چهار بار که سوگندبخدا هرآئینه وی (شوهر) ازدروغ گویان ست (٨) .

وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِن كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝٩

(وگواهی دهد) پنجم بار (بااین صفت) که خشمِ خدا بادبرین زن اگرشوهر ازراست گویان باشد (٩) .

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ۝١٠

واگرنمی بود فضل خدا برشما ورحمت او وآنکه خداتوبه پذیرندۂ باحکمت ست چه چیز ها که نمی شد[1] (١٠) .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُو بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُم مَّا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ

هرآئینه آنانکه آوردند تهمت را جماعتی اند ازشما مپندارید این تهمت را بد درحق خویش بلکه آن بهترست برای شماهرکسی را ازایشان چیزی ست که

---

(١) مترجم گوید درغزوۂ بنی مصطلق حضرت عائشه متهم شده ومنافقان دراشاعت بدنامی سعی کردند جماعتی اظهار براءت نمودند وجماعتی توقف نمودند خدای تعالی براءت صدیقه نازل ساخت وذمِ منافقان ومدح براءت کنندگان وتهدید توقف کنندگان فرمود .

وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١﴾

حاصل کرد ازمعصیت وآنکه دامَن زدآن تهمت راازایشان اوراست عذاب بزرگ(١) (١١) .

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَٰذَا إِفْكٌ مُبِينٌ ﴿١٢﴾

چرا نه شد که چون شنیدید آن را گمان می کردند مردان مسلمان وزنان مسلمان درحق خویش نیکی را ومی گفتند این افترائیست ظاهر(١٢) .

لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ ۚ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَٰئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٣﴾

چرانیاورند براین سخن چهار گواه پس چون نیاوردند گواهان را پس آن جماعت نزد خدا ایشانند دروغ گو (١٣) .

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٤﴾

واگرنمی بود فضل خدا برشما ورحمت او دردنیا و آخرت هرآئینه میرسید بشما درآنچه که سخن می گفتید دربارۀ آن عذاب بزرگ (١٤) .

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾

چون فرامی گرفتید آن را بزبانهای خویش ومی گفتید بدهان های خویش سخنی که نه بود شمارا بحقیقت آن دانش و می‌پنداشتید آن را آسان واو نزدِ خدابزرگ بود(٢) (١٥) .

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَٰذَا سُبْحَانَكَ هَٰذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ ﴿١٦﴾

وچرانشد که چون شنیدید آن رامی گفتید نیست مارا که بزبان آریم این سخن را بپاکی یاد می کنیم ترا خدایا این سخن افترائیست بزرگ (١٦) .

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧﴾

پندمی دهد شمارا خدا تا بازبعمل نیارید

---

(١) یعنی عبدالله بن أُبیّ منافق .

(٢) یعنی جمعی که می گفتند فلان وفلان چنین میگویند وما ندیده ایم و تحقیق نمی‌دانیم .

وَيُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿١٨﴾

اِنَّ الَّذِيْنَ يُحِبُّوْنَ اَنْ تَشِيْعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿١٩﴾

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهٗ وَاَنَّ اللّٰهَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿٢٠﴾

يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّبِعُوْا خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ وَمَنْ يَّتَّبِعْ خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ فَاِنَّهٗ يَاْمُرُ بِالْفَحْشَآءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهٗ مَا زَكٰى مِنْكُمْ مِّنْ اَحَدٍ اَبَدًا وَّلٰكِنَّ اللّٰهَ يُزَكِّيْ مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿٢١﴾

وَلَا يَاْتَلِ اُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ اَنْ يُّؤْتُوْا اُولِي الْقُرْبٰى وَالْمَسٰكِيْنَ وَالْمُهٰجِرِيْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَلْيَعْفُوْا وَلْيَصْفَحُوْا اَلَا تُحِبُّوْنَ اَنْ يَّغْفِرَ اللّٰهُ لَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٢٢﴾

اِنَّ الَّذِيْنَ يَرْمُوْنَ الْمُحْصَنٰتِ

مانندداین هرگز اگرمسلمان هستید (١٧).

وبیان می کند خدابرای شما آیات را وخدا دانای باحکمت ست (١٨) .

هرآئینه آنان که دوست می دارند که منتشر شود بدکاری درمیان مسلمانان ایشان راست عقوبت دردناك دردنیا وآخرت وخدامی داند وشما نمی دانید (١٩) .

واگرنبودی فضل خدا برشما و رحمت او وآنکه خدا بخشندهٔ مهربانست (چه چیزها که نمی شد) (٢٠) .

ای مسلمانان ازپی گامهای شیطان مروید وهرکه پیروی گامهای شیطان کند پس هرآئینه وی امرمی‌کند به بی حیائی وکار ناپسندیده واگرنبودی فضل خدا برشما و رحمت او پاك نه شدی ازشما هیچ کس هرگز ولیکن خدا پاك می سازد هرکراخواهد وخدا شنوا داناست (٢١) .

وباید که سوگند نخورند صاحبانِ فضل ووسعت ازشما برآنکه چیزی ندهند خویشاوندان وبینوایان ومهاجرین را درراه خدا وباید که عفوکنند و در گذرند آیا دوست نمی دارید که بیامرزد خدا شمارا وخدا آمرزندهٔ مهربان ست[1] . (٢٢)

هرآئینه آنان که تهمت زنا میزنند زنان پاك

(١) درین تعریض است بابوبکرصدیق چون قسم خورده بود که مِسطَح را هیچ ندهدووی یکی ازدشنام دهندگان بود .

الْغٰفِلٰتِ الْمُؤْمِنٰتِ لُعِنُوْا فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ۠ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿٢٣﴾

دامنِ بیخبرِ مسلمان را لعنت کرده شدند دردنَیا وآخرت وایشان راست عذابِ بزرگ (٢٣) .

يَّوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ اَلْسِنَتُهُمْ وَاَيْدِيْهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٢٤﴾

روزیکه گواهی دهندبرایشان زبانهای ایشان ودست های ایشان وپاهای ایشان بآنچه می کردند (٢٤) .

يَوْمَئِذٍ يُّوَفِّيْهِمُ اللّٰهُ دِيْنَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُوْنَ اَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِيْنُ ﴿٢٥﴾

آن روز بتمام رساند بایشان خدای تعالی جزای باانصاف ایشان را وبدانند که خدا اوست ثابت ظاهر (٢٥) .

اَلْخَبِيْثٰتُ لِلْخَبِيْثِيْنَ وَالْخَبِيْثُوْنَ لِلْخَبِيْثٰتِ ۚ وَالطَّيِّبٰتُ لِلطَّيِّبِيْنَ وَالطَّيِّبُوْنَ لِلطَّيِّبٰتِ ۚ اُولٰٓئِكَ مُبَرَّءُوْنَ مِمَّا يَقُوْلُوْنَ ۭ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ ﴿٢٦﴾

زنانِ ناپاك لائق اند بمردان ناپاك ومردانِ ناپاك لائق اند بزنانِ ناپاك وزنان پاك لائق اند بمردانِ پاك ومردانِ پاك لائق اند بزنانِ پاك، این جماعت بری اند ازآنچه مردم می گویند ایشان راست آمرزش وروزیِ نیکو (٢٦) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَدْخُلُوْا بُيُوْتًا غَيْرَ بُيُوْتِكُمْ حَتّٰى تَسْتَاْنِسُوْا وَتُسَلِّمُوْا عَلٰٓى اَهْلِهَا ۭ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ ﴿٢٧﴾

ای مسلمانان درمیائید بخانه هائی غیر خانه های خویش تاآنکه اجازه طلبید وسلام کنید براهل آن این بهترست شمارا بُوَدکه پندپذیرشوید (٢٧) .

فَاِنْ لَّمْ تَجِدُوْا فِيْهَآ اَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوْهَا حَتّٰى يُؤْذَنَ لَكُمْ ۚ وَاِنْ قِيْلَ لَكُمُ ارْجِعُوْا فَارْجِعُوْا هُوَ اَزْكٰى لَكُمْ ۭ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ عَلِيْمٌ ﴿٢٨﴾

پس اگرنیابید درآنجا هیچ کس را درمیائیدآنجا تاآنکه اجازه داده شودشمارااواگر بشما گفته شود که باز گردید پس بازگردید آن پاك ترست شمارا وخدابآنچه می کنید داناست (٢٨) .

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَدْخُلُوْا بُيُوْتًا غَيْرَ مَسْكُوْنَةٍ فِيْهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ ۭ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ وَمَا تَكْتُمُوْنَ ﴿٢٩﴾

نیست برشما گناهی درآنکه درآئید بخانه های که مسکن کسی نیست درآنجامنفعتی باشد شمارا[1] وخدا

(١) یعنی رباط وقف .

می‌داند آنچه آشکار می کنید وآنچه پوشیده می‌دارید (۲۹) .

قُلْ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ يَغُضُّوْا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ ذٰلِكَ اَزْكٰى لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا يَصْنَعُوْنَ ﴿٣٠﴾

بگو بمردان مسلمان که بپوشند چشم های خودرا ونگاه دارند شرمگاه های خودرا این پاکیزه ترست ایشان را هرآئینه خداخبردارست بآنچه می کنند (۳۰) .

وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنٰتِ يَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوْجَهُنَّ وَلَا يُبْدِيْنَ زِيْنَتَهُنَّ اِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلٰى جُيُوْبِهِنَّ وَلَا يُبْدِيْنَ زِيْنَتَهُنَّ اِلَّا لِبُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اٰبَآئِهِنَّ اَوْ اٰبَآءِ بُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اَبْنَآئِهِنَّ اَوْ اَبْنَآءِ بُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِيْٓ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِيْٓ اَخَوٰتِهِنَّ اَوْ نِسَآئِهِنَّ اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُنَّ اَوِ التّٰبِعِيْنَ غَيْرِ اُولِي الْاِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ اَوِ الطِّفْلِ الَّذِيْنَ لَمْ يَظْهَرُوْا عَلٰى عَوْرٰتِ النِّسَآءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِاَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِيْنَ مِنْ زِيْنَتِهِنَّ وَتُوْبُوْٓا اِلَى اللّٰهِ جَمِيْعًا اَيُّهَ الْمُؤْمِنُوْنَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿٣١﴾

وبگو زنان مسلمان را که بپوشند چشم خودرا ونگاه دارند شرمگاه خودرا وآشکارنه کنند آرایش خودرا[۱] مگرآنچه ظاهر است ازآن مواضع وباید که فروگذارند چادر های خودرا برگریبانهای خود و نه نمایند آرایش خودرا مگر بشوهران خویش یا پدرانِ خویش یاپدرانِ شوهران خویش یاپسران خویش یا پسران شوهران خویش یا برادران خویش یا پسران برادران خویش یا پسران خواهران خویش یا زنان خویش یا آنچه مالك اوشده است دستهای ایشان (یعنی غلامان) یا پیروانی که صاحب شهوت نباشند از مردان یا طفلانی که هنوز مطلع نشده اند برشرمگاه های زنان ونزنند زمین را بپای خویش تادانسته شود آنچه پنهان می کنند اززیورخویش ورجوع کنید بسوی خدا همه ای مسلمانان بُوَدکه رستگارشوید[۲] (۳۱) .

---

(۱) یعنی مواضع زیور .

(۲) حاصل این آیت آنست که از مواضع زینت وجه وکفین وسروگردن وعضد وذراع =

وَاَنْكِحُوا الْاَيَامٰى مِنْكُمْ وَالصّٰلِحِيْنَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَاِمَآئِكُمْ ۭ اِنْ يَّكُوْنُوْا فُقَرَآءَ يُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ ۭ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ﴿٣٢﴾

وبنکاح دهید زنان بی شوهر (مردان بی زن آزاد مسلمان را) ازقوم خویش وشایستگان راااز غلامان خویش وکنیزان خویش اگر فقیر باشند توانگر کندایشان را خدااازفضل خود وخدا بسیاردهندۀ داناست (٣٢) .

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِيْنَ لَا يَجِدُوْنَ نِكَاحًا حَتّٰى يُغْنِيَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ ۭ وَالَّذِيْنَ يَبْتَغُوْنَ الْكِتٰبَ مِمَّا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوْهُمْ اِنْ عَلِمْتُمْ فِيْهِمْ خَيْرًا ڰ وَّاٰتُوْهُمْ مِّنْ مَّالِ اللّٰهِ الَّذِيْٓ اٰتٰىكُمْ ۭ وَلَا تُكْرِهُوْا فَتَيٰتِكُمْ عَلَى الْبِغَاۗءِ اِنْ اَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوْا عَرَضَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۭ وَمَنْ يُّكْرِھْهُّنَّ فَاِنَّ اللّٰهَ مِنْۢ بَعْدِ اِكْرَاهِهِنَّ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٣٣﴾

وباید که بر پاکدامنی مقید باشند آنانکه نمی یابند اسباب نکاح تاآنکه توانگر کندایشان را خدااز فضل خویش وآنانکه می طلبند مکاتبت رااز غلامانی که مالك آن شده است دست های شما پس مکاتب کنید آنهارا اگر بدانید درایشان شائستگی وبدهید مکاتبان رااز مال خدا که بشما ارزانی داشته است واجبار مکنید کنیزگان خودرا برزنا اگرایشان پرهیزگاری خواهند تابدست آرید متاع زندگانی دنیا و هرکه اجبارکند ایشان را پس هرآئینه خدا(آن کنیزگان را) بعد اجبار کردن برایشان آمرزندۀ مهربان ست (٣٣) .

وَلَقَدْ اَنْزَلْنَآ اِلَيْكُمْ اٰيٰتٍ مُّبَيِّنٰتٍ وَّمَثَلًا مِّنَ الَّذِيْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِيْنَ ﴿٣٤﴾

وهرآئینه فرودآوردیم بسوی شما آیت های روشن را ومثالی ازحال آنانکه گذشتند پیش ازشماوپندی برای پرهیزگاران (٣٤) .

اَللّٰهُ نُوْرُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ مَثَلُ نُوْرِهٖ كَمِشْكٰوةٍ فِيْهَا

خدا نور آسمانها وزمین ست مثالی نورِوی (درقلب مسلمانان) مانند طاقی

= وساق،والله اعلم .

مِصْبَاحٌ ۖ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ۖ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ ۚ نُّورٌ عَلَىٰ نُورٍ ۗ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣٥﴾

که درآن چراغی ست[1] آن چراغ درشیشه ای ست[2] آن شیشه گویاستارهٔ درخشنده ای ست که افروخته می شود ازروغن درختی بابرکت که عبارت ازدرخت زیتونی ست نه بسمت مشرق رویدونه بجانب مغرب نزدیك است که روغن وی روشنی بدهداگرچه نرسیده باشدش آتشی، روشنی برروشنی ست راه می نماید خدا به نور خود هرکرا خواهد وبیان می فرماید خدا مثالها برای مردمان وخدا بهَر چیز داناست[3] (٣٥).

فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿٣٦﴾

درخانه های که دستوری داده است خدا که بلند کرده شود آن راویاد کرده شود آنجانام او بپاکی، یاد می‌کنند خدارا آنجاصبح وشام (٣٦) .

رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ ۙ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾

مردانیکه بازندارد ایشان را تجارت ونه خرید و فروش ازیادِ خدا و برپاداشتن نماز ودادن زکوٰة، می ترسند ازآن روز که مضطرب شوند درآن دل ها ودیده ها (٣٧) .

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ

تاجزادهد ایشان را خدابعوض بهترین آنچه کردند وزیاده دهدایشان را خدا

(١) یعنی فتیله روشن ست .

(٢) یعنی درقندیل ست .

(٣) حاصل این مثل تشبیه نوری است که بسبب مواظبت برطهارت وعبادت دردل مسلمانان حاصل می شود بنورچراغ که در غایت درخشند گی باشد وبجهت اشعار بآن مواظبت می فرماید .

مَنْ يَّشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٨﴾

ازفضل خويش وخداروزى مى دهد هركرا خواهد بى شمار (٣٨) .

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍۭ بِقِيْعَةٍ يَّحْسَبُهُ الظَّمْاٰنُ مَآءً ۭ حَتّٰٓي اِذَا جَاۗءَهٗ لَمْ يَجِدْهُ شَـيْـــًٔا وَّوَجَدَ اللّٰهَ عِنْدَهٗ فَوَفّٰىهُ حِسَابَهٗ ۭ وَاللّٰهُ سَرِيْعُ الْحِسَابِ ﴿٣٩﴾

وآنانكه كافرشدند اعمال ايشان مانند سرابيست بميدانى هموار مى‌پنداردش تشنه آبى تاوقتيكه چون بيايد نزديك آن نيابدش چيزى ويابد خدارا نزد آن پس تمام رسانيد به وى حساب وَى را وخدا زودگيرندهٔ حساب ست[1] (٣٩) .

اَوْ كَظُلُمٰتٍ فِيْ بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَّغْشٰـىهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهٖ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهٖ سَحَابٌ ۭ ظُلُمٰتٌۢ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ ۭ اِذَآ اَخْرَجَ يَدَهٗ لَمْ يَكَدْ يَرٰىهَا ۭ وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللّٰهُ لَهٗ نُوْرًا فَمَا لَهٗ مِنْ نُّوْرٍ ﴿٤٠﴾

يا ما ننـد تـاريكـى ها دردريـائـى عميـق مى‌پوشداين بحر را موج ازبالاى آن موج ديگرازبالاى آن ابر تاريكى هاست بعض آن بالاى بعض ديگر چون بيرون آرد دستِ خودنزديك نيست كه ببيندش وهركه نداد او را خداروشنى پس نيست اورا هيچ روشنى[2] (٤٠) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُسَبِّحُ لَهٗ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَالطَّيْرُ صٰۗفّٰتٍ ۭ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهٗ وَتَسْبِيْحَهٗ ۭ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِمَا يَفْعَلُوْنَ ﴿٤١﴾

آيا نديدى كه به پاكى يادمى كند خدارا هركه درآسمانها وزمين ست ومرغان بال گشاده هريكى دانسته است خدا دعاى اوراوتسبيح اورا وخداداناست بآنچه مى‌كنند (٤١) .

وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيْرُ ﴿٤٢﴾

وخداراست پادشاهى آسمانها وزمين وبسوى خداست باز گشت (٤٢) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُزْجِيْ سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهٗ ثُمَّ يَجْعَلُهٗ رُكَامًا فَتَرَى

آياندیدى كه خدا روان مى كند ابررا

---

(١) حاصل اين مَثَل آنست كه اعمالِ كافر نابُوَد شود و درآخرت آنرا هيچ ثواب نباشد.

(٢) حاصل اين مَثَل آنست كه بركافرظلمات بهيميت متراكم شده است وانوارملكيت ازوى بكلى معدوم شده است .

الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلٰلِهٖ ۚ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ جِبَالٍ فِيْهَا مِنْۢ بَرَدٍ فَيُصِيْبُ بِهٖ مَنْ يَّشَآءُ وَيَصْرِفُهٗ عَنْ مَّنْ يَّشَآءُ ؕ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهٖ يَذْهَبُ بِالْاَبْصَارِ ؕ ﴿٤٣﴾

بازجمع می نماید میان آن بازمیسازدش تودرتو پس می بینی قطره را که بیرون می آیداز میان آن وفرودمی آرد ازجانب بالا ازکوه هاکه آنجاست ژاله را پس میرساندش بهرکه خواهد وبازمیداردش ازهر که می خواهد نزدیک ست درخشنلگی برق آن ابر دور کند چشمهارا (٤٣) .

يُقَلِّبُ اللّٰهُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّاُولِي الْاَبْصَارِ ﴿٤٤﴾

می گرداند خدا شب وروزرا هرآئینه درین مقدمه عبرتیست خداوندان بصیرت را (٤٤) .

وَاللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٍ مِّنْ مَّآءٍ ۚ فَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِيْ عَلٰى بَطْنِهٖ ۚ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِيْ عَلٰى رِجْلَيْنِ ۚ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِيْ عَلٰٓى اَرْبَعٍ ؕ يَخْلُقُ اللّٰهُ مَا يَشَآءُ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٤٥﴾

وخدا آفرید هرجنبده ای را ازآب پس ازینهاست آنکه می رودبرشکم خود وازینهاست آن که میرود بردوپای وازینهاست آنکه میرود برچهارپای می‌آفریند خدا هرچه خواهد هرآئینه خدا برهرچیز تواناست (٤٥) .

لَقَدْ اَنْزَلْنَآ اٰيٰتٍ مُّبَيِّنٰتٍ ؕ وَاللّٰهُ يَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٤٦﴾

هرآئینه فرود آوردیم آیاتِ روشن را وخدا دلالت می کند هرکرا خواهد بسوی راه راست (٤٦) .

وَيَقُوْلُوْنَ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُوْلِ وَاَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلّٰى فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ مِّنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ ؕ وَمَآ اُولٰٓئِكَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٤٧﴾

ومی گویند منافقان ایمان آوردیم بخدا وبرسول وفرمانبرداری نمودیم وبازرو می‌گرداند گروهی ازایشان بعد ازین ونیستند ایشان مومنان (٤٧) .

وَاِذَا دُعُوْٓا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ اِذَا فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٤٨﴾

وچون خوانده می شوند بسوی خداو رسول اوتاحکم فرماید میان ایشان ناگهان جماعتی ازایشان روگردانند (٤٨) .

وَاِنْ يَّكُنْ لَّهُمُ الْحَقُّ يَاْتُوْٓا اِلَيْهِ مُذْعِنِيْنَ ﴿٤٩﴾

واگرباشد ایشان راحق بیایند بسوی

اوگردن نهاده (٤٩) .

اَفِیْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ اَمِ ارْتَابُوْٓا اَمْ یَخَافُوْنَ اَنْ یَّحِیْفَ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ وَرَسُوْلُهٗ ؕ بَلْ اُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿۵۰﴾

آیا دردل های ایشان بیماریست یادرشك افتادند یا می‌ترسند ازآنکه ستم کند برایشان خداورسول اوبلکه این جماعت ایشانند ستمگاران (٥٠) .

اِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِیْنَ اِذَا دُعُوْٓا اِلَی اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ لِیَحْكُمَ بَیْنَهُمْ اَنْ یَّقُوْلُوْا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا ؕ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿۵۱﴾

جزاین نیست که می باشد قول مسلمانان چون خوانده می‌شوند ایشان بسوی خدا و رسول اوتاحکم کند میان ایشان آنکه گویند شنیدیم وفرمانبرداری کردیم واین جماعت ایشانند رستگاران (٥١) .

وَمَنْ یُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَیَخْشَ اللّٰهَ وَیَتَّقْهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفَآئِزُوْنَ ﴿۵۲﴾

وهرکه فرمان برداری کند خداورسول اورا وبترسدازخدا وحذرکندازعذاب اوپس این جماعت ایشانند بمراد رسندگان (٥٢) .

وَاَقْسَمُوْا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَیْمَانِهِمْ لَئِنْ اَمَرْتَهُمْ لَیَخْرُجُنَّ ؕ قُلْ لَّا تُقْسِمُوْا ۚ طَاعَةٌ مَّعْرُوْفَةٌ ؕ اِنَّ اللّٰهَ خَبِیْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿۵۳﴾

وقسم خوردند بخدا بموکدترین قسمهای خود که اگربفرمائی ایشانرا البته بیرون روند ازوطن خود بگو قسم مخورید فرمانبرداری پسندیده مطلوب ست هرآئینه خداخبرداراست بآنچه می کنید (٥٣) .

قُلْ اَطِیْعُوا اللّٰهَ وَاَطِیْعُوا الرَّسُوْلَ ۚ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّمَا عَلَیْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَیْكُمْ مَّا حُمِّلْتُمْ ؕ وَاِنْ تُطِیْعُوْهُ تَهْتَدُوْا ؕ وَمَا عَلَی الرَّسُوْلِ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِیْنُ ﴿۵۴﴾

بگو فرمانبرداری خدابکنید وفرمانبرداری پیغمبرکنید پس اگر روبگردانید پس جزاین نیست که برپیغمبر ست آنچه بروی لازم کرده شدوبرشماست آنچه برشمالازم کرده شد واگر فرمانبرداری اوکنید راه یابید ونیست برپیغامبر مگرپیغام رسانیدن آشکار (٥٤) .

وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ

وعده داده است خداآنان را که ایمان آوردندازشما و عمل های شائسته

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۚ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۚ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾

کردندکه البته خلیفه سازدایشان را درزمین چنانکه خلیفه ساخته بود آنان را که پیش ازایشان بودند[1] والبته محکم کند برای ایشان دین ایشان را که پسندیده است برای ایشان والبته تبدیل کندترس ایشان را پیش ازاین به ایمنی، پرستش کنند مرا شریك مقررنه کنند بامن چیزی را وهرکه ناسپاسی کند بعد ازین پس آن جماعت ایشان اند فاسقان[2] (٥٥) .

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٥٦﴾

وبرپادارید نمازرا وبدهید زکوٰة را وفرمانبرداری کنید پیغمبررا بُوَدکه برشما رحم کرده شود (٥٦) .

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ۚ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ۖ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٥٧﴾

مپندار کافران را عاجزکننده درزمین وجای ایشان آتش ست وآن بدبازگشت ست (٥٧) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ۚ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ۚ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ ۚ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ ۚ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٨﴾

ای مسلمانان باید که اجازه طلبند ازشما آنانکه مالك ایشان شده است دست های شما[3] وآنانکه نه رسیده اندبحدبلوغ ازشما سه نوبت، پیش از نماز فجر ووقتیکه فرومی نهید جامه های خودرا درنیم روز وپس از نماز عشا این سه وقتِ خلوتست برای شما نیست برشما ونه برایشان هیچ بَزَه بعد ازینها

---

(١) یعنی چنانکه بنی اسرائیل رابعد عمالقه پادشاه ساخت .

(٢) یعنی چنانکه قاتلان حضرت عثمان کردند مترجم گوید تفسیر این آیت درحدیث آمده انّ الخلافة بعدی ثلاثون سنَة (هرآئینه خلافت پس ازمن سی سال است) والله اعلم .

(٣) یعنی غلامان وکنیزان .

درآیند گانند برشما بعض ازشما بربعض دیگر همچنین بیان می کند خدابرای شما آیات را وخدا دانندۀ باحکمت ست[1] (۵٨) .

وَاِذَا بَلَغَ الْاَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَاْذِنُوْا كَمَا اسْتَاْذَنَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ؕ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيٰتِهٖ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿۵۹﴾

وچون رسند طفلان ازشما بحدِبلوغ باید که اجازه طلب کنند چنانکه اجازه می طلبیدندآنانکه پیش ازایشان بودند همچنین بیان می کند خدا برای شماآیاتِ خودرا وخدادانا باحکمت ست (۵٩) .

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَآءِ الّٰتِيْ لَا يَرْجُوْنَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ اَنْ يَّضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجٰتٍۢ بِزِيْنَةٍ ؕ وَاَنْ يَّسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ ؕ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿٦٠﴾

وکلان سالان اززنان که توقع نکاح ندارند پس نیست برایشان گناهی درآنکه فرونهند جامه های خودرا بدون ظاهرکردن آرایشی وپرهیزگاری کردن شان بهترست ایشان را وخداشنوا داناست (٦٠) .

لَيْسَ عَلَى الْاَعْمٰى حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْاَعْرَجِ حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْمَرِيْضِ حَرَجٌ وَّلَا عَلٰۤى اَنْفُسِكُمْ اَنْ تَاْكُلُوْا مِنْۢ بُيُوْتِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اٰبَآئِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اُمَّهٰتِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اِخْوَانِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اَخَوٰتِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اَعْمَامِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ عَمّٰتِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اَخْوَالِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ خٰلٰتِكُمْ

نیست برنابینا گناهی ونه برلنگ گناهی ونیست بربیمار گناهی ونه برذات شما گناهی درآنکه بخورید ازخانه های خویش یاخانه های پدران خویش یاخانه های مادران خویش یاخانه های برادران خویش یاخانه های خواهران خویش یاخانه های عموهای خویش یا خانه های عمّه های خویش یاخانه های خالوهای خویش یاخانه های خالهای خویش یا

---

(١) حاصل آن ست که محارم واطفال نیزدرین ساعات استیذان کنندزیرا که مردمان جامه درین ساعات ازتن می کشند وعریان می شوند محصول سخن آنست که محارم راواطفال را عریان دیدن درست نیست والله اعلم .

اَوْمَامَلَكْتُمْ مَّفَاتِحَهٗۤ اَوْصَدِيْقِكُمْ ؕ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَاْكُلُوْا جَمِيْعًا اَوْ اَشْتَاتًا ؕ فَاِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوْتًا فَسَلِّمُوْا عَلٰۤى اَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُبٰرَكَةً طَيِّبَةً ؕ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿٦١﴾

خانه ای که بتصرف شماست کلید های او[1] یاخانه های دوستتان نیست برشما هیچ گناهی درآنکه بخورید همه باهم یامتفرق[2] پس چون درآئید بخانه ها پس سلام گوئید برقوم خویش دعای خیر با برکت پاکیزه ازنزد خدا همچنین بیان می کند خدابرای شما آیات را بُوَدکه بفهمید (٦١) .

اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَاِذَا كَانُوْا مَعَهٗ عَلٰۤى اَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوْا حَتّٰى يَسْتَاْذِنُوْهُ ؕ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَاْذِنُوْنَكَ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ۚ فَاِذَا اسْتَاْذَنُوْكَ لِبَعْضِ شَاْنِهِمْ فَاْذَنْ لِّمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٦٢﴾

جزاین نیست که مسلمانان آنانند که ایمان آوردند بخدا ورسول او وچون باشند باوی برکاری که مقتضی اجتماع ایشان است نروند تاآنکه اجازه طلبند از وی هرآئینه آنانکه اجازه می طلبند ازتو ایشان آنان اند که ایمان آورده اند بخدا و برسول او پس اگراجازه طلبند ازتوبرای بعض کارخوداجازه ده هرکراخواهی ازیشان وآمرزش طلب کن برای ایشان ازخداهرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربانست (٦٢) .

لَا تَجْعَلُوْا دُعَآءَ الرَّسُوْلِ بَيْنَكُمْ كَدُعَآءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا ؕ قَدْ يَعْلَمُ اللّٰهُ الَّذِيْنَ يَتَسَلَّلُوْنَ مِنْكُمْ لِوَاذًا ۚ فَلْيَحْذَرِ الَّذِيْنَ يُخَالِفُوْنَ عَنْ اَمْرِهٖۤ اَنْ تُصِيْبَهُمْ فِتْنَةٌ اَوْ يُصِيْبَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٦٣﴾

مشمارید طلبیدن پیغامبررا درمیان خویش مانند طلبیدن بعض ازشمابعض دیگررا هرآئینه می داند خداآنان را که به پنهانی بیرون می روند ازشما پناه جویان پس باید که بترسند آنانکه خلاف حکم پیغمبر می‌کنند ازآنکه برسدبدیشان بلائی

(١) یعنی نگاهبان و وکیل حفظ اوباشید .
(٢) یعنی اذنی که ازرسم وعادت مفهوم ست کفایت می کند وحاجت اذن صریح نیست والله اعلم .

اَلَآ اِنَّ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ قَدْ یَعْلَمُ مَاۤ اَنْتُمْ عَلَیْهِ ؕ وَیَوْمَ یُرْجَعُوْنَ اِلَیْهِ فَیُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوْا ؕ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ ﴿٦٤﴾

یابرسد بایشان عذاب درد دهنده (٦٣) . آ گاه شو هرآئینه خداراست آنچه درآسمانها وزمین ست میداند روشی را که شمابرآنید وروزیکه گردانیده شوند بسوی اوخبردهد ایشان را بآنچه کرده اند وخدابهرچیز داناست (٦٤) .

سوره فرقان مکی است وآن هفتادوهفت آیت وشش رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

تَبٰرَكَ الَّذِیْ نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلٰی عَبْدِهٖ لِیَكُوْنَ لِلْعٰلَمِیْنَ نَذِیْرَا ۙ﴿١﴾

بسیاربابرکت ست آنکه فرود آورد قرآن را بربندۂ خویش تاباشد ترساننده عالم هارا (١) .

ۣالَّذِیْ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَّلَمْ یَكُنْ لَّهٗ شَرِیْكٌ فِی الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَیْءٍ فَقَدَّرَهٗ تَقْدِیْرًا ﴿٢﴾

آنکه اوراست پادشاهی آسمان ها وزمین وهیچ فرزندنگرفته وهیچ شریك نیست اورادرپادشاهی وبیافرید هرچیزی را پس اندازه کرداوراندازه کردنی (٢) .

وَاتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖۤ اٰلِهَةً لَّا یَخْلُقُوْنَ شَیْئًا وَّهُمْ یُخْلَقُوْنَ وَلَا یَمْلِكُوْنَ لِاَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَّلَا نَفْعًا وَّلَا یَمْلِكُوْنَ مَوْتًا وَّلَا حَیٰوةً وَّلَا نُشُوْرًا ﴿٣﴾

وگرفتند کافران بجزخدا آن معبودان را که نمی آفرینند چیزی وخود شان آفریده شوند و نمی توانند برای خویش زیانی ونه سودی ونمی توانند مرگ را ونه زندگانی را ونه برانگیختن را (٣) .

وَقَالَ الَّذِیْنَ كَفَرُوْۤا اِنْ هٰذَاۤ اِلَّاۤ اِفْكُ ِۨافْتَرٰىهُ وَاَعَانَهٗ عَلَیْهِ قَوْمٌ اٰخَرُوْنَ ۛۚ فَقَدْ جَآءُوْ ظُلْمًا وَّزُوْرًا ۚۛ﴿٤﴾

وگفتند کافران نیست این قرآن مگردروغی که بربافته است آن را ویاری داده انداورابرافترای وی گروه دیگر پس بعمل آوردند ستم ودروغ را (٤) .

وَقَالُوْۤا اَسَاطِیْرُ الْاَوَّلِیْنَ اكْتَتَبَهَا فَهِیَ تُمْلٰی عَلَیْهِ بُكْرَةً وَّاَصِیْلًا ﴿٥﴾

وگفتند قرآن افسانهای پیشینیانست که برای خودنوشته است آنرا پس آن خوانده می شود بروَی صبح و

قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِيْ يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ اِنَّهٗ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ⑥

شام[1] (٥) .

بگو فرود آورده است آنراکسیکه میداند آن پنهان را که درآسمان ها وزمین ست هرآئینه وی هست آمرزندهٔ مهربان (٦) .

وَقَالُوْا مَالِ هٰذَا الرَّسُوْلِ يَاْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِيْ فِي الْاَسْوَاقِ ۭ لَوْلَآ اُنْزِلَ اِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُوْنَ مَعَهٗ نَذِيْرًا ۙ⑦

و گفتندچیست این پیغامبررا که میخورد طعام ومیرود دربازارها چرافرستاده نشد بسوی وی فرشته تاباشد همراه وی ترساننده (٧) .

اَوْ يُلْقٰٓى اِلَيْهِ كَنْزٌ اَوْ تَكُوْنُ لَهٗ جَنَّةٌ يَّاْكُلُ مِنْهَا ۭ وَقَالَ الظّٰلِمُوْنَ اِنْ تَتَّبِعُوْنَ اِلَّا رَجُلًا مَّسْحُوْرًا ⑧

یاچرا ازآسمان پرتافته نه شد بسوی وی گنجی یاچرانیست اوراباغی که بخورد ازآن و گفتند ستمگاران پیروی نمی کنید مگرمردجادو زده را (٨) .

اُنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوْا لَكَ الْاَمْثَالَ فَضَلُّوْا فَلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ سَبِيْلًا ۧ⑨

ببین چگو نه مثالها زدند درحق تو پس گمراه شدند پس نمی یابند هیچ راهی را (٩) .

تَبٰرَكَ الَّذِيْٓ اِنْ شَاۗءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذٰلِكَ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۙ وَيَجْعَلْ لَّكَ قُصُوْرًا ⑩

بزرگوارست آنکه اگرخواهد بدهدترا بهتراز این بوستانها که میرود زیرآن جویهابدهد ترا کاخهای بلند (یعنی دردنیا) (١٠) .

بَلْ كَذَّبُوْا بِالسَّاعَةِ ۣ وَاَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيْرًا ۚ⑪

بلکه دروغ شمردند قیامت را وآماده ساختیم برای کسیکه تکذیب قیامت کند دوزخ را (١١) .

اِذَا رَاَتْهُمْ مِّنْ مَّكَانٍۢ بَعِيْدٍ سَمِعُوْا لَهَا تَغَيُّظًا وَّزَفِيْرًا ⑫

چون به ببینند دوزخ راایشان ازمسافتِ دوربشنوند از وی آواز خشم خوردن وجوش وخروش را (١٢) .

وَاِذَآ اُلْقُوْا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِيْنَ دَعَوْا

وچون انداخته شوند ازآن دوزخ بمکانی

(١) یعنی تایاد گیرد .

هُنَالِكَ ثُبُوْرًا ﴿١٣﴾

تنگ دست وپابسته بددعا کنند آنجابرخویش هلاك شدن را(١٣) .

لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُوْرًا وَّاحِدًا وَّادْعُوْا ثُبُوْرًا كَثِيْرًا ﴿١٤﴾

وگوئیم بددعا نکنید امروز بیك هلاك شدن وبددعا کنید بهلاك بسیار (١٤) .

قُلْ اَذٰلِكَ خَيْرٌ اَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِيْ وُعِدَ الْمُتَّقُوْنَ ۭ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاۗءً وَّمَصِيْرًا ﴿١٥﴾

بگو آیا این بهترست یا بهشت جاویدآنکه وعده داده است متقیان را باشد ایشان را پاداش وجای بازگشت (١٥) .

لَهُمْ فِيْهَا مَا يَشَاۗءُوْنَ خٰلِدِيْنَ ۭ كَانَ عَلٰي رَبِّكَ وَعْدًا مَّسْــُٔوْلًا ﴿١٦﴾

ایشان راست درآنجاآنچه می خواهندجاویدان، هست برپروردگار تو وعدهٔ طلبیده شده (١٦) .

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَيَقُوْلُ ءَاَنْتُمْ اَضْلَلْتُمْ عِبَادِيْ هٰٓؤُلَاۗءِ اَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيْلَ ﴿١٧﴾ۭ

وآن روز که جمع کند خداایشان را وآنچه می پرستند بغیراز خدا پس گوید آیاشما گمراه کردید این بندگان مرا یاایشان خود خطا کرده اند راه را (١٧) .

قَالُوْا سُبْحٰنَكَ مَا كَانَ يَنْۢبَغِيْ لَنَآ اَنْ نَّتَّخِذَ مِنْ دُوْنِكَ مِنْ اَوْلِيَاۗءَ وَلٰكِنْ مَّتَّعْتَهُمْ وَاٰبَاۗءَهُمْ حَتّٰي نَسُوا الذِّكْرَ ۚ وَكَانُوْا قَوْمًۢا بُوْرًا ﴿١٨﴾

گویند بپاکی یادمی کنیم ترا سزاوار نباشد ماراکه هیچ دوست گیریم بجز تو ولیکن بهره مند ساختی ایشان را وپدران ایشان را تاآنکه فراموش کردند پند را وشدند گروهی هلاك شده (١٨) .

فَقَدْ كَذَّبُوْكُمْ بِمَا تَقُوْلُوْنَ ۙ فَمَا تَسْتَطِيْعُوْنَ صَرْفًا وَّلَا نَصْرًا ۚ وَمَنْ يَّظْلِمْ مِّنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيْرًا ﴿١٩﴾

گوئیم (ای گروه کافران) هرآئینه دروغ پنداشتند شمارا این معبودان درآنچه می‌گفتید پس نمی توانید دفع کردن عذاب ونه یاری دادن وهرکه ستم کند ازشما بچشانیمش عذاب بزرگ (١٩) .

وَمَآ اَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِيْنَ اِلَّآ اِنَّهُمْ لَيَاْكُلُوْنَ الطَّعَامَ وَيَمْشُوْنَ فِي الْاَسْوَاقِ ۭ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً ۭ اَتَصْبِرُوْنَ ۚ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيْرًا ﴿٢٠﴾ۧ

ونه فرستادیم پیش ازتو پیغامبران مگر باین صفت که ایشان می خورند طعام ومی رفتند دربازارها و ساختیم بعض شمارا درحق بعضی ابتلائی آیاصبر می‌کنید، وهست پروردگار توبینا (٢٠) .

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنفُسِهِمْ وَعَتَوْ عُتُوًّا كَبِيرًا ﴿٢١﴾

و گفتند آنانکه توقع ندارند ملاقات مارا چرا فروفرستاده نشد برما فرشتگان یاچرانمی بینیم پروردگار خودرا هرآئینه بزرگ شدند درزعم خویش و سرکشی کردند سرکشیِ بزرگ (٢١) .

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا ﴿٢٢﴾

روزی که به بینند فرشتگان را هیچ مژده نیست آن روز گنهگاران را وگویند که بازداشته شوند بازداشتن موکد (٢٢) .

وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنثُورًا ﴿٢٣﴾

ومتوجه شدیم بسوی آن چه کردند ازکردار پس ساختیم آن را مانند ذرّه های پراگنده[1] (٢٣) .

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ﴿٢٤﴾

اهل بهشت آن روزبهترند ازجهت قرارگاه ونیکوترند باعتبار جای استراحت (٢٤) .

وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنزِيلًا ﴿٢٥﴾

وروزیکه بشگافد آسمان بسبب ابرو فرودآورده شوند فرشتگان فرودآوردنی[2] (٢٥) .

الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَٰنِ ۚ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿٢٦﴾

پادشاهیِ حقیقی آن روزخداراست وباشد آن روز برکافران روزدشوار (٢٦) .

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿٢٧﴾

وروزی که بگزد ستمگار دودست خودرا گوید ای کاش من گرفتمی همراه پیغامبر راهی[3] (٢٧) .

يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ﴿٢٨﴾

ای وای برمن کاش که دوست نه گرفتمی فلان را[4] (٢٨) .

---

(١) یعنی برباد کردیم

(٢) یعنی آسمان برهیئتِ معتادخود باشد اماابرناگاه منشق شود والله اعلم .

(٣) تمناکننده عقبه بن ابي معیط بود که اطاعت أبی بن خلف کرد چنانه درسبب نزول آیه بیان کرده اند .

(٤) یعنی أبی بن خلف ومانند او .

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ۗ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ﴿٢٩﴾

هرآئینه وی گمراه کرد مراازپند بعد ازآنکه آمده بودبمن وهست شیطان آدمی را درمحنت تنها گذارنده (۲۹) .

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَٰذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ﴿٣٠﴾

و گفت پیغامبر ای پروردگار من هرآئینه قوم من این قرآن را متروك ساختند (۳۰) .

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ﴿٣١﴾

وهمچنین ساخته ایم برای هر پیغامبر دشمنان ازگناهگاران و بس ست پروردگار تو راه نما ونصرت دهنده (۳۱) .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً ۚ كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ ۖ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ﴿٣٢﴾

و گفتند کافران چرا فرود آورده نه شد برپیغامبرقرآن بیك دفعه همچنین بدفعات آوردیم تاastوارسازیم بآن دل ترا و خواندیم آن راباآهستگی (۳۲) .

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا ﴿٣٣﴾

ونیارند کافران پیش توهیچ داستانی مگر بیاریم پیش توجوابی راست و نیکوتر دربیان (۳۳) .

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٣٤﴾

آنانکه برانگیخته حشرکرده شوند برچهره های خویش بسوی دوزخ این جماعت بدترند باعتبار مکان و غلط کننده ترندراه را(۳٤) .

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ﴿٣٥﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ را کتاب و ساختیم همراه او برادر او هارون را وزیر (۳۵) .

فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا ﴿٣٦﴾

پس گفتیم بروید بسوی آن قوم که دروغ شمردند آیات مارا پس هلاك ساختیم آن قوم را هلاك کردنی (۳٦) .

وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣٧﴾

وقوم نوح چون دروغگو شمردند پیغامبران را غرق ساختیم این جماعت را و گردانیدیم ایشان رابرای مردمان نشانه ، و مهیّا کردیم برای ستمگاران عذاب درد دهنده (۳۷) .

وَّعَادًا وَّثَمُوْدَا۠ وَاَصْحٰبَ الرَّسِّ وَقُرُوْنًا بَيْنَ ذٰلِكَ كَثِيْرًا ﴿٣٨﴾

وهلاك ساختيم عادوثمود واهل رسّ را وخَلقی بسيار را درميان ايشان (٣٨) ،

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْاَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيْرًا ﴿٣٩﴾

وبـرای هريكـی بيـان كرديـم داستـان ها وهريكی را هلاك ساختيم هلاك كردنی (٣٩) .

وَلَقَدْ اَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِيْٓ اُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ ؕ اَفَلَمْ يَكُوْنُوْا يَرَوْنَهَا ۚ بَلْ كَانُوْا لَا يَرْجُوْنَ نُشُوْرًا ﴿٤٠﴾

وهرآئينه رسيدند كافران بدهی كه بارانيده شد بروی بارانِ بد(يعنی باران سنگ) آيانمی ديدند آن را بلكه توقع نمی داشتند برانگيختن را (٤٠) .

وَاِذَا رَاَوْكَ اِنْ يَّتَّخِذُوْنَكَ اِلَّا هُزُوًا ؕ اَهٰذَا الَّذِيْ بَعَثَ اللّٰهُ رَسُوْلًا ﴿٤١﴾

وچون بينند ترا نگيرند ترا الّا مسخره آيااين شخص ست آنكه خدای تعالی پيغامبرفرستادش (٤١) .

اِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ اٰلِهَتِنَا لَوْلَآ اَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا ؕ وَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ حِيْنَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ اَضَلُّ سَبِيْلًا ﴿٤٢﴾

هرآئينه نزديك بود كه گمراه كند مارا ازپرستشِ خدايانِ ما اگر نه آن بودی كه شكيبائی كرديم برآن ها وخواهند دانست چون بينند عذاب را كه كيست اشتباه رونده تر راه را (٤٢) .

اَرَءَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهٗ هَوٰىهُ ؕ اَفَاَنْتَ تَكُوْنُ عَلَيْهِ وَكِيْلًا ﴿٤٣﴾

آياديدی آن را كه‌گرفته است معبود خود خواهش نفس خودراآياتو ميشوی بروَی نگهبان (٤٣) .

اَمْ تَحْسَبُ اَنَّ اَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُوْنَ اَوْ يَعْقِلُوْنَ ؕ اِنْ هُمْ اِلَّا كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ سَبِيْلًا ﴿٤٤﴾

آيامی پنداری كه بيشترين ايشان می شنوند يامی‌فهمند نيستند ايشان الّا مانند چهارپايان بلكه ايشان اشتباه رونده ترند راه را (٤٤) .

اَلَمْ تَرَ اِلٰى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ ۚ وَلَوْ شَآءَ لَجَعَلَهٗ سَاكِنًا ۚ ثُمَّ

آيا نديدی بسوی پروردگار خود كه چگـونـه دراز كـردسـايـه را[1] واگـر

---

(١) يعنی بعد اسفارقبل ازغروب آفتاب يادراوّل روز .

جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ﴿٤٥﴾

خواستی گردانیدی آن را آرمیده بازبرگماشتیم آفتاب را بروَی راه نما[1] (٤٥) .

ثُمَّ قَبَضْنَٰهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٤٦﴾

بازفراگرفتیم سایه را بسوی خویش فرا گرفتن آسان (٤٦) .

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿٤٧﴾

واوست آنکه ساخته برای شما شب را پوشش وخواب راراحت وساخت روزراوقتِ برخاستن (٤٧) .

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَٰحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿٤٨﴾

واوست آنکه فرستاد بادهارا مژده دهنده پیش رحمت خویش وفرود آوردیم ازآسمان آب پاك را (٤٨) .

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَٰمًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا ﴿٤٩﴾

تازنده سازیم بآن شهر مرده را وتا بنوشانیمش ازآنچه ما آفریده ایم چهارپایان را ومردمان بسیاررا (٤٩) .

وَلَقَدْ صَرَّفْنَٰهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٥٠﴾

وهرآئینه گونا گون بیان کردیم پنددرمیان ایشان تاپندپذیر شوند پس قبول نکردند بیشترین مردمان مگرناسپاسی را (٥٠) .

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَّذِيرًا ﴿٥١﴾

وا گرمی خواستیم میفرستادیم درهر دهی ترساننده (٥١) .

فَلَا تُطِعِ الْكَٰفِرِينَ وَجَٰهِدْهُم بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿٥٢﴾

پس فرمان مبرکافران را وجهادکن باایشان بقرآن جهادِ بزرگ (٥٢) .

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا ﴿٥٣﴾

واوست آنکه درآمیخت دو دریا را این یك آبِ شیرین دافع تشنگی ست وآن دیگر شوربدمزه وساخت میان هر دوحجابی وسدی محکم (٥٣) .

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا

واوست آنکه آفرید از آب آدمی را پس

---

(١) یعنی بهر صفت که آفتاب تقاضا میکند میرود .

وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيْرًا ﴿٥٤﴾

ساخت آن را خویشاوند نسب وخویشاوند قرابت دامادی وهست پروردگارتوتوانا (٥٤) .

وَيَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلٰى رَبِّهٖ ظَهِيْرًا ﴿٥٥﴾

ومی پرستند بغیراز خداچیزی را که نفع ندهد بایشان وضررنه رساند بدیشان وهست کافر برمخالفت پروردگار خود پشت دهنده (٥٥) .

وَمَآ اَرْسَلْنٰكَ اِلَّا مُبَشِّرًا وَّنَذِيْرًا ﴿٥٦﴾

ونه فرستادیم ترا مگر بشارت دهنده وبیم دهنده (٥٦) .

قُلْ مَآ اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِلَّا مَنْ شَآءَ اَنْ يَّتَّخِذَ اِلٰى رَبِّهٖ سَبِيْلًا ﴿٥٧﴾

بگو نمی طلبم ازشما برتبلیغ قرآن هیچ مزدی لیکن هرکه خواهد که راه گیرد بسوی پروردگارخویش(گو بگیرد) (٥٧) .

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِيْ لَا يَمُوْتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهٖ وَكَفٰى بِهٖ بِذُنُوْبِ عِبَادِهٖ خَبِيْرًا ﴿٥٨﴾

وتوکل کُن برآن زنده که هرگز نمیرد وبپاکی یادکن همراه ستایش او،وبس ست وی بگناهان بندگان خویش آگاه (٥٨) .

اِلَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ اَلرَّحْمٰنُ فَسْئَلْ بِهٖ خَبِيْرًا ﴿٥٩﴾

آنکه بیافرید آسمانها وزمین وآنچه درمیان آنهاست درشش روز باز مستقرشد برعرش اوست بخشاینده پس بپرس ازحالِ وی دانائی را (٥٩) .

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمُ اسْجُدُوْا لِلرَّحْمٰنِ قَالُوْا وَمَا الرَّحْمٰنُ اَنَسْجُدُ لِمَا تَاْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُوْرًا ﴿٦٠﴾

وچون‌گفته میشود بکافران که سجده کنید رحمن راگویند چیست رحمن آیا سجده کنیم چیزی را که تومیفرمائی بما وزیاده کرداین سخن درحق ایشان رمیدن را (٦٠).

تَبٰرَكَ الَّذِيْ جَعَلَ فِي السَّمَآءِ بُرُوْجًا وَّجَعَلَ فِيْهَا سِرٰجًا وَّقَمَرًا مُّنِيْرًا ﴿٦١﴾

بزرگوارست آنکه بساخت درآسمان بُرجهارا وساخت درآن چراغ را (یعنی خورشید را) وساخت ماهِ روشنی دهنده را (٦١) .

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ﴿٦٢﴾

واوست آنکه ساخت شب وروز را جانشين يك ديگر براى كسيكه خواهد پندگرفتن ياخواهد شكرگذارى كردن (٦٢) .

وَعِبَادُ الرَّحْمَٰنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿٦٣﴾

وبندگان خدا آنانند كه ميروند برزمين بآهستگى[1] وچون سخن گويند بايشان نادانانگويند سلام برشماباد (٦٣) .

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ﴿٦٤﴾

وآنانكه شب مى گذارند براى پروردگار خويش سجده كنان وقيام كنان (٦٤) .

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٦٥﴾

وآنانكه مى‌گويند اى پروردگار ما بازدارازما عذاب دوزخ را هرآئينه عذاب دوزخ لازم شونده است (٦٥) .

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٦﴾

هرآئينه دوزخ بدآرامگاهى ست وبدمقامى ست (٦٦) .

وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا ﴿٦٧﴾

وآنانكه چون خرج كنند اسراف نه نمايند و تنگى نگيرند وباشد عطاى ايشان ميان جانِبَين معتدل (٦٧) .

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾

وآنانكه نمى پرستند باخدامعبود ديگررا ونمى كُشند هيچ نفسى را كه حرام كرده است خدامگر بحق وزنانكنند وهركه بكند اين كاررا برخُورَدبه عقوبتِ دشوار (٦٨) .

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾

دوچند كرده شود اوراعذاب روزِ قيامت وجاويدماند آنجا خواركرده شده (٦٩) .

إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٧٠﴾

مگر آنكه توبه كرد وايمان آوردوعمل شائسته نمود پس آنجماعت تبديل كند خدا بديهاى ايشان را به نيكى ها وهست

---

(١) يعنى تواضع برايشان غالب ست .

خدا آمرزندهٔ مهربان (٧٠) .

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾

وهرکه توبه کند وکارشائسته بجاآوردپس هرآئینه وی رجوع میکند بخدا رجوع کردنی (٧١) .

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ﴿٧٢﴾

وآنانکه گواهی دروغ نمی دهند وچون بگذرند بربیهوده بگذرند به روشِ بزرگان (٧٢) .

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ﴿٧٣﴾

وآنانکه چون پندداده می شود ایشان را بآیاتِ پروردگار ایشان کرو کور نه افتند بشنیدِن آن[1] (٧٣) .

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾

وآنانکه می‌گویند ای پروردگارِمابه بخش مارا اززنان ما وازفرزندانِ ما روشنیِ چشم وقراردِه مارا پیشوای متقیان (٧٤) .

أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٥﴾

آن جماعت جزاداده شود ایشان را مقام بلند بخاطر آنکه صبر کردند، برخوردار کرده شوند درآن ایشان بدعای خیروسلام (٧٥) .

خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٦﴾

جاویدان آنجا، بهشت نیك آرام‌گاه ست ونیك مقام ست (٧٦) .

قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ﴿٧٧﴾

بگو اعتنا نمی کند به شما پروردگار من اگرنباشد عبادتِ شما پس هرآئینه دروغ پنداشتید پس البته باشد جزای آن لازم (٧٧) .

سوره شعراء مکی است وآن دوصد وبیست وهفت آیت ویازده رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

(١) یعنی بلکه دیده و شنیده سجده کنند .

طسٓمٓ ①

طٰسٓمٓ (١) .

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ②

این آیاتِ کتابِ روشن ست (٢) .

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ③

شاید توهلاك کننده ای خویشتن را به سبب آنکه مسلمان نمی شوند (٣) .

إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ④

اگرخواهیم فرودآریم برایشان ازآسمان نشانه ای پس شودگردن های ایشان پیش آن نیایش کننده (٤) .

وَمَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَٰنِ مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ⑤

ونمی آید بدیشان هیچ پندی نوازجانب رحمن آورده مگر می باشند ازآن روگرداننده (٥) .

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ⑥

پس ثابت شدکه ایشان دروغ شمردند پس خواهد آمدبایشان عاقبت آنچه که بآن تمسخر می کردند (٦) .

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ⑦

آیاندیده اند بسوی زمین چه قدر رویانیدیم درآن ازهر جنس نیك (٧) .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ⑧

هرآئینه درین ماجرا نشانه است ونیستند بیشترین ایشان مسلمانان (٨) .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ⑨

وهرآئینه پروردگار تو همان ست غالب مهربان (٩) .

وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ⑩

وآنگاه که آواز داد پروردگارتو موسیٰ را که بیاپیشِ گروهِ ستمگاران (١٠) .

قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۚ أَلَا يَتَّقُونَ ⑪

بیاپیش قوم فرعون آیا پرهیزگاری نمی کنند (١١) .

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ⑫

گفت ای پروردگار من هرآئینه من می ترسم ازآنکه دروغگو شمرندمرا (١٢) .

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَارُونَ ⑬

وتنگ شودسینهٔ من وجاری نمی گردد زبان من پس پیغامبری را فرست بسوی

هارون (١٣) .

وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَاَخَافُ اَنْ يَّقْتُلُوْنِ ﴿١٤﴾

وقوم فرعون را برمن‌گناهی ست پس می ترسم که بکشند مرا (١٤) .

قَالَ كَلَّا ۚ فَاذْهَبَا بِاٰيٰتِنَآ اِنَّا مَعَكُمْ مُّسْتَمِعُوْنَ ﴿١٥﴾

گفت چنین نه باشد پس هردوبروید بانشانه های ماهرآئینه ما باشما شنونده ایم (١٥) .

فَاْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُوْلَآ اِنَّا رَسُوْلُ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٦﴾

پس بیائید بفرعون پس بگوئید هرآئینه مافرستاده پروردگارعالمهائیم (١٦) .

اَنْ اَرْسِلْ مَعَنَا بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ﴿١٧﴾

باین پیغام که بفرست همراه ما بنی اسرائیل را (١٧) .

قَالَ اَلَمْ نُرَبِّكَ فِيْنَا وَلِيْدًا وَّلَبِثْتَ فِيْنَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِيْنَ ﴿١٨﴾

گفت ای موسیٰ آیا نپروراندیم ترادرمیان اهل خویش درحال طفلی وگُذَراندی درمیان ماازعمر خودسالها (١٨) .

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِيْ فَعَلْتَ وَاَنْتَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿١٩﴾

وکردی آن کردار خودرا که ازتو بعمل آمد و توازنا سپاسانی (١٩) .

قَالَ فَعَلْتُهَآ اِذًا وَّاَنَا مِنَ الضَّآلِّيْنَ ﴿٢٠﴾

گفت کردم آن کردار راآنگاه ومن از گمراهان بودم (٢٠) .

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِيْ رَبِّيْ حُكْمًا وَّجَعَلَنِيْ مِنَ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿٢١﴾

پس گریختم ازپیش شماچون بترسیدم ازعقوبتِ شماپس عطاکرد مرا پروردگار من دانش وساخت مرااز پیغمبران (٢١) .

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ اَنْ عَبَّدْتَّ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ﴿٢٢﴾

وآیااین نعمتی ست که منت می نهی برمن بندگرفتی بنی اسرائیل را[1] (٢٢) .

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٢٣﴾

گفت فرعون وچیست پروردگار عالمها (٢٣) .

قَالَ رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ اِنْ كُنْتُمْ مُّوْقِنِيْنَ ﴿٢٤﴾

گفت موسیٰ پروردگار آسمان ها وزمین

---

(١) یعنی بنده‌گرفتن بنی اسرائیل نعمت نبود پس همچنین پرورش کردن که بآن ضرورت بود نعمت نباشد .

وآنچه درمیان اینهاست اگریقین آرنده اید (٢٤) .

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهٗٓ اَلَا تَسْتَمِعُوْنَ ﴿٢٥﴾

گفت فرعون آنانراکه حوالی اوبودند آیانمی شنوید (٢٥) .

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَآئِكُمُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٢٦﴾

گفت موسیٰ پروردگار شماست و پروردگار پدرانِ پیشین شماست (٢٦) .

قَالَ اِنَّ رَسُوْلَكُمُ الَّذِيْٓ اُرْسِلَ اِلَيْكُمْ لَمَجْنُوْنٌ ﴿٢٧﴾

گفت فرعون هرآئینه پیغامبرشما که فرستاده بسوی شما دیوانه ست (٢٧) .

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا ؕ اِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿٢٨﴾

گفت موسیٰ پروردگار مشرق ومغرب وآنچه درمیان اینهاست اگردرمی یابید (٢٨) .

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ اِلٰهًا غَيْرِيْ لَاَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُوْنِيْنَ ﴿٢٩﴾

گفت اگرخداگرفتی غیر مرا البته قراردهم تراازِ زندانیان (٢٩) .

قَالَ اَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِيْنٍ ﴿٣٠﴾

گفت آیابزندان کنی اگرچه بیارم پیش توچیزی روشن را (٣٠) .

قَالَ فَاْتِ بِهٖٓ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿٣١﴾

گفت بیار آن را اگر ازراستگویانی (٣١) .

فَاَلْقٰى عَصَاهُ فَاِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِيْنٌ ﴿٣٢﴾

پس بینداخت عصای خودرا پس ناگهان وی اژدهای آشکاربود (٣٢) .

وَّنَزَعَ يَدَهٗ فَاِذَا هِيَ بَيْضَآءُ لِلنّٰظِرِيْنَ ﴿٣٣﴾

وبرآورد دست خودراپس ناگهان وی سفید بود برای بینندگان (٣٣) .

قَالَ لِلْمَلَاِ حَوْلَهٗٓ اِنَّ هٰذَا لَسٰحِرٌ عَلِيْمٌ ﴿٣٤﴾

گفت فرعون بجماعتی که حوالی اوبودند هرآئینه این شخص جادوگریست دانا (٣٤) .

يُّرِيْدُ اَنْ يُّخْرِجَكُمْ مِّنْ اَرْضِكُمْ بِسِحْرِهٖ ۖ فَمَاذَا تَاْمُرُوْنَ ﴿٣٥﴾

میخواهد که بیرون کند شمارا ازسرزمین شما بِسِحرخود پس چه می فرمائید مرا (٣٥) .

قَالُوْٓا اَرْجِهْ وَاَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَآئِنِ حٰشِرِيْنَ ﴿٣٦﴾

گفتند موقوف دار اورا وبرادرش را وبفرست درشهرها نقیبان را (٣٦) .

يَاْتُوْكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيْمٍ ﴿٣٧﴾

تابیارند پیش توهرجادوگرِ دانارا (٣٧) .

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٣٨﴾

پس جمع کرده شد ساحران بمیعادِ روز معیّن (٣٨) .

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾

وگفته شد بمردمان آیاشما جمع شونده اید (٣٩) .

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِن كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿٤٠﴾

بوَدکه ماپیرویِ ساحران کنیم اگرایشان غالب شوند (٤٠) .

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿٤١﴾

پس چون حاضر شدندساحران گفتند فرعون را آیامارامزدی بُوَد اگرماغالب شویم (٤١) .

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَّمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٢﴾

گفت آری وهرآئینه شما آنگاه از مقربان باشید (٤٢) .

قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنتُم مُّلْقُونَ ﴿٤٣﴾

گفت بایشان موسیٰ بافگنید آنچه شماافگننده اید (٤٣) .

فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾

پس انداختند ریسمانهای خودرا وعصاهای خودرا گفتند قسم به بزرگی فرعون هرآئینه ماالبته غالبیم (٤٤) .

فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿٤٥﴾

پس انداخت موسیٰ عصای خودرا پس ناگهان وَی فرومی برد آنچه بی حقیقت به دروغ آورده بودند (٤٥) .

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿٤٦﴾

پس انداخته شدند ساحران سجده کنان (٤٦) .

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾

گفتند ایمان آوردیم به پروردگار عالمها (٤٧) .

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿٤٨﴾

پروردگار موسیٰ وهارون (٤٨) .

قَالَ آمَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٩﴾

گفت فرعون آیاایمان آوردیدبموسیٰ پیش ازآنکه اجازت دَهَم شمارا هرآئینه وی رهبر شماست آنکه بیاموخت شماراجادو پس خواهید دانست البته بِبُرَم دستهای شمارا وپاهای شمارایکی ازجانب راست

ودیگر ازجانب چپ والبته بردار آویزم شمارا همه یك جا (٤٩) .

قَالُوْا لَا ضَيْرَ اِنَّآ اِلٰى رَبِّنَا مُنْقَلِبُوْنَ ﴿٥٠﴾

گفتند هیچ زیان نیست هرآئینه بسوی پروردگار خویش رجوع کنندگانیم (٥٠) .

اِنَّا نَطْمَعُ اَنْ يَّغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطٰيٰنَآ اَنْ كُنَّآ اَوَّلَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٥١﴾

هرآئینه ماتوقع داریم که بیامرزد برای ماپروردگار ما گناهان مارا بسبب آنکه شدیم اوّلین مسلمانان (٥١) .

وَاَوْحَيْنَآ اِلٰى مُوْسٰٓى اَنْ اَسْرِ بِعِبَادِيْٓ اِنَّكُمْ مُّتَّبَعُوْنَ ﴿٥٢﴾

ووحی فرستادیم بسوی مُوسیٰ که بوقت شب روان کن بندگان مراهرآئینه شماتعاقب کرده شوید (٥٢) .

فَاَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِى الْمَدَآئِنِ حٰشِرِيْنَ ﴿٥٣﴾

پس فرستاد فرعون درشهرها نقیبان (٥٣) .

اِنَّ هٰٓؤُلَآءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيْلُوْنَ ﴿٥٤﴾

هرآئینه بنی اسرائیل گروهی اندك اند (٥٤) .

وَاِنَّهُمْ لَنَا لَغَآئِظُوْنَ ﴿٥٥﴾

وهرآئینه ایشان مارا بخشم آورده اند (٥٥) .

وَاِنَّا لَجَمِيْعٌ حٰذِرُوْنَ ﴿٥٦﴾

وهرآئینه ماجماعتی ایم سلاح پوشیده (٥٦) .

فَاَخْرَجْنٰهُمْ مِّنْ جَنّٰتٍ وَّعُيُوْنٍ ﴿٥٧﴾

(خدامی فرماید) پس بیرون کردیم قوم فرعون رااازبوستانها وچشمه ها (٥٧) .

وَّكُنُوْزٍ وَّمَقَامٍ كَرِيْمٍ ﴿٥٨﴾

وگنجها ومنزل نیك (٥٨) .

كَذٰلِكَ وَاَوْرَثْنٰهَا بَنِىْٓ اِسْرَآءِيْلَ ﴿٥٩﴾

و همچنین میراث دادیم این چیزهارابه بنی اسرائیل (٥٩) .

فَاَتْبَعُوْهُمْ مُّشْرِقِيْنَ ﴿٦٠﴾

پس تعاقب ایشان کردند وقت اشراق درآمده (٦٠) .

فَلَمَّا تَرَآءَ الْجَمْعٰنِ قَالَ اَصْحٰبُ مُوْسٰٓى اِنَّا لَمُدْرَكُوْنَ ﴿٦١﴾

پس چون یکدیگر رادیدندهردوگروه گفتند یارانِ موسیٰ هرآئینه بمارسیدند (٦١) .

قَالَ كَلَّآ ۚ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾

گفت موسیٰ چنین نیست هرآئینه بامن پروردگارمنست راه خواهدنمودمرا (٦٢) .

فَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْبَحْرَ ۖ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾

پس وحی فرستادیم بسوی موسیٰ که به عصای خودبزن دریارا پس دریابشگافت پس شدهرپاره مانند کوه بزرگ (٦٣) .

وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخَرِينَ ﴿٦٤﴾

ونزدیك آوردیم آنجا آن دیگران را (٦٤) .

وَأَنجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ أَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾

وخلاص ساختیم موسیٰ راوآنان را که همراه وی بودند همه یك جا(٦٥) .

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ﴿٦٦﴾

بازغرق ساختیم آن دیگران را (٦٦) .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾

هرآئینه درین ماجرا نشانه هست، ونبودند بیشترین ایشان مسلمانان (٦٧) .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾

وهرآئینه پروردگار توهمان ست غالب مهربان (٦٨) .

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾

وبخوان برایشان خبرابراهیم (٦٩) .

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٧٠﴾

چون گفت به پدر خود و قوم خود چه چیزرامی پرستید (٧٠) .

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَاكِفِينَ ﴿٧١﴾

گفتند می‌پرستیم بتان راپس می باشیم برایشان مجاورت کننده (٧١) .

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿٧٢﴾

گفت آیا می‌شنوند آواز شمارا چون می‌خوانید (٧٢) .

أَوْ يَنفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿٧٣﴾

یاسودی رسانند بشما یازیان میدهند (٧٣) .

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَآ آبَآءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٧٤﴾

گفتند نه بلکه یافتیم پدران خودرا که چنین می کردند (٧٤) .

قَالَ أَفَرَءَيْتُم مَّا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾

گفت آیادیدید آنچه می پرستیدید (٧٥) .

أَنتُمْ وَآبَآؤُكُمُ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾

شما و پدران پیشین شما (٧٦) .

فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّيٓ إِلَّا رَبَّ الْعَٰلَمِينَ ﴿٧٧﴾

پس هر آئینه آنهادشمنان من اند مگر پروردگارعالمیان (٧٧) .

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾

آنکه بیافریدمرا پس اوست که هدایت

کندمرا (٧٨) .

وَ الَّذِیْ هُوَ یُطْعِمُنِیْ وَ یَسْقِیْنِ ﴿٧٩﴾

وآنکه اوطعام میخوراندمرا ومی آشامایدمرا (٧٩) .

وَ اِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِیْنِ ﴿٨٠﴾

وچون بیمارمی شوم پس اوست که شفامیدهدمرا (٨٠) .

وَ الَّذِیْ یُمِیْتُنِیْ ثُمَّ یُحْیِیْنِ ﴿٨١﴾

وآنکه بمیراند مرا باززندگرداند مرا (٨١) .

وَ الَّذِیْۤ اَطْمَعُ اَنْ یَّغْفِرَ لِیْ خَطِیْٓـَٔتِیْ یَوْمَ الدِّیْنِ ﴿٨٢﴾

وآنکه توقع دارم که بیامرزد برای من‌گناه من روزجزا (٨٢) .

رَبِّ هَبْ لِیْ حُكْمًا وَّ اَلْحِقْنِیْ بِالصّٰلِحِیْنَ ﴿٨٣﴾

پروردگارا عطاکن مرا حکمت ولاحق کن مرابشائستگان (٨٣) .

وَ اجْعَلْ لِّیْ لِسَانَ صِدْقٍ فِی الْاٰخِرِیْنَ ﴿٨٤﴾

وپدید آر برای من ذکر نیك در پسینیان (٨٤) .

وَ اجْعَلْنِیْ مِنْ وَّرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِیْمِ ﴿٨٥﴾

وقراردِه مرا ازوارثان بهشت بانعمت (٨٥) .

وَ اغْفِرْ لِاَبِیْۤ اِنَّهٗ كَانَ مِنَ الضَّآلِّیْنَ ﴿٨٦﴾

وبیامرزپدرِ مرا هرآئینه وَی بود ازگمراهان (٨٦) .

وَ لَا تُخْزِنِیْ یَوْمَ یُبْعَثُوْنَ ﴿٨٧﴾

ورسوا مکن مراروزی که برانگیخته شوند مردمان (٨٧) .

یَوْمَ لَا یَنْفَعُ مَالٌ وَّ لَا بَنُوْنَ ﴿٨٨﴾

روزی که فائده ندهدمال ونه فرزندان (٨٨) .

اِلَّا مَنْ اَتَی اللّٰهَ بِقَلْبٍ سَلِیْمٍ ﴿٨٩﴾

لیکن صاحب فائده آن بُوَد که بیاردپیش خدادل بی عیب را (٨٩) .

وَ اُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِیْنَ ﴿٩٠﴾

ونزدیك کرده شود بهشت برای متقیان (٩٠) .

وَ بُرِّزَتِ الْجَحِیْمُ لِلْغٰوِیْنَ ﴿٩١﴾

وظاهر کرده شوددوزخ برای گمراهان (٩١) .

وَ قِیْلَ لَهُمْ اَیْنَمَا كُنْتُمْ تَعْبُدُوْنَ ﴿٩٢﴾

و گفته شود بایشان کجاست آنچه می

پرستیدید (٩٢) .

مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ هَلْ يَنْصُرُوْنَكُمْ اَوْ يَنْتَصِرُوْنَ ﴿٩٣﴾

بجزخدا آیانصرت میدهند شمارا یاخودانتقام می کشند (٩٣) .

فَكُبْكِبُوْا فِيْهَا هُمْ وَالْغَاوٗنَ ﴿٩٤﴾

پس بررو انداخته شوند درآنجابتان و گمراهان (٩٤) .

وَجُنُوْدُ اِبْلِيْسَ اَجْمَعُوْنَ ﴿٩٥﴾

ولشکر های شیطان همه یك جا (٩٥) .

قَالُوْا وَهُمْ فِيْهَا يَخْتَصِمُوْنَ ﴿٩٦﴾

گویندودرحالیکه ایشان درآنجابایك دیگر مکابره می کنند (٩٦) .

تَاللّٰهِ اِنْ كُنَّا لَفِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٩٧﴾

قسم بخداهرآئینه مابودیم در گمراهی ظاهر (٩٧) .

اِذْ نُسَوِّيْكُمْ بِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٩٨﴾

چون برابرمی ساختیم شمارا باپروردگار عالمها (٩٨) .

وَمَآ اَضَلَّنَآ اِلَّا الْمُجْرِمُوْنَ ﴿٩٩﴾

و گمراه نکردند مارا مگر این بدکاران (٩٩) .

فَمَا لَنَا مِنْ شٰفِعِيْنَ ﴿١٠٠﴾

پس نیست ماراهیچ شفاعت کننده (١٠٠).

وَلَا صَدِيْقٍ حَمِيْمٍ ﴿١٠١﴾

ونه دوست مهربان (١٠١) .

فَلَوْ اَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١٠٢﴾

پس کاش مارایکبار رجوع باشد پس شویم از مسلمانان (١٠٢) .

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً ۚ وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٠٣﴾

هرآئینه درین ماجرا نشانه هست، ونیستند بیشترین ایشان مسلمانان (١٠٣) .

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿١٠٤﴾

وهرآئینه پروردگار توهمان ست غالب مهربان (١٠٤) .

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوْحِ ِۨالْمُرْسَلِيْنَ ﴿١٠٥﴾

دروغگو شمردند قوم نوح پیغامبران را (١٠٥) .

اِذْ قَالَ لَهُمْ اَخُوْهُمْ نُوْحٌ اَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿١٠٦﴾

چون گفت بایشان برادرایشان نوح آیانمی ترسید (١٠٦) .

اِنِّيْ لَكُمْ رَسُوْلٌ اَمِيْنٌ ﴿١٠٧﴾

هرآئینه من برای شما پیغامبر باامانتم (١٠٧).

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُونِ ﴿١٠٨﴾	پس بترسید ازخداو فرمانبرداری من کنید (١٠٨) .
وَمَآ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اَجْرِىَ اِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٠٩﴾	وسوال نمی کنم ازشمابرتبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزدِمن مگر برپروردگار عالمها (١٠٩) .
فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُونِ ﴿١١٠﴾	پس بتر سید ازخدا فرمانبرداری من کنید (١١٠) .
قَالُوْٓا اَنُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْاَرْذَلُوْنَ ﴿١١١﴾	گفتند آیا ایمان آوریم برتو حالانکه پیرویِ تو کرده اند سفله‌گان (١١١) .
قَالَ وَمَا عِلْمِىْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١١٢﴾	گفت نوح وچه میدانم بآنچه می کردند (١١٢) .
اِنْ حِسَابُهُمْ اِلَّا عَلٰى رَبِّىْ لَوْ تَشْعُرُوْنَ ﴿١١٣﴾	نیست حساب ایشان مگر بر پروردگار من اگر بدانید (١١٣) .
وَمَآ اَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١١٤﴾	و نیستم من دورکنندۀ مسلمانان (١١٤) .
اِنْ اَنَا اِلَّا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿١١٥﴾	نِیَم من مگرترسانندۀ آشکارا (١١٥) .
قَالُوْا لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهِ يٰنُوْحُ لَتَكُوْنَنَّ مِنَ الْمَرْجُوْمِيْنَ ﴿١١٦﴾	گفتند اگر بازنمانی توای نوح البته شوی ازسنگسار شدگان (١١٦) .
قَالَ رَبِّ اِنَّ قَوْمِىْ كَذَّبُوْنِ ﴿١١٧﴾	گفت ای پروردگار من هرآئینه قوم من دروغگو شمردندمرا (١١٧) .
فَافْتَحْ بَيْنِىْ وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَّنَجِّنِىْ وَمَنْ مَّعِىَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١١٨﴾	پس فیصله کن میان من ومیان ایشان فیصله کردنِ عظیم وخَلاص کُن مراوآنانراکه همراه من اند از مسلمانان (١١٨) .
فَاَنْجَيْنٰهُ وَمَنْ مَّعَهٗ فِى الْفُلْكِ الْمَشْحُوْنِ ﴿١١٩﴾	پس نجات دادیم اوراوآنانراکه همراه اُوبودند درکشتیِ پُر کرده شده (١١٩) .
ثُمَّ اَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبٰقِيْنَ ﴿١٢٠﴾	باز غرق ساختیم بعد ازین باقی ماندگان را (١٢٠) .
اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً ۚ وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٢١﴾	هرآئینه درین ماجرانشانه است، ونیستند

اکثرایشان مسلمانان (١٢١) .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٢﴾
وهرآئینه پروردگار توهمان ست غالب مهربان (١٢٢) .

كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾
دروغگو پنداشتند قبیلهٔ عاد پیغمبران را (١٢٣) .

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾
چون گفت بایشان برادرایشان هود آیانمی ترسید (١٢٤) .

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٢٥﴾
هرآئینه من برای شما پیغامبر باامانتم (١٢٥) .

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٢٦﴾
پس بترسید ازخداو فرمانبرداریِ من کنید (١٢٦) .

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢٧﴾
وسوال نمی کنم ازشمابرتبلیغ رسالت هیچ مزدی، نیست مزدمن مگر برپروردگار عالمها (١٢٧) .

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿١٢٨﴾
آیامی سازید بهر بلندی علامتی بی فائده (١٢٨) .

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿١٢٩﴾
ومی سازید محلهای استوار گویاجاوید خواهید ماند (١٢٩) .

وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿١٣٠﴾
وچون دست می‌گشائید، دست می‌گشائید ستمگار شده (١٣٠) .

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٣١﴾
پس بترسید ازخدا وفرمانبرداری من کنید (١٣١) .

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ﴿١٣٢﴾
وبترسید ازکسیکه امداد کرد شمارابآنچه دانید (١٣٢) .

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ﴿١٣٣﴾
امداد کرده است شمارا بچهار پایان و فرزندان (١٣٣) .

وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٣٤﴾
وبوستانها وچشمه ها (١٣٤) .

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣٥﴾
هرآئینه من می ترسم برشماازعذاب روز

بزرگ (۱۳۵) .

قَالُوْا سَوَآءٌ عَلَيْنَآ اَوَعَظْتَ اَمْ لَمْ تَكُنْ مِّنَ الْوٰعِظِيْنَ ﴿١٣٦﴾

گفتند یکسان ست برماکه پنددهی یا نه باشی ازپند دهندگان (۱۳۶) .

اِنْ هٰذَآ اِلَّا خُلُقُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿١٣٧﴾

نیست این مگر عادتِ پیشینیان (۱۳۷) .

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِيْنَ ﴿١٣٨﴾

ونیستیم ما عذاب کرده شدگان (۱۳۸) .

فَكَذَّبُوْهُ فَاَهْلَكْنٰهُمْ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٣٩﴾

پس دروغگو پنداشتندش پس هلاك ساختیم ایشان را هرآئینه درین ماجرانشانه هست، ونه بودند بیشترین ایشان مسلمانان (۱۳۹) .

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿١٤٠﴾

وهرآئینه پروردگارتوهمان ست غالب مهربان (۱۴۰) .

كَذَّبَتْ ثَمُوْدُ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿١٤١﴾

دروغگو شمردند قبیلهٔ ثمودپیغامبران را (۱۴۱) .

اِذْ قَالَ لَهُمْ اَخُوْهُمْ صٰلِحٌ اَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿١٤٢﴾

چون گفت بایشان برادرایشان صالح آیانمی ترسید (۱۴۲) .

اِنِّيْ لَكُمْ رَسُوْلٌ اَمِيْنٌ ﴿١٤٣﴾

هرآئینه من برای شما پیغامبربااماننتم (۱۴۳) .

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿١٤٤﴾

پس بترسید ازخداوفرمانبرداری من کنید (۱۴۴) .

وَمَآ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٤٥﴾

وسوال نمی کنم ازشما برتبلیغ رسالت هیچ مزدی، نیست مزدمن مگربر پروردگار عالمها (۱۴۵) .

اَتُتْرَكُوْنَ فِيْ مَا هٰهُنَآ اٰمِنِيْنَ ﴿١٤٦﴾

آیا ایمن‌گذاشته خواهید شددرآنچه اینجاست (۱۴۶) .

فِيْ جَنّٰتٍ وَّعُيُوْنٍ ﴿١٤٧﴾

دربوستانها وچشمه ها(۱۴۷) .

وَّزُرُوْعٍ وَّنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيْمٌ ﴿١٤٨﴾

وکِشتها ودرختان خرمائی که شگوفهٔ آن نازك ست (۱۴۸) .

وَتَنْحِتُوْنَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوْتًا فٰرِهِيْنَ ﴿١٤٩﴾

ومی تراشید ازکوه ها خانه های ماهرانه (١٤٩) .

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿١٥٠﴾

پس بترسید ازخدا فرمانبرداری من کنید (١٥٠) .

وَلَا تُطِيْعُوْٓا اَمْرَ الْمُسْرِفِيْنَ ﴿١٥١﴾

واطاعت مَکُتِید فرمانِ ازحد گذرندگانرا (١٥١) .

الَّذِيْنَ يُفْسِدُوْنَ فِى الْاَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُوْنَ ﴿١٥٢﴾

آنانکه فسادمی کنند درزمین واصلاح نمی نمایند (١٥٢) .

قَالُوْٓا اِنَّمَآ اَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِيْنَ ﴿١٥٣﴾

گفتند جزاین نیست که توازجادوشدگانی (١٥٣) .

مَآ اَنْتَ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا ۚ فَاْتِ بِاٰيَةٍ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿١٥٤﴾

نیستی تو مگر آدمی مانند ما پس بیار نشانه ای اگراز راستگویانی (١٥٤) .

قَالَ هٰذِهٖ نَاقَةٌ لَّهَا شِرْبٌ وَّلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُوْمٍ ﴿١٥٥﴾

گفت این ماده شتریست وی را یك نوبت آب خوردن ست وشمارانوبت روز معین (١٥٥) .

وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْٓءٍ فَيَاْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿١٥٦﴾

ودست مرسانیداورابعقوبت که آنگاه دربرگیرد شمارا عذابِ روزِ بزرگ (١٥٦) .

فَعَقَرُوْهَا فَاَصْبَحُوْا نٰدِمِيْنَ ﴿١٥٧﴾

پس پی زدند آنرا پس گشتند پشیمان (١٥٧) .

فَاَخَذَهُمُ الْعَذَابُ ۗ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً ۗ وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٥٨﴾

پس درگرفت ایشان را عذاب هرآئینه درین ماجرانشانه هست، و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان (١٥٨) .

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿١٥٩﴾

وهرآئینه پروردگار توهمان ست غالب مهربان (١٥٩) .

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوْطِ ِۨالْمُرْسَلِيْنَ ﴿١٦٠﴾

دروغگو شمردند قوم لوط پیغامبران را (١٦٠) .

اِذْ قَالَ لَهُمْ اَخُوْهُمْ لُوْطٌ اَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿١٦١﴾

چون گفت بایشان برادرایشان لوط آیانمی ترسید (١٦١) .

اِنِّىْ لَكُمْ رَسُوْلٌ اَمِيْنٌ ﴿١٦٢﴾

هرآئینه من برای شما پیغامبر باامانتم (١٦٢) .

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿١٦٣﴾

پس بترسید ازخدا و فرمان من برید (١٦٣) .

وَمَآ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ ۚ اِنْ اَجْرِىَ اِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٦٤﴾

وسوال نمی کنم ازشما برتبلیغ رسالت هیچ مزدی، نیست مزدمن مگر بر پروردگار عالمها (١٦٤) .

اَتَاْتُوْنَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٦٥﴾

آیا بقصد قضای شهوت میروید بسوی مردان ازاهل عالم (١٦٥) .

وَتَذَرُوْنَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ ۭ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ عٰدُوْنَ ﴿١٦٦﴾

ومی‌گذارید آنچه آفریده است برای شما پروردگارشما اززنان شما بلکه شما گروهی ازحدگذشته اید (١٦٦) .

قَالُوْا لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهِ يٰلُوْطُ لَتَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِيْنَ ﴿١٦٧﴾

گفتند اگر بازنه آئی توای لُوط هرآئینه باشی ازبیرون کردگان (١٦٧) .

قَالَ اِنِّىْ لِعَمَلِكُمْ مِّنَ الْقَالِيْنَ ﴿١٦٨﴾

گفت هرآئینه من عمل شماراازدشمنانم (١٦٨) .

رَبِّ نَجِّنِىْ وَاَهْلِىْ مِمَّا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٦٩﴾

پروردگارا نجات ده مراواهلِ مراازوبال آنچه می کنند (١٦٩) .

فَنَجَّيْنٰهُ وَاَهْلَهٗٓ اَجْمَعِيْنَ ﴿١٧٠﴾

پس نجات دادیم اورا واهلِ اوراهمه یکجا (١٧٠) .

اِلَّا عَجُوْزًا فِى الْغٰبِرِيْنَ ﴿١٧١﴾

مگر پیرزنی که بود ازباقی ماندگان (١٧١) .

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْاٰخَرِيْنَ ﴿١٧٢﴾

بازهلاك ساختیم آن دیگران را (١٧٢) .

وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَّطَرًا ۚ فَسَآءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِيْنَ ﴿١٧٣﴾

وبارانیدیم برایشان بارانی پس بَدَست باران ترسانیدگان (١٧٣) .

اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً ۭ وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٧٤﴾

هرآئینه درین ماجرا نشانه است، ونبودند بیشترین ایشان مسلمانان (١٧٤) .

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿١٧٥﴾

وهرآئینه پروردگارتو همان ست غالب

مهربان (۱۷۵) .

كَذَّبَ أَصْحٰبُ لْـَٔيْكَةِ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿۱۷۶﴾

دروغگو شمردند باشندگانِ آیکه پیغامبران را (۱۷۶) .

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿۱۷۷﴾

چون گفت بایشان شعیب آیانمی ترسید (۱۷۷) .

إِنِّيْ لَكُمْ رَسُوْلٌ أَمِيْنٌ ﴿۱۷۸﴾

هرآئینه من برای شماپیغامبرِباامانتم (۱۷۸) .

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَأَطِيْعُوْنِ ﴿۱۷۹﴾

پس بترسید ازخداوفرمان من برید (۱۷۹) .

وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۸۰﴾

وسوال نمی کنم ازشما برتبلیغ رسالت هیچ مزدی، نیست مزدِمن مگربر پروردگار عالمها (۱۸۰) .

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُوْنُوْا مِنَ الْمُخْسِرِيْنَ ﴿۱۸۱﴾

تمام پیمائید پیمانه را ومباشید از زیان دهندگان (۱۸۱) .

وَزِنُوْا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيْمِ ﴿۱۸۲﴾

وبسنجید به ترازوی راست (۱۸۲) .

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِيْنَ ﴿۱۸۳﴾

وناقص ندهید بمردمان اشیای ایشان را وبیباك مگردید درزمین فسادکنان (۱۸۳) .

وَاتَّقُوا الَّذِيْ خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأَوَّلِيْنَ ﴿۱۸۴﴾

وبترسید ازخدا که آفرید شمارا وخلایق نخستینیان را (۱۸٤) .

قَالُوْٓا إِنَّمَآ أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِيْنَ ﴿۱۸۵﴾

گفتند جزاین نیست که توازجادو شدگانی (۱۸۵) .

وَمَآ أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نَّظُنُّكَ لَمِنَ الْكٰذِبِيْنَ ﴿۱۸۶﴾

ونیستی تومگر آدمی مانندماوهرآئینه می‌پنداریم تراازدروغ‌گویان (۱۸٦) .

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِّنَ السَّمَآءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿۱۸۷﴾

پس بافگن برما پاره ای ازآسمان اگرازراست‌گویانی (۱۸۷) .

قَالَ رَبِّيْٓ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿۱۸۸﴾

گفت پروردگار من داناترست بآنچه می کنید (۱۸۸) .

فَكَذَّبُوْهُ فَأَخَذَهُمْ

پس دروغگو پنداشتند اوراپس گرفتار

عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ ۗ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾ كردايشان را عذاب روزسائبان[1] هرآئينه وی بود عذابِ روزِ بزرگ (١٨٩) .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾ هرآئينه درين ماجرا نشانه هست ونه بودند بيشترين ايشان مسلمانان (١٩٠) .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾ وهرآئينه پروردگارتو همان ست غالب مهربان (١٩١) .

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٩٢﴾ وهرآئينه قرآن فرود آوردهٔ پروردگار عالمها ست (١٩٢) .

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ فرودآوردش روح الامين (يعنی جبرئيل) (١٩٣) .

عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ ﴿١٩٤﴾ بردل توتاشوی ازترسانندگان (١٩٤) .

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿١٩٥﴾ بزبان عربی روشن (١٩٥) .

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾ وهرآئينه خبروی درصحيفه های پيشينيان ست (١٩٦) .

أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةً أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٩٧﴾ آيانيست برای ايشان نشانه آنكه می دانند حقانيت قرآن را عالمان بنی اسرائيل (١٩٧) .

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿١٩٨﴾ و اگر فرود می آورديم قرآن رابربعض عجميان (١٩٨) .

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٩﴾ پس می خواندش برايشان هرگزنمی شدند آنراباور دارندگان (١٩٩) .

كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٠٠﴾ همچنين درآورديم انكاررا دردلهای گنهگاران (٢٠٠) .

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٢٠١﴾ ايمان نمی آرند بقرآن تاآنكه ببينند عذاب درد دهنده (٢٠١) .

فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٠٢﴾ پس بيايد به ايشان ناگهان وايشان بی

(١) يعنی آتش بشكل سائبان ظاهر شد وهلاك ساخت .

خبرباشند (٢٠٢) .

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ﴿٢٠٣﴾

پس‌گویند آیا مهلت داده میشویم (٢٠٣) .

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢٠٤﴾

آیاعذابِ مارا بشتاب می طلبند (٢٠٤) .

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢٠٥﴾

آیادیدی که اگر بهره مندسازیم ایشان را سالها (٢٠٥) .

ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢٠٦﴾

بازبیایدبدیشان آنچه ترسانیده می شدند (٢٠٦) .

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ ﴿٢٠٧﴾

چه چیز را دفع کند ازسرایشان بهره مند بودن ایشان (٢٠٧) .

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ﴿٢٠٨﴾

وهلاك نه کردیم هیچ دهی را الّا اورا بیم کنندگان بودند (٢٠٨) .

ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٠٩﴾

بجهتِ پنددادن ونبودیم ستمگار (٢٠٩) .

وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ﴿٢١٠﴾

وفرود نیاوردند قرآن را شیطانان (٢١٠) .

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٢١١﴾

وسزاوارنیست ایشان را ونمی توانند (٢١١) .

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ﴿٢١٢﴾

هرآئینه شیطانان از شنیدن دُور کردگانند[1] (٢١٢) .

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ﴿٢١٣﴾

پس مخوان باخدامعبوددیگررا آنگاه باشی ازعذاب کردگان (٢١٣) .

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿٢١٤﴾

وبترسان خویشاوندان نزدیكِ خودرا (٢١٤) .

وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢١٥﴾

وپست کُن بازوی خودرا[2] برای آنانکه پیروی توکردند ازمسلمانان (٢١٥) .

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢١٦﴾

پس اگر نافرمانی کنند تراپس بگو

---

(١) یعنی ازشنیدنِ کلام ملائکه .

(٢) یعنی تواضع کن .

هرآئینه من بی تعلقم ازآنچه شمامی کنید (٢١٦) .

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٢١٧﴾

وتوکل کُن برغالب مهربان (٢١٧) .

الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٢١٨﴾

آنکه می بیند تراچون برمی خیزی (یعنی وقتِ تهجد) (٢١٨) .

وَتَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ ﴿٢١٩﴾

ومی بیندگشتن تُرا[١] درمیان سجده کننده گان[٢] (٢١٩) .

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٢٢٠﴾

هرآئینه وی همان ست شنوادانا (٢٢٠) .

هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ﴿٢٢١﴾

آیاخبردهم شمارا که برچه کس فرودمی آیند شیطانان (٢٢١) .

تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٢٢٢﴾

فرودمی آیند برهردروغگوی گنهگار (٢٢٢) .

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿٢٢٣﴾

می نهند گوش وبیشترین ایشان دروغ گویانند (٢٢٣) .

وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٢٢٤﴾

وشاعران پیروئِ ایشان می کنندگمراهان (٢٢٤) .

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾

آیانمی‌بینی که ایشان درهرمیدانی سرگردان شوند (٢٢٥) .

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾

وآنکه ایشان می‌گویند آنچه نمی کنند[٣] (٢٢٦) .

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا ۗ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾

مگرآنانکه ایمان آوردند وعملهای شایسته کردند وذکر خداکردند بسیاری وپیروز گشتند بعد ازآنکه مظلوم شدند وخواهند دانست ظالمان که بکدام جا بازخواهند گشت (٢٢٧) .

---

(١) یعنی ازقیام برکوع وازرکوع بسجود .

(٢) یعنی نمازگذاران .

(٣) یعنی بهر مضمون مبالغه می کنند .

سُورَةُ النَّمل

سوره نمل مکی است وآن نودوسه آیت وهفت رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

طٰسٓ تِلْكَ اٰيٰتُ الْقُرْاٰنِ وَكِتَابٍ مُّبِيْنٍ ①

طسٓ .
این ها آیاتِ قرآن وکتاب روشن ست (١) .

هُدًى وَّبُشْرٰى لِلْمُؤْمِنِيْنَ ②

هدایت ومژده است برای مسلمانان (٢) .

الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُوْنَ ③

آنانکه برپامیدارند نمازرا ومی دهند زکوٰة را وایشان بآخرت یقین می آرند (٣) .

اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ اَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُوْنَ ④

آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت آراسته کردیم برای ایشان کردارهای ایشان را پس ایشان سرگردان می شوند (٤) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَهُمْ سُوْٓءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ هُمُ الْاَخْسَرُوْنَ ⑤

این جماعت آنانندکه برای ایشان ست سختیِ عذاب واین جماعت درآخرت ایشانند زیان کارتر (٥) .

وَاِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْاٰنَ مِنْ لَّدُنْ حَكِيْمٍ عَلِيْمٍ ⑥

وهرآئینه توداده می شوی قرآن ازنزدِ خدای استوارکار دانا (٦) .

اِذْ قَالَ مُوْسٰى لِاَهْلِهٖٓ اِنِّيْٓ اٰنَسْتُ نَارًا ؕ سَاٰتِيْكُمْ مِّنْهَا بِخَبَرٍ اَوْ اٰتِيْكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُوْنَ ⑦

یادکُن آنگاه که‌گفت موسیٰ باهل خودهر آئینه من دیده ام آتشی خواهم آورد برای شماازآن خبری یا خواهم آورد برایتان شعله ای که درآخگری فراگرفته، باشد که‌شماگرمی حاصل کنید (٧) .

فَلَمَّا جَآءَهَا نُوْدِيَ اَنْۢ بُوْرِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا ؕ وَسُبْحٰنَ اللّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ⑧

پس چون رسیدبآتش نداداده شدبه او که برکت داده شد کسی را که درآتش ست وکسی را که حوالی وی ست وپاکی خدای راست پروردگارعالمها[1] (٨) .

---

(١) مترجم‌گوید کسیکه درآتش ست ملائکه که درآن نورمصوربصورت آتش بودند ملائکهٔ دیگر که فرود تر ازایشان بودند والله اعلم .

يٰمُوْسٰى اِنَّهٗۤ اَنَا اللّٰهُ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۙ﴿٩﴾

ای موسیٰ هرآئینه (سخن اینست که) من خدای غالب باحکمتم (٩) .

وَاَلْقِ عَصَاكَ ۚ فَلَمَّا رَاٰهَا تَهْتَزُّ كَاَنَّهَا جَآنٌّ وَّلّٰى مُدْبِرًا وَّلَمْ يُعَقِّبْ ۚ يٰمُوْسٰى لَا تَخَفْ ۚ اِنِّىْ لَا يَخَافُ لَدَىَّ الْمُرْسَلُوْنَ ۖ﴿١٠﴾

وبیفگن عصای خودرا پس چون دید که عصامی جنبدگویاوی ماریست روبگردانید پشت داده وبازنه گشت گفتیم ای موسیٰ مترس هرآئینه نمی ترسند نزدِ من پیغامبران (١٠) .

اِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًاۢ بَعْدَ سُوْٓءٍ فَاِنِّىْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١١﴾

لیکن آنکه ستم کرد بازعوض آن کرد نیکی بعدازبدی پس هرآئینه من آمرزندۀ مهربانم (١١) .

وَاَدْخِلْ يَدَكَ فِىْ جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوْٓءٍ ۟ فِىْ تِسْعِ اٰيٰتٍ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهٖ ؕ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا فٰسِقِيْنَ ﴿١٢﴾

ودرآردستِ خودرا بگریبانِ خودتابیرون آید سفید بدون عیب باین دونشانه که داخل اند درنُه معجزه بروبسوی فرعون وقوم اوهرآئینه ایشان بودندگروه فاسقان (١٢) .

فَلَمَّا جَآءَتْهُمْ اٰيٰتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوْا هٰذَا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ۚ﴿١٣﴾

پس آنگاه که آمدبدیشان نشانه های ماروشن شده گفتند این سحر ظاهر ست (١٣) .

وَجَحَدُوْا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَاۤ اَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَّعُلُوًّا ؕ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿١٤﴾

وانکارآن کردند ازروی ستمکاری وتکبر وباور داشته بُوَد آن را دلهای ایشان پس بنگر چگونه بود آخرکارِ مفسدان (١٤) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا دَاوٗدَ وَسُلَيْمٰنَ عِلْمًا ۚ وَقَالَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِىْ فَضَّلَنَا عَلٰى كَثِيْرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١٥﴾

وهرآئینه دادیم داؤد وسلیمان را علم و گفتند ستایش آن خدای راست که فضل داد مارا بربسیاری ازبندگان مومن خویش (١٥) .

وَوَرِثَ سُلَيْمٰنُ دَاوٗدَ وَقَالَ يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَاُوْتِيْنَا مِنْ كُلِّ شَىْءٍ ؕ اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِيْنُ ﴿١٦﴾

ووارث شد سلیمان داؤد راوگفت ای مردمان آموخته شد مارا گفتارِ مرغان وداده شدمارا ازهرنعمتی هرآئینه این است فضلِ ظاهر (١٦) .

وَحُشِرَ لِسُلَيْمٰنَ جُنُوْدُهٗ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوْزَعُوْنَ ﴿١٧﴾

وگِردآورده شد برای سلیمان لشکر های اواز جن وآدمیان ومُرغان پس این جماعت بعضی راتارسیدن بعضی دیگرایستاده کرده می شدند (١٧) .

حَتّٰۤى اِذَاۤ اَتَوْا عَلٰى وَادِ النَّمْلِ ۙ قَالَتْ نَمْلَةٌ يّٰۤاَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوْا مَسٰكِنَكُمْ ۚ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمٰنُ وَجُنُوْدُهٗ ۙ وَهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ﴿١٨﴾

تاوقتیکه چون رسیدند بمیدان موران گفت مورچه ای مورچگان درآئید بخانه های خود تادرهم نشکنند شمارا سلیمان ولشکرهای اونادانسته (١٨) .

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِىْۤ اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِىْۤ اَنْعَمْتَ عَلَىَّ وَعَلٰى وَالِدَىَّ وَاَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضٰىهُ وَاَدْخِلْنِىْ بِرَحْمَتِكَ فِىْ عِبَادِكَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿١٩﴾

پس خندان تبسم کرد ازگفتارمورچه گفت ای پروردگارمن الهام کن مراکه شکراین نعمت توکنم که انعام کرده ای برمن وبرپدرومادرِ من والهام کن مرا که بجاآرم کردارِ شائسته که خشنودشوی بآن ودرآرمرا برحمتِ خود درزمرهٔ بندگانِ شائسته خویش (١٩) .

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِىَ لَاۤ اَرَى الْهُدْهُدَ ۖ اَمْ كَانَ مِنَ الْغَآئِبِيْنَ ﴿٢٠﴾

وبازجست احوال مرغان پس گفت چیست مرا که نمی بینم هدهد را یاهست ازغائب شدگان (٢٠) .

لَاُعَذِّبَنَّهٗ عَذَابًا شَدِيْدًا اَوْ لَاَاذْبَحَنَّهٗۤ اَوْ لَيَاْتِيَنِّىْ بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿٢١﴾

هرآئینه عقوبت کنم اورا عقوبت سخت یاالبته ذبح کنم اورایااین ست که بیاردپیش من حجت ظاهر (٢١) .

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيْدٍ فَقَالَ اَحَطْتُّ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهٖ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَاٍۭ بِنَبَاٍ يَّقِيْنٍ ﴿٢٢﴾

پس توقف کرد نه چندان دِیر پس گفت درگرفتم بچیزی که درنه گرفته ای بآن وآورده ام پیش توازقبیلهٔ سبا خبریقین را (٢٢) .

اِنِّىْ وَجَدْتُّ امْرَاَةً تَمْلِكُهُمْ وَاُوْتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَىْءٍ وَّلَهَا عَرْشٌ عَظِيْمٌ ﴿٢٣﴾

هرآئینه من یافتم که زنی پادشاهی میکند برایشان وداده شده است اورا ازهرنعمتی واورا تختی ست بزرگ (٢٣) .

وَجَدْتُّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُوْنَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ

یافتم که او وقوم او سجده می کنند

الشَّيْطٰنُ اَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيْلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُوْنَ ﴿٢٤﴾

خورشید را بغیراز خدا وآراسته است
شیطان برای ایشان کردار های ایشانرا
پس بازداشت ایشان را ازراه پس ایشان
راه نمی یابند (٢٤) .

اَلَّا يَسْجُدُوْا لِلّٰهِ الَّذِيْ يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُوْنَ وَمَا تُعْلِنُوْنَ ﴿٢٥﴾

بسوی آن که سجده کنندآن خدای را که
بیرون می آردپوشیده را که درآسمانها
وزمین است ومی داندآنچه پنهان می
داریدوآنچه آشکارا می کنید (٢٥) .

اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ﴿٢٦﴾ السجدة

خداآنست که نیست هیچ معبودِ بحق
غیراو پروردگارِ عرشِ بزرگ (٢٦) .

قَالَ سَنَنْظُرُ اَصَدَقْتَ اَمْ كُنْتَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ ﴿٢٧﴾

گفت سلیمان خواهیم دید آیاراست گفتی
یاهستی ازدروغ گویان (٢٧) .

اِذْهَبْ بِّكِتٰبِيْ هٰذَا فَاَلْقِهْ اِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ
مَاذَا يَرْجِعُوْنَ ﴿٢٨﴾

ببراین نامه را پس بینداز آنرابسوی ایشان
بازروبگردان ازایشان پس بنگر چه جواب
بازمی دهند (٢٨) .

قَالَتْ يٰۤاَيُّهَا الْمَلَؤُا اِنِّيْۤ اُلْقِيَ اِلَيَّ كِتٰبٌ كَرِيْمٌ ﴿٢٩﴾

(بلقیس) گفت ای جماعت آشراف
هرآئینه انداخته شد بسوی من نامه ای
گرامی (٢٩) .

اِنَّهٗ مِنْ سُلَيْمٰنَ وَاِنَّهٗ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿٣٠﴾

هرآئینه این نامه ازجانب سلیمان ست
وهرآئینه این نامه بنام خدای بخشاینده
مهربان ست (٣٠) .

اَلَّا تَعْلُوْا عَلَيَّ وَاْتُوْنِيْ مُسْلِمِيْنَ ﴿٣١﴾

باین مضمون که تکبر مکنید برمن بیائید
پیش من مسلمان شده (٣١) .

قَالَتْ يٰۤاَيُّهَا الْمَلَؤُا اَفْتُوْنِيْ فِيْۤ اَمْرِيْ مَا كُنْتُ قَاطِعَةً اَمْرًا
حَتّٰى تَشْهَدُوْنِ ﴿٣٢﴾

گفت (بلقیس) ای جماعت آشراف جواب
دهیدمرا درتدبیرمن، نبودم من فیصله
کننده هیچ کارراتاوقتیکه شما حاضر
شوید پیش من (٣٢) .

قَالُوْا نَحْنُ اُولُوْا قُوَّةٍ وَّاُولُوْا بَاْسٍ شَدِيْدٍ وَّالْاَمْرُ اِلَيْكِ
فَانْظُرِيْ مَاذَا تَاْمُرِيْنَ ﴿٣٣﴾

گفتند ماخداوندانِ توانائی ایم و
خداوندانِ کارزارِ سختیم وتدبیرمفوض

بسوی تُست پس درنگر چه چیزمی فرمائی (٣٣) .

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً ۚ وَكَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٣٤﴾

گفت هرآئینه پادشاهان چون درآیند بدهی خراب کنند آنرا وسازند عزیزان اهل آن را رسوایان وهمچنین می کنند (٣٤) .

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ﴿٣٥﴾

وهرآئینه من فرستنده ام بسوی ایشان تحفه ای پس بیننده ام به چه چیز بازمی آیند فرستادگان (٣٥) .

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُم بَلْ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿٣٦﴾

پس چون آمد آن فرستاده پیش سلیمان گفت سلیمان آیاامداد می‌کنید مرابمالی پس آنچه عطا کرده ست مرا خدای‌تعالی بهترست ازآنچه عطا کرده است شمارا بلکه شما بتحفهٔ خویش شادمان می شوید (٣٦) .

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُم بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُم مِّنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٣٧﴾

بازرَوبسوی ایشان پس هرآئینه بیاییم برایشان بالشکر هائی که طاقت نباشد ایشان را بمقابلهٔ آن وهرآئینه بیرون کنیم ایشان را ازدِه رسواشدگان وایشان خوارباشند(٣٧) .

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَن يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿٣٨﴾

گفت[1]سلیمان ای عزیزان کدام یك ازشمامی آردپیش من تخت اوراپیش ازآن که بیایند نزدِ من مسلمان شده (٣٨) .

قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ ۖ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ﴿٣٩﴾

گفت تهمتَنی ازجن من بیارمش نزدِ تو پیش ازآنکه برخیزی ازجای خود وهرآئینه من برآن عرش توانای باامانتم (٣٩) .

---

(١) مترجم گوید سلیمان علیه السلام خواست که بلقیس را معجزه نماید وعقل وجمال اورا ادراك فرماید .

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتٰبِ اَنَا اٰتِيْكَ بِهٖ قَبْلَ اَنْ يَّرْتَدَّ اِلَيْكَ طَرْفُكَ ۚ فَلَمَّا رَاٰهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهٗ قَالَ هٰذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّيْ ۖ لِيَبْلُوَنِيْۤ ءَاَشْكُرُ اَمْ اَكْفُرُ ۗ وَمَنْ شَكَرَ فَاِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ رَبِّيْ غَنِيٌّ كَرِيْمٌ ﴿۴۰﴾

گفت شخصی که نزدِ اوعلم بودازکتاب الهی من بیارمش نزد توپیش ازآنکه بازگردد بسوی تو چشمِ تو پس چون سلیمان دید آنرا قرارگرفته نزدیك خویش گفت این خارق عادت ازفضل پروردگار من است تاامتحان کند مرا آیاشکرگذاری می کنم یاناسپاسی می نمایم وهرکه شکر گذاری کند پس جزاین نیست که شکر گذاری میکند برای نفع خویش وهرکه ناسپاسی کرد پس پروردگارمن بی نیاز کَرَم کننده است (٤٠) .

قَالَ نَكِّرُوْا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ اَتَهْتَدِيْۤ اَمْ تَكُوْنُ مِنَ الَّذِيْنَ لَا يَهْتَدُوْنَ ﴿۴۱﴾

گفت سلیمان متغیر سازید برای امتحان این زن تخت اورا بنگریم آیاراهِ شناخت می یابد یامی شود ازآنانکه راه نمی یابند (٤١) .

فَلَمَّا جَآءَتْ قِيْلَ اَهٰكَذَا عَرْشُكِ ۗ قَالَتْ كَاَنَّهٗ هُوَ ۚ وَاُوْتِيْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِيْنَ ﴿۴۲﴾

پس چون بیامد (بلقیس)گفته شدآیاچنین ست تخت تو گفت گویاوی همان ست وداده شد مارادانش بحقانیت سلیمان پیش ازین مقدمه وهستیم مسلمانان (٤٢) .

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَّعْبُدُ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ۖ اِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كٰفِرِيْنَ ﴿۴۳﴾

وبازداشت سلیمان آن[1] زن را ازآنچه عبادت می کردبجز خدا هرآئینه وی بودازگروه کافران (٤٣) .

قِيْلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ ۚ فَلَمَّا رَاَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً

گفته شدبوی که درآی باین کو شك پس

---

(١) مترجم سلیمان علیه السلام را فاعل صدّها قرار داده است واکثر مفسرین می گویند که فاعل صدّها "ما" "المصدریه یاالموصوله" است ومعنی آیت اینطور میشود که بازداشت آن زن را ازعبادت خداآنچه عبادت میکردند غیراز خدا والله اعلم .

وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٤﴾

چون بدیدآنرا پنداشتش حوض آب وجامه برداشت ازدوساق خود گفت سلیمان این کوشکی ست بی نقش درخشان ساخته شده ازشیشه گفت (بلقیس) ای پروردگار من هرآئینه من ستم کرده ام برخویش واسلام آوردم همراه سلیمان برای خدا پروردگارعالمها (٤٤) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾

وهرآئینه فرستادیم بسوی ثمود برادرایشان صالح را که عبادت کنید خدای را پس ناگهان آن قوم دوگروه شدند بایکدیگر خصومت می نمودند (٤٥) .

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾

گفت صالح ای قوم من چراشتابان طلب می کنید سختی را پیش از راحتی چرا طلب آمرزش نمی کنید ازخدا بُوَد که رحم کرده شود برشما (٤٦) .

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ﴿٤٧﴾

گفتند شگون بد گرفتیم ازتوو ازآنانکه همراه تواند گفت شگون بدشما نزدِ خداست[1] بلکه شما قومی هستید که امتحان کرده می شوید (٤٧) .

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤٨﴾

و بودند درآن شهر نُه‌گروهك که فساد می کردند درزمین واصلاح نمی‌نمودند (٤٨) .

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٤٩﴾

گفتند بایك دیگر قسم خداخورده که البته شبیخون زنیم برصالح واهل خانه او باز البته خواهیم گفت وارث اوراحاضر نه

(١) یعنی مصائب بروفق تقدیر الهی جاری میشود .

بودیم وقت هلاك شدن اهل اووهر آئینه ماراستگوئیم (٤٩) .

وَمَكَرُوْا مَكْرًا وَّمَكَرْنَا مَكْرًا وَّهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ (٥٠)

و حیله کردند بنوعی از حیله وتدبیر کردیم مانوعی ازتدبیر وایشان نمی دانستند(٥٠) .

فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ ۙ اَنَّا دَمَّرْنٰهُمْ وَقَوْمَهُمْ اَجْمَعِيْنَ (٥١)

پس بنگر چگونه بودسرانجام حیلۀ ایشان که ماهلاك کردیم ایشان را وقوم ایشان را همه یك جا (٥١) .

فَتِلْكَ بُيُوْتُهُمْ خَاوِيَةًۢ بِمَا ظَلَمُوْا ۗ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ (٥٢)

پس این ست خانه های ایشان خالی مانده به سبب ظلم ایشان هرآئینه درین ماجرا نشانه هستگروهی را که میدانند (٥٢) .

وَاَنْجَيْنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوْا يَتَّقُوْنَ (٥٣)

ونجات دادیم آنان را که ایمان آوردند و پرهیزگاری می کردند (٥٣) .

وَلُوْطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهٖٓ اَتَاْتُوْنَ الْفَاحِشَةَ وَاَنْتُمْ تُبْصِرُوْنَ (٥٤)

وفرستادیم لوط راچونگفت بقوم خود آیا بعمل می آرید کاربی حیائی را وشما می بینید (٥٤) .

اَئِنَّكُمْ لَتَاْتُوْنَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُوْنِ النِّسَآءِ ۭ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُوْنَ (٥٥)

ایاشمامی آئید بمردان بارادۀ شهوت بجز زنان بلکه شما قومی نادانید (٥٥) .

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهٖٓ اِلَّآ اَنْ قَالُوْٓا اَخْرِجُوْٓا اٰلَ لُوْطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ ۚ اِنَّهُمْ اُنَاسٌ يَّتَطَهَّرُوْنَ (٥٦)

پس نه بود جواب قوم او مگر آنکهگفتند بیرون کنید اهل خانۀ لوط را از دهِ خویش هرآئینه ایشان مردم پاکی طلبند (٥٦) .

فَاَنْجَيْنٰهُ وَاَهْلَهٗٓ اِلَّا امْرَاَتَهٗ ۡ قَدَّرْنٰهَا مِنَ الْغٰبِرِيْنَ (٥٧)

پس نجات دادیم اورا واهل اورا مگر زنش که معّین کردیم اورا ازباقی ماندگان (٥٧) .

وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَّطَرًا ۚ فَسَآءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِيْنَ (٥٨)

وبارانیدیم برسرایشان بارانی پس بَدَست باران ترسانده شدگان (٥٨) .

قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلٰمٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى ۭ آٰللّٰهُ خَيْرٌ اَمَّا يُشْرِكُوْنَ (٥٩)

بگوسپاس خدای راست وسلام برآن بندگانِ اوکه برگزیده است ایشان را آیاخدابهتر است یاآنچه شریك می آرند (٥٩) .

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ مَآءً ۚ فَأَنْۢبَتْنَا بِهٖ حَدَآئِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ ۚ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْۢبِتُوْا شَجَرَهَا ۗ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَّعْدِلُوْنَ ﴿٦٠﴾

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه بیافرید آسمانها و زمین را و فرودآورد برای شماازآسمان آب پس رویانیدیم به سبب آن بوستانها راباتازگی ممکن نه بود شمارا که برویانیددرخت های آن را آیا معبودی هست با خدا بلکه ایشان‌گروهی اند که کج میروند (٦٠) .

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَّجَعَلَ خِلٰلَهَآ أَنْهٰرًا وَّجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۗ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٦١﴾

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه ساخت زمین را قرارگاه وپیداکرد درمیان زمین جویهاوبیافرید برای زمین کوه ها وبیافرید میان دودریا حجاب را آیامعبودی دیگر هست باخدابلکه بیشترین ایشان نمی دانند (٦١) .

أَمَّنْ يُّجِيْبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوْٓءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَآءَ الْأَرْضِ ۗ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ۚ قَلِيْلًا مَّا تَذَكَّرُوْنَ ﴿٦٢﴾

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه قبول می کند درمانده را چون بخواندش وبرداردسختی را وبسازد شمارا جانشین نخستینیان درزمین آیامعبودی دیگر هست باخدا اندکی پندمی پذیرید (٦٢) .

أَمَّنْ يَّهْدِيْكُمْ فِيْ ظُلُمٰتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُّرْسِلُ الرِّيٰحَ بُشْرًاۢ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهٖ ۗ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ۚ تَعٰلَى اللّٰهُ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٦٣﴾

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه راه می نماید شمارا درتاریکی های بیابان و دریا ومی فرستد باد هارا مژده دهنده پیش دستِ رحمت خود آیا معبودی هست باخدا برترست خدا ازآنکه شریك می گیرند (٦٣) .

أَمَّنْ يَّبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ وَمَنْ يَّرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْأَرْضِ ۗ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ۚ قُلْ هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٦٤﴾

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه نوپیدا می کند آفرینش بازدگرباربازگرداندش وکیست آنکه روزی می دهد شمارا ازآسمان و زمین آیا معبودی هست باخدا بگو بیارید حجت خودرا اگرراست

گوئید (٦٤) .

قُلْ لَّا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللّٰهُ ۚ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٦٥﴾

بگونمیداند آنکه درآسمانها وزمین است غیب را مگر خدا ونمیدانند که کی برانگیخته شوند (٦٥) .

بَلِ ادّٰرَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ ۚ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهَا ۖ بَلْ هُمْ مِّنْهَا عَمُونَ ﴿٦٦﴾

بلکه پی درپی متوجه شد علم ایشان دربابِ آخرت[١] بلکه ایشان درشبهه اند ازآخرت بلکه ایشان ازآخرت نابینایند (٦٦) .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ ﴿٦٧﴾

وگفتند کافران آیاچون شویم خاك وپدران مانیزآیاما بیرون آوردگانیم (یعنی ازقبور) (٦٧) .

لَقَدْ وُعِدْنَا هٰذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ ۙ إِنْ هٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾

هرآئینه وعده داده شدباین مقدمه مارا وپدرانِ مارا پیش ازین، نیست این مگر افسانه های پیشینیان (٦٨) .

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٦٩﴾

بگو سَیر کنید درزمین پس بنگرید چگونه بود انجام کارگنهگاران (٦٩) .

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿٧٠﴾

واندوه مخور برایشان ومباش درتنگدلی ازمکربَدِ ایشان (٧٠) .

وَيَقُولُونَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ﴿٧١﴾

ومی‌گویند کَی باشد این وعده اگرراست گوئید (٧١) .

قُلْ عَسٰى أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٧٢﴾

بگوشاید نزدیك شده باشد بشما بعض آنچه بشتاب می طلبید[٢] (٧٢) .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾

وهرآئینه پروردگارتو خداوند فضل ست برمردمان ولیکن بیشترین ایشان شکر نمی کنند (٧٣) .

---

(١) یعنی تابه آنکه منقطع‌گشت .

(٢) یعنی عقوبتِ دنیا .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٤﴾

وهرآئينه پروردگارتوميداند آنچه پنهان می کنند سينه های ايشان وآنچه ظاهر می نمايند (٧٤) .

وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٧٥﴾

ونيست هيچ پوشيده درآسمان وزمين مگر نوشته است دركتاب روشن (٧٥) .

إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٦﴾

هرآئينه اين قرآن بيان می كند پيش بنی اسرائيل بيشتر آنچه ايشان درآن اختلاف می كنند (٧٦) .

وَإِنَّهُ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾

وهرآئينه وی هدايت ورحمت است مسلمانان را (٧٧) .

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٧٨﴾

هرآئينه پروردگار توفيصله كند ميان ايشان بحكم خود واوست غالب دانا (٧٨) .

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۖ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ﴿٧٩﴾

پس توكل كن برخداهرآئينه تو بردين راست روشن هستی (٧٩) .

إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿٨٠﴾

هرآئينه تونمی توانی شُنُوانيد مردگان را ونمی توانی شنوانيدن كران را آواز وقتيكه روبگردانند پشت داده (٨٠) .

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمْيِ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ ۖ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾

ونيستی توراه نمايندهٔ كوران تابازآينداز گمراهی خويش نمی شنوانی مگر كسی را كه ايمان آورده است بآيت های ماپس اين جماعتگردن نهندگانند (٨١) .

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾

وچون متحقق شود وعدهٔ عذاب برايشان بيرون آريم برای ايشان جانوری ازرمين كه سخنگويد بايشان بسبب آنكه مردمان بآياتِ مايقين نمی آوردند(٨٢) .

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾

وآن روزكه برانگيزيم ازهرامتی طائفه ای را ازآنانكه دروغ می شمردند آيات مارا پس ازايشان بعضی را تارسيدنِ بعض

ایستاده کرده میشود (٨٣) .

حَتّٰٓى اِذَا جَآءُوْ قَالَ اَكَذَّبْتُمْ بِاٰيٰتِىْ وَلَمْ تُحِيْطُوْا بِهَا عِلْمًا اَمَّاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٨٤﴾

تاوقتیکه چون حاضر آیندگوید خداآیادروغ شمردیدآیاتِ مرا ودر نگرفته بودید بآن ازروی دانش یاچه کار می کردید (٨٤) .

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوْا فَهُمْ لَا يَنْطِقُوْنَ ﴿٨٥﴾

وثابت شد وعدهٔ عذاب برایشان بسبب ستم کردن ایشان پس آن جماعت سخن نگویند (٨٥) .

اَلَمْ يَرَوْا اَنَّا جَعَلْنَا الَّيْلَ لِيَسْكُنُوْا فِيْهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿٨٦﴾

آیا ندیده اند که ماپیداکرده ایم شب را تاآرام گیرند درآن وپیداکرده ایم روزرا روشن هرآئینه درین مقدمه نشانه هاست قومی را که باورمی دارند (٨٦) .

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّوْرِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ اِلَّا مَنْ شَآءَ اللّٰهُ ۭ وَكُلٌّ اَتَوْهُ دٰخِرِيْنَ ﴿٨٧﴾

ویادکن آن روز که دمیده شود در صور پس مضطرب شوند آنانکه درآسمانها یند وآنانکه درزمین اند مگر کسیکه خدا خواسته است وهمه بیایند پیش خدا خوارشده (٨٧) .

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَّهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ۭ صُنْعَ اللّٰهِ الَّذِيْٓ اَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ ۭ اِنَّهٗ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَفْعَلُوْنَ ﴿٨٨﴾

وبه بینی کوه هاراپنداری آنهارا برجای ایستاده وآنهامی‌روند مانند رفتنِ ابر صُنع آن خدای که استوار ساخت هرچیز را هرآئینه وی خبردارست بآنچه می کنید (٨٨) .

مَنْ جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهٗ خَيْرٌ مِّنْهَا ۚ وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَّوْمَىِٕذٍ اٰمِنُوْنَ ﴿٨٩﴾

هرکه بیارد نیکی پس اورا باشدبهتر ازآن وایشان ازاضطراب آن روز ایمن باشند (٨٩) .

وَمَنْ جَآءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوْهُهُمْ فِي النَّارِ ۭ هَلْ تُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٩٠﴾

وهرکه بیارد بدی نگونسار کرده شود چهره های ایشانْ درآتش جزاداده نمی شوید مگر بوفق آنچه می کردید (٩٠) .

اِنَّمَآ اُمِرْتُ اَنْ اَعْبُدَ رَبَّ هٰذِهِ الْبَلْدَةِ الَّذِيْ حَرَّمَهَا وَلَهٗ

بگو(یامحمد) جزاین نیست که فرموده شدمراکه عبادت کنم خداونداین شهر را

كُلُّ شَيْءٍ وَّاُمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ﴿٩١﴾

(یعنی مکه) آنکه محترم ساخت آنراو بتصرّف اوست هر چیز، وفرموده شدمرا که باشم از مسلمانان (٩١) .

وَاَنْ اَتْلُوَا الْقُرْاٰنَ فَمَنِ اهْتَدٰى فَاِنَّمَا يَهْتَدِيْ لِنَفْسِهٖ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ اِنَّمَآ اَنَا مِنَ الْمُنْذِرِيْنَ ﴿٩٢﴾

وفرموده شدآنکه بخوانم قرآن راپس هرکه راه یافت پس جزاین نیست که راه می یابدبرای نفع خویشتن وهرکه گمراه شد بگو جزاین نیست که من ازبیم کنندگانم (٩٢) .

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ سَيُرِيْكُمْ اٰيٰتِهٖ فَتَعْرِفُوْنَهَا ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿٩٣﴾

وبگوستایش خدای راست خواهد نمود شمارا آیاتِ خود پس بشناسید آنهارا ونیست پروردگارتو بی خبر ازآنچه می‌کنید (٩٣) .

سورهٔ قصص مکي است وآن هشتادوهشت آیت ونه رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

طٰسٓمّٓ ﴿١﴾

طسٓمّ (١) .

تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ ﴿٢﴾

این آیت های کتاب روشن است (٢) .

نَتْلُوْا عَلَيْكَ مِنْ نَّبَاِ مُوْسٰى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿٣﴾

بخوانیم برتو بعض خبر موسیٰ وفرعون به راستی برای گروهی که باورمیدارند (٣) .

اِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْاَرْضِ وَجَعَلَ اَهْلَهَا شِيَعًا يَّسْتَضْعِفُ طَآئِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ اَبْنَآءَهُمْ وَيَسْتَحْيٖ نِسَآءَهُمْ ۭ اِنَّهٗ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿٤﴾

هرآئینه فرعون تکبرکرد درزمین وساخت اهل آن را گروه گروه زبون می گرفت جماعتی را ازایشان، می کُشت پسران ایشان را وزنده می‌گذاشت دختران ایشان را هرآئینه وی بود از مفسدان (٤) .

وَنُرِيْدُ اَنْ نَّمُنَّ عَلَى الَّذِيْنَ اسْتُضْعِفُوْا فِي الْاَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ اَئِمَّةً وَّنَجْعَلَهُمُ الْوٰرِثِيْنَ ﴿٥﴾

ومی خواستیم که نعمت فراوان دهیم برآنان که زبون گرفته شدند درزمین وپیشواسازیم ایشان را و وارث کنیم

ایشان را (٥) .

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ۝٦

ودسترس دهیم ایشان را درزمین وبنمائیم فرعون وهامان ولشکر های ایشان را اززبون گرفتگان آنچه می ترسیدند (٦) .

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي ۖ إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝٧

والهام فرستادیم بسوی مادرموسیٰ اینکه شیربده اورا پس چون بترسی بروَی بینداز او را دردریا ومترس واندوه مخور هرآئینه مابازرسانندهٔ اوئیم بسوی تو و گردانندهٔ اوئیم ازپیغامبران (٧) .

فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا ۗ إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ ۝٨

پس برگرفتند آن را اهل خانهٔ فرعون تاآخر کارشود برای ایشان دشمن وسبب اندوه هرآئینه فرعون وهامان ولشکرهای ایشان خطا کننده بودند (٨) .

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِي وَلَكَ ۖ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝٩

وگفت زن فرعون این طفل خنکی چشم ست مرا وترا مکشیدش بُوَد که نفع دهد مارا یا فرزندگیریم اورا وایشان حقیقت حال نمی دانستند (٩) .

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا ۖ إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝١٠

وگشت دل مادر موسیٰ خالی از صبر هرآئینه نزدیك بود که آشکارا کند آن قصّه را اگرمانمی بستیم بردل اورشته[1] تاباشد ازباور دارندگان (١٠) .

وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ ۖ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝١١

و گفت خواهرش رابرپی او برو پس بدیداورا ازدور وقوم فرعون نمی دانستند (١١) .

وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ

وحرام ساختیم برموسیٰ شیرِدایگان پیش

(١) یعنی صبر نمی دادیم .

أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ ⑫

ازوصول خواهر پس خواهرش گفت آیاراه نمایم شمارا براهل خانه ای که خبرداری این طفل کنند برای شماوایشان برای اونیك خواهانند (١٢) .

فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ⑬

پس بازگردانیدیم اورا بسوی مادراو تاخنك شود چشم وی واندوه نخورد وتابداند که وعده خدا راست ست ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند (١٣) .

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ⑭

وچون رسید بنهایت جوانی خود ودرست اندام شد دادیم اورا حکمت ودانش وهمچنین جزامی دهیم نیکوکاران را (١٤) .

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ ۖ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ ۖ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ ۖ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ ⑮

ودرآمد در شهر بروقت بیخبری اهل آن پس یافت آنجا دوشخص که بایکدیگر جنگ می کردند آن یك ازقوم موسیٰ بود و آن دیگر ازدشمنان وی پس مدد طلب کرد شخصی که ازقوم اوبود برآن دیگر که ازدشمنانش بود پس مشت زد او را موسیٰ پس بکشتش گفت این ازکارِ شیطان ست هرآئینه شیطان دشمن گمراه کنندهٔ آشکاراست (١٥) .

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ ۚ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ⑯

گفت ای پروردگارمن هرآئینه من ستم کردم برخویش پس بیامرزمرا پس بیامرزیدش هرآئینه وی آمرزندهٔ مهربان ست (١٦) .

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ ⑰

گفت ای پروردگارمن بحق انعام کردنِ تو برمن هرگز نخواهم بُود مددگار گنهگاران (١٧) .

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ

پس گشت کرد درشهر ترسان انتظار کنان

بِالْاَمْسِ يَسْتَصْرِخُهٗ ۚ قَالَ لَهٗ مُوْسٰٓى اِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِيْنٌ ﴿١٨﴾

پس ناگهان شخصی که مدد طلب کرده بود دیروز باز بفریاد رسی میخواندش گفت بوی موسیٰ هرآئینه توگمراه آشکاری (١٨) .

فَلَمَّآ اَنْ اَرَادَ اَنْ يَّبْطِشَ بِالَّذِيْ هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا ۙ قَالَ يٰمُوْسٰٓى اَتُرِيْدُ اَنْ تَقْتُلَنِيْ كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْاَمْسِ ۖ اِنْ تُرِيْدُ اِلَّآ اَنْ تَكُوْنَ جَبَّارًا فِي الْاَرْضِ وَمَا تُرِيْدُ اَنْ تَكُوْنَ مِنَ الْمُصْلِحِيْنَ ﴿١٩﴾

پس چون خواست که دست دراز کند به شخصی که وی دشمن موسیٰ ودشمن فریادکننده بودگفت فریاد کننده ای موسیٰ آیامیخواهی که بکشی مراچنانکه کشتی شخصی را دیروز نمی خواهی مگر آنکه باشی ستمگاری درزمین ونمی خواهی که باشی از نیکوکاران[1] (١٩) .

وَجَآءَ رَجُلٌ مِّنْ اَقْصَا الْمَدِيْنَةِ يَسْعٰى ۡ قَالَ يٰمُوْسٰٓى اِنَّ الْمَلَاَ يَاْتَمِرُوْنَ بِكَ لِيَقْتُلُوْكَ فَاخْرُجْ اِنِّيْ لَكَ مِنَ النّٰصِحِيْنَ ﴿٢٠﴾

و آمد شخصی ازآخر شهر شتابان گفت ای موسیٰ هرآئینه رئیسان مشورت می کنند درحق تو تابکشند ترا پس بیرون روهرآئینه من برای توازنیك خواهانم (٢٠) .

فَخَرَجَ مِنْهَا خَآئِفًا يَّتَرَقَّبُ ۫ قَالَ رَبِّ نَجِّنِيْ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٢١﴾

پس بیرون آمد ازآن شهر ترسان انتظار کنان گفت ای پروردگار من خلاص کن مرا ازگروه ستمگاران (٢١) .

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَآءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسٰى رَبِّيْٓ اَنْ يَّهْدِيَنِيْ سَوَآءَ السَّبِيْلِ ﴿٢٢﴾

ووقتیکه متوجه شد بسوی شهر مدین گفت امیدوارم ازپروردگارخویش که دلالت کند مرا براه راست (٢٢) .

وَلَمَّا وَرَدَ مَآءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ اُمَّةً مِّنَ النَّاسِ

ووقتیکه رسید بآب مدین یافت برآن آب طائفه ای را ازمردمان آب می نوشانیدند

(١) یعنی چون موسیٰ اورا توگمراه آشکاری گفت دانست که غضب کرده برسر من می آید .

يَسْقُونَ ۖ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ ۖ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا ۖ قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءُ ۖ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٣﴾

مواشی را ویافت آن طرف ازایشان دوزن که باز میدارند مواشی خودراگفت موسیٰ بآن دوزن چیست حال شماگفتند ماآب نمی نوشانیم تاآنکه باز گردانند شبانان مواشی را وپدرما پیرکلان سال ست (٢٣).

فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾

پس موسیٰ آب نوشانیدبرای این هر دوبازرواورد بسوی سایه پس گفت ای پروردگارمن هرآئینه من بآنچه فرود آوردی بسوی من ازنعمت محتاجم (٢٤).

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا ۚ فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ ۖ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥﴾

پس آمد بموسیٰ یکی ازین دوزن راه میرفت بشرمگفت هرآئینه پدرمن میخواند ترا تابتودهد مزدِ آنکه آب دادی برای ماپس چون موسیٰ بیامد نزداو وحکایت کرد پیش او قصّه راگفت مترس خلاص شدی ازقومِ ستمگاران (٢٥) .

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ ۖ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾

گفت یکی ازین دو دختر ای پدرمن بخدمت بگیراورا هرآئینه بهترین کسیکه بخدمت گیری شخصی توانا باامانت باشد (٢٦) .

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَن تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ ۖ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِندِكَ ۖ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ ۚ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾

گفت هرآئینه من میخواهم که بزنی بدهم ترایکی ازین دو دخترِ خود بشرط آنکه خدمت من کنی هشت سال پس اگرتمام کنی ده سال را پس آن تبرّع است ازنزدِ تو ونمی خواهم که مشقت افگنم برتو خواهی یافت مرا اگرخداخواسته است ازشائستگان(٢٧) .

قَالَ ذَٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ ۖ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٢٨﴾

گفت موسیٰ این ست عهد میان من ومیان تو هرکدام ازین دومدّت که اداکنم تعدی نباشد برمن وخدابرآنچه می گوئیم گواه ست (٢٨) .

فَلَمَّا قَضٰى مُوْسَى الْاَجَلَ وَسَارَ بِاَهْلِهٖۤ اٰنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّوْرِ نَارًا ۚ قَالَ لِاَهْلِهِ امْكُثُوْۤا اِنِّیْۤ اٰنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّیْۤ اٰتِیْكُمْ مِّنْهَا بِخَبَرٍ اَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُوْنَ ﴿٢٩﴾

پس چون اداکرد موسیٰ آن میعادرا وروان شد باهل خود دید بجانب کوه طور آتشی راگفت باهل خود توقف کنیدهرآئینه دیده ام آتشی امیددارم که بیارم برای تان ازآنجاخبری یا بیارم شعله ای ازآتش بُوَد که شما تحصیل‌گرمی کنید (٢٩) .

فَلَمَّاۤ اَتٰىهَا نُوْدِیَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْاَیْمَنِ فِی الْبُقْعَةِ الْمُبٰرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ اَنْ یّٰمُوْسٰۤى اِنِّیْۤ اَنَا اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِیْنَ ﴿٣٠﴾

پس چون آمد نزدیك آتش آوازداده شد ازکرانهٔ راست میدان درجائیگاه بابرکت ازمیان درخت که ای موسیٰ هرآئینه من خدایم پروردگار عالم ها (٣٠) .

وَاَنْ اَلْقِ عَصَاكَ ؕ فَلَمَّا رَاٰهَا تَهْتَزُّ كَاَنَّهَا جَآنٌّ وَّلّٰى مُدْبِرًا وَّلَمْ یُعَقِّبْ ؕ یٰمُوْسٰۤى اَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ ۫ اِنَّكَ مِنَ الْاٰمِنِیْنَ ﴿٣١﴾

وآنکه بافگن عصای خودرا پس چون دید که عصاحرکت می کندگویاوی ماریست روبگردانید پشت داده وبازنه‌گشت گفتیم ای موسیٰ پیش آی ومترس هرآئینه توازایمنانی (٣١) .

اُسْلُكْ یَدَكَ فِیْ جَیْبِكَ تَخْرُجْ بَیْضَآءَ مِنْ غَیْرِ سُوْٓءٍ ؗ وَّاضْمُمْ اِلَیْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذٰنِكَ بُرْهَانٰنِ مِنْ رَّبِّكَ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَا۠ئِهٖ ؕ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا فٰسِقِیْنَ ﴿٣٢﴾

ودرآردست خودرا درگریبان خود تابیرون آید سفیدْ شده ازغیر علتی وبهم آربسوی خود بازوی خودرا از ترس[1] پس این هردونشانه اند فرود آمده ازجانب پروردگارتو بسوی فرعون وجماعتِ او هرآئینه ایشان بودندگروهِ بدکار (٣٢) .

قَالَ رَبِّ اِنِّیْ قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَاَخَافُ اَنْ یَّقْتُلُوْنِ ﴿٣٣﴾

گفت ای پروردگار من هرآئینه من کشته ام ازایشان شخصی را پس می ترسم که بکشند مرا (٣٣) .

وَاَخِیْ هٰرُوْنُ هُوَ اَفْصَحُ مِنِّیْ لِسَانًا فَاَرْسِلْهُ مَعِیَ رِدْاً

وبرادرمن هارون فصیح تراست ازمن

---

(١) یعنی برای دفع ترسی که بسبب ظهورِ خوارق پیدا شده .

يُصَدِّقُنِيٓ ۖ اِنِّيٓ اَخَافُ اَنْ يُّكَذِّبُوْنِ ﴿۳۴﴾

ازجهت زبان پس بفرست اورا همراه من مدد كننده كه باوردارد مرا هرآئينه من می ترسم ازآنكه دروغگو شمرند مرا (٣٤).

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِاَخِيْكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا فَلَا يَصِلُوْنَ اِلَيْكُمَا ۚ بِاٰيٰتِنَآ ۚ اَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغٰلِبُوْنَ ﴿۳۵﴾

گفت خدا محكم خواهيم كرد بازوی ترا به برادر تو وخواهيم داد شمارا غلبه پس نه توانند رسيد بقصد ايذابسوی شما بسبب نشانه های‌ما، شما وآنانكه پيروئِ شما كرده اندغالب خواهيد شد (٣٥) .

فَلَمَّا جَآءَهُمْ مُّوْسٰى بِاٰيٰتِنَا بَيِّنٰتٍ قَالُوْا مَا هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى وَّمَا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِيْٓ اٰبَآئِنَا الْاَوَّلِيْنَ ﴿۳۶﴾

پس چون آورد موسیٰ برايشان نشانه های روشن ماراگفتند نيست اين مگر جادوی بربسته ونه شنيديم اين رادر پدران نخستين خويش (٣٦) .

وَقَالَ مُوْسٰى رَبِّيْٓ اَعْلَمُ بِمَنْ جَآءَ بِالْهُدٰى مِنْ عِنْدِهٖ وَمَنْ تَكُوْنُ لَهٗ عَاقِبَةُ الدَّارِ ۭ اِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿۳۷﴾

و گفت موسیٰ پروردگارمن داناترست بهركه آورده است هدايت ازنزدِ او وبهركه اوراست عاقبت پسنديده درآخرت هرآئينه رستگار نمی شوند ستمگاران (٣٧) .

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يٰٓاَيُّهَا الْمَلَاُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرِيْ ۚ فَاَوْقِدْ لِيْ يٰهَامٰنُ عَلَى الطِّيْنِ فَاجْعَلْ لِّيْ صَرْحًا لَّعَلِّيْٓ اَطَّلِعُ اِلٰٓى اِلٰهِ مُوْسٰى ۙ وَاِنِّيْ لَاَظُنُّهٗ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ ﴿۳۸﴾

وگفت فرعون ای سركردگان ندانسته ام برای شما هيچ معبودی غيرخود پس آتش برافروز برای من ای هامان برگِل (يعنی خشت بساز) پس بناكن برای من كوشكی بُوَد كه من مطلع شوم از معبود موسیٰ وهرآئينه من می پندارم اورااز‌دروغ‌گويان (٣٨) .

وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُوْدُهٗ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوْٓا اَنَّهُمْ اِلَيْنَا لَا يُرْجَعُوْنَ ﴿۳۹﴾

وتكبر كرد فرعون ولشكرهای او درزمين بغير حق وگمان كردند كه ايشان بسوی ما بازگردانيده نشوند (٣٩) .

فَاَخَذْنٰهُ وَجُنُوْدَهٗ فَنَبَذْنٰهُمْ فِي الْيَمِّ ۚ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۴۰﴾

پس گرفتيم اورا ولشكر های اورا پس افگنديم ايشان را دردريا پس درنگر چگونه بود انجام ستمگاران (٤٠) .

وَجَعَلْنٰهُمْ اَئِمَّةً يَّدْعُوْنَ اِلَى النَّارِ ۚ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ لَا يُنْصَرُوْنَ ﴿٤١﴾

وگردانیدیم ایشان را پیشوایانی که میخوانند بسوی آتش وروز قیامت نصرت داده نشوند (٤١) .

وَاَتْبَعْنٰهُمْ فِيْ هٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً ۚ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ هُمْ مِّنَ الْمَقْبُوْحِيْنَ ﴿٤٢﴾

وازپیِ ایشان فرستادیم درین دنیا لعنت را وبروزقیامت ایشان ازدور ساختگان باشند (٤٢) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ مِنْ بَعْدِ مَآ اَهْلَكْنَا الْقُرُوْنَ الْاُوْلٰى بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَّرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٤٣﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ را کتاب بعد ازآن که هلاك ساختیم قرنهای نخستین را دلیل شده برای مردمان وهدایت وبخشایش تابُوَد که ایشان پندپذیر شوند (٤٣) .

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ اِذْ قَضَيْنَآ اِلٰى مُوْسَى الْاَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشّٰهِدِيْنَ ﴿٤٤﴾

وتو نبودی بطرفِ غربی چون بانجام رسانیدیم بسوی موسیٰ وحی را ونبودی ازحاضران (٤٤) .

وَلٰكِنَّآ اَنْشَاْنَا قُرُوْنًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ۚ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِيْٓ اَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوْا عَلَيْهِمْ اٰيٰتِنَا ۙ وَلٰكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِيْنَ ﴿٤٥﴾

ولیکن ماآفریدیم قرنهارایعنی بعد موسیٰ پس درازشد برایشان عمر وتونبودی باشنده دراهل مدین که بخوانی برایشان آیات مارا ولیکن ما بودیم فرستنده (٤٥) .

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّوْرِ اِذْ نَادَيْنَا وَلٰكِنْ رَّحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَّآ اَتٰىهُمْ مِّنْ نَّذِيْرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٤٦﴾

ونبودی توبجانب طور چون آوازدادیم ولیکن وحی آمد ازروی بخشایش پروردگار تو تاترسانیگروهی را که نیامده بُود بدیشان هیچ ترساننده پیش ازتو بُوَد که ایشان پندپذیرشوند (٤٦) .

وَلَوْلَآ اَنْ تُصِيْبَهُمْ مُّصِيْبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْهِمْ فَيَقُوْلُوْا رَبَّنَا لَوْلَآ اَرْسَلْتَ اِلَيْنَا رَسُوْلًا فَنَتَّبِعَ اٰيٰتِكَ وَنَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٤٧﴾

و اگرنه آن بودی که برسد بدیشان عقوبتی بسبب آنکه پیش فرستاده است دست های ایشان پس گویند ای پروردگارما چرانه فرستادی بسوی ما پیغامبری را تاپیروی آیات توکنیم وباشیم ازمسلمانان (٤٧) .

فَلَمَّا جَآءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوْا لَوْلَآ اُوْتِيَ

(پیغامبران را می فرستادیم) پس چون آمد بایشان وحی راست ازنزدِ ماگفتند

مِثْلَ مَآ أُوتِيَ مُوسٰىٓ ۚ أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَآ أُوتِيَ مُوسٰى مِنْ قَبْلُ ۚ قَالُوا سِحْرٰنِ تَظٰهَرَا ۠ وَقَالُوٓا إِنَّا بِكُلٍّ كٰفِرُونَ ﴿٤٨﴾

چراداده نشداین پیغامبررا مانند آنچه داده شد بموسیٰ آیاکافر نشده اندبآنچه داده شده موسیٰ را پیش ازین، گفتند دوسحر اند موافق یك دیگر شده[1] و گفتند هرآئینه ما بهریك کافرانیم (٤٨) .

قُلْ فَأْتُوا بِكِتٰبٍ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ هُوَ أَهْدٰى مِنْهُمَآ أَتَّبِعْهُ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ﴿٤٩﴾

بگو پس بیارید کتابی فرود آمده ازنزدِ خدا که وی راه نماینده تر باشد ازین دو، تاپیروی اوکنم اگرراستگوئید (٤٩) .

فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَآءَهُمْ ۚ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوٰىهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللّٰهِ ۚ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ ﴿٥٠﴾

پس اگرقبول نکنند سخن ترا پس بدان که جزاین نیست که پیروی می کنند خواهش نفسِ خودرا وکیست گمراه ترازکسیکه پیروی خواهش نفس خودکند بدون راه نمائی خدا هرآئینه خدا راه نه می نمایدگروه ستمگاران را (٥٠) .

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥١﴾

وهرآئینه ما پی درپی آوردیم برای ایشان این قرآن راتابُوَد که ایشان پندپذیرند (٥١) .

الَّذِينَ آتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾

آنانکه داده ایم ایشان را کتاب پیش ازقرآن ایشان بقرآن ایمان می آرند (٥٢) .

وَإِذَا يُتْلٰى عَلَيْهِمْ قَالُوٓا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّنَآ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿٥٣﴾

وچون قرآن خوانده میشود برایشان گویند ایمان آوردیم بآن هرآئینه وی راست است ازجانب پروردگارماهرآئینه ماپیش ازنزول قرآن منقادبودیم (٥٣) .

أُولٰٓئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٥٤﴾

این جماعت داده میشود ایشان را مزدایشان دوبار بسبب آنکه صبر کردند ودفع می کنند بخصلت نیك بدی را وازآنچه روزی داده ایم ایشان را خرج می کنند (٥٤) .

---

(١) یعنی تورات وقرآن .

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ﴿٥٥﴾

وچون بشنوند سخن بیهوده را روبگردانند ازآن وگویند ماراست کردار های ما وشماراست کردارهای شماسلام برشماباد نمی خواهیم صحبت جاهلان[1] (٥٥).

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾

(یا محمد) هرآئینه توراه نمی نمائی هرکه را دوست می داری ولیکن خدا راه می نماید هرکراخواهد واوداناترست براه یافتگان (٥٦).

وَقَالُوا إِنْ نَتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَى إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾

وگفتند بعض اهل مکه اگرپیروی هدایت کنیم باتو ربوده شویم اززمین خود[2] آیاجا نه دادیم ایشان را درحرمی باامن رسانیده میشود بسوی وی میوها ازهر جنس روزی ازنزدِ ما لیکن بیشترین ایشان نمی دانند (٥٧).

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ ﴿٥٨﴾

وبساهلاك کردیم ازده ها که ازحد در گذشتند درگذرانِ خود پس اینهاست جای ماندنِ ایشان مانده نشد آنجابعداز ایشان مگر اندکی وبودیم مابدست آرندهٔ میراثِ ایشان (٥٨).

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ﴿٥٩﴾

وهرگز نیست پروردگارتو هلاك کنندهٔ ده ها تاآنکه بفرستد درقصبهٔ آن پیغامبری که بخواند برایشان آیاتِ ما و هرگزنیستیم هلاك کنندهٔ ده ها مگر درآن حال که اهل آنها ستمگارباشند (٥٩).

---

(١) مترجم‌گوید یهود پیش ازآنکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم بمدینه هجرت کند و نسخ یهودیت تصریح فرماید معتقد قرآن بودند و می‌گفتند عرب را قرآن لازم ست.

(٢) یعنی مردمان اخراج کنند.

وَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا ۚ وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰٓ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٠﴾

وهرچه داده شدشمارا از هرنوعی پس بهره منديِ زندگانی دنيا وآرايش ويست وآنچه نزدِ خداست بهتر و پائنده ترست آيانمی فهميد (٦٠) .

أَفَمَن وَعَدْنَٰهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَٰقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَٰهُ مَتَٰعَ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَٰمَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٦١﴾

آياكسيكه وعده داديمش وعدهٔ نيك پس او دريابندهٔ آنست مانند كسی است كه بهرمند ساختيمش بمنفعت زندگانی دنيا بازوی روزقيامت ازحاضر كردگان ست[1] (٦١) .

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَآءِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٦٢﴾

وروزيكه آواز دهدايشان را پس گويد كجايند آن شريكان من كه شماگمان می كرديد (٦٢) .

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَآ أَغْوَيْنَٰهُمْ كَمَا غَوَيْنَا ۖ تَبَرَّأْنَآ إِلَيْكَ ۖ مَا كَانُوٓا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ﴿٦٣﴾

گويند آنانكه ثابت شد برايشان حكم عذاب[2] ای پروردگارمااين جماعت اند كه گمراه كرديم ايشان را چنانكه خود گمراه شديم[3] بی تعلق شديم ازهمه بسوی تو، ايشان مارانمی پرستيدند (٦٣) .

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَآءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ ۚ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ﴿٦٤﴾

وگفته شود بخوانيد شريكان خودرا پس بخوانند ايشان را پس ايشان قبول نه كنند دعای ايشان و ببينند عذاب را و تمنا كنند كاش ايشان راه ياب می‌بودند (٦٤) .

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَآ أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾

وروزيكه آواز دهد خداايشان را پس‌گويد چه جواب داديد پيغامبران را (٦٥) .

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنۢبَآءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَآءَلُونَ ﴿٦٦﴾

پس مشتبه شود برايشان خبرها آن روز

---

(١) يعنی درعذاب .

(٢) يعنی رئيسان كفر .

(٣) يعنی بغيرِاكراه .

پس ایشان ازیك دیگر سوال نه کنند[1] (٦٦) .

فَاَمَّا مَنْ تَابَ وَاٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسٰٓى اَنْ يَّكُوْنَ مِنَ الْمُفْلِحِيْنَ ﴿٦٧﴾

پس آنکه توبه نمود وایمان آورد وکارشائسته کرد پس امید ست که باشد ازرستگاران (٦٧) .

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخْتَارُ ۭ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ ۭ سُبْحٰنَ اللّٰهِ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٦٨﴾

و پروردگار تومی آفریند هرچه خواهد وبرمی‌گزیند هرکراخواهد نیست ایشان را اختیار، پاکی خدای‌راست وبلند ترست ازآنکه شریك می آرند (٦٨) .

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُوْرُهُمْ وَمَا يُعْلِنُوْنَ ﴿٦٩﴾

وپروردگارتو میداند آنچه پنهان می دارد سینه های ایشان وآنچه آشکارامی کنند (٦٩) .

وَهُوَ اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۭ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْاُوْلٰى وَالْاٰخِرَةِ ۡ وَلَهُ الْحُكْمُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿٧٠﴾

واوست خدا،نیست هیچ معبود بحق غیراو اوراست ستایش دردنیا وآخرت واوراست فرمانروائی وبسوی اوباز گردانیده شوید (۷۰) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ جَعَلَ اللّٰهُ عَلَيْكُمُ الَّيْلَ سَرْمَدًا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ مَنْ اِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَاْتِيْكُمْ بِضِيَآءٍ ۭ اَفَلَا تَسْمَعُوْنَ ﴿٧١﴾

بگو آیادیدید که اگرگرداند خدای تعالی برشما شب را پاینده تاروزِ قیامت کیست معبودی غیر حق که بیاردپیش شماروشنی را آیانمی شنوید (۷۱) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ جَعَلَ اللّٰهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ مَنْ اِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَاْتِيْكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُوْنَ فِيْهِ ۭ اَفَلَا تُبْصِرُوْنَ ﴿٧٢﴾

بگوآیا دیدید که اگرگرداند خدای‌تعالی برشما روزرا پاینده تا روزقیامت کیست معبودی غیرحق که بیاردبشما شبی را که آرام‌گیرید درآن آیانمی بینید (۷۲) .

وَمِنْ رَّحْمَتِهٖ جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوْا فِيْهِ

وازرحمتِ خود ساخت برای شما شب و روز را تاآرام‌گیریددرشب وتاروزی طلب

(۱) یعنی جواب باصواب نیابند .

وَلِتَبْتَغُوْا مِنْ فَضْلِهٖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿٧٣﴾

کنید ازفضل او[1] وتاشکرگذاری کنید . (٧٣)

وَيَوْمَ يُنَادِيْهِمْ فَيَقُوْلُ اَيْنَ شُرَكَآءِيَ الَّذِيْنَ كُنْتُمْ تَزْعُمُوْنَ ﴿٧٤﴾

وروزیکه آواز دهد ایشانرا پس گوید کجایند آن شریکانِ من که‌گمان می کردید . (٧٤)

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ شَهِيْدًا فَقُلْنَا هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوْٓا اَنَّ الْحَقَّ لِلّٰهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ﴿٧٥﴾

وبیرون کشیم ازهرامتی‌گواهی را[2] پس گوئیم قوم را بیارید دلیل خود پس بدانند که حق بجانب خداست و گم شود ازایشان آنچه افترامی کردند (٧٥) .

اِنَّ قَارُوْنَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوْسٰى فَبَغٰى عَلَيْهِمْ ۖ وَاٰتَيْنٰهُ مِنَ الْكُنُوْزِ مَآ اِنَّ مَفَاتِحَهٗ لَتَنُوْٓاُ بِالْعُصْبَةِ اُولِي الْقُوَّةِ ۗ اِذْ قَالَ لَهٗ قَوْمُهٗ لَا تَفْرَحْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِيْنَ ﴿٧٦﴾

هرآئینه قارون بود از قوم موسیٰ پس تعدّی کرد برایشان وعطاً کرده بودیم اوراازگنجهاآن قدر که کلید های اوگرانی می کرد جماعت صاحب توانائی را چون گفت باو قوم او شادمشو هرآئینه خدادوست نمی دارد شاد شوندگان را . (٧٦)

وَابْتَغِ فِيْمَآ اٰتٰىكَ اللّٰهُ الدَّارَ الْاٰخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَاَحْسِنْ كَمَآ اَحْسَنَ اللّٰهُ اِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْاَرْضِ ۗ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿٧٧﴾

وبجوی درآنچه خداعطا کرده است ترا صلاح سرای آخرت و فراموش مکن حصهٔ خود از دنیا[3] ونیکوکاری کن چنانکه احسان کرده است خدابرتو ومجو فساد درزمین هرآئینه خدا دوست نمی دارد فساد کنندگان را (٧٧) .

قَالَ اِنَّمَآ اُوْتِيْتُهٗ عَلٰى عِلْمٍ عِنْدِيْ ۗ اَوَلَمْ يَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ قَدْ اَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهٖ مِنَ الْقُرُوْنِ مَنْ هُوَ اَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَّاَكْثَرُ

گفت جزاین نیست که داده شده است مرا مال فراوان بنابردانشی که نزدِ من ست

---

(١) یعنی درروز .

(٢) یعنی هرپیغامبری برقوم خودگواهی دهد .

(٣) یعنی دردنیا عمل صالح بجاآر .

جَمۡعًا ۚ وَلَا يُسۡـَٔلُ عَنۡ ذُنُوۡبِهِمُ الۡمُجۡرِمُوۡنَ ﴿٧٨﴾

آیاندانست که خداهلاك کرد پیش ازوی از قرنها آن قوم را که توانا تربود ازوی وبیشتر بود درجمعیت و پرسیده نمی شوندگنهکاران ازگناهان ایشان[1] (٧٨).

فَخَرَجَ عَلٰى قَوۡمِهٖ فِىۡ زِيۡنَتِهٖ ؕ قَالَ الَّذِيۡنَ يُرِيۡدُوۡنَ الۡحَيٰوةَ الدُّنۡيَا يٰلَيۡتَ لَنَا مِثۡلَ مَاۤ اُوۡتِىَ قَارُوۡنُ ۙ اِنَّهٗ لَذُوۡ حَظٍّ عَظِيۡمٍ ﴿٧٩﴾

پس بیرون آمد برقوم خود درآرائش خویش گفتند آنانکه طلب می کردند زندگانی دُنیارا ای کاش مارا باشد مانند آنچه داده شده است قارون را هرآئینه وی صاحب نصیب بزرگ ست (٧٩).

وَقَالَ الَّذِيۡنَ اُوۡتُوا الۡعِلۡمَ وَيۡلَكُمۡ ثَوَابُ اللّٰهِ خَيۡرٌ لِّمَنۡ اٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ۚ وَلَا يُلَقّٰٮهَاۤ اِلَّا الصّٰبِرُوۡنَ ﴿٨٠﴾

وگفتند آنانکه داده شدایشان را علم وای برشما ثوابِ خدا بهتراست مر آنکس را که ایمان آورد وکار شائسته کرد وقرین کرده نمی شوداین سخن مگر صابران را (٨٠).

فَخَسَفۡنَا بِهٖ وَبِدَارِهِ الۡاَرۡضَ فَمَا كَانَ لَهٗ مِنۡ فِئَةٍ يَّنۡصُرُوۡنَهٗ مِنۡ دُوۡنِ اللّٰهِ ۖ وَمَا كَانَ مِنَ الۡمُنۡتَصِرِيۡنَ ﴿٨١﴾

پس فرو بردیم قارون را وسرای اورا بزمین پس نبود برای اوهیچ گروهی که نصرت دهند اورا غیر خدا ونبود خودش ازنصرت داده شدگان (٨١).

وَاَصۡبَحَ الَّذِيۡنَ تَمَنَّوۡا مَكَانَهٗ بِالۡاَمۡسِ يَقُوۡلُوۡنَ وَيۡكَاَنَّ اللّٰهَ يَبۡسُطُ الرِّزۡقَ لِمَنۡ يَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِهٖ وَيَقۡدِرُ ۚ لَوۡلَاۤ اَنۡ مَّنَّ اللّٰهُ عَلَيۡنَا لَخَسَفَ بِنَا ؕ وَيۡكَاَنَّهٗ لَا يُفۡلِحُ الۡكٰفِرُوۡنَ ﴿٨٢﴾

وگشتندآنانکه آرزومی کردند منزلتِ اورا دیروز می‌گفتند ای عجب که خداگشاده می کند رزق را برای هرکه خواهد ازبندگان خویش و تنگ می سازد واگرنه آن بودی که انعام کرد خدا برما هرآئینه فروبردی مارا ای عجب که رستگار نمی شوند کافران (٨٢).

تِلۡكَ الدَّارُ الۡاٰخِرَةُ نَجۡعَلُهَا لِلَّذِيۡنَ لَا يُرِيۡدُوۡنَ عُلُوًّا

این سرای بازپسین مقررمی کنیم آن را

---

(١) یعنی درصورت لزوم پاداش مجال عذرنیست والله اعلم.

فِى الْاَرْضِ وَلَا فَسَادًا ۭ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿٨٣﴾

برای آنانکه نمی طلبند تکبر درزمین ونه فساد وحسنِ عاقبت پرهیزگاران راست (٨٣) .

مَنْ جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهٗ خَيْرٌ مِّنْهَا ۚ وَمَنْ جَآءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِيْنَ عَمِلُوا السَّيِّاٰتِ اِلَّا مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٨٤﴾

هرکه بیارد نیکی پس اوراست بهترازآن وهرکه بیارد بدی پس جزا داده نمی شوند آنانکه بعمل آوردند خطاها الّا بحسب آنچه می کردند (٨٤) .

اِنَّ الَّذِىْ فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ لَرَاۤدُّكَ اِلٰى مَعَادٍ ۭ قُلْ رَّبِّىْٓ اَعْلَمُ مَنْ جَآءَ بِالْهُدٰى وَمَنْ هُوَ فِىْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٨٥﴾

هرآئینه خدائی که نازل کرد برتو قرآن را البته باز گرداننده است ترابسوی جای بازگشت[1] پروردگارمن داناتراست بهر که آورد هدایت را وبهر که وی در گمراهی ظاهرست (٨٥) .

وَمَا كُنْتَ تَرْجُوْٓا اَنْ يُّلْقٰٓى اِلَيْكَ الْكِتٰبُ اِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ فَلَا تَكُوْنَنَّ ظَهِيْرًا لِّلْكٰفِرِيْنَ ﴿٨٦﴾

وتوقع نمی داشتی که فرود آورده شود بسوی تو کتاب لیکن (فرو فرستاده شد) بسبب رحمتی ازپروردگارتو پس هرگز مشو مددگارِ کافران (٨٦) .

وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ اٰيٰتِ اللّٰهِ بَعْدَ اِذْ اُنْزِلَتْ اِلَيْكَ وَادْعُ اِلٰى رَبِّكَ وَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿٨٧﴾

وبازندارند کافران ترا از تبلیغ آیاتِ خدا بعدازآنکه فرود آورده شد بسوی تو ودعوت کن بسوی پروردگار خویش وهرگزمباش ازمشرکان (٨٧) .

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ ۘ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۣ كُلُّ شَىْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهٗ ۭ لَهُ الْحُكْمُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿٨٨﴾

ومخوان باخدا معبود دیگررا نیست هیچ معبود بحق غیراوهرچیز هلاك شونده است مگر او مرأوراست فرمانروائی وبسوی اوبازگردانیده شوید (٨٨) .

---

(١) یعنی آخرت .

سُوْرَةُ الْعَنْكَبُوْتِ

سوره عنکبوت مکی است وآن شصت ونه آیت وهفت رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ○

بنام خدای بخشایندهٔ مهربان .

الٓمّٓ ﴿١﴾

الٓمّٓ(١) .

اَحَسِبَ النَّاسُ اَنْ يُّتْرَكُوْٓا اَنْ يَّقُوْلُوْٓا اٰمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُوْنَ ﴿٢﴾

آیا پنداشتند مردمان که بگذاشته شوند بمجرد آنکه گویند ایمان آوردیم وایشان امتحان کرده نشوند (٢) .

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِيْنَ ﴿٣﴾

وهرآئینه امتحان کردیم آنانراکه پیش ازایشان بودند پس البته متمیز بکند خدا آنانرا که راست گفتند والبته متمیز کند دروغگویان را (٣) .

اَمْ حَسِبَ الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ السَّيِّاٰتِ اَنْ يَّسْبِقُوْنَا ؕ سَآءَ مَا يَحْكُمُوْنَ ﴿٤﴾

آیاگمان کردند آنانکه بعمل آوردند خطاها که پیش دستی کنند برما بدچیزی ست که بدان حکم می کنند (٤) .

مَنْ كَانَ يَرْجُوْا لِقَآءَ اللّٰهِ فَاِنَّ اَجَلَ اللّٰهِ لَاٰتٍ ؕ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿٥﴾

هرکه امیدداشته باشد ملاقات خدارا پس هرآئینه میعادخداالبته آینده است واوست شنوادانا (٥) .

وَمَنْ جَاهَدَ فَاِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهٖ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٦﴾

هرکه جهاد کند جزاین نیست که جهاد میکند برای نفع خویش هرآئینه خدابی نیاز ست از عالمها (٦) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّاٰتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ اَحْسَنَ الَّذِيْ كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٧﴾

وآنانکه ایمان آوردندوکارهای شایسته کردند البته محوکنیم ازایشان خطاهای ایشان را والبته جزادهیم ایشان را به نیکوترین آنچه می کردند (٧) .

وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا ؕ وَاِنْ جَاهَدٰكَ لِتُشْرِكَ بِيْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ؕ اِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَاُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٨﴾

وامر کردیم آدمی را به نسبت پدرومادر وی نیك معامله کردن واگرکوشش کنند باتوای انسان تاشریك آری بامن آنچه نیست ترا بحقیقت آن دانشی پس

فرمانبرداری ایشان مکن بسوی من ست بازگشت شما پس خبردهم شمارا به آنچه می کردید (۸) .

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ ۝٩

وآنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند البته درآریم ایشان را در زمرهٔ شایستگان (۹) .

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ۝١٠

وازمردمان کسی هست که می‌گوید ایمان آوردیم بخدا پس چون آزاد داده شد اورا درراه خدا شمرد رنج دادنِ مردمان را مانندِ عذابِ خدا و اگربیاید فتحی ازنزدِ پروردگارتو حتماگویند هرآئینه ما باشما بودیم آیانیست خداداناتر بآنچه درسینه های عالمیانست (۱۰) .

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ۝١١

والبته میداند خداآنان را که ایمان آوردند والبته میداند منافقان را (۱۱) .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُم بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُم مِّن شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝١٢

و گفتند کافران بمسلمانان پیرویِ راهِ ماکنید والبته مابرداریم گناهانِ شمارا ونیستند ایشان بردارندهٔ چیزی ازگناهان آن جماعت هرآئینه ایشان دروغگویانند (۱۲) .

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝١٣

والبته بردارند بارهای خویش را وبارهائی را همراه بارهای خویش و البته سوال کرده شوند روزقیامت ازآنچه افترامی کردند[1] (۱۳) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ

وهرآئینه فرستادیم نوح را بسوی قوم اوپس توقف کرد درایشان هزارسال مگر

---

(۱) یعنی بارِگمراه شدن وگمراه کردن بردارندوبارتابعان ازسرایشان دفع نکنند .

إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَٰلِمُونَ ﴿١٤﴾

پنجاه سال پس درگرفت ایشان راطوفان وایشان ستمگاربودند (١٤) .

فَأَنجَيْنَٰهُ وَأَصْحَٰبَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَٰهَآ ءَايَةً لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿١٥﴾

پس نجات دادیم نوح را واهل کشتی را و ساختیم کشتی را نشانه برای عالمها (١٥) .

وَإِبْرَٰهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٦﴾

وفرستادیم ابراهیم راوقتیکه گفت بقوم خود پرستش خدا کنید و بترسیدازوی این بهترست شمارا اگر می دانید (١٦) .

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَٰنًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِندَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿١٧﴾

جزاین نیست که می پرستید بجزخدا بتان را وبرمی بندید دروغ را هرآئینه آنانکه پرستش می کنید بجز خدانمی توانند برای شماروزی دادن پس طلب کنید ازنزدِ خدا روزی را وپرستشِ اوکنید وشکراوبجاآرید بسوی اوباز گردانیده خواهید شد (١٧) .

وَإِن تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَٰغُ الْمُبِينُ ﴿١٨﴾

واگردروغ می شمرید پس هرآئینه دروغ شمرده بودند امت های پیش ازشما ونیست بر پیغمبر مگرپیغام رسانیدن آشکارا (١٨) .

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١٩﴾

آیاندیدند چگونه نومی کند خداآفرینش را بازدیگربار بازگرداند آفرینش را هرآئینه این کار برخداآسان ست (١٩) .

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾

بگوسَیرکنید در زمین پس درنگرید چگونه آغازکرد آفرینش را بازخدا پیداکند آن پیدائش بازپسین را هرآئینه خدا برهرچیز تواناست (٢٠) .

يُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَّشَآءُ ۚ وَاِلَيْهِ تُقْلَبُوْنَ ﴿٢١﴾

عذاب کند هرکرا خواهد ورحم کند هرکراخواهد وبسوی اوبازگردانیده خواهید شد (٢١) .

وَمَآ اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ فِى الْاَرْضِ وَلَا فِى السَّمَآءِ ۫ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ﴿٢٢﴾

ونیستید شماعاجزکننده درزمین ونه درآسمان ونیست شمارا بجز خدا هیچ دوست ونه یاری دهنده (٢٢) .

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَلِقَآئِهٖۤ اُولٰٓئِكَ يَئِسُوْا مِنْ رَّحْمَتِىْ وَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٢٣﴾

وآنانکه کافرشدند بآیاتِ خدا و بملاقاتِ او آن جماعت ناامید شدند ازرحمت من وآن جماعت ایشان راست عذاب درد دهنده(٢٣) .

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهٖۤ اِلَّآ اَنْ قَالُوا اقْتُلُوْهُ اَوْ حَرِّقُوْهُ فَاَنْجٰىهُ اللّٰهُ مِنَ النَّارِ ؕ اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿٢٤﴾

پس نه بود جواب قوم ابراهیم مگرآنکه گفتند بکشید اورا یابسوزانید اورا پس برهانید خدااورا ازآتش هرآئینه درین ماجرا نشانه هاست برای گروهی که باور میدارند (٢٤) .

وَقَالَ اِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَوْثَانًا ۙ مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَّيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا ۫ وَّمَاْوٰىكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ ﴿٢٥﴾

وگفت ابراهیم جزاین نیست که‌گرفته اید بجز خدابتان رابجهتِ دوستی درمیان خویش درزندگانئ دنیا بازروز قیامت نامعتقد شود بعض شما ببعض ولعنت کند بعض شما بعض را وجای شما دوزخ ست ونیست شمارا هیچ یاری دهنده (٢٥) .

فَاٰمَنَ لَهٗ لُوْطٌ ۘ وَقَالَ اِنِّىْ مُهَاجِرٌ اِلٰى رَبِّىْ ؕ اِنَّهٗ هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٢٦﴾

پس باورداشت ابراهیم رالوط و گفت (ابراهیم) هرآئینه من هجرت کننده ام بسوی پروردگار خویش هرآئینه وی غالب باحکمت ست (٢٦) .

وَوَهَبْنَا لَهٗۤ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَجَعَلْنَا فِىْ ذُرِّيَّتِهِ

وعطاکردیم اورا اسحق و یعقوب

النُّبُوَّةَ وَالْكِتٰبَ وَاٰتَيْنٰهُ اَجْرَهٗ فِي الدُّنْيَا ۚ وَاِنَّهٗ فِي الْاٰخِرَةِ لَمِنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿٢٧﴾

ومقرر داشتیم دراولادِ وَی پیغامبری وکتاب را ودادیم اورا مزد اودردنیا وهرآئینه وی درآخرت ازشائسته‌گان ست (٢٧) .

وَلُوْطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهٖۤ اِنَّكُمْ لَتَاْتُوْنَ الْفَاحِشَةَ ۫ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ اَحَدٍ مِّنَ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٢٨﴾

وفرستادیم لوط را وقتیکه‌گفت بقوم خود هرآئینه شمابعمل می آرید کار بی حیائی را که پیش دستی نکرده است برشمابسوی آن هیچ کس از عالمها (٢٨) .

اَئِنَّكُمْ لَتَاْتُوْنَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُوْنَ السَّبِيْلَ ۙ وَتَاْتُوْنَ فِيْ نَادِيْكُمُ الْمُنْكَرَ ؕ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهٖۤ اِلَّاۤ اَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿٢٩﴾

آیا شما بقصد شهوت می آئید بمردان وقطع طریق می کنید وبعمل می آرید درمجلس خویش کارناپسندیده پس نه بود جواب قوم او مگر آنکه‌گفتند بیارپیش ما عذاب خدارا اگرهستی از راست‌گویان (٢٩) .

قَالَ رَبِّ انْصُرْنِيْ عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿٣٠﴾

گفت ای پروردگارمن نصرت دِه مرا برقوم مفسدان (٣٠) .

وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَاۤ اِبْرٰهِيْمَ بِالْبُشْرٰى ۙ قَالُوْۤا اِنَّا مُهْلِكُوْۤا اَهْلِ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ ۚ اِنَّ اَهْلَهَا كَانُوْا ظٰلِمِيْنَ ﴿٣١﴾

ووقتیکه آوردند فرستادگانِ ماپیش ابراهیم مژده راگفتند هرآئینه ماهلاك کنندهٔ اهل این دِهیم هرآئینه اهل این ده ستمگار بودند (٣١) .

قَالَ اِنَّ فِيْهَا لُوْطًا ؕ قَالُوْا نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَنْ فِيْهَا ۫ لَنُنَجِّيَنَّهٗ وَاَهْلَهٗۤ اِلَّا امْرَاَتَهٗ ۫ كَانَتْ مِنَ الْغٰبِرِيْنَ ﴿٣٢﴾

گفت ابراهیم هرآئینه درآنجا لوط ست گفتند ما دانا تریم بهرکه آنجاست البته خلاص کنیم اورا واهل اورا الّاَزن وی باشد ازباقی ماندگان (٣٢) .

وَلَمَّاۤ اَنْ جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوْطًا سِيْٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَّقَالُوْا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ ۫ اِنَّا مُنَجُّوْكَ وَاَهْلَكَ اِلَّا امْرَاَتَكَ كَانَتْ

ووقتیکه آمدند فرستادگان ماپیش لوط اندوهگین کرده شد بسبب ایشان و تنگدل شد بسبب ایشان وگفتند آن

مِنَ الْغٰبِرِيْنَ ﴿٣٣﴾

فرستادگان مترس واندوه مخور هرآئینه مانجات دهندهٔ تو واهل توایم مگر زن توباشد ازباقی ماندگان (٣٣) .

اِنَّا مُنْزِلُوْنَ عَلٰٓى اَهْلِ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَآءِ بِمَا كَانُوْا يَفْسُقُوْنَ ﴿٣٤﴾

هرآئینه مافرودآرنده ایم براهل این ده عقوبتی راازآسمان بسبب آنکه بدکاری می کردند (٣٤) .

وَلَقَدْ تَّرَكْنَا مِنْهَآ اٰيَةًۢ بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ﴿٣٥﴾

وهرآئینه گذاشتیم ازآن دیه نشانهٔ واضح برای‌گروهی که درمی یابند (٣٥) .

وَاِلٰى مَدْيَنَ اَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْاٰخِرَ وَلَا تَعْثَوْا فِى الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ ﴿٣٦﴾

وفرستادیم بسوی مدین برادرِ ایشان شعیب را پس‌گفت ای قوم من عبادت خدا کنید وتوقع دارید روز بازپسین را وهرسو مگردید درزمین فساد کنان (٣٦).

فَكَذَّبُوْهُ فَاَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَاَصْبَحُوْا فِىْ دَارِهِمْ جٰثِمِيْنَ ﴿٣٧﴾

پس دروغ پِنداشتند اوراپس در گرفت ایشانرا زلزله پس بامداد کردند درخانه های خویش مرده افتاده (٣٧) .

وَعَادًا وَّثَمُوْدَاۡ وَقَدْ تَّبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسٰكِنِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطٰنُ اَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيْلِ وَكَانُوْا مُسْتَبْصِرِيْنَ ﴿٣٨﴾

وهلاك كردیم عاد و ثمودرا وهرآئینه واضح شده است شمارا بعض مساکن ایشان وآراسته ساخته بود برای ایشان شیطان کردار های ایشان راپس بازداشت ایشان را ازراه وایشان بینابودند (٣٨) .

وَقَارُوْنَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامٰنَ وَلَقَدْ جَآءَهُمْ مُّوْسٰى بِالْبَيِّنٰتِ فَاسْتَكْبَرُوْا فِى الْاَرْضِ وَمَا كَانُوْا سٰبِقِيْنَ ﴿٣٩﴾

وهلاك كردیم قارون وفرعون وهامان را وهرآئینه آمده بودبایشان موسیٰ بانشانه های واضح پس تکبر کردند درزمین ونبودندسبقت کنندگان (٣٩) .

فَكُلًّا اَخَذْنَا بِذَنْۢبِهٖ فَمِنْهُمْ مَّنْ اَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا

پس هریکی را گرفتار ساختیم به وبالِ

وَمِنْهُمْ مَّنْ اَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ ۚ وَمِنْهُمْ مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْاَرْضَ ۚ وَمِنْهُمْ مَّنْ اَغْرَقْنَا ۚ وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوْٓا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ﴿٤٠﴾

گناهش پس ازایشان کسی بود که فرستادیم بروی بادِسنگ بار وازایشان کسی بودکه‌گرفت اورا آواز سخت وازایشان کسی بود فرو بردیمش بزمین و ازایشان بود کسی که غرق ساختیم وهرگز نبود که خدا ظلم کند برایشان ولیکن ایشان برخویشتن ستم می کردند (٤٠) .

مَثَلُ الَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَوْلِيَآءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوْتِ ۚ اِتَّخَذَتْ بَيْتًا ۚ وَ اِنَّ اَوْهَنَ الْبُيُوْتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوْتِ ۘ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴿٤١﴾

داستان آنانکه دوستان‌گرفته اند بغیر خدا همچوداستان عنکبوت ست که فراگرفت خانه ای و هرآئینه سست ترین خانه ها خانهٔ عنکبوت ست اگرمی دانستند[1] (٤١) .

اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ مِنْ شَيْءٍ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٤٢﴾

هرآئینه خدامیداند حال چیزی که می پرستند بجزوی ازهرچه باشد واوست غالب باحکمت (٤٢) .

وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ ۚ وَمَا يَعْقِلُهَآ اِلَّا الْعٰلِمُوْنَ ﴿٤٣﴾

واین داستان ها بیان می کنیم آن را برای مردمان ونمی فهمند آن را مگر دانایان (٤٣) .

خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٤٤﴾

آفریدخدا آسمان ها وزمین را بتدبیر درست هرآئینه درین کارنشانهٔ است برای مسلمانان (٤٤) .

(١) مترجم‌گوید حاصل مثل آنست که ایشان ببتان پناه برده اندوبتان هیچ نفع نه دهند چنانکه خانهٔ عنکبوت هیچ فائده نمی دهد .

أُتْلُ مَآ أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتٰبِ وَأَقِمِ الصَّلٰوةَ ۖ إِنَّ الصَّلٰوةَ تَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللّٰهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾

بخوان یا محمد وحی فرستاده شده بسوی توازکتاب وبرپادارنمازرا هرآئینه نماز منع میکند ازکاربیحیائی وفعل ناپسندیده وهرآئینه یادکردن خدابزرگ تراست ازهمه وخدا میداندآنچه میکنید (٤٥) .

وَلَا تُجَادِلُوٓا أَهْلَ الْكِتٰبِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۖ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ ۖ وَقُولُوٓا آمَنَّا بِالَّذِيٓ أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلٰهُنَا وَإِلٰهُكُمْ وَاحِدٌ وَّنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٤٦﴾

ومکابره مکنید باهل کتاب الآبخصلتی که وی نیك است مگربآنانکه ستم کردندازایشان وبگوئید ایمان آوردیم بآنچه فرود آورده شد بسوی ماوبآنچه فرود آورده شدبسوی شماو معبود شمایکی است وماورا منقادیم (٤٦) .

وَكَذٰلِكَ أَنْزَلْنَآ إِلَيْكَ الْكِتٰبَ ۚ فَالَّذِينَ آتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يُؤْمِنُونَ بِهٖ ۚ وَمِنْ هٰٓؤُلَآءِ مَنْ يُّؤْمِنُ بِهٖ ۚ وَمَا يَجْحَدُ بِآيٰتِنَآ إِلَّا الْكٰفِرُونَ ﴿٤٧﴾

(وچنانکه کتاب های سابق فرودآورده بودیم) همچنان فررود آوردیم بسوی توکتاب پس آنانکه دادیم ایشانرا کتاب ایمان می آرندبآن وازعرب کسی است که ایمان می آرد بدان وانکارنمی کنند آیات مارا مگرکافران (٤٧) .

وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهٖ مِنْ كِتٰبٍ وَّلَا تَخُطُّهٗ بِيَمِينِكَ إِذًا لَّارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٤٨﴾

ونمی خواندی پیش ازنزول قرآن هیچ کتابی راونمی نوشتی هیچ کتاب را بدست راست خودآنگاه درشك می افتادنداین بدکیشان (٤٨) .

بَلْ هُوَ آيٰتٌۢ بَيِّنٰتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ ۚ وَمَا يَجْحَدُ بِآيٰتِنَآ إِلَّا الظّٰلِمُونَ ﴿٤٩﴾

بلکه قرآن آیات روشن ست محفوظ درسینه های آنانکه داده شدایشان را علم وانکار نمی کنند آیات مارا مگر ستمگاران[1] (٤٩) .

---

(١) مترجم گوید بعض مفسران گفته اندکه مراد از"الذین اوتوالعلم" به تنهاذات حضرت پیغامبرست صلى الله عليه وسلم والله اعلم .

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّن رَّبِّهِ ۖ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِندَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾

وگفتند چرا فرستاده نه شد برين پيغمبرنشانها از جانب پروردگاروى بگو جزاين نيست كه نشانها نزد خدا ست وجزاين نيست كه من ترسانندهٔ آشكارم (٥٠) .

أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾

آياكفايت نكرده است ايشان راآنكه فرستاديم برتو كتاب كه خوانده ميشود برايشان هرآئينه درين مقدمه رحمت وپندست براى قومى كه باورميدارند (٥١) .

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا ۖ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٥٢﴾

بگوبس ست خدا گواه ميانِ من وميانِ شما ميداند آنچه درآسمان ها وزمين ست وآنانكه ايمان آوردند بناحق وكافرشدند بخدا ايشان اند زيان كاران (٥٢) .

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ ۚ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٣﴾

وبشتاب مى طلبند ازتو عذاب را واگرنه بودى ميعادِ معين البته آمدى بديشان عذاب وهرآئينه بيايدبديشان نا گهان وايشان ندانند (٥٣) .

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٥٤﴾

بشتاب طلب ميكنند ازتوعذاب را وهرآئينه دوزخ دربرگيرنده است كافران را (٥٤) .

يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٥﴾

روزيكه بپوشاند ايشانرا عذاب ازبالاى ايشان واز زيرپاى هاى ايشان وبگويد خدا بچشيد جزاى آنچه ميكرديد (٥٥) .

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾

اى[1] بندگانِ مسلمان من هرآئينه زمينِ من كشاده است پس خاص مرا

(١) مترجم گويد خداى تعالى ترغيب ميفرمايد برهجرت حبشه ومدينه باين آيات .

عبادت کنید (٥٦) .

كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٥٧﴾

هر شخص چشندۂ مرگ ست باز بسوی ما بازگردانیده شوید (٥٧) .

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحَٰتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَٰمِلِينَ ﴿٥٨﴾

وآنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند البته فروآریم ایشان را ازبهشت به محل های بلند که میرود زیرآن جویها جاویدان آنجا نیك ست مزد این عمل کنندگان (٥٨) .

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٥٩﴾

آنانکه صبر کردند وبر پروردگار خویش توکل میکنند (٥٩) .

وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٠﴾

وبساجانور که برنمی دارد روزی خود را خدا روزی میدهد اورا و شما را نیز واوست شنوا دانا(٦٠) .

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ﴿٦١﴾

واگرسوال کنی ایشان را کِه آفرید آسمان هاوزمین را و رام گردانید خورشید وماه را البته گویند خدا پس چگونه گردانیده میشوند ازراهِ توحید(٦١) .

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٢﴾

خدا فراخ میکند روزی را برای هرکه خواهد ازبندگانِ خویش وتنگ می سازد برای هرکه خواهد هرآئینه خدا بهرچیز داناست (٦٢) .

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّن نَّزَّلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٣﴾

واگربپرسی ایشان را که فرود آورد ازآسمان آب را پس زنده ساخت بسبب آن زمین را بعدازمردن آن البته بگویند خدا بگوستائش خدای راست بلکه بیشترین ایشان نمی فهمند(٦٣) .

وَمَا هَٰذِهِ الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَآ إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْأٰخِرَةَ

ونیست این زند گانی دنیا مگربازی وبیهوده و هرآئینه سرای آخرت آنست

لَهِيَ الْحَيَوَانُ ۘ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٤﴾

سرای زندگانی اگرمی دانستند (٦٤) .

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾

پس ایشان چون سوار شدند درکشتی ها دعاکنند به جنابِ خدا خالص کنان برای وی عبادت را پس وقتیکه نجات داد ایشانرا بسوی زمین خشك ناگهان ایشان شریك می آرند (٦٥) .

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾

تاناسپاسی کنند بآنچه عطا کردیم ایشانرا وتابهره مند شوند[1] پس زود (حقیقت حال را) خواهند دانست (٦٦) .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ۚ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ ﴿٦٧﴾

آیانه دیدند که ما پیداکردیم حرم با امن را وربوده میشوندمردمان از دوروبر ایشان آیا به باطل باورمی دارند وبه نعمتِ خدا ناسپاسی میکنند (٦٧) .

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ ۚ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾

وکیست ستمگار تر ازکسی که افتراء کرد برخدا دروغی را یا دروغ پنداشت سخنِ راست راچون آمد پیش او آیا نیستَ دردوزخ جای کافران را (٦٨) .

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾

وآنانکه جهاد کردند در راه ما البته دلالت کنیم ایشان را براه های خود وهرآئینه خدا بانیکوکاران ست (٦٩) .

سورة روم مکی است وآن شصت آیت وشش رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓمٓ ﴿١﴾

الٓمٓ (١) .

---

(١) یعنی به درستی یکدیگر بسببِ اجتماع برشرك بهره مند شوند .

غُلِبَتِ الرُّوْمُ ﴿۲﴾	مغلوب شدند قوم روم[1] (۲) .
فِيْٓ اَدْنَى الْاَرْضِ وَهُمْ مِّنْۢ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُوْنَ ﴿۳﴾	درنزدیك ترین زمین[2] وایشان بعداز مغلوب شدنِ خودِ غالب خواهند آمد (۳) .
فِيْ بِضْعِ سِنِيْنَ ۬ؕ لِلّٰهِ الْاَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْۢ بَعْدُ ؕ وَيَوْمَئِذٍ يَّفْرَحُ الْمُؤْمِنُوْنَ ﴿۴﴾	درچندسال خدای راست فرمان پیش ازین وپس ازین وآن روز شادمان شوند مسلمانان (٤) .
بِنَصْرِ اللّٰهِ ؕ يَنْصُرُ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿۵﴾	به نصرتِ خدا نصرت میدهد هرکرا خواهد واواست غالب مهربان (۵) .
وَعْدَ اللّٰهِ ؕ لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ وَعْدَهٗ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۶﴾	وعده کرده است خدا خلاف نمی کند خدا وعده خودرا ولیکن اکثر مردمان نمی دانند (٦) .
يَعْلَمُوْنَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۖۚ وَهُمْ عَنِ الْاٰخِرَةِ هُمْ غٰفِلُوْنَ ﴿۷﴾	می دانند ظاهر را ازتدبیر زندگانی دنیا وایشان ازآخرت بی خبرانند (۷) .
اَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوْا فِيْٓ اَنْفُسِهِمْ ۫ مَا خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ اِلَّا بِالْحَقِّ وَاَجَلٍ مُّسَمًّى ؕ وَاِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَآئِ رَبِّهِمْ لَكٰفِرُوْنَ ﴿۸﴾	آیا تأمل نه کردند درضمیر خود که نیافریده است خدا آسمان ها و زمین را وآنچه درمیانِ آن هردواست مگر به تدبیرِ درست وبه تعین میعادِی مقرر وهرآئینَه بسیاری از مردمان به ملاقاتِ پروردگار خویش نامتعقد انند (۸) .
اَوَلَمْ يَسِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِيْنَ	آیاسیر نه کردند درزمین پس بنگرند چگونه شدعاقبت آنانکه

(۱) مترجم گوید فارس برروم غالب شدند وبعضِ بلاد وسرحد را درتصرف خود آوردند چون این خبر بمکه رسید اهل اسلام اندوهگین شدند زیرا که ایشان اهل کتاب بودند وکفار شادمان گشتند زیراکه ایشان واهل فارس امیان بودند خدای تعالی آیات نازل فرمود و به غلبۂ روم براهل فارس بشارت داد واین در چندسال بعد هجرت متحقق شد واین قصه یکی ازدلائل نبوت است .

(۲) یعنی درسرحدِ خود .

مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ كَانُوْٓا اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَّاَثَارُوا الْاَرْضَ وَعَمَرُوْهَآ اَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوْهَا وَجَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ ۭ فَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوْٓا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ۹

پیش ازایشان بودند بودند توانا تر ازایشان وشورانیدند زمین را وآباد کردند آن را بیشتر از آباد کردنِ ایشان آن زمین را وآمدند بدیشان پیغامبران ایشان به معجزها پس نه بود که خدا ستم کند برایشان ولیکن ایشان برخویشتن ستم میکردند (۹) .

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِيْنَ اَسَاۗءُوا السُّوْۗآٰى اَنْ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَكَانُوْا بِهَا يَسْتَهْزِءُوْنَ ۱۰

بازحال بدعاقبت آن کسان شد که بدی کردند بسبب آنکه دروغ پنداشتند آیاتِ خدارا وبآن استهزامی کردند (۱۰) .

اَللّٰهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ۱۱

خدا نوپیدا می کند آفرینش را بازدوباره کندش بازبسوی اوگردانیده شوید (۱۱) .

وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُوْنَ ۱۲

وروزیکه قائم شود قیامت ملزم شده خاموش مانند گنهگاران (۱۲) .

وَلَمْ يَكُنْ لَّهُمْ مِّنْ شُرَكَاۗىِٕهِمْ شُفَعٰۗؤُا وَكَانُوْا بِشُرَكَاۗىِٕهِمْ كٰفِرِيْنَ ۱۳

ونباشد برای ایشان ازشریکانِ ایشان هیچ شفاعت کنندگان و باشند به شریکان خویش نامعتقد (۱۳) .

وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ يَوْمَىِٕذٍ يَّتَفَرَّقُوْنَ ۱۴

و روزی که قائم شود قیامت آن روز پرا گنده شوند مردمان (۱٤) .

فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَهُمْ فِيْ رَوْضَةٍ يُّحْبَرُوْنَ ۱۵

اماآنانکه ایمان آوردند وکردارهای شائسته کردند پس ایشان در بهشت خوشحال کرده شوند (۱۵) .

وَاَمَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَلِقَاۗئِ الْاٰخِرَةِ فَاُولٰۗىِٕكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُوْنَ ۱۶

واماآنانکه کافرشدند ودروغ شمردندآیاتِ ما را و ملاقاتِ آخرت را پس ایشان درعذاب حاضر کردگانند (۱٦) .

فَسُبْحٰنَ اللّٰهِ حِيْنَ تُمْسُوْنَ وَحِيْنَ تُصْبِحُوْنَ ۱۷

پس به پاکی یاد کنید خدارا وقتی که شام می کنید ووقتیکه به صباح درمی

آئید (۱۷) .

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَّحِيْنَ تُظْهِرُوْنَ ﴿۱۸﴾

ومر او راست ستائش درآسمان هاوزمین وآخرروز و آنگاه که دروقت زوال درمی آئید[1] (۱۸) .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُوْنَ ﴿۱۹﴾

برمی آرد زنده را ازمرده وبرمی آرد مرده را از زنده وزنده میسازد زمین را بعد مردن آن وهمچنین برآورده خواهید شد یعنی ازقبور (۱۹) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنْ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ اِذَآ اَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُوْنَ ﴿۲۰﴾

وازنشانه های خدا آن ست که آفرید شمارا ازخاك باز ناگهان شما مردم شدید بأمورِ زند گی خویش پرا گنده می پردازید (۲۰) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوْٓا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَّوَدَّةً وَّرَحْمَةً ۚ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿۲۱﴾

وازنشانه های خدا آن ست که بیافرید برای شماازجنس شما زنان را تا آرام گیرید بسوی ایشان وپیداکرد میانِ شما دوستی ومهربانی هرآئینه درین کارنشانه هاست برای گروهی که تأمل میکنند (۲۱) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖ خَلْقُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ اَلْسِنَتِكُمْ وَاَلْوَانِكُمْ ۚ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّلْعٰلِمِيْنَ ﴿۲۲﴾

وازنشانه های اوست آفریدن آسمان ها وزمین وگوناگون بودن زبانهای شماورنگهای شما هرآئینه درین کارنشانه ست دانش مندان را (۲۲) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖ مَنَامُكُمْ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَآؤُكُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ ۚ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّسْمَعُوْنَ ﴿۲۳﴾

وازنشانه های اوست خفتنِ شمادرشب وروز ورزق طلب کردنِ شَما ازفضلِ او هرآئینه درین کارنشانه هاست برای

---

(۱) مترجم گوید مرادآنست که درهروقتی ازین اوقات دلائلِ تنزیه او از رذائل وانصافِ اوبحمائد متجدد میگردد پس مامور شدند بصلوٰة والله اعلم .

قومیکه می شنوند (۲۳) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖ يُرِيْكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَّطَمَعًا وَّيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَيُحْيٖ بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ﴿۲۴﴾

وازنشانهای اوست که می نماید بشما برق را برای ترسانیدن ورغبت دادن وفرود می آرد ازآسمان آب را پس زنده میکند بسببِ آن زمین را بعدِ مردنِ آن هرآئینه درین کارنشانهاست برای قومی که می فهمند (۲٤) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖ اَنْ تَقُوْمَ السَّمَآءُ وَالْاَرْضُ بِاَمْرِهٖ ؕ ثُمَّ اِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً ۖ مِّنَ الْاَرْضِ ۖ اِذَا اَنْتُمْ تَخْرُجُوْنَ ﴿۲۵﴾

وازنشانهای خداست که می ایستد آسمان و زمین به حکمِ او بازچون بخواند شمارا یك بارخواندن ناگهان شما اززمین برآئید . (۲۵)

وَلَهٗ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ كُلٌّ لَّهٗ قٰنِتُوْنَ ﴿۲۶﴾

ومر اوراست آنچه درآسمان ها وزمین ست هریکی برای اوفرمانبردارند (۲٦) .

وَهُوَ الَّذِيْ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ وَهُوَ اَهْوَنُ عَلَيْهِ ؕ وَلَهُ الْمَثَلُ الْاَعْلٰى فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿۲۷﴾

واوست آنکه نوپیدا میکندآفرینش را باز دوباره کندش واین دوباره کردن آسان ترست بروی ومر اوراست صفتِ بلند تر درآسمان ها وزمین واوست غالب باحکمت (۲۷) .

ضَرَبَ لَكُمْ مَّثَلًا مِّنْ اَنْفُسِكُمْ ؕ هَلْ لَّكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَآءَ فِيْ مَا رَزَقْنٰكُمْ فَاَنْتُمْ فِيْهِ سَوَآءٌ تَخَافُوْنَهُمْ كَخِيْفَتِكُمْ اَنْفُسَكُمْ ؕ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ﴿۲۸﴾

بیان کرد برای شما مثالی ازحال شما آیاهست برای شما از بندگانی که مالكِ ایشانست دست های شما هیچ شریکان درآنچه عطا کردیم شمارا تاشما درآن یکسان باشید می ترسید از ایشان مانندِ ترسیدن شما ازقومِ خویش همچنین بیان می کنیم نشانها برای قومی که می فهمند[1] (۲۸) .

(۱) حاصل مَثَل آنست که مملوك بامالك برابر نمی شود پس مملوكِ خدا را شریكِ =

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْٓا اَهْوَآءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ فَمَنْ يَّهْدِيْ مَنْ اَضَلَّ اللّٰهُ ۭ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ ﴿۲۹﴾

بلکه پیروی کرده اند ستمگاران خواهش های خودرا بغیر علم پس که راه نماید کسی را که گمراه کردخدا ونیست ایشان را هیچ یاری دهنده (۲۹) .

فَاَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّيْنِ حَنِيْفًا ۭ فِطْرَتَ اللّٰهِ الَّتِيْ فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۭ لَا تَبْدِيْلَ لِخَلْقِ اللّٰهِ ۭ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقَيِّمُ ڎ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۳۰﴾

پس راست کن روی خودرا برای دین حنیف شده پیروی کن دین خدا را که پیداکرد مردمان را بروَی بدل کردن نبود این دینِ خدا را این ست دین درست ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (۳۰) .

مُنِيْبِيْنَ اِلَيْهِ وَاتَّقُوْهُ وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَلَا تَكُوْنُوْا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿۳۱﴾

عبادت کنید رجوع کرده بسوی وی وبترسید ازوَی وبرپادارید نمازرا ومباشیداز مشرکان (۳۱) .

مِنَ الَّذِيْنَ فَرَّقُوْا دِيْنَهُمْ وَكَانُوْا شِيَعًا ۭ كُلُّ حِزْبٍۢ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُوْنَ ﴿۳۲﴾

مباشید ازآنانکه پرا گنده ساختند دین خودرا و شدند گروه گروه هر گروه بآنچه نزدیك اوست خورسندست (۳۲) .

وَاِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُّنِيْبِيْنَ اِلَيْهِ ثُمَّ اِذَآ اَذَاقَهُمْ مِّنْهُ رَحْمَةً اِذَا فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُوْنَ ﴿۳۳﴾

وچون برسد بمردمان سختی بخوانند پروردگار خود را رجوع کرده بسوی وی باز چون بچشاند ایشان را ازجانب خود آسائشی نا گهان طائفه ای ازایشان به پروردگار خود شریك می آرند (۳۳) .

لِيَكْفُرُوْا بِمَآ اٰتَيْنٰهُمْ ۭ فَتَمَتَّعُوْا ۪ فَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ﴿۳۴﴾

عاقبت حال ایشان آنکه ناسپاسی کنند بآنچه عطا کردیم بدیشان پس بهره مند شوید زود حقیقت حال خواهید دانست (۳٤) .

اَمْ اَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطٰنًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوْا بِهٖ يُشْرِكُوْنَ ﴿۳۵﴾

آیا فرود آوردیم برایشان دلیلی پس آن دلیل بیان میکند برای ایشان بآنچه باخدا

= اونتوان گفت .

شریك می آرند (۳۵) .

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا ۖ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ﴿٣٦﴾

وچون بچشانیم مردمان را بخشائشی شادمان شوند بآن وا گربرسد بدیشان سختی بسبب آنچه پیش فرستاده است دست های ایشان ناگهان ایشان نومید می شوند (۳٦) .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣٧﴾

آیا ندیدند که خدا کشاده میکند روزی را برای هرکه میخواهدوتنگ میکند برای هرکه میخواهد هرآئینه درین مقدمه نشانه ها است برای قومی که ایمان می آرند (۳۷) .

فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٣٨﴾

پس بده صاحب خویشی راحقِ وی ومسکین را وره‌گذررا این دادن بهترست برای کسانیکه می طلبند رضای خدا را واین جماعت ایشانندرستگاران (۳۸) .

وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبًا لِّيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِندَ اللَّهِ ۖ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ ﴿٣٩﴾

وآنچه داده باشید ازسود تابیفزاید دراموال مردمان پس وی نمی افزاید نزد خدا وآنچه داده باشید ازصدقه طلب می کنید رضای خدارا پس این جماعت ایشانند دوچند کننده[1] (۳۹) .

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۖ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَيْءٍ ۚ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٠﴾

خداآن ست که بیافرید شمارا باز روزی داد شمارا بازبمیراند شمارا بازززنده‌گرداند شمارا آیا ازشریکانِ شما کسی هست که بکند ازین کارها چیزی، پاکی اوراست وبلندتر است ازاآنچه شریك می آرند (٤۰) .

---

(۱) مترجم گوید مالی را که بشرط زیادت میدهند ربا نام نهاده شد .

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۴۱﴾	پیداشد فساد دربیابان ودردریا بسبب آنچه بعمل آورده دست های مردمان تابچشاند ایشان را جزای بعض آنچه عمل کردند بُوَد که ایشان بازگردند[۱] (٤١) .
قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ﴿۴۲﴾	بگو سیرکنید درزمین پس درنگرید چگونه بُوَد انجام آنانکه پیش ازایشان بودند بودند بیشترین ایشان مشرکان (٤٢) .
فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ ﴿۴۳﴾	پس راست کن روی خودرا برای دینِ درست پیش ازآنکه بیاید روزی که بازَ گشتن نیست آن راازجانب خدا آن روزمتفرق شوند (٤٣) .
مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ ﴿۴۴﴾	هرکه کافرشد پس بروی ست ضررِکفرِاو وهرکه کرده باشد کارِ شائسته پس اینجماعت برای خویشتن آرامگاه تهِیّه می کنند (٤٤) .
لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿۴۵﴾	تاجزا دهد آنان راکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند ازفضل خود هرآئینه وی دوست نمیدارد کافران را (٤٥) .
وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۴۶﴾	وازنشانه های خداآنست که می فرستد بادهارا مژده دهنده وبرای آنکه بچشاند شمارا ازرحمت خود(یعنی باران دهد) وبرای آنکه جاری شوند کشتی ها بفرمانِ اووبرای آنکه روزی طلب کنید ازفضلِ اووبرای آنکه شما شکر کنید (٤٦) .

(۱) یعنی قحط غرق و سائرِ مصائب جزای قتلِ بنی آدم می باشد .

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا اِلٰى قَوْمِهِمْ فَجَآءُوْهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِيْنَ اَجْرَمُوْا ۭ وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٤٧﴾

وهرآئینه پیش ازتوفرستادیم پیغامبران را بسوی قومِ ایشان پس آوردند پیش قومِ خود نشانه ها پس انتقام کشیدیم ازآنانکه نافرمانی کردند وبود نصرتِ مسلمانان لازم برما (٤٧) .

اَللّٰهُ الَّذِيْ يُرْسِلُ الرِّيٰحَ فَتُثِيْرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهٗ فِي السَّمَآءِ كَيْفَ يَشَآءُ وَيَجْعَلُهٗ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلٰلِهٖ ۚ فَاِذَآ اَصَابَ بِهٖ مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖٓ اِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُوْنَ ﴿٤٨﴾

خداآن ست که می فرستد بادهارا پس برانگیزانند ابررا پس بگستراند آن ابر را در آسمان چنانکه خواهد وبگرداندش پاره پاره پس می بینی قطراتِ باران را که بیرون می آیند میانِ آن پس چون رساندش بهرکه خواهد ازبند گان خود ناگهان ایشان شادمان شوند (٤٨) .

وَاِنْ كَانُوْا مِنْ قَبْلِ اَنْ يُّنَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِّنْ قَبْلِهٖ لَمُبْلِسِيْنَ ﴿٤٩﴾

واگرچه بودند پیش ازآن که فرود آورده شود برایشان باران ناامیدان (٤٩) .

فَانْظُرْ اِلٰٓى اٰثٰرِ رَحْمَتِ اللّٰهِ كَيْفَ يُحْيِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۭ اِنَّ ذٰلِكَ لَمُحْيِ الْمَوْتٰى ۚ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٥٠﴾

پس درنگربسوی آثارِ رحمتِ خدا چگونه زنده میکند زمین را بعدِ مرده بودنِ آن هرآئینه وی البته زنده کنندهٔ مُردگان ست واو برهمه چیز تواناست (٥٠) .

وَلَئِنْ اَرْسَلْنَا رِيْحًا فَرَاَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوْا مِنْۢ بَعْدِهٖ يَكْفُرُوْنَ ﴿٥١﴾

واگرفرستیم بادی پس ببینند آن کشت را زرد شده البته شوند بعد ازآن ناسپاسی کننده (٥١) .

فَاِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتٰى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَآءَ اِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِيْنَ ﴿٥٢﴾

پس هرآئینه تونمی شنوانی مرد گان راونمی شنوانی کران را آواز خواندن چون روبگردانند پشت داده (٥٢) .

وَمَآ اَنْتَ بِهٰدِ الْعُمْيِ عَنْ ضَلٰلَتِهِمْ ۭ اِنْ تُسْمِعُ اِلَّا مَنْ يُّؤْمِنُ بِاٰيٰتِنَا فَهُمْ مُّسْلِمُوْنَ ﴿٥٣﴾

ونیستی توراه نماینده کوران را ازگمراهی ایشان نمی شنوانی مگر کسی را که باور میدارد آیاتِ مارا پس آنجماعت

انقیاد کننده اند (۵۳) .

اَللّٰهُ الَّذِیْ خَلَقَكُمْ مِّنْ ضُعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْۢ بَعْدِ ضُعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْۢ بَعْدِ قُوَّةٍ ضُعْفًا وَّشَیْبَةً یَخْلُقُ مَا یَشَآءُ وَهُوَ الْعَلِیْمُ الْقَدِیْرُ ﴿۵۴﴾

خدا آنست که آفریدشمارااز ناتوانی بازداد مَرشما را بعدازناتوانی توانائی بازداد مَرشمارا بعدازتوانائی ناتوانی وسپید موئی می آفریند هرچه میخواهد واوست دانا توانا (۵٤) .

وَیَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ یُقْسِمُ الْمُجْرِمُوْنَ مَا لَبِثُوْا غَیْرَ سَاعَةٍ كَذٰلِكَ كَانُوْا یُؤْفَكُوْنَ ﴿۵۵﴾

وروزی که قایم شود قیامت سوگند خورندگنهگاران که توقف نکردند یعنی دردنیا بجز ساعتی همچنین ازراه بر گردانیده میشدند[۱] (۵۵) .

وَقَالَ الَّذِیْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ وَالْاِیْمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِیْ كِتٰبِ اللّٰهِ اِلٰی یَوْمِ الْبَعْثِ فَهٰذَا یَوْمُ الْبَعْثِ وَلٰكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿۵۶﴾

وگویند آنانکه علم و ایمان داده شده است ایشان راهرآئینه توقف کرده اید بروفق کتابِ خداتاروزِ رستخیز پس اینست روزِرستخیز ولیکن شما نمی دانستید (٥٦) .

فَیَوْمَئِذٍ لَّا یَنْفَعُ الَّذِیْنَ ظَلَمُوْا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ یُسْتَعْتَبُوْنَ ﴿۵۷﴾

پس آن روزسود ندهد ظالمان را عذر خواهی ایشان ونه از ایشان توبه طلب کرده شود (۵۷) .

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِیْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِاٰیَةٍ لَّیَقُوْلَنَّ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا مُبْطِلُوْنَ ﴿۵۸﴾

وهرآئینه بیان کردیم برای مردمان درین قرآن هر مثالی را واگربیاری پیش ایشان نشانه البته گویند کافران نیستید شما مگربیهوده‌گویان (۵۸) .

كَذٰلِكَ یَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰی قُلُوْبِ الَّذِیْنَ لَا یَعْلَمُوْنَ ﴿۵۹﴾

همچنین مُهرمی نهد خدا بردل های آنانکه نمیدانند (۵۹) .

فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ

پس صبر کن هرآئینه وعدهٔ خداراست

---

(۱) یعنی چون عقوباتِ مخلّده معائنه کردند دنیارا به مشابهٔ ساعتی خیال نمودند برعکس آنکه درحیات دنیارا به مشابهٔ خلود خیال میکردند والله اعلم .

وَّلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِيْنَ لَا يُوْقِنُوْنَ ۝٦٠

است وسبکسار نه کنند ترا آنانکه یقین نمی آرند (٦٠) .

سورة لقمان مکی است وآن سی وچهار آیت وچهار رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ○

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓمّٓ ۝١

الٓمّٓ(١) .

تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْحَكِيْمِ ۝٢

این آیت های کتاب باحکمت ست (٢).

هُدًى وَّرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِيْنَ ۝٣

هدایت وبخشایش برای نیکوکاران (٣).

الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُوْنَ ۝٤

آنانکه برپامیدارند نمازرا ومیدهند زکوٰة را وایشان بآخرت یقین میدارند (٤) .

اُولٰٓئِكَ عَلٰى هُدًى مِّنْ رَّبِّهِمْ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ۝٥

این جماعت برهدایت اندازپروردِگار خود واین جماعت ایشانند رستگاران (٥) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّشْتَرِيْ لَهْوَ الْحَدِيْثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ وَّيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۭ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ۝٦

وازمردمان کسی هست که می ستاند سخن بیهوده را[1] تاگمراه کند مردم را ازراهِ خدا بغیر علم وتمسخرگیرد راهِ خدارا اینجماعت ایشان راست عذابِ خوارکننده (٦) .

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِ اٰيٰتُنَا وَلّٰى مُسْتَكْبِرًا كَاَنْ لَّمْ يَسْمَعْهَا كَاَنَّ فِيْٓ اُذُنَيْهِ وَقْرًا ۚ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ۝٧

وچون خوانده شود برین شخص آیاتِ ما روبگرداندتکبرکنان گویا نه شنیده است آن راگویا درهردوگوشِ وی گرانی ست پس خبرده اورا بعذابِ درد دهنده (٧) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ جَنّٰتُ النَّعِيْمِ ۝٨

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وکردار های شائسته کردند ایشان را است بهشت های نعمت (٨) .

---

(١) یعنی مثلِ قصهٔ رستم واسفند یار .

خٰلِدِيْنَ فِيْهَا وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٩﴾

جاویدان آنجا وعده داده است خدا وعدهٔ راست واوست غالب باحکمت (۹) .

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَاَلْقٰى فِى الْاَرْضِ رَوَاسِىَ اَنْ تَمِيْدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيْهَا مِنْ كُلِّ دَآبَّةٍ وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَنْبَتْنَا فِيْهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيْمٍ ﴿١٠﴾

آفرید آسمان هارا بغیر ستون های که ببینید آنهارا وافگند درزمین کوه ها برای احتراز ازآنکه بجنباند شمارا وپرا گنده کرد در زمین ازهرنوع جانوران وفرود آوردیم ازآسمان آبرا پس رویانیدیم درزمین ازهر جنسِ نیك (۱۰) .

هٰذَا خَلْقُ اللّٰهِ فَاَرُوْنِىْ مَاذَا خَلَقَ الَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهٖ بَلِ الظّٰلِمُوْنَ فِىْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿١١﴾

این ست آفرینش خدا پس بنمائید مرا چه چیز آفریدند آنانکه بجزوی اند بلکه ستمگاران در گمراهی ظاهرند (۱۱) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا لُقْمٰنَ الْحِكْمَةَ اَنِ اشْكُرْ لِلّٰهِ وَمَنْ يَّشْكُرْ فَاِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهٖ وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِىٌّ حَمِيْدٌ ﴿١٢﴾

وهرآئینه عطا کردیم لقمان را حکمت گفتیم که شکر کن خدارا وهرکه شکر کند پس جزاین نیست که شکر میکند برای نفع خود وهرکه ناسپاسی کند پس هرآئینه خدا بی نیازستوده کارست (۱۲) .

وَاِذْ قَالَ لُقْمٰنُ لِابْنِهٖ وَهُوَ يَعِظُهٗ يٰبُنَىَّ لَا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ اِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيْمٌ ﴿١٣﴾

ویادکن چون گفت لقمان به پسر خود درحالیکه اُو پندمیداد آن پسررا ای پسرکِ من شریك مقررمکن باخداهرآئینه شرك ستمی بزرگ ست (۱۳) .

وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ اُمُّهٗ وَهْنًا عَلٰى وَهْنٍ وَّفِصٰلُهٗ فِىْ عَامَيْنِ اَنِ اشْكُرْ لِىْ وَلِوَالِدَيْكَ اِلَىَّ الْمَصِيْرُ ﴿١٤﴾

وحکم فرمودیم آدمی را به نسبتِ پدرومادرِ وی درشکم برداشته است وی را مادر وی درحال سستی بالای سستی دیگر[1] و ازشیربازکردنِ اودردوسال ست باین مضمون که شکر گزاری کن مرا

---

(۱) یعنی هروقت سست تر میشود والله اعلم .

وپدرومادرخودرا بسوی من است باز گشت (١٤) .

وَإِنْ جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشْرِكَ بِى مَا لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۖ وَصَاحِبْهُمَا فِى ٱلدُّنْيَا مَعْرُوفًا ۖ وَٱتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَىَّ ۚ ثُمَّ إِلَىَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾

و اگرکوشش کنند باتو برآنکه شریك مقرر کنی بامن چیزی که نیست ترا بآن دانش پس فرمانبرداری ایشان مکن وصحبت دارباایشان درمعیشت دنیا بوجه پسندیده وپیروی کن راهِ کسی که رجوع دارد بسوی من بازبسوی من است رجوع شماپس خبردهم شمارا بآنچه می کردید (١٥) .

يَٰبُنَىَّ إِنَّهَآ إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُن فِى صَخْرَةٍ أَوْ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَوْ فِى ٱلْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا ٱللَّهُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿١٦﴾

گفت لقمان ای پسركِ من هرآئینه اگر خفیه باشد هم سنگ دانه سپندان پس باشد درمیان سنگی یا در آسمان ها یا در زمین بهرحال حاضر کندآن راخدا هرآئینه خدا باریك بین خبردارست (١٦) .

يَٰبُنَىَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ وَأْمُرْ بِٱلْمَعْرُوفِ وَٱنْهَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَ ۖ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ ﴿١٧﴾

ای پسركِ من برپادارنماز را وبفرما بکار پسندیده ومنع کن ازناپسندیده وصبر کن برهرچه برسد به تو هرآئینه این مقدمه ازکارهای مقصودست (١٧) .

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِى ٱلْأَرْضِ مَرَحًا ۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٨﴾

ومتاب رخساره خود را از مردمان (یعنی ورومتاب) و راه مرو درزمین خرامان هرآئینه خدا دوست نمیدارد هرنازنده خود ستائنده را (١٨) .

وَٱقْصِدْ فِى مَشْيِكَ وَٱغْضُضْ مِن صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنكَرَ ٱلْأَصْوَٰتِ لَصَوْتُ ٱلْحَمِيرِ ﴿١٩﴾

ومیانه روی کن دررفتار خود وفرود آر آواز خودرا هرآئینه بدترین آوازها آوازِخران باشد (١٩) .

أَلَمْ تَرَوْا۟ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ وَأَسْبَغَ

آیا ندیدید که خدا رام‌گردانید برای شما آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین ست

عَلَيْكُمْ نِعَمَهٗ ظَاهِرَةً وَّبَاطِنَةً ۭ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُّجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّلَا هُدًى وَّلَا كِتٰبٍ مُّنِيْرٍ ﴿۲۰﴾

وفرود آورد برشما نعمت های خود را آشکارا و پنهان وازمردمان کسی هست که مکابره میکند درباب خدا بغیر دانش وبغیر هدایت وبغیر کتاب روشن (۲۰) .

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمُ اتَّبِعُوْا مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوْا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ اٰبَآءَنَا ۭ اَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطٰنُ يَدْعُوْهُمْ اِلٰى عَذَابِ السَّعِيْرِ ﴿۲۱﴾

وچون گفته شودبایشان که پیروی کنید چیزی را که فرودآورده خدا گویند بلکه پیروی می کنیم چیزرا که یافتیم برآن پدرانِ خود را آیا پیروی میکنند اگرچه شیطان می خواندایشان رابسوی عذاب دوزخ (۲۱) .

وَمَنْ يُّسْلِمْ وَجْهَهٗٓ اِلَى اللّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى ۭ وَاِلَى اللّٰهِ عَاقِبَةُ الْاُمُوْرِ ﴿۲۲﴾

وهرکه متوجه ساخت روی خودرا بسوی خدا ووی نیکوکارست پس هرآئینه دست زده است بدست آویزی محکم وبسوی خداست بازگشتِ کارها (۲۲) .

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنْكَ كُفْرُهٗ ۭ اِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوْا ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿۲۳﴾

وهرکه کافرشود پس اندوهگین نکند ترا کفرِوَی بسوی ماست رجوع ایشان پس خبردارکنیم ایشان رابآنچه میکردند هرآئینه خدا داناست به خصلتی که درسینه هاباشد (۲۳)

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيْلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ اِلٰى عَذَابٍ غَلِيْظٍ ﴿۲۴﴾

بهره مند می سازیم ایشان رااندکی بازبه بیچار گی برانیم ایشان را بسوی عذابِ سخت (۲٤) .

وَلَىِٕنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ لَيَقُوْلُنَّ اللّٰهُ ۭ قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ ۭ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۲۵﴾

واگرسوال کنی ازایشان کِه بیافرید آسمان ها وزمین را البته بگویند خدا آفرید بگو ستائش خدای راست بلکه اکثر ایشان نمی دانند (۲۵) .

لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيْدُ ﴿۲۶﴾

خدای راست آنچه درآسمان ها وزمین ست هرآئینه خداهمانست بی نیاز ستوده (۲٦) .

وَلَوْ اَنَّمَا فِي الْاَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ اَقْلَامٌ وَّالْبَحْرُ يَمُدُّهٗ مِنْۢ بَعْدِهٖ سَبْعَةُ اَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمٰتُ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿۲۷﴾

واگرآنچه درزمین ست ازدرختان قلم ها شوند ودریاسیاهی بود که زیاده میکند آنرا بعدازین دریا هفت دریای دیگر بپایان نرسند سخنانِ خدا هرآئینه خدا غالب باحکمت ست (۲۷) .

مَا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ اِلَّا كَنَفْسٍ وَّاحِدَةٍ ؕ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌۢ بَصِيْرٌ ﴿۲۸﴾

نیست آفریدن شما ونه برانگیختن شما الاّ مانند آفریدن وبرانگیختنِ یکتن هرآئینه خدا شنوا بیناست (۲۸) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُوْلِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوْلِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ؗ كُلٌّ يَّجْرِيْۤ اِلٰۤى اَجَلٍ مُّسَمًّى وَّاَنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿۲۹﴾

آیانه دیدی که خدا درمی آرد شب را در روز ودرمی آرد روز را درشب ورام گردانید خورشید وماه را هریکی میرود تامدتی معین و آیا ندیدی که خدا بآنچه می کنید خبردارست (۲۹) .

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّ مَا يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهِ الْبَاطِلُ ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيْرُ ﴿۳۰﴾

این کارها بسببِ آن ست که خدا هونست ثابت وبسبب آنست که آنچه می پرستند بجزوی بی اصل ست وبسبب آنست که خدا هونست بلند مرتبه بزرگ قدر (۳۰) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِيْ فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللّٰهِ لِيُرِيَكُمْ مِّنْ اٰيٰتِهٖ ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُوْرٍ ﴿۳۱﴾

آیانه دیدی که کشتی هامیرود دردریا به فضلِ خدا تابنماید شمارا بعض نشانه های خویش هرآئینه درین مقدمه نشانه هاست هرصبرکننده سپاس دارنده را (۳۱) .

وَاِذَا غَشِيَهُمْ مَّوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ ۚ فَلَمَّا نَجّٰىهُمْ اِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ ؕ وَمَا يَجْحَدُ بِاٰيٰتِنَاۤ اِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُوْرٍ ﴿۳۲﴾

وچون در گیرد ایشان را موجی مانند سائبان ها بخوانند خدارا خالص کرده برای اوعبادت پس آنگاه که نجات دادایشان را بسوی بیابان پس بعض ایشان میانه رو باشند وانکارنمی کنند آیاتِ مارا مگر هرعهد شکننده ناسپاس (۳۲) .

يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَّا يَجْزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِ شَيْئًا ۚ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ ﴿٣٣﴾

ای مردمان بترسید از پروردگارِخویش وحذرکنید ازروزی که کفایت نکند هیچ پدر بجای پسر خویش ونه فرزندی کفایت کننده باشد بجای پدرِخود چیزی را هرآئینه وعدهٔ خدا راست ست پس فریب ندهد شمارا زندگانی دنیا وفریب ندهد شمارا درمقدمهٔ خدا شیطان فریبنده(٣٣) .

إِنَّ اللَّهَ عِندَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ ۖ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا ۖ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿٣٤﴾

هرآئینه خدااست که نزدِ اوست علم قیامت وفرود میفرستد باران را و میداند آنچه در بچه دانها باشد ونمیداند هیچ شخصی که چه کار خواهد کرد فردا ونمی داند هیچ شخصی که بکدام زمین خواهد مُرد هرآئینه خدا داناخبردارست (٣٤) .

سوره سجده مکی است وآن سی آیت وسه رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓمٓ ﴿١﴾

الٓمٓ (١) .

تَنزِيلُ الْكِتَٰبِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ الْعَٰلَمِينَ ﴿٢﴾

فرود آوردنِ کتاب هیچ شبهه نیست درآن ازجانب پروردگار عالمهاست (٢) .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰهُ ۚ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣﴾

آیامی گویند بربافته است آنرابلکه وی راست ست آمده ازجانبِ پروردگار توتا ترسانی قومی را که نیامده است بایشان هیچ ترساننده پیش ازتو تا بودکه ایشان راه یابند (٣) .

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ

خداآن ست که آفریدآسمان ها و زمین را

ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ ۗ مَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِهٖ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا شَفِيْعٍ ۗ اَفَلَا تَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٤﴾

وآنچه مابين آنهاست درشش روز بازقرار گرفت برعرش نيست شمارا بجزوى هيچ دوستى وشفاعت كننده آيا پندپذير نمى شويد (٤) .

يُدَبِّرُ الْاَمْرَ مِنَ السَّمَآءِ اِلَى الْاَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ اِلَيْهِ فِيْ يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهٗۤ اَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّوْنَ ﴿٥﴾

تدبير ميكند كاررا فرودآورده ازآسمان بسوى زمين بازبالا ميرود آن كاربسوى خدا درروزيكه هست مقدارآن هزارسال ازآن حساب كه مى شماريد[١] (٥) .

ذٰلِكَ عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿٦﴾

اين ست صفت دانندۀ نهان وآشكارا غالب مهربان (٦) .

الَّذِيْۤ اَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهٗ وَبَدَاَ خَلْقَ الْاِنْسَانِ مِنْ طِيْنٍ ﴿٧﴾

آنكه به نيك ترين وجه ساخت هرچيزى را كه آفريدش آغاز كرد آفرينش آدمى را ازگِل (٧) .

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهٗ مِنْ سُلٰلَةٍ مِّنْ مَّآءٍ مَّهِيْنٍ ﴿٨﴾

بازپيداكرد نسل اورا ازخلاصه ازآبِ خوار (٨) .

ثُمَّ سَوّٰىهُ وَنَفَخَ فِيْهِ مِنْ رُّوْحِهٖ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْـِٕدَةَ ۗ قَلِيْلًا مَّا تَشْكُرُوْنَ ﴿٩﴾

بازدرست اندام كردش ودميد در وى روح خود را وپيدا كردبراى شماگوش وچشم ها ودل ها اندكى شكرمى كنيد (٩) .

وَقَالُوْۤا ءَاِذَا ضَلَلْنَا فِي الْاَرْضِ ءَاِنَّا لَفِيْ خَلْقٍ جَدِيْدٍ ۬ؕ بَلْ هُمْ بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ كٰفِرُوْنَ ﴿١٠﴾

وگفتند چونگم شويم درزمين آيا ما در آفرينشِ نو خواهيم بود بلكه ايشان به ملاقاتِ پرورد گارِ خويش كافرانند (١٠) .

قُلْ يَتَوَفّٰىكُمْ مَّلَكُ الْمَوْتِ

بگو قبضِ روح شمامى كند ملك الموت

---

(١) يعنى اگرمردمان نزولِ تدبير وعروجِ اوتصور كنند دركم ازهزار سال خيال ننمايند وآن همه پيش خداى تعالى دريك روز تمام مى شود غرض آن است كه اوهامِ ايشان به قدرتِ اونمى رسند والله اعلم .

الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (١١)

که گماشته شده است برشما بازبسوی پروردگارِ خویش‌گردانیده شوید (١١) .

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ (١٢)

وتعجب کنی اگردرنگری وقتی که گناهگاران نگونسار کننده سرخویش باشند نزد پروردگارِ خویش‌گویند ای پروردگارما دیدیم وشنیدیم پس بازگردان ماراتابکنیم کارشائسته هرآئینه مایقین کننده ایم (١٢) .

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (١٣)

واگرمی خواستیم البته می دادیم هرشخصی را هدایت او ولیکن ثابت شده است وعده ازجانب من که هرآئینه پُرکنم دوزخ را ازجنیان وآدمیان همه یك جا (١٣) .

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (١٤)

پس بچشید این عذاب بسبب آنکه فراموش کردید ملاقاتِ این روزِ خودرا هرآئینه مانیز فراموش کردیم شمارا وبچشید عذابِ دائم بسبب آنچه می کردید (١٤) .

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (١٥)

جزاین نیست که ایمان می آرند بآیاتِ ما آنانکه چون پند داده می شوند بآن نگونسار افتندسجده کنان بپاکی یادکنند باستائشِ پروردگار خویش را وایشان تکبرنمی کنند (١٥) .

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (١٦)

دورمی ماندپهلوهای ایشان ازخوابگاهها میخوانند پروردگارخودرا بترس وامیدواری وازآنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج میکنند (١٦) .

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ

پس نمیداند هیچ نفس چه چیزپنهان داشته شدبرای ایشان ازخنکی چشم

جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾	پاداش داده شد بآنچه می کردند (١٧) .
أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا ۚ لَّا يَسْتَوُۥنَ ﴿١٨﴾	آیاکسی که مومن باشد مانندِ کسی هست که فاسق باشد بگوبرابرنمی شوند (١٨) .
أَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلْمَأْوَىٰ نُزُلًۢا بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾	اماآنانکه ایمان آوردند و کارهای شائسته کردند پس ایشان راست بهشت ها جای ماندن بطریق مهمانی بسبب آنچه میکردند (١٩) .
وَأَمَّا ٱلَّذِينَ فَسَقُوا۟ فَمَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ ۖ كُلَّمَآ أَرَادُوٓا۟ أَن يَخْرُجُوا۟ مِنْهَآ أُعِيدُوا۟ فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلنَّارِ ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٠﴾	واماآنکه فاسق بودند پس جای ایشان دوزخ است هرگاهی که خواهند که بیرون آیندازآنجا بازگردانیده شوند درآن وگفته شودبایشان بچشید عذاب آتشی را که آن را دروغ می پنداشتید (٢٠) .
وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَدْنَىٰ دُونَ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢١﴾	والبته بچشانیم ایشان را عذاب نزدیك (یعنی دردنیا) غیر ازعذاب بزرگ بود که ایشان بازگردند (٢١) .
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَآ ۚ إِنَّا مِنَ ٱلْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ ﴿٢٢﴾	وکیست ستمگارترازکسی که پندداده شده بآیاتِ پرورد گارِخویش بازروبگردانید ازآن هرآئینه ماازگناه‌گاران انتقام کشنده ایم (٢٢) .
وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ فَلَا تَكُن فِى مِرْيَةٍ مِّن لِّقَآئِهِۦ ۖ وَجَعَلْنَٰهُ هُدًى لِّبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٢٣﴾	وهرآئینه دادیم موسیٰ راکتاب پس مباش درشبهه ازملاقات آن وساختیم موسیٰ را هدایت برای بنی اسرائیل (٢٣) .
وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا۟ ۖ وَكَانُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا يُوقِنُونَ ﴿٢٤﴾	وپیداکردیم ازایشان پیشوایان که راه نمودند به فرمان ما وقتیکه صبر کردند وبآیاتِ ما یقین می آوردند (٢٤) .
إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُوا۟ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٢٥﴾	هرآئینه پروردگارتوفیصله کند میانِ ایشان روزقیامت درآنچه اندران اختلاف میکردند (٢٥) .

أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ ۖ أَفَلَا يَسْمَعُونَ ﴿٢٦﴾

آیاواضح نه شد ایشان را که چه قدر هلاك کردیم پیش ازایشان ازقرنها میروند ایشان درخانه های آن جماعت هرآئینه درین کارنشانه هاست آیانمی شنوند (٢٦) .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنفُسُهُمْ ۖ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ﴿٢٧﴾

آیا نه دیدندکه ما روان می کنیم آب را بسوی زمینِ بی‌گیاه پس بیرون آریم بسبب آن زراعتَ را که میخورند ازآن زراعت چهار پایانِ ایشان و خودایشان نیزآیانمی بینند (٢٧) .

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْفَتْحُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٨﴾

ومیگویند کی خواهد بوداین فتح اگر شما راست‌گوئید (٢٨) .

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٢٩﴾

بگو روزفتح سود ندهد کافران را ایمان آوردنِ ایشان ونه ایشان مهلت داده شوند (٢٩) .

فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانتَظِرْ إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ ﴿٣٠﴾

پس روبگردان ازایشان وانتظار بکن هرآئینه ایشان نیز منتظرند (٣٠) .

سُورَةُ الْأَحْزَابِ

سوره احزاب مدنی است وآن هفتاد وسه آیت ونه رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشائنده مهربان .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١﴾

ای پیغامبر بترس ازخدا وفرمانبرداری مکن کافران را ومنافقان را هرآئینه خدا هست دانای باحکمت (١) .

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٢﴾

وپیروی کن چیزی راکه وحی فرستاده میشودبسوی توازجانبِ پروردگارِ توهرآئینه خدا هست بآنچه میکنید خبردار (٢).

وَّتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ ۭ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيْلًا ۝

وتوکل کن برخدا وخدا وکیل بس ست (۳) .

مَا جَعَلَ اللّٰهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهٖ ۚ وَمَا جَعَلَ اَزْوَاجَكُمُ الّٰۗـِٔيْ تُظٰهِرُوْنَ مِنْهُنَّ اُمَّهٰتِكُمْ ۚ وَمَا جَعَلَ اَدْعِيَاۗءَكُمْ اَبْنَاۗءَكُمْ ۭ ذٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِاَفْوَاهِكُمْ ۭ وَاللّٰهُ يَقُوْلُ الْحَـقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيْلَ ۝

نیافریده است خدای تعالی برای هیچ مردی دودل درداخل بدنِ او[۱] و نه گردانیده است آن زنانِ شمارا که ظهار میکنید بایشان مادرانِ شما ونه ساخته است پسر خواندگانِ شمارا پسرانِ شما این سخنِ شماست که میگوئید بدهان خویش وَخدا می گوید سخن راست واودلالت میکند برراه (٤) .

اُدْعُوْهُمْ لِاٰبَاۗىِٕهِمْ هُوَ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ ۚ فَاِنْ لَّمْ تَعْلَمُوْٓا اٰبَاۗءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّيْنِ وَمَوَالِيْكُمْ ۭ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيْمَآ اَخْطَاْتُمْ بِهٖ ۙ وَلٰكِنْ مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوْبُكُمْ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ۝

نسبت کنید پسر خواندگان را به پدرانِ ایشان این راست ترست نزد خدا پس اگرندانید پدران ایشانرا پس بردرانِ شما اند دردین وآزاد کردگان شمااند[۲] ونیست برشماگناهی درلفظی که خطاکرده باشید به تکلم آن ولیکنگناه آن ست که قصد کرددلهای شما وهست خدا آمرزنده مهربان (٥) .

اَلنَّبِيُّ اَوْلٰى بِالْمُؤْمِنِيْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَاَزْوَاجُهٗٓ اُمَّهٰتُهُمْ ۭ وَاُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰى بِبَعْضٍ فِيْ كِتٰبِ اللّٰهِ مِنَ

پیغامبر سزاوار ترست به تصرف درامور مسلمین ازذات های ایشان وزنانِ پیغامبر مادرانِ ایشانند[۳] وخویشاوندان بعضِ ایشان نزدیك تراند به بعض درحکمِ خدا از

(۱) مترجم گوید که درین آیات ردّاست برقول کافری که مرا دو دل داده اند وبرآنچه اهل جاهلیت مقرر کرده بودند که مظاهره مثل مادرحرام موبدی شود و تعریض ست بجواب طعن کافران ومنافقان به نسبت حضرت صلی الله علیه وسلم چون زینب را تزوج فرمود که زن پسر خواندنی را بزنی گرفت .

(۲) یعنی پس باین لقب بخوانید .

(۳) یعنی درحرمت نکاح .

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَـٰجِرِينَ إِلَّآ أَن تَفْعَلُوٓا۟ إِلَىٰٓ أَوْلِيَآئِكُم مَّعْرُوفًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِى الْكِتَـٰبِ مَسْطُورًا ﴿٦﴾

سائر مسلمانان وهجرت كنندگان ليكن آنكه بكنيد بسوى دوستانِ خود رعايتى جائزبود اين حكم هست درلوح محفوظ نوشته شده[1] (٦) .

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّـۧنَ مِيثَـٰقَهُمْ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٍ وَإِبْرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ۖ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَـٰقًا غَلِيظًا ﴿٧﴾

ويادكن چون گرفتيم ازپيغامبران عهدِ ايشان را و ازتوبگرفتيم وازنوح وابراهيم وموسىٰ وعيسىٰ پسر مريم وگرفتيم ازايشان عهد محكم (٧) .

لِّيَسْـَٔلَ الصَّـٰدِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ ۚ وَأَعَدَّ لِلْكَـٰفِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٨﴾

تاخداى تعالى بپرسدآن راست‌گويان راازراستى ايشان ومهياكرده است براى كافران عذاب درد دهنده[2] (٨) .

يَـٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا۟ اذْكُرُوا۟ نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَآءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾

اى مسلمانان يادكنيد نعمت خدارا برخويش وقتى كه آمد برسرشمالشكر ها پس فرستاديم برايشان باد را و لشكرها كه نه ديديد آنهارا وهست خدا بآنچه مى كنيدبينا (٩) .

إِذْ جَآءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَـٰرُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا۠ ﴿١٠﴾

چون آمدند برشما ازجانبِ بالاى شما واز جانبِ پائين شما وچون خيره ماندند ديدها وبرسيد دلها بچنبرگردن وگمان ميكرديد به نسبت خدا گمانهاى مختلف (١٠).

---

(١) يعنى صلهٔ ارحام واجب است وتوارث هجرت واسلام منسوخ شد به توارث به قرابت و ارحام .

(٢) مترجم‌گويد كفاردر غزوهٔ احزاب بر مدينه هجوم كردند وآن حضرت صلى الله عليه وسلم به خندق متحصن شدند وازمنافقان سخنانِ نفاق سرزدشدو مخلصان استقامت ورزيدند وآخر فتح اسلام واقع شد خداى تعالى دردَمِ آنان ومدحِ آنان ومنت نهادن برايشان نازل ساخت .

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا ﴿١١﴾

آنجا امتحان کرده شد مسلمانان را وجنبانیده شدایشان را جنبانیدنِ سخت (١١) .

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢﴾

وچون می گفتند منافقان وآنانکه دردل های ایشان بیماریست وعده نه داد مارا خدا ورسولِ اومگر بطریق فریب دادن (١٢) .

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا ۚ وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ ۛ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ ۖ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا ﴿١٣﴾

وچون گفتند طائفه ای ازایشان ای اهل مدینه سرای ماندن نیست شمارا پس باز گردید ودستوری می طلبندگروهی ازایشان ازجناب پیغمبرمی‌گویند هرآئینه خانه های ما نامضبوط است ونیستند آن خانه های نامضبوط نمی خواهند مگرگریختن (١٣) .

وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا ﴿١٤﴾

واگردرآمده میشدبرسرایشان ازنواحی آن پس طلب کرده می شد ازایشان خانه جنگی البته میدادند آن را وتوقف نمی کردند درآن فتنه مگر اندکی[1] (١٤) .

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ ۚ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ﴿١٥﴾

وهرآئینه عهدبسته بودند باخدا پیش ازین که برنگردانند پشت هارا وهست عهد خدا پرسیده شده (١٥) .

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا لَا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٦﴾

بگوسود نه دهد شمارا گریختن اگربگریزید ازمرگ یا ازکشته شدن وآن هنگام بهره مندساخته نه شوید مگراندکی (١٦) .

---

(١) مترجم‌گوید حاصل کلام آنست که درجهاد توقف می کنند واگرجنگ درمقدمهٔ نفسانی می شد توقف نمیکردند .

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً ۚ وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧﴾

بگوکیست آنکه نگاه دارد شمارا ازتصرفِ خدا اگربخواهد درحق شماسختی یا بخواهد درحق شما نعمتی و نه یابند برای خویش بجز خدا دوستی ونه یاری دهنده (١٧) .

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا ۖ وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٨﴾

هرآئینه خدا میداند بازدارندگان را ازشما وگویندگان را به برادرانِ خویش که بیائید بسوی ما وحاضر نمی شوند بکارزار مگراندکی (١٨) .

أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ ۖ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۖ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ ۚ أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٩﴾

بخل کنان به نسبت شما[1] پس چون بیایدترس ببینی که ایشان درمی نگرند بسوی تو می‌گردد چشم های ایشان مانند کسی که بیهوش کرده شود ازسختی موت پس چون برود ترس زبان درازی کنند برشما بزبان های تیز بخل کنان برمال این جماعت ایمان نیاوردند پس خدا نابود ساخت کردار های ایشان را وهست این کاربرخدا آسان (١٩) .

يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا ۖ وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ ۖ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢٠﴾

می پندارند که لشکرهای کفار نه رفته اند واگربیایند لشکرها تمناکنند کاش ایشان صحرا نشین بودندی درمیانِ اعراب سوال می کردنداز اخبارشما[2] و اگر باشنددرمیان شما کارزار نه کنند مگر اندکی (٢٠) .

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو

هرآئینه هست شمارا به پیغامبرخدا پیروی

(١) یعنی درسوار شما .

(٢) یعنی ازهر آینده و رونده .

اللّٰهَ وَالْيَوْمَ الْاٰخِرَ وَذَكَرَ اللّٰهَ كَثِيْرًا ﴿٢١﴾

نيك كسى راكه توقع مى داشت ثوابِ خدا وتوقع ميداشت روزِآخر ويادكردخدارا بسيارى (٢١) .

وَلَمَّا رَاَ الْمُؤْمِنُوْنَ الْاَحْزَابَ ۙ قَالُوْا هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ ۫ وَمَا زَادَهُمْ اِلَّآ اِيْمَانًا وَّتَسْلِيْمًا ﴿٢٢﴾

وچون ديدند مسلمانان لشكر هارا گفتند اين ست آنچه وعده داده بود مارا خدا وپيغامبراو وراست گفت خدا و رسول او واين ماجرا نه افزود درحق ايشان مگر باور داشتن وگردن نهادن (٢٢) .

مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ رِجَالٌ صَدَقُوْا مَا عَاهَدُوا اللّٰهَ عَلَيْهِ ۚ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضٰى نَحْبَهٗ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّنْتَظِرُ ۫ وَمَا بَدَّلُوْا تَبْدِيْلًا ﴿٢٣﴾

ازمسلمانان مردانى اند كه راست كردند آنچه عهد بسته بودند باخدا برآن پس ازايشان كسى هست كه بانجام رسانيد قرار داد خودرا[1] وازايشان كسى هست كه انتظارمى كندوتبديل نكردند هيچ وجه تبديل كردنى (٢٣) .

لِّيَجْزِيَ اللّٰهُ الصّٰدِقِيْنَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنٰفِقِيْنَ اِنْ شَآءَ اَوْ يَتُوْبَ عَلَيْهِمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٢٤﴾

تاجزا دهد خدا راست گويان را درمقابلهٔ راستى ايشان وعذاب كند منافقان رااگر خواهد يا برحمت بازگردد برايشان هرآئينه خداهست آمرزنده مهربان (٢٤) .

وَرَدَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوْا خَيْرًا ۭ وَكَفَى اللّٰهُ الْمُؤْمِنِيْنَ الْقِتَالَ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ قَوِيًّا عَزِيْزًا ﴿٢٥﴾

وبازگردانيد خدا كافران را باخشمِ ايشان نيافتند هيچ منفعتى وكفايت كرد خدا ازطرف مسلمانان درمقدمه جنگ وهست خدا تواناغالب (٢٥) .

وَاَنْزَلَ الَّذِيْنَ ظَاهَرُوْهُمْ مِّنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ مِنْ صَيَاصِيْهِمْ وَقَذَفَ فِيْ قُلُوْبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيْقًا تَقْتُلُوْنَ وَتَاْسِرُوْنَ فَرِيْقًا ﴿٢٦﴾

وفرودآورد آنانرا كه مددگارى اين لشكر ها كرده بودند ازاهل كتاب[2] ازقلعه هاى ايشان وافگند دردل هاى ايشان

---

(١) يعنى شهيد شد .

(٢) يعنى بنى قريظه را فرود آورد .

خوف طائفه ای را می کشتید واسیرمی گرفتید طائفه ای را (٢٦) .

وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَئُوهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢٧﴾

وعاقبت کار به شما داد زمین ایشان را وخانه های ایشان را و مال های ایشان را ونیز عاقبت کار بشما داد زمینی را که نفرسوده اید آنرا[1] وهست خدا برهمه چیز توانا(٢٧) .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٢٨﴾

ای[2] پیغامبر بگوبزنان خود اگرخواسته باشید زندگانی دنیاوآرائش آن پس بیائید تاچیزی مناسب دهم شمارا ورهاکنم شمارا رهاکردنِ نیك (٢٨) .

وَإِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

واگرمی خواهید خدا وپیغامبراورا وسرای آخرت را پس هرآئینه خدا آماده ساخت برای زنان نیکوکاری کننده ازشمامزد بزرگ (٢٩) .

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾

ای زنان پیغامبرهرکه به عمل آرد ازشما بدکاری ظاهر[3] دوچند کرده شود وی راعذاب دوچندان وهست این مقدمه برخداآسان (٣٠) .

---

(١) یعنی خیبر .

(٢) مترجم‌گوید ازواج آنحضرت چیزی که نزد آنحضرت نه بود اززینتِ دنیا طلب می کردند خدای تعالی ایشانرا پندداد و زجر فرمود واحکام معاشرت باایشان نازل ساخت وزینب رضی الله تعالیٰ عنها درعقدِ زید بود درمیان ایشان ناساگاری پدید آمد و رفته رفته بطلاق منجر شدوبعد انقضای عدت خدای تعالی اورا داخل ازواج طاهرات‌گردانید منافقان زبان طعن کشادند که زنِ پسر خودرا بزنی‌گرفت خدای تعالی درمیان آنکه پسر خوانده حکم پسر ندارد نازل ساخت .

(٣) مترجم‌گوید مراد این جا ایذای پیغامبراست بزبان درازی .

وَمَنْ يَّقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُّؤْتِهَآ اَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ ۙ وَاَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيْمًا ﴿٣١﴾

وهركه فرمانبردارى كند ازشما خدا وپيغامبر اورا وبكند كارِنيك بدهيم اورا مزدِ او دوبار ومهياكنيم براى او روزى نيك (٣١) .

يٰنِسَآءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَاَحَدٍ مِّنَ النِّسَآءِ اِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِيْ فِيْ قَلْبِهٖ مَرَضٌ وَّقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوْفًا ۚ﴿٣٢﴾

اى زنان پيغامبر نيستيد شما مانند هركدام ازسائرِزنان اگرپرهيز گارى كنيد پس ملائمت مكنيد درسخن گفتن كه آنگاه طمع كند كسى كه دردل اوبيماريست وبگوئيد سخن نيكو (٣٢) .

وَقَرْنَ فِيْ بُيُوْتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُوْلٰى وَاَقِمْنَ الصَّلٰوةَ وَاٰتِيْنَ الزَّكٰوةَ وَاَطِعْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ ۭ اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيْرًا ۚ﴿٣٣﴾

وبمانيد در خانه هاى خويش واظهارِ تجمل مكنيد مانند اظهارِ تجمل كه درجاهليت پيشين بود وبرپاداريد نمازرا وبدهيد زكوة را وفرمانبردارى خدا ورسولِ اوكنيد جزاين نيست كه مى خواهد خدا تا دوركند ازشماپليدى را اى اهل بيت وتاپاك كند شمارا پاك كردنى (٣٣) .

وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلٰى فِيْ بُيُوْتِكُنَّ مِنْ اٰيٰتِ اللّٰهِ وَالْحِكْمَةِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ لَطِيْفًا خَبِيْرًا ۚ﴿٣٤﴾

ويادكنيد آنچه خوانده مى شود درخانه هاى شما ازآيت هاى خداوازحكمت هرآئينه خداهست لطف كننده خبردار (٣٤) .

اِنَّ الْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمٰتِ وَالْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ وَالْقٰنِتِيْنَ وَالْقٰنِتٰتِ وَالصّٰدِقِيْنَ وَالصّٰدِقٰتِ وَالصّٰبِرِيْنَ وَالصّٰبِرٰتِ وَالْخٰشِعِيْنَ وَالْخٰشِعٰتِ وَالْمُتَصَدِّقِيْنَ وَالْمُتَصَدِّقٰتِ وَالصَّاۗىِٕمِيْنَ وَالصّٰۗىِٕمٰتِ وَالْحٰفِظِيْنَ فُرُوْجَهُمْ وَالْحٰفِظٰتِ وَالذّٰكِرِيْنَ اللّٰهَ كَثِيْرًا وَّالذّٰكِرٰتِ ۙ اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ مَّغْفِرَةً وَّاَجْرًا عَظِيْمًا ﴿٣٥﴾

هرآئينه مردانِ مسلمان وزنانِ مسلمان ومردان باوردارنده وزنان باور دارنده ومردان اطاعت كننده وزنان اطاعت كننده ومردان راست گوينده وزنان راست گوينده ومردان شكيبائى كننده وزنان شكيبائى كننده ومردان فروتنى نماينده و زنان فروتنى نماينده ومردان صدقه دهنده وزنان صدقه دهنده ومردان روزه دارنده وزنان روزه دارنده ومردان محافظت كننده شرمگاه خود را وزنانِ

محافظت کننده ومردان یاد کننده خدا را به بسیاری وزنان یادکننده مهیا کرده است خدای تعالی برای ایشان آمرزش ومزدِبزرگ (٣٥) .

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَّلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗٓ أَمْرًا أَنْ يَّكُوْنَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَّعْصِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ فَقَدْ ضَلَّ ضَلٰلًا مُّبِيْنًا ﴿٣٦﴾

ونیست هیچ مومن وهیچ مومنه را چون مقررکند خدا ورسولِ اوکاری آنکه باشد ایشان را اختیار درکارِخویش وهرکه نافرمانی کند خدا ورسول اورا پس بدرستیکه گمراه شدگمراهی ظاهر[1](٣٦) .

وَإِذْ تَقُوْلُ لِلَّذِيْٓ أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللّٰهَ وَتُخْفِيْ فِيْ نَفْسِكَ مَا اللّٰهُ مُبْدِيْهِ وَتَخْشَى النَّاسَ ۚ وَاللّٰهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشٰىهُ ۗ فَلَمَّا قَضٰى زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنٰكَهَا لِكَيْ لَا يَكُوْنَ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ حَرَجٌ فِيْٓ أَزْوَاجِ أَدْعِيَآئِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا ۗ وَكَانَ أَمْرُ اللّٰهِ مَفْعُوْلًا ﴿٣٧﴾

ویادکن چون می گفتی باشخصی که انعام کرده است خدا بروی ونیز انعام کرده ای تو بروی که نگاه دار برخود زن خودرا وبترس ازخدا وپنهان میکردی در ضمیر خویش آنچه خداپدیدآرندهٔ اوست ومی ترسیدی ازمردمان و خدا سزاوار ترست بآنکه بترسی ازوی پس وقتیکه بانجام رسانید زید از زینب حاجتِ خود را یعنی طلاق داد بزنی دادیم ترا زینب تانه باشد برمسلمان هیچ تنگی در نکاح کردنِ زنانِ پسر خواند گان خویش چون بآخررسانند ازایشان حاجت را وهست مراد خدا البته کردنی[2] (٣٧) .

---

(١) مترجم گوید درین آیت تعریض ست بآن قصه که آنحضرت صلی الله علیه وسلم نخست زینب را برای زید خطبه فرمود و آنرا زینب وبرادرش مکروه داشتند واین معنی مناسب حال ایشان نه بود والله اعلم .

(٢) مترجم گوید درین آیت تعریض است بآن قصه که درخاطر مبارك آنحضرت صلی الله علیه وسلم می گذشت که اگردرمیانِ زید و زینب مفارقت واقع شود آنرا =

مَاكَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا ﴿٣٨﴾

نیست برپیغامبر هیچ تنگی درآنچه حلال ساخته است خدا برای او مانند آئین خدا درحق آنانکه گذشتند پیش ازین وهست کار خدا اندازه مقررکرده شده (٣٨) .

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٩﴾

(پیش ازوجود مانند آئین خدا درحق) آنانکه میرسانند پیغام های خدارا ومی ترسند از وی ونمی ترسنداز هیچکس مگرازخدا وبس ست خداحساب کننده (٣٩) .

مَاكَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَٰكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾

نیست محمد پدر هیچ کس از مردان شما ولیکن پیغامبر خداست ومُهرپیغامبران ست[1] وهستَ خدا بهر چیز دانا (٤٠) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾

ای مسلمانان یادکنید خدارا یادکردن بسیار (٤١) .

وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾

وبه پا کی بخوانید او را صبح و شام (٤٢) .

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿٤٣﴾

اوست آنکه رحمت میفرستدبرشماودعای رحمت میکنند برشمافرشتگان اوتا برآورد شمارا ازتاریکی ها بسوی روشنی وهست خدا به مسلمانان مهربان (٤٣) .

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ﴿٤٤﴾

دعای خیر ایشان[2] روزیکه ملاقات کنند بخدا سلام ست وآماده کرده است برای ایشان مُزدنیك (٤٤) .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٤٥﴾

ای پیغامبر هرآئینه مافرستادیم تراگواهی دهنده ومژده دهنده وترساننده (٤٥) .

= درسلكِ ازواجِ طاهرات داخل نمایند لیکن برای رعایت مراسمِ نیکو خواهی بحسن معاشرت دلالت می فرمود .

(١) یعنی بعدازوی هیچ پیغمبرنباشد .

(٢) یعنی ازجانب خدا وفرشتگان .

وَّدَاعِيًا إِلَى اللّٰهِ بِإِذْنِهٖ وَسِرَاجًا مُّنِيْرًا ﴿٤٦﴾

وخواننده بسوى خدابحكم او وچراغ روشن (٤٦) .

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ بِأَنَّ لَهُمْ مِّنَ اللّٰهِ فَضْلًا كَبِيْرًا ﴿٤٧﴾

وبشارت ده مسلمانان را بآنكه ايشانرا باشد ازجانب خدابخشائش بزرگ (٤٧) .

وَلَا تُطِعِ الْكٰفِرِيْنَ وَالْمُنٰفِقِيْنَ وَدَعْ أَذٰىهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيْلًا ﴿٤٨﴾

وفرمان مبركافران را ومنافقان را وازنظر اعتبار بگذاررنجانيدن ايشانرا وتوكل كن برخدا وبس ست خداكارساز (٤٨) .

يٰٓأَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنٰتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوْهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوْهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّوْنَهَا ۚ فَمَتِّعُوْهُنَّ وَسَرِّحُوْهُنَّ سَرَاحًا جَمِيْلًا ﴿٤٩﴾

اى مسلمانان چون نكاح كنيد زنان مومنان را بازطلاق دهيدايشان را پيش ازآنكه دست برسانيدبايشان پس نيست شمارا براين زنان هيچ عدتى كه به شماريد آن را پس متعه دهيداين مطلقات را و بگزاريدآن ها راگذاشتن نيك (٤٩) .

يٰٓأَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّآ أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الّٰتِيْٓ اٰتَيْتَ أُجُوْرَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِيْنُكَ مِمَّآ أَفَآءَ اللّٰهُ عَلَيْكَ وَبَنٰتِ عَمِّكَ وَبَنٰتِ عَمّٰتِكَ وَبَنٰتِ خَالِكَ وَبَنٰتِ خٰلٰتِكَ الّٰتِيْ هَاجَرْنَ مَعَكَ ۫ وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِنْ وَّهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَّسْتَنْكِحَهَا ۚ خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ ؕ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِيْٓ أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُوْنَ عَلَيْكَ حَرَجٌ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٥٠﴾

اى پيغامبر هرآئينه ماحلال كرديم براى توآن زنان توكه داده اى مهرايشان را وكنيز كانى كه مالك ايشان شده است دست توازآنچه خدا عائد ساخته است برتو[1] وحلال كرديم دختران عم ترا ودختران عمتهاى ترا ودختران خالوى ترا ودختران خاله هاى ترا آنانكه هجرت كرده اندباتووحلال كرديم براى تو زن مسلمان رااگر به بخشدخود را براى پيغامبر[2] اگر خواهد پيغامبر به زنى‌گيرد آن را خاص براى تو بجز مسلمانان هرآئينه دانستيم آنچه فرض ساخته ايم برايشان درحق

(١) يعنى ازكفار بتورسانيده است .

(٢) يعنى بغير مهردرنكاح آيد .

زنان ایشان ودرحق کنیز کانی که مالك آنست دستهای ایشان (سهل کردیم) تانه باشد برتوهیچ تنگی وهست خداآمرزنده مهربان[1] (٥٠) .

تُرْجِیْ مَنْ تَشَآءُ مِنْهُنَّ وَتُـْٔوِیْٓ اِلَیْكَ مَنْ تَشَآءُ ؕ وَمَنِ ابْتَغَیْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْكَ ؕ ذٰلِكَ اَدْنٰۤی اَنْ تَقَرَّ اَعْیُنُهُنَّ وَلَا یَحْزَنَّ وَیَرْضَیْنَ بِمَاۤ اٰتَیْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ ؕ وَاللّٰهُ یَعْلَمُ مَا فِیْ قُلُوْبِكُمْ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِیْمًا حَلِیْمًا ﴿۵۱﴾

موقوف داری هرکرا خواهی ازایشان وجای دهی نزدیك خویش هرکرا خواهی واگر خواهش کنی زنی را ازآنجمله که یکسو کرده ای آنهارا پس نیست هیچ گناهی برتواین رخصت دادن قریب تراست ازآنکه خنك شود چشم های ایشان وانـدوه نخورندوخوشنود شوند بآنچه بدهی ایشان را همهٔ ایشان وخدا می داند آنچه دردل های شماست وهست خدا دانا بُردبار (٥١).

لَا یَحِلُّ لَكَ النِّسَآءُ مِنْۢ بَعْدُ وَلَاۤ اَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ اَزْوَاجٍ وَّلَوْ اَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ اِلَّا مَا مَلَكَتْ یَمِیْنُكَ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ رَّقِیْبًا ﴿۵۲﴾

حلال نیستند ترا زنان بعدازین[2] ونه حلال ست آنکه بدل کنی بجای ایشان زنان دیگررا و اگرچه به شگفت آرد ترا حسنِ ایشان مگر آنچه مالك شد دستِ تو وهستَ خدا بر همه چیز نگهبان[3] (٥٢) .

یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تَدْخُلُوْا بُیُوْتَ النَّبِیِّ اِلَّاۤ اَنْ یُّؤْذَنَ لَكُمْ اِلٰی طَعَامٍ غَیْرَ نٰظِرِیْنَ اِنٰىهُ وَلٰكِنْ اِذَا دُعِیْتُمْ فَادْخُلُوْا فَاِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوْا وَلَا مُسْتَاْنِسِیْنَ لِحَدِیْثٍ ؕ اِنَّ ذٰلِكُمْ كَانَ یُؤْذِی النَّبِیَّ فَیَسْتَحْیٖ مِنْكُمْ ؗ وَاللّٰهُ لَا یَسْتَحْیٖ مِنَ الْحَقِّ ؕ وَاِذَا سَاَلْتُمُوْهُنَّ مَتَاعًا

ای مسلمانان درنیائید به خانه های پیغامبر مگروقتی که دستوری داده شود شمارا برای طعامی نه انتظار کنان پخته شدن طعام را ولیکن چون خوانده شود شمارا درآئید پس چون طعام خورید پراگنده شوید ونه آرام‌گیران برای سخنی هرآئینه

---

(١) یعنی درباب نکاح چیزها ست که برامت فرض شدو نه برآنحضرت .

(٢) یعنی بعد ازین دوصنف قرشیه مهاجره مهیره یاواهبه نفس غیر مهیره .

(٣) مترجم گوید که این آیت ناسخ آیت سابقه است .

فَسْـَٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٍ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَآ أَن تَنكِحُوٓا أَزْوَٰجَهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦٓ أَبَدًا إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِندَ اللَّهِ عَظِيمًا ﴿٥٣﴾

این کار میرنجاند پیغامبررا پس شرم میداشت ازشما وخدا شرم نمیدارد ازسخن راست وچون طلب کنید اززنان پیغامبررختی پس طلب کنید آنراازایشان از پسِ پرده این خصلت پاك ترست برای دلهای شماو دل های ایشان وسزاوارنیست شمارا که برنجانید پیغامبرِخدارا ونه آنکه نکاح کنید زنان اورا پَس ازوَی هرگز، هرآئینه این کار هست نزدیكِ خداگناه بزرگ (٥٣) .

إِن تُبْدُوا شَيْـًٔا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا ﴿٥٤﴾

اگرآشکاراکنید چیزی را یا پنهان دارید آنرا پس هرآئینه خداهست بهر چیز دانا (٥٤) .

لَّا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِىٓ ءَابَآئِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآئِهِنَّ وَلَآ إِخْوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآءِ إِخْوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآءِ أَخَوَٰتِهِنَّ وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدًا ﴿٥٥﴾

نیست هیچ بزه برزنان درپرده نپوشیدن پیش پدران خویش ونه پیش پسران خویش ونه برادران خویش ونه پسران برادران خویش ونه پسران خواهران خویش ونه زنان هم جنس خویش(١) ونه آنچه مالك آن شده دست های ایشان وبترسید ای زنان ازخدا هرآئینه خداهست برهمه چیزگواه (٥٥) .

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىِّ يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾

هرآئینه خداوفرشتگانِ او درود میفرستند برپیغامبر ای مسلمانان درود فرستید بروی وسلام‌گوئید سلام‌گفتنی (٥٦) .

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِى الدُّنْيَا وَالْءَاخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿٥٧﴾

هرآئینه آنانکه می رنجانند خدا وپیغامبر اورا لعنت کردخداایشان رادر دنیا

(١) یعنی غیر قواده .

وآخرت ومهياساخت برای ایشان عذاب خوارکننده(٥٧) .

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَّإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٥٨﴾

وآنانکه میرنجانند مردان مسلمان وزنان مسلمان را بغیر گناهی که بعمل آورده باشندپس هرآئینه برداشتند باربهتان را و گناه ظاهررا (٥٨) .

يٰٓأَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنٰتِكَ وَنِسَآءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلٰبِيبِهِنَّ ذٰلِكَ أَدْنٰىٓ أَنْ يُّعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٥٩﴾

ای پیغامبر بگو به زنان خود ودختران خود وبزنان مسلمانان که فرو گذارند برخود چادر های خودرا این نزدیك ترست بآنکه شناخته شوند پس ایشان را ایذا داده نه شود و هست خدا آمرزنده مهربان[١] (٥٩).

لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنٰفِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَّالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٠﴾

اگربازنآیند منافقان وآنانکه دردل های ایشان بیماری است وخبربد فاش کنندگان درمدینه[٢] البته برگماریم ترا برایشان بازهمسایه نه باشند باتو درمدینه مگر زمانی اندك[٣] (٦٠) .

مَّلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوٓا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا ﴿٦١﴾

لعنت کرده شدگان هرجاکه یافته شوند اسیرگرفته شود ایشان را وکشته شود ایشانرا کشتن بسیار (٦١) .

سُنَّةَ اللّٰهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيلًا ﴿٦٢﴾

مانند روشِ خدا درآنانکه گذشتند پیش ازین وهرگزنه یابی در روشِ خدا تغییر را (٦٢).

يَسْئَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللّٰهِ وَمَا

سوال می کنندترامردمان ازقیامت

(١) یعنی عفت ایشان ظاهر شود و فاسقی تعرض ایشان نکند والله اعلم .
(٢) یعنی ازکردار های خود .
(٣) یعنی جلاوطن کرده شوند .

يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿٦٣﴾

بگوجزاین نیست که معرفت آن نزد خداست وچه چیزخبردادترا شایدکه قیامت موجود شود درزمان نزديك (٦٣) .

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ﴿٦٤﴾

هرآئينه خدا لعنت كرده است كافران را وآماده ساخته است براى ايشان آتش (٦٤) .

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٦٥﴾

جاويدان آنجاهميشه نه يابند هيچ دوستى ونه يارى دهنده (٦٥) .

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا ﴿٦٦﴾

روزى كه گردانيده شود روهاى ايشان در آتش گويند اى كاش ماهرآئينه فرمان مى برديم خدارا وفرمان مى برديم پيغامبررا (٦٦) .

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا ﴿٦٧﴾

و گويند اى پروردگار ماهرآئينه فرمانبرديم مهتران خودرا وبزرگان خودرا پس گمراه ساختند ماراازراه (٦٧) .

رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿٦٨﴾

اى پروردگارما بده ايشان را دوچند ازعذاب ولعنت كن ايشان را لعنتى بزرگ (سخت) (٦٨) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا ۚ وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ﴿٦٩﴾

اى مسلمانان مباشيد مانند آنانكه رنجانيدند موسىٰ را پس پاك ساخت خدا تعالى اورا ازآنچه گفته بودندوبود موسىٰ نزديك خدا باآبرو[1] (٦٩) .

---

(١) مترجم گويد يعنى موسىٰ وقت غسل ستر ميكردجهال بنى اسرائيل گفتند كه او آدرست روزى بحسب اتفاق بركنارهٔ آب غسل ميكردوجامه هاى خودبرسنگ نهاده بود بفرمان خداى تعالى آن سنگ روان شد موسىٰ عقب سنگ دويد تاآنكه جماعتى ازبنى اسرائيل عريان ديدندو گفتند ادرت ندارد و ادرت انتفاخِ خصيه را گويند والله اعلم .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَقُوْلُوْا قَوْلًا سَدِيْدًا ﴿٧٠﴾

ای مسلمان بترسید ازخدا وبگوئید سخن استوار (٧٠) .

يُّصْلِحْ لَكُمْ اَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوْبَكُمْ ۭ وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيْمًا ﴿٧١﴾

تابصلاح آرد کردار های شمارا وبیامرزد برای شما گناهانِ شمارا وهرکه فرمان بردخدا ورسولِ اورا پس هرآئینه مطلب یاب شد به پیروزی بزرگ (٧١) .

اِنَّا عَرَضْنَا الْاَمَانَةَ عَلَى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَالْجِبَالِ فَاَبَيْنَ اَنْ يَّحْمِلْنَهَا وَاَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْاِنْسَانُ ۭ اِنَّهٗ كَانَ ظَلُوْمًا جَهُوْلًا ﴿٧٢﴾

هرآئینه ما آوردیم امانت را[1] برآسمان ها وبرزمین وبرکوه ها پس قبول نه کردند که بردارند آن را وترسیدند ازآن وبرداشت آنرا آدمی هرآئینه وی هست ستمگار نادان[2] (٧٢) .

لِّيُعَذِّبَ اللّٰهُ الْمُنٰفِقِيْنَ وَالْمُنٰفِقٰتِ وَالْمُشْرِكِيْنَ وَالْمُشْرِكٰتِ وَيَتُوْبَ اللّٰهُ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٧٣﴾

تاشود آخرکار آنکه عذاب کند خدای تعالی مردان منافق وزنان منافق را ومردان مشرك وزنان مشرك را وبرحمت رجوع کند خدا برمردان مسلمان و زنان مسلمان وهست خدا آمرزنده مهربان (٧٣) .

سوره سبامکی است وآن پنجاه وچهار آیت و شش رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْاٰخِرَةِ ۭ وَهُوَ الْحَكِيْمُ الْخَبِيْرُ ﴿١﴾

همه ستائش خدای راست که بدست اوست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین ست و مراو راست ستائش درآخرت واوست باحکمت آگاه (١) .

---

(١) یعنی استعداد وتکلیف به اوامرونواهی والله اعلم .

(٢) یعنی بالفعل عدالت و علم ندارد وقابلیت آنها دارد والله اعلم .

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۚ وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾

میداند آنچه درمی آید بزمین وآنچه برمی اید ازوی وآنچه فرود می آید ازآسمان وآنچه بالامیرود در وی واوست مهربان آمرزنده (٢) .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ ۖ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ ۖ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَٰلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٣﴾

وگفتند کافران نخواهد آمد پیش ماقیامت بگوآری قسم پروردگارِ من البته خواهد آمدبه شما پروردگاری که دانندهٔ پوشیده است غائب نمی شود ازوی هم وزن ذرّه ای درآسمان ها ونه درزمین و نه خُرد تر ازآن ونه بزرگ تر مگرثبت ست درکتاب ظاهر (٣) .

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾

تاجزا دهد آنان را که ایمان آوردند و عمل های شائسته کردند آن جماعت ایشان راست آمرزش وروزی گرامی (٤) .

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ ﴿٥﴾

وآنانکه سعی کردند در ردِّ آیاتِ مامقابله کنان آن جماعت ایشان راست عذاب ازعقوبت درد دهنده (٥) .

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقَّ وَيَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾

ومی بینند آنانکه داده شده است ایشانرا علم چیزی را که فرود آورده شد بسوی تو ازجانبِ پروردگارِ توراست ودلالت کننده بسوی راه خدای غالب ستوده کار (٦) .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾

وگفتند کافران بایکدیگرآیا دلالت کنیم شمارا برمردی که خبر میدهدبه شما که چون پاره پاره کرده شوید تمام پاره پاره شدن هرآئینه شما درآفرینش نوباشید (٧) .

أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ ۗ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ﴿٨﴾

آیابربسته است برخدا دروغ را یاباوجنونی هست بلکه آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت در عقوبت باشندودرگمراهی دور (٨) .

اَفَلَمْ يَرَوْا اِلٰى مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ ؕ اِنْ نَّشَاْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْاَرْضَ اَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِّنَ السَّمَآءِ ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيْبٍ ﴿۹﴾

آیا نه دیدند بسوی آنچه پیش روی ایشانست وآنچه پس پشت ایشانست ازآسمان وزمین ا گرخواهیم فروبریم ایشان را به زمین یابافگنیم برایشان پارها ازآسمان هرآئینه درین کار نشانه است هربنده رجوع کننده را (۹) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا دَاوٗدَ مِنَّا فَضْلًا ؕ يٰجِبَالُ اَوِّبِيْ مَعَهٗ وَالطَّيْرَ ۚ وَاَلَنَّا لَهُ الْحَدِيْدَ ﴿۱۰﴾

وهرآئینه دادیم داوٗد را ازنزد خود بزرگی گفتیم ای کوه ها بزیروبم تسبیح گوئید همراه اوومسخرش ساختیم مرغان را ونرم گردانیدیم برای اوآهن را (۱۰) .

اَنِ اعْمَلْ سٰبِغٰتٍ وَّقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوْا صَالِحًا ؕ اِنِّيْ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۱۱﴾

فرمودیم که بساز زره های کشاده واندازه نگاه داردربافتن حلقه ها وای اهل بیتِ داوٗد به عمل آرید کردار شائسته هرآئینه من بآنچه میکنید بینا‌ام (۱۱) .

وَلِسُلَيْمٰنَ الرِّيْحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَّرَوَاحُهَا شَهْرٌ ۚ وَاَسَلْنَا لَهٗ عَيْنَ الْقِطْرِ ؕ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَّعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِاِذْنِ رَبِّهٖ ؕ وَمَنْ يَّزِغْ مِنْهُمْ عَنْ اَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيْرِ ﴿۱۲﴾

ومسخر ساختیم برای سلیمان باد را سیراوّل روزِاویکماهه راه بود و سیرِ آخر روزِ اونیز یکماهه راه بود و روان ساختیم برای او چشمهٔ مِس ومسخرش ساختیم ازدیوان کسی را که کار میکرد پیش او به حکم پروردگار خویش وهرکه کجی کنداز‌دیوان ازحکم ما بچشانیم اورا پاره ای ازعقوبتِ دوزخ (۱۲) .

يَعْمَلُوْنَ لَهٗ مَا يَشَآءُ مِنْ مَّحَارِيْبَ وَتَمَاثِيْلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُوْرٍ رّٰسِيٰتٍ ؕ اِعْمَلُوْٓا اٰلَ دَاوٗدَ شُكْرًا ؕ وَقَلِيْلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُوْرُ ﴿۱۳﴾

میساختند برای اوآنچه میخواست ازقلعه ها وصورت ها وکاسه ها بقدر حوض ها ودیگ های ثابت درجاهای خودگفتیم به عمل آرید ای آل داوٗد سپاسداری را واندك کسی ست ازبندگان من شکر گذارنده (۱۳) .

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ ۖ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿١٤﴾

پس چون مقرر کردیم بروی مرگ را دلالت نه کرد ایشان را بر موتِ او مگرکرم چوب خواره که میخُوَرد عصای سلیمان را پس چون بافتاد واضح شد پیش دیوان که اگرمیدانستند غیب را درنگ نمی کردند درعذاب خوارکننده (١٤) .

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ ۖ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ ۖ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ ۚ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ ﴿١٥﴾

هرآئینه بود قوم سبارا درجای ماندن ایشان نشانهٔ مرایشانرا بود دو بوستان از جانبِ راست وازجانبِ چپ‌گفتیم بخورید رزق پرورد گارخویش وشکر گوئید اوراشمارا شهری هست پاکیزه وپروردگار آمرزنده (١٥) .

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿١٦﴾

پس روگردانیدند[1] پس فرستادیم برایشان سیلی تند[2] وعوض دادیم ایشان را بجای دوبوستانِ ایشان دو بوستانی دیگرخداوند میوه های بدمزه وخداوند درخت گز وچیزی اندك ازدرخت کنار (١٦) .

ذَٰلِكَ جَزَيْنَاهُم بِمَا كَفَرُوا ۖ وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ ﴿١٧﴾

این سزا دادیم ایشان را بسبب ناسپاسی ایشان وسزای بدنمیدهیم مگرناسپاس را (١٧) .

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً

وپیدا کردیم میانِ ایشان ومیانِ آن ده ها که برکت نهاده ایم درآن[3] ده هامتصل

---

(١) یعنی ازشکر .
(٢) یعنی سیلی که به پشت ها بندکرده بودند .
(٣) یعنی شام .

وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ ﴿١٨﴾

بایکدیگر ومقرر کردیم درآن ده ها آمدرفت راگفتیم سیر کنید درین ده ها شب ها وروزها ایمن شده (١٨) .

فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿١٩﴾

پس گفتند[1] ای پروردگار ما دوری پیدا کن درمیانِ سفر های ماوستم کردند برخویش پس گردانیدیم ایشان را افسانه ها و پاره پاره ساختیم ایشان را تمام پاره پاره ساختن هرآئینه درین ماجرا نشانه هاست هر صبر کننده شکر گوینده را (١٩) .

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٠﴾

وهرآئینه راست یافت شیطان درحق ایشان اندیشهٔ خودرا پس پیروی اوکردند مگرگروهی اندك ازمسلمانان (٢٠) .

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿٢١﴾

ونه بود شیطان را برایشان هیچ غلبه لیکن مبتلا گردانیدیم تابدانیم کسی را که ایمان می آرد بآخرت ازآن که وی در شبهه است ازوی وپروردگار تو برهرچیز نگاهبان ست (٢١) .

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ ﴿٢٢﴾

بگوبخوانید آنان را که گمان میکنید بجز خدا مالك نیستند هم وزنِ یك ذره درآسمان ها ونه درزمین ونیست ایشان را درآسمان و زمین هیچ شرکتی ونیست خدارا ازایشان هیچ یاری دهنده (٢٢) .

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ

وسودنکند سفارش نزد خدای تعالی مگربرای کسیکه دستوری داده باشد

---

(١) یعنی به زبانِ حال .

عَنْ قُلُوْبِهِمْ قَالُوْا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيْرُ ﴿٢٣﴾

برای[1] اواهل محشر مضطرب شوند تاآنگاه که اضطراب دور کرده شود ازدلهای ایشان گویند چه چیز فرموده است پروردگارشما (ملأاعلی) گویند که فرموده است سخن راست واوست بلند مرتبه بزرگ قدر (٢٣) .

قُلْ مَنْ يَّرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ قُلِ اللّٰهُ وَ اِنَّآ اَوْ اِيَّاكُمْ لَعَلٰى هُدًى اَوْ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٢٤﴾

بگوکه روزی میدهد شمارا ازجانب آسمان هاو زمین (باز) بگو خدامیدهد و هرآئینه ماياشما بر هدایتیم یا درگمراهی ظاهر (٢٤) .

قُلْ لَّا تُسْـَٔلُوْنَ عَمَّآ اَجْرَمْنَا وَلَا نُسْـَٔلُ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿٢٥﴾

بگو سوال کرده نخواهید شدشما ازگناه ما وسوال کرده نه خواهیم شد ما ازآنچه شمامی کنید (٢٥) .

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيْمُ ﴿٢٦﴾

بگو جمع خواهد کرد پروردگارِما میان ما بازحکم کند میان ما (یعنی میان ماوشما) براستی واوست حکم کنندۀ دانا (٢٦) .

قُلْ اَرُوْنِيَ الَّذِيْنَ اَلْحَقْتُمْ بِهٖ شُرَكَآءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللّٰهُ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٢٧﴾

بگو بنمائید مراآنانکه ایشان را لاحق کرده اید باخدا شریك ساخته نه چنین ست بلکه خدا اوست غالب باحکمت (٢٧) .

وَمَآ اَرْسَلْنٰكَ اِلَّا كَآفَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيْرًا وَّنَذِيْرًا وَّلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٢٨﴾

ونه فرستادیم ترا الاّبرای مردمان همه مژده دهنده وترساننده ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (٢٨) .

وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٢٩﴾

ومی‌گویندکی بوجودآیداین وعده اگر شما راست‌گوئید (٢٩) .

قُلْ لَّكُمْ مِّيْعَادُ يَوْمٍ لَّا تَسْتَاْخِرُوْنَ عَنْهُ سَاعَةً وَّلَا تَسْتَقْدِمُوْنَ ﴿٣٠﴾

بگو شماراست وعدۀ روزیکه بازپس نمانید ازآن ساعتی ونه پیش دستی کنید (٣٠) .

---

(١) یعنی اذنِ شفاعت داد .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَٰذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ ۗ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾

وگفتند کافران یعنی مشرکان هرگزباورنداریم این قرآن را ونه آن کتاب را که پیش ازوی بود وتعجب کنی ای بیننده اگربه بینی چون ستمگاران ایستاده کرده شوند نزد پروردگارخویش باز میگرداند بعض ایشان بسوی بعض سخن را[(١)] گویند آنانکه ناتوانگرفته شد ایشان را بآنانکه سرکشی کردند اگرنمی بودیدشما هرآئینه مامسلمان می شدیم (٣١) .

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ ۖ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾

گفتند سرکشان به ناتوانان آیامابازداشتیم شمارا از هدایت بعد ازآنکه آمدبشما بلکه بودید شما گناه‌گاران (٣٢) .

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا ۚ وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٣٣﴾

وگفتند ناتوانان سرکشان را نه، بلکه بازداشت مارا مکر شب و روز[(٢)] چون میفرمودیدمارا که کافرشویم به خدا ومقررکنیم برای اوهمتایان را ودردل دارند همه ایشان پشیمانی چون به بینند عذاب را وباندازیم طوقهادرگردن های کافران سزا داده نمی شوند مگر بوفق آنچه می کردند (٣٣) .

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٤﴾

ونه فرستادیم درهیچ دهی بیم کننده را مگرگفتند مُنَعَّمَانِ آن ده هرآئینه مابآنچه فرستاده شدید به آن نا معتقدیم (٣٤) .

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٣٥﴾

وگفتند ما زیاده تریم باعتبارِ اموال واولاد ونیستیم ماعذاب کرده شدگان (٣٥) .

---

(١) یعنی سؤال وجواب کنند .

(٢) یعنی مکرشماکه پیوسته درسعی آن بودید .

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾

بگوهرآئینه پروردگارمن کشاده میکندروزی رابرای هرکه خواهد وتنگ میکند برای هرکه خواهد ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (٣٦) .

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ ﴿٣٧﴾

و نیست اموال شما ونه اولادِ شما آن چیز که مقرب گرداندشمارا نزد مابمرتبهٔ قربت لیکن مقرب آنست که ایمان آورد وکرد کردار شائسته پس آن جماعت ایشان راست جزای دوچند به مقابله آنکه عمل کردند و ایشان درکوشك های بلند ایمن باشند(٣٧) .

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿٣٨﴾

وآنانکه سعی میکنند در ردّ آیات مامقابله کنان آن جماعت درعذاب حاضر کرده شوند (٣٨) .

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ ۚ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٣٩﴾

بگوهرآئینه پروردگارمن کشاده می کند روزی را برای هرکه خواهد ازبندگانِ خودوتنگ می سازد برای هرکه خواهد و هرچه خرج کنیدازهرجنس که باشد پس خدا عوضِ آن دهد واوبهترین روزی دهندگانست (٣٩) .

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَٰؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٤٠﴾

و روزی که برانگیزد خداایشان را همه یکجا باز بگوید به فرشتگان آیاایشان شمارا عبادت می کردند (٤٠) .

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ ۖ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ ۖ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾

فرشتگان گویند پاکی تراست توکارسازمائی سوای ایشان بلکه ایشان عبادت میکردند دیوان را[1] اکثرایشان به

(١) یعنی عبادتِ ملائکه بجهت وسوسه شیاطین بود پس گویاعبادت شیاطین کردند .

دیوان اعتقاد داشتند (٤١) .

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَّلَا ضَرًّا ۭ وَنَقُوْلُ لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا ذُوْقُوْا عَذَابَ النَّارِ الَّتِيْ كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُوْنَ ﴿٤٢﴾

پس امروز نمی تواند بعضِ شمابرای بعضی سود رسانیدن ونه زیان رسانیدن وفرمائیم ستمگاران را بچشید عذاب آتشی که شما دروغ می پنداشتیدآن را (٤٢) .

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالُوْا مَا هٰذَآ اِلَّا رَجُلٌ يُّرِيْدُ اَنْ يَّصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ اٰبَاۗؤُكُمْ ۚ وَقَالُوْا مَا هٰذَآ اِلَّآ اِفْكٌ مُّفْتَرًى ۭ وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاۗءَهُمْ ۙ اِنْ هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿٤٣﴾

وچون خوانده می شود برایشان آیاتِ ما روشن آمده گویند بایکدیگرنیست این پیغامبر مگرمردی که میخواهد بازدارد شمارا ازآنچه می پرستیدند پدرانِ شما وگویند نیست این قرآن مگردروغی بربافته وگویند کافران سخن راست را چون بیامد بدیشان نیست این مگرسحرِ ظاهر (٤٣) .

وَمَآ اٰتَيْنٰهُمْ مِّنْ كُتُبٍ يَّدْرُسُوْنَهَا وَمَآ اَرْسَلْنَآ اِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَّذِيْرٍ ﴿٤٤﴾ۭ

ونداديم مشركانِ عرب را كتاب ها كه بخوانند آن را و نه فرستاديم بسوی ایشان پیش ازتوهیچ ترسانند‌ه(٤٤) .

وَكَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۙ وَمَا بَلَغُوْا مِعْشَارَ مَآ اٰتَيْنٰهُمْ فَكَذَّبُوْا رُسُلِيْ ۣ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيْرِ ﴿٤٥﴾ۧ

تکذیب کردند آنانکه پیش ازایشان بودند واین مشرکان نه رسیده اند به یك دَهُمِ آنچه داده بودیم به پیشینیان پس بدروغ نسبت کردند پیغامبرانِ مرا پس چگونه بود عقوبت من(٤٥) .

قُلْ اِنَّمَآ اَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ ۚ اَنْ تَقُوْمُوْا لِلّٰهِ مَثْنٰى وَفُرَادٰى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوْا ۣ مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّةٍ ۭ اِنْ هُوَ اِلَّا نَذِيْرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيْدٍ ﴿٤٦﴾

بگوجزاین نیست که پندمیدهم شمارا بیك كلمه که برخیزید برای خدا دوگان دوگان ویك یك باز تأمل کنید که نیست به یارشما هیچ جنونی، نیست اومگر بیم کننده برای شماپیش از آمدنِ عذاب سخت (٤٦) .

قُلْ مَا سَاَلْتُكُمْ مِّنْ اَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۭ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ ۚ

بگوآنچه سوال کرده باشم ازشماجنس

وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ شَهِيْدٌ ﴿٤٧﴾

مُزد پس آن شماراست نيست مُزدِمن مگربرخدا واو برهمه چيزگواه است (٤٧) .

قُلْ اِنَّ رَبِّىْ يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ﴿٤٨﴾

بگو هرآئينه پروردگارمن برمى تابد ازعلمِ غيب وحيِ راست راآن پروردگار، داناى پوشيده هاست (٤٨) .

قُلْ جَآءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيْدُ ﴿٤٩﴾

بگوآمدسخنِ راست، وآفرينشِ نونميكند معبود باطلِ ونه ديگر بارآفريند (٤٩) .

قُلْ اِنْ ضَلَلْتُ فَاِنَّمَآ اَضِلُّ عَلٰى نَفْسِىْ ۚ وَاِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوْحِىْٓ اِلَىَّ رَبِّىْ ۚ اِنَّهٗ سَمِيْعٌ قَرِيْبٌ ﴿٥٠﴾

بگواگرگمراه شدم پس جزاين نيست كه گمراه شوم برنفس خويش واگرراه يابم پس بسبب آنست كه وحى فرستد بسوى من پرورد گارمن هرآئينه وى شنواى نزديك ست (٥٠) .

وَلَوْ تَرٰٓى اِذْ فَزِعُوْا فَلَا فَوْتَ وَاُخِذُوْا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيْبٍ ﴿٥١﴾

وتعجب كنى اگر ببينى چون مضطرب شوند پس نباشد ازعذاب خلاص شدن وگرفته شوند از جائى نزديك[1] (٥١) .

وَّقَالُوْٓا اٰمَنَّا بِهٖ ۚ وَاَنّٰى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِنْ مَّكَانٍۢ بَعِيْدٍ ﴿٥٢﴾

وگويند آنگاه ايمان آورديم بقرآن وازكجابُوَد ايشان را بدست آوردنِ ايمان ازجاى دور يعنى محال شد (٥٢) .

وَقَدْ كَفَرُوْا بِهٖ مِنْ قَبْلُ ۚ وَيَقْذِفُوْنَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍۢ بَعِيْدٍ ﴿٥٣﴾

وحالانكه كافربودند به قرآن پيش ازين ومى اندازند[2] ناديده از مكان دور (٥٣) .

وَحِيْلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُوْنَ كَمَا فُعِلَ بِاَشْيَاعِهِمْ مِّنْ قَبْلُ ۗ اِنَّهُمْ كَانُوْا فِىْ شَكٍّ مُّرِيْبٍ ﴿٥٤﴾

وجدائى افگنده شده ميانِ ايشان وميانِ آنچه مى خواستند چنانچه كرده شد بامثالِ ايشان پيش ازين هرآئينه ايشان بودند درشك قوى (٥٤) .

(۱) يعنى گرفته شوند بآسانى .

(۲) يعنى حدس ميزنند .

سُوْرَةُ فَاطِر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ○

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ جَاعِلِ الْمَلٰٓئِكَةِ رُسُلًا اُولِيْٓ اَجْنِحَةٍ مَّثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ ؕ يَزِيْدُ فِى الْخَلْقِ مَا يَشَآءُ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ①

مَا يَفْتَحِ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا ۚ وَمَا يُمْسِكْ ۙ فَلَا مُرْسِلَ لَهٗ مِنْۢ بَعْدِهٖ ؕ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ②

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ ؕ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ ؕ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۫ فَاَنّٰى تُؤْفَكُوْنَ ③

وَاِنْ يُّكَذِّبُوْكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ ؕ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ ④

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا ٟ وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُوْرُ ⑤

اِنَّ الشَّيْطٰنَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوْهُ عَدُوًّا ؕ اِنَّمَا يَدْعُوْا حِزْبَهٗ لِيَكُوْنُوْا

سوره فاطر مکی است وآن چهل و پنج آیت و پنج رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

همه ستائش خدای راست آفریننده آسمان ها و زمین سازنده فرشتگان را فرستادگانی دارای بازوهای دوگان دوگان وسه گان سه گان وچهارگان چهارگان زیاده میکند درآفرینش هرچه خواهد هرآئینه خدا برهرچیز تواناست (۱) .

آنچه کشاده سازد خدا برای مردمان ازرحمت پس هیچ بازدارنده نیست آن را وآنچه بازدارد پس هیچ کشا ینده نیست آنرا بعد از وی (یعنی غیروی) واوست غالب باحکمت (۲) .

ای مردمان یادکنید نعمتِ خدارا برخویش آیاهیچ آفریننده هست غیرخدا روزی میدهد شمارا ازجانب آسمان وزمین نیست هیچ معبود برحق مگروی پس ازکجا برگردانیده می شوید (۳) .

واگربه دروغ نسبت کنند تراپس هرآئینه بدروغ نسبت کرده شدند پیغامبران پیش ازتووبسوی خدا بازگردانیده میشود کارها (٤) .

ای مردمان هرآئینه وعدهٔ خداراست است پس فریفته نکند شمارا زندگانی دنیا ونه فریبدشمارا به نسبتِ خدا شیطان فریب دهنده (۵) .

هرآئینه شیطان شماراست دشمن پس

مِنْ اَصْحٰبِ السَّعِيْرِ ﴿٦﴾

دشمن گیریداورا جزاین نیست که می خواند تابعانِ خودرا تاباشند ازاهل دوزخ (٦) .

اَلَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ؕ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ كَبِيْرٌ ﴿٧﴾

آنانکه کافرشدند ایشان راست عذاب سخت وآنانکه ایمان آوردند و عمل های شائسته کردند ایشان راست آمرزش و مُزدِبزرگ (٧) .

اَفَمَنْ زُيِّنَ لَهٗ سُوْٓءُ عَمَلِهٖ فَرَاٰهُ حَسَنًا ؕ فَاِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنْ يَّشَآءُ وَيَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ ۖ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرٰتٍ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ بِمَا يَصْنَعُوْنَ ﴿٨﴾

آیاکسی که آراسته کرده شد برای اوعملِ زشت اوپس نیك دید آنرا (مثل مومنِ صالح باشد) پس هرآئینه خداگمراه می کند هرکرا خواهد وراه می نماید هرکراخواهد پس بایدکه هلاك نه شود نفسِ تو برایشان ازروی دریغ هرآئینه خدادانا ست بآنچه می کنند (٨) .

وَاللّٰهُ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ الرِّيٰحَ فَتُثِيْرُ سَحَابًا فَسُقْنٰهُ اِلٰى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَاَحْيَيْنَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ؕ كَذٰلِكَ النُّشُوْرُ ﴿٩﴾

وخداآنست که فرستاد بادهارا پس برانگیختند آن بادها ابررا پس روان کردیم ابررا بسوی شهر مرده پس زنده ساختیم بآن ابرزمین رابعد مرده بودنِ آن همچنین خواهد بود برانگیختن مردگان (٩) .

مَنْ كَانَ يُرِيْدُ الْعِزَّةَ فَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ جَمِيْعًا ؕ اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهٗ ؕ وَالَّذِيْنَ يَمْكُرُوْنَ السَّيِّاٰتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ؕ وَمَكْرُ اُولٰٓئِكَ هُوَ يَبُوْرُ ﴿١٠﴾

هرکه خواهد ارجمندی پس خدای راست ارجمندی همه یکجا بسوی اوبالامیرود سخنِ پاکیزه وعمل صالح را بلند می گرداندَ خدا وآنانکه می اندیشند فتنه هاایشان راست عذاب سخت و بداندیشی ایشان همون نابود شود (١٠) .

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ اَزْوَاجًا ؕ وَمَا تَحْمِلُ مِنْ اُنْثٰى وَلَا تَضَعُ اِلَّا بِعِلْمِهٖ ؕ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُّعَمَّرٍ

وخدا آفریدشمارا ازخاك بازازنطفه باز گردانید شمارا جفت مرد و زن ودرشکم برنمیدارد هیچ ماده ای ونمی زاید مگربه

وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهٖٓ اِلَّا فِيْ كِتٰبٍ ۭ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرٌ ⑪

علم خدا وزندگانی داده نمی شود هیچ درازعمری را وکم کرده نمی شود ازعمرِوی الاثبت ست درکتاب هرآئینه این کاربرخداآسان ست (١١) .

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرٰنِ ڰ هٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَاۗىِٕغٌ شَرَابُهٗ وَ هٰذَا مِلْحٌ اُجَاجٌ ۭ وَمِنْ كُلٍّ تَاْكُلُوْنَ لَحْمًا طَرِيًّا وَّتَسْتَخْرِجُوْنَ حِلْيَةً تَلْبَسُوْنَهَا ۚ وَتَرَى الْفُلْكَ فِيْهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوْا مِنْ فَضْلِهٖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ⑫

وبرابر نیستند[١] دودریااین یك شیرین درنهایت شیرینی ست خوش‌گوارست آب اوو‌آن دیگرشور به تلخی مائل ست وازهریکی میخورید گوشت تازه وبرمی آرید زیوری که می پوشید آن را ومی بینی کشتی هارا دردریاشگافندهٔ آب تا روزی طلب کنید ازفضل اووتابُوَد که شما شکرگوئید (١٢) .

يُوْلِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوْلِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ ۙ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ڮ كُلٌّ يَّجْرِيْ لِاَجَلٍ مُّسَمًّى ۭ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ ۭ وَالَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ مَا يَمْلِكُوْنَ مِنْ قِطْمِيْرٍ ⑬

درمی آرد شب را در روز ودرمی آرد روز را درشب ورام ساخت خورشید وماه را هریکی میرود بمیعادی معین اینست خدا پرورد گارشما مراوراست پادشاهی وآنانکه می پرستید بجزوی مالك نمی شوند مقدارپوست خسته خرما (١٣) .

اِنْ تَدْعُوْهُمْ لَا يَسْمَعُوْا دُعَاۗءَكُمْ ۚ وَلَوْ سَمِعُوْا مَا اسْتَجَابُوْا لَكُمْ ۭ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَكْفُرُوْنَ بِشِرْكِكُمْ ۭ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيْرٍ ⑭

اگربخوانیدایشان را نه شنوند خواندنِ شما را واگربفرض بشنوند قبول نه کنند گفته شما وروزقیامت منکرشوند شریك مقرر کردنِ شمارا وخبرندهد تراهیچ کس مانندِ دانا[٢] (١٤) .

---

(١) یعنی یکسان نمی شوند باختلاط .

(٢) مترجم‌گوید "لاینبئك مثل خبیر" بمنزله مثل است چون سخن بلیغ‌گویند و تحقیق بنهایت رسانندااین کلمه‌گویند .

يَٰٓأَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَآءُ إِلَى اللّٰهِ ۚ وَاللّٰهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿١٥﴾

ای مردمان شمائید محتاج بسوی خدا وخدا همونست بی احتیاج ستوده کار (١٥) .

إِنْ يَّشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٦﴾

اگرخواهد نابود سازد شمارا وبیارد آفرینش نو (١٦) .

وَمَا ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ بِعَزِيزٍ ﴿١٧﴾

ونیست این کار برخدا دشوار (١٧) .

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ أُخْرٰى ۚ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلٰى حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَّلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى ۗ إِنَّمَا تُنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ ۚ وَمَنْ تَزَكّٰى فَإِنَّمَا يَتَزَكّٰى لِنَفْسِهِ ۚ وَإِلَى اللّٰهِ الْمَصِيرُ ﴿١٨﴾

وبرنمی دارد هیچ بردارنده بار دیگری را وا گربخواند گران بارکسی را بسوی بارِخویش برداشته نه شود ازآن بار چیزی اگرچه آن کس خویشاوند باشد جزاین نیست که بیم میکنی آنان را که می ترسند ازپرورد گار خویش غائبانه و برپاداشته اند نمازرا وهرکه پاك شد پس جزاین نیست که پاك میشود برای نفع خویش وبسوی خداست بازگشت (١٨) .

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمٰى وَالْبَصِيرُ ﴿١٩﴾

وبرابرنیستند نابینا وبینا (١٩) .

وَلَا الظُّلُمٰتُ وَلَا النُّورُ ﴿٢٠﴾

ونه تاریکی ها ونه روشنی (٢٠) .

وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ ﴿٢١﴾

و نه سایه ونه بادِگرم (٢١) .

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَآءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ ۚ إِنَّ اللّٰهَ يُسْمِعُ مَنْ يَّشَآءُ ۚ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّنْ فِي الْقُبُورِ ﴿٢٢﴾

وبرابرنمی‌شوند زندگان ومُردگان هرآئینه خدامی‌شنواند هرکراخواهد ونیستی توشنواننده کسی را که درگور باشد (٢٢) .

إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ ﴿٢٣﴾

ونیستی تو مگرترساننده (٢٣) .

إِنَّآ أَرْسَلْنٰكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَّنَذِيرًا ۚ وَإِنْ مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ﴿٢٤﴾

هرآئینه مافرستاده ایم ترا بدین راست بشارت دهنده وبیم کننده ونیست هیچ امتی مگر گذشته است درآن بیم کننده (٢٤) .

وَإِنْ يُّكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ جَآءَتْهُمْ

وا گربه دروغ نسبت کنند تراپس هرآئینه بدروغ نسبت کردند آنانکه پیش ازایشان

رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتٰبِ الْمُنِيْرِ ﴿٢٥﴾

بودند آمدند بدیشان پیغامبرانِ ایشان به نشانهای واضح وبنامه های الهی وبکتابِ روشن (٢٥) .

ثُمَّ اَخَذْتُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيْرِ ﴿٢٦﴾

بازگرفتارکردم کافران را پس چگونه بود عقوبتِ من (٢٦) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَخْرَجْنَا بِهٖ ثَمَرٰتٍ مُّخْتَلِفًا اَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيْضٌ وَّحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ اَلْوَانُهَا وَغَرَابِيْبُ سُوْدٌ ﴿٢٧﴾

آیاندیدی که خدافرودآورد ازآسمان آب را پس برآوردیم بسبب آن میوه های‌گونا گون رنگهای آنها وازکوه قطعاتی است برنگ های‌گوناگون، سفید وسرخ ونهایت سیاه (٢٧) .

وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَآبِّ وَالْاَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ اَلْوَانُهٗ كَذٰلِكَ ۗ اِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمٰٓؤُا ۗ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ غَفُوْرٌ ﴿٢٨﴾

وازمردمان وجانوران وچهار پایان‌گوناگون ست رنگ او همچنان جزاین نیست که می ترسندازخدا عالمان از بندگان او هرآئینه خدا غالب آمرزنده است (٢٨) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يَتْلُوْنَ كِتٰبَ اللّٰهِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاَنْفَقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ سِرًّا وَّعَلَانِيَةً يَّرْجُوْنَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُوْرَ ﴿٢٩﴾

هرآئینه آنانکه تلاوت می کنند کتابِ خدارا وبرپاداشته اندنمازرا وخرج کرده اند ازآنچه روزی دادیم ایشان را پنهان وآشکارا امید دارند دادوستدی را که هرگز هلاك نه شود (٢٩) .

لِيُوَفِّيَهُمْ اُجُوْرَهُمْ وَيَزِيْدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ ۗ اِنَّهٗ غَفُوْرٌ شَكُوْرٌ ﴿٣٠﴾

تابتمام رساند بسوی ایشان مُزدِایشان را و زیاده دهدایشان را از فضلِ خود هر آئینه اوآمرزندۀ قدردان ست (٣٠) .

وَالَّذِيْٓ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ مِنَ الْكِتٰبِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ ۗ اِنَّ اللّٰهَ بِعِبَادِهٖ لَخَبِيْرٌۢ بَصِيْرٌ ﴿٣١﴾

وآنچه وحی فرستادیم بسوی توازقرآن اوست حقیقت باوردارنده آنچه پیش ازوی ست هرآئینه خدابه بندگان خود خبردار بیناست (٣١) .

ثُمَّ اَوْرَثْنَا الْكِتٰبَ الَّذِيْنَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا ۚ

بازمیراث دادیم قرآن را کسانی را که برگزیدیم ایشان را ازبندگان

فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهٖ ۚ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ ۚ وَمِنْهُمْ سَابِقٌۢ بِالْخَيْرٰتِ بِاِذْنِ اللّٰهِ ۗ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيْرُ ﴿۳۲﴾

خود[1] پس بعضِ ایشان ستمگارست برنفس خود وبعض ایشان میانه رواست وبعض ایشان سبقت کننده است به نیکی ها بحکم خدا این ست فضل بزرگ (٣٢) .

جَنّٰتُ عَدْنٍ يَّدْخُلُوْنَهَا يُحَلَّوْنَ فِيْهَا مِنْ اَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَّلُؤْلُؤًا ۚ وَلِبَاسُهُمْ فِيْهَا حَرِيْرٌ ﴿۳۳﴾

به بوستان های همیشه ماندن درآیند آن جا زیور داده شود ایشان را آنجاازقسم النگو های طلاوزیور داده شوند مروارید ولباس آنها جامۀ ابریشمی باشد (٣٣) .

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْۤ اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ ۗ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَكُوْرُ ﴿۳۴﴾

و گفتندهمۀ ستائش خدای راست که دورکردازماندوه راهرآئینه پرورد گار ماآمرزندۀ قدرشناس ست (٣٤) .

الَّذِيْۤ اَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهٖ ۚ لَا يَمَسُّنَا فِيْهَا نَصَبٌ وَّلَا يَمَسُّنَا فِيْهَا لُغُوْبٌ ﴿۳۵﴾

آنکه فرود آورد مارا به سرای همیشه ماندن از فضلِ خود نه رسد بماآنجاهیچ رنجی ونه رسد بما آنجاهیچ ماندگی (٣٥) .

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ ۚ لَا يُقْضٰى عَلَيْهِمْ فَيَمُوْتُوْا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِّنْ عَذَابِهَا ۗ كَذٰلِكَ نَجْزِيْ كُلَّ كَفُوْرٍ ﴿۳۶﴾

وآنانکه کافرشدند ایشان راست آتشِ دوزخ نه حکم کرده شود برایشان تابمیرند و نه سبك کرده شود ازایشان چیزی ازعذابِ دوزخ همچنین سزا میدهیم هرناسپاس را (٣٦) .

وَهُمْ يَصْطَرِخُوْنَ فِيْهَا ۚ رَبَّنَاۤ اَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِيْ كُنَّا نَعْمَلُ ۗ اَوَلَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَّا يَتَذَكَّرُ فِيْهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ النَّذِيْرُ ۗ فَذُوْقُوْا فَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ نَّصِيْرٍ ﴿۳۷﴾

و اهل دوزخ فریادکنند درآنجا که ای پروردگار ما بیرون آرمارا تابکنیم کارِ شائسته بجزآن که می کردیم گوئیم آیا زندگانی نه دادیم شمارا آنقدر که پندپذیر شود درآن هرکه پند پذیرفتن خواهد وآمد بشما ترساننده پس بچشید پس نیست ستمگاران را هیچ یاری دهنده (٣٧) .

---

(١) یعنی ازپیغامبر صلی الله علیه وسلم امت محمدیه رسید والله اعلم .

إِنَّ اللّٰهَ عٰلِمُ غَيْبِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ؕ إِنَّهٗ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿٣٨﴾

هرآئینه خداداننده‌ٔ پنهان آسمان ها وزمین ست هرآئینه وی داناست به مکنونِ سینه ها (٣٨) .

هُوَ الَّذِيْ جَعَلَكُمْ خَلٰٓئِفَ فِي الْأَرْضِ ؕ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهٗ ؕ وَلَا يَزِيْدُ الْكٰفِرِيْنَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا ۚ وَلَا يَزِيْدُ الْكٰفِرِيْنَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا ﴿٣٩﴾

وی آنست که گردانید شمارا جانشینان درزمین پس هرکه کافرشود پس برویست ضررِ کفر او ونمی افزاید درحقِ کافران کفرایشان نزد پروردگار ایشان مگر غضب را ونمی افزاید درحقِ کافران کفرایشان مگر زیان را (٣٩) .

قُلْ أَرَءَيْتُمْ شُرَكَآءَكُمُ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ؕ أَرُوْنِيْ مَاذَا خَلَقُوْا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمٰوٰتِ ۚ أَمْ اٰتَيْنٰهُمْ كِتٰبًا فَهُمْ عَلٰى بَيِّنَتٍ مِّنْهُ ۚ بَلْ إِنْ يَّعِدُ الظّٰلِمُوْنَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُوْرًا ﴿٤٠﴾

بگوآیا دیدید شریکانِ مقرر کردهٔ خودرا آنانکه می پرستید بجز خدا بنمائید مراچه چیز آفریده اند اززمین آیاایشانرا ست شرکتی درآسمان ها نه بلکه دادیم ایشان را کتابی پس ایشان بر حجت اندازآن بلکه وعده نمیدهند ستمگاران بعض ازایشان بعض را مگر بطریقِ فریفتن (٤٠) .

إِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُوْلَا ۚ وَلَئِنْ زَالَتَآ إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهٖ ؕ إِنَّهٗ كَانَ حَلِيْمًا غَفُوْرًا ﴿٤١﴾

هرآئینه خدا نگاه میدارد آسمان ها وزمین را ازآنکه ازجای خود بلغزند واگربلغزند نگاه نه دارد آنهارا هیچ کس بعد ازخدا[1] هرآئینه اوست بردبار آمرزگار (٤١) .

وَأَقْسَمُوْا بِاللّٰهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَآءَهُمْ نَذِيْرٌ لَّيَكُوْنُنَّ أَهْدٰى مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ ۚ فَلَمَّا جَآءَهُمْ نَذِيْرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُوْرًا ﴿٤٢﴾

وقسم خوردند بخدا سخت ترین قسم های خود که اگربیاید بایشان ترساننده البته خواهند بود راه یافته تر ازهریك امت پس چون آمدبایشان ترساننده زیاده نکرد درحق ایشان مگررمیدن را (٤٢) .

اِسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ ؕ وَلَا يَحِيْقُ الْمَكْرُ

بسبب سرکشی درزمین وزیاده نه کردمگر

---

(١) یعنی غیرازخدا .

السَّيِّئُ اِلَّا بِاَهْلِهٖ ؕ فَهَلْ يَنْظُرُوْنَ اِلَّا سُنَّتَ الْاَوَّلِيْنَ ۚ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللّٰهِ تَبْدِيْلًا ۚ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللّٰهِ تَحْوِيْلًا ﴿٤٣﴾

بداندیشی قبیح را وفرود نمی آید وبال بداندیشی قبیح مگرباهلِ او پس منتظر نیستند مگر آئین عقوبت پیشنیان را پس نخواهی یافت بآئین خدارا تبدیلی ونخواهی یافت بآئین خدا تغییری (٤٣) .

اَوَلَمْ يَسِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوْٓا اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً ؕ وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُعْجِزَهٗ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي الْاَرْضِ ؕ اِنَّهٗ كَانَ عَلِيْمًا قَدِيْرًا ﴿٤٤﴾

آیا سیرنکرده اند درزمین تابببینند چگونه شدانجام کار آنانکه پیش ازایشان بودند و آنجماعت بودند زیاده ترازایشان درقوت وهرگزنیست که عاجز کند خدارا چیزی درآسمان ها ونه درزمین هرآئینه اوهست داناتوانا (٤٤) .

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللّٰهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوْا مَا تَرَكَ عَلٰى ظَهْرِهَا مِنْ دَآبَّةٍ وَّلٰكِنْ يُّؤَخِّرُهُمْ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ فَاِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِعِبَادِهٖ بَصِيْرًا ﴿٤٥﴾

و اگرگرفتار کردی خدا مردمان را به سزای آنچه میکردند نگذاشتی برپشتِ زمین هیچ جانوری را ولیکن موقوف میدارد ایشانرا تامیعادی معین پس چون آید میعاد ایشان پس هرآئینه خداهست به بندگان خود بینا (٤٥) .

سُوْرَةُ يٰسٓ

سوره یس مکی است وآن هشتادوسه آیت وپنج رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰسٓ ﴿١﴾

یٰسٓ (١) .

وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيْمِ ﴿٢﴾

قسم به قرآنِ باحکمت (٢) .

اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿٣﴾

هرآئینه تو ازپیغامبرانی (٣) .

عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٤﴾

برراهِ راستی (مراد دارم) (٤) .

تَنْزِيْلَ الْعَزِيْزِ الرَّحِيْمِ ﴿٥﴾

فروفرستادن غالب مهربان (٥) .

لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَّآ اُنْذِرَ اٰبَآؤُهُمْ فَهُمْ غٰفِلُوْنَ ﴿٦﴾

تابترسانی قومی را که ترسانیده نه شده اند پدرانِ ایشان پس ایشان غافلان

اند[1] (٦) .

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٧﴾

هرآئینه ثابت شد وعدهٔ عذاب براکثر ایشان پس اکثر ایشان ایمان نمی آرند (٧) .

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ ﴿٨﴾

هرآئینه قراردادیم در گردن های ایشان طوق ها پس آن طوقها تا زنخ باشند پس ایشان سربالاکردگانند (٨) .

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿٩﴾

وساختیم پیش روی ایشان دیواری وپسِ پشت ایشان دیواری باز پوشیدیم ایشان را پس ایشان هیچ نه بینند[2] (٩) .

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾

وبرابرست برایشان که بیم کنی ایشانرا یا بیم نکنی ایشان را ایمان نیارند (١٠) .

إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ ۖ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿١١﴾

جزاین نیست که می ترسانی کسی را که پیروی پندکندوبترسد ازخدا غائبانه پس بشارت ده اورابآمرزش ومُزنگرامی (١١) .

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ ۚ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ ﴿١٢﴾

هرآئینه ما زنده می‌گردانیم مردگان را ومی نویسیم آنچه پیش فرستادند[3] ومی نویسیم نقش اقدام ایشان را وهرچیزی را احاطه کردیم درکتاب ظاهر[4] (١٢) .

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿١٣﴾

وبیان کن برای ایشان داستانی قصهٔ اهل ده چون آمدند بآن ده پیغامبران (١٣) .

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ ﴿١٤﴾

آنگاه که فرستادیم بسوی ایشان دوکس را پس به دروغ نسبت کردند ایشان را پس قوت دادیم به سومی پس هرسه کس

---

(١) یعنی دربنی اسماعیل هیچ پیغمبری مبعوث نشده بود .

(٢) مترجم‌گوید این هردو آیت تمثیل وتصویرست یاس ایشان رااز شناختن حق .

(٣) یعنی ازاعمال خیروشر .

(٤) یعنی لوحِ محفوظ .

گفتند هر آئینه مابسوی شما فرستادگانیم (١٤) .

قَالُوْا مَآ اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا ۙ وَمَآ اَنْزَلَ الرَّحْمٰنُ مِنْ شَیْءٍ ۙ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا تَكْذِبُوْنَ ⑮

اهل ده‌گفتند نیستید شما مگرآدمی مانندِما وفرونه فرستاده است رحمن هیچ چیز نیستید شما مگر دروغ میگوئید (١٥) .

قَالُوْا رَبُّنَا یَعْلَمُ اِنَّآ اِلَیْكُمْ لَمُرْسَلُوْنَ ⑯

گفتند پرورد گار ماميداند که هرآئینه مابسوی شما فرستادگانیم (١٦) .

وَمَا عَلَیْنَآ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِیْنُ ⑰

ونیست برما مگر پیغام رسانیدن ظاهر (١٧) .

قَالُوْٓا اِنَّا تَطَیَّرْنَا بِكُمْ ۚ لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهُوْا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَیَمَسَّنَّكُمْ مِّنَّا عَذَابٌ اَلِیْمٌ ⑱

گفتند هرآئینه ماشگون بد گرفتیم به شمـا اگر بازنآئیـد البته سنگ سارکنیـم شمارا والبته برسد به شما ازجانب ماعقوبتِ درد دهنده (١٨) .

قَالُوْا طَآئِرُكُمْ مَّعَكُمْ ۗ اَئِنْ ذُكِّرْتُمْ ۗ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُوْنَ ⑲

گفتند شگون بدشما همراه شما ست آیا اگر پندداده شود شمارا برشگون بدحمل کنید بلکه شماگروهی ازحدگذشته اید (١٩) .

وَجَآءَ مِنْ اَقْصَا الْمَدِیْنَةِ رَجُلٌ یَّسْعٰی قَالَ یٰقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِیْنَ ⑳

وآمد ازدور ترین محل های آن شهر مردی شتابان گفت ای قومِ من پیروی کنید آن پیغامبران را (٢٠) .

اتَّبِعُوْا مَنْ لَّا یَسْئَلُكُمْ اَجْرًا وَّهُمْ مُّهْتَدُوْنَ ㉑

پیروی کنید کسی را که نمی طلبد ازشما هیچ مزدی وایشان راه یافتگانند (٢١) .

وَمَالِیَ لَآ اَعْبُدُ الَّذِیْ فَطَرَنِیْ وَاِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ ㉒

وچیست مرا که عبادت نه کنم معبودی را که بیافرید مرا وبسوی وی بازگردانیده خواهید شد (٢٢) .

ءَاَتَّخِذُ مِنْ دُوْنِهٖٓ اٰلِهَةً اِنْ یُّرِدْنِ الرَّحْمٰنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّیْ شَفَاعَتُهُمْ شَیْئًا وَّلَا یُنْقِذُوْنِ ㉓

آیا بجزوی معبودانی گیرم اگربخواهد خدای تعالی درحق من زیانی دفع نه کنـدازمـن شفـاعـتِ ایشـان چیـزی را

وازایشان خلاص نکنندمرا (۲۳) .

إِنِّيٓ إِذًا لَّفِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾

هرآئینه من آنگاه درگمراهی ظاهر باشم (۲٤) .

إِنِّيٓ ءَامَنتُ بِرَبِّكُمْ فَٱسْمَعُونِ ﴿٢٥﴾

هرآئینه من ایمان آوردم به پروردگارشما پس بشنویدازمن[1] (۲۵) .

قِيلَ ٱدْخُلِ ٱلْجَنَّةَ ۖ قَالَ يَٰلَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾

گفته شداورا درآی به بهشت گفت ای کاش قومِ من میدانستند (۲٦) .

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلْمُكْرَمِينَ ﴿٢٧﴾

که به چه چیزبیامرزید مرا پروردگارمن وساخت مرا ازنواختگان (۲۷) .

وَمَآ أَنزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِۦ مِنۢ بَعْدِهِۦ مِن جُندٍ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ ﴿٢٨﴾

وفرود نیاوردیم برقوم او بعدازو هیچ لشکری ازآسمان ونیستیم ما فرودآرنده لشکر (۲۸) .

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَٰمِدُونَ ﴿٢٩﴾

نه بود عقوبتِ ایشان مگر یك فریادِ تند پس ناگهان ایشان چون آتش فرومرده شدند (۲۹) .

يَٰحَسْرَةً عَلَى ٱلْعِبَادِ ۚ مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٠﴾

ای وای بربندگان نمی آیدبدیشان هیچ فرستاده مگر باباو تمسخر می کردند (۳۰) .

أَلَمْ يَرَوْا۟ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ ٱلْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٣١﴾

آیا نه دیدند چه قدر هلاك ساختیم پیش ازایشان طبقاتِ مردمان را که آنجماعت بسوی ایشان بازنمی آیند (۳۱) .

وَإِن كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٣٢﴾

ونیست هرطبقه مگر جمع آورده نزد ماحاضر کرده شده (۳۲) .

وَءَايَةٌ لَّهُمُ ٱلْأَرْضُ ٱلْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَٰهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿٣٣﴾

و نشانه هست برای ایشان زمین مرده زندهگردانیدیم آن را وبرآوردیم ازآن دانه پس ازآن دانه میخورند (۳۳) .

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّٰتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَٰبٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ

وآفریدیم درزمین بوستان ها ازدرختانِ

---

[1] مترجم گوید اهل ده آنراشهید ساختند والله اعلم .

الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾

خرما ودرختان انگور وروان ساختیم درآن بوستان چشمه ها (٣٤) .

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ ۙ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ ۖ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾

تابخورند ازمیوه آنچه مذکورشد ونه ساخته است میوه را دست های ایشان آیا پس شکر نمی کنند (٣٥) .

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾

پاکست آنکه آفرید اجناس راتمام آن ازآنچه میرویاندش زمین وازجنسِ آدمیان وازآنچه ایشان نمی دانند (٣٦) .

وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ ۚ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ﴿٣٧﴾

ونشانه هست ایشانرا شب مانند پوست می کشیم ازوی روز را پس ناگهان ایشان در تاریکی آیندگان باشند (٣٧) .

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ۚ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾

وآفتاب میرود براهی که قرارگاهِ ویست اینست اندازۀ خدای غالب دانا (٣٨) .

وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾

وماه مقرر کردیم برای او منزل ها تاآن که بازگردد مانند چوبِ کهنه خوشۀ خرما (٣٩) .

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ۚ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾

نه خورشید می سزدش که دریابد ماه را ونه شب سبقت کننده است برروز[١] وهریکی ازخورشید وماه وستاره هادرآسمانی سیر میکنند (٤٠) .

وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾

ونشانه هست ایشانرا که مابرداشتیم قوم بنی آدم را درکشتی پُرکرده شده (٤١) .

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾

وآفریدیم برای ایشان مانندِ کشتی آنچه سوارمی شوند برآن[٢] (٤٢) .

---

(١) یعنی پیش ازانقضای روزنمی آید .

(٢) یعنی شتروفیل .

وَإِنْ نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيْخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُوْنَ ﴿٤٣﴾

واگر خواهیم غرق کنیم ایشان را پس هیچ فریاد رس نه باشدبرای ایشان ونه ایشان رها کرده شوند(٤٣) .

إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَاعًا إِلٰى حِيْنٍ ﴿٤٤﴾

لیکن رحمت کردیم ازجانب خود وبهره مند ساختیم تامدتی (٤٤) .

وَإِذَا قِيْلَ لَهُمُ اتَّقُوْا مَا بَيْنَ أَيْدِيْكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ﴿٤٥﴾

وچون گفته شود بایشان که بترسید از عقوبتی که پیش دستهای شما باشدواز عقوبتی که پس پشت شماباشد بُوَدکه برشما رحم کرده شود (٤٥) .

وَمَا تَأْتِيْهِمْ مِّنْ اٰيَةٍ مِّنْ اٰيٰتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوْا عَنْهَا مُعْرِضِيْنَ ﴿٤٦﴾

اعراض کنند و نمی آیدبدیشان هیچ نشانه از پروردگار ایشان الّاازآن روگردان باشند (٤٦) .

وَإِذَا قِيْلَ لَهُمْ أَنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ قَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا أَنُطْعِمُ مَنْ لَّوْ يَشَاءُ اللّٰهُ أَطْعَمَهٗ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٤٧﴾

وچون گفته شود بایشان که خرج کنیدازآنچه روزی داده ست شمارا خدای تعالی گویند کافران به مسلمانان آیاطعام دهیم کسی را که اگرخدای تعالی می خواست طعام دادی اورا نیستید شما مگر درگمراهی ظاهر (٤٧) .

وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٤٨﴾

ومی‌گویندکافران کَی باشداین وعده اگر راستگوئید (٤٨) .

مَا يَنْظُرُوْنَ إِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُوْنَ ﴿٤٩﴾

انتظار نمی کشند مگریك نعرهٔ تند را که بگیرد ایشان را وایشان خصومت کنان باشند (٤٩) .

فَلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ تَوْصِيَةً وَّلَا إِلٰى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُوْنَ ﴿٥٠﴾

پس نتوانند وصیت کردن ونه باهل خود بازگردند (٥٠) .

وَنُفِخَ فِي الصُّوْرِ فَإِذَا هُمْ مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلٰى رَبِّهِمْ يَنْسِلُوْنَ ﴿٥١﴾

ودمیده شود درصور پس ناگهان ایشان ازقبرها بسوی پروردگارخویش

بشتابند (٥١) .

قَالُوا يٰوَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَّرْقَدِنَا ۜ هٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُوْنَ ﴿٥٢﴾

گویند ای وای برما که برخیزانید مارا ازخواب گاهِ ما آری این هما نست که وعده داده بود خدای تعالی وراست گفتند پیغامبران (٥٢) .

اِنْ كَانَتْ اِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً فَاِذَا هُمْ جَمِيْعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُوْنَ ﴿٥٣﴾

نباشد این واقعه مگرنعرهٔ تندی پس ناگهان ایشان جمع آورده نزد ماحاضر کرده شده باشند (٥٣) .

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْـًٔا وَّلَا تُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٥٤﴾

پس امروزستم کرده نخواهد شدبرهیچ کس هیچ ستمی وجزا داده نه خواهید شدالاّبحسب آنچه میکردید (٥٤) .

اِنَّ اَصْحٰبَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِيْ شُغُلٍ فٰكِهُوْنَ ﴿٥٥﴾

هرآئینه اهل بهشت امروز درکاری هستند شادانند (٥٥) .

هُمْ وَاَزْوَاجُهُمْ فِيْ ظِلٰلٍ عَلَى الْاَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔوْنَ ﴿٥٦﴾

ایشان وزنانِ ایشان درسایه ها بر تخت هانشینندہ اند (٥٦) .

لَهُمْ فِيْهَا فَاكِهَةٌ وَّلَهُمْ مَّا يَدَّعُوْنَ ﴿٥٧﴾

ایشان راست دربهشت میوه وایشان راست آنچه طلب کنند (٥٧) .

سَلٰمٌ ۣ قَوْلًا مِّنْ رَّبٍّ رَّحِيْمٍ ﴿٥٨﴾

گفته شود سلام باد ازجانب پروردگار مهربان (٥٨) .

وَامْتَازُوا الْيَوْمَ اَيُّهَا الْمُجْرِمُوْنَ ﴿٥٩﴾

وبگوئیم جداشوید امروز ای گناه گاران (٥٩) .

اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يٰبَنِيْٓ اٰدَمَ اَنْ لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطٰنَ ۚ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ﴿٦٠﴾

آیاحکم نه فرستاده بودم بسوی شما ای اولادِ آدم که مپرستید شیطان را هرآئینه وی شمارا دشمنِ آشکاراست (٦٠) .

وَّاَنِ اعْبُدُوْنِيْ ۚ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ﴿٦١﴾

وآنکه بپرستید مرا این ست راه راست (٦١) .

وَلَقَدْ اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيْرًا ۚ اَفَلَمْ تَكُوْنُوْا تَعْقِلُوْنَ ﴿٦٢﴾

وهرآئینه گمراه ساخت شیطان ازقوم

شماخلقِ بسیاررا آیانمی دانستید (٦٢) .

هٰذِهٖ جَهَنَّمُ الَّتِيْ كُنْتُمْ تُوْعَدُوْنَ ﴿٦٣﴾

این آن دوزخ ست که وعده داده می شد شمارا (٦٣) .

اِصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ ﴿٦٤﴾

درآئید بآن امروز به سبب کافربودنِ خود (٦٤) .

اَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلٰٓى اَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَآ اَيْدِيْهِمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٦٥﴾

امروز مُهرنهیم بردهان های ایشان وسخن گوید باما دست های ایشان و گواهی دهد پاهای ایشان بآنچه می کردند (٦٥) .

وَلَوْ نَشَآءُ لَطَمَسْنَا عَلٰٓى اَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَاَنّٰى يُبْصِرُوْنَ ﴿٦٦﴾

وا گرخواهیم نابودکنیم چشم های ایشان را پس سبقت کنند بسوی راه پس ازکجابینند (٦٦) .

وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنٰهُمْ عَلٰى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوْا مُضِيًّا وَّلَا يَرْجِعُوْنَ ﴿٦٧﴾

وا گرخواهیم مسخ کنیم ایشان را برجای ایشان پس نه توانند گذشتن ازآن جا و باز نه گردند (٦٧) .

وَمَنْ نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ اَفَلَا يَعْقِلُوْنَ ﴿٦٨﴾

وهرکه را عمر دراز میدهیم نگونسار می کنیمش درآفرینش آیا درنمی یابند (٦٨) .

وَمَا عَلَّمْنٰهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْۢبَغِيْ لَهٗ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ وَّقُرْاٰنٌ مُّبِيْنٌ ﴿٦٩﴾

ونیاموختیم این پیغامبررا شعر ولائق نیست اورا نیست این مگرپند وقرآنِ آشکارا (٦٩) .

لِّيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَّيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ ﴿٧٠﴾

تا بترساند هرکه زنده باشد[1] وثابت شودحجت بر کافران (٧٠) .

اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِّمَّا عَمِلَتْ اَيْدِيْنَآ اَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مٰلِكُوْنَ ﴿٧١﴾

آیانه دیدند که ماآفریدیم برای ایشان ازآنچه ساخته است دست های ماچهارپایان

(١) یعنی صاحبِ فهم باشد .

را پس ایشان آنرا مالکا نند (٧١) .

وَذَلَّلْنٰهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوْبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُوْنَ ﴿٧٢﴾

ورام ساختیم چهار پایان را برای ایشان پس بعض ازآن سواری ایشانست و بعض ازآن را میخورند (٧٢) .

وَلَهُمْ فِيْهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُوْنَ ﴿٧٣﴾

وایشانراست درچهار پایان منفعت هاوآشامیدنیهاآیاشکرنمی گزارند (٧٣) .

وَاتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اٰلِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنْصَرُوْنَ ﴿٧٤﴾

و گرفتند سوای خدا معبودان را تابُوَدکه ایشان یاری داده شوند (٧٤) .

لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحْضَرُوْنَ ﴿٧٥﴾

نه توانند یاری کردنِ ایشان واین بتان برای ایشان لشکری حاضر کرده شده اند (٧٥) .

فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّوْنَ وَمَا يُعْلِنُوْنَ ﴿٧٦﴾

پس اندوه گین نکند ترا سخن ایشان هرآئینه مامیدانیم آنچه پنهان میکنند وآنچه آشکارمی نمایند (٧٦) .

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنٰهُ مِنْ نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيْمٌ مُّبِيْنٌ ﴿٧٧﴾

آیاندانسته است آدمی که ما آفریدیم اورا ازنطفه پس نا گهان وی خصومت کننده آشکار شد (٧٧) .

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَّنَسِيَ خَلْقَهٗ قَالَ مَنْ يُّحْيِ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيْمٌ ﴿٧٨﴾

زد برای ما مثالی وفراموش کرد آفرینش خودرا گفت که زنده کند استخوان هارا درحالتی که آن کهنه شده باشند (٧٨) .

قُلْ يُحْيِيْهَا الَّذِيْٓ أَنْشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيْمٌ ﴿٧٩﴾

بگوزنده کندش آن که آفریداورا اوّل بار واوبهرقسم آفرینش داناست (٧٩) .

الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ تُوْقِدُوْنَ ﴿٨٠﴾

آنکه پیداکرد برای شما ازدرخت سبز آتش را پس نا گهان شماازآن درخت آتش می افروزید (٨٠) .

أَوَلَيْسَ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ بِقٰدِرٍ عَلٰٓى أَنْ يَّخْلُقَ

آیا نیست آنکه آفرید آسمان ها وزمین را

مِثْلَهُمْ ۚ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾

توانا برآنکه بیآفریند مانند ایشان بلی واوست آفرینندهٔ دانا (٨١) .

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾

جزاین نیست فرمانِ خدا چون بخواهد آفریدن چیزی را که بگویدش بشوپس می شود (٨٢) .

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

پس پاك ست آنکه بدستِ اوست پادشاهی هرچیز وبسوی اوباز گردانیده شوید (٨٣) .

سوره صفت مکی است وآن یك صد وهشتاد ودو آیت وپنج رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿١﴾

قسم بجماعتی ازملائکه که صف میکشند صف کشیدنی[1] (١) .

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿٢﴾

پس قسم بجماعتی میرانند راندنی[2] (٢) .

فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٣﴾

پس قسم بجماعتی که تلاوت میکنند تلاوت کردنی (٣) .

إِنَّ إِلَٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿٤﴾

هرآئینه معبود شمایکی ست (٤) .

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿٥﴾

اوپرورد گارِ آسمان هاوزمین ست وآنچه درمیان این هاست واوپرورد گارِ مشرق هاست[3] (٥) .

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾

هرآئینه ماآرائش دادیم آسمانِ دنیا را

---

(١) مترجم گوید یعنی نزدیك پرورد گارخود .

(٢) مترجم گوید یعنی شیاطین را والله اعلم .

(٣) یعنی و مغرب هانیز .

وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطٰنٍ مَّارِدٍ ۝٧

لَا يَسَّمَّعُوْنَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلٰى وَيُقْذَفُوْنَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ۝٨

دُحُوْرًا وَّلَهُمْ عَذَابٌ وَّاصِبٌ ۝٩

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهٗ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ۝١٠

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَّنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنٰهُمْ مِّنْ طِيْنٍ لَّازِبٍ ۝١١

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُوْنَ ۝١٢

وَإِذَا ذُكِّرُوْا لَا يَذْكُرُوْنَ ۝١٣

وَإِذَا رَأَوْا اٰيَةً يَّسْتَسْخِرُوْنَ ۝١٤

وَقَالُوْا إِنْ هٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ۝١٥

بزینت ستاره ها (٦) .

ونگاهداشتیم آنراازهرشیطان سرکش (٧) .

مقصد آنکه گوش نه نهند شیاطین بسوی ملاء اعلیٰ وزده میشوند ازهر جانب (٨) .

بجهت راندن ایشان وایشان راست عذاب دائم (٩) .

مگر کسی که برباید[١] ربودنی پس ازپی اوافتد شعلهٔ سوزنده (١٠) .

پس استفسارکن ازایشان آیاایشان سخت تراندردآفرینش یا کسیکه ماآفریده ایم[٢] هرآئینه ماآفریدیم ایشانرا ازِ گل چسپنده (١١) .

بلکه تعجب کردی[٣] وایشان تمسخر میکنند (١٢) .

وچون پندداده شودایشان را پندنمی گیرند (١٣) .

وچون ببینند نشانه ای را تمسخر کنند (١٤) .

و گفتند نیست این قرآن مگرسحرِ ظاهر(١٥) .

---

(١) یعنی کلمهٔ راازکلمات ملاء اعلیٰ یکبارربودن .

(٢) یعنی ملائکه وجن وسماوات وغیرآن .

(٣) یعنی ازحال کافران .

ءَاِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا ءَاِنَّا لَمَبْعُوْثُوْنَ ﴿١٦﴾

آیاچون بمیریم وباشیم خاك واستخوانی چند آیامابرانگیخته شویم (١٦) .

اَوَاٰبَآؤُنَا الْاَوَّلُوْنَ ﴿١٧﴾

آیاپدرانِ نخستین مابرانگیخته شوند (١٧) .

قُلْ نَعَمْ وَاَنْتُمْ دَاخِرُوْنَ ﴿١٨﴾

بگو آری وشماخوارباشید (١٨) .

فَاِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَّاحِدَةٌ فَاِذَا هُمْ يَنْظُرُوْنَ ﴿١٩﴾

پس جزاین نیست که آن برانگیختن یك نعرهٔ تند باشد پس نا گهان ایشان بنگرند (١٩) .

وَقَالُوْا يٰوَيْلَنَا هٰذَا يَوْمُ الدِّيْنِ ﴿٢٠﴾

وگویند ای وای برماainst روزجزا (٢٠) .

هٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِيْ كُنْتُمْ بِهٖ تُكَذِّبُوْنَ ﴿٢١﴾

گفته شود این ست روزفیصله کردن قضایا که آنرا به دروغ نسبت می کردید (٢١) .

اُحْشُرُوا الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا وَاَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوْا يَعْبُدُوْنَ ﴿٢٢﴾

گفته شود برانگیزید ای ملائکه ستمگاران را باهمراهانِ ایشان[1] وباآنچه می پرستیدند (٢٢) .

مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَاهْدُوْهُمْ اِلٰى صِرَاطِ الْجَحِيْمِ ﴿٢٣﴾

بجز خدا پس دلالت کنیدایشان را بسوی راه دوزخ (٢٣) .

وَقِفُوْهُمْ اِنَّهُمْ مَّسْئُوْلُوْنَ ﴿٢٤﴾

وبازدارید ایشان را هرآئینه ایشان سوال کرده خواهند شد (٢٤) .

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُوْنَ ﴿٢٥﴾

چیست شمارا بایکدیگریاری نمی کنید (٢٥) .

بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُوْنَ ﴿٢٦﴾

بلکه ایشان امروز گردن نهادگانند (٢٦) .

وَاَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ يَّتَسَآءَلُوْنَ ﴿٢٧﴾

و رو آوردند بعض ایشان بربعض بایکدیگر سوال کنان (٢٧) .

قَالُوْا اِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَاْتُوْنَنَا عَنِ الْيَمِيْنِ ﴿٢٨﴾

گویند هرآئینه شمامی آمدید پیش مازجانب راست[2] (٢٨) .

قَالُوْا بَلْ لَّمْ تَكُوْنُوْا مُؤْمِنِيْنَ ﴿٢٩﴾

گویند بلکه شمانه بودید مسلمانان (٢٩) .

---

(١) یعنی باشیاطین والله اعلم .

(٢) یعنی وازجانب چپ نیز بجهت گمراه کردن والله اعلم .

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ ۖ بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ ﴿٣٠﴾

ونه بود مارا برشما هيچ تسلطى بلكه شما بوديدگروهى ازحدگذشته (٣٠) .

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا ۖ إِنَّا لَذَائِقُونَ ﴿٣١﴾

پس لازم شدبرماسخن پروردگارماكه البته ماچشندهٔ عذاب باشيم (٣١) .

فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ ﴿٣٢﴾

پس گمراه كرديم شمارا هرآئينه ماگمراه بوديم (٣٢) .

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٣﴾

پس تحقيق همه ايشان آن روز درعذاب باهم شريك باشند (٣٣) .

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٤﴾

هرآئينه ماهمچنين مى كنيم باگناه گاران (٣٤) .

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾

هرآئينه ايشان چون گفته مى شد بديشان كه نيست هيچ معبود برحق مگر خدا سركشى ميكردند (٣٥) .

وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ ﴿٣٦﴾

ومى گفتند آياماترك كنندهٔ معبودانِ خود باشيم براىگفتهٔ شاعرى ديوانه (٣٦) .

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٧﴾

بلكه آورد پيغامبر سخن درست را وباورداشت سائر پيغامبرانرا (٣٧) .

إِنَّكُمْ لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿٣٨﴾

هرآئينه شما چشندهٔ عذاب درد دهنده باشيد (٣٨) .

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٩﴾

وجزا داده نخواهيد شد مگربحسب آنچه مى كرديد (٣٩) .

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾

مگر بندگان خالص ساختهٔ خدا[1] (٤٠) .

أُولَٰئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤١﴾

اين جماعت ايشان راست روزى مقرر (٤١) .

فَوَاكِهُ ۖ وَهُم مُّكْرَمُونَ ﴿٤٢﴾

انواع ميوه ها وايشان نواختگانند (٤٢) .

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٤٣﴾

دربهشت هاى نعمت (٤٣) .

(١) يعنى آنانكه پاك ساخته شدندازشرك وغيره .

عَلٰی سُرُرٍ مُّتَقٰبِلِيْنَ ﴿٤٤﴾	برتخت ها روبروی یکدیگر (٤٤) .
يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَاْسٍ مِّنْ مَّعِيْنٍ ﴿٤٥﴾	گردانیده می شود برایشان جامی ازشراب جاری (٤٥) .
بَيْضَآءَ لَذَّةٍ لِّلشّٰرِبِيْنَ ﴿٤٦﴾	سفید رنگ لذت دهنده نوشندگان را (٤٦) .
لَا فِيْهَا غَوْلٌ وَّلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُوْنَ ﴿٤٧﴾	نه درآن شرابِ تباه کاری باشدونه ایشان ازآن شراب مست کرده شوند (٤٧) .
وَعِنْدَهُمْ قٰصِرٰتُ الطَّرْفِ عِيْنٌ ﴿٤٨﴾	و نزدیك ایشان زنان فروواندازنده چشم فراخ چشمان باشند (٤٨) .
كَاَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُوْنٌ ﴿٤٩﴾	گویاایشان بیضه های (شترمرغ) درپرده پوشیده اند (٤٩) .
فَاَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلٰی بَعْضٍ يَّتَسَآءَلُوْنَ ﴿٥٠﴾	پس روی آرند بعض اهلِ بهشت بربعض بایکدیگراستفسار کنان (٥٠) .
قَالَ قَآئِلٌ مِّنْهُمْ اِنِّيْ كَانَ لِيْ قَرِيْنٌ ﴿٥١﴾	گفت گوینده ای ازایشان هرآئینه بود مراهم نشینی (٥١) .
يَّقُوْلُ ءَاِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِيْنَ ﴿٥٢﴾	که بانکارمی گفت آیاتو ازباوردارندگانی[1] (٥٢) .
ءَاِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا ءَاِنَّا لَمَدِيْنُوْنَ ﴿٥٣﴾	آیاچون بمیریم و شویم خاك واستخوانی چند آیاماجزا داده خواهیم شد (٥٣) .
قَالَ هَلْ اَنْتُمْ مُّطَّلِعُوْنَ ﴿٥٤﴾	بازگفت آیاشمادرمی نگرید[2] (٥٤) .
فَاطَّلَعَ فَرَاٰهُ فِيْ سَوَآءِ الْجَحِيْمِ ﴿٥٥﴾	پس درنگریست پس دیدآن همنشینِ خود را در وسط دوزخ (٥٥) .
قَالَ تَاللّٰهِ اِنْ كِدْتَّ لَتُرْدِيْنِ ﴿٥٦﴾	گفت بخداهرآئینه نزدیك بودی بآنکه هلاك کنی مرا(٥٦) .
وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّيْ لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِيْنَ ﴿٥٧﴾	و اگرنبودی بخشائشِ پروردگار من هرآئینه شدمی ازحاضر کردگان

(١) یعنی حشر را .
(٢) یعنی دوزخیان را .

درعذاب (۵۷) .

أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٨﴾

آیاپس مانخواهیم مرد (۵۸).

إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٥٩﴾

مگر مردن آوّل مان ونیستیم ماعذاب کرده شد گان (۵۹) .

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾

هرآئینه این ست پیروزیٔ بزرگ (٦۰) .

لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ﴿٦١﴾

برای این چنین نعمت پس باید که عمل کنند عمل کنند گان (٦۱) .

أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ﴿٦٢﴾

آیاآنچه مذکور شدنیکوتراست ازنگاه مهمانی یادرخت زقوم (٦۲) .

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِّلظَّالِمِينَ ﴿٦٣﴾

هرآئینه ماساختیم زقوم را عقوبتی برای ستمگاران (٦۳) .

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾

هرآئینه وی درختیست که برمی آید در قعردوزخ (٦٤) .

طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ﴿٦٥﴾

خوشهٔ آن مانند سرهای شیاطین است (٦۵) .

فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٦﴾

پس هرآئینه دوزخیان بخورندازآن درخت پس پُرکنند ازآن شکم هارا (٦٦) .

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾

پس هرآئینه ایشانرا برآن طعام آمیختنی باشدازآب گرم (٦۷) .

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾

بازهرآئینه بازگشتِ ایشان بسوی دوزخ بود[1] (٦۸) .

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ﴿٦٩﴾

هرآئینه ایشان گمراه یافتند پدرانِ خودرا (٦۹) .

فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿٧٠﴾

پس ایشان برپی پدرانِ خودبسرعت رانده میشوند(۷۰) .

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾

و هرآئینه گمراه شده بودند پیش ازایشان اکثر پیشینیان (۷۱) .

---

(۱) یعنی بعد خوردن و نوشیدن ایشان را به دوزخ بازبرند .

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا فِيْهِمْ مُّنْذِرِيْنَ ﴿٧٢﴾	وهرآئينه فرستاديم درميانِ ايشان ترسانند گان (٧٢) .
فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِيْنَ ﴿٧٣﴾	پس به بين چگونه شدانجام بيم كرد گان (٧٣) .
اِلَّا عِبَادَ اللّٰهِ الْمُخْلَصِيْنَ ﴿٧٤﴾	مگر بند گان خالص ساختهٔ خدا (٧٤) .
وَلَقَدْ نَادٰىنَا نُوْحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيْبُوْنَ ﴿٧٥﴾	وهرآئينه آواز داد مارا نوح پس نيك قبول كننده دعائيم ما (٧٥) .
وَنَجَّيْنٰهُ وَاَهْلَهٗ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيْمِ ﴿٧٦﴾	ورهانيديم اوراواهلِ اورا از اندوه بزرگ (٧٦) .
وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهٗ هُمُ الْبٰقِيْنَ ﴿٧٧﴾	وساختيم اولاد اورا، ايشان را فقط باقی مانده (٧٧) .
وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْاٰخِرِيْنَ ﴿٧٨﴾	وگذاشتيم بروی ثنای نيك در پس ماند گان (٧٨) .
سَلٰمٌ عَلٰى نُوْحٍ فِي الْعٰلَمِيْنَ ﴿٧٩﴾	سلام بادبرنوح درعالم ها (٧٩) .
اِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٨٠﴾	هرآئينه ماهمچنين جزاميدهيم نيكوكاران را (٨٠) .
اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٨١﴾	هرآئينه اوازبند گان گرويدهٔ ماست (٨١) .
ثُمَّ اَغْرَقْنَا الْاٰخَرِيْنَ ﴿٨٢﴾	بازغرق ساختيم ديگران را (٨٢) .
وَاِنَّ مِنْ شِيْعَتِهٖ لَاِبْرٰهِيْمَ ﴿٨٣﴾	وهرآئينه ازاتباع نوح بود ابراهيم (٨٣) .
اِذْ جَآءَ رَبَّهٗ بِقَلْبٍ سَلِيْمٍ ﴿٨٤﴾	چون آمدپيش پروردگارخودبدل مبراازعيب (يعنی ازدوده شرك وشك) (٨٤) .
اِذْ قَالَ لِاَبِيْهِ وَقَوْمِهٖ مَاذَا تَعْبُدُوْنَ ﴿٨٥﴾	چون گفت به پدرخود وبقومِ خودچه چيزرا عبادت می كنيد (٨٥) .
اَئِفْكًا اٰلِهَةً دُوْنَ اللّٰهِ تُرِيْدُوْنَ ﴿٨٦﴾	آيا به رای فاسدِ خود معبودان را بجز خدامی جوئيد (٨٦) .
فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٨٧﴾	پس چيست گمانِ شما به پروردگارعالم ها (٨٧) .
فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُوْمِ ﴿٨٨﴾	پس درنگر يست ابراهيم يكبارنگريستن

درستاره ها (٨٨) .

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿٨٩﴾

پس گفت هرآئینه من بیمارم (٨٩) .

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿٩٠﴾

پس بازگشتند ازوی پشت‌گرداننده (٩٠) .

فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٩١﴾

پس پنهان متوجه شد بسوی معبودان ایشان پس گفت آیا نمی خورید (٩١) .

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ﴿٩٢﴾

چیست شمارا که سخن نمی‌گوئید (٩٢) .

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ﴿٩٣﴾

پس متوجه شدبرایشان می زد زدنی به قوت (٩٣) .

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ﴿٩٤﴾

پس روآوردند به ابراهیم شتاب کنان (٩٤) .

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿٩٥﴾

ابراهیم گفت آیامی پرستید چیزی را که خود می تراشید (٩٥) .

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾

وخداپیداکرد شمارا وآنچه می کنید (٩٦) .

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ﴿٩٧﴾

گفتند بایکدیگر بناکنید برای ابراهیم عمارتی پس بافگنید اورا درآتش بسیار (٩٧) .

فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾

پس قصد کردند باوی توطئه را پس ساختیم ایشان را زیرترین (٩٨) .

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٩٩﴾

وگفت ابراهیم که هرآئینه من رونده ام بسوی پروردگارخود راه خواهد نمود مرا (٩٩) .

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٠٠﴾

ای پروردگار من عطاکن مرا ازشائسته کاران (١٠٠) .

فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿١٠١﴾

پس بشارت دادیم اورا به نوجوانی بُردباری (١٠١) .

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ ۚ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ

پس چون رسید آن طفل بآن سن که سعی تواندکرد همراه والد خود ابراهیم گفت ای پسركِ من هرآئینه من می بینم درخواب

سَتَجِدُنِیٓ اِنْ شَآءَ اللّٰهُ مِنَ الصّٰبِرِیْنَ ﴿١٠٢﴾

که من ذبح میکنم ترا پس درنگر تاچه چیز بخاطر تومیرسد گفت ای پدرمن بکن آنچه فرموده میشود ترا خواهی یافت مرا ا گرخداخواسته است از شکیبائی کنندگان (١٠٢) .

فَلَمَّآ اَسْلَمَا وَتَلَّهٗ لِلْجَبِیْنِ ﴿١٠٣﴾

پس چون منقاد شدند هردو و پدر بافگند فرزندِ خود را برجانبِ پیشانی (١٠٣) .

وَنَادَیْنٰهُ اَنْ یّٰٓاِبْرٰهِیْمُ ﴿١٠٤﴾

وآوازدادیم ابراهیم را که ای ابراهیم (١٠٤) .

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّءْیَا ۚ اِنَّا کَذٰلِكَ نَجْزِی الْمُحْسِنِیْنَ ﴿١٠٥﴾

هرآئینه راست تعبیر کردی خواب را هرآئینه ماهمچنین جزامیدهیم نیکوکاران را (١٠٥) .

اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْبَلٰٓؤُا الْمُبِیْنُ ﴿١٠٦﴾

هرآئینه این ماجراامتحان ظاهرست (١٠٦) .

وَفَدَیْنٰهُ بِذِبْحٍ عَظِیْمٍ ﴿١٠٧﴾

وعوض اودادیم گوسفندی مهیابرای ذبح بزرگ جثه (١٠٧) .

وَتَرَکْنَا عَلَیْهِ فِی الْاٰخِرِیْنَ ﴿١٠٨﴾

وگذاشتیم بروی ثنای نیك درپس ماند گان (١٠٨) .

سَلٰمٌ عَلٰٓی اِبْرٰهِیْمَ ﴿١٠٩﴾

سلام بادبرابراهیم (١٠٩) .

کَذٰلِكَ نَجْزِی الْمُحْسِنِیْنَ ﴿١١٠﴾

هم چنین جزا میدهیم نیکوکاران را (١١٠) .

اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِیْنَ ﴿١١١﴾

هرآئینه وی ازبند گان گرویدهٔ ماست (١١١) .

وَبَشَّرْنٰهُ بِاِسْحٰقَ نَبِیًّا مِّنَ الصّٰلِحِیْنَ ﴿١١٢﴾

وبشارت دادیم اورا باسحق پیغامبری از شائستگان (١١٢) .

وَبٰرَکْنَا عَلَیْهِ وَعَلٰٓی اِسْحٰقَ ؕ وَمِنْ ذُرِّیَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَّظَالِمٌ لِّنَفْسِهٖ مُبِیْنٌ ﴿١١٣﴾

وبرکت دادیم برابراهیم وبراسحق وازاولاد ایشان بعضی نیکوکارست بعضی ستم کننده آشکاراست برخویشتن (١١٣) .

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١١٤﴾

وهرآئینه مااحسان کردیم برموسیٰ وهارون (١١٤) .

وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿١١٥﴾

ونجات دادیم ایشان را وقوم ایشان را ازاندوه بزرگ (١١٥) .

وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٦﴾

ونصرت دادیم ایشانرا پس ایشان بودند غالبان (١١٦) .

وَآتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾

ودادیم ایشان را کتاب واضح (١١٧) .

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٨﴾

ودلالت کردیم ایشانرا براه راست (١١٨) .

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ ﴿١١٩﴾

وباقی گذاشتیم برایشان ثنای نیك در پس ماند گان (١١٩) .

سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٠﴾

سلام باد برموسیٰ وهارون (١٢٠) .

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾

هرآئینه ماهمچنین جزامیدهیم نیکوکاران را (١٢١) .

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾

هرآئینه ایشان ازبند گان گرویدهٔ مایند (١٢٢) .

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾

وهرآئینه الیاس ازفرستادگان بود (١٢٣) .

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾

چون گفت بقوم خود آیا پرهیزگاری نمی کنید (١٢٤) .

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿١٢٥﴾

ایاپرستش می کنید بَعل را (وبَعل نام بتی ست) وترك میکنید نیکوترین آفرینند گانرا (١٢٥) .

اللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾

ترك می کنید خدارا پروردگارشما و پروردگارپدران نخستین شما (١٢٦) .

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾

پس دروغگو پنداشتند اورا پس هرآئینه آنجماعت حاضر کردگانند[1] (١٢٧) .

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٢٨﴾

مگر بند گان خالص کرده خدا (١٢٨) .

---

(١) یعنی دردوزخ .

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٢٩﴾
وگذاشیتم برالیاس ثنای نیك در پس ماند گان (١٢٩) .

سَلَامٌ عَلَىٰ إِلْ يَاسِينَ ﴿١٣٠﴾
سلام باد برالیاس (١٣٠) .

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾
هرآئینه ماهم چنین جزامیدهیم نیکوکاران را (١٣١) .

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾
هرآئینه وی بود از بند گان گرویدهٔ ما (١٣٢) .

وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٣﴾
وهرآئینه لوط بود ازفرستادگان (١٣٣) .

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٣٤﴾
یادکن چون نجات دادیم اورا و اهل خانه اورا همه یك جا (١٣٤) .

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٣٥﴾
مگر پیرزنی که بود ازباقی ماند گان (١٣٥) .

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ﴿١٣٦﴾
بازهلاك ساختیم آن دیگران را (١٣٦) .

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ﴿١٣٧﴾
وهرآئینه شما گذر میکنید برمساکنِ آن قوم صبح کنان (١٣٧) .

وَبِاللَّيْلِ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٣٨﴾
وبوقت شب نیز آیا درنمی یابید (١٣٨) .

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾
وهرآئینه یونس بود ازفرستادگان (١٣٩) .

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾
چون گریخت بسوی کشتی پُرکرده شده (١٤٠) .

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾
پس قرعه انداخت باهل کشتی پس شدازمغلوبان (١٤١) .

فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾
پس فروبرد اوراماهی واو کننده بودکاری را که موجب ملامت باشد (١٤٢) .

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾
پس ا گرنه آنست که وی ازتسبیح کنند گان می بود(١٤٣) .

لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾
البته باقی می ماننددرشکمِ ماهی تاروزیکه مردمان برانگیخته شوند (١٤٤) .

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾
پس پرتافتیم اورا به زمین بی گیاه واو

	بیمار بود (١٤٥) .
وَاَنْۢبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَّقْطِيْنٍ ﴿١٤٦﴾	وررویانیدیم برسرِاودرختی ازقسمِ کدو (١٤٦) .
وَاَرْسَلْنٰهُ اِلٰى مِائَةِ اَلْفٍ اَوْ يَزِيْدُوْنَ ﴿١٤٧﴾	وفرستادیم اورابسوی صدهزار یا بیشترازآن باشند (١٤٧) .
فَاٰمَنُوْا فَمَتَّعْنٰهُمْ اِلٰى حِيْنٍ ﴿١٤٨﴾	پس ایمان آوردند پس بهره مند ساختیم ایشان را تامدتی (١٤٨) .
فَاسْتَفْتِهِمْ اَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُوْنَ ﴿١٤٩﴾	پس استفسار کن ازمشرکان آیاپرورد گارترا دختر انست وایشان را پسران (١٤٩) .
اَمْ خَلَقْنَا الْمَلٰٓئِكَةَ اِنَاثًا وَّهُمْ شٰهِدُوْنَ ﴿١٥٠﴾	آیاآفریدیم فرشتگان را زنها وایشان حاضر بودند (١٥٠) .
اَلَآ اِنَّهُمْ مِّنْ اِفْكِهِمْ لَيَقُوْلُوْنَ ﴿١٥١﴾	آگاه باش هرآئینه ایشان ازدروغ گوئی خودمی گویند (١٥١) .
وَلَدَ اللّٰهُ ۙ وَاِنَّهُمْ لَكٰذِبُوْنَ ﴿١٥٢﴾	که بزادخدای تعالی هرآئینه ایشان دروغ گویانند (١٥٢) .
اَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِيْنَ ﴿١٥٣﴾	آیااختیارکرد دختران را برپسران (١٥٣) .
مَا لَكُمْ ۟ كَيْفَ تَحْكُمُوْنَ ﴿١٥٤﴾	چیست شمارا چگونه حکم می کنید (١٥٤) .
اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿١٥٥﴾	آیا نمی اندیشید (١٥٥) .
اَمْ لَكُمْ سُلْطٰنٌ مُّبِيْنٌ ﴿١٥٦﴾	آیاشماراحجتی واضح است (١٥٦) .
فَاْتُوْا بِكِتٰبِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿١٥٧﴾	پس بیارید کتاب خود را ا گرهستید راست گو (١٥٧) .
وَجَعَلُوْا بَيْنَهٗ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا ؕ وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ اِنَّهُمْ لَمُحْضَرُوْنَ ﴿١٥٨﴾	ومقررکردندکافران میان خدای تعالی ومیان جنیان خویشی را وهرآئینه دانسته اندجنیان که ایشان البته حاضر کردگانند[1] (١٥٨) .

(١) یعنی برای حساب و عذاب .

سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يَصِفُوْنَ ﴿١٥٩﴾

پاکیست خدای رااز‌آن چه بیان میکنند (١٥٩) .

اِلَّا عِبَادَ اللّٰهِ الْمُخْلَصِيْنَ ﴿١٦٠﴾

مگربندگان خالص کردهٔ خدا[١] (١٦٠) .

فَاِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُوْنَ ﴿١٦١﴾

پس هرآئینه شمااى کافران وآنچه می پرستید[٢] (١٦١) .

مَآ اَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفٰتِنِيْنَ ﴿١٦٢﴾

نیستید همه گمراه کننده برای عبادت آن معبود باطل (١٦٢) .

اِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيْمِ ﴿١٦٣﴾

مگر کسی را که اودر آیندهٔ دوزخ ست درعلم الهی (١٦٣) .

وَمَا مِنَّآ اِلَّا لَهٗ مَقَامٌ مَّعْلُوْمٌ ﴿١٦٤﴾

وفرشتگان گفتند نیست هیچکس ازما مگراوراجائیست مقرر (١٦٤) .

وَّاِنَّا لَنَحْنُ الصَّآفُّوْنَ ﴿١٦٥﴾

وهرآئینه ماصف کشندگانیم (١٦٥) .

وَاِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُوْنَ ﴿١٦٦﴾

وهرآئینه ما تسبیح گویندگانیم (١٦٦) .

وَاِنْ كَانُوْا لَيَقُوْلُوْنَ ﴿١٦٧﴾

وهرآئینه کافران عرب میگفتند (١٦٧) .

لَوْ اَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْاَوَّلِيْنَ ﴿١٦٨﴾

اگربودی پیش ماخبری ازپیشینیان (١٦٨) .

لَكُنَّا عِبَادَ اللّٰهِ الْمُخْلَصِيْنَ ﴿١٦٩﴾

البته می شدیم بندگان خالص ساختهٔ خدا (١٦٩) .

فَكَفَرُوْا بِهٖ فَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ ﴿١٧٠﴾

بازکافرشدند بآن قرآن پس خواهند دانست عاقبت کاررا (١٧٠) .

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِيْنَ ﴿١٧١﴾

وهرآئینه سابقًا صادرشده وعدهٔ مابرای بندگان فرستاده خویش (١٧١) .

اِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُوْرُوْنَ ﴿١٧٢﴾

هرآئینه پیغامبران ایشانند نصرت دادگان (١٧٢) .

وَاِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغٰلِبُوْنَ ﴿١٧٣﴾

وهرآئینه لشکرماالبته ایشانند غالب(١٧٣) .

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتّٰى حِيْنٍ ﴿١٧٤﴾

پس روبگردان ازایشان مدتی (١٧٤) .

---

(١) یعنی بیان مخلصان موافقِ واقع ست .

(٢) یعنی بتان .

وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٥﴾

وبنگر ایشان را پس ایشان نیز خواهند دید (۱۷۵) .

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾

آیااین کافران عذاب مارابشتاب می طلبند (۱۷٦) .

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٧﴾

پس چون فرود آید عذاب بمیدانِ ایشان بدباشد بامدادِ بیم کردگان (۱۷۷) .

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٨﴾

وروبگردان ازایشان تامدتی (۱۷۸) .

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٩﴾

وبنگر پس ایشان نیز خواهند دید (۱۷۹) .

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾

پاکی ست پروردگار تراخداوندِ غلبه ازآنچه این جماعت بیان می کنند (۱۸۰) .

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾

وسلام بادبرفرستادگانِ خدا (۱۸۱) .

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾

وسپاس خدای راست پروردگار عالم ها (۱۸۲) .

سوره ص مکی است وآن نودونه آیت وپنج رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

صٓ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ﴿١﴾

قسم بقرآن خداوندِ پند (که آنچه بآن دعوت میکنی راست است) (۱) .

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ﴿٢﴾

بلکه کافران درسرکشی ومخالفت اند (۲) .

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوْا وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ ﴿٣﴾

چقدر هلاك کردیم پیش ازایشان قرنهارا پس فریاد برآوردند ونبود آن وقت خلاصی (۳) .

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ ۖ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَٰذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾

و تعجب کردند ازآنکه بیامد بایشان بیم کننده ازقوم ایشان و گفتند این کافران این شخص جادو گردروغگوئیست (٤) .

أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلَٰهًا وَاحِدًا ۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ﴿٥﴾

آیا گردانید معبودان متعدد را یك معبود

هرآئینه این چیزی ست عجیب (٥) .

وَانْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهَتِكُمْ ۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ﴿٦﴾

وبرفتند اشراف ازایشان بایکدیگرگویان که بروید و شکیبائی کنید برعبادت معبودان خود هرآئینه این دین نوفتنه است که اراده کرده شده است (٦) .

مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَٰذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ ﴿٧﴾

نه شنیدیم این قول را دردین پسین[١] نیست این مگرافتراء (٧) .

أَأُنْزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا ۚ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي ۖ بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ﴿٨﴾

آیافرود آورده شد برین شخص قرآن ازمیان ما بلکه این کافران درشك انداز پندمن بلکه هنوز نچشیده اند عذاب مرا (٨) .

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ﴿٩﴾

آیانزد ایشانست ازخزانه های رحمت پرورد گارغالب بخشاینده تو (٩) .

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ﴿١٠﴾

آیاایشانراست پادشاهی آسمان ها وزمین وآنچه درمیان آنها ست پس بایدکه بالاروند آویخته بریسمانها[٢] (١٠) .

جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ ﴿١١﴾

لشکری هست آنجا شکست داده شده ازجمله گروه ها[٣] (١١) .

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿١٢﴾

دروغ داشتند پیش ازایشان قوم نوح وعاد وفرعون خداوند میخها[٤] (١٢) .

وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ ۚ أُولَٰئِكَ الْأَحْزَابُ ﴿١٣﴾

وثمود وقوم لوط ساکنانِ ایکه (تکذیب کردند) ایشان بودند گروه های بسیار

---

(١) یعنی قرآن آخر که ماآن را دریا فتیم والله اعلم .

(٢) یعنی بریسمان آویخته هم نمی توانند که بآسمان روند پس چطور پادشاهی والله اعلم .

(٣) یعنی ازجنس گروه هاکه باانبیاء مخالفت کردند .

(٤) یعنی بچه هارا به میخ تعذیب می کرد .

وقوى (١٣) .

إِنْ كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ﴿١٤﴾

نیست هیچ کس ازایشان مگر تکذیب کرد پیغامبران را پس حتمی شد عقوبت من (١٤) .

وَمَا يَنظُرُ هَٰؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِن فَوَاقٍ ﴿١٥﴾

وانتظار نمی برند کفار این عصر مگریك نعرهٔ تند را یعنی نفخه قیامت که نه باشد آنرا هیچ توقف (١٥) .

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٦﴾

وگفتند (بطریق استهزا) ای پرورد گار ماشتاب ده مارا سرنوشت ماازعقوبت پیش از روزِ حساب (١٦) .

اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ ۖ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿١٧﴾

صبر کن برآنچه میگویند ویادکن بنده ماداؤد خداوند قوت را هرآئینه اورجوع کننده بود[1] (١٧) .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴿١٨﴾

هرآئینه رام ساختیم همراه اوکوه هارا تسبیح میگفتند به وقت شام وصباح (١٨) .

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً ۖ كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ ﴿١٩﴾

ورام ساختیم مرغانرا بهم آورده هریکی برای اوفرمانبردار بود (١٩) .

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ ﴿٢٠﴾

ومحکم کردیم پادشاهی اورا ودادیمش حکمت وسخن واضح (٢٠) .

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ﴿٢١﴾

و[2] آیاآمده است پیش توخبرگروهِ خصومت کننده بایکدیگر چون ازدیوار جسته داخل شدند بمسجد (٢١) .

إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ ۖ خَصْمَانِ بَغَىٰ

چون درآمدند برداؤد پس بترسید ازایشان

---

(١) یعنی بسوی خدا .

(٢) مترجم گوید که دأود علیه السلام نودونه زن داشت مع هذازن دیگر که در خطبهٔ شخصی یا درنکاح اوبود درخواست کرد خدای تعالی فرشتگان را بجهت تنبیه داؤد بشکل خصوم متمثل ساخت اشارت باین قصه است درین آیات والله اعلم.

بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿٢٢﴾

گفتند مترس ما دوخصومت كننده ايم ستم كرده است بعض مابربعض پس حكم كن ميان مابراستى وجور مكن ودلالت كن مارا براه راست (٢٢) .

إِنَّ هَٰذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿٢٣﴾

اين برادر من ست بدست اوست نودونه ميش وپيش من يك ميش ست پس گفت اين شخص بمن بسپاراين يك ميش را ودرشتى كرد بامن درسخن گفتن(٢٣) .

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿٢٤﴾

گفت داؤد هرآئينه ستم كرد برتو بخواستنِ ميشِ توتابهم آرد بميشهاى خود وهرآئينه بسيارى ازشريكان ستم مى كنند بعضِ ايشان بربعضى مگرآنانكه ايمان آوردند وكارهاى شائسته كردند واندك اندايشان وشناخت داؤد كه ماآزموده ايم اورا پس طلبِ آمرزش كرداز پرورد گارخود و بيفتاد سجده كنان وبازگشت بخدا (٢٤) .

فَغَفَرْنَا لَهُ ذَٰلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٢٥﴾

پس بيامرزيديم اوراآن لغزش اووهرآئينه اورانزد ما قربت ست ونيكوبازگشت ست (٢٥) .

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿٢٦﴾

گفتيم اى داؤد وهرآئينه ساختيم تراجانشين (پادشاه) درزمين پس حكم كن ميانِ مردمان براستى وپيروى مكن خواهش نفس را كه آن گمراه كند ترا ازراهِ خدا هرآئينه آنانكه گمراه مى شوند ازراهِ خدا ايشان راست عذابِ سخت بسبب آنكه فراموش كردند روزحساب را (٢٦) .

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ

ونيافريديم آسمان و زمين را وآنچه

الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَوَيْلٌ لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنَ النَّارِ ﴿٢٧﴾

درمیان این هاست بیهوده این گمان کافران ست پس وای کافران را ازعقوبت آتش (٢٧) .

اَمْ نَجْعَلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ كَالْمُفْسِدِيْنَ فِي الْاَرْضِ اَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِيْنَ كَالْفُجَّارِ ﴿٢٨﴾

آیامیسازیم آنان را که ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند مانند فساد کنندگان درزمین آیامی سازیم پرهیزگاران رامانند بدکاران (٢٨) .

كِتٰبٌ اَنْزَلْنٰهُ اِلَيْكَ مُبٰرَكٌ لِّيَدَّبَّرُوْٓا اٰيٰتِهٖ وَلِيَتَذَكَّرَ اُولُوا الْاَلْبَابِ ﴿٢٩﴾

این قرآن کتابیست بابرکت که فرود آوردیم اورابسوی توتا مردمان تأمل کنند درآیات او وتاپند گیرند خداوندان خرد (٢٩) .

وَوَهَبْنَا لِدَاوٗدَ سُلَيْمٰنَ ۭ نِعْمَ الْعَبْدُ ۭ اِنَّهٗٓ اَوَّابٌ ﴿٣٠﴾

وعطاکردیم داوٗد رافرزندی سلیمان نام نیکوبنده بودسلیمان هرآئینه اورجوع کننده بودبخدا (٣٠) .

اِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصّٰفِنٰتُ الْجِيَادُ ﴿٣١﴾

یادکن چون نموده شداوراوقت شامگاه اسپانِ تیزرو (٣١) .

فَقَالَ اِنِّيْٓ اَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّيْ ۚ حَتّٰى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿٣٢﴾

پس گفت هرآئینه دوست داشتم این اسپان را ازقبیل رغبت بمال اعراض کنان ازذکر پرورد گارخودتاآنکه پنهان شد آفتاب درپرده(١) (٣٢) .

رُدُّوْهَا عَلَيَّ ۭ فَطَفِقَ مَسْحًۢا بِالسُّوْقِ وَالْاَعْنَاقِ ﴿٣٣﴾

بازگردانیداین اسپانرا برمن پس شروع کرددست رسانیدن بساقهاوگردن ها(٢) (٣٣) .

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمٰنَ وَاَلْقَيْنَا عَلٰي كُرْسِيِّهٖ جَسَدًا ثُمَّ اَنَابَ ﴿٣٤﴾

وهرآئینه آزمودیم سلیمان را وانداختیم برتخت اوکالبدی بازرجوع

---

(١) یعنی نمازعصر فوت شد .

(٢) یعنی ذبح کرده ساق آنهارابریده ازجهت غیرت برذکر خدای تعالی والله اعلم .

کردبخدا[1] (۳٤) .

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِيْ وَهَبْ لِيْ مُلْكًا لَّا يَنْبَغِيْ لِاَحَدٍ مِّنْ بَعْدِيْ ۚ اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿۳۵﴾

گفت ای پروردگارمن بیامرزمرا وعطا کن مراآن پادشاهی که راست نیاید هیچکس را غیرازمن هرآئینه توئی بخشاینده (۳۵) .

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيْحَ تَجْرِيْ بِاَمْرِهٖ رُخَآءً حَيْثُ اَصَابَ ﴿۳۶﴾

پس مسخر گردانیدیم برای او باد را میرفت به فرمان اوبآهستگی روان شده هرجاکه خواسته باشد (۳٦) .

وَالشَّيٰطِيْنَ كُلَّ بَنَّآءٍ وَّغَوَّاصٍ ﴿۳۷﴾

ومسخر گردانیدیم دیوان را هرعمارت بناکننده وهرفرورونده بدریا (۳۷) .

وَّاٰخَرِيْنَ مُقَرَّنِيْنَ فِي الْاَصْفَادِ ﴿۳۸﴾

ومسخر گردانیدیم دیوانِ دیگررادست وپابهم بسته درزنجیرها (۳۸) .

هٰذَا عَطَآؤُنَا فَامْنُنْ اَوْ اَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۳۹﴾

گفتیم این ست بخشش ما پس عطا کن یانگاهدار بغیر آنکه باتوحساب کرده شود (۳۹) .

وَاِنَّ لَهٗ عِنْدَنَا لَزُلْفٰى وَحُسْنَ مَاٰبٍ ﴿۴۰﴾

وهرآئینه اورانزد ماقربت ست ونیکوبازگشت ست (٤٠) .

وَاذْكُرْ عَبْدَنَآ اَيُّوْبَ ۘ اِذْ نَادٰى رَبَّهٗٓ اَنِّيْ مَسَّنِيَ الشَّيْطٰنُ بِنُصْبٍ وَّعَذَابٍ ﴿۴۱﴾

ویادکن بندهٔ ما ایوب را چون نداکرد به پروردگارخودکه دست رسانیده است مراشیطان برنجوری ودرد (٤١) .

اُرْكُضْ بِرِجْلِكَ ۚ هٰذَا مُغْتَسَلٌۢ بَارِدٌ وَّشَرَابٌ ﴿۴۲﴾

گفتیم بزن زمین را به پای خودنا گهان آن چشمه باشد که مهیابرای غسل سرد بود وآشامیدنی باشد (٤٢) .

---

(۱) مترجم گوید سلیمان علیه السلام ازامراء خود منغص شد و بخاطر آوردکه امشب باصدزن جماع کنم و هرزنی پسری زاید وهریکی شهسواری باشد جهاد کننده مراااحتیاج متعلق امرا نافتد فرشته گفت انشاء الله بگوسلیمان سهو کردپس هیچ زن حامله نشدالّایك زن طفل ناقص الخلقت زاد و آن طفل را بر تخت سلیمان انداختند سلیمان علیه السلام متنبه شدو رجوع به رب العزت کرد والله اعلم .

وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ أَهْلَهُۥ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿٤٣﴾

وعطاکردیم اورااهل خانه اوومانند ایشان همراه ایشان بخشائشی ازنزد خود وپندی خداوندانِ خرد را (٤٣) .

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَٱضْرِب بِّهِۦ وَلَا تَحْنَثْ ۗ إِنَّا وَجَدْنَٰهُ صَابِرًا ۚ نِّعْمَ ٱلْعَبْدُ ۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ﴿٤٤﴾

وگفتیم بگیر بدست خود دسته شاخهاپس بزن بآن[1] وخلاف سوگند مکن هرآئینه مااورایافتیم شکیبا نیك بنده بود ایوب هرآئینه اورجوع کننده بخدا بود[2] (٤٤) .

وَٱذْكُرْ عِبَٰدَنَآ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ أُو۟لِى ٱلْأَيْدِى وَٱلْأَبْصَٰرِ ﴿٤٥﴾

ویادکن بندگان ماابراهیم واسحق ویعقوب را خداوندان دست ها وچشم ها[3] (٤٥) .

إِنَّآ أَخْلَصْنَٰهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى ٱلدَّارِ ﴿٤٦﴾

هرآئینه مایکروساختیم ایشانرا برای خصلتی پاك که یادکردن آخرت ست(٤٦) .

وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ ٱلْمُصْطَفَيْنَ ٱلْأَخْيَارِ ﴿٤٧﴾

وهرآئینه ایشان نزد ماازبرگزید گان نیکان بودند(٤٧) .

وَٱذْكُرْ إِسْمَٰعِيلَ وَٱلْيَسَعَ وَذَا ٱلْكِفْلِ ۖ وَكُلٌّ مِّنَ ٱلْأَخْيَارِ ﴿٤٨﴾

ویادکن اسماعیل والیسع وذوالکفل را وهریکی ازنیکان بودند (٤٨) .

هَٰذَا ذِكْرٌ ۚ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَـَٔابٍ ﴿٤٩﴾

این قرآن پندی هست وهرآئینه پرهیزگاران را نیك بازگشت ست (٤٩) .

جَنَّٰتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ ٱلْأَبْوَٰبُ ﴿٥٠﴾

بوستانهای دائم ست کشاده کرده برای ایشان دروازه ها (٥٠) .

مُتَّكِـِٔينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَٰكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥١﴾

تکیه کنان درآنجا می‌طلبند آنجامیوهٔ بسیار وشراب را (٥١) .

---

(١) یعنی زن خودرا .

(٢) یعنی ایوب علیه السلام سوگند خورده بودکه زن خودراصدضربه بزند خدای تعالیٰ بروی سهل ساخت .

(٣) یعنی علم وعمل هردوبکمال داشتند والله اعلم .

وَعِنْدَهُمْ قٰصِرٰتُ الطَّرْفِ اَتْرَابٌ ﴿٥٢﴾

ونزد ایشان باشند زنان فرودآرِنده چشم هم عمر بایکدیگر (٥٢) .

هٰذَا مَا تُوْعَدُوْنَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٣﴾

این ست آنچه وعده داده میشود شمارا برای روز حساب (٥٣) .

اِنَّ هٰذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهٗ مِنْ نَّفَادٍ ﴿٥٤﴾

هرآئینه این رزق ماست نباشد آنرا هیچ زوال (٥٤) .

هٰذَا ۭ وَاِنَّ لِلطّٰغِيْنَ لَشَرَّ مَاٰبٍ ﴿٥٥﴾

این ست جزا وهر آئینه ازحد گذشتگان را بدبازگشتی باشد (٥٥) .

جَهَنَّمَ ۚ يَصْلَوْنَهَا ۚ فَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٥٦﴾

که دوزخ است درآیند آنجاپس بدآرام گاه است (٥٦) .

هٰذَا ۙ فَلْيَذُوْقُوْهُ حَمِيْمٌ وَّغَسَّاقٌ ﴿٥٧﴾

این عذاب آب گرم ست وزرداب ست پس باید که بچشید آنرا (٥٧) .

وَّاٰخَرُ مِنْ شَكْلِهٖٓ اَزْوَاجٌ ﴿٥٨﴾

وعذابی دیگرست مانند این انواع مختلف (٥٨) .

هٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ ۚ لَا مَرْحَبًۢا بِهِمْ ۭ اِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ ﴿٥٩﴾

این[(١)] قومیست درآینده بآتش همراه شما متبوعان گویند زمین کشاده مباد برایشان هرآئینه ایشان درآیندگان آتش اند (٥٩) .

قَالُوْا بَلْ اَنْتُمْ ۣ لَا مَرْحَبًۢا بِكُمْ ۭ اَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوْهُ لَنَا ۚ فَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٦٠﴾

تابعان گویند بلکه بر شمازمین کشاده مباد شماپیش آوردید عذاب را برای ما پس بدقرارگاهی ست دوزخ (٦٠) .

قَالُوْا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هٰذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿٦١﴾

گویند ای پرورد گارماهرکه آئین قدیم ساخته باشد برای ماکفر پس زیاده بکن درحق اوعقوبت درآتش (٦١) .

وَقَالُوْا مَا لَنَا لَا نَرٰى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْاَشْرَارِ ﴿٦٢﴾

وگفتند اهل دوزخ چیست مارا که نمی بینیم مردانی را که می شمردیم ایشانرا

---

(١) چون تابعان خواهند که بدوزخ درآیند متبوعان راگفته شود .

ازبدان[1] (٦٢) .

أَتَّخَذْنٰهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ﴿٦٣﴾
آیا مسخره میگرفتیم ایشان را یابرگشته است ازایشان دیده ها (٦٣) .

إِنَّ ذٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ﴿٦٤﴾
هرآئینه این راست ست مراد ازآن خصومت کردنِ اهل دوزخ ست بایکدیگر (٦٤) .

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنْذِرٌ ۖ وَمَا مِنْ إِلٰهٍ إِلَّا اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾
بگوجزاین نیست که من ترساننده ام ونیست هیچ معبود برحق مگر خدای یگانه زیادقوتمند (٦٥) .

رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٦٦﴾
پرورد گار آسمان ها وزمین وآنچه میان این هاست غالب آمرزگار (٦٦) .

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾
بگواین خبری بزرگ ست (٦٧) .

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾
شماازوی روگرداننده اید (٦٨) .

مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾
نیست مراهیچ دانش بحال این جماعت بلند قدر ازفرشتگان چون بایکدیگر سوال وجواب میکنند (٦٩) .

إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٧٠﴾
وحی فرستاده نمی شود بسوی من مگر آنکه من ترسانندۀ آشکارم (٧٠) .

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ ﴿٧١﴾
ویادکن چون گفت پرورد گارتوبه فرشتگان هرآئینه من آفریننده ام آدمی را ازگِل (٧١) .

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سٰجِدِينَ ﴿٧٢﴾
پس چون راست کنم اورا وبدمم دروی روح خود را پس درافتید اورا سجده کنان (٧٢) .

فَسَجَدَ الْمَلٰئِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٧٣﴾
پس سجده کردند فرشتگان تمام ایشان همه یك جا (٧٣) .

(١) یعنی فقراء مسلمین .

إِلَّآ إِبۡلِيسَ ٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٧٤﴾

مگر شیطان سرکشی کرد وشد ازکافران (٧٤) .

قَالَ يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسۡجُدَ لِمَا خَلَقۡتُ بِيَدَيَّۖ أَسۡتَكۡبَرۡتَ أَمۡ كُنتَ مِنَ ٱلۡعَالِينَ ﴿٧٥﴾

گفت خدااى شیطان چه چیزبازداشت تراازآنکه سجده کنی چیزی را که آفریدمش بدودستِ خودآیاتکبر کردی یا بحقیقت هستی ازبلند قدران (٧٥) .

قَالَ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡهُ خَلَقۡتَنِي مِن نَّارٖ وَخَلَقۡتَهُۥ مِن طِينٖ ﴿٧٦﴾

گفت من بهترم ازوی آفریدی مرااز آتش وآفریدی اورا ازگِل (٧٦) .

قَالَ فَٱخۡرُجۡ مِنۡهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٞ ﴿٧٧﴾

گفت بیرون شوازبهشت هرآئینه تورانده شده ای(٧٧) .

وَإِنَّ عَلَيۡكَ لَعۡنَتِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ﴿٧٨﴾

وهرآئینه برتو لعنت من باد تا روزجزا (٧٨) .

قَالَ رَبِّ فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ﴿٧٩﴾

گفت ای پروردگار من پس مهلت ده مرا تاآنروز که برانگیخته شوند مردمان (٧٩) .

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ ﴿٨٠﴾

گفت هرآئینه توازمهلت دادگانی (٨٠) .

إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ ﴿٨١﴾

تا روزآن وقت معین (٨١) .

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٨٢﴾

گفت شیطان پس قسم بعزت توکه البته گمراه کنم ایشانرا همه (٨٢) .

إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ﴿٨٣﴾

الّابندگان خالص کردۀ توازایشان (٨٣) .

قَالَ فَٱلۡحَقُّ وَٱلۡحَقَّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾

فرمود پس سخن راست ست این و سخن راست میگویم (٨٤) .

لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٨٥﴾

البته پرکنم دوزخ را ازتووازآنانکه پیروی تو کنندازایشان همه یکجا (٨٥) .

قُلۡ مَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُتَكَلِّفِينَ ﴿٨٦﴾

بگوسوال نمی کنم ازشمابرتبلیغ قرآن هیچ مزدی را ونیستم ازتکلف کنندگان[1] (٨٦) .

---

(١) یعنی دعوی وحی‌نه کنم بغیر تحقیق .

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِينَ ﴿٨٧﴾
وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿٨٨﴾

نیست قرآن مگرپندی عالم هارا (٨٧) .
والبته خواهید دانست صدق آنرابعد زمانی(٨٨) .

سوره زمر مکی است وآن هفتاد پنج آیت و هشت رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشایندهٔ مهربان .

تَنْزِيلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾
فروفرستادنِ این کتاب ازجانب خدای غالب باحکمت ست (١) .

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللّٰهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّينَ ﴿٢﴾
هرآئینه مافروفرستادیم بسوی تو کتاب را براستی پس عبادت کن خدارا خالص کرده برای اوپرستش را (٢) .

أَلَا لِلّٰهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۚ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللّٰهِ زُلْفٰى ۖ إِنَّ اللّٰهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كٰذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾
آگاه باش مرخدارا است[1] پرستش کردن خالص[2] وآنانکه دوستان گرفتند بجز خدا (و گفتند)عبادت نمی کنیم ایشان را مگربرای آنکه نزدیك سازندمارا بخدا درمرتبه قرب هرآئینه خداحکم میکند میان ایشان درآنچه ایشان درآن اختلاف دارند هر آئینه خدا راه نمی نماید کسی را که اودروغگو بسیارناسپاس است (٣) .

لَوْ أَرَادَ اللّٰهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّاصْطَفٰى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ سُبْحٰنَهُ ۖ هُوَ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٤﴾
ا گرخواستی خدا که فرزند گیرد البته بر گزیدی ازآنجمله که خلق کرده ست چیزی را که میخواست پاکی اوراست اوست خدای یگانه باقوت (٤) .

---

(١) یعنی مقبول نزد اوست .
(٢) یعنی بغیر شرك .

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ یُكَوِّرُ الَّیْلَ عَلَى النَّهَارِ وَیُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى الَّیْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۚ كُلٌّ یَّجْرِیْ لِاَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ اَلَا هُوَ الْعَزِیْزُ الْغَفَّارُ ﴿٥﴾

آفريد آسمان ها وزمين بتدبير درست مى پيچاند شب را برورز ومى پيچاند روزرا برشب ورام ساخت خورشيد وماه را هريكى ميرود درزمان معين آ گاه باش اوست غالب آمرزنده (٥) .

خَلَقَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَاَنْزَلَ لَكُمْ مِّنَ الْاَنْعَامِ ثَمٰنِیَةَ اَزْوَاجٍ ۚ یَخْلُقُكُمْ فِیْ بُطُوْنِ اُمَّهٰتِكُمْ خَلْقًا مِّنْۢ بَعْدِ خَلْقٍ فِیْ ظُلُمٰتٍ ثَلٰثٍ ۚ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ ۚ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ فَاَنّٰى تُصْرَفُوْنَ ﴿٦﴾

آفريدشمارا ازيك شخص بازبيافريد ازآن شخص زنش را وفروفرستاد براى شما ازچهارپايان هشت قسم[1] مى آفريند شمارا درشكم هاى مادران شمايك نوع آفريدن بعدازآفريدن ديگر درتاريكى هاى سه گانه[2] اين ست خداپروردگار شما اوراست پادشاهى نيست هيچ معبود برحق مگر اوپس از كجاگردانيده ميشويد(٦) .

اِنْ تَكْفُرُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِیٌّ عَنْكُمْ ۫ وَلَا یَرْضٰى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ ۚ وَاِنْ تَشْكُرُوْا یَرْضَهُ لَكُمْ ۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى ۚ ثُمَّ اِلٰى رَبِّكُمْ مَّرْجِعُكُمْ فَیُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ۚ اِنَّهٗ عَلِیْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿٧﴾

اگرناسپاسى كنيد پس هر آئينه خدا بى نيازست ازشماونمى پسندد درحق بندگان خود ناسپاسى را و اگرسپاسدارى كنيد پسندكند او را براى شما وبرندارد هيچ بردارنده بارِ ديگررا بازبسوى پروردگار شما بازگشت شماست پس خبردهد شمارا بآنچه مى كرديد هرآئينه اوداناست بمكنونِ سينه ها (٧) .

وَاِذَا مَسَّ الْاِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهٗ مُنِیْبًا اِلَیْهِ ثُمَّ اِذَا خَوَّلَهٗ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِیَ مَا كَانَ یَدْعُوْۤا اِلَیْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلّٰهِ

وچون برسد آدمى را رنجى دعا كند بجناب پرورد گارخودرجوع كرده بسوى اوبازچون عطاكندش نعمتى ازنزد

(١) يعنى نروماده ازشترگاوٌ گوسفند وبز والله اعلم .

(٢) يعنى مشيمه ورحم وبطن والله اعلم .

أَندَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِ ۚ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا ۖ إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ﴿٨﴾

خود فراموش سازد آنچه دعا میکرد بجهت اوپیش ازین ومقررکند برای خدا همسران راتاگمراه کند ازراهِ خدا بگوبهره مندباش بکفر خود اندك زمانی هرآئینه تو ازاهل دوزخی (٨) .

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ ۗ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٩﴾

(آیاآن ناسپاس مشرك بهترست) یا کسیکه اوعبادت کننده است درساعتهائی ازشب سجده کنان وایستاده شده می ترسد ازآخرت وامیدمیدارد رحمت پروردگار خودرا بگوآیا برابر میشوند آنانکه می دانند وآنانکه نمیدانند جزاین نیست که پندپذیر میشوند خداوندان خرد (٩) .

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ ۚ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۗ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ ۗ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾

بگو(یامحمد) ازطرف من ای بندگان من که ایمان آورده اید بترسید ازپروردگار خودمرآنانراکه نیکوکاری کردند درین دنیا حالت نیك باشد وزمین خدا کشاده است جزاین نیست که تمام داده میشودصابران را مزدایشان بیشمار[1] (١٠) .

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّينَ ﴿١١﴾

بگو هرآئینه فرموده شده مرا که عبادت کنم خدای را خالص ساخته برای اوپرستش (١١) .

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾

وفرموده شد مرابآنکه باشم نخستین مسلمانان (١٢) .

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣﴾

بگو هرآئینه من میترسم اگر نافرمانی پروردگارخود کنم ازعذاب روزِبزرگ (١٣) .

قُلِ اللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَّهُ دِينِي ﴿١٤﴾

بگوخدارا عبادت میکنم خالص ساخته

(١) درین آیت تعریض ست بهجرتِ حبشه .

برای اوپرستش خودرا[١] (١٤) .

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١٥﴾

پس عبادت کنید هرکرا خواهید بغیراز خدا بگوهرآئینه زیان کاران آنانند که درزیان دادند خویشتن را واهلِ خود را روز قیامت[٢] آ گاه باش این مقدمه همانست زیان ظاهر (١٥) .

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ ﴿١٦﴾

ایشان رااز بالای ایشان سایبانهاباشداز آتش واززیرایشان نیز سایبانهااین عذاب میترساندخدا بآن بند گان خود را ای بند گان من بترسید ازمن (١٦) .

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾

وآنانکه احتراز کردند ازبت ازآنکه عبادت کننداورا ورجوع کردند بسوی خدا ایشانراست مژده پس مژده ده آن بند گان مرا (١٧) .

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١٨﴾

کسانیکه می شنوندسخن پس پیروی می نمایند نیکوترین آن را ایشانند آنانکه هدایت کرده است ایشانرا خدا و ایشانند خداوندان خرد (١٨) .

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿١٩﴾

پس کسی که ثابت شد بروی وعدهٔ عذاب آیاتوخلاص توانی کردآن دوزخی را (١٩) .

لَٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ﴿٢٠﴾

لیکن آنانکه ترسیدندازپرورد گار خودایشانراست محل های بلند بالای آن محلهای دیگر عمارت کرده شده، میرود زیرآن جویهاوعده کرده است خدا

(١) یعنی ازشرك .

(٢) یعنی هلاك کردند خود را واهلِ خانهٔ خود را بضلال واضلال .

خلاف نمی کند خدا وعده را (۲۰) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَسَلَكَهٗ يَنَابِيْعَ فِي الْاَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهٖ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا اَلْوَانُهٗ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرٰىهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهٗ حُطَامًا ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَذِكْرٰى لِاُولِي الْاَلْبَابِ ﴿۲۱﴾

آیانه دیدی که خدافروفرستاد ازآسمان آب پس درآورد آن را به چشمه هادرزمین بازبرمی آرد بسبب آن کشت را گونا گون اقسامِ اوباز خشك میشود پس می بینی آنرا زرد شده بازمیکند آنراریزه ریزه هرآئینه دراین مقدمه پندی هست خداوندانِ خردرا (۲۱) .

اَفَمَنْ شَرَحَ اللّٰهُ صَدْرَهٗ لِلْاِسْلَامِ فَهُوَ عَلٰى نُوْرٍ مِّنْ رَّبِّهٖ ؕ فَوَيْلٌ لِّلْقٰسِيَةِ قُلُوْبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللّٰهِ ؕ اُولٰٓئِكَ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿۲۲﴾

آیاکسی که کشاده کرده است خدا سینۀ اورا برای دین اسلام پس او بر روشنی باشدازجانب پروردگارخود (مانند سخت دلان ست) پس وای آنانرا که سخت ست دل ایشان ازیادکردن خداایشانند درگمراهی ظاهر (۲۲) .

اَللّٰهُ نَزَّلَ اَحْسَنَ الْحَدِيْثِ كِتٰبًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ ۖ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُوْدُ الَّذِيْنَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ۚ ثُمَّ تَلِيْنُ جُلُوْدُهُمْ وَقُلُوْبُهُمْ اِلٰى ذِكْرِ اللّٰهِ ؕ ذٰلِكَ هُدَى اللّٰهِ يَهْدِيْ بِهٖ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ هَادٍ ﴿۲۳﴾

خدا نازل ساخت بهترین سخن، کتابی که بعض اومانند دیگر ست آیات دوتو[1] موی خیزمیشود ازشنیدن آن پوست های آنانکه میترسندازپرورد گار خود بعدازآن نرم میشود پوست های ایشان ودل های ایشان هنگام ذکر خدا این ست هدایت، خدا راه می نمایدبآن هرکرا خواهد وهرکرا گمراه کند خداپس نیست اورا هیچ راه نماینده (۲۳) .

اَفَمَنْ يَّتَّقِيْ بِوَجْهِهٖ سُوْٓءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ وَقِيْلَ

آیاکسی که احترازمی کند بروی خود ازسختی عذاب روزقیامت[2] و گفته شود

---

(۱) یعنی وعده یاوعید وانداریا بشارت .

(۲) یعنی بجز روی چیزی نیابد که عذاب را بآن نگه دارد وما نندااهل نجات باشد .

لِلظّٰلِمِيْنَ ذُوْقُوْا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُوْنَ ﴿٢٤﴾

ستمگاران را بچشید وبال آنچه میکردید (٢٤) .

كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاَتٰىهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُوْنَ ﴿٢٥﴾

بدروغ نسبت کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس بیامد بدیشان عذاب ازآنجاکه نمی دانستند (٢٥) .

فَاَذَاقَهُمُ اللّٰهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَكْبَرُ ۘ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴿٢٦﴾

پس چشانیدایشانرا خداخواری درزندگانی دنیا وهرآئینه عقوبتِ آخرت سخت ترست اگرمی دانستند (٢٦) .

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِيْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٢٧﴾

وهرآئینه بیان کردیم برای مردمان درین قرآن ازهرنوع داستان بُوَد که ایشان پند گیرند (٢٧) .

قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِيْ عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُوْنَ ﴿٢٨﴾

فروداوردیم قرآن عربی بی عیب بُوَد که ایشان پرهیزگاری کنند (٢٨) .

ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيْهِ شُرَكَآءُ مُتَشٰكِسُوْنَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ ۗ هَلْ يَسْتَوِيٰنِ مَثَلًا ۗ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ۚ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٢٩﴾

بیان کرد خدا مثال بنده ای که دروی شریکان مختلف اند وبندهٔ خالص برای مردی آیا برابرند درصفت ستائش خدای راست بلکه بیشترایشان نمیدانند[1] (٢٩) .

اِنَّكَ مَيِّتٌ وَّاِنَّهُمْ مَّيِّتُوْنَ ﴿٣٠﴾

(یا محمد) هرآئینه تو خواهی مُرد و هرآئینه ایشان خواهند مُرد (٣٠) .

ثُمَّ اِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُوْنَ ﴿٣١﴾

بازالبته شماروزقیامت نزد پروردگار خویش بایکدیگر خصومت خواهید کرد (٣١) .

---

(١) یعنی یك بنده که چند کس مالك اوباشند ضائع شود هم چنین کسی که معبودان بسیاررا پرستش میکند ضائع ست وبنده ای که خالص برای یك کس ست آن یك کس متولی جمیع امور اوباشد همچنین کسیکه موحد باشد و مخلص، خدا کارساز اوست والله اعلم .

فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللّٰهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ اِذْ جَآءَهٗ ؕ اَلَيْسَ فِيْ جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكٰفِرِيْنَ ﴿٣٢﴾

پس کیست ستمگارتر ازکسی که دروغ بربست برخدا ودروغ پنداشت دین راست را چون بیامدباو آیانیست دردوزخ جائی برای کافران (٣٢) .

وَالَّذِيْ جَآءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهٖۤ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُتَّقُوْنَ ﴿٣٣﴾

وآنکه آورد دین راست را وباورداشت آن را آنجماعت ایشانند متقیان (٣٣) .

لَهُمْ مَّا يَشَآءُوْنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ؕ ذٰلِكَ جَزٰٓؤُا الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٣٤﴾

ایشان راست آنچه خواهند نزد پروردگار ایشان اینست جزای نیکو کاران (٣٤) .

لِيُكَفِّرَ اللّٰهُ عَنْهُمْ اَسْوَاَ الَّذِيْ عَمِلُوْا وَيَجْزِيَهُمْ اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ الَّذِيْ كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٣٥﴾

تازائل کند خداازایشان بدترین آنچه کردند وبدهدایشان را مزدایشان بحسب نیکوترین آنچه می کردند (٣٥) .

اَلَيْسَ اللّٰهُ بِكَافٍ عَبْدَهٗ ؕ وَيُخَوِّفُوْنَكَ بِالَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهٖ ؕ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ هَادٍ ﴿٣٦﴾

آیا نیست خدا کارسازبندۀ خودرا ومی ترسانند ترا بآنانکه غیر خدا یند وهرکرا گمراه کند خدا پس نیست اوراهیچ راه نماینده (٣٦) .

وَمَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ مُّضِلٍّ ؕ اَلَيْسَ اللّٰهُ بِعَزِيْزٍ ذِي انْتِقَامٍ ﴿٣٧﴾

وهرکرا راه نماید خداپس نیست اورا هیچ گمراه کننده آیانیست خداغالب خداوند انتقام (٣٧) .

وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ لَيَقُوْلُنَّ اللّٰهُ ؕ قُلْ اَفَرَءَيْتُمْ مَّا تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ اَرَادَنِيَ اللّٰهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كٰشِفٰتُ ضُرِّهٖۤ اَوْ اَرَادَنِيْ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكٰتُ رَحْمَتِهٖ ؕ قُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ ؕ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُوْنَ ﴿٣٨﴾

وا گربه بپرسی ایشان را کِه آفرید آسمان ها وزمین را البته بگویند خداآفرید بگودیدید آن را که می پرستید بغیراز خدا اگرخواهد درحق من خدای تعالی سختی راآیااین بتان دفع کنندۀ سختی او هستند یاا گر خواهددرحق من بخشائشی آیااین بتان بازدارندۀ بخشائشِ اوهستند بگوبس ست مراخدا بروی توکل می کنند توکل کنند گان (٣٨) .

قُلْ يٰقَوْمِ اعْمَلُوْا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنِّيْ عَامِلٌ ۚ فَسَوْفَ

بگوای قوم من عمل کنید بروضعِ

تَعْلَمُوْنَ ﴿٣٩﴾

خودهرآئینه من نیز عمل کننده ام بروضعِ خود پس خواهید دانست (٣٩) .

مَنْ يَّاْتِيْهِ عَذَابٌ يُّخْزِيْهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيْمٌ ﴿٤٠﴾

کسی را که بیایدش عذابی که رسواکندش فرودآید بروی عذاب دائم (٤٠) .

اِنَّآ اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتٰبَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ ۚ فَمَنِ اهْتَدٰى فَلِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۚ وَمَآ اَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيْلٍ ﴿٤١﴾

هرآئینه مافرود آوردیم برتو کتاب را برای مردمان براستی پس هرکه راه یاب شد پس نفع اوراست وهرکه گمراه شد پس جزاین نیست که گمراه میشود به ضررِ خود ونیستی برایشان نگهبان (٤١) .

اَللّٰهُ يَتَوَفَّى الْاَنْفُسَ حِيْنَ مَوْتِهَا وَالَّتِيْ لَمْ تَمُتْ فِيْ مَنَامِهَا ۚ فَيُمْسِكُ الَّتِيْ قَضٰى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْاُخْرٰٓى اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿٤٢﴾

خدای تعالی قبض ارواح میکند هنگام موت آن ها وآن روح که نه مرده است قبض آن میکند در خواب آن پس نگاه میدارد آن را که حکم موت کرده است بروی ومی گذارد آن دیگررا تاوقتی معین هرآئینه درین مقدمه نشانه هاست برای قومی که تأمل می کنند (٤٢) .

اَمِ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ شُفَعَآءَ ۭ قُلْ اَوَلَوْ كَانُوْا لَا يَمْلِكُوْنَ شَيْـًٔا وَّلَا يَعْقِلُوْنَ ﴿٤٣﴾

آیا شفاعت کنند گان گرفته اند بغیراز خدا بگو(ایشان را که گرفتید)ا گرچه نمی توانستندهیچ کاری ونمی دانستند (٤٣) .

قُلْ لِّلّٰهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيْعًا ۭ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿٤٤﴾

بگو دراختیار خداست شفاعت همه یك جا مر اوراست پادشاهی آسمان ها وزمین بازبسوی اوگردانیده خواهید شد (٤٤) .

وَاِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَحْدَهُ اشْمَاَزَّتْ قُلُوْبُ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ ۚ وَاِذَا ذُكِرَ الَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهٖٓ اِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُوْنَ ﴿٤٥﴾

وچون یادکرده شود خداتنها متنفرشود دل های آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت وچون یادکرده شوند آنانکه بجزاوهستند ناگاه ایشان شادمان می شوند (٤٥) .

قُلِ اللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ عٰلِمَ الْغَيْبِ

بگوبارخدایا ای پیداکنندۀ آسمان ها وزمین دانندۀ نهان وآشکار توحکم کنی

وَالشَّهَادَةِ اَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيْ مَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿٤٦﴾

میان بندگان خود در چیزیکه ایشان درآن اختلاف میکردند (٤٦) .

وَلَوْ اَنَّ لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مَا فِي الْاَرْضِ جَمِيْعًا وَّمِثْلَهٗ مَعَهٗ لَافْتَدَوْا بِهٖ مِنْ سُوْٓءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۚ وَبَدَا لَهُمْ مِّنَ اللّٰهِ مَا لَمْ يَكُوْنُوْا يَحْتَسِبُوْنَ ﴿٤٧﴾

وا گرباشدآنانراکه ستم کردند آنچه درزمین ست همه یك جا ومانندآن همراه آن البته عوض خود دهندآن را بسبب سختی عذاب روزِ قیامت وظاهر شدبرای ایشان ازجانب خدا آنچه گمان نمی داشتند (٤٧) .

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّاٰتُ مَا كَسَبُوْا وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٤٨﴾

وظاهر شدبرای ایشان جزای بدآنچه کرده بودند ودرگیرد ایشان را آنچه بدان استهزاء میکردند (٤٨) .

فَاِذَا مَسَّ الْاِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ۡ ثُمَّ اِذَا خَوَّلْنٰهُ نِعْمَةً مِّنَّا ۙ قَالَ اِنَّمَآ اُوْتِيْتُهٗ عَلٰى عِلْمٍ ؕ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَّلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٤٩﴾

پس چون برسد آدمی راسختی بخواندمارا بازچون بدهیم اورا نعمتی ازطرف خود گوید جزاین نیست که داده شده است این نعمت مرا بنابر دانشی که در منست بلکه این نعمت آزمایشی ست ولیکن اکثر ایشان نمی دانند (٤٩) .

قَدْ قَالَهَا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَآ اَغْنٰى عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٥٠﴾

هرآئینه گفتند این سخن را آنانکه پیش از ایشان بودند پس دفع نه کرد ازایشان بلارا آنچه میکردند (٥٠) .

فَاَصَابَهُمْ سَيِّاٰتُ مَا كَسَبُوْا ؕ وَالَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مِنْ هٰٓؤُلَآءِ سَيُصِيْبُهُمْ سَيِّاٰتُ مَا كَسَبُوْا ۙ وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ﴿٥١﴾

پس رسید بدیشان عقوبت های آنچه کردند آنانکه ستم کردند ازین جماعت خواهد رسید بدیشان عقوبت های آنچه کردند ونیستند ایشان عاجز کننده (٥١) .

اَوَلَمْ يَعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيَقْدِرُ ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿٥٢﴾

آیانه دانسته اند که خدا کشاده میسازد رزق را برای هرکه میخواهد و تنگ میکند برای هرکه خواهد هرآئینه درین کارنشانه هاست قومی را که ایمان می آرند (٥٢) .

قُلْ يٰعِبَادِيَ الَّذِيْنَ اَسْرَفُوْا عَلٰٓى اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوْا مِنْ رَّحْمَةِ اللّٰهِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِيْعًا ۭ اِنَّهٗ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ﴿٥٣﴾

بگو(ازطرف من) ای آن بند گان من که تجاوز ازحد کردند برخود ناامید مشوید ازرحمتِ خدا هرآئینه خدا می‌آمرزد گناهان را همه هر آئینه خدا اوست آمرزگار مهربان (٥٣) .

وَاَنِيْبُوْٓا اِلٰى رَبِّكُمْ وَاَسْلِمُوْا لَهٗ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنْصَرُوْنَ ﴿٥٤﴾

ورجوع کنید بسوی پروردگار خویش ومنقادشوید اورا پیش ازآن که بیاید بشما عقوبت بازمددکرده نه شوید (٥٤) .

وَاتَّبِعُوْٓا اَحْسَنَ مَآ اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ مِّنْ رَّبِّكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَّاَنْتُمْ لَا تَشْعُرُوْنَ ﴿٥٥﴾

وپیروی کنید نیکوترین آنچه را که فرو فرستاده شدبسوی شماازجانب پروردگار شما پیش ازآن که بیاید به شماعذاب ناگهان وشماخبردار نباشید (٥٥) .

اَنْ تَقُوْلَ نَفْسٌ يّٰحَسْرَتٰى عَلٰى مَا فَرَّطْتُّ فِيْ جَنْۢبِ اللّٰهِ وَاِنْ كُنْتُ لَمِنَ السّٰخِرِيْنَ ﴿٥٦﴾

(رجوع بخدا کنید واتباع قرآن نمائید) بجهت ترس ازآنکه گوید شخصی وای پشیمانی من برتقصیر کردنِ من درحق خدا وهرآئینه من بودم ازتمسخر کنند گان (٥٦) .

اَوْ تَقُوْلَ لَوْ اَنَّ اللّٰهَ هَدٰىنِيْ لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِيْنَ ﴿٥٧﴾

یا گوید ا گرخداهدایت کردی مرا البته می‌شدم از متقیان (٥٧) .

اَوْ تَقُوْلَ حِيْنَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ اَنَّ لِيْ كَرَّةً فَاَكُوْنَ مِنَ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٥٨﴾

یا گوید وقتی که معاینه کند عذاب را کاش مرارجوعی باشد[1] تاباشم ازنیکوکاران (٥٨) .

بَلٰى قَدْ جَآءَتْكَ اٰيٰتِيْ فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٥٩﴾

(آنگاه خدافرماید) آری آمد پیش توآیاتِ من پس دروغ پنداشتی آنرا وتکبر کردی و بودی از کافران (٥٩) .

وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ تَرَى الَّذِيْنَ كَذَبُوْا عَلَى اللّٰهِ وُجُوْهُهُمْ

وروز قیامت ببینی آنان را که دروغ بستند

---

(١) یعنی به دنیا .

مُّسْوَدَّةٌ ۗ اَلَيْسَ فِىْ جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِيْنَ ﴿٦٠﴾

برخدا چهره های ایشان سیاه شده است آیانیست دردوزخ جای برای متکبران (٦٠) .

وَيُنَجِّى اللّٰهُ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ ۚ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوْٓءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿٦١﴾

ونجات دهد خدا متقیان را قرین رستگاری خویش شده نه رسد بدیشان سختی ونه اندوهگین شوند (٦١) .

اَللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَىْءٍ ۙ وَّهُوَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ وَّكِيْلٌ ﴿٦٢﴾

خداآفریننده هرچیزست واو برهرچیز خبر گیرنده است (٦٢) .

لَهٗ مَقَالِيْدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿٦٣﴾

مراوراست کلید های آسمان ها و زمین[1] وآنانکه کافرشد ند به آیت های خدا این جماعت ایشانند زیان کاران (٦٣) .

قُلْ اَفَغَيْرَ اللّٰهِ تَاْمُرُوْٓنِّىْٓ اَعْبُدُ اَيُّهَا الْجٰهِلُوْنَ ﴿٦٤﴾

بگوآیا می‌فرمائید بمن که پرستش کنم غیر خدا را ای نادانان (٦٤) .

وَلَقَدْ اُوْحِىَ اِلَيْكَ وَاِلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكَ ۚ لَئِنْ اَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿٦٥﴾

وهرآئینه وحی فرستاده شد (یا محمد) بسوی تووبسوی آنانکه پیش ازتو بودند که اگر شریك خدا مقررکنی البته نابودگردد عمل تو والبته شوی اززیان کاران (٦٥) .

بَلِ اللّٰهَ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِّنَ الشّٰكِرِيْنَ ﴿٦٦﴾

بلکه خدا را فقط عبادت کن وبشو ازسپاسداران (٦٦) .

وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ ۖ وَالْاَرْضُ جَمِيْعًا قَبْضَتُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِيّٰتٌۢ بِيَمِيْنِهٖ ۚ سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٦٧﴾

ونه شناختند خدارا حقِ شناختن او وزمین همه یك جا درمشت اوباشد روزقیامت وآسمان ها پیچیده شوند در دست راست اوپاکی اوراست وبرتراست ازآنکه شریك اومقررمیکنند (٦٧) .

وَنُفِخَ فِى الصُّوْرِ فَصَعِقَ مَنْ فِى السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِى الْاَرْضِ

ودمیده شود در صورپس بمیرد هرکه در آسمان ها وهرکه درزمین ست

---

(١) یعنی مختار و متصرف اوست .

إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿٦٨﴾

مگر آنکه خدا خواسته است بازدمیده شود درصوربارديگر پس ناگهان ایشان ایستادگانند می نگرند (٦٨) .

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٩﴾

وروشن شودزمین به نور پرورد گارخود ونهاده شودنامهٔ اعمال وآورده شود پیغامبران را وگواهان را وحکم کرده شود میان آدمیان براستی وایشان ستم کرده نه شوند (٦٩) .

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧٠﴾

تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است وخدا دانا ترست بآنچه می کنند (٧٠) .

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾

وروان کرده شود کافران رابسوی دوزخ گروه گروه تاوقتی که بیایند نزدیك دوزخ باز کرده شود دروازه های آن وگویند ایشان را نگهبانان دوزخ آیا نیامده بودند به شما پیغامبران ازجنس شمامی خواندند برشماآیاتِ پروردگارشمارا ومی ترسانیدند شمارا ازملاقاتِ این روزشما گفتند آری ولیکن متحقق شدحکم عذاب برکافران (٧١) .

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾

گفته شود درآئید به دروازهای دوزخ جاویدان درآنجاپس بدجائیست متکبران را دوزخ (٧٢) .

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾

وروان کرده شوند آنانکه ترسیدند از پروردگار خویش بسوی بهشت گروه گروه تاوقتیکه بیایند نزدیكِ بهشت وباز کرده شود دروازه های آن و گویند ایشانرا نگاهبانان بهشت سلام برشما باد خوشحال شدید پس درآئید به بهشت

جاویدان (۷۳) .

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِىْ صَدَقَنَا وَعْدَهٗ وَاَوْرَثَنَا الْاَرْضَ نَتَبَوَّاُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَآءُ ۚ فَنِعْمَ اَجْرُ الْعٰمِلِيْنَ ﴿٧٤﴾

وگویند سپاس خدای راست که راست کردباما وعدهٔ خودرا وعطا کردمارا زمین جای میگیریم از بهشت هرجاکه خواهیم پس نیك مزدِ کارکنند گان ست بهشت (۷٤) .

وَتَرَى الْمَلٰٓئِكَةَ حَآفِّيْنَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ۚ وَقُضِىَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيْلَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٧٥﴾

وببینی فرشتگان را گردا گردشده حوالی عرش تسبیح میگویند همراه ستائش پروردگار خویش وحکم کرده شود میان ایشان براستی [1] وگفته شود ستائشِ خدای راست پروردگارعالم ها (۷٥) .

سُوْرَةُ غَافِرٍ

سوره غافر - مؤمن مکی است وآن هشتاد وپنج آیت و نه رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

حٰمٓ ﴿١﴾

حٰـمٓ (۱) .

تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ ﴿٢﴾

فروفرستادن کتاب ازجانب خدای غالب داناست (۲) .

غَافِرِ الذَّنْۢبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيْدِ الْعِقَابِ ذِى الطَّوْلِ ۭ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۭ اِلَيْهِ الْمَصِيْرُ ﴿٣﴾

آمرزندهٔ گناه وپذیرندهٔ توبه سخت کننده عقوبت خداوندِ توانگری، نیست هیچ معبود برحق مگراوبسوی اوست بازگشت (۳) .

مَا يُجَادِلُ فِيْٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ اِلَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِى الْبِلَادِ ﴿٤﴾

مکابره نمی کنند درآیت های خدا مگر کافران پس درفریب نیندازد ترا آمدورفت ایشان درشهر ها (٤) .

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوْحٍ وَّالْاَحْزَابُ مِنْۢ بَعْدِهِمْ

تکذیب کردند پیش ازایشان قوم نوح و

(۱) یعنی دراختصام ملاء اعلی .

وَهَمَّتْ كُلُّ اُمَّةٍۭ بِرَسُوْلِهِمْ لِيَاْخُذُوْهُ وَجٰدَلُوْا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوْا بِهِ الْحَقَّ فَاَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ۝٥

جماعت های دیگر بعدازقوم نوح وقصد کرد هرجماعتی به پیغامبرخود تابگیرند آنرا ومکابره کردند به شبهاتِ بیهوده تا ناچیز سازند بآن سخن درست را پس گرفتیم ایشان را پس چگونه بود عقوبتِ من (٥) .

وَكَذٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَنَّهُمْ اَصْحٰبُ النَّارِ ۝٦

وهم چنین ثابت شد حکم پروردگارتو برکافران که ایشان اهل دوزخ اند (٦)

اَلَّذِيْنَ يَحْمِلُوْنَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهٗ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُوْنَ بِهٖ وَيَسْتَغْفِرُوْنَ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَّعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِيْنَ تَابُوْا وَاتَّبَعُوْا سَبِيْلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيْمِ ۝٧

آنانکه برمیدارند عرش را وآنانکه گردا گرد عرش اند تسبیح میگویند همراه ستائش پروردگارخویش وایمان می آرند بااوآمرزش میخواهند برای مومنان میگویند ای پروردگار ما فرا گرفتی همه چیز را به بخشائش ودانش پس بیامرزآنان را که توبه کردند وپیروی راه تونمودند ونگاهدارایشان رااازعذاب دوزخ (٧) .

رَبَّنَا وَاَدْخِلْهُمْ جَنّٰتِ عَدْنِ ِالَّتِيْ وَعَدْتَّهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ اٰبَآئِهِمْ وَاَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيّٰتِهِمْ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۝٨

ای پروردگارما ودرآرایشانرا به بوستا نهای جاودان که وعده کرده ای بایشان ودرآرنیز هرکه شائسته کار باشدازپدرانِ ایشان وزنانِ ایشان وفرزندانِ ایشان هرآئینه توئی غالب باحکمت (٨) .

وَقِهِمُ السَّيِّاٰتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّاٰتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهٗ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ۝٩

ونگاهدارایشانرا ازعقوبت هاوهرکرانگاه داری ازعقوبت ها درآن روزپس هرآئینه رحم کرده ای بروی واین مقدمهٔ نگاهداشتن همانست پیروزی بزرگ (٩) .

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللّٰهِ اَكْبَرُ مِنْ

هرآئینه آنانکه کافر شدند آوازداده شود ایشان را که به تحقیق دشمن داشتنِ خدا

مَّقْتِكُمْ اَنْفُسَكُمْ اِذْ تُدْعَوْنَ اِلَى الْاِيْمَانِ فَتَكْفُرُوْنَ ⑩

شمارا وقتیکه خوانده می شدید دردنیا بسوی ایمان پس کافر می ماندید زیاده ترست ازدشمن داشتنِ شما خود را (١٠).

قَالُوْا رَبَّنَآ اَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَاَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوْبِنَا فَهَلْ اِلٰى خُرُوْجٍ مِّنْ سَبِيْلٍ ⑪

گویند ای پروردگارما میراندی مارا دوبار زنده گردانیدی مارادوبار پس اعتراف کردیم به گناهان خود پس آیا بسوی بیرون رفتن راهی هست یعنی حیله ای هست[1] (١١).

ذٰلِكُمْ بِاَنَّهٗٓ اِذَا دُعِيَ اللّٰهُ وَحْدَهٗ كَفَرْتُمْ ۚ وَاِنْ يُّشْرَكْ بِهٖ تُؤْمِنُوْا ۚ فَالْحُكْمُ لِلّٰهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيْرِ ⑫

این عذاب بسبب آنست که چون یادکرده میشد خداتنهاانکار میکردید وا گرشریك اومقرر کرده میشد باور میداشتید پس فرمان خدای بلند قدر وبزرگوار راست (١٢).

هُوَ الَّذِيْ يُرِيْكُمْ اٰيٰتِهٖ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ رِزْقًا ۚ وَمَا يَتَذَكَّرُ اِلَّا مَنْ يُّنِيْبُ ⑬

اوست آنکه مینماید شمارا نشانه های خود وفرو میفرستد برای شما ازآسمان رزق را و پندپذیر نمی شود مگر کسیکه رجوع میکند بخدا (١٣).

فَادْعُوا اللّٰهَ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ وَلَوْ كَرِهَ الْكٰفِرُوْنَ ⑭

پس یادکنید خدا را، یك جهت ساخته برای اوعبادت را ا گرچه ناخوش دارند کافران (١٤).

رَفِيْعُ الدَّرَجٰتِ ذُو الْعَرْشِ ۚ يُلْقِي الرُّوْحَ مِنْ اَمْرِهٖ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ⑮

اوست بلند کنندۀ مرتبه ها خداوندِ عرش، می اندازد روحی رااز فرمان خود برهرکه خواهد ازبندگان خودتابترساند آن بنده ازروز ملاقات (١٥).

يَوْمَ هُمْ بٰرِزُوْنَ ۚ لَا يَخْفٰى عَلَى اللّٰهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ۚ لِمَنِ

روزیکه ایشان بیرون آیند[2] پوشیده نباشد

---

(١) یعنی گویند باخداوفرشتگان.

(٢) یعنی ازقبور.

اَلْمُلْكُ الْيَوْمَ ۭ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿١٦﴾

برخدا ازایشان چیزی (خدافرماید) کِراست پادشاهی امروز(بازخود جواب دهد) مر خدای یگانهٔ غالب را (١٦) .

اَلْيَوْمَ تُجْزٰى كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ ۭ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ سَرِيْعُ الْحِسَابِ ﴿١٧﴾

امروزپاداش داده شود هرشخصی بحسب آنچه کرده است هیچ ستم نیست امروز هرآئینه خدا زود حساب گیرنده است (١٧) .

وَاَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْاٰزِفَةِ اِذِ الْقُلُوْبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كٰظِمِيْنَ ڛ مَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ حَمِيْمٍ وَّلَا شَفِيْعٍ يُّطَاعُ ﴿١٨﴾

وبترسان ایشان را ازروزقیامت آنگاه که دلها نزدیك چنبرِ گردن باشندپُرشده ازغم نیست ستمگاران را هیچ دوستی ونه شفاعت کننده ای که سخن اوقبول کرده شود (١٨) .

يَعْلَمُ خَاۗىِٕنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُوْرُ ﴿١٩﴾

میداندخداخیانت چشم هارا وآنچه پنهان میدارند سینه ها (١٩) .

وَاللّٰهُ يَقْضِيْ بِالْحَقِّ ۭ وَالَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ لَا يَقْضُوْنَ بِشَيْءٍ ۭ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ ﴿٢٠﴾

خدا حکم میکند براستی وآنانکه کافران می پرستند ایشان را بجز خدا حکم نمی کنند به چیزی هرآئینه خدا همونست شنوابینا (٢٠) .

اَوَلَمْ يَسِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِيْنَ كَانُوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ۭ كَانُوْا هُمْ اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَّاٰثَارًا فِي الْاَرْضِ فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوْبِهِمْ ۭ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ وَّاقٍ ﴿٢١﴾

آیاسیرنه کرده اند درزمین تابنگرند چگونه بود آخرکار آنانکه پیش ازایشان بودند، بودند زیاده ترازایشان به قوت وبه نشانه هادرزمین[1] پس گرفتارکرد ایشانرا خدابگناهان ایشان ونه بود ایشان را ازخداهیچ پناه دهنده (٢١) .

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانَتْ تَّاْتِيْهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَكَفَرُوْا

این عقوبت بسبب آن بودکه می آمدند بایشان پیغامبران ایشان به نشانه هاپس

(١) یعنی محل هاوقلعه ها بسیار بناکردند .

فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ ۭ اِنَّهٗ قَوِيٌّ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ﴿٢٢﴾

ایشان کافرشدند پس گرفتار کرد ایشانرا خدا، هرآئینه خداتوانا سخت عقوبت ست (٢٢) .

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مُوْسٰى بِاٰيٰتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿٢٣﴾

وهرآئینه فرستادیم موسیٰ را به نشانه های خویش وحجت ظاهر (٢٣) .

اِلٰى فِرْعَوْنَ وَهَامٰنَ وَقَارُوْنَ فَقَالُوْا سٰحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٢٤﴾

بسوی فرعون وهامان وقارون پس گفتند جادوگری دروغگو ست (٢٤) .

فَلَمَّا جَاۗءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوْٓا اَبْنَاۗءَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ وَاسْتَحْيُوْا نِسَاۗءَهُمْ ۭ وَمَا كَيْدُ الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ ﴿٢٥﴾

پس چون آمد بدیشان به پیغام راست ازنزدیك ما گفتند بكشید فرزندانِ آنانکه ایمان آوردند همراه اووزنده گذاریدزنان ایشان را ونیست حیله سازِی کافران مگر درتباهی (٢٥) .

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُوْنِيْٓ اَقْتُلْ مُوْسٰى وَلْيَدْعُ رَبَّهٗ ۚ اِنِّىْٓ اَخَافُ اَنْ يُّبَدِّلَ دِيْنَكُمْ اَوْ اَنْ يُّظْهِرَ فِي الْاَرْضِ الْفَسَادَ ﴿٢٦﴾

وگفت فرعون ای یاران بگذارید مراتابکشم موسیٰ را وباید که دعا کند پروردگار خویش را هرآئینه من می ترسم ازآنکه بدل کند دین شمارا یا پدید آرد در زمین فساد را (٢٦) .

وَقَالَ مُوْسٰٓى اِنِّىْ عُذْتُ بِرَبِّيْ وَرَبِّكُمْ مِّنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَّا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٢٧﴾

وگفت موسیٰ هرآئینه من پناه گرفتم به پروردگارخود و پروردگار شما ازشرهرمتکبری که باور نمیدارد روزِحساب را (٢٧) .

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ ڰ مِّنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ اِيْمَانَهٗٓ اَتَقْتُلُوْنَ رَجُلًا اَنْ يَّقُوْلَ رَبِّيَ اللّٰهُ وَقَدْ جَاۗءَكُمْ بِالْبَيِّنٰتِ مِنْ رَّبِّكُمْ ۭ وَاِنْ يَّكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهٗ ۚ وَاِنْ يَّكُ صَادِقًا يُّصِبْكُمْ بَعْضُ الَّذِيْ يَعِدُكُمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِيْ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿٢٨﴾

وگفت مردی مسلمان ازخویشانِ فرعون که پنهان میداشت ایمانِ خود را آیامی کشید مردی را بسبب آنکه میگویدپرورد گار من خداست وهرآئینه آورده است پیش شما نشانه ها ازجانب پرورد گارشماوا گربفرض دروغگو باشد پس وبالِ دروغگوئی اوبراوست وا گرراست گوباشد البته برسد به شما بعض آنچه

وعده میدهد شمارا هرآئینه خدا راه نمی نماید کسی راکه باشد ازحد گذرندۀ دروغ گو(٢٨) .

يٰقَوْمِ لَكُمُ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظٰهِرِيْنَ فِي الْاَرْضِ فَمَنْ يَّنْصُرُنَا مِنْۢ بَاْسِ اللّٰهِ اِنْ جَآءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَآ اُرِيْكُمْ اِلَّا مَآ اَرٰى وَمَآ اَهْدِيْكُمْ اِلَّا سَبِيْلَ الرَّشَادِ ﴿٢٩﴾

ای قوم من شماراست پادشاهی امروز غالب شده درزمین پس کِه نصرت دهدمارا ازعذاب خدا اگربیایدبما گفت فرعون مصلحت نمی دهم شمارا مگر آنچه ادراك میکنم ودلالت نمی کنم شمارا مگر براهِ راستی (٢٩) .

وَقَالَ الَّذِيْٓ اٰمَنَ يٰقَوْمِ اِنِّيْٓ اَخَافُ عَلَيْكُمْ مِّثْلَ يَوْمِ الْاَحْزَابِ ﴿٣٠﴾

وگفت شخصی که ایمان آورده بود ای قومِ من هرآئینه من می ترسم برشماازمانند روزجماعت های پیشین (٣٠) .

مِثْلَ دَاْبِ قَوْمِ نُوْحٍ وَّعَادٍ وَّثَمُوْدَ وَالَّذِيْنَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ ۭ وَمَا اللّٰهُ يُرِيْدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ ﴿٣١﴾

مانند صورتِ حالِ قوم نوح وعادوثمود وآنانکه بعدازایشان بودند وخدا اراده ستم نمی کند بربندگان (٣١) .

وَيٰقَوْمِ اِنِّيْٓ اَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿٣٢﴾

وای قومِ من هرآئینه می ترسم برشماازروز آواز دادن بایکدیگر (٣٢) .

يَوْمَ تُوَلُّوْنَ مُدْبِرِيْنَ ۚ مَا لَكُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ عَاصِمٍ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾

روزیکه روبگردانید پشت داده، نَبُوَد شمارا ازخدا هیچ نگاه دارنده وهرکرا گمراه سازد خدا پس نیست اورا هیچ راه نماینده (٣٣) .

وَلَقَدْ جَآءَكُمْ يُوْسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنٰتِ فَمَا زِلْتُمْ فِيْ شَكٍّ مِّمَّا جَآءَكُمْ بِهٖ ۭ حَتّٰٓى اِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَّبْعَثَ اللّٰهُ مِنْۢ بَعْدِهٖ رَسُوْلًا ۭ كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابُۨ ﴿٣٤﴾

وهرآئینه آمده بود پیش ازین بشمایوسف به نشانه ها پس همیشه درشك بودیدازآنچه آورده بود پیش شما آنرا تاوقتیکه بمرد چون گفتید نخواهد فرستادخدا بعدازوی پیغامبری را همچنین گمراه میکند خدا کسی را که هست او از حد درگذرنده شك آرنده (٣٤) .

الَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ بِغَيْرِ سُلْطٰنٍ اَتٰىهُمْ ۭ كَبُرَ مَقْتًا

آنانراکه مکابره می کنند درآیاتِ خدا بغیر

عِنْدَ اللّٰهِ وَعِنْدَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٣٥﴾

حجتی که آمده باشد پیش ایشان سخت ناپسند شداین مکابرهٔ ایشان نزدیك خدا ونزدیك آنانکه ایمان آوردند همچنین مُهرمی نهد خدا برهردل متکبرسرکش (٣٥) .

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يٰهَامٰنُ ابْنِ لِيْ صَرْحًا لَّعَلِّيْٓ اَبْلُغُ الْاَسْبَابَ ﴿٣٦﴾

وگفت فرعون ای هامان بساز برای من کو شکی تاباشد که برسم باین راه ها (٣٦) .

اَسْبَابَ السَّمٰوٰتِ فَاَطَّلِعَ اِلٰٓى اِلٰهِ مُوْسٰى وَاِنِّيْ لَاَظُنُّهٗ كَاذِبًا ۭ وَكَذٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوْٓءُ عَمَلِهٖ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيْلِ ۭ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ اِلَّا فِيْ تَبَابٍ ﴿٣٧﴾

راه های آسمان ها تادرنگرم بسوی پرورد گارِ موسیٰ وهرآئینه دروغگو می پندارمش وهمچنین آراسته شددرنظر فرعون عملِ بد او وبازداشته شد از راه صواب ونبودحیله سازی فرعون مگردرتباهی (٣٧) .

وَقَالَ الَّذِيْٓ اٰمَنَ يٰقَوْمِ اتَّبِعُوْنِ اَهْدِكُمْ سَبِيْلَ الرَّشَادِ ﴿٣٨﴾

وگفت آنکه ایمان آورده بود ای قوم من پیروی من کنید تادلالت کنم شمارا براه راست (٣٨) .

يٰقَوْمِ اِنَّمَا هٰذِهِ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ ۡ وَّاِنَّ الْاٰخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ﴿٣٩﴾

ای قوم من جزاین نیست که این زندگانی اندك بهره است وهرآئینه آخرت همونست سرای همیشه بودن (٣٩) .

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزٰٓى اِلَّا مِثْلَهَا ۚ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَاُولٰۗىِٕكَ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُوْنَ فِيْهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾

هرکه بعمل آرد کارِ بد جزا داده نخواهد شد الّامانندِ آن وهرکه بجاآرد کارِشائسته خواه از جنس مرد خواه ازجنس زن واومومن بود پس درآیند آنجماعت به بهشت رزق داده شود ایشان را آن جابی شمار (٤٠) .

وَيٰقَوْمِ مَا لِيْٓ اَدْعُوْكُمْ اِلَى النَّجٰوةِ وَتَدْعُوْنَنِيْٓ اِلَى النَّارِ ﴿٤١﴾

و ای قومِ من چیست مراکه میخوانم شمارا بسوی نجات وشما میخوانید مرا بسوی دوزخ (٤١) .

تَدْعُوْنَنِیْ لِاَكْفُرَ بِاللّٰهِ وَاُشْرِكَ بِهٖ مَا لَیْسَ لِیْ بِهٖ عِلْمٌ وَّ اَنَا اَدْعُوْكُمْ اِلَى الْعَزِیْزِ الْغَفَّارِ ﴿٤٢﴾

میخوانید مرابسوی آن که کافرشوم بخداوشریك اومقرر کنم چیزی که نیست مرا بحقیقت آن علم ومن میخوانم شمارا بسوی خداغالب آمرزگار (٤٢) .

لَا جَرَمَ اَنَّمَا تَدْعُوْنَنِیْۤ اِلَیْهِ لَیْسَ لَهٗ دَعْوَةٌ فِی الدُّنْیَا وَ لَا فِی الْاٰخِرَةِ وَ اَنَّ مَرَدَّنَاۤ اِلَى اللّٰهِ وَ اَنَّ الْمُسْرِفِیْنَ هُمْ اَصْحٰبُ النَّارِ ﴿٤٣﴾

بی شبهه چیزی که شما میخوانید مرا بسوی آن نیست آن چیزرا قبول کردن دعا نه دردنیا ونه درآخرت وبی شبهه بازگشت مابسوی خداست وبی شبهه ازحد گذشتگان ایشان انداهل دوزخ (٤٣) .

فَسَتَذْكُرُوْنَ مَاۤ اَقُوْلُ لَكُمْ وَ اُفَوِّضُ اَمْرِیْۤ اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِیْرٌۢ بِالْعِبَادِ ﴿٤٤﴾

پس یادخواهید کرد آنچه می گویم به شما ومی سپارم امر خودرا بخدا هرآئینه خدا بیناست باحوال بندگان (٤٤) .

فَوَقٰىهُ اللّٰهُ سَیِّاٰتِ مَا مَكَرُوْا وَ حَاقَ بِاٰلِ فِرْعَوْنَ سُوْٓءُ الْعَذَابِ ﴿٤٥﴾

پس نگاهداشت اوراخداازسختی های آنچه مکرکرده بودند ایشان و فراگرفت بخویشانِ فرعون عذاب سخت (٤٥) .

اَلنَّارُ یُعْرَضُوْنَ عَلَیْهَا غُدُوًّا وَّ عَشِیًّا وَ یَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ اَدْخِلُوْۤا اٰلَ فِرْعَوْنَ اَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾

آتش که حاضر کرده میشوند برآن بامداد وشام وروزی که قائم شود قیامت گوئیم خویشانِ فرعون را درآرید درسخت ترین عذاب (٤٦) .

وَ اِذْ یَتَحَآجُّوْنَ فِی النَّارِ فَیَقُوْلُ الضُّعَفٰٓؤُا لِلَّذِیْنَ اسْتَكْبَرُوْۤا اِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ اَنْتُمْ مُّغْنُوْنَ عَنَّا نَصِیْبًا مِّنَ النَّارِ ﴿٤٧﴾

ویادکن چون باهم مجادله میکنندردوزخ پس گویند ناتوانان سرکشان را هرآئینه ماتابع بودیم شمارا پس آیا شما دفع کننده هستید ازسرِمایك حصه ازعقوبتِ آتش (٤٧) .

قَالَ الَّذِیْنَ اسْتَكْبَرُوْۤا اِنَّا كُلٌّ فِیْهَاۤ اِنَّ اللّٰهَ قَدْ حَكَمَ بَیْنَ الْعِبَادِ ﴿٤٨﴾

گویند سرکشان هرآئینه ما همه درآتشیم هرآئینه خدا فیصله کرده است درمیانِ بند گان (٤٨) .

وَ قَالَ الَّذِیْنَ فِی النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوْا رَبَّكُمْ

وگویند آنانکه درآتش اندنگاهبانانِ دوزخ را دعاکنید بجناب پروردگارخویش

يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ﴿٤٩﴾

تاسبك كندازما حصهٔ يك روزى ازعذاب (٤٩) .

قَالُوْٓا اَوَلَمْ تَكُ تَاْتِيْكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنٰتِ ۗ قَالُوْا بَلٰى ۗ قَالُوْا فَادْعُوْا ۚ وَمَا دُعٰٓؤُا الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ ﴿٥٠﴾

گويند نگاهبانان آيا نمى آمدند بشما پيغمبران شمابه معجزه ها گويند آرى، نگاهبانان گويند پس شما دعاكنيد و نيست دعاى كافران مگردرتباهى (٥٠) .

اِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُوْمُ الْاَشْهَادُ ﴿٥١﴾

هرآئينه ما نصرت دهيم پيغامبرانِ خويش را وآنان را كه ايمان آوردند در زندگانى دنيا ونيز روزيكه قائم شوند گواهان[1] (٥١) .

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظّٰلِمِيْنَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوْٓءُ الدَّارِ ﴿٥٢﴾

روزيكه سودنه دهد ستمگاران را عذرآوردنِ ايشان وايشانراست لعنت وايشانراست عقوبتِ آن سراى (٥٢) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْهُدٰى وَاَوْرَثْنَا بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ الْكِتٰبَ ﴿٥٣﴾

وهرآئينه داديم موسىٰ را هدايت و وارثِ كتاب ساختيم بنى اسرائيل را (٥٣) .

هُدًى وَّذِكْرٰى لِاُولِي الْاَلْبَابِ ﴿٥٤﴾

براى راه نمودن وپنددادن خداوندانِ خِرَدرا (٥٤) .

فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَّاسْتَغْفِرْ لِذَنْۢبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْاِبْكَارِ ﴿٥٥﴾

پس صبر كن هرآئينه وعدهٔ خداراست است وآمرزش طلب كن براى گناهِ خود وتسبيح گو باستائش پرورد گارخود به شام وبامداد (٥٥) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ بِغَيْرِ سُلْطٰنٍ اَتٰىهُمْ ۙ اِنْ فِيْ صُدُوْرِهِمْ اِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيْهِ ۚ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ ۭ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ ﴿٥٦﴾

هرآئينه آنانكه مكابره ميكنند درآيت هاى خدا بغير حجتى كه آمده باشد بايشان نيست درسينه هاى ايشان مگر ارادهٔ غلبه كه نيستند ايشان رسنده بآن پس پناه طلب كن از خداهرآئينه خدا اوست

---

(١) يعنى فرشتگان گواهى دهند .

شنوا بینا (٥٦) .

لَخَلْقُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٥٧﴾

هرآئینه آفریدنِ آسمان ها وزمین بزرگ ترست ازآفریدن آدمیان[1] ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (٥٧) .

وَمَا يَسْتَوِي الْاَعْمٰى وَالْبَصِيْرُ ۙ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَلَا الْمُسِيْٓءُ ۭ قَلِيْلًا مَّا تَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٥٨﴾

وبرابرنیستند نابینا وبیناوبرابرنیستندآنانکه ایمان آورده اند وکارهای شائسته کرده اند بابدکار ، اندکی پندپذیرمی شوید (٥٨) .

اِنَّ السَّاعَةَ لَاٰتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيْهَا وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿٥٩﴾

هرآئینه قیامت آمدنی ست نیست شك درآن ولیکن اکثر مردمان باورنمیدارند (٥٩) .

وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُوْنِيْٓ اَسْتَجِبْ لَكُمْ ۭ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِيْ سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دٰخِرِيْنَ ﴿٦٠﴾

وگفت پرورد گارشما دعاکنید بجنابِ من تاقبول کنم دعای شمارا هرآئینه آنانکه تکبرمی کنند ازعبادتِ من داخل خواهند شد به دوزخ خوارشده (٦٠) .

اَللّٰهُ الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ لِتَسْكُنُوْا فِيْهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۭ اِنَّ اللّٰهَ لَذُوْ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُوْنَ ﴿٦١﴾

خدای آنست که آفریدبرای شما شب را تاآرام گیرید درآن وآفریدروزرا بوجهی که درآن دیدن یکدیگر باشد هرآئینه خدا خداوندِفضل ست برمردمان ولیکن اکثر مردمان شکر نمی کنند (٦١) .

ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۘ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۡ فَاَنّٰى تُؤْفَكُوْنَ ﴿٦٢﴾

اینست خدا پرورد گارشما آفرینندهٔ هرچیز نیست هیچ معبودبرحق بجزوی پس چگونه برگردانیده میشوید (٦٢) .

كَذٰلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِيْنَ كَانُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ يَجْحَدُوْنَ ﴿٦٣﴾

همچنین برگردانیده می شوند آنانکه بآیاتِ خدا انکار میکردند (٦٣) .

اَللّٰهُ الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ قَرَارًا وَّالسَّمَاۗءَ بِنَاۗءً

خدای آنست که ساخت برای شما زمین را قرارگاه وآسمان را سقف وصورت

(١) یعنی اعادهٔ ایشان .

وَصَوَّرَكُمْ فَاَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ فَتَبٰرَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٦٤﴾

بست شمارا پس نیکوساخت صورت های شما وروزی داد شمارا ازپاکیزه ها این ست خدا پرورد گارشما پس بسیار بابرکت ست خدای پرورد گارعالمها (٦٤) .

هُوَ الْحَيُّ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَادْعُوْهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٦٥﴾

اوست زنده نیست هیچ معبود برحقی مگراو پس عبادت کنید اورایك جهت ساخته برای اوعبادت ستائش خدای پروردگارعالمها راست (٦٥) .

قُلْ اِنِّيْ نُهِيْتُ اَنْ اَعْبُدَ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ لَمَّا جَآءَنِيَ الْبَيِّنٰتُ مِنْ رَّبِّيْ وَاُمِرْتُ اَنْ اُسْلِمَ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٦٦﴾

بگوهرآئینه من منع کرده شدم ازآنکه عبادت کنم آنان را که شمامی پرستید بجز خداوقتیکه آمدبمن نشانه ها ازجانب پروردگار من وفرموده شد مراکه منقادشوم پروردگار عالمهارا (٦٦) .

هُوَ الَّذِيْ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوْٓا اَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُوْنُوْا شُيُوْخًا وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّتَوَفّٰى مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوْٓا اَجَلًا مُّسَمًّى وَّلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿٦٧﴾

اوست آنکه آفریدشمارا ازخاك باز ازنطفهٔ منی بازازخون بسته بازبیرون می آردشمارا کودك شده باز باقی میگذارد تابرسید به نهایت قوت خودباز باقی میگذارد تا شوید پیرِکلان سال وبعض ازشماکسی هست که قبض روح اوکرده شود پیش ازین وباقی میگذارد تا برسید بمدتی معین وتابُوَدکه بفهمید (٦٧) .

هُوَ الَّذِيْ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ فَاِذَا قَضٰٓى اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُوْلُ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ ﴿٦٨﴾

اوست آنکه زنده می کند ومی میراند پس چون بخواهد (پیداکردن) چیزی را پس جزاین نیست که می گویدش بشوپس می شود (٦٨) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ اَنّٰى يُصْرَفُوْنَ ﴿٦٩﴾

آیا نه دیدی بسوی آنانکه مکابره میکنند درآیاتِ خدا چگونه گردانیده می شوند (٦٩) .

الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِالْكِتٰبِ وَبِمَآ اَرْسَلْنَا بِهٖ رُسُلَنَا ۛ فَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ ﴿٧٠﴾

آنانکه دروغ شمردند کتاب را وآنچه را که فرستادیم بآن پیغامبرانِ خودرا خواهند دانست حقیقتِ حال (٧٠) .

اِذِ الْاَغْلٰلُ فِيْٓ اَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلٰسِلُ ۭ يُسْحَبُوْنَ ﴿٧١﴾

وقتیکه طوقها درگردن های ایشان باشند وزنجیر هانیزکشیده شوند (٧١) .

فِي الْحَمِيْمِ ڏ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُوْنَ ﴿٧٢﴾

درآب گرم بازدرآتش پرتافته شوند (٧٢) .

ثُمَّ قِيْلَ لَهُمْ اَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُوْنَ ﴿٧٣﴾

بازگفته شودایشان را کجاست آنچه شریك مقرر میکردید (٧٣) .

مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ۭ قَالُوْا ضَلُّوْا عَنَّا بَلْ لَّمْ نَكُنْ نَّدْعُوْا مِنْ قَبْلُ شَـيْــــًٔا ۭ كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٧٤﴾

بغیراز خدا گویند گم شدند ازنظرِما بلکه هرگزنمی پرستیدیم پیش ازین چیزی را همچنین گمراه میکند خدا کافران را (٧٤) .

ذٰلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُوْنَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُوْنَ ﴿٧٥﴾

این عقوبت بسبب آنست که شادمان می شدید درزمین به ناحق وبسبب آنست که می نازیدید (٧٥) .

اُدْخُلُوْٓا اَبْوَابَ جَهَنَّمَ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۚ فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِيْنَ ﴿٧٦﴾

درآئید به دروازهای دوزخ جاویدان آنجا پس بدجای متکبران ست دوزخ (٧٦) .

فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ ۚ فَاِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِيْ نَعِدُهُمْ اَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَاِلَيْنَا يُرْجَعُوْنَ ﴿٧٧﴾

پس صبر کن (ای محمد) هرآئینه وعدهٔ خداراست ست پس اگربنمائیم ترا بعض آنچه وعده میدهیم ایشان را (فبها) یا اگر قبض روح تو کنیم پس بسوی مابازگردانیده شوند کافران (٧٧) .

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ ۭ وَمَا كَانَ لِرَسُوْلٍ اَنْ يَّاْتِيَ بِاٰيَةٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۚ فَاِذَا جَاۗءَ اَمْرُ اللّٰهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُوْنَ ﴿٧٨﴾

وهرآئینه فرستادیم پیغامبران را پیش ازتو ازایشان کسی هست که قصه اش را خوانده ایم برتو وازایشان کسی هست که قصه اش رانخوانده ایم برتو ونه بُوَد هیچ پیغامبررا که بیاردنشانه ای مگر بفرمان خدا پس وقتیکه آمدفرمان خدا فیصله

کرده شود براستی وزیان کارشدند آنجابیهوده گویان (٧٨) .

اَللّٰهُ الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَنْعَامَ لِتَرْكَبُوْا مِنْهَا وَمِنْهَا تَاْكُلُوْنَ ﴿٧٩﴾

خداآنست که بیافرید برای شما حیوانات را تاسوارشوید بربعض آنهاوبعض آنهارا میخورید (٧٩) .

وَلَكُمْ فِيْهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوْا عَلَيْهَا حَاجَةً فِيْ صُدُوْرِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُوْنَ ﴿٨٠﴾

وشمارا درچهارپایان منفعت هاست وتابرسید سوارشده برآنهابه مقصدی که درسینه های شما مستقر شده است وبرچهارپایان ونیز برکشتی ها برداشته میشوید (٨٠) .

وَيُرِيْكُمْ اٰيٰتِهٖ فَاَيَّ اٰيٰتِ اللّٰهِ تُنْكِرُوْنَ ﴿٨١﴾

وخدامینماید شمارا نشانه های خود پس کدام يك ازنشانه های خدااانکار میکنید (٨١) .

اَفَلَمْ يَسِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوْا اَكْثَرَ مِنْهُمْ وَاَشَدَّ قُوَّةً وَّاٰثَارًا فِي الْاَرْضِ فَمَا اَغْنٰى عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٨٢﴾

آیاسیرنکرده اند درزمین تابنگرند چگونه بودآخرکار آنانکه پیش ازایشان بودند بودند بیشتر ازایشان وزیاده تر به قوت وبه نشانه ها درزمین پس دفع نکرد ازایشان آنچه میکردند (٨٢) .

فَلَمَّا جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَرِحُوْا بِمَا عِنْدَهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٨٣﴾

پس وقتی که آمدند بسوی ایشان پیغامبرانِ ایشان بامعجزه ها شادمان شدند بآنچه نزدیك ایشان بود از دانش[1] ودرگرفت ایشان را آنچه بآن استهزاء می کردند (٨٣) .

فَلَمَّا رَاَوْا بَاْسَنَا قَالُوْا اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَحْدَهٗ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهٖ مُشْرِكِيْنَ ﴿٨٤﴾

پس وقتیکه دیدند عقوبت مارا گفتند باورداشتیم خدای را تنها و منکرشدیم بآنچه که آنرا شریك می کردیم (٨٤) .

---

(١) یعنی علمِ معاش .

فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ اِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَاَوْا بَاْسَنَا ۗ سُنَّتَ اللّٰهِ الَّتِيْ قَدْ خَلَتْ فِيْ عِبَادِهٖ ۚ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكٰفِرُوْنَ ﴿٨٥﴾

پس هرگزنفع نمیداد ایشان را ایمانِ ایشان وقتیکه دیدند عقوبت مارا آئین خدا که گذشته است در بند گان او وزیان کار شدند آنجاکافران (٨٥) .

سورة فصلت - حم سجده مکی است وآن پنجاه وچهارآیت وشش رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ○

بنام خدای بخشائنده مهربان .

حٰمٓ ﴿١﴾

حمٓ (١) .

تَنْزِيْلٌ مِّنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿٢﴾

این فروفرستادن ست ازجانب خدای بخشائنده مهربان (٢) .

كِتٰبٌ فُصِّلَتْ اٰيٰتُهٗ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ﴿٣﴾

این کتابیست واضح ساخته شدآیاتِ اودرحالیکه قرآن عربی ست برای قومی که میدانند (٣) .

بَشِيْرًا وَّنَذِيْرًا ۚ فَاَعْرَضَ اَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُوْنَ ﴿٤﴾

درحالیکه مژده دهنده وترساننده است پس روگردان شدند اکثر مردمان پس ایشان نمی شنوند (٤) .

وَقَالُوْا قُلُوْبُنَا فِيْٓ اَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُوْنَآ اِلَيْهِ وَفِيْٓ اٰذَانِنَا وَقْرٌ وَّمِنْۢ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ اِنَّنَا عٰمِلُوْنَ ﴿٥﴾

وگفتند دل های ما درپرده هاست ازآنچه میخوانی مارا بسوی آن ودرگوش های ما گرانی ست ومیان ما ومیان تو حجابی است پس کارکن هرآئینه ما کارکننده ایم[1] (٥) .

قُلْ اِنَّمَآ اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوْحٰٓى اِلَيَّ اَنَّمَآ اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ فَاسْتَقِيْمُوْٓا اِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوْهُ ۗ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِيْنَ ﴿٦﴾

بگوجزاین نیست که من آدمی ام مانند شما وحی کرده میشود بسوی من اینکه معبودشما معبود یگانه است پس راست

(١) یعنی ، هریکی ازما برطورِ خود .

متوجه شوید بسوی اووطلبِ آمرزش کنیدازو، و وای آن مشرکان را (٦) .

الَّذِيْنَ لَا يُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ كٰفِرُوْنَ ⑦

آنانکه نمیدهند زکوٰة را وایشان بآخرت نامعتقدند (٧) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُوْنٍ ⑧

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند ایشانراست مزدِ غیر مقطوع (٨) .

قُلْ اَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُوْنَ بِالَّذِيْ خَلَقَ الْاَرْضَ فِيْ يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُوْنَ لَهٗۤ اَنْدَادًا ۭ ذٰلِكَ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ⑨

بگوآیاشمانا معتقد می شوید به کسی که آفرید زمین را دردو روز ومقرر میکنید برای اوهمسران را، اینست پروردگارعالمها (٩) .

وَجَعَلَ فِيْهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبٰرَكَ فِيْهَا وَقَدَّرَ فِيْهَاۤ اَقْوَاتَهَا فِيْۤ اَرْبَعَةِ اَيَّامٍ ۭ سَوَاۤءً لِّلسَّاۤئِلِيْنَ ⑩

وپیداکرد درزمین کوه ها بالای آن و برکت نهاد درآن واندازه کرده اندرآن قُوتِ اهلِ آن رادرتتمه چهار روز بیان واضح کرده شدبرای سوال کنند گان (١٠) .

ثُمَّ اسْتَوٰۤى اِلَى السَّمَاۤءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْاَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا ۭ قَالَتَاۤ اَتَيْنَا طَاۤئِعِيْنَ ⑪

بازمتوجه شد بسوی آسمان واومانند دود بود گفت اورا و زمین را نیز بیائید بخوشی یا ناخوشی[١] گفتند هردوآمدیم بخوشی (١١) .

فَقَضٰىهُنَّ سَبْعَ سَمٰوَاتٍ فِيْ يَوْمَيْنِ وَاَوْحٰى فِيْ كُلِّ سَمَاۤءٍ اَمْرَهَا ۭ وَزَيَّنَّا السَّمَاۤءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيْحَ ۖ وَحِفْظًا ۭ ذٰلِكَ تَقْدِيْرُ الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ ⑫

پس ساخت آنها را هفت آسمان در دو روزدیگر ووحی فرستاد درهرآسمانی تدبیر آن را و بیاراستیم آسمانِ دنیا را به چراغ ها[٢] ونگاهداشتیم[٣] این ست

(١) یعنی منقادحکم من شوید والله اعلم .
(٢) یعنی ستاره ها .
(٣) یعنی ازشیاطین .

تدبیرِ خدای غالب دانا (۱۲) .

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صٰعِقَةً مِّثْلَ صٰعِقَةِ عَادٍ وَّثَمُودَ ﴿١٣﴾

پس اگر روگردان شوند بگوترسانیدم شماراازعقوبتی مانند عقوبتِ عادو ثمود (۱۳) .

إِذْ جَآءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوٓا إِلَّا اللّٰهَ قَالُوا لَوْ شَآءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلٰٓئِكَةً فَإِنَّا بِمَآ أُرْسِلْتُمْ بِهٖ كٰفِرُونَ ﴿١٤﴾

وقیتکه آمدند بدیشان پیغامبران ازپیش روی ایشان واز پس پشتِ ایشان که عبادت مکنید مگر خدای را گفتند اگر خواستی پروردگار مافروفرستادی فرشتگانرا پس هرآئینه مابآنچه فرستاده شدید همراه آن نامعتقدیم (۱٤) .

فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللّٰهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِاٰيٰتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿١٥﴾

اماقوم عاد پس تکبر کردند درزمین به ناحق وگفتند کیست زیاده ترازما به قوت آیانه دیدند که آن خدای که بیافرید ایشان را او زیاده ترست ازایشان به قوت وایشان بآیاتِ ما انکار می کردند (۱۵) .

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِيٓ أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ لِّنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ أَخْزٰى وَهُمْ لَا يُنْصَرُونَ ﴿١٦﴾

پس فرستادیم برایشان بادی تند در روزهای شوم تابچشانیم ایشانرا عذاب رسوائی در زندگانی دنیا وهرآئینه عذاب آخرت رسواکننده ترست وایشان نصرت داده نه شوند (١٦) .

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنٰهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمٰى عَلَى الْهُدٰى فَأَخَذَتْهُمْ صٰعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٧﴾

واماثمود پس راه نمودیم ایشان را پس اختیار کردند نابینائی را برراه یابی پس در گرفت ایشان را عقوبتِ سخت عذابِ خواری بسبب آنچه میکردند (۱۷) .

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿١٨﴾

ونجات دادیم آنان را که ایمان آوردند و پرهیزگاری میکردند (۱۸) .

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَآءُ اللّٰهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾

وآن روزکه برانگیخته شوند دشمنانِ خدا روان ساخته بسوی آتش، پس ایشان باین

حال باشند[١] که بعض را تابرسیدن بعض ایستاده کرده میشود (١٩) .

حَتّٰىٓ اِذَا مَا جَآءُوْهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَاَبْصَارُهُمْ وَجُلُوْدُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٢٠﴾

تاوقتیکه چون بیایند نزدیك دوزخ گواهی دهدبرایشان گوش ایشان وچشمهای ایشان وپوست های ایشان بآنچه می‌کردند (٢٠) .

وَقَالُوْا لِجُلُوْدِهِمْ لِمَ شَهِدْتُّمْ عَلَيْنَا ۗ قَالُوْٓا اَنْطَقَنَا اللّٰهُ الَّذِيْٓ اَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَّهُوَ خَلَقَكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿٢١﴾

وگفتند پوست های خودرا چرا گواهی دادیدبرما گویند گویاکردماراآن خدای که گویاکرده است هر چیزرا واوبیافریدشمارا اوّل بار وبسوی اوباز گردانیده شوید (٢١) .

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُوْنَ اَنْ يَّشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَآ اَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُوْدُكُمْ وَلٰكِنْ ظَنَنْتُمْ اَنَّ اللّٰهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيْرًا مِّمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿٢٢﴾

وپنهان نمی شدید (هنگام ارتکاب معاصی ازخوف)[٢] آنکه گواهی دهد برشما گوش شما و چشم های شما وپوست های شما ولیکن پنداشتید که خدا نمیداند بسیاری ازآنچه می کنید (٢٢) .

وَذٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِيْ ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ اَرْدٰىكُمْ فَاَصْبَحْتُمْ مِّنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿٢٣﴾

واین گمانِ شما که به غلط اندیشه کردید درحق پرورد گار خویش هلاك کرد شمارا پس زیان کارگشتید (٢٣) .

فَاِنْ يَّصْبِرُوْا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ ۚ وَاِنْ يَّسْتَعْتِبُوْا فَمَا هُمْ مِّنَ الْمُعْتَبِيْنَ ﴿٢٤﴾

پس ا گرصبر کنند پس آتش خوابگاه ایشان ست وا گرعفوطلبند پس نیستند ایشان عفو کرده شد گان (٢٤) .

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُوْا لَهُمْ مَّا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا

و برگماشتیم برای ایشان همنشینان[٣] پس آراسته کردند آن همنشینان برای

---

(١) که بعض راتابرسیدن بعض اشاره کرده می شود .

(٢) یعنی درین دارخوف آنکه .

(٣) یعنی ازشیاطین والله اعلم .

خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِيٓ اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ ۚ اِنَّهُمْ كَانُوْا خٰسِرِيْنَ ﴿٢٥﴾

ایشان آنچه پیش روی ایشانست وآنچه پس پشت ایشانست[1] وثابت شد برایشان وعدهٔ عذاب داخل شده درامتّانیکه پیش ازایشان گذشته اند از جن و آدمیان هرآئینه ایشان زیان کاربودند (٢٥) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَا تَسْمَعُوْا لِهٰذَا الْقُرْاٰنِ وَالْغَوْا فِيْهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُوْنَ ﴿٢٦﴾

وگفتند کافران مشنوید این قرآن را وسخن بیهوده گوئید دراثناء خواندنِ آن بُوَد که شما غالب شوید (٢٦) .

فَلَنُذِيْقَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَذَابًا شَدِيْدًا وَّلَنَجْزِيَنَّهُمْ اَسْوَاَ الَّذِيْ كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٢٧﴾

پس البته بچشانیم کافران را عذاب سخت والبته جزادهیم ایشانرا بحسب بدترین آنچه می کردند (٢٧) .

ذٰلِكَ جَزَآءُ اَعْدَآءِ اللّٰهِ النَّارُ ۚ لَهُمْ فِيْهَا دَارُ الْخُلْدِ ۗ جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوْا بِاٰيٰتِنَا يَجْحَدُوْنَ ﴿٢٨﴾

این ست جزای دشمنانِ خدا که آتش ست ایشان را، درآنجا منزل علی الدوام باشد پاداش دادیم برحسب آنکه بآیاتِ ما انکار میکردند (٢٨) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا رَبَّنَآ اَرِنَا الَّذَيْنِ اَضَلّٰنَا مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ اَقْدَامِنَا لِيَكُوْنَا مِنَ الْاَسْفَلِيْنَ ﴿٢٩﴾

وگویند کافران ای پروردگارما بنماماراآن دوکس[2] که گمراه ساختند مارا ازجنسِ جن وازجنسِ انس تادرآریم آن هردورا زیرقدم های خود تا شوند ازفروتر ماند گان (٢٩) .

اِنَّ الَّذِيْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةُ اَلَّا تَخَافُوْا وَلَا تَحْزَنُوْا وَاَبْشِرُوْا بِالْجَنَّةِ الَّتِيْ كُنْتُمْ

هرآئینه آنانکه گفتند پروردگارما خداست بازقائم ماندند فرود می آیند برایشان فرشتگان[3] که مترسید واندوه

---

(١) یعنی وسوسه انداختند که دنیاقابل رغبت ست و آخرت قابل رغبت نیست والله اعلم .

(٢) یعنی آن دو فریق .

(٣) یعنی نزدیكِ موت .

تُوْعَدُوْنَ ﴿٣٠﴾

مخوريدوخوش حال شويد به بهشتی که وعده داده می شدید (٣٠) .

نَحْنُ اَوْلِيٰٓؤُكُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْاٰخِرَةِ ۚ وَلَكُمْ فِيْهَا مَا تَشْتَهِيْٓ اَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيْهَا مَا تَدَّعُوْنَ ﴿٣١﴾

ما دوستان شمائيم در زند گانی دنيا ودرآخرت نيز وشماراست درينجا آنچه بطلبد نفس های شما وشمارا ست آنجاآنچه درخواست كنيد (٣١) .

نُزُلًا مِّنْ غَفُوْرٍ رَّحِيْمٍ ﴿٣٢﴾

بطريق مهمانی ازجانب خدای آمرزگارمهربان (٣٢) .

وَمَنْ اَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَآ اِلَى اللّٰهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَّقَالَ اِنَّنِيْ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ﴿٣٣﴾

و كيست نيكوتر باعتبار سخن ازشخصی كه دعوت كرد مردمان را بسوی خدا وكار شائسته كردو گفت هرآئينه من ازمسلمانانم(٣٣) .

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ۚ اِدْفَعْ بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِيْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهٗ عَدَاوَةٌ كَاَنَّهٗ وَلِيٌّ حَمِيْمٌ ﴿٣٤﴾

وبرابرنيست نيكی وبدی جواب بازده بخصلتی كه آن بهترست پس نا گاه آن كس كه ميان توومیان وی دشمنی ست گوياوی دوست قريب است (٣٤) .

وَمَا يُلَقّٰىهَآ اِلَّا الَّذِيْنَ صَبَرُوْا ۚ وَمَا يُلَقّٰىهَآ اِلَّا ذُوْ حَظٍّ عَظِيْمٍ ﴿٣٥﴾

ونايل نمی شوند باين خصلت مگر آنانكه صبر كردند ونايل نمی شود باين خصلت مگر صاحبِ نصيب بزرگ (٣٥) .

وَاِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطٰنِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ ۚ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿٣٦﴾

وا گر باز گرداند تراوسوسه بازگردانندۀ آمده ازجانبِ شيطان پس پناه طلب كن بخداهرآئينه خدا اوست شنوا دانا (٣٦) .

وَمِنْ اٰيٰتِهِ الَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ۚ لَا تَسْجُدُوْا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوْا لِلّٰهِ الَّذِيْ خَلَقَهُنَّ اِنْ كُنْتُمْ اِيَّاهُ تَعْبُدُوْنَ ﴿٣٧﴾

وازنشانه های اوست شب و روز وخورشيد وماه سجده مكنيد خورشيد را ونه ماه را وسجده كنيد برای خدا كه آفريداين چيز هاراا گرشماهستيد فقط اورا عبادت می كنيد (٣٧) .

فَاِنِ اسْتَكْبَرُوْا فَالَّذِيْنَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُوْنَ لَهٗ بِالَّيْلِ

پس ا گرتكبر كنند كافران (چه باك) پس آنانكه نزديك پرورد گارتواند به پاكی ياد

وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ۩ (٣٨)

می کنند اورا شب و روز وایشان مانده نمی شوند (٣٨) .

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۚ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ ۚ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٣٩)

وازنشانه های اوآنست که می بینی زمین را فرسوده پس وقتیکه فرود آوردیم برسرِآن آب به جنبش آمدوبلند شد هرآئینه آنکه زنده کرده است زمین را البته زنده کَنندهٔ مرد گانست هرآئینه اوبرهمه چیز تواناست (٣٩) .

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا ۗ أَفَمَنْ يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ ۖ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (٤٠)

هرآئینه آنانکه کج روی میکنند درآیاتِ ما پوشیده نیستند ازما آیا کسی که انداخته شود درآتش بهترست یا کسی که بیاید ایمن شده روز قیامت بکنید هرچه خواهید هرآئینه خدابآنچه می کنید بیناست (٤٠) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ ۖ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ (٤١)

هرآئینه آنانکه کافرشدند بقرآن وقتیکه آمد بدیشان (پوشیده نیستند ازما) و بتحقیق آن کتابیست گرامی قدر(٤١) .

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ۖ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (٤٢)

راه نمی یابد بدوباطل از پیش روی او ونه ازپس پشتِ اوفرستاده شده است ازخدای داناستوده (٤٢) .

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (٤٣)

(یا محمد) گفته نمی شود ترا مگرآنچه گفته شده بود پیغامبران را پیش ازتو هرآئینه پرورد گارتو خداوند آمرزش ست وخداوند عقوبتِ درد دهنده است (٤٣).

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ۖ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ ۗ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ ۖ

وا گرمی کردیم این کتاب را قرآنی بزبان عجم هرآئینه می گفتند کافرانِ عرب چراواضح کرده نه شد آیاتِ او آیا قرآن عجمی ست ومخاطب عربی بگوقرآن مسلمانان را هدایت وشفاست وآنانکه

وَالَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ فِيْٓ اٰذَانِهِمْ وَقْرٌ وَّهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ۭ اُولٰۗىِٕكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَّكَانٍۢ بَعِيْدٍ ﴿٤٤﴾

ایمان نمی آرند درگوش های ایشان گرانی ست وقرآن برایشان کوریست این جماعت (بمثلِ چنانند) که آواز داده میشوندازجای دور (٤٤) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ فَاخْتُلِفَ فِيْهِ ۭ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۭ وَاِنَّهُمْ لَفِيْ شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيْبٍ ﴿٤٥﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ را کتاب پس اختلاف کرده شددرآن واگرنه بودی کلمهٔ تقدیر سابق صادر شده از پرورد گارِتو البته فیصله کرده شدی درمیان ایشان وهرآئینه ایشان درشك قوی اند ازطرفِ قرآن (٤٥) .

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهٖ وَمَنْ اَسَاۗءَ فَعَلَيْهَا ۭ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ ﴿٤٦﴾

هرکه بکند کارنیك پس نفع اوراست وهرکه بدکاری کند پس وبال برویست ونیست پرورد گارتو ستم کننده بربند گان (٤٦) .

اِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ ۭ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرٰتٍ مِّنْ اَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ اُنْثٰى وَلَا تَضَعُ اِلَّا بِعِلْمِهٖ ۭ وَيَوْمَ يُنَادِيْهِمْ اَيْنَ شُرَكَاۗءِيْ ۙ قَالُوْٓا اٰذَنّٰكَ ۙ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيْدٍ ﴿٤٧﴾

بسوی خدا حواله کرده میشود معرفتِ قیامت وبیرون نمی آید اجناس میوه ازغلاف های خود ودرشکم بارنمی گیرد هیچ ماده ونمی نهد بارشکم را مگر بدانستِ خدا وروزیکه خداآواز دهد ایشان را که کجایند شریکان من گویند خبردادیم ترا که نیست ازماهیچ کس اثبات کننده شریکان (٤٧) .

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَدْعُوْنَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوْا مَا لَهُمْ مِّنْ مَّحِيْصٍ ﴿٤٨﴾

وگم شد ازنظر ایشان آنچه می پرستید ند پیش ازین ودانستند که نیست ایشان را هیچ مخلصی (٤٨) .

لَا يَسْـَٔمُ الْاِنْسَانُ مِنْ دُعَاۗءِ الْخَيْرِ ۡ وَاِنْ مَّسَّهُ الشَّرُّ فَيَـُٔوْسٌ قَنُوْطٌ ﴿٤٩﴾

مانده نمی شود آدمی از طلبِ خیرو اگر برسدش سختی پس ناامید طمع برنده است (٤٩) .

وَلَئِنْ اَذَقْنٰهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْۢ بَعْدِ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ لَيَقُوْلَنَّ هٰذَا لِيْ وَمَآ اَظُنُّ السَّاعَةَ قَآئِمَةً وَّلَئِنْ رُّجِعْتُ اِلٰى رَبِّيْٓ اِنَّ لِيْ عِنْدَهٗ لَلْحُسْنٰى فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِمَا عَمِلُوْا وَلَنُذِيْقَنَّهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيْظٍ ﴿٥٠﴾

اگربچشانیم اورا بخشائشی ازجانبِ خود بعدازسختی که رسیده باشد بَوَی البته گوید که این برای من ست[1] ونمی پندارم که قیامت قائم شود وا گربالفرض باز گردانیده شود مرا بسوی پروردگارمن هرآئینه مرا نزدیکِ اوحالت خوش باشد پس البته خبردار کنیم کافران را بآنچه میکردند والبته بچشانیم ایشان راازعقوبتِ سخت (٥٠) .

وَاِذَآ اَنْعَمْنَا عَلَى الْاِنْسَانِ اَعْرَضَ وَنَاٰ بِجَانِبِهٖ وَاِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُوْ دُعَآءٍ عَرِيْضٍ ﴿٥١﴾

وچون انعام کنیم برآدمی روبگرداند و دور شود بطرفِ خودرفته وچون برسدش بلای پس صاحب دعای بسیارست (٥١) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهٖ مَنْ اَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِيْ شِقَاقٍۢ بَعِيْدٍ ﴿٥٢﴾

بگو آیا دیدید که اگرباشد قرآن ازجانب خدا بازکافرشوید بآن کیست گمراه تراز شخصی که باشد درین مخالفت دورازصواب (٥٢) .

سَنُرِيْهِمْ اٰيٰتِنَا فِي الْاٰفَاقِ وَفِيْٓ اَنْفُسِهِمْ حَتّٰى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ اَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ اَنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ﴿٥٣﴾

خواهیم نمود ایشان را نشانه های خود در اطرافِ عالم ودرنفس های ایشان نیزتاآنکه واضح شود برایشان که این سخن راست ست آیا بس نیست پروردگار تو آنکه اوبرهرچیز مطلع است (٥٣) .

اَلَآ اِنَّهُمْ فِيْ مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَآءِ رَبِّهِمْ اَلَآ اِنَّهٗ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيْطٌ ﴿٥٤﴾

آگاه شو هرآئینه ایشان در شبهه انداز ملاقات پرور گارِخویش آگاه شو هرآئینه خدا بهر چیز درگیرنده است (٥٤) .

---

(١) یعنی خاطر جمع کندوخوف ازدلِ اوزائل شود والله اعلم .

سُوْرَةُ الشُّوْرٰى

سوره شوری مکی است وآن پنجاه وسه آیت و پنج رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

بنام خدای بخشاینده مهربان .

حٰمٓ ﴿١﴾

حٰـمٓ (١) .

عٓسٓقٓ ﴿٢﴾

عٓسٓقٓ (٢) .

كَذٰلِكَ يُوْحِيْٓ اِلَيْكَ وَاِلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكَ ۙ اللّٰهُ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٣﴾

همچنین وحی میفرستد بسوی تو وبسوی آنانکه پیش ازتوبودند خدای غالب باحکمت (٣) .

لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۭ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ ﴿٤﴾

اوراست آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمین ست واوست بلند مرتبه بزرگ قدر (٤) .

تَكَادُ السَّمٰوٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُوْنَ لِمَنْ فِي الْاَرْضِ ۭ اَلَآ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ﴿٥﴾

نزدیك ست كه آسمان هابشگافندازجانب بالای خود[1] وفرشتگان تسبیح میگویند همراه حمد پرورد گارخویش وآمرزش طلب می کنند برای آنانکه درزمین اند آگاه شوهرآئینه خدااوست آمرزگار مهربان (٥) .

وَالَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اَوْلِيَاۗءَ اللّٰهُ حَفِيْظٌ عَلَيْهِمْ ڮ وَمَآ اَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيْلٍ ﴿٦﴾

وآنانکه دوستان گرفتند بجزخدا، خدا نگهبان ست برایشان ونیستی توبرایشان متعهد (٦) .

وَكَذٰلِكَ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لِّتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرٰى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيْهِ ۭ فَرِيْقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيْقٌ فِي السَّعِيْرِ ﴿٧﴾

وهمچنین وحی فرستادیم بسوی توقرآن عربی تابترسانی اهل مکه را وآنان را که گردا گردِآن هستند وبترسانی ازروزقیامت هیچ شبهه نیست درآن گروهی در بهشت باشند وگروهی دردوزخ (٧) .

---

(١) یعنی ازهیبتِ الهی والله اعلم .

وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَجَعَلَهُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّلٰكِنْ يُّدْخِلُ مَنْ يَّشَآءُ فِيْ رَحْمَتِهٖ ؕ وَالظّٰلِمُوْنَ مَا لَهُمْ مِّنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ﴿٨﴾

واگرخواستی خدا گردانیدی ایشان را یك امت ولیکن درمی آرد هرکرا خواهد دررحمتِ خود و ستمگاران نیست ایشان را هیچ کارساز ونه یاری دهنده (٨) .

اَمِ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖۤ اَوْلِيَآءَ ۚ فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِ الْمَوْتٰى ؗ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٩﴾

آیا دوستان گرفتند بجزخدا پس خداهمونست کارساز وهمون زنده میکند مردگان را واوبر هرچیز تواناست (٩) .

وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيْهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهٗۤ اِلَى اللّٰهِ ؕ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبِّيْ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۖۗ وَاِلَيْهِ اُنِيْبُ ﴿١٠﴾

وآنچه اختلاف کردید درآن هرچه باشد پس فیصله کردن اوحواله بخدا ست این ست خدا پروردگارمن براوتوکل کردم وبسوی اورجوع می کنم (١٠) .

فَاطِرُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَّمِنَ الْاَنْعَامِ اَزْوَاجًا ۚ يَذْرَؤُكُمْ فِيْهِ ؕ لَيْسَ كَمِثْلِهٖ شَيْءٌ ۚ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ ﴿١١﴾

آفرینندهٔ آسمان ها وزمین ست پیداکرد برای شماازجنس شما زنان را وپیداکرداز جنس چهار پایان اقسامِ چند پرا گنده میکند شمارا باین تدبیر، نیست مانندِ اوچیزی واوست شنوا بینا (١١) .

لَهٗ مَقَالِيْدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيَقْدِرُ ؕ اِنَّهٗ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿١٢﴾

اوراست کلید های آسمان ها وزمین کشاده میکند روزی رابرای هرکه خواهد وتنگ میکند برای هرکه خواهد هرآئینه اوبهر چیز داناست (١٢) .

شَرَعَ لَكُمْ مِّنَ الدِّيْنِ مَا وَصّٰى بِهٖ نُوْحًا وَّالَّذِيْۤ اَوْحَيْنَاۤ اِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهٖۤ اِبْرٰهِيْمَ وَمُوْسٰى وَعِيْسٰۤى اَنْ اَقِيْمُوا الدِّيْنَ وَلَا تَتَفَرَّقُوْا فِيْهِ ؕ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِيْنَ مَا تَدْعُوْهُمْ اِلَيْهِ ؕ اَللّٰهُ يَجْتَبِيْۤ اِلَيْهِ مَنْ يَّشَآءُ وَيَهْدِيْۤ اِلَيْهِ مَنْ يُّنِيْبُ ﴿١٣﴾

مقرر کرد برای شما ازآئین آنچه امرکرده بود باقامتِ آن نوح را وآنچه وحی فرستادیم بسوی تو وآنچه امرکردیم باقامتِ آن ابراهیم وموسیٰ وعیسیٰ را باین مضمون که قائم کنید دین را ومتفرق نه شوید درآن دشوار آمد برمشرکان آنچه میخوانی ایشان را بآن، خدا برمی گزیند بسوی خود هرکه را

خواهد وراه مینماید بسوی خود هر که رجوع میکند[١] (١٣) .

وَمَا تَفَرَّقُوْٓا اِلَّا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ ؕ
وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِيَ
بَيْنَهُمْ ؕ وَاِنَّ الَّذِيْنَ اُوْرِثُوا الْكِتٰبَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ لَفِيْ شَكٍّ
مِّنْهُ مُرِيْبٍ ﴿١٤﴾

و پراگنده نه شدند امتّها مگربعدازآن کِه آمد بدیشان دانش ازروی حسد درمیان خود و اگر نبودی سخنی که سابقًا صادر شدازپروردگارتو که مهلت داده شوند تا زمانی معین البته فیصله کرده میشد میانِ ایشان وهرآئینه آنانکه داده شد ایشان را کتاب بعدازانبیاء درشبهه قوی اند ازدین (١٤) .

فَلِذٰلِكَ فَادْعُ ۚ وَاسْتَقِمْ كَمَآ اُمِرْتَ ۚ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآءَهُمْ ۚ
وَقُلْ اٰمَنْتُ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنْ كِتٰبٍ ۚ وَاُمِرْتُ لِاَعْدِلَ
بَيْنَكُمْ ؕ اَللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ؕ لَنَآ اَعْمَالُنَا وَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ ؕ لَا
حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ ؕ اَللّٰهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا ۚ وَاِلَيْهِ الْمَصِيْرُ ﴿١٥﴾

پس بسوی دین دعوت کن و قائم باش بحسب آنکه فرموده شدترا وپیروی مکن خواهش این کافران را وبگوایمان آوردم بآنچه فرود آورد خدا هرکتاب که هست و فرموده شد مراکه انصاف کنم میانِ شما خدا پروردگارماست وپروردگار شماست ماراعملهای ماست وشمارا عملهای شماست گفتگو نیست میانِ ماومیانِ شما خدا جمع کند میان ماو میان شما[٢] وبسوی اوست بازگشت (١٥) .

وَالَّذِيْنَ يُحَآجُّوْنَ فِي اللّٰهِ مِنْۢ بَعْدِ مَا اسْتُجِيْبَ لَهٗ حُجَّتُهُمْ
دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَّلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ﴿١٦﴾

وآنانکه مکابره می کنند دردین خدا بعد ازآنکه قبول کرده شدفرمان او[٣] مکابرۀ ایشان باطل ست نزدیك پروردگارایشان

---

(١) یعنی بسوی حق حاصل آن ست که انبیاء علیهم السلام دراصولِ دین متفق اندواختلافِ شرائع در فروع است وبس والله اعلم .

(٢) یعنی روزقیامت .

(٣) یعنی جمعی دراسلام داخل شدند والله اعلم .

وبرایشان است خشم وایشان راست عذاب سخت (١٦) .

اَللّٰهُ الَّذِیْٓ اَنْزَلَ الْکِتٰبَ بِالْحَقِّ وَالْمِیْزَانَ ؕ وَمَا یُدْرِیْكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِیْبٌ ﴿١٧﴾

خداآنست که فرود آوردکتاب را براستی وترازو را نیز وچه چیز مطلع ساخت ترا برحقیقتِ امرشاید که آمدنِ قیامت نزدیك باشد (١٧) .

یَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِیْنَ لَا یُؤْمِنُوْنَ بِهَا ۚ وَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مُشْفِقُوْنَ مِنْهَا ۙ وَیَعْلَمُوْنَ اَنَّهَا الْحَقُّ ؕ اَلَآ اِنَّ الَّذِیْنَ یُمَارُوْنَ فِی السَّاعَةِ لَفِیْ ضَلٰلٍۭ بَعِیْدٍ ﴿١٨﴾

زود طلب میکنند قیامت را آنانکه ایمان ندارند بآن وآنانکه باورداشته اند ترسانندازان ومیدانند که آن راست ست آگاه شو هرآئینه آنانکه مکابره می کنند درآمدن قیامت هرآئینه درگمراهی دُور اند (١٨) .

اَللّٰهُ لَطِیْفٌۢ بِعِبَادِهٖ یَرْزُقُ مَنْ یَّشَآءُ ۚ وَهُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِیْزُ ﴿١٩﴾

خدامهربان ست بربند گان خود روزی میدهد هرکرا خواهد واوست توانای غالب (١٩) .

مَنْ کَانَ یُرِیْدُ حَرْثَ الْاٰخِرَةِ نَزِدْ لَهٗ فِیْ حَرْثِهٖ ۚ وَمَنْ کَانَ یُرِیْدُ حَرْثَ الدُّنْیَا نُؤْتِهٖ مِنْهَا ۙ وَمَا لَهٗ فِی الْاٰخِرَةِ مِنْ نَّصِیْبٍ ﴿٢٠﴾

هرکه خواسته باشد کِشت آخرت را بیفزائیم برای اودرکشتِ او وهرکه خواسته باشد کِشتِ دنیارابدهیم اورا بعض دنیا ونیست اورا درآخرت هیچ نصیبی (٢٠) .

اَمْ لَهُمْ شُرَکٰٓؤُا شَرَعُوْا لَهُمْ مِّنَ الدِّیْنِ مَا لَمْ یَاْذَنْۢ بِهِ اللّٰهُ ؕ وَلَوْلَا کَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ ؕ وَاِنَّ الظّٰلِمِیْنَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِیْمٌ ﴿٢١﴾

آیا کافران را شریکان هستند که مقررکردند برای ایشان ازدین آنچه نه فرموده است آن را خدا و ا گرنه بودی وعدۀ فیصله کردن البته فیصله کرده میشد میانِ ایشان وهرآئینه ستمگاران ایشان راست عذاب درد دهنده (٢١) .

تَرَی الظّٰلِمِیْنَ مُشْفِقِیْنَ مِمَّا کَسَبُوْا وَهُوَ وَاقِعٌۢ بِهِمْ ؕ وَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فِیْ رَوْضٰتِ الْجَنّٰتِ ۚ لَهُمْ مَّا یَشَآءُوْنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ؕ ذٰلِكَ

ببینی ستمگاران را ترسان ازجزای آنچه به عمل آورده اند وآن البته رسنده است بایشان وآنانکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند درسبز زار های بوستان

هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيْرُ ﴿٢٢﴾

ها باشند، ایشان را باشد آنچه درخواست کنند نزدیك پروردگار خویش این ست فضلِ بزرگ (٢٢) .

ذٰلِكَ الَّذِيْ يُبَشِّرُ اللّٰهُ عِبَادَهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ قُلْ لَّآ اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبٰى وَمَنْ يَّقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهٗ فِيْهَا حُسْنًا اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ شَكُوْرٌ ﴿٢٣﴾

این آن ثواب ست که مژده میدهد خدابآن بندگان خود را که ایمان آورده اند وکارهای شائسته کرده اند بگونمی طلبم ازشما برتبلیغ قرآن هیچ مزدی لیکن باید که پیش گیرید دوستی درمیان خویشاوندان[1] وهرکه بکند نیکی بیفزائیم برای اودرآن نیکی حُسن را هرآئینه خدا آمرزگار قدرشناس است (٢٣) .

اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا فَاِنْ يَّشَاِ اللّٰهُ يَخْتِمْ عَلٰى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللّٰهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمٰتِهٖ اِنَّهٗ عَلِيْمٌ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿٢٤﴾

آیا میگویند پیغامبرافترا کرده است برخدا دروغ را پس اگرخواهد خدا مُهرنهد بردلِ تو ونابود می سازد خدا بیهوده را واثبات می کند دین درست را به سخن های خود هرآئینه خدا داناست بآنچه درسینه هاست(٢٤) .

وَهُوَ الَّذِيْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهٖ وَيَعْفُوْا عَنِ السَّيِّاٰتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُوْنَ ﴿٢٥﴾

واوست آنکه قبول میکند توبه را از بندگان خود و درمی گذرد از جرمها ومیداند آنچه می کنید (٢٥) .

وَيَسْتَجِيْبُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَيَزِيْدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ وَالْكٰفِرُوْنَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ﴿٢٦﴾

وقبول می کند دعای آنانکه ایمان آورده اند وکارهای شائسته کرده اند وزیاده میدهدایشان را ازفضل خود وکافران ایشان راست عذاب سخت (٢٦) .

وَلَوْ بَسَطَ اللّٰهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهٖ لَبَغَوْا فِي الْاَرْضِ وَلٰكِنْ يُّنَزِّلُ

واگرفراخ کردی خدا رزق را بر بندگان خود البته فساد میکردند درزمین

---

(١) یعنی بامن صلهٔ رحمی کنید وایذانرسانید .

بِقَدَرٍ مَّا يَشَآءُ ۚ اِنَّهٗ بِعِبَادِهٖ خَبِيْرٌۢ بَصِيْرٌ ﴿٢٧﴾

ولیکن فرود می آرد باندازهٔ آنچه خواهد هرآئینه خدابه بند گان خود دانا بیناست (٢٧) .

وَهُوَ الَّذِيْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْۢ بَعْدِ مَا قَنَطُوْا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهٗ ۚ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيْدُ ﴿٢٨﴾

واوست آنکه فرود می آرد باران را بعدازآنکه ناامیدشدند و پرا گنده میسازد رحمتِ خود را واوست کارساز ستوده کار (٢٨) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖ خَلْقُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيْهِمَا مِنْ دَآبَّةٍ ۚ وَهُوَ عَلٰى جَمْعِهِمْ اِذَا يَشَآءُ قَدِيْرٌ ﴿٢٩﴾

وازنشانه های اوآفریدن آسمان ها وزمین است وآفریدن آنچه پرا گنده کرده است دراین هردوازجانوران واوبر بهم آوردنِ ایشان وقتیکه بخواهد تواناست (٢٩) .

وَمَآ اَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيْبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ اَيْدِيْكُمْ وَيَعْفُوْا عَنْ كَثِيْرٍ ﴿٣٠﴾

وهرچه برسد به شما از مصیبت ها پس بسبب گناهی است که بعمل آورد دستهای شماودرمیگذرد ازبسیاری (٣٠) .

وَمَآ اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ فِي الْاَرْضِ ۚ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ﴿٣١﴾

ونیستید شما عاجز کننده درزمین ونیست شمارا بجز خدا هیچ کارسازی ونه نصرت دهنده (٣١) .

وَمِنْ اٰيٰتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْاَعْلَامِ ﴿٣٢﴾

وازنشانه های او کشتی های روان است دردریا مانندِ کوه ها (٣٢) .

اِنْ يَّشَاْ يُسْكِنِ الرِّيْحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلٰى ظَهْرِهٖ ۚ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُوْرٍ ﴿٣٣﴾

ا گرخواهد بازدارد باد را پس ایستاده شود کشتی ها برپشت دریا هرآئینه درین مقدمه نشانه هاست هرصبر کنندهٔ شکر گذارنده را (٣٣) .

اَوْ يُوْبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوْا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيْرٍ ﴿٣٤﴾

یاا گرخواهد هلاك کند اهل کشتی هارا بسبب آنچه کردند ودرمیگذرد از تقصیرات بسیار (٣٤) .

وَّيَعْلَمَ الَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِنَا ۭ مَا لَهُمْ مِّنْ مَّحِيْصٍ ﴿٣٥﴾

(تاانتقام کشدازایشان) وتابدانند آنانکه خصومت می کنند درآیاتِ ما که نیست ایشان راهیچ فرارگاه (از عذاب) (٣٥) .

فَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا ۚ وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٦﴾

پس آنچه داده شد شما رااز هر جنس که باشد اندك بهره ایست از زند گانی دنیا وآنچه نزدیك خداست بهترست وپائنده ترست برای آنانکه ایمان آورده اند و بر پروردگار خود توکل می کنند (٣٦) .

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿٣٧﴾

وآنانکه پرهیزمی کنند ازگناهان کبیره واز بی حیائی ها وچون بخشم می آیند ایشان می آمرزند (٣٧) .

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَوٰةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾

وآنانکه قبول کردند فرمان پروردگارخود را وبرپاداشتند نماز را وکارایشان ازسرِ مشورت باشد بایکدیگر وازآنچه روزی دادیم ایشان را خرچ می کنند (٣٨) .

وَالَّذِينَ إِذَآ أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنتَصِرُونَ ﴿٣٩﴾

وآنانکه چون برسد بدیشان تعدی، ایشان انتقام می کشند[1] (٣٩) .

وَجَزَٰٓؤُا سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا ۖ فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّٰلِمِينَ ﴿٤٠﴾

وسزای بدی بدی ست مانندِآن پس هرکه درگذرد وقضیه رابااصلاح آرد پس مزدِاوبرخداست هرآئینه خدا دوست نمی دارد ظالمان را (٤٠) .

وَلَمَنِ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُو۟لَٰٓئِكَ مَا عَلَيْهِم مِّن سَبِيلٍ ﴿٤١﴾

وهرآئینه کسی که انتقام کشد بعد مظلوم شدنِ خود پس آنجماعت نیست برایشان هیچ راه ملامت (٤١) .

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٢﴾

جزاین نیست که راه ملامت برآن جماعت است که ظلم می کنند برمردمان وفساد می طلبند درزمین به ناحق آن جماعت ایشان راست عذاب درد دهنده (٤٢).

---

(١) مترجم گوید یعنی اگربرضعیفی ظالم تعدی کند بزرگانِ قبیله متفق شوند وانتقام کشند والله اعلم .

وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ اِنَّ ذٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ ﴿٤٣﴾

وهرکه صبر کند وبیامرزد هرآئینه این صفت[1] ازکارهای مقصوداست (٤٣) .

وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ وَّلِيٍّ مِّنْۢ بَعْدِهٖ ۗ وَتَرَى الظّٰلِمِيْنَ لَمَّا رَاَوُا الْعَذَابَ يَقُوْلُوْنَ هَلْ اِلٰى مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيْلٍ ﴿٤٤﴾

وهرکرا گمراه کند خدا پس نیست اوراهیچ کارسازی بعدازوی وببینی ستمگاران را چون معاینه کنند عذاب را گویند آیا هست بسوی بازگشتن هیچ را هی (٤٤) .

وَتَرٰىهُمْ يُعْرَضُوْنَ عَلَيْهَا خٰشِعِيْنَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُوْنَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ ۗ وَقَالَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنَّ الْخٰسِرِيْنَ الَّذِيْنَ خَسِرُوْٓا اَنْفُسَهُمْ وَاَهْلِيْهِمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ اَلَآ اِنَّ الظّٰلِمِيْنَ فِيْ عَذَابٍ مُّقِيْمٍ ﴿٤٥﴾

وببینی ایشان را پیش آورده شوند نزدیکِ دوزخ متواضع شده از خواری می نگرند به گوشهٔ چشم نیم کشاده وگفتند اهل ایمان هرآئینه زیان کاران آنانند که درزیان دادند خویشتن را وخویشاوندانِ خود را روزقیامت آ گاه شو هرآئینه ستمگاران درعذاب دائم باشند (٤٥) .

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ اَوْلِيَآءَ يَنْصُرُوْنَهُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ ؕ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ سَبِيْلٍ ﴿٤٦﴾

ونه باشند ایشان را کارسازان که نصرت دهند ایشان را بجز خدا وهرکرا گمراه کند خدا نیست اورا هیچ را هی (٤٦) .

اِسْتَجِيْبُوْا لِرَبِّكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهٗ مِنَ اللّٰهِ ؕ مَا لَكُمْ مِّنْ مَّلْجَاٍ يَّوْمَئِذٍ وَّمَا لَكُمْ مِّنْ نَّكِيْرٍ ﴿٤٧﴾

قبول کنید فرمان پروردگار خود را پیش ازآنکه بیاید روزیکه بازگشت نیست آن راازجانب خدا نیست شمارا هیچ پناهی آن روزنیست برای شما هیچ بازخواست کننده (٤٧) .

فَاِنْ اَعْرَضُوْا فَمَآ اَرْسَلْنٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيْظًا ؕ اِنْ عَلَيْكَ اِلَّا الْبَلٰغُ ؕ وَاِنَّآ اِذَآ اَذَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا ۚ وَاِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْهِمْ فَاِنَّ الْاِنْسَانَ كَفُوْرٌ ﴿٤٨﴾

پس ا گرروبگردانند پس نه فرستاده ایم ترا برایشان نگهبان، نیست برتو مگرپیغام رسانیدن وهرآئینه ماچون بچشانیم آدمی را ازجانب خود رحمتی شادان شود بآن

---

(١) مترجم گوید مغفرت در حقِ خود عزیمت است وانتقام رخصت ودر حقِ ضعفاء قوم انتقام لازم است مگر آن که ضعفاء درگذارند والله اعلم .

واگر برسد بآدمیان مصیبتی بسبب آنچه فرستاده است دست های ایشان پس هرآئینه آدمی ناسپاس است (٤٨) .

لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ يَخْلُقُ مَا يَشَاۗءُ ۭ يَهَبُ لِمَنْ يَّشَاۗءُ اِنَاثًا وَّيَهَبُ لِمَنْ يَّشَاۗءُ الذُّكُوْرَ ﴿٤٩﴾

خدای راست پادشاهی آسمان هاوزمین می آفریند هرچه خواهد عطا می کند دختران هرکرا خواهد وعطامی کند پسران هرکرا خواهد (٤٩) .

اَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَّاِنَاثًا ۚ وَيَجْعَلُ مَنْ يَّشَاۗءُ عَقِيْمًا ۭ اِنَّهٗ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ ﴿٥٠﴾

یا جمع کند برای ایشان پسران ودختران ومیسازد هرکرا خواهد نزائنده هرآئینه اودانا است (٥٠) .

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُّكَلِّمَهُ اللّٰهُ اِلَّا وَحْيًا اَوْ مِنْ وَّرَاۗئِ حِجَابٍ اَوْ يُرْسِلَ رَسُوْلًا فَيُوْحِيَ بِاِذْنِهٖ مَا يَشَاۗءُ ۭ اِنَّهٗ عَلِيٌّ حَكِيْمٌ ﴿٥١﴾

وممکن نیست هیچ آدمی را که سخن گوید با اوخدا مگر باشارت یااز پس پرده یا بفرستد فرشته را پس نازل کند بحکم خدا آنچه خدا خواسته است هرآئینه خدابلند مرتبه باحکمت ست[1] (٥١) .

وَكَذٰلِكَ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ رُوْحًا مِّنْ اَمْرِنَا ۭ مَا كُنْتَ تَدْرِيْ مَا الْكِتٰبُ وَلَا الْاِيْمَانُ وَلٰكِنْ جَعَلْنٰهُ نُوْرًا نَّهْدِيْ بِهٖ مَنْ نَّشَاۗءُ مِنْ عِبَادِنَا ۭ وَاِنَّكَ لَتَهْدِيْٓ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٥٢﴾

وهمچنین وحی فرستادیم بسوی تو قرآن را ازکلامِ خود نمیدانستی توکه چیست کتاب و نمیدانستی که چیست ایمان و لیکن ساخته ایم وحی را روشنی راه مینائیم بآن هرکرا میخواهیم از بند گانِ خویش وهرآئینه تو هدایت کنی بسوی راه راست (٥٢) .

صِرَاطِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۭ اَلَآ اِلَى اللّٰهِ تَصِيْرُ الْاُمُوْرُ ﴿٥٣﴾

راهِ خدا که اوراست آنچه در آسمان هاست وآنچه درزمین است آ گاه شو بسوی خدا بازمیروند کارها (٥٣) .

---

(١) مترجم گوید اشارت عبارت از دیدن خواب است وازالقای علم درخاطر بطریق الهام وازپسِ پرده عبارت ازآن ست که آواز شنود وکسی را نه بیند و قسم ثالث آنست که فرشته بصورت آدمی متمثل شود وسخن گوید والله اعلم .

سُوْرَةُ الزُّخْرُفِ

سوره زخرف مکی است وآن هشتادو نه آیت وهفت رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

حٰمٓ ﴿١﴾

حٰمٓ(١) .

وَالْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ ﴿٢﴾

قسم به کتاب واضح (٢) .

اِنَّا جَعَلْنٰهُ قُرْءٰنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿٣﴾

که هرآئینه ماساختیم این کتاب را کلامِ عربی بُوَدکه شما بفهمید (٣) .

وَاِنَّهٗ فِيْٓ اُمِّ الْكِتٰبِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيْمٌ ﴿٤﴾

وهرآئینه این کتاب ثبت ست درلوح محفوظ نزدیكِ ماهرآئینه این کتاب بلند قدرباحکمت ست[1] (٤) .

اَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا اَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِيْنَ ﴿٥﴾

آیابازداریم ازشما پند را اعراض کرده برای آن که هستیلگروهی ازحدرفته (٥).

وَكَمْ اَرْسَلْنَا مِنْ نَّبِيٍّ فِي الْاَوَّلِيْنَ ﴿٦﴾

وبسیارفرستادیم پیغامبران را درپیشینیان (٦) .

وَمَا يَاْتِيْهِمْ مِّنْ نَّبِيٍّ اِلَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٧﴾

ونمی آمدبایشان هیچ پیغامبری الّا باو استهزا میکردند (٧) .

فَاَهْلَكْنَآ اَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَّمَضٰى مَثَلُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٨﴾

پس هلاك کردیم سخت ترازقریش را[2] باعتبار دست درازی ومذکورشد داستان نخستینیان (٨) .

وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ لَيَقُوْلُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيْزُ الْعَلِيْمُ ﴿٩﴾

و اگرسوال کنی ازایشان که چه کس بیافریدآسمان ها وزمین را البته گویند بیافرید آنهارا خدای غالب دانا (٩) .

الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ مَهْدًا وَّجَعَلَ لَكُمْ فِيْهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ

وی آنست که ساخت برای شما زمین را

---

(١) مترجم گوید قسم خوردن به چیزی برای اثباتِ همان چیز یالازم آنچیز کنایت است بآنکه آنچیز خود دلیل خوداست چنانکه گویند " قسم بلبِ میگون تو وزلفِ شبگونِ توکه تو معشوقِ دلربائی" والله اعلم .

(٢) یعنی عادوثمود که از قریش قوی تربودند .

تَهْتَدُوْنَ ﴿١٠﴾

بساط وساخت برای شما درزمین راه ها تابُوَد که شماراه یابید (١٠) .

وَالَّذِيْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً بِقَدَرٍ فَاَنْشَرْنَا بِهٖ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذٰلِكَ تُخْرَجُوْنَ ﴿١١﴾

ووی آنست که فرودآورد ازآسمان آب باندازه پس زنده کردیم بآن شهر مُرده را همچنین برآورده خواهید شد[1] (١١) .

وَالَّذِيْ خَلَقَ الْاَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الْفُلْكِ وَالْاَنْعَامِ مَا تَرْكَبُوْنَ ﴿١٢﴾

ووی آنست که بیافرید اقسام حیوانات تمام آن وساخت برای شما ازکشتی ها وازچهارپایان چیزی را که برآن سوار شوید (١٢) .

لِتَسْتَوٗا عَلٰى ظُهُوْرِهٖ ثُمَّ تَذْكُرُوْا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ اِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُوْلُوْا سُبْحٰنَ الَّذِيْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهٗ مُقْرِنِيْنَ ﴿١٣﴾

تاراست بنشینید برپشت های مرکوب بازیاد کنید نعمتِ پروردگارِخود را وقتی که راست نشستیدبرآن وبگوئید پاکست آن ذاتی که مسخرساخت برای مااین مرکوب را وما نه بودیم برآن توانا (١٣) .

وَاِنَّآ اِلٰى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ ﴿١٤﴾

وهرآئینه مابسوی پروردگارخویش رجوع کنندگانیم (١٤) .

وَجَعَلُوْا لَهٗ مِنْ عِبَادِهٖ جُزْءًا اِنَّ الْاِنْسَانَ لَكَفُوْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿١٥﴾

ومقررکردند برای خدا ازبندگان اواولاد را هرآئینه آدمی ناسپاس ظاهرست (١٥) .

اَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنٰتٍ وَّاَصْفٰىكُمْ بِالْبَنِيْنَ ﴿١٦﴾

آیافرا گرفت خدااازمخلوقاتِ خود دختران را وبرگزیده است شمارا به پسران (١٦) .

وَاِذَا بُشِّرَ اَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمٰنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهٗ مُسْوَدًّا وَّهُوَ كَظِيْمٌ ﴿١٧﴾

وچون مژده داده شود یکی ازایشان بتولد آنچه مثل ساخته است برای رحمن[2] روی اوسیاه گردد واوپُرازغم باشد (١٧) .

---

(١) یعنی ازقبور .

(٢) یعنی به تولد دختری والله اعلم .

أَوَمَن يُنَشَّؤُا فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ﴿١٨﴾

آیاآنراکه پرورده میشود در زیور واو درصفِ خصومت ظاهرنمی‌گردد (۱۸).

وَجَعَلُوا الْمَلٰٓئِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبٰدُ الرَّحْمٰنِ إِنٰثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهٰدَتُهُمْ وَيُسْـَٔلُونَ ﴿١٩﴾

وقراردادند فرشتگان را که آنان بندگان رحمٰن اند زن ها آیا حاضر بودند نزدیكِ آفرینشِ ایشان نوشته خواهد شداین گواهئ ایشان و پرسیده خواهندشد (۱۹).

وَقَالُوا لَوْ شَآءَ الرَّحْمٰنُ مَا عَبَدْنٰهُم مَا لَهُم بِذٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٢٠﴾

وگفتند کافران اگرخواستی رحمٰن پرستش نمیکردیم این فرشتگان را نیست ایشان را باین ادعا دانش نیستند ایشان مگردروغ‌گو (۲۰).

أَمْ ءَاتَيْنٰهُمْ كِتٰبًا مِّن قَبْلِهِ فَهُم بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ﴿٢١﴾

آیا داده ایم ایشانرا کتابی پیش ازقرآن پس ایشان بآن کتاب چنگ زننده اند (هرگز) (۲۱).

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا عَلٰٓى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلٰٓى ءَاثٰرِهِم مُّهْتَدُونَ ﴿٢٢﴾

بلکه‌گفتند هرآئینه مایافتیم پدرانِ خود را بردینی وهرآئینه مابرپی ایشان راه یافتگانیم (۲۲).

وَكَذٰلِكَ مَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَآ إِنَّا وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا عَلٰٓى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلٰٓى ءَاثٰرِهِم مُّقْتَدُونَ ﴿٢٣﴾

وهمچنین نه فرستادیم پیش ازتودرهیچ دیهی ترساننده ای را مگرگفتند منعمانِ آن ده هرآئینه مایافتیم پدران خودرا بردینی وهرآئینه مابرپئ ایشان متابعت کنندگانیم (۲۳).

قٰلَ أَوَلَوْ جِئْتُكُم بِأَهْدٰى مِمَّا وَجَدتُّمْ عَلَيْهِ ءَابَآءَكُمْ قَالُوٓا إِنَّا بِمَآ أُرْسِلْتُم بِهِ كٰفِرُونَ ﴿٢٤﴾

گفت پیغامبر آیابرمتابعتِ پدران مقرر مینمائید اگرچه آورده ام بشما دینی که زیاده ترراه نمائنده است ازآنچه برآن یافتید پدران خود راگفتند هرآئینه مابآنچه فرستاده شدشمارا همراهِ آن نامعتقدیم (۲۴).

فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عٰقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٥﴾

پس انتقام کشیدیم ازایشان پس درنگر چگونه بود عاقبت دروغ دارندگان (۲۵).

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾

ویادکن چون گفت ابراهیم پدرخود را وقوم خود راهرآئینه من بیزارم ازآنچه شما پرستش می کنید (۲۶) .

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿٢٧﴾

الاّ آن کسی که بیافرید مرا پس هرآئینه اوهدایت خواهد کرد مرا (۲۷) .

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾

وقرارداد خدای تعالی کلمۂ توحید را سخنی باقی مانده درفرزندانِ اوتابوَدکه کافران رجوع کنند[1] (۲۸) .

بَلْ مَتَّعْتُ هَٰؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿٢٩﴾

بلکه بهره مند ساختیم ایشان را و پدران ایشان را تاوقیتکه آمد بدیشان دین راست وپیغامبر ظاهر (۲۹) .

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَٰذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٠﴾

وآنگاه که آمد بدیشان دین راست گفتند این جادوست وهرآئینه مابدان نامعتقدانیم (۳۰) .

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَٰذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ﴿٣١﴾

و گفتند چرا فروفرستاده نه شد این قرآن برمردی بزرگ ازاهل این دوده[2] (۳۱) .

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ ۚ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا ۗ وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾

آیاایشان قسمت می کنند رحمتِ پروردگار ترا ماقسمت کرده ایم میانِ ایشان گزرانِ ایشان را درزندگانی دنیا وبلند مرتبه ساختیم بعض ایشان را بر بعض تاکه خدمتگذار گیرد بعض ایشان بعضی را[3] ورحمتِ پروردگارتو بهترست ازآنچه جمع میکنند (۳۲) .

وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن

واگر احتمال آن نه می بود که میشوند

---

(۱) یعنی انبیاء واولیا در اولاد حضرت ابراهیم علیه السلام پیداشدند .

(۲) یعنی یکی ازمتموّلانِ مکه وطائف والله اعلم .

(۳) یعنی بچشم حقارت نگرد والله اعلم .

يَكْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ لِبُيُوْتِهِمْ سُقُفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَّمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُوْنَ ﴿٣٣﴾

مردمان همه يك گروه البته ساختيم براى كسيكه نا معتقد ست بخدا براى خانه هاى ايشان سقفهائ ازنقره ونردبانهانيز كه برآن بالا برآيند (٣٣) .

وَلِبُيُوْتِهِمْ اَبْوَابًا وَّسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِـُٔوْنَ ﴿٣٤﴾

وبراى خانه هاى ايشان دروازه ها نيزازنقره وتخت ها كه برآن تكيه زده بنشينند (٣٤) .

وَزُخْرُفًا ۚ وَاِنْ كُلُّ ذٰلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ وَالْاٰخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿٣٥﴾

ومى ساختيم تجمل بسيار، ونيست همه اين مگر اندك بهره مندى زند گانى دنيا، وآخرت نزديك پرورد گارتو متقيان راست (٣٥) .

وَمَنْ يَّعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ نُقَيِّضْ لَهٗ شَيْطٰنًا فَهُوَ لَهٗ قَرِيْنٌ ﴿٣٦﴾

وهركه غافل شود ازيادرحمٰن برگماريم براى اوشيطانى پس آن شيطان اورا همنشين بُوَد (٣٦) .

وَاِنَّهُمْ لَيَصُدُّوْنَهُمْ عَنِ السَّبِيْلِ وَيَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ مُّهْتَدُوْنَ ﴿٣٧﴾

وهرآئينه شياطين بازميدارند آدميان را ازراه وآدميان مى پندارند كه ايشان راه يافتگانند (٣٧) .

حَتّٰٓى اِذَا جَآءَنَا قَالَ يٰلَيْتَ بَيْنِيْ وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِيْنُ ﴿٣٨﴾

تاآنوقت كه چون آدمى بيايد پيش ما گويد باشيطان خود اى كاش درميان من ودرميان تومسافتِ مشرق و مغرب بودى پس بدهمنشينى تو(٣٨) .

وَلَنْ يَّنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ اِذْ ظَّلَمْتُمْ اَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُوْنَ ﴿٣٩﴾

و(گوئيم) سود نه دهد شمارا امروز ازبس كه ستم كرده ايد آنكه شما درعذاب باهم شريك باشيد (٣٩) .

اَفَاَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ اَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٤٠﴾

(يا محمد) آيا توميتوانى شنوانيدن كران را يا راه ميتوانى نمودن كوران را وآن كس را كه در گمراهى ظاهرست (٤٠) .

فَاِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَاِنَّا مِنْهُمْ مُّنْتَقِمُوْنَ ﴿٤١﴾

پس ا گرازين عالم ببريم ترا پس البته مازين جماعت انتقام كشند گانيم (٤١) .

اَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِىْ وَعَدْنٰهُمْ فَاِنَّا عَلَيْهِمْ مُّقْتَدِرُوْنَ ﴿٤٢﴾

یا اینست که بنمائیم ترا آنچه وعده دادیم بایشان پس هرآئینه ما برایشان تواناایم (٤٢) .

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِىْۤ اُوْحِىَ اِلَيْكَۚ اِنَّكَ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٤٣﴾

پس چنگ زن بآنچه وحی فرستاده شد بسوی تو هرآئینه تو برراه راستی (٤٣) .

وَاِنَّهٗ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَۚ وَسَوْفَ تُسْـَٔلُوْنَ ﴿٤٤﴾

وهرآئینه قرآن پندست ترا وقومِ ترا وشماسوال کرده خواهید شد (٤٤) .

وَسْـَٔلْ مَنْ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُّسُلِنَاۤ اَجَعَلْنَا مِنْ دُوْنِ الرَّحْمٰنِ اٰلِهَةً يُّعْبَدُوْنَ ﴿٤٥﴾

وبپرس احوال آنانکه فرستاده بودیم پیش ازتو ازپیغامبرانِ خود آیا قرارداده بودیم بجز خدا معبودان دیگر که پرستش کرده شود آنهارا (٤٥) .

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مُوْسٰى بِاٰيٰتِنَاۤ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهٖ فَقَالَ اِنِّىْ رَسُوْلُ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٤٦﴾

وهرآئینه فرستادیم موسیٰ را به نشانه های خود بسوی فرعون واشرافِ قومِ او پس گفت هرآئینه من پیغامبر پروردگارِ عالمهایم (٤٦) .

فَلَمَّا جَآءَهُمْ بِاٰيٰتِنَاۤ اِذَا هُمْ مِّنْهَا يَضْحَكُوْنَ ﴿٤٧﴾

پس آن هنگام که آمد به ایشان بانشانه های ما نا گهان بآن نشانه هامی خندیدند (٤٧) .

وَمَا نُرِيْهِمْ مِّنْ اٰيَةٍ اِلَّا هِىَ اَكْبَرُ مِنْ اُخْتِهَاۗ وَاَخَذْنٰهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ ﴿٤٨﴾

و نه می نمودیم بایشان هیچ نشانه مگروی بزرگ تربود ازقرین خود وگرفتار کردیم ایشانرا به عقوبت بُوَد که ایشان رجوع کنند (٤٨) .

وَقَالُوْا يٰۤاَيُّهَ السّٰحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَۚ اِنَّنَا لَمُهْتَدُوْنَ ﴿٤٩﴾

وگفتند ای جادوگر دعا کن برای ماپروردگار خود را به عهدی که با تودارد هرآئینه ماراه یافتگانیم[1] (٤٩) .

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ اِذَا هُمْ يَنْكُثُوْنَ ﴿٥٠﴾

پس آنهنگام که دورکردیم ازایشان عقوبت را ناگهان ایشان عهدمی شکنند (٥٠) .

---

(١) یعنی مسلمان شویم .

وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَٰقَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَٰذِهِ الْأَنْهَٰرُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾

وآوازداد فرعون درمیان قوم خود گفت ای قوم من آیا نیست برای من پادشاهی مصر و این جویها میرود اززیرکوشك من آیا نمی بینید (٥١) .

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿٥٢﴾

(نی) بلکه من بهترم ازین شخص که وی خوارست ونزدیك نیست که سخن واضح گوید[1] (٥٢) .

فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّن ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَٰئِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ﴿٥٣﴾

پس چرا فرود آورده نه شد برین شخص دست بندهائی از زر یا چرا نیامدند همراه اوفرشتگان مجتمع شده (٥٣) .

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٥٤﴾

پس بی عقل کرد قوم خود را پس قبول کردند فرمان اورا هر آئینه ایشان بودند گروه فاسق (٥٤) .

فَلَمَّا آسَفُونَا انتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٥﴾

پس آن هنگام که بخشم آوردند مارا انتقام کشیدیم ازایشان پس غرق ساختیم ایشانرا همه یکجا (٥٥) .

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ ﴿٥٦﴾

پس ساختیم ایشانرا پیش رو و داستانی برای آیند گان (٥٦) .

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿٥٧﴾

وآنگاه[2] که داستان زده شد به پسر مریم نا گهان قوم توازین داستان بخوشوقتی آوازبلند می کنند (٥٧) .

وَقَالُوا أَآلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ

و گفتند آیا معبودان مابهترند یاعیسیٰ، آن

---

(١) یعنی درزبان حضرت موسیٰ علیه السلام لکنت بود والله اعلم .

(٢) مترجم‌گوید براین مسئله که هیچکس غیر خدای تعالی معبود نیست مشرکان ایراد کردند که ترسایان عیسیٰ رامی پرستند واگروی نیز معبود نه بود ما راضی شدیم که آله مابا عیسیٰ باشند وگمان کردند که بحجتِ غالب آمدند خدای تعالی کشفِ شبهه فرمود والله اعلم .

هُمْ قَوْمٌ خَصِمُوْنَ ﴿٥٨﴾

حرف نزدند باتومگربمکابره بلکه ایشان قومی خصومت کننده اند(٥٨) .

اِنْ هُوَ اِلَّا عَبْدٌ اَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنٰهُ مَثَلًا لِّبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ﴿٥٩﴾

نیست عیسیٰ مگربنده ای که انعام کرده ایم بروی وساختیم اورا نشانه برای بنی اسرائیل (٥٩) .

وَلَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَّلٰٓئِكَةً فِى الْاَرْضِ يَخْلُفُوْنَ ﴿٦٠﴾

واگرمیخواستیم البته قرارمی دادیم بدل شما فرشتگان را که درزمین خلیفه شوند (٦٠) .

وَاِنَّهٗ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُوْنِ ۭ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ﴿٦١﴾

وهرآئینه عیسیٰ نشانه است قیامت را پس شبهه مکنید درقیامت (بگو یا محمد) پیروی من کنید اینست راه راست (٦١) .

وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطٰنُ ۚ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ﴿٦٢﴾

وبازندارد شمارا شیطان هرآئینه اودرحق شمادشمن ظاهرست (٦٢) .

وَلَمَّا جَآءَ عِيْسٰى بِالْبَيِّنٰتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِاُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِيْ تَخْتَلِفُوْنَ فِيْهِ ۚ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿٦٣﴾

وآنگاه که آمد عیسی بامعجزه ها گفت آورده ام به شما حکمت را وآمده ام تابیان کنم برای شما بعض آنچه اختلاف می کنید درآن پس بترسید ازخدا وفرمان من برید (٦٣) .

اِنَّ اللّٰهَ هُوَ رَبِّيْ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ ۭ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ﴿٦٤﴾

هرآئینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس بپرستید اورااین ست راه راست (٦٤) .

فَاخْتَلَفَ الْاَحْزَابُ مِنْۢ بَيْنِهِمْ ۚ فَوَيْلٌ لِّلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ اَلِيْمٍ ﴿٦٥﴾

پس اختلاف کردند جماعت ها درمیان خویش پس وای آنان را که ستم کردند ازعقوبتِ روزِ درد دهنده (٦٥) .

هَلْ يَنْظُرُوْنَ اِلَّا السَّاعَةَ اَنْ تَاْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَّهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ﴿٦٦﴾

انتظار نمی کنند مگرقیامت را که بیاید بدیشان ناگهان وایشان خبردارنه باشند (٦٦) .

اَلْاَخِلَّآءُ يَوْمَىِٕذٍۭ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ اِلَّا الْمُتَّقِيْنَ ﴿٦٧﴾

دوستان آنروز بعض ایشان بابعض دشمن باشند مگر پرهیزگاران (٦٧) .

يٰعِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾

گفته شود ای بندگانِ من نیست هیچ ترس برشما امروز نه شما اندوهگین شوید (٦٨) .

الَّذِينَ آمَنُوا بِآيٰتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾

آن کسانیکه که ایمان آوردند بآیت های ماومسلمان بودند (٦٩) .

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴿٧٠﴾

گفته شود درآئید به بهشت شماوزنان شما خوشحال ساخته (٧٠) .

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ﴿٧١﴾

گردانیده شود برایشان کاسه هائ پهن از زر و کوزها نیز دربهشت باشد آنچه خواهش کنند نفس ها ولذت ببرند ازدیدن اوچشم ها وشما درآنجا جاویدان باشید (٧١) .

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾

و این آن بهشت ست که عطا کرده شد شمارا بسبب آنچه عمل می کردید (٧٢) .

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾

شماراست درآنجامیوه بسیارکه ازآن میخورید (٧٣) .

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خٰلِدُونَ ﴿٧٤﴾

هرآئینه‌گنهگاران درعذابِ دوزخ جاویدان اند (٧٤) .

لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾

سست کرده نه شود ازایشان عقوبت وایشان درآن عذاب ناامید شده خاموش باشند (٧٥) .

وَمَا ظَلَمْنٰهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوا هُمُ الظّٰلِمِينَ ﴿٧٦﴾

وستم نکردیم بر ایشان ولیکن بودند ایشان ستمگاران (٧٦) .

وَنَادَوْا يٰمٰلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مٰكِثُونَ ﴿٧٧﴾

وآوازدهندکه ای مالك باید که بمرگ حکم کند برماپرورد گارتو مالك گوید هرآئینه شما همیشه باشندگانید (٧٧) .

لَقَدْ جِئْنٰكُمْ بِالْحَقِّ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كٰرِهُونَ ﴿٧٨﴾

هرآئینه آوردیم بشما سخن راست را ولیکن اکثر شماسخن راست را ناخواهانید (٧٨) .

أَمْ أَبْرَمُوٓا۟ أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ﴿٧٩﴾

آیاعزم مصمم کرده اندبرکاری پس هرآئینه مانیز عزم مصمم کنند گانیم (٧٩).

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُم ۚ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿٨٠﴾

آیامی پندارند که مانمی شنویم راز گو سرگوشی ایشانرا آری می شنویم وفرستادگانِ ما نزدیك ایشان می نویسند (٨٠).

قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدٌ فَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْعَٰبِدِينَ ﴿٨١﴾

بگو اگربفرض باشد رحمٰن را فرزندی پس من نخستین عبادت کنندگان باشم (٨١).

سُبْحَٰنَ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٨٢﴾

پاکست پروردگارآسمان ها وزمین خداوندِعرش ازآنچه بیان می کنند (٨٢).

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا۟ وَيَلْعَبُوا۟ حَتَّىٰ يُلَٰقُوا۟ يَوْمَهُمُ ٱلَّذِى يُوعَدُونَ ﴿٨٣﴾

پس بگذارایشان را تا درباطل بحث کنند وبازی پیش‌گیرندتاآنکه ملاقات کنند بآن روزخود که وعده داده میشود ایشان را (٨٣).

وَهُوَ ٱلَّذِى فِى ٱلسَّمَآءِ إِلَٰهٌ وَفِى ٱلْأَرْضِ إِلَٰهٌ ۚ وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾

واوست آنکه درآسمان فرمان رواست ودر زمین فرمان روا واوست باحکمت دانا (٨٤).

وَتَبَارَكَ ٱلَّذِى لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِندَهُۥ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٥﴾

وبسیاربابرکت ست آنکه اوراست پاشاهی آسمان هاوزمین وآنچه درمیان هردواست ونزد اوست علم قیامت وبسوی او بازگردانیده شوید (٨٥).

وَلَا يَمْلِكُ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِٱلْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾

ونمی توانند آنانکه کفارپرستش می کنند ایشان را شفاعت کردن بغیر ازخدا لیکن کسی که‌گواهی راست داده باشد وایشان میدانند[1] (٨٦).

---

(١) یعنی اهل توحید را شفاعت کنند .

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللّٰهُ فَأَنّٰى يُؤْفَكُونَ ﴿٨٧﴾

وا گرسوال کنی ازایشان که کدام کس بیافرید ایشانرا البته گویند خدا آفریده است پس چگونه برگردانیده میشوند (ازعبادت خدا)(٨٧) .

وَقِيلِهِ يٰرَبِّ إِنَّ هٰؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

وبسا دعای پیغامبر که ای پرورد گارمن هرآئینه ایشان گروهی هستند که ایمان نمی آرند (٨٨) .

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلٰمٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

پس (فرمودیم) روگردان ازایشان وبگوسلام وداع پس خواهند دانست (٨٩) .

سُورَةُ الدُّخَانِ

سوره دخان مکی است وآن پنجاه ونه آیت وسه رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

حٰمٓ ﴿١﴾

حٰمٓ (١) .

وَالْكِتٰبِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾

قسم به کتاب واضح (٢) .

إِنَّآ أَنْزَلْنٰهُ فِي لَيْلَةٍ مُبٰرَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ ﴿٣﴾

که هرآئینه ما فرود آوردیم این کتاب رادرشب مبارك[1]هرآئینه ما بودیم ترساننده (٣) .

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿٤﴾

درآن شب مبارك فیصله کرده میشود هرکار باحکمت (٤) .

أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٥﴾

فرودآوردیم آنرا بوحی کردن ازنزدیكِ خویش هرآئینه مابودیم فرستنده[2] (٥) .

رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦﴾

بسبب بخشائش ازنزدیكِ پرورد گار توهرآئینه اوست شنوادانا (٦) .

رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ﴿٧﴾

پرورد گارآسمانها وزمین وآنچه درمیان این هردواست اگرهستید شما یقین کننده(٧) .

---

(١) یعنی لیلة القدر .

(٢) یعنی برپیغامبر فرود آوردیم آن را .

لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ ؕ رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَآئِكُمُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٨﴾

نیست هیچ معبود برحق مگر اوزنده میکند ومی میراند پروردگارشماست وپروردگار پدران پیشین شماست (٨) .

بَلْ هُمْ فِيْ شَكٍّ يَّلْعَبُوْنَ ﴿٩﴾

بلکه کافران درشبهه ای بازی می کنند (٩) .

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَاْتِي السَّمَآءُ بِدُخَانٍ مُّبِيْنٍ ﴿١٠﴾

پس منتظر باش روزی را که بیارد آسمان دودی ظاهر (١٠) .

يَّغْشَى النَّاسَ ؕ هٰذَا عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١١﴾

که فروگیرد مردمان را این عذاب درد دهنده است (١١) .

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ اِنَّا مُؤْمِنُوْنَ ﴿١٢﴾

(گویند) ای پروردگار ما دورکن ازماعذاب هرآئینه مسلمان میشویم (١٢) .

اَنّٰى لَهُمُ الذِّكْرٰى وَقَدْ جَآءَهُمْ رَسُوْلٌ مُّبِيْنٌ ﴿١٣﴾

چگونه بُوَدایشان را پند گرفتن و بتحقیق آمده بودبدیشان پیغامبر ظاهر (١٣) .

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوْا مُعَلَّمٌ مَّجْنُوْنٌ ﴿١٤﴾

بازروگردانیدند ازو وگفتند این شخص آموخته شدهٔ دیوانه است (١٤) .

اِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابِ قَلِيْلًا اِنَّكُمْ عَآئِدُوْنَ ﴿١٥﴾

هرآئینه مادورکنندهٔ عذابیم اندکی هرآئینه شما عود کننده ایددرکفر (١٥) .

يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرٰى ۚ اِنَّا مُنْتَقِمُوْنَ ﴿١٦﴾

روزی که درگرفت کنیم آن درگرفت کردن بزرگ هرآئینه ماانتقام کشنده ایم (١٦)[1] .

---

(١) مترجم گوید این وعده متحقق شد خدای تعالی درقریش قحط انداخت تاآنکه ازشدتِ جوع یاازکثرت بخار جَوّ چون دودی محسوس می شدوایشان بخدای تعالی رجوع کردند خدای تعالی قحط را دور فرمود بازبرکفر اصرار کردند خدای تعالی روزبدر ازایشان انتقام کشید که هفتادکس را از رؤساء ایشان کُشت وهفتاد کس را اسیر ساخت والله اعلم .

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَآءَهُمْ رَسُوْلٌ كَرِيْمٌ ﴿۱۷﴾

وهرآئینه ماامتحان کردیم پیش ازایشان قوم فرعون را وآمد بدیشان پیغامبری گرامی قدر (۱۷) .

اَنْ اَدُّوْٓا اِلَيَّ عِبَادَ اللّٰهِ ؕ اِنِّيْ لَكُمْ رَسُوْلٌ اَمِيْنٌ ﴿۱۸﴾

باین سخن که تسلیم کنید بمن بند گان خدارا[1] هرآئینه برای شما پیغامبر باامانتم (۱۸) .

وَّاَنْ لَّا تَعْلُوْا عَلَى اللّٰهِ ۚ اِنِّيْٓ اٰتِيْكُمْ بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿۱۹﴾

وسرکشی مکنید برخدا هرآئینه من بیارم پیش شما حجتِ ظاهررا (۱۹) .

وَاِنِّيْ عُذْتُ بِرَبِّيْ وَرَبِّكُمْ اَنْ تَرْجُمُوْنِ ﴿۲۰﴾

وهرآئینه من پناه گرفتم به پرورد گارخود و پرورد گارشماازآنکه سنگسار کنید مرا (۲۰) .

وَاِنْ لَّمْ تُؤْمِنُوْا لِيْ فَاعْتَزِلُوْنِ ﴿۲۱﴾

وا گرباورنمی دارید مرا پس یکسو شویدازمن (۲۱) .

فَدَعَا رَبَّهٗٓ اَنَّ هٰٓؤُلَآءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُوْنَ ﴿۲۲﴾

پس دعاکرد بجناب پرورد گار خود که اینجماعت قوم گنهگارا نند (۲۲) .

فَاَسْرِ بِعِبَادِيْ لَيْلًا اِنَّكُمْ مُّتَّبَعُوْنَ ﴿۲۳﴾

(پس گفتیم) ببربند گانِ مرا وقت شب هر آئینه شمارا تعاقب کرده شود (۲۳) .

وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا ؕ اِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُوْنَ ﴿۲۴﴾

وبگذار دریارا آرامیده هرآئینه این جماعت لشکری هست غرق شده (۲٤) .

كَمْ تَرَكُوْا مِنْ جَنّٰتٍ وَّعُيُوْنٍ ﴿۲۵﴾

بسیار گذاشتند ازبوستان ها وچشمه ها (۲۵) .

وَّزُرُوْعٍ وَّمَقَامٍ كَرِيْمٍ ﴿۲۶﴾

وکِشتهاومحلِ گرامی (۲٦) .

وَّنَعْمَةٍ كَانُوْا فِيْهَا فٰكِهِيْنَ ﴿۲۷﴾

وگذرانِ با رفاهیت که درآن محظوظ بودند (۲۷) .

كَذٰلِكَ ۫ وَاَوْرَثْنٰهَا قَوْمًا اٰخَرِيْنَ ﴿۲۸﴾

همچنین شد وعطاکردیم این چیزهارابه گروهی دیگر (۲۸) .

---

(۱) یعنی بنی اسرائیل را بمن حواله کنید و بنده مگیرید .

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَآءُ وَالْاَرْضُ وَمَا كَانُوْا مُنْظَرِيْنَ ﴿٢٩﴾

پس نگِریست برین قوم (فرعون) آسمان وزمین ونه شدند مهلت داده شده (٢٩) .

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِيْنِ ﴿٣٠﴾

وهرآئینه ماخلاص کردیم بنی اسرائیل رااز عذاب خوارکننده (٣٠) .

مِنْ فِرْعَوْنَ ۭ اِنَّهٗ كَانَ عَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِيْنَ ﴿٣١﴾

که ازجانب فرعون بود هرآئینه فرعون بود سرکشی ازتعدی کنندگان (٣١) .

وَلَقَدِ اخْتَرْنٰهُمْ عَلٰي عِلْمٍ عَلَي الْعٰلَمِيْنَ ﴿٣٢﴾

وهرآئینه برگزیدیم بنی اسرائیل را دانسته برعالم ها (٣٢) .

وَاٰتَيْنٰهُمْ مِّنَ الْاٰيٰتِ مَا فِيْهِ بَلٰٓؤٌا مُّبِيْنٌ ﴿٣٣﴾

ودادیم ایشان رااازقسم معجزات آنچه درآن امتحانِ ظاهر بود (٣٣) .

اِنَّ هٰٓؤُلَاۗءِ لَيَقُوْلُوْنَ ﴿٣٤﴾

هرآئینه این جماعت می گویند (٣٤) .

اِنْ هِىَ اِلَّا مَوْتَتُنَا الْاُوْلٰى وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِيْنَ ﴿٣٥﴾

که نیست عاقبت کارمگرهمین موت نخستینِ ما ونیستیم ما برانگیخته شده (٣٥) .

فَاْتُوْا بِاٰبَاۗىِٕنَآ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٣٦﴾

پس بیارید پدران ماراا گرهستید راست گویان (٣٦) .

اَهُمْ خَيْرٌ اَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ ۙ وَّالَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۭ اَهْلَكْنٰهُمْ ۡ اِنَّهُمْ كَانُوْا مُجْرِمِيْنَ ﴿٣٧﴾

آیااین جماعت بهتراند یاقوم تبع (حمیری) وآنانکه پیش ازایشان بودند هلاك ساختیم آنهارا هر آئینه آنها گنه گار بودند (٣٧) .

وَمَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لٰعِبِيْنَ ﴿٣٨﴾

ونیافریدیم آسمان ها وزمین را وآنچه درمیان هردواست بازی کنان (٣٨) .

مَا خَلَقْنٰهُمَآ اِلَّا بِالْحَقِّ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٣٩﴾

نیافریدیم این هردو را مگربتدبیرِ درست ولیکن اکثرایشان نمیدانند (٣٩) .

اِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيْقَاتُهُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿٤٠﴾

هرآئینه روزقیامت میعادِ ایشانست همه یك جا (٤٠) .

يَوْمَ لَا يُغْنِيْ مَوْلًى عَنْ مَّوْلًى شَيْـــًٔا وَّلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ﴿٤١﴾

روزی که دفع نه کند هیچ دوستی ازدوستِ دیگر چیزی را ونه ایشان را نصرت داده شود (٤١) .

اِلَّا مَنْ رَّحِمَ اللّٰهُ ؕ اِنَّهٗ هُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿٤٢﴾

مگر آنکه رحم کرد بروخدا هرآئینه خداغالب مهربان ست (٤٢) .

اِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّوْمِ ﴿٤٣﴾

هرآئینه درخت زقوم (٤٣) .

طَعَامُ الْاَثِيْمِ ﴿٤٤﴾

طعام گنهگارست (٤٤) .

كَالْمُهْلِ ۚ يَغْلِيْ فِي الْبُطُوْنِ ﴿٤٥﴾

مثلِ مِسِ گداخته شده بجوشد در شکم ها (٤٥) .

كَغَلْيِ الْحَمِيْمِ ﴿٤٦﴾

مانند جوشیدن آب گرم (٤٦) .

خُذُوْهُ فَاعْتِلُوْهُ اِلٰى سَوَآءِ الْجَحِيْمِ ﴿٤٧﴾

(گوئیم ای فرشتگان) بگیرید این گنه گاررا پس به سختی بکشیدش بسوی میانهٔ دوزخ (٤٧) .

ثُمَّ صُبُّوْا فَوْقَ رَاْسِهٖ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيْمِ ﴿٤٨﴾

بازبریزید بالای سراوازآب گرم که عقوبت ست (٤٨) .

ذُقْ ۚۙ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْكَرِيْمُ ﴿٤٩﴾

(گوئیم) بچش هرآئینه توئی بزعم خود بزرگوار گرامی قدر (٤٩) .

اِنَّ هٰذَا مَا كُنْتُمْ بِهٖ تَمْتَرُوْنَ ﴿٥٠﴾

هرآئینه این ست آنچه درآن شبهه می کردید (٥٠) .

اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِيْ مَقَامٍ اَمِيْنٍ ﴿٥١﴾

هرآئینه متقیان درجایگاه باامن باشند (٥١) .

فِيْ جَنّٰتٍ وَّعُيُوْنٍ ۚۙ ﴿٥٢﴾

دربوستان هاوچشمه ها (٥٢) .

يَّلْبَسُوْنَ مِنْ سُنْدُسٍ وَّاِسْتَبْرَقٍ مُّتَقٰبِلِيْنَ ۚۙ ﴿٥٣﴾

بپوشند ازحریرنازك وحریرلك روبروی یکدیگر شده (٥٣) .

كَذٰلِكَ ۫ وَزَوَّجْنٰهُمْ بِحُوْرٍ عِيْنٍ ﴿٥٤﴾

این چنین باشد حال وجفت کنیم ایشان را باحورِکشاده چشم (٥٤) .

يَدْعُوْنَ فِيْهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ اٰمِنِيْنَ ﴿٥٥﴾

بطلبند آنجا هرمیوه را ایمن شده (٥٥) .

لَا يَذُوْقُوْنَ فِيْهَا الْمَوْتَ اِلَّا الْمَوْتَةَ الْاُوْلٰى ۚ وَوَقٰهُمْ عَذَابَ الْجَحِيْمِ ﴿٥٦﴾

نه چشند آنجامرگ لیکن چشیده بودند مرگِ نخستین را ونگاه داشت ایشان را خداازعذاب دوزخ (٥٦) .

فَضْلًا مِّنْ رَّبِّكَ ؕ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿٥٧﴾

بسبب بخشائش ازجانبِ پروردگارتو این

فَإِنَّمَا يَسَّرْنٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٥٨﴾

ست پیروزی بزرگ (٥٧) .

جزاین نیست که آسان ساختیم قرآنرابزبان توتابُوَد که ایشان پندپذیرشوند (٥٨) .

فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُوْنَ ﴿٥٩﴾

پس منتظر باش هرآئینه ایشان نیز منتظر اند (٥٩) .

سورة الجاثية

سوره جاثیه مکی است وآن سی و هفت آیت وچهار رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

حٰمٓ ﴿١﴾

حٰمٓ (١) .

تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ﴿٢﴾

فروفرستادن این کتاب ازجانب خدای غالب باحکمت ست (٢) .

إِنَّ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ لَاٰيٰتٍ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٣﴾

هرآئینه درآسمانها وزمین نشانه هاست باوردارندگان را (٣) .

وَفِيْ خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَآبَّةٍ اٰيٰتٌ لِّقَوْمٍ يُّوْقِنُوْنَ ﴿٤﴾

ودرآفرینشِ شماودرآفرینشِ آنچه پراگنده میسازد از جانوران نشانه هاست قومی را که یقین میکنند (٤) .

وَاخْتِلَافِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَآ أَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ رِّزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيْفِ الرِّيٰحِ اٰيٰتٌ لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ﴿٥﴾

ودرآمد ورفت شب و روز ودرآنکه فرودآورد خدا ازآسمان روزی [١] پس زنده کرد بسبب باران زمین را بعد مرده بودنِ آن ودگردانیدن بادها نشانه هاست قومی را که درمی یابند (٥) .

تِلْكَ اٰيٰتُ اللّٰهِ نَتْلُوْهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۚ فَبِأَيِّ حَدِيْثٍ بَعْدَ اللّٰهِ وَاٰيٰتِهِ يُؤْمِنُوْنَ ﴿٦﴾

این نشانه های خداست میخوانیم آن را برتو براستی پس بکدام سخن بعد پند خدا وآیت های اوایمان آرند (٦) .

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيْمٍ ﴿٧﴾

وای هردروغگوی‌گنهگاررا (٧) .

(١) یعنی باران .

يَّسْمَعُ اٰيٰتِ اللّٰهِ تُتْلٰى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَاَنْ لَّمْ يَسْمَعْهَا ۚ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٨﴾

که می شنود آیاتِ خدارا که خوانده میشود بروی بازلازم می‌گیرد کفررا تکبر کرده‌گویا نشنیده است آنراپس مژده ده اورا به عذابِ درد دهنده (٨) .

وَاِذَا عَلِمَ مِنْ اٰيٰتِنَا شَيْـًٔا اتَّخَذَهَا هُزُوًا ۚ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ﴿٩﴾

وچون واقف شد برچیزی ازآیاتِ ما به تمسخرگیردآن را آنجماعت ایشان راست عذاب خوارکننده (٩) .

مِنْ وَّرَآئِهِمْ جَهَنَّمُ ۚ وَلَا يُغْنِيْ عَنْهُمْ مَّا كَسَبُوْا شَيْـًٔا وَّلَا مَا اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَوْلِيَآءَ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿١٠﴾

آن طرف ایشان دوزخ ست ودفع نکند ازایشان آنچه کسب کردند چیزی را ودفع نه کنند نیز آنکه دوستان‌گرفته اند بغیراز خدا وایشانرا ست عذاب بزرگ (١٠) .

هٰذَا هُدًى ۚ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّنْ رِّجْزٍ اَلِيْمٌ ﴿١١﴾

این قرآن هدایت ست وآنانکه کافرشدند بآیاتِ پروردگارخویش ایشانراست عذاب درد دهنده ازجنس عقوبتِ سخت (١١) .

اَللّٰهُ الَّذِيْ سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيْهِ بِاَمْرِهٖ وَلِتَبْتَغُوْا مِنْ فَضْلِهٖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿١٢﴾

خدای آنست که مُسَخَّر کردبرای شما دریا را تاروان شود کشتی ها درآن بفرمانِ اووتاطلبِ معیشت کنید ازفضلِ اووبُوَد که شما شکرگذاری کنید (١٢) .

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ جَمِيْعًا مِّنْهُ ۚ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿١٣﴾

ومسخر کرد برای شما آنچه درآسمان هاست وآنچه در زمین ست همه یکجا پدید آورده ازجانب خود هرآئینه درین مقدمه نشانه‌هاست گروهی را که تفکر میکنند (١٣) .

قُلْ لِّلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يَغْفِرُوْا لِلَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ اَيَّامَ اللّٰهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿١٤﴾

بگو مسلمانان را که درگذر کنند ازآنجماعت که توقع روزهای خدا نه دارند[1] تاسزادهد خداگروهی را بحسب

---

(١) یعنی معتقد نیستند که حوادث جزای اعمالِ ایشان باشد .

آنچه میکردند (١٤) .

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ اَسَاۤءَ فَعَلَيْهَا ۖ ثُمَّ اِلٰى رَبِّكُمْ تُرْجَعُوْنَ ﴿١٥﴾

هرکه بکند کارشائسته پس نفع اوراست وهرکه بدکاری کند پس وبال براوست باز بسوی پرورد گارخویش بازگردانیده خواهید شد (١٥) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا بَنِيْٓ اِسْرَاۤءِيْلَ الْكِتٰبَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنٰهُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ وَفَضَّلْنٰهُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ۚ ﴿١٦﴾

وهرآئینه دادیم بنی اسرائیل راکتاب ودانش مندی وپیغامبری و روزی دادیم ایشان راازنعمت های پاکیزه وفضیلت دادیم ایشان را برعالم ها (١٦) .

وَاٰتَيْنٰهُمْ بَيِّنٰتٍ مِّنَ الْاَمْرِ ۚ فَمَا اخْتَلَفُوْٓا اِلَّا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَاۤءَهُمُ الْعِلْمُ ۙ بَغْيًا ۢ بَيْنَهُمْ ۗ اِنَّ رَبَّكَ يَقْضِيْ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿١٧﴾

ودادیم ایشان را نشانه های واضح دربابِ دین پس اختلاف نکردند مگر بعدازآنکه آمد بدیشان دانش ازروی تعدّی بایکدیگر هرآئینه پرورد گارتو فیصله کند میان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می کردند درآن (١٧) .

ثُمَّ جَعَلْنٰكَ عَلٰى شَرِيْعَةٍ مِّنَ الْاَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاۤءَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٨﴾

بازساختیم ترا برراه ظاهر ازدین پس پیروی کن آنرا وپیروی مکن خواهشات آنانرا که نمیدانند (١٨) .

اِنَّهُمْ لَنْ يُّغْنُوْا عَنْكَ مِنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا ۗ وَاِنَّ الظّٰلِمِيْنَ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاۤءُ بَعْضٍ ۚ وَاللّٰهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِيْنَ ﴿١٩﴾

هرآئینه ایشان دفع نخواهند کرداز توچیزی ازعقوبتِ خدا وهرآئینه ستمگاران بعض ایشان کارسازان بعض اند وخدا کارساز متقیانست (١٩) .

هٰذَا بَصَاۤىِٕرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَّرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُّوْقِنُوْنَ ﴿٢٠﴾

این قرآن دلیل های واضح ست مردمان راوهدایت ست وبخشائش گروهی را که یقین می کنند (٢٠) .

اَمْ حَسِبَ الَّذِيْنَ اجْتَرَحُوا السَّيِّاٰتِ اَنْ نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ۙ سَوَاۤءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ ۗ سَاۤءَ مَا يَحْكُمُوْنَ ۧ ﴿٢١﴾

آیا پنداشتند آنانکه کردند جرمها که قراردهیم ایشان را مانند آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند، یکسان

باشد زند گانی ایشان ومُردن ایشان بدحکمِ ایشان ست این حکم (۲۱) .

وَخَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزٰى كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿۲۲﴾

وآفریدخدا آسمان ها وزمین را بتدبیر درست وتاعاقبت کار جزا داده شود هر شخصی بحسب آنچه عمل کرده است وبرایشان ستم کرده نشود (۲۲) .

اَفَرَءَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهٗ هَوٰىهُ وَاَضَلَّهُ اللّٰهُ عَلٰى عِلْمٍ وَّخَتَمَ عَلٰى سَمْعِهٖ وَقَلْبِهٖ وَجَعَلَ عَلٰى بَصَرِهٖ غِشٰوَةً ؕ فَمَنْ يَّهْدِيْهِ مِنْۢ بَعْدِ اللّٰهِ ؕ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿۲۳﴾

آیادیدی کسی را که معبود خودگرفته است خواهش نفس خودرا وگمراه کرد اوراخداباوجود دانش ومُهر نهاد برگوش اوودل او وپیداکرد برچشم او پرده پس کیست که راه نماید اورا بعد خدا آیاپندنمی‌گیرید (۲۳) .

وَقَالُوْا مَا هِيَ اِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوْتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَاۤ اِلَّا الدَّهْرُ ۚ وَمَا لَهُمْ بِذٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ ۚ اِنْ هُمْ اِلَّا يَظُنُّوْنَ ﴿۲۴﴾

وگفتند نیست زندگانی مگر همین زند گانی این جهانی مامی میریم وزنده میشویم وهلاك نمی کند مارا مگر زمانه ونیست ایشان را باین مقدمه هیچ دانش نیستند ایشان مگرگمان می کنند (۲٤) .

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ اِلَّاۤ اَنْ قَالُوا ائْتُوْا بِاٰبَآئِنَاۤ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿۲۵﴾

وچون خوانده شود برایشان آیت های ماواضح آمده نه بُوَد شبههٔ ایشان مگرآنکه گویند بیارید پدران مارا اگرهستید راست گو (۲۵) .

قُلِ اللّٰهُ يُحْيِيْكُمْ ثُمَّ يُمِيْتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيْهِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۲۶﴾

بگو خدازنده میکندشمارا بازمی میراند شمارا بازجمع کند شمارا بروزقیامت هیچ شبهه نیست درآن ولیکن اکثر مردمان نمی دانند (۲٦) .

وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَّخْسَرُ الْمُبْطِلُوْنَ ﴿۲۷﴾

وخدای راست پادشاهی آسمان هاوزمین وروزی که قائم شود قیامت آن روز زیان کارشوند تباه کاران (۲۷) .

وَتَرٰى كُلَّ اُمَّةٍ جَاثِيَةً ۫ كُلُّ اُمَّةٍ تُدْعٰۤى اِلٰى كِتٰبِهَا ؕ اَلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿۲۸﴾

وببینی هرگروهی را بزانودرآمده، هرگروهی را خوانده شود بسوی نامهٔ

اعمال او (یعنی برای سوال وجواب مهیاشده گوئیم) امروز جزا داده شود شمارا بحسب آنچه میکردید (٢٨).

هٰذَا كِتٰبُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ ۚ اِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ
مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٢٩﴾

گوئیم این نامهٔ ماست که اظهار حقیقت میکند برشما براستی هرآئینه ما می نوشتیم آنچه شماعمل می کردید (٢٩) .

فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ
فِيْ رَحْمَتِهٖ ۚ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِيْنُ ﴿٣٠﴾

پس اما آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند پس در آرد ایشان را پروردگارایشان دررحمت خود این ست پیروزی ظاهر (٣٠) .

وَاَمَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۗ اَفَلَمْ تَكُنْ اٰيٰتِيْ تُتْلٰى عَلَيْكُمْ
فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِيْنَ ﴿٣١﴾

واما آنانکه کافرشدند (ایشانرا گوئیم) آیاخوانده نمی شد برشماآیاتِ من پس تکبر کردید وقومِ گنهگار بودید (٣١) .

وَاِذَا قِيْلَ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَّالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيْهَا قُلْتُمْ
مَّا نَدْرِيْ مَا السَّاعَةُ ۙ اِنْ نَّظُنُّ اِلَّا ظَنًّا وَّمَا نَحْنُ
بِمُسْتَيْقِنِيْنَ ﴿٣٢﴾

وچون گفته شد که وعدهٔ خداراست است وقیامت هیچ شبهه نیست درآن گفتید نمیدانیم چیست قیامت تصور نمی کنیم آن را مگر باحتمالِ ضعیف ونیستیم ما یقین کنندگان (٣٢) .

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّاٰتُ مَا عَمِلُوْا وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ
يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٣٣﴾

وظاهر شدایشانرا عقوبت های آنچه بآن عمل کرده بودند ودرگرفت ایشان را آنچه بآن استهزامی کردند (٣٣) .

وَقِيْلَ الْيَوْمَ نَنْسٰىكُمْ كَمَا نَسِيْتُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا وَمَاْوٰىكُمُ
النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ ﴿٣٤﴾

وگفته شود امروز فراموش کنیم شمارا چنانکه فراموش کردید ملاقات این روزخودرا وجای شما دوزخ ست و نیست شمارا هیچ نصرت دهنده (٣٤) .

ذٰلِكُمْ بِاَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ اٰيٰتِ اللّٰهِ هُزُوًا وَّغَرَّتْكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا ۚ
فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُوْنَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُوْنَ ﴿٣٥﴾

این عذاب بسبب آنست که شمابه تمسخر گرفتید آیات خدارا وفریفته کرد شمارا زندگانی دنیا پس امروز بیرون کرده نشوند ازدوزخ ونه ازایشان رضامندی خدا طلب کرده شود (٣٥) .

فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَرَبِّ الْاَرْضِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٣٦﴾

پس خدای راست ستائش پرورد گار آسمانها وپروردگارزمین پروردگارعالم ها (٣٦) .

وَلَهُ الْكِبْرِيَآءُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٣٧﴾

اوراست بزرگی درآسمان هاوزمین واوست غالب باحکمت (٣٧) .

سُوْرَةُ الْاَحْقَافِ

سوره احقاف مکی است وآن سی وپنج آیت وچهار رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

حٰمٓ ﴿١﴾

حٰمٓ(١) .

تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ﴿٢﴾

فروفرستادنِ کتاب ازجانب خدای غالب باحکمت ست (٢) .

مَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ اِلَّا بِالْحَقِّ وَاَجَلٍ مُّسَمًّى ۭ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَمَّآ اُنْذِرُوْا مُعْرِضُوْنَ ﴿٣﴾

نیافریدیم آسمان ها وزمین را وآنچه درمیان هردوست مگر به تدبیر درست وبمیعادی معین وآنانکه کافر شدندازآنچه ترسانیده شدایشان را روگردانند (٣) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ مَّا تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَرُوْنِيْ مَاذَا خَلَقُوْا مِنَ الْاَرْضِ اَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمٰوٰتِ ۭ اِيْتُوْنِيْ بِكِتٰبٍ مِّنْ قَبْلِ هٰذَآ اَوْ اَثٰرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٤﴾

بگوآیا دیدید آنچه می پرستید بجز خدا بنمائید مرا چه چیز آفریده اند اززمین یاایشانرا شرکتیست درآسمان ها بیارید بمن کتابی که آمده باشد پیش ازین یابقیه ازعلم اگرهستید راست گو (٤) .

وَمَنْ اَضَلُّ مِمَّنْ يَّدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَنْ لَّا يَسْتَجِيْبُ لَهٗٓ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَآىِٕهِمْ غٰفِلُوْنَ ﴿٥﴾

وکیست گمراه تر ازکسی که بخواند بجز خداکسی را که قبول نکند خواندنش تاروزقیامت واین معبودانِ باطل ازخواندن ایشان غافل اند (٥) .

وَاِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوْا لَهُمْ اَعْدَآءً وَّكَانُوْا بِعِبَادَتِهِمْ كٰفِرِيْنَ ﴿٦﴾

وچون جمع کرده شوند مردمان باشند این معبودان ایشانرا دشمن وباشند به عبادت ایشان منکر (٦) .

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلْحَقِّ

چون خوانده شود برایشان آیاتِ ماواضح آمده گویند این کافران سخن

لَمَّا جَاءَهُمْ هَٰذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ۝٧

درست را چون بیامد بدیشان این سحر ظاهرست (۷) .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۖ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ ۖ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۖ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝٨

بلکه میگویند بربسته است آنراپیغامبربگو اگر بربسته ام آنراپس نمی توانید شما برای من ازخدا چیزی خدا دانا ترست به گفتگوی شمادرقرآن بس ست خدااظهار حق کننده درمیان من ودرمیان شما واوست آمرزگار مهربان (۸) .

قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ ۖ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝٩

بگونیستم من نوآمده ازپیغامبران ونمی دانم چه کرده خواهد شد بامن وباشما(یعنی دردنیا)پیروی نمی کنم الّا آنچه وحی فرستاده میشود بسوی من ونیستم من مگرترسانندهٔ آشکار (۹) .

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَآمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝١٠

بگوآیا دیدید ا گرباشد قرآن ازنزد خدا ومنکر شدید بآن وگواهی داده باشد گواهی ازبنی اسرائیل برقرآن پس وی ایمان آورد وسرکشی کردید شما البته ستمگار باشید هرآئینه خداراه نمی نماید گروه ستمگاران را (۱۰) .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ ۚ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَٰذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ ۝١١

وگفتند کافران درحق مسلمانان ا گردین بهتر بودی سبقت نکردند برمابسوی آن وچون راه نیافتند بآن پس خواهند گفت این دروغی ست قدیم (۱۱) .

وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۚ وَهَٰذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ ۝١٢

وپیش ازقرآن کتاب موسیٰ بود پیشواوبخشائش و این کتابیست باوردارنده به زبان عربی آمده برای آنکه بترساند ستمگاران را وبرای مژده دادن نیکوکاران را (۱۲) .

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

هرآئینه آنانکه گفتند پرورد گار ماخداست

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٣﴾

بازقايم ماندند پس هيچ ترس نيست برايشان ونه ايشان اندوه خورند (١٣) .

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾

اين جماعت اهل بهشت اند جاويدان آنجاپاداش داده شوند بحسب آنچه مى كردند (١٤) .

وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا ۖ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا ۖ وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا ۚ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ۖ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾

وامركرديم آدمى را درحق پدرو مادراو نيكوكارى درشكم برداشته است اورا مادراو به دشوارى و زاده است اورا به دشوارى و مدت بارگرفتن اوواز شيرباز كردن او سى ماه ست وزنده ماند تاوقتيكه رسيد بكمال قوت خود و رسيد بچهل سال گفت اى پرورد گارمن الهام كن مرا تا شكرگوئيم درمقابلهٔ نعمت تو كه انعام كرده اى برمن وبرپدرومادرمن وتاكارنيك كنم كه خوشنود شوى ازآن وصلاح پيداكن براى من در فرزندان من هرآئينه من رجوع كردم بسوى تو وهرآئينه من ازمسلمانانم (١٥) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَن سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ ۖ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿١٦﴾

اين جماعت آنندكه قبول مى كنيم ازايشان نيكوترين آنچه عمل كرده اند ودرگذريم ازجرمهاى ايشان دراهل بهشت باشند به وفق وعده راستى كه وعده داده مى شوند (١٦) .

وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَا أَتَعِدَانِنِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ

وآنشخص كه گفت به پدرومادر خود دل تنگ شدم به نسبت شماآياوعده ميدهيد مراكه برآورده شوم[1] وهرآئينه گذشته اند

(١) يعنى ازقبر .

الْقُرُوْنُ مِنْ قَبْلِيْ ۚ وَهُمَا يَسْتَغِيْثٰنِ اللّٰهَ وَيْلَكَ اٰمِنْ ۖ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ ۚ فَيَقُوْلُ مَا هٰذَآ اِلَّآ اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿١٧﴾

طبقه های مردم پیش ازمن[1] وآن هردوفریاد میکنند بجناب خدا میگویندوای برتومسلمان شوهرآئینه وعدهٔ خداراست ست پس گوید نیست این وعده مگرافسانه های پیشینیان (١٧).

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِيْٓ اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ ۭ اِنَّهُمْ كَانُوْا خٰسِرِيْنَ ﴿١٨﴾

این جماعت آنانند که ثابت شدبرایشان وعدهٔ عذاب ازجملهٔ امت ها که گذشته اند پیش ازایشان از جنیان وآدمیان هرآئینه ایشان بودند زیان کاران (١٨).

وَلِكُلٍّ دَرَجٰتٌ مِّمَّا عَمِلُوْا ۚ وَلِيُوَفِّيَهُمْ اَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿١٩﴾

وهریکی را مرتبه هاست بحسب آنچه عمل کردند وتابتمام دهدخداایشان را جزای اعمال ایشان و ایشان ستم کرده نه شوند (١٩).

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَلَى النَّارِ ۭ اَذْهَبْتُمْ طَيِّبٰتِكُمْ فِيْ حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا ۚ فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُوْنِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُوْنَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُوْنَ ﴿٢٠﴾

وروزیکه پیش آورده شوند کافران برآتش (گفته شود) ضائع کردید نعمت های خودرا درزندگانی دنیاوی خویش و بهره مند شدید بآن پس امروز جزا داده شودشمارا عذابِ خواری بسبب آنکه تکبرمی کردید در زمین ناحق وبسبب آنکه بدکاری میکردید[2] (٢٠).

وَاذْكُرْ اَخَا عَادٍ ۭ اِذْ اَنْذَرَ قَوْمَهٗ بِالْاَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ

ویادکن برادر قوم عاد را چون بترسانید قوم خودرا بسرزمین احقاف وهرآئینه

---

(١) یعنی هیچکس ازایشان باززنده نه شد والله اعلم .

(٢) مترجم گوید این تصویراست حال سعید وشقی را پس سعید حق خدای تعالی و حق ابوین بجامی آورد وبانواع نعم محظوظ میشود درجمیع امور بحق تعالی رجوع میکند وشقی جمع می کند میان کفرو بحقوق والدین وانکار معاد وصورتِ سعید منطبق است برحضرت ابوبکر صدیق وغیرایشان نیز والله اعلم .

النُّذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٢١﴾

گذشته بودند ترسانندگان پیش روی وَی وپس از وی[1] که عبادت مکنید مگرخدارا هرآئینه من میترسم برشما ازعقوبتِ روز بزرگ (٢١) .

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٢﴾

گفتند آیاآمده ای پیش ما تا بازداری مارا ازپرستشِ معبودان خود پس بیارآنچه وعده میدهی مارا اگرهستی ازراستگویان (٢٢).

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَٰكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿٢٣﴾

گفت جزاین نیست که علم نزدیك خداست ومیرسانم بشما آنچه فرستاده شدم همراه اوولیکن می بینم که شما گروهی هستید که نادانی میکنید (٢٣) .

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَٰذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٤﴾

پس چون دیدند آن عقوبت را بصورت ابری روآورده به میدان های ایشان گفتند این ابریست بارانندهٔ برمابلکه بحقیقت آن ابرچیز یست که بشتاب طلب کردید آنرا بادیست که دروی عقوبتِ درد دهنده است (٢٤) .

تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٥﴾

برهم زندهرچیزرا بفرمانِ پرورد گارخویش پس گشتند باین صفت که دیده نمی شد بجز خانه های ایشان همچنین جزا میدهیم گروه گناهگاران را (٢٥) .

وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا

وهرآئینه جاداده بودیم قوم عاد را درآنچه جای نه داده ایم شمارا درآن وساخته بودیم برای قوم عاد گوش وچشمها ودل هاپس دفع نکرد ازایشان

---

(١) یعنی ازهر جانب باین مضمون .

يَجْحَدُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٢٦﴾

گوشِ ایشان ونه چشمهای ایشان ونه دلهای ایشان چیزی را ازبسکه انکارمی کردند به نشانه های خدا و فرا گرفت بایشان آنچه بآن استهزامی کردند (٢٦) .

وَلَقَدْ اَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِّنَ الْقُرٰى وَصَرَّفْنَا الْاٰيٰتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ ﴿٢٧﴾

وهرآئينه هلاك كرديم آنچه دوروبر شماست ازديه ها وگونا گون پديد آورديم نشانه هابُوَد که ایشان بازگردند (٢٧) .

فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ قُرْبَانًا اٰلِهَةً ؕ بَلْ ضَلُّوْا عَنْهُمْ ۚ وَذٰلِكَ اِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ﴿٢٨﴾

پس چرا نصرت نه دادند ایشان راآنانکه معبودان گرفتند بغیرازخدا قرب خداجویان بلکه گم شدند ازنظرِ ایشان وهمین ست دروغِ ایشان وآنچه برمی بافتند (٢٨) .

وَاِذْ صَرَفْنَآ اِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُوْنَ الْقُرْاٰنَ ۚ فَلَمَّا حَضَرُوْهُ قَالُوْٓا اَنْصِتُوْا ۚ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا اِلٰى قَوْمِهِمْ مُّنْذِرِيْنَ ﴿٢٩﴾

ویادکن چون متوجه ساختیم بسوی توجماعتی راازجن می شنیدند قرآن را پس چون حاضر شدند پیش پیغمبربایکدیگر گفتند خاموش باشید پس چون تمام کرده شدبازگشتند بسوی قوم خود بیم کنان[1] (٢٩) .

قَالُوْا يٰقَوْمَنَآ اِنَّا سَمِعْنَا كِتٰبًا اُنْزِلَ مِنْۢ بَعْدِ مُوْسٰى مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِيْٓ اِلَى الْحَقِّ وَاِلٰى طَرِيْقٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٣٠﴾

گفتند ای قوم ماهرآئینه ما شنیدیم کتابی را که فرود آورده شد بعدازموسیٰ باور دارندۀ آنچه پیش ازوبود راه می نماید بسوی دین راست وبسوی راه راست (٣٠) .

يٰقَوْمَنَآ اَجِيْبُوْا دَاعِيَ اللّٰهِ وَاٰمِنُوْا بِهٖ يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوْبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٣١﴾

ای قومِ ماقبول کنید سخنِ دعوت کننده را بسویِ خداوایمان آرید بوی تا بیامرزد خدا برای شما بعض گناهان شمارا وپناه

(١) مترجم گوید چند کس از جن پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمدند وآنحضرت صلی الله علیه وسلم درآن حالت نماز فجر می گذارد دربطنِ نخله قرآن استماع کردند چون بازگشتند قوم خودرا انذار نمودند اشارت باین قصه استَ درین آیات .

دهد شمارا ازعذاب درد دهنده (٣١) .

وَمَنْ لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللّٰهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْاَرْضِ وَلَيْسَ لَهٗ مِنْ دُوْنِهٖٓ اَوْلِيَآءُ ۭ اُولٰۗىِٕكَ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٣٢﴾

وهركه قبول نكند گفته دعوت كننده بخدارا پس نيست عاجز كننده درزمين و نيست اورا بجز خدا دوستان آنجماعت درگمراهى ظاهرند (٣٢) .

اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقٰدِرٍ عَلٰٓي اَنْ يُّـحْيِۦ الْمَوْتٰى ۭ بَلٰٓي اِنَّهٗ عَلٰي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٣٣﴾

آيا ندانستند اينكه خدا آفريده است آسمان هاوزمين را وخسته نه شددرآفريدنِ اينهاتواناست برآنكه زنده كندمُرد گان را آرى چنين ست هرآئينه اوبرهرچيز تواناست (٣٣) .

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَلَي النَّارِ ۭ اَلَيْسَ هٰذَا بِالْحَقِّ ۭ قَالُوْا بَلٰى وَرَبِّنَا ۭ قَالَ فَذُوْقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ ﴿٣٤﴾

وروزى كه پيش آورده شوند كافران برآتش (گفته شود) آيا نيست اين وعدهٔ درست، گويند آرى قسم به پروردگار مادُرُستست گويد پس بچشيد عقوبت را بسبب آنكه كافر بوديد (٣٤) .

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ اُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَّهُمْ ۭ كَاَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوْعَدُوْنَ ۙ لَمْ يَلْبَثُوْٓا اِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ ۭ بَلٰغٌ ۚ فَهَلْ يُهْلَكُ اِلَّا الْقَوْمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿٣٥﴾

پس صبر كن چنانكه صبر كرده بودند خداوندانِ همّتِ عالى ازپيغامبران وشتاب طلب مكن عقوبت را براى ايشان روزيكه ببينند آنچه وعده داده ميشود ايشانرا چنانستى كه ايشان نمانده بودند(١) مگر يكساعت از روز اين پيغام رسانيدن است پس هلاك كرده نخواهند شدمگرقوم بدكاران (٣٥) .

سوره محمد مدنى است وآن سى وهشت آيت وچهار ركوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

اَلَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اَضَلَّ اَعْمَالَهُمْ ﴿١﴾

آنانكه كافرشدند بازداشتند مردمان را از

(١) يعنى دردنيا .

راه خدا تباه وبرباد کرد خدا اعمالِ ایشانرا (١) .

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ﴿٢﴾

وآنانکه ایمان آوردند و کارهای شائسته کردندومعتقد شدند بآنچه فرودآورده شدبرمحمد صلی الله علیه وسلم وآن راستست آمده ازپروردگار ایشان دور ساخت ازایشان جرمهای ایشانرا وبصلاح آورد حال ایشان را (٢) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ﴿٣﴾

این بسبب آنست که کافران پیروی ازباطل کردند ومومنان پیروی دین راست کردند که ازجانب پروردگار ایشانست همچنین بیان میکند خدا برای مردمان داستانهای ایشان را (٣) .

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَٰكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿٤﴾

پس چون مصاف کنید باکافران پس بزنید گردن هارا تاوقتیکه چون خونریزی بسیار کردید درایشان پس محکم کنید قید را پس باحسان خلاص کردن است بعد ازین ویامالی بعوض گرفتن تاآنکه بنهد جنگ سلاح خودرا[1] اینست حکم واگر خواستی خداخود انتقام کشیدی ازایشان ولیکن میخواهد که امتحان کند بعض شمارا با بعضی وآنانکه کشته شدند درراهِ خدا پس برباد نخواهد کرد عمل ایشان را (٤) .

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ﴿٥﴾

راه خواهد نمودایشانرا ونیك خواهد کردحال ایشانرا (٥) .

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ﴿٦﴾

ودرخواهدآورد ایشان را به بهشتی که

(١) یعنی جنگ موقوف شود و احتیاج سلاح نماند والله اعلم .

شناساكرده است ايشان را به آن(٦) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنْ تَنْصُرُوا اللّٰهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ اَقْدَامَكُمْ ﴿٧﴾

اى مسلمانان اگرنصرت دهيد دين خدارا نصرت دهد خداشمارا وثابت كند قدمهاى شمارا (٧) .

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَتَعْسًا لَّهُمْ وَاَضَلَّ اَعْمَالَهُمْ ﴿٨﴾

وآنانكه كافرشدند پس هلاك باد ايشان را وبرباد كرد خدااعمال ايشان را (٨) .

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَرِهُوْا مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاَحْبَطَ اَعْمَالَهُمْ ﴿٩﴾

اين بسبب آنست كه ايشان ناپسند كردند چيزى را كه فرودآورده است خداپس برباد كردخدااعمال ايشانرا (٩) .

اَفَلَمْ يَسِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكٰفِرِيْنَ اَمْثَالُهَا ﴿١٠﴾

آياسيرنه كرده انددرزمين تابنگرند چگونه بود انجام آنانكه پيش ازايشان بودند نابود ساخت خدا ايشان را وكافران را است مانند اين عقوبت (١٠) .

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ مَوْلَى الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَاَنَّ الْكٰفِرِيْنَ لَا مَوْلٰى لَهُمْ ﴿١١﴾

اين بسبب آنست كه خداكار سازِ مسلمانان ست وبسبب آنست كه كافران را هيچ كارسازنيست ايشانرا (١١) .

اِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا يَتَمَتَّعُوْنَ وَيَاْكُلُوْنَ كَمَا تَاْكُلُ الْاَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ ﴿١٢﴾

هرآئينه خدا در آرد آنان را كه ايمان آورده اندوكارهاى شائسته كرده اند به بوستانهائى كه ميرود زيرِآن ها جويها وآنانكه كافرشدند بهره برميگيرند و ميخورند چنانكه ميخورند چهارپايان وآتش جاى ايشانست (١٢) .

وَكَاَيِّنْ مِّنْ قَرْيَةٍ هِيَ اَشَدُّ قُوَّةً مِّنْ قَرْيَتِكَ الَّتِيْٓ اَخْرَجَتْكَ اَهْلَكْنٰهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ﴿١٣﴾

وبسيار ازدِه كه قوى تربود ازدِه تو كه جلا وطن كرد ترا هلاك ساختيم ايشانرا پس نبود هيچ نصرت دهنده براى ايشان (١٣) .

اَفَمَنْ كَانَ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّهٖ كَمَنْ زُيِّنَ لَهٗ سُوْٓءُ عَمَلِهٖ وَاتَّبَعُوْٓا اَهْوَآءَهُمْ ﴿١٤﴾

آيا كسيكه باشدبر طريقهٔ روشن از پروردگار خويش مانندِ آن كس ست كه

آراسته کرده شددرنظرِ اوبدکاری و پیروی کردند خواهش های خودرا (١٤).

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ۖ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى ۖ وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ ۖ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ﴿١٥﴾

صفتِ بهشتی که وعده داده شد متقیانرا اینست درآن بهشت جویها ست ازآب که بدیرمانلگی متغیر نشده وجویهاست ازشیر که مزۀ اوبرنه گشته وجویهاست ازمَی لذت دهنده آشامند گان را وجویهاست ازعسلِ صاف کرده شده وایشانرا ست آن جا ازهر جنس میوه ها وایشان راست آمرزش ازپروردگار ایشان (آیااینجماعت) مانند آنست که همیشه باشددر آتش ونوشانیده شوند آب گرم پس پاره پاره ساخت روده های ایشانرا (١٥).

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِندِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٦﴾

و[1] ازمردمان کسی هست که گوش می نهد بسوی توتاوقتیکه چون بیرون روندازنزد توگویند بآنانکه عطاکرده شد ایشانرا علم چه چیز گفت پیغامبرالحال آنجماعت آنانند که مُهر نهاده است خدابردل های ایشان و پیروی کردند خواهش نفسِ خود را(١٦).

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ﴿١٧﴾

آنانکه راه یاب شدند زیاده کردخدا ایشانراهدایت وعطاکرد بدیشان تقوای ایشانرا (١٧).

فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً ۖ فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا ۚ فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ ﴿١٨﴾

پس منتظر نیستند مگر قیامت را که بیاید بدیشان نا گهان پس هرآئینه آمده است علاماتِ قیامت پس ازکجاباشدبرای

(١) مترجم گوید ازاین جاتاآخرسوره درباب تهدید مردم ضعیف الایمان نازل شد.

ایشان پند گرفتنِ ایشان وقتیکه بیاید قیامت ایشان (۱۸) .

فَاعْلَمْ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْۢبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنٰتِ ؕ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوٰىكُمْ ﴿١٩﴾

پس یقین کن که نیست هیچ معبود برحق مگرخدا وآمرزش طلب کن برای گناهانِ خود در حق مردان مسلمان وزنان مسلمان نیز وخدامیداند جای آمدورفتِ شماوجای ماندن شما[1] (۱۹) .

وَيَقُوْلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُوْرَةٌ ۚ فَاِذَآ اُنْزِلَتْ سُوْرَةٌ مُّحْكَمَةٌ وَّذُكِرَ فِيْهَا الْقِتَالُ ۙ رَاَيْتَ الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ يَّنْظُرُوْنَ اِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ؕ فَاَوْلٰى لَهُمْ ﴿٢٠﴾

ومیگویند مسلمانان چرافروفرستاده نه شد سورتی پس چون فرستاده شود سورتی واضح المعنی وذکرکرده شود درآن قتال ببینی آنان را که دردل های ایشان بیماری ست می نگرند بسوی تومانندِ نظر کردن کسیکه اورا بیهوشی رسیده باشد بسبب حضورِموت پس وای ایشانرا (۲۰) .

طَاعَةٌ وَّقَوْلٌ مَّعْرُوْفٌ ۫ فَاِذَا عَزَمَ الْاَمْرُ ۫ فَلَوْ صَدَقُوا اللّٰهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ﴿٢١﴾

حال ایشان بحسب ظاهر فرمانبرداریست و سخنِ نیکوگفتن پس چون مصمم شودکار، ا گروعدهٔ خود راست کردند باخدا بهتر بودی برای ایشان (۲۱) .

فَهَلْ عَسَيْتُمْ اِنْ تَوَلَّيْتُمْ اَنْ تُفْسِدُوْا فِي الْاَرْضِ وَتُقَطِّعُوْٓا اَرْحَامَكُمْ ﴿٢٢﴾

پس ای ضعیف ایمانان ا گرمتولی امورِ مردمان شوید البته نزدیك اید ازآنکه تباه کاری کنید درزمین وقطع قبیله داری نمائید (۲۲) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ فَاَصَمَّهُمْ وَاَعْمٰٓى اَبْصَارَهُمْ ﴿٢٣﴾

اینجماعت آنانند که لعنت کرد ایشانرا

---

(۱) حاصل این آیات ذم آن شخص است که بمجلس علم درآید وبفهم حقیقتِ آن نرسد بسبب هجومِ هوای نفس بردل اومحتاج استفسارِ دیگران گردد و تخویف است بقیامت مثل این شخص را والله اعلم .

خدا پس کرساخت ایشانرا وکورکرد چشمهای ایشانرا (٢٣) .

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ﴿٢٤﴾

آیاتأمل نمی کنند درقرآن یابردل هاقفل های آن دل هاست (٢٤) .

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى ۙ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ ﴿٢٥﴾

هرآئینه آنانکه برگشتند برجانب پشت های خویش پس ازآنکه ظاهر شد ایشان را راه هدایت شیطان آراسته کرده است برای ایشان ومهلت داده است ایشانرا (٢٥) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ ۖ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ﴿٢٦﴾

این همه بسبب آنست که ایشان گفتند باآنانکه ناپسند کرده اند چیزی راکه خدافرستاده است[1] فرمانبرداری شما خواهیم کرد دربعض کارها وخدامیداند سخنِ پنهان گفتن ایشانرا (٢٦) .

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ﴿٢٧﴾

پس چگونه باشد حال وقتی که قبضِ روح ایشان کنند فرشتگان میزنندروی های ایشانرا و پشتهای ایشانرا (٢٧) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿٢٨﴾

این عقوبت بسبب آنست که ایشان پیروی چیزی کردند که بخشم آورد خدا را وناپسند کردند خوشنودی اورا پس ضائع ساخت خدا اعمال ایشانرا (٢٨) .

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ ﴿٢٩﴾

آیا پنداشته اند آنانکه دردلهای ایشان بیماریست که ظاهر نخواهد کردخدا کینه های ایشانرا (٢٩) .

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُم بِسِيمَاهُمْ ۚ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ

وا گرمیخواستیم می نمودیم ایشان را بتوپس می شناختی ایشانرا به قیافهٔ ایشان[2]

---

(١) یعنی منافقان یایهود .

(٢) یعنی ظلمت نفاق برروی ایشان هویدا می شد والله اعلم .

الْقَوْلِ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٠﴾

والبته بشناسی ایشانرا دراسلوبِ سخن وخدا میداند اعمال شمارا (٣٠) .

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ ﴿٣١﴾

والبته امتحان کنیم شمارا تابشناسیم مجاهدان راازشماوصابران را وبیازمائیم احوال شمارا (٣١) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ ﴿٣٢﴾

هرآئینه آنانکه کافر شدند وبازداشتند ازراه خدا ومخالفت کردند باپیغامبر بعدازآنکه واضح شد ایشانرا راهِ هدایت هیچ زیان نه رسانند خدارا وتباه خواهد کرد خداعملهای ایشانرا (٣٢) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٣﴾

ای مسلمانان فرمان برید خدارا فرمان برید پیغامبررا وباطل مکنید عملهای خودرا[1] (٣٣) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ﴿٣٤﴾

هر آئینه آنانکه کافر شدند وبازداشتند ازراهِ خدا بازبمردند وایشان کافربودند پس هرگز نخواهد آمرزیدخداایشان را (٣٤) .

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَن يَتِرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٥﴾

پس سستی مکنید وبسوی صلح مخوانید وشمائید غالب وخدا باشماست وهرگزضائع نخواهد ساخت عملهای شمارا (٣٥) .

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ ۚ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ ﴿٣٦﴾

جزاین نیست که زند گانی دنیابازیست و بیهودگی است و اگرایمان آرید وپرهیزگاری کنید بدهدشمارا مزد های شمارا ونه طلبد ازشمامال های شمارا[2] (٣٦) .

---

(١) یعنی به ارتداد و به ریاوسمعه .

(٢) یعنی جمیع مال را .

إن يسألكموها فيحفكم تبخلوا ويخرج أضغانكم ﴿٣٧﴾

اگر بطلبد ازشمامال های شمارا پس مبالغه کند درسوال آنگاه بخل کنید وبرروی کارآرد آن بخل کینه های شمارا (٣٧) .

ها أنتم هؤلاء تدعون لتنفقوا في سبيل الله فمنكم من يبخل ۚ ومن يبخل فإنما يبخل عن نفسه ۚ والله الغني وأنتم الفقراء ۚ وإن تتولوا يستبدل قوما غيركم ثم لا يكونوا أمثالكم ﴿٣٨﴾

آ گاه شوید شما ای جماعت که خوانده میشود شمارا تاخرج کنید درراه خدا پس ازشماکسی هست که بخل میکند وهرکه بخل کند جزاین نیست که بخل میکند ازخویش[١] وخداتوانگر ست وشما محتاج اید و اگرروگردان شوید بَدَل آرد گروهی دیگر را غیر شما بازنبا شند آنجماعت مانند شما (٣٨) .

سوره فتح مدنی است وآن بیست ونه آیت وچهار رکوع است

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان .

إنا فتحنا لك فتحا مبينا ﴿١﴾

هرآئینه ماحکم کردیم برای توبفتح ظاهر[٢] (١) .

---

(١) یعنی منفعت انفاق ازخود بازمیدارد .

(٢) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند گویاآنحضرت با اصحاب درمکه داخل شدند و باطمینانِ خاطر بحلق وقصر مشغول اند پس آن سال بقصد عمره متوجه کعبه شدند وچون بحدیبیه رسیدندکفار قریش ازوصول بکعبه مانع آمدند وبعد تشویش بسیار باکفار صلح کرده بغیر ازوصول بکعبه بازگشتند خدای تعالی آن عمل راازایشان قبول فرمود ازآن بیعت که در اثنای تشویش بجهت تاکید عزم بآنحضرت صلی الله علیه وسلم کرده بودند راضی شده بثواب آن عمل فتوح بسیار نصیب ایشان گردانید تخصیص فتح خیبر که بعد ازین سفر بلاتراخی واقع شده غنایم خیبر را مخصوص بحاضران بیعت گردانید وغیرایشانرا ازآن غزوه منع نمود ومضمون رؤیاسال آینده بظهور رسید پس درباب=

لِيَغْفِرَ لَكَ اللّٰهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ
وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ﴿٢﴾

عاقبت فتح آنست که بیامرزد ترا خداآنچه که سابق گذشت ازگناه تو وآنچه پس مانده وتمام کند نعمتِ خودرا برتو وتابنماید ترا راه راست (٢) .

وَّيَنْصُرَكَ اللّٰهُ نَصْرًا عَزِيزًا ﴿٣﴾

و تانصرت دهدتراخدا به نصرتِ قوی (٣) .

هُوَ الَّذِيٓ أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ
لِيَزْدَادُوٓا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوٰتِ
وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٤﴾

اوست آنکه فرودآورد اطمینان را دردل های مسلمانان تا زیاده شود ایمان ایشان باایمان سابق ایشان وخدای راست لشکر های آسمان ها وزمین وهست خدا دانای باحکمت (٤) .

لِّيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهٰرُ خٰلِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّاٰتِهِمْ وَكَانَ ذٰلِكَ
عِنْدَ اللّٰهِ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٥﴾

عاقبت نزول سکینه آنست که درآرد مردانِ مسلمانرا وزنانِ مسلمانرا ببوستانهائیکه میرود زیرآن هاجویهاجاویدان آنجا وزائل کند ازایشان جرمهای ایشان را وهست این مقدمه نزد خدا پیروزی بزرگ (٥) .

وَّيُعَذِّبَ الْمُنٰفِقِينَ وَالْمُنٰفِقٰتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكٰتِ
الظَّآنِّينَ بِاللّٰهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَآئِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ
اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَآءَتْ مَصِيرًا ﴿٦﴾

وتاعذاب کند مردانِ منافق را وزنانِ منافق را ومردانِ مشرك را وزنانِ مشرك را که گمان کننده اند برخدا گمان بد برایشان باد مصیبتِ بد وبخشم آمدخدا برایشان ولعنت کردایشانرا وآماده ساخت برای ایشان دوزخ را وبدجای ست دوزخ (٦).

وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٧﴾

وخدای راست لشکر های آسمان ها

= وعدهٔ فتوح وردّشبهه منافقان بسبب تعویق مضمون رؤیا و بیان حکمت تعویق وتهدید متخلفان ازسفر حدیبیه و بیان خوشنودی خودباهلِ بیعت این سوره نازل فرمود والله اعلم .

وزمین وهست خدا غالبِ باحکمت (۷) .

إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ شَٰهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۝٨

هرآئینه مافرستادیم تراااظهارِ حق کننده وبشارت دهنده وترساننده (۸) .

لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۝٩

تاایمان آرید ای مسلمانان بخداورسول اووتانصرت دهید دین خدارا وبه بزرگی اعتقاد کنید اورا وبپاکی یاد کنید اورا بامدادوشامگاه (۹) .

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ۚ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَٰهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝١٠

هرآئینه آنانکه بیعت میکنند باتوجزاین نیست که بیعت میکنندباخدا دستِ خداست بالای دستِ ایشان پس هرکه بشکنند عهد پس جزاین نیست که می شکنند بضررِ نفس خود وهرکه تمام کند آنچه برآن باخدا عهد کرده است پس خواهد داد اورا مزدِ بزرگ (۱۰) .

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَآ أَمْوَٰلُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا ۚ يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِم مَّا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ ۚ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ لَكُم مِّنَ اللَّهِ شَيْـًٔا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا ۚ بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝١١

خواهند گفت باتوپس ماندگان ازاعراب[1] مشغول کرد مارا اموالِ ماوفرزندان ماپس طلب آمرزش کن برای ما میگویند به زبان های خود آنچه نیست دردل های ایشان بگوکه می تواند برای شما ازخدا چیزی اگرخواهدزیان رسانیدن بشما یاخواهد درحق شما سود دادن بلکه هست خداآنچه می کنید خبردار (۱۱) .

بَلْ ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَنقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰٓ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ

نی بلکه گمان کردید که بازنخواهد گشت پیغامبر ومسلمانان بسوی اهل خانهٔ خویش هرگزوآراسته کرده شداین گمان

(۱) یعنی آنانکه درسفر حدیبیه موافقت نه کردند والله اعلم .

وَكُنتُمْ قَوْمًا بُورًا ﴿١٢﴾

در دل های شما وگمان کردید گمان بد وگشتید قومی هلاك شده (١٢) .

وَمَن لَّمْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ﴿١٣﴾

وهرکه ایمان نیاورد بخدا وپیغامبراوپس هرآئینه ماآماده کرده ایم برای این کافران آتش را (١٣) .

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٤﴾

وخداراست پادشاهی آسمان ها وزمین می آمرزد هرکرا خواهد وعذاب میکند هرکراخواهد وهست خدا آمرزگار مهربان (١٤) .

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ ۖ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ ۚ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَٰلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِن قَبْلُ ۖ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا ۚ بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥﴾

خواهند گفت باتو پس ماندگان وقتیکه روانه شوید بسوی غنیمت ها[1] تابدست آرید آنرا بگذارید مارا تاازپی شمارویم میخواهند که مخالفت کنند وعدهٔ خدارا بگوپیروی مانخواهید کرد همچنین فرموده است خدا پیش ازین پس خواهند گفت نی بلکه حسد میکنید باما بلکه همیشه نمی فهمیدند مگراندکی (١٥) .

قُل لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ ۖ فَإِن تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا ۖ وَإِن تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُم مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦﴾

بگو(یامحمد) پس ماندگان را ازاعراب که شما خوانده خواهید شد بسوی کارزار قومی جنگجوی نیرومند[2] که جنگ کنید بایشان یاآنکه مسلمان شوند پس ا گر فرمانبرداری کنید بدهد خداشمارا مُزد نیك وا گرروگردان شوید چنانکه روگردان شده بودیدپیش ازین عقوبت کند شمارا

---

(١) یعنی غنیمت های خیبر .

(٢) یعنی فارس وروم واین معنی درزمان حضرت ابوبکر وحضرت عمررضی الله عنهما متحقق شد والله اعلم .

خدا عقوبتِ درد دهنده (١٦) .

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ ۗ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧﴾

نیست برنابینا گناهی ونه برلنگ گناهی ونه بربیمار گناهی[١] وهرکه فرمان بُرد خدا ورسولِ اورا درآردش به بوستانهائی که میرود زیرِ آن ها جویها وهرکه روگردان شود عقوبت کندش بعقوبتِ درد دهنده (١٧) .

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿١٨﴾

هرآئینه خوشنود شدخدا از مسلمانان وقتیکه بیعت میکردند باتوزیرِ درخت پس دانست آنچه دردل های ایشانست پس فرودآورداطمینانِ دل برایشان وثواب دادایشان را فتحی نزدیك (١٨) .

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٩﴾

وغنیمت های بسیارکه بدست آرندآنرا[٢] وهست خدا غالب باحکمت (١٩) .

وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَٰذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ﴿٢٠﴾

وعده داده است شمارا خداغنیمت های بسیار که بدست آریدآنهارا پس زودعطاکردبرای شمااین غنیمت[٣] وبازداشت دست های مردمان راازشما[٤] تاباشد این مقدمه نشانه مسلمانان را وتابنماید خدا شمارا راه راست[٥] (٢٠) .

وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ

ووعده داد خداغنیمت های دیگرنیز که

(١) یعنی درتخلف ازمثل این سفر والله اعلم .

(٢) یعنی غنایم خیبر وغیره .

(٣) یعنی غنایم خیبر .

(٤) یعنی درحدیبیه .

(٥) یعنی کفار قریش جمع شدند که آنحضرت صلی الله علیه وسلم را تشویشی رسانند خدای تعالی دست ایشان را ازقتال باز داشت وقضیه بصلح انجامید .

عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرًا ﴿٢١﴾

هنوزدست نیافته اید برآن به تحقیق خدادانسته است آنهارا وهست خدا برهمه چیزتوانا[1] (٢١) .

وَلَوْ قٰتَلَكُمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوَلَّوُا الْاَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُوْنَ وَلِيًّا وَّلَا نَصِيْرًا ﴿٢٢﴾

وا گرجنگ میکردند باشماکافران البته بسوی شما میگردانیدند پشتها را بازنمی یافتند کارسازی و نه نصرت دهنده (٢٢) .

سُنَّةَ اللّٰهِ الَّتِىْ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ ۖ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيْلًا ﴿٢٣﴾

مانندِ آئین خداکه گذشته است پیش ازین ونخواهی یافت آئین خدارا تبدیلی (٢٣) .

وَهُوَ الَّذِىْ كَفَّ اَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ اَنْ اَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرًا ﴿٢٤﴾

واوست آنکه بازداشت دست های کافران راازشماودستِ شماراازکافران درمیان مکه بعدازآنکه پیروزمند ساخت شمارا برایشان وهست خدابآنچه می کنید بینا[2] (٢٤) .

هُمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْىَ مَعْكُوْفًا اَنْ يَّبْلُغَ مَحِلَّهٗ ۚ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُوْنَ وَنِسَآءٌ مُّؤْمِنٰتٌ لَّمْ تَعْلَمُوْهُمْ اَنْ تَطَـُٔوْهُمْ فَتُصِيْبَكُمْ مِّنْهُمْ مَّعَرَّةٌ ۢ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ

این کفار قریش آنانند که کافرشدند وبازداشتند شمارا ازمسجدِ حرام وبازداشتند قربانی را موقوف داشته ازآنکه برسد بجای خود وا گرنبودندی مردانِ مسلمان وزنانِ مسلمان که نمیدانید ایشان را (ا گرنبودی خوف آنکه) پامال وهلاك سازید ایشانرا پس برسد بشما گناهی بغیر دانست[3] (فتح را مؤخر کرد) خدا تاکه در

---

(١) یعنی غنایم فارس وروم .

(٢) تعریض است بآن قصه که بعد انعقاد صلح هفتادتن ازاوباش قریش خواستند که بیخبر برصحابه هجوم آرند صحابه همه را اسیر کرده پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم آوردند آنحضرت عفوفرمود ظاهرانزدیك بنده ضعیف ست وصحیح آنست که این آیت بشارتست بفتح مکه وآوردن لفظ ماضی ازجهت تحقیق وقوع بشارتست والله اعلم .

(٣) یعنی تصدیق رؤیا بالفعل متحقق شدی وفتح عاجلاً میسر گشتی والله اعلم .

لِيُدْخِلَ اللّٰهُ فِيْ رَحْمَتِهٖ مَنْ يَّشَآءُ ۚ لَوْ تَزَيَّلُوْا لَعَذَّبْنَا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿٢٥﴾

آرد هركراخواهد برحمتِ خود اگر ازهم جدامی بودند (این هردو فریق) البته عقوبت میکردیم کافران را عقوبت درد دهنده (٢٥) .

اِذْ جَعَلَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فِيْ قُلُوْبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَاَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِيْنَتَهٗ عَلٰى رَسُوْلِهٖ وَعَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوٰى وَكَانُوْٓا اَحَقَّ بِهَا وَاَهْلَهَا ۚ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ﴿٢٦﴾

آنگاه که مصمم کردند کافران دردل های خویش غیرت را ازجنس غیرتِ جاهلیت پس فرودآوردخدا اطمینان خودرا برپیغامبرخود وبرمسلمانان وثابت کرد برایشان سخن پرهیزگاری وبودند سزاواربآن واهل آن وهست خدا بهر چیزدانا[١] (٢٦) .

لَقَدْ صَدَقَ اللّٰهُ رَسُوْلَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ ۚ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ اِنْ شَآءَ اللّٰهُ اٰمِنِيْنَ ۙ مُحَلِّقِيْنَ رُءُوْسَكُمْ وَمُقَصِّرِيْنَ ۙ لَا تَخَافُوْنَ ۗ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوْا فَجَعَلَ مِنْ دُوْنِ ذٰلِكَ فَتْحًا قَرِيْبًا ﴿٢٧﴾

هر آئینه تحقق بخشید خداخواب پیغامبرخودرا مطابق واقع باین مضمون که البته داخل خواهید شد بمسجدِ حرام اگر خدابخواهد ایمن شده وتراشیده موی سرهای خودرا وکوتاه کرده بدون ترس پس دانست آنچه ندانستید شما پس میسر کرد پیش ازین فتحی نزدیك را (٢٧) .

هُوَ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ بِالْهُدٰى وَدِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهٗ عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهٖ ۭ وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا ﴿٢٨﴾

اوست آنکه فرستاد پیغامبرخودرا به هدایت ودین راست تاغالب کندش برادیان همه وبس ست خدا اظهار حق کننده (٢٨) .

مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ ۭ وَالَّذِيْنَ مَعَهٗٓ اَشِدَّآءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ

محمد (صلی الله علیه وسلم) پیغامبرخداست وآنانکه همراه اویند

---

(١) یعنی جماعتی ازمسلمانان این صلح را کاره بودند آخرالامرخدای تعالی اطمینان رابدل ایشان انداخت تابمرضی آنحضرت صلی الله علیه وسلم رضادادند والله اعلم .

تَرٰىهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَّبْتَغُوْنَ فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا سِيْمَاهُمْ فِيْ وُجُوْهِهِمْ مِّنْ اَثَرِ السُّجُوْدِ ذٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرٰىةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْاِنْجِيْلِ كَزَرْعٍ اَخْرَجَ شَطْاَهٗ فَاٰزَرَهٗ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوٰى عَلٰى سُوْقِهٖ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ مِنْهُمْ مَّغْفِرَةً وَّاَجْرًا عَظِيْمًا ﴿۲۹﴾

سخت اند برکافران مهربان اندرمیان خود می بینی ایشان را رکوع کننده وسجده نماینده می طلبند فضل راازخداوخوشنودی را نشانهٔ صلاح ایشان در چهره های ایشان ست ازاثر سجده آنچه مذکور میشود داستانِ ایشانست درتورات وداستانِ ایشانست درانجیل ایشان مانند زراعتی هستند که برآورد شاخهای خود راپس قوی کردآن را پس سطبر شدپس بایستاد برساقهای خود بِشِگفت می آرد زراعت کنندگان را[1] تابخشم آرد بسبب دیدن ایشان کافرانراوعده داده است خداآنانراکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند ازایشان آمرزش ومُزدِ بزرگ (۲۹) .

سوره حجرات مدنی است وآن هیجده آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان[2] .

---

(۱) حاصلِ مثل آنست که اسلام دراوّل حال ضعیف بود و مسلمانان کم بودند رفته رفته غالب وبسیار شدند عاقبت حال غلبهٔ اسلام آن ست که به خشم آردخدای تعالی کافران را .

(۲) مترجم‌گوید خدای تعالی این سورت برای تعلیم آداب فرودآوردکه از حضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم درامرونهی پیشدستی نکنند وبآنحضرت بآواز بلند خطاب نکنند واگرفاسق چیزی‌گوید بغیر تفتیش حال امضای عزیمت نه نمایند درصورتی که میان ایشان خانه جنگی واقع شود اصلاح آن چگونه کنند وازاستهزاء بایکدیگر ولقب بدنهادن وغیبت کردن و ظن بد کردن وبعلوِ نسب بر دیگران فخر کردن منع کرد وضعیف الایمان را برضعیف الایمان تنبیه فرمود والله اعلم .

يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُقَدِّمُوْا بَيْنَ يَدَيِ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ (١)

ای مسلمانان پیش دستی مکنید روبروی خداورسولِ اووبترسید ازخداهرآئینه خدا شنواداناست (١) .

يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَرْفَعُوْٓا اَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوْا لَهٗ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ اَنْ تَحْبَطَ اَعْمَالُكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تَشْعُرُوْنَ (٢)

ای مسلمانان بلند مکنید آوازهای خودرا بالای آواز پیغامبر وبلند مگوئید بااو سخن را مانند بلند گفتن بعض شما بابعضی برای احتراز ازآنکه نابود شود عمل های شما وشما خبردار نه باشید (٢) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يَغُضُّوْنَ اَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ امْتَحَنَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ لِلتَّقْوٰى لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ عَظِيْمٌ (٣)

هرآئینه آنانکه پست میکنند آوازهای خودرا نزدیك پیغامبرخدا آنجماعت آنانند که آزموده است خدادل های ایشانرا برای ظهور تقویٰ ایشانراست آمرزش ومُزدِ بزرگ (٣) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يُنَادُوْنَكَ مِنْ وَّرَآءِ الْحُجُرٰتِ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُوْنَ (٤)

هرآئینه آنانکه آوازمیدهند ترا ازپسِ حجرها اکثرایشان نمی فهمند (٤) .

وَلَوْ اَنَّهُمْ صَبَرُوْا حَتّٰى تَخْرُجَ اِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ (٥)

وا گرایشان صبر کردندی تاوقتی که بیرون آئی بسوی ایشان بهتر بودی برای ایشان وخدا آمرزگار مهربانست[1] (٥) .

يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنْ جَآءَكُمْ فَاسِقٌۢ بِنَبَاٍ فَتَبَيَّنُوْٓا اَنْ تُصِيْبُوْا قَوْمًاۢ بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوْا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نٰدِمِيْنَ (٦)

ای مسلمانان ا گربیارد پیش شما فاسق خبری را پس تحقیق کنید برای احتراز ازآنکه ضرررسانید قومی را بنادانی پس پشیمان شوید برآنچه عمل کردید (٦) .

وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ فِيْكُمْ رَسُوْلَ اللّٰهِ لَوْ يُطِيْعُكُمْ فِيْ كَثِيْرٍ مِّنَ الْاَمْرِ

وبدانید که درمیانِ شمارسولِ خدااست اگر فرمانبرد شمارا دربسیاری

---

(١) مترجم گوید این تعریض است بحال قومی ازبنی تمیم که بجهت مهمی پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمدند وچون در مسجد نیافتند ونمیدانستند که درکدام حجره تشریف دارند نزدیك حجره هاباآواز بلند کردن شروع کردند والله اعلم .

لَعَنِتُّمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ حَبَّبَ اِلَيْكُمُ الْاِيْمَانَ وَزَيَّنَهٗ فِيْ قُلُوْبِكُمْ وَكَرَّهَ اِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوْقَ وَالْعِصْيَانَ ۚ اُولٰٓئِكَ هُمُ الرّٰشِدُوْنَ ۝۷

ازکارهابرنج درافتید ولیکن خدادوست گردانید نزدیك شماایمان را وآراسته کرد آنرادردلهای شماوناخوش گردانید پیشِ شماکفر وفسق و نافرمانی را این جماعت ایشانند راه یافتگان (۷) .

فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَنِعْمَةً ۚ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ۝۸

باحسان ازنزد خداوبه نعمت وخدا دانای باحکمت ست (۸) .

وَاِنْ طَآئِفَتٰنِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اقْتَتَلُوْا فَاَصْلِحُوْا بَيْنَهُمَا ۚ فَاِنْۢ بَغَتْ اِحْدٰىهُمَا عَلَى الْاُخْرٰى فَقَاتِلُوا الَّتِيْ تَبْغِيْ حَتّٰى تَفِيْٓءَ اِلٰٓى اَمْرِ اللّٰهِ ۚ فَاِنْ فَآءَتْ فَاَصْلِحُوْا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَاَقْسِطُوْا ۗ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِيْنَ ۝۹

وا گردو گروه ازمسلمانان بایکدیگر جنگ کنند پس صلح کنید میانِ ایشان پس اگرتعدّی کردیکی ازین دو بردیگری پس جنگ کنید باآن گروه که تعدّی میکند تاآنکه رجوع کند بسوی حکمِ خدا پس اگررجوع کرد پس صلح کنید میانِ ایشان باانصاف وداد دهید هرآئینه خدا دوست میدارد داد دهندگان را (۹) .

اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ اِخْوَةٌ فَاَصْلِحُوْا بَيْنَ اَخَوَيْكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ۝۱۰

جزاین نیست که مسلمانان برادران یك دیگراند پس صلح کنید میان دو برادرِ خویش وبترسیدازخداتابرشمارحم کرده شود (۱۰) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسٰٓى اَنْ يَّكُوْنُوْا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَآءٌ مِّنْ نِّسَآءٍ عَسٰٓى اَنْ يَّكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ ۚ وَلَا تَلْمِزُوْٓا اَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوْا بِالْاَلْقَابِ ۗ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوْقُ بَعْدَ الْاِيْمَانِ ۚ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ۝۱۱

ای مسلمانان تمسخر نکنید گروهی با گروهی احتمالست که آن گروه بهتر باشد ازایشان درنفس الامر و نه زنان تمسخر کنند بازنان دیگر احتمال ست که آن زنان بهتر باشند ازایشان وعیب مکنید درمیان خویش ویکدیگر را به لقب های بدمخوانید بدنامی ست فاسقی بعد ازایمان آوردن وهرکه توبه نکرد پس آنجماعت

ایشانند ستمگاران[1] (١١) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اجْتَنِبُوْا كَثِيْرًا مِّنَ الظَّنِّ اِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ اِثْمٌ وَّلَا تَجَسَّسُوْا وَلَا يَغْتَبْ بَّعْضُكُمْ بَعْضًا اَيُحِبُّ اَحَدُكُمْ اَنْ يَّاْكُلَ لَحْمَ اَخِيْهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوْهُ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٢﴾

ای مسلمانان احتراز کنید ازبسیاری گمانِ بد هرآئینه بعض بد گمانی گناه است وجاسوسی مکنید وغیبت نکند بعض شما بعضی را آیا دوست میدارد کسی ازشما که بخورد گوشت برادر خود که مرده باشدپس متنفرشوید ازوی وبترسیدازخدا هرآئینه خداتوبه پذیرندۂ مهربانست (١٢) .

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّا خَلَقْنٰكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَّاُنْثٰى وَجَعَلْنٰكُمْ شُعُوْبًا وَّقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوْا اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰىكُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ خَبِيْرٌ ﴿١٣﴾

ای مردمان هرآئینه آفریدیم شمارا ازیك مرد ویك زن وساختیم شمارا جماعت هاوقبیله ها تابایکدیگر شناسا شویدهرآئینه گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگار ترینِ شماست هرآئینه خدا دانای خبردارست (١٣) .

قَالَتِ الْاَعْرَابُ اٰمَنَّا قُلْ لَّمْ تُؤْمِنُوْا وَلٰكِنْ قُوْلُوْٓا اَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْاِيْمَانُ فِيْ قُلُوْبِكُمْ وَاِنْ تُطِيْعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ لَا يَلِتْكُمْ مِّنْ اَعْمَالِكُمْ شَيْئًا اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٤﴾

گفتند اعراب ایمان آوردیم بگوایمان بحقیقت نیاوردیدولیکن بگوئید منقادشده ایم وهنوز درنیامده است ایمان به دل های شما وا گرفرمانبرداری خداورسول اوکنید کم نه دهد شمارا ازجزای اعمالِ شما چیزی هرآئینه خداآمرزگار مهربانست (١٤) .

اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوْا وَجٰهَدُوْا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ هُمُ الصّٰدِقُوْنَ ﴿١٥﴾

جزاین نیست که مومنان بحقیقت آنانند که ایمان آوردند بخداوپیغامبراو بازشبهه نه کردند وجهاد نمودند باموالِ خود وجان های خود درراه خدا آنجماعت

---

(١) یعنی بگناهی که درجاهلیت کرده باشند بعدازاسلام نشانِ سندنباید ساخت .

ایشانند راست گویان (١٥) .

قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٦﴾

بگوآیاخبردارمی کنید خدا را به دینِ خود وخدامیداند آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمین ست وخدا بهر چیز داناست (١٦) .

يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدٰكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ﴿١٧﴾

منّت می نهند برتو بآنکه مسلمان شده اند بگومنّت منهید برمن به اسلام خود بلکه خدامنّت می نهد برشما بآنکه هدایت کردشمارابایمان ا گر راست گوهستید (١٧) .

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾

هر آئینه خدامیداند پنهانِ آسمان هاوزمین را وخدابیناست بآنچه می کنید (١٨) .

سوره ق مکی است وآن چهل وپنج آیت و سه رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قٓ وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ﴿١﴾

قٓ وقسم بقرآن بابزرگی (كه توپیغامبر خدائی) (١) .

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكٰفِرُونَ هٰذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٢﴾

بلکه تعجب کردند کافران ازآنکه آمد بدیشان ترساننده ازقوم ایشان پس گفتند آن کافران این چیزی ست عجیب (٢) .

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذٰلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ ﴿٣﴾

آیا چون بمیریم وخاك شویم (حشر کرده شویم) این بازگردانیدن دور ازعقل است (٣) .

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتٰبٌ حَفِيظٌ ﴿٤﴾

هرآئینه دانسته ایم آنچه کم میکند زمین ازایشان[1] ونزدیك ماکتابیست نگاهدارنده[2] (٤) .

---

(١) یعنی آنچه میخورد ازجزوایشان .

(٢) یعنی لوحِ محفوظ .

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ فَهُمْ فِيْ اَمْرٍ مَّرِيْجٍ ﴿٥﴾

بلکه به دروغ نسبت دادند سخن راست را وقتیکه بیامد بدیشان پس ایشان درکاری شوریده اند (٥) .

اَفَلَمْ يَنْظُرُوْا اِلَى السَّمَآءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنٰهَا وَزَيَّنّٰهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوْجٍ ﴿٦﴾

آیاندیده اندبسوی آسمان بالای خود چگونه بناکرده ایم آن را و آراسته کرده ایم آنراونیست درآن هیچ شگافی (٦) .

وَالْاَرْضَ مَدَدْنٰهَا وَاَلْقَيْنَا فِيْهَا رَوَاسِيَ وَاَنْۢبَتْنَا فِيْهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍۢ بَهِيْجٍ ﴿٧﴾

وزمین را گستردیم وافگندیم درآن کوه ها و رویانیدیم درآن ازهر نوع خوش آینده (٧) .

تَبْصِرَةً وَّذِكْرٰى لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيْبٍ ﴿٨﴾

برای راه نمودن وپنددادن هربندۀ رجوع کننده (٨) .

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً مُّبٰرَكًا فَاَنْۢبَتْنَا بِهٖ جَنّٰتٍ وَّحَبَّ الْحَصِيْدِ ﴿٩﴾

وفرودآوردیم ازآسمان آب بابرکت پس رویانیدیم بسبب آن بوستانهاودانه که دَرو میکنند آن را (٩) .

وَالنَّخْلَ بٰسِقٰتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيْدٌ ﴿١٠﴾

ودرختانِ خرما بلند بالابرآمده آنرامیوه است تودرتو (١٠) .

رِّزْقًا لِّلْعِبَادِ وَاَحْيَيْنَا بِهٖ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذٰلِكَ الْخُرُوْجُ ﴿١١﴾

روزی برای بندگان وزنده ساختیم بآن شهر مرده را همچنین باشد برآمدن ازگور (١١) .

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوْحٍ وَّاَصْحٰبُ الرَّسِّ وَثَمُوْدُ ﴿١٢﴾

بدروغ نسبت کردند پیش ازایشان قوم نوح واهل رَسّ وثمود (١٢) .

وَعَادٌ وَّفِرْعَوْنُ وَاِخْوَانُ لُوْطٍ ﴿١٣﴾

وعاد وفرعون وبرادرانِ لوط (١٣) .

وَّاَصْحٰبُ الْاَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيْدِ ﴿١٤﴾

واهل اَیکه وقوم تُبَّع هریکی بدروغ نسبت کردند پیغامبران را پس ثابت شد وعدۀ عذاب من(١٤) .

اَفَعَيِيْنَا بِالْخَلْقِ الْاَوَّلِ بَلْ هُمْ فِيْ لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيْدٍ ﴿١٥﴾

آیاعاجزشده بودیم درآفرینش نخستین بلکه ایشان درشبهه اند از آفرینشِ نو (١٥).

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهٖ نَفْسُهٗ وَنَحْنُ اَقْرَبُ

وهرآئینه آفریدیم آدمی را ومیدانیم چیزی

اِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيْدِ ⑯

که بخاطر میگذراندش نفسِ او ومانزدیك تریم باوی ازشاه رگِ (یعنی رگ گردن) (۱٦) .

اِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيٰنِ عَنِ الْيَمِيْنِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيْدٌ ⑰

آ نگاه که فرا گیرند دوفرا گیرنده به پهلوی راست نشیننده وبه پهلوی چپ نشیننده[۱] (۱۷) .

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ اِلَّا لَدَيْهِ رَقِيْبٌ عَتِيْدٌ ⑱

بزبان نمی آرد آدمی هیچ سخنی مگر نزدیك او نگهبانیست مهیا[۲] (۱۸) .

وَجَآءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذٰلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيْدُ ⑲

وبیامدسختيِ موت براستی اینست آنچه ازآن کناره گیری میکردی (۱۹) .

وَنُفِخَ فِي الصُّوْرِ ذٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيْدِ ⑳

ودمیده شود درصور این ست روز وعدهٔ عذاب (۲۰) .

وَجَآءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَآئِقٌ وَّشَهِيْدٌ ㉑

وبیامدهر شخصی همراه اوروان کننده است وگواهی دهنده[۳] (۲۱) .

لَقَدْ كُنْتَ فِيْ غَفْلَةٍ مِّنْ هٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَآءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيْدٌ ㉒

(گوئیم) هرآئینه بودی دربی خبری ازین مقدمه پس برداشتیم ازتو پردهٔ ترا پس چشم توامروزتیزبین ست (۲۲) .

وَقَالَ قَرِيْنُهٗ هٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيْدٌ ㉓

وگفت فرشته همنشین اواینست آنکه نزدیك من بود حاضر کرده شده (۲۳) .

اَلْقِيَا فِيْ جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيْدٍ ㉔

(گوئیم) بافگنید ای دوفرشته دردوزخ هرناسپاس سرکش را[٤] (۲٤) .

---

(۱) یعنی کراماً کاتبین والله اعلم .

(۲) یعنی اگرکلمه حق باشد فرشتهٔ دست راست مینویسد واگرکلمه باطل باشد فرشتهٔ دست چپ می نویسد والله اعلم .

(۳) مراد جنس روان کننده وگواهی دهنده است .

(٤) مترجم گوید عادت پادشاهانست که اسیررا پیش ایشان دوکس گرفته می آرند ازین جهت دو فرشته را خطاب شود .

مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ ﴿٢٥﴾

منع كنندهٔ مال درگذرندهٔ ازحدشك آرنده را (٢٥) .

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ﴿٢٦﴾

آنكه مقرر كرد باخدا معبودى ديگرپس بافگنيد او رادر عذاب سخت (٢٦) .

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَٰكِن كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿٢٧﴾

گفت همنشين او[1] اى پروردگارمن گمراه نكردم اين شخص را وليكن وى بود در گمراهىِ دور (٢٧) .

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ ﴿٢٨﴾

فرمودخصومت مكنيد پيش من حالانكه پيش ازين فرستاده بودم بسوى شما وعدهٔ عذاب (٢٨) .

مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٢٩﴾

تغير داده نمى شود وعده نزد من ونيستم من ستم كننده بربندگان (٢٩) .

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ ﴿٣٠﴾

روزى كه بگوئيم دوزخ را آيا پرشدى ودوزخ گويد آيا هيچ زياده ازين هست[2] (٣٠) .

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ﴿٣١﴾

ونزديك گردانيده شود بهشت براى متقيان نه دورمانده (٣١) .

هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ﴿٣٢﴾

(گوئيم) اين ست آنچه وعده داده ميشد شمارا نزديك كرده شده براى هر رجوع كنندهٔ ادب نگاهد ارنده (٣٢) .

مَّنْ خَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ ﴿٣٣﴾

براى هركسيكه بترسد ازخدا ناديده وپيش آمدبدل متوجه شده (٣٣) .

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ﴿٣٤﴾

(گوئيم) داخل شويد دربهشت همراه سلامتى اينست روزهميشه جاويدان (٣٤) .

لَهُم مَّا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴿٣٥﴾

ايشانراست آنچه خواهند دربهشت و

---

(١) يعنى شياطين ازانس وجن والله اعلم .

(٢) يعنى هر چند درواندازند زياده طلب كند والله اعلم .

نزديك مازياده است ازآن (٣٥) .

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُم بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ ﴿٣٦﴾

وبسيارهلاك كرديم پيش ازايشان امت ها كه قوى تربودند ايشان از اينجماعت دردست درازى پس جستجو كردند درشهرها كه هيچ گريزگاهى هست (٣٦) .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ﴿٣٧﴾

هرآئينه درين مقدمه پندست كسى را كه دلى دارد ياگوش نهد متوجه شده (٣٧) .

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ ﴿٣٨﴾

وهرآئينه آفريديم آسمان ها وزمين را وآنچه درميان هر دوهست درشش روز ونرسيد بماهيچ ماندگى (٣٨) .

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ﴿٣٩﴾

پس صبر كن بآنچه ميگويند وبپاكى يادكن همراه ستائش پرورد گارخويش را پيش ازبرآمدن آفتاب وپيش ازغروب (٣٩) .

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ﴿٤٠﴾

ودربعض اوقات شب به پاكى يادكن خدارا وعقب نمازنيز (٤٠) .

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٤١﴾

وبشنواين قصّه روزيكه آوازدهد آوازدهنده ازجاى نزديك[1] (٤١) .

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ﴿٤٢﴾

روزيكه بشنوند نعره تند بغير تردد وآن روز روزبرآمدن است (٤٢) .

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ ﴿٤٣﴾

هرآئينه ما زنده مى كنيم ومى ميرانيم وبسوى ماست بازگشت (٤٣) .

يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴿٤٤﴾

روزيكه بشگافد زمين ازسرايشان بيرون آيند شتابان، اين برانگيختن ست آسان برما (٤٤) .

نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ

ماميدانيم آنچه مى گويند ونيستى تو

---

(١) اين تصوير هست آنرا كه همه دراستماع ندا مساوى باشند والله اعلم .

بِالْقُرْاٰنِ مَنْ یَّخَافُ وَعِیْدِ ﴿٤٥﴾

برایشان قهر کننده پس پندده به قرآن هرکرا میترسد از وعدهٔ عذابِ من (٤٥).

سوره ذاریات مکی است وآن شصت آیت وسه رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالذّٰرِیٰتِ ذَرْوًا ﴿١﴾

قسم به بادهای پراکنده کنندهٔ خاک وجزآن پراگنده کردنی (١) .

فَالْحٰمِلٰتِ وِقْرًا ﴿٢﴾

پس قسم به ابرهای بردارندهٔ بارِ آب (٢).

فَالْجٰرِیٰتِ یُسْرًا ﴿٣﴾

پس قسم بکشتی های روان شونده بسهولت (٣) .

فَالْمُقَسِّمٰتِ اَمْرًا ﴿٤﴾

پس قسم بفرشتگانِ تقسیم کنندهٔ کار[1] (٤) .

اِنَّمَا تُوْعَدُوْنَ لَصَادِقٌ ﴿٥﴾

هرآئینه وعده که کرده میشود بشما راست (٥) .

وَّاِنَّ الدِّیْنَ لَوَاقِعٌ ﴿٦﴾

وهرآئینه جزای اعمال بودنیست (٦) .

وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ﴿٧﴾

قسم بآسمان دارای راه ها[2] (٧) .

اِنَّكُمْ لَفِیْ قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ ﴿٨﴾

هرآئینه شمادرسخنی باهم اختلاف دارنده هستید (٨) .

یُّؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ اُفِكَ ﴿٩﴾

بازگردانیده میشود ازقرآن هرکه درعلم الهی ازخیر مطرود است (٩) .

قُتِلَ الْخَرّٰصُوْنَ ﴿١٠﴾

لعنت کرده شد دروغگویانرا (١٠) .

الَّذِیْنَ هُمْ فِیْ غَمْرَةٍ سَاهُوْنَ ﴿١١﴾

آنانکه ایشان دربی خبری اندفراموش کننده اند(١١) .

یَسْـَٔلُوْنَ اَیَّانَ یَوْمُ الدِّیْنِ ﴿١٢﴾

می پرسند کَی خواهد بود روزجزا (١٢).

یَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ یُفْتَنُوْنَ ﴿١٣﴾

(آری) آنروزکه ایشانرا درآتش عذاب داده

---

(١) یعنی ارزاق وبلادهارا .

(٢) یعنی صورتهای مختلف دارند مانند شکل شیر وشکل بره وشکل عقرب والله اعلم.

میشود (١٣) .

ذُوْقُوْا فِتْنَتَكُمْ ۗ هٰذَا الَّذِيْ كُنْتُمْ بِهٖ تَسْتَعْجِلُوْنَ ﴿١٤﴾

(گوئیم) بچشیداین عقوبت خودرا اینست آنچه آنرا بشتاب طلب میکردید (١٤) .

اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِيْ جَنّٰتٍ وَّعُيُوْنٍ ﴿١٥﴾

هرآئینه متقیان دربوستانها وچشمه هاباشند (١٥) .

اٰخِذِيْنَ مَآ اٰتٰىهُمْ رَبُّهُمْ ۗ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَبْلَ ذٰلِكَ مُحْسِنِيْنَ ﴿١٦﴾

بدست آرنده آنچه دادایشانرا پروردگار ایشان هرآئینه ایشان بودند پیش ازین نکوکار (١٦) .

كَانُوْا قَلِيْلًا مِّنَ الَّيْلِ مَا يَهْجَعُوْنَ ﴿١٧﴾

بودند باین صفت که اندکی ازشب می خوابیدند (١٧) .

وَبِالْاَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُوْنَ ﴿١٨﴾

و بوقت سحر ایشان طلب آمرزش می نمودند (١٨) .

وَفِيْٓ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّآئِلِ وَالْمَحْرُوْمِ ﴿١٩﴾

ودراموال ایشان حصّه مقرر بود برای سوال کننده وبرای تنگدست کم سوال (١٩) .

وَفِي الْاَرْضِ اٰيٰتٌ لِّلْمُوْقِنِيْنَ ﴿٢٠﴾

ودرزمین نشانه هاست یقین کنندگان را (٢٠) .

وَفِيْٓ اَنْفُسِكُمْ ۗ اَفَلَا تُبْصِرُوْنَ ﴿٢١﴾

ودرذات شما نشانه هاست آیانمی نگرید (٢١) .

وَفِي السَّمَآءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوْعَدُوْنَ ﴿٢٢﴾

ودرآسمان است رزق شما وآنچه وعده داده میشود شمارا[1] (٢٢) .

فَوَرَبِّ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ اِنَّهٗ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَآ اَنَّكُمْ تَنْطِقُوْنَ ﴿٢٣﴾

پس قسم به پروردگارآسمان وزمین هرآئینه این خبرراست است مانند آنکه شما سخن میگوئید[2] (٢٣) .

---

(١) یعنی پیش ازوجود خارجی درعالم ملکوت رزق وعقوبت وامثال آن متصور میشود والله اعلم .

(٢) یعنی چنانکه درگفتن خود یقین دارید که ماالبته میگوئیم همچنین باین خبریقین باید=

هَلْ أَتٰكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرٰهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٤﴾

آيا آمده است پيش توخبر مهمانان گرامیِ ابراهيم (٢٤) .

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلٰمًا قَالَ سَلٰمٌ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ ﴿٢٥﴾

چون درآمدندبرابراهيم پس سلام گفتند جواب سلام داد (به دل گفت) ايشان گروهی هستند ناشناخته (٢٥) .

فَرَاغَ إِلٰى أَهْلِهِ فَجَآءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿٢٦﴾

پس متوجه شد بسوی اهل خانهٔ خود پس آورد كباب گوساله فربه (٢٦) .

فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٢٧﴾

پس نزديك ساخت آنرابايشان گفت آيا نه ميخوريد (٢٧) .

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلٰمٍ عَلِيمٍ ﴿٢٨﴾

پس (چون نخوردند) درخاطر خود يافت ازايشان ترسی گفتند مترس وبشارت دادندش بفرزندی دانا (٢٨) .

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ﴿٢٩﴾

پس پيش آمد زن ابراهيم بآوازی وطپانچه زد روی خودرا (يعنی به تعجب) وگفت (آيابزايد) پيرزنی نازاينده (٢٩) .

قَالُوا كَذٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٣٠﴾

فرشتگان گفتند همچنين فرمودپروردگارتو هرآئينه اوست باحكمت دانا (٣٠) .

---

(١) يعنی چنانكه درگفتن خود يقين داريد كه ماالبته ميگوئيم همچنين باين خبريقين بايد آورد والله اعلم .

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ اَيُّهَا الْمُرْسَلُوْنَ ﴿٣١﴾

ابراهيم گفت پس چيست مقصد شمااى فرستادگان (٣١) .

قَالُوْٓا اِنَّآ اُرْسِلْنَآ اِلٰى قَوْمٍ مُّجْرِمِيْنَ ﴿٣٢﴾

گفتند هرآئينه مافرستاده شديم بسوى گروهى‌گناهگار (٣٢) .

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ طِيْنٍ ﴿٣٣﴾

تابفرستيم برسرايشان سنگ بارى ازگل (٣٣) .

مُّسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِيْنَ ﴿٣٤﴾

كه نشانمند كرده شده است نزديك پروردگار تو براى آنانكه ازحدبيرون شده اند (٣٤) .

فَاَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيْهَا مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٣٥﴾

پس برآورديم هركرا بود درآن ديه ازمومنان (٣٥) .

فَمَا وَجَدْنَا فِيْهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِيْنَ ﴿٣٦﴾

پس نيافتيم درآنجاغير يك خانه ازمسلمانان[1] (٣٦) .

وَتَرَكْنَا فِيْهَآ اٰيَةً لِّلَّذِيْنَ يَخَافُوْنَ الْعَذَابَ الْاَلِيْمَ ﴿٣٧﴾

وگذاشتيم درآن ديه نشانه براى آنانكه مى ترسند ازعذاب درد دهنده[2] (٣٧) .

وَفِيْ مُوْسٰىٓ اِذْ اَرْسَلْنٰهُ اِلٰى فِرْعَوْنَ بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿٣٨﴾

ودرقصّهٔ موسىٰ نشانه است چون فرستاديمش بسوى فرعون به دليل واضح (٣٨) .

فَتَوَلّٰى بِرُكْنِهٖ وَقَالَ سٰحِرٌ اَوْ مَجْنُوْنٌ ﴿٣٩﴾

پس روگردان شدهمراه قوت خود[3] و گفت جادوگريست ياديوانه (٣٩) .

فَاَخَذْنٰهُ وَجُنُوْدَهٗ فَنَبَذْنٰهُمْ فِى الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيْمٌ ﴿٤٠﴾

پس گرفتيم اورا ولشكر هاى اورا پس افگنديم ايشان را دردريا واوكننده بودكارى را كه موجب ملامت باشد (٤٠) .

وَفِيْ عَادٍ اِذْ اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيْحَ الْعَقِيْمَ ﴿٤١﴾

و درقصّهٔ عاد نشانه است چون فرستاديم

---

(١) يعنى خانهٔ حضرت لوط والله اعلم .

(٢) يعنى آثارآن سنگباران موجود است والله اعلم .

(٣) يعنى لشكر خود .

برايشان بادى بى منفعت (٤١) .

مَا تَذَرُ مِن شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ﴿٤٢﴾

نه‌گذارد هيچ چيزرا كه برسدبوى مگرسازد آن را مانندِ استخوان پوسيده (٤٢) .

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٤٣﴾

ودرقصّهٔ ثمود نشانه است چون گفته شدايشانرا بهره مند باشيد تامدتى (٤٣) .

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنظُرُونَ ﴿٤٤﴾

پس سركشيدند ازفرمانِ پروردگارخويش پس دگرفت ايشان را نعرهٔ تندوايشان ميديدند (٤٤) .

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِن قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنتَصِرِينَ ﴿٤٥﴾

پس نتوانستند برخاستن ونه بودند انتقام كشندگان (٤٥) .

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٤٦﴾

وهلاك ساختيم قوم نوح را پيش ازين هرآئينه ايشان بودندگروهى بدكار (٤٦) .

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾

وآسمان را بناكرديم به قوت وهرآئينه ما توانائيم (٤٧) .

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ ﴿٤٨﴾

وزمين را گسترانيديم پس نيكوگسترانند ايم (٤٨) .

وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٤٩﴾

واز هرچيزى آفريديم دوقسم تاشماپندپذير شويد[1] (٤٩) .

فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾

(پيغامبر گويد) پس بگريزيد بسوى خدا هر آئينه من براى شما ازجانب اوترسانندهٔ آشكارم (٥٠) .

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥١﴾

ومقرر مكنيد باخدا معبودى ديگررا هرآئينه من براى شماازجانب اوترسانندهٔ آشكارم (٥١) .

كَذَٰلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا

همچنين نيامده است نزديك آنانكه پيش ازايشان بودند هيچ پيغامبرى مگر گفتند

---

(١) يعنى اعلى وادنى .

قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴿٥٢﴾

جادوگریست یا دیوانه است (٥٢) .

أَتَوَاصَوْا بِهِ ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٥٣﴾

آیابایکدیگر وصیت کرده اندبانکاربلکه ایشانگروه سرکش اند (٥٣) .

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنتَ بِمَلُومٍ ﴿٥٤﴾

پس روی بازکش ازایشان پس نیستی توملامت کرده شده (٥٤) .

وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٥﴾

و پندده هرآئینه پنددادن سودمیدهد مومنان را (٥٥) .

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾

ونیافریده ام جن وانس را مگربرای آنکه بپرستند مرا (٥٦) .

مَا أُرِيدُ مِنْهُم مِّن رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَن يُطْعِمُونِ ﴿٥٧﴾

نمی خواهم ازایشان رزق را ونمی خواهم که مراطعام دهند (٥٧) .

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿٥٨﴾

هرآئینه خدا همونست رزق دهنده خداوندِ توانای زورآور[1] (٥٨) .

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِّثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ ﴿٥٩﴾

پس هرآئینه آنان را که ستم کرده اند نصیبی است (یعنی ازعقوبت) مانند نصیبهٔ یارانِگذشته ایشان پس بایدکه شتاب طلب نکنندازمن (٥٩) .

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٦٠﴾

پس وای کافران را ازآن روزِایشان که وعده داده میشوند (٦٠) .

سوره طور مکی است وآن چهل ونه آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشایندهٔ مهربان .

وَالطُّورِ ﴿١﴾

قسم به کوه طور (١) .

وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ ﴿٢﴾

وقسم به کتاب نوشته شده (٢) .

---

(١) یعنی آدمیان بنده می‌گیرند تادرمآکل ومشرب معاونت کنند بخلاف خدا والله اعلم .

فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ ﴿۳﴾
درکاغذ کشاده[1] (۳) .

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ﴿٤﴾
وقسم بخانهٔ معمور[2] (٤) .

وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ﴿۵﴾
وقسم به سقف برا فراشته شده[3] (۵) .

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ﴿٦﴾
وقسم به دریا پرکرده شده (٦) .

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴿۷﴾
هرآئینه عذاب پروردگارتو بودنیست (۷).

مَّا لَهُ مِن دَافِعٍ ﴿۸﴾
نیست اوراهیچ دفع کننده (۸) .

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ﴿۹﴾
روزیکه جنبش کند آسمان جنبش کردنی (۹) .

وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿۱۰﴾
وروان شود کوه ها روان شدنی (۱۰) .

فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿۱۱﴾
پس وای آنروزدروغ شمارندگان را (۱۱).

الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ﴿۱۲﴾
آنانکه ایشان به بیهوده گوئی بازی می کنند (۱۲) .

يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا ﴿۱۳﴾
روزیکه به سختی روان کرده شوند بسوی آتش دوزخ روان کردنی (۱۳) .

هَٰذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿۱٤﴾
اینست آتشی که شماآن رادروغ می شمردید (۱٤) .

أَفَسِحْرٌ هَٰذَا أَمْ أَنتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿۱۵﴾
آیاسحرست این یاشما درنمی نگرید(۱۵).

اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱٦﴾
درآئید باین آتش پس صبر کنید یا نه کنید برابرست برشما جزاین نیست که جزا داده خواهید شد بحسب آنچه می کردید (۱٦).

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿۱۷﴾
هرآئینه متقیان دربوستانها ونعمت هاباشند خوشحال شده(۱۷) .

فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿۱۸﴾
بسبب آنکه نعمت داد ایشانرا پروردگار

(۱) یعنی تورات یا قرآن .
(۲) یعنی آنکه درآسمان است .
(۳) یعنی آسمان .

ایشان و بسبب آنکه نگهداشت ایشانرا ازعذاب دوزخ (١٨) .

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيٓئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾

بخورید و بنو شید گوارا به سبب آنچه میکردید (١٩) .

مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَـٰهُم بِحُورٍ عِينٍ ﴿٢٠﴾

تکیه زده برتخت های برابریکدیگر گسترده وجفت کنیم ایشانرا بحوران کشاده چشم (٢٠) .

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَـٰنٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَآ أَلَتْنَـٰهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَىْءٍ ۚ كُلُّ امْرِئٍۭ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ﴿٢١﴾

وآنانکه ایمان آوردند وبرپی ایشان رفت اولادِ ایشان درایمان برسانیم بدیشان اولاد ایشانرا ونقصان نه کنیم ایشانرا ازجزای عملِ ایشان چیزی هر مردی بآنچه عمل کرد درگروباشد (٢١) .

وَأَمْدَدْنَـٰهُم بِفَـٰكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾

وپی درپی عطاکنیم ایشانرا میوه وگوشت ازجنسی که طلب کنند (٢٢) .

يَتَنَـٰزَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ ﴿٢٣﴾

ازدست یکدیگرمی گیرند آنجاپیالهٔ شراب نه بیهوده گوئی باشددرآن ونه بزه کاری (٢٣) .

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ ﴿٢٤﴾

وآمدورفت کنندبرایشان نوجوانانی چند ازایشان گویاآن نوجوانان مروارید درپرده پنهان اند (٢٤) .

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ ﴿٢٥﴾

و روی آورد بعض ایشان بربعضی ازیك دیگرسوال کنان (٢٥) .

قَالُوٓا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِىٓ أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿٢٦﴾

گفتند هرآئینه ما پیش ازین درمیانِ اهل خانهٔ خود ترسان بودیم (٢٦) .

فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَىٰنَا عَذَابَ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾

پس نعمتِ فراوان داد مارا خدا ونگاهداشت ماراازعذاب بادگرم (٢٧) .

إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلُ نَدْعُوهُ ۖ إِنَّهُۥ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ﴿٢٨﴾

هرآئینه ماپیش ازین عبادت میکردیم اوراهرآئینه اوست احسان کننده مهربان (٢٨) .

فَذَكِّرْ فَمَا أَنتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ﴿٢٩﴾

(یامحمد) پس پنده پس نیستی توبفضل پروردگارخودکاهن ونه دیوانه (۲۹) .

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ ﴿٣٠﴾

بلکه آیامیگویند شاعرست انتظار کشیم درحقِ او حوادثِ زمانه را (۳۰) .

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُتَرَبِّصِينَ ﴿٣١﴾

بگو انتظار بکشید هرآئینه من باشما ازانتظار کشندگانم (۳۱) .

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُم بِهَٰذَا ۚ أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٣٢﴾

آیا میفرماید باین عقیده عقل های ایشان یاایشان گروهی سرکش اند (۳۲) .

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ ۚ بَل لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾

آیامیگویند بربسته است قرآن را نی بلکه ایمان نمی آرند (۳۳) .

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِن كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٣٤﴾

پس بایدکه بیارندسخنی ماننداین ا گر راست گوهستند (۳٤) .

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ﴿٣٥﴾

آیا ایشان آفریده شدند بغیر آفرینندهٔ یاایشان خود آفریدگاراند (۳۵) .

أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ ﴿٣٦﴾

آیاآفریده اند آسمان هاوزمین را بلکه ایشان باورنمی کنند (۳٦) .

أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ ﴿٣٧﴾

آیانزدیك ایشان خزانهای پروردگارتست یا ایشانند چیره دست (۳۷) .

أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ ۖ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾

آیا ایشان رانردبانی هست که برآن بالا رفته می شنوند پس بایدکه بیارد شنوندهٔ ایشان دلیل ظاهر را (۳۸) .

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ ﴿٣٩﴾

آیا خدا را دختران پیدامی شوند وشمارا پسران (۳۹) .

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ ﴿٤٠﴾

آیاسوال میکنی ازایشان مزدی بررسالت پس ایشان ازغرامت‌گرانبار شده اند (٤۰) .

أَمْ عِندَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤١﴾

آیانزدیك ایشان علمِ غیب است پس ایشان مینویسند (٤۱) .

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا ۖ فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ ﴿٤٢﴾

آیامی خواهند بداندیشی پس کافران ایشانند

درضررِ بَداندیشی گرفتار شده (٤٢) .

أَمْ لَهُمْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٣﴾

آیاایشان را معبودی هست بجزخداپاکی خداراست ازآنکه شریك مقرر میکنند (٤٣) .

وَإِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ ﴿٤٤﴾

و ا گر ببینند یك پاره رااز آسمان افتاده گویند این ابریست برهم نشسته (٤٤) .

فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ﴿٤٥﴾

پس بگذارایشان راتاآنکه ملاقات کنند بآن روزخود که درآن بیهوش کرده شوند (٤٥) .

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٦﴾

روزی که دفع نکنند ازایشان مکرِ ایشان چیزی را ونه ایشان نصرت داده شوند (٤٦) .

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَٰلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٧﴾

وهرآئینه ستمگاران را عذابیست غیراین ولیکن اکثر ایشان نمیدانند (٤٧) .

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٤٨﴾

وصبر کن بانتظار حکم پروردگار خود هرآئینه توبحضور چشم مائی وبپاکی یادکن باستائش پروردگارخود را وقتیکه بصبح برخیزی (٤٨) .

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ﴿٤٩﴾

وبعض اوقات شب بپاکی یادکن خدارا وعقب غائب شدن ستاره هانیز (٤٩).

سوره نجم مکی است وآن شصت ودوآیت وسه رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ﴿١﴾

قسم بستاره چون فروافتد (١) .

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ﴿٢﴾

گمراه نشد این یارشما[1] وغلط نکرده

(١) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم .

است راه را (٢) .

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوٰى ﴿٣﴾

وسخن نمی گویداز خواهش نفس (٣) .

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحٰى ﴿٤﴾

نیست قرآن مگروحی که بسوئ اوفرستاده میشود (٤) .

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوٰى ﴿٥﴾

آموخته است اورافرشتهٔ بسیار باقوت (٥).

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوٰى ﴿٦﴾

صاحب حسن پس راست ایستادآن فرشته (٦) .

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلٰى ﴿٧﴾

واو بکنارهٔ بلند آسمان بود (٧) .

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلّٰى ﴿٨﴾

بازنزدیك شدوفرودآمد (٨) .

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنٰى ﴿٩﴾

پس رسید بمسافتِ دوکمان یا نزدیك ترازآن (٩) .

فَأَوْحٰى إِلٰى عَبْدِهِ مَا أَوْحٰى ﴿١٠﴾

پس پیغام رسانید بسوی بندهٔ خداآنچه رسانید (١٠) .

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأٰى ﴿١١﴾

دروغ داخل نکرد دل پیغامبر درآنچه معائنه کرد (١١) .

أَفَتُمٰرُونَهُ عَلٰى مَا يَرٰى ﴿١٢﴾

آیاشما گفتگو میکنید باپیغامبردرآنچه می بیند (١٢) .

وَلَقَدْ رَاٰهُ نَزْلَةً أُخْرٰى ﴿١٣﴾

وهرآئینه دیده بوداو را(این فرشته را) یك باردیگر (١٣) .

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهٰى ﴿١٤﴾

نزدیك سدرة المنتهیٰ (١٤) .

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوٰى ﴿١٥﴾

نزدیك آن سِدرَه است بهشت آرامگاه (١٥) .

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشٰى ﴿١٦﴾

فرشته رادید وقتی که می پوشید سِدرَه راآنچه می پوشید[1] (١٦) .

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغٰى ﴿١٧﴾

کجروی نکرد چشم پیغامبروازمقصد

---

(١) یعنی وقتیکه انوار الهی ازهر جانب سِدرَه را احاطه کردواین درشب معراج بود والله اعلم .

تجاوز نه نمود (١٧) .

لقد رأى من آيات ربه الكبرى ⑱

هرآئینه معائنه کردبعض نشانه های بزرگ پروردگارخودرا (١٨) .

أفرأيتم اللات والعزى ⑲

آیادیدید لات را وعزی را (١٩) .

ومنوة الثالثة الأخرى ⑳

منات سومی بی قدررا (٢٠) .

ألكم الذكر وله الأنثى ㉑

آیاشمارا فرزند باشدوخدارا دختر (٢١) .

تلك إذا قسمة ضيزى ㉒

این قسمت آنگاه قسمت بی انصاف باشد (٢٢) .

إن هي إلا أسماء سميتموها أنتم وآباؤكم ما أنزل الله بها من سلطان إن يتبعون إلا الظن وما تهوى الأنفس ولقد جاءهم من ربهم الهدى ㉓

نیست این مگرنامهای چند که مقرر کرده اید آنرا شماوپدرانِ شما فرود نیاورده است خدابرثبوت آنها هیچ دلیلی پیروی نمی کنند مگروهم فاسدرا وچیزی را که خواهش می کند نفسها وهرآئینه آمده است ایشان رااز پروردگارایشان هدایت (٢٣) .

أم للإنسان ما تمنى ㉔

آیامیسرست آدمی راآنچه که آرزو میکند (٢٤) .

فلله الآخرة والأولى ㉕

پس خدائراست آنجهان واین جهان (٢٥) .

وكم من ملك في السماوات لا تغني شفاعتهم شيئا إلا من بعد أن يأذن الله لمن يشاء ويرضى ㉖

وبسیار فرشته اند درآسمان ها که نفع نمی کند شفاعتِ ایشان چیزی را مگر بعدازآنکه دستوری دهد خدا ورضامند شودبرای هرکه خواهد (٢٦) .

إن الذين لا يؤمنون بالآخرة ليسمون الملائكة تسمية الأنثى ㉗

هرآئینه آنانکه باور نمیدارند آخرت را مسمیٰ میکنند فرشتگان را بنام دختران(٢٧)

وما لهم به من علم إن يتبعون إلا الظن وإن الظن لا يغني من الحق شيئا ㉘

ونیست ایشانرا بثبوت این مقدمه هیچ دانش پیروی نمی کنند مگر وهم را وهر آئینه وهم نفع نمیدهدازشناخت حقیقت چیزی را (٢٨) .

فَأَعْرِضْ عَنْ مَّنْ تَوَلّٰىۙ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ اِلَّا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ﴿٢٩﴾

پس اعراض کن ازکسیکه روگردان شد ازیادکردن ماوطلب نه کردمگر زندگانئ این جهانی را (٢٩) .

ذٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِّنَ الْعِلْمِؕ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيْلِهٖ وَهُوَ اَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدٰى ﴿٣٠﴾

اینست نهایت ایشان ازروی دانش[1] هرآئینه پروردگارتو داناست بهرکه غلط کرد راه خدا واوست دانا بهرکه راه یافت (٣٠) .

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِۙ لِيَجْزِيَ الَّذِيْنَ اَسَآءُوْا بِمَا عَمِلُوْا وَيَجْزِيَ الَّذِيْنَ اَحْسَنُوْا بِالْحُسْنٰى ﴿٣١﴾

وخدائراست آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین ست عاقبت کار جزادهد آنانرا که بدکاری کردند بحسب آنچه عمل نمودند جزا دهد آنان را که نیکوکاری کردند بخصلت نیك (٣١) .

اَلَّذِيْنَ يَجْتَنِبُوْنَ كَبٰٓئِرَ الْاِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ اِلَّا اللَّمَمَؕ اِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِؕ هُوَ اَعْلَمُ بِكُمْ اِذْ اَنْشَاَكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ وَاِذْ اَنْتُمْ اَجِنَّةٌ فِيْ بُطُوْنِ اُمَّهٰتِكُمْۚ فَلَا تُزَكُّوْٓا اَنْفُسَكُمْؕ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقٰى ﴿٣٢﴾

آنانکه پرهیزگاری می کننداز کبائر گناهان وبی حیائی هاسوای گناهان صغیره هرآئینه پروردگار تو بسیارآمرزش است اوست داناباحوال شما وقتی که پیداکرد شماراازا زمین ووقتیکه شما بچه های بودید درشکم های مادرانِ خویش پس ستائش مکنید خویشتن را خدا داناترست بکسیکه پرهیزگاری کرد (٣٢) .

اَفَرَءَيْتَ الَّذِيْ تَوَلّٰى ﴿٣٣﴾

آیادیدی کسی را که روگردان شد (٣٣) .

وَاَعْطٰى قَلِيْلًا وَّاَكْدٰى ﴿٣٤﴾

وداد اندکی ازمال و سخت دل شد (٣٤) .

اَعِنْدَهٗ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرٰى ﴿٣٥﴾

آیانزدیكِ اوست علم غیب پس گویا اوهر چیز را بچشم می بیند (٣٥) .

اَمْ لَمْ يُنَبَّاْ بِمَا فِيْ صُحُفِ مُوْسٰى ﴿٣٦﴾

آیا خبرداده نشد بآنچه در صحیفهای موسیٰ (٣٦) .

---

(١) یعنی این است نهایتِ علمِ ایشان .

وَاِبْرٰهِيْمَ الَّذِيْ وَفّٰٓى ﴿٣٧﴾
واﺑﺮاهيم كه وفادار بود (٣٧) .

اَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى ﴿٣٨﴾
(مضمونش آنكه) برنخواهد داشت هيچ بردارنده بارِ گناهِ ديگررا (٣٨) .

وَاَنْ لَّيْسَ لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعٰى ﴿٣٩﴾
وآنكه نرسد آدمى را مگر آنچه عمل كرده است (٣٩) .

وَاَنَّ سَعْيَهٗ سَوْفَ يُرٰى ﴿٤٠﴾
وآنكه سعئ آدمى ديده خواهد شد (٤٠) .

ثُمَّ يُجْزٰىهُ الْجَزَآءَ الْاَوْفٰى ﴿٤١﴾
بازداده خواهد شد بحسب آن سعى جزاى تمام (٤١) .

وَاَنَّ اِلٰى رَبِّكَ الْمُنْتَهٰى ﴿٤٢﴾
وآنكه بسوى پروردگارتست باز گشت (٤٢) .

وَاَنَّهٗ هُوَ اَضْحَكَ وَاَبْكٰى ﴿٤٣﴾
وآنكه او خندانيد وگريانيد (٤٣) .

وَاَنَّهٗ هُوَ اَمَاتَ وَاَحْيَا ﴿٤٤﴾
وآنكه اوميرانيد واوزنده كرد (٤٤) .

وَاَنَّهٗ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْاُنْثٰى ﴿٤٥﴾
وآنكه خدا آفريد دوقسم نروماده را (٤٥) .

مِنْ نُّطْفَةٍ اِذَا تُمْنٰى ﴿٤٦﴾
ازنطفه چون ريخته شود در رحم (٤٦) .

وَاَنَّ عَلَيْهِ النَّشْاَةَ الْاُخْرٰى ﴿٤٧﴾
وآنكه برخدا لازم ست آن پيداكردن ديگر (٤٧) .

وَاَنَّهٗ هُوَ اَغْنٰى وَاَقْنٰى ﴿٤٨﴾
وآنكه اوتوانگر ساخت وسرمايه داد (٤٨) .

وَاَنَّهٗ هُوَ رَبُّ الشِّعْرٰى ﴿٤٩﴾
وآنكه همونست پروردگار ستارهٔ شعرىٰ (٤٩) .

وَاَنَّهٗٓ اَهْلَكَ عَادَا اِۨلْاُوْلٰى ﴿٥٠﴾
وآنكه او هلاك ساخت عاد نخستين را (٥٠) .

وَثَمُوْدَاۡ فَمَآ اَبْقٰى ﴿٥١﴾
وهلاك كردثمود را پس هيچ كس را باقى نگذاشت (٥١) .

وَقَوْمَ نُوْحٍ مِّنْ قَبْلُ اِنَّهُمْ كَانُوْا هُمْ اَظْلَمَ وَاَطْغٰى ﴿٥٢﴾
وهلاك كرد قومِ نوح را پيش ازين هرآئينه ايشان بودند ستمگارتر وازحدگذشته تر (٥٢) .

وَالْمُؤْتَفِكَةَ اَهْوٰى ﴿٥٣﴾
وشهر موتفكه را برزمين افگند (٥٣) .

فَغَشّٰىهَا مَا غَشّٰى ﴿٥٤﴾
پس پوشانيد بروى آنچه

پوشانید[1] (٥٤) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ ﴿٥٥﴾

پس درکدام یك ازنعمت های پروردگار خود ای آدمی شبهة میکنی (٥٥) .

هَٰذَا نَذِيرٌ مِّنَ النُّذُرِ الْأُولَىٰ ﴿٥٦﴾

این پیغامبرترساننده است ازجنس ترسانندگان پیشین (٥٦) .

أَزِفَتِ الْآزِفَةُ ﴿٥٧﴾

نزدیك آمد قیامت(٥٧) .

لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ﴿٥٨﴾

نیست اورا سوای خداهیچ ظاهر کننده . (٥٨)

أَفَمِنْ هَٰذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ﴿٥٩﴾

آیا ازین سخن تعجب می کنید (٥٩) .

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ﴿٦٠﴾

وخنده می نمائیدو نه می‌گریید (٦٠) .

وَأَنتُمْ سَامِدُونَ ﴿٦١﴾

وشمابازی کننده هستید (٦١) .

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ۩ ﴿٦٢﴾

پس سجده کنید خدارااوپرستش نمائید . (٦٢)

سوره قمر مکی است وآن پنجاه وپنج آیت وسه رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانشَقَّ الْقَمَرُ ﴿١﴾

نزدیك آمد قیامت وبشگافت ماه[2] (١) .

وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ﴿٢﴾

واگرکافران به بینند نشانه ای اعراض کنند وگویند سحریست قوی (٢) .

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۚ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ ﴿٣﴾

ودروغ شمردند وپیروی خواهش خودکردند وهرچیزی دروقت خود قرار گرفته است (٣) .

---

(١) یعنی سنگباران کرد .

(٢) اشارتست بآن قصّه که کافران ازحضرت پیغامبرصلی الله علیه وسلم معجزه طلب کردند خدای تعالی ماه رادو قطعه ساخت یکی برکوه ابوقبیس ودیگر برکوهی قیقعان والله اعلم .

وَلَقَدْ جَآءَهُم مِّنَ الْأَنۢبَآءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ﴿٤﴾

وهر آئينه آمده است بديشان ازخبرها آنچه درآن پندست (٤) .

حِكْمَةٌۢ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ ﴿٥﴾

وآمده است دانش تمام پس فائده نميدهدترسانيدنها (٥) .

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكُرٍ ﴿٦﴾

پس اعراض كن ازايشان آنروزكه بخواند خواننده بسوى چيزى ناخوش آيند (٦) .

خُشَّعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ ﴿٧﴾

درحاليكه فرورفته چشمهاى ايشان برآيند (آن روز) از قبوركوياايشان ملخِ پراگنده اند (٧) .

مُّهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ﴿٨﴾

شتاب كنان بسوى آن خواننده گويند كافران اين روزى ست دشوار (٨) .

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ ﴿٩﴾

دروغ شمردند پيش ازايشان قوم نوح پس دروغگو پنداشتند بندهٔ مارا وگفتند ديوانه است وبااوسخن درشت‌گفته شد (٩) .

فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانتَصِرْ ﴿١٠﴾

پس دعاكرد بجناب پروردگارخود كه من مغلوب شده ام پس انتقام بكش (١٠) .

فَفَتَحْنَآ أَبْوَابَ السَّمَآءِ بِمَآءٍ مُّنْهَمِرٍ ﴿١١﴾

پس كشاديم درهاى آسمان را بآب بسياررريزنده (١١) .

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَآءُ عَلَىٰٓ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ﴿١٢﴾

وروان كرديم اززمين چشمه ها پس جمع شد آب ازهر جانب بنابركاريكه مقدر شده بود[1] (١٢) .

وَحَمَلْنَٰهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلْوَٰحٍ وَدُسُرٍ ﴿١٣﴾

وسوار كرديم نوح را بركشتى خداوند تخت هاوميخها (١٣) .

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَآءً لِّمَن كَانَ كُفِرَ ﴿١٤﴾

ميرفت بحضور چشم هاى ما بجهت انتقام براى كسيكه باور نداشته بودند

---

(١) يعنى هلاك قوم او .

اورا[١] (١٤) .

وَلَقَدْ تَّرَكْنٰهَآ اٰيَةً فَهَلْ مِنْ مُّدَّكِرٍ ﴿١٥﴾

وهرآئينه‌گذاشتيم اين عقوبت رانشانه پس هيچ پندگيرنده است (١٥) .

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِيْ وَنُذُرِ ﴿١٦﴾

پس چگونه بُوَدعقوبتِ من وترسانيدن هاى من (١٦) .

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْاٰنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّدَّكِرٍ ﴿١٧﴾

وهرآئينه آسان كرديم قرآن راتاپندگيرند پس آياهيچ پندپذيرنده هست (١٧) .

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِيْ وَنُذُرِ ﴿١٨﴾

دروغ شمردند قوم عاد پس چگو نه بود عذابِ من وترسانيدن هاى من(١٨) .

اِنَّآ اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيْحًا صَرْصَرًا فِيْ يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾

هرآئينه مافرستاديم برايشان بادِتندرا درروز شوم بغايت سخت (١٩) .

تَنْزِعُ النَّاسَ كَاَنَّهُمْ اَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ ﴿٢٠﴾

برميكندمردمان راگوياايشان تنهاى درختانِ خرماى ازبيخ بركنده اند (٢٠) .

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِيْ وَنُذُرِ ﴿٢١﴾

پس چگو نه بود عقوبت من وترسانيدن هاى من (٢١) .

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْاٰنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّدَّكِرٍ ﴿٢٢﴾

و هرآئينه آسان كرده ايم قرآن را تاپندبگيرند پس آياهيچ پندپذيرنده است (٢٢) .

كَذَّبَتْ ثَمُوْدُ بِالنُّذُرِ ﴿٢٣﴾

دروغ شمر دند قوم ثمود ترسانندگانرا (٢٣) .

فَقَالُوْٓا اَبَشَرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهٗٓ اِنَّآ اِذًا لَّفِيْ ضَلٰلٍ وَّسُعُرٍ ﴿٢٤﴾

پس گفتند آيايك آدمى راازقوم خويش پيروى كنيم هرآئينه ماآنگاه درگمراهى وديوانگى باشيم (٢٤) .

ءَاُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ اَشِرٌ ﴿٢٥﴾

آيا نازل كرده شد بمردى وحى ازميانِ ما نى بلكه او دروغگوئى خود پسنداست (٢٥) .

---

(١) يعنى براى انتقام خصومت كنان .

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَّنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُ ﴿٢٦﴾

خواهند دانست فرداکیست دروغگوی خود پسند (٢٦) .

إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ ﴿٢٧﴾

هرآئینه ما فرستنده ایم ماده شتررا بجهت ازمائش ایشان را پس ای صالح منتظر ایشان باش وصبر پیش‌گیر (٢٧) .

وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ ﴿٢٨﴾

وخبردارکن ایشانرا که آب مقسوم ست درمیانِ ایشان هر حصه آب، حاضر شود بدان آنکه نوبت وی است (٢٨) .

فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ ﴿٢٩﴾

پس آواز دادند یارخودرا پس دست درازی کردو مجروح ساخت (٢٩) .

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٠﴾

پس چگو نه بودعقوبت من وترسانیدن های من (٣٠) .

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ ﴿٣١﴾

هرآئینه مافرستادیم برایشان یك نعره پس شدند مانند حظیره[1] درهم شکسته که حظیره سازد آنرابنا کرده باشد (٣١) .

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ﴿٣٢﴾

وهرآئینه آسان ساختیم قرآن رابرای آنکه پندگیرند پس آیاهیچ پندگیرنده است (٣٢) .

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ ﴿٣٣﴾

دروغ شمردند قوم لوط ترسانندگانرا (٣٣) .

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُم بِسَحَرٍ ﴿٣٤﴾

هرآئینه فرستادیم برایشان بادِسنگبار مگراهل خانهٔ لوط که خلاص ساختیم ایشان را وقت سحر (٣٤) .

نِّعْمَةً مِّنْ عِندِنَا كَذَٰلِكَ نَجْزِي مَن شَكَرَ ﴿٣٥﴾

بمهربانی ازنزدیك خویش همچنین

(١) مترجم‌گوید حظیره احاطه است که ازشاخهای خشك و خاربرای‌گوسفند بنا کنند وآن بمرورزمان پائمال مواشی میگرددخدای تعالی بآن پائمال شده تشبیه داد .

جزاميدهيم هركراشكرگذارى كرد (٣٥) .

وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ ﴿٣٦﴾

وهرآئينه لوط ترسانيده بود ايشانرا ازعقوبت ماپس مكابره كردند درآن ترسانيد نها (٣٦) .

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٧﴾

وهر آئينه سخن گفتند تاغفلت دهندلوط راازحفظ مهمانانِ اوپس محوكرديم چشم هاى ايشانرا پس (گفتيم) بچشيد عذاب مرا وترسانيد نهاى مرا (٣٧) .

وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ ﴿٣٨﴾

وهرآئينه غارت كردايشانرا بامداد عقوبتى جائى‌گيرنده (٣٨) .

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٩﴾

پس(گفتيم) بچشيدعذاب مراو ترسانيدنهاى مرا (٣٩) .

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ﴿٤٠﴾

وهرآئينه آسان ساختيم قرآن رابراى آنكه پندگيرند پس آيا هيچ پندگيرنده هست (٤٠) .

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ﴿٤١﴾

وهرآئينه آمدند خويشاوندان فرعون راترسانندگان (٤١) .

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ ﴿٤٢﴾

دروغ شمردند نشانه هاى مارا همه آنرا پس گرفتيم ايشانرا مانند درگرفتن غالب قوى (٤٢) .

أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أُولَٰئِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ﴿٤٣﴾

آياكافران شما اى قريش بهتراند ازين جماعت ها آيا شمارا حكم خلاصى ست دركتابهاى پيشين (٤٣) .

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ ﴿٤٤﴾

آيامى گويند ماجماعتى انتقام گيرنده ايم (٤٤) .

سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ﴿٤٥﴾

شكست داده خواهد شد اينجماعت را وبگردانند ايشان پشت (٤٥) .

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ ﴿٤٦﴾

بلكه قيامت وعده‌گاهِ ايشانست وقيامت

سخت تر وتلخ ترست (٤٦) .

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَٰلٍ وَسُعُرٍ ﴿٤٧﴾
هرآئینه گنهگاران درگمراهی دیوانگی اند (٤٧) .

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿٤٨﴾
یادکن روزی که کشیده شودایشان رادر دوزخ برروی های ایشان (گوئیم) بچشید دست رسانیدن دوزخ را (٤٨) .

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَٰهُ بِقَدَرٍ ﴿٤٩﴾
هرآئینه ماهر چیزرا پیداکردیم باندازهٔ مقرر (٤٩) .

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَٰحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ﴿٥٠﴾
ونیست حکم ما مگریك كلمه مانند گردانیدن چشم[1] (٥٠) .

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ﴿٥١﴾
وهرآئینه هلاك ساختیم امثال شمارا پس آیاهیچ پندگیرنده است (٥١) .

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ﴿٥٢﴾
وهرچیزی که کرده اند مکتوب ست درنامه های اعمال (٥٢) .

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُّسْتَطَرٌ ﴿٥٣﴾
و هرخوردوبزرگ نوشته شده است[2] (٥٣) .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٍ وَنَهَرٍ ﴿٥٤﴾
هرآئینه پرهیزگاران دربوستانهاوچشمه هاباشند (٥٤) .

فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٥٥﴾
در مجلس راستی باشند نزدیك پادشاه توانا (٥٥) .

سُورَةُ الرَّحْمٰن

سوره رحمن مدنی است وآن هفتادوهشت ایت وسه رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان .

الرَّحْمَٰنُ ﴿١﴾
خدا (١) .

عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿٢﴾
آموخت قرآن را (٢) .

(١) یعنی درسرعت وجود مراد آسان بودن ست .
(٢) یعنی درلوح محفوظ .

خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿٣﴾
آفريد آدمی را (٣) .

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾
آموختش سخن‌گفتن (٤) .

اَلشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ﴿٥﴾
خورشيد وماه بحساب مقرر ميروند (٥).

وَّالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدٰنِ ﴿٦﴾
وگياه ودرخت سجده ميكنند (٦) .

وَالسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيْزَانَ ﴿٧﴾
وآسمان را برافراشت وفرودآورد ترازو را (٧) .

اَلَّا تَطْغَوْا فِى الْمِيْزَانِ ﴿٨﴾
بمقصد آنكه ازحد تجاوز مكنيد درترازو (٨) .

وَاَقِيْمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيْزَانَ ﴿٩﴾
وراست سنجيد بانصاف ونقصان مكنيد درترازو (٩) .

وَالْاَرْضَ وَضَعَهَا لِلْاَنَامِ ﴿١٠﴾
وزمين راگستردبرای آدميان (١٠) .

فِيْهَا فَاكِهَةٌ وَّالنَّخْلُ ذَاتُ الْاَكْمَامِ ﴿١١﴾
درآن زمين ميوه است ودرختان خرماست خداوندِ غلاف ها (١١) .

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ﴿١٢﴾
ودرآن زمين دانه خداوند برگ ست وگل خوشبوئيست [1] (١٢) .

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿١٣﴾
پس كدام يك راازنعمتهای پروردگار خويش دروغ می شمريد[2] (١٣) .

خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ﴿١٤﴾
آفريدآدمی را ازگِل خشك مانند سفال (١٤).

وَخَلَقَ الْجَآنَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ ﴿١٥﴾
وآفريدجن را ازشعلهٔ آتش (١٥) .

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿١٦﴾
پس كدام يكراازنعمتهای پروردگار خويش دروغ می شمريد (١٦) .

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿١٧﴾
پروردگار دومشرق ست وپروردگار دو

---

(١) مترجم‌گويد اشاره بآنست كه برگ حبوب غازيه علف دواب ايشان ميشود پس اين علاوه نعمت است .

(٢) جن وانس .

مغرب ست[١] (١٧) .

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿١٨﴾

پس كدام يكرااز نعمتهاى پروردگار خويش دروغ مى شمريد (١٨) .

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيٰنِ ﴿١٩﴾

گذاشت دودرياراتابهم جمع شوند (١٩) .

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيٰنِ ﴿٢٠﴾

ميان اين هردوحجابيست كه يكى برديگرى تعدى نميكند (٢٠) .

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٢١﴾

پس كدام يكرااز نعمتهاى پروردگار خويش دروغ مى شمريد (٢١) .

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٢٢﴾

برآيدازين دودريا مرواريدومرجان (٢٢) .

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٢٣﴾

پس كدام يكرااز نعمتهاى پروردگار خويش دروغ مى شمريد (٢٣) .

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَئٰتُ فِي الْبَحْرِ كَالْاَعْلَامِ ﴿٢٤﴾

خداراست كشتى هاى‌روان شونده برافراشته دردريا مانندكوه ها (٢٤) .

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٢٥﴾

پس كدام يكرااز نعمتهاى پروردگار خويش دروغ مى شمريد (٢٥) .

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾

هركه هست برزمين فانى شود (٢٦) .

وَّيَبْقٰى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلٰلِ وَالْاِكْرَامِ ﴿٢٧﴾

وباقى ماندروى پروردگارتو خداوند بزرگى وانعام (٢٧) .

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٢٨﴾

پس كدام يكرااز نعمتهاى پروردگار خويش دروغ مى شمريد (٢٨) .

يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِيْ شَاْنٍ ﴿٢٩﴾

سوال ميكند ازخداهركه درآسمانهاست وزمين ست هرروزى خدادرحالتى ست[٢] (٢٩) .

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٣٠﴾

پس كدام يكرااز نعمتهاى پروردگار خويش دروغ مى شمريد (٣٠) .

---

(١) يعنى درزمستان آفتاب مشرق ومغرب ديگردارد و در تابستان مشرق ومغرب ديگر.

(٢) يعنى تنعيم يا تعذيب، اسعاد يااشقا، احيايا اماتت والله اعلم .

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلٰنِ ﴿٣١﴾

ازهمه فارغ شده برای شما متوجه شویم ای جن وانس (٣١) .

فَبِأَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٣٢﴾

پس کدام یکرااز نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٣٢) .

يٰمَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوْا مِنْ أَقْطَارِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوْا لَا تَنْفُذُوْنَ إِلَّا بِسُلْطٰنٍ ﴿٣٣﴾

ای قوم جن وانس اگرمی توانید که بیرون روید ازکناره های آسمان هاوزمین پس بیرون روید بیرون نخواهد رفتن مگر بقوتی[1] (٣٣) .

فَبِأَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٣٤﴾

پس کدام یکرااز نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٣٤) .

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ ۙ وَّنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرٰنِ ﴿٣٥﴾

فرستاده خواهد شدبرشما شعلهٔ ازآتش ودود نیز پس مقابله نتوانید کرد (٣٥) .

فَبِأَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٣٦﴾

پس کدام یك را ازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٣٦) .

فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاۤءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿٣٧﴾

پس چون بشگافدآسمان پس شود مثل گِلِ سرخ مانندِادیم سرخ (٣٧) .

فَبِأَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٣٨﴾

پس کدام یکرااز نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٣٨) .

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْـَٔلُ عَنْ ذَنْۢبِهٖۤ إِنْسٌ وَّلَا جَاۤنٌّ ﴿٣٩﴾

پس آن روزسوال کرده نه شود ازگناه خود هیچ آدمی ونه جنی (٣٩) .

فَبِأَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٤٠﴾

پس کدام یکرااز نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٤٠) .

يُعْرَفُ الْمُجْرِمُوْنَ بِسِيْمٰهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِيْ وَالْأَقْدَامِ ﴿٤١﴾

شناخته شوندگنهگاران به قیافهٔ خود پس گرفته شودبه موی پیشانی های وبه پای هانیز (٤١) .

فَبِأَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٤٢﴾

پس کدام یك رااز نعمتهای پروردگار

---

(١) یعنی وآن قوت کجا است .

دروغ می شمرید (٤٢) .

هٰذِهٖ جَهَنَّمُ الَّتِيْ يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُوْنَ ﴿٤٣﴾

این است آن دوزخ که دروغ شمرده بودند آن را گنهگاران (٤٣) .

يَطُوْفُوْنَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيْمٍ اٰنٍ ﴿٤٤﴾

آمدورفت کنند میان آن آتش ومیان آب گرم جوشیده (٤٤) .

فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٤٥﴾

پس کدام یك رااز نعمت های پروردگار خویش دروغ می شمرید (٤٥) .

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهٖ جَنَّتٰنِ ﴿٤٦﴾

وکسی را که ترسیده است ازایستادن بحضور پروردگارخویش دوبوستان است (٤٦) .

فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٤٧﴾

پس کدام یکرااز نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٤٧) .

ذَوَاتَاۤ اَفْنَانٍ ﴿٤٨﴾

دو بوستان دارای شاخه های بسیار (٤٨) .

فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٤٩﴾

پس کدام یکرااز نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٤٩) .

فِيْهِمَا عَيْنٰنِ تَجْرِيٰنِ ﴿٥٠﴾

درآن دوبوستان دو چشمه میروند (٥٠) .

فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٥١﴾

پس کدام یکرااز نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٥١) .

فِيْهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجٰنِ ﴿٥٢﴾

درآن دوبوستان ازهرمیوه دو قسم باشد (٥٢) .

فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٥٣﴾

پس کدام رااز نعمتهای پروردگارخویش دروغ می شمرید (٥٣) .

مُتَّكِـِٕيْنَ عَلٰى فُرُشٍۢ بَطَاۤىِٕنُهَا مِنْ اِسْتَبْرَقٍ ۗ وَجَنَا الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ﴿٥٤﴾

تکیه زده برفرش های که آستِرآن ازحریرضخیم باشد ومیوهٔ آن دوبوستان نزدیك بُوَد [1] (٥٤) .

فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿٥٥﴾

پس کدام یکرااز نعمتهای پروردگار

(١) یعنی به سهولت توان گرفت .

خویش دروغ می شمرید (۵۵) .

فِيهِنَّ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ ﴿٥٦﴾

درآن کوشکها حوران باشند فروانداز نده چشم جماع نکرده است بآنها هیچ آدمی پیش ازایشان ونه هیچ جنی (۵۶) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٧﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (۵۷) .

كَأَنَّهُنَّ ٱلْيَاقُوتُ وَٱلْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾

گویاآن حوران یاقوت ومرجان اند (۵۸) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٩﴾

پس کدام راازنعمتهای پروردگارخویش دروغ می شمرید (۵۹) .

هَلْ جَزَآءُ ٱلْإِحْسَٰنِ إِلَّا ٱلْإِحْسَٰنُ ﴿٦٠﴾

نیست جزای نیکوکاری مگر انعام بسیار (۶۰) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (۶۱) .

وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾

وغیرازاین دوبوستان دوبوستان دیگرباشند (۶۲) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (۶۳) .

مُدْهَآمَّتَانِ ﴿٦٤﴾

دوبوستان سبزکه ازغایتِ سبزی بسیاهی میزنند (۶۴) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٥﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (۶۵) .

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾

درآن دوبوستان دوچشمه جوشنده باشند (۶۶) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (۶۷) .

فِيهِمَا فَٰكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿٦٨﴾

درآن دوبوستان میوه ودرختان خرما وانار باشند (۶۸) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾

پس کدام یك راازنعمتهای پروردگار

فِيهِنَّ خَيْرَٰتٌ حِسَانٌ ﴿٧٠﴾

خویش دروغ می شمرید (٦٩) .

درآن کوشکها زنانِ برگزیده جمال باشند (٧٠) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٧١) .

حُورٌ مَّقْصُورَٰتٌ فِي ٱلْخِيَامِ ﴿٧٢﴾

حوران نگاهداشته شده درخیمها (٧٢) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٣﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٧٣) .

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ ﴿٧٤﴾

جماع نکرده است بآنها هیچ آدمی پیش ازایشان و نه هیچ جنی (٧٤) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٧٥) .

مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ ﴿٧٦﴾

تکیه زده باشند بربالشهای سبز وبساط های نیك (٧٦) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٧﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٧٧) .

تَبَٰرَكَ ٱسْمُ رَبِّكَ ذِي ٱلْجَلَٰلِ وَٱلْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾

بابرکت ست نام پروردگارتو خداوندبزرگی وانعام (٧٨) .

سُورَةُ الْوَاقِعَةِ

سوره واقعه مکی است وآن نود وشش آیت وسه رکوع است

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

إِذَا وَقَعَتِ ٱلْوَاقِعَةُ ﴿١﴾

یادکن آنگاه که متحقق شود قیامت (١) .

لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ ﴿٢﴾

نیست وقت بودن آن را هیچ نفس دروغ گوینده [1] (٢) .

خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ﴿٣﴾

پست کننده است جماعتی رابلند کننده

(١) یعنی همه مسلمان شوند کفر وافتراآنجانه باشد .

است طائفه ای را(٣) .

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا ﴿٤﴾

آنگاه که جنبانیده شود زمین را جنبانیدنِ سخت (٤) .

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ﴿٥﴾

وریزه ریزه کرده شود کوه هارا ریزه ریزه کردن بسیار (٥) .

فَكَانَتْ هَبَاءً مُّنْبَثًّا ﴿٦﴾

پس شود مانند غبار پراگنده (٦) .

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ﴿٧﴾

وشوید شما سه قسم (٧) .

فَأَصْحٰبُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحٰبُ الْمَيْمَنَةِ ﴿٨﴾

پس اهل سعادت چه حال دارند اهل سعادت (٨) .

وَأَصْحٰبُ الْمَشْئَمَةِ مَا أَصْحٰبُ الْمَشْئَمَةِ ﴿٩﴾

واهل شقاوت چه حال دارنداهل شقاوت (٩) .

وَالسّٰبِقُونَ السّٰبِقُونَ ﴿١٠﴾

وپیش روندگان خود ایشانندپیش روندگان (١٠) .

أُولٰٓئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾

آن پیش روندگان ایشانند نزدیك کردگان (١١) .

فِي جَنّٰتِ النَّعِيمِ ﴿١٢﴾

دربوستانهای نعمت باشند (١٢) .

ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾

سابقان جمعی بسیاراند ازپیشینیان[١] (١٣) .

وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿١٤﴾

واندکی انداز پسینیان[٢] (١٤) .

عَلٰى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾

برتخت های زربافته نشسته باشند (١٥) .

مُتَّكِـِٔينَ عَلَيْهَا مُتَقٰبِلِينَ ﴿١٦﴾

تکیه زده برآن روبروی یکدیگر شده (١٦) .

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾

آمدورفت میکنند برایشان نوجوانان جاویدان (١٧) .

بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ ﴿١٨﴾

باآب خوره ها وابریق ها وپیالها ازشراب جاری (١٨) .

---

(١) یعنی ازامم سابقه .

(٢) یعنی ازامت محمدیه .

لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ ﴿١٩﴾

نه دردسرداده شود ایشانرا ازآن شراب ونه بیهوش شوند (١٩) .

وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢٠﴾

وآمد ورفت کنند بامیوه ازهرجنس که اختیار کنند (٢٠) .

وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢١﴾

وباگوشت مرغان ازهر جنس که پسندکنند (٢١) .

وَحُورٌ عِينٌ ﴿٢٢﴾

وایشانراست حوران کشاده چشم (٢٢) .

كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ﴿٢٣﴾

مانند مروارید پوشیده کرده شده (٢٣) .

جَزَآءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾

پاداش دهیم بحسب آنچه میکردند (٢٤) .

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ﴿٢٥﴾

نه شنوند دربهشت سخن بیهوده ونه حرفی که‌گناه باشد (٢٥) .

إِلَّا قِيلًا سَلَٰمًا سَلَٰمًا ﴿٢٦﴾

لیکن بشنوند این سخن که هریکی سلام می‌گوید (٢٦) .

وَأَصْحَٰبُ الْيَمِينِ مَآ أَصْحَٰبُ الْيَمِينِ ﴿٢٧﴾

واهل سعادت چه حال دارند اهل سعادت (٢٧) .

فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ﴿٢٨﴾

دردرختان کنارِ بیخار (٢٨) .

وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ ﴿٢٩﴾

ودردرختان موز توبرتوثمرۀ آن (٢٩) .

وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ ﴿٣٠﴾

ودرسایۀ دراز (٣٠) .

وَمَآءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٣١﴾

ودرآب ریخته شده (٣١) .

وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ﴿٣٢﴾

ودرمیوۀ بسیار (٣٢) .

لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٣﴾

نه به پایان رسدونه ازآن منع کرده شود(٣٣) .

وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ ﴿٣٤﴾

وفرش های برا فراشته شده (٣٤) .

إِنَّآ أَنشَأْنَٰهُنَّ إِنشَآءً ﴿٣٥﴾

هر آئینه ماآفریدیم حوران رایك نوع افریدن (٣٥) .

فَجَعَلْنَٰهُنَّ أَبْكَارًا ﴿٣٦﴾

پس ساختیم ایشانرا دوشیزه (٣٦) .

عُرُبًا أَتْرَابًا ﴿٣٧﴾

محبوب شونده نزدیك شوهران[1] هم عمر

(١) یعنی بفنج ودلال .

بایکدیگر (٣٧) .

لِّأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٨﴾

برای اصحاب یمین (٣٨) .

ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٩﴾

جماعتی بسیارند از پیشینیان (٣٩) .

وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿٤٠﴾

وجماعتی بسیارنداز پسینیان (٤٠) .

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤١﴾

واهل شقاوت چه حال دارند اهل شقاوت (٤١) .

فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٢﴾

دربادگرم وآب‌گرم باشند (٤٢) .

وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ ﴿٤٣﴾

ودرسایه دود سیاه (٤٣) .

لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾

که نه خنك باشد ونه باعزت بُوَد (٤٤) .

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٥﴾

هرآئینه ایشان بودند پیش ازین بنازپرورده (٤٥) .

وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ ﴿٤٦﴾

ومداومت میکردند برگناه بزرگ (یعنی شرك) (٤٦) .

وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٧﴾

ومی‌گفتند آیا چون بمیریم وخاك شویم واستخوانی چند باشیم آیاما برانگیخته شویم (٤٧) .

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿٤٨﴾

آیاپدران نخستین مابرانگیخته شوند (٤٨) .

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿٤٩﴾

بگوهرآئینه پیشینیان وپسینیان (٤٩) .

لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٥٠﴾

البته جمع کرده شوند درمیعاد روزمقرر (٥٠) .

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾

بازهرآئینه شمااى گمراهان دروغ شمارندگان (٥١) .

لَآكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ ﴿٥٢﴾

خواهید خورد ازدرختان زقوم (٥٢) .

فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾

پس پرخواهید کرد ازآن شکم هارا (٥٣) .

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾

پس خواهید آشامیدبرآن طعام ازآب‌گرم (٥٤) .

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ ﴿٥٥﴾

پس خواهید آشامید مانند آشامیدن شتران مبتلا به بیماری تشنگی (٥٥) .

هٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّيْنِ ﴿٥٦﴾
اینست مهمانی ایشان روز جزاء (٥٦) .

نَحْنُ خَلَقْنٰكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُوْنَ ﴿٥٧﴾
ماآفریدیم شمارا پس چرا باورنمی کنید (یعنی اعاده را) (٥٧) .

اَفَرَءَيْتُمْ مَّا تُمْنُوْنَ ﴿٥٨﴾
آیامی دیدید آنچه میریزیددررحم زنان[1] (٥٨) .

ءَاَنْتُمْ تَخْلُقُوْنَهٗٓ اَمْ نَحْنُ الْخٰلِقُوْنَ ﴿٥٩﴾
آیاشمامی آفرینید آن را یا ماآفریننده ایم[2] (٥٩) .

نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوْقِيْنَ ﴿٦٠﴾
مامعین کردیم درمیان شمامرگ را ونیستیم ما عاجز کرده شده (٦٠) .

عَلٰٓى اَنْ نُّبَدِّلَ اَمْثَالَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِيْ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٦١﴾
ازآنکه عوض شما آریم قومی مانند شما وبیافرینیم شمارا درعالمی که نمیدانید (٦١) .

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْاَةَ الْاُوْلٰى فَلَوْلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿٦٢﴾
وهرآئینه دانسته اید آفرینش نخستین را پس چراپندنمی‌گیرید (٦٢) .

اَفَرَءَيْتُمْ مَّا تَحْرُثُوْنَ ﴿٦٣﴾
آیا دیدید آنچه می کارید (٦٣) .

ءَاَنْتُمْ تَزْرَعُوْنَهٗٓ اَمْ نَحْنُ الزّٰرِعُوْنَ ﴿٦٤﴾
آیاشما میرویانیدآن را یاما رویاننده ایم (٦٤) .

لَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنٰهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُوْنَ ﴿٦٥﴾
اگرخواهیم بگردانیم آن زراعت راگیاهی درهم شکسته به تعجب مانده گوئید (٦٥) .

اِنَّا لَمُغْرَمُوْنَ ﴿٦٦﴾
هرآئینه ماغرامت کشندگانیم (٦٦) .

بَلْ نَحْنُ مَحْرُوْمُوْنَ ﴿٦٧﴾
بلکه ما محروم ماندگانیم (٦٧) .

اَفَرَءَيْتُمُ الْمَآءَ الَّذِيْ تَشْرَبُوْنَ ﴿٦٨﴾
آیا پس دیدید آن آب را که می آشامید (٦٨) .

ءَاَنْتُمْ اَنْزَلْتُمُوْهُ مِنَ الْمُزْنِ اَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُوْنَ ﴿٦٩﴾
آیاشما فرودآورده ایدآن را از ابر یاما فرودآرندگانیم (٦٩) .

---

(١) یعنی منی را .
(٢) یعنی تقلیب میکنیم منی راازحالی به حالی تاآدمی پیدامی شود والله اعلم .

لَوْ نَشَآءُ جَعَلْنٰهُ اُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُوْنَ ﴿٧٠﴾	اگرخواهیم شوربگردانیم آنرا پس چرا شکر نمی‌گوئید (٧٠) .
اَفَرَءَيْتُمُ النَّارَ الَّتِیْ تُوْرُوْنَ ﴿٧١﴾	آیاپس دیدید آن آتش را که روشن می کنید ازمیان شاخ درخت برمی آرید (٧١) .
ءَاَنْتُمْ اَنْشَاْتُمْ شَجَرَتَهَاۤ اَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُوْنَ ﴿٧٢﴾	آیاشما آفریده ایددرخت آن را یاماآفریننده ایم (٧٢) .
نَحْنُ جَعَلْنٰهَا تَذْكِرَةً وَّمَتَاعًا لِّلْمُقْوِیْنَ ﴿٧٣﴾	ماساختیم آن درخت رابرای پند ومنفعت برای مسافران (٧٣) .
فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِیْمِ ﴿٧٤﴾	پس به پاکی یادکن پروردگاربزرگ خودرا (٧٤) .
فَلَاۤ اُقْسِمُ بِمَوٰقِعِ النُّجُوْمِ ﴿٧٥﴾	پس سوگند میخورم بافتادن ستارها[1] (٧٥) .
وَاِنَّهٗ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُوْنَ عَظِیْمٌ ﴿٧٦﴾	وهرآئینه این قسمی ست بزرگ اگر بدانید (٧٦) .
اِنَّهٗ لَقُرْاٰنٌ كَرِیْمٌ ﴿٧٧﴾	هرآئینه این کتاب قرآنی است گرامیقدر (٧٧) .
فِیْ كِتٰبٍ مَّكْنُوْنٍ ﴿٧٨﴾	نوشته شده است درکتاب پوشیده (٧٨) .
لَّا یَمَسُّهٗۤ اِلَّا الْمُطَهَّرُوْنَ ﴿٧٩﴾	که دست نمی رسانندبآن مگر پاك کردگان[2] (٧٩) .
تَنْزِیْلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعٰلَمِیْنَ ﴿٨٠﴾	فرستاده شده است از جانب پروردگار عالمها (٨٠) .
اَفَبِهٰذَا الْحَدِیْثِ اَنْتُمْ مُّدْهِنُوْنَ ﴿٨١﴾	آیابااین سخن شما انکار کننده اید (٨١) .
وَتَجْعَلُوْنَ رِزْقَكُمْ اَنَّكُمْ تُكَذِّبُوْنَ ﴿٨٢﴾	ومی سازید نصیبه خودآنکه شمابه دروغ نسبت می کنید (٨٢) .
فَلَوْلَاۤ اِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُوْمَ ﴿٨٣﴾	پس آنگاه که رسد روح شخصی نزد

(١) یعنی شهب والله اعلم .

(٢) یعنی درلوح محفوظ .

وَاَنْتُمْ حِيْنَئِذٍ تَنْظُرُوْنَ ﴿٨٤﴾

گلو (۸۳) .
وشما آنگاه می بینید (٨٤) .

وَنَحْنُ اَقْرَبُ اِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلٰكِنْ لَّا تُبْصِرُوْنَ ﴿٨٥﴾

ومانزدیك تریم باو به نسبت شما ولیکن نمی نگرید (۸۵) .

فَلَوْلَآ اِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِيْنِيْنَ ﴿٨٦﴾
تَرْجِعُوْنَهَآ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٨٧﴾

پس اگرهستید غیر مقهور حکم الهی(٨٦) .
چرابازنگردانیدروح را اگرراستگوئید[1] (۸۷) .

فَاَمَّآ اِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ ﴿٨٨﴾

پس اما اگر باشد مرده ازنزدیك کردگان بارگاه الهی (۸۸) .

فَرَوْحٌ وَّ رَيْحَانٌ ۙ وَّجَنَّتُ نَعِيْمٍ ﴿٨٩﴾

پس اوراست راحت وگل خوشبووبوستان نعمت (۸۹) .

وَاَمَّآ اِنْ كَانَ مِنْ اَصْحٰبِ الْيَمِيْنِ ﴿٩٠﴾
فَسَلٰمٌ لَّكَ مِنْ اَصْحٰبِ الْيَمِيْنِ ﴿٩١﴾

واماا گرباشد ازاهل سعادت (۹۰) .
پس سلامت ست ای مخاطب خاطر تراازاهل سعادت (۹۱) .

وَاَمَّآ اِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِيْنَ الضَّآلِّيْنَ ﴿٩٢﴾

واماا گرباشد ازدروغ شمارندگان گمراهان (۹۲) .

فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيْمٍ ﴿٩٣﴾
وَّتَصْلِيَةُ جَحِيْمٍ ﴿٩٤﴾
اِنَّ هٰذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِيْنِ ﴿٩٥﴾

پس اوراست مهمانی ازآب‌گرم (۹۳) .
واوراست درآوردن به دوزخ (٩٤) .
هرآئینه این خبردرست بی شبهه است (۹۵) .

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيْمِ ﴿٩٦﴾

پس بپاکی یادکن پروردگار بزرگ خودرا (۹٦) .

سوره حدید مدنی است وآن بیست ونه آیت وچهار رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿١﴾

به پاکی یادکردخدارا هرچه درآسمان ها

(۱) مترجم‌گوید لفظ لولا داخل است بر ترجعونها واعادهٔ آن برای تاکید است .

وزمین ست واوست غالب دانا (۱) .

لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ ۚ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۲﴾

اوراست پادشاهی آسمانها وزمین زنده میکند ومی میراند واوبرهرچیز تواناست (۲) .

هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ۚ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿۳﴾

اوست نخستین همه واوست آخرینِ همه واوست آشکارَاواوست پنهان واوبهرچیز داناست (۳) .

هُوَ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ ۚ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيْهَا ۚ وَهُوَ مَعَكُمْ اَيْنَ مَا كُنْتُمْ ۚ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۴﴾

اوست آنکه آفریدآسمان ها وزمین را درشش روز بازمستقرشد برعرش می داند آنچه درمی آید به زمین وآنچه برمی آیدازآن وآنچه فرودمی آید ازآسمان وآنچه بالامیرود اندرآن واوباشماست هرجاکه باشید وخدا بآنچه میکنید بیناست (٤) .

لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ ﴿۵﴾

اوراست پادشاهئ آسمان هاوزمین وبسوی خدابازگردانیده میشودکار ها (۵) .

يُوْلِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوْلِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ ۗ وَهُوَ عَلِيْمٌ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿۶﴾

درمی آردشب را درروز ودرمی آرد روزرا درشب واو داناست بمکنون سینها (٦) .

اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَاَنْفِقُوْا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُّسْتَخْلَفِيْنَ فِيْهِ ۗ فَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَاَنْفَقُوْا لَهُمْ اَجْرٌ كَبِيْرٌ ﴿۷﴾

ایمان آرید بخداورسول او وخرج کنید ازجملهٔ آن مال که قرار داده است شمارا جانشین دیگران دروی پس آنانکه ایمان آوردند و خرج کردند ازشما ایشانراست مزدِ بزرگ (۷) .

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ ۚ وَالرَّسُوْلُ يَدْعُوْكُمْ لِتُؤْمِنُوْا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ اَخَذَ مِيْثَاقَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿۸﴾

وچیست شمارا که ایمان نمی آرید بخدا ورسول درحالیکه دعوت می کند شمارا که ایمان آرید بپروردگارخویش وهرآئینه عهدگرفته است ازشما[1] اگرهستید باوردارنده (۸) .

---

(۱) یعنی روزألست بربکم .

هُوَ الَّذِيْ يُنَزِّلُ عَلٰى عَبْدِهٖٓ اٰيٰتٍۢ بَيِّنٰتٍ لِّيُخْرِجَكُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ ؕ وَاِنَّ اللّٰهَ بِكُمْ لَرَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿٩﴾

واوست آنکه فروميفرستد بر بندهٔ خود آياتِ واضح تابيرون آردشمارا ازتاريکی ها بسوی روشنی هرآئينه خدا برشما بخشاينده مهربان ست (٩) .

وَمَا لَكُمْ اَلَّا تُنْفِقُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَلِلّٰهِ مِيْرَاثُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ لَا يَسْتَوِيْ مِنْكُمْ مَّنْ اَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقٰتَلَ ؕ اُولٰٓئِكَ اَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِيْنَ اَنْفَقُوْا مِنْۢ بَعْدُ وَقٰتَلُوْا ؕ وَكُلًّا وَّعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنٰى ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿١٠﴾

وچيست شمارا که خرج نه کنيد درراه خدا و خدای‌راست واپس‌گذاشتهٔ آسمان ها وزمين[1] برابرنيست ازشما آنکه خرج کرد پيش ازفتح مکه و قتال کرد (بآنکه اين چنين عمل بعد ازفتح مکه کرده باشد) آنجماعت درمرتبه بزرگ ترند ازآنانکه خرج کردند بعد از فتح وقتال کردند وهريك راوعده داده است خدا حالتِ نيك وخدا بآنچه ميکنيد خبردارست (١٠) .

مَنْ ذَا الَّذِيْ يُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضٰعِفَهٗ لَهٗ وَلَهٗٓ اَجْرٌ كَرِيْمٌ ﴿١١﴾

کيست آنکه قرض دهد خدارا قرض دادن نيك پس دوچند اداکندآن قرض رابرای او و اوراست مزدِ گرامی قدر (١١) .

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ يَسْعٰى نُوْرُهُمْ بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَبِاَيْمَانِهِمْ بُشْرٰىكُمُ الْيَوْمَ جَنّٰتٌ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ؕ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿١٢﴾

يادکن روزيکه ببينی مردان مسلمانان را و زنانِ مسلمانان را باين صفت که می شتابدنورايشان پيش دست های ايشان و بجانب های راست ايشان (گفته شود) مژده باد شماراامروزشمارا ست بوستان های ميرود زيرآن جويها جاويد باشيد آنجا اينست مطلب يابی بزرگ (١٢) .

يَوْمَ يَقُوْلُ الْمُنٰفِقُوْنَ وَالْمُنٰفِقٰتُ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوا انْظُرُوْنَا

روزيکه گويند مردانِ منافق وزنانِ منافق

---

(١) يعنی هرکسيکه بميردآنچه بگذارد ملكِ خداباشد پس بآن بخل کردن نهايت شنيع است .

نَقْتَبِسْ مِنْ نُّوْرِكُمْ ۚ قِيْلَ ارْجِعُوْا وَرَآءَكُمْ فَالْتَمِسُوْا نُوْرًا ۗ فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُوْرٍ لَّهٗ بَابٌ ؕ بَاطِنُهٗ فِيْهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهٗ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿١٣﴾

بامسلمانان بنظر شفقت نگرید بسوی ما تا روشنی گیریم ازنور شما گفته شود باز گردید پس پشت خویش پس بجوئید روشنی را[1] پس بناکرده شود درمیانِ ایشان دیواری که اورا دروازه باشد اندرونِ آن دیوار درآنجا رحمت ست وبیرون آن دیوار بجانب پیش او عذاب ست (١٣) .

يُنَادُوْنَهُمْ اَلَمْ نَكُنْ مَّعَكُمْ ؕ قَالُوْا بَلٰى وَلٰكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ اَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْاَمَانِيُّ حَتّٰى جَآءَ اَمْرُ اللّٰهِ وَغَرَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُوْرُ ﴿١٤﴾

آوازدهند منافقان مسلمانان راآیا ما نبودیم همراه شما گفتند آری ولیکن شما دربلا افگندید خویشتن را وانتظار کردید[2] وشك آوردید وفریفته کرد شمارا آرزوها تاآنکه برسید فرمان خدا[3] وفریب داد شمارادر فرمانبرداری خداشیطان فریبنده (١٤) .

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَّلَا مِنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ؕ مَاْوٰىكُمُ النَّارُ ؕ هِيَ مَوْلٰىكُمْ ؕ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ﴿١٥﴾

پس امروز فراگرفته نه شود ازشما فدیهٔ ونه ازکافران گرفته شود جای شما آتش ست همان آتش لائقِ شماست و بد باز گشت ست وی (١٥) .

اَلَمْ يَاْنِ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوْبُهُمْ لِذِكْرِ اللّٰهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ ۙ وَلَا يَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ

آیاوقت نرسیده است مسلمانان را که نیایش کند دل های ایشان آن وقت یاد کردن خداووقت یادآوردن آنچه آمده ست ازوحی الهی ونباشند مانند آنانکه

---

(١) مترجوگوید یعنی دردنیا روید تحصیل نورکنید که این جاتحصیل نور نیست والله اعلم .
(٢) یعنی هزیمت مسلمانان را .
(٣) یعنی اجل .

عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿١٦﴾

داده شده است ایشان راکتاب پیش ازین پس درازگشت برایشان مدت پس سخت شددل های ایشان وبسیاری ازایشان بدکاران اند (١٦) .

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾

بدانید که خدا زنده میکند زمین را بعد ازمرده بودنِ آن هرآئینه بیان کردیم برای شمانشانهابُوَد که شما دریابید (١٧) .

إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١٨﴾

هرآئینه مردان خیرات دهنده وزنان خیرات دهنده وآنانکه قرض داده اند خدارا قرض نیك دو چند داده شودایشان را وایشانراست مزدگرامی قدر (١٨) .

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ ۖ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١٩﴾

وآنانکه ایمان آوردند بخداو پیغمبران او آنجماعت ایشانند صدیقان وشهیدان نزدیك پروردگارخویش ایشانراست مزدایشان ونورایشان وآنانکه کافرشدند ودروغ شمردند آیاتِ مارا آنجماعت اهل دوزخ اند (١٩) .

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ ۖ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا ۖ وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ ۚ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿٢٠﴾

بدانید که زندگانئ دنیا بازیست وبیهودگی ست وآرائش ست وخودستائی ست درمیان شما وازیکدیگرزیاده طلبی ست درمال ها وفرزندان مانند بارانی که به شگفت آورد زراعت کنندگان را رُستنئ او باز خشك شود پس زرد به بینی آن را بازدرهم شکسته گردد ودرآخرت عذاب سخت ست ونیز آمرزش ست ازجانب خداوخوشنودیست و نیست زندگانی دنیا مگر بهره ای که باعث فریب باشد (٢٠) .

سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ

سبقت کنیدبسوی آمرزش ازجانب پروردگار تان وبسوی بهشتی که پهنائی

وَالْأَرْضِ ۙ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢١﴾

اومانند پهنائی آسمان وزمین باشد آماده کرده شد برای آنانکه ایمان می آرند بخداو پیغامبران او اینست فضل خدا میدهدش بهرکه خواهد وخداوند صاحب فضل بزرگ ست (٢١) .

مَا أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٢٢﴾

نه رسید هیچ مصیبتی در زمین ونه در جان های شما مگر نوشته شده است درکتابی پیش ازآنکه بیافرینیم آن مصیبت را هرآئینه این کار بر خداآسان ست (٢٢) .

لِّكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾

(خبرداده ایم) تااندوه نخورید برآنچه رفت ازدست شماوتاشادمان نه شویدبآنچه عطا کرد شمارا و خدای‌تعالی دوست نمیداردهرتکبر کننده خودستاینده را (٢٣) .

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٤﴾

(دوست نمیدارد) آنانراکه بخل میکنند ومردمان را به بخل می فرمایند وهرکه رگردان شود هرآئینه خدا اوست بی نیاز ستوده (٢٤) .

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ۖ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ ۚ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾

هرآئینه فرستادیم پیغامبران خودرا به نشانه های واضح وفرودآوردیم همراه ایشان کتاب وترازو راتاعمل کنندمردمان بانصاف وفرودآوردیم آهن را درآن جنگ سخت ست ومنفعت های دیگر برای مردمان وتابداند خدا کسی راکه نصرت دهد خداوپیغمبران اورا غائبانه هرآئینه خداتوانای غالب ست (٢٥) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ

وهرآئینه فرستادیم نوح را وابراهیم را ونهادیم در اولاد ایشان پیغامبری وکتاب

وَالْكِتٰبَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ ۚ وَكَثِيْرٌ مِّنْهُمْ فٰسِقُوْنَ ﴿٢٦﴾

پس بعض ایشان راه یابنده است وبسیاری ازایشان بدکارانند (٢٦) .

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلٰٓى اٰثَارِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَاٰتَيْنٰهُ الْاِنْجِيْلَ ۙ وَجَعَلْنَا فِيْ قُلُوْبِ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْهُ رَاْفَةً وَّرَحْمَةً ۗ وَرَهْبَانِيَّةَ ۨابْتَدَعُوْهَا مَا كَتَبْنٰهَا عَلَيْهِمْ اِلَّا ابْتِغَآءَ رِضْوَانِ اللّٰهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا ۚ فَاٰتَيْنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْهُمْ اَجْرَهُمْ ۚ وَكَثِيْرٌ مِّنْهُمْ فٰسِقُوْنَ ﴿٢٧﴾

بازفرستادیم ازپی ایشان پیغامبران خودرا وازپی آوردیم عیسیٰ پسر مریم را ودادیمش انجیل ونهادیم دردل های تابعانِ او مهربانی وبخشائش وگوشه نشینی که خود پیدا کرده بودند آن را ما فرض نه ساخته بودیم برایشان لیکن اختراع کردند بطلب خوشنودی خدا پس نگاهداشتِ آن نکردند حقِ نگهداشتنِ آن پس عطا کردیم آنان را که ایمان آوردند ازایشان[1] مزدایشان را وبسیاری ازایشان بدکارانند (٢٧) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَاٰمِنُوْا بِرَسُوْلِهٖ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَّحْمَتِهٖ وَيَجْعَلْ لَّكُمْ نُوْرًا تَمْشُوْنَ بِهٖ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۚ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٢٨﴾

ای آنانکه ایمان آورده اید به پیغمبران سابق بترسید ازخداوایمان آرید به پیغامبراو[2] تابدهد شمارا دوحصه ازرحمت خود وبدهدشمارا نوری که راه روید بآن وتابیامرزد شمارا وخداآمرزگار مهربان ست (٢٨) .

لِّئَلَّا يَعْلَمَ اَهْلُ الْكِتٰبِ اَلَّا يَقْدِرُوْنَ عَلٰى شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللّٰهِ وَاَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَآءُ ۚ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ ﴿٢٩﴾

(خدااین مقدمه خبرداد) تابدانند اهل کتاب که ایشان قادر نیستند برچیزی ازفضل خدا وبدانند که فضل بدست خداست میدهد آن را بهرکه خواهد وخدا صاحب فضل بزرگ ست (٢٩) .

---

(١) یعنی به محمد صلی الله علیه وسلم .

(٢) یعنی به محمد صلی الله علیه وسلم .

سُورَةُ الْمُجَادَلَة

سوره مجادله مدنی است وآن بیست ودوآیت وسه رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قَدْ سَمِعَ اللّٰهُ قَوْلَ الَّتِيْ تُجَادِلُكَ فِيْ زَوْجِهَا وَتَشْتَكِيْٓ اِلَى اللّٰهِ ۖ وَاللّٰهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا ۭ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌۢ بَصِيْرٌ ①

[۱]هرآئینه شنید خدای‌تعالی سخن آن زن که گفتگو میکردبا تو درباره شوهر خود وشکایت میکرد پیش خدا وخدامی شنود گفتگو کردن شمارا هرآئینه خداشنوابیناست . (۱)

اَلَّذِيْنَ يُظٰهِرُوْنَ مِنْكُمْ مِّنْ نِّسَاۗىِٕهِمْ مَّا هُنَّ اُمَّهٰتِهِمْ ۭ اِنْ اُمَّهٰتُهُمْ اِلَّا الّٰۗـِٔيْ وَلَدْنَهُمْ ۭ وَاِنَّهُمْ لَيَقُوْلُوْنَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُوْرًا ۭ وَاِنَّ اللّٰهَ لَعَفُوٌّ غَفُوْرٌ ②

آنانکه ازشما ظهار میکنند بازنان خود[۲] نیستند آن زنان مادران ایشان نیستند مادران ایشان ، الآآنانکه زاده اند ایشان را هرآئینه این ظهار کنندگان می گویند سخن نامعقول ومیگویند دروغ وهرآئینه خدا عفوکنندهٔ آمرزگارست (۲) .

وَالَّذِيْنَ يُظٰهِرُوْنَ مِنْ نِّسَاۗىِٕهِمْ ثُمَّ يَعُوْدُوْنَ لِمَا قَالُوْا فَتَحْرِيْرُ رَقَبَةٍ مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّتَمَاۗسَّا ۭ ذٰلِكُمْ تُوْعَظُوْنَ بِهٖ ۭ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ③

وآنانکه ظهارمی کنند بازنان خود بازرجوع میکنند درمخالفت آنچه گفتند پس واجب ست آزاد کردنِ برده ای پیش ازآنکه زن ومردبایکدیگردست رسانند[۳] این حکم پندداده میشود شمارا بآن وخدا بآنچه میکنید خبردارست (۳) .

فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَّتَمَاۗسَّا

پس هرکه نه یابدبرده را پس بروی واجب

---

(۱) زنی را شوهراوگفت "انتِ علی کظهر امی" توبر من مانند پشت مادرمنی آن زن پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم این ماجراعرض کرد فرمودند که حرام شدی آن زن کثرت عیال وقلت مال عرض کرد خدای تعالی این آیت فرستاد .

(۲) یعنی تشبیه می دهند زنان خودرا به پشت مادر .

(۳) یعنی جماع کنند .

فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّيْنَ مِسْكِيْنًا ذٰلِكَ لِتُؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَتِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ وَلِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٤﴾

ست روزه داشتن دوماه پی در پی پیش ازآنکه هردوبایکدیگر دست رسانند پس هرکه نتوانداین را پس طعام دادن شصت فقیر لازم است، این حکم برای آنست که منقادشوید به خداو پیغامبراو واین احکام حد مقرر کردهٔ خداست و کافران را عذاب درد دهنده باشد (٤) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يُحَآدُّوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ كُبِتُوْا كَمَا كُبِتَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ اَنْزَلْنَآ اٰيٰتٍ بَيِّنٰتٍ وَلِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ﴿٥﴾

هرآئینه آنانکه مخالفت میکنند باخدا و رسول اوخوار کرده شدایشانرا چنانکه خوارکرده شد آنان را که پیش ازایشان بودند وهرآئینه فرودآوردیم آیاتِ واضح وکافران را عذاب خوار کننده است (٥) .

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيْعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوْا اَحْصٰىهُ اللّٰهُ وَنَسُوْهُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ﴿٦﴾

روزیکه برانگیزد ایشانرا خداهمه یك جا پس خبردهد ایشان را بآنچه کرده بودند یادداشت کردآنراخداوایشان فراموش کردند آن را وخدابرهمه چیز مطلع ست . (٦)

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ مَا يَكُوْنُ مِنْ نَّجْوٰى ثَلٰثَةٍ اِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ اِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَآ اَدْنٰى مِنْ ذٰلِكَ وَلَآ اَكْثَرَ اِلَّا هُوَ مَعَهُمْ اَيْنَ مَا كَانُوْا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوْا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿٧﴾

آیانه دیدی که خدا میداند آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین ست نمی باشد بایکدیگر گفتن سه شخص رامگر خداچهارم ایشان ست ونمی باشد گفتن پنج شخص راالاّ خدا ششمِ ایشان ست ونه کمتر ازین ونه زیاده ازین مگر خداباایشانست هرکجاباشند بازخبر دهد ایشان را روزِقیامت به آنچه کرده اند هرآئینه خدابهرچیز داناست (٧) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ نُهُوْا عَنِ النَّجْوٰى ثُمَّ يَعُوْدُوْنَ لِمَا نُهُوْا عَنْهُ

آیاندیدی بسوی آنانکه منع کرده شدایشان

وَيَتَنٰجَوْنَ بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُوْلِ ۫ وَاِذَا جَآءُوْكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللّٰهُ ۙ وَيَقُوْلُوْنَ فِيْٓ اَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللّٰهُ بِمَا نَقُوْلُ ؕ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ ۚ يَصْلَوْنَهَا ۚ فَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ⑧

راازبایکدیگر رازگفتن[١] بازعَود میکنند درآنچه ازآن منع کرده شد ایشان را وبیکدیگررازمیگویند درباب گناه وتعدی ونافرمانی پیغامبر وچون بیایند پیش تودعاکنند ترا بآن کلمه که دعانکرده است تراخدابآن[٢] ومیگویند دردل های خویش چرا عذاب نه میکند مارا خدابسبب آنچه میگوئیم[٣] بس ست ایشانرا دوزخ درآیند آن جا پس بدجائیست دوزخ (٨).

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُوْلِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوٰى ؕ وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِيْٓ اِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ ⑨

ای مسلمانان چون بایکدیگر رازگوئید پس بایدکه رازمگوئید درباب گناه وتعدی نافرمانیِ پیغامبر ورازگوئید درباب نیکوکاری وپرهیزگاری وبترسید ازخدائی که بسوی اوحشر کرده خواهید شد (٩).

اِنَّمَا النَّجْوٰى مِنَ الشَّيْطٰنِ لِيَحْزُنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَلَيْسَ بِضَآرِّهِمْ شَيْـًٔا اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ؕ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ⑩

جزاین نیست که رازگفتنِ بدازکارشیطان ست تااندوهگین کنَد مسلمانان را ونیست هیچ زیان رساننده بایشان مگر بارادهٔ خدا، وبرخدا بایدکه توکل کنند مسلمانان (١٠).

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا قِيْلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوْا فِي الْمَجٰلِسِ فَافْسَحُوْا يَفْسَحِ اللّٰهُ لَكُمْ ۚ وَاِذَا قِيْلَ انْشُزُوْا فَانْشُزُوْا يَرْفَعِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ ۙ وَالَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجٰتٍ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ⑪

ای مسلمانان چون گفته شود شمارا که گشاده بنشینیددر مجلس ها پس گشاده کنید جای را تابگشاید خدا برای شما (هرمشکلی را) وچون گفته شودبرخیزید پس برخیزید تابلند کند خدامرتبه هابرای

(١) یعنی یهود که رازایشان درایذای مسلمین بود والله اعلم.
(٢) یعنی بجای السلام علیك السام علیك گویند یعنی مرگ برتوباد.
(٣) یعنی ا گر پیغامبرراست است بایستی که مارا عذاب رسیدی والله اعلم.

آنانکه ایمان آورده اند ازشما وآنانکه عطا کرده شده است ایشانرا علم وخدابآنچه میکنید خبردارست (١١) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُوْلَ فَقَدِّمُوْا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوٰىكُمْ صَدَقَةً ۭ ذٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَاَطْهَرُ ۭ فَاِنْ لَّمْ تَجِدُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٢﴾

ای مسلمانان چون خواهید که راز گوئید باپیغامبر پس نخست بدهید پیش ازراز گفتن خود خیرات را این کار بهترست شمارا وپاکیزه تر پس ا گر نیابید هرآئینه خداآمرزگار مهربانست[1] (١٢) .

ءَاَشْفَقْتُمْ اَنْ تُقَدِّمُوْا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوٰىكُمْ صَدَقٰتٍ ۭ فَاِذْ لَمْ تَفْعَلُوْا وَتَابَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ ۭ وَاللّٰهُ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿١٣﴾

آیاترسیدید ازآنکه نخست دهیدپیش از رازگفتن خود خیرات هاراپس چون نکردید ودرگذشت خدا ازشما پس باری برپادارید نمازرا وبدهید زکوٰة را وفرمانبرداری کنید خدا ورسول اورا وخدا خبردارست بآنچه میکنید (١٣) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ ۭ مَا هُمْ مِّنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ ۙ وَيَحْلِفُوْنَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ﴿١٤﴾

آیانه دیدی بسوی آنانکه دوستی کردند باقومی که غضب کرده است خدا برایشان[2] نیستند این منافقان ازشما ونه ازیهود وسوگند میخورند بردروغ وایشان میدانند (١٤) .

اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيْدًا ۭ اِنَّهُمْ سَاۗءَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٥﴾

آماده ساخته است خدابرای ایشان عذابِ سخت هرآئینه بداست آنچه میکردند (١٥) .

اِتَّخَذُوْٓا اَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ﴿١٦﴾

سِپَر گرفته اند سوگندانِ خودرا پس بازداشتند مردم را ازراه خدا پس برای ایشانست عذاب خوارکننده (١٦) .

---

(١) مترجم گوید این حکم منسوخ است بآیتی که می آید والله اعلم .

(٢) یعنی منافقان بایهود دوستی کردند والله اعلم .

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَآ اَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللّٰهِ شَيْئًا ؕ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ؕ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿۱۷﴾

دفع نخواهد کردازایشان اموال ایشان واولاد ایشان ازعذابِ خداچیزی را این جماعت اهل دوزخ اند، ایشان آنجاجاویدان باشند (۱۷) .

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيْعًا فَيَحْلِفُوْنَ لَهٗ كَمَا يَحْلِفُوْنَ لَكُمْ وَيَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ عَلٰى شَيْءٍ ؕ اَلَآ اِنَّهُمْ هُمُ الْكٰذِبُوْنَ ﴿۱۸﴾

روزیکه برانگیزد ایشانرا خداهمه یك جا پس سوگند خورند بحضور اوچنانکه سوگند میخورند بحضور شما و می پندارند که ایشان بر چیزی هستند آگاه شوهرآئینه ایشانند دروغگو (۱۸) .

اِسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطٰنُ فَاَنْسٰهُمْ ذِكْرَ اللّٰهِ ؕ اُولٰٓئِكَ حِزْبُ الشَّيْطٰنِ ؕ اَلَآ اِنَّ حِزْبَ الشَّيْطٰنِ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿۱۹﴾

غالب آمده است برایشان شیطان پس فراموش ساخت ازخاطر ایشان یادکردن خدارا این جماعت لشکر شیطان اند آگاه شو هرآئینه لشکر شیطان ایشانند زیان کاران (۱۹) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يُحَآدُّوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗٓ اُولٰٓئِكَ فِى الْاَذَلِّيْنَ ﴿۲۰﴾

هرآئینه آنانکه مخالفت میکننند باخداورسول او این جماعت درجملهٔ خوارترین مردم اند (۲۰) .

كَتَبَ اللّٰهُ لَاَغْلِبَنَّ اَنَا وَرُسُلِيْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيْزٌ ﴿۲۱﴾

حکم کردخداالبته غالب شوم من و پیغامبران من هرآئینه خدا توانای غالب ست (۲۱) .

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُّؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ يُوَآدُّوْنَ مَنْ حَآدَّ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَلَوْ كَانُوْٓا اٰبَآءَهُمْ اَوْ اَبْنَآءَهُمْ اَوْ اِخْوَانَهُمْ اَوْ عَشِيْرَتَهُمْ ؕ اُولٰٓئِكَ كَتَبَ فِيْ قُلُوْبِهِمُ الْاِيْمَانَ وَاَيَّدَهُمْ بِرُوْحٍ مِّنْهُ ؕ وَيُدْخِلُهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ؕ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوْا عَنْهُ ؕ اُولٰٓئِكَ حِزْبُ اللّٰهِ ؕ اَلَآ اِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿۲۲﴾

نخواهی یافت قومی را که ایمان دارند بخدا وروز آخر باین صفت که دوستی کنند باکسیکه خلاف کرده است باخداورسول او واگرچه آن جماعت باشند پدران ایشان یاپسرانِ ایشان یابرادرانِ ایشان یا خویشاوندانِ ایشان آن مومنان که باکافران دوستی ندارند نوشته است خدادردل های ایشان ایمان را وقوت داده است ایشان را بفیضِ غیبی

ازجانب خود و درآردایشان را به بوستان ها میرودزیرآن جویها جاویدان آنجا خوشنود شد خداازایشان وخوشنود شدند ایشان ازخدا ایشانند لشکر خداآ گاه شو هرآئینه لشکر خداایشانند رستگاران (٢٢) .

سوره حشر مدنی است وآن بیست وچهار آیت وسه رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ①

(١) به پاکی یاد کرد خدای را آنچه در آسمان هاست وآنچه درزمین ست واوست غالب باحکمت (١) .

هُوَ الَّذِيْٓ اَخْرَجَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِاَوَّلِ الْحَشْرِ ۭ مَا ظَنَنْتُمْ اَنْ يَّخْرُجُوْا وَظَنُّوْٓا اَنَّهُمْ مَّانِعَتُهُمْ حُصُوْنُهُمْ مِّنَ اللّٰهِ فَاَتٰىهُمُ اللّٰهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوْا ۤ وَقَذَفَ فِيْ قُلُوْبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُوْنَ بُيُوْتَهُمْ بِاَيْدِيْهِمْ وَاَيْدِي الْمُؤْمِنِيْنَ ۤ فَاعْتَبِرُوْا يٰٓاُولِي الْاَبْصَارِ ②

اوست آنکه بیرون راند آنان را که کافرشدند ازاهل کتاب از خانه های ایشان در اوّل جمع کردن لشکر ، گمان نه داشتید شما ای مسلمانان که بیرون روند و گمان میکردندآن کافران که نگاهدارندۀ ایشان باشندقلعه های ایشان ازعقوبتِ

(١) مترجم گوید که آن حضرت صلی الله علیه وسلم چون بمدینه آمدند بابنی نضیر صلح کردند وایشان بسبب شقاوت ازلی سعی عداوت آنحضرت صلی الله علیه وسلم پیش گرفتند آنحضرت صلی الله علیه وسلم اراده فرمود که آنجماعت را جلاوطن فرماید منافقان آن ملاعین را پیغام فرستادند که شما قتال کنید ودر جنگ استواری ورزید که مارفیق شماایم خدای تعالی برخلاف اراده منافقان دراول جمع کردن لشکر بریهودالقا رُعب فرمودتاعاجز آمدند وجلاوطنی اختیار کردند و سخن اهلِ نفاق را نشنیدند وبقتال وتکرار جمع رجال اتفاق نیفتادواموال ایشان فَیء شدوفَیء آنراگویند که بغیر قتال بدست مسلمانان افتد خدای تعالی منت بر مسلمانان نهادحکم فَیء بیان فرمود وازارادۀ منافقان خبر داد والله اعلم .

خدا پس بیامد بایشان عقوبتِ خدااز‌آن جاکه گمان نمی کردند وافگند دردل های ایشان ترس را خراب میکردند خانه های خودرا بدست های خویش وبدست های مسلمانان پس عبرت گیرید ای خداوندانِ بصیرت (٢) .

وَلَوْلَآ أَن كَتَبَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمُ ٱلْجَلَآءَ لَعَذَّبَهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا ۖ وَلَهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ عَذَابُ ٱلنَّارِ ﴿٣﴾

وا گرنه آن بود که نوشت خدا برایشان جلاوطنی را هرآئینه عقوبت میکردایشانرا دردنیا[١] وایشان راست درآخرت عذابِ آتش (٣) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَآقُّوا ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ ۖ وَمَن يُشَآقِّ ٱللَّهَ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ﴿٤﴾

این عذاب بسبب آنست که ایشان مخالفت کردند باخداورسول اووهر که مخالفت کند باخداپس هرآئینه خداسخت عقوبت ست (٤) .

مَا قَطَعْتُم مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَآئِمَةً عَلَىٰٓ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ ٱللَّهِ وَلِيُخْزِىَ ٱلْفَٰسِقِينَ ﴿٥﴾

آنچه بریدید ازدرختِ خرما یا گذاشتیدآن را ایستاده بربیخ و ریشه های آن پس به فرمان خدابود وتاخوار کند بدکاران را[٢] (٥) .

وَمَآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنْهُمْ فَمَآ أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُۥ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ ۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾

وآنچه عائد گردانید خدابرپیغامبر خوداز اموال (بنی نضیر) پس نتاخته بودید برآن اسپان را ونه شتران را ولیکن خدا غالب میگرداند پیغامبران خودرا برهرکه خواهد وخدا برهرچیز تواناست (٦) .

مَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنْ أَهْلِ ٱلْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينِ وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ كَىْ لَا

آنچه عائد گردانید خدا برپیغامبر خود ازاموال ساکنان ده ها خدای راست و

---

(١) بنوعی دیگر والله اعلم .

(٢) یعنی قطع درخت میوه دار وقت جهاد جائز است وترك آن نیز جائز والله اعلم .

يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنكُمْ ۚ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٧﴾

پیغامبررا وخویشاوندان را[۱] ویتیمان را وفقیران را وراه گذررا (بیان فرمودیم) تانباشد آن دستگردان میان توانگران ازشما وهرچه بدهد شمارا پیغامبر بگیریدآن را وهرچه منع کند شمارا ازآن بازایستید وبترسید ازخدا هرآئینه خداسخت عقوبت است (۷) .

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿٨﴾

آن فَیء فقیران هجرت کننده راست آنانکه بیرون کرده شدایشان را ازخانه های ایشان و اموالِ ایشان می طلبند نعمت را از پروردگار خویش وخوشنودی را ونصرت میدهند خدا وپیغامبررا این جماعت ایشانند راست وعده(۸) .

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ۚ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٩﴾

ونیز آنان راست که جای گرفتند بدارالاسلام[۲] وجای پیداکردند درایمان پیش از مهاجران دوست میدارند هرکه هجرت میکند بسوی ایشان ونه می یابند درخاطرِ خود دغدغه ازطرف آنچه داده شد مهاجران را ودیگران را اختیار میکنند برخویشتن و ا گرچه باشد ایشانرا احتیاج وهرکه نگاهداشته شدازحرصِ نفسِ خویش پس آنجماعت ایشانند رستگاران (۹) .

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا

ونیز آنان راست که آمدند بعد مهاجران و

---

(۱) یعنی خویشاوندان پیغامبررا .

(۲) یعنی به مدینه .

الَّذِیْنَ سَبَقُوْنَا بِالْاِیْمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِیْ قُلُوْبِنَا غِلًّا لِّلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا رَبَّنَآ اِنَّكَ رَءُوْفٌ رَّحِیْمٌ ﴿۱۰﴾

انصار می‌گویند ای پروردگار ما بیامرز مارا و برادران مارا که سبقت کر دند برما به ایمان آوردن وپیدامکن دردل های ما هیچ کینه نسبت به آنانکه ایمان آوردند ای پروردگار ماهرآئینه تو بخشایندۂ مهربانی[1] (١٠) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِیْنَ نَافَقُوْا یَقُوْلُوْنَ لِاِخْوَانِهِمُ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ لَىِٕنْ اُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِیْعُ فِیْكُمْ اَحَدًا اَبَدًا ۙ وَّاِنْ قُوْتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ ؕ وَاللّٰهُ یَشْهَدُ اِنَّهُمْ لَكٰذِبُوْنَ ﴿۱۱﴾

آیاندیدی بسوی آنانکه منافق شدند میگویند آن برادرانِ خودرا که کافرند ازاهل کتاب ا گر جلاوطن کرده شود شمارا البته بیرون شویم نیز همراه شما وفرمان قبول نه کنیم در مقدمۂ شما هیچکس را هرگزو ا گرجنگ کرده شودبا شما البته نصرت دهیم شمارا وخداگواهی میدهد که ایشانند دروغگویان (١١) .

لَىِٕنْ اُخْرِجُوْا لَا یَخْرُجُوْنَ مَعَهُمْ ۚ وَلَىِٕنْ قُوْتِلُوْا لَا یَنْصُرُوْنَهُمْ ۚ وَلَىِٕنْ نَّصَرُوْهُمْ لَیُوَلُّنَّ الْاَدْبَارَ ۫ ثُمَّ لَا یُنْصَرُوْنَ ﴿۱۲﴾

ا گرجلاوطن کرده شوند جلاوطن نه شوند همراه ایشان (منافقان) و ا گرجنگ کرده شود با ایشان نصرت ندهند ایشانرا و ا گر بفرض نصرت دهند ایشانرا رااالبته بازگردانند پشت های خودرا بعد ازآن مدد کرده نشود ایشانرا (١٢) .

لَاَنْتُمْ اَشَدُّ رَهْبَةً فِیْ صُدُوْرِهِمْ مِّنَ اللّٰهِ ؕ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا یَفْقَهُوْنَ ﴿۱۳﴾

هرآئینه شمااى مسلمانان بارعب ترید درخاطر های ایشان ازخدا این بسبب آنست که ایشان قومی هستند که نمی فهمند[2] (١٣) .

---

(١) مترجم گوید ازین آیت معلوم شد که درفَیء هر مسلمان را حق ست پس احوج فالاحوج رابايد دادتاآنکه مال فَیء کفایت کند والله اعلم .

(٢) یعنی ازعذاب خدا که مؤجل ست پرواندارند والله اعلم .

لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرًى مُّحَصَّنَةٍ أَوْ مِن وَرَاءِ جُدُرٍ ۚ بَأْسُهُم بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ ۚ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ ﴿١٤﴾

جنگ نکنند باشما یکجا شده مگردر ده هائی که برآن حصار ساخته باشند یا ازپس دیوار، جنگ ایشان درمیان خویش سخت است می پنداری ایشان را همه یکجا مجتمع شده ودلهای ایشان پراگنده است این بسبب آنست که ایشان قومی هستند که درنمی یابند[1] (١٤) .

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ۖ ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٥﴾

داستانِ ایشان مانند داستان آنانست که پیش ازایشان بودند درنزدیکی چشیدند وبالِ گناهِ خودرا و ایشانراست عذاب دردناك[2] (١٥) .

كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾

داستانِ منافقان بااهل کتاب مانند داستانِ شیطان ست چون گفت آدمی را کافر شوپس چون کافرشد گفت هرآئینه من بی تعلقم ازتو هرآئینه من میترسم ازخدا پروردگار عالمها (١٦) .

فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿١٧﴾

پس شدعاقبت کاراین شیطان واین آدمی آنکه ایشان درآتش باشند جاویدان آن جا واین ست جزای ستمگاران (١٧) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾

ای مسلمانان بترسید ازخدا وبایدکه تأمل کند هر شخص که چه چیز پیش فرستاده است برای فردا[3] وبترسید ازخدا هرآئینه خدا خبردارست بآنچه می کنید (١٨) .

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ ۚ أُولَٰئِكَ

ومباشید مانند آنانکه فراموش کردند

---

(١) یعنی بایکدیگر خانه جنگی ها دارند مصلحت ایشان یکی نیست والله اعلم .

(٢) یعنی چنانکه اهل بدر مغلوب ومنهزم شدند ایشان نیزمنهزم گشتند والله اعلم .

(٣) یعنی برای روزقیامت .

هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿١٩﴾

خدارا پس خدافراموش گردانید ازخاطرِ ایشان تدبیر حالِ ایشانرا این جماعت ایشانند بدکاران (١٩) .

لَا يَسْتَوِيْٓ اَصْحٰبُ النَّارِ وَاَصْحٰبُ الْجَنَّةِ ۭ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَاۗىِٕزُوْنَ ﴿٢٠﴾

برابرنیستند اهل دوزخ واهل بهشت، اهل بهشت ایشانند بمطلب رسندگان (٢٠) .

لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰي جَبَلٍ لَّرَاَيْتَهٗ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ ۭ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُوْنَ ﴿٢١﴾

ا گرفرود می‌آوردیم این قرآن را برکوهی هرآئینه میدیدی آنرانیایش کرده پاره پاره شده ازخوف خداواین داستان هارا بیان می کنیم برای مردمان تاایشان تأمل کنند (٢١) .

هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۚ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ﴿٢٢﴾

اوست آن خدا که نیست هیچ معبود برحق مگراو دانندهٔ نهان وآشکاراوست بخشایندهٔ مهربان (٢٢) .

هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ اَلْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلٰمُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ۭ سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٢٣﴾

اوست آن خداکه نیست هیچ معبود برحق مگراو پادشاه نهایت پاك سلامت ازهمه عیب امن دهنده نگاهبان غالب خود اختیار بزرگوار پاکی خدای راست ازشریك مقرر کردن ایشان (٢٣) .

هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاۗءُ الْحُسْنٰى ۭ يُسَبِّحُ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٢٤﴾

اوست خدا آفریدگار نوپدید آرندهٔ نگارنده، اوراست نامهای نیك به پاکی یاد میکند اوراهرچه درآسمان ها وزمین ست واوست غالب باحکمت (٢٤) .

سوره ممتحنه مکی است وآن سیزده آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا عَدُوِّيْ وَعَدُوَّكُمْ اَوْلِيَاۗءَ تُلْقُوْنَ

[1] ای مسلمانان دوستان مگیرید دشمنانِ

(١) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم خواستند که بفتح مکه متوجه شوند =

اِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوْا بِمَا جَآءَكُمْ مِّنَ الْحَقِّ ۚ يُخْرِجُوْنَ الرَّسُوْلَ وَاِيَّاكُمْ اَنْ تُؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ رَبِّكُمْ ۗ اِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِيْ سَبِيْلِيْ وَ ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِيْ ۖ تُسِرُّوْنَ اِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ ۖ وَاَنَا اَعْلَمُ بِمَآ اَخْفَيْتُمْ وَمَآ اَعْلَنْتُمْ ۗ وَمَنْ يَّفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ السَّبِيْلِ ①

مرا و دشمنانِ خودرامی افگنید بسوی ایشان پیغام بسبب دوستی وهرآئینه ایشان کافرشده اند بآنچه آمده است بشما ازدین راست جلاوطن میکنند پیغامبررا وشمارا نیزبرای آنکه ایمان آوردید به خدا پروردگار خویش، (دوست مگیرید) ا گر برآمده اید از اوطان خود برای جهاد درراه من وبطلب رضامندی من پنهان میفرستید بسوی ایشان پیغام دوستی ومن میدانم آنچه پنهان میکنید وآنچه آشکار می نمائید وهرکه ازشما بکند این کار هرآئینه گم کرد راه هموار را (۱) .

اِنْ يَّثْقَفُوْكُمْ يَكُوْنُوْا لَكُمْ اَعْدَآءً وَّيَبْسُطُوْٓا اِلَيْكُمْ اَيْدِيَهُمْ وَاَلْسِنَتَهُمْ بِالسُّوْٓءِ وَوَدُّوْا لَوْ تَكْفُرُوْنَ ۭ②

ا گر کافران بیابند شمارا دشمن باشند درحقِ شما وبگشایند بسوی شمادستهای خودرا وزبان های خودرا بایذا ودوست دارند که کافر شوید (۲) .

لَنْ تَنْفَعَكُمْ اَرْحَامُكُمْ وَلَآ اَوْلَادُكُمْ ۚ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۚ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ ۭ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ③

سودنخواهند داد شمارا خویشاوندانِ شماونه فرزندانِ شما روزقیامت فیصله خواهد کردخدادرمیانِ شما، وخدا بآنچه میکنید بیناست (۳) .

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ اُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِيْٓ اِبْرٰهِيْمَ وَالَّذِيْنَ مَعَهٗ ۚ اِذْ قَالُوْا لِقَوْمِهِمْ اِنَّا بُرَءٰٓؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ۡ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَآءُ اَبَدًا حَتّٰى تُؤْمِنُوْا

هرآئینه هست شمارا الگوی نیك باابراهیم وآنانکه همراه اوبودند چون گفتند قوم خودرا هرآئینه مابی تعلقیم ازشما وازآن

= ومی‌خواستند کسی اهل مکه رابقصد آنحضرت مطلع نکند تاناگهان برسرایشان رسند یکی از صحابه بطرف ایشان نامه نوشت وبرقصد آنحضرت مطلع ساخت خدای تعالی آنحضرت صلی الله علیه وسلم را اطلاع داد تاآن نامه رااز راه باز آوردند وخدای تعالی درباب منع ازدوستیِ کفار نازل ساخت .

بِاللّٰهِ وَحْدَهٗۤ اِلَّا قَوْلَ اِبْرٰهِيْمَ لِاَبِيْهِ لَاَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَاۤ اَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ ؕ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَاِلَيْكَ اَنَبْنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ ﴿٤﴾

چه می پرستید بجزخدا نامعتقد شدیم بشما وپدیدآمد میانِ ماومیانِ شما دشمنی وناخوشی همیشه تاوقتیکه ایمان آرند بخدای تنها (شمارا الگوی نیك ست باابراهیم) مگر درقول ابراهیم پدر خودرا که آمرزش طلب خواهم کرد برای تونمی توانم برای تو ازخدا چیزی[1] گفت ابراهیم ای پروردگار مابرتوتوکل کردیم وبسوی تورجوع نمودیم وبسوی تست بازگشت (٤) .

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا ۚ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٥﴾

ای پروردگارما قرارمَدِه مارا زیردستِ کافران وبیامرزبرای ما ای پروردگارما هرآئینه توئی غالب باحکمت (٥) .

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيْهِمْ اُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللّٰهَ وَالْيَوْمَ الْاٰخِرَ ؕ وَمَنْ يَّتَوَلَّ فَاِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيْدُ ﴿٦﴾

هرآئینه هست شمارا بجماعت مذکوره اقتداء نیك کسی راازشماکه امید دارد ملاقات خدا وروزآخرت را وهرکه روگردان شود پس هرآئینه خدا بی نیاز ستوده کارست (٦) .

عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِيْنَ عَادَيْتُمْ مِّنْهُمْ مَّوَدَّةً ؕ وَاللّٰهُ قَدِيْرٌ ؕ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٧﴾

نزدیك ست خدا ازآنکه پیداکند درمیان شماودرمیان آنانکه دشمنی داشته ایدبآنها دوستی را[2] وخداتواناست وخداآمرزگار مهربانست (٧) .

لَا يَنْهٰىكُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِيْنَ لَمْ يُقَاتِلُوْكُمْ فِي الدِّيْنِ وَلَمْ يُخْرِجُوْكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ اَنْ تَبَرُّوْهُمْ وَتُقْسِطُوْۤا

منع نمی کند خداشمارا ازمواصلتِ آنانکه جنگ نه کرده اند باشمادرمقدمهٔ

---

(١) یعنی درین قول اقتداء باابراهیم نه شاید کردن واستغفار برای کافر درست نیست والله اعلم .

(٢) یعنی ایشان را توفیق اسلام دهد .

إِلَيْهِمْ ۚ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٨﴾

دین وبیرون نه کرده اند شمارا ازخانه های شما (منع نمیکند) ازآنکه احسان کنید بایشان وانصاف کنید درحقِ ایشان هرآئینه خدادوست میدارد انصاف کنند گان را (٨) .

إِنَّمَا يَنْهٰكُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِينَ قٰتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِّن دِيٰرِكُمْ وَظٰهَرُوا عَلٰى إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ ۚ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُونَ ﴿٩﴾

جزاین نیست که منع میکند شمارا خداازمواصلتِ آنانکه جنگ کرده اندباشمادرمقدمۀ دین وبیرون کرده اندشمارا ازخانه های شما ومعاونتِ دیگران کردند دربرآوردن شما (منع میکند) ازآنکه دوستی کنید باایشان وهرکه دوستی کندباایشان پس آنجماعت ایشانندستمگاران (٩) .

يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوٓا إِذَا جَآءَكُمُ الْمُؤْمِنٰتُ مُهٰجِرٰتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ ۖ اللّٰهُ أَعْلَمُ بِإِيمٰنِهِنَّ ۖ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنٰتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ ۖ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ ۖ وَآتُوهُم مَّآ أَنفَقُوا ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَآ آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ ۚ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَاسْأَلُوا مَآ أَنفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَآ أَنفَقُوا ۚ ذٰلِكُمْ حُكْمُ اللّٰهِ ۖ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ ۚ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾

ای[١] مسلمانان چون بیایند پیش شما زنانِ مسلمان هجرت کرده پس امتحان کنید ایشانرا[٢] خداداناترست بایمان ایشان پس ا گر مسلمان دانید ایشان را بازنه فرستید ایشان را بسوی کافران نه این زنان حلال اندکافران را ونه آن کافران حلال اند این زنان را وبدهید بشوهران آنچه خرج کردند[٣] ونیست گناه برشما که نکاح کنید بایشان چون بدهید

(١) مترجم گوید درصلح حدیبیه بعض نساء کفار هجرت کرده بمدینه می آمدندوبعض نساء مسلمین مرتدگشته بکفار ملحق میشدند خدای تعالی حکم این جماعت بیان فرمود والله اعلم .

(٢) یعنی قسم دهید ایشان را که به سبب ناخوشیِ شوهران خودیا بسبب عشق مردان دیگرنیامده اند والله اعلم .

(٣) یعنی مهری که شوهران کفار داده بودند بازگردانید والله اعلم .

ایشان را مهرایشان ونگاه ندارید دست آویز زنانِ نامسلمان را[١] وطلب کنید آنچه شما خرج کردید وباید که مشرکان طلب کنند آنچه خرج کرده اند[٢] اینست حکم خدا فیصله میکند میان شما وخدا دانای باحکمت ست (١٠) .

وَاِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ اِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَاٰتُوا الَّذِيْنَ ذَهَبَتْ اَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَآ اَنْفَقُوْا ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِيْٓ اَنْتُمْ بِهٖ مُؤْمِنُوْنَ ﴿١١﴾

وا گراز دست شما برود کسی اززنان شما بسوی کافران پس غنیمت بدست آوردید[٣] پس بدهید آنان را که رفته باشند زنان ایشان مانند آنچه خرج کرده باشند بترسید ازخدائی که شمااورا باور دارنده اید[٤] (١١) .

يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ اِذَا جَآءَكَ الْمُؤْمِنٰتُ يُبَايِعْنَكَ عَلٰٓى اَنْ لَّا يُشْرِكْنَ بِاللّٰهِ شَيْـًٔا وَّلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِيْنَ وَلَا يَقْتُلْنَ اَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَاْتِيْنَ بِبُهْتَانٍ يَّفْتَرِيْنَهٗ بَيْنَ اَيْدِيْهِنَّ وَاَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيْنَكَ فِيْ مَعْرُوْفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللّٰهَ ۗ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٢﴾

ای پیغمبر چون بیایند نزدِ توزنانِ مسلمان که بیعت کنند باتو باین شرط که شریك مقرر نکنند باخدا چیزی را ودزدی نکنند وزنانکنند ونه کشند اولاد خودرا وپیش نیارند سخن دروغ که بربسته باشند آن را درمیان دستهای خویش ودرمیانِ پاهای

---

(١) یعنی برنکاح کافره اقامت نباید کرد والله اعلم .

(٢) یعنی ا گرزنی مرتد شده بامشرکان ملحق شود مهرِ اوباید طلبید و ا گرزنی مسلمان شده هجرت کند مهراوباید داد والله اعلم .

(٣) یعنی غنیمت ستانید ازایشان .

(٤) مترجم گوید که ا گرکفار معاهد باشندوزنی مرتده بایشان ملحق گرددازیشان مهر باید طلبید چنانچه درآیت سابقه معلوم شده ا گرکفار حربیان باشنداز غنائمِ اموالِ ایشان شوهران مرتده را مهر باید داد بعد فتح مکه این همه احکام مرتفع شدند نزدیك این فقیر نسخ این احکام ثابت نشده است پس ا گرمثل حالتیکه درصلح حدیبیه بودباز رودهد تحقیق که برهمین احکام عمل کرده شود والله اعلم .

خویش[1] ونافرمانی نکنند ترا درکارنیك پس بیعت قبول کن ازایشان وطلب آمرزش کن برای ایشان ازخدا هرآئینه خدا آمرزگار مهربانست (١٢) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ⑬

ای مسلمانان دوستی نه کنید باگروهی که خشم‌گرفته است خدا برآن ها آنجماعت ناامیدشده اند از ثواب آخرت چنانکه ناامید شده اند کافران از اهل گور[2] (١٣) .

سُورَةُ الصَّفِّ

سوره صف مدنی است وآن چهارده آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ①

به پاکی یادکرد خدارا آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین ست واوست غالب باحکمت (١) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ②

ای مسلمانان چرامی‌گوئید آنچه نمی‌کنید (٢) .

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ③

بسیار ناپسندیده شد نزدِ خدا آنکه بگوئید چیزی که نه کنید[3] (٣) .

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ ④

هرآئینه خدا دوست میدارد آنان را که جنگ میکنند درراه خدا صف بَسته گویاایشان عمارتی هستند محکم بایکدیگر چسپیده (٤) .

---

(١) یعنی فرزند کسی را به دیگری منسوب نکنند والله اعلم .

(٢) یعنی خدای تعالی حکم بعذاب ایشان کرده است پس هرگز ایمان نیارند وثواب نیابند چنانچه کافران بعد مردن برکفر توقع ثواب ندارند والله اعلم .

(٣) یعنی باخداعهد کنید به وفانرسانید .

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَٰقَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَد تَّعْلَمُونَ أَنِّي
رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ ۖ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ ۚ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾

ویادکن چون گفت موسیٰ قوم خودرا ای
قوم من چرامیرنجانید مرا وهرآئینه می دانید
که من فرستادهٔ خدایم بسوی شما پس
وقتیکه کجروی کردند کج ساخت
خدادل های ایشان را خدا راه نمی نماید
قوم بدکاران را (٥) .

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَٰبَنِي إِسْرَٰءِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُم
مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَىٰةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي
مِن بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ ۖ فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْبَيِّنَٰتِ قَالُوا
هَٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٦﴾

ویادکن چون گفت عیسیٰ پسر مریم ای
بنی اسرائیل هرآئینه من پیغمبر خدایم
بسوی شما باور دارندهٔ آنچه پیش دستان
من است ازتورات وبشارت دهنده به
پیغامبری که بیاید بعد ازمن نام او احمد
باشد پس چون آمد احمد (صلی الله
علیه وسلم) پیش ایشان با معجزه ها
گفتند این سحر ظاهرست (٦) .

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى
الْإِسْلَٰمِ ۚ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّٰلِمِينَ ﴿٧﴾

وکیست ستمگارتر ازکسیکه بربست
برخدا دروغ را واوخوانده می شود
بسوی اسلام وخداراه نمی نماید گروه
ستمگاران را (٧) .

يُرِيدُونَ لِيُطْفِـُٔوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَٰهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ
وَلَوْ كَرِهَ الْكَٰفِرُونَ ﴿٨﴾

میخواهند این کافران که فرونشانند
نورخدارا به دهن های خویش وخداتمام
کنندهٔ نور خودست ا گرچه ناخوش
دارند کافران (٨) .

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ
كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٩﴾

اوست آنکه فرستاد پیغامبر خودرا به
هدایت ودین راست تاغالب کندش
برهمهٔ ادیان ا گرچه ناخوش دارند
مشرکان (٩) .

يَٰأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَٰرَةٍ تُنجِيكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿١٠﴾

ای مسلمانان آیادلالت کنم شمارا
به تجارتی که برهاند شمارا ازعذابِ درد
دهنده (١٠) .

تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَتُجَاهِدُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ⑪

ایمان آرید بخدا ورسول او وجهادکنید درراه خداباموال خود وبه جان های خود این بهترست برای شماا گر میدانید (١١).

يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوْبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ وَمَسٰكِنَ طَيِّبَةً فِيْ جَنّٰتِ عَدْنٍ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ⑫

(ا گر این چنین کنید) بیامرزدبرای شما گناهان شمارا ودرآردشمارا به بوستانها میرودزیرآن جویها وبه محل های پاکیزه دربهشت های همیشه ماندن اینست پیروزیِ بزرگ (١٢).

وَاُخْرٰى تُحِبُّوْنَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللّٰهِ وَفَتْحٌ قَرِيْبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ⑬

و(بدهد) نعمتی دیگر که دوست میدارید آنراآن نعمت نصرت ازجانب خداوفتح قریب الحصول ست ومژده بده مسلمانان را (١٣).

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُوْنُوْٓا اَنْصَارَ اللّٰهِ كَمَا قَالَ عِيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيّٖنَ مَنْ اَنْصَارِيْٓ اِلَى اللّٰهِ قَالَ الْحَوَارِيُّوْنَ نَحْنُ اَنْصَارُ اللّٰهِ فَاٰمَنَتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْۢ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ وَكَفَرَتْ طَّآئِفَةٌ فَاَيَّدْنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا عَلٰى عَدُوِّهِمْ فَاَصْبَحُوْا ظٰهِرِيْنَ ⑭

ای مسلمانان باشید نصرت دهندگانِ خدا چنانکه گفت عیسیٰ پسر مریم بایارانِ خاص خود کیستند نصرت دهندگانِ من بسوی خدامتوجه شده گفتند آن یارانِ خاص مائیم نصرت دهندگانِ خدا[1] پس ایمان آوردند جمعی از بنی اسرائیل وکافرماندند جمعی پس قوت دادیم مومنان را بر دشمنانِ ایشان پس شدند غالب (١٤).

سُوْرَةُ الْجُمُعَة

سوره جمعه مدنی است یازده آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوْسِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ①

بپاکی یادکنند خدارا هرآنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین ست پادشاهِ نهایت

(١) پس در ترویج دین عیسیٰ سعی کردند .

پاك، غالب باحكمت (١) .

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٢)

اوست آنکه برانگیخت درنا خواندگان[١] پیغامبری ازقوم ایشان میخواند برایشان آیات اورا وپاك می کند ایشان را ومی آموزدایشان را کتاب و دانش و هرآئینه ایشان بودند پیش ازین درگمراهیِ ظاهر (٢) .

وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٣)

ونیز مبعوث کرد آن پیغامبررادرقومی دیگرازبنی آدم که هنوز نه پیوسته اندبامسلمانان[٢] و اوست غالب باحکمت (٣) .

ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (٤)

اینست فضل خدا میدهدش بهرکه خواهد وخدا صاحب فضل بزرگ ست (٤) .

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (٥)

مثال آنانکه نهاده شد برایشان تورات باز برنداشتندآن را[٣] مانندِ مثال خرست که برداردکتاب هارا بداست داستان قومی که دروغ می شمردند آیات خدارا وخداراه نمی نماید گروه ستمگاران را (٥) .

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (٦)

بگوای یهود ا گرگمان دارید که شما دوستان خدائید بجز سائر مردمان پس آرزو کنید مرگ را ا گر هستید راست گویان (٦) .

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (٧)

وآرزو نخواهند کردآنرا هرگزبسبب آنچه پیش فرستاده است دست های ایشان

---

(١) يعنی عرب .

(٢) فارس يعنی سائرِ عجم .

(٣) يعنی به وفق آن عمل نه کردند .

وخداداناست به ستمگاران (٧) .

قُلْ اِنَّ الْمَوْتَ الَّذِیْ تَفِرُّوْنَ مِنْهُ فَاِنَّهٗ مُلٰقِیْكُمْ ثُمَّ تُرَدُّوْنَ اِلٰی عٰلِمِ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ فَیُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٨﴾

بگوهرآئینه مرگی که می گریزیدازآن البته وی رسنده است بشما گردانیده خواهید شدبسوی دانندهٔ نهان وآشکارا پس خبردهد شمارا بآنچه می کردید (٨) .

یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْۤا اِذَا نُوْدِیَ لِلصَّلٰوةِ مِنْ یَّوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا اِلٰی ذِكْرِ اللّٰهِ وَذَرُوا الْبَیْعَ ذٰلِكُمْ خَیْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٩﴾

ای مسلمانان چون اذان داده شود برای نماز درروز جمعه پس سعی کنید بسوی یادکردن خداوبگذارید خریدوفروش را این بهترست شمارا ا گرمی دانید (٩) .

فَاِذَا قُضِیَتِ الصَّلٰوةُ فَانْتَشِرُوْا فِی الْاَرْضِ وَابْتَغُوْا مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ وَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِیْرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿١٠﴾

پس چون تمام کرده شود نماز متفرق شوید در زمین وطلب کنید ازفضل خدا ویادکنید خدارا بسیار تا شما رستگار شوید (١٠) .

وَاِذَا رَاَوْا تِجَارَةً اَوْ لَهْوَا انْفَضُّوْۤا اِلَیْهَا وَتَرَكُوْكَ قَآئِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللّٰهِ خَیْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللّٰهُ خَیْرُ الرّٰزِقِیْنَ ﴿١١﴾

(وآن مسلمانان) چون ببینند کاروانی یا بازی را متفرق شده متوجه میشوند بسوی آن وبگذارند تورا ایستاده[١] بگو آنچه نزدِ خداست بهترست ازبازی واز سوداگری وخدابهترین روزی دهندگانست[٢] (١١) .

---

(١) یعنی در خطبه .

(٢) مترجم گوید این آیت عتاب است بربعضی اصحاب و اشارت است بآن قصّه که کاروانی ازشام آمددراثناء خطبه ایشانرا دیده متفرق شدند ودرخدمت آنحضرت صلی الله علیه وسلم نماندندمگر دوازده شخص که حضرت ابوبکر وعمر ازآنجمله بودند والله اعلم .

بِسۡمِ اللّٰہِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِیۡمِ

اِذَا جَآءَكَ الۡمُنٰفِقُوۡنَ قَالُوۡا نَشۡهَدُ اِنَّكَ لَرَسُوۡلُ اللّٰهِ‌ۘ وَاللّٰهُ يَعۡلَمُ اِنَّكَ لَرَسُوۡلُهٗ ؕ وَاللّٰهُ يَشۡهَدُ اِنَّ الۡمُنٰفِقِيۡنَ لَـكٰذِبُوۡنَ‌ۚ ①

اِتَّخَذُوۡۤا اَيۡمَانَهُمۡ جُنَّةً فَصَدُّوۡا عَنۡ سَبِيۡلِ اللّٰهِ‌ ؕ اِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُوۡا يَعۡمَلُوۡنَ ②

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمۡ اٰمَنُوۡا ثُمَّ كَفَرُوۡا فَطُبِعَ عَلٰى قُلُوۡبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَفۡقَهُوۡنَ ③

وَاِذَا رَاَيۡتَهُمۡ تُعۡجِبُكَ اَجۡسَامُهُمۡ‌ ؕ وَاِنۡ يَّقُوۡلُوۡا تَسۡمَعۡ لِقَوۡلِهِمۡ‌ ؕ كَاَنَّهُمۡ خُشُبٌ مُّسَنَّدَةٌ‌ ؕ يَحۡسَبُوۡنَ كُلَّ صَيۡحَةٍ عَلَيۡهِمۡ‌ ؕ هُمُ الۡعَدُوُّ فَاحۡذَرۡهُمۡ‌ ؕ قَاتَلَهُمُ اللّٰهُ‌ اَنّٰى يُؤۡفَكُوۡنَ ④

وَاِذَا قِيۡلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡا يَسۡتَغۡفِرۡ لَـكُمۡ رَسُوۡلُ اللّٰهِ لَوَّوۡا رُءُوۡسَهُمۡ وَرَاَيۡتَهُمۡ يَصُدُّوۡنَ وَهُمۡ مُّسۡتَكۡبِرُوۡنَ ⑤

سوره منافقون مدنی است وآن یازده آیت ودورکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

چون بیایند پیش تومنافقان گویند[١] گواهی میدهیم که تو پیغامبر خدائی وخدا میداند که تو پیغامبر اوئی وخدا گواهی میدهد که منافقان دروغ گواند (١) .

سپر گرفته اند قسم های خودرا پس بازماندند ازراه خدا هرآئینه ایشان بداست آنچه می کردند (٢) .

این بسبب آنست که ایشان ایمان آوردند بازکافرشدند پس مهر نهاده شد بردل های ایشان نمی فهمند (٣) .

وچون ببینی ایشان را متعجب کند تراابدانِ ایشان و ا گربگویند گوش نهی برسخن ایشان گویاایشان چوبهای به دیوار تکیه داده اند، می پندارند هرآواز تند را هلاکی برخود ایشانند دشمنان پس بترس ازایشان لعنت کرد ایشانرا خداازکجا گردانیده میشوند(٤) .

وچون گفته شود منافقان را بیائید تاطلب آمرزش کند برای شما پیغامبر خدا می پیچانند سرهای خودرا وببینی ایشان را که رو می

(١) مترجم گوید رئیس منافقان در سفری سخنان نفاق انگیزبرزبان آوردآن را شخصی ازانصار به عرض آنحضرت صلی الله علیه وسلم رسانید منافقان بمجلس شریف آمده قسم خوردندکه مرتکب آن کلمات نشده انداین سوره درحکایت آن اقوال وتهدید وتکذیب ایشان نازل شد .

گردانند تکبر کنان (٥) .

سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَّغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ ۚ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿٦﴾

یکسانست درحق آنجماعت که آمرزش طلب کنی برای ایشان یا آمرزش نه طلبی برای ایشان نخواهد آمرزید خداایشان را هرآئینه خدا راه نمی نماید گروه فاسقان را (٦) .

هُمُ الَّذِيْنَ يَقُوْلُوْنَ لَا تُنْفِقُوْا عَلٰى مَنْ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ حَتّٰى يَنْفَضُّوْا ۗ وَلِلّٰهِ خَزَآئِنُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَلٰكِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ لَا يَفْقَهُوْنَ ﴿٧﴾

ایشانند آنان که میگویند (یاران خودرا) خرج مکنید برآنانکه که نزد رسول خدایند[1] تا پراگنده شوندوخدای راست خزانه های آسمانهاو زمین ولیکن منافقان نمی دانند (٧) .

يَقُوْلُوْنَ لَئِنْ رَّجَعْنَآ إِلَى الْمَدِيْنَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ ۚ وَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُوْلِهٖ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَلٰكِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٨﴾

میگویند ا گر بازرسیم به مدینه البته برآرد بزرگ ترخوارتررااز‌مدینه[2] و خدای راست بزرگی وپیغامبراورا ومسلمانان را و لیکن منافقان نمیدانند (٨) .

يٰٓأَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَآ أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ ۚ وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿٩﴾

ای مسلمانان مشغول نگرداند شمارا اموالِ شما ونه فرزندانِ شما ازیادِ خدا وهرکه چنین کند پس آنجماعت ایشانند زیان کاران (٩) .

وَأَنْفِقُوْا مِنْ مَّا رَزَقْنٰكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَّأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُوْلَ رَبِّ لَوْلَآ أَخَّرْتَنِيْٓ إِلٰٓى أَجَلٍ قَرِيْبٍ ۙ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿١٠﴾

وخرج کنید ازآنچه عطا کرده ایم شمارا پیش ازآن که بیاید به یکی ازشما مرگ پس بگوید ای پروردگارمن کاش موقوف میگذاشتی مراتامدتی اندك تاصدقه دادمی و شدمی ازصالحان (١٠) .

وَلَنْ يُّؤَخِّرَ اللّٰهُ نَفْسًا إِذَا جَآءَ أَجَلُهَا ۚ وَاللّٰهُ خَبِيْرٌ

وهرگز مهلت ندهدخدا هیچکس را چون

(١) یعنی برفقرای مهاجرین .

(٢) یعنی توانگرانِ اهلِ نفاق فقراء مسلمین را .

بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿١١﴾

سُوْرَةُ التَّغَابُن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿١﴾

هُوَ الَّذِيْ خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَّمِنْكُمْ مُّؤْمِنٌ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿٢﴾

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَاَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَاِلَيْهِ الْمَصِيْرُ ﴿٣﴾

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّوْنَ وَمَا تُعْلِنُوْنَ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿٤﴾

اَلَمْ يَاْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوْا وَبَالَ اَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٥﴾

ذٰلِكَ بِاَنَّهٗ كَانَتْ تَّاْتِيْهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَقَالُوْا اَبَشَرٌ يَّهْدُوْنَنَا فَكَفَرُوْا وَتَوَلَّوْا وَّاسْتَغْنَى اللّٰهُ وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَمِيْدٌ ﴿٦﴾

بیایداجل او وخداخبردارست بآنچه میکنید (١١) .

سوره تغابن مدنی است وآن هیجده آیت ودو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

به پاکی یادمیکند خدارا آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین ست، اوراست پادشاهی و اوراست ستائش واوبرهمه چیز تواناست (١) .

اوست آنکه آفرید شمارا پس بعض ازشما کافراست وبعض ازشما ومومن وخداباآنچه می کنید بیناست (٢) .

آفریدآسمان ها وزمین رابه تدبیرِ درست وصورت بست شمارا پس نیك ساخت صورتهای شمارا وبسوی اوست باز گشت (٣) .

میداند آنچه درآسمان ها وزمین ست ومیداند آنچه پنهان میدارید وآنچه آشکارمی کنید وخداداناست بمکنون سینه ها (٤) .

آیانیامده است بشما خبرآنانکه کافربودند پیش ازین پس چشیدند وبال کار خودرا وایشانراست عذاب درد دهنده (٥) .

این عذاب بسبب آنست که می آمدند پیش ایشان پیغامبران ایشان بامعجزه ها پس گفتند آیا آدمیان راه نمایند مارا پس کافر شدندو روگردانیدند وبی نیازاست

خدا وخدا بی نیاز ستوده شده است (٦) .

زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن لَّن يُبْعَثُوا ۚ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ ۚ وَذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧﴾

پنداشتند کافران که برانگیخته نخواهند شد بگوآری وقسم به پروردگار من البته برانگیخته شوید بازخبرداده شود شمارا بآنچه می کردید واین برخداآسان ست (٧) .

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنزَلْنَا ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٨﴾

پس ایمان آرید بخدا ورسول او وبنوری که فرو فرستاده ایم[1] وخدابآنچه می کنید خبردارست (٨) .

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ۖ ذَٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ ۗ وَمَن يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۚ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾

(خبرداده شودشمارا) وقتیکه بهم آردشمارا درروز قیامت آنروزروز ظهور غبن بعضی به نسبت بعضی باشد وهرکه ایمان آردبخداوبکندکارشائسته دورکند ازو بدی های اورا ودرآردش به بوستان ها می رودزیرآن جویها جاویدان آنجا همیشه اینست پیروزی بزرگ (٩) .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٠﴾

وآنانکه کافرشدند وبه دروغ نسبت کردند آیاتِ مارا آن جماعت اهل دوزخ اند جاویدان آنجا وبدجائیست دوزخ (١٠) .

مَا أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَمَن يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ ۚ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١﴾

نه می رسد هیچ مصیبت مگر به حکم خداوهرکه رجوع کند بخداراه نماید دل اورا وخدا بهرچیز داناست (١١) .

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۚ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٢﴾

وفرمانبرداری کنید خدارا وفرمانبرداری کنید رسول را پس ا گر روگردان شوید پس جزاین نیست که برپیغامبرما پیغام رسانیدن آشکارا است (١٢) .

(١) یعنی قرآن .

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۗ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ﴿١٣﴾

خداآنست که هیچ معبود برحق نیست مگراو وبرخدا بایدکه توکل کنند مومنان (١٣) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنَّ مِنْ اَزْوَاجِكُمْ وَاَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَاحْذَرُوْهُمْ ۚ وَاِنْ تَعْفُوْا وَتَصْفَحُوْا وَتَغْفِرُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٤﴾

ای مسلمانان هرآئینه بعض ازواجِ شما وبعض اولادِ شما دشمنان اندرحقِ شما پس بترسید ازایشان[1] وا گر درگذر کنید وروبگردانید وبیامرزید پس هرآئینه خدا آمرزگار مهربانست (١٤) .

اِنَّمَآ اَمْوَالُكُمْ وَاَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۗ وَاللّٰهُ عِنْدَهٗٓ اَجْرٌ عَظِيْمٌ ﴿١٥﴾

جزاین نیست که اموال شماواولاد شما امتحان ست وخدا نزدِ اوست مزد بزرگ (١٥) .

فَاتَّقُوا اللّٰهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوْا وَاَطِيْعُوْا وَاَنْفِقُوْا خَيْرًا لِّاَنْفُسِكُمْ ۗ وَمَنْ يُّوْقَ شُحَّ نَفْسِهٖ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿١٦﴾

پس بترسیدازخدا آن قدرکه توانید وسخن شنوید وفرمانبرداری کنید وخرج کنید بهتر باشد برای جان های شماوهرکه نگاهداشته شود ازبخلِ نفسِ خود پس آنجماعت ایشانند رستگاران (١٦) .

اِنْ تُقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضٰعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللّٰهُ شَكُوْرٌ حَلِيْمٌ ﴿١٧﴾

ا گرقرض دهید خدارا قرض نیکودوچند دهدش شمارا وبیامرزدشمارا وخدا قدرشناس بردبارست (١٧) .

عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿١٨﴾

دانندهٔ پنهان وآشکارا غالب باحکمت (١٨) .

سُوْرَةُ الطَّلَاقِ

سوره طلاق مدنی است وآن دوازده آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ اِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ فَطَلِّقُوْهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَاَحْصُوا الْعِدَّةَ ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ رَبَّكُمْ ۚ لَا تُخْرِجُوْهُنَّ مِنْۢ بُيُوْتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ

ای پیغامبر (بگوامت خودرا) چون اراده کنید طلاق دادن زنان را پس طلاق دهیدایشانرا دراول عدت

(١) یعنی آنکه بربخل حمل کنند .

إِلَّآ أَن يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ ۚ وَتِلْكَ حُدُودُ اللهِ ۚ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ ۚ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا ①

ایشان[1] و شمارکنید عدت را وبترسید ازخدا، پروردگارخویش بیرون مکنید ایشان را ازخانه های ایشان وباید که ایشان بیرون نه روند مگرآنکه بعمل آرند کار بی‌حیائی آشکارا واین حدهامقررکردهٔ خداست وهرکه تجاوز کند ازحدهای خدا پس ستم کرد برجان خویش تو نمیدانی شاید که خداپیداکند بعدازطلاق کاری را[2] (١) .

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَيْ عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ۚ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ وَمَن يَتَّقِ اللهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا ②

پس چون نزدیك رسند مطلقات بمیعادخود پس نگاهدارید ایشان را بوجه پسندیده یاجداشوید ازایشان بوجه پسندیده وگواه گیریددوکس صاحب تقویٰ راازقوم خودوراست اداکنید شهادت رابرای خدا این حکم پندداده می شود بآن هرکه مومن باشد بخدا وبروزآخر وهرکه بترسدازخدا پدید آردبرای او مَخلَصی (٢) .

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ۚ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ۚ إِنَّ اللهَ بَالِغُ أَمْرِهِ ۚ قَدْ جَعَلَ اللهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ③

ورزق دهدش ازآنجا که گمان ندارد وهرکه توکل کند برخدا پس خدا بس ست اورا هرآئینه خدارسنده است بمرادخود هرآئینه ساخته است خدا هرچیز رابه اندازه (٣) .

وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِن نِّسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ ۚ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن يَضَعْنَ

وآنانکه نومیدشدند ازحیض ازجمله زنان شما[3] ا گر به شبهه افتاده ایدپس عدت

---

(١) یعنی درطهری که مساس نکرده باشید .

(٢) یعنی موافقت پدید آیدو مراجعت کند والله اعلم .

(٣) یعنی ازمطلقات .

حَمْلَهُنَّ ۚ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ﴿٤﴾

ایشان سه ماه است وآنانکه بسن حیض نرسیده اند نیز عدت ایشان سه ماه است وخداوندانِ حمل عدت ایشان آن است که بنهند حمل خودرا وهرکه بترسدازخدا پدید آرد برای او درکاراو آسانی را (٤).

ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنزَلَهُ إِلَيْكُمْ ۚ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ﴿٥﴾

این حکمِ خداست که فرود آوردآن را بسوی شما وهرکه بترسد ازخدادور کند ازوی بدیهای اووزیاده دهداورامزد (٥).

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنتُم مِّن وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ ۚ وَإِن كُنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ فَأَنفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۚ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ ۖ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ ۖ وَإِن تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَىٰ ﴿٦﴾

ساکن کنید زنان مطلقه را جائی که شماسکونت دارید قدر طاقت خود وایذامرسانید ایشان را تاتنگ گیرید برایشان و ا گرباشند خداوندانِ حمل پس خرج کنید برایشان تاآنکه بنهند حمل خودرا پس ا گرشیردهند بفرمان شما پس بدهید ایشان را مزدایشان وبایکدیگر کارفرمائی کنید درمیان خویش بوجه پسندیده ا گرمضائقه کردید شیر خواهد داد بفرمودهٔ اوزنی دیگر (٦).

لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ ۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ ۚ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ۚ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ﴿٧﴾

بایدکه خرج کند صاحب وسعت ازوسعتِ خود وآنکه تنگ کرده شد بروی رزق اورا پس باید که خرج کند ازآنچه عطا کرده است اوراخدا، تکلیف نمی کند خدا هیچ کس را مگر بحسب آنچه داده است اورا پدید خواهد آوردخدابعد ازتنگ دستی آسائش را (٧).

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا ﴿٨﴾

وبَسادِه که تجاوزکردازفرمان پروردگار خویش وازفرمان پیغامبران اوپس حساب کردیم باو حسابی سخت وعقوبت کردیم اورا عقوبتی دشوار (٨).

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا ﴿٩﴾

پس چشید سزای عمل خود وشدسرانجام کاراو زیان کاری (٩) .

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ﴿١٠﴾

مهیا کرده است خدای تعالی برای ایشان عذاب سخت پس بتر سید ازخدا ای خداوندان خرد ای مسلمانان هرآئینه فرودآورده است خدابسوی شما کتابی (١٠) .

رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ﴿١١﴾

(فرستاده است) پیغامبری که میخواندبرشما آیاتِ خدا واضح آمده تابرآرد آنان را که ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند ازتاریکی ها بسوی روشنی وهرکه ایمان آردبخدا وبکند کارشایسته درآردش به بوستان ها میرودزیرآن جویها جاویدان آنجا همیشه هرآئینه بوجه نیك ساخته است خدابرای اورزق را (١١) .

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿١٢﴾

خداآنست که آفرید هفت آسمان و آفریداززمین مانند آن فرودمی آید تدبیر کاردرمیان آسمان هاوزمین تابدانید که خدابر همه چیز تواناست ونیز بدانید که خدااحاطه کرده است هرچیز را باعتبار علم (١٢) .

سُورَةُ التَّحْرِيمِ

سوره تحریم مدنی است وآن دوازده آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ

[١] ای پیغامبر چراحرام می کنی چیزی

(١) مترجم گوید که آنحضرت صلی الله علیه وسلم ماریه قبطیه راسریهٔ خود ساخته =

أَزْوَاجِكَ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ①

را که حلال ساخته است خدابرای تومی طلبی خوشنودیِ زنان خودرا وخدا آمرزگار مهربان ست (١) .

قَدْ فَرَضَ اللّٰهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ اَيْمَانِكُمْ وَاللّٰهُ مَوْلٰىكُمْ وَهُوَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ②

هرآئینه مشروع ساخته است خدابرای شما گشادن سوگند شمارا[١] وخداکارساز شماست واوست دانای باحکمت (٢) .

وَاِذْ اَسَرَّ النَّبِيُّ اِلٰى بَعْضِ اَزْوَاجِهٖ حَدِيْثًا فَلَمَّا نَبَّاَتْ بِهٖ وَاَظْهَرَهُ اللّٰهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهٗ وَاَعْرَضَ عَنْۢ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّاَهَا بِهٖ قَالَتْ مَنْ اَنْۢبَاَكَ هٰذَا قَالَ نَبَّاَنِيَ الْعَلِيْمُ الْخَبِيْرُ ③

ویادکن چون پنهان گفت پیغامبر بابعض ازواج خود سخنی را پس چون افشاء کرد آن سخن را ومطلع ساخت خدای‌تعالی پیغامبررا برافشای آن سخن، شناسا کرد پیغامبر به بعض آن سخن واعراض کرداز بعض پس وقتیکه خبردار کرد آن را بافشای راز آن زن گفت که خبردادترااباین افشای راز پیغامبر فرمود خبرداد مرا خدای‌دانای خبردار (٣) .

اِنْ تَتُوْبَاۤ اِلَى اللّٰهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوْبُكُمَا وَاِنْ تَظٰهَرَا عَلَيْهِ فَاِنَّ اللّٰهَ هُوَ مَوْلٰىهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمَلٰۤئِكَةُ بَعْدَ ذٰلِكَ ظَهِيْرٌ ④

ای دوزن پیغامبر[٢] اگررجوع کنید بسوی خداخوش باشدهرآئینه کج شده ست دل های شماو اگرباهم متفق شوید براو (برنجانیدن پیغامبر) پس هرآئینه

= وازواج آنحضرت غیرت کردند آنحضرت صلی الله علیه وسلم برای خاطر داشتِ ایشان ماریه را برخود حرام گردانید وآنحضرت سِرّی ازاسرارِ خودبابعض ازواج اظهار فرموده درکتمانِ آن مبالغه کردآن زوجه بدیگری اظهار نمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بطریق وحی برافشای آن سرمطلع شدند وبنوعی ازرمزآن قصه درمیان نهادند وعتاب فرمودند خدای تعالی درباب پند ازواج طاهرات وتهدید ایشان نازل ساخت والله اعلم .

(١) یعنی بادای کفاره .

(٢) یعنی حفصه وعائشه رضی الله عنهما والله اعلم .

خداکار ساز اوست و جبرئیل ومردمان شائسته ازمسلمانان ونیز فرشتگان بعد ازین مددگاراند اگرطلاق دهد پیغامبرشمارا (٤) .

عَسٰى رَبُّهٗۤ اِنْ طَلَّقَكُنَّ اَنْ يُّبْدِلَهٗۤ اَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكُنَّ مُسْلِمٰتٍ مُّؤْمِنٰتٍ قٰنِتٰتٍ تٰٓئِبٰتٍ عٰبِدٰتٍ سٰٓئِحٰتٍ ثَيِّبٰتٍ وَّاَبْكَارًا ۝٥

نزدیک ست که پروردگاراو عوض دهدبرای او زنانِ دیگر بهتر ازشما گردن نهادگان باور دارندگان دعاکنندگان توبه نمایندگان عبادت بجاآرندگان روزه دارندگان شوهر دیدگان وشوهر نادیدگان (٥) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قُوْۤا اَنْفُسَكُمْ وَاَهْلِيْكُمْ نَارًا وَّقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلٰٓئِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَّا يَعْصُوْنَ اللّٰهَ مَاۤ اَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُوْنَ مَا يُؤْمَرُوْنَ ۝٦

ای مسلمانان نگاهدارید خویشتن راواهل خانهٔ خودرا ازآتشی که هیزم آن مردمان باشند وسنگ ها، برآن آتش موکل اندفرشتگانِ درشت خو سخت رونافرمانی نمی کنند خدارا درآنچه فرموده است ایشانرا ومی کنند هرچه حکم میشود ایشانرا (٦) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ ؕ اِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ۝٧

(آنروزگوئیم) ای کافران عذر پیش میارید امروزجزاین نیست که جزاداده میشودشمارا بحسب آنچه میکردید (٧) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا تُوْبُوْۤا اِلَى اللّٰهِ تَوْبَةً نَّصُوْحًا ؕ عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ يُّكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۙ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللّٰهُ النَّبِيَّ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ ۚ نُوْرُهُمْ يَسْعٰى بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَبِاَيْمَانِهِمْ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَاۤ اَتْمِمْ لَنَا نُوْرَنَا وَاغْفِرْ لَنَا ۚ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝٨

ای مسلمانان رجوع کنید بسوی خدا رجوع خالص امیدهست از پروردگارشما که زایل کند ازشما گناهان شمارا ودرآوردشمارا به بوستانها میرود زیرآن جویها روزیکه رسوانه کند خدا پیغامبررا وآنان راکه ایمان آورده اند همراه اونورایشان میرودپیشِ دستهای ایشان وبجانب های راستِ ایشان میگویند ای پروردگارما تمام ده برای مانور مارا

يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنٰفِقِيْنَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ ۭ وَمَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ۭ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ⑨

وبیامرزمارا، هرآئینه تو برهرچیز توانائی (۸) .

ای پیغامبر جهاد کن باکافران وبامنافقان نیز ودرشت شوبر ایشان وجای ایشان دوزخ ست ووی بدجائی ست (۹) .

ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوا امْرَاَتَ نُوْحٍ وَّامْرَاَتَ لُوْطٍ ۭ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتٰهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا وَّقِيْلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدّٰخِلِيْنَ ⑩

اورد خدامثالی را برای آنانکه کافرشدند زن نوح را و زن لوط را بودند زیر نکاح دوبندهٔ شایسته از بندگان ما پس خیانت کردند بآن دوبنده پس دفع نکردند ایشان ازآن دوزن چیزی را ازعذاب خدا وگفته شد درآئید هردوتا درآتش دوزخ با در آیندگان (۱۰) .

وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِيْنَ اٰمَنُوا امْرَاَتَ فِرْعَوْنَ ۘ اِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِيْ عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِيْ مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهٖ وَنَجِّنِيْ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ⑪

وآوردخدا مثالی را برای آنانکه ایمان آوردند زن فرعون را چون گفت ای پروردگار من بناکن برای من نزدِ خودخانه ای دربهشت وخلاص کن مرا ازفرعون وکاراو وخلاصی دِه مرا ازقوم ستمگاران (۱۱) .

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرٰنَ الَّتِيْٓ اَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيْهِ مِنْ رُّوْحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمٰتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهٖ وَكَانَتْ مِنَ الْقٰنِتِيْنَ ⑫

ومریم دخترِ عمران را آنکه نگاهداشت فرج خودرا پس دمیدیم درفرج او روحِ خودراوباورداشت سخنان پروردگار خودرا وکتاب های اورا وبود از فرمانبردارندگان[1] (۱۲) .

سُوْرَةُ الْمُلْكِ

سوره ملك مکی است وآن سی آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

تَبٰرَكَ الَّذِيْ بِيَدِهِ الْمُلْكُ ۡ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

بسیار بابرکت ست آنخدا که بدست

(۱) یعنی روح حضرت عیسیٰ دررحم مریم درآمد وفرج کنایت است ازرحم .

قَدِيْرُ ⑴

اوست پادشاهی واوبرهمه چیز تواناست (١) .

الَّذِيْ خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيٰوةَ لِيَبْلُوَكُمْ اَيُّكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْغَفُوْرُ ⑵

آنخدا که آفرید موت وحیات را تابیآزماید شما را که کدام یك ازشما نکوترست درعمل واوست غالب آمرزگار (٢) .

الَّذِيْ خَلَقَ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ طِبَاقًا مَا تَرٰى فِيْ خَلْقِ الرَّحْمٰنِ مِنْ تَفٰوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرٰى مِنْ فُطُوْرٍ ⑶

آنخداکه آفریدهفت آسمان را تودرتو نه بینی ای بیننده درآفرینش خدا هیچ بی ضابطگی پس بازگردان چشم را آیا می بینی هیچ شکستگی (٣) .

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ اِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَّهُوَ حَسِيْرٌ ⑷

پس بازگردان چشم را دوباره تابازآید بجانب تو چشم خوارشده مانده گشته (٤) .

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَآءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيْحَ وَجَعَلْنٰهَا رُجُوْمًا لِّلشَّيٰطِيْنِ وَاَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيْرِ ⑸

وهرآئینه زینت دادیم آسمانِ نزدیك را به چراغ ها وساختیم آن چراغ ها را آلاتِ رجم شیاطین وآماده کردیم برای شیاطین عذاب دوزخ (٥) .

وَلِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ⑹

وبرای آنانکه کافرشدند به پروردگارخود عذابِ دوزخ است وآن بدجائیست (٦) .

اِذَآ اُلْقُوْا فِيْهَا سَمِعُوْا لَهَا شَهِيْقًا وَّهِيَ تَفُوْرُ ⑺

وقتیکه افگنده شود ایشان را بدوزخ بشنوندآن را آوازی مانند آوازخر وآن دوزخ جوش میزند (٧) .

تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَآ اُلْقِيَ فِيْهَا فَوْجٌ سَاَلَهُمْ خَزَنَتُهَآ اَلَمْ يَاْتِكُمْ نَذِيْرٌ ⑻

نزدیك ست پاره پاره شودازخشم، هرگاه افگنده شود به دوزخ گروهی را سوال کنند ازآن گروه نگاهبانانِ دوزخ آیانیامده بود شمارا هیچ پیغامبر ترساننده (٨) .

قَالُوْا بَلٰى قَدْ جَآءَنَا نَذِيْرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللّٰهُ مِنْ شَيْءٍ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ كَبِيْرٍ ⑼

گویند آری آمده بود بماترساننده پس دروغ پنداشتیم وگفتیم فرودنیاورده است خداهیچ چیزرا نیستید شما مگر

درگمراهی بزرگ (٩) .

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِيٓ أَصْحٰبِ السَّعِيرِ ⑩

وگویند ا گرما می شنیدیم یاما می فهمیدیم نمی شدیم داخل درزمرهٔ اهل دوزخ (١٠) .

فَاعْتَرَفُوا بِذَنْبِهِمْ فَسُحْقًا لِّأَصْحٰبِ السَّعِيرِ ⑪

پس اقرار کردند بگناه خویش پس لعنت باد اهل دوزخ را (١١) .

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَّأَجْرٌ كَبِيرٌ ⑫

هرآئینه آنانکه می ترسند ازپروردگار خویش غائبانه ایشانراست آمرزش ومزدبزرگ (١٢) .

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِۦٓ إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُورِ ⑬

وپنهان کنید سخن خودرا یاآشکارا گوئید آن راهرآئینه خداداناست بآنچه درسینه ها باشد (١٣) .

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ⑭

آیانداند کسی که آفرید واوست باریك بین خبردار (١٤) .

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِۦ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ⑮

اوست آنکه رام ساخت برای شمازمین را پس راه روید درنواحی آن وبخورید اززرق خدا وسوی اوست برانگیختن (١٥) .

ءَأَمِنتُم مَّن فِي السَّمَآءِ أَن يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ⑯

آیا ایمن شده ایدازکسی که درآسمان ست ازآنکه فروبرد شمارا به زمین پس نا گهان زمین می‌جنبد (١٦) .

أَمْ أَمِنتُم مَّن فِي السَّمَآءِ أَن يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ ⑰

آیا ایمن شده ایدازکسی که درآسمان ست ازآنکه بفرستد برشما بادِ سنگبار پس خواهید دانست چگو نه است ترسانیدن من (١٧) .

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ⑱

وهرآئینه دروغ پنداشتند آنانکه پیش ازایشان بودند پس چگو نه شد عقوبت من (١٨) .

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صٰٓفّٰتٍ وَّيَقْبِضْنَ

آیاندیده اند بسوی مرغان بالای خود

مَا یُمْسِکُهُنَّ اِلَّا الرَّحْمٰنُ ؕ اِنَّهٗ بِکُلِّ شَیْءٍۭ بَصِیْرٌ ﴿۱۹﴾

(درپروازندو) گاهی بالهای خودراگسترده وگاهی جمع می کنند!! نگاه نمیدارد ایشان را مگر خدا هرآئینه اوبهر چیز بیناست (١٩) .

اَمَّنْ هٰذَا الَّذِیْ هُوَ جُنْدٌ لَّکُمْ یَنْصُرُکُمْ مِّنْ دُوْنِ الرَّحْمٰنِ ؕ اِنِ الْکٰفِرُوْنَ اِلَّا فِیْ غُرُوْرٍ ﴿۲۰﴾

آیا کیست آنکه وی لشکر ست برای شما نصرت میدهد شمارا بجز خدا نیستند کافران مگر درفریب (٢٠) .

اَمَّنْ هٰذَا الَّذِیْ یَرْزُقُکُمْ اِنْ اَمْسَکَ رِزْقَهٗ ۚ بَلْ لَّجُّوْا فِیْ عُتُوٍّ وَّ نُفُوْرٍ ﴿۲۱﴾

آیاکیست آنکه روزی دهد شمارااگر بازگیردخدا رزق خودرا بلکه محکم پیوسته اندرسرکشی ورمیدگی (٢١) .

اَفَمَنْ یَّمْشِیْ مُکِبًّا عَلٰی وَجْهِهٖۤ اَهْدٰۤی اَمَّنْ یَّمْشِیْ سَوِیًّا عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ ﴿۲۲﴾

آیا کسیکه برود نگونسار افتاده برروی خودراه یافته ترست یاکسی که میرودراست ایستاده برراه راست[1] (٢٢) .

قُلْ هُوَ الَّذِیْۤ اَنْشَاَکُمْ وَ جَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَ الْاَبْصَارَ وَ الْاَفْـِٕدَةَ ؕ قَلِیْلًا مَّا تَشْکُرُوْنَ ﴿۲۳﴾

بگواوست آنکه بیافرید شمارا وپدیدآوردبرای شما شنوائی وچشم ها ودل ها اندکی شکر می کنید (٢٣) .

قُلْ هُوَ الَّذِیْ ذَرَاَکُمْ فِی الْاَرْضِ وَ اِلَیْهِ تُحْشَرُوْنَ ﴿۲۴﴾

بگواوست که پراگنده ساخت شمارا درزمین و بسوی اوبرانگیخته خواهید شد (٢٤) .

وَ یَقُوْلُوْنَ مَتٰی هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ کُنْتُمْ صٰدِقِیْنَ ﴿۲۵﴾

ومیگویندکافران کی باشداین وعده ا گر راست گوئید (٢٥) .

قُلْ اِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللّٰهِ ۪ وَ اِنَّمَاۤ اَنَا نَذِیْرٌ مُّبِیْنٌ ﴿۲۶﴾

بگو جزاین نیست که علم نزدِ خداست وجزاین نیست که من بیم کنندۂ آشکارم (٢٦) .

فَلَمَّا رَاَوْهُ زُلْفَةً سِیْٓـَٔتْ وُجُوْهُ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا وَ قِیْلَ هٰذَا الَّذِیْ کُنْتُمْ بِهٖ تَدَّعُوْنَ ﴿۲۷﴾

وآنگاه که ببینند آن وعده را نزدیك شده ناخوش کرده شود[2] روی آنانکه

(١) مترجم گوید این مثل ست کافرومومن را والله اعلم .

(٢) یعنی سیاه کرده شود .

كافرشدند وگفته شوداين ست آنچه اورا می طلبيديد (۲۷) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ اَهْلَكَنِيَ اللّٰهُ وَمَنْ مَّعِيَ اَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُّجِيْرُ الْكٰفِرِيْنَ مِنْ عَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿۲۸﴾

بگوآيادیديد ا گرهلاك كند مراخدا وآنان راكه همراه من اند يارحمت كند برما (بهرحال) كه خلاصی دهدكافران را ازعذاب درد دهنده (۲۸) .

قُلْ هُوَ الرَّحْمٰنُ اٰمَنَّا بِهٖ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُوْنَ مَنْ هُوَ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿۲۹﴾

بگواوست بخشاينده باوايمان آورديم وبروی توكل نموديم پس خواهيد دانست كه كيست در گمراهی ظاهر (۲۹) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ اَصْبَحَ مَآؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَّاْتِيْكُمْ بِمَآءٍ مَّعِيْنٍ ﴿۳۰﴾

بگو آيادیديد ا گرشود آب شمافرورفته پس كه بياردبه شما آب روان را (۳۰) .

سوره قلم مكی است وآن پنجاه ودوايت ودوركوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاينده مهربان .

نٓ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُوْنَ ﴿۱﴾

نٓ ، قسم بقلم اعلی وبآنچه می نويسند فرشتگان (۱) .

مَآ اَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُوْنٍ ﴿۲﴾

نيستی تو به فضل پروردگارتو ديوانه (۲) .

وَاِنَّ لَكَ لَاَجْرًا غَيْرَ مَمْنُوْنٍ ﴿۳﴾

وهرآئينه تُراست مزدبی نهايت (۳) .

وَاِنَّكَ لَعَلٰى خُلُقٍ عَظِيْمٍ ﴿۴﴾

وهرآئينه تو برخوی بزرگی (٤) .

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُوْنَ ﴿۵﴾

پس خواهی ديدوايشان نيز خواهند ديد (۵) .

بِاَيِّيْكُمُ الْمَفْتُوْنُ ﴿۶﴾

كه بكدام يك ازشما ديوانگی ست (٦) .

اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيْلِهٖ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِيْنَ ﴿۷﴾

هرآئينه پروردگار تودانا ترست به كسيكه خطا كرد راه او را و اونيز داناترست به راه يافتگان (۷) .

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِيْنَ ﴿۸﴾

پس فرمان مبر دروغ دارند گان را (۸) .

وَدُّوْا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُوْنَ ﴿۹﴾

آرزوكردند كه ملائمت كنی تاايشان نيز

وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ ﴿١٠﴾

ملائمت كنند (٩) .

واطاعت مكن هر بسيار سوگند خورنده محقررا (١٠) .

هَمَّازٍ مَّشَّآءٍ بِنَمِيمٍ ﴿١١﴾

هرعيب جوهر رونده بسخن چينى (١١) .

مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾

هربخل كننده به مال ازحد گذشتهٔ گناهگار (١٢) .

عُتُلٍّ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ ﴿١٣﴾

هر سخت روى بعد ازين همه ملحق بقوم نه ازاصل ايشان[1] (١٣)

أَن كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ﴿١٤﴾

بسبب آنكه هست صاحب مال وفرزندان (١٤) .

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٥﴾

(تكذيب كرد) چون خوانده شود بروى آيات ماگويد افسانهٔ پيشينيان ست (١٥) .

سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ ﴿١٦﴾

داغ خواهيم نهاد اورا بربينى[2] (١٦) .

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ﴿١٧﴾

هرآئينه ماآزموديم ايشانرا چنانكه آزموده بوديم صاحبانِ بوستان را چون قسم خوردند كه البته درو كنند بوستان را بوقت بامداد (١٧) .

وَلَا يَسْتَثْنُونَ ﴿١٨﴾

وانشاء الله نمى گفتند (١٨) .

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿١٩﴾

پس بگردآمد برآن بوستان بلائى ازپروردگار تو[3] وايشان خفته بودند (١٩) .

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ﴿٢٠﴾

پس شدمانند زراعت بريده شده (٢٠) .

فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ﴿٢١﴾

پس بايكديگر آواز دادند هنگام صبح (٢١) .

---

(١) يعنى سنت خدا آنست كه مردم بداصل غالبًا متصف باين صفاتِ رذيله باشند .

(٢) كنايت ست ازرسوا كردن .

(٣) يعنى آتش درگرفت .

أَنِ اغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَارِمِينَ ﴿٢٢﴾

که بامداد روید بکشت خود ا گر دروکننده اید (٢٢) .

فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ ﴿٢٣﴾

پس رفتند بایکدیگر سخن پنهان گویان (٢٣) .

أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ ﴿٢٤﴾

باید که داخل نه شود دربوستان امروز برشما هیچ فقیری (٢٤) .

وَغَدَوْا عَلَىٰ حَرْدٍ قَادِرِينَ ﴿٢٥﴾

وبامداد رسیدند برنیت بخل توانا بزعم خود (٢٥) .

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ ﴿٢٦﴾

پس آنگاه که دیدندآن بوستانرا گفتند هرآئینه ما خطا کننده راهیم[1] (٢٦) .

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٢٧﴾

نه بلکه محروم کردگانیم (٢٧) .

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ﴿٢٨﴾

گفت بهترین ایشان آیانه گفته بودم شمارا که چراتسبیح نمی گوئید[2] (٢٨) .

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٩﴾

گفتند به پاکی یادمی کنیم پروردگار خودرا هرآئینه ماستمگاربودیم (٢٩) .

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ ﴿٣٠﴾

پس روآوردند بعض ایشان بربعض بایکدیگر ملامت کنان (٣٠) .

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ ﴿٣١﴾

گفتند ای وای ماراهرآئینه ما بودیم از حدگذشته (٣١) .

عَسَىٰ رَبُّنَا أَن يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ ﴿٣٢﴾

امیدست که پروردگارما عوض دهد مارا بوستانی بهترازین هرآئینه مابسوی پروردگار خود توقع دارندگانیم (٣٢) .

كَذَٰلِكَ الْعَذَابُ ۖ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ ۚ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾

همچنین ست عذاب وهرآئینه عذاب آخرت بزرگ ترست کاش می دانستند (٣٣) .

---

(١) یعنی این بوستان دیگراست بوستان ما نیست .

(٢) یعنی رجوع بخدا کنید .

إِنَّ لِلْمُتَّقِيْنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنّٰتِ النَّعِيْمِ ﴿٣٤﴾

هرآئینه متقیان رانزدِ پروردگار ایشان بوستانهای نعمت باشند (٣٤) .

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِيْنَ كَالْمُجْرِمِيْنَ ﴿٣٥﴾

آیا گردانیم مسلمانان را مانند گنه‌گاران (٣٥) .

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُوْنَ ﴿٣٦﴾

چیست شمارا چگو نه حکم می کنید (٣٦) .

أَمْ لَكُمْ كِتٰبٌ فِيْهِ تَدْرُسُوْنَ ﴿٣٧﴾

آیانزدِ شماکتابی هست که دروی تلاوت میکنید(این مضمون را) (٣٧) .

إِنَّ لَكُمْ فِيْهِ لَمَا تَخَيَّرُوْنَ ﴿٣٨﴾

که هرآئینه شمارا باشد درآن آنچه اختیار میکنید (٣٨) .

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بٰلِغَةٌ إِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُوْنَ ﴿٣٩﴾

آیاشمارا عهدهای محکم ست برذمه ما که حکم آن تابه قیامت باقی باشد (باین مضمون) که هرآئینه شمارا است آنچه که مقرر کنید (٣٩) .

سَلْهُمْ أَيُّهُمْ بِذٰلِكَ زَعِيْمٌ ﴿٤٠﴾

بپرس ازمشرکان کدام یك ازایشان باین مقدمه متعهد ست (٤٠) .

أَمْ لَهُمْ شُرَكَآءُ فَلْيَأْتُوْا بِشُرَكَآئِهِمْ إِنْ كَانُوْا صٰدِقِيْنَ ﴿٤١﴾

آیا این مشرکان راشریکان هستند پس بایدکه بیارند شریکان خودرا ا گر راست گویند (٤١) .

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَّيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُوْدِ فَلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ ﴿٤٢﴾

روزیکه جامه برداشته شود ازساق وخوانده شود ایشان رابسوی سجده پس نتوانند (٤٢) .

خٰشِعَةً أَبْصٰرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوْا يُدْعَوْنَ

نیایش[1] ظاهر باشد برچشمهای ایشان

---

(١) درصحیحین است ولفظ حدیث ازبخاری است که أبو سعید خدری رضی الله عنه روایت می کند ازرسول الله صلی الله علیه وسلم که شنید اورا که می فرمودند که روز قیامت ظاهر نماید پروردگار ماساق خودرا پس سجده کنان افتند تمام اهل ایمان ازمردو زن وسجده نتواند کسیکه دردنیابجهت ریاوسمعه سجده =

إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سٰلِمُونَ ﴿٤٣﴾	فروگیردایشان را خواری وهرآئینه خوانده می شد ایشان را بسوی سجده حالانکه ایشان بی علت بودند (٤٣) .
فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهٰذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٤﴾	پس بگذارمرا باکسیکه دروغ می شمرد این سخن را پایه پایه خواهیم کشید این جماعت رااز آن راه که نمیدانند (٤٤) .
وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾	ومهلت خواهم دادایشان راهرآئینه حیله من محکم ست (٤٥) .
أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿٤٦﴾	آیامی طلبی ازین جماعت مزدپس ایشان ازتاوان گرانبارند (٤٦) .
أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤٧﴾	آیانزدِ این جماعت علم غیب ست پس ایشان مینویسند (٤٧) .
فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادٰى وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾	پس صبر کن بانتظار حکم پروردگار خود و مباش مانند صاحب ماهی(۱) چون دعا کرد واوپُرازغم شده بود (٤٨).
لَوْلَا أَنْ تَدٰرَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾	ا گرنه آنست که دریافت اورارحمتی ازجانب پروردگار اوالبته افگنده میشد برزمین بی‌گیاه واو بدحال بودی(۲) (٤٩).
فَاجْتَبٰهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصّٰلِحِينَ ﴿٥٠﴾	پس برگزیدش پروردگار اوپس ساخت اورا ازجملهٔ صالحان (٥٠) .
وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ	وهرآئینه نزدیك اند کافران که بلغزانند ترا به چشم های تیز خود چون شنید ندقرآن

= میکردپس کوشش می کند که سجده کند ولی بآن قادر نمیشود زیرا که پشت اویك طبق مثل تخته راست میشود .

(۱) یعنی یونس علیه السلام .

(۲) لیکن رحمت دررسید وبدحال نه شد .

وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾

را[1] ومی‌گویند هرآئینه این پیغامبر دیوانه است (٥١) .

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٥٢﴾

وبحقیقت نیست این قرآن مگر پندی عالمهارا (٥٢) .

سوره حاقه مکی است وآن پنجاه ودوآیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الْحَاقَّةُ ﴿١﴾

قیامت (١) .

مَا الْحَاقَّةُ ﴿٢﴾

چیست آن قیامت (٢) .

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٣﴾

وچه چیزخبردارکردتراکه چیست آن قیامت[2] (٣) .

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ ﴿٤﴾

دروغ شمردقبیله ثمود وعاد قیامت را (٤) .

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ ﴿٥﴾

اماثمود پس هلاك كرده شد ایشانرا به نعرۀ تند (٥) .

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾

واماعاد پس هلاك كرده شدایشانرا به بادسخت ازحدگذشته (٦) .

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ﴿٧﴾

خدا برگماشت آن بادرابرعاد هفت شب وهشت روز نهایت نحس پس می بینی ای بیننده آن قوم عاد رادر آن شب ها وروزها بزمین افتاده‌گویا ایشان تنه های درختان خرمای ازکهنگی برهم شده اند . (٧)

---

(١) واین کنایه است از شدت عداوت ایشان .

(٢) مترجم‌گوید ظاهر نزدیك بنده آنست که معنی آیت ست عقوبتِ ثابت چیست آن عقوبتِ ثابت وهر چیز مطلع ساخت تراکه چیست آن عقوبتِ ثابت بعد ازآن چند عقوبتِ‌گذشته رابیان فرمود .

فَهَلْ تَرٰى لَهُمْ مِّنْ بَاقِيَةٍ ﴿٨﴾

پس آیامی بینی ازایشان هیچ اثری (٨) .

وَجَآءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهٗ وَالْمُؤْتَفِكٰتُ بِالْخَاطِئَةِ ﴿٩﴾

وبعمل آورد فرعون وآنانکه پیش ازوی بودند واهل موتفکات نیزگناه را (٩) .

فَعَصَوْا رَسُوْلَ رَبِّهِمْ فَاَخَذَهُمْ اَخْذَةً رَّابِيَةً ﴿١٠﴾

پس نافرمانی کردند فرستادهٔ پروردگار خودراپس درگرفت خدا آنجماعت را درگرفتن عظیم (١٠) .

اِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَآءُ حَمَلْنٰكُمْ فِى الْجَارِيَةِ ﴿١١﴾

هرآئینه ماوقتیکه ازحد گذشت آب سوارکردیم شمارا برکشتی روان (١١) .

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَّتَعِيَهَآ اُذُنٌ وَّاعِيَةٌ ﴿١٢﴾

تابکنیم این مقدمه رابرای شماپندی ویاد داردآن راگوش یاد دارنده (١٢) .

فَاِذَا نُفِخَ فِى الصُّوْرِ نَفْخَةٌ وَّاحِدَةٌ ﴿١٣﴾

پس چون دمیده شود درصوریك بار دمیدن (١٣) .

وَّحُمِلَتِ الْاَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَّاحِدَةً ﴿١٤﴾

وبرداشته شود زمین و کوه هارا پس کوفته شود ایشان رایکبار کوفتن (١٤) .

فَيَوْمَئِذٍ وَّقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾

پس آنروز متحقق شود قیامت (١٥) .

وَانْشَقَّتِ السَّمَآءُ فَهِىَ يَوْمَئِذٍ وَّاهِيَةٌ ﴿١٦﴾

وبشگافد پس آسمان آنروز سست شده باشد (١٦) .

وَّالْمَلَكُ عَلٰٓى اَرْجَآئِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمٰنِيَةٌ ﴿١٧﴾

وفرشتگان برکناره های آسمان باشند وبردارند تخت پروردگارترا بالای خویش آنروز هشت کس (١٧) .

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُوْنَ لَا تَخْفٰى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ﴿١٨﴾

آنروز پیش آورده شود شمارا پنهان نماندازحال شما هیچ سِرّی (١٨) .

فَاَمَّا مَنْ اُوْتِىَ كِتٰبَهٗ بِيَمِيْنِهٖ فَيَقُوْلُ هَآؤُمُ اقْرَءُوْا كِتٰبِيَهْ ﴿١٩﴾

اماآنکه پس داده شدش نامهٔ اعمال او به دست راست اوپس گوید بگیرید بخوانید نامهٔ اعمال مرا (١٩) .

اِنِّىْ ظَنَنْتُ اَنِّىْ مُلٰقٍ حِسَابِيَهْ ﴿٢٠﴾

هرآئینه من معتقد بودم که من بهم خواهم رسید بحساب خود (٢٠) .

فَهُوَ فِىْ عِيْشَةٍ رَّاضِيَةٍ ﴿٢١﴾

پس آن شخص درزندگانی پسندیده

فِىْ جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿٢٢﴾
قُطُوْفُهَا دَانِيَةٌ ﴿٢٣﴾
كُلُوْا وَاشْرَبُوْا هَنِيْٓـًٔا بِمَآ اَسْلَفْتُمْ فِى الْاَيَّامِ الْخَالِيَةِ ﴿٢٤﴾
وَاَمَّا مَنْ اُوْتِىَ كِتٰبَهٗ بِشِمَالِهٖ ۙ فَيَقُوْلُ يٰلَيْتَنِىْ لَمْ اُوْتَ كِتٰبِيَهْ ﴿٢٥﴾
وَلَمْ اَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ ﴿٢٦﴾
يٰلَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ﴿٢٧﴾
مَآ اَغْنٰى عَنِّىْ مَالِيَهْ ﴿٢٨﴾
هَلَكَ عَنِّىْ سُلْطٰنِيَهْ ﴿٢٩﴾
خُذُوْهُ فَغُلُّوْهُ ﴿٣٠﴾
ثُمَّ الْجَحِيْمَ صَلُّوْهُ ﴿٣١﴾
ثُمَّ فِىْ سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُوْنَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوْهُ ﴿٣٢﴾
اِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ الْعَظِيْمِ ﴿٣٣﴾
وَلَا يَحُضُّ عَلٰى طَعَامِ الْمِسْكِيْنِ ﴿٣٤﴾
فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هٰهُنَا حَمِيْمٌ ﴿٣٥﴾
وَّلَا طَعَامٌ اِلَّا مِنْ غِسْلِيْنٍ ﴿٣٦﴾
لَّا يَاْكُلُهٗٓ اِلَّا الْخٰطِـُٔوْنَ ﴿٣٧﴾

باشد (٢١) .
دربهشتی بلند (٢٢) .
که میوهٔ آن قریب الحصول ست (٢٣) .
(گفته شود) بخورید وبیاشامیدخوردن وآشامیدن گوارا بسبب آنچه پیش فرستاده بودید درروز های گذشته (٢٤) .
واماآنکه داده شدش نامهٔ اعمال اوبدست چپ اوپس گوید ای کاش داده نمی شدمرانامهٔ اعمال من (٢٥) .
ای کاش نمیدانستم چیست حساب من (٢٦) .
ای کاش مرگ آخر کنندهٔ کار بودی (٢٧).
هیچ نفع نه کرداز من مال من (٢٨) .
زائل شداز من پادشاهی من (٢٩) .
(گفته شودای فرشتگان) بگیریدش پس طوق به گردن کنیدش (٣٠) .
بازدردوزخ داخل کنیدش (٣١) .
بازدر زنجیری که درازی آن هفتاد گزباشد درآریدش (٣٢) .
هرآئینه این شخص ایمان نمیداشت بخدای بزرگ (٣٣) .
ورغبت نمیداد مردمان رابرطعام دادن فقیر (٣٤) .
پس نیست این شخص را امروز اینجاخویشاوندی (٣٥) .
ونیست (این شخص را) هیچ طعامی مگراز چرك وخون (٣٦) .
که نخورند آنرا مگرگناهگاران (٣٧) .

فَلَآ أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ (۳۸)

پس قسم میخورم بآنچه می بینید (۳۸) .

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ (۳۹)

وآنچه نمی بینید (۳۹) .

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (٤٠)

هرآئینه این (قرآن) گفتار فرشتۂ بزرگوار ست (٤٠) .

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ (٤١)

ونیست آن گفتار شاعر، اندکی ایمان می‌آرید (٤١) .

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (٤۲)

ونیست گفتارکاهن، اندکی پندمی پذیرید (٤۲) .

تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعٰلَمِينَ (٤۳)

فرودآورده شده است ازجانب پروردگار عالمها (٤۳) .

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (٤٤)

واگر می بست پیغامبربرما بعض سخن هارا (٤٤) .

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (٤٥)

هرآئینه می گرفتیم ازدست راست اورا (٤٥) .

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (٤٦)

بازمی بریدیم رگ دل اورا[1] (٤٦) .

فَمَا مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حٰجِزِينَ (٤٧)

پس نیست ازشما هیچکس ازو بازدارنده[2] (٤٧) .

وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (٤٨)

وهرآئینه قرآن پندی ست پرهیزگاران را (٤٨) .

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ (٤۹)

وهرآئینه مامیدانیم که بعض شمادروغ پندارنده اید (٤۹) .

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكٰفِرِينَ (٥٠)

وهرآئینه قرآن حسرت ست برکافران (٥٠) .

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (٥١)

وهرآئینه قرآن حقیقت درست ست (٥١) .

---

(۱) مترجم گوید عادت سیاف آنست که دست راست اسیر رابد ست چپ خود بگیردوشمشیر بگردن اوحواله کند لهذا باین اسلوب گفته شد .

(۲) یعنی عقوبت مارا .

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٥٢﴾

پس به پاکی یادکن پروردگار بزرگوار خودرا (٥٢) .

سوره معارج مکی است وآن چهل وچهار آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ﴿١﴾

طلب کرد طلب کننده عقوبتی فرودآینده (١) .

لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ﴿٢﴾

برکافران فرودآینده، نیست اوراهیچ بازدارنده[1] (٢) .

مِّنَ اللّٰهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴿٣﴾

فرودآینده ازجانب خدا، خداوندِ مرتبه هاکه (٣) .

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴿٤﴾

برآن صعود کرده شود بالامی روند فرشتگان وروح نیز[2] بسوی خدا درروزی که هست مقدارآن پنجاه هزار سال (٤) .

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ﴿٥﴾

پس صبر کن صبر نیك (٥) .

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ﴿٦﴾

هرآئینه کافران دورمی بینند آن روزرا (٦) .

وَنَرَاهُ قَرِيبًا ﴿٧﴾

ومانزدیك می بینیمش (٧) .

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ ﴿٨﴾

روزی که شود آسمان مانند مس گداخته (٨) .

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ﴿٩﴾

وشوندکوه ها مانند پشم رنگین (٩) .

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ﴿١٠﴾

ونپرسد هیچ خویشاوند خویشاوند دیگررا (١٠) .

يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ

ونموده شودایشان را قرابتیان ایشان آرزو

---

(١) یعنی گفتند "متی هذاالوعد ان کنتم صادقین" .

(٢) یعنی جبرئیل علیه السلام .

بِبَنِيهِ ⑪ | کند گنهگار که عوض دهد از عذاب آنروز فرزندان خودرا (١١) .

وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ ⑫ | ونیززن خودرا وبرادر خودرا (١٢) .

وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ⑬ | ونیز قبیله اش را که جای میدهداورا (١٣) .

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ ⑭ | ونیزهرکه درزمین ست همه یك جاپس برهانداین عوض دادن خودش را (١٤).

كَلَّا ۖ إِنَّهَا لَظَىٰ ⑮ | هرگز ، هرآئینه دوزخ آتشی ست (١٥) .

نَزَّاعَةً لِلشَّوَىٰ ⑯ | شعله زننده پوست سررابرکشنده (١٦) .

تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ ⑰ | میخواهد کسی را که اعراض کرد و روگردان شد (١٧) .

وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ ⑱ | وجمع مال نمودپس نگاهداشت (١٨) .

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ⑲ | هرآئینه آدمی آفریده شده است ناشکیبنده (١٩) .

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ⑳ | چون برسدش مصیبت اضطراب کننده (٢٠) .

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ㉑ | وچون برسدش رفاهیت بخل نماینده (٢١) .

إِلَّا الْمُصَلِّينَ ㉒ | مگر نمازگذاران (٢٢) .

الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ㉓ | آنانکه ایشان برنمازخویش همیشه پایبندند (٢٣) .

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ ㉔ | وآنانکه دراموال ایشان حصه هست مقرر (٢٤) .

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ㉕ | برای سائل و محروم (٢٥) .

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ㉖ | وآنانکه باورمیدارند روز جزاء را (٢٦) .

وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ㉗ | وآنانکه ایشان ازعذاب پروردگارخود ترسندگانند (٢٧) .

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ㉘ | هرآئینه عذاب پروردگارایشان چنان ست

وَالَّذِيْنَ هُمْ لِفُرُوْجِهِمْ حٰفِظُوْنَ ﴿٢٩﴾

که ازآن ایمن نتوان شد (٢٨) .

وآنانکه ایشان اندام نهانی خودرا نگاهدارندگانند (٢٩) .

اِلَّا عَلٰٓى اَزْوَاجِهِمْ اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُمْ فَاِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُوْمِيْنَ ﴿٣٠﴾

مگر برزنان خود یا کنیز کانی که مالك آنها شده است دستهای ایشان پس هرآئینه این فریق ملامت کرده شده نیستند (٣٠) .

فَمَنِ ابْتَغٰى وَرَآءَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْعٰدُوْنَ ﴿٣١﴾

پس هرکه که طلب کند سوای این، پس آنجماعت ایشانندازحدگذشتگان (٣١) .

وَالَّذِيْنَ هُمْ لِاَمٰنٰتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رٰعُوْنَ ﴿٣٢﴾

آنانکه ایشان امانت های خودرا وعهد های خودرا رعایت کنندگانند (٣٢) .

وَالَّذِيْنَ هُمْ بِشَهٰدٰتِهِمْ قَآئِمُوْنَ ﴿٣٣﴾

وآنانکه ایشان به گواهی های خود متعهد شوندگانند (٣٣) .

وَالَّذِيْنَ هُمْ عَلٰى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُوْنَ ﴿٣٤﴾

وآنانکه ایشان برنمازخودمحافظت کنندگانند (٣٤) .

اُولٰٓئِكَ فِيْ جَنّٰتٍ مُّكْرَمُوْنَ ﴿٣٥﴾

اینجماعت دربوستان هاباشند گرامی کردگانند (٣٥) .

فَمَالِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا قِبَلَكَ مُهْطِعِيْنَ ﴿٣٦﴾

پس چیست کافران را که بسوی توشتابان اند (٣٦) .

عَنِ الْيَمِيْنِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِيْنَ ﴿٣٧﴾

ازجانب راست وازجانب چپ گروه گروه شده (٣٧) .

اَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ اَنْ يُّدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيْمٍ ﴿٣٨﴾

آیاطمع میکند هرشخصی ازایشان که درآورده شود به بوستان نعمت (٣٨) .

كَلَّا ۭ اِنَّا خَلَقْنٰهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُوْنَ ﴿٣٩﴾

هرگز، هرآئینه ماآفریده ایم ایشانرا ازآنچه میدانند[1] (٣٩) .

فَلَآ اُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشٰرِقِ وَالْمَغٰرِبِ اِنَّا لَقٰدِرُوْنَ ﴿٤٠﴾

پس قسم میخورم به پروردگار مشرق ها

---

(١) یعنی ازمنی .

ومغرب ها كه هرآئينه ماتوانائيم (٤٠) .

عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٤١﴾

برآنكه عوض آريم بهترازايشان ونيستيم ما عاجز (٤١) .

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَٰقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٤٢﴾

پس بگذار(يا محمد) ايشان را به بيهودگى درآيند وبازى كنند تاآنكه برخورند بآنروز خود كه وعده داده ميشود ايشان را (٤٢) .

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ ﴿٤٣﴾

روزيكه برآيند ازقبور شتابان گوياايشان بسوى نشانه ميدوند (٤٣) .

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٤٤﴾

ترس ظاهر شده باشد برديده هاى ايشان درگيرد ايشانرا خوارى اينست آن روزكه وعده داده ميشد ايشان را (٤٤) .

سوره نوح مكى است وآن بيست وهشت آيت ودوركوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١﴾

هرآئينه مافرستاديم نوح را بسوى قوم او كه بترسان قوم خودرا پيش ازآنكه بيايد بديشان عقوبتى درد دهنده (١) .

قَالَ يَٰقَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢﴾

گفت اى قوم من هرآئينه من براى شماترساننده ظاهرام (٢) .

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ ﴿٣﴾

(باين مضمون) كه عبادت كنيد خدارا وبترسيد ازووفرمان من بريد (٣) .

يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَآءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾

تابيامرزدبراى شما گناهان شمارا وموقوف دارد شمارا تاوقتى مقرر هرآئينه وقتِ مقرر كردهٔ خداچون بيايد هرگز موقوف داشته نه شود آنرا ا گر ميدانيد (٤) .

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ﴿٥﴾

گفت اى پروردگار من هرآئينه من خواندم قوم خودرا شب وروز (٥) .

فَلَمۡ یَزِدۡهُمۡ دُعَآءِیۤ اِلَّا فِرَارًا ﴿٦﴾

پس زیاده نکرددر حق ایشان خواندن من مگر گریختن را (٦) .

وَاِنِّیۡ کُلَّمَا دَعَوۡتُهُمۡ لِتَغۡفِرَ لَهُمۡ جَعَلُوۤا اَصَابِعَهُمۡ فِیۡۤ اٰذَانِهِمۡ وَاسۡتَغۡشَوۡا ثِیَابَهُمۡ وَاَصَرُّوۡا وَاسۡتَکۡبَرُوا اسۡتِکۡبَارًا ﴿۷﴾

وهرآئینه من هرگاه که دعوت کردم ایشانرا تابیامرزی برای ایشان درآوردند انگشتان خودرا درگوش های خویش وبخود درپیچیدند جامه های خویش را ومداومت کردند برکفروسرکشی نمودند سرکشی تمام (۷) .

ثُمَّ اِنِّیۡ دَعَوۡتُهُمۡ جِهَارًا ﴿۸﴾

بازهرآئینه من دعوت کردم ایشان را بآواز بلند (۸) .

ثُمَّ اِنِّیۡۤ اَعۡلَنۡتُ لَهُمۡ وَاَسۡرَرۡتُ لَهُمۡ اِسۡرَارًا ﴿۹﴾

بازهرآئینه من آشکارگفتم بایشان وپنهان گفتم ایشان را نیز پنهان گفتنی (۹) .

فَقُلۡتُ اسۡتَغۡفِرُوۡا رَبَّکُمۡ ؕ اِنَّهٗ کَانَ غَفَّارًا ﴿۱۰﴾

پس گفتم طلب آمرزش کنید ازپروردگار خود هرآئینه اوهست آمرزنده (۱۰) .

یُّرۡسِلِ السَّمَآءَ عَلَیۡکُمۡ مِّدۡرَارًا ﴿۱۱﴾

تابفرستد برشما باران را ریزنده (۱۱) .

وَّیُمۡدِدۡکُمۡ بِاَمۡوَالٍ وَّبَنِیۡنَ وَیَجۡعَلۡ لَّکُمۡ جَنّٰتٍ وَّیَجۡعَلۡ لَّکُمۡ اَنۡهٰرًا ﴿۱۲﴾

وپی درپی دهد شمارا اموال وفرزندان وبدهد شمارا بوستان ها وپدیدآردبرای شما جویها (۱۲) .

مَا لَکُمۡ لَا تَرۡجُوۡنَ لِلّٰهِ وَقَارًا ﴿۱۳﴾

چیست شمارا که اعتقاد نمی کنید برای خدا بزرگی را (۱۳) .

وَقَدۡ خَلَقَکُمۡ اَطۡوَارًا ﴿۱٤﴾

حال آنکه آفریده است شمارا بطور های مختلف (۱٤) .

اَلَمۡ تَرَوۡا کَیۡفَ خَلَقَ اللّٰهُ سَبۡعَ سَمٰوٰتٍ طِبَاقًا ﴿۱۵﴾

آیا ندیدیدچگونه آفرید خدا هفت آسمان را تودرتو (۱۵) .

وَّجَعَلَ الۡقَمَرَ فِیۡهِنَّ نُوۡرًا وَّجَعَلَ الشَّمۡسَ سِرَاجًا ﴿۱٦﴾

وساخت ماه را درمیان اینهافروزنده وساخت خورشید را چراغ درخشنده (۱٦) .

وَاللّٰهُ اَنۡۢبَتَکُمۡ مِّنَ الۡاَرۡضِ نَبَاتًا ﴿۱۷﴾

وخداورویانید شمارا از زمین نوعی

ازرویانیدن (١٧) .

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿١٨﴾

سپس بازدرآرد شمارا به زمین وبیرون آردنیز طوری از بیرون آوردن (١٨) .

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٩﴾

و خداساخت برای شما زمین را فراش (١٩) .

لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ﴿٢٠﴾

تابِرَوید درآن زمین براه های کشاده (٢٠) .

قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا ﴿٢١﴾

گفت نوح ای پروردگار من هرآئینه اینجماعت نافرمانی من کردند وپیروی نمودند کسی راکه زیاده نکرده است در حق وی مال وی وفرزندوی مگر زیانرا[1] (٢١) .

وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا ﴿٢٢﴾

وحیله کردند رئیسان حیله ای عظیم (٢٢) .

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ﴿٢٣﴾

وگفتند هرگزترك مکنید معبودان خودرا وهرگز ترك مکنید وَدّوسواع ویغوث ویعوق و نسررا[2] (٢٣) .

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ﴿٢٤﴾

وهرآئینه گمراه کردند بسیاری را وزیاده مَدِه خدایا ستمگاران را مگرگمراهی (٢٤) .

مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ﴿٢٥﴾

بسبب گناهان خود غرق کرده شدایشان را پس آورده شد ایشان را بآتش پس نیافتند برای خویش بجز خدا هیچ نصرت دهنده (٢٥) .

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٦﴾

وگفت نوح ای پروردگارمن مگذار برزمین ازکافران هیچ ساکن شونده (٢٦) .

---

(١) یعنی برؤسائی کفار .

(٢) واین پنج بت بودند .

إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ﴿۲۷﴾

هرآئینه تو ا گربگذاری ایشان را گمراه سازند بندگان ترا و نه زایند مگر بدکار ناسپاس را (۲۷) .

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۖ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ﴿۲۸﴾

ای پروردگارمن بیامرزمرا وپدرومادر مرا و هرکرا درآید بخانه من ایمان آورده وجمیع مؤمنین وموءمنات را و زیاده مده ستمگاران را مگر هلاکی (۲۸) .

سوره جن مکی است وآن بیست و هشت آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا ﴿۱﴾

(۱) بگووحی فرستاده شد بسوی من که گوش نهادند جماعتی ازجن پس گفتند هرآئینه ما شنیدیم قرآنی عجیبی (۱) .

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۖ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ﴿۲﴾

که دلالت میکند بسوی راه راست پس ایمان آوردیم بآن وشریك مقررنخواهیم کرد با پروردگارخویش هیچ یك را (۲) .

وَأَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ﴿۳﴾

وبتحقیق (بیان کردند آن جنیان) که بلند ست بزرگی پروردگارمافرانگرفته است زنی ونه فرزندی (۳) .

وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ﴿۴﴾

وآنکه افترا می کرد جاهل ما برخدادروغ (٤) .

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿۵﴾

وآنکه ماپندا شتیم که هرگز نه گویند بنی آدم وجنیان برخدا سخن دروغ را (۵) .

---

(۱) مترجم گوید روزیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم نماز صبح بیرون مکه میخواندند جماعتی ازجن آنرااستماع کردند وایمان آوردند خدای تعالی ازایمان ایشان وگفتگوی ایشان باقوم خوددرین سوره خبرداد تا قوله و ان لواستقاموا والله اعلم .

وَّاَنَّهٗ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْاِنْسِ يَعُوْذُوْنَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوْهُمْ رَهَقًا ﴿٦﴾

آنکه مردان بنی آدم پناه میگرفتند بمردان جن پس زیاده کردند درحق آن جنیان سرکشی را[١] (٦) .

وَّاَنَّهُمْ ظَنُّوْا كَمَا ظَنَنْتُمْ اَنْ لَّنْ يَّبْعَثَ اللّٰهُ اَحَدًا ﴿٧﴾

و آنکه آدمیان گمان کردند چنانکه شما گمان کرد یدکه هرگز نفرستد خدا هیچکس را[٢] (٧) .

وَّاَنَّا لَمَسْنَا السَّمَآءَ فَوَجَدْنٰهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيْدًا وَّشُهُبًا ﴿٨﴾

وآنکه مادست رسانیدیم بآسمان پس یافتیم که آسمان پرکرده شده ست به پاسبانان محکم وبستاره های فرودآینده (٨) .

وَّاَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ ۭ فَمَنْ يَّسْتَمِعِ الْاٰنَ يَجِدْ لَهٗ شِهَابًا رَّصَدًا ﴿٩﴾

وآنکه مامی نشستیم پیش ازین به جاي هائی ازآسمان برای شنیدن[٣] پس هرکه گوش بنهد الآن بیابد برای خودستاره ای مهیا ساخته (٩) .

وَّاَنَّا لَا نَدْرِيْٓ اَشَرٌّ اُرِيْدَ بِمَنْ فِي الْاَرْضِ اَمْ اَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ﴿١٠﴾

وآنکه مانمی دانیم آیابلائی اراده کرده شد درحق آنانکه درزمین اند یااراده کرده است درحق ایشان پروردگار ایشان خیررا (١٠) .

وَّاَنَّا مِنَّا الصّٰلِحُوْنَ وَمِنَّا دُوْنَ ذٰلِكَ ۭ كُنَّا طَرَآئِقَ قِدَدًا ﴿١١﴾

وآنکه ازماجمعی شایسته کاران اند و جمعی ازماسوای ایننند بودیم فرقه های مختلف (١١) .

وَّاَنَّا ظَنَنَّآ اَنْ لَّنْ نُّعْجِزَ اللّٰهَ فِي الْاَرْضِ وَلَنْ نُّعْجِزَهٗ هَرَبًا ﴿١٢﴾

وآنکه مادانستیم که هرگز عاجزنه توانیم کرد خدارا درزمین وعاجز نه توانیم کرد او راازجهت گریختن (١٢) .

---

(١) اشارت است بآنکه در جاهلیت چون بجائی فرودمی آمدند میگفتند اعوذ بسید هذاالوادی من سفهاء قومه .

(٢) یعنی پیغامبرنفرستد .

(٣) یعنی برای شنیدن کلام ملائکه .

وَّاَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدٰۤى اٰمَنَّا بِهٖ ؕ فَمَنْ یُّؤْمِنْۢ بِرَبِّهٖ فَلَا یَخَافُ بَخْسًا وَّلَا رَهَقًا ۙ﴿۱۳﴾

وآنکه ماچون شنیدیم هدایت را ایمان آوردیم بآن پس هرکه ایمان آرد به پروردگار خویش پس اونه ترسد ازهیچ نقصانی ونه ازهیچ ستمی (۱۳) .

وَّاَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُوْنَ وَمِنَّا الْقٰسِطُوْنَ ؕ فَمَنْ اَسْلَمَ فَاُولٰٓىِٕكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴿۱۴﴾

وآنکه جمعی ازمسلمانند وجمعی ازما گنهکاراند پس هرکه مسلمان شده پس آنجماعت قصد کردند راه راست را (١٤) .

وَاَمَّا الْقٰسِطُوْنَ فَكَانُوْا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ۙ﴿۱۵﴾

واما گنهگاران پس باشند هیزم برای دوزخ (١٥) .

وَّاَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوْا عَلَى الطَّرِیْقَةِ لَاَسْقَیْنٰهُمْ مَّآءً غَدَقًا ۙ﴿۱۶﴾

(ونیز بگویا محمد که وحی فرستاده شده است بسوی من که) بنی آدم ا گرراست می‌ایستادند برراه راست البته مینوشانیدیم ایشانرا آب بسیار (١٦) .

لِّنَفْتِنَهُمْ فِیْهِ ؕ وَمَنْ یُّعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهٖ یَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ۙ﴿۱۷﴾

تاامتحان کنیم ایشانرا بآن[1] وهرکه اعراض کند ازیادکردن پروردگار خوددرآردش بعذابی سخت (١٧) .

وَّاَنَّ الْمَسٰجِدَ لِلّٰهِ فَلَا تَدْعُوْا مَعَ اللّٰهِ اَحَدًا ۙ﴿۱۸﴾

وآنکه مسجد هامخصوص برای خداست پس عبادت مکنید باخدا هیچکس را (١٨) .

وَّاَنَّهٗ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللّٰهِ یَدْعُوْهُ كَادُوْا یَكُوْنُوْنَ عَلَیْهِ لِبَدًا ؕ﴿۱۹﴾

وآنکه چون ایستاد بندهٔ خدا[2] که عبادت کند خدارا نزدیك بودند جنیان که برآن بنده یکی بردیگرچسپیده شوند[3] (١٩) .

قُلْ اِنَّمَاۤ اَدْعُوْا رَبِّیْ وَلَاۤ اُشْرِكُ بِهٖۤ اَحَدًا ﴿۲۰﴾

بگو جزاین نیست که عبادت میکنم پروردگارخودرا وشریك مقررنمی کنم

---

(۱) یعنی ارزانی می شدوقحط نمی آمد .

(۲) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم .

(۳) یعنی ازحرص براستماع قرآن .

باوهیچ کَس را (۲۰) .

قُلْ إِنِّي لَآ أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿۲۱﴾

بگوهرآئینه من نمی توانم درحق شماضرر رسانیدن ونه لازم کردن طریق راستی (۲۱) .

قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللّٰهِ أَحَدٌ ۙ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿۲۲﴾

بگو هرآئینه پناه نه دهد مرااازعقوبت خداهیچکس وهرگزنیابم بجزوی پناهی (۲۲) .

إِلَّا بَلٰغًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِسٰلٰتِهٖ ۚ وَمَنْ يَّعْصِ اللّٰهَ وَرَسُولَهٗ فَإِنَّ لَهٗ نَارَ جَهَنَّمَ خٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ﴿۲۳﴾

ولیکن (بجاآرم) خبر رسانیدن ازجانب خداوتبلیغ پیغامهای او وهرکه نافرمانی کند خدارا وپیغامبر اورا پس هرآئینه اوراست آتش دوزخ جاویدان درآنجا همیشه (۲۳) .

حَتّٰٓى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَّأَقَلُّ عَدَدًا ﴿۲۴﴾

(درغفلت خودباشند) تاوقتیکه چون ببینند آنچه وعده داده میشود ایشانرا پس خواهند دانست کیست ناتوان ترباعتبار نصرت دهنده وکمتر ازروی شمار (۲٤) .

قُلْ إِنْ أَدْرِيٓ أَقَرِيبٌ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهٗ رَبِّيٓ أَمَدًا ﴿۲۵﴾

بگونمیدانم آیا نزدیك ست آنچه وعده داده میشودشمارا یا مقرر کندبرای اوپروردگارمن میعادی (۲۵) .

عٰلِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلٰى غَيْبِهٖٓ أَحَدًا ﴿۲۶﴾

دانندهٔ پنهان ست پس مطلع نمی سازدبرعلم غیب خود هیچکس را (۲٦) .

إِلَّا مَنِ ارْتَضٰى مِنْ رَّسُولٍ فَإِنَّهٗ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهٖ رَصَدًا ﴿۲۷﴾

مگر کسی که پسند کرداورا از پیغامبری پس هرآئینه خدا روان میکند پیش دست های وی وپس پشت وی فرشتگان نگاهبان را (۲۷) .

لِّيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسٰلٰتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ

تابداند خدا که بتحقیق رسانیده اند پیغامهای پروردگار خودرا[1] وخدا

(۱) یعنی تاتبلیغ درخارج متحقق گردد زیرا که آن علم ست والله اعلم .

وَاَحْصٰى كُلَّ شَیْءٍ عَدَدًا ﴿۲۸﴾

ازهرجهت احاطه کرده است برآنچه نزدِ ایشانست وفرا گرفته است هر چیز راازروی شمار (۲۸) .

سوره مزمل مکی است وآن بیست آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰۤاَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ ﴿۱﴾

[1] ایمردجامه برخود پیچیده[2] (۱) .

قُمِ الَّيْلَ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿۲﴾

قیام لیل کن مگراند کی[3] (۲) .

نِّصْفَهٗۤ اَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيْلًا ﴿۳﴾

قیام نیم شب کن یااندکی ازنیم شب کم نما (۳) .

اَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْاٰنَ تَرْتِيْلًا ﴿٤﴾

یااندکی برنیم شب بیفزاوترتیل کن قرآن را بواضح خواندن (٤) .

اِنَّا سَنُلْقِیْ عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيْلًا ﴿۵﴾

هرآئینه مانازل خواهیم کرد برتوفرمانی دشوار[4] (۵) .

اِنَّ نَاشِئَةَ الَّيْلِ هِیَ اَشَدُّ وَطْاً وَّاَقْوَمُ قِيْلًا ﴿٦﴾

هرآئینه قیام شب زیاده ترست درموافقت زبان بادل ودرست ترست درتلفظ الفاظ (٦) .

اِنَّ لَكَ فِی النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيْلًا ﴿۷﴾

هرآئینه ترا درروز شغلی ست بسیار (۷) .

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ اِلَيْهِ تَبْتِيْلًا ﴿۸﴾

ویادکن نام پروردگارخودرا وازهمه

---

(۱) مترجم گوید درابتدای اسلام خدای تعالی قیام لیل برآن حضرت صلی الله علیه وسلم وبر مسلمانان موکد گردانید وچون این معنی برایشان نهایت دشوار آمد بعد یك سال رخصت نازل فرمود ان ربك یعلم الی آخرالسورة تاهرکه خواهد قیام کند وهرکه خواهد نکند وهرقدرکه خواهد بخواند والله اعلم .

(۲) یعنی بسبب هیبت وحی .

(۳) یعنی ا گر شبهانکنی گناه نه باشد والله اعلم .

(٤) یعنی دعوت کفار باسلام .

جهت گسسته شومتوجه شده بسوی اونوعی گسسته شدن (٨) .

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَآ إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ﴿٩﴾

پروردگارمشرق ومغرب ست نیست هیچ معبود برحق مگر اوپس کارساز گیراورا (٩) .

وَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ﴿١٠﴾

وصبر کن برآنچه می گویند وترك کن ایشان را ترك کردن نیکو (١٠) .

وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ﴿١١﴾

وبگذارمرا بادروغ شمارندگان خداوندان رفاهیت ومهلت ده ایشانرا اندکی (١١) .

إِنَّ لَدَيْنَآ أَنْكَالًا وَّجَحِيمًا ﴿١٢﴾

هرآئینه هست نزدِ ماقیدهای گران وآتش افروخته (١٢) .

وَّطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَّعَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣﴾

وطعام گلوگیر وعذاب درد دهنده (١٣) .

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا ﴿١٤﴾

روزیکه بجنبد زمین وکوه ها وشود کوه هامانند تلِ ریگِ ازهم پاشیده شده (١٤) .

إِنَّآ أَرْسَلْنَآ إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَآ أَرْسَلْنَآ إِلٰى فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿١٥﴾

هرآئینه مافرستادیم بسوی شما پیغامبری گواهی دهنده برشما چنانکه فرستاده بودیم بسوی فرعون پیغامبری را (١٥) .

فَعَصٰى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنٰهُ أَخْذًا وَّبِيلًا ﴿١٦﴾

پس نافرمانی کرد فرعون آن پیغامبررا پس درگرفتیم اورا درگرفتن سخت (١٦) .

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَّجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ﴿١٧﴾

پس ا گر کافرشوید چگونه درپناه شوید ازروزی که اطفال را پیرگرداند (١٧) .

السَّمَآءُ مُنْفَطِرٌۢ بِهٖ كَانَ وَعْدُهٗ مَفْعُولًا ﴿١٨﴾

آسمان شگافته باشد درآن روزهست وعدهٔ خداالبته شدنی (١٨) .

إِنَّ هٰذِهٖ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَآءَ اتَّخَذَ إِلٰى رَبِّهٖ سَبِيلًا ﴿١٩﴾

هرآئینه این پندست پس هرکه خواهد راه بگیرد بسوی پروردگارخویش (١٩) .

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنٰى مِنْ ثُلُثَيِ الَّيْلِ وَنِصْفَهٗ وَثُلُثَهٗ وَطَآئِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللّٰهُ يُقَدِّرُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَّنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ

هرآئینه پروردگارتو میداند که توبرمیخیزی نزدیك به دوثلث شب ونیم شب وثلث شب ونیز میخیزند جماعتی

عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوْا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْاٰنِ ؕ عَلِمَ اَنْ
سَيَكُوْنُ مِنْكُمْ مَّرْضٰى ۙ وَاٰخَرُوْنَ يَضْرِبُوْنَ فِى الْاَرْضِ
يَبْتَغُوْنَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ ۙ وَاٰخَرُوْنَ يُقَاتِلُوْنَ فِىْ
سَبِيْلِ اللّٰهِ ۖؗ فَاقْرَءُوْا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ ۙ وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ
وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا ؕ وَمَا تُقَدِّمُوْا
لِاَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوْهُ عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَيْرًا
وَّاَعْظَمَ اَجْرًا ؕ وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ
رَّحِيْمٌ ﴿٢٠﴾

از آنانکه همراه تواند وخدااندازه میکند شب وروز را، دانست خدا که شما احاطه نمی توانید کرد قیام لیل را[1] پس (برحمت) بازگشت برشما پس بخوانید آنچه آسان باشدازقرآن، دانست خدا که خواهند بود بعضی ازشما بیماران ودیگران که سفر می کنند درزمین طلب روزی می نمایند ازفضل خدا ودیگران که کارزار میکنند درراه خدا پس بخوانید آنچه آسان باشد ازقرآن وبرپادارید نمازرا وبدهید زکوٰة را ووام دهیدخدارا وام دادن نیك[2] وآنچه پیش میفرستید برای خویشتن ازعمل نیك آنرا بهتر خواهید یافت نزد خدا وبزرگ تر باعتبار مزد وطلب آمرزش کنید ازخداهرآئینه خدا آمرزگار مهربانست[3] (٢٠) .

سوره مدثر مکی است وآن پنجاه وشش آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰۤاَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿١﴾

ای مردجامه برخود پیچیده[4] (١) .

قُمْ فَاَنْذِرْ ﴿٢﴾

برخیز پس ترسان (٢) .

---

(١) یعنی مواظبت نمیتوانیدکرد .
(٢) یعنی صرف مال کنید درجهاد بتوقع ثواب آخرت والله اعلم .
(٣) مترجم گویداین آیت بعد یك سال نازل شدو انحضرت صلی الله علیه وسلم درهمین سوره لاحق کردند بجهت مناسبت و لهذا باسائر سوردراسلوب نمی ماند والله اعلم .
(٤) یعنی ازهیبت وحی .

وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ۝٣
و پس پروردگار خودرا به بزرگی یادکن (٣) .

وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ۝٤
وجامهای خودراپاك ساز (٤) .

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ۝٥
وپلیدی را دورکن (٥) .

وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ۝٦
ونبايد كه چیزی بدهی زیاده طلب كنی[1] (٦) .

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ۝٧
وبرای حكم پروردگارخویش پس شكیبائی ورز (٧) .

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ۝٨
پس وقتیكه دمیده شوددر صور(دشوار شودحال) (٨) .

فَذَٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ۝٩
پس آنوقت آنروز روز دشوارباشد (٩) .

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ۝١٠
بر كافران نه وقت آسان (١٠) .

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ۝١١
بگذارمرا باكسیكه آفریدم تنها (١١) .

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ۝١٢
ودادم اورا مال فراوان (١٢) .

وَبَنِينَ شُهُودًا ۝١٣
وفرزندان حاضر شونده بمجالس (١٣).

وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ۝١٤
ووسعت دادم اوراوسعت دادنی (١٤) .

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ۝١٥
بازطمع می كند كه زیاده دهم (١٥) .

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ۝١٦
هرگز، هرآئینه اوهست بآيات ماستیزنده (١٦) .

سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا ۝١٧
تكليف خواهم داد او را مشقت غير قابل تحمّل (١٧) .

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ۝١٨
هرآئینه وی تأمل كرد واندازه مقرر نمود (١٨) .

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۝١٩
پس لعنت باداورا چگونه اندازه كرد (١٩).

---

(١) یعنی هدیه بردن به رئیسی تاوی زیاده ازقیمت هدیه رعایت كند، ازاخلاق رذیله است .

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾

باردگر لعنت بادبرو چگونه اندازه کرد (٢٠) .

ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢١﴾

بازدرنگریست (٢١) .

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٢﴾

باز روترش کرد وپیشانی درهم کشید (٢٢) .

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٣﴾

بازپشت گردانیدو تکبر کرد[1] (٢٣) .

فَقَالَ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ ﴿٢٤﴾

پس گفت نیست قرآن مگرجادوئی که ازساحران نقل کرده میشود(٢٤) .

إِنْ هَٰذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾

نیست این قرآن مگر کلام آدمی (٢٥) .

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾

درخواهم آورد اورا به دوزخ (٢٦) .

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ ﴿٢٧﴾

وچه چیز مطلع ساخت ترا که چیست دوزخ (٢٧) .

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾

باقی نمی گذاردوترك نمی کند (٢٨) .

لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾

سوزنده است آدمیان را (٢٩) .

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾

بردوزخ موکل اندنوزده کَس[2] (٣٠) .

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً ۙ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا ۙ وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ ۙ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلًا ۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ

ونه ساختیم موکلان دوزخ مگر فرشتگان را ونه ساخته ایم شمارِایشان را مگر بلا درحقِ کافران تایقین کنند اهل کتاب وتا زیاده شوند مسلمانان درایمان خود وتاشك نه کنند اهل کتاب ومسلمانان وتابگویند آنانکه دردل های ایشان

(١) مترجم گوید این تصویرست حال کافررا که خدای تعالی اورانعمت هاداده باشد واومصرّ باشد برکَفَرَ وعَبَسَ وبَسَرَثُمَّ أَدْبَرَواسْتَكْبَرَ تصویر حال تأمل وترددداست والله اعلم .

(٢) مترجم گوید این آیت اشارت ست به شبهه کفاردرعدد تسعة عشر آنحضرت صلی الله علیه وسلم آنرادرهمین سوره لاحق فرمودند بجهت مناسبت و لهذا باسائرسورنمی ماند دراسلوب والله اعلم .

اللّٰهُ مَنْ يَّشَآءُ وَيَهْدِىْ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَمَا يَعْلَمُ جُنُوْدَ رَبِّكَ اِلَّا هُوَ ؕ وَمَا هِىَ اِلَّا ذِكْرٰى لِلْبَشَرِ ﴿٣١﴾

كَلَّا وَالْقَمَرِ ﴿٣٢﴾

وَالَّيْلِ اِذْ اَدْبَرَ ﴿٣٣﴾

وَالصُّبْحِ اِذَآ اَسْفَرَ ﴿٣٤﴾

اِنَّهَا لَاِحْدَى الْكُبَرِ ﴿٣٥﴾

نَذِيْرًا لِّلْبَشَرِ ﴿٣٦﴾

لِمَنْ شَآءَ مِنْكُمْ اَنْ يَّتَقَدَّمَ اَوْ يَتَاَخَّرَ ﴿٣٧﴾

كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ ﴿٣٨﴾

اِلَّآ اَصْحٰبَ الْيَمِيْنِ ﴿٣٩﴾

فِىْ جَنّٰتٍ ؕ يَتَسَآءَلُوْنَ ﴿٤٠﴾

عَنِ الْمُجْرِمِيْنَ ﴿٤١﴾

مَا سَلَكَكُمْ فِىْ سَقَرَ ﴿٤٢﴾

قَالُوْا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّيْنَ ﴿٤٣﴾

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِيْنَ ﴿٤٤﴾

وَكُنَّا نَخُوْضُ مَعَ الْخَآئِضِيْنَ ﴿٤٥﴾

وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّيْنِ ﴿٤٦﴾

حَتّٰٓى اَتٰىنَا الْيَقِيْنُ ﴿٤٧﴾

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشّٰفِعِيْنَ ﴿٤٨﴾

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِيْنَ ﴿٤٩﴾

بیماریست وکافران چه چیزاراده کرده است خدابااین داستان همچنین گمراه می کند خدا هرکرا خواهد وراه می نماید هرکراخواهدونمی داندلشکر های پروردگار ترا مگراوتبارك و تعالی ونیست این مگرپندی برای بنی آدم (٣١) .

هرگز، و قسم بماه (٣٢) .

وقسم به شب چون پشت برگرداند (٣٣) .

وقسم به صبح چون روشن شود (٣٤) .

هرآئینه دوزخ یکی از چیز های بزرگ ست (٣٥) .

ترساننده بنی آدم (٣٦) .

(ترساننده است) برای هرکه خواهد ازشما پیشتر آید یابازپس ماند (٣٧) .

هر شخصی بآنچه کرددرگروست (٣٨) .

مگر اهل (سعادت و) راست (٣٩) .

دربوستانهاباشند سوال کنند (٤٠) .

ازگنهگاران (٤١) .

چه چیز درآورد شمارا دردوزخ (٤٢) .

گویند نه بودیم ازنمازگذاران (٤٣) .

ونمی دادیم طعام فقیررا (٤٤) .

وبانکاردرمی آمدیم بادرآیند گان (٤٥) .

ودروغ میشمردیم روزجزاء را (٤٦) .

تاوقتیکه آمدبماموت (٤٧) .

پس سودنه دهد ایشانرا شفاعت شفاعت کنند گان (٤٨) .

پس چیست ایشان را ازپندروگردان شده گان (٤٩) .

كَاَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾
فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾
بَلْ يُرِيْدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ اَنْ يُّؤْتٰى صُحُفًا مُّنَشَّرَةً ﴿٥٢﴾
كَلَّا ۭ بَلْ لَّا يَخَافُوْنَ الْاٰخِرَةَ ﴿٥٣﴾
كَلَّآ اِنَّهٗ تَذْكِرَةٌ ﴿٥٤﴾
فَمَنْ شَاۗءَ ذَكَرَهٗ ﴿٥٥﴾
وَمَا يَذْكُرُوْنَ اِلَّآ اَنْ يَّشَاۗءَ اللّٰهُ ۭ هُوَ اَهْلُ التَّقْوٰى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿٥٦﴾

گویاایشان خران رم کرده اند (٥٠) .
که گریخته باشند ازشیری (٥١) .
بلکه میخواهد هر شخصی ازایشان که داده شود نامه های کشاده[١] (٥٢) .
هر گز ، بلکه نمی ترسند ازآخرت (٥٣) .
هر گز ، هرآئینه قرآن پندست (٥٤) .
پس هرکه خواهد بخواندآن را (٥٥) .
ویاد نمی‌کنند بندگان مگر وقتی که خواسته باشد خدااوست سزاوار آنکه ازوی بترسند واوست سزاوار آن که بیامرزد (٥٦) .

سوره قیامت مکی است وآن چهل آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

لَآ اُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ ﴿١﴾
وَلَآ اُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾
اَيَحْسَبُ الْاِنْسَانُ اَلَّنْ نَّجْمَعَ عِظَامَهٗ ﴿٣﴾
بَلٰى قٰدِرِيْنَ عَلٰٓى اَنْ نُّسَوِّيَ بَنَانَهٗ ﴿٤﴾
بَلْ يُرِيْدُ الْاِنْسَانُ لِيَفْجُرَ اَمَامَهٗ ﴿٥﴾

قسم میخورم بروزقیامت (١) .
وقسم میخورم به نفس بسیارملامت کننده[٢] (٢) .
آیامی پندارد آدمی که جمع نه کنیم استخوانهای اورا (٣) .
آری می کنیم توانائیم برآنکه هموار کنیم سرانگشت های اورا (٤) .
بلکه میخواهد آدمی که معصیت کنددر پیش روی خود[٣] (٥) .

---

(١) یعنی می گویند باید که کتاب برهریك نازل شود .
(٢) که آدمی البته مبعوث خواهد شد .
(٣) یعنی آمدنی ست .

یَسۡـَٔلُ اَیَّانَ یَوۡمُ الۡقِیٰمَةِ ﴿۶﴾	می پرسد کی خواهد بود روزقیامت (٦).
فَاِذَا بَرِقَ الۡبَصَرُ ﴿۷﴾	پس وقتیکه خیره شود چشم (۷) .
وَخَسَفَ الۡقَمَرُ ﴿۸﴾	وتیره گردد ماه (۸) .
وَجُمِعَ الشَّمۡسُ وَالۡقَمَرُ ﴿۹﴾	ویکجاجمع کرده شود خورشید وماه (۹) .
یَقُوۡلُ الۡاِنۡسَانُ یَوۡمَئِذٍ اَیۡنَ الۡمَفَرُّ ﴿۱۰﴾	بگوید آدمی آنروز که کجاست گریز گاه (۱۰) .
كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿۱۱﴾	هر گز، نیست هیچ پناه (۱۱) .
اِلٰی رَبِّكَ یَوۡمَئِذِ ۨالۡمُسۡتَقَرُّ ﴿۱۲﴾	بسوی پروردگار تست امروز قرارگاه (۱۲) .
یُنَبَّؤُا الۡاِنۡسَانُ یَوۡمَئِذٍۭ بِمَا قَدَّمَ وَاَخَّرَ ﴿۱۳﴾	خبرداده شود آدمی را آن روزبه حقیقت حال آنچه پیش فرستاده بود وپس گذاشته[1] (۱۳) .
بَلِ الۡاِنۡسَانُ عَلٰی نَفۡسِهٖ بَصِیۡرَةٌ ﴿۱۴﴾	بلکه هست آدمی برای الزام خود حجتی (۱٤) .
وَّلَوۡ اَلۡقٰی مَعَاذِیۡرَهٗ ﴿۱۵﴾	اگرچه درمیان آرد عذرهای خودرا (۱۵) .
لَا تُحَرِّكۡ بِهٖ لِسَانَكَ لِتَعۡجَلَ بِهٖ ﴿۱۶﴾	[2]مجنبان (یا محمد) به تکرار قرآن زبان خودرا تازودبدست آری یادکردن آنرا (۱٦) .
اِنَّ عَلَیۡنَا جَمۡعَهٗ وَقُرۡاٰنَهٗ ﴿۱۷﴾	هرآئینه وعده است برما در سینهٔ توجمع کردن وآسان کردنِ خواندنِ اورا (۱۷) .

(۱) مثل صدقه جاریه وعلم باقی .

(۲) مترجم گوید چون جبرئیل پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم وحی آوردی آنحضرت صلی الله علیه وسلم بحفظ آن اهتمام تمام فرمودی وهم بحضور جبرئیل قبل انقضاء وحی تکرار نمودی تاازخاطر مبارك نرود خدای تعالی باین معنی اشارت فرمود .

فَاِذَا قَرَاْنٰهُ فَاتَّبِعْ قُرْاٰنَهٗ ﴿١٨﴾ | پس چون بخوانیم آنرا دل خودرا درپی خواندن اوکن (١٨) .

ثُمَّ اِنَّ عَلَیْنَا بَیَانَهٗ ﴿١٩﴾ | بازهر آئینه وعده برماست واضح کردن آن[1] (١٩) .

كَلَّا بَلْ تُحِبُّوْنَ الْعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾ | هر گز، بلکه ای کافران دوست میدارید دنیارا (٢٠) .

وَتَذَرُوْنَ الْاٰخِرَةَ ﴿٢١﴾ | وترك می نمائید آخرت را (٢١) .

وُجُوْهٌ یَّوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ﴿٢٢﴾ | یك پاره چهره ها آن روز تازه باشند (٢٢) .

اِلٰى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿٢٣﴾ | بسوی پروردگارخود نظر کننده باشند (٢٣) .

وَوُجُوْهٌ یَّوْمَئِذٍۭ بَاسِرَةٌ ﴿٢٤﴾ | ویك پاره چهره ها آنروز پیشانی درهم کشیده باشند (٢٤) .

تَظُنُّ اَنْ یُّفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ﴿٢٥﴾ | توقع کنند که آورده شود بایشان مصیبتی (٢٥) .

كَلَّآ اِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِیَ ﴿٢٦﴾ | هر گز، وقتیکه برسدروح به چنبر گردن (٢٦) .

وَقِیْلَ مَنْ ٚ رَاقٍ ﴿٢٧﴾ | وگفته شود کیست افسون کننده (٢٧) .

وَّظَنَّ اَنَّهُ الْفِرَاقُ ﴿٢٨﴾ | ویقین دانست اینوقت وقت جداشدن روح ست (٢٨) .

وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ ﴿٢٩﴾ | وبه پیچیدیکساق مُحتضربساق دیگر[2] (٢٩) .

---

(١) مترجم گوید ظاهر نزدیك بنده آنست که معنی آیت چنین باشد هرآئینه وعده لازم است برماجمع کردن قرآن درمصاحف وحفظ وقرائت آن عصراً بعد عصر وایضاح به تفسیر معانی آن خدای تعالی بردست شیخین رضی الله عنهما جمع آن کرده درهر زمانی قاریان را توفیق داد که حافظ شوند به تجوید بخوانند ودرهرزمانی مفسران را توفیق دادکه در تفسیر آن سعی نمایند و الله اعلم .

(٢) یعنی درپای حرکت نماند .

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿٣٠﴾

بسوی پروردگارتست آن روز روان کردن (۳۰) .

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ ﴿٣١﴾

پس نه باور داشت آدمی ونه نماز گذارد (۳۱) .

وَلَٰكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٣٢﴾

ولیکن دروغ شمرد و روگردان گشت (۳۲) .

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ ﴿٣٣﴾

بازبرفت بسوی اهل خانه خود خرامان شده (۳۳) .

أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿٣٤﴾

وای برتوپس وای برتو (۳٤) .

ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿٣٥﴾

باز (دیگرمیگوئیم) وای برتو پس وای برتو (۳۵) .

أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَن يُتْرَكَ سُدًى ﴿٣٦﴾

آیامی پندارد آدمی که مهمل گذاشته شود (۳٦) .

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ ﴿٣٧﴾

آیانه بود نطفه ازمنی که ریخته میشد دررحم (۳۷) .

ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٣٨﴾

بازبود خون بسته پس بیافریدخدا پس درست اندام کرد (۳۸) .

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿٣٩﴾

پس ساخت ازآن منی دوقسم را مردرا وزن را (۳۹) .

أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَن يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ﴿٤٠﴾

آیانیست این خداتوانا برآنکه زنده کند مُردگان را (٤۰) .

سُورَةُ الْإِنسَانِ

سوره دهر مکی است وآن سی ویك آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا ﴿١﴾

هرآئینه آمده است برآدمی مدتی اززمان که نبود چیزی ذکر کرده شده (۱) .

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٢﴾

هر آئینه ماآفریدیم آدمی را ازیکپارهٔ منی درهم آمیخته ازچند چیز[1] که بیآزمائیم اورا پس ساختیمش شنوا بینا (۲) .

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾

هرآئینه مادلالت کردیم آدمی را برراه خواه شکر گوینده ویاناسپاسدارنده (۳) .

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ﴿٤﴾

هرآئینه ماآماده ساخته ایم برای کافران زنجیر هاوطوقها وآتش افروخته (٤) .

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾

هرآئینه نیکوکاران می نوشند ازپیالهٔ شراب که آمیزش وی آب چشمهٔ کافور باشد[2] (٥) .

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٦﴾

چشمه که می آشامندازآن بندگان مقرب خداروان کنند آن راروان کردنی[3] (٦) .

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾

وفامیکنند به نذرومی ترسند ازروزیکه مشقت آن فاش باشد (۷) .

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾

ومیدهند طعام باوجود احتیاج بآن فقیررا ویتیم را وزندانی را (۸) .

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ﴿٩﴾

میگویند جزاین نیست که طعام میدهیم شمارا برای رضای خدانمی طلبیم ازشمامزدی ونه شکری (۹) .

إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾

هرآئینه مامی‌ترسیم ازپروردگار خود روز ترش روی نهایت سخت را (۱۰) .

فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا ﴿١١﴾

پس نگهداشت ایشان را خداازسختی آنروز ورسانید ایشانرا تازگی وخوشحالی (۱۱) .

---

(۱) یعنی منی مردمنی زن وخون حیض ازحالی به حالی میگردانید یمش .

(۲) مراد میدارم ازکافور چشمه .

(۳) یعنی جدولی ازآن هرجا که خواهند ببرند والله اعلم .

وَجَزٰىهُمْ بِمَا صَبَرُوْا جَنَّةً وَّحَرِيْرًا ﴿١٢﴾

وجزاداد ایشان را بمقابله صبر ایشان بوستان وجامهٔ ابریشمی (١٢) .

مُّتَّكِـِٕيْنَ فِيْهَا عَلَى الْاَرَآئِكِ لَا يَرَوْنَ فِيْهَا شَمْسًا وَّلَا زَمْهَرِيْرًا ﴿١٣﴾

تکیه زده باشند آنجا برتخت ها نه بینند آنجا گرمی خورشید ونه سرمای تندرا (١٣) .

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلٰلُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوْفُهَا تَذْلِيْلًا ﴿١٤﴾

ونزدیك شده باشد برایشان سایه های آن بوستان وسهل الحصول کرده شود میوهای آن سهل کردنی (١٤) .

وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِاٰنِيَةٍ مِّنْ فِضَّةٍ وَّاَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيْرَا ﴿١٥﴾

گردانده شود برایشان بآوند هائی ازنقره وباجامهای که باشند بلورین (١٥) .

قَوَارِيْرَا مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوْهَا تَقْدِيْرًا ﴿١٦﴾

(مراد میدارم) بلورین ازنقره اندازه کرده باشند ساقیان آنرا اندازه کردنی (١٦) .

وَيُسْقَوْنَ فِيْهَا كَاْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيْلًا ﴿١٧﴾

ونوشانیده شود ایشانرا آنجاجام شرابی که هست آمیزش آن آب چشمه زنجبیل (١٧) .

عَيْنًا فِيْهَا تُسَمّٰى سَلْسَبِيْلًا ﴿١٨﴾

چشمه ایست در بهشت که نام آن نهاده میشود سلسبیل (١٨) .

وَيَطُوْفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُوْنَ اِذَا رَاَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنْثُوْرًا ﴿١٩﴾

وآمد وشدکنند برایشان نوجوانان جاویدان چون بینی ایشان را پنداری که ایشان مرواریدند ازرشته افشانده شده (١٩) .

وَاِذَا رَاَيْتَ ثَمَّ رَاَيْتَ نَعِيْمًا وَّمُلْكًا كَبِيْرًا ﴿٢٠﴾

وچون نگاه کنی آنجا ببینی نعمت فراوان وپادشاهی بزرگ (٢٠) .

عٰلِيَهُمْ ثِيَابُ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَّاِسْتَبْرَقٌ وَّحُلُّوْا اَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقٰىهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُوْرًا ﴿٢١﴾

برایشان باشد جامه های سبز ازدیبای نازك و نیز برایشان باشد دیبای ضخیم وزیور پوشانیده شود ایشان را دست بندها از نقره و بنوشاند ایشانرا پروردگار ایشان شراب نهایت پاك (٢١) .

اِنَّ هٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَآءً وَّكَانَ سَعْيُكُمْ مَّشْكُوْرًا ﴿٢٢﴾

هر آئینه این نعمت هست شمارا جزای

اعمال وهست سعی شما قبول کرده شده (٢٢) .

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ تَنْزِيْلًا ﴿٢٣﴾

هرآئینه مافرودآوردیم برتو قرآن را فرودآوردنی (٢٣) .

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ اٰثِمًا اَوْ كَفُوْرًا ﴿٢٤﴾

پس شکیبائی کن برحکم پروردگارخود وفرمان مبراززمرهٔ بنی آدم گناهگاریرایا ناسپاسی را (٢٤) .

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَّاَصِيْلًا ﴿٢٥﴾

ویادکن نام پروردگارخود صبح و شام (٢٥) .

وَمِنَ الَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهٗ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيْلًا ﴿٢٦﴾

وبعضی ساعات شب نمازگذار برای اووبپاکی یادکن اورا وقت دراز از شب (٢٦) .

اِنَّ هٰٓؤُلَآءِ يُحِبُّوْنَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُوْنَ وَرَآءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيْلًا ﴿٢٧﴾

هرآئینه این کافران رغبت میکننند به دنیا وترك میکننند پس پشت خود روزگران را (٢٧) .

نَحْنُ خَلَقْنٰهُمْ وَشَدَدْنَآ اَسْرَهُمْ ۚ وَاِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَآ اَمْثَالَهُمْ تَبْدِيْلًا ﴿٢٨﴾

ماآفریدیم ایشان را و محکم کردیم رگ وبندها اندام ایشان را وچون خواهیم عوض آریم قومی مانند ایشان به طریق بدل کردن (٢٨) .

اِنَّ هٰذِهٖ تَذْكِرَةٌ ۚ فَمَنْ شَآءَ اتَّخَذَ اِلٰى رَبِّهٖ سَبِيْلًا ﴿٢٩﴾

هر آئینه این پندست پس هرکه خواهد بگیرد بسوی پروردگارخود راه را (٢٩) .

وَمَا تَشَآءُوْنَ اِلَّآ اَنْ يَّشَآءَ اللّٰهُ ۚ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿٣٠﴾

ونمی خواهید مگر وقتیکه خواهد خدا هرآئینه خداهست دانای باحکمت (٣٠) .

يُّدْخِلُ مَنْ يَّشَآءُ فِيْ رَحْمَتِهٖ ۚ وَالظّٰلِمِيْنَ اَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿٣١﴾

داخل میکند هرکراخواهد دررحمتِ خود و برای ستمگاران آماده کرده است عقوبتی درد دهنده (٣١) .

سوره مرسلات مکی است وآن پنجاه آیت ودو رکوع است

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالۡمُرۡسَلٰتِ عُرۡفًا ۝١

قسم ببادهای فرستاده شده بوجه نیك (۱) .

فَالۡعٰصِفٰتِ عَصۡفًا ۝٢

پس قسم به بادهای تند وَزَندِه به شدت (۲) .

وَّالنّٰشِرٰتِ نَشۡرًا ۝٣

وقسم ببادهای منتشر کنندۂ ابربه پراگنده کردن (۳) .

فَالۡفٰرِقٰتِ فَرۡقًا ۝٤

پس قسم ببادهای ازهم جدا کنندۂ ابرپاره پاره نمودن (٤) .

فَالۡمُلۡقِيٰتِ ذِكۡرًا ۝٥

پس قسم بجماعات فرشتگان فرودآرنده وحی (٥) .

عُذۡرًا اَوۡ نُذۡرًا ۝٦

برای دفع عذر یابرای ترسانیدن (٦) .

اِنَّمَا تُوۡعَدُوۡنَ لَوَاقِعٌ ۝٧

هرآئینه آنچه وعده داده میشودشمارا البته بودنی ست (۷) .

فَاِذَا النُّجُوۡمُ طُمِسَتۡ ۝٨

پس وقتیکه ستارها بی نورکرده شوند (۸) .

وَاِذَا السَّمَآءُ فُرِجَتۡ ۝٩

و وقتیکه آسمان شگافته شود (۹) .

وَاِذَا الۡجِبَالُ نُسِفَتۡ ۝١٠

ووقتیکه کوه ها پاره پاره کرده شود (۱۰) .

وَاِذَا الرُّسُلُ اُقِّتَتۡ ۝١١

ووقتیکه پیغامبران را به میعادی معین جمع کرده شود[1] (۱۱) .

لِاَىِّ يَوۡمٍ اُجِّلَتۡ ۝١٢

برای کدام روز پیغامبرانرا موقوف داشته شد(۱۲) .

لِيَوۡمِ الۡفَصۡلِ ۝١٣

برای روز فیصله کردن (۱۳) .

وَمَاۤ اَدۡرٰكَ مَا يَوۡمُ الۡفَصۡلِ ۝١٤

وچه چیز خبردادترا که چیست روز

(۱) متحقق گرددآنچه متحقق شدنی است .

فیصله کردن (١٤) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿١٥﴾
وای آن روز دروغ شمارندگان را (١٥) .

اَلَمْ نُهْلِكِ الْاَوَّلِيْنَ ﴿١٦﴾
آیاهلاك نه کرده ایم نخستینیان را (١٦) .

ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْاٰخِرِيْنَ ﴿١٧﴾
بعد ازآن درپی ایشان آریم پسینیان را (١٧) .

كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِيْنَ ﴿١٨﴾
همچنین میکنیم باگنهگاران (١٨) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿١٩﴾
وای آنروز دروغ شمارندگان را (١٩) .

اَلَمْ نَخْلُقْكُّمْ مِّنْ مَّآءٍ مَّهِيْنٍ ﴿٢٠﴾
آیانیافریده ایم شمارا ازآب محقر (٢٠) .

فَجَعَلْنٰهُ فِيْ قَرَارٍ مَّكِيْنٍ ﴿٢١﴾
پس نهادیم آن آب را درجای محکم (٢١) .

اِلٰى قَدَرٍ مَّعْلُوْمٍ ﴿٢٢﴾
تااندازهٔ معین (٢٢) .

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقٰدِرُوْنَ ﴿٢٣﴾
پس اندازه کردیم پس نیکواندازه کننده گانیم ما (٢٣) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٢٤﴾
وای آن روز دروغ شمارندگان را (٢٤) .

اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ كِفَاتًا ﴿٢٥﴾
آیانساخته ایم زمین را جمع کننده آدمیان (٢٥) .

اَحْيَآءً وَّاَمْوَاتًا ﴿٢٦﴾
زندگان ومُردگان (٢٦) .

وَّجَعَلْنَا فِيْهَا رَوَاسِيَ شٰمِخٰتٍ وَّاَسْقَيْنٰكُمْ مَّآءً فُرَاتًا ﴿٢٧﴾
وآفریدیم درزمین کوه های بلند ونوشانیدیم شمارا آب شیرین (٢٧) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٢٨﴾
وای آن روز دروغ شمارندگان را (٢٨) .

اِنْطَلِقُوْٓا اِلٰى مَا كُنْتُمْ بِهٖ تُكَذِّبُوْنَ ﴿٢٩﴾
گفته شود بروید بسوی چیزی که آن را دروغ می شمردید (٢٩) .

اِنْطَلِقُوْٓا اِلٰى ظِلٍّ ذِيْ ثَلٰثِ شُعَبٍ ﴿٣٠﴾
(گفته شود) بروید بسوی سایه صاحب سه شعبه (٣٠) .

لَّا ظَلِيْلٍ وَّلَا يُغْنِيْ مِنَ اللَّهَبِ ﴿٣١﴾
نه سایه سردباشد ونه کفایت کند ازگرمی آتش (٣١) .

اِنَّهَا تَرْمِيْ بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ﴿٣٢﴾
هرآئینه آن آتش می افگند شررها مانند قصر (٣٢) .

كَاَنَّهٗ جِمٰلَتٌ صُفْرٌ ﴿٣٣﴾
گویا آن شررها شتران زرداند (٣٣) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٣٤﴾
وای آن روز دروغ شمارندگان را (٣٤) .

هٰذَا يَوْمُ لَا يَنْطِقُوْنَ ﴿٣٥﴾
این روزروز یست که سخن نه گویند (٣٥) .

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُوْنَ ﴿٣٦﴾
ونه اجازه داده شود ایشان را تاعذر پیش نمایند (٣٦) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٣٧﴾
وای آن روز دروغ شمارندگان را (٣٧) .

هٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنٰكُمْ وَالْاَوَّلِيْنَ ﴿٣٨﴾
این روز روز فیصله کردن ست جمع کردیم شمارا باپیشینیان (٣٨) .

فَاِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيْدُوْنِ ﴿٣٩﴾
پس ا گرشمارا حیله هست پس حیله کُنِید درحق من (٣٩) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٤٠﴾
وای آن روز دروغ شمارندگان را (٤٠) .

اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِيْ ظِلٰلٍ وَّعُيُوْنٍ ﴿٤١﴾
هرآئینه متقیان درسایه هاباشند ودرچشمه ها (٤١) .

وَّفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُوْنَ ﴿٤٢﴾
ودرمیوه ها ازجنسی که رغبت کنند (٤٢) .

كُلُوْا وَاشْرَبُوْا هَنِيْٓـًٔا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٤٣﴾
(بگوئیم) بخورید وبنوشید خوردن ونوشیدنِ گوارابسبب آنچه میکردید (٤٣) .

اِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٤٤﴾
هرآئینه ما همچنین جزامیدهیم نیکوکاران را (٤٤) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٤٥﴾
وای آن روز دروغ شمارندگان را (٤٥) .

كُلُوْا وَتَمَتَّعُوْا قَلِيْلًا اِنَّكُمْ مُّجْرِمُوْنَ ﴿٤٦﴾
(ای دروغ شمارندگان) بخوریدوبهره مند باشید اندکی هرآئینه شما گنهگارید (٤٦) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٤٧﴾
وای آن روز دروغ شمارندگانرا (٤٧) .

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمُ ارْكَعُوْا لَا يَرْكَعُوْنَ ﴿٤٨﴾
وچون گفته شود ایشانرا نمازگذارید نمازنمی گذارند (٤٨) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٤٩﴾
وای آن روز دروغ شمارندگان را (٤٩) .

فَبِاَيِّ حَدِيْثٍۢ بَعْدَهٗ يُؤْمِنُوْنَ ﴿٥٠﴾
پس بکدام سخن بعد ازقرآن ایمان خواهند آورد (٥٠) .

سُوْرَةُ النَّبَا

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

عَمَّ يَتَسَآءَلُوْنَ ۝۱ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيْمِ ۝۲ الَّذِيْ هُمْ فِيْهِ مُخْتَلِفُوْنَ ۝۳ كَلَّا سَيَعْلَمُوْنَ ۝۴ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُوْنَ ۝۵ اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ مِهٰدًا ۝۶ وَّالْجِبَالَ اَوْتَادًا ۝۷ وَّخَلَقْنٰكُمْ اَزْوَاجًا ۝۸ وَّجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ۝۹ وَّجَعَلْنَا الَّيْلَ لِبَاسًا ۝۱۰ وَّجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ۝۱۱ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ۝۱۲ وَّجَعَلْنَا سِرَاجًا وَّهَّاجًا ۝۱۳ وَّاَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرٰتِ مَآءً ثَجَّاجًا ۝۱۴ لِنُخْرِجَ بِهٖ حَبًّا وَّنَبَاتًا ۝۱۵ وَّجَنّٰتٍ اَلْفَافًا ۝۱۶ اِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيْقَاتًا ۝۱۷

سوره نبا مکی است وآن چهل آیت ودورکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

ازچه چیز کافران بایکدیگر سوال میکنند (۱) .

(آری سوال میکنند) ازخبری بزرگ (۲) .

که ایشان درآن خلاف دارند[1] (۳) .

نَی نَی ، خواهند دانست (٤) .

باز (میگوئیم) نی نی ، خواهند دانست (٥) .

آیانساخته ایم زمین را فرش (٦) .

ونساخته ایم کوه هارا میخها (۷) .

وآفریدیم شمارا نروماده (۸) .

وساختیم خواب شمارا راحت (۹) .

وساختیم شب را پرده (۱۰) .

وساختیم روزرا وقت طلبِ معیشت (۱۱) .

وبناکردیم بالای شما هفت آسمان محکم (۱۲) .

وآفریدیم چراغی درخشنده[2] (۱۳) .

وفرودآوردیم ازابرها آب ریزان (١٤) .

تابرآریم بسبب آن آب دانهٔ گیاه را (۱۵) .

وبوستان های درهم پیچیده را (١٦) .

هرآئینه روز فیصله کردن هست وقت

(۱) مرادبعث و قیامت ست .

(۲) یعنی خورشید .

معین (۱۷) .

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّوْرِ فَتَأْتُوْنَ أَفْوَاجًا ﴿۱۸﴾

روزی که دمیده شوددرصور پس می آئید گروه‌گروه شده (۱۸) .

وَّفُتِحَتِ السَّمَآءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿۱۹﴾

وشگافته شود آسمان پس باشد دروازه ها (۱۹) .

وَّسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿۲۰﴾

وروان کرده شوند کوه هاپس باشند مانند سراب (۲۰) .

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿۲۱﴾

هرآئینه دوزخ ست انتظار کننده (۲۱) .

لِّلطَّاغِيْنَ مَاٰبًا ﴿۲۲﴾

سرکَشَانراهست مرجع ایشان (۲۲) .

لّٰبِثِيْنَ فِيْهَآ أَحْقَابًا ﴿۲۳﴾

درآینـد بـه دوزخ اقـامـت کننـدگـان درآنجامدت های دراز (۲۳) .

لَا يَذُوْقُوْنَ فِيْهَا بَرْدًا وَّلَا شَرَابًا ﴿۲۴﴾

نه چشندآنجاخنکی راونه آشامیدنی را(۲٤) .

إِلَّا حَمِيْمًا وَّغَسَّاقًا ﴿۲۵﴾

مگر آب گرم وخون وچرك را (۲۵) .

جَزَآءً وِّفَاقًا ﴿۲۶﴾

جزاداده شد جزاء موافق (۲٦) .

إِنَّهُمْ كَانُوْا لَا يَرْجُوْنَ حِسَابًا ﴿۲۷﴾

هرآئینه ایشان توقع نمیداشتند حساب را (۲۷) .

وَّكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا كِذَّابًا ﴿۲۸﴾

وتکذیب می کردند آیاتِ مارابه دروغ پنداشتن (۲۸) .

وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنٰهُ كِتٰبًا ﴿۲۹﴾

وهرچیزی را ضبط کردیم بطریق نوشتن (۲۹) .

فَذُوْقُوْا فَلَنْ نَّزِيْدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿۳۰﴾

پس بچشید پس زیاده نخواهیم دادشمارا مگر عقوبت (۳۰) .

إِنَّ لِلْمُتَّقِيْنَ مَفَازًا ﴿۳۱﴾

هرآئینه متقیان را مطلب یابی باشد (۳۱).

حَدَآئِقَ وَأَعْنَابًا ﴿۳۲﴾

بوستانهاباشد ودرختان انگور (۳۲) .

وَّكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿۳۳﴾

وزنان دوشیزه هم عمر بایکدیگر (۳۳) .

وَّكَأْسًا دِهَاقًا ﴿۳۴﴾

وپیالهٔ شرابِ پرکرده شده (۳٤) .

لَا يَسْمَعُوْنَ فِيْهَا لَغْوًا وَّلَا كِذّٰبًا ﴿۳۵﴾

نشنوند آنجاسخن بیهوده را ونه دروغ

جَزَآءً مِّنْ رَّبِّكَ عَطَآءً حِسَابًا ﴿٣٦﴾

شمر دن را (۳۵) .

پاداش دادن کافی ازجانب پروردگارتو (۳٦) .

رَّبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمٰنِ لَا يَمْلِكُوْنَ مِنْهُ خِطَابًا ﴿٣٧﴾

پروردگار آسمان هاوزمین وآنچه مابین اینها ست خدای بخشاینده نه توانند از (هیبت) وی سخن گفتن (۳۷) .

يَوْمَ يَقُوْمُ الرُّوْحُ وَالْمَلٰٓئِكَةُ صَفًّا ۙ لَّا يَتَكَلَّمُوْنَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾

روزیکه بایستد روح وسائر فرشتگان صف زده سخن نه گویند حاضران محشر مگر کسیکه دستوری داده باشد اورا خداوگفته باشد سخن درست[۱] (۳۸) .

ذٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ ۚ فَمَنْ شَآءَ اتَّخَذَ إِلٰى رَبِّهٖ مَاٰبًا ﴿٣٩﴾

این روز متحقق ست پس هرکه خواهد بگیرد بسوی پروردگارخود مرجع (۳۹) .

إِنَّآ أَنْذَرْنٰكُمْ عَذَابًا قَرِيْبًا ۚ يَّوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدٰهُ وَيَقُوْلُ الْكٰفِرُ يٰلَيْتَنِيْ كُنْتُ تُرٰبًا ﴿٤٠﴾

هرآئینه ما ترسانیدیم شمارا ازعقوبت نزدیك آینده در روزی که ببیند آدمی آنچه پیش فرستاده بود دو دست وی وبگوید کافر ای کاش من خاك بودمی (٤٠) .

سوره نازعات مکی است وآن چهل و شش آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالنّٰزِعٰتِ غَرْقًا ﴿١﴾

قسم بجماعات فرشتگان که نزع میکنند بوجه سختی (ارواح کافران را)[۲] (۱) .

وَّالنّٰشِطٰتِ نَشْطًا ﴿٢﴾

قسم بجماعات فرشتگان که بیرون می آرند بیرون آوردنی (ارواح مؤمنان را)[۳] (۲).

---

(۱) یعنی سخن حق .

(۲) یعنی یك عدۂ ارواح را به سختی .

(۳) یعنی یك عدۂ دیگر را بطریق سهولت .

وَّالسّٰبِحٰتِ سَبۡحًا ۝٣

قسم بفرشتگان که شنامی کنند شناکردنی[1] (٣) .

فَالسّٰبِقٰتِ سَبۡقًا ۝٤

پس قسم بفرشتگان که سبقت میکنند سبقت کردنی[2] (٤) .

فَالۡمُدَبِّرٰتِ اَمۡرًا ۝٥

قسم بجماعات فرشتگان که تدبیر میکنند هرکاریرا (آنچه گفته میشود بود نیست) . (٥)

يَوۡمَ تَرۡجُفُ الرَّاجِفَةُ ۝٦

روزی که بجنبد جنبنده (٦) .

تَتۡبَعُهَا الرَّادِفَةُ ۝٧

ازپس وی درآیداز پس درآینده[3] (٧) .

قُلُوۡبٌ يَّوۡمَئِذٍ وَّاجِفَةٌ ۝٨

یك جمع دلهاآنروزترسان باشد (٨) .

اَبۡصَارُهَا خَاشِعَةٌ ۝٩

بردیده های آنجماعت خواری هویدا شده باشد (٩) .

يَقُوۡلُوۡنَ ءَاِنَّا لَمَرۡدُوۡدُوۡنَ فِى الۡحَافِرَةِ ۝١٠

میگویند کافران آیاماباز گردانیده شویم بحالت نخستین (١٠) .

ءَاِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً ۝١١

آیا چون شویم استخوانهای پوسیده باززنده شویم (١١) .

قَالُوۡا تِلۡكَ اِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ۝١٢

گفتند آن رجوعِ ماآنگاه رجوع زیان دهنده باشد(١٢) .

فَاِنَّمَا هِىَ زَجۡرَةٌ وَّاحِدَةٌ ۝١٣

پس جزاین نیست که آن واقعه یك آواز تندست (١٣) .

فَاِذَا هُمۡ بِالسَّاهِرَةِ ۝١٤

پس نا گهان ایشان برروی زمین آمده باشند (١٤) .

هَلۡ اَتٰىكَ حَدِيۡثُ مُوۡسٰى ۝١٥

آیاآمده است پیش توخبر موسیٰ (١٥) .

اِذۡ نَادٰىهُ رَبُّهٗ بِالۡوَادِ الۡمُقَدَّسِ طُوًى ۝١٦

چون آواز دادش پروردگاراو بوادی پاك

---

(١) یعنی در هوا شنا کردنی .

(٢) یعنی ازیکدیگر سبقت کردنی .

(٣) یعنی نفخهٔ اولی وپس نفخهٔ ثانیه بوجود آید .

طوی نام (١٦) .

اِذْهَبْ اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهٗ طَغٰى ﴿١٧﴾

که بروبسوی فرعون هرآئینه وی ازحد گذشته است (١٧) .

فَقُلْ هَلْ لَّكَ اِلٰٓى اَنْ تَزَكّٰى ﴿١٨﴾

پس بگوهیچ میل ست ترابآنکه پاکیزه شوی (١٨) .

وَاَهْدِيَكَ اِلٰى رَبِّكَ فَتَخْشٰى ﴿١٩﴾

وراه نمایم ترابسوی پروردگار تو پس بترسی (١٩) .

فَاَرٰىهُ الْاٰيَةَ الْكُبْرٰى ﴿٢٠﴾

پس بنمود بفرعون آن معجزهٔ بزرگ را[1] (٢٠) .

فَكَذَّبَ وَعَصٰى ﴿٢١﴾

پس دروغ پنداشت ونافرمانی کرد (٢١) .

ثُمَّ اَدْبَرَ يَسْعٰى ﴿٢٢﴾

پس أزآن مجلس بازگشت تدبیرکنان (٢٢) .

فَحَشَرَ فَنَادٰى ﴿٢٣﴾

پس جمع کردقوم خودرا پس آواز داد (٢٣) .

فَقَالَ اَنَا رَبُّكُمُ الْاَعْلٰى ﴿٢٤﴾

پس گفت من پروردگار(بزرگوار) شمایم (٢٤) .

فَاَخَذَهُ اللّٰهُ نَكَالَ الْاٰخِرَةِ وَالْاُوْلٰى ﴿٢٥﴾

پس گرفتار کرد اورا خدا بعذابِ آخرت ودنیا (٢٥) .

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَّخْشٰى ﴿٢٦﴾

هرآئینه درین خبرپندی هست برای هرکه بترسد (٢٦) .

ءَاَنْتُمْ اَشَدُّ خَلْقًا اَمِ السَّمَآءُ بَنٰىهَا ﴿٢٧﴾

آیاشما محکم ترید درآفرینش یا آسمان، خدابناکرد آن آسمان را (٢٧) .

رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوّٰىهَا ﴿٢٨﴾

بلند ساخت ارتفاع اورا پس درست ساخت آن را (٢٨) .

وَاَغْطَشَ لَيْلَهَا وَاَخْرَجَ ضُحٰىهَا ﴿٢٩﴾

وتاریك كرد شب اورا وبظهور آورد روشنيِ روز اورا (٢٩) .

وَالْاَرْضَ بَعْدَ ذٰلِكَ دَحٰىهَا ﴿٣٠﴾

وزمین را بعد ازآفریدن آسمان هموار

(١) یعنی عصاوید بیضا .

کرد[١] (٣٠) .

أخرج منها ماءها ومرعاها (٣١)

بیرون آورد از زمین آب اوراو چراگاه اورا (٣١) .

والجبال أرساها (٣٢)

وکوه هارا استوارنمود (٣٢) .

متاعا لكم ولأنعامكم (٣٣)

برای منفعت شما وچهار پایان شما (٣٣) .

فإذا جاءت الطامة الكبرى (٣٤)

پس وقتیکه بیاید حادثۀ بزرگ (یعنی قیامت) (٣٤) .

يوم يتذكر الإنسان ما سعى (٣٥)

روزیکه یادکند آدمی آنچه عمل کرده بود (٣٥) .

وبرزت الجحيم لمن يرى (٣٦)

وظاهر کرده شود دوزخ برای هرکه دیدنش خواهد (ثواب یا عقاب متحقق گردد) (٣٦) .

فأما من طغى (٣٧)

اماکسیکه ازحد گذشته باشد (٣٧) .

وآثر الحياة الدنيا (٣٨)

وبرگزیده باشد زندگانی این جهانی را(٣٨) .

فإن الجحيم هي المأوى (٣٩)

پس هرآئینه دوزخ همانست جای او (٣٩) .

وأما من خاف مقام ربه ونهى النفس عن الهوى (٤٠)

واماکسیکه ترسیده باشد ازایستادن بحضور پروردگارخویش وبازداشته باشد نفس را از شهوات (٤٠) .

فإن الجنة هي المأوى (٤١)

پس هرآئینه بهشت همانست جای او (٤١) .

يسألونك عن الساعة أيان مرساها (٤٢)

می پرسند ترااز قیامت کَی باشد تحقق آن (٤٢) .

فيم أنت من ذكراها (٤٣)

درچه منزلی تو ازعلم آن (٤٣) .

إلى ربك منتهاها (٤٤)

بسوی پروردگارتست منتهای علم آن (٤٤) .

---

(١) مترجم گوید معنی هموار کردن همین ست که میفر ماید .

إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخۡشَىٰهَا ﴿٤٥﴾

جزاین نیست که توترساننده ای کسی را که بترسدازوی (٤٥) .

كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَهَا لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا عَشِيَّةً أَوۡ ضُحَىٰهَا ﴿٤٦﴾

روزیکه ببینند آن را چنانستی که ایشان درنگ نکرده بودند به دنیا مگریك وقت شام یایك وقت صبحی که پیش ازآن بود (٤٦) .

سوره عبس مکی است وآن چهل ودوآیت ویك رکوع است
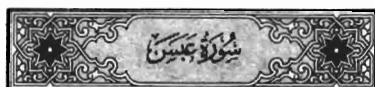
بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ ﴿١﴾

روترش کرد واعراض نمود (١) .

أَن جَآءَهُ ٱلۡأَعۡمَىٰ ﴿٢﴾

بسبب آنکه بیامد پیش اونابینا[1] (٢) .

وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ ﴿٣﴾

وچه چیز خبردار کرد تراشاید وی پاك می شد (٣) .

أَوۡ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ ٱلذِّكۡرَىٰٓ ﴿٤﴾

یاپندمی شنید پس نفع میدادش آن پندشنیدن (٤) .

أَمَّا مَنِ ٱسۡتَغۡنَىٰ ﴿٥﴾

اما کسی که توانگر ست (٥) .

فَأَنتَ لَهُۥ تَصَدَّىٰ ﴿٦﴾

پس تو بسوی او اقبال می کنی (٦) .

وَمَا عَلَيۡكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ﴿٧﴾

وزیان نیست برتو درآن که پاك نه شود (٧) .

وَأَمَّا مَن جَآءَكَ يَسۡعَىٰ ﴿٨﴾

واماکسی که بیامد پیش توشتابان (٨) .

وَهُوَ يَخۡشَىٰ ﴿٩﴾

وازخدای خودترسان (٩) .

فَأَنتَ عَنۡهُ تَلَهَّىٰ ﴿١٠﴾

پس توازوی غفلت میکنی (١٠) .

(١) نابینائی ازفقراء صحابه بمجلس آنحضرت صلی الله علیه وسلم درآمد وبسوالهای مکرر تشویش داد وآنحضرت صلی الله علیه وسلم درآنحالت به دعوتِ اشراف عرب مشغول بودند پس آنرا مکروه داشتند واعراض نمودند خدای تعالی برخُلق عظیم دلالت فرمود .

كَلَّآ إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ﴿١١﴾	نَی نَی، هرآئینه این آیاتِ قرآن پندست (۱۱) .
فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ﴿١٢﴾	پس هرکه خواهد یاد کند قرآن را (۱۲).
فِى صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ﴿١٣﴾	هرآئینه آیاتِ قرآن ثبت است درنامه های گرامی (۱۳) .
مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ﴿١٤﴾	بلند قدرپاك كرده شده (١٤) .
بِأَيْدِى سَفَرَةٍ ﴿١٥﴾	به دست های نویسندگان (۱۵) .
كِرَامٍۭ بَرَرَةٍ ﴿١٦﴾	بزرگ منش نیکوکردار[1] (١٦) .
قُتِلَ ٱلْإِنسَٰنُ مَآ أَكْفَرَهُۥ ﴿١٧﴾	لعنت کرده شدآدمی را چقدر ناسپاس ست (۱۷) .
مِنْ أَىِّ شَىْءٍ خَلَقَهُۥ ﴿١٨﴾	خدااز چه چیز آفریدش (۱۸).
مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ ﴿١٩﴾	ازنطفهٔ منی آفریدش پس اندازهٔ معین کردش (۱۹) .
ثُمَّ ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ ﴿٢٠﴾	بازراه برآمد آسان نمودش (۲۰) .
ثُمَّ أَمَاتَهُۥ فَأَقْبَرَهُۥ ﴿٢١﴾	بازبمیراندش پس درگور کردش (۲۱) .
ثُمَّ إِذَا شَآءَ أَنشَرَهُۥ ﴿٢٢﴾	بازوقتیکه خواست زنده ساختش (۲۲).
كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَآ أَمَرَهُۥ ﴿٢٣﴾	نی نی، بعمل نیاورد آنچه فرمودش (۲۳) .
فَلْيَنظُرِ ٱلْإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ ﴿٢٤﴾	پس باید که درنگرد آدمی بسوی طعام خود (٢٤) .
أَنَّا صَبَبْنَا ٱلْمَآءَ صَبًّا ﴿٢٥﴾	بسوی آنکه ماریختیم آب را ریختنی (۲۵) .
ثُمَّ شَقَقْنَا ٱلْأَرْضَ شَقًّا ﴿٢٦﴾	بازشگافتیم زمین را شگافتنی (٢٦) .
فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ﴿٢٧﴾	پس رویانیدیم درآن زمین دانه را (۲۷) .
وَعِنَبًا وَقَضْبًا ﴿٢٨﴾	وانگورو سبزی هارا (۲۸) .

(۱) یعنی فرشتگان ازلوح نقل می کنند .

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ﴿٢٩﴾

وزیتون راودرختان خرمارا (٢٩) .

وَحَدَائِقَ غُلْبًا ﴿٣٠﴾

وباغهارا که درختان بسیاردارد (٣٠) .

وَفَاكِهَةً وَأَبًّا ﴿٣١﴾

ومیوه و علف دواب را (٣١) .

مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴿٣٢﴾

برای منفعت شماوچهار پایان شما (٣٢).

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ ﴿٣٣﴾

پس وقتیکه بیاید آوازسخت (٣٣) .

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٤﴾

روزیکه بگریزد مردازبرادر خود (٣٤) .

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾

وازمادر خودوازپدرخود (٣٥) .

وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ ﴿٣٦﴾

واززن خود و فرزندان خود (٣٦) .

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٣٧﴾

هر مردی را ازایشان آن روز شغلیست که کفایت میکندش (٣٧) .

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ﴿٣٨﴾

یکپاره چهره ها آن روز روشن باشد (٣٨) .

ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ ﴿٣٩﴾

خندان وشادان باشد (٣٩) .

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ﴿٤٠﴾

ویکپاره چهره ها آنروز برآن غبار باشد (٤٠) .

تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ﴿٤١﴾

غالب آید بروی تاریکی (٤١) .

أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ ﴿٤٢﴾

این جماعت ایشانند کافران بدکاران (٤٢) .

سُورَةُ التَّكْوِيرِ

سوره تکویر مکی است وآن بیست ونه آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾

وقتیکه خورشید پیچیده شود (١) .

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿٢﴾

ووقتیکه ستارها تیره شوند (٢) .

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ﴿٣﴾

ووقتیکه کوه ها روان کرده شوند (٣) .

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾

ووقتیکه ماده شترِان بارداررامعطل گذاشته شود (٤) .

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾

ووقتیکه جانورانِ وحشی را جمع کرده

	شود (٥) .
وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾	و وقتيكه درياهارا مثل آتش افروخته شود (٦) .
وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿٧﴾	ووقتيكه ارواح راباجسادجمع كرده شود (٧) .
وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ﴿٨﴾	ووقتيكه دخترى را كه زنده درگور كرده بودند پرسيده شود (٨) .
بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾	بكدام گناه كشته شد (٩) .
وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ﴿١٠﴾	ووقتيكه نامه هاى اعمال كشاده شوند (١٠) .
وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿١١﴾	ووقتيكه آسمان را پوست بركنده شود[١] (١١) .
وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ﴿١٢﴾	ووقتيكه دوزخ برافروخته شود (١٢) .
وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ﴿١٣﴾	ووقتيكه بهشت رانزديك ساخته شود (١٣) .
عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ﴿١٤﴾	بداند هرشخص آنچه حاضر ساخته است (١٤) .
فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ﴿١٥﴾	پس قسم ميخورم بستاره هاى بازگردنده (١٥) .
الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ﴿١٦﴾	سير نماينده غائب شونده[٢] (١٦) .
وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ﴿١٧﴾	وقسم به شب چون باز گردد (١٧) .
وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿١٨﴾	وقسم به صبح چون بدمد (١٨) .
إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾	هرآئينه اين قرآن گفتار فرستاده اى است

(١) يعنى سرخ شودمانند برّه كه پوست اوسلخ كرده باشند .

(٢) مترجم گويد زحل و مشترى و مريخ وزهره وعطارد پنج ستاره متحيره اند چون سير كرده بمقامى رسند ازآن بازمى گردند و بمقامى كه طى كرده بودند اقبال نمايند چون وقت قران آيد غائب شوند والله اعلم .

گرامی قدر (١٩) .

ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾

صاحب توانائی باوقارنزدِ خداوند عرش (٢٠) .

مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ﴿٢١﴾

فرمانبرداری کرده شده درملکوتِ آسمان متصف بامانت (٢١) .

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ﴿٢٢﴾

ونیست این یارِشمادیوانه (٢٢) .

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ ﴿٢٣﴾

وهرآئینه یارِشمادیده بود آن فرشته را بکرانه ظاهر آسمان (٢٣) .

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ﴿٢٤﴾

ونیست یارشمابرعلم پنهان بخل کننده (٢٤) .

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿٢٥﴾

ونیست قرآن گفتار شیطان رانده شده (٢٥) .

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ﴿٢٦﴾

پس کجامیروید (٢٦) .

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٢٧﴾

نیست قرآن مگرپند عالمهارا (٢٧) .

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ﴿٢٨﴾

برای هرکه اززمره شما بخواهد که راست کردار شود (٢٨) .

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾

ونمی خواهید مگر وقتیکه بخواهد خدا پروردگارعالم ها (٢٩) .

سوره انفطار مکی است وآن نوزده آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ﴿١﴾

وقتیکه آسمان بشگافد (١) .

وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ﴿٢﴾

ووقتیکه ستارگان ازهم بریزد (٢) .

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿٣﴾

ووقتیکه دریاها روان کرده شود بنهایت شدت (٣) .

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ﴿٤﴾

ووقتیکه گور هارا شگافته شود (٤) .

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ﴿٥﴾

بداند هر نفسی آنچه فرستاده بود و آنچه بازپس گذاشته بود (٥) .

يٰٓاَيُّهَا الْاِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيْمِ ۝٦

ای آدمی چه چیز فریفت ترا به پروردگار بزرگوارتو (٦) .

الَّذِيْ خَلَقَكَ فَسَوّٰىكَ فَعَدَلَكَ ۝٧

آنخدای که بیافرید تراپس درست اندام کرد ترا پس معتدل قامت کردترا (٧) .

فِيْٓ اَيِّ صُوْرَةٍ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ ۝٨

درهرصورتی که خواست ترکیب دادترا (٨) .

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُوْنَ بِالدِّيْنِ ۝٩

نَی نَی، بلکه دروغ می شمریدجزای اعمال را (٩) .

وَاِنَّ عَلَيْكُمْ لَحٰفِظِيْنَ ۝١٠

وهرآئینه برشما گماشته شده اندنگاهبانان (١٠) .

كِرَامًا كَاتِبِيْنَ ۝١١

نویسندگان گرامی قدر(١١) .

يَعْلَمُوْنَ مَا تَفْعَلُوْنَ ۝١٢

میدانند آنچه می کنید (١٢) .

اِنَّ الْاَبْرَارَ لَفِيْ نَعِيْمٍ ۝١٣

هرآئینه نیکوکاران درنعمت باشند (١٣).

وَّاِنَّ الْفُجَّارَ لَفِيْ جَحِيْمٍ ۝١٤

وهرآئینه‌گناهگاران دردوزخ باشند (١٤).

يَّصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّيْنِ ۝١٥

درآیند به دوزخ روزجزای اعمال (١٥).

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَآئِبِيْنَ ۝١٦

ونباشند ازآن جا غائب شده (١٦) .

وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا يَوْمُ الدِّيْنِ ۝١٧

وچه چیز مطلع ساخت تراای آدمی که چیست روزجزا (١٧) .

ثُمَّ مَآ اَدْرٰىكَ مَا يَوْمُ الدِّيْنِ ۝١٨

باز (میگوئیم) چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست روزجزا (١٨) .

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْـًٔا ۗ وَالْاَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِّلّٰهِ ۝١٩

روز یست که نتواند هیچکس برای هیچکس هیچ فائده رسانیدن وفرمان آن روز خدارا باشد (١٩) .

سوره مطففين مكى است وآن سى وشش آيت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِيْنَ ۝١

وای برحقوق مردم کاهندگان (١) .

الَّذِيْنَ إِذَا اكْتَالُوْا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُوْنَ ۝٢

آنانکه چون برای خود پیمانه ازمردمان به سختی تمام بگیرند (۲) .

وَإِذَا كَالُوْهُمْ أَوْ وَّزَنُوْهُمْ يُخْسِرُوْنَ ۝٣

وچون خواهند که پیمانه بدهند ایشانرا یاسنجیده بدهند ایشان را زیان رسانند (۳) .

أَلَا يَظُنُّ أُولٰٓئِكَ أَنَّهُمْ مَّبْعُوْثُوْنَ ۝٤

آیا نمیدانند این جماعت که ایشان برانگیخته خواهند شد (٤) .

لِيَوْمٍ عَظِيْمٍ ۝٥

درروز بزرگ (٥) .

يَّوْمَ يَقُوْمُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝٦

روزیکه ایستاده شوند مردمان پیش پروردگار عالم ها (٦) .

كَلَّآ إِنَّ كِتٰبَ الْفُجَّارِ لَفِيْ سِجِّيْنٍ ۝٧

حقا هرآئینه نامۀ اعمال گنهگاران داخل شود درسجین (۷) .

وَمَآ أَدْرٰىكَ مَا سِجِّيْنٌ ۝٨

وچه چیز مطلع ساخت ترا که چیست سجین (۸) .

كِتٰبٌ مَّرْقُوْمٌ ۝٩

کتابیست نوشته شده (۹) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ۝١٠

وای آن روزدروغ شمارندگان را (۱۰) .

الَّذِيْنَ يُكَذِّبُوْنَ بِيَوْمِ الدِّيْنِ ۝١١

آنانکه به دروغ نسبت میکنند روز جزارا (۱۱) .

وَمَا يُكَذِّبُ بِهٖٓ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيْمٍ ۝١٢

ودروغ نمی شُمُرَدآن را مگر هرستمگار گنهکار (۱۲) .

إِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِ اٰيٰتُنَا قَالَ أَسَاطِيْرُ الْأَوَّلِيْنَ ۝١٣

چون خوانده شود بروی آیاتِ ما گوید افسانه های پیشینیان ست (۱۳) .

كَلَّا بَلْ ۜ رَانَ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ مَّا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ۝١٤

هرگز، بلکه زنگ بسته است بردل های ایشان آنچه می کردند (١٤) .

كَلَّآ إِنَّهُمْ عَنْ رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوْبُوْنَ ۝١٥

نَی نَی، هرآئینه ایشان ازدیدار پروردگار خویش آنروز محجوب باشند (١٥) .

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيْمِ ۝١٦

بازهرآئینه ایشان درآیندگان دوزخ باشند (١٦) .

ثُمَّ يُقَالُ هٰذَا الَّذِيْ كُنْتُمْ بِهٖ تُكَذِّبُوْنَ ﴿١٧﴾

باز گفته شود ایشان را اینست آنچه شما آنرا دروغ شمردید (۱۷) .

كَلَّآ اِنَّ كِتٰبَ الْاَبْرَارِ لَفِيْ عِلِّيِّيْنَ ﴿١٨﴾

حقا هرآئینه نامهٔ اعمال نیکوکاران داخل شود درعلّیین (۱۸) .

وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا عِلِّيُّوْنَ ﴿١٩﴾

و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست علیون (۱۹) .

كِتٰبٌ مَّرْقُوْمٌ ﴿٢٠﴾

کتابیست نوشته شده (۲۰) .

يَّشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُوْنَ ﴿٢١﴾

که حاضر شوند نزدیك آن مقربین بارگاه الهی (۲۱) .

اِنَّ الْاَبْرَارَ لَفِيْ نَعِيْمٍ ﴿٢٢﴾

هرآئینه نیکوکاران درنعمت باشند (۲۲) .

عَلَى الْاَرَآئِكِ يَنْظُرُوْنَ ﴿٢٣﴾

بر تختهانشسته نظر میکنند بهر جانب (۲۳) .

تَعْرِفُ فِيْ وُجُوْهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيْمِ ﴿٢٤﴾

بشناسی در چهره های ایشان تازگی نعمت (۲٤) .

يُسْقَوْنَ مِنْ رَّحِيْقٍ مَّخْتُوْمٍ ﴿٢٥﴾

نوشانیده شود ایشان راازشراب خالص (۲۵) .

خِتٰمُهٗ مِسْكٌ ۗ وَفِيْ ذٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنٰفِسُوْنَ ﴿٢٦﴾

سربمهرمگر بجای موم مهراومُشك باشد وبهمین شراب پاك باید که رغبت کنند رغبت کنند گان (۲٦) .

وَمِزَاجُهٗ مِنْ تَسْنِيْمٍ ﴿٢٧﴾

وآمیختنی آن از آب تسنیم باشد (۲۷) .

عَيْنًا يَّشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُوْنَ ﴿٢٨﴾

(مراد میدارم) چشمه ای که می نوشند ازآن مقربین خدا (۲۸) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اَجْرَمُوْا كَانُوْا مِنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يَضْحَكُوْنَ ﴿٢٩﴾

هرآئینه گنه گاران به مسلمانان می‌خندیدند (۲۹) .

وَاِذَا مَرُّوْا بِهِمْ يَتَغَامَزُوْنَ ﴿٣٠﴾

وچون میگذشتند بمسلمانان بایکدیگر چشم میزدند حقارت کرده (۳۰) .

وَاِذَا انْقَلَبُوْٓا اِلٰٓى اَهْلِهِمُ انْقَلَبُوْا فَكِهِيْنَ ﴿٣١﴾

وچون بازمی گشتند باهل خانهٔ خود بازمی گشتند شادمان شده (۳۱) .

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوٓا إِنَّ هٰٓؤُلَآءِ لَضَآلُّونَ ﴿٣٢﴾

وچون میدیدند مسلمانان رامیگفتند هرآئینه ایشان گمراهانند (٣٢) .

وَمَآ أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حٰفِظِينَ ﴿٣٣﴾

ونگاهبانان فرستاده نه شده بودند برسرمسلمانان (٣٣) .

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ اٰمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٤﴾

پس امروز مسلمانان برکافران میخندند (٣٤) .

عَلَى الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٣٥﴾

برتخت هانشسته نظر میکنند بهر جانب (٣٥) .

هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

آیا جزاداده شد کافران را بحسب آنچه میکردند (٣٦) .

سوره انشقاق مکی است وآن بیست وپنج آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

إِذَا السَّمَآءُ انْشَقَّتْ ﴿١﴾

وقتیکه آسمان بشگافد (١) .

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٢﴾

وگوش کند فرمان پروردگارخودرا آسمان سزاوارِ گوش کردن ست (٢) .

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿٣﴾

ووقتیکه زمین کشیده شود (٣) .

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾

وبیرون اندازدآنچه درآن باشدوخالی شود[1] (٤) .

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾

وگوش کند فرمان پروردگارخودرا وزمین سزاوارِ گوش کردن ست (یعنی حساب روزآخرت بودنی ست) (٥) .

يٰٓأَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلٰى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلٰقِيهِ ﴿٦﴾

ای آدمی هرآئینه توکار کننده ای تاملاقاتِ پروردگار خود بکوششِ تمام پس ملاقات خواهی کرد باپروردگارخود (٦) .

(١) یعنی اموات را بیرتابد والله اعلم .

فَاَمَّا مَنْ اُوْتِیَ کِتٰبَهٗ بِیَمِیْنِهٖ ﴿٧﴾

پس اما هرکه داده شد اورانامهٔ اعمال اوبدست راستش (٧) .

فَسَوْفَ یُحَاسَبُ حِسَابًا یَّسِیْرًا ﴿٨﴾

پس باوحساب کرده شود حساب آسان (٨) .

وَّیَنْقَلِبُ اِلٰۤی اَهْلِهٖ مَسْرُوْرًا ﴿٩﴾

وبازگردد بسوی اهل خانهٔ خود شادمان شده (٩) .

وَاَمَّا مَنْ اُوْتِیَ کِتٰبَهٗ وَرَآءَ ظَهْرِهٖ ﴿١٠﴾

واماهرکه داده شداورانامهٔ اعمال اواز پس پشتش (١٠) .

فَسَوْفَ یَدْعُوْا ثُبُوْرًا ﴿١١﴾

پس یاد خواهد کردهلاك را (١١) .

وَّیَصْلٰی سَعِیْرًا ﴿١٢﴾

ودرخواهدآمد به دوزخ (١٢) .

اِنَّهٗ کَانَ فِیْۤ اَهْلِهٖ مَسْرُوْرًا ﴿١٣﴾

هرآئینه اوبود به دنیا دراهل خانهٔ خود شادمان (١٣) .

اِنَّهٗ ظَنَّ اَنْ لَّنْ یَّحُوْرَ ﴿١٤﴾

هرآئینه گمان کرده بود که رجوع نه کند بسوی خدایتعالی (١٤) .

بَلٰۤی ۚ اِنَّ رَبَّهٗ کَانَ بِهٖ بَصِیْرًا ﴿١٥﴾

آری (رجوع کردن متحقق ست) هرآئینه پروردگاراوبود باحوال اوبینا (١٥) .

فَلَاۤ اُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ﴿١٦﴾

پس سوگند میخورم بسرخی کنارهٔ آسمان اوّل شب (١٦) .

وَالَّیْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾

وقسم میخورم بشب وآنچه شب آنراجمع کرده است (١٧) .

وَالْقَمَرِ اِذَا اتَّسَقَ ﴿١٨﴾

وقسم میخورم بماه چون تمام شود (١٨) .

لَتَرْکَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ﴿١٩﴾

خواهید رسیدبحالی بعد حالی[1] (١٩) .

فَمَا لَهُمْ لَا یُؤْمِنُوْنَ ﴿٢٠﴾

پس چیست این کافران را که ایمان نمی آرند (٢٠) .

وَاِذَا قُرِئَ عَلَیْهِمُ الْقُرْاٰنُ لَا یَسْجُدُوْنَ ﴿٢١﴾

وچون خوانده شود برایشان قرآن سجده

(١) یعنی هول موت بعد ازآن سوالِ منکرونکیر بعد ازآن حشر و حساب و مروربر صراط بعد ازآن دوزخ یا بهشت والله اعلم .

نمی کنند (٢١) .

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿٢٢﴾

بلکه این کافران دروغ می شمرند (٢٢) .

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٣﴾

وخداداناترست بآنچه دردل خودنگاه میدارند (٢٣) .

فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٤﴾

پس خبرکن ایشان را بعذاب درد دهنده (٢٤) .

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٢٥﴾

لیکن آنانکه ایمان آوردند وکردار های شائسته کردند ایشان راست مزدبی نهایت (٢٥) .

سورة البروج

سوره بروج مکی است وآن بیست ودوآیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ﴿١﴾

قسم بآسمانِ دارای برجها[1] (١) .

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ﴿٢﴾

وقسم به روز موعود[2] (٢) .

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ﴿٣﴾

وقسم به روزیکه درهفته[3] حاضر میشود (٣) .

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ﴿٤﴾

هلاك کرده شدند اهل خندق ها (٤) .

النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ ﴿٥﴾

ازقسمِ آتش دارای هیزم بسیار (٥) .

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ﴿٦﴾

وقتیکه ایشان برکنارۀ آن خندق ها نشسته بودند (٦) .

وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ﴿٧﴾

وایشان بآنچه میکردند بامسلمانان حاضر بودند (٧) .

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٨﴾

وعیب نکردند ازایشان مگر این خصلت

(١) یعنی برج دوازده گان .

(٢) یعنی روز قیامت .

(٣) یعنی روز جمعه و قسم بروزیکه حاجیان بآنروز حاضر میشوند یعنی روز عرفه هرآئینه مجازات متحقق ست .

الَّذِیْ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَ اللّٰهُ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ شَهِیْدٌ ۙ (۹)

را که ایمان آرند بخدا غالب ستوده کار (۸) .

آنکه اوراست پادشاهی آسمان هاوزمین وخدا برهمه چیز مطلع ست[1] (۹) .

اِنَّ الَّذِیْنَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمُؤْمِنٰتِ ثُمَّ لَمْ یَتُوْبُوْا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِیْقِ ؕ (۱۰)

هرآئینه آنانکه عقوبت کردند مردان مسلمانان را وزنان مسلمانان را بازتوبه نه نمودند پس ایشان راست عذاب دوزخ وایشان راست عذاب سوختن (۱۰)

اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَ عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ جَنّٰتٌ تَجْرِیْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ؕ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِیْرُ ؕ (۱۱)

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند و کردار های شائسته کردند ایشانراست بوستانها میرودزیر آن جویها اینست پیروزی بزرگ (۱۱) .

اِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِیْدٌ ؕ (۱۲)

هر آئینه گرفتِ پروردگارتو سخت ست (۱۲) .

اِنَّهٗ هُوَ یُبْدِئُ وَ یُعِیْدُ ۚ (۱۳)

هرآئینه اوآفرینش نومیکند و آفرینش دوباره میکند (۱۳) .

وَ هُوَ الْغَفُوْرُ الْوَدُوْدُ ۙ (۱۴)

واوست آمرزگاردوستدار (۱٤) .

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِیْدُ ۙ (۱۵)

اوخداوند عرش گرامیقدرست (۱۵) .

فَعَّالٌ لِّمَا یُرِیْدُ ؕ (۱۶)

بسیار کننده است هرچیزی را که خواهد (۱٦) .

هَلْ اَتٰىكَ حَدِیْثُ الْجُنُوْدِ ۙ (۱۷)

آیاآمده است به توخبر لشکر ها (۱۷) .

فِرْعَوْنَ وَ ثَمُوْدَ ؕ (۱۸)

که فرعون وثمودباشند (۱۸) .

بَلِ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا فِیْ تَكْذِیْبٍ ۙ (۱۹)

بلکه کافران دردروغ شمردن اند (۱۹) .

وَّ اللّٰهُ مِنْ وَّرَآئِهِمْ مُّحِیْطٌ ۚ (۲۰)

و خدا از گردا گرد ایشان گیرنده

---

(۱) مترجم گوید پادشاهی جباری رعیت خودرا تکلیف کفر کرد و چون کافر نشدند خندقهارا بآتش پر کرد و ایشانرا بآتش افگند خدای تعالی آن آتش رابر پادشاه وهم نشینان او مسلط ساخت تاازخندق پریده همه را پاك بسوخت والله اعلم .

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ ﴿٢١﴾
فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾
وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾
النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾
إِن كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾
فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾
خُلِقَ مِن مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾
يَخْرُجُ مِن بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾
إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾
يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾
فَمَا لَهُ مِن قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾
وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾
وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾

است (٢٠) .
بلکه این قرآن گرامیقدرست (٢١) .
نوشته شده درلوح محفوظ (٢٢) .

سوره طارق مکی است وآن هفده آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .
قسم بآسمان وقسم بچیزیکه وقت شب پدیدمی آید (١) .
وچه چیز مطلع ساخت ترا که چه چیزبوقت شب پدید آینده است(٢) .
آن ستاره درخشنده است(٣) .
نیست هیچ شخص مگر بروی فرشته نگهبانی کننده است (٤) .
پس باید که ببیند آدمی ازچه چیز آفریده شده (٥) .
آفریده شده است ازآب جهنده (٦) .
که برمی آید ازمیان پشت (مرد) واستخوان های سینه (زن) (٧) .
هرآئینه خدا بردیگر بار آفریدن آدمی تواناست (٨) .
روزیکه امتحان کرده شود ضمیر های مردمانرا (٩) .
پس نباشد آدمی را طاقتی ونباشد نصرت دهنده (١٠) .
قسم بآسمان خداوندِ باران (١١) .
وقسم بزمین صاحب شگافتن[1] (١٢) .

(١) یعنی تادانه بیرون آید .

إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ﴿١٣﴾

هرآئینه قرآن سخن واضح ست (١٣) .

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿١٤﴾

ونیست قرآن سخن بیهوده (١٤) .

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾

هرآئینه کافران بداندیشی میکنند یکطور بداند یشی کردنی (١٥) .

وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾

ومن نیز تدبیر میکنم یکطور تدبیر کردنی[1] (١٦) .

فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا ﴿١٧﴾

پس مهلت ده کافران را فروگذار ایشان رااندکی (١٧) .

سوره اعلی مکی است وآن نوزده آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿١﴾

بپاکی یادکن نام پروردگار بزرگوار خودرا (١) .

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٢﴾

آنکه بیافریدپس درست اندام کرد (٢) .

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ ﴿٣﴾

وآنکه اندازه کرد پس راه نمود[2] (٣) .

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ ﴿٤﴾

وآنکه برآورده گیاه تازه را (٤) .

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ ﴿٥﴾

بازساخت آنرا خشك شده سیاه گشته (٥) .

سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَىٰ ﴿٦﴾

قرآن تعلیم خواهیم کرد تراپس فراموش نخواهی کرد (٦) .

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۚ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ ﴿٧﴾

مگر آنچه خداخواسته است هرآئینه خدا میداند آشکار وپنهان را[3] (٧) .

---

(١) واین وعده روز بدرمتحقق شد .

(٢) یعنی جمیع مخلوقات را اندازه کرده بحسب آن اندازه در مخلوقات تصرف فرمودتاهمان صورت بر روی کارآمد پس این تصرف را بهدایت تعبیر فرمود والله اعلم.

(٣) مترجم گوید فراموش گردانیدن این آیت از خاطر مبارك آن حضرت صلی الله علیه وسلم نوعی ازنسخ ست والله اعلم .

وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ ﴿٨﴾
فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَىٰ ﴿٩﴾
سَيَذَّكَّرُ مَن يَخْشَىٰ ﴿١٠﴾
وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿١١﴾
الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَىٰ ﴿١٢﴾
ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ﴿١٣﴾
قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّىٰ ﴿١٤﴾
وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ ﴿١٥﴾
بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿١٦﴾
وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ﴿١٧﴾
إِنَّ هَٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ﴿١٨﴾
صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ ﴿١٩﴾

وتوفيق خواهيم دادترابمعرفتِ شريعتِ آسان (٨) .
پس پندده ا گرسود كند پنددادن (٩) .
پند خواهدگرفت هركه مى ترسد (١٠) .
واجتناب مى‌كنند ازآن پندبدبخت ترين مردمان (١١) .
آنكه خواهد درآيد بآتش بزرگ (١٢) .
باز نميرد آنجا ونه زنده باشد (١٣) .
هرآئينه رستگارشد هركه پاك شد (١٤) .
وياد كرد نام پروردگارخودرا پس نماز گذارد (١٥) .
بلكه اختيار ميكنيد زندگانى اين جهان را (١٦) .
وآخرت بهترست وپاينده تر (١٧) .
هرآئينه اين مقدمه مذكور بوددر صحيفه هاى نخستين (١٨) .
صحيفه هاى ابراهيم وموسىٰ (١٩) .

سوره غاشيه مكى است وآن بيست وشش آيت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ﴿١﴾
وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ﴿٢﴾
عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ﴿٣﴾
تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾
تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ ﴿٥﴾
لَّيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٍ ﴿٦﴾

آيا آمده است به تو خبر قيامت (١) .
يك عدهٔ چهره ها آنروزخوار باشند (٢) .
كار كننده محنت كشنده باشند (٣) .
درآيند بآتش افروخته شده (٤) .
آب نوشانيده شوند از چشمهٔ نهايت گرم (٥) .
نباشد ايشانرا هيچ طعامى مگر از ضريع (٦) .

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِن جُوعٍ ۝٧
که فربه نکند ودفع گرسنگی نه نماید[1] (٧) .

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ ۝٨
یك عدهٔ چهره ها آنروز تازه باشند (٨) .

لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ۝٩
به سعی خودرضا مند شده باشند (٩) .

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝١٠
دربهشت عالی (١٠) .

لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً ۝١١
نه شنوی آنجاهیچ سخن بیهوده (١١) .

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۝١٢
درآن جاچشمهٔ روان باشد (١٢) .

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ۝١٣
درآن جاتخت های بلند باشد (١٣) .

وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ ۝١٤
وکوزه های نهاده شده (١٤) .

وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ۝١٥
وبالشهای برابر یکدیگر گذاشته (١٥) .

وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ۝١٦
وفرش های نفیس پهن کرده (١٦) .

أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ۝١٧
آیانه می نگرند بسوی شتران چگو نه آفریده شدند (١٧) .

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ۝١٨
وبسوی آسمان چگونه برداشته شد (١٨) .

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ۝١٩
وبسوی کوه ها چگونه برافراشته شد (١٩) .

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ۝٢٠
وبسوی زمین چگونه پهن کرده شد (٢٠) .

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنتَ مُذَكِّرٌ ۝٢١
پس پندده جزاین نیست که توپند دهنده ای (٢١) .

لَّسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ ۝٢٢
نیستی برایشان گماشته شده (٢٢) .

إِلَّا مَن تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ ۝٢٣
لیکن هرکه روبگرداند وکافرشود (٢٣) .

فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ۝٢٤
پس عذاب کندش خدا به عقوبت بزرگ (٢٤) .

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ۝٢٥
هرآئینه بسوی ماست رجوع ایشان (٢٥) .

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُم ۝٢٦
بازهرآئینه برماست حساب ایشان (٢٦) .

---

(١) ضریع نام گیاه خاردارست .

سُوْرَةُ الْفَجْرِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

وَالْفَجْرِ ① وَلَيَالٍ عَشْرٍ ② وَّالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ③ وَالَّيْلِ اِذَا يَسْرِ ④ هَلْ فِيْ ذٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِيْ حِجْرٍ ⑤ اَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ⑥ اِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ⑦ الَّتِيْ لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ⑧ وَثَمُوْدَ الَّذِيْنَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ⑨ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْاَوْتَادِ ⑩ الَّذِيْنَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ⑪ فَاَكْثَرُوْا فِيْهَا الْفَسَادَ ⑫

سوره فجر مکی است وآن سی آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قسم بصبح (١) .

وبشب های ده گانه[١] (٢) .

وقسم بجفت وطاق[٢] (٣) .

وقسم به شب چون روان شود (٤) .

آیادرین مقدمه سوگندی معتبر هست صاحب خردرا[٣] (٥) .

آیاندیدی که چگو نه معامله کرد پروردگار تو باقوم عاد (٦) .

ارم خداوندان قدهای بلند (٧) .

که آفریده نشده است مانند آن درشهرها (٨) .

وچگونه معامله کرد باقوم ثمود که تراشیده بودند سنگهای بزرگ را دروادیِ قریٰ (٩) .

وچگونه معامله کرد بافرعون صاحب میخها[٤] (١٠) .

همه این جماعتها آنانکه سرکشی کردند درشهر ها (١١) .

پس بسیار بعمل آوردند درآنجافساد را (١٢) .

---

(١) یعنی عشرهٔ ذوالحجه .

(٢) یعنی بعض نماز جفت ست و بعض طاق .

(٣) که خدا جزادهندهٔ بندگان است براعمال ایشان .

(٤) یعنی به چهار میخ بسته عقوبت میکرد .

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿١٣﴾

پس بریخت برسرایشان پروردگار تویك دفعه عذاب (١٣) .

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾

هرآئینه پروردگار توبه کمین گاه است (١٤) .

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾

پس اماآدمی چون امتحان کندش پروردگار اوپس گرامی کندش ونعمت دهدش پس گوید پروردگار من گرامی ساخت مرا (١٥) .

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ﴿١٦﴾

واما چون امتحان کندش پس تنگ سازد بروی رزق وی را گوید پروردگار من حقارت کرد مرا (١٦) .

كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾

هرگز، بلکه‌گرامی نمیدارید یتیم را (١٧) .

وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿١٨﴾

ویکدیگررا رغبت نمیدهید برطعام دادن فقیر (١٨) .

وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا ﴿١٩﴾

ومیخورید مال میراث را خوردن بسیار[1] (١٩) .

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾

ودوست میدارید مال رادوست داشتن بسیار[2] (٢٠) .

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾

نَی نَی، چون پست کرده شود بلندی زمین را پست کردن بعد پست کردن[3] (٢١) .

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾

وبیاید پروردگار تو وبیایند فرشتگان صف صف شده (٢٢) .

---

(١) یعنی زنان و یتیما نراحق ایشان نمید هید وحق ایشان را بمال خود جمع می کنید.

(٢) یعنی اسباب اکرام الهی در اکرام یتیم واطعام مسکین ست آنرامی باید کردوشما باین صفت هستید که یتیمان راحق ایشان نمی دهید وحق ایشانرا بمال خود جمع میکنید .

(٣) یعنی جبال واتلال را باسائر ارض برابر کرده شود .

وَجِاْيْٓءَ يَوْمَئِذٍۭ بِجَهَنَّمَ ۙ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْاِنْسَانُ وَاَنّٰى لَهُ الذِّكْرٰى ﴿٢٣﴾

وآورده شود آنروز دوزخ را، آنروز یادکند آدمی وکجاباشد اورانفع آن یادکردن (٢٣) .

يَقُوْلُ يٰلَيْتَنِيْ قَدَّمْتُ لِحَيَاتِيْ ﴿٢٤﴾

گوید ای کاش من می فرستادم عملِ نیك برای این زندگانیِ جاودانیِ خویش (٢٤) .

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهٗٓ اَحَدٌ ﴿٢٥﴾

پس آنروز عقوبت نکند مانند عقوبت خدا هیچکس (٢٥) .

وَّلَا يُوْثِقُ وَثَاقَهٗٓ اَحَدٌ ﴿٢٦﴾

وبزنجیر نبندد مانند بستن او هیچکس (٢٦)[1] .

يٰٓاَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾

(گفته شودروحِ مومن راوقتِ مرگ) ای نفس آرام گیرنده (٢٧) .

ارْجِعِيْٓ اِلٰى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾

باز گرد بسوی پروردگارخویش توخوشنود شده وازتونیز خوشنود گشته (٢٨) .

فَادْخُلِيْ فِيْ عِبٰدِيْ ﴿٢٩﴾

پس درآی بزمرهٔ بندگان خاص من (٢٩) .

وَادْخُلِيْ جَنَّتِيْ ﴿٣٠﴾

ودرآی به بهشت من (٣٠) .

سوره بلد مکی است وآن بیست آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

لَآ اُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ ﴿١﴾

قسم میخورم باین شهر (یعنی مکه مبارك) (١) .

وَاَنْتَ حِلٌّۢ بِهٰذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾

وتوحلال خواهی شد باین شهر[2] (٢) .

وَوَالِدٍ وَّمَا وَلَدَ ﴿٣﴾

وقسم میخورم بزاینده وبهرچه زاده است[3] (٣) .

لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِيْ كَبَدٍ ﴿٤﴾

هرآئینه آفریدیم آدمی رادرمشقت[4] (٤) .

---

(١) بوجهی واقع شود که هیچ کس غیراوبرآن قادر نیست والله اعلم .
(٢) یعنی تراقتال درمکه حلال خواهد شد .
(٣) یعنی آدم وجمیع ذریت او .
(٤) یعنی عادت آدمی ست که بقوت خود فخر کند ونه بیند که چه قدر ناتوانی ها =

أَيَحْسَبُ أَن لَّن يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾

آیا گمان می کند آدمی که قادرنه شود بروی هیچکس (٥) .

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُّبَدًا ﴿٦﴾

میگوید خرج کردم مال توبرتو (٦) .

أَيَحْسَبُ أَن لَّمْ يَرَهُ أَحَدٌ ﴿٧﴾

آیامی پندارد که ندیده است اورا هیچکس (٧) .

أَلَمْ نَجْعَل لَّهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾

آیانیا فریده ایم برای اودوچشم را (٨) .

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾

وزبان را ودولب را (٩) .

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾

ودلالت کردیم اورا بردوراه[1] (١٠) .

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿١١﴾

پس درنیامد گزرگاه سخت (١١) .

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾

وچه چیز مطلع ساخت ترا که چیست گزرگاه سخت[2] (١٢) .

فَكُّ رَقَبَةٍ ﴿١٣﴾

خلاص کردن برده (١٣) .

أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾

یاطعام دادن بروز گرسنگی (١٤) .

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾

یتیم صاحب قرابت را (١٥) .

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾

یافقیر صاحب خاکساری را (١٦) .

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾

بعدازآن باشد ازآنانکه ایمان آوردند وبایکدیگر وصیت کردند به شکیبائی وبایکدیگر وصیت کردند به شفقت برخلق خدا (١٧) .

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿١٨﴾

این جماعت ایشانند اهل نیک بختی (١٨) .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾

وآنانکه کافرشدند بآیاتِ ماایشانند اهل بدبختی (١٩) .

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤْصَدَةٌ ﴿٢٠﴾

برایشان آتشی گماشته شود ازهرجهت گردآورده شده (٢٠) .

= میکشد و نیز ببذل مال فخر کندونمی داندکه خدا اورامی بیند که بغایت حقیر و بخیل ست .

(١) یعنی خیر و شر .

(٢) یعنی بحقیقت قوت آنست که این اعمال بجاآرد .

سُورَةُ الشَّمْسِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحٰهَا ۝١
وَالْقَمَرِ اِذَا تَلٰهَا ۝٢
وَالنَّهَارِ اِذَا جَلّٰهَا ۝٣
وَالَّيْلِ اِذَا يَغْشٰهَا ۝٤
وَالسَّمَآءِ وَمَا بَنٰهَا ۝٥
وَالْاَرْضِ وَمَا طَحٰهَا ۝٦
وَنَفْسٍ وَّمَا سَوّٰهَا ۝٧
فَاَلْهَمَهَا فُجُوْرَهَا وَتَقْوٰهَا ۝٨
قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زَكّٰهَا ۝٩
وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسّٰهَا ۝١٠
كَذَّبَتْ ثَمُوْدُ بِطَغْوٰهَا ۝١١
اِذِ انْۢبَعَثَ اَشْقٰهَا ۝١٢
فَقَالَ لَهُمْ رَسُوْلُ اللّٰهِ نَاقَةَ اللّٰهِ وَسُقْيٰهَا ۝١٣
فَكَذَّبُوْهُ فَعَقَرُوْهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْۢبِهِمْ

سوره شمس مکی است وآن پانزده آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قسم به خورشید وروشنیِ او (١) .

وقسم بماه چون ازپی آفتاب درآید[١] (٢) .

وقسم بروز چون نمایان کند آفتاب را (٣) .

وقسم به شب چون بپوشاند آفتاب را (٤) .

وقسم بآسمان وبناکردنِ خدااورا (٥) .

وقسم بزمین وهموار ساختنِ خدااورا (٦) .

وقسم به نفس آدمی ودرست اندام نمودن خدااورا (٧) .

پس انداخت خدا دردلش شناخت گناه اورا وتقوای اورا (٨) .

هرآئینه رستگارشد هرکه پاك ساخت نفس را (٩) .

وهرآئینه زیانکار شدهر که باسفل السافلین بردآنرا (١٠) .

دروغ شمردند قوم ثمود بسبب سرکشی خود (١١) .

وقتیکه برخاست بدبخت ترین آن قوم (١٢) .

پس گفت ایشانرا پیغامبر خدا بگذاریدماده شتریرا که آفریده است ومتعرض نشوید آب خوردنِ اورا (١٣) .

پس دروغگو شمردند پیغامبررا پس

---

(١) یعنی بشب چهاردهم .

فَسَوّٰىهَا ﴿۱۴﴾

بکشتنند ماده شتر را پس عقوبت فرودآوردبرایشان پروردگار ایشان بسبب معصیت ایشان پس هموار کرد عقوبت را برسرایشان[1] (١٤) .

وَلَا يَخَافُ عُقْبٰهَا ﴿۱۵﴾

وخدا نمی‌ترسد ازآنجام آن عقوبت (١٥) .

سُوْرَةُ الَّيْلِ

سوره لیل مکی است وآن بیست ویك آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى ﴿۱﴾

قسم به شب چون بپوشاند (١) .

وَالنَّهَارِ اِذَا تَجَلّٰى ﴿۲﴾

وقسم بروز چون ظاهر شود (٢) .

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْاُنْثٰٓى ﴿۳﴾

وقسم بذاتیکه آفرید نر وماده را (٣) .

اِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتّٰى ﴿۴﴾

که هرآئینه سعی شمامختلف ست (٤) .

فَاَمَّا مَنْ اَعْطٰى وَاتَّقٰى ﴿۵﴾

پس اماهر که عطا کرد وپرهیزگاری نمود (٥) .

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنٰى ﴿۶﴾

وباورداشت پاداش نیك را (٦) .

فَسَنُيَسِّرُهٗ لِلْيُسْرٰى ﴿۷﴾

پس توفیق دهیم اورابرای رسیدن به سرای آسائش (٧) .

وَاَمَّا مَنْۢ بَخِلَ وَاسْتَغْنٰى ﴿۸﴾

واماهرکه بخل کردو خودرا بی نیاز شمرد (٨) .

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنٰى ﴿۹﴾

وبه دروغ نسبت کرد پاداش نیك را (٩) .

فَسَنُيَسِّرُهٗ لِلْعُسْرٰى ﴿۱۰﴾

پس توفیق دهیم اورا برای رسیدن به سرای دشواری (١٠) .

وَمَا يُغْنِيْ عَنْهُ مَالُهٗٓ اِذَا تَرَدّٰى ﴿۱۱﴾

وهیچ دفع نکند ازوی مال او وقتیکه نگونسار افتد (١١) .

اِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدٰى ﴿۱۲﴾

هرآئینه برمالازم ست راه نمودن او (١٢) .

وَاِنَّ لَنَا لَلْاٰخِرَةَ وَالْاُوْلٰى ﴿۱۳﴾

وهرآئینه برای ماست آن جهان واین

(١) یعنی به همه رسانید .

فَاَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظّٰى ﴿١٤﴾

جهان (١٣) .
پس ترسانیدم شمارا ازآتشی که شعله میزند (١٤) .

لَا يَصْلٰىهَآ اِلَّا الْاَشْقَى ﴿١٥﴾

درنیاید بآن آتش مگر بدبخت ترین آدم (١٥) .

الَّذِيْ كَذَّبَ وَتَوَلّٰى ﴿١٦﴾

انکه دروغ شمرد و روگردان شد (١٦) .

وَسَيُجَنَّبُهَا الْاَتْقَى ﴿١٧﴾

ویکسو داشته خواهد شدازآن آتش پرهیزگار ترین مردم(١٧) .

الَّذِيْ يُؤْتِيْ مَالَهٗ يَتَزَكّٰى ﴿١٨﴾

آنکه میدهد مال خودرا تاپاك نفس گردد (١٨) .

وَمَا لِاَحَدٍ عِنْدَهٗ مِنْ نِّعْمَةٍ تُجْزٰٓى ﴿١٩﴾

ونیست هیچ کس را نزد او نعمتی که جزاداده شود (١٩) .

اِلَّا ابْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْاَعْلٰى ﴿٢٠﴾

لیکن میدهدبه طلب رضای پروردگار خود (٢٠) .

وَلَسَوْفَ يَرْضٰى ﴿٢١﴾

وهرآئینه خوشنود خواهد شد (٢١) .

سورة الضحٰى

سوره ضحی مکی است وآن یازده آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالضُّحٰى ﴿١﴾

[1] قسم بوقت چاشت (١) .

وَالَّيْلِ اِذَا سَجٰى ﴿٢﴾

وقسم به شب چون بپوشد (٢) .

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلٰى ﴿٣﴾

فرونگذاشت ترا پروردگار تووخشم نگرفته است (٣) .

وَلَلْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْاُوْلٰى ﴿٤﴾

و هرآئینه آخرت بهتر خواهد بود تراازدنیا (٤) .

وَلَسَوْفَ يُعْطِيْكَ رَبُّكَ فَتَرْضٰى ﴿٥﴾

والبته نعمت خواهد دادترا پروردگارتو پس خوشنود خواهی شد (٥) .

(١) مترجم گوید که چندروزوحی نیامده بود کفار گفتند وَدَّعَهُ رَبُّهُ وَقَلَاهُ خدای تعالی برای تسلی این سوره فروفرستاد .

أَلَمۡ يَجِدۡكَ يَتِيمٗا فَـَٔاوَىٰ ٦

آیا یتیم نیافت ترا پس جای داد (٦) .

وَوَجَدَكَ ضَآلّٗا فَهَدَىٰ ٧

ویافت تراراه گم کرده[1] پس راه نمود (٧) .

وَوَجَدَكَ عَآئِلٗا فَأَغۡنَىٰ ٨

و یافت تراتنگدست پس توانگر ساخت (٨) .

فَأَمَّا ٱلۡيَتِيمَ فَلَا تَقۡهَرۡ ٩

پس امایتیم را پس ستم مکن (٩) .

وَأَمَّا ٱلسَّآئِلَ فَلَا تَنۡهَرۡ ١٠

واما سائل را پس بسختی مران (١٠) .

وَأَمَّا بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثۡ ١١

وامابه نعمت پروردگارخود پس خبرده (١١) .

سُورَةُ الشَّرۡحِ

سوره انشراح مکی است وآن هشت آیت است

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

أَلَمۡ نَشۡرَحۡ لَكَ صَدۡرَكَ ١

آیا کشاده نه کرده ایم برای توسینٔه ترا (١).

وَوَضَعۡنَا عَنكَ وِزۡرَكَ ٢

ودورکردیم ازتو بارترا (٢) .

ٱلَّذِيٓ أَنقَضَ ظَهۡرَكَ ٣

آن بارکه گران کرده بود پشت ترا (٣) .

وَرَفَعۡنَا لَكَ ذِكۡرَكَ ٤

وبلند ساختیم برای توثنای ترا (٤) .

فَإِنَّ مَعَ ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرًا ٥

پس هرآئینه پس از دشواری آسانی ست (٥) .

إِنَّ مَعَ ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرٗا ٦

البته پس از دشواری آسانی ست (٦) .

فَإِذَا فَرَغۡتَ فَٱنصَبۡ ٧

پس وقتیکه ازکاروبارفارغ شوی درعبادت خدا کوشش کن (٧) .

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرۡغَب ٨

وبسوی پروردگارخود تفرغ نما (٨) .

سوره تین مکی است وآن هشت آیت است

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَٱلتِّينِ وَٱلزَّيۡتُونِ ١

قسم بانجیر وزیتون (١) .

---

(١) یعنی شریعت نمیدانستی تو والله اعلم .

وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾
وقسم بطور سینا (۲) .

وَهٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿٣﴾
وقسم باین شهرِ امن (یعنی مکه) (۳) .

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾
هر آئینه آفریدیم آدمی را درنیکوترین صورتی (٤) .

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾
پس گردانیدیم آن رافروتر ازهمه فروماندگان[1] (٥) .

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٦﴾
مگر آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند پس ایشانرا ست اجر بی نهایت (٦) .

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ﴿٧﴾
پس ای آدمی چه چیز حمل میکند ترا بعد این همه پند بردروغ شمردن درباب جزای اعمال[2] (۷) .

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ﴿٨﴾
آیانیست خداحکم کننده ترین حاکمان (۸) .

سوره علق مکی است وآن نوزده آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان .

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾
بخوان به برکت نام پروردگارخود که آفرید (۱) .

خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾
آفریدآدمی را ازخون بسته (۲) .

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾
بخوان و پروردگار تو بزرگوار ترست (۳) .

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾
آنکه علم آموخت بوسیلهٔ قلم (٤) .

عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾
آموخت آدمی را آنچه نمیدانست[3] (٥) .

---

(۱) یعنی وقتیکه کافرشدفطرت سلیمه راضائع ساخت .
(۲) وشاید که معنی آیت چنین باشد پس چه چیز باعث تکذیب تو میشود یا محمد درمقدمه جزای اعمال بعد این همه پند .
(۳) مترجم گوید اقرا باسم ربك تامالم یعلم اول چیز یست که برآنحضرت صلی الله علیه وسلم نازل شد و معنی اقراء تهیی است برای وحی قرآن و تلاوت آن .

كَلَّآ إِنَّ الْإِنسَانَ لَيَطْغَىٰٓ ⑥
حقاهرآئینه آدمی ازحد میگذرد (٦) .

أَن رَّآهُ اسْتَغْنَىٰٓ ⑦
وقتیکه می بیند خودرا توانگرشده (٧) .

إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰٓ ⑧
هرآئینه بسوی پروردگارتست رجوع (٨).

أَرَءَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ ⑨
آیادیدی شخصی که منع میکند (٩) .

عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰٓ ⑩
بنده راچون نماز می گذارد (١٠) .

أَرَءَيْتَ إِن كَانَ عَلَى الْهُدَىٰٓ ⑪
آیادیدی که چه میشد ا گر براه راست بودی (١١) .

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰٓ ⑫
یابه پرهیز گاری فرمودی (١٢) .

أَرَءَيْتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰٓ ⑬
آیادیدی که چه میشد ا گر دروغ شمرد وروگردان گشت (١٣) .

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ⑭
آیا ندانست این روگرداننده که خدا می‌بیند[1] (١٤) .

كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ⑮
نَی نَی، ا گرباز نه ایستد خواهیم کشید اورا به موی پیشانی (١٥) .

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ⑯
بآن موی پیشانی دروغ زن خطاکار (١٦).

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ⑰
پس باید که فریاد کند اهل مجلس خودرا (١٧) .

سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ⑱
مانیز خواهیم طلبید پیاده هارا[2] (١٨) .

كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِب ۩ ⑲
نی نی فرمان اوقبول مکن ونماز گذار و قرب خدا طلب نما (١٩) .

سُورَةُ الْقَدْرِ

سوره قدر مکی است وآن پنج آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان .

---

(١) یعنی بایددانست که عاقبت اهتداوهدایت بهشت ست وعاقبت ضلال حلال دوزخ ست پس این مدعارا بنوعی ازبلاغت اداکرده شده .

(٢) یعنی فرشتگان سخت عقوبت کننده را .

إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ ①

هرآئینه مافرود آوردیم قرآن رادرشب قدر[1] (۱) .

وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ ②

وچه مطلع ساخت ترا که چیست شبِ قدر (۲) .

لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ خَيۡرٞ مِّنۡ أَلۡفِ شَهۡرٖ ③

شب قدر بهترست ازهزار ماه (۳) .

تَنَزَّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ فِيهَا بِإِذۡنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمۡرٖ ④

فرودمی آیند فرشتگان وروح درآن شب بفرمان پروردگار خویش برای سرانجام کردن هرکاری (٤) .

سَلَٰمٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطۡلَعِ ٱلۡفَجۡرِ ⑤

آن شب تاوقت طلوع فجر محض سلامتی ست (۵) .

سوره بینه مدنی است وآن هشت آیت است

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

لَمۡ يَكُنِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ مُنفَكِّينَ حَتَّىٰ تَأۡتِيَهُمُ ٱلۡبَيِّنَةُ ①

نه بودند کافران[2] ازاهل کتاب ومشرکان جدا شونده (یعنی ازآئین خود) تاوقتیکه بیایدبایشان حجّت ظاهر[3] (۱) .

رَسُولٞ مِّنَ ٱللَّهِ يَتۡلُواْ صُحُفٗا مُّطَهَّرَةٗ ②

پیغمبری ازجانب خدا که میخواند صحیفه های پاك یعنی سور قرآن (۲) .

فِيهَا كُتُبٞ قَيِّمَةٞ ③

درآن صحیفه ها احکامیست راست درست (۳) .

وَمَا تَفَرَّقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَةُ ④

ومتفرق نه شدند اهل کتاب[4] مگر بعد ازآنکه آمد بایشان حجت ظاهر (٤) .

---

(۱) یعنی یکد فعه از لوح محفوظ بآسمان دنیا .

(۲) یعنی حال ایشان مقتضی ارسال رسول وانزال کتاب بودازین جهت رسول فرستادیم قرآن فرودآوردیم .

(۳) یعنی ایشانر تکلیف نکردیم بترك ادیان خویش مگر بعد اقامت حجت ظاهر .

(٤) یعنی بعضی مقبول شدند وبعضی مردود .

وَمَآ أُمِرُوٓا۟ إِلَّا لِيَعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ ۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلْقَيِّمَةِ ﴿٥﴾

وفرموده نشدایشان را مگر آنکه عبادت کنند خدای را خالص ساخته برای اوپرستش را متدین بدین ابراهیم شده وبرپادارند نمازرا وبدهند زکوٰة را واین ست احکام دین درست (٥) .

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ وَٱلْمُشْرِكِينَ فِى نَارِ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ شَرُّ ٱلْبَرِيَّةِ ﴿٦﴾

هرآئینه آنانکه کافرشدند از اهل کتاب ومشرکان درآتش دوزخ باشند جاویدان آنجا آنجماعت ایشانند بدترین خلق (٦).

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ خَيْرُ ٱلْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند آنجماعت ایشانند بهترین خلق (٧) .

جَزَآؤُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۖ رَّضِىَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِىَ رَبَّهُۥ ﴿٨﴾

جزای ایشان نزد پروردگارایشان بوستانهای همیشه باقی است می رود زیر آن جویها جاویدان آنجا همیشه، خوشنود شد خداازایشان وخوشنود ند ایشان ازخدا این وعده کسی راست که بترسد ازپروردگار خود (٨) .

سوره زلزال مدنی است وآن هشت آیت است

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

إِذَا زُلْزِلَتِ ٱلْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾

وقتیکه جنبانیده شودزمین بآن جنبش خودش (١) .

وَأَخْرَجَتِ ٱلْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾

وبیرون آوردزمین بار های خودش[1] (٢) .

وَقَالَ ٱلْإِنسَٰنُ مَا لَهَا ﴿٣﴾

وگوید انسان چه حالتست زمین را (٣) .

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾

آنروزبازگو کند زمین قصه های خودرا (٤).

(١) یعنی گنجهارا .

بِاَنَّ رَبَّكَ اَوْحٰى لَهَا ۝٥

بسبب آنکه پروردگارتو حکم فرستاده است بسوی زمین (٥) .

يَوْمَئِذٍ يَّصْدُرُ النَّاسُ اَشْتَاتًا ۙ لِّيُرَوْا اَعْمَالَهُمْ ۝٦

آنروز بازگردند مردمان براحوال مختلف[١] تانموده شود بایشان جزای اعمال ایشان (٦) .

فَمَنْ يَّعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَّرَهٗ ۝٧

پس هرکه کرده باشد هم وزنِ یك ذره عمل نیك ببیند آن را (٧) .

وَمَنْ يَّعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَّرَهٗ ۝٨

وهرکه کرده باشد هم وزنِ یك ذره عمل بد ببیند آن را (٨) .

سوره عادیات مکی است وآن یازده آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالْعٰدِيٰتِ ضَبْحًا ۝١

قسم به اسپان تیزدونده بوجهی که ازدَم پر شوند (١) .

فَالْمُوْرِيٰتِ قَدْحًا ۝٢

پس قسم به اسپان آتش برآرنده به آنکه بنعل خود سنگ رابزنند (٢) .

فَالْمُغِيْرٰتِ صُبْحًا ۝٣

پس قسم به اسپان غارت کننده چون دروقت صبح درآیند (٣) .

فَاَثَرْنَ بِهٖ نَقْعًا ۝٤

پس برانگیزندبه آنوقت غباررا[٢] (٤) .

فَوَسَطْنَ بِهٖ جَمْعًا ۝٥

پس درآیند به آنوقت درمیان جماعتی[٣] (٥) .

اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهٖ لَكَنُوْدٌ ۝٦

هرآئینه آدمی به نسبت پروردگارخود ناشکرست (٦) .

---

(١) یعنی ازجای حساب .

(٢) یعنی بسبب دویدن .

(٣) یعنی ازاعداء مترجم گوید این قَسَم اشارت ست بآنکه جهاد مشروع خواهد شدورضای الهی باسپان غازیان متعلق خواهد شد والله اعلم .

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ⑦

وهرآئینه آدمی برناسپاسی خود مطلع ست (۷) .

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ⑧

وهرآئینه آدمی دردوست داشتن مال مبالغه کننده است (۸) .

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ⑨

آیا پس نمیداند که چون برانگیخته شودهرآنچه درگور هاباشد (۹) .

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ⑩

وظاهر ساخته شود هر آنچه درسینه هاباشد (۱۰) .

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ⑪

هرآئینه پروردگارایشان باحوال ایشان آن روز خبردارست (۱۱) .

سُورَةُ الْقَارِعَةِ

سوره قارعه مکی است وآن یازده آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الْقَارِعَةُ ①

قیامت (۱) .

مَا الْقَارِعَةُ ②

چیست آن قیامت (۲) .

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ③

وچه چیز مطلع ساخت تراکه چیست آن قیامت (قیامت متحقق شود) (۳) .

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ④

روزی که باشند مردمان مانند پروانه های پرا گنده ساخته (٤) .

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنفُوشِ ⑤

وباشند کوه ها مانند پشم رنگین محلوج نموده (۵) .

فَأَمَّا مَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ⑥

پس اماهر که گران شد پلّه های حسناتِ او (٦) .

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ⑦

پس آن شخص درمعِیشتی پسندیده باشد (۷) .

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ⑧

واماهرکه سبك شد پلّه های او (۸) .

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ⑨

پس جای ماندن آنشخص هاویه باشد (۹) .

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهْ ⑩

وچه چیز مطلع ساخت ترا که چیست

نَارٌ حَامِيَةٌ ﴿۱۱﴾

هاویه (۱۰) .
آتشی ست داغ (۱۱) .

سوره تکاثر مکی است وآن هشت آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَلْهٰكُمُ التَّكَاثُرُ ﴿۱﴾ حَتّٰى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿۲﴾ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ﴿۳﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ﴿۴﴾ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُوْنَ عِلْمَ الْيَقِيْنِ ﴿۵﴾ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيْمَ ﴿٦﴾ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِيْنِ ﴿۷﴾ ثُمَّ لَتُسْـَٔلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيْمِ ﴿۸﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان .

غافل کرد شمارا ازیکدیگر بسیار طلبیِ مال (۱) .

تاوقتیکه رسیدید بگورستانها[1] (۲) .

نی نَی، خواهید دانست (۳) .

باز(میگوئیم) نَی نَی، خواهید دانست (٤).

نَی نَی، ا گر بدانید حقیقت کاررابعلم یقین (غافل نمی شدید) (٥) .

البته خواهید دیدوزخ را (٦) .

بازالبته خواهید دید دوزخ را دیدن ظاهر بی شبهه (۷) .

بازالبته سوال کرده خواهید شد آنروز ازنعمت[2] (۸) .

سوره عصر مکی است وآن سه آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

وَالْعَصْرِ ﴿۱﴾ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِيْ خُسْرٍ ﴿۲﴾ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ ۙ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قسم بزمان (۱) .

که هرآئینه آدمی درزیان ست (۲) .

مگر آنانکه ایمان آوردند وعملهای شائسته کردند ویکدیگر را وصیت کردند

---

(۱) یعنی مدفون شدید .

(۲) یعنی درمقابلهٔ آن شکر کردید یا کفران ورزیدید .

وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

به دین درست ویکدیگر را وصیت کردند به شکیبائی (٣) .

سوره همزه مکی است وآن نه آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةِ ﴿١﴾

وای هر عیب کننده غیبت‌گوینده را (١) .

الَّذِيْ جَمَعَ مَالًا وَّعَدَّدَهٗ ﴿٢﴾

آنکه فراهم آوردمال را ونگاهداشت آن را (٢) .

يَحْسَبُ اَنَّ مَالَهٗۤ اَخْلَدَهٗ ﴿٣﴾

می پندارد که مال اوزندگی جاوید دهدش (٣) .

كَلَّا لَيُنْۢبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿٤﴾

نی نی، البته انداخته خواهد شد به حطمه (٤) .

وَمَاۤ اَدْرٰىكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿٥﴾

و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست حطمه (٥) .

نَارُ اللّٰهِ الْمُوْقَدَةُ ﴿٦﴾

آتش افروخته شدهٔ خدا (٦) .

الَّتِيْ تَطَّلِعُ عَلَى الْاَفْـِٕدَةِ ﴿٧﴾

که غالب شود بر دلها (٧) .

اِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّؤْصَدَةٌ ﴿٨﴾

هرآئینه آن آتش برایشان گماشته شده است (٨) .

فِيْ عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ ﴿٩﴾

درستون های درازدرآورده شده است (٩) .

سُوْرَةُ الْفِيْلِ

سوره فیل مکی است وآن پنج آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

اَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِاَصْحٰبِ الْفِيْلِ ﴿١﴾

[(1)] آیانه دیدی چگونه معامله کرد پروردگار تو بااهل فیل (١) .

اَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِيْ تَضْلِيْلٍ ﴿٢﴾

آیا نه ساخت بداندیشی ایشان را در

(١) مترجم گویدابرهه پادشاه یمن عزم هدم کعبه کرد وفیلان بسیار ولشکر بیشمار بهم آورد چون نزدیك کعبه رسید خدای تعالی ابابیل را حکم فرمود تاهلاك کند .

بی فائدگی (۲) .

وَّاَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا اَبَابِيْلَ ﴿۳﴾

وفرستاد برایشان پرندگان فوج فوج می انداختند بسوی ایشان (۳) .

تَرْمِيْهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ سِجِّيْلٍ ﴿۴﴾

سنگ ریزها ازسنگ گِل (٤) .

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّاْكُوْلٍ ﴿۵﴾

پس ساخت ایشانرا مانند باقیمانده آخور بعد ازخوردن دَوابّ (٥) .

سُوْرَةُ قُرَيْشٍ

سوره قریش مکی است وآن چهار آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

لِاِيْلٰفِ قُرَيْشٍ ﴿۱﴾

برای (شُکر) الفت دادن قریش (۱) .

اٖلٰفِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَآءِ وَالصَّيْفِ ﴿۲﴾

(یعنی) الفت دادن ایشان به سفرزمستان وتابستان (۲) .

فَلْيَعْبُدُوْا رَبَّ هٰذَا الْبَيْتِ ﴿۳﴾

پس باید که عبادت کنند پروردگار این خانه را (۳) .

الَّذِيْٓ اَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوْعٍ وَّاٰمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ ﴿۴﴾

آنکه طعام دادایشانرا ازبهر آنکه گرسنه بودند وامن دادایشان راازبهرآنکه ترسان بودند (٤) .

سُوْرَةُ الْمَاعُوْنِ

سوره ماعون مکی است وآن هفت آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

اَرَءَيْتَ الَّذِيْ يُكَذِّبُ بِالدِّيْنِ ﴿۱﴾

آیا دیدی آن شخص را که دروغ می شمردجزای اعمال را (۱) .

فَذٰلِكَ الَّذِيْ يَدُعُّ الْيَتِيْمَ ﴿۲﴾

پس آن شخص مردیست که باهانت میراند یتیم را (۲) .

وَلَا يَحُضُّ عَلٰى طَعَامِ الْمِسْكِيْنِ ﴿۳﴾

ورغبت نمیدهد برطعام دادن فقیر (۳) .

فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّيْنَ ﴿۴﴾

پس وای آن نمازگذاران را (٤) .

الَّذِيْنَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُوْنَ ﴿۵﴾

که ایشان ازنماز خود غفلت می ورزند (٥) .

الَّذِيْنَ هُمْ يُرَآءُوْنَ ﴿۶﴾

آنانکه ایشان ریامی کنند (٦) .

وَيَمْنَعُوْنَ الْمَاعُوْنَ ۝٧

وعاريت نميد هند ماعون را[1] (٧) .

سوره كوثر مكى است وآن سه آيت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

إِنَّآ أَعْطَيْنٰكَ الْكَوْثَرَ ۝١

(يا محمد) هرآئينه ماعطا كرديم تراكوثر[2] (١) .

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۝٢

پس نماز گذار براى پروردگار خودو (شتر را) نحر كن (٢) .

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ۝٣

هرآئينه دشمن توهمانست دُم بريده (٣) .

سوره كافرون مكى است وآن شش آيت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

قُلْ يٰٓأَيُّهَا الْكٰفِرُوْنَ ۝١

بگو اى كافران (١) .

لَآ أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُوْنَ ۝٢

پرستش نمى كنم آنچه شمامى پرستيد (٢) .

وَلَآ أَنْتُمْ عٰبِدُوْنَ مَآ أَعْبُدُ ۝٣

ونه شما پرستنده ايد آنچه من مى پرستم (٣) .

وَلَآ أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُّمْ ۝٤

ونه من پرستنده ام آنچه شما پرستيديد (٤) .

وَلَآ أَنْتُمْ عٰبِدُوْنَ مَآ أَعْبُدُ ۝٥

ونه شما پرستنده ايد آنچه من مى پرستم (٥) .

لَكُمْ دِيْنُكُمْ وَلِيَ دِيْنِ ۝٦

شمارادين شماست ومرادين من است (٦) .

---

(١) يعنى سوزن وديگ وپياله ودلومانند آن مترجم گويد نصف اين سوره تصوير حال كافرست و نصف تصوير حال منافق والله اعلم .

(٢) كوثر نام حوضى ست كه درآخرت خواهد بود امت آنحضرت صلى الله عليه وسلم ازآن خواهند آشاميد .

سُورَةُ النَّصْرِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

إِذَا جَآءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ ﴿۱﴾

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِيْنِ اللّٰهِ أَفْوَاجًا ﴿۲﴾

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿۳﴾

سوره نصر مدنی است وآن سه آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وقتیکه بیاید نصرت خداو (بظهور) آید فتح (۱) .

وببینی مردمان را داخل میشوند دردین خدا فوج فوج (۲) .

پس بپاکی یادکن همراه ستائش پروردگار خودرا وآمرزش طلب کن ازوی هرآئینه خداهست (برحمت) رجوع کننده[۱] (۳) .

سُورَةُ الْمَسَدِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

تَبَّتْ يَدَآ أَبِي لَهَبٍ وَّتَبَّ ﴿۱﴾

مَآ أَغْنٰى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ﴿۲﴾

سَيَصْلٰى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿۳﴾

وَّامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿۴﴾

فِي جِيْدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ ﴿۵﴾

سوره لهب مکی است وآن پنج آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

هلاك باددودست[۲]ابی لهب و هلاك بادابولهب[۳] (۱) .

هیچ دفع نه کرداز سرابو لهب مال اوو آنچه پیدا کرده بود (۲) .

درخواهد آمد بآتش صاحب شعله (۳) .

وزَنِ اونیز درآید (مراد) بردارنده هیزم را[٤] (٤) .

درگردن اوریسمانی است ازلیفِ خرما[٥] (٥) .

---

(۱) یعنی این همه علامت قرب اجل تست یا محمد پس در استعداد آخرت مقید شو .

(۲) آنحضرت اقارب خودرا ازآتش دوزخ تخویف فرمودابی لهب سنگ بطرف آنحضرت انداخت که آیا برای این کارمارا جمع کرده بودی این سوره نازل شد .

(۳) دودست کنایه ازذات اوست .

(٤) یعنی سخن چینی کننده .

(٥) یعنی بخفه کردن تعذیب کرده شود .

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ ①
اَللهُ الصَّمَدُ ②
لَمْ يَلِدْ ۙ وَلَمْ يُوْلَدْ ③
وَلَمْ يَكُنْ لَّهٗ كُفُوًا اَحَدٌ ④

سوره اخلاص مکی است وآن چهار آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

بگو خدا یگانه است (۱) .

خدابی نیازست (۲) .

نه زاد ونه زاده شده (۳) .

ونیست هیچکس اوراهمانند (٤) .

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ①
مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ②
وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ ③
وَمِنْ شَرِّ النَّفّٰثٰتِ فِى الْعُقَدِ ④
وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ ⑤

سوره فلق مدنی است وآن پنج آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

بگوپناه می برم به پروردگار صبح (۱) .

ازشر هرچه آفریده ست (۲) .

وازشر شب تاریك چون تاریکیِ اومنتشر شود (۳) .

وازشرزنان سحر کننده در گرهها دم زننده (٤) .

و ازشر حاسد چون حسد کند (٥) .

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ ①
مَلِكِ النَّاسِ ②
اِلٰهِ النَّاسِ ③
مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ ۙ الْخَنَّاسِ ④
الَّذِىْ يُوَسْوِسُ فِىْ صُدُوْرِ النَّاسِ ⑤
مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ⑥

سوره ناس مدنی است وآن شش آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

بگوپناه می برم به پروردگار مردمان (۱) .

پادشاهِ مردمان (۲) .

معبودِ مردمان (۳) .

ازشر وسوسه اندازنده چون ذکر گفته شد بازپس رونده (٤) .

آنکه وسوسه می افگند در سینه های مردمان (٥) .

ازجنسِ جن باشد یاازجنسِ مردمان (٦) .

فهرست سوره های قرآن کریم

فهرست سوره های قرآن کریم

فهرست سوره های قرآن کریم

فهرست سوره های قرآن کریم

فهرست سوره های قرآن کریم

إنّ وزارة الشؤون الإسلاميّة والأوقاف والدّعوة والإرشاد

في المملكة العربيّة السّعوديّة

المشرفة على مجمّع الملك فهد

لطباعة المصحف الشّريف في المدينة المنوّرة

إذ يسرّها أن يصدر المجمّع هذه الطّبعة من القرآن الكريم

وترجمة معانيه إلى اللّغة الفارسيّة

تسأل الله أن ينفع به عموم المسلمين

وأن يجزي

خادم الحرمين الشّريفين الملك فهد بن عبد العزيز آل سعود

أحسن الجزاء على جهوده العظيمة في نشر كتاب الله الكريم

والله وليّ التّوفيق

وزارت شئون إسلامی و أوقاف و تبلیغ وارشادِ
کشورِ عربستان سعودی
و مسئول و ناظر برمجمع ملك فهد برای چاپ قرآن کریم درمدینه منوره
باکمال مسرّت این چاپ قرآن کریم
و ترجمة معانی آنرا بزبان فارسی از مجمع منتشرمی کند

وازدر گاه خداوند مسئلت داردکه آنرا باعث منفعت عموم مسلمانان قرار داده
وبه خادم حرمین شریفین ملك فهد بن عبدالعزیز آل سعود
مقابل مساعی فراوان ایشان درنشر کتاب خداوندکریم بهترین جزای خیر عطا
فرماید . والله ولي التوفيق.
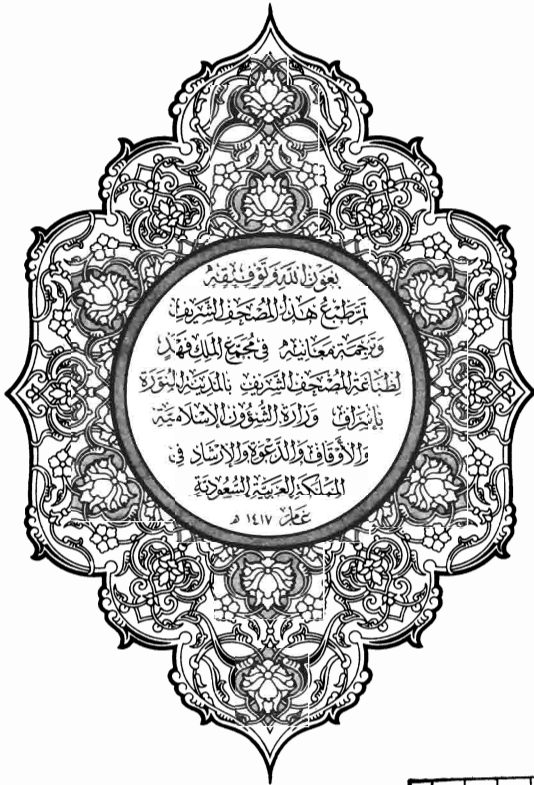
ص.ب ٦٢٦٢ - المدينة المنورة

ص. ب 6262 مدینه منوره

ⓒ **مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف ، ١٤١٧هـ**

فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

القرآن الكريم وترجمة معانيه إلى اللغة الفارسية / ترجمة مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف - المدينة المنورة .

٩٢٨ ص ، ١٤×٢١ سم

ردمك ٢-١٩-٧٧٠-٩٩٦٠

١- القرآن - ترجمة - اللغة الفارسية ٢- القرآن - تفسير

أ- مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف (مترجم)

ديوي ٤٩١٥٥، ٢٢١ ١٧/١٠٥١

رقم الإيداع : ١٧/١٠٥١

ردمك : ٢-١٩-٧٧٠-٩٩٦٠

قرآن كريم
وترجمه معانى آن
بزبان فارسى